زیارات چهارده معصوم علیهم السلام

تحفة الزائر

تألیف:

علامه محمد باقر مجلسی رحمه الله

۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ ﻫ

بسم الله الرحمن الرحیم

تُحفَهُ الزّائِر

تالیف :

علامه محمد باقر مجلسی

سرشناسه : مجلسی ، محمد باقر بن محمد تقی ، ۱۰۳۷ – ۱۱۱۱ ق.
عنوان و نام پدیدآور : تحفه الزائر / تالیف محمد باقر مجلسی ؛ تصحیح و تحقیق
موسسه امام هادی (ع)
مشخصات نشر : قم : پیام امام هادی (ع) ، ۱۳۸۶ .
مشخصات ظاهری : ۱۴۴ ، ۷۵۶ ص
۲۲۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : چهارده معصوم علیهم السلام
موضوع : حسین بن علی (ع) – امام سوم ، ۴-۶۱ ق. – زیارتنامه ها
موضوع : زیارت – آداب و رسوم
شناسه افزوده : موسسه امام هادی (ع)

اسم کتاب ــــــــــــــــ تحفه الزائر
تالیف ــــــــــــــــ علامه محمد باقر مجلسی
تصحیح و تحقیق ــــــــــــــــ موسسه امام هادی (ع)
ناشر ــــــــــــــــ پیام امام هادی (ع)
چاپ ــــــــــــــــ اعتماد – قم
نوبت چاپ ــــــــــــــــ دوم ، ۱۳۹۱ هـ ش
تیراژ ــــــــــــــــ ۸۰۰
قیمت ــــــــــــــــ ۲۲۰۰۰۰ ریال

شابک : ۹۶۴-۸۸۳۷-۰۵-۸
ISBN : 964 – 8837 – 05 – 8
EAn : 9789648837056

مرکز پخش : قم ، خیابان توحید ، کوچه ۵ ، پلاک ۳۹ ، موسسه الامام الهادی (ع)
تلفن : ۸۸۲۵۲۵۵ * فاکس : ۰۲۵۱-۸۸۳۳۶۷۷ * ص . پ : ۵۱۴ – ۳۷۱۸۵

سایت : ***www.imamhadi.ir – www.mah10.net/.org/.com***
پست الکترونیک : ***info@imamhadi.ir – nashr1372@Gmail.com***

سخن مؤسسه

کتاب شریف تحفة الزائر تألیف علامهٔ مجلسی‌ﷺ که در موضوع زیارت نوشته شده، از اعتبار و اهمیت و وزانت علمی خاصی برخوردار بوده و همواره مورد توجه علما و محققین و مورد استفاده عموم مردم بوده است.

با توجه به ارزش و اهمیت این کتاب از یک سو، و در دست نبودن آن و نیاز دانشمندان و عموم مردم از سوی دیگر، مؤسسه پیام امام هادی‌ﷺ بر آن شد تا با انتشار آن خدمت دیگری به مجامع علمی و دوستداران آثار علمای اسلام کرده باشد.

این کتاب همراه با مقدمه‌ای در زندگی علامه مجلسی و نکاتی خواندنی از رفتار حکیمانهٔ این دانشمند بزرگ در حفظ و نشر آثار شیعه و ترویج معارف اهل بیت‌ﷺ، و چند فهرست فنّی جهت استفاده پژوهشگران به چاپ رسید.

در نظر است که چاپ دیگر آن با مقدمه‌ای کوتاه و بدون فهارس فنّی با حجمی کمتر در اختیار عموم قرار گیرد.

خدا را بر این نعمت شاکریم که ما را بر تصحیح و نشر این کتاب موفق ساخت.

مؤسسه پیام امام هادی‌ﷺ

[illegible]

صفحه اول از نسخه شماره ۱۹۶۹

کتابخانه ملی ملک - تهران - به خط مؤلف رحمه الله

صفحه آخر از نسخه شماره ۱۹۶۹
کتابخانه ملی ملک - تهران - به خط مؤلف رحمه الله

و شیخ مفید علیه الرحمه ذکر کرده است که مستحب است که بعد از زیارت حضرت امام رضا علیه السلام این دعا بخوانند اللهم إني أسألك

يا الله الدائم في ملكه القائم في عزه المطاع في سلطانه المتفرد في كبريائه المتوحد في ديمومة بقائه العادل في بريته العالم في قضيته

الكريم في تأخير عقوبته إلهي حاجاتي مصروفة إليك وآمالي موقوفة لديك وكلما وفقتني من خير فأنت دليلي عليه وطريقي إليه

يا قديرا لا تؤوده المطالب يا مليا يلجأ إليه كل راغب ما زلت مصحوبا منك بالنعم جاريا على عادات الإحسان والكرم أسألك بالقدرة

النافذة في جميع الأشياء وقضائك المبرم الذي تحجبه بأيسر الدعاء وبالنظرة التي نظرت بها إلى الجبال فتشامخت وإلى الأرضين

فتسطحت وإلى السماوات فارتفعت وإلى البحار فتفجرت يا من جل عن أدوات لحظات البشر ولطف عن دقائق خطرات الفكر لا تحمد

يا سيدي إلا بتوفيق منك يقتضي حمدا ولا تشكر على أصغر منة إلا استوجبت بها شكرا فمتى تحصى نعماؤك يا إلهي وتجازى آلاؤك

يا مولاي وتكافى صنائعك يا سيدي ومن نعمك يحمد الحامدون ومن شكرك يشكر الشاكرون وأنت المعتمد للذنوب في عفوك

والناشر على الخاطئين جناح سترك وأنت الكاشف للضر بيدك فكم من سيئة أخفاها حلمك حتى دخلت وحسنة ضاعفها فضلك

حتى عظمت عليها مجازاتك جللت أن يخاف منك إلا العدل وأن يرجى منك إلا الإحسان والفضل فامنن علي بما أوجبه فضلك

ولا تخذلني بما يحكم به عدلك سيدي لو علمت الأرض بذنوبي لساخت بي أو الجبال لهدتني أو السماوات لاختطفتني أو البحار

لأغرقتني سيدي سيدي سيدي مولاي مولاي مولاي قد تكرر وقوفي لضيافتك فلا تحرمني ما وعدت المتعرضين

لمسألتك يا معروف العارفين يا معبود العابدين يا مشكور الشاكرين يا جليس الذاكرين يا محمود من حمده يا موجود من طلبه يا موصوف

من وحده يا محبوب من أحبه يا غوث من أراده يا مقصود من أناب إليه يا من لا يعلم الغيب إلا هو يا من لا يصرف السوء إلا هو يا من

لا يدبر الأمر إلا هو يا من لا يغفر الذنب إلا هو يا من لا يخلق الخلق إلا هو يا من لا ينزل الغيث إلا هو صل على محمد وآل محمد واغفر

لي يا خير الغافرين رب إني أستغفرك استغفار حياء وأستغفرك استغفار رجاء وأستغفرك استغفار إنابة وأستغفرك استغفار

إنابة وأستغفرك استغفار رغبة وأستغفرك استغفار رهبة وأستغفرك استغفار طاعة وأستغفرك استغفار إيمان

وأستغفرك استغفار إقرار وأستغفرك استغفار إخلاص وأستغفرك استغفار تقوى وأستغفرك استغفار توكل و

أستغفرك استغفار ذلة وأستغفرك استغفار عامل لك هارب منك إليك فصل على محمد وآل محمد وتب علي وعلى

صفحه ۱۱۰ از نسخه شماره ۱۹۶۹

کتابخانه ملی ملک - تهران - به خط مؤلف رحمه الله

بسم الله الرحمن الرحیم

بازدید شد
۱۳۷۱ ش

ورق اول و آخر از نسخه شماره ۱۷۱۹۶

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

تاریخ تحریر: رمضان ۱۱۰۴

زمان حیات مؤلف - مصحح و مقابله شده

صفحه اول و آخر از نسخه شماره ۲۴/۵۱ کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی

تاریخ تحریر: ۴-۱۱۰۳ ق . زمان حیات مؤلف رحمه الله - مصحح

ورق اول و آخر از نسخه شماره ۲۲۰۹۲ کتابخانه مسجد اعظم قم

تاریخ تحریر: شوال ۱۱۳۲ - مصحح و مقابله شده

مقدمهٔ تحفة الزائر

بسم الله الرحمن الرحيم
وبه نستعين، إنّه خير ناصر ومعين، الحمد لله ربّ العالمين،
وصلّى الله على محمّد وآله الطاهرين، سيّما مولانا الحجة بن الحسن،
بقيّة الله في الأرضين عجل الله تعالى فرجه الشريف

نزدیک اذان صبح بعد از نماز شب، مجلسی اول ـ محمد تقی ـ به حالتی روحانی و معنوی واصل شده بود که یقین داشت اکنون هر دعایی بکند خداوند اجابت می‌نماید، با خود می‌اندیشید که چه دعایی بکند و چه امری بخواهد؟ امر دنیا یا آخرت؟ و...

ناگاه صدای گریه فرزندش محمد باقر از گهواره بلند شد، او چنین دعا کرد:

الهی بحق محمد و آل محمدﷺ این طفل را از مروّجین دین و ناشرین احکام حضرت سیّد المرسلین قرار بده، و او را به توفیقات بی نهایت خود موفق بدار.[1]

دعای پدر مستجاب شد واین کودک به آنچنان مقامات عالی علمی و معنوی نائل شد که نه تنها او را مجدّد قرن و احیاء کننده آثار شیعه و مروّج علوم و معارف اهل البیتﷺ دانستند بلکه بعضی شیعه را همراه با علامه محمد باقر مجلسی معرفی کردند.[2]

او در طول عمر با برکتش علاوه بر تقویت شیعه در جهان اسلام و تأثیر مثبت در حکومت وقت و تقویت حوزه‌های علمیه و پرورش شاگردان بسیار، کتابهای بزرگ و آثار علمی فراوان بجای گذاشت که مشهورترین آنها دو کتاب

---

۱. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۷۸، فوائد رضویه ص ۴۱۱، زندگی نامه علامه مجلسی ج ۱ ص ۸۰.
۲. نگاه کن: ص ۱۷.

بزرگ و گرانسنگ (بحارالانوار) و (مرآة العقول) است، و کتابهای وزین و مفید دیگری در رشته‌های مختلف در یک جلد یا بیشتر به زبانهای عربی و فارسی به رشته تحریر درآورد که از جمله آنها کتاب ارزشمند و بی‌مانند (تحفة الزائر) می‌باشد که در دست شما است.

اکنون بطور اجمال به زندگی این عالم برجسته و آثار او و انگیزهٔ تحقیق و چاپ این کتاب شریف اشاره می‌شود.

زندگی علّامه مجلسی ﷺ

تولد:

بیشتر مورخان و صاحبان تراجم زمان تولد علامه محمد باقر مجلسی را سال ۱۰۳۷ هجری قمری گفته‌اند بدون ذکر روز و ماه تولد.[۱]

میر محمد صالح خاتون آبادی ﷺ داماد و شاگرد علامه مجلسی ﷺ[۲] در حدائق المقربین گفته است که وی در ماه مبارک رمضان به دنیا آمده است.[۳]

علامه مجلسی ﷺ در حاشیه جلد اول بحارالانوار گفته است:

از غریب اتفاق آنکه یکی از علمای اخیار جمله «جامع کتاب بحارالانوار» را مادّهٔ تاریخ ولادت من یافته است[۴]. (که مطابق است با ۱۰۳۷)

از شیرخوارگی تا دوران کمال:

دوره رضاع و شیرخوارگی علامه مجلسی در دامان مادری عفیفه و عابده و

---

۱. وقایع السنین والاعوام، صدهٔ یازدهم ص۵۰۸.

۲. نگاه کن: الذریعه ج۶ ص۲۸۹.

۳. زندگی‌نامهٔ علامه مجلسی، ج۱ ص۸۴.

۴. لؤلؤة البحرین ص۵۹. و نگاه کن: فوائد رضویه ص۴۱۵.

مؤلف ریحانة الادب می‌گوید: گویا خلقت او برای این خدمت بوده است (ریحانة الادب ج۵ ص۱۹۶).

زاهده تحت سرپرستی پدری بزرگوار و متقی گذشت. مؤلّف قصص العلماء در این باره می‌نویسد: محمد تقی مجلسی مقرر داشته بود که والده محمد باقر با جنابت او را شیر نداده باشد. البته از چنان پدری عابد و زاهد و متقی اینگونه دستور در تربیت فرزندش بعید به نظر نمی‌رسد.[1]

از دوران کودکی در خانهٔ علم و فضیلت تحصیل و رشد نمود و در نوجوانی از

---

۱. نگاه کن: زندگی‌نامهٔ علامه مجلسی ج ۱ ص ۷۹ ـ ۸۰، قصص العلماء ص ۲۰۹.

داستانی جالب از اوائل تولد علامه مجلسی

یکی از علمای خراسان که از دوستان مولی محمد تقی مجلسی بود خوابی دید، که پس از ورود به اصفهان در خانهٔ مجلسی اول متوجه تعبیر خوابش شد، عالم خراسانی در منزل مولی محمد تقی مجلسی وارد گردید، پس از تعارفات مولی محمد تقی شیشه گلاب آورده و استعمال کرد، سپس به اندرون رفته قنداقه مولی محمد باقر را آورد و به دست عالم خراسانی داد و فرمود: این مولود امروز متولد گردیده و استدعا کرد که در حق او دعا کند که خداوند او را از مروّجین دین مبین گرداند. آن عالم خراسانی با توجه به خوابی که پیشتر دیده بود در حق آن کودک دعا نمود. سپس خواب خود را جهت مولی محمد تقی نقل کرد.

خواب عالم خراسانی

عالم بزرگوار خراسانی از عتبات عالیات مراجعت می‌نمود، در بین راه خواب دید که وارد خانه‌ای شد که پیغمبر اکرم و ائمه اثنی عشر همگی به ترتیب نشسته بودند و حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر مجلس نشسته بودند که آخوند خراسانی وارد شد و او را زیر دست حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جای دادند. در این وقت دید که مولی محمد تقی مجلسی با شیشه گلاب وارد شد و پیغمبر اکرم و ائمه اطهار از آن گلاب مصرف کردند و به آخوند خراسانی نیز گلاب داده شد. سپس آخوند ملا محمد تقی قنداقه‌ای به خدمت حضرت رسول آورد و عرض کرد که برای این طفل دعا بفرماید تا خداوند عالم او را مروّج دین گرداند. حضرت ختمی مرتبت قنداقه را به دست مبارک گرفت و دعا فرمودند. سپس قنداقه را به امیر المؤمنین دادند و فرمودند که در حق او دعا کن. به همین کیفیت هر امامی به امام پس از خود داد و دستور دعا کردن فرمود، تا نوبت به حضرت صاحب الامر رسید، آن حضرت پس از دعا قنداقه را به آخوند خراسانی داد و امر به دعا کردن فرمودند. وی نیز بنا به فرمایش مبارک، قنداقه را گرفت و دعا کرد. سپس از خواب بیدار شد به اصفهان آمد. (زندگی نامه علامه مجلسی ج ۱ ص ۸۱).

عبدالله بن جابر عاملی اجازه روایت گرفت.[۱]

در جوانی به درجهٔ اجتهاد رسید و در حوزه علمیه اصفهان صدها شاگرد داشت، و از جلسهٔ درسش مجتهدین و محققین و نویسندگان بسیار بهره بردند، خدمات زیادی به فرهنگ اسلامی و شیعهٔ امامیه نمود، کتابهای او در چند قرن اخیر مورد استفاده علماء و عموم مردم بوده است. او در سطوح مختلف کتاب نوشت، و با تألیف و ترجمه بعضی از کتب به زبان فارسی، به آگاهی دینی مردم فارسی زبان خدمت بی‌نظیری نمود. در حوزهٔ علمیه اصفهان و سایر مراکز علمی مورد توجه همهٔ علما و مجتهدین زمان خود بود، و بواسطهٔ تألیفات و تحقیقات بی نظیرش شهرهٔ جهان اسلام عموماً و شیعهٔ امامیه خصوصاً گردید، در کمال عزّت و احترام با جدّیت و تلاش می‌زیست، در سال ۱۰۹۸ شاه سلیمان، شاه ایران از ایشان التماس و درخواست نمود تا منصب شیخ الاسلامی را بپذیرد[۲]، ایشان برای ترویج مذهب و تقویت فرهنگ اسلام و بپا داشتن حق و امر به معروف و نهی از منکر و کمک به مظلومین این منصب را پذیرفت، و تا آخر عمر مبارکش با کمال تلاش و کوشش و خلوص، در خدمت به خدا و مردم بود.

محدث قمی؛ بعد از نقل دعای پدرِ علامه در حق فرزندش[۳] از مؤلف مرآة الاحوال چنین نقل می‌کند:

> خوارق عاداتی که از علامه مجلسی؛ ظاهر شده شکی نیست که از آثار این دعا است، چه آنکه او شیخ الاسلام بود از قِبَل سلاطین در بلدی مثل اصفهان، و جمیع مرافعات و دعاوی مردم را به نفس نفیس خود رسیدگی می‌کرد، و فوت نمی‌شد از او نماز بر اموات و جماعات... و از برای آن جناب شوق

---

۱. نگاه کن: ص۷۵ پاورقی ۶

۲. وقایع السنین والاعوام، صدهٔ یازدهم هجرت ص ۵۴۰

۳. رجوع کن به ص۱۳.

شدیدی بود به تدریس، و از مجلسش جماعت بسیاری از علماء بیرون آمدند، و در ریاض است که عدد ایشان به هزار می‌رسید، و زیارت کرد بیت الله الحرام و ائمه عراق‌ﷺ را مکرّراً، و توجّه می‌کرد امور معاش خود را، و حوائج دنیای او در نهایت انضباط بود، و با این حال رسید تحریرات او به آنچه رسید، و در ترویج دین به مرتبه‌ای رسید که عبد العزیز دهلوی در تحفه خود گفته: که اگر بنامند دین شیعه را به دین مجلسی هرآینه در محل خواهد بود، زیرا که رونق آن از او شده».[1]

نسب:

پدر:

پدرش عالم بزرگ مولی محمد تقی معروف به مجلسی اول است[2] که مردی عالم، فاضل، محقق متبحر، زاهد عابد ثقه، متکلم و فقیه بود؛ کتب ارزشمندی نگاشته، از جمله روضة المتقین، لوامع صاحبقرانی، حدیقة المتقین، و چندین کتاب دیگر.[3]

---

۱. فوائد رضویه ص ۴۱۲، مرآة الاحوال ج ۱ ص ۷۹ ـ ۸۰

۲. الکنی والالقاب ج ۳ ص ۱۵۰.

۳. محقق افندیﷺ می‌گوید:

کان فاضلاً عالماً محقّقاً متبحّراً زاهداً عابداً ثقة متکلّماً فقیهاً، له کتب منها: شرح الصحیفة، وحدیقة المتقین (فارسیة) وشرح من لا یحضره الفقیه (روضة المتقین ۱۴ جزءاً) وله شرح الفقیه (لوامع صاحبقرانی ۸ أجزاء) فارسیة، ورسالة في الرضاع، ورسالة مختصرة بالفارسیّة في حقوق الوالدین...، وشرح علی حدیث همام في أوصاف المؤمن بالفارسیة. (ریاض العلماء ج ۵ ص ۴۷).

محدث قمي می‌گوید: محمّد تقي المجلسي کان وحید عصره وفرید دهره، أورع أهل زمانه وأزهدهم وأعبدهم. (الکنی والالقاب ج ۳ ص ۱۵۰).

و عالم بزرگوار سید محسن امینﷺ می‌گوید: المولی محمد تقی الاصفهانی المجلسي الاول ولد سنة ۱۰۰۳ وتوفي سنة ۱۰۷۰ في اصفهان ودفن في الباب القبلي من الأبواب التسعة لجامعها الأعظم ودفن معه ولده العلامة المجلسي وغیره من العلماء.

ینتهي نسبه من جهة الأب إلی الحافظ ابی نعیم احمد الاصفهاني صاحب کتاب (حلیة الأولیاء) وغیره، ←

او شاگرد شیخ بهائی و مولی عبدالله شوشتری و بزرگان دیگری است.[۱]
محدث قمی از صاحب حدائق المقربین ﷺ نقل می‌کند:

«مولی محمد تقی... در علم فقه و تفسیر و حدیث و رجال فایق اهل دهر خویش بود و در زهد و تقوی و عبادت و ورع و ترک دنیا تالی تلو استادش ملا عبدالله بود. و پیوسته در ایام حیات خود مشغول به ریاضات و مجاهدات و تهذیب اخلاق و عبادات[۲] و ترویج احادیث و سعی در حوائج

→ والمعروف انّه من العامة لكن له كتب في المناقب، وفيما نزل من القرآن في أمير المؤمنين ﷺ؛ ولكن حكى صاحب رياض العلماء عن شيخه العلّامة المجلسي انّه سمع منه أنّ الظاهر كونه من علماء أصحابنا، واتقاؤه من العامة كما هو الغالب من أحوال ذلك الزمان.

ومن جهة الأم الى المولى درويش بن الحسن النطنزي، الذي يوجد اسمه أيضاً في طرق اجازاته... وفي الروضات: قيل انه اول من نشر حديث الشيعة بعد ظهور دولة الصفوية؛ يروي عن المحقق الثاني والشيخ البهائي... (اعيان الشيعة ج ۹ ص ۱۹۲).

و در روضات الجنات ج ۲ ص ۱۱۸ به نقل از مؤلف حدائق المقربین در توصیف مجلسی اول چنین آمده:

كان هو مؤيّداً من عند الله ومسدّداً، وأكثر العلماء الأعلام من تلامذته، مثل الآقا حسين الخونساري، واستادنا المولى محمّد باقر؛ بل سائر الفضلاء الأعيان الذين كانوا قبل هذه الطبقة كانوا من تلامذته، وأخذوا عنه الفقه والحديث والتفسير، وأجيزوا عنه في الرواية، وآثاره كثيرة جدّاً، ولو لم يكن له أثر غير ولده المبرور لكان يكفيه، فضلاً عن سائر فضلاء عصره الذين صاروا ببركته علماء الدين. و نگاه کن: الكنى والالقاب ج ۳ ص ۱۵۰ ـ ۱۵۱.

و محدث قمی می‌گوید: قال ابنه في البحار في حقّه: ذريعتي الى الدرجات العلىٰ ووسيلتي إلى مسالك الهدى بعد أئمّة الورى. (فوائد رضويّة ص ۴۴۱).

۱. در روضات الجنات ج ۲ ص ۱۱۷ به نقل از (حدائق المقربین) آمده است: إنّه كان تلميذاً للمولى عبدالله الشوشتري والشيخ بهاء الدين العاملي... و نگاه کن: الکنی والألقاب ج ۳ ص ۱۵۰ ـ ۱۵۱، فوائد رضويّة ص ۴۳۹ ـ ۴۴۰.

۲. عبادت و زهد و مراقبت وی بسیار بود به گونه‌ای که بعضی می‌خواستند نسبت تصوّف به او دهند، در جواب این افراد «علّامه مجلسی که از نزدیک با پدر خود محشور بود و از عقاید و رفتارش بهتر از هر کسی آگهی داشت و ضمناً کتب اهل تصوف و عقاید و آرای منتسب به آنان را مطالعه نموده بود، در تألیفات خود نوشت:

←

مؤمنین و هدایت خلق بوده، و به یمن همتش احادیث اهل بیت علیهم السلام انتشار یافت و به نور هدایتش جمع بسیاری هدایت یافتند».[1]

مولی محمد تقی در سال ۱۰۰۳ هـ ق به دنیا آمده و در سال ۱۰۷۰ هـ ق به رحمت ایزدی پیوست. و در تاریخ وفاتش گفته شده: افسر شرع اوفتاد و بی‌سر و پا گشت فضل.[2]

→ اگر تصوّف آن است که در این کتابها نوشته شده و عقایدی است که بدانها نسبت می‌دهند، پدرم مبرّا از آنهاست، و اگر صوفی گری و عرفان رفتار سلاطین صفویه و برخی از علمای منسوب به صوفیه است، که باید آن را تقویت نمود... علامه مجلسی به صراحت می‌نویسد:

بسیاری از علما، این طریقهٔ مرضیهٔ صوفیهٔ حق را داشتند و اطوار و اخلاق ایشان مباین جماعت بود (یعنی صوفیه‌ای که مورد طعن علامه مجلسی و دیگر علمای امامیه رضوان الله علیهم اجمعین هستند)، مانند شیخ بهاء الدین محمد رضوان الله علیه که کتبشان مشحون است به تحقیقات صوفیه، و والد مرحوم حقیر از او تعلیم ذکر نموده بود و هر سال یک اربعین به عمل می‌آورد و جمع کثیری از تابعان شریعت مقدسه موافق قانون شریعت ریاضت می‌داشتند و فقیر نیز مکرر اربعینات به سر آورده‌ام» زندگی نامه علامه مجلسی ج ۱ ص ۱۰۸.

سپس نویسنده زندگی نامه می‌گوید:

«با نقل عبارت بالا به طور وضوح معین گردید که اگر مقصود از تصوف، زهد و وارستگی و تهذیب و تزکیه نفس و توجه به مبدأ لایزال و انقطاع از ماسوی الله و تعبد و خلوص در عبادت و تحصیل صفات کمال و اجتناب از رذائل اخلاقی طبق دستورات دین و عدم علاقه به دنیا و مافیها باشد، که امری است مستحسن و پسندیده و باید تمام مسلمین و مؤمنین چنین باشند و از صدر اسلام تاکنون مسلمان‌های واقعی این چنین بوده و می‌باشند؛ و اما اگر مقصود از صوفی گری داشتن عقاید فاسد از حلول و تناسخ و وحدت وجود باشد و یا مرید و مراد بازی و تشکیل مجالس سماع و رقص و پایکوبی و ارتکاب معاصی و ترک نماز و سایر واجبات و اباحه منکرات و ریاضات غیر شرعی و یا ترک معاشرت با مردم و انزوا و لاقیدی و لاابالی‌گری و خالی کردن شانه از زیر بار مسؤولیت اجتماعی و این گونه امور باشد، که مطابق منطق و عقل و دین مردود بوده و در بدی و زشتی آن جای هیچگونه تردیدی نیست و این همان تصوف و صوفی گری است که حضرت رضا علیه السلام فرمودند: من ذکر عنده الصوفیة ولم ینکرهم بلسانه وقلبه فلیس منا، ومن انکرهم فکانّما جاهد الکفار بین یدي رسول الله صلی الله علیه و آله [سفینة البحار ج ۲ ص ۵۷]. صوفیه جهت مشایخ و اقطاب خود مقامات و خوارق عاداتی نقل می‌کنند که عقل سالم از قبول آنها استنکاف دارد».

۱. فوائد رضویه ص ۴۴۰.

۲. روضات الجنات ج ۲ ص ۱۱۸، فوائد رضویّه ص ۴۴۱.

از نوشته میر محمدحسین فرزند صدرالدین محمد حسینی عاشوری چنین استفاده می‌شود که: مادر بزرگوار علامه مجلسی‌ﷺ دختر سید صدر الدین محمد حسینی عاشوری قمی است.[۱]

اجداد پدری و مادری

مجلسی اول فرزند مؤلی علی بود که به او مولی مقصود علی و مقصود بیک نیز گفته می‌شد.[۲] مولی علی اشعاری زیبا و بدیع می‌سرود و متخلّص به مجلسی بود.[۳]

نسب پدری علامه مجلسی‌ﷺ به حافظ ابو نعیم اصفهانی[۴] احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران، مولی عبدالله بن معاویة بن عبدالله بن جعفر طیّار می‌پیوندد، و این موضوع را مولی محمد تقی مجلسی‌ﷺ در برخی از اجازات خود فرموده است. همچنین امیر محمّد حسین خاتون آبادی بنا بر نقل صاحب روضات الجنات و میرزا عبدالله افندی مؤلف کتاب ریاض العلماء بنا بر نقل

---

۱. نگاه کن: الذریعه ج ۱ ص ۱۵۱ ش ۷۲۱، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتثره) ص ۲۰۹ ـ ۲۱۰.

۲. زندگی نامه علامه مجلسی ج ۱ ص ۷۱.

۳. زندگی‌نامه علامه مجلسی ج ۱ ص ۷۴، ریحانة الأدب ج ۵ ص ۱۹۱. و در الکنی والالقاب ج ۳ ص ۱۵۱ چنین آمده: المولی مقصود علي کان بصیراً ورعاً، مروّجاً لمذهب الاثني عشرية، له أبيات رائقة بديعة، ولحسن محاضرته وجودة مجالسته سمّي بالمجلسي وتخلّص به، فصار هذا لقباً في هذه الطائفة الجليلة والسلسلة العليّة.

۴. در ص ۱۷ ـ ۱۸ پاورقی ۳ بخشی از گفتهٔ مؤلف اعیان الشیعه در مورد نسب مجلسی آورده شد که ضمن آن در مورد حافظ ابونعیم اصفهانی می‌گوید: معروف این است که او از اهل سنت است ولی کتابهایی در مناقب اهل بیت و فضیلت امیرالمؤمنین‌ﷺ دارد. سپس به واسطه صاحب ریاض العلماء از علامه مجلسی نقل می‌کند که در مورد حافظ ابونعیم گفته: او ظاهراً از علمای اصحاب ما بوده و به مقتضای آن زمان تقیه می‌کرده است. (اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۹۲)

نامه دانشوران[۱] نوشته و تصریح کرده‌اند.[۲]

جدّهٔ علامه مجلسی رحمه الله یعنی مادر مولی محمد تقی از زنـان عـابده و صـالحه و زاهده بوده[۳] و دختر عالم جلیل کمال الدین درویش محمد بن حسن عاملی نـطنزی اصفهانی می‌باشد.[۴]

---

۱. نامه دانشوران ج ۲ ص ۷۰۹.　　۲. نگاه کن: زندگی نامه علامه مجلسی ج ۱ ص ۷۲.

۳. در خاتمه مستدرک آمده: والدهٔ محمد تقی عارفه مقدسهٔ صالحه بوده و از تقوی و صلاح او نقل شده که وقتی شوهرش مقصود علی عازم سفری گردید پسران خود ملا محمد تقی و ملا محمد صادق را آورد خدمت علامه مقدس ورع ملا عبدالله شوشتری به جهت تحصیل علوم شرعیه و استدعا کرد از آن بزرگوار که مواظبت فرماید در تعلیمشان پس از آن مسافرت کرد پس مصادف شد در آن ایام عیدی، جناب ملا عبدالله سه تومان به ملا محمد تقی داد و فرمود این را صرف نمایید در ضروریات معاش خودتان، عرض کرد که بدون اطلاع و اجازه والده نمی‌توانیم صرف نماییم چون خدمت والدهٔ خود رسیدند کیفیت را به عرض او رسانیدند فرمود: پدر شما دکانی دارد که غلهٔ آن چهارده غاز بیکی است و آن مساوی مخارج شما است به نحوی که تعیین و تقسیم آن کرده‌ام و این عادت شده برای شما در این مدت، پس هرگاه این مبلغ را بگیرم حال شما در توسعه و فراخی معیشت می‌شود و این مبلغ تمام می‌گردد و شما عادت اول خود را فراموش می‌نمایید، آن وقت به مخارج کم خود صبر نمی‌نمایید، پس ناچار می‌شوم که شکایت کنم از تنگی حال شماها در غالب اوقات به جناب ملا عبدالله و غیره و این شایسته ما نیست، چون خدمت مولانا این مطلب عرض شد آن بزرگوار دعا کرد در حق ایشان، پس حقتعالی دعای آن جناب را مستجاب فرمود و این سلسلهٔ جلیله علیه را از حامیان دین و مروّجین شریعت سید المرسلین حضرت خاتم النبیین صلوات الله علیه قرار داد، و بیرون آورد از ایشان این بحر مواج و سراج وهاج را، و به علاوهٔ این دعای عمومی که جناب ملا عبدالله کرد مصادف شد در حق او دعای والد معظمش ملا محمد تقی مجلسی. مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص ۱۷۳ ـ ۱۷۵ ش ۹.

۴. الکنی والالقاب ج ۳ ص ۱۵۱، فوائد رضویه ص ۱۷۷، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۹۲، زندگی‌نامه علامه مجلسی ج ۱ ص ۷۱.

محدّث قمی می‌گوید: «کانت أمّ المولی محمد تقي عارفة مقدّسة صالحة، بنت العالم الجلیل کمال الدین درویش محمد بن الشیخ حسن العاملي ثمّ النطنزي ثمّ الإصفهاني من أکبر ثقاة العلماء، یروي عن المحقق الشیخ علي الکرکي.

وعن (مناقب الفضلاء) قال: وهذا المولی کمال الدین ـ رحمه الله ـ من أهل العبادة والزهادة، وهو مدفون

←

کمال الدین محمد بن الحسن از محقق ثانی و شیخ بهائی روایت می‌کند، و او اولین کسی است که بعد از ظهور دولت صفویه احادیث شیعه را نشر داد.[۱]

علت شهرت این خاندان به مجلسی:

وجوه مختلفی برای این شهرت نقل کرده‌اند، و ما جهت اختصار آن وجه راکه به واقع نزدیکتر است ذکر می‌کنیم:

محدّث قمی می‌نویسد: از آنجاکه مولی مقصود علی (پدر مجلسی اول) مردی سخنور، خوش‌گفتار و خوش مجلس بود، به او لقب «مجلسی» داده شد، و خود نیز به آن در اشعارش تخلّص نمود، و بدین جهت این طایفه به آن ملقب گردیدند.[۲]

وفـــات:

او در ۲۷ رمضان المبارك سال ۱۱۱۰ هجری قمری[۳] در اصفهان وفات نمود

← في نطنز، وله قبة معروفة.

وقال الشيخ يوسف البحراني: إنّه أوّل من نشر الحديث في الدولة الصفوية باصفهان. وعن مرآة الاحوال: كان فاضلاً عالماً مقدّساً من تلامذة أفضل المتأخرين الشيخ زين الدين الشهيد الثاني» ـ الكنى والألقاب ج۳ ص ۱۵۱.

و در تکملة امل الآمل ص۱۱۶ و الفيض القدسي ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۱۰۷ آمده است که مادر مولی محمد تقی از اقارب شیخ عبدالله بن جابر عاملي است. و نگاه کن: ص۷۵ پاورقی ۳.

۱. اعیان الشیعه ج۹ ص۱۹۲، الکنی والالقاب ج۳ ص ۱۵۱، لؤلؤة البحرين: ۱۵۰.

۲. الکنی والألقاب ج۳ ص ۱۵۱.

مرحوم حاج سید محمد علی مبارکه‌ای در رساله نور القدسی می‌گوید: لقب مجلسی را شاه طهماسب به ملا مقصود علی داده است و او آن را در اشعار تخلص خود قرار داد و علت آن است که هر موقع شاه می‌خواست مجلس مذهبی درست کند، او را حاضر می‌کرد و او بیان احادیث و فضائل اهل بیت علیهم السلام می‌نمود. (زندگی نامه علامه مجلسی ج ۱ ص۷۴).

۳. در کتاب زندگی‌نامه علامه مجلسی ج ۱ ص۸۷ آمده: میرزا عزیز الله مجلسی رحمه الله در تاریخ وفات جدش چنین سروده:

(آفتاب آسمان دین نهان شد) گفت عقل (۱۱۱۰)　　(پیشوای اهل دنیا رفت) اندر آسمان (۱۱۱۰)

←

و فقیه محقّق آقا جمال الدین خوانساری بر او نماز خواند.[۱]

علامه حاج آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد:

گفته شده که علامه مجلسی در سال ۱۱۱۱ (موافق با کلمه «غم و حزن» وفات نموده، ولی صحیح آن است که در تاریخ وفاتش به فارسی گفته شده و روز و ماه و سال وفات مطابق ۱۱۱۰ بیان شده است:

ماه رمضان چو بیست و هفتش کم شد تاریخ وفات باقر اعلم شد[۲-۳]

محل دفن

او در ضلع شمال غربی مسجد جامع اصفهان دربقعهٔ مخصوص کنار پدر بزرگوارش مولی محمد تقی مجلسی؈ به خاک سپرده شد، و سپس فرزندش محمد رضا مجلسی[۴] را در کنار او دفن کردند و اکنون این سه عالم داخل یک ضریح، زیارت

← بعضی سال وفاتش را در سال ۱۱۱۱ می‌دانند و مطابق یافته‌اند آن را با کلمهٔ (غم و حزن) بنابراین عمر مجلسی؈ ۷۴ سال می‌شود و این مختار صاحب نخبة المقال است چنانکه فرموده:

والمجلسی بن تقي باقر له بحار کلّها جواهر

مجدّد المذهب بالوجه الأتم وعدّ ۷۴ عمرا قبضه حزن وغم (۱۱۱۱)

ولکن وجه اول اشهر است. (فوائد رضویه ص۴۱۵). و نگاه کن: الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۱۵۰، لؤلؤة البحرین ص۵۹، الذریعة ج۳ ص ۱۶ ش ۴۳.

۱. گلشن ابرار ج۳ ص ۱۲۱. ۲. الذریعه ج۳ ص ۱۶ ش ۴۳.

۳. توضیح اینکه (ماه رمضان) جمع حروف آن به حساب ابجد ۱۱۳۷ می‌شود چون عدد ۲۷ را از آن کم کنیم ۱۱۱۰ می‌شود، و اشاره به روز وفات هم دارد که بیست و هفتم رمضان است.

۴. عدد اولاد علامه مجلسی را ۹ نفر ذکر کرده‌اند، چهار پسر به نامهای میرزا محمدرضا، میرزا محمدصادق، میرزا محمدجعفر، و میرزا عبدالله. و پنج دختر: ۱. همسر میر محمدصالح حسینی خاتون‌آبادی. ۲. همسر میرزا محمدکاظم الماسی ۳. همسر ملا حیدر علی شیروانی. ۴. همسر میر زین العابدین خاتون آبادی. (مرآة الاحوال ج۱ ص۹۴ - ۱۰۰، زندگی‌نامهٔ علامه مجلسی ج۱ ص ۳۱۱ - ۳۱۲ به نقل از تذکرة الانساب). در این کتابها از همسر دختر پنجم نام برده نشده است. و محدث قمی در فوائد رضویه ص ۵۹۵ عالم برجسته محمد قاسم بن محمدرضا هزار جریبی را از جمله دامادهای علامه مجلسی شمرده است.

می‌شوند و قبر هرکدام مشخص می‌باشد و نام آنها بر سنگ قبرشان نوشته شده است.

در اطراف این بقعه و جوار آنها بزرگان دیگری چون فاضل جلیل مولی محمد صالح مازندرانی داماد مجلسی اول، و فرزندش ادیب فقیه آقا هادی، و محمد صالح خاتون آبادی داماد علامه مجلسی، و فاضل نحریر محمد مهدی هرندی، و فاضل محدث محمد علی استرآبادی داماد مجلسی اول، و میرزا محمد تقی الماسی[1]، و جمع کثیری از علمای زمان مجلسی و بعد از آن به خاک سپرده شده‌اند که نام جمعی از آنها در کتاب تذکرة القبور تألیف آیة الله حاج شیخ عبد الکریم گزی اصفهانی آمده است، در این زمان نیز تنی چند از علمای نامدار و بزرگ اصفهان در این بقعه دفن شده‌اند از آن جمله آیة الله طبیب زاده مؤلف الشمس الطالعه في شرح الزيارة الجامعة و چندین اثر دیگر، آیة الله صافی رئیس حوزه علمیه اصفهان، آیة الله حاج آقا ضیاء الدین علامه فانی، آیة الله هاشمی، آیة الله مدرس، آیة الله میر جهانی.

مزار علامه مجلسی از هنگام دفن تاکنون در طول چند قرن مورد عنایت و زیارت و پناهگاه علما و عامّهٔ مردم بوده است، خصوصاً در شبها و روزهای جمعه که زائرین به مزارش توجه بیشتری دارند.

تجربه نشان داده است که دعا برای حاجات و خواسته‌ها در کنار این مزار با طلب شفاعت از ایشان به اجابت نزدیک است. از این رو علاوه بر کسانی که جهت احترام به علمای مذهب و ناشران دین و درک ثواب و فضیلت به زیارت می‌آیند، جمعی نیز علاوه بر درک ثواب با نیت و حاجت مخصوص می‌آیند و با تلاوت قرآن و اهداء ثواب آن به روح این عالم و پدرش، به برکت و شفاعت این دو بزرگوار و علمای مدفون در آن بقعه، به حاجت خود می‌رسند.

مؤلّف روضات الجنّات درباره این مزار و بقعه مبارکه می‌گوید:

---

۱. نگاه کن: روضات الجنات ج۲ ص۸۶

از برکات این تربت نورانی و خاک پاک، بارها به مقصود و خواسته خود رسیده‌ام و این را تجربه کرده‌ام؛ و مردم از اطراف و اکناف به قصد زیارت به سوی این جایگاه نورانی رهسپار می‌شوند، و با بهره‌ای فراوان از خیر و کامیابی، شادمان و خرسند باز می‌گردند.[۱]

آیة الله حاج آقا نصر الله شاه آبادی[۲] - حفظه الله تعالی - فرزند حضرت آیة الله العظمی فیلسوف بزرگ قرن و استاد امام راحل - رحمة الله علیهما - می‌گفتند:

در زمان نوجوانی به اصفهان رفتم تا با خویشان خود در آن شهر ملاقات کنم، چون به تهران بازگشتم پدر بزرگوارم از من سؤال کردند که سر قبر مجلسی - رحمه الله تعالی - رفتی؟

گفتم: نه.

فرمودند: پس رفتی اصفهان چه کنی؟!

سپس فرمودند: جا دارد، اگر کسی از اقصی نقاط عالم به قصد زیارت حضرت مجلسی به اصفهان بیاید و ایشان را زیارت کند.

---

۱. روضات الجنات ج ۲ ص ۸۷.

۲. این قضیه از ایشان تلفنی سؤال شد، و آنچه در متن آمده عین گفته ایشان است.

گفتار و نوشتار بزرگان
دربارۀ علامه مجلسی

با نگاهی به گفته‌ها و نوشته‌های دانشمندان و بزرگان در معرفی و توصیف علامه مجلسی، با آن القاب و اوصافی که برای او آورده‌اند، شأن و منزلت و کمالات و برجستگی او بیشتر روشن می‌شود؛ از این رو به گزیده‌ای از این موارد اشاره می‌کنیم:

خادم اخبار ائمه اطهار

۱. علامه سید مهدی طباطبائی بروجردی معروف به **«علّامۀ بحر العلوم»** و خواهرزادۀ علامه مجلسی، در ضمن اجازه‌ای که برای سید عبد الکریم بن سید جواد ـ رحمة الله علیهم ـ مرقوم داشته است، علّامۀ مجلسی را به عنوان ناشر علوم شریعت، عالم ربانی، نور شعشعانی، خادم اخبار ائمه اطهار، و... معرفی می‌نماید.[۱]

فقیه متکلم و جامع محاسن و فضائل

۲. فقیه و محدث جلیل شیخ محمّد بن حسن حر عاملی مؤلف کتاب وسائل الشیعة در امل الآمل او را محقق، مدقق، علامه، فقیه، متکلم محدث، ثقه، جامع همۀ محاسن و فضائل معرفی می‌کند.[۲]

---

۱. «خاتم المحدثین الجلة وناشر علوم الشریعة والملة، العالم الرّباني والنور الشّعشعاني، خادم اخبار الائمة الاطهار وغواص بحارالانوار، خالنا العلّامة المولی محمّد الباقر لعلوم الدّین». الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۲۵.

۲. مولانا الجلیل محمّد باقر بن مولانا محمّد تقی المجلسي، عالم فاضل ماهر محقق مدقق علامة فهامة فقیه متکلم محدث ثقة ثقة، جامع للمحاسن والفضائل، جلیل القدر، عظیم الشأن، اطال الله بقاءه، له مؤلفات کثیرة مفیدة منها... وهو من المعاصرین نروي عنه جمیع مؤلفاته وغیرها اجازة. (امل الآمل ج۲ ص۲۴۸ ـ ۲۴۹ ش۷۳۳، ریاض العلماء ج۵ ص۳۹).

صاحب نظر صائب، علامه، محقق و مدقق

۳. عالم جلیل محمّد اردبیلی‌ﷺ در کتاب جامع الرواة او را به عنوان شیخ الاسلام والمسلمین، خاتم المجتهدین، امام، علامه، محقق، مدقق،... یگانهٔ زمان خود، ثقه، کثیر العلم، صاحب تألیفات نیک و ارزشمند، متبحّر در علوم عقلی و نقلی، دقیق النظر، صائب الرأی، عادل و امین و... معرفی می‌کند.[1]

سرکردهٔ علمای نامدار

۴. عالم جلیل امیر محمد صالح خاتون آبادی‌ﷺ در کتاب (حدائق المقرّبین) علامهٔ مجلسی را از بزرگان علم حدیث، تفسیر، فقه، رجال، اصول، و سرآمد اهل روزگار و سرکرده علمای نامدار، معرفی کرده است.[2]

اقیانوس پهناور علم

۵. عالم محقق میرزا محمّد باقر موسوی چهار سوقی‌ﷺ در (روضات الجنات) علّامه مجلسی را چنین معرفی می‌کند: دریای پهناور، خزانهٔ سرشار دانش، عقل بسیط، و عدل اصلاحگر.[3]

---

۱. محمّد باقر بن محمّد تقی بن المقصود علی الملقب بالمجلسی مد ظله العالی استادنا وشیخنا، وشیخ الاسلام والمسلمین، خاتم المجتهدین، الامام العلامة المحقق المدقق، جلیل القدر، عظیم الشأن، رفیع المنزلة، وحید عصره، فرید دهره، ثقة ثبت عین، کثیر العلم، جید التصانیف، وامره فی علوّ قدره، وعظم شأنه وسموّ رتبته وتبحره فی العلوم العقلیة والنقلیة، ودقة نظره، واصابة رأیه، وثقته وامانته وعدالته، اشهر من ان یذکر، وفوق ما یحوم حوله العبارة، وبلغ فیضه وفیض والده رحمهما الله تعالی دیناً ودنیاً بأکثر الناس من الخواص والعوام، جزاه الله تعالی أفضل جزاء المحسنین؛ له کتب نفیسة جیّدة قد أجازنی دام بقاؤه وتأییده أن أروي عنه جمیعها. (جامع الرواة ج ۲ ص۷۸).

۲. زندگی نامه علامه مجلسی ج ۱ ص ۹۶، روضات الجنات ج ۲ ص ۸۳.

۳. البحر المحیط والحبر الوقیط والعقل البسیط والعدل الوسیط مولانا محمّد باقر بن المولی محمّد تقی بن مقصود علی الاصفهانی المشتهر بالمجلسی لکونه لقب ابویه المذکورین. (روضات الجنات ج ۲ ص ۷۶).

مایهٔ افتخار پیشینیان و پسینیان

۶. عالم جلیل سید شفیع موسوی جاپلقی می‌گوید: ابر پربار، دریای موّاج، گشایندهٔ دانشها و رازها، برطرف کنندهٔ پرده‌ها از اخبار، بیرون آورندهٔ مرواریدها از آثار [اهل بیت ﷺ]، مایهٔ افتخار پیشنیان و پسینیان.[1]

یگانه در ترویج دین و احیای شریعت

۷. عالم نامبرده می‌گوید:

برای این شیخ - نه در زمان خودش و نه قبل از آن - همانندی نبود در امر ترویج و احیای دین سیّد المرسلین ﷺ به وسیلهٔ تصنیف و تألیف و امر و نهی، و پراکنده کردن متجاوزین و مخالفین اهل هوای نفس و بدعت - خصوصاً صوفیّه -، و او امام جمعه و جماعت بود، و رواج و نشر داد احادیث را خصوصاً در بین غیر عرب، و ترجمه نمود آنها را به فارسی در زمینه‌های مختلف فقه، دعا، قصّه و حکایات، معجزات و جنگها و غیر اینها که متعلق به شرع بود، و در امر به معروف و نهی از منکر جدّی بود، و هر که به سوی او می‌رفت و خواسته‌ای داشت از جود و کرم او بهره‌مند می‌شد.[2]

---

۱. السحاب الهابر والبحر الزاخر فتّاح العلوم والسرائر كشاف الأستار من الأخبار مستخرج اللآلى من الآثار مفخر الأوائل والأواخر مولانا محمّد باقر المجلسي نور الله روحه. بحارالانوار (المدخل) ص۳۸.

۲. وهذا الشيخ لم يوجد له فى عصره ولا قبله قرين فى ترويج الدّين واحياء شريعة سيد المرسلين ﷺ بالتصنيف والتأليف، والامر والنهى، وقمع المعتدين والمخالفين من اهل الاهواء والبدع، سيّما الصوفية المبتدعين، وكان اماماً فى الجمعة والجماعة، وهو الذى روّج الحديث ونشره، لاسيما فى بلاد العجم وترجم لهم الاحاديث بالفارسية بانواعها من الفقه والادعية والقصص والحكايات المتعلقة بالمعجزات والغزوات وغير ذلك مما يتعلق بالشرعيات، مضافاً الى تصلبه فى الامر بالمعروف والنهى عن المنكر، وبسط يد الجود والكرم لكل من قصده. (الفيض القدسى ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۱۷).

مجدد سنن و زنده‌کننده آثار ائمه اطهار علیهم السلام

۸. عالم مورخ رجالی آقا میرزا **محمّد علی مدرس تبریزی** رحمه الله صاحب ریحانة الادب او را چنین معرفی می‌کند:

از بزرگترین فقهای شیعه اثنا عشری، عادل، ثقه، فقیه کامل، محقق و مدقق متکلم، جامع معقول و منقول در فقه و تفسیر و حدیث و درایه و رجال و اصول فقه و کلام و دیگر علوم دینی، مسلّم خاص و عام، و شیخ الاسلام، و در اصفهان امام جمعه و جماعت بود و دارای نفوذ تمام، یگانه حامی دین مبین، و مجدّد سنن و شرایع سیّد المرسلین صلی الله علیه و آله و محیی آثار ائمه طاهرین علیهم السلام بود.[۱]

علامهٔ زمان و امام محدّثان

۹. **محدث قمی** رحمه الله درباره وی می‌گوید: مروج مذهب و دین، و احیاکننده شریعت سید المرسلین، علامه زمان،... امام محدّثان تا روز قیامت،... دریای مواج علوم،... جامع کتاب بحارالانوار....[۲]

مروج مذهب و احیاکننده آثار ائمه مسلمین

۱۰. محدّث بزرگ **میرزا حسین نوری طبرسی** رحمه الله مؤلف مستدرک الوسائل در این راستا می‌گوید: هیچیک از علما همانند این شیخ معظم توفیق حاصل ننمود در ترویج مذهب و گسترش آن، و نابودی ملحدین و احیاء سنّت دین مبین، و نشر آثار

---

۱. ریحانة الادب ج۵ ص ۱۹۱.

۲. محمد باقر بن محمد تقی بن المقصود علی المتخلص فی اشعاره بالمجلسی مروّج المذهب والدین ومحیی شریعة سید المرسلین علامة زمانه والفائز بفضائل تمام اقرانه البحر الزاخر والسحاب الماطر رئیس المحمدین الاواخر وامام المحدثین الی یوم الآخر اکلیل جبین الفضل وقلادة جیده، الناطقة ألسُن الدهور بتعظیمه وتمجیده، البحر المتلاطم الزخار باقر العلم، جامع کتاب بحارالانوار العالم الربانی المشتهر بالعلامة المجلسی او المجلسی الثانی، بوّأه الله فی اعلی الجنان وبلغه الله الی منتهی الآمال والامانی. (فوائد رضویه ص ۴۱۰ ـ ۴۱۱).

ائمه مسلمین، که در تارک همه آنها و مهمترین و با ارزش‌ترین آنها، تألیفات بسیار عالی و نفیس او است که از آن، عالم و غیر عالم، عرب و عجم در شب و روز بهره می‌برند.[۱]

حافظ تمامیت کشور

۱۱. عالم جلیل شیخ **یوسف بحرانی** صاحب حدائق می‌گوید: مجلسی در عصر خود پیشوا در علم حدیث و علوم دیگر بود، او شیخ الإسلام اصفهان ـ پایتخت آن روز ـ بود که ریاست دینی و دنیوی را هر دو با هم داشت، کشور شاه سلطان حسین ـ با آن سستی و بی‌تدبیری که در وی بود ـ با وجود شیخ ما مجلسی حفظ می‌شد، وقتی او از دنیا رفت مرزها از هم گسست، و آشفتگی آغاز شد، و در همان سال سرزمین قندهار از دست شاه سلطان حسین گرفته شد، و کشور پیوسته رو به ویرانی نهاد تا از دستش بیرون رفت.[۲]

صاحب نظر در علوم عقلی و نقلی

۱۲. میرزا **محمد تنکابنی**؛ از قول بعضی از شاگردان آخوند ملا علی نوری؛ نقل

---

۱. لم يوفق احد فی الاسلام مثل ما وفق هذا الشيخ المعظم والبحر الخضم والطود الاشم، من ترويج المذهب واعلاء كلمة الحق وكسر صولة المبتدعين، وقمع زخارف الملحدين، واحياء دارس سنن الدين المبين، ونشر آثار ائمّة المسلمين، بطرق عديدة وأنحاءٍ مختلفة، اجلّها وأبقاها التّصانيف الرّائقة الأنيقة الكثيرة التی شاعت فی الانام، وينتفع بها فی آناء اللّيل والأيّام، العالم والجاهل والخواص والعوام والعجمی والعربی. (الفيض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۱۰، سفينة البحار ج۱ ص۶۲۳ الكنی والالقاب ج۳ ص۱۴۷).

۲. المجلسي... كان اماماً في وقته في علم الحديث وسائر العلوم، شيخ الاسلام بدار السلطنة اصفهان رئيساً فيها بالرئاستين الدينيّة والدنيويّة... وقد كانت مملكة الشاه السلطان حسين ـ لمزيد خموله وقلّة تدبيره للملك ـ محروسة بوجود شيخنا المجلسي فلمّا مات انتقضت أطرافها، وبدأ اعتسافها وأخذت في تلك السنة من يده بلدة قندهار، ولم يزل الخراب يستولي عليها حتى ذهبت من يده. (لؤلؤة البحرين ص۵۵ ش۱۶).

می‌کند که: «شنیدم آخوند ملا علی گفتند: هر که بخواهد بر فضیلت آخوند ملا محمد باقر اطّلاع یابد، کتاب سماء والعالم بحار باب حدوث عالم را مطالعه کند». الحاصل آن جناب در معقول و منقول و ریاضی و غیر آنها صاحب فن بوده چنانکه در کتاب بحار در مطالب عقلیه شبهات و ادلّه و اقوال و ردود حکماء را ذکر می‌کند و بعد همه را رد کرده و مسأله را با مضامین اخبار ائمه اطهار علیهم السلام منطبق می‌سازد مگر اینکه مذهب حکماء موافق با اخبار باشد. او در السنهٔ علماء لاحقین معبّر به علامه مجلسی است و عجب از حاجی ملا احمد نراقی است که در کتبش از آن جناب به محدّث مجلسی تعبیر نموده است و این عبارت در نظر این احقر بسیار ناپسند آمد. چه علامه مصطلح است در اینکه جامع منقول و معقول باشد و علامه مجلسی نیز چنین بوده است....[۱]

میرزا محمد تنکابنی در جای دیگر می‌گوید: «معروف است که آن جناب ۲۰۰ اصل از اصول روات را پیدا کرده و اخبار معتبره آنها را ذکر کرده و با صاحب وسائل تجازی دارند، رساله اعتقادات را در یک شب تألیف نمود؛ مانند بحار در عامّه و خاصه نوشته نشده است».[۲]

دریافت اجازه نقل حدیث در نوجوانی

۱۳. علامه بحرانی صاحب حدائق از قول علامه مجلسی نقل کرده است که: من در سن پایین اجازه‌ای از عبدالله بن جابر عاملی ـ پسر عمهٔ پدرم ـ دریافت نمودم.[۳]

---

۱. قصص العلماء ص ۲۰۴ ـ ۲۰۵.

۲. نگاه کن: قصص العلماء ص ۲۱۱.

۳. ... وعن الشیخ المجلسی رحمه الله قال: ومنها ما أخبرني إجازة في صغر سنّي الشیخ الجلیل عبدالله بن جابر العاملي ابن عمّة والدي عن جدّ والدي من قبل أمّه مولانا درویش محمد ابن الشیخ حسن النطنزی... (لؤلؤة البحرین ص ۱۵۰ ش ۶۱).

آرزوی ثواب یک کتاب او

۱۴. **علامه بحر العلوم** آرزو می‌کرده که ثواب همهٔ نوشته‌های او را به علامه مجلسی می‌دادند و در عوض ثواب یکی از کتاب‌های فارسی علامه مجلسی در نامهٔ اعمال او نوشته می‌شد.[۱]

بت شکنی

۱۵. **میر عبد الحسین خاتون آبادی** معاصر علامه مجلسی می‌گوید: در تاریخ ماه جمادی الآخرة سال هزار و نود و هشت بتهای هنود را آخوندی شیخ الاسلامی مولانا محمد باقر المجلسی در دولتخانه شکستند، حسب الامر اعلی[۲].

محدث قمی در این باره می‌گوید: از فضائل ویژهٔ علامه مجلسی ﷺ این بود که در سال ۱۰۹۸ قمری بتهای هندیان را شکست.[۳]

مسلمان شدن با خواندن کتاب مجلسی ﷺ

۱۶. **محدّث نوری** می‌نویسد: از کتب مجلسی عالم و جاهل، خاص و عام، مبتدی و منتهی بهره می‌برند. و به نقل از مؤلف مرآة الاحوال می‌گوید که: جایی از سرزمین اسلامی و غیر اسلامی نیست که از کتب او خالی باشد؛ سپس داستانی از آن کتاب نقل می‌کند که ما در اینجا از خود کتاب می‌آوریم:

از جمعی از ثقات شنیده‌ام که در ازمنهٔ سابقه، کشتی‌ای طوفانی شد و مردمان آن

---

۱. لقد حدّثني بعض الأساتيد العظام عمّن حدّثه عن بحر العلوم العلّامة الطباطبائي أنّه كان يتمنّى أن يكون جميع تصانيفه في ديوان العلّامة المجلسي ﷺ، ويكون أحد من كتبه الفارسيّة الّتي هي ترجمة متون الأخبار، الشائعة كالقرآن المجيد في جميع الأقطار، في ديوان عمله. (الفيض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۱۹، فوائد رضویه ص۴۱۳).

۲. وقایع السنین والاعوام، صده یازدهم هجرت ص۵۴۱، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۲۰، یادنامه مجلسی ج۲ ص۱۷.

۳. فوائد رضویه ص۴۱۸.

کشتی بعد از رنج و محنت بسیار در جزیره‌ای از جزایر افتادند که اصلاً از اسلام در آن اثری نبود، در خانه یکی از اهالی آنجا میهمان شدند و در ضمن صحبت معلوم شد که آن مرد مسلمان است، به او گفتند که با وجود آنکه این قریه دار الکفر است و از اسلام در آن نشانی نیست، و تو نیز به شهر مسلمانان نرفته‌ای، باعث بر اسلام تو چیست؟ آن شخص به خانه رفته کتاب (حق الیقین) مرحوم آخوند را آورد و گفت: من و قبیلهٔ من به شرافت و ارشاد این کتاب به درجهٔ اسلام رسیدیم.[۱]

امر به معروف و نهی از منکر

۱۷. **میرزا محمد تنکابنی**ﷺ می‌گوید: او در امر به معروف و نهی از منکر و ترویج علم و تدریس و تألیف اوْحَد اهل زمان بود. قبل از او جماعت صوفیه راکثرت و غلوّ بود، همهٔ آنها دفع و قمع و اصول آن شجره را قلع نمود.[۲]

اهتمام به امور عبادی و اعتقادی

۱۸. محدث قمی می‌گوید: فوت نمی‌شد از او نماز بر اموات و جماعات... زیارت کرد بیت الله الحرام و ائمه عراق را مکرراً.[۳]

عالم جلیل سید نعمت الله جزایری که یکی از شاگردان ممتاز علامه مجلسی می‌باشد چنین می‌گوید:

روش استاد معاصرم ـ که خدا عمرش را طولانی گرداند ـ این بود که از برادران ایمانی درخواست می‌نمود که گواهی بر ایمانش را با تربت سیّد الشهداء بر کفنش بنویسند. آنان چنین نوشتند: شکّی در ایمان علامه مجلسی نیست، این مطلب را فلانی در حالی که شهادت به آن می‌دهد نوشته است. و چه بسا در زیر این شهادتشان مهر و امضاء می‌نمودند.

---

۱. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۱۰ ـ ۱۱، مرآة الاحوال ج ۱ ص۹۳ـ۹۴.

۲. قصص العلماء ص۲۰۵.

۳. فوائد رضویه ص۴۱۲.

سپس ادامه می‌دهد که:

روش استاد چنین بود که مردم را به اینگونه امور سفارش می‌فرمود. و این عمل پسندیده‌ای است زیرا خداوند متعال بخشنده‌ای است که وارد شونده بر او را کوچکترین عمل بس است.[۱]

و قبلاً به نقل از علامه مجلسی هنگام دفاع از پدر بزرگوارش ذکر شد که گفته است: جمع کثیری از تابعان شریعت مقدسه موافق قانون شریعت ریاضت می‌داشتند، و فقیر نیز مکرّر اربعینیات به سر آورده‌ام.[۲]

عبادی بودن تمام اعمال

۱۹. سید نعمت الله جزائری می‌گوید: چندین سال با وی معاشرت کردم و شب و روز با او بودم هیچ عمل مباحی از او ندیدم چه رسد به مکروهات زیرا وی از فرمایش رسول اکرم‌ؐ پیروی می‌کرد که فرمودند: وَلْیکن فـي کـلّ شـيء نـیّة حـتی النـوم والأکل[۳] (باید در هر کاری نیت باشد حتی خوابیدن و خوردن) بلکه تمام اعمال و افعالش طاعت و عبادت بود...[۴]

دقت در نقل احادیث از کتب

۲۰. علامه مجلسی‌؟ در مصادر کتاب (بحارالانوار) از دو کتاب حافظ رجب البرسی بنام (مشارق الانوار) و کتاب (الالفین) نام می‌برد و می‌گوید: من مطالبی از این

---

۱. انوار نعمانیه ج۴ ص۲۳۲، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۱۴۹ ـ ۱۵۰، روضات الجنات ج۲ ص۸۷ـ۸۸.

۲. نگاه کن: ص ۱۹ پاورقی.

۳. پیامبر اکرم‌ؐ به اباذر فرمودند: یا أباذر لیکن لك في کلّ شيء نیة صالحة حتی في النوم والأکل. (مکارم الاخلاق ج۲ ص ۲۷۰ ح ۲۶۶۱، بحارالانوار ج۷۷ ص۸۴ ح۳).

۲. زندگی نامه علامه مجلسی ج۱ ص۱۵۳.

دو کتاب را که موافق با اخبارِ برگرفته از اصول معتبره است نقل و بر آنها اعتماد نمودم، ولی مطالبی را که او خود به تنهایی نقل کرده مورد اعتماد و وثوق من نیست.[۱]

علاقه به روایات و اخبار

۲۱. علامه مجلسی ﷺ در مقدمه بحار الانوار می‌گوید:

در بین آنچه آموختم فقط علم حدیث است که در سرای دیگر به حالم نفع دارد گرچه عمرم را در چیزهای دیگر صرف کرده بودم... چون در احادیث و اخبار دقت کردم دربارهٔ آنها به بحث و تحقیق پرداختم، اخبار آل پیغمبر صلوات الله علیه و علیهم را چون کشتی نجات یافتم مملو از ذخایر نیکبختی‌ها، و چون آسمانی دیدم مزیّن به ستارگان فروزان نجات دهنده از ظلمت جهل و نادانی‌ها، و راههای علوم و اخبار اهل بیت را روشن... من در طی طریق آن به گلزارهای پر گل و بوستانهای سرسبز و خرّمی رسیدم که با شکوفه‌های هر علم و میوه‌های هر حکمتی زینت یافته بود... به هیچ حکمتی بر نخوردم جز اینکه گزیدهٔ آنرا در اخبار اهل بیت پیغمبر دیدم و به حقیقتی دست نیافتم مگر آنکه اصل آن را در آنها یافتم.[۲]

فقیه اصولی

۲۲. شدّت علاقه و تسلط وی بر اخبار به آن معنی نیست که وی در روش استنباط فقهی اخباری مسلک باشد، بلکه با مطالعهٔ کتب او و روش اجتهاد او روشن می‌شود که او فقیهی اصولی است، در این زمینه نظر حضرت **آیة الله العظمی شبیری زنجانی** ـ دام ظله الوارف ـ را نقل می‌کنیم:

«علامه مجلسی ﷺ موارد زیادی در (مرآة العقول) از صاحب مدارک ـ که یک فقیه

---

۱. بحارالانوار ج ۱ ص ۱۰ مقدمه مؤلف.

۲. بحارالانوار ج ۱ ص ۳ مقدمهٔ مؤلف، زندگینامه علامه مجلسی ج ۲ ص ۲۴۸.

اصولی است و اگر بگوییم (اصولی تندرو) بیجا نگفته‌ایم، زیرا ایشان در قبول خبر، صحیح اعلائی است و این مذاق شدّت اصولی بودن ایشان را می‌رساند ـ مطالبی نقل می‌کند.

علامهٔ مجلسی ﷺ تقریباً ملتزم است در سرتاسر کتاب از (مدارک الاحکام) و (نهایة المرام) ایشان نقل کند و به قول و استدلال ایشان اکتفا می‌کند، و این نشانگر آن است که مجلسی، اخباری مسلک نیست و این تعبیر برای ایشان صحیح نمی‌باشد؛ چنانکه در ـ بحارالانوار ج ۸۳ ص ۷۴ ـ ۱۴۵ ـ باب تحقیق منتصف اللیل ومفتتح النهار، قدرت فقهی و استدلالی ایشان آشکار می‌شود، و اینکه این نسبت به ایشان نارواست».[1]

بنابراین علاقه و تسلط به اخبار و احادیث که از ویژگیهای علامه مجلسی می‌باشد مطلبی است، و اخباری بودن مطلب دیگر.[2]

مؤلف کتب بسیار و معتبر

۲۳. آیة الله ملا حبیب الله کاشانی ﷺ او را غوّاص دریاهای اخبار... و جامع فنون عقلی و نقلی و مؤلف کتب بسیار و معتبر نزد بزرگان معرفی می‌نماید...[3]

---

۱. در فضیلت و خدمات علامهٔ مجلسی رحمه الله ﷺ در مجالس مختلف مطالب گوناگونی بیان می‌نمودند و ما جهت روشن شدن شیوهٔ فقهی علامه مجلسی ﷺ فقط به همین چند خط بسنده کردیم. لازم به ذکر است که آنچه در متن از ایشان نقل شد قبل از طبع به نظر مبارک ایشان رساندیم.

۲. خوانندگان و محققین محترم برای هرچه بیشتر روشن شدن بحث و اینکه استدلالات فقهی علامه مجلسی مؤید آن است که وی گرایش اخباری نداشته و علاقه و تسلط او بر اخبار دلیل بر این گرایش نیست. به کتاب (علامه مجلسی اخباری یا اصولی) تألیف علی ملکی میانجی ـ از انتشارات دلیل ما ـ مراجعه نمایند.

۳. الملا محمد باقر المجلسي غواص بحار الاخبار ... كان عيلوماً جامعاً لفنون المعقول والمنقول ومؤلفاته ومصنفاته كثيرة كلها معروفة معتبرة عند الفحول.... (لباب الالقاب ص ۹۰).

نوآوری و ابتکار در تألیف

۲۴. او در نوشته هایش چون بحارالانوار دائرة المعارف اسلامی شیعی ابتکار عمل داشت که این کار مهم علمی جامع، وی را جاودانه تاریخ نمود او از عقل سرشار و هوش بالایی بهره‌مند بود که توانست بر أقران خود برتری گیرد. روش و سبک جدید تفسیر موضوعی قرآن و شرح اخبار معصومین علیهم السلام و قرار دادن هر موضوع در جای مناسب و حلّ مشکلات و توضیح و بیان لازم هریک از آنها سبب امتیازش شد.[1]

عمل گروهی در تألیف

۲۵. علامه سید محسن امین می‌گوید:

مخفی نیست که علامه مجلسی را نویسندگانی بود که تحت نظر و راهنمائیش عهده‌دار نقل مطالب مورد نظر او از لابلای مصادر بودند، و خود شخصاًکار گزینش و مرتب‌سازی و چینش آنها را به عهده داشت، و غالباً آنها علامه را در نقل یاری می‌نمودند.[2]

آیة الله سبحانی حفظه الله تعالی در این باره چنین می‌نویسد: «... علامه مجلسی این پدیده را در تألیف بحارالانوار به کار گرفت و از گروهی از شاگردان خویش کمک گرفت؛ شاگردانی که تعداد آنان به دویست نفر از افراد مختلفی چون مجتهد، محدّث، مفسّر، ادیب، مورّخ، مصحّح و غیره می‌رسید و خود فقط به تفسیر احادیث مشکل و حلّ مشکلات و پیچیدگی‌های آنها می‌پرداخت. لذا در نسخه‌های اصلی و اوّلیه می‌بینیم که حدیث با یک خط و شرح آن حدیث با خط دیگری که همان خطّ علامهٔ مجلسی است نوشته شده است، که این خود نشانگر داشتن یک برنامه ریزی درست

---

۱. نگاه کن: یادنامه مجلسی ج ۱ ص ۳۵۷ـ ۳۶۳، فوائد رضویه ص ۴۱۲.

۲. اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴.

و یک جدول کاری منظم می‌باشد، که مسؤولیت هر یک از افراد را در جمع آوری این دایرة المعارف مشخص می‌کند».[1]

آزادگی نظری

۲۶. دانشمند فرزانه محمد رضا حکیمی چنین می‌نویسد:

پنج ماه به درگذشت دکتر شریعتی، یکی از دوستان مشترک سفری کوتاه ترتیب داد، که دکتر شریعتی و دو سه تن از دوستان و اینجانب در آن سفر با هم بودیم. من با خود ضمن وسایل اندکی که داشتم، یک جلد از کتاب علمی و گرانقدر «مرآةُ العقول» را نیز برداشتم. کتاب مرآة العقول شرحی است تحقیقی و مفصّل بر کتاب «اصول کافی» تألیف علّامهٔ مجلسی. مؤلّف بزرگوار در این شرح، بصورتی اجتهادی و تحقیقی وارد مباحث رجالی و سندشناسی احادیث می‌شود، و اسناد روایی «اصول کافی» را مورد بحث و نظر علمی قرار می‌دهد، و بنا بر مبانی علمی و نقد سند، دربارهٔ اسناد شیخ کُلینی سخن می‌گوید. جالب توجّه است که گاه با جمهور محدّثین یا شخص ثقة الاسلام کُلینی، دربارهٔ صحّت سندی یا ضعف آن به مخالفت می‌پردازد. در این کتاب، تبحّر بسیار بالای علّامهٔ مجلسی و مبانی اجتهادی مجلسی در نقد سَندی به خوبی آشکار می‌گردد.

اینجانب در صدد بودم که در این سفر، به صورتی مناسب و ظریف، این کتاب را به دکتر شریعتی نشان دهم و بشناسانم، تا به پایهٔ علمی و مایهٔ اجتهادی علّامهٔ مجلسی در امر مربوط به اسناد حدیثی و نقل روایی پی ببرد. خوشبختانه چنین فرصتی پیش آمد، و من در آن فرصت کتاب را به وی معرّفی کردم، و برخی از جاهای آن را در بحثهای سندی خواندم؛ به شدّت تحت تأثیر کتاب قرار گرفت، و به نظرش بسیار مهم و جالب آمد، و در همان حال گله کرد که مردی با این مقام اجتهاد در سند شناسی

---

۱. یادنامهٔ مجلسی ج ۱ ص ۳۶۰.

چرا باید فلان مطلب (در مورد آمدن یزید به مدینه...) را در «بحار» نقل کند! آیا نبودن چنین مطلبی که از نظر تاریخی نیز مورد شک قرار گرفته است، چه زیانی به فرهنگ تشیّع می‌داشت؟...[۱]

و من فکر می‌کنم، اگر پس از آن روز، شرایطی برای او پیش می‌آمد تا یک سخنرانی عمومی بکند، و مناسبتی فراهم می‌گشت، از مقام علمی و آزادگی نظری علّامهٔ مجلسی، با عظمت یاد می‌کرد.[۲]

مدرس و مربّی

۲۷. علامهٔ مجلسی به تألیف و تصنیف اکتفا ننمود، بلکه به تدریس و تربیت نسل جدید از پیشتازان علم پرداخت، و از مدارک و شواهد موجود و اجازه نامه‌های اجتهادی روشن می‌شود که ایشان در سال ۱۰۷۰ه.ق مدرّس و استاد معروفی بوده است، یعنی بعد از سی سالگی از اساتید بزرگ حوزه علمیه بشمار می‌رفته و تا اواخر عمر پر برکتش در تربیت علما و محققین و تدریس سعی وافر داشته است.

مسؤولیت‌های فراوان وی در آن زمان ـ که رهبری دینی جهان تشیع بخشی از آن بود ـ، وی را از تدریس و تعلیم نسل برجسته‌ای از علما و محدّثان بازنداشت.

هرچند در این مقدمه، بخش جداگانه‌ای برای پرداختن به شاگردانش و کسانی که از محضر درس او بهره برده‌اند، یا اجازه روایت گرفته‌اند، اختصاص یافته، و شمار قابل توجهی از آنها که نامشان در دسترس بوده در آن ذکر خواهد شد، ولی جهت اطلاع از گسترهٔ حوزهٔ درسی او، در اینجا به اختصار اشاره می‌کنیم که

---

۱. اگر جناب شریعتی مقدمه علامه مجلسی را بر بحارالانوار خوانده بود چنین سؤالی نمی‌کرد، و اگر مقدمه بحارالأنوار را هم به او نشان می‌دادند که غرض از جمع‌آوری بحار چه بوده و خود مجلسی‏ رحمه الله اگر مهلت داشت در شرح کاملی این مسائل را توضیح می‌داد، شاید برای ایشان چنین سؤالی پیش نمی‌آمد. ای‌کاش جناب شریعتی نسبت به‌این عالم بزرگ نسنجیده سخن نگفته بود که برای او مسؤولیّت‌آفرین باشد.

۲. عقل سرخ ص۴۴۵ ـ ۴۴۷.

محدّث نوری﵀ چهل و نه نفر از آنان را در (الفیض القدسی) نام برده، و می‌گوید: من کسانی را نام می‌برم که بر آنها اطلاع یافتم، وگرنه عدهٔ آنها بیش از آن است که کسی چون من ادعای استقصا نماید. و سپس از ریاض العلماء نقل می‌کند که عدد آنها به هزار نفر می‌رسد، و از انوار نعمانیه نقل می‌کند که بیش از هزار نفراند.[۱]

علاوه بر افراد ذکر شده در الفیض القدسی، نام بسیاری از آنها در خلال مجلدات (الذریعه)، و (طبقات اعلام الشیعة) آمده است، و همچنین در کتاب (زندگی‌نامهٔ علامه مجلسی)، و کتاب (تلامذة العلامة المجلسی) که در بخش مربوط به این موضوع بدانها اشاره خواهد شد.[۲]

رئیس شیعه امامیه

۲۸. مورّخ رجالی **اسماعیل پاشای بغدادی** از دانشمندان اهل سنّت و مؤلف ایضاح المکنون (ذیل بر کشف الظنون) و هدیة العارفین در اسماء مؤلفین و آثار مصنفین، چنین می‌نویسد:

مجلسی اصفهانی محمّد باقر فرزند محمّد تقی فرزند مقصود علی اصفهانی مشهور به مجلسی، رئیس شیعه امامیه... سپس اسامی حدود چهل کتاب از تألیفات وی را نام می‌برد.[۳]

آنچه تاکنون گفته شد همه حکایت از آن دارد که علامه مجلسی به عنوان عالمی کم نظیر سعی و کوشش بلیغی در تبلیغ آثار ائمهٔ طاهرین و تقویت شیعه، و تدریس و تعلیم و تربیت، و نشر حدیث و ترویج علوم مربوط به آن داشته است.

---

۱. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۱۰۲ـ۱۰۳.

۲. نگاه کن: ص ۷۹.

۳. مجلسي الاصبهاني: محمّد باقر بن محمّد تقی بن مقصود علی الاصبهانی الشهیر بالمجلسی رئیس الشیعة الامامیة... هدیة العارفین (کشف الظنون ج۶ ص۳۰۶).

خدمات علمی و اجتماعی علامه مجلسی

۱. تدوین و تألیف بزرگترین دایرة المعارف شیعه (بحارالانوار) که مجموعه‌ای از کتابخانه بزرگ اسلامی است و این تدوین و تألیف یک ابتکار جدید در عالم تألیف بود که تا زمان حیات علامه مجلسی کسی چنین موفقیتی را بدست نیاورده بود.

۲. جمع آوری کتب شیعه که علامه در این راه مشقت‌های فراوانی متحمل گردید و کتب زیادی را جمع آوری کرد و اکثر آنچه را از کتب شیعه که دسترسی به آنها پیدا ننمود هنوز مفقود است، مثل کتاب مدینة العلم شیخ صدوق که تا قرن نهم موجود بوده سپس مفقود گشت.

۳. استنساخ کتب شیعه و نشر آن...

۴. إحیاء و ترویج کتب اربعه شیعه که در این رابطه اقدام به دو کار شد:

الف) شرح کتاب کافی و تهذیب الاحکام. و نسبت به کتاب من لا یحضره الفقیه به شرح پدرش بر آن کتاب بسنده کرد، و استبصار را هم به دامادش امیر محمدصالح خاتون آبادی امر و سفارش نمود که شرح نماید، و او این کار را آنگونه که خود گفته است، به یُمن این اشارت انجام داد.[1]

ب) ترویج آن کتب به وسیله استنساخ که معمولاً مستنسخ مفتخر به أخذ اجازه روایتی می‌شد.

---

۱. نگاه کن: روضات الجنّات ج ۲ ص ۸۳.

۵. ترویج آداب و سنن اسلامی.
۶. برآوردن نیازهای دینی و مذهبی و اعتقادی و اجتماعی و فطری قاطبهٔ مردم.
۷. بازسازی مساجد مخروبه و بناء مساجد بزرگ.
۸. برآوردن حوائج مؤمنین و رفع گرفتاری مستمندان.
۹. رهبری اُمّت اسلامی بعد از وفات مولی محمد باقر سبزواری.
۱۰. احیای حوزه علمیه اصفهان.[1]

دانشمند متتبع میرزا محمد باقر موسوی خوانساری اصفهانی در روضات الجنات در ضمن احوال علامه مجلسی می‌نویسد: تاکنون کسی را ندیده‌ام که شرح حال او را به دقت دامادش امیر محمد صالح فرزند میر عبد الواسع حسینی بیان کرده باشد. سپس مؤلف روضات حاصل سخن امیر محمد صالح را از کتابش (حدائق المقربین) نقل می‌کند، و ما قسمتی از آن را که مناسب این بخش است در اینجا می‌آوریم، او گفته است:

حقوق این عالم بزرگ بر جامعه دینی از جهات گوناگون می‌باشد که شاخص‌ترین آنها شش جهت است:

۱. به انجام رساندن شرح کتب اربعه، که در تمام عصرها مورد عنایت بوده، و در حلّ مشکلات و کشف معضلات آنها کار را آسان نمود.

۲. جمع‌آوری سایر احادیث مرویه شیعه ـ که در مقایسه با آنها، محتوای کتب اربعه بخش کوچکی است ـ، در بیست‌وپنج جلد بحارالانوار که در شیعه کتابی همانند آن از جهت ضبط و جمع‌آوری و فائده و فراگیری ادله و اقوال نوشته نشده است، که هفده جلد آن از مسوّده خارج و ـ پاک نویس شده ـ و هشت جلد آن پاک نویس نشده، و به من وصیت کرده که آن را تمام کنم، که إن شاءالله پس از فراغت از

---

۱. نگاه کنید: زندگینامه علامه مجلسی ج ۱ ص ۲۱۰ـ۲۱۳.

شرح کافی[1] انجام خواهم داد.

۳. تألیفات فارسی نافع و پرثمر او که وسیلهٔ هدایت عامهٔ مردم است. و کمتر خانه‌ای است که از این تألیفات خالی باشد.

۴. برپا داشتن جماعات و اجتماعات دینی و تقویت و ترویج مجالس عبادی بدانگونه که پس از فوت او چنان اجتماعات و مجامعی برگزار نشد. بلکه بیشتر آداب و سنن پسندیده‌ای که به برکت وجود ایشان عادت مردم شده بود ترک گردید. و در زمان او در ایّام شریفه و شبهای احیاء هزاران نفر از مردم با تجمع در مراکز عبادی به انجام وظایف شرعی و شب‌زنده‌داری پرداخته، و از موعظه‌های رسا و نصایح شفابخش او بهره‌مند می‌گشتند.

۵. پاسخ به مسائل دینی مردم و صدور فتواهایی که به سهولت و راحتی مردم از آن بهره‌مند می‌شدند، و در این زمان با فقدان او مردم سرگردانند، گاهی به زید و گاهی به عمرو مراجعه می‌کنند و با جوابهای مختلف و عجیبی روبرو می‌شوند.

۶. برآوردن حاجات مؤمنین و یاری ایشان و دفع ظلم وستم از آنها، و رساندن درد دلها و خواسته‌های مردم به والیان و مسلطین بر مردم برای نجات آنها.

خلاصه اینکه حقوق این منبع کمالات و معدن خیرات بر دین و اهل دین بلکه اهل زمین بسیار است، و آثار و تألیفات او تا روز قیامت باقی است، و برکات آنها بر روح شریف او جاری می‌باشد...[2]

---

۱. یعنی همان شرح کافی علامه مجلسی که موقع وفات به امیر محمدصالح وصیت نموده که ... نگاه کن: روضات الجنات ج ۲ ص ۸۳.

۲. روضات الجنات ج ۲ ص ۸۲ـ۸۵.

زندگی سیاسی علّامهٔ مجلسی

علّامهٔ مجلسی در طول هفتاد و سه سال عمر خود، با چهار تن از پادشاهان صفویه معاصر بوده که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. شاه صفی، جانشین شاه عباس اوّل (۱۰۳۸ ـ ۱۰۵۲ق).

۲. شاه عباس دوم (۱۰۵۲ ـ ۱۰۷۷ق).

۳. شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ ـ ۱۱۰۶ق).

۴. شاه سلطان حسین، آخرین پادشاه سلسله صفویه (۱۱۰۶ ـ ۱۱۳۵).

در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم، همچنین در زمان شاه سلیمان قبل از پذیرش شیخ الاسلامی، برای علامه مجلسی فعالیت سیاسی چشمگیری ثبت نشده، بنابراین زندگی سیاسی او را از این زمان مورد بحث قرار می‌دهیم.

علّامهٔ مجلسی، بعد از رحلت آقا حسین خوانساری که منصب شیخ الاسلامی را در زمان شاه سلیمان به عهده داشت، در سال ۱۰۹۸ ق با پیشنهاد و درخواست شاه سلیمان، از طرف وی به مقام شیخ الاسلامی دار السلطنه اصفهان منصوب شد و تا پایان سلطنت پادشاه مزبور در این مسند باقی ماند. بعد از مرگ شاه سلیمان، و جلوس شاه سلطان حسین به تخت سلطنت، علّامهٔ مجلسی مجدداً از طرف شاه صفوی در مقام قبلی خود ابقا شد. او تا سال وفاتش عهده‌دار این منصب بود.

بنابراین، علّامهٔ مجلسی حدود هفت سال در دوران سلطنت شاه سلیمان و پنج

سال نیز در سلطنت شاه سلطان حسین، در مجموع به مدت دوازده سال، شیخ الاسلام اصفهان بود. وی بعد از محقّق کَرَکی ـ که بعضی از مخالفان، او را به مخترع مذهب شیعه ملقّب ساختند[1] ـ، از بانفوذترین علمای دوران صفوی است که متصدّی این مقام بوده‌اند. از فعالیت‌های مهم سیاسی علّامهٔ مجلسی در دوران تصدی شیخ الاسلامی که در تاریخ این دوران از آنها سخن به میان آمده، به چند مورد اجمالاً اشاره می‌کنیم:

۱. نخستین کاری که مجلسی بعد از به دست گرفتن اجرای احکام شرع در دوران سلطنت شاه سلیمان انجام داد، شکستن بت کفّار هند در شهر اصفهان است. واقعه از این قرار بود:

روزی مسموع شیخ افتاد که جماعتی از کفّار هند، پنهانی بتی را که در شهر اصفهان بوده، می‌پرستیدند. پس حکم شرعی به شکستن آن بت صادر کرد، و سعی و تلاش کفّار مؤثّر نیفتاد، و هرچه مال و منال و هدایا تقدیم همایونی نمودند که بلکه آن داهیه را از سر معبود خود شان دفع کرده باشند، سودی نبخشید و بر حسب حکم نافذ آن عالم ربّانی، بت را شکستند.[2]

اهمیت این کار مجلسی در آن است که وجود بت در پایتخت کشورِ مدّعی شعار توحید و نفی شرک و بت پرستی، مایهٔ ننگ بود. این اقدام علّامهٔ مجلسی، در زمان او و بعد از وی، مورد تحسین و ستایش عالمان دینی قرار گرفت. و به گفته ملک الشعراء «این عالم، در ترویج شیعه فایدتی بزرگ حاصل نمود».

۲. مورد دوم از فعالیت‌های سیاسی علّامهٔ مجلسی، در دوران سلطنت شاه سلطان حسین است. بر اساس آنچه مورّخان نوشته‌اند، در مراسم تاجگذاری شاه

---

۱. ریحانة الأدب ج۵ ص ۲۴۶.

۲. همان ص ۱۹۴.

سلطان حسین صفوی، شاه اجازه نداد کسی از صوفیان ـ به رسم معمول ـ شمشیر را زیب پیکر وی سازد، و در عوض انجام آن را از شیخ الاسلام خواست.

... شاه صفوی، در مقام سپاس از اقدام علّامهٔ مجلسی، اظهار داشت که علّامه در عوض این خدمت، چه خواسته‌هایی دارد تا شاه آنها را برآورده سازد.

علّامهٔ مجلسی سه خواسته را عنوان کرد:

نخست، منع شرابخواری و شراب فروشی.

دوم، منع جنگ طوایف.

سوم، منع دسته جات کبوتر بازی.

شاه نیز خواسته‌های مجلسی را پذیرفت و بلافاصله فرمان لازم را صادر کرد.

در مورد خواستهٔ دوم و سوم مجلسی، باید اوضاع اجتماعی آن روز اصفهان، و دیگر شهرهای ایران را ملاحظه نمود. ظاهراً در آن عهد، اشخاصی با ارتکاب این اعمال، موجب اذیّت و آزار شهروندان می‌گشتند، و استمرار جنگ طوایف هم پیامدهای ناگواری را از قبیل کشته و زخمی شدن عده‌ای بی گناه به دنبال داشت، و این دو مسأله از مسائل و مشکلات اجتماعی آن دوران محسوب می‌شد، و رفع این منکرات جز با فرامین حکومتی امکان‌پذیر نبود.

و امّا درخواست نخستین او بسیار مورد توجّه و حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد که علّامهٔ مجلسی با تیزبینی و آینده نگری ای که داشت، متوجّه انحطاط دولت مقتدر صفویه در آیندهٔ نه چندان دور شده بود...

با توجه به شرایط نا مناسب اخلاقی حاکم بر دربار صفوی و نیز جامعهٔ آن روز، می‌توان گفت که علّامهٔ مجلسی، از ابتدای تصدّی منصب شیخ الاسلامی، در پی فرصتی بود که فرمان منع شراب را از شاه صفوی بگیرد، به گونه‌ای که این فرمان حکومتی، شامل خود شاه و درباریان نیز بشود. با وجود احتمال آلوده شدن شاه جدید به باده نوشی و لزوم پیشگیری از آن، اظهار چنین خواسته‌ای برای اجرای یکی از

احکام الهی ضروری می‌نمود، و این زمان پیش آمده برای علّامهٔ مجلسی، بهترین فرصتی بود که می‌توانست خواستهٔ خود را عملی سازد. بنابراین، آنچه را که مسؤولیت و وظیفهٔ دینی و سیاسی علّامهٔ مجلسی اقتضا می‌کرد، وی انجام داد. لذا او را در انحطاط دولت صفویه و حملهٔ دشمنان خارجی به کشور نمی‌توان مقصّر و یا متّهم دانست...[۱]

۳. یکی دیگر از اقدامات سیاسی علّامهٔ مجلسی، تألیف رسالهٔ مستقلّی دربارهٔ آداب سلوک حاکم با رعیّت است که در واقع، ترجمهٔ عهدنامه مالک اشتر، به همراه سه حدیث دیگر به زبان فارسی ساده و روان، جهت استفادهٔ حکّام زمان خود است.

... به نظر می‌رسد که مجلسی، با مشاهدهٔ فساد دولتمردان صفوی و گرایش آنها به عیّاشی، تجمّل گرایی، اسراف و تبذیر، راحت‌طلبی، ظلم و ستم نسبت به مردم و غفلت آنان از امور کشورداری، درصدد نگارش این رساله برآمد، و هدف از تألیف آن را «تنبیه ارباب غفلت و اصلاح اصحاب دولت» بیان کرد.[۲]

---

۱. نگاه کن: ص ۶۵ پاورقی ۱.

۲. نگاه کن: یادنامه مجلسی ج ۲ ص ۱۶ ـ ۲۰.

پاسخ به بعضی شبهات و سؤالات
دربارهٔ علامه مجلسیﷺ و نوشته‌های او

الف: شبهات و انتقادات نسبت به بحارالانوار

بحارالانوار بیشتر از دو جهت مورد نقد قرار گرفته است

۱. اشتمال بر روایات ضعیف.

۲. نظریات کلامی غیر مقبول برای فلاسفه.

جواب نقد اوّل:

مؤلف که پس از سعی و جدیّت فراوان در راستای گردآوری کتابها و منابع اولیه شیعه خصوصاً دسته‌ای از آنها که به علل مختلفی از دیده‌ها پنهان و از دسترس آنـها دور مانده بود، توانست از نـقاط مـختلف سـرزمینهای اسـلامی بسـیاری از آنـها را جمع‌آوری نماید، و آنطور که خود در مقدمهٔ بحار الانـوار مـی‌گوید[1]، خـوف از آن داشته که این آثار و منابع باز هم گرد فراموشی بر آنها نشسـته و از دسـترس جـامعه اسلامی خارج شوند؛ و از جهت دیگر پراکندگی و تفرّق مطالب و محتوای این کتابها، دستیابی مراجعه کنندگان را به موضوعات مورد نظرشان دشوار مـی‌نمود، دست بـه کاری عظیم زد که حاصل آن دائرة المعارف گسترده‌ای است در زمینه اخبار و روایات پیامبر و آل طاهرین او ـ صلوات الله علیهم اجمعین ـ بنام بحارالانوار؛ که مصون کنندهٔ آن میراث گرانقدر فرهنگی و معنوی است از تلف، و برخوردار از نظم و دسته‌بندی

---

۱. نگاه کن: بحارالانوار ج ۱ ص ۳ ـ ۴.

و چینشی تحسین برانگیز، در جهت هموار کردن راه علما و دانشمندان، و آسان نمودن کار مراجعه کنندگان.

پس می‌توان گفت که بحارالانوار کتابی نیست که مؤلف آن درصدد جمع آوری اخبار کاملاً صحیح و معتبر باشد، بلکه کتابی است بزرگ و گسترده در آثار شیعه، که برای حفظ و نگهداری آنها از نابودی و تحریف و انتقال به آیندگان، به چنین سبک زیبایی تنظیم شده است.

با این حال هرچند مؤلف در بعضی از قسمت‌های آن اظهار نظرهای علمی و دقیقی نموده که حاکی از مقام والای علمی او است، ولی به جهت گستردگی کار، در نظر داشته ـ همانگونه که خود در مقدمه گفته است[1] ـ اگر فرصت یافت، کتابی در شرح و توضیح آن بنویسد؛ که متأسفانه برای این کار که می‌توانست جوابگوی بسیاری از سؤالها باشد، مهلت نیافت.

ما با بررسی کتب علامه مجلسی ﷫ می‌بینیم که در بعضی از آنها که بنایش بر نقد و تصحیح بوده آنچنان با ذرّه بین دقت احادیث و روایات را چه از نظر سند و چه از نظر متن بررسی کرده که مورد اعجاب و تحسین همهٔ دانشمندان در طول قرون بوده است، مانند کتاب شریف مرآة العقول شرح بر کتاب کافی و کتاب ملاذ الاخیار شرح بر تهذیب که هم اسناد احادیث را بررسی کرده و صحیح را از غیر صحیح جدا ساخته، و هم راجع به عبارات متن اظهار نظر کرده که مورد تحسین حدیث شناسان و فقها قرار گرفته است.

و یا در همین کتاب (تحفة الزائر) می‌بینیم که زیارات معتبر روایی را آورده و هنگامی که حدیثی را نقل می‌کند صحیح یا موثق یا حسن بودن و غیر آن را بیان می‌کند، تا خواننده به میزان اعتبار آن آگاهی یابد. و همچنین در کتاب اعتقادات که

---

۱. نگاه کن: بحارالانوار ج ۱ ص ۵.

دیـده مـی‌شود چگـونه مـطالب اعـتقادی را دقـیق و عـلمی آورده است. بـنابرایـن بحارالانوار را که یک کتاب جامع و دائـرة المـعارف گـونه است بـا مـرآة العـقول یـا اعتقادات یا تحفة الزائر و... قیاس کردن کار دقیقی نیست، و باید دید مـؤلف در هـر کتابی چه منظوری از تألیف آن داشته و آیا به هدف خود نائل آمده است.

در اینجا نظر چند تن از بزرگان را درباره بحارالانوار نقل می‌کنیم:

امام خمینی ـ قدس سرّه الشریف ـ در این باره نوشته‌اند:

کتاب بحارالانوار که تألیف عالم بـزرگوار و مـحدّث عـالی مـقدار مـحمدباقر مجلسی است، مجموعه‌ای است از قریب چهارصد کتاب و رساله، که در حقیقت یک کتابخانهٔ کوچکی است که با یک اسم نام برده می‌شود. صاحب این کتاب چون دیده کتابهای بسیاری از احادیث است که بـواسـطهٔ کـوچکی و گـذشتن زمـانها از دست می‌رود، تمام آن کتابها را بدون آنکه التزام به صحّت هـمهٔ آنـها داشـته بـاشد، در یک مجموعه به اسم (بحارالانوار) فراهم کـرده، و نـخواسـته کـتابی عـملی بـنویسد، یـا دستورات و قوانین اسلام را در آنجا جمع کند تا در اطراف آن بررسی کرده و درست را از غیر درست جدا کند.

در حقیقت، بحار خزانهٔ همهٔ اخباری است که به پیشوایـان اسـلام نـسبت داده شده، چه درست باشد یا نادرست.

در آن، کتابهایی هست که خـود صـاحب بـحار آنـها را درست نـمی‌دانـد. و او نخواسته است کتاب عـملی بـنویسد، تـا کـسی اشکـال کـند کـه چـرا ایـن کـتابها را فراهم کردی.

پس نتوان هر خبری که در بحار است، به رخ دینداران کشید که آن خلاف عقل یا حسّ است. چنانکه نتوان بی‌جهت اخبار آن را ردّ کرد که موافق سلیقهٔ ما نیست. بلکه در هر روایتی باید بررسی شود، و آنگـاه بـا مـیزانـهایی کـه عـلما در اصـول تـعیین

کرد[ه‌ا]ند. عملی بودن یا نبودن آن را اعلان کرد.[۱]

علامه حاج میرزا ابو الحسن شعرانی ـ أعلی الله مقامه الشریف ـ می‌گوید: کتاب بحارالانوار شیخ بزرگوار، محدث، علامه، و حافظ آثار اهل بیت ﷺ محمد باقر فرزند محمد تقی مجلسی ـ قدس الله روحه ـ به اجماع بزرگان علماء امامیه از جامع‌ترین و فراگیرترین کتابهایی است، که در زمینه احادیث گوناگون و اخبار و موضوعات متفرقه تألیف شده است. و نیز بیش از همه، اهداف مذهب امامیه را شمرده، و مقاصد پیشاهنگان آن را بیان کرده، و اقوال گوناگون علماء را نقل کرده است.

آری این کتاب همچون چشمهٔ جوشانی است که آسان‌تر از همه، جویندگان تشنه خود را از معارف سیراب می‌کند.

این کتاب به گونه‌ای است که هیچ دینداری، خواه فقیه باشد یا محدث یا واعظ یا مورخ یا مفسر یا متکلم و یا حتی فیلسوف حکیم الهی، از آن بی نیاز نیست؛ زیرا همهٔ خواسته‌ها را در خود جای داده است، بلی غوّاصی در این دریا جز برای کسی که در شناگری مهارت دارد جایز نیست، تا در امواج خروشان آن غرق نشود، و از ژرفای آن جز دُرّها را بیرون نکشد.

مؤلف آن ـ اعلی الله مقامه ـ توفیق یافت به گنجهای دانش که برای هر کس رخ نمی‌دهد دست یابد، در نزدش از کتابهای قدمای ما و نسخه‌های کمیاب، آنچنان جمع شد که در هر زمان و هر دیاری پیش نمی‌آید، پس فرصت را غنیمت شمرد، و همه را در یک کتاب گرد آورد تا متفرق نشوند و از میان نروند. و اگر می‌خواست می‌توانست سره را از ناسره جدا کند اما به چند منظور این کار را نکرد، شاید از جملهٔ آنها کمی وقت و تنگی فرصت بود، یا فتح باب اجتهاد، و دفع توهّم کسانی بود که گمان می‌کنند محدّثان، اخبار مخالف با مقصد شان و ناسازگار با مذهبشان را عمداً نقل نمی‌کنند،

---

۱. کشف اسرار ص ۳۱۷ـ۳۱۸.

چنانکه برخی از محدثان اهل سنت از نقل حدیث غدیر سرباز زده‌اند.

لذا او ـ که خدا رحمتش کند ـ هر حدیثی را که یافت (از صحیح و نا صحیح) گرد آورد، و پژوهش در آن را به بعدی‌ها سپرد.[۱]

دیدگاه آیة الله حسن زاده آملی ـ ادام الله أیّام إفاضاته ـ در این باره:

... چون به بحارالانوار رسیده‌ایم، باید گفت: **«کلّ الصید في جوف الفرا»**[۲] مرحوم علامهٔ مجلسی... مجلّد سیزدهم آن را به تاریخ و احوال امام اثنا عشر ـ صلوات الله و سلامه علیه ـ اختصاص داده است و خطبه‌ای موجز و متین و متقن، مناسب با مطالب به عنوان براعت استهلال ذکر کرده است.

... و مجلسی دوم صاحب بحار و مرآة العقول و...، هر یک از این بزرگان را در

---

۱. إنّ كتاب بحارالأنوار للشيخ الجليل المحدّث العلّامة الحفظة محمد باقر بن محمد تقى المجلسى ـ قدّس الله روحه ـ باتّفاق أهل الحل والعقد من علماء أهل البيت أجمع الكتب المصنّفة لشتات الأحاديث الشريفة وأشملها لمتفرّقات الأخبار المنيفة وأحصاها لأغراض المذهب وأبينها لمقاصد روّاد هذا المشرب وأكملها في نقل أقوال العلماء، وأسهلها لطالبى الارتواء مع غزارة مادّتها، وهو بحيث لا يستغني عنه أحدٌ من المنتحلين إلى الدين سواء كان فقيهاً أو محدّثاً أو واعظاً أو مؤرّخاً أو مفسراً أو متكلّماً، بل ولو فيلسوفاً حكيماً إلهياً، لجمعه جميع الاغراض. نعم لا يجوز الغوص فى البحار إلّا للماهر في السباحة حتى لا يغرق في تيار أمواجها، ولا يجتني من قعرها إلّا دُرّها من أثباجها.

وكان مؤلّفها ـ أعلى الله مقامه ـ وفّق للعثور على كنوز علم لا يتّفق لكلّ أحد، فقد اجتمع عنده من كتب أصحابنا الأوائل والنسخ النادرة الوجود ما لا يحصل في كلّ زمان وكلّ بلد، فاغتنم الفرصة وجمعها في كتاب لئلا تتفرّق وتضيع. ولو كان غرضه الاكتفاء بنقل السمين وترك الغثّ لفعل، لكن لم يفعل لأغراضٍ، ولعلّ منها قصر الوقت وضيق الفرصة أو فتح باب الاجتهاد ودفع توهّم من يظنّ أنّ المحدّثين يتركون ما يخالف غرضهم ويباين مذهبهم عمداً حسماً لاحتجاج الخصم به، كما ترك بعضهم من غيرنا نقل حديث الغدير، فجمع ـ رحمه الله ـ كلّ شيءٍ وَجَده، وترك البحث فيها لمن بعده. (بحارالانوار ج ۵۳ مقدمه).

۲. ضرب المثلی است اشاره به اینکه جامع است و هر چه را که در طلبش هستیم در خود دارد. و ترجمه آن چنین است: همهٔ شکار اندر گورخر است (یعنی شکار بزرگی است که هر شکار دیگری در کنارش ناچیز و در او جا می‌گیرد). در کتاب لطایف الامثال و طرایف الأقوال ص ۱۴۵ چنین آمده: این مثل آنجا باید گفت که یک تن را بر بسیار کس از أکفا و أقران او تفضیل نهی.

علوم و فنون و کارهای علمی شان به نوعی است که از عهدهٔ اکثر اهل علم خارج است و آثار قلمی این نوابغ برای ما یک نحو کرامت است.[۱]

نظر آیة الله مصباح یزدی ـ أدام الله أیّام إفاضاته ـ در این زمینه: از بزرگان علما، و فرزانگانشان، و از فحول محدثان و نخبگانشان سرور ما شیخ الاسلام محمد باقر مجلسی ـ رضوان الله علیه ـ است، که در گردآوری و حفظ سنت‌های پیامبرﷺ، و آثار امامان از اهل بیتﷺ بهره‌ای وافر دارد، ثنای عطرآگین، و سپاس پی در پی ما و همه شیعیان بر او باد.

او در گردآوری و تألیف و تنظیم و ترتیب آنها، چنان مشقت و رنج و دردسرهایی را تحمل کرده است که از حدّ بیان بیرون، و قلم و زبان را ناتوان ساخته است، و این نکته بر کسی که در آثار نفیس و ارزشمند او تأمل کند، و در کتاب‌های گرانبها و پر ارزش او بنگرد، و در تألیفات عظیم و پربهای او غور کند پنهان نیست، پس بر ما و بر هر که از میوه‌های آثار او می‌چیند، و در دریاهای پهناورش شنا می‌کند، و از چشمه‌های تألیفاتش می‌نوشد فرض است که برای بزرگداشتش سپاسگزار وی باشیم، و برای ادای حق او بسیار دعایش کنیم، خدا روحش را پاک، و درجه‌اش را بلند و مقامش را والا گرداند.[۲]

---

۱. یازده رسالهٔ فارسی ص۲۱۸، یادنامه مجلسی ج۲ ص۲۱۸، جمع پریشان/ دفتر اول ص۶۵.

۲. من فطاحل العلماء وجهابذتهم، وفحول المحدّثین وعباقرتهم، مولانا شیخ الاسلام محمد باقر المجلسی ـ رضوان الله علیه ـ. وله من تلك الفضیلة حظٌ وافر، وعلیه منّا ومن قاطبة الشیعة ثناءٌ عاطر وشکر متواتر. وقد کابد ـ رحمه الله ـ من المشقّة والتعب، وقاسىٰ من العناء والنصب في الجمع والتألیف والنظم والترصیف ما جاز حدّ البیان، وأعجز القلم واللسان ولیس یخفىٰ ذلك علی من تأمّل فی آثاره النفیسة البهیّة، ونظر في کتبه الثمینة القیّمة، وسَبَر غور تآلیفه الضخمة الفخمة. فعلینا وعلی کلّ من اقتطف من ثمار آثاره، وسبح في أجواء بحاره، وارتشف من مناهل موسوعاته إجمالُ الثناء علیه، اعظاماً لشأنه، وإکثارُ الدعاء له، إیفاءً لحقّه. ـ قدّس الله سرّه ورفع شأنه وأعلی مقامه. (بحارالانوار ج۵۷ ص۳۷۷ـ۳۷۸، جمع پریشان/ دفتر اول ص۶۵).

جواب نقد دوم

از آنجاکه هیچ دانشمندی معصوم نیست، اختلاف نظر علمی در بین آنها و نقد آن یک امر طبیعی و موجب رشد و تکامل است؛ که باید نقدها و برخورد با نظرها عالمانه و مؤدّبانه انجام پذیرند. علامهٔ مجلسی نیز با آن مقام والای علمی، اختلاف نظرهایی با سایر دانشمندان اعم از فقها، حدیث شناسان، متکلمین، و غیر آنها داشته است که نمی‌توان گفت در کلیهٔ این اختلاف آراء او مُصیب بوده و سایر اندیشمندان کاملاً در اشتباه بوده‌اند.

در برخورد با نظریات علامه مجلسی﵀ سه شیوه دیده می‌شود.

۱. نقد با احترام به مقام او.

۲. نقد تُند همراه با جملات نامناسب با شأن او.

۳. برخورد غیر علمی با هتاکی و کلمات جسارت‌آمیز.

و ما در این قسمت به نمونه‌هایی از این سه روش اشاره می‌کنیم:

۱. از جمله کسانی که برخی از نظریات علامه مجلسی را با کمال ادب و احترام نقد کرده‌اند آیة الله مصباح یزدی حفظه الله تعالی می‌باشد، ما پیش از بیان و نقد حضرت استاد مد ظلّه آن بخش از سخن علامه مجلسی﵀ راکه مورد نقد واقع شده است می‌آوریم تا روشن شود نقد ایشان ناظر به کدام بخش از سخن او است:

علامه مجلسی﵀: «بدان که اجماع امامیه بلکه اجماع مسلمین ـ مگر برخی که فیلسوف نما هستند و خود را در میان مسلمانان درآورده‌اند تا اصول آنان را تخریب و عقائد شان را تباه سازند ـ براین است که ملائکه وجود دارد، و آنان اجسام لطیف نورانی هستند که ...».[1]

---

۱. اعلم أنّه اجمعت الإمامية بل جميع المسلمين، الّا من شذّ منهم من المتفلسفين الذين ادخلوا أنفسهم بين المسلمين لتخريب اصولهم وتضييع عقائدهم، على وجود الملائكة، وانّهم اجسام لطيفة نورانية... (بحارالانوار ج ۵۹ ص ۲۰۲).

استاد مصباح: گروهی از متکلمان به بحث دربارهٔ ماهیت ملائکه پرداخته‌اند و قائل‌اند که آنان اجسام لطیفی هستند که به اشکال خوب نمایان می‌شوند. و جمعی از پژوهشگران امامیه و دیگران نیز از آنان پیروی نموده‌اند، سپس گروهی از فلاسفه اسلام که دوست داشتند ظواهر دینی را بر مبنای فلسفی و آراء خود در علوم عقلی تطبیق دهند، ملائکه را بر عقول مجرده و نفوس فلکیه تطبیق داده‌اند، چنانکه هفت آسمان، کرسی، و عرش را نیز به فلک‌های نه گانه منطبق کرده‌اند ـ با اینکه فلک‌های نه گانه فرضیه ایست که علم جدید آن را رد می‌کند ـ، و چون آنها در بعضی از تطبیقات اشتباه کرده‌اند ما به آنان این گمان بد را نمی‌بریم که خود را در میان مسلمانان در آورده‌اند تا دینشان را تباه سازند! چگونه و حال آنکه آنان بسیاری از پایه‌های دین، و قواعد عقلی را که بسیاری از اصول اعتقادی بر محور آنها می‌چرخد استوار ساخته‌اند، چه بسا امثال این اشتباهات از دیگران نیز بیش از آنان سر زده است، هرچند خود می‌پندارند که کار نیک می‌کنند، و ما در حق آنان نیز جز حسن ظن نداریم مگر کسی که دلیل قطعی بر سوء نیت و خباثت باطنی او داشته باشیم، به خدا پناه می‌بریم.

از سوی دیگر ما هیچ دلیلی نداریم که فلاسفه اسلامی ملائکه جسمانی را مطلقاً رد کرده باشند، بلکه دلیل بر خلاف آن داریم.

و از جهت دیگر اگر بپذیریم که اجماع امت یا امامیه بر جسمانی بودن برخی فرشتگان است، هیچ اجماعی بر جسمانی بودن همه ملائکه ـ حتّی کروبیون، و مهیمنین، و عالین ـ نداریم.

بنابراین مسأله به آنگونه که مؤلف ـ که خدایش رحمت کند ـ تصور می‌کند نیست.[۱]

---

۱. تعرّض للبحث عن ماهية الملائكة ثلةٌ من المتكلّمين، فقالوا بكونها أجساماً لطيفة تتشكّلُ بأشكال طيبة

۲. برخی دیگر نسبت به او و بحارالانوار به گونه‌ای به نقد پرداخته‌اند که گاه نقد که باید در راستای اثبات حقایق و جدا نمودن درست از نادرست و اصلاح کاستی‌ها باشد، به سمت تمسخر و حرمت‌شکنی تغییر جهت داده است.

از جمله استاد جلال الدین آشتیانی که ایراداتی بر علامه مجلسی‌ﷺ و بحارالانوار وارد کرده است، و مُحقق معاصر آقای رضا مختاری ده مورد از آنها را عیناً نقل کرده و پس از پاسخ منطقی و مؤدّبانه با اشاره به خطاهای موجود در گفته‌های او چنین می‌نویسد:

اینها ده نمونه از سخنان و تسامحات حضرت استاد آشتیانی در یک مقالهٔ چند صفحه‌ای است. وقتی در مقاله‌ای کوتاه این تعداد سهو و خطا رخ دهد (علاوه بر موارد جزئی دیگر که ذکر نشد) با اینکه مقاله به دلیل چاپ و نشر در شمارگانی وسیع، علی القاعده با دقت نوشته می‌شود، و از سویی دیگر از هفت خوان ویرایش و تحریریهٔ مجله می‌گذرد، چگونه می‌توان انتظار داشت که در کتابی به عظمت بحار، هیچ اشتباهی رخ ندهد؟! با اینکه علامه

← وتبعهم على ذلك رهطٌ من سائر الباحثين من الإمامية وغيرهم. ثمّ إنّ فئةً من فلاسفة الاسلام الذين كانوا يعجبهم تطبيق الظواهر الدينية على المباني الفلسفية وآرائهم في العلوم العقلية عمدوا إلى تطبيق الملائكة على العقول المجرّدة والنفوس الفلكية. كما أنّهم فسّروا السماوات السبع والكرسي والعرش بالأفلاك التسعة، مع أنّها فرضية في نفسها أبطلها العلم الحديث ولأجل أنّهم أخطؤوا في بعض تطبيقاتهم لا نظنّ بهم أنّهم أدخلوا أنفسهم في المسلمين ليضيعوا عليهم دينهم! كيف وقد شيّدوا كثيراً من الأُسس الدينية والقواعد العقلية التي يدور عليها كثيرٌ من الأُصول الاعتقادية. ولعلّ مثل هذه الأخطاء صدر من غيرهم أكثر منهم، وإن كانوا يحسبون أنّهم يحسنون، ولا نظنّ بهم وبغيرهم إلّا خيراً، اللهم إلّا من قام برهان على سوء نيّته وخبث سريرته، نعوذ بالله تعالى.

ثم إنّه لا دليل على إنكارهم ملائكةً جسمانيين مطلقاً إن لم يوجد دليل على خلافه؛ ومن جانب آخر لم يثبت إجماع الأُمة أو الإمامية على جسمانية جميع الملائكة حتى الكروبيين والمهيمنين والعالين، إنْ سلّم دعوى الإجماع على جسمانية بعضهم.

وعلى هذا فالمسألة ليست بتلك المثابة التي تتراءى من كلام المؤلّف ـ رحمه الله تعالى. (حاشيه بحارالانوار ج ۵۹ ص ۲۰۲ ـ ۲۰۳، یادنامه مجلسی ج ۲ ص ۲۱۵ ـ ۲۱۷، جمع پریشان/ دفتر اول ص ۶۳).

موفق به تبییض برخی مجلدات آن و تأمّل دوباره در آنها نشده است.

پیداست که انسان غیر معصوم، مصون از خطا نیست و کسی نگفته که علامه دچار هیچ اشتباهی نشده است. حتی ابن سینا ـ که به گفتهٔ استاد «در نبوغ نظیر ندارد» و به فرمودهٔ امام خمینی قدس سره الشریف: «لم یکن له کفواً أحد» ـ دچار اشتباهات بزرگ شده، و مرحوم صدر المتألهین ـ قدس سره ـ در اسفار (ج۹، ص۱۰۹ ـ ۱۲۰) بیش از ده اشتباه او را بیان کرده و چنین گفته است:

و اما شیخ صاحب «الشفاء» سرگرمیش به امور دنیوی بدینگونه نبوده است، و شگفت آنکه هر گاه بحثش به تحقیق دربارهٔ هویات وجودی ـ نه امور عامه و احکام کلی فلسفی ـ می‌رسد ذهنش کند و ناتوان می‌شود، و این در بسیاری از موارد رخ داده است، از جمله...[1]

بنابراین تبیین اشتباهات دیگران خدمتی به علم است؛ ولی تبیین اشتباه با برهان، با توهین و تمسخر فرق بسیار دارد.[2]

۳. برخی نیز بجای نقد ناسزا گفته‌اند که در این زمینه حضرت آیة الله سبحانی چنین نوشته‌اند:

«بعضی از مستشرقان چون «ادوارد براون» مؤلف تاریخ ادبیات ایران و بعضی از نویسندگان معاصر یعنی نویسندگانی که از نشر روایات خاندان عصمت و طهارت دلشاد نمی‌باشند، مجلسی را با نیزه‌های انتقادی خود، هدف قرار داده‌اند و در ترکش آنان جز ناسزاگویی چیز دیگری وجود ندارد که این خود از نقد منطقی کاملاً به دور است. اینها غیر از این موضوع راهی برای

---

۱. وأمّا الشیخ صاحب الشفاء فلم یکن اشتغاله بأمور الدنیا علی هذا المنهاج والعجب أنّه کلّما انتهی بحثه إلی تحقیق الهویات الوجودیة دون الأُمور العامّة والاحکام الشاملة تبلّد ذهنه وظهر منه العجز، وذلك في کثیرٍ من المواضع، منها:... (الحکمة المتعالیة في الاسفار العقلیة الأربعة لصدر الدین محمد الشیرازي ج۹ ص۱۰۹ ـ ۱۲۰).

۲. یادنامه مجلسی ج۲ ص۲۱۶.

حمله به مجلسی نیافته‌اند و همواره او را به کم خردی و به تلاش بی‌ثمر متهم می‌کنند.

البته هیچ کدام از این مسائل، از شخصیت و مقام شامخ علامهٔ مجلسی نمی‌کاهد، چون گفته شده است که: «آن کس که تألیف کند، هدف قرار خواهد گرفت».

چنانچه علامه در صدد جلب رضایت این نوع افراد می‌بود، لازم بود که دست از تلاش بر می‌داشت. اما پشتوانه و حامی وی فقط رضایت خداوند متعال و پیامبر گرامیش و امامان معصوم بوده است. بیت زیر، گویای زبان حال اوست:

إذا رَضِيَتْ عَنّي كِرامُ عَشيرتي   فَلا زال غضباناً عَلَيَّ لِئامُها

هرگاه بزرگواران قومم از من خشنود گردند، در عوض، فرومایگان آن از من خشمگین خواهند شد».[1]

---

۱. یادنامهٔ مجلسی ج ۱ ص ۳۶۵ ـ ۳۶۶.

ب: انتقادهای سیاسی

۱. حضور در دربار صفویه

یکی از انتقادهایی که بر عملکرد سیاسی علامهٔ مجلسی شده، حضور وی در دستگاه حکومت صفوی و همکاری با سلاطین معاصر خود و به عبارت صریحتر، وارد کردن اتهام عالمِ درباری بودن، نسبت به ایشان است.

آنچه در پاسخ به این انتقاد می‌توان گفت، این است که رابطه داشتن با سلاطین و همکاری با آنها در امور سیاسی و مذهبی، امر تازه و بدیعی نبوده که مجلسی آغازگر آن باشد. معاشرت با سلاطین با اغراض صحیح، امری است که در طول تاریخ اسلام، از دوران حضرت علی‌ؑ مرسوم و معمول بوده است. از نمونه‌های حضور امامان و علمای شیعه در دربار خلفا و سلاطین، به موارد متعددی می‌توان اشاره کرد، مانند حضور حضرت علی‌ؑ در دستگاه خلافت خلفای ثلاث و در بعضی موارد همکاری با آنها، پذیرش منصب ولایت اهواز توسط عبدالله نجاشی یکی از اصحاب امام صادق‌ؑ در حکومت منصور دوانیقی، قبول منصب وزارت از سوی علی بن یقطین به توصیهٔ امام موسی کاظم‌ؑ در زمان خلافت هارون الرشید، قبول ولایت عهدی مأمون عباسی از طرف امام رضاؑ، همچنین وزارت یافتن خواجه نصیر الدین طوسی در دستگاه سلطنتی هلاکوخان مغول، رابطهٔ علامهٔ حلی با الجایتو ـ سلطان مغول ـ و نیز در دوران صفویه، حضور و مشارکت سیاسی علمای برجسته و مشهور شیعه مانند محقق کرکی، شیخ بهایی، محمد تقی مجلسی، محمد باقر سبزواری، آقا حسین خوانساری و علامهٔ مجلسی در حکومت صفوی و قبول مناصب و مشاغل سیاسی مذهبی توسط آنها، همه و همه، گویای این حقیقت است که همکاری علمای شیعه با حکام مسلمان شیعه و سنی، به منظور ترویج دین و تقویت مبانی مذهب جعفری، امری جایز و گاه واجب بوده است. بنابراین، اگر کسی به یکی از علمای بزرگ که

مورد احترام دانشمندان دینی هستند، خرده بگیرد، باید نسبت به عملکرد همهٔ آنها پاسخ‌گو باشد؛ زیرا انتقاد از برخی از آنها در عمل مشترک، دور از انصاف است.

حضور علامهٔ مجلسی در دربار صفوی و همکاری، مشارکت و مشاورهٔ او با سلاطین معاصر در امور سیاسی، و قبول منصب شیخ الاسلامی بنابر مصالحی از قبیل اجرای احکام دینی، امر به معروف و نهی از منکر، دفع ظلم ظالم از مظلوم[1]، ترویج مذهب امامیه و معارف شیعه در قبال تبلیغ مذهب اهل تسنن توسط مخالفان در دولت عثمانی بوده است.

رعایت اصل مصلحت، امر به معروف و نهی از منکر، اصل نصیحت حکام و سلاطین[2]، و مراعات اهم و مهم در مقام تزاحم تکالیف شرعی، از قواعد فقهی و اصولی مذهب شیعه است که مبنای مشروعیت رابطه داشتن و همکاری علما با سلاطین به حساب می‌آید. البته در این میان، پادشاهان صفویه نسبت به سایر سلاطین، از امتیاز ویژه‌ای برخوردار بودند، و آن عبارت از این بود که سلاطین این سلسله، از آغاز تا فرجام، مروّج تشیّع، مجری احکام شریعت، و حامی دین و علمای دینی بودند. حتی برخی از سلاطین این سلسله چون شاه طهماسب اول، سلطنت را حق مجتهد و نایب امام زمان ـ عجل الله تعالی فرجه ـ می‌دانست و خود را عامل مجتهد، معرفی می‌کرد. در واقع، در طول دوران صفویه به جز دورهٔ کوتاه شاه اسماعیل دوم، سلاطین صفویه جملگی

---

۱. در صفحه ۴۹ گذشت که او اجرای سه امر را از شاه سلطان حسین خواستار شد. طرح این خواسته‌ها از سوی علامه مجلسی نشانگر وضع نابسامان اجتماعی و فساد اخلاقی و ناامنی در آن زمان، و دغدغه و اهتمام او نسبت به این وضعیت است، که با استفاده از فرصت بدست آمده در مقام رفع و مقابله با ریشه‌های آن برآمد.

۲. تنظیم رساله‌ای از سوی علامه مجلسی که شامل ترجمه عهد نامه حضرت علی؈ به مالک اشتر و چند حدیث دیگر در آداب سلوک حاکم با رعیت به منظور «تنبیه ارباب غفلت و اصلاح اصحاب دولت»، نشانگر آن است که اصلاح حکومت و حکّام، و جهت دادن آنان به سمت مقرّرات شرع و عدالت اسلامی از انگیزه‌های حضور او در این صحنه و قبول این سمت بوده است.

تابع و مجری نظرهای علمای شیعه بودند. در تأیید مطالب فوق شواهد تاریخی فراوانی را از منابع دوره صفویه می‌توان ارائه نمود... لذا علمای شیعه حفظ و تقویت یگانه حکومت مقتدر شیعی را که مدافع عقاید و مذهب تشیّع و عالمان شیعی و کشور شیعه در برابری مخالفان بوده است، بر اساس اصول و مبانی مذکور، وظیفهٔ شرعی خود می‌دانستند و دانشمند مورد مطالعه ما نیز از این قاعده مستثنی نبود.[۱]

سلاطین صفوی:

کتابهایی که بعد از صفویه نوشته شده، سعی دارند سلاطین صفوی را افرادی حقّه باز و عیاش معرّفی کنند[۲]؛ ولی کتابهایی که در زمان صفویه نوشته شده مثل تاریخ عالم آرای عباسی و نوشته‌های میرداماد در کتاب اربعة ایام[۳] و گفته‌های شیخ بهایی[۴] و امثال این بزرگان مطلب را به گونهٔ دیگر بیان کرده‌اند. از گفته‌های این بزرگان، استفاده می‌شود که حد اقل بعضی از آنان دارای معتقدات درست و اهل عبادت و اطاعت بوده‌اند. بررسی این امر مقالهٔ مستقلی می‌طلبد. غرض اینکه قضاوت عجولانه و پذیرش شایعات از انصاف به دور است.

تاریخ‌نویسان بعد از صفویه نوعاً می‌نویسند: سلطان حسین مردی ساده لوح و ترسو بود. وی در مقابل افغان‌ها به زودی تسلیم شد؛ ولی صاحب روضات در شرح حال ملا اسماعیل خواجویی از مرحوم خاتون آبادی که خود، حاضر صحنه بود نقل کرده که هشت ماه قوای دولت در مقابل افغان‌ها ایستادگی کردند...[۵]

---

۱. یادنامه مجلسی ج ۲ ص ۲۱ ـ ۲۲.

۲. لغت نامه دهخدا ج ۲۰ ص ۴۵۶؛ لطیفه‌های سیاسی محمود حکیمی ص ۲۶۴.

۳. رساله اربعة ایام ضمیمه مزار آقا حسین خوانساری ص ۴۲، کنگره آقا حسین خوانساری ۱۳۷۷، به کوشش آیة الله استادی.

۴. نگاه کن: جامع عباسی ص اول، منتخب التواریخ ص ۶۱۶ـ۶۱۸.

۵. یادنامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۶۲ ـ ۱۶۳.

نقش حضور، در حفظ کشور

«وقتی که شاه سلیمان مرد، فرزندش سلطان حسین در ۲۵ سالگی به سلطنت رسید، آن زمان ایران در معرض حمله افاغنه و ازبک‌ها و قدرت‌های عثمانی قرار داشت. اگر امثال مجلسی شاه جوان را هدایت نمی‌کردند، خطر دشمن در همان سالیان اول به جای اصفهان، کشور را نابود می‌کرد. در این وضع آشفته باید دید وظیفه شرعی چیست؟[۱]

التماس شاه سلیمان و قبول منصب شیخ الاسلامی

در زمانی که سلاطین با جملاتی چون: فرمان دادیم، امر فرمودیم، اراده نمودیم، به پابوس آمدید و... با وزیران و صاحب منصبان سخن می‌گفتند، شاه سلیمان صفوی در حضور بزرگان مملکت چندین بار از علامه مجلسی التماس می‌کند و کلمهٔ التماس بر زبان می‌آورد که علّامهٔ مجلسی‌ﷺ منصب شیخ الاسلامی را بپذیرد، در این زمینه مورخ شهیر خاتون آبادی می‌نویسد: «**شاه سلیمان صفوی... مکرر بر زبان**

---

۱. در کتاب (اندیشهٔ سیاسی علامه مجلسی) بعد از آنکه دو قول پیرامون نزدیک شدن علما و دخالت آنها در حکومت نقل می‌کند که گروهی نزدیک شدن علما را موجب سقوط صفویه دانسته و گروهی نبودن عالمانی بزرگ چون علامه مجلسی را برای ارشاد حکومت موجب سقوط آنها دانسته‌اند و هر کدام را با دقت و انصاف تجزیه و تحلیل می‌نماید چنین آمده:

«از مطالب گذشته نتیجه می‌گیریم که تعدّد علل و عوامل شکست و انقراض سلسله صفویه، و پیچدگی آنها باعث شده است تا برخی از نویسندگان به خطا، عامل مهم موفقیت این سلسله، یعنی حضور و مشارکت فعّال روحانیون در امور سیاسی و حکومتی، به ویژه رفتار سیاسی شخصیت مورد مطالعه ما را از عوامل انقراض آن سلسله به شمار آورند. لیکن به شهادت منابع تاریخی این دوران، علمای دینی از آغاز تأسیس دولت صفویه تا فرجام آن، از پایه‌های مهم اقتدار سلسلهٔ صفویه محسوب می‌شدند؛ بنابراین در قبال نظریه مذکور اگر ادعا کنیم که یکی از عوامل مهم انقراض سلسله صفویه، فقدان حضور مجتهد متنفذ و شیخ الاسلام مقتدر در عرصه سیاسی ایران در دورهٔ پایانی سلطنت این سلسله بوده است، به گزاف سخن نگفته‌ایم». (اندیشهٔ سیاسی علامه مجلسی ص۶۳_۶۴)

خجسته بیان لفظ التماس جاری ساختند...»[۱].

از آنچه گفته شد معلوم می‌گردد که علّامهٔ مجلسی و سایر علما نیازی به سلاطین صفوی نداشتند، بلکه آنها محتاج این بزرگان بودند، و اینان به مقتضای مصالح اسلام و انجام وظایف شرعی برای پیاده نمودن حق و عدالت و سربلندی اسلام این مناصب را قبول می‌کردند؛ همانگونه که قبول نکردن و ابا نمودن آنان از قبول چنین مناصبی نیز بر همین مبنا است، و همه حکایت از آن دارد که معیار آنها آن چیزی است که به عنوان وظیفه و مسؤولیت دینی در هر زمان تشخیص می‌دادند.

شاهدی بر گفتار

۱. «از مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد خوانساری نقل شده که یکی از راهیان سیر و سلوک و آگاهان به علوم غریبه که از هوش سرشار آقا حسین خوانساری در دوران تحصیلات او با خبر بوده، بعد از آنکه آقا حسین استاد کل گشته و شیخ الاسلامی دربار شاهان صفوی را قبول کرده است با او ملاقات می‌کند و به او می‌گوید: حیف از آن استعداد و نبوغ و تحصیلات عالیه که آن را سرانجام به دربار سلاطین معاوضه کردی. آقا حسین می‌فرماید: این پست را برای قضای حوائج مسلمین انتخاب کردم نه برای گذران امر زندگی خودم. آن عارف می‌گوید: اگر چنین است حق با تو است».[۲]

۲. محدث نوری در خاتمهٔ مستدرک الوسائل به نقل از تاریخ خاتون آبادی نقل می‌کند که در سال ۱۱۱۵ شاه سلطان حسین صفوی از جمال المحقّقین خوانساری می‌خواهد که منصب شیخ الاسلامی را بپذیرد، و او جواب ردّ می‌دهد؛ و همچنین

---

۱. وقایع السنین والاعوام، صدهٔ یازدهم هجرت ص ۵۴۰، انتشارات کتابفروشی اسلامیه، تصحیح محمد باقر بهبودی.

۲. یادنامه مجلسی ج ۲ ص ۱۶۲.

عالم بزرگوار میر محمدباقر خاتون آبادی نیز از قبول آن سر باز می‌زند.[۱] و در کتاب وقایع السنین و الأعوام چنین آمده:

اصرار پادشاه با جمعی از اشراف و عالیجاهان چون ابراهیم آقا یوزباشی و اسماعیل آقا جبّه دار باشی و جعفر قلی آقا و میرزا ابراهیم واقعه نویس و میرزا اشرف منجم باشی و میرزا معزّ حکیم باشی، با اصرار این جمع از بزرگان و سلطان وقت، عالم کامل میر محمد باقر با بیان وجوه شرعیه از پذیرش این شغل عذر خواهی کرد، و بالاخره با مشاوره ایشان و آقا جمال چهار نفر برای پذیرش این منصب معرفی شدند، و مرحوم میر محمد صالح این منصب را پذیرفت.[۲]

۲ـ مدح و ثناگویی سلاطین صفویه

دومین انتقادی که نسبت به رفتار سیاسی علامهٔ مجلسی شده است، مدح و ثناگویی سلاطین صفوی است که در دیباچهٔ برخی از کتب فارسی او آمده است. وی در مقدمهٔ برخی از تألیفات فارسیش مانند: حق الیقین، زاد المعاد و رسالهٔ ترجمهٔ قصیدهٔ دعبل خزاعی، پادشاهان معاصر خود را ستوده و القابی در مدح آنان آورده است. برخی از نویسندگان معاصر، رفتار مزبور علامهٔ مجلسی را مورد انتقاد قرار داده‌اند. به ویژه، وی از جانب مؤلف کتاب تشیع علوی و تشیع صفوی مورد شدیدترین اعتراضات و نکوهش‌ها قرار گرفته است.

در پاسخ به این انتقاد جوابهای متعددی داده شده که اجمالاً به آنها اشاره می‌شود:

اولاً: همان‌گونه که در پاسخ مورد اول گفته شد، علامهٔ مجلسی، آغازگر

---

۱. مستدرک الوسائل ج ۱۹ (خاتمه) ص ۳۰۷.

۲. وقایع السنین والاعوام، صده دوازدهم هجرت ص۵۵۵ ـ ۵۵۴.

این رسم در بین علمای شیعه نبوده و آخرین آنها هم نیست. تألیف کتاب و اهدای آن به سلاطین، و مدح و ثنای آنها در مقدمهٔ اینگونه تألیفات، از زمان شیخ صدوق‌﴿﴾، معمول و مرسوم بوده و عدّهٔ زیادی از علمای شیعه، به این مرسومات عمل نموده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

شیخ صدوق‌﴿﴾، کتاب عیون اخبار الرضا﴿﴾ را به اسم صاحب بن عبّاد، وزیر فخر الدوله دیلمی تألیف کرد و آن را به وی اهدا نمود.

علامهٔ حلّی، به پاس خدمات و اقدامات الجایتو در رسمیّت بخشیدن به مذهب تشیّع، کتابهای معروف خود در بحث امامت، یعنی نهج الحق و کشف الصدق و منهاج الکرامة را به سلطان مغول اهدا کرد و او را در مقدمه این دو کتاب، با اوصاف و القاب اغراق‌آمیزی ستود.

... عبد الرزاق لاهیجی، گوهر مراد را به شاه عباس ثانی اهدا کرد.

همچنین ملا محسن فیض کاشانی، آقا جمال خوانساری و میر محمد حسین خاتون آبادی، برخی از تألیفاتشان را به نام سلاطین معاصر خود، تألیف و به آنان اهدا کردند. مانند نمونه‌های فوق، در میان عالمان شیعه بسیار است و علامهٔ مجلسی نیز مانند دیگر علمای معاصر خود، به رسم معمول عمل کرده است.

ثانیاً: علما از باب نصیحت ملوک، این کتابها را به نام آنها می‌نوشتند و هدف آنها از اهدای این کتب به سلاطین، متنبّه و بیدار ساختن پادشاهان معاصر خود بوده است.

ثالثاً: غرض علما از اهدای آثار برجستهٔ خود به سلاطین، حفظ و بقای آثار خود و امکان استفادهٔ عموم از آن تألیفات بوده است.

در پایان سخن، نکته‌ای که در مورد علامهٔ مجلسی گفتنی است اینکه این شخصیت بزرگ، اثر مشهور خود، یعنی کتاب بحارالانوار را به نام هیچ یک از پادشاهان معاصر خود، نکرده است. وی تنها برخی از کتبی را که در ایام تصدی منصب شیخ الاسلامی به رشته تحریر در آورده، به پادشاهان معاصر خود اهدا کرده، و غرض وی همانگونه که گفته شد، نصیحت حکام مسلمین و

متنبّه ساختن آنها به وظایف دینی شان بوده است.[۱]

«در خاتمه، مختصراً به علل و انگیزه‌های انتقاد برخی از نویسندگان نسبت به اندیشه و عمل سیاسی عالمان شیعه در دوران صفوی می‌پردازیم. در مورد ریشه یابی علل و انگیزه‌های این انتقادها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد.

نخستین علّت، عدم اطّلاع کامل منتقدان، از اوضاع و شرایط سیاسی - اجتماعی حاکم بر روابط سیاسی علما با سلاطین معاصر آنها است.

دومین عامل، نا آگاهی اینگونه نویسندگان نسبت به مسؤولیت بزرگ و مهم علمای دینی در برابر هدایت جامعه و ترویج دین و مذهب امامیه است.

انگیزه سوم، سوء نظر مستشرقان و پیروان آنها نسبت به عالمان دین، به ویژه عالمان شیعه است».[۲]

«علاوه بر آنچه گفته شد، نکتهٔ مهمّی را که باید در تبیین اندیشه سیاسی عالمان دینی و ارزیابی عملکرد سیاسی شان مورد توجه و تأمّل قرار داد، این است که اندیشهٔ سیاسی و رفتار سیاسی آنان را باید بر اساس مبانی نظری خودشان و نیز بر مبنای مقتضیات اوضاع سیاسی اجتماعی و به عبارت دیگر، براساس شرایط زمان و مکان آن دوران، مورد نقد و بررسی قرار دهیم و بعد از آن، به داوری بپردازیم که آیا در آن زمان، با توجه به شرایط نظری و واقعی، اتخاذ چنان موضعی و یا انتخاب چنان عقیده‌ای صحیح و درست بوده است یا نه؟ والّا اگر اندیشه و عملکرد آنها را از چارچوب و بستر زمان و مکان خارج نموده، مطابق با شرایط فرهنگ و افکار عمومی معاصر، مورد مقایسه و قضاوت قرار دهیم، علاوه بر خطای نظری، دچار خطای عملی و ظلم نسبت به صاحبان اندیشه و گمان ناصواب در حقّ عالمان بزرگ شیعه نیز شده‌ایم.

---

۱. یادنامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۲۱ - ۲۴ با اندکی تغییر.

۲. همان ص ۲۶، به نقل از علامهٔ مجلسی و آثار فارسی او ص ۸۱ - ۸۲.

نتیجه گیری:

با توجه به نمونه‌های تاریخی همکاری ائمهٔ معصوم علیهم السلام با خلفا، و نیز تعامل و روابط نزدیک علمای شیعه با سلاطین و پادشاهان جائر، موضع و عکس العمل سیاسی علامهٔ مجلسی در قبال سلاطین صفوی، و نیز عملکرد سیاسی وی را می‌توان بازتابی از شرایط محیط سیاسی و تاریخی او، و نیز پاسخی مثبت و کارآمد نسبت به نیازها و مقتضیات جامعهٔ سیاسی و دینی در عصر این دانشمند، و استفاده مطلوب و عملی از اختیارات ولی فقیه در مسائل حکومتی، و واکنش بهنگام در برابر ناهنجاری‌های سیاسی اجتماعی، و بالأخره، حسنّ مسؤولیت پذیری وی در اصلاح جامعه مسلمانان دانست. از این رو، انتقادات برخی از نویسندگان نسبت به رفتار سیاسی این اندیشمند، ناعادلانه، غیر علمی و غیر مستند به واقعیات تاریخی است». [۱]

نمونه‌ای از موارد مدح و ثنای مورد انتقاد در کتب علامه مجلسی

همانگونه که ذکر شد، در مقدمهٔ بعضی از کتب علامه مجلسی مدح و ثنای سلطان معاصر دیده می‌شود که از آن جمله است کتاب (زاد المعاد).

«... در کشور خودمان بعضی از نویسندگان، صفحه اول کتاب زاد المعاد مرحوم مجلسی را فتوکپی و بین بعضی از دانشجویان توزیع کرده بودند. به دنبال عبارات مقدمه زاد المعاد که مشتمل بر مدح و ثنای شاه سلطان حسین صفوی است نوشته بود: ببینید این عالم صفوی درباری در کتاب دعا که وضع شده برای (انقطاع عن الخلق و توجه به خالق) چه تمجیدی از سلطان صفوی نموده است. نگارنده گوید:

این شخص که خود را دلسوز مذهب معرفی کرده بود، هرگاه با خبرگان فنّ مشورت و انصاف را رعایت می‌کرد، خود را گرفتار اهانت به مرزبان دیانت نمی‌کرد.

---

۱. یادنامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۲۶ ـ ۲۷.

اولاً: اینگونه مقدّمه نویسی، معلوم نیست از مؤلّف باشد زیرا شواهدی در کار است که ناسخان در مقدمه کتابها تصرّف، و چیزهایی را از پیش خود اضافه می‌کردند.

ثانیاً: نزد این جانب یک نسخهٔ خطی قدیمی از زاد المعاد است که ذکری از سلطان حسین در آن نیست. همانگونه که در مقدمهٔ بحار و تحفة الزائر و بسیاری از کتابهای دیگر ایشان این امر وجود ندارد.

ثالثاً: شرایط و موقعیّت تاریخی کشور و خطراتی را که متوجّه کشور و اساس مذهب بوده باید در نظر گرفت، نه اینکه چشم بسته شروع به هتّاکی نمود».[1]

از آنچه گفته شد نتیجه می‌گیریم که:

الف) مجلسی عالمی بیدار و سیاستمداری هوشیار بوده است.

ب) مجلسی در اثر آتیه بینی علاوه بر آنکه برای پیش‌گیری از اندراس و نابودی میراث فرهنگی مذهب، کتاب بحارالانوار را تألیف نمود و با این تدبیر بزرگترین دائرة المعارف شیعی را به وجود آورده، از تحریف کتابهای اهل سنت نیز جلوگیری کرد و راه این خطر را تا حدّ زیادی مسدود نمود و با هشداری که داد وظیفهٔ آیندگان را در مقابل تحریف محرّفان؛ و خیانت خائنان روشن ساخت.

ج) آنچه علامه به آن هشدار داد، امروز شاهد آن هستیم و باید تا حدّ امکان از تحریف حقایق جلوگیری نماییم.

د) با تحقیقی که نسبت به مقدمه زاد المعاد و امثال آن به عمل آمد مشخص شد که مدح و ثنای سلاطین در اول این کتاب و بعضی دیگر از

---

۱. یادنامهٔ مجلسی، ج ۲ ص ۱۶۱.

تألیفات این عالم ربانی مربوط به ناسخان این کتابها است، و یا محمول بر تشخیص وظیفه در شرایط خاص زمانی و مکانی بوده است.

هـ) بر متصدّیان کتابخانه‌های ایران اسلامی است که از نسخه‌های خطی و چاپی بدون تحریف حدّ المقدور محافظت نموده و به ارباب تحقیق اجازه دهند برای ابطال تحریفات از آنها عکس‌برداری نمایند تا راه علامه مجلسی در حفظ کیان و مذهب ادامه یابد.[۱]

۱. یادنامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۶۳ ـ ۱۶۴.

جواب امام خمینی﷫
به انتقاد از رابطه علما با سلاطین

در باب امور سیاسی، آن مقداری که من عرض کردم که تاریخ نمی‌دانم و اگر دیده باشم یادم نمانده است دیگر حالا، اما خوب این تاریخ صد ساله، صد و چند سالهٔ اخیر در دست است، ما یک خرده جلوترش می‌رویم می‌بینیم که یک طایفه از علما، اینها گذشت کرده‌اند از یک مقاماتی و متصل شده‌اند به یک سلاطین، با اینکه می‌دیدند که مردم مخالفند، **لکن برای ترویج دیانت و ترویج تشیع اسلامی و ترویج مذهب حق، اینها متصل شده‌اند** به یک سلاطینی و این سلاطین را وادار کردند خواهی نخواهی برای ترویج مذهب، مذهب تشیع. اینها آخوند درباری نبودند، این اشتباهی است که بعضی نویسندگان ما می‌کنند، اطرافیان سلاطین این آقایان بودند، **اینها اغراض سیاسی داشتند، اغراض دینی داشتند.** نباید یک کسی تا به گوشش خورد که مثلاً مجلسی رضوان الله علیه، محقق ثانی رضوان الله علیه، نمی‌دانم شیخ بهائی رضوان الله علیه، با اینها روابط داشتند و می‌رفتند سراغ اینها، همراهی شان می‌کردند، خیال کند که اینها مانده بودند برای جاه و ـ عرض می‌کنم ـ عزّت و احتیاج داشتند به اینکه سلطان حسین و شاه عباس به آنها عنایتی بکنند، این حرفها نبوده در کار، آنها گذشت کردند، یک گذشت، یک مجاهدهٔ نفسانی کردند **برای اینکه این مذهب را به وسیلهٔ آنها، به دست آنها ترویج کنند.** در یک محیطی که اجازه می‌گرفتند که شش ماه دیگر اجازه بدهید ما حضرت امیر را سبّ کنیم، وقتی جلوگیری از سبّ حضرت امیر می‌خواستند بکنند ـ در یکی از بلاد ایران شنیدم اجازه خواستند که خوب شش ماه دیگر

صبر کنید ما سبّش بکنیم ـ اینها در یک همچو محیطی که سبّ حضرت امیر اینطورها بوده و رایج بوده و از مذهب تشیع هیچ خبری نبود و هیچ اسمی نبوده، اینها رفتند مجاهده کردند، خودشان را پیش مردم، مردم آن عصر شاید اشکال به آنها داشتند از باب نفهمی، چنانچه حالا هم اگر کسی اشکال کند نمی‌داند قضیه را، غرض ندارد، نمی‌داند قضیه را، زمان ائمه هم ـ خوب ـ بودند، **علی بن یقطین از وزرا بود**، در زمان ائمه هم بودند، حضرت امیر بیست و چند سال به واسطهٔ مصالح عالیهٔ اسلام در نماز اینها رفت ـ عرض بکنم که ـ تبعیت از اینها کرد برای اینکه یک مصلحتی بود که فوق این مسائل بود، سایر ائمه علیهم‌السلام هم گاهی مسالمت می‌کردند، یک وقتی نمی‌شد آن وقت چه می‌کردند. مصالح اسلام فوق این مسائلی است که ما خیال می‌کنیم، این دسته از علمایی که جانفشانی کردند و خودشان را جور می‌کردند که حالا شما به آنها اشکال می‌کنید از باب اینکه اطلاع بر واقعه ندارید، نه اینکه سوء قصد دارید، نه اینکه سوء نیّت دارید، اطلاع از واقعیات ندارید، **این آدم سازی است، نه این است که اینها درباری شدند، اینها می‌خواهند آدم بسازند.**[1]

انسان سازی انبیا و علما

امثال مرحوم مجلسی که در دستگاه صفویه بود، صفویه را آخوند کرد، نه خودش را صفویه کرد. آنها را کشاند توی مدرسه و توی علم و توی دانش و اینها تا آن‌اندازه‌ای که البته توانستند... **برای اینکه مقصد این است که انسان درست بکنیم. اگر انسان بتواند که محمد رضا را انسان کند، بسیار کار خوبی است.** انبیا برای همین آمده‌اند. پیغمبر اکرم برای خاطر اینکه این کفار مسلمان نمی‌شدند و اعتنا به این مسائل را نمی‌کردند غصه می‌خورد، **﴿فَلَعلَّك باخِعٌ نَفْسَك﴾**[2].[3]

---

۱. صحیفه نور ج ۱ ص۲۵۸ ـ ۲۵۹.

۲. سورهٔ کهف، آیه ۶.　　۳. صحیفه نور ج۸ ص۸.

اساتید و مشایخ اجازهٔ علامه مجلسی

این عالم بزرگ که در نشر و بسط معارف اسلامی و علوم اهل بیت علیهم السلام و تربیت عالمان و مروّجان دین نقش بارزی داشت، خود از محضر گروهی از اساتید و شخصیتهای برجستهٔ آن زمان در رشته‌های مختلف کسب علم و معارف نمود، و اجازهٔ روایت گرفت. در این بخش نام جمعی از آنها که در دست بود آورده می‌شود:

۱ـ ابو الحسن مولی حسن علی بن مولی عبد الله بن حسین شوشتری اصفهانی رحمه الله، مؤلف کتاب تبیان در فقه، متوفای سال ۱۰۷۵. علّامهٔ مجلسی در شمار تعدادی از بزرگان مشایخ و اساتید خود می‌گوید: الافضل الاکمل مولانا حسن علی التستري.[۱]

۲ـ امیر حسین بن حیدر عاملی کرکی رحمه الله صاحب تألیفاتی گرانقدر، علامه مجلسی در صحت کتاب فقه الرضا بر ایشان اعتماد نموده است.[۲]

۳ـ شیخ عبدالله بن جابر عاملی رحمه الله، پسر عمّهٔ مجلسی اوّل.[۳]

---

۱. بحارالانوار ج ۱۱۰ ص ۱۵۶، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۷۶ ش ۳، مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص ۲۰۱ ش ۱۷، در تاریخ وفاتش گفته شده: عَلَم عِلم بر زمین افتاد. و در امل الآمل ج ۲ ص ۷۴ ش ۱۹۹ سال وفاتش را ۱۰۶۹ ذکر نموده است.

۲. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۸۱ ش ۱۴، مستدرک الوسائل ج ۱۹ (خاتمه) ص ۲۹۸، و ج ۲۰ ص ۱۹۵ ش ۱۳.

۳. لؤلؤة البحرین ۱۵۰، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۹۲، مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص ۲۱۰ ش ۱۸، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۸۰ ش ۱۱، وص ۱۰۷، تکملة أمل الآمل ص ۱۱۶. و در دو مورد اخیر آمده است: «ابن عمّة والدة والدی» و در یکی از اجازات مخطوط در آخر بحارالانوار ج ۱۱۰ چنین آمده: ... ومنها ما أخبرني به والدی قدّس الله نفسه عن جماعة، منهم...، وابنُ عمة والده الشیخ الجلیل عبدالله بن الشیخ جابر العاملی...

۴ـ سید علی بن أحمد حسنی حسینی شیرازی، مصنف (ریاض السالکین) در شرح صحیفه کامله و (سلافة العصر) و (الکلم الطیب) و شرح بر صمدیه و کتب دیگر، معروف به سید علی خان مدنی، متولد سال ۱۰۵۲ در مدینه منوره، و متوفای حدود سال ۱۱۲۰.[۱]

۵ـ امیر علی بن حجّة الله حسنی حسینی شولستانی، مؤلف کتاب (توضیح الاقوال) و (کنز المنافع فی شرح مختصر النافع) و کتب دیگر، و متوفای سال ۱۰۶۰.[۲]

۶ـ شیخ علی بن شیخ محمّد بن شیخ حسن بن شهید ثانی، مؤلف کتب ارزشمندی از جمله شرح کافی و حاشیه‌هایی بر شرح لمعه و غیر آن، و متوفای سال ۱۱۰۳ در سن ۹۰ سالگی.[۳]

۷ـ امیر فیض الله بن غیاث الدین محمّد طباطبائی کوهپائی.[۴]

۸ـ مولی محسن فیض کاشانی مؤلف کتاب (الوافی) و (الصافی)، حکیم و عارف و محدث بزرگ و مفسّر و دارای تألیفات بسیار، و به نقل از سید نعمة الله جزائری گفته شده است که تعداد آنها قریب به ۲۰۰ کتاب و رساله است. وفاتش در سال ۱۰۹۱ بوده است.[۵]

---

۱. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۸۱ ش۱۶، مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص۱۴۷ وص۱۷۷ ش۷، فوائد رضویه ص۲۶۹ ـ و در ص ۲۷۲ آمده: سید علی خان مذکور پنج حدیث از پدرش از آبائش تا به امیر المؤمنین از رسول خدا نقل نموده که آن را مسلسل به آباء گویند و این از خصائص آباء کرام این سید است ـ، امل الآمل ج ۲ ص ۱۷۶ ش۵۲۹. و در ص۸۸ ش ۶۱ خواهد آمد که او هم از علامه مجلسی مجاز است.

۲. جامع الرواة ج ۲ ص ۵۵۱، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۷۸ ش۷، مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص۱۵۹ ش ۲ وص ۱۸۰ ش ۱۰، فوائد رضویه ص۲۰۸.

۳. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۷۸ ش۸، مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص ۱۸۱ ش ۱.

۴. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۸۲ ش۱۸.

۵. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۸۱ ش۱۵، مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص۲۳۵ ش ۲۰، فوائد رضویه ص ۶۳۳ ـ ۶۴۱، امل الآمل ج ۲ ص۳۰۵ ش۹۲۵.

۹ـ شیخ محمّد بن حسن حرّ عاملي‌ﷺ، صاحب (وسائل الشیعه) کتاب مشهور روائی متوفای سال ۱۱۰۴، هم اجازه داده است و هم اجازه گرفته.[۱]

۱۰ـ امیر رفیع الدین محمّد بن حیدر حسینی حسنی‌ﷺ، صاحب حاشیه بر اصول کافی و شرح اشارات و صحیفهٔ کامله و چندین کتاب دیگر، متوفای سال ۱۰۹۹.[۲]

۱۱ـ سیّد محمّد بن شرف الدین علی بن نعمت الله موسوی جزائری، مشهور به سید میرزا جزائری‌ﷺ، مؤلف کتاب (جوامع الکلم) که احادیث شیعه را از اصول و فروع تا (حج) در آن جمع‌آوری کرده با حواشی و توضیحات و تمییز بین صحیح و غیرصحیح، و متوفای سال ۱۰۹۸.[۳]

۱۲ـ مولی محمّد تقي‌ﷺ معروف به مجلسی اوّل پدر بزرگوار علامه مجلسی‌ﷺ، و متوفای سال ۱۰۷۰.[۴]

۱۳ـ مولی محمّد شریف بن محمّد رویدشتی اصفهانی‌ﷺ.[۵]

---

۱. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۸۰ ش۱۲، مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص۷۷ ش۲. وی در خاتمهٔ وسائل الشیعه ج ۳۰ ص۱۷۳ در شمار طرق اجازات خود به عنوان (الطریق العاشر) علامه مجلسی را ذکر کرده و می‌گوید: او آخرین کسی است که به من اجازه داد و من هم به او اجازه دادم.

۲. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۷۷ ش۴، فوائد رضویه ص ۵۳۱، و در طبقات أعلام الشیعه ج۵ ص ۲۲۶ سال وفاتش را ۱۰۸۲ ذکر کرده است.

۳. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۷۹ ش ۱۰، مستدرک الوسائل: ج ۲۰ (خاتمه) ص۱۷۸ ش۸، فوائد رضویه ص۵۳۸ـ ۵۳۹.

۴. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۷۶ ش ۱، فوائد رضویه ص ۴۳۹.

۵. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۷۷ ش۶، مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص ۱۷۶ ش۴. او پدر حمیده رویدشتی است که در ریاض العلماء ج۵ ص۴۰۴ در فصل اسماء النساء می‌گوید: عالمه عارفه و آموزگار زنان عصر خود بود و آگاه به علم رجال و علوم مختلف دیگر، و دارای کتب و تحقیقاتی است و حاشیه بر استبصار و غیر آن، که نشانه غایت فهم و دقت این بانوی بزرگ است. پدر این بانو از شاگردان شیخ بهائی است، و استاد استناد از او اجازه گرفته است.

۱۴ـ مولی محمد صالح مازندرانیؒ، صاحب شرح کافی و چند کتاب دیگـر، و متوفای سال ۱۰۸۱.[۱]

۱۵ـ مولی محمّد طاهر بن محمّد حسین شیرازی نجفی قمیؒ، صاحب تألیفاتی ارزشمند از جمله (شرح تهذیب الاحکام)، (حکمة العارفین)، و کتاب (اربـعین) در امامت امیر المؤمنین و ائمّهٔ طاهرینؑ، که در آن چهل دلیل محکم بر این مـوضوع اقامه نموده است و همچنین کتاب (الجامع) در اصول و چندین کتاب و رساله دیگر، متوفای سال ۱۰۹۸ و مدفون در جوار زکریا بن آدم اشعری در قم.[۲]

۱۶ـ امیر محمد قاسم بن امیر محمد طباطبائی کوهپائیؒ.[۳]

۱۷ـ مولی محمّد محسن بن محمّد مؤمن استرآبادیؒ.[۴]

۱۸ـ امیر محمّد مؤمن بن دوست محمّد استرآبادیؒ، مجاور بیت الله الحرام، و شهید در مکه معظمه به دست جمعی از مخالفین در سال ۱۰۸۸.[۵]

* * *

---

۱. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۷۶ ش۲.

۲. الفـیض القـدسی ضـمن بـحارالانـوار ج۱۰۵ ص۸۰ ش۱۳، امـل الآمـل ج۲ ص۲۷۷ ش۸۱۹، مستدرک الوسائل ج۲۰ (خاتمه) ص۱۸۰ ش۹، جامع الرواة ج۲ ص۱۳۳، فوائد رضویه ص۵۴۸.

۳. جامع الرواة ج۲ ص۵۵۰، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۷۷ ش۵، مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص۱۷۶ ش۳.

۴. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۸۲ ش۱۷، مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص۱۷۷ ش۵.

۵. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۷۹ ش۹، امل الآمل ج۲ ص۲۹۶ ش۸۹۱، مستدرک الوسائل ج۲۰ (خاتمه) ص۶۹ وص۱۸۵ ش۱۱، فوائد رضویه ص۵۹۹.

شاگردان و دارندگان اجازه از علامه مجلسی رحمه الله

با توجه به اینکه علامه مجلسی در جوانی به مقام والای علمی رسیده، و از همان اوان به تدریس و تربیت شاگردان در حوزه علمیه اصفهان پرداخته بود، و این کار تا پایان عمرش ادامه داشت، و در سفرهای پیش آمده هم، طالبان علم فرصت را مغتنم شمرده از محضر او بهره می‌بردند ـ که از باب نمونه اشاره می‌کنیم به آنچه خود او در مقدمهٔ اجازه‌ای که برای فاضل مشهدی نگاشته، و در بحارالانوار ضمن کتاب اجازات[1] زیر عنوان (صورت اجازه‌ای که قبلاً در مشهد الرّضا علیه السلام برای بعضی از تلامذهٔ خود نوشته‌ایم) آمده، و حاکی از آن است که پس از ورود ایشان به مشهد مقدس، گروه زیادی از اهل فضل به منظور کسب علم به گرد ایشان جمع شده و از محضرش استفاده نموده‌اند ـ، این سخن که: تعداد شاگردان علامهٔ مجلسی از هزار نفر متجاوز بوده است[2]، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

علامه مجلسی رحمه الله علاوه بر تعلیم صدها شاگرد، به تعداد زیادی از علما نیز اجازه نقل حدیث و روایت داده است. محدث نوری به نام چهل و نه نفر از شاگردان و مجازان او دست یافته و آنها را در (الفیض القدسی) ذکر کرده است[3]، و پس از او

---

۱. بحارالانوار ج ۱۱۰ ص ۱۵۵.

۲. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۱۰۳ به نقل از سید نعمت الله جزائری در الانوار النعمانیة.

۳. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۸۳ـ۱۰۳.

همانگونه که قبلاً گفته شد[1] عالم بزرگوار مؤلف (الذریعه) و (طبقات اعلام الشیعه) در مجلدات مختلف این کتابها بر اساس مدارکی علاوه بر تعداد مذکور، افراد بسیار دیگری را نام برده است. و در کتابها و نوشته‌های دیگری که در این راستا تألیف و تنظیم شده، و به تفحّص و جمع‌بندی آنان پرداخته شده، نام بسیاری از آنها آمده است؛ از جمله نقل شده، که عالم محقق و متتبّع مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی اسامی ۲۰۰ نفر از آنها را جمع‌آوری نموده است.[2] و در کتاب (زندگی‌نامهٔ علامه مجلسی) نوشتهٔ محقق ارجمند مرحوم سید مصلح الدین مهدوی اصفهانی از حدود ۲۱۸ نفر به ضمیمهٔ شاگردان احتمالی نام برده شده است. و در کتاب (تلامذة العلامة المجلسی) نوشتهٔ عالم بزرگوار و متتبع حجة الاسلام والمسلمین سید احمد حسینی اشکوری، جمعاً بیش از ۲۷۰ نفر ذکر گردیده است، که بنا بر گفتهٔ ایشان در مقدمهٔ کتاب، غیر از دویست و یازده نفر آنها، بقیه احتمالی هستند. و این رقم در نسخه‌ای از کتاب مذکور که مورد بازنگری است و حاوی دست‌نوشته‌های مؤلف و اضافات است، جمعاً به حدود ۳۱۰ نفر رسیده است.

در اینجا شایسته است از معظم له تشکر نماییم که با اطلاع یافتن از کار تحقیق و تفحص ما از شاگردان و مجازان علامه مجلسی، و پس از اینکه حدود ۲۲۲ نفر از آنان را شمار نموده بودیم نسخه ذکر شده[3] از کتابشان را با خوشرویی و محبت در اختیار ما قرار دادند ـ شکر الله سعیه.

در این قسمت، ما با استفاده از کتابهای ذکر شده و کتب دیگر، از ۲۴۵ نفر زیر عنوان (شاگردان و مجازان)، و از ۵۳ نفر زیر عنوان (شاگردان و مجازان احتمالی) نام می‌بریم، که مجموع آنها ۲۹۸ نفر خواهد بود:

---

۱. نگاه کن: ص ۴۰ ـ ۴۱.

۲. زندگی‌نامه علامه مجلسی ج ۲ ص ۱۰.

۳. از این پس هر جا به دنبال نام این کتاب قید (اضافات) آورده شد، منظور این نسخه است؛ و اگر بدون قید آمد، منظور همان کتاب چاپ شده قبلی است.

شاگردان و مجازان

۱ـ مولی ابراهیم گیلانی = (ابراهیم بن محراب بن ابراهیم بن خلیل لاهیجانی گیلانی) شاگرد و مجاز.[۱]

۲ـ سید شریف میرزا ابراهیم حسینی نیشابوری مشهدی، شاگرد و مجاز.[۲]

۳ـ سید ابراهیم قطیفی، از شاگردان.[۳]

۴ـ ابن علی، مجاز.[۴]

۵ـ شیخ ابو البرکات بن محمد اسماعیل خادم مشهدی خراسانی، مؤلف کتاب ربیع المعجزات، از شاگردان.[۵]

۶ـ مولی ابو البقاء، شاگرد و مجاز.[۶]

۷ـ حاج ابو تراب اصفهانی، مجاز.[۷]

۸ـ شریف مولی أبو الحسن بن محمد طاهر بن عبد الحمید بن موسی بن علي بن معتوق بن عبد الحمید فتونی نباطی عاملی اصفهانی غروی، صاحب تفسیر (مرآة الأنوار) و کتاب (ضیاء العالمین) و تألیفات دیگر، متوفای حدود سال

---

۱. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشرة) ص ۲۱، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۴، وص ۱۰۱ ش ۴۳، الذریعه ج ۱ ص ۱۴۸ ش ۷۰۰، اعیان الشیعه ج ۲ ص ۲۵۵، فوائد رضویّه ص ۴۱۰.

۲. الذریعه ج ۱ ص ۱۴۸ ش ۷۰۱، و ج ۱۶ ص ۳۷۸ ضمن ش ۱۷۵۲، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۸.

۳. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۰ ش ۲، به نقل از مستدرکات اعیان الشیعه ج ۲ ص ۷.

۴. الذریعه ج ۱ ص ۱۴۸ ش ۷۰۲. تاریخ اجازه سال ۱۰۷۲.

۵. الذریعه ج ۱۰ ص ۷۷ ش ۱۳۶.

۶. فهرست کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ج ۷ ص ۲۹۱ ـ ۲۹۲ ش ۴۷.

۷. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۹۳ ش ۲۰، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشرة) ص ۱۱۲، تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۱ ش ۷.

۱۱۴۰، از شاگردان و مجازان.[۱]

۹ـ مولی ابو الحسن بن یوسف مازندرانی، مجاز.[۲]

۱۰ـ سید ابو الحسن حسنی حسینی، مجاز.[۳]

۱۱ـ سید امیر ابو الحسن حسینی استرآبادی مشهدی، مجاز.[۴]

۱۲ـ سید ابوطالب بن امیر ابوالمعالی طباطبائی اصفهانی، شاگرد و مجاز.[۵]

۱۳ـ میرزا ابو طالب بن میرزا بیک بن میر ابو القاسم موسوی فندرسکی اصفهانی، شاگرد و مجاز.[۶]

۱۴ـ شیخ احمد بن علی بن حسن ساری اوالی، مجاز.[۷]

۱۵ـ شیخ احمد بن محمد بن یوسف خطی بحرانی، از برجسته‌ترین علمای بحرین در زمان خود، متوفای سال ۱۱۰۲، مجاز.[۸]

---

۱. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار: ۱۰۵ ص۲۵ وص۸۶ ـ ۸۷ ش۶، مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص۵۴ ـ ۵۶، الذریعة ج ۱ ص ۱۴۹ ش۷۰۴. تاریخ اجازه سال ۱۱۰۷.

۲. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص۱۶ ش۱۲.

۳. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۱۷ ش۱۳.

۴. الذریعه ج ۱ ص۱۴۸ ش۷۰۳، طبقات اعلام الشیعه ج۶ (الکواکب المنتشره) ص۱۵۹، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۵.

۵. الذریعه ج ۱۱ ص ۱۴ ش۶۸، طبقات اعلام الشیعه ج۶ (الکواکب المنتشره) ص۳۹۴.

۶. الکنی والالقاب ج۳ ص۳۶، طبقات اعلام الشیعه ج۶ (الکواکب المنتشره) ص۳۹۱، تلامذة العلامة المجلسی ص۱۷ ش۱۴، ریاض العلماء ج۵ ص۵۰۰، در ریاض از او به عنوان شاگرد استاد محقق ـ یعنی آقا حسین خوانساری ـ و غیره یاد می‌کند و اشاره صریح به مجلسی ندارد.

۷. الذریعه ج ۱ ص۱۴۹ ش۷۰۷، طبقات اعلام الشیعه ج۶ (الکواکب المنتشره) ص۳۹، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۷.

۸. لؤلؤة البحرین ص۳۷ ـ ۳۸، وص۱۱۳ ـ ۱۱۴، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۹۱ ـ ۹۲ ش۱۳، الذریعه ج ۱ ص۴۹ ش۷۰۵، فوائد رضویه ص۳۶. علامه مجلسی در ضمن اجازه خود، ستایش بلیغی از او نموده که قسمتی از آن در کتابهای مذکور غیر از ذریعه آمده است.

۱۶ـ امیر احمد بن محمد هادی حسینی خاتون آبادی.[۱]

۱۷ـ مولی افضل بن خدابخش دماوندی.[۲]

۱۸ـ شیخ بهاء الدین کاشی (کاشانی)، دارای تألیفاتی از جمله شرح صحیفه کامله، و شرح نهج البلاغه. و شهید به دست افاغنه در سال ۱۱۳۷، شاگرد و مجاز.[۳]

۱۹ـ سید ابو القاسم جعفر بن حسین بن قاسم محب الله موسوی خوانساری، دارای تألیفاتی از جمله (مناهج المعارف) در اصول دین، و کتب دیگر، شاگرد و مجاز.[۴]

۲۰ـ مولی جمشید بن محمد زمان کسکری جبلی، مجاز.[۵]

۲۱ـ مولی حبیب الله بن ملا حسن علی، مجاز.[۶]

۲۲ـ مولی حبیب الله بن محمد ابراهیم نصر آبادی، شاگرد و مجاز.[۷]

۲۳ـ مولی حسن بن حسین اصفهانی.[۸]

---

۱. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۲۱.

۲. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۲۱ ش ۱۷.

۳. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۲۵ ش ۲۵.

۴. روضات الجنات ج ۲ ص ۱۹۲ ـ ۱۹۳. مؤلف روضات می‌گوید: نقل شده که در اوائل جوانی می‌خواست به درس علامه مجلسی حاضر شود و چون هنوز مو بر صورتش نروییده بود خجالت می‌کشید (یا مانع بودند، چون در حوزه درس علامه مجلسی عده‌ای از معاریف دانشمندان و سالخوردگان اهل علم شرکت داشتند)،... دارویی روغنی بر صورت مالید، پس از اندک زمانی موی بر صورتش رویید آنگاه در درس حاضر گردید.

۵. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۱۰۱ ش ۴۴، الذریعه ج ۱ ص ۱۵۰ ش ۷۱۶ و ۷۱۷. سه اجازهٔ مختصر دارد، تاریخ آنها سال ۱۰۹۶ و ۱۰۹۷ و ۱۰۹۸.

۶. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۲ ص ۱۷۳ ش ۵۷۸.

۷. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۳۰ ش ۳۹.

۸. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۲۶ ش ۲۴.

۲۴ـ مولی حسن بن محمد دیلمی قزوینی، از شاگردان.[۱]

۲۵ـ شیخ حسن بن ندی بحرانی، مجاز.[۲]

۲۶ـ امیر سید حسین حسینی، مجاز.[۳]

۲۷ـ خان محمد اردبیلی، شاگرد و مجاز.[۴]

۲۸ـ امیر دوست محمد مازندرانی.[۵]

۲۹ـ مولی ذوالفقار اصفهانی، از شاگردان.[۶]

۳۰ـ مولی رجب علی.[۷]

۳۱ـ مولی رضا قلی تبریزی.[۸]

۳۲ـ شیخ زین العابدین بن حسن بن علی عاملی، برادر شیخ حرّ عاملی و دارای تألیفاتی از جمله شرح الاثنی عشریه وغیره، متوفای سال ۱۰۸۷، مجاز.[۹]

۳۳ـ مولی زین العابدین بن مولی عبدالله بن مولی محمد تقی مجلسی، مجاز.[۱۰]

---

۱. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۱۲ ش ۱۸۴.

۲. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۶ ش ۲۸، الذریعه ج ۱ ص ۱۵۰ ش ۷۱۸.

۳. الذریعه ج ۱ ص ۱۵۰ ش ۷۲۰.

۴. اجازات الحدیث ص ۳۹ ـ ۴۲ ش ۸ و ش ۱۰ ـ ۱۴، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۲ ص ۱۴۰ ش ۵۳۵، تلامذة العلامة المجلسی ص ۲۳ ش ۲۳.

۵. تلامذة العلامة المجلسی ص ۲۸ ش ۲۸، اجازات الحدیث ص ۴۳ و ۴۴ ش ۹ و ۱۵.

۶. الذریعه ج ۱۰ ص ۱۱۶ ش ۲۴۰.

۷. طبقات اعلام الشیعه ج ۵ ص ۲۱۵، اجازات الحدیث ص ۴۵ ـ ۴۶ ش ۱۰ و ۱۶، تلامذة العلامة المجلسی ص ۲۵ ش ۲۶.

۸. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۳۰ ش ۳۱.

۹. الذریعة ج ۱ ص ۱۵۱ ش ۷۲۶، تلامذة العلامة المجلسی ص ۲۶ ش ۲۷. تاریخ اجازه سال ۱۰۸۵. و نگاه کن: فوائد رضویه ص ۱۹۴، حاشیه تتمیم أمل الامل ص ۱۴۹.

۱۰. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۴۰ ش ۶۲ فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ج ۱۲ ص ۳۸۲.

۳۴ـ سید زین العابدین بن محمد تقی حسینی اصفهانی، از شاگردان.[۱]

۳۵ـ زین العابدین بن نجم الدین انصاری، از شاگردان.[۲]

۳۶ـ شیخ ابو الحسن سلیمان بن عبدالله بن علی بن حسن بن احمد بن یوسف بن عمّار ماحوزی بحرانی معروف به محقق بحرانی، صاحب تألیفات زیاد، متوفای سال ۱۱۲۷، مجاز.[۳]

۳۷ـ مولی سلیمان بن محمد گیلانی تنکابنی.[۴]

۳۸ـ مولی عبد الباقی بن عبد الباقی بن رضی الدین محمد حسینی ارتیمانی، مجاز.[۵]

۳۹ـ مولی عبد الحسین بن عبد الرضا بن فلاح کاظمی، از شاگردان.[۶]

۴۰ـ مولی عبد الحسین مازندرانی، مجاز.[۷]

۴۱ـ مولانا عبد الرزاق، مجاز.[۸]

۴۲ـ عبد الرزاق بن ابراهیم رضوی، از شاگردان.[۹]

۴۳ـ مولی عبد الرزاق بن مولی مختار گیلانی، شاگرد و مجاز.[۱۰]

---

۱. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۳۲ ش ۳۵، تراجم الرجال ج ۱ ص ۳۷۶ ش ۷۲۵.

۲. الذریعة ج ۱ ص ۴۴۴ ش ۲۲۳۳.

۳. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۱ ش ۱۲، روضات الجنات ج ۴ ص ۲۱.

۴. تلامذة العلامة المجلسی ص ۲۹ ش ۳۲.

۵. اجازات الحدیث ص ۵۱ ـ ۵۶ ش ۱۲ ـ ۲۲، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۵۲ ش ۸۴ تلامذة العلامة المجلسی ص ۳۰ ش ۳۳.

۶. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۴۲۱، تلامذة العلامة المجلسی ص ۳۱ ش ۳۵.

۷. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۵۲ ش ۸۵

۸. تلامذة العلامة المجلسی ص ۳۲ ش ۳۶، اجازات الحدیث ص ۵۹ ش ۱۴.

۹. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۴۲۸، تلامذة العلامة المجلسی ص ۳۲ ش ۳۷.

۱۰. تلامذة العلامة المجلسی ص ۳۲ ش ۳۸، اجازات الحدیث ص ۶۳ ش ۱۵.

۴۴ـ مولی عبد الرزاق یزدی، مجاز.[۱]

۴۵ـ مولی عبد الرضا، مجاز.[۲]

۴۶ـ مولی عبد الرضا کاشانی، مجاز.[۳]

۴۷ـ مولی عبد الصمد شریف امامی، مجاز.[۴]

۴۸ـ مولی عبد العظیم کاشانی، مجاز.[۵]

۴۹ـ مولی عبدالله مدرس مشهدی، شاگرد و مجاز.[۶]

۵۰ـ مولی عبدالله (بن الحسین) یزدی، مجاز.[۷]

۵۱ـ میرزا عبدالله بن عیسی بیک بن محمد صالح تبریزی اصفهانی، معروف به (افندی)، مؤلف کتاب (ریاض العلماء) در رجال، و کتابهای دیگر، متوفای سال ۱۱۱۷، از خواصّ شاگردان و مجاز از او.[۸]

۵۲ـ مولی عبدالله بن نورالله (نور الدین) بحرانی، صاحب کتاب عوالم العلوم

---

۱. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۳۸ ش ۴۴.

۲. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۵۳ ش ۸۶ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۱ ص ۳۴۸ ش ۳۰۳، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۶.

۳. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۵۳ ـ ۵۴ ش ۸۷، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۱ ص ۳۴۰ ش ۲۹۵، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۸.

۴. تلامذة العلامة المجلسی ص ۳۴ ش ۴۱، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۴۳۳.

۵. الذریعه ج ۱ ص ۱۵۲ ش ۷۳۵، تاریخ اجازه سال ۱۰۶۸.

۶. ریاض العلماء ج ۳ ص ۲۲۱، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۷ ش ۲۹، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ج ۱۲ ص ۱۶۳ ش ۴۴۸۴. ونگاه کن: امل الآمل ج ۲ ص ۱۶۱ ش ۴۶۸، الذریعه ج ۳ ص ۱۰۵ ش ۳۳۱، وج ۱۶ ص ۲۷ ش ۱۰۷.

۷. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۳ ش ۱۸، الذریعه ج ۱ ص ۱۵۲ ش ۷۳۶، کشف الحجب والاستار ص ۱۲ ش ۵۰، و در ص ۳۴۳ وفاتش را به سال ۱۰۶۹ ذکر نموده است.

۸. ریاض العلماء ج ۳ ص ۲۳۰، وج ۵ ص ۳۹، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۸۵ ش ۵، فوائد رضویه ص ۲۵۳ ـ ۲۵۴.

والمعارف (جامع العلوم والمعارف والاحوال من الآيات والاخبار والاقوال) در حدود یکصد مجلد، شاگرد و مجاز.[۱]

۵۳ـ مولی عبدالله بن هادی هرندی.[۲]

۵۴ـ مولی عبدالله اردبیلی، شاگرد و مجاز.[۳]

۵۵ـ سید میر عبد المطلب، شاگرد و مجاز.[۴]

۵۶ـ سید عبد الوهاب بن محمد سعید حسنی حسینی تبریزی ـ جدّ سادات معروف به قاضی ـ، مجاز.[۵]

۵۷ـ مولی عزیزالله، شاگرد و مجاز.[۶]

۵۸ـ سید عزیزالله جزائری، مجاز.[۷]

۵۹ـ سید عطاءالله حسینی خاتون آبادی، مجاز.[۸]

---

۱. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۸ ش ۳۲، الذریعه ج ۱۵ ص ۳۵۶ ش ۲۲۸۲، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ج ۱۰ (بخش سوم) ص ۱۵۶۷، زندگی نامه علامه مجلسی ج ۲ ص ۵۹ ش ۹۴. او در مقدمه ج ۱ کتاب عوالم گفته است: «بیست سال شاگرد علامه مجلسی بودم و از او اجازهٔ روایت دارم». محدث نوری در الفیض القدسی می‌گوید: کتاب عوالم همان بحارالانوار استاد اعظم او است در پوششی دیگر.

۲. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۴۴ ش ۵۷.

۳. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۵۴ ش ۹۰، به نقل از نجوم السماء ج ۱ ص ۲۰۴.

۴. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۱۰۱ ش ۴۲، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۴۷۴، الذریعه ج ۱ ص ۱۵۳ ش ۷۳۷ وگفته است: پنج اجازهٔ مختصر دارد در خلال سالهای ۱۰۷۴ ـ ۱۰۷۷. و در تلامذة العلامة المجلسی ص ۳۹ ش ۴۹ به نقل از صاحب الذریعة گفته که وی عموی سید نعمة الله جزائری است.

۵. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۴۵ ش ۵۹، تراجم الرجال ج ۲ ص ۱۳۱ ش ۱۱۰۸.

۶. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۶۱ ش ۹۶، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۳ ص ۳ ش ۸۰۳.

۷. الذریعه ج ۱۱ ص ۱۵ ش ۶۹، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۳.

۸. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۴۸۵، الذریعه ج ۲۰ ص ۶۸ ش ۱۹۵۴.

۶۰ـ امیر سید علی، مجاز.[۱]

۶۱ـ صدر الدین سیّد علی خان بن نظام الدین احمد حسنی حسینی مدنی شیرازی، مجاز.[۲] و قبلاً گفته شد که مجلسی هم مجاز است از او.[۳]

۶۲ـ علی بن حسین کربلائی، از شاگردان.[۴]

۶۳ـ شیخ علی بن سلیمان بحرانی، مجاز.[۵]

۶۴ـ سید علی بن محمد بن اسدالله بن ابی طالب بن اسدالله حسینی عریضی، صاحب تألیفات متعدد از جمله کتاب (التراجیح) در فقه، از شاگردان.[۶]

۶۵ـ مولی علی اصغر مشهدی، شاگرد و مجاز.[۷]

۶۶ـ مولی علی اکبر، شاگرد و مجاز.[۸]

۶۷ـ امیر علی خان گلپایگانی، شاگرد و مجاز.[۹]

۶۸ـ مولی علی نقی بن رمضان علی، شاگرد و مجاز.[۱۰]

---

۱. الذریعه ج۱۸ ص ۳۷۰ ش ۵۰۰، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۴.

۲. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۹۴ ش۲۳.

۳. نگاه کن: ص ۷۶ ش ۴

۴. تلامذة العلامة المجلسی ص۴۲ ش۵۵، تراجم الرجال ج۲ ص۱۶۸ ش۱۱۸۲.

۵. الذریعه ج ۱ ص۲۰۵ ش۱۰۷۴، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص۶۴ ش۱۰۲.

۶. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۹۷ ش ۳۰، أعیان الشیعه ج۸ ص۳۱۳. ونگاه کن: ریاض العلماء ج۴ ص ۱۸۶.

۷. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۹۸ ش۳۵.

۸. تلامذة العلامة المجلسی ص ۴۵ ش ۶۰، اجازات الحدیث ص ۸۱ ش۲۲.

۹. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۱۰۱ ش۴۵، الذریعه ج ۱ ص۱۵۳ ش۷۳۸، تاریخ اجازه در الفیض القدسی سال ۱۰۹۷ و در الذریعه سال ۱۰۹۳. و نگاه کن: زندگی نامهٔ علامه مجلسی ج۲ ص۶۲ ش ۱۰۱.

۱۰. تلامذة العلامة المجلسی ص۴۶ ش ۶۲، اجازات الحدیث ص۸۳ ش۲۳.

۶۹ـ مولی علی نقی خوئی.[۱]

۷۰ـ سید امیر عین العارفین بن محمد مقیم علوی حسینی عاشوری قمی، شاگرد و مجاز.[۲]

۷۱ـ شیخ عین علی خوانساری، از شاگردان.[۳]

۷۲ـ مولی فضل علی بیک، مجاز.[۴]

۷۳ـ سید کاظم بن حسن حسینی، مجاز.[۵]

۷۴ـ مولی کلب حسین بن فضل علی تبریزی، شاگرد و مجاز.[۶]

۷۵ـ مولانا کمال الدین بن محمد، شاگرد و مجاز.[۷]

۷۶ـ امیر سید محمد، مجاز.[۸]

۷۷ـ علاء الدین محمد، از شاگردان.[۹]

---

۱. تلامذة العلامة المجلسی ص ۴۶ ش ۶۱، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۵۶۱.

۲. تلامذة العلامة المجلسی ص ۴۷ ش ۶۴، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۱۰۳ ش ۴۹، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۵۶۸، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۱ ص ۳۵۳ ش ۳۱۲، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۲.

۳. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۵۶۹.

۴. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۷۰ ش ۱۱۰، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۲ ص ۱۳۷ ش ۵۳۲، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۴.

۵. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۷۳ ش ۱۱۷، به نقل از فهرست کتابخانه دانشگاه تهران ج ۵ ص ۱۱۴۸، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۱.

۶. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۵۵ ش ۷۸.

۷. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۷۵ ش ۱۱۹، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ج ۱۳ ص ۸۱ ضمن مجموعه ش ۴۶۹۹، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۸.

۸. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۷۶ ش ۱۲۵، به نقل از فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ج ۸ ص ۴۴۶، تاریخ اجازه سال ۱۱۰۴.

۹. فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملک ج ۱ ص ۵۷۳ ش ۱۸۸۳، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۷۷ ش ۱۳۰.

۷۸ـ مولی غیاث الدین محمد، شاگرد و مجاز.[۱]

۷۹ـ میرزا سید علاء الدین محمد بن ابی تراب گلستانه اصفهانی، شارح نهج البلاغه و صاحب تألیفات دیگر، متوفای سال ۱۱۰۰، از شاگردان.[۲]

۸۰ـ مولی محمد بن ابی الفتح گیلانی، مجاز.[۳]

۸۱ـ سید محمد بن احمد حسینی لاهیجانی، مؤلّف فهرست الکتب المأخوذ منها البحار، و کتابهای دیگر، از شاگردان.[۴]

۸۲ـ مولی مسیح الدین محمد بن اسماعیل فسائی شیرازی، مجاز.[۵]

۸۳ـ مولی محمد بن جابر اصفهانی، مجاز.[۶]

۸۴ـ شیخ ابو جعفر محمد بن حسن بن علی، حرّ عاملی مؤلف (وسائل الشیعه) و کتابهای دیگر، مجاز، و علامه مجلسی هم مجاز از او است.[۷]

---

۱. زندگی نامه علامۀ مجلسی ج ۲ ص ۷۷ ش ۱۳۱، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۲ ص ۳ ش ۴۰۱، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۲.

۲. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۷۹، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۸۸ ش ۷. در فوائد رضویه ص ۳۸۲ آمده است که او برادر زن یا دایی زن علامه مجلسی است؛ و در زهدش نقل شده: که دو بار منصب صدارت به او تفویض شد و قبول نکرد. و در طبقات اعلام الشیعه ج ۵ ص ۵۳۸ در مورد سال وفاتش ۱۱۱۰ را صحیح دانسته است.

۳. الذریعه ج ۱ ص ۱۵۴ ش ۷۵۲، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۶۵۵ تاریخ اجازه سال ۱۰۹۹.

۴. الذریعه ج ۲۴ ص ۲۲۶ ش ۱۱۶۸، فوائد رضویه ص ۴۱۳، وص ۳۸۷، الذریعه ج ۱۶ ص ۳۹۱ ش ۱۸۲۸. و نگاه کن: امل الآمل ج ۲ ص ۲۴۰ ش ۷۰۷.

۵. زندگی نامه علامۀ مجلسی ج ۲ ص ۷۹ ش ۱۳۵، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۲ ش ۱۵. علامه مجلسی او را در اجازۀ خود به اوصاف نیکویی مدح نموده است. نگاه کن: بحارالانوار ج ۱۱۰ ص ۳۴۶.

۶. الذریعه ج ۱ ص ۱۵۴ ش ۷۴۸، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۲.

۷. روضات الجنات ج ۷ ص ۹۹، امل الآمل ج ۲ ص ۲۴۸ ش ۷۳۳، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۴ ش ۲۲، فوائد رضویه ص ۷۴۳. نامش در ص ۷۷ ش ۹ در شمار مشایخ مجلسی مذکور شد.

۸۵ـ شیخ بهاء الدین محمد بن تاج الدین حسن بن محمد فلاورجانی (پل ورکانی) رویدشتی اصفهانی، معروف به فاضل هندی، مجاز.[۱]

۸۶ـ علاء الدین محمد بن سلیمان بسطامی، از شاگردان.[۲]

۸۷ـ مولی محمد بن عبد الفتاح تنکابنی اصفهانی، معروف به سراب، صاحب تألیفات متعدد، شاگرد و مجاز.[۳]

۸۸ـ مولی بهاء الدین محمد بن حسن علی بن مولی عبدالله بن حسین شوشتری اصفهانی، شاگرد و مجاز.[۴]

۸۹ـ شیخ محمد بن علی بن محمود بن ابراهیم جزائری شوشتری.[۵]

---

۱. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۸۲ـ ۸۳ ش ۱۳۹. در کتاب مذکور آمده است: فاضل هندی، عالم عامل و فقیه مجتهد اصولی حکیم متکلم از بزرگان علماء و فقهای اواخر عهد صفویه در اصفهان است... خود در اول کشف اللثام می‌فرماید: در سن ۸ سالگی شرح تلخیص تفتازانی را درس می‌گفته. و سال یازدهم عمر را تمام نکرده بوده که شروع به تألیف نموده و سال سیزدهم را به پایان نرسانیده که از علوم عقلی و نقلی فارغ شده است. وی از کسانی است که علی المشهور قبل از سن بلوغ به مرتبه اجتهاد رسیده است. و چون مدتی از اوایل عمر در هندوستان سکونت داشت به فاضل هندی شهرت یافت. از علامه مجلسی و پدر خود روایت می‌کند و متجاوز از ۲۶ کتاب و رساله در علوم مختلفه تألیف نموده که معروف‌ترین آنها کتاب کشف اللثام است.

و در ریحانة الادب ج ۴ ص ۲۸۴ نام شانزده کتاب از تألیفات او را ذکر نموده و گفته است: تا ۸۰ کتاب در فنون متنوعه بدو منسوب است، و اشهر تألیفاتش کشف اللثام است که از مهمترین مدارک صاحب ریاض در تألیف ریاض بوده، و صاحب جواهر اعتقادی عظیم به آن کتاب داشته و هرگاه نزدش نبود چیزی از جواهر را نمی‌نوشت.

۲. الذریعه ج ۱۹ ص ۵۶ ش ۲۹۱.

۳. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۶ ش ۲۶، روضات الجنات ج ۷ ص ۱۰۱ ش ۶۰۶، فوائد رضویه ص ۵۵۰.

۴. اجازات الحدیث ص ۱۱۹ ـ ۱۲۰ ش ۳۴ و ۵۱، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۸۹ ش ۱۴۳، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۱ ص ۱۴۶ ش ۱۲۲، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۵.

۵. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۷۴ ش ۱۰۹.

۹۰ـ حاج محمد بن حاج علی اردبیلی اصفهانی نجفی حائری، مؤلف کتاب معروف (جامع الرواة)، متوفای سال ۱۱۰۱، شاگرد و مجاز.[۱]

۹۱ـ مولی محمد بن لاچین بن عبدالله گرجی اصفهانی.[۲]

۹۲ـ محمد بن ماجد بن مسعود بحرانی ماحوزی، متوفای حدود سال ۱۱۰۵، مجاز.[۳]

۹۳ـ نور الدین محمد بن رفیع الدین محمد، مجاز.[۴]

۹۴ـ امیر سید بهاء الدین محمد بن محمد باقر حسینی مختاری سبزواری نائینی اصفهانی، دارای تألیفات زیاد، متوفای حدود سال ۱۱۴۰، مجاز.[۵]

۹۵ـ میرزا محمد بن محمد رضا بن اسماعیل بن جمال الدین محمد قمی مشهدی، مؤلف تفسیر (کنز الدقائق) و کتب دیگر، شاگرد و مجاز.[۶]

۹۶ـ سید محمد بن محمد قاسم بن محمد حسینی خلخالی، شاگرد و مجاز.[۷]

۹۷ـ میرزا سید قوام الدین محمد بن محمد مهدی حسینی سیفی قزوینی، متوفای سال ۱۱۵۰، مجاز.[۸]

---

۱. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۸۵ ش۴، جامع الرواة ج۲ ص۵۴۹، الذریعة ج۱ ص۱۵۴ ش۷۵۴، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۸.

۲. تلامذة العلامة المجلسی ص۶۸ ش۹۶، اجازات الحدیث ص۱۳۳ ش۳۷.

۳. لؤلؤة البحرین ص ۶۱ـ۶۳ ش۱۱۸. و نگاه کن: امل الآمل ج۲ ص۲۹۵ ش ۸۹۰.

۴. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص ۹۰ ش ۱۴۶، فهرست کتابخانه مسجد گوهرشاد ص ۳۷۳.

۵. الذریعه ج۱ ص۴۴۸ ش ۲۲۵۰، زندگی‌نامه علامه مجلسی ج۲ ص ۸۱ـ۸۲، تاریخ اجازه سال ۱۱۰۴. و نگاه کن: روضات الجنات ج۷ ص۱۱۵ ش ۶۱۰

۶. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۱۰۰ ش ۴۰، الذریعه ج۱ ص۱۵۴ ش۷۵۳، تاریخ اجازه سال ۱۱۰۲.

۷. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۸۹ ش۱۴۴، به نقل از فهرست کتابخانه دانشگاه تهران ج۵ ص۱۱۴۴ ش ۵۲۷، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۸.

۸. الذریعه ج۱ ص۱۵۴ ش۷۴۴، زندگی‌نامه علامه مجلسی ج۲ ص۹۲ـ۹۳ ش۱۴۹، تاریخ اجازه سال ۱۱۰۷.

۹۸ـنور الدین محمد بن مرتضی بن محمد مؤمن بن مرتضی کاشانی، دارای تألیفاتی از جمله تفسیر (الوجیز اللطیف) و (درر البحار)، مجاز.[۱]

۹۹ـامیر جمال الدین محمد بن مظفر حسینی دریاباری فیروزکوهی، شاگرد و مجاز.[۲]

۱۰۰ـشیخ محمد بن یوسف بن علی بن کنبار ضبیری نعیمی بلادی، شهید در سال ۱۰۳۱، مجاز.[۳]

۱۰۱ـشیخ مولی محمد ابراهیم بن عبدالله بوناتی (بواناتی)، مجاز.[۴]

۱۰۲ـمیرزا سید محمد ابراهیم (ابراهیم) بن امیر محمد معصوم بن میر محمد فصیح بن میر اولیا حسینی سیفی قزوینی، دارای تألیفات زیاد، متوفای سال ۱۱۴۵ یا ۱۱۴۹، مجاز.[۵]

۱۰۳ـمیرزا محمد ابراهیم نصیری، شاگرد و مجاز.[۶]

---

۱. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۹۹ ش۳۷، و ص۵۸ پاورقی ۳، الذریعه ج۱ ص۱۵۶ ش۷۶۴، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۴.

۲. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۹۲ ش۱۴۸، به نقل از کتاب (یکصد و شصت نسخه از یک کتابخانه شخصی ص۳۰)، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۴ و ۱۰۸۸.

۳. لؤلؤة البحرین ص۱۱۰، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۹۲ ش۱۴.

۴. الذریعه ج۱ ص۱۴۸ ش۶۹۹، تلامذة العلامة المجلسی ص۷۶ ش۱۰۶، اعیان الشیعه ج۲ ص۱۲۴، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۸. محدث نوری در الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۹۲ ش۱۶ در ردیف تلامذه و مجازان از مجلسی، از مولی محمد ابراهیم سریانی بجای (بوناتی) نام برده و می‌گوید در بحارالانوار ذکر شده است، منشأ این سهو، اشتباه خوانده شدن این کلمه بوده است در اجازه بخط مجلسی. نگاه کن: بحارالانوار ج۱۱۰ ـقسمت مخطوطات ۲۸ صفحه مانده به آخر کتاب ـ، وص۱۴۵ ش۱۰۶.

۵. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۹۴ ش۲۵، اعیان الشیعه ج۲ ص۲۲۷. و نگاه کن: تتمیم امل الآمل ص۵۲ ش۴، طبقات اعلام الشیعه ج۶ (الکواکب المنتشره) ص۱۵ ـ ۱۶.

۶. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۱۰۸ ش۱۷۸، به نقل از فهرست کتب خطی کتابخانه ملی تبریز ج۱ ص۸۵، تاریخ اجازه سال ۱۰۶۴.

۱۰۴ـ امیر محمد اشرف بن سید عبد الحسیب محمد بن سید احمد علوی حسینی عاملی اصفهانی، مجاز.[۱]

۱۰۵ـ مولی محمد اصفهانی، از شاگردان.[۲]

۱۰۶ـ سید امیر محمد اصفهانی، مجاز.[۳]

۱۰۷ـ مولی رفیع الدین محمد اصفهانی، مجاز.[۴]

۱۰۸ـ مولی محمد اکمل بن محمد صالح بهبهانی اصفهانی، مجاز.[۵]

۱۰۹ـ مولی محمد امین، شاگرد و مجاز.[۶]

۱۱۰ـ میر محمد باقر بن علی رضا بن محمد باقر حسینی عاملی اصفهانی، معروف به پیشنماز، متوفای سال ۱۱۲۳، شاگرد و مجاز.[۷]

۱۱۱ـ امیر محمد باقر بن امیر سید علاء الدین محمد گلستانه حسنی، از شاگردان.[۸]

۱۱۲ـ سید امیر محمد باقر بن محمد اسماعیل حسینی اصفهانی خاتون آبادی، از شاگردان.[۹]

---

۱. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۹۲، الذریعه ج۱۶ ص۲۵۹ ش۱۰۴۷، فوائد رضویه ص۳۹۷، زندگی نامه علامه مجلسی ج۲ ص۲۰ ش۱۷۸. علامه مجلسی در اجازه خود، از وی ستایش خاصی می‌نماید.

۲. تلامذة العلامة المجلسی ص۵۰ ش۷۰، اجازات الحدیث ص۹۳ ش۲۶، تاریخ اجازه سال ۱۱۰۰.

۳. طبقات اعلام الشیعه ج۶ (الکواکب المنتشره) ص۶۴۱، الذریعه ج۱ ص۱۵۴ ش۷۴۶، تاریخ اجازه سال۱۰۸۲.

۴. طبقات اعلام الشیعه ج۶ (الکواکب المنتشره) ص۲۸۱، الذریعه ج۱ ص۱۵۴ ش۷۴۷، تاریخ اجازه سال۱۰۹۵.

۵. مستدرک الوسائل ج۲۰ (خاتمه) ص۴۹، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۸۹ ش۱۰، فوائد رضویه ص۴۰۷، طبقات اعلام الشیعه ج۶ (الکواکب المنتشره) ص۷۴، تلامذة العلامة المجلسی ص۷۸ ش۱۰۸.

۶. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۲۲ ش۲۰.

۷. تلامذة العلامة المجلسی ص۸۰ ش۱۱۳، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص ۱۱۱ ش۱۸۳، اجازات الحدیث ص۱۷۳ ش۴۸.

۸. طبقات اعلام الشیعه ج۶ (الکواکب المنتشره) ص۹۴، فوائد رضویه ص۵۵.

۹. روضات الجنات ج۵ ص۳۵۳.

۱۱۳ـ سید محمد باقر بن محمد تقی شریف رضوی حسینی قمی، از شاگردان.[۱]

۱۱۴ـ مولی محمد باقر بن محمد حسین شهرستانی، از شاگردان.[۲]

۱۱۵ـ مولی محمد باقر بن محمد حسین نیشابوری طائفی مکی، متوفای سال ۱۱۴۴، مجاز.[۳]

۱۱۶ـ محمد باقر بن هاشم حسینی گیلانی، از شاگردان.[۴]

۱۱۷ـ امیر محمد باقر بیابانکی، شاگرد و مجاز.[۵]

۱۱۸ـ آخوند ملا محمد باقر گلپایگانی.[۶]

۱۱۹ـ مولی محمد باقر جزی، مجاز.[۷]

۱۲۰ـ امیر محمد باقر طباطبائی اصفهانی، شاگرد و مجاز.[۸]

۱۲۱ـ نظام الدین محمد بسطامی، شاگرد و مجاز.[۹]

۱۲۲ـ شیخ محمد تقی بن مولی احمد بروجردی، مؤلف کتاب (عین البکاء)،

---

۱. طبقات اعلام الشیعه ج۶ (الکواکب المنتشره) ص۹۳، تلامذة العلامة المجلسی ص۸۲ ش۱۱۴.

۲. طبقات اعلام الشیعه ج۶ (الکواکب المنتشره) ص۹۲، تلامذة العلامة المجلسی ص۸۲ ش۱۱۵.

۳. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۲۴ ش۲۳، الذریعه ج۱ ص۱۸۹ ضمن ش۹۸۲. و نگاه کن: الذریعه ج۲۰ ص۷۴ ش۱۹۸۴.

۴. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص۹۲ ش۱۳۳، تراجم الرجال ج۳ ص۱۰۶ ش۲۰۲۸.

۵. طبقات اعلام الشیعه (الروضة النضره) ج۵ ص۶۵، تلامذة العلامة المجلسی ص ۷۹ ش ۱۱۰، اجازات الحدیث ص۱۶۵ ش۴۵، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۳.

۶. طبقات اعلام الشیعه (الروضة النضره) ج۵ ص۷۳، تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۸۷ ش ۱۲۶.

۷. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۲۳ ش۲۱، تلامذة العلامة المجلسی ص۸۰ ش۱۱۱، اجازات الحدیث ص۱۷۱ ش۴۷، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۵.

۸. طبقات اعلام الشیعه (الروضة النضره) ج۵ ص۷۲، تلامذة العلامة المجلسی ص۸۰ ش۱۱۲، اجازات الحدیث ص۱۶۹ ش۴۶، تاریخ اجازه ۱۰۹۲.

۹. تلامذة العلامة المجلسی ص۵۶ ش۸۲، اجازات الحدیث ص۱۰۵ ش ۳۰، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۵.

شاگرد و مجاز.[۱]

۱۲۳ـ مولی محمد تقی بن مولی عبدالله بن مولی محمد تقی مجلسی اول، مجاز.[۲]

۱۲۴ـ مولی محمد تقی بن محمد رضا رازی، از شاگردان.[۳]

۱۲۵ـ میرزا محمد تقی بن محمد کاظم بن عزیز الله بن محمد تقی مجلسی شمس آبادی اصفهانی الماسی، نوهٔ دختری علامهٔ مجلسی، متوفای سال ۱۱۵۹، مجاز.[۴]

۱۲۶ـ مولی محمد تقی شیرازی، مجاز.[۵]

۱۲۷ـ محمد جعفر بن سلیمان بن محمد تقی دشت بیاضی قائنی، مجاز.[۶]

۱۲۸ـ سید محمد جعفر بن علی بن ثابت حسینی.[۷]

۱۲۹ـ مولی محمد جعفر اصفهانی، شاگرد و مجاز.[۸]

۱۳۰ـ مولی محمد جعفر بن محمد صادق خطیب کاشانی، از شاگردان.[۹]

۱۳۱ـ مولی محمد جعفر بن محمد طاهر خراسانی اصفهانی، متولد ۱۰۸۰، مجاز.[۱۰]

---

۱. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص۲۵ ش ۲۶، الذریعه ج ۱۵ ص ۳۶۷ ش ۲۳۲۰، و ج ۱۸ ص ۲۸۷ ش ۱۳۵، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۱۱۷. و در تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۴۷ ش ۲۲۹ و تراجم الرجال ج ۳ ص ۴۱۲ ش ۲۶۸۲ بجای (تقی) (نقی) ذکر شده.

۲. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۲۶ ش ۲۸.

۳. الذریعه ج ۲ ص ۵۰۰ ش ۱۹۵۸.

۴. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۱۱۶، تلامذة العلامة المجلسی ص ۸۵ ش ۱۲۰.

۵. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۹۲ ش ۱۳۴، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۶.

۶. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۲۷ ش ۳۱، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۳ ص ۵۰ ش ۸۶۰، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۶.

۷. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۱۳۳، تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۹۶ ش ۱۴۱.

۸. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرعشی ج ۵ ص ۲۵۰ ش ۱۸۶۷، زندگی‌نامهٔ علامه مجلسی ج ۲ ص ۱۰۹ ش ۱۷۹، تاریخ اجازه ۱۰۹۹.

۹. تلامذة العلامة المجلسی ص ۸۷ ش ۱۲۴، تراجم الرجال ج ۳ ص ۱۵۹ ش ۲۱۱۹.

۱۰. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۲۹ ش ۳۶. و نگاه کن: فوائد رضویه ص ۴۴۹.

۱۳۲ـمولی محمد جعفر بن محمد کاظم طالقانی، مجاز.[۱]

۱۳۳ـمحمد جعفر شیروانی، از شاگردان.[۲]

۱۳۴ـشیخ بهاء الدین محمد گیلانی، مجاز.[۳]

۱۳۵ـمولی محمد حسین بن ابی محمد بغمجی طوسی، مجاز.[۴]

۱۳۶ـمولی محمد حسین بن الله وردی اردبیلی، از شاگردان.[۵]

۱۳۷ـمولی محمد حسین بن مولی حسن دیلمانی گیلانی اصفهانی، مشهور به لنبانی، متوفای ۱۱۲۹، از شاگردان.[۶]

۱۳۸ـمولی محمد حسین بن حیدر علی تستری، شاگرد و مجاز.[۷]

۱۳۹ـمیر محمد حسین بن صدر الدین محمد حسینی عاشوری قمی، شاگرد و مجاز.[۸]

۱۴۰ـامیر محمد حسین بن میر محمد صالح حسینی خاتون آبادی، نوهٔ دختری علامه مجلسی، متوفای سال ۱۱۵۱، مجاز.[۹]

---

۱. الذریعه ج ۱ ص ۱۵۰ ش ۷۱۵، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۵.

۲. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۱۳۷.

۳. الذریعه ج ۱ ص ۱۵۴ ش ۷۴۹ و ۷۵۰، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۲ و سال ۱۰۷۵.

۴. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۸ ش ۳۱، الذریعه ج ۱۱ ص ۵۸ ش ۳۶۲.

۵. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۰۰ ش ۱۴۸.

۶. ریاض العلماء ج ۱ ص ۱۸۵، روضات الجنات ج ۲ ص ۳۴۷ ش ۲۲۰، الذریعة ج ۹ ص ۲۴۲ ش ۱۴۷۳.

۷. الذریعه ج ۱ ص ۱۵۰ ش ۷۱ و ص ۱۹۷ ش ۱۰۲۹، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۶.

۸. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۲۰۹، الذریعه ج ۱ ص ۱۵۰ ش ۷۲۱، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۶. در ص ۲۰ اشاره شد به اینکه از نوشته میر محمدحسین در مجلدی از بحار که به خط او است و اجازهٔ مجلسی نیز بر پشت آن است، برمی‌آید که پدر او جد مادری علامه مجلسی است.

۹. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۳۲ ـ ۳۳ ش ۴۶، مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص ۵۸، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۸۴ ش ۲، روضات الجنات ج ۲ ص ۳۵۰ ش ۲۲۱.

۱۴۱ـ امیر محمد حسین بن محمد طاهر بن مقصود علی، مجاز.[۱]

۱۴۲ـ میرزا محمد حسین بن میرزا محمد مؤمن شیرازی، مجاز.[۲]

۱۴۳ـ شیخ محمد حسین بن یحیی نوری مازندرانی، شاگرد و مجاز.[۳]

۱۴۴ـ شیخ محمد حسین مکی، مجاز.[۴]

۱۴۵ـ سید امیر محمد حسینی، مجاز.[۵]

۱۴۶ـ سید میرزا قوام الدین محمد بن محمد مهدی حسینی سیفی قزوینی، مجاز.[۶]

۱۴۷ـ ربیع الدین محمد حسینی اصفهانی، شاگرد و مجاز.[۷]

۱۴۸ـ میرزا رضی الدین محمد حسینی گیلانی، شاگرد و مجاز.[۸]

۱۴۹ـ امیر محمد حسینی مازندرانی، شاگرد و مجاز.[۹]

۱۵۰ـ حاج محمد خوانساری، شاگرد و مجاز.[۱۰]

---

۱. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۲۰۹، تلامذة العلامة المجلسی ص ۹۴ ش ۱۳۳.

۲. الذریعه ج ۱ ص ۱۵۱ ش ۷۲۳، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۲۰۸، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۵.

۳. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۳۴ ش ۴۹، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۱۰۲ ش ۴۷، الذریعه ج ۱۳ ص ۹۶.

۴. طبقات اعلام الشیعه ج ۵ (الروضة النضره) ص ۱۸۶، تلامذة العلامة المجلسی ص ۸۹ ش ۱۲۷، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۶.

۵. الذریعه ج ۱ ص ۱۵۴ ش ۷۵۱، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۶۵۹، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۲.

۶. الذریعة ج ۱ ص ۱۵۴ ش ۷۴۴، تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۵۹ ش ۸۶، تاریخ اجازه سال ۱۱۰۷.

۷. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۷۶ ش ۱۲۶، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۸.

۸. الذریعه ج ۱۱ ص ۱۵ ش ۷۱، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۱.

۹. الذریعه ج ۱۱ ص ۱۵ ش ۷۰، طبقات اعلام الشیعه ج ۵ (الروضة النضره) ص ۵۳۹، فهرست کتابخانه فیضیه ج ۱ ص ۵۶ـ۵۷، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۰ و سال ۱۰۹۴.

۱۰. تلامذة العلامة المجلسی ص ۵۴ ش ۷۸، اجازات الحدیث ص ۲۷۷ ش ۷۷.

۱۵۱ـ مولی محمد داود، مجاز.[۱]

۱۵۲ـ میرزا محمد رحیم بن محمد مؤمن عقیلی استرابادی اصفهانی، مجاز.[۲]

۱۵۳ـ مولی محمد رشید بن محمد علی، از شاگردان.[۳]

۱۵۴ـ محمد رضا بن ایوب کاظمی، از شاگردان.[۴]

۱۵۵ـ محمد رضا بن ملا حاجی شولستانی شیرازی، مجاز.[۵]

۱۵۶ـ محمد رضا بن صفی قلی تبریزی، از شاگردان.[۶]

۱۵۷ـ مولی محمد رضا بن محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، معروف به آقاسی ـ فرزند علامه مجلسی ـ متوفای سال ۱۱۳۴، مجاز.[۷]

۱۵۸ـ محمد رضا بن حاج درویش شهمیرزادی کهدمی، شاگرد و مجاز.[۸]

۱۵۹ـ مولی محمد رضا بن مولی محمد صادق بن مولی مقصود علی مجلسی ـ پسر عموی علامه مجلسی ـ، شاگرد و مجاز.[۹]

۱۶۰ـ مولی محمد رضا اردبیلی، شاگرد و مجاز.[۱۰]

---

۱. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۱۰۰، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص۳۵ ش ۵۱، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۷.

۲. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۰۶ ش ۱.

۳. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۲۶۱، تلامذة العلامة المجلسی ص ۹۶ ش ۱۳۷.

۴. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۲۶۹.

۵. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۲۶۷.

۶. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۰۸ ش ۱۶۳، تراجم الرجال ج ۳ ص ۲۳۳ ش ۲۲۸۰.

۷. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۲۶۲.

۸. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۱ ص ۳۴۸ ـ ۳۴۹ ش ۳۰۴، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۳۷ ش ۵۷، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۴.

۹. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۹ ش ۳۹، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۲۷۰، الذریعه ج ۱ ص ۱۵۱ ش ۷۲۵.

۱۰. فهرست کتابخانه مرعشی ج ۱ ص ۳۴۹ ش ۳۰۴، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۳۶ ش ۵۳.

۱۶۱ـ سید امیر محمد رضا گلپایگانی، شاگرد و مجاز.[۱]

۱۶۲ـ مولی محمد رضا هزار جریبی، شاگرد و مجاز.[۲]

۱۶۳ـ مولی محمد رفیع بن فرج گیلانی، معروف به ملا رفیعا، شاگرد و مجاز.[۳]

۱۶۴ـ میر محمد رفیع بن محمد زمان بن شفیع طالقانی دیلمی گیلانی، از شاگردان.[۴]

۱۶۵ـ مولی محمد زمان بن کلب علی تبریزی اصفهانی، شاگرد و مجاز.[۵]

۱۶۶ـ مولی محمد سدید بن احمد گیلانی تنکابنی، شاگرد و مجاز.[۶]

۱۶۷ـ مولی محمد سعید اصفهانی تبریزی، مجاز.[۷]

۱۶۸ـ سید محمد سلیم بن برهان الدین بن سید شاهی موسوی زنجانی، از شاگردان.[۸]

۱۶۹ـ مولی محمد شفیع تویسرکانی، شاگرد و مجاز.[۹]

---

۱. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۲۶۴، الذریعه ج ۱ ص ۱۵۱ ش ۷۲۴، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۳.

۲. الذریعه ج ۱۱ ص ۱۵ ش ۷۲، وج ۱۶ ص ۳۴۶ ش ۱۰۶۸، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۳۶ ش ۵۵ تاریخ اجازه سال ۱۰۸۹.

۳. لؤلؤة البحرین ص ۹۰ ش ۳۴، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۸۹ ش ۱۱، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۲۸۳ ـ ۲۸۶. ونگاه کن: تتمیم امل الآمل ص ۱۶۱ ش ۱۱۱، فوائد رضویه ص ۵۳۵.

۴. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۱۱ ش ۱۶۷.

۵. روضات الجنات ج ۳ ص ۳۳۵ ش ۳۰۵، فوائد رضویه ص ۵۳۷، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۳۹ ش ۶۰.

۶. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۱۲ ش ۱۶۹.

۷. طبقات اعلام الشیعه ج ۵ (الروضة النضره) ص ۲۴۲، تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۰۳ ش ۱۴۷، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۶.

۸. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۴۲ ش ۶۵ به نقل از مکارم الآثار ج ۳ ص ۷۸۱.

۹. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۰۴ ش ۱۴۹، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۳۴۴.

۱۷۰ـمولی محمد شفیع بن نورالدین محمد اصفهانی خاتون‌آبادی، شاگرد و مجاز.[۱]

۱۷۱ـمحمد شفیع بن مولی محمد باقر نیشابوری، مجاز.[۲]

۱۷۲ـمحمد شفیع بن محمد رفیع اصفهانی، مشهور به قارئ البحار، شاگرد و مجاز.[۳]

۱۷۳ـمولی محمد صادق، شاگرد و مجاز.[۴]

۱۷۴ـمولی محمد صادق بن محمد بن عبد الفتاح تنکابنی اصفهانی، از شاگردان.[۵]

۱۷۵ـمولی محمد صادق بن محمد تقی، مجاز.[۶]

۱۷۶ـامیر محمد صادق بن محمد طاهر بن میر سید علی بن میر علاء الدین حسین مرعشی مازندرانی، مشهور به سلطان العلماء، شاگرد و مجاز.[۷]

۱۷۷ـمولی محمد صادق بن محمد کاظم خوانساری اصفهانی، شاگرد و مجاز.[۸]

۱۷۸ـمحمد صادق بن محمد لاریجانی، مجاز.[۹]

---

۱. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۳۴۵، الذریعه ج ۱ ص ۱۵۲ ش ۷۲۹.

۲. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۴۳ ش ۶۷، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۴ ص ۲۳۱ ش ۱۴۴۳.

۳. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۳۴۳ ـ ۳۴۴، الذریعه ج ۱ ص ۱۵۲ ش ۷۲۸، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۵ و سال ۱۰۹۷.

۴. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۳۵۸، تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۰۵ ش ۲۱۱، اجازات الحدیث ص ۲۱۱ ش ۵۹.

۵. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۹ ش ۳۶، فوائد رضویه ص ۵۵۰، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۴۷ ش ۷۵. از پدرش نیز در همین بخش ص ۹۱ ش ۸۷ نام برده شد.

۶. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۱۷ ش ۱۷۹.

۷. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکوکب المنتشره) ص ۳۶۴، الذریعه ج ۱ ص ۱۵۲ ش ۷۳۰، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۶ ش ۲۷، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۲.

۸. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۴۷ ش ۷۳.

۹. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۳ ص ۳۵ ش ۸۳۷، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۴۷ ش ۷۴.

۱۷۹ـ مولی محمد صادق استرآبادی، مجاز.[۱]

۱۸۰ـ محمد صالح، از شاگردان.[۲]

۱۸۱ـ مولی محمد صالح بن عبد الرحیم یزدی.[۳]

۱۸۲ـ امیر محمد صالح بن میر عبد الواسع حسینی خاتون آبادی ـ داماد علامه مجلسی ـ، شاگرد و مجاز.[۴]

۱۸۳ـ امیر محمد صالح حسینی قزوینی، شاگرد و مجاز.[۵]

۱۸۴ـ محمد طاهر بن محمد زمان اصفهانی، از شاگردان.[۶]

۱۸۵ـ حاج مولی محمد طاهر بن حاج مقصود علی اصفهانی، شاگرد و مجاز.[۷]

۱۸۶ـ مولانا محمد طاهر اصفهانی، شاگرد و مجاز.[۸]

۱۸۷ـ میرزا محمد طاهر نائینی، مجاز.[۹]

---

۱. لؤلؤة البحرین ص ۱۱۷، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۴۶.

۲. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۴۸ ش ۷۶، فهرست کتابخانه وزیری یزد ج ۳ ص ۸۲۹ ش ۱۰۳۵. بنابر آنچه در اجازات الحدیث ص ۲۲۱، و تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۱۰ ش ۱۶۰ آمده، او همان محمد صالح یزدی در شماره بعد است.

۳. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۱۰ ش ۱۶۰، اجازات الحدیث ص ۲۱۹ ش ۶۲، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۷.

۴. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۸۴ ش ۲، مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص ۵۸، لؤلؤة البحرین ص ۱۱۴، فوائد رضویه ص ۵۴۶، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۳۶۸، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۵.

۵. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۳۷۴ ـ ۳۷۵، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۸ ش ۳۴، الذریعه ج ۱ ص ۱۵۲ ش ۷۳۱.

۶. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۵۱ ش ۸۲، به نقل از فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه ج ۵ ص ۱۲۶۱.

۷. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۵۱ ش ۸۳، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۸۸ ش ۸، مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص ۶۴.

۸. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۵۱ ش ۸۰، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ج ۱۲ ص ۱۰۲ ـ ۱۰۳ ش ۴۴۰۰، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۶.

۹. الذریعه ج ۱ ص ۱۵۲ ش ۷۳۲، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۳۹۸، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۵.

۱۸۸ـ مولی محمد علی بن شاه بیک مازندرانی، شاگرد و مجاز.[۱]

۱۸۹ـ حاج محمد علی بن غدیر، شاگرد و مجاز.[۲]

۱۹۰ـ مولی محمد علی بن محمد بن محمود بن علی طبسی، شاگرد و مجاز.[۳]

۱۹۱ـ مولی حاج ابو محمد محمد علی بن محمد شفیع مشهدی، شاگرد و مجاز.[۴]

۱۹۲ـ مولی محمد علی بن محمد قاسم بن سلیمان نوری، از شاگردان.[۵]

۱۹۳ـ مولی محمد علی بن یوسف گیلانی، شاگرد و مجاز.[۶]

۱۹۴ـ ملا محمد علی اصفهانی، شاگرد و مجاز.[۷]

۱۹۵ـ شیخ محمد فاضل بن محمد مهدی مشهدی، شاگرد و مجاز.[۸]

۱۹۶ـ مولی محمد قاسم بن محمد رضا تبریزی اصفهانی، شاگرد و مجاز.[۹]

---

۱. تلامذة العلامة المجلسی ص۱۱۴ ش۱۶۷، تراجم الرجال ج۳ ص ۳۲۰ ش۲۴۶۸.

۲. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۲۵.

۳. الذریعه ج ۱ ص۱۵۳ ش۷۳۹، طبقات اعلام الشیعه ج۶ (الکواکب المنتشره) ص۵۳۷ـ۵۳۸.

۴. طبقات اعلام الشیعه ج۶ (الکواکب المنتشره) ص۵۵۲، الذریعه ج ۲۱ ص۳۵۴ ش ۵۴۳۱، اجازات الحدیث ص ۲۳۱ ش۶۶ تاریخ اجازه سال ۱۰۹۰ و سال ۱۰۹۸.

۵. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۲۶ ش۱۹۴.

۶. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص۱۲۷ ش۱۹۵، تاریخ بعضی از اجازه‌ها سال ۱۰۸۴.

۷. تلامذة العلامة المجلسی ص۱۱۴ ش۱۶۶، اجازات الحدیث ص۲۲۹ ش۶۵ تاریخ اجازه سال ۱۰۷۰.

۸. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۹۳ ش۱۹، کشف الحجب والاستار ص۲۲ ش ۹۰، فوائد رضویه ص۵۸۸، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۶۸ ش۱۰۹، علامه مجلسی در اجازه خود پس از توصیف و تمجید از او می‌گوید: با اینکه او خود مجالس درس و افاضه داشت، از روی حسن ظنّ به من اگر چه شایستهٔ آن نبودم، به حوزه درس من حاضر شد و مقداری از کتاب کافی و تهذیب و بحارالانوار و غیر این کتب را نزد من خواند، و در بسیاری از مسائل شرعیه با هم گفتگو کردیم، و استفادهٔ من از او کمتر از استفادهٔ او از من نبود، بلکه بیشتر بود.

۹. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۲۹ ش۱۹۷، اجازات الحدیث ص۲۴۹ ش۶۸.

۱۹۷ـ مولی ابو جعفر محمد قاسم بن محمد رضا هزار جریبی اصفهانی، شاگرد و مجاز.[۱]

۱۹۸ـ مولی محمد قاسم بن محمد صادق استرآبادی، مجاز.[۲]

۱۹۹ـ مولی محمد قاسم بن محمد مؤمن اردستانی، شاگرد و مجاز.[۳]

۲۰۰ـ مولی محمد کاشانی، از شاگردان.[۴]

۲۰۱ـ مولی محمد کاظم بن حمدالله گیلانی دیلمی تنکابنی، از شاگردان.[۵]

۲۰۲ـ مولی محمد کاظم بن محمد باقر گیلانی، شاگرد و مجاز.[۶]

۲۰۳ـ مولی محمد کاظم بن محمد علی سبزواری، از شاگردان.[۷]

۲۰۴ـ مولی محمد کاظم تبریزی، مجاز.[۸]

۲۰۵ـ مولی محمد کاظم خراسانی، شاگرد و مجاز.[۹]

۲۰۶ـ مولی محمد کاظم شوشتری، مجاز.[۱۰]

---

۱. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۵۹۴ ـ ۵۹۶، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۸۸ ش ۹، الذریعه ج ۱ ص ۱۵۳ ش ۷۴۳ و ص ۱۵۵ ش ۷۵۶، تاریخ اجازه سال ۱۱۰۵. در فوائد رضویه ص ۵۹۵ آمده است که او از فضلاء مشهور عصر مجلسی و از دامادهای او است.

۲. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۹ ش ۳۸، الذریعه ج ۱ ص ۱۵۳ ش ۷۴۲، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۵۸۷.

۳. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۷۳ ش ۱۱۴، به نقل از فهرست کتابخانه دانشگاه تهران ج ۵ ص ۲۵۵۴.

۴. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۶۹۰.

۵. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۳۳ ش ۲۰۴، تراجم الرجال ج ۳ ص ۳۵۶ ش ۲۵۵۶.

۶. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۳۳ ش ۲۰۵، تراجم الرجال ج ۳ ص ۳۶۱ ش ۲۵۷۰، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۹.

۷. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۷۵ ش ۱۱۸.

۸. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۶۰۷، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۶.

۹. الذریعه ج ۱ ص ۱۵۴ ش ۷۴۵، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۶۰۹.

۱۰. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۷۳ ش ۱۱۶.

۲۰۷ـ مولی محمد کاظم مازندرانی، شاگرد و مجاز.[۱]

۲۰۸ـ مولی محمد محسن بن محمد صادق بروجردی، شاگرد و مجاز.[۲]

۲۰۹ـ مولی محمد محسن گیلانی، از شاگردان.[۳]

۲۱۰ـ مولی محمد مراد بن محمد صادق بن محمد علی بن حیدر کشمیری، شاگرد و مجاز.[۴]

۲۱۱ـ میر محمد معصوم بن میر محمد مؤمن عقیلی شیرازی، شاگرد و مجاز.[۵]

۲۱۲ـ مولی محمد مقیم، شاگرد و مجاز.[۶]

۲۱۳ـ مولی ابو الفتوح محمد مقیم بن ابی البقاء شریف بن عبدالله بن ابو الحسن اصفهانی، معروف به قاضی، مجاز.[۷]

۲۱۴ـ محمد مقیم بن عبدالعالی فریدنی خوانساری، از شاگردان.[۸]

---

۱. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۳۳.

۲. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۷۶ ش ۱۲۱، به نقل از تاریخ بروجرد ج ۲ ص ۱۱۲، و گفته است که از آثارش مجموعه‌ای است که در سالهای ۱۰۹۵ تا ۱۱۰۴ در اصفهان نوشته و در دانشگاه تهران موجود می‌باشد.

۳. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۶۳۵، تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۲۳ ش ۱۸۱.

۴. الذریعه ج ۲۴ ص ۳۶۹ ش ۱۹۷۹، اجازات الحدیث ص ۲۶۳ ش ۷۳، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۹۶ ش ۱۵۶، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۶.

۵. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۹۸ ش ۱۵۷، تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۳۸ ش ۲۱۳، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۳.

۶. طبقات اعلام الشیعه ج ۵ (الروضة النضره) ص ۵۸۰، الذریعه ج ۱ ص ۱۵۵ ش ۷۶۲، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۷. بنا بر گفتهٔ مؤلف طبقات در ج ۵، شاید همان محمد مقیم اصفهانی در شمارهٔ ۲۱۵ باشد. و در ج ۶ ص ۷۳۹ می‌گوید احتمال می‌رود، او و محمد مقیم اصفهانی و محمد مقیم مازندرانی یکی باشند.

۷. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۹۹ ش ۱۶۰، به نقل از فهرست کتابخانه رضویه ص ۱۳.

۸. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۰۲ ش ۱۶۲، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۴ ص ۱۳۰ ش ۱۳۵۳.

۲۱۵ـ مولی محمد مقیم بن محمد باقر اصفهانی، مجاز.[۱]

۲۱۶ـ پیر محمد مقیم بن پیر نور الدین اصفهانی، از شاگردان.[۲]

۲۱۷ـ مولی محمد مقیم مازندرانی، شاگرد و مجاز.[۳]

۲۱۸ـ میر محمد مهدی بن سید ابراهیم بن امیر معصوم حسینی قزوینی، مجاز.[۴]

۲۱۹ـ محمد مهدی بن محمد (رضی الدین) هروی.[۵]

۲۲۰ـ محمد مهدی بن حاج محمود، از شاگردان.[۶]

۲۲۱ـ مولی محمد مهدی استرآبادی، شاگرد و مجاز.[۷]

۲۲۲ـ مولی محمد مهدی خوانساری، شاگرد و مجاز.[۸]

۲۲۳ـ مولی محمد مؤمن بن محمد قاسم جزائری شیرازی هندی، متوفای سال ۱۱۳۰، مجاز.[۹]

۲۲۴ـ مولی محمد مؤمن رازی، شاگرد و مجاز.[۱۰]

---

۱. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۰۲ ش ۱۶۱، الذریعه ج ۱۳ ص ۳۷۱ ش ۱۳۸۹، طبقات اعلام الشیعه ج ۵ (الروضة النضره) ص ۵۸۰. و نگاه کن: ص ۱۰۵ پاورقی ۶.

۲. الذریعه ج ۶ ص ۱۸۱ ش ۹۹۰.

۳. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۲۶ ش ۱۸۶، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۷۳۹، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۷. و نگاه کن: ص ۱۰۵ پاورقی ۶.

۴. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۸ ش ۳۳، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۷۶۱ـ ۷۶۲.

۵. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۳۰ ش ۱۹۳، تراجم الرجال ج ۳ ص ۴۰۵ ش ۲۶۶۷.

۶. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۱۱ ش ۱۸۱، به نقل از فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی ج ۵ ص ۵۷ ش ۴۰۱.

۷. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۴۲ ش ۲۲۰، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۲.

۸. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۲۹ ش ۱۹۲، اجازات الحدیث ص ۲۷۷ ش ۷۷، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۲.

۹. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۱۳ ش ۱۸۵.

۱۰. زندگی‌نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۰۳ ش ۱۶۴، فهرست کتابخانه گوهرشاد ص ۴۲۷، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۲.

۲۲۵ـ مولی محمد مؤمن کوهپایی، شاگرد و مجاز.[۱]

۲۲۶ـ شیخ محمد نبی بن محمد رحیم جنابدی (گنابادی)، مجاز.[۲]

۲۲۷ـ مولی محمد نصیر بن عبد الله بن محمد تقی بن مقصود علی مجلسی اصفهانی ـ پسر برادر علامه مجلسی ـ، شاگرد و مجاز.[۳]

۲۲۸ـ مولانا محمد نصیر اصفهانی، شاگرد و مجاز.[۴]

۲۲۹ـ حاج محمد نصیر گلپایگانی، از شاگردان.[۵]

۲۳۰ـ مولی محمد هادی طبسی، از شاگردان.[۶]

۲۳۱ـ سید محمد هاشم حسنی حسینی، از شاگردان.[۷]

۲۳۲ـ محمد یوسف بن پهلوان صفر قزوینی، مجاز.[۸]

۲۳۳ـ مولی محمد یوسف بن محمد مؤمن مازندرانی، شاگرد و مجاز.[۹]

۲۳۴ـ مولی محمد یوسف رازی، از شاگردان.[۱۰]

۲۳۵ـ محمد یوسف قزوینی، مجاز.[۱۱]

---

۱. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۰۳ ش ۱۶۵، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۱ ص ۲۹۳ ش ۲۶۱، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۸.

۲. الذریعه ج ۱ ص ۱۵۵ ش ۷۶۳، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۷۷۳.

۳. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۳۲ ش ۱۹۷، اجازات الحدیث ص ۲۸۱ ش ۷۸.

۴. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۴۵ ش ۲۲۶، تاریخ اجازه سال ۱۰۸۴. محتمل است که همان شخص مذکور در شمارهٔ قبل باشد.

۵. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۴ ش ۲۱، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۷۸۲.

۶. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۰۷ ش ۱۷۳.

۷. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۳۴ ش ۲۰۰، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۸۰۸.

۸. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۳۵ ش ۲۰۲، اجازات الحدیث ص ۲۸۵ ش ۷۹.

۹. الذریعه ج ۱۱ ص ۱۵ ش ۷۳، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۸۳۶.

۱۰. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۴۹ ش ۲۳۳.

۱۱. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۰۷ ش ۱۷۶.

۲۳۶ـ حاج محمود بن غیاث الدین محمد اصفهانی، شاگرد و مجاز.[۱]

۲۳۷ـ مولی محمود بن محمد مقیم طبسی، مجاز.[۲]

۲۳۸ـ مولی محمود طبسی، مجاز.[۳]

۲۳۹ـ میرزا عماد الدین محمود قمی، شاگرد و مجاز.[۴]

۲۴۰ـ نواب معمور خان هندی، مجاز.[۵]

۲۴۱ـ مولی ملک مسیح، مجاز.[۶]

۲۴۲ـ مولی موسی بن محمد (جلال الدین) کاشانی، از شاگردان.[۷]

۲۴۳ـ سید نعمت الله بن عبدالله بن محمد بن حسین موسوی، محدث جزائری، مؤلف (الانوار النعمانیه) و کتابهای دیگر، شاگرد و مجاز.[۸]

۲۴۴ـ مولی هادی بن محمد ابراهیم بن حبیب الله نصر آبادی، از شاگردان.[۹]

۲۴۵ـ مولی ولی بن رضاخان بروجردی، شاگرد و مجاز.[۱۰]

---

۱. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۹۵ ش ۱۵۴، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۹۴ ش ۲۴.

۲. الذریعه ج ۱ ص ۱۵۵ ش ۷۶۰، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتثره) ص ۷۱۳ ـ ۷۱۴، تاریخ اجازه سال ۱۰۹۵ و سال ۱۰۹۶.

۳. الذریعه ج ۱ ص ۱۵۵ ش ۷۵۹، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتثره) ص ۷۱۳، تاریخ اجازه سال ۱۱۰۹.

۴. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتثره) ص ۷۱۴، اجازات الحدیث ص ۲۸۹ ش ۸۰ تاریخ اجازه سال ۱۰۹۶.

۵. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۵۳ ش ۲۴۱، تراجم الرجال ج ۳ ص ۴۶۹ ش ۲۸۰۰.

۶. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتثره) ص ۷۴۲، اجازات الحدیث ص ۲۹۵ ش ۸۳، تاریخ اجازه سال ۱۱۰۹.

۷. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۳۸ ش ۲۰۹.

۸. مستدرک الوسائل ج ۲۰ (خاتمه) ص ۱۷۳، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۸۳ ش ۱، روضات الجنات ج ۸ ص ۱۳۹ ش ۷۲۶، الذریعه ج ۱ ص ۱۵۶ ش ۷۶۵ و ۷۶۶، تاریخ اجازه سال ۱۰۷۵ و سال ۱۰۹۶.

۹. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۵۶ ش ۲۴۶.

۱۰. طبقات اعلام الشیعه ج ۵ (الروضة النضره) ص ۶۲۶، اجازات الحدیث ص ۳۰۵ ش ۸۵.

در پایان یادآور می‌شویم که محدث نوری در الفیض القدسی ص۱۰۳ ش۴۸ ابو اشرف (ابوالشرف) اصفهانی را در زمرهٔ شاگردان و مجازان علامه مجلسی آورده، به استناد عبارت امل الآمل «عالم فاضل یروی عن مولانا محمد باقر المجلسي» ولی عبارت در امل الآمل مطبوع ج۲ ص۳۵۳ ش۱۰۹۶ چنین است: «... نروي عن مولانا محمد باقر المجلسی عنه». و مؤلف ریاض العلماء در ج۵ ص۴۶۳ هم به نقل از امل الآمل همین عبارت را آورده است، و می‌گوید: او از مشایخ مجلسی اول، و از معاصرین شیخ بهائی است. و عبارت امل الآمل را مورد تأمّل دانسته به جهت اینکه علامه مجلسی به واسطهٔ پدرش از او روایت می‌کند، همانطور که خود مؤلف امل الآمل نیز در آخر وسائل الشیعه تصریح نموده است.

* * *

شاگردان و مجازانِ احتمالی

در این بخش نام کسانی آورده می‌شود، که آنها را بعضی از نویسندگان به موجب قرائنی احتمال داده‌اند یا گمان برده‌اند که از شاگردان یا مجازان علامه مجلسی باشند، و همچنین چند نفر که در شمار شاگردان و مجازان آمده بودند، و برای آن سند روشنی نبود.

۱ـ شیخ ابراهیم بن حسین بن ابراهیم گیلانی تنکابنی.[۱]

۲ـ شیخ اسماعیل بن محمد رفیع دیهوکی[۲] طبسی.[۳]

۳ـ شیخ جعفر بن عبدالله بن ابراهیم حویزی کمره‌ای اصفهانی.[۴]

۴ـ سید حامد بن محمد حسینی بدلاء مشهدی.[۵]

۵ـ حاج ملا حسین تفریشی.[۶]

۶ـ مولی زین العابدین بن حاج محمد رازانی.[۷]

۷ـ شرف الدین بن زین الدین نائینی.[۸]

۸ـ شیر علی بن محمد ذوالفقار.[۹]

۹ـ عبد الخالق بن محمد شفیع قاینی.[۱۰]

---

۱. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۲ ش ۵.

۲. دیهوک: نام یکی از دهستانهای طبس است. (لغت نامه دهخدا ج ۷ ص ۱۰۰۷۵)

۳. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۹.

۴. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۹ ش ۱۷.

۵. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۴۴ ش ۲۱۷، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۱۵۵.

۶. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۳۵.

۷. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۳۱ ش ۳۴، زندگی‌نامه علامه مجلسی ج ۲ ص ۴۰.

۸. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۱۰، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۵ ص ۲۴۹ ش ۱۸۶۷.

۹. زندگی نامه علامه مجلسی ج ۲ ص ۴۵، فهرست کتابخانه فیضیه ج ۱ ص ۲۹ ش ۶۱۵

۱۰. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۵۳.

۱۰ـ عبد الرحیم بن عبد العظیم قمی.[۱]

۱۱ـ عبدالله بن عبد الرحیم گیلانی معروف به هندی.[۲]

۱۲ـ شیخ عیسی بن محمد مؤمن بن عیسی بن موسی مسیبی خزاعی.[۳]

۱۳ـ مولی عبد المطلب بن حسن بن محمد اصفهانی.[۴]

۱۴ـ علی رضا سمنانی.[۵]

۱۵ـ ملا قاسم بن درویش حیدر.[۶]

۱۶ـ مولی سلطان محمود بن غلام علی طبسی، گفته شده مجاز است.[۷]

۱۷ـ ملا مجد الدین شوشتری.[۸]

۱۸ـ مجید بن محمد صادق حسینی.[۹]

---

۱. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۶۳ ش ۲۶۳.

۲. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۴۹ ش ۲۲۸. طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۴۷۱.

۳. تلامذه علامه مجلسی ص ۴۶ ش ۶۳، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۵۶۸.

۴. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۵۰ ش ۲۲۹، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۴۷۵.

۵. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۱۰، فهرست کتابخانه فیضیه ج ۲ ص ۲۱. در سال ۱۰۸۶ کتابت نسخه‌ای از تحفة الزائر را به پایان رسانیده این نسخه در کتابخانهٔ مدرسه فیضیه موجود است.

۶. زندگی نامه علامه مجلسی ج ۲ ص ۷۰ ش ۱۱۱، فهرست نسخ خطی کتابخانه فیضیه ج ۱ ص ۲۱۲ ش ۳۳۵.

۷. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۱۰۱ ـ ۱۰۲، و می‌گوید اجازه در سال ۱۰۹۶ بوده. و مؤلّف الذریعه در ج ۱ ص ۱۵۱ ش ۷۲۷، و همچنین در طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشرة) ص ۳۱۷ می‌گوید: این اجازه برای مولی محمود بن محمد مقیم طبسی است، که در ص ۱۰۸ ش ۲۳۷ گذشت.

۸. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۷۵ ش ۱۲۰، در الذریعه ج ۲۰ ص ۳۳۷ ش ۳۲۸۹ آمده است: کتاب مسائل ایادی سبا از تألیفات مولی محمد جعفر بن محمد طاهر خراسانی شاگرد علامه مجلسی مجموعه‌ای است از مسائل که عدّه‌ای از ثقات، از آن جمله مولی مجد الدین شوشتری از علامه مجلسی پرسیده‌اند و او به آنها جواب داده است.

۹. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۱۰.

۱۹ـ رکن الدین محمد بن علی بن ثابت حسینی.[۱]

۲۰ـ محمد بن فیاض اصفهانی.[۲]

۲۱ـ محمد بن محمد رضی کاشانی.[۳]

۲۲ـ محمد بن محمد صالح معروف به حاجی.[۴]

۲۳ـ محمد بن محمد قاسم بن آقا محمد بن رجب بیک کاوکانی.[۵]

۲۴ـ محمد اشرف بن زین الدین اصفهانی.[۶]

۲۵ـ محمد باقر بن محمد علاء الدین بن شاه ابو تراب حسینی اصفهانی، معروف به گلستانه.[۷]

۲۶ـ محمد باقر بن محمد صالح زاآنی اصفهانی.[۸]

۲۷ـ مولی محمد جعفر.[۹]

۲۸ـ محمد جعفر بن محمد حسین.[۱۰]

۲۹ـ میرزا محمد حاجی بن مولی محمد صالح.[۱۱]

۳۰ـ محمد حسن.[۱۲]

---

۱. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۸۹، تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۵۳ ش ۲۳۶.

۲. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۸۹، تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۶۶ ش ۲۷۲. او از جمله سؤال کنندگانی است که در ص ۱۱۱ پاورقی ۸ اشاره شد.

۳. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۱۱.

۴. زندگی‌نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۳۰، الذریعه ج ۲۳ ص ۳۱۹.

۵. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۶۷ ش ۲۷۵، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۶۹۴

۶. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۰۹.

۷. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۵۷ ش ۲۴۴.

۸. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۲۴.

۹. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۲۶ ش ۳۰، الذریعه ج ۴ ص ۲۱۸ ش ۱۰۹۳.

۱۰. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۲۹ ش ۳۵.

۱۱. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۳۰، الذریعه ج ۲۳ ص ۳۱۹ ش ۹۱۴۴.

۱۲. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۰۹، فهرست کتابخانه گلپایگانی ج ۲ ص ۲۶.

۳۱ـ ملا محمد رضا.[۱]
۳۲ـ محمد سعید بن حاج علی ابهری اصفهانی.[۲]
۳۳ـ محمد شفیع بن علی مازندرانی.[۳]
۳۴ـ مولی محمد شفیع بن فرج گیلانی.[۴]
۳۵ـ سید محمد صالح بن محمد سعید حسینی.[۵]
۳۶ـ محمد طاهر بن محمد تقی شاه میرزائی.[۶]
۳۷ـ محمد علی بن حاجی فتحی.[۷]
۳۸ـ مولی محمد علی بن محمد مؤمن ابهری.[۸]
۳۹ـ محمد قاسم بن محمد اسماعیل اصفهانی.[۹]
۴۰ـ مولی محمد کاظم بن صفی الله گیلانی دیلمی تنکابنی.[۱۰]
۴۱ـ مولی محمد کاظم بن محمد فاضل بن محمد مهدی مشهدی خراسانی.[۱۱]
۴۲ـ میر محمد معصوم بن میر فصیح الدین (محمد فصیح) بن میر اولیاء حسینی تبریزی قزوینی.[۱۲]

---

۱. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۳۶.
۲. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۶۲ ش ۲۵۶، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۱۷ ص ۲۹۳ ش ۶۷۴۳.
۳. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۴۵.
۴. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۶۳ ش ۲۵۸، زندگی نامه علّامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۴۵.
۵. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۵۰ ش ۷۸، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ج ۷ ص ۵۷ ش ۵۸.
۶. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۱۳.
۷. زندگی‌نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۶۶ ش ۱۰۵، فهرست نسخه‌های خطی‌کتابخانه مرعشی ج ۳ ص ۴۸ ش ۸۵۷.
۸. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۶۷ ش ۲۶۵، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۴۹۲.
۹. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۷۰، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج ۲ ص ۱۰۵ ش ۴۹۶.
۱۰. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۷۸ ش ۲۹۸، تراجم الرجال ج ۳ ص ۳۵۹ ش ۲۵۶۲.
۱۱. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۶۷ ش ۲۶۷، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۶۱۲.
۱۲. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۹۹ ش ۱۵۸.

۴۳ـ میر محمد مفید بن محمد تقی حسینی یزدی.[۱]

۴۴ـ محمد نبی بن نقد علی رازی عبد العظیمی.[۲]

۴۵ـ محمد هادی بن محمد صالح شیرازی.[۳]

۴۶ـ حاج محمود میمندی.[۴]

۴۷ـ مرتضی بن محمد یوسف افشار.[۵]

۴۸ـ مولی مهدی خوانساری.[۶]

۴۹ـ میرزا بیک بن فیض الله جوینی.[۷]

۵۰ـ نعمت الله بن عنایت.[۸]

۵۱ـ مولی نور الدین مازندرانی.[۹]

۵۲ـ ولی قراچه داغی.[۱۰]

۵۳ـ میر هاشم بحرانی.[۱۱]

---

۱. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص۱۳۸ ش۲۱۴.

۲. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۱۰۴ ش۱۶۹، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج۳ ص۲۰۲ ش۱۰۰۷.

۳. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۱۰۷ ش۱۷۴.

۴. تلامذة العلامة المجلسی ص۱۳۶ ش۲۰۵، زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۹۴ ش۱۵۳، الذریعه ج۲ ص۱۰۶ ش۴۲۰.

۵. زندگی نامه علامه مجلسی ج۲ ص۱۱۱.

۶. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۱۰۳ ش۱۶۶.

۷. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۱۰۹.

۸. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۱۰۷ ش۱۷۲، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرعشی ج۳ ص۲۲۴ ش۱۰۳۲.

۹. تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۵۵.

۱۰. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۱۱۴، فهرست کتابخانه گلپایگانی ج۲ ص۶۶ ش۸۱۱.

۱۱. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج۲ ص۱۰۷ ش۱۷۵، تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۵۶ ش۲۴۷.

کسان دیگری را هم بعضی احتمال داده‌اند که از شاگردان علامه مجلسی باشند، و ما به جهت ضعف احتمال از ذکر آنها در بخش قبل خودداری نمودیم، از جمله:

۱ـ سید حسین حسینی.[۱]

۲ـ رجب علی اصفهانی.[۲]

۳ـ شمس الدین آقا رضا اصفهانی.[۳]

۴ـ آقا رضی بن نبی قزوینی.[۴]

۵ـ محمد جعفر بن محمد حسین مازندرانی.[۵]

۶ـ عبد الرحیم اصفهانی.[۶]

۷ـ علی اکبر بن محمد علی ابهری جثی اصفهانی.[۷]

۸ـ میرزا حسام الدین محمد اصفهانی.[۸]

۹ـ ملا محمد باقر بن محمد تقی لاهیجی.[۹]

۱۰ـ محمد بدیع بن حیدر علی.[۱۰]

---

۱. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۴۵ ش ۲۱۹، زندگی نامه علامه مجلسی ج ۲ ص ۱۱۰.

۲. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۳۵ـ ۳۶.

۳. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۳۶، تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۴۶ ش ۲۲۱.

۴. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۴۶ ش ۲۲۲، طبقات اعلام الشیعه ج ۶ (الکواکب المنتشره) ص ۲۷۸.

۵. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۲۸.

۶. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۵۳ ذیل ش ۸۵.

۷. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۱۰.

۸. تلامذة العلامة المجلسی ص ۱۵۲ ش ۲۵۳، زندگی‌نامه علّامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۳۵.

۹. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۲۳ ش ۲۲.

۱۰. زندگی‌نامهٔ علامه مجلسی، ج ۲ ص ۲۵.

۱۱ـسید محمد زکی بن حاج محمد اصفهانی.[۱]

۱۲ـمولی محمد سعید گیلانی.[۲]

۱۳ـمولی محمد علی بن حسن بن ندا.[۳]

* * *

---

۱. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۱۱۰.

۲. زندگی نامه علامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۴۱، تلامذة العلامة المجلسی (اضافات) ص ۱۷۲ ش ۲۸۶.

۳. زندگی نامه علامه مجلسی ج ۲ ص ۳۶.

کتب و آثار علمی

علامه مجلسی

از بارزترین خدمات علامه مجلسی به اسلام و جوامع اسلامی و فرهنگی، تألیفات ارزشمند او است به زبانهای عربی و فارسی، در زمینه‌های گونا گون. او با در نظر گرفتن نیازهای طبقات مختلف جامعه دست به تألیف زده که حاصل آن مجموعه‌ای از کتابها و رساله‌ها است که جزوه‌های چند صفحه‌ای را در خود جای داده تا بحارالانوار با آن وسعت و گستردگی. و ما در اینجا زیر دو عنوان (عربی، و فارسی) از کتابهایش نام می‌بریم:

الف) کتب و آثار علمی به زبان عربی

۱ـ «الأربعون حدیثاً» در اصول و فروع و خطب و مواعظ و آنچه مردم متدین بدان نیاز دارند، همراه با شرح و بیان.[۱]

۲ـ بحارالأنوار الجامعة لدُرر أخبار الأئمّة الأطهار.[۲]

۳ـ جوابات المسائل الطوسیة.[۳]

۴ـ الحواشي المتفرّقة علی الکتب الأربعة وغیرها.[۴]

۵ـ رسالة في الأوزان.[۵]

---

۱. کشف الحجب والاستار ص ۳۶ ش ۱۵۲، وص ۳۱۹ ش ۱۷۱۹، أعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۳، جامع الرواة ج ۲ ص ۷۹، ریاض العلماء ج۵ ص ۴۰، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۴۶ ش ۴، مرآة الاحوال ج ۱ ص ۸۶ ش ۴، الذریعه ج ۱ ص ۴۱۲ ش ۲۱۳۵. در بعضی از کتب مذکور بعنوان (شرح الأربعین) آمده است. تألیف این کتاب در سال ۱۰۸۹ به پایان رسیده است.

۲. ریاض العلماء ج۵ ص ۳۹، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۳۷، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۳، جامع الرواة ج ۲ ص ۷۹، الذریعه ج ۲۰ ص ۲۷۹ ش ۲۹۷۰، و در ج ۳ ص ۱۶ ش ۴۳ می‌گوید: بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الأطهار، کتاب جامعی است که نه قبل از آن و نه بعد از آن همانندش نوشته نشده است؛ زیرا همراه با جمع‌آوری اخبار، تحقیقات دقیق و شرح و بیاناتی آورده است که غالباً در غیر این کتاب یافت نمی‌شود، و این از فضل خدا است که به هر کس بخواهد می‌دهد...

۳. ریاض العلماء ج۵ ص ۳۹، أمل الآمل ج ۲ ص ۲۴۸ ش ۷۳۳.

۴. الفیض القدسي ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۴۷ ش ۱۱، الذریعه ج۷ ص ۱۰۳ ش ۵۳۴، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۳.

۵. لؤلؤة البحرین ص ۵۸، امل الآمل ج ۲ ص ۲۴۸، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۴۷، کشف الحجب والاستار ص ۲۴۱ ش ۱۲۶۷، مرآة الاحوال ج ۱ ص ۸۶ ش ۸، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۳، الذریعه ج ۲۳ ص ۳۱۸ ش ۹۱۴۴. در این کتابها با عنوانهای مختلف آمده است: (رسالة في الاوزان الشرعیه)، (رسالة الاوزان)، (رسالة في المقادیر)، (میزان المقادیر). و این رساله اولین تألیف او است که در سال ۱۰۶۳ به پایان رسیده است.

۶ـ رسالة في الأذان.[۱]

۷ـ رسالة في الإعتقادات.[۲]

۸ـ رسالة في بعض الأدعية الساقطة عن الصحيفة الكاملة.[۳]

۹ـ رسالة في الشكوك.[۴]

۱۰ـ رسالة في صلاة الجمعة.[۵]

۱۱ـ شرح روضة الكافي.[۶]

۱۲ـ الفوائد الطريفة في شرح الصحيفة.[۷]

---

۱. لؤلؤة البحرين ص۵۸، الفيض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۴۷، اعيان الشيعه ج۹ ص۱۸۳، الذريعه ج۱۱ ص۴۸ ش۲۹۲، و ج۱ ص۴۰۵ ش۲۱۰۹.

۲. أمل الآمل ج۲ ص۲۴۸ ش۷۳۳، لؤلؤة البحرين ص۵۷، الفيض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۴۷، جامع الرواة ج۲ ص۷۹، الذريعه ج۲ ص۲۲۴ ش۸۸۳، كشف الحجب والاستار ص۵۲ ش۲۴۴، مرآة الاحوال ج۱ ص۸۶ ش۷. و در لؤلؤة البحرين ص۵۷ـ۵۸ و اعيان الشيعه ج۹ ص۱۸۳ آمده است كه آن را در یک شب تأليف نمود. اين رساله هم با عناوين مختلف ديگر ذكر شده: (رسالة الاعتقاد)، (رسالة العقائد)، (الرسالة الاعتقاديه).

۳. الفيض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۴۷، الذريعة ج۲۲ ص۲۰۰ ش۶۶۸۹

۴. الفيض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۴۷، لؤلؤة البحرين ص۵۸، اعيان الشيعه ج۹ ص۱۸۳، رياض العلماء ج۵ ص۳۹، أمل الآمل ج۲ ص۲۴۸ ش۷۳۳، مرآة الاحوال ج۱ ص۸۶ ش۹، جامع الرواة ج۲ ص۷۹، الذريعه ج۱۴ ص۲۱۶ ش۲۲۵۹، با عنوانهای مختلف: (رسالة الشكّ في الصلاة)، (رسالة السهو والشكّ)، (شكوك الصلاة).

۵. الذريعه ج۱۵ ص۶۶ ش۴۵۰.

۶. أمل الآمل ج۲ ص۲۴۸ ش۷۳۳، رياض العلماء ج۵ ص۳۹، و در پاورقی شماره ۵ همان صفحه به نقل از تعاليق امل الآمل آمده است كه اين كتاب، ادامه همان شرح كافی است و كتاب مستقلی نيست.

۷. الفيض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۴۷ ش۵، كشف الحجب والاستار ص۴۰۴ ش۲۲۳۷، رياض العلماء ج۵ ص۴۷، مرآة الاحوال ج۱ ص۸۶ ش۵، اعيان الشيعه ج۹ ص۱۸۳، جامع الرواة ج۲ ص۷۹، الذريعه ج۱۶ ص۳۴۷ ش۱۶۱۵.

۱۳ـ فهرس مصنّفات الأصحاب.[۱]

۱۴ـ مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله.[۲]

۱۵ـ المسائل الهندية.[۳]

۱۶ـ ملاذ الأخيار في شرح تهذيب الأخبار.[۴]

۱۷ـ الوجيزة في الرجال.[۵]

---

۱. نگاه کن: بحارالانوار ج۱۰۵ پاورقی ص ۳۱ ـ ۳۲. این کتاب اکنون با همان صورت مخطوط به خط مؤلف بعنوان ج۱۰۶ بحار چاپ شده است. و در سال ۱۰۷۰ نوشته شده بعنوان کتابی مستقل؛ و مؤلف آن می‌گوید: تألیف بحارالانوار بعد این کتاب، نیاز به آن را برطرف نمود.

۲. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۴۶، کشف الحجب والاستار ص ۵۰۰ ش۲۸۱۴، جامع الرواة ج۲ ص۷۹.

۳. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۴۷، مرآة الاحوال ج۱ ص۸۶ ش۱۰، کشف الحجب والاستار ص۱۶۵ ش۸۲۲، اعیان الشیعه ج۹ ص۱۸۳.

۴. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۴۶، کشف الحجب والاستار ص ۵۵۰ ش۳۰۹۵، مرآة الاحوال ج۱ ص۸۵ ش۳، اعیان الشیعه ج۹ ص۱۸۳، جامع الرواة ج۲ ص۷۹. و در الذریعه ج۲۲ ص۱۹۱ ش۶۶۴۵ با عنوان ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار.

۵. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۴۷، ریاض العلماء ج۵ ص۳۹، أمل الآمل ج۲ ص۲۴۸ ش۷۳۳، مرآة الاحوال ج۱ ص۸۶ ش۶، اعیان الشیعه ج۹ ص۱۸۳، الذریعه ج۲۵ ص۴۷ ش۲۳۴، کشف الحجب والاستار ص۴۳۷ ش۲۴۳۹، و ص ۶۰۰ ش۳۳۸۰. در بعضی از این کتابها با عنوان (رسالة في الرجال) ذکر شده است.

ب) کتب و آثار علمی به زبان فارسی

۱ـ انشاء و نوشتاری که پس از بازگشت از کربلا و نجف، به یاد آن دیار نگاشته است.[۱]

۲ـ تحفة الزائر (کتابی که اکنون در دست شما است).[۲]

۳ـ ترجمهٔ توحید امام رضاعليه‌السلام.[۳]

۴ـ ترجمهٔ توحید مفضّل.[۴]

۵ـ ترجمهٔ حدیث ستّة أشیاء.[۵]

۶ـ ترجمهٔ حدیث جبر و تفویض مروی از امام رضاعليه‌السلام.[۶]

---

۱. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۲ ش ۴۵، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۲، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، کشف الحجب و الاستار ص ۲۲۴ ش ۱۱۶۰.

۲. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۴۸، امل الآمل ج ۲ ص ۲۸۴ ش ۷۳۳، کشف الحجب والاستار ص۱۰۵، ش۴۸۳، مرآة الاحوال ج ۱ ص۸۸ ش۵، اعیان الشیعه ج ۹ ص۱۸۳، جامع الرواة ج ۲ ص ۷۹، الذریعه ج ۳ ص ۴۳۸ ش۱۵۸۸.

۳. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۱ ش ۳۵، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۱، کشف الحجب والاستار ص ۱۱۳ ش ۵۲۶، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، ریاض العلماء ج۵ ص ۴۰، الذریعه ج ۴ ص ۹۹ ش ۴۶۷، جامع الرواة ج ۲ ص ۷۹، با تعبیرات مختلف: (رسالة فی شرح خطبة الرّضا في التوحید)، (ترجمه خطبة الرّضاعليه‌السلام في التوحید)، (ترجمه خطبة التوحید للرّضاعليه‌السلام).

۴. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۱، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۱، جامع الرواة ج ۲ ص۷۹، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، الذریعه ج ۴ ص ۹۱ ش ۴۰۹، کشف الحجب والاستار ص ۱۱۴ ش ۵۲۷، و ص ۱۲۰ ش ۵۷۰، ریاض العلماء ج۵ ص ۳۹؛ با تعبیرات دیگر: (شرح توحید المفضل)، (کتاب المفضّل في التوحید).

۵. «ستة اشیاء لیس للعباد فیها صنع، المعرفة والجهل والرضا والغضب والنوم والیقظة». مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۲ ش ۴۴، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۲، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، والذریعه ج ۴ ص ۹۶ ش ۴۴۴.

۶. الذریعه ج ۴ ص ۹۶ ش ۴۴۲، وج۵ ص ۸۴. حدیث در عیون اخبار الرضاعليه‌السلام ج ۱ ب ۱۱ ص ۱۱۹ ح۴۸ روایت شده است. احتمال دارد همان رسالهٔ جبر و تفویض مذکور در شمارهٔ ۳۸ باشد.

۷ـ ترجمهٔ حدیث رجاء بن أبي الضحاك.[۱]
۸ـ ترجمهٔ حدیث عبدالله بن جندب.[۲]
۹ـ ترجمهٔ دعای جوشن صغیر.[۳]
۱۰ـ ترجمهٔ دعای سمات.[۴]
۱۱ـ ترجمهٔ دعای کمیل.[۵]
۱۲ـ ترجمهٔ دعای مباهله.[۶]
۱۳ـ ترجمهٔ الرسالة الذهبیه.[۷]
۱۴ـ ترجمهٔ زیارت جامعه.[۸]

---

۱. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۱ ش ۴۲، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۱، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، الذریعه ج ۴ ص ۹۶ ش ۴۴۳. ظاهراً همان ترجمه‌ای است که در جامع الرواة ج ۲ ص ۷۹ به عنوان ترجمة أعمال الرضاﷺ في طريق خراسان ذکر شده است، چون حدیث (رجاء) در همین زمینه است.
۲. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۱ ش ۴۱، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۲، کشف الحجب والاستار ص ۱۱۴ ش ۵۳۳، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، الذریعه ج ۴ ص ۹۶ ش ۴۴۶.
۳. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۱ ش ۴۰، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۲، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۲، کشف الحجب والاستار ص۱۱۵ ش ۵۳۶، الذریعه ج ۴ ص ۱۰۱ ضمن ش ۴۷۴، جامع الرواة ج ۲ ص ۷۹.
۴. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۱ ش ۳۹، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۱، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، الذریعه ج ۴ ص ۱۰۱ ضمن ش ۴۷۴.
۵. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۱ ش ۳۷، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۱، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، جامع الرواة ج ۲ ص ۷۹، کشف الحجب والاستار ص۱۱۵ ش ۵۳۹، الذریعه ج ۴ ص ۱۰۲ ضمن ش ۴۷۴.
۶. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۱ ش ۳۸، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۱، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، جامع الرواة ج ۲ ص ۷۹، الذریعه ج ۴ ص ۱۰۲ ضمن ش ۴۷۴.
۷. کشف الحجب والاستار ص۱۱۵ ش ۵۴۱، الذریعه ج ۴ ص ۱۰۳ ش ۴۷۶.
۸. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۱ ش ۳۶، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۱، ریاض العلماء ج۵ ص ۴۰، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، کشف الحجب والاستار ص ۱۱۶ ش ۵۴۴.

۱۵ـ ترجمهٔ فرحة الغري.[۱]

۱۶ـ ترجمهٔ قصهٔ یوذ اسف وبلوهر.[۲]

۱۷ـ ترجمهٔ قصیدهٔ دعبل خزاعی.[۳]

۱۸ـ ترجمهٔ نامهٔ امیر المؤمنین(ع) به مالك اشتر نخعی.[۴]

۱۹ـ جلاء العیون.[۵]

۲۰ـ جواب سؤالهای متفرقه.[۶]

۲۱ـ چهل حدیث در امامت، با شرح فارسی.[۷]

۲۲ـ حق الیقین.[۸]

۲۳ـ حلیة المتقین.[۹]

---

۱. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۱ ش ۳۶، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۱، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، کشف الحجب والأستار ص۱۱۸ ش ۵۶۲، الذریعه ج ۴ ص ۱۲۱ ش ۵۸۲.

۲. الذریعه ج ۴ ص۱۲۸ ش۶۰۷.

۳. مرآة الاحوال ج ۱ ص۹۲ ش ۴۳، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۲، کشف الحجب والاستار ص۱۱۹ ش۵۶۵، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، الذریعه ج ۴ ص۱۲۸ ش ۶۱۰.

۴. کشف الحجب والاستار ص ۱۲۰ ش۵۶۸، مرآة الاحوال ج ۱ ص۸۹ ش ۱۴، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، جامع الرواة ج ۲ ص ۷۹، الذریعه ج ۴ ص ۱۱۹ ش۵۶۹، و ج ۱۴ ص ۱۱۶ ذیل ش ۱۹۴۱، بیست و پنج رساله فارسی علامه مجلسی ص۱۳۳، یادنامهٔ مجلسی ج ۲ ص ۶؛ با عنوآنهاو تعبیرات مختلف.

۵. جامع الرواة ج ۲ ص۷۹، مرآة الاحوال ج ۱ ص۸۸ ش ۶، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۴۸، کشف الحجب والاستار ص۱۵۷ ش ۷۷۲، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۳، الذریعة ج۵ ص۱۲۴ ش ۵۱۲.

۶. مرآة الاحوال ج ۱ ص۹۲ ش۴۸، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۲، و نگاه کن: الذریعه ج۵ ص۱۸۷ و ص۲۰۲.

۷. الذریعه ج ۱ ص ۴۱۱ ش ۲۱۳۴.

۸. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۲ ش ۴۹، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۴۸، کشف الحجب والاستار ص۱۹۷ ش ۱۰۱۹، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۳، الذریعه ج۷ ص ۴۰ ش ۲۰۴.

۹. جامع الرواة ج ۲ ص۷۹، مرآة الاحوال ج ۱ ص۸۷ ش ۳، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۴۸، کشف الحجب والاستار ص ۲۰۱، ش۱۰۳۸، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۳، الذریعه ج۷ ص۸۳ ش ۴۳۸.

۲۴ـ حیاة القلوب.[۱]

۲۵ـ ربیع الاسابیع.[۲]

۲۶ـ رسالهٔ اختیارات.[۳]

۲۷ـ رسالهٔ صغیرهٔ اعمال حج.[۴]

۲۸ـ رسالهٔ تحقیق آیهٔ کریمهٔ ﴿السابقون السابقون...﴾.[۵]

۲۹ـ رسالهٔ صاعیه (رساله‌ای در تحدید صاع).[۶]

۳۰ـ رسالهٔ رمی (آداب تیراندازی).[۷]

---

۱. جامع الرواة ج ۲ ص ۷۹، مرآة الاحوال ج ۱ ص ۸۷ ش ۱۴، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۴۸، کشف الحجب والاستار ص ۲۰۳ ش ۱۰۴۳، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۳، الذریعه ج ۷ ص ۱۲۱ ش ۶۴۶.

۲. جامع الرواة ج ۲ ص ۷۸، مرآة الاحوال ج ۱ ص ۸۸ ش ۸، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۴۸، کشف الحجب والاستار ص ۲۲۲ ش ۱۱۴۶، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۳، الذریعه ج ۱۰ ص ۷۵ ش ۱۲۹.

۳. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۸۹ ش ۱۵، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۴۹، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، کشف الحجب والاستار ص ۲۳۳ ش ۱۲۱۲ و ش ۱۲۱۳، أمل الآمل ج ۲ ص ۲۴۸ ش ۷۳۳، الذریعه ج ۱ ص ۳۶۷ ش ۱۹۱۷، جامع الرواة ج ۲ ص ۷۹؛ با عنوانهای مختلف: (رسالة فی اختیار الساعات والایام والتواریخ)، (رسالة فی اختیار الساعات)، (اختیارات الایام)، (اختیارات الایام والساعات).

۴. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۴۹، کشف الحجب والاستار ص ۲۳۱ ش ۱۲۰۱، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۲، الذریعه ج ۲۲ ص ۲۵۷ ش ۶۹۴۲، بیست و پنج رساله فارسی علامه مجلسی ص ۴۲۱. در بعضی از این کتب با تعبیر (مناسك الحج الصغیر).

۵. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۰ ش ۲۸، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۵۰، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، کشف الحجب والاستار ص ۱۲۸ ش ۶۱۹.

۶. الذریعه ج ۱۵ ص ۳ ش ۱۴، و ج ۲۳ ص ۳۱۹ ش ۹۱۴۴؛ با عنوانهای مختلف: (رسالة صاع)، (میزان المقادیر)، (أوزان).

۷. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۰ ش ۲۴، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج ۱۰۵ ص ۵۰، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، الذریعه ج ۱ ص ۱۹ ش ۹۱.

۳۱ـ رسالهٔ آداب نماز.[۱]

۳۲ـ رسالهٔ جنائز.[۲]

۳۳ـ رسالهٔ کبیرهٔ اعمال حج و عمره.[۳]

۳۴ـ رساله‌ای در احکام نواصب غواصب.[۴]

۳۵ـ رسالهٔ اوقات نوافل شبانه‌روزی.[۵]

۳۶ـ رسالهٔ تحقیق بداء.[۶]

۳۷ـ رسالهٔ ترجمهٔ نماز.[۷]

---

۱. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۰ ش ۲۷، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۰، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، کشف الحجب والأستار ص ۲۳۴ ش ۱۲۱۷، الذریعه ج ۱ ص ۲۱ ش ۱۰۳، و ج ۳ ص ۱۱۳ ذیل ش ۵۳۱، بیست و پنج رساله فارسی علامه مجلسی ص ۲۳۵.

۲. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۸۹ ش ۱۷، کشف الحجب والاستار ص ۲۳۱ ش ۱۲۰۰، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، الذریعه ج ۱ ص ۱۴ ش ۶۵، و ص ۲۹۴ ش ۱۵۳۳. با تعبیرات مختلف: (آداب تجهیز الأموات)، (احکام الأموات).

۳. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۸۹ ش ۱۸، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۴۹، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، کشف الحجب والاستار ص ۲۵۶ ش ۱۳۵۷، ریاض العلماء ج ۵ ص ۳۹، أمل الآمل ج ۲ ص ۲۴۸ ش ۷۳۳، الذریعه ج ۲۲ ص ۲۵۶ ش ۶۹۴۱؛ با تعبیرات گوناگون: (رسالة في الحج)، (رسالة في مناسك الحج)، (مناسك الحج الكبير).

۴. کشف الحجب والاستار ص ۲۳۲ ش ۱۲۰۶.

۵. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۸۹ ش ۱۲، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۴۹، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۳ ـ ۱۸۴. در بعضی با تعبیر (رسالة في الاوقات)، و در الذریعه ج ۲ ص ۴۷۹ ش ۱۸۸۱: (أوقات الظهر والعصر ونوافلهما)، و پایان تألیف آن را سال ۱۰۹۷ نوشته است.

۶. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۱ ش ۳۱، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۰، کشف الحجب والاستار ص ۲۴۳ ش ۱۲۷۴، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، الذریعه ج ۳ ص ۵۴ ش ۱۳۷؛ در اغلب با تعبیر (رسالة في البداء).

۷. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۳، کشف الحجب والاستار ص ۱۱۷ ش ۵۵۳.

۳۸ـ رسالهٔ جبر و تفویض.[۱]
۳۹ـ رسالهٔ بهشت و دوزخ.[۲]
۴۰ـ رساله‌ای در حدود و دیات.[۳]
۴۱ـ رسالهٔ رجعت.[۴]
۴۲ـ رسالهٔ زکات.[۵]
۴۳ـ رساله‌ای در زیارت اهل قبور.[۶]
۴۴ـ رساله‌ای در سهام.[۷]
۴۵ـ رسالهٔ شکیات نماز.[۸]

---

۱. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۱ ش ۳۲، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۱، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴. و نگاه کن: ص ۱۲۲ پاورقی ۶.
۲. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۸۹ ش ۱۶، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۴۹، کشف الحجب والاستار ص ۲۵۳ ش ۱۳۳۶ و ص ۲۵۹ ش ۱۳۶۸، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، الذریعه ج ۵ ص ۱۶۳ ش ۶۹۳ و ۶۹۴؛ با تعبیرات دیگر: (رسالة في الجنّة والنّار)، (رسالة في حقيقة الجنّة والنّار).
۳. الذریعه ج ۶ ص ۲۹۷ ش ۱۵۹۱، کشف الحجب والاستار ص ۲۵۷ ش ۱۳۵۸. و در مرآة الاحوال ج ۱ ص ۸۸ ش ۱۰، و الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۴۹، و اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۳ بدون کلمهٔ (حدود).
۴. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۸۹ ش ۱۳، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۴۹، کشف الحجب والاستار ص ۲۶۳ ش ۱۳۹۷، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۳، الذریعه ج ۱ ص ۹۰ ش ۴۳۷، و ج ۱۳ ص ۶۸ ش ۲۲۲. در بعضی با تعبیرات: (رسالة في الرجعة)، (إثبات الرجعة).
۵. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۰ ش ۲۲، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۰، کشف الحجب والاستار ص ۲۶۶، ش ۱۴۱۵، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، الذریعه ج ۱۲ ص ۴۱ ش ۲۳۵.
۶. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۲، الذریعه ج ۱۲ ص ۷۸ ش ۵۳۸.
۷. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۲، کشف الحجب والاستار ص ۲۶۸ ش ۱۴۲۳، الذریعه ج ۱۲ ص ۲۶۰ ش ۱۷۱۵.
۸. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۸۹ ش ۱۱، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۴۹، کشف الحجب والاستار ص ۲۶۹ ش ۱۴۳۴، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۳، الذریعه ج ۱۴ ص ۲۱۶ ش ۲۲۵۸، بیست و پنج رساله فارسی علامه مجلسی ص ۲۹۳.

۴۶ـ رسالهٔ نماز شب.[۱]

۴۷ـ رساله‌ای در صیغ عقود و نکاح.[۲]

۴۸ـ رسالهٔ فرق میان صفات ذاتی و صفات فعلی حق ـ سبحانه ـ.[۳]

۴۹ـ رساله‌ای در نماز و روزه.[۴]

۵۰ـ رسالهٔ کفّارات.[۵]

۵۱ـ رسالهٔ مال ناصب.[۶]

۵۲ـ رسالهٔ نکاح.[۷]

۵۳ـ رسالهٔ مفاتیح الغیب (در استخاره).[۸]

۵۴ـ زاد المعاد.[۹]

۵۵ـ شرح دعای جوشن کبیر.[۱۰]

---

۱. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۰، اعیان الشیعه ج۹ ص۱۸۴، مرآة الاحوال ج۱ ص ۹۰ ش ۲۶، کشف الحجب والاستار ص ۲۷۱ ش ۱۴۴۷.

۲. کشف الحجب والاستار ص ۲۷۲ ش ۱۴۵۳، الذریعه ج۱۵ ص۱۰۸ ش۷۲۵.

۳. مرآة الاحوال ج۱ ص ۹۰ ش۲۹، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۰، اعیان الشیعه ج۹ ص۱۸۴، کشف الحجب والاستار ص ۲۷۶ ش ۱۴۷۷، الذریعه ج ۱۶ ص ۱۷۶ ش ۵۴۳ و ص ۱۸۰.

۴. کشف الحجب والاستار ص ۲۷۱ ش ۱۴۴۶ (رسالة في الصلاة والصوم).

۵. مرآة الاحوال ج۱ ص ۹۰ ش۲۳، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۰، اعیان الشیعه ج۹ ص۱۸۴. و در الذریعة ج۱۸ ص ۸۶ ش ۸۰۴ می‌گوید در ماه صفر ۱۰۹۱ تألیف آن به پایان رسیده است.

۶. مرآة الاحوال ج۱ ص ۹۰ ش ۲۱، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۰، و در اعیان الشیعه ج۹ ص۱۸۴، الذریعه ج۱۹ ص۲۷ ش ۱۳۶ و ۱۳۷.

۷. مرآة الاحوال ج۱ ص ۹۰ ش۲۵، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۱، اعیان الشیعه ج۹ ص۱۸۴.

۸. مرآة الاحوال ج۱ ص ۹۰ ش ۲۰، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۴۹، اعیان الشیعه ج۹ ص۱۸۲، کشف الحجب والاستار ص۲۳۴ ش ۱۲۲۳، و ص۵۳۸ ش۳۰۲۵، الذریعه ج۲ ص۱۹ ش ۵۵ و ج ۲۱ ص ۳۰۴.

۹. مرآة الاحوال ج۱ ص۸۸ ش۹، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۴۹، اعیان الشیعه ج۹ ص۱۸۳، الذریعه ج۱۲ ص۱۱ ش۵۷.

۱۰. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۵۲، الذریعه ج۱۳ ص۲۴۷ ش۸۹۸.

۵۶ـ صواعق الیهود (در چگونگی جزیهٔ یهود).[۱]

۵۷ـ عین الحیاة.[۲]

۵۸ـ مشکاة الأنوار (در آداب و فضل قرائت قرآن).[۳]

۵۹ـ مشکاة الأنوار (مختصر عین الحیاة).[۴]

۶۰ـ مقباس المصابیح.[۵]

۶۱ـ مناجات.[۶]

* * *

---

۱. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۲، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۲، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، الذریعه ج۱۵ ص ۹۵ ش ۶۲۴. در بعضی از آنها با عنوان: (رسالة في الجزیه واحکام الذمه).

۲. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۸۷ ش ۱، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۴۸، جامع الرواة ج ۲ ص ۷۹، ریاض العلماء ج۵ ص ۳۹، الذریعه ج۱۵ ص ۳۷۰ ش ۲۳۳۴.

۳. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۲، کشف الحجب والاستار ص ۵۲۳ ش ۲۹۴۲، ریاض العلماء ج۵ ص ۳۹، الذریعه ج ۲۱ ص ۵۴ ش ۳۹۲۰ و ۳۹۲۱.

۴. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۸۷ ش ۲، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۴۸، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۳، الذریعه ج ۲۱ ص ۵۴ ش ۳۹۲۱، و در جامع الرواة ج ۲ ص ۷۹ عنوان تنها آمده است، و از اینکه مختصر عین الحیاة است، یا در فضل قرآن، سخنی نگفته است.

۵. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۸۸ ش ۷، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۴۸، کشف الحجب والاستار ص ۵۴۳ ش ۳۰۵۰، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۳، جامع الرواة ج ۲ ص ۷۹، الذریعة ج ۲۲ ص ۱۷ ش ۵۸۱۰. در مرآة الاحوال، و کشف الحجب گفته شده است که این کتاب در تعقیبات نماز است.

۶. مرآة الاحوال ج ۱ ص ۹۲ ش ۴۶، الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص ۵۲، اعیان الشیعه ج ۹ ص ۱۸۴، الذریعه ج ۲۲ ص ۲۳۶ ش ۶۱۵۱ ـ ۶۱۵۳.

کتابهایی که بعضی به
علامهٔ مجلسیؒ نسبت داده‌اند

تألیف این چهار کتاب نیز به او نسبت داده شده[1]، که انتساب بعضی از آنها نابجا و بعضی مورد تردید است:

۱ـ کتاب اختیارات الایام (رساله‌ای بزرگ غیر از رساله‌ای که قبلاً ذکر شد).

۲ـ کتاب تذکرة الائمة.

۳ـ کتاب صراط النجاة.

۴ـ کتابی در تعبیر خواب.

تذکرة الائمه را محقق بحرانی در لؤلؤة البحرین[2] به او نسبت داده، و مؤلف روضات الجنات به جهاتی این نسبت را نابجا شمرده و سپس در ضمن نام بردن از کتب علامه مجلسی، از کتاب اختیارات کبیر و صغیر نام برده و نوشته است: هرچند در انتساب کبیر به او مناقشه هست، بلکه گفته می‌شود: دو رسالهٔ اختیارات، و صراط النجاة، و تذکرة الائمه از تألیفات همنامش مولی محمدباقر بن محمد تقی لاهیجی است که از معاصران او می‌باشد.

محدث نوری در الفیض القدسی سخن مؤلف روضات را در مورد (تذکره) تأیید نموده به جهت اینکه مؤلف ریاض العلماء در بخش مربوط به کتب مجهوله

---

۱. الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۵۳.

۲. لؤلؤة البحرین ص۶۹

کتابش ـ که در زمان علامه مجلسی نوشته ـ آن را از تألیفات بعضی از معاصرین خود که تمایل به تصوف داشته می‌داند؛ ولی می‌گوید اینکه گفته شود علامه مجلسی رساله‌ای بنام اختیارات نداشته درست نیست، چون او در آخر مجموعه‌ای که از جمله آنها (رسالهٔ اختیارات الایام والساعات) است، به خط خود اجازه‌ای برای مولی ابراهیم گیلانی نوشته است.[1]

* * *

۱. نگاه کن: الفیض القدسی ضمن بحارالانوار ج۱۰۵ ص۵۳ ـ ۵۴، وص۱۰۱ ش۴۳، روضات الجنات ج۲ ص۸۰ ـ ۸۱ الذریعه ج۱ ص۳۶۷ ش۱۹۱۸، و ج۴ ص۲۰۷ ش۱۰۳۴.

ویژگیهای کتاب تحفة الزائر

۱. در این کتاب ـ همانگونه که مؤلف آن در مقدمه اشاره کرده است ـ سعی بر این بوده که منحصراً زیارات و دعاهای مأثوره و منقوله از ائمه اطهار آورده شود، او در این باره چنین می‌گوید:

... و زیارات منقولهٔ بسیار از ائمه اطهار عليهم السلام به نظر قاصر رسیده بود، که با وجود آنها به زیارات مؤلفهٔ علما احتیاج نبود، بخواست که رساله‌ای تألیف نماید که مقصور باشد بر ذکر زیارات و ادعیه و آدابی که به اسانید معتبره از ائمه دین صلوات الله علیهم اجمعین منقول گردیده است.[1]

۲. روایاتی راکه در این کتاب آورده است، چه آنهاکه حاوی زیارت و دعا است، و چه آنهایی که در موضوعات مختلف آمده‌اند، غالباً به درجهٔ ارزش سند آنها از قبیل: صحیح، حسن، موثّق، قوی، معتبر، اشاره می‌کند.

۳. اگر به زیارت یا دعایی که روایت است، چیزی اضافه شده باشد، یا از روایات مختلف ترکیب شده باشد، آن را ذکر می‌کند، چنانچه در ص ۱۰۵ در ابتدای زیارت اول می‌گوید:

زیارتی است که شیخ مفید و سید بن طاووس و شیخ شهید و غیر ایشان ـ قدّس الله ارواحهم ـ در کتب خود ذکر کرده‌اند و به روایت نسبت داده‌اند؛ اگرچه از بعضی قرائن مفهوم می‌شود که دعایی چند در میان روایت درج فرموده باشند، و روایات دیگر نیز به این روایت ضمّ کرده باشند.

---

۱. تحفة الزائر ص۴.

۴. اگر روایت یکپارچه‌ای تقسیم شده باشد، به گونه‌ای که هر تکه از محتوای آن (زیارت یا دعا) در جای ظاهراً مناسب برده شده باشد به آن اشاره می‌نماید، چنانچه در ص ۱۴۱ بعد از زیارت ششم چنین می‌گوید:

> از قرائن روایات که در اینجا و در زیارات امام حسین علیه السلام در روز عاشورا ذکر کرده‌اند، معلوم می‌شود که مؤلّفان مزارات، این حدیث را تفریق و اختصار کرده‌اند...

۵. موردی را که روایت بودن آن احتمالی باشد، و احتمال خلاف در آن باشد، بدون توضیح و بیان نمی‌گذارد، چنانچه در ص ۶۶۶ بعد از نقل روایتی از سعد اشعری در فضیلت زیارت حضرت معصومه علیها السلام و کیفیت زیارت آن حضرت می‌نویسد:

> محتمل است که زیارت از تتمهٔ حدیث نباشد، و از تألیفات علما بوده باشد.

۶. اگر در موضوعی روایات مختلف و به ظاهر متعارضی آمده باشد، وجه یا وجوه جمع بین آنها را بیان می‌کند، چنانچه در باب حریم قبر امام حسین علیه السلام در ص ۲۷۳ ـ ۲۷۴ می‌گوید:

> علما جمع میان احادیث مختلفه در این باب، به حمل بر اختلاف مراتبِ فضیلت کرده‌اند که: اقصای مراتب...
>
> و ظاهر کلام اکثر علما و مشهور میان سکنه آن دیار، آن معنی اول است.

و در ص ۲۴۰ به دنبال روایات مختلفی که در مقدار ثواب و فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام آمده می‌گوید:

> این اختلافها که در فضیلت زیارت آن حضرت وارد شده است یا محمول است بر... والله یعلم.

۷. نکات لازم را در خلال کتاب توضیح می‌دهد، و سؤالاتی که می‌تواند مطرح

شود بی‌پاسخ نمی‌گذارد، مثلاً در باب فضیلت تربت امام حسین؊، حکم حرمت خوردن خاک را بیان می‌کند، و به مقداری از تربت امام حسین؊ که خوردن آن به قصد استشفا مجاز است اشاره می‌نماید.

۸ از آنجا که این کتاب بعد از بحارالانوار که خود حاوی بخش مبسوطی در زیارات است تألیف شده، طبعاً مؤلف با اشراف و احاطهٔ بیشتری این مجموعه را برگزیده و فراهم آورده است.

۹. این کتاب به زبان فارسی نوشته شده است، تا فارسی زبانان را با منبع پرفیض زیارات و فضائل و برکات آنها آشنا نموده، و جوابگوی نیاز آنها در این زمینه باشد. و مؤلف در این باره چنین می‌گوید:

> اکثر کتبی که در زیارات مصنَّف گردیده است، به لغت عربی تألیف نموده‌اند، و اکثر خلق را از آن بهرهٔ کامل و حظّ شاملی نیست،... بخواست که رساله‌ای تألیف نماید... و فضائل و آداب هر یک را به لغت فارسی ترجمه نماید تا اکثر شیعیان این دیار از این رسالهٔ وافیه بهره‌مند گردند.[۱]

اهمیت تحفة الزائر از نظر علما

۱. عالم بزرگوار حاج آقا بزرگ تهرانی می‌گوید:

علامه مجلسی؆ مزار بحار را در سال ۱۰۸۱ به پایان رسانید و همه زیاراتی را که در کتب مزار به آن دست یافته بود در آن جمع آوری کرد، سپس در سال ۱۰۸۵ کتاب تحفة الزائر را به فارسی تألیف نمود تا عموم از آن استفاده کنند.

و در این کتاب به زیاراتی که روایت شده و از نظر وی معتبر بوده اکتفا کرد، و مقداری از زیارات مخصوصه و غیر آن را در این کتاب نیاورد. این کتاب چندین بار چاپ شده است.

---

۱. تحفة الزائر ص۴.

شیخ ما علامه نوری‌ﷺ چون اسناد معتبر مقداری از این زیارات مخصوصه را دید به خواهرزاده و دامادش شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری ـ که در ۱۳ رجب ۱۳۲۷ هـ به دار آویخته شد ـ دستور داد که این کتاب را با ملحقات و همراه با چندین زیارت معتبر تجدید چاپ کند، که با دستور آن شهید بزرگوار در نهایت صحت و خوبی در سال ۱۳۱۴ به چاپ رسید.[۱]

۲. عالم جلیل سید عبدالله شبّر متوفای ۱۲۴۲ تحفة الزائر را به عربی ترجمه نمود که به عنوان (تحفة الزائر عربی یا معرّب) شناخته می‌شود[۲]، ترجمه این کتاب به عربی توسط این عالم بزرگ نشانگر اهمیت و اعتبار آن می‌باشد.

* * *

---

۱. الذریعه ج۳ ص۴۳۸ ش۱۵۸۸: تحفة الزائر (الفارسي) للعلّامة المجلسي المولى محمّد باقر بن محمّد تقي الاصفهاني المتوفّى سنة ۱۱۱۱، أورد في كتاب مزار البحار ـ الذي فرغ منه سنة ۱۰۸۱ ـ جميع ما ظفر به من الزيارات المذكورة في كتب المزار، ثمّ ألّف تحفة الزائر سنة ۱۰۸۵ بالفارسية لعموم النفع، مقتصراً فيه على خصوص الزيارات المرويّة بطرق معتبرة عنده، في مقدمة واثنى عشر باباً وخاتمة، وأسقط فيه جملة من الزيارات المخصوصة وغيرها. وقد طبع كذلك مراراً، ولمّا رأى شيخنا العلّامة النوري اعتبار أسانيد جملة من تلك المخصوصات، أشار إلى ابن اخته وصهره على كريمته الحاج الشيخ فضل الله بن المولى عباس النوري المصلوب الشهيد ۱۳ رجب سنة ۱۳۲۷، بتجديد طبعه مع ملحقات من تلك الزيارات المعتبرة، فأمر بطبعه في غاية الصحّة والجودة في طهران سنة ۱۳۱۴.

۲. الذریعه ج۳ ص۴۳۸ ش ۱۵۸۹. تحفة الزائر العربي أو المعرّب للسيد عبدالله شبر المتوفى سنة ۱۲۴۲، قال تلميذه الشيخ عبد النبي الكاظمي في تكملة نقد الرجال: إنّه معرّب تحفة الزائر الفارسي للعلامة المجلسي... .

انگیزهٔ تصحیح و چاپ و نشر این کتاب

۱. چون در موضوع خود با محوریت روایات و احادیث معتبر تدوین شده است، و یک کتاب روائی در زمینهٔ خاصّ محسوب می‌گردد، از این جهت برای اهل علم و تحقیق ـ گذشته از کاربرد آن در مقصدی که برایش تألیف شده ـ مورد عنایت و توجه بوده است.

۲. به لحاظ اینکه به فارسی نگارش یافته، دسترسی جمعیت بسیاری از شیفتگان اهل بیت‌ﷺ و مشتاقان زیارتشان را که فارسی زبان‌اند، به منبعی معتبر از معارف و زیارات و دعاها آسان نموده، و از این جهت مورد توجه آنان است.

۳. تألیف آن، توسط شخصیت علمیِ مورد شناخت و احترام و اعتماد دانشمندان و عموم مردم، یعنی علامه مجلسی‌ؒ، پس از تألیف بحارالانوار ـ که دریایی است از روایات و احادیث و آثار در موضوعات مختلف، از جمله (زیارات) ـ، با عنایت و دقت و دسته‌بندی خاصی انجام گرفته است.

با توجه به جهات ذکر شده و اینکه این اثر چندین بار چاپ و منتشر شده است، و اکنون ده‌ها سال است که نسخه‌های آن نایاب و از دسترس علاقه‌مندان به دور مانده است، لازم می‌نمود که با امکانات موجود روز، همراه با تصحیح و تحقیق، با کیفیّتی در خور آن چاپ شده و در اختیار پژوهشگران و عموم مردم قرار گیرد، تا بدین وسیله این کمبود فرهنگی جبران گردد.

روش تحقیق و تصحیح این کتاب

۱. در تصحیح این کتاب به منظور هرچه نزدیکتر نمودن متن آن با آنچه از قلم مؤلف صادر شده است ـ جز در مواردی که به رسم الخط مربوط می‌گردد ـ به دو نسخهٔ خطی نفیس، بیشتر اعتماد شده است:

الف) نسخهٔ گرانقدری که به خط مؤلف است (در صفحه بعد به خصوصیات آن اشاره می‌شود)، و کار مقابله با آن انجام گردید.

ب) نسخهٔ کاملی که با نسخهٔ مؤلف مقابله شده است.

۲. چندین نسخه خطی و نفیس دیگر در دست بود که در مقابله و تصحیح، جهت اتقان مورد استفاده و مراجعه قرار گرفته‌اند.

۳. در تصحیح متن از روش تلفیق استفاده شده است.

۴. اگر در مواردی جمله‌ای یا کلمه‌ای از منابع و مآخذ متن یا بحارالانوار اضافه شده باشد، بین دو علامت [ ] قرار گرفته است، با ذکر نشانی منبع در پاورقی.

۵. اگر در مواردی ـ هرچند کم ـ به منظور اصلاح متن، کلمه‌ای یا حرفی از خود اضافه نموده باشیم، بین دو علامت [ ] قرار گرفته است، بدون شماره و پاورقی.

۶. آیات قرآنی بین دو علامت ﴿ ﴾ قرار گرفته‌اند با ذکر شماره آیه و نام سوره در پاورقی.

۷. نشانی منابع احادیث و زیارات در پاورقی ذکر شده است.

۸. اختلاف نسخه‌ها، در پاورقی به عنوان نسخه بدل اشاره شده است.

۹. در حرکت گذاری و اعراب زیارات و ادعیه، بیشتر، حرکت و اعراب نسخه‌ها مورد توجه بوده است.

۱۰. در آخر کتاب چند فهرست جهت تسهیل مراجعه پژوهشگران و محققین فراهم آمده است.

۱۱. در اول کتاب مقدمه‌ای پیرامون شخصیت مؤلف، و اهمیت این کتاب و انگیزهٔ تصحیح و چاپ آن تدوین گردیده است.

خصوصیات نسخهٔ نفیس به خط مؤلّف

این نسخه حاوی نیمه دوم کتاب است تقریباً، و شروعش از اینجا است:

«زیارت اوّل: به سند قوی از ابو حمزه ثمالی منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون خواهی روانه زیارت قبر حسین بن علی صلوات الله علیهما شوی، پس روزه بدار ...».[1]

در این نسخه متون احادیث و توضیحاتی که به فارسی نگاشته شده به خط مؤلف است، و متون زیارات و دعاها غالباً غیر از سطر اول یا نیم سطر آن، به خط شخص دیگری است ـ که نوعاً به جهت صرفه‌جویی در وقت و تسریع در کار، از کاتب یا کاتبانی کمک می‌گرفته است ـ، و بعداً خود او بازنگری و مقابله کرده و نسخه بدلها و نکاتی را به قلم خود در حاشیه منعکس نموده، و احیاناً کلمه یا جمله‌ای را قلم گرفته و یا اضافه کرده است.

در جای جای آن، خط خوردگیهای متعددی به جهت عوض نمودن کلمه یا عبارتی به قلم خودش انجام گرفته، که حکایت از آن دارد که نسخهٔ اوّلیه از کتاب است که در حین تألیف نوشته شده است.

---

۱. نگاه کن: ص ۳۰۵.

تقدیر و تشکر

از همهٔ پژوهشگران و کارکنان که در به ثمر رسیدن این کتاب با کمال خلوص و جدیّت در مقابله، تخریج مصادر، تصحیح و تحقیق متن کتاب و تهیه فهرست‌های فنی و مقدمه کتاب، و سایر امور همکاری نمودند تشکر و تقدیر می‌شود.

همچنین از مدیر و کارکنان کتابخانهٔ ملّی ملک، کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی، کتابخانهٔ ملّی، کتابخانهٔ مسجد اعظم قم، کتابخانهٔ آیة الله العظمی گلپایگانی‌ؒ، کتابخانهٔ آیة الله العظمی نجفی مرعشی‌ؒ، مرکز احیاء تراث اسلامی، مرکز تحقیقات دار الحدیث، مؤسسة آل البیت لإحیاء التراث و سایر مؤسسات فرهنگی و علمی.

و نیز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسهٔ فرهنگی فلاح، کمیته حمایت از فعالیت‌های مؤسسات فرهنگی و هنری و مراکز دیگری که نسبت به مؤسسه و چاپ این کتاب به اشکال گوناگون ابراز محبّت کردند، قدردانی می‌شود و از خداوند متعال برای همه عزیزان توفیقات روزافزون مسئلت می‌نماییم.

موسسه امام هادی‌ؑ

فهرست تفصیلی مقدمه

تألیف:

علامہ محمد باقر مجلسی رحمہ اللہ

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم

کبوتر ستایشی که از بروج مُشیّده افواهِ حامدان، آهنگِ در و بام صوامعِ مسامعِ قُدسیان را شاید، مُفیض الأنواری را سزا است که مراقد منوّره و ضرایح مطهّره انبیا و اوصیا ـ علیهم الصلاة والتحیّة و الثناء ـ را رشک فرمای عرش اعظم گردانید.

و شهباز نیایشی که در پروازِ معارج، قبولِ صید هر مقصود و مأمول نماید، عالم‌الأسراری را روا است که از تراب عتبات مقرّبان درگاه عزّتش، در جبین شیعیان صد گلزار اِرَم دمانید.

و شمیم صلواتی که عطسه فرمای مشام ساکنانِ مجامع قُدس گردد، نثار مشهد معطّر و روضهٔ مُعنبر سیّد انبیا و زبدهٔ اصفیا محمد مُصطفی و آل بی‌مثالش، که مرغِ دعایی که نامهٔ درودشان بر بال اقبال نبسته، بر کنگرهٔ عرشِ اجابت ننشسته؛ و پیکِ عبادتی در بقعهٔ مبارکهٔ قبول راه نیافته، تا حرز ولایتشان بر بازویِ حسن عقیدت نبسته.

فَصَلَواتُ ٱللهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ مادامَتِ ٱلصَّلاةُ عَلَیْهِمْ ذَرِیعَةً إِلیٰ إجابَةِ الدَّعَواتِ، وَ زِیارَتُهُمْ وَسِیلَةً لِنَیْلِ ٱلسَّعاداتِ.

امّا بعد: حَمامهٔ خامهٔ تراب اقدام المؤمنین محمد باقر بن محمد تقی ـ حشرهما الله تعالیٰ مع موالیهما الطاهرین ـ به هدیر[1] صریر[2]، بر ضمیرِ منیرِ هر خبیر بصیرْ تصویر می‌نماید که:

چون بمقتضای اخبار بسیار و احادیث بی‌شمار، زیارت رسول مختار و ائمه ابرار ـ صلوات الله علیهم أجمعین ـ از اشرف قُربات است، و در هر عمل رعایتِ آداب مأثوره والفاظ منقوله از ائمّه هدیٰ ـ صلوات الله علیهم ـ موجب مزید قبول و قُرب

---

۱ ـ هدیر: صدای پی در پی کبوتر (مجمع البحرین: ۲/ ۴۱۳ ـ هدر ـ).

۲ ـ صریر: صدای قلم بهنگام نوشتن. نگاه کن: تاج العروس: ۷/ ۸۵ ـ صرر ـ.

وصول به مأمول می‌گردد، و اکثر کتبی که در زیارات مصنَّف گردیده است به لغت عرب تالیف نموده‌اند، و اکثر خلق را از آن بهرهٔ کامل و حظّ شاملی نیست، و بسیاری از زیاراتْ مظنون آن است که از تألیفات علما ـ رضوان الله علیهم ـ است، و زیارات منقولهٔ بسیار از ائمه اطهار علیهم السلام به نظر این قاصر رسیده بود، که با وجود آنها به زیارات مؤلّفهٔ علما احتیاج نبود، بخواست که رساله‌ای تألیف نماید که مقصور باشد بر ذکر زیارات و ادعیه و آدابی که به اسانید معتبره از ائمه دین ـ صلوات الله علیهم اجمعین ـ منقول گردیده است، و فضایل و آداب هریک را به لغت فارسی ترجمه نماید، تا اکثر شیعیان این دیار از این رسالهٔ وافیه بهره‌مند گردند، و اطّلاع بر فضایل زیارات موجب مزید رغبات ایشان گردد؛ شاید این مجرم را بمقتضای حدیث شریف «**الدّالُّ عَلَى ٱلخَيْرِ كَفاعِلِهِ**»[1] بهره‌ای از ثواب ایشان حاصل شود.

مأمول از برادران ایمانی که به این کتاب مفصّل الأبواب عمل نمایند آنکه در هنگام مطالعه و زیارت، این غریق بحار معاصی را از دعای خیر فراموش نفرمایند، و بر سهو و خطای لفظ و معنی مؤاخذه ننمایند.

و این رساله را مسمّی گردانید به «تحفة الزّائر»، و مرتّب داشت بر مقدّمه، و دوازده باب، و خاتمه.

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۲۷ ح ۴، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۵ ح ۱۶۸۴، خصال: ۱۳۴ ح ۱۴۵، بحارالانوار: ۷۴/ ۴۰۹ ح ۱۰، وج ۷۵/ ۱۸ ح ۵، وج ۹۶/ ۱۱۹ ح ۲۰.

امّا مقدّمه:

پس در بیان آداب سفر است

چون در کتاب حلیة المتّقین احادیث آداب سفر را استیفا نمودیم، و بعد از این در زیارات مخصوصه، بسیاری از آداب مذکور خواهد شد، دراینجا اکتفا می‌نماییم به آنچه سیّد ابن طاووس ـ علیه الرحمة و الرضوان ـ و غیر او در کتب مزار ایراد نموده‌اند، تا آنکه این رساله خالی نباشد از آنچه زائر را به آن احتیاج می‌باشد:

فرموده‌اند که: چون ارادهٔ خروج به سفر داشته باشی، سزاوار آن است که روزه بداری در روز چهار شنبه و پنجشنبه و جمعه، و اختیار نمایی روز شنبه را از برای بیرون رفتن.

چنانچه مروی است از حضرت صادق ﷺ که: هرکه ارادهٔ سفری نماید، باید که سفر کند در روز شنبه؛ که اگر سنگی از کوهی بگردد در روز شنبه هر آینه خدا برگرداند آن را به جای خود. یا روز سه‌شنبه را، که آن روزی است که حق تعالی نرم گردانید در آن آهن را برای داود ﷺ[1].

یا روز پنجشنبه را، به‌درستی که حضرت رسول ﷺ در روز پنجشنبه سفر می‌کرد[2].

و اجتناب کن از سفر کردن در روز دوشنبه، و چهارشنبه، و پیش از ظهر روز جمعه.

---

۱ ـ محاسن: ۳۴۵ ح۶ و ۷، کافی: ۱۴۳/۸ ح۱۰۹، من لا یحضره الفقیه: ۲۶۶/۲ ح ۲۳۹۱، خصال: ۳۸۶ ح۶۹، عیون أخبار الرضا ﷺ: ۲۴/۲، مزار مفید: ۵۸ ح۱ و ۲، مزار کبیر: ۴۵، مصباح الزائر: ۲۶، بحارالأنوار: ۵۹/ ۳۵ ح۲، وج۷۶/ ۲۲۴ ح۶، وج ۱۰۰/ ۱۰۲ ح۱ وص۱۰۳ ـ ۱۰۴ ح۸ وح۹.

۲ ـ من لایحضره الفقیه: ۲/ ۲۶۶ ح۲۳۹۲، عیون اخبار الرضا ﷺ: ۲/ ۳۶ ح۱۰۰، مکارم الأخلاق: ۱/ ۵۱۴ ح۱۷۸۷، بحارالانوار: ۷۶/ ۲۲۶ ح۱۵.

و مکروه است سفر کردن در روز سوم و چهارم و پنجم و ششم و سیزدهم وشانزدهم وبیست‌ویکم وبیست‌وچهارم و بیست‌وپنجم و بیست‌وششم از هر ماه.

و **روایت دیگر** وارد شده است که روز چهارم و ششم و بیست و یکم برای سفر و غیر آن خوب است، و روز هشتم و بیست وسوم خوب نیست[1].

و سفر مکن در حالی که قمر در برج عقرب باشد؛ چنانچه از حضرت صادق علیه‌السلام **مروی است** که سفر در این‌وقت کراهت دارد[2].

و اگر ضرورتی حاصل شود برای سفر کردن در این اوقات، دعاهایی که بعد از این مذکور می‌شود بخواند، و تصدّق کند و هروقت که خواهد به‌سفر رود. زیرا که از حضرت صادق علیه‌السلام **منقول است** که: افتتاح کن سفر خود را به صدقه، و بیرون رو هروقت که خواهی؛ به درستی که سلامتی سفر خود را می‌خری[3].

و **منقول است** که: حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله هرگاه به سفر می‌رفتند، پنج‌چیز با خود برمی‌داشتند: آینه، و سرمه‌دان، و مسواک، و شانه، و مقراض[4].

و **مستحب است** که پیش از متوجّه شدن غسل بکند، و نزد غسل بگوید:

بِسْمِ اَللهِ وَ بِاللهِ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ، وَ عَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اَللهِ وَ اَلصّادِقِينَ عَنِ اَللهِ، صَلَواتُ اَللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي، وَ اَشْرَحْ بِهِ صَدْرِي، وَ نَوِّرْ بِهِ قَلْبِي.

اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْهُ لِي نُوراً وَ طَهُوراً وَ حِرْزاً وَ شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَ آفَةٍ وَ عاهَةٍ وَ سُوءٍ، وَ مِمّا أَخافُ وَ أَحْذَرُ، وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ جَوارِحِي وَ عِظامِي وَدَمِي وَ شَعْرِي وَ مُخِّي

۱ـ الأمان: ۳۳، مصباح الزائر: ۲۷، بحارالانوار: ۷۶/ ۲۲۷ ح۱۸.

۲ـ کافی: ۲۷۵/۸ ح۴۱۶، من لا یحضره الفقیه: ۲۶۷/۲ ح ۲۴۰۳، مکارم الأخلاق ۵۱۶/۱ ح۱۷۹۹، مصباح الزائر: ۲۷، بحارالأنوار: ۷۶/ ۲۲۶ ح۱۳، وج ۱۰۰/۱۰۲ ح۳.

۳ـ محاسن: ۳۴۸ ح۲۲، من لا یحضره الفقیه: ۲۶۹/۲ ح۲۴۰۶، تهذیب‌الاحکام: ۴۹/۵ ح ۱۵۰، مکارم الاخلاق ۵۲۰/۱ ح ۱۸۱۰، مصباح الزائر: ۲۷، بحارالأنوار: ۱۰۰/۱۰۳ ح۵.

۴ـ مصباح الزائر: ۲۸، الامان: ۵۴ـ۵۵، بحارالأنوار: ۱۰۰/۱۰۳ ح۷، وسائل الشیعة: ۱۱/ ۴۲۶ ح۳ و۴.

وَ عَصَبِي، وَما أَقَلَّتِ ٱلأَرْضُ مِنِّي.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْهُ لي شاهِداً يَوْمَ حاجَتِي وَ فَقْرِي وَ فاقَتِي إِلَيْكَ، يا رَبَّ ٱلعالَمِينَ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ[1].

پس جمع می‌کنی اهل خود را نزد خود، و دو رکعت نماز می‌گزاری و از خدا خیر خود را سؤال می‌نمایی، و آیة الکرسی می‌خوانی، و حمد و ثنای الهی بجا می‌آوری، و صلوات بر حضرت رسول و آل او ـ صَلَواتُ اللهِ عَلَيهِم ـ می‌فرستی و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ ٱليَوْمَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مالِي وَ وُلْدِي، وَ مَنْ كانَ مِنِّي بِسَبِيلٍ، الشّاهِدَ مِنْهُمْ وَ ٱلغائِبَ.

اَللّٰهُمَّ ٱحْفَظْنا بِحِفْظِ ٱلإِيمانِ، وَ ٱحْفَظْ عَلَيْنا.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنا في رَحْمَتِكَ، وَ لا تَسْلُبْنا فَضْلَكَ، إِنّا إِلَيْكَ راغِبُونَ.

اَللّٰهُمَّ إِنّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثاءِ ٱلسَّفَرِ، وَكَآبَةِ ٱلْمُنْقَلَبِ، وَ سُوءِ ٱلْمَنْظَرِ في ٱلْأَهْلِ وَ ٱلْمالِ وَ ٱلْوَلَدِ، فِي ٱلدُّنْيا وَ ٱلْآخِرَةِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ هٰذا ٱلتَّوَجُّهَ طَلَباً لِمَرْضاتِكَ، وَ تَقَرُّباً إِلَيْكَ، فَبَلِّغْنِي ما أُؤَمِّلُهُ وَ أَرْجُوهُ فِيكَ وَ فِي أَوْلِيائِكَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

و اگر خواهی بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ في وَجْهِي هٰذا بِلا ثِقَةٍ مِنِّي لِغَيْرِكَ، وَ لا رَجاءٍ يَأْوِي بِي إِلّا إِلَيْكَ، وَ لا قُوَّةٍ أَتَّكِلُ عَلَيْها، وَ لا حِيلَةٍ أَرْجِعُ إِلَيْها إِلّا طَلَبَ رِضاكَ وَ ٱبْتِغاءَ رَحْمَتِكَ، وَ تَعَرُّضاً لِثَوابِكَ، وَ سُكُوناً إِلىٰ حُسْنِ عائِدَتِكَ، وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِما سَبَقَ لي في عِلْمِكَ في وَجْهِي مِمّا أُحِبُّ وَ أَكْرَهُ.

---

۱ ـ مزار کبیر: ۴۱۹، الأمان: ۳۳، مصباح الزائر: ۲۸، بحارالأنوار: ۲۳۵/۷۶ ح ۱۹ وج ۱۰۴/۱۰۰ وج ۲۵۸/۱۰۱.

اَللّٰهُمَّ اَصْرِفْ عَنِّي مَقادِيرَ كُلِّ بَلاءٍ، وَ مَقْضِيَّ كُلِّ لَأْواءٍ. وَ اَبْسُطْ عَلَيَّ كَنَفاً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ لُطْفاً مِنْ عَفْوِكَ، وَ حِرْزاً مِنْ حِفْظِكَ، وَ سَعَةً مِنْ رِزْقِكَ، وَ تَماماً مِنْ نِعْمَتِكَ، وَ جِماعاً مِنْ مُعافاتِكَ. وَ وَفِّقْ لي يا رَبِّ فِيهِ جَمِيعَ قَضائِكَ عَلىٰ مُوافَقَةِ هَوايَ وَ حَقِيقَةِ أَمَلِي، وَ اَدْفَعْ عَنِّي ما أَحْذَرُ وَ ما لا أَحْذَرُ عَلىٰ نَفْسِي مِمّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي. وَ اَجْعَلْ ذٰلِكَ خَيْراً لي لِآخِرَتِي وَ دُنْيايَ مَعَ ما أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْلُفَنِي فِيمَنْ خَلَّفْتُ وَرائِي، مِنْ أَهْلٍ وَمالٍ وَ إِخْوانٍ وَ جَمِيعِ حُزانَتِي، بِأَفْضَلِ ما تَخْلُفُ غائِباً مِنَ اَلْمُؤْمِنِيْنَ في تَحْصِينِ كُلِّ عَوْرَةٍ، وَ حِفْظِ كُلِّ مَضِيعَةٍ، وَ تَمامِ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَ دِفاعِ كُلِّ سَيِّئَةٍ، وَ كِفايَةِ كُلِّ مَحْذُورٍ، وَ صَرْفِ كُلِّ مَكْرُوهٍ، وَكَمالِ ما تَجْمَعُ لي بِهِ اَلرِّضا وَ اَلسُّرُورَ في اَلدُّنْيا وَ اَلآخِرَةِ. ثُمَّ اَرْزُقْنِي ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ طاعَتَكَ وَ عِبادَتَكَ حَتّىٰ تَرْضىٰ وَ بَعْدَ اَلرِّضا.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ اَلْيَوْمَ دِينِي وَ نَفْسِي وَ مالِي وَ أَهْلِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ جَمِيعَ إِخْوانِي.

اَللّٰهُمَّ اَحْفَظِ اَلشّاهِدَ مِنّا وَ اَلغائِبَ.

اَللّٰهُمَّ اَحْفَظْنا وَاَحْفَظْ عَلَيْنا.

اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْنا في جِوارِكَ، وَلا تَسْلُبْنا نِعْمَتَكَ، وَلا تُغَيِّرْ ما بِنا مِنْ نِعْمَةٍ وَعافِيَةٍ وَفَضْلٍ[1].

و مروی است که: هرگاه خواهی متوجّه شوی در وقتی که سفر در آن وقت کراهت دارد، یا از چیزی خوف داشته باشی، پس پیش از متوجّه شدن بخوان سورهٔ «حمد» و «قل أعوذ بربّ الناس» و «قل أعوذ بربّ الفلق» و «آیة الکرسی» و سورهٔ «إنّا أنزلناه في لیلة القدر» و آخر «آل عمران» را، یعنی: ﴿إِنَّ في خَلْقِ اَلسَّماواتِ وَ اَلْأَرْضِ وَاَخْتِلافِ اَللَّيْلِ وَاَلنَّهارِ لَآياتٍ لِأُولِي اَلْأَلْبابِ * اَلَّذِينَ يَذْكُرُونَ اَللّٰهَ قِياماً وَقُعُوداً وَعَلىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ في خَلْقِ اَلسَّماواتِ وَاَلْأَرْضِ رَبَّنا ما خَلَقْتَ هٰذا باطِلاً

---

۱ ـ مصباح الزائر: ۲۸ ـ ۳۰، الامان: ۴۱ ـ ۴۲، بحارالأنوار: ۷۶/ ۲۳۶ ـ ۲۳۷، وج ۱۰۰/ ۱۰۵ ـ ۱۰۶.

سُبْحانَكَ فَقِنا عَذابَ ٱلنّارِ * رَبَّنا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ ٱلنّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَ ما لِلظّالِمِينَ مِنْ أَنْصارٍ * رَبَّنا إِنَّنا سَمِعْنا مُنادِياً يُنادِي لِلْإِيمانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ كَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ ٱلأَبْرارِ * رَبَّنا وَ آتِنا ما وَعَدْتَنا عَلىٰ رُسُلِكَ وَلا تُخْزِنا يَوْمَ ٱلقِيامَةِ إِنَّكَ لا تُخْلِفُ ٱلمِيعادَ﴾[1].

پس بگو:

اَللّٰهُمَّ بِكَ يَصُولُ ٱلصّائِلُ، وَ بِقُدْرَتِكَ يَطُولُ ٱلطّائِلُ، وَ لا حَوْلَ لِكُلِّ ذِي حَوْلٍ إِلّا بِكَ، وَلا قُوَّةَ يَمْتازُها ذو قُوَّةٍ إِلّا مِنْكَ.

بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ خِيَرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ عِتْرَتِهِ وَ سُلالَتِهِ ـ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ ـ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِمْ، وَ ٱكْفِنِي شَرَّ هٰذَا ٱليَوْمِ وَ ضُرَّهُ. وَ ٱرْزُقْنِي خَيْرَهُ وَ يُمْنَهُ. وَٱقْضِ لِي فِي مُتَصَرَّفاتي بِحُسْنِ ٱلعاقِبَةِ، وَ بُلُوغِ ٱلمَحَبَّةِ، وَ ٱلظَّفَرِ بِالأُمْنِيَّةِ، وَ كِفايَةِ ٱلطاغِيَةِ ٱلغَوِيَّةِ، وَكُلِّ ذِي قُدْرَةٍ لِي عَلىٰ أَذِيَّةٍ، حَتّىٰ أَكُونَ فِي جُنَّةٍ وَ عِصْمَةٍ وَ نِعْمَةٍ. وَ أَبْدِلْنِي فِيهِ مِنَ ٱلمَخاوِفِ أَمْناً، وَ مِنَ ٱلعَوائِقِ فِيهِ يُسْراً، حَتّىٰ لا يَصُدَّنِي صادٌّ عَنِ ٱلمُرادِ، وَ لا يَحُلَّ بِي طارِقٌ مِنْ أَذَى ٱلعِبادِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلبَصِيرُ[2].

پس وداع کن اهل خود را، و برخيز و بر در خانه بايست و تسبيح حضرت فاطمه ـ صلوات الله عليها ـ را بخوان، و سورهٔ حمد را از پيش رو و از جانب راست و از جانب چپ بخوان، و همچنين آية الكرسى را از سه جانب بخوان، و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَ عَلَيْكَ خَلَّفْتُ أَهْلِي وَ مالِي وَ ما خَوَّلْتَنِي، وَ قَدْ وَثِقْتُ بِكَ فَلا تُخَيِّبْنِي، يا مَنْ لا يُخَيِّبُ مَنْ أَرادَهُ وَ لا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ.

---

۱ ـ آل عمران: ۱۹۰ ـ ۱۹۴.

۲ ـ مصباح الزائر: ۳۰، الامان: ۴۲، مصباح كفعمى: ۱۸۷ ـ ۱۸۸، بحارالأنوار: ۷۶/ ۲۳۷ ـ ۲۳۸، وج ۱۰۰/۱۰۶ ح ۱۲.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ٱحْفَظْنِي فِيما غِبْتُ عَنْهُ، وَ لا تَكِلْني إِلىٰ نَفْسِي، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْني ما تَوَجَّهْتُ لَهُ وَ سَبِّبْ إِلَيَّ ٱلمَزارَ[1]، وَ سَخِّرْ لِي عِبادَكَ وَ بِلادَكَ، وَٱرْزُقْني زِيارَةَ نَبِيِّكَ وَ وَلِيِّكَ أَمِيرِ ٱلمُؤْمِنِينَ، وَ ٱلأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَ جَمِيعِ أَهْلِ بَيْتِهِ ـ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ ـ وَ ٱمْلأْنِي[2] مِنْكَ بِالمَعُونَةِ في جَمِيعِ أَحْوالي، وَ لا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي وَ لا إِلىٰ غَيْرِي فَأَكِلَّ وَ أَعْطَبَ. وَ زَوِّدْنِي ٱلتَّقْوىٰ، وَ ٱغْفِرْ لِي فِي ٱلآخِرَةِ وَ ٱلأُولىٰ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنِي أَوْجَهَ مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْكَ.

و باز می‌گویی:

بِسْمِ ٱللهِ وَ بِاللهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى ٱللهِ، وَ ٱسْتَعَنْتُ بِاللهِ، وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَى ٱللهِ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى ٱللهِ، رَهْبَةً مِنَ ٱللهِ، وَرَغْبَةً إِلَى ٱللهِ، وَلا مَلْجَأَ وَلا مَنْجا وَلا مَفَرَّ مِنَ ٱللهِ إِلّا إِلَى ٱللهِ.

رَبِّ آمَنْتُ بِكِتابِكَ ٱلَّذي أَنْزَلْتَ، وَ بِنَبِيِّكَ ٱلَّذِي أَرْسَلْتَ، لِأَنَّهُ لا يَأْتِي بِالخَيْرِ إِلٰهِي إِلّا أَنْتَ، وَ لا يَصْرِفُ ٱلسُّوءَ إِلّا أَنْتَ، عَزَّ جارُكَ، وَ جَلَّ ثَناؤُكَ، وَ تَقَدَّسَتْ أَسْماؤُكَ، وَ عَظُمَتْ آلاؤُكَ، وَ لا إِلٰهَ غَيْرُكَ.

پس به درستی که روایت شده است که: هرکه از خانه خود بیرون رود در صبح و این دعا بخواند، بلائی به او نرسد تا شام یا به خانه خود برگردد. و همچنین اگردر شام بیرون رود و این دعا بخواند، بلائی به او نرسد تا صبح یا به منزل خود برگردد[3].

پس بخوان سورهٔ «قل‌هوالله‌احد» را یازده مرتبه، وسوره «إنّاأنزلناه» و«آية الكرسی»

---

١ ـ «لي المراد» خ ل. ٢ ـ «ومدّني» خ ل.

٣ ـ مصباح الزائر: ٣٠ ـ ٣١، الامان: ١٠٦، بحارالأنوار: ٢٤١/٧٦، وج ١٠٦/١٠٠ ـ ١٠٧.

و سوره «قل أعوذ بربّ الناس» و «قل أعوذ برب الفلق»، پس دست بر جميع بدن خود بمال، و تصدّق كن به هرچه ميسّر باشد و بگو:

اَللّٰهُمَّ إنِّي اَشْتَرَيْتُ بِهٰذِهِ اَلصَّدَقَةِ سَلامَتِي وَ سَلامَةَ سَفَرِي وَ ما مَعِي.

اَللّٰهُمَّ اَحْفَظْنِي وَ اَحْفَظْ ما مَعِي، وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ ما مَعِي، وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ ما مَعِي، بِبَلاغِكَ اَلحَسَنِ اَلجَمِيلِ[۱].

پس بگو:

لا إلٰهَ إلَّا اَللهُ اَلحَلِيمُ اَلكَرِيمُ، لا إلٰـهَ إلَّا اَللهُ اَلعَلِيُّ اَلعَظِيمُ، سُبْحانَ اَللهِ رَبِّ اَلسَّماواتِ اَلسَّبْعِ، وَ رَبِّ اَلأَرَضِينَ اَلسَّبْعِ، وَ ما فِيهِنَّ وَ ما بَيْنَهُنَّ، وَ رَبِّ اَلعَرْشِ اَلعَظِيمِ، وَ سَلامٌ عَلَى اَلمُرْسَلِينَ، وَ اَلحَمْدُ للهِ رَبِّ اَلعالَمِينَ، وَ صَلَّى اَللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَلطَّيِّبِينَ.

اَللّٰهُمَّ كُنْ لي جاراً مِنْ كُلِّ جَبّارٍ عَنِيدٍ، وَ مِنْ كُلِّ شَيْطانٍ مَرِيدٍ، بِسْمِ اَللهِ دَخَلْتُ، وَ بِسْمِ اَللهِ خَرَجْتُ.

اَللّٰهُمَّ إنِّي أُقَدِّمُ بَيْنَ يَدَيْ نِسْيانِي وَ عَجَلَتِي بِسْمِ اَللهِ وَ ما شاءَ اَللهُ في سَفَرِي هٰذا، ذَكَرْتُهُ أَمْ نَسِيتُهُ.

اَللّٰهُمَّ أنْتَ اَلمُسْتَعانُ عَلَى اَلأُمُورِ كُلِّها، وَ أنْتَ اَلصّاحِبُ في اَلسَّفَرِ، وَ اَلخَلِيفَةُ في اَلأَهْلِ.

اَللّٰهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنا سَفَرَنا، وَ اَطْوِ لَنا اَلأَرْضَ، وَ سَيِّرْنا فِيها بِطاعَتِكَ وَ طاعَةِ رَسُولِكَ.

اَللّٰهُمَّ أَصْلِحْ لَنا ظَهْرَنا، وَ بارِكْ لَنا فِيما رَزَقْتَنا، وَقِنا عَذابَ اَلنّارِ.

---

۱ ـ مصباح الزائر: ۳۱، الامان: ۳۸، بحارالانوار: ۲۳۶/۷۶ ح ۲۰، وج ۱۰۷/۱۰۰.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثاءِ ٱلسَّفَرِ، وَ كَآبَةِ ٱلْمُنْقَلَبِ، وَ سُوءِ ٱلْمَنْظَرِ فِي ٱلْأَهْلِ وَٱلمالِ وَٱلْوَلَدِ.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي وَناصِرِي. اَللّٰهُمَّ اقْطَعْ عَنِّي بُعْدَهُ وَمَشَقَّتَهُ، وَٱصْحَبْنِي فِيهِ، وَٱخْلُفْنِي فِي أَهْلِي بِخَيْرٍ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ ٱلْعَلِيِّ ٱلْعَظِيمِ[١].

و با خود بردار عصایی از چوب درخت بادام تلخ، به درستی که روایت رسیده است از رسول خدا ﷺ که: هرکه برود به سفر و با او باشد عصای بادام تلخ، و بخواند این آیه را:

﴿وَلَمّا تَوَجَّهَ تِلْقاءَ مَدْيَنَ قالَ عَسىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَواءَ ٱلسَّبِيلِ * وَ لَمّا وَرَدَ ماءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ ٱلنّاسِ يَسْقُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ ٱمْرَأَتَيْنِ تَذُودانِ قالَ ما خَطْبُكُما قالَتا لا نَسْقِي حَتّىٰ يُصْدِرَ ٱلرِّعاءُ وَ أَبُونا شَيْخٌ كَبِيرٌ * فَسَقىٰ لَهُما ثُمَّ تَوَلّىٰ إِلَى ٱلظِّلِّ فَقالَ رَبِّ إِنِّي لِما أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ * فَجاءَتْهُ إِحْداهُما تَمْشِي عَلَى ٱسْتِحْياءٍ قالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ ما سَقَيْتَ لَنا فَلَمّا جاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ ٱلْقَصَصَ قالَ لا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظّالِمِينَ * قالَتْ إِحْداهُما يا أَبَتِ ٱسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ ٱسْتَأْجَرْتَ ٱلْقَوِيُّ ٱلْأَمِينُ * قالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ٱبْنَتَيَّ هاتَيْنِ عَلىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْراً فَمِنْ عِنْدِكَ وَما أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شاءَ ٱللهُ مِنَ ٱلصّالِحِينَ * قالَ ذٰلِكَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ أَيَّمَا ٱلْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلا عُدْوانَ عَلَيَّ وَ ٱللهُ عَلىٰ ما نَقُولُ وَكِيلٌ﴾[٢].

ایمن گرداند خدا او را از هر سبع درنده و از هر دزد ظلم کننده و از هر حیوان صاحب زهری، تا به خانه خود برگردد. و با او باشد هفتاد و هفت ملک که طلب

---

١ ـ مصباح المتهجّد: ۴۷۶ ـ ۴۷۷، مصباح الزائر: ۳۲، الامان: ۴۰، بحار الانوار: ۲۳۶/۷۶ ح ۲۰، وج ۱۰۷/۱۰۰.

٢ ـ قصص: ۲۲ ـ ۲۸.

آمرزش کنند برای او تا برگردد و عصا را بگذارد[۱].

و تنها به سفر مرو، و اگر به ضرورت بی‌رفیق به سفر بروی بگو:

ما شاءَ اَللّٰهُ، لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ.

اَللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِي، وَ أعِنِّي عَلىٰ وَحْدَتِي، وَ أدِّ غَيْبَتِي[۲].

و سنّت است که با عمامه بیرون روی، و سر عمامه در زیر حنک بگردانی؛ به درستی که از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که فرمود که: من ضامنم برای کسی که بیرون رود به ارادهٔ سفری و عمامه را در زیر حنک بسته باشد، اینکه به او آسیبی نرسد از دزد و غرق شدن و سوختن[۳].

و قدری از تربت حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ با خود بردار، و در وقت برداشتن بگو:

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ طِينَةُ قَبْرِ اَلحُسَيْنِ ـ عَلَيْهِ اَلسَّلامُ ـ وَلِيِّكَ وَ اَبْنِ وَلِيِّكَ، اِتَّخَذْتُها حِرْزاً لِما أخافُ وَ ما لا أخافُ[۴].

و این دعا را از طریق دیگر روایت کرده‌اند:

اَللّٰهُمَّ إنِّي أخَذْتُهُ مِنْ قَبْرِ وَلِيِّكَ، وَ اَبْنِ وَلِيِّكَ، فَاجْعَلْهُ لي أمْناً وَ حِرْزاً مِمّا أخافُ وَ ما لا أخافُ[۵].

به درستی که روایت شده است که هرکه ترسد از سلطان یا غیر او و از خانه خود

---

۱ ـ من لا یحضره الفقیه: ۲۷۰/۲ ح ۲۴۱۱، ثواب الأعمال: ۲۲۲ ح ۱، مکارم الأخلاق ۵۲۲/۱ ح ۱۸۲۰، مصباح الزائر: ۳۲ ـ ۳۳، الامان: ۴۶، بحارالأنوار: ۲۲۹/۷۶ ح ۱، وج ۱۰۸/۱۰۰ ح ۱۴.

۲ ـ محاسن: ۳۵۵ ح ۵۳ وص ۳۷۰ ح ۱۲۲، کافی: ۲۸۸/۴ ح ۴، من لا یحضره الفقیه: ۲۷۶/۲ ح ۲۴۳۳، مصباح‌الزائر: ۳۴، بحارالانوار: ۱۰۹/۱۰۰.

۳ ـ محاسن: ۳۷۳ ح ۱۳۷، من لا یحضره الفقیه: ۳۰۱/۲ ح ۲۵۲۱، مصباح الزائر: ۳۴، بحارالانوار: ۱۰۹/۱۰۰ ح ۱۸.

۴ ـ کامل الزیارات: ۲۸۳ ضمن ح ۱۰، تهذیب الاحکام: ۷۵/۶ ضمن ح ۱۴۶، الامان: ۴۷، مصباح الزائر: ۳۴، بحارالانوار: ۱۰۹/۱۰۰ ح ۱۸.

۵ ـ مصباح الزائر: ۳۴، الامان: ۴۷، بحارالانوار: ۱۰۹/۱۰۰ ح ۱۹.

بیرون آید و این کار بکند، حرزی باشد برای او[۱].

و اگر در روز خواهی راه روی، باید که اوّل و آخر روز راه روی و میان روز فرود آیی، و اگر در شب راه روی باید که آخر شب راه روی، که زمین برای مسافر در آخر شب پیچیده می‌شود، چنانکه در روایت وارد شده است[۲].

پس چون اراده کنی که سوار شوی بگو: **بِسْمِ اَللّٰهِ، وَ اَللّٰهُ أَكْبَرُ.**

پس چون درست بر روی راحله بنشینی بگو:

اَلحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي هَدانا لِلإِسْلامِ، وَ عَلَّمَنا اَلْقُرْآنَ، وَ مَنَّ عَلَيْنا بِمُحَمَّدٍ ـ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ـ ﴿سُبْحانَ اَلَّذِي سَخَّرَ لَنا هٰذا وَ ما كُنّا لَهُ مُقْرِنِينَ * وَ إِنّا إِلىٰ رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ﴾[۳] وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَلعالَمِينَ.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ اَلحامِلُ عَلَى اَلظَّهْرِ، وَ اَلْمُسْتَعانُ عَلَى اَلأَمْرِ.

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْنا بَلاغاً يُبَلِّغُ إِلىٰ خَيْرٍ، بَلاغاً يُبَلِّغُ إِلىٰ رَحْمَتِكَ وَ رِضْوانِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ.

اَللّٰهُمَّ لا ضَيْرَ لَنا إِلّا ضَيْرُكَ، وَ لا خَيْرَ لَنا إِلّا خَيْرُكَ، وَ لا حافِظَ غَيْرُكَ[۴].

و هفت مرتبه **سُبْحانَ اَللّٰهِ**، و هفت مرتبه **اَلحَمْدُ لِلّٰهِ**، و هفت مرتبه **لا إِلٰهَ إِلَّا اَللّٰهُ** می‌گویی، و می‌خوانی آیه سخره را: **﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اَللّٰهُ اَلَّذِي خَلَقَ اَلسَّماواتِ وَ اَلأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيّامٍ ثُمَّ اَسْتَوىٰ عَلَى اَلعَرْشِ يُغْشِي اَللَّيْلَ اَلنَّهارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثاً وَ اَلشَّمْسَ وَ اَلْقَمَرَ وَ اَلنُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ أَلا لَهُ اَلخَلْقُ وَ اَلأَمْرُ تَبارَكَ اَللّٰهُ رَبُّ اَلعالَمِينَ * ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لا يُحِبُّ اَلمُعْتَدِينَ * وَ لا تُفْسِدُوا فِي اَلأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها وَ اَدْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً إِنَّ رَحْمَةَ اَللّٰهِ قَرِيبٌ مِنَ اَلمُحْسِنِينَ﴾**[۵].

---

۱ ـ تهذيب الأحكام: ۷۶/۶ ضمن ح ۱۴۶، مصباح الزائر: ۳۴، الامان: ۴۷، بحارالانوار: ۱۰۹/۱۰۰ ح ۲۰.

۲ ـ محاسن: ۳۴۶ ح ۱۲، کافی: ۳۱۴/۸ ح ۴۹۱، من لا يحضره الفقيه: ۲/ ۲۶۶ ح ۲۳۹۷، مكارم الأخلاق: ۵۱۵/۱ ح ۱۷۹۲، مصباح الزائر: ۳۴ ـ ۳۵، بحارالأنوار: ۱۰۹/۱۰۰.

۳ ـ زخرف: ۱۳ و ۱۴.

۴ ـ مصباح المتهجّد: ۶۷۵، مصباح الزائر: ۳۵، الامان: ۱۰۹ ـ ۱۱۰، بحارالانوار: ۱۰۹/۱۰۰.

۵ ـ اعراف: ۵۴ ـ ۵۶.

پس می‌گویی:

أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ[۱].

پس به راه می‌روی و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنا، وَأَحْسِنْ تَسْيِيرَنا، وَ أَعْظِمْ عافِيَتَنا[۲] [۳].

و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَسِيرِي عِبَراً، وَ صَمْتِي تَفَكُّراً، وَكَلامِي ذِكْراً[۴].

و باز می‌گویی:

خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوَّتِهِ، بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَ لا قُوَّةٍ، لٰكِنْ بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوَّتِهِ، بَرِئْتُ إِلَيْكَ يا رَبِّ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ سَفَرِي هٰذا وَ بَرَكَةَ أَهْلِهِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ رِزْقاً حَلالاً طَيِّباً تَسُوقُهُ إِلَيَّ وَأَنا خافِضٌ في عافِيَةٍ، بِقُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي سِرْتُ في سَفَرِي هٰذا بِلا ثِقَةٍ مِنِّي لِغَيْرِكَ وَ لا رَجاءٍ لِسِواكَ، فَارْزُقْنِي في ذٰلِكَ شُكْرَكَ وَ عافِيَتَكَ، وَ وَفِّقْنِي لِطاعَتِكَ وَ عِبادَتِكَ حَتّىٰ تَرْضىٰ وَ بَعْدَ الرِّضا[۵].

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگاه سرازیر می‌رفتند **سُبْحانَ اللهِ** می‌گفتند، و هرگاه

---

۱ ـ مکارم الاخلاق: ۵۲۸/۱ ح ۱۸۳۶ و ۱۸۳۷، مصباح الزائر: ۳۵، بحارالانوار: ۱۰۹/۱۰۰.

۲ ـ «وَأَحْسِنْ عاقِبَتَنا» خ ل.

۳ ـ محاسن: ۳۵۳ ح ۴۳، کافي: ۲۸۷/۴ ح ۱، الامان: ۱۱۲، من لا یحضره الفقیه: ۲۷۱/۲ ح ۲۴۱۷، مصباح الزائر: ۳۵، بحارالانوار: ۱۱۰/۱۰۰.

۴ ـ من لا یحضره الفقیه: ۲۷۳/۲ ح ۲۴۲۳، الأمان: ۱۱۲، مصباح الزائر: ۳۵، بحارالأنوار: ۱۱۰/۱۰۰.

۵ ـ مکارم الاخلاق: ۵۳۰/۱ ضمن ح ۱۸۴۰، الأمان: ۱۱۳، مصباح الزائر: ۳۶، بحارالأنوار: ۱۱۰/۱۰۰.

به سوی بلندی بالا می‌رفتند، اَللّٰهُ أَكْبَرُ می‌گفتند[۱].

و می‌گویی هرگاه بر بلندی یا تلّی یا پلی بالا روی:

اَللّٰهُ أَكْبَرُ، اَللّٰهُ أَكْبَرُ، اَللّٰهُ أَكْبَرُ، لا إِلٰهَ إِلَّا اَللّٰهُ، وَ اَللّٰهُ أَكْبَرُ، وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلشَّرَفُ عَلىٰ كُلِّ شَرَفٍ.

و هرگاه به جسری برسی چون قدم برآن می‌گذاری بگو:

بِسْمِ اَللّٰهِ، اَللّٰهُمَّ اَدْحَرْ عَنِّي اَلشَّيطانَ[۲].

و هرگاه مُشرف شوی بر منزلی یا دهی یا شهری، بگو:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ اَلسَّماواتِ اَلسَّبْعِ وَ ما أَظَلَّتْ، وَرَبَّ اَلْأَرَضِينَ اَلسَّبْعِ وَ ما أَقَلَّتْ، وَ رَبَّ اَلشَّياطِينِ وَ ما أَضَلَّتْ، وَ رَبَّ اَلرِّياحِ وَ ما ذَرَتْ، وَ رَبَّ اَلبِحارِ وَ ما جَرَتْ، إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هٰذِهِ اَلقَرْيَةِ وَ خَيْرَ ما فِيها، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّها وَ شَرِّ ما فِيها.

اَللّٰهُمَّ يَسِّرْ لِي ما كانَ فِيها مِنْ يُسْرٍ، وَأَعِنِّي عَلىٰ قَضاءِ حاجَتِي يا قاضِيَ اَلحاجاتِ، وَ يا مُجِيبَ اَلدَّعَواتِ، «أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اَجْعَلْ لي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصِيراً[۳]»[۴].

و چون به منزل فرود آیی بگو:

اَللّٰهُمَّ «أَنْزِلْنِي مُنْزَلاً مُبارَكاً وَ أَنْتَ خَيْرُ اَلْمُنْزِلِينَ»[۵].

و دو رکعت نماز بگزار پیش از آنکه بنشینی، پس بگو:

اَللّٰهُمَّ اَرْزُقْنا خَيْرَ هٰذِهِ اَلْبُقْعَةِ، وَ أَعِذْنا مِنْ شَرِّها.

---

۱ ـ کافی: ۲۸۷/۴ ح ۲، من لا یحضره الفقیه ۲۷۳/۲ ح ۲۴۲۲، مکارم‌الاخلاق: ۵۵۳/۱ ح ۱۹۰۹، الامان: ۱۱۲، مصباح الزائر: ۳۶، بحارالانوار: ۱۱۰/۱۰۰.

۲ ـ مزار مفید: ۶۶، مصباح الزائر: ۳۶، الامان: ۱۱۲ و ۱۱۳، مصباح کفعمی: ۱۹۱، بحارالانوار: ۱۱۰/۱۰۰.   ۳ ـ اسراء: ۸۰.

۴ ـ مزار مفید: ۶۷، مزار کبیر: ۵۲، مصباح الزائر: ۳۶، الامان: ۱۳۶، مصباح کفعمی: ۱۹۱، بحارالأنوار: ۲۶۰/۷۶ ح ۵۴ وج ۱۱۰/۱۰۰. و در محاسن: ۳۷۴ ح ۱۴۲ تا «شرّ ما فیها» با کمی اختلاف.   ۵ ـ مؤمنون: ۲۹.

اَللّٰهُمَّ أطْعِمْنا مِنْ جَناها، وَأعِذْنا مِنْ وَباها، وَ حَبِّبْنا إلىٰ أهْلِها، وَ حَبِّبْ صالِحِي أهْلِها إلَيْنا[1].

و بگو:

أشْهَدُ أنْ لا إلٰهَ إلَّا ٱللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَ أشْهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أنَّ عَلِيّاً أمِيرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَ ٱلأئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ أئِمَّةٌ أتَوَلّاهُمْ، وَ أبْرَأُ مِنْ أعْدائِهِمْ.

اَللّٰهُمَّ إنِّي أسْألُكَ خَيْرَ هٰذِهِ ٱلْبُقْعَةِ، وَ أعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّها.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ أوَّلَ دُخُولِنا هٰذا صَلاحاً، وَ أوْسَطَهُ فَلاحاً، وَ آخِرَهُ نَجاحاً[2].

و اگر فرود آیی به منزلی که ترسی از درنده، بگو:

أشْهَدُ أنْ لا إلٰهَ إلَّا ٱللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ ٱلْمُلْكُ وَ لَهُ ٱلحَمْدُ، بِيَدِهِ ٱلخَيْرُ، وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ إنِّي أعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سَبُعٍ[3].

و اگر از جانوران زمین ترسی، بگو در آن مکان که می‌ترسی:

يا ذارِئَ ما فِي ٱلأرْضِ كُلِّها لِعِلْمِكَ بِما يَكُونُ مِمّا ذَرَأْتَ، لَكَ ٱلسُّلْطانُ عَلىٰ كُلِّ مَنْ دُونَكَ، إنِّي أعُوذُ بِكَ وَ بِقُدْرَتِكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ مِنَ ٱلضُّرِّ فِي بَدَنِي، مِنْ سَبُعٍ أو هامَّةٍ أو عارِضٍ مِنْ سائِرِ ٱلدَّوابِّ. يا خالِقَها بِقُدْرَتِهِ ٱدْرَأْها عَنِّي، وَ ٱحْجُزْها وَ لا تُسَلِّطْها عَلَيَّ، وَ عافِنِي مِنْ شَرِّها وَ بَأْسِها، يا ٱللهُ يا ذَا ٱلعالَمِ ٱلعَظِيمِ، حُطْنِي بِحِفْظِكَ، وَ أجِنَّنِي بِسِتْرِكَ ٱلواقِي فِي مَخاوِفِي، يا رَحِيمُ[4].

---

۱ ـ مزار مفید: ۷۳، مکارم الأخلاق: ۱/ ۵۵۲ ح ۱۹۰۶، مصباح الزائر: ۳۷، الامان: ۱۳۶، بحارالانوار: ۷۶/ ۲۶۰ ح ۵۶، وج ۱۰۰/ ۱۱۰ ـ ۱۱۱.

۲ ـ مصباح الزائر: ۳۷، الامان: ۱۳۶، بحارالأنوار: ۲۶۱/۷۶ ح ۵۶ وج ۱۱۱/۱۰۰.

۳ ـ محاسن: ۳۶۷ ح ۱۱۷، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۲۹۴ ح ۲۵۰، مصباح الزائر: ۳۷، بحارالأنوار: ۱۱۱/۱۰۰.

۴ ـ مصباح الزائر: ۳۷، الامان: ۱۳۷، مصباح کفعمی: ۱۹۱، بحارالأنوار: ۷۶/ ۲۶۱ وج ۱۱۱/۱۰۰.

و اگر از دشمنی یا دزدی ترسی در آن مکان، بگو:

يا آخِذاً بِنَواصِي خَلْقِهِ، وَ ٱلسّابِقَ[۱] بِها إِلىٰ قُدْرَتِهِ، وَ ٱلمُنْفِذَ فِيها حُكْمَهُ، وَ خالِقَها، وَ جاعِلَ قَضائِهِ لَها غالِباً، إِنِّي مَكِيدٌ لِضَعْفِي، وَ لِقُوَّتِكَ عَلىٰ مَنْ كادَنِي، تَعَرَّضْتُ لَكَ، فَإِنْ حُلْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فَذٰلِكَ ما أَرْجُو، وَ إِنْ أَسْلَمْتَنِي إِلَيْهِمْ غَيَّرُوا ما بِي مِنْ نِعْمَتِكَ يا خَيْرَ ٱلْمُنْعِمِينَ، لا تَجْعَلْ أَحَداً مُغَيِّراً نِعَمَكَ ٱلَّتِي أَنْعَمْتَ بِها عَلَيَّ سِواكَ، وَ لا تُغَيِّرْها، أَنْتَ رَبِّي قَدْ تَرىٰ ٱلَّذِي نَزَلَ بِي، فَحُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ شَرِّهِمْ، بِحَقِّ ما بِهِ تَسْتَجِيبُ ٱلدُّعاءَ، يا اَللّٰهُ يا رَبَّ ٱلعالَمِينَ[۲].

و بگو:

بِسْمِ ٱللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ، وَ مِنَ ٱللّٰهِ، وَ إِلَى ٱللّٰهِ، وَ فِي سَبِيلِ ٱللّٰهِ. اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي، وَ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَ إِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي، فَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ ٱلإِيمانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ، وَ مِنْ خَلْفِي، وَ عَنْ يَمِينِي، وَ عَنْ شِمالِي، وَ مِنْ فَوْقِي، وَ مِنْ تَحْتِي، وَ ٱدْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، فَإِنَّهُ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ ٱلعَلِيِّ ٱلعَظِيمِ.

به درستی که روایت رسیده است از حضرت امام زین العابدین ـ صلوات الله علیه ـ که فرمود که: من پروا نمی‌کنم هرگاه بگویم این کلمات را، اگر جمع شوند برای ضرر من جنّ و انس[۳].

و اگر ترسی از جنّی یا شیطانی بگو:

يا اَللّٰهُ، ٱلإِلٰهُ ٱلأَكْبَرُ، ٱلقاهِرُ بِقُدْرَتِهِ جَمِيعَ عِبادِهِ، ٱلمُطاعُ لِعَظَمَتِهِ عِنْدَ كُلِّ خَلِيقَتِهِ، وَ ٱلمُمْضِي مَشِيَّتَهُ لِسابِقِ قُدْرَتِهِ، أَنْتَ ٱلَّذِي تَكْلأُ ما خَلَقْتَ بِاللَّيْلِ وَ ٱلنَّهارِ، لا يَمْتَنِعُ

---

۱ ـ «والسائق» خ ل.

۲ ـ مزار مفید: ۷۰، مصباح الزائر: ۳۸، الامان: ۱۲۴، مصباح کفعمی: ۱۹۱ ـ ۱۹۲، بحارالأنوار: ۷۶/ ۲۵۷ ح۵۲، وج ۱۱۱/۱۰۰.

۳ ـ کافی: ۵۵۹/۲ ح ۱۰، وص۵۶۳ ح۲۳، مصباح الزائر: ۳۸، الامان: ۱۲۵، بحارالأنوار: ۱۱۱/۱۰۰.

مَنْ أَرَدْتَ بِهِ سُوءاً بِشَيْءٍ دُونَكَ مِنْ ذٰلِكَ ٱلسُّوءِ، وَ لا يَحُولُ أَحَدٌ دُونَكَ بَيْنَ أَحَدٍ وَ بَيْنَ ما تُرِيدُهُ مِنَ ٱلخَيْرِ، كُلُّ ما يُرىٰ وَ ما لا يُرىٰ في قَبْضَتِكَ، وَ جَعَلْتَ قَبائِلَ ٱلْجِنِّ وَ ٱلشَّياطِينِ يَرَوْنا وَ لا نَراهُمْ، وَ أَنا لِكَيْدِهِمْ خائِفٌ، فَآمِنِّي مِنْ شَرِّهِمْ وَ بَأْسِهِمْ، بِحَقِّ سُلْطانِكَ ٱلعَزِيزِ، يا عَزِيزُ[۱].

و در تمام احوال خود این دعا را بخوان برای حفظ خود، و بر گردیدن به وطن خود:

يا جامِعاً بَيْنَ أَهْلِ ٱلْجَنَّةِ عَلىٰ تَأَلُّفٍ مِنَ ٱلقُلُوبِ، وَ شِدَّةِ تَواصُلٍ لَهُمْ في ٱلْمَحَبَّةِ، وَ يا جامِعاً بَيْنَ أَهْلِ طاعَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَ يا مُفَرِّجَ حُزْنِ كُلِّ مَحْزُونٍ، وَ يا مُسَهِّلَ كُلِّ غُرْبَةٍ، وَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ، ٱرْحَمْنِي في غُرْبَتِي بِحُسْنِ ٱلحِفْظِ وَ ٱلكَلاءَةِ وَ ٱلمَعُونَةِ، وَ فَرِّجْ ما بِي مِنَ ٱلضِّيقِ وَ ٱلحُزْنِ بِالجَمْعِ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحِبّائِي، وَ لا تُفْجِعْنِي بِانْقِطاعِ رُؤْيَةِ أَهْلِي عَنِّي، وَ لا تُفْجِعْ أَهْلِي بِانْقِطاعِ رُؤْيَتِي عَنْهُمْ، بِكُلِّ مَسائِلِكَ أَسْأَلُكَ وَ أَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِي[۲].

و چون اراده نمایی که بار کنی از منزل، دو رکعت نماز بگزار و از خدا طلب نما حفظ را، و وداع کن آن منزل و اهل آن منزل را، زیرا که هر موضع را اهلی هست از ملائکه، و بگو:

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ ٱللهِ ٱلحافِظِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْنا وَ عَلىٰ عِبادِ ٱللهِ ٱلصّالِحِينَ، وَ رَحْمَةُ ٱللهِ وَ بَرَكاتُهُ[۳].

و بگو:

اَللّٰهُمَّ قَدِ ٱرْتَحَلْنا مِنْ مَنْزِلِنا هٰذا وَ نَحْنُ عَنْكَ راضُونَ، فَارْضَ عَنّا بِرَحْمَتِكَ.

۱ـ مصباح الزائر: ۳۸ ـ ۳۹، بحارالأنوار: ۱۱۲/۱۰۰.

۲ـ مصباح الزائر: ۳۹، مصباح كفعمى: ۱۹۲، بحارالأنوار: ۱۱۲/۱۰۰.

۳ـ مزار مفید: ۷۴، مصباح الزائر: ۳۹، الامان: ۱۴۱، مصباح كفعمى: ۱۹۲، بحارالأنوار: ۷۶/ ۲۶۱ ذیل ح ۵۶، وج ۱۱۲/۱۰۰.

و هرگاه که گم کنی راه را، ندا کن:

يا صالِحُ، وَ يا أبا صالِحٍ، أرْشِدُونا إلَى ٱلطَّرِيقِ يَرْحَمْكُمُ ٱللهُ[1].

به درستی که مروی است از حضرت صادق ؑ که موکّل است به صحرا صالح، و به دریا حمزه[2].

و مروی است که هرگاه راه را گم کنید، به جانب راست راه میل کنید[3].

و هرگاه چموشی کند دابهٔ تو در راه، در گوش راستش این آیه را بخوان: ﴿**وَ لَهُ أسْلَمَ مَنْ في ٱلسَّماواتِ وَ ٱلأرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إلَيْهِ يُرْجَعُونَ**﴾[4].[5]

و هرگاه به کشتی سوار شوی صد مرتبه **ٱللهُ أكْبَرُ**، و صد مرتبه **ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ** بگو، پس بگو:

بِسْمِ ٱللهِ وَ بِاللهِ، وَ ٱلصَّلاةُ عَلىٰ رَسُولِ ٱللهِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ـ وَ عَلَى ٱلصّادِقِينَ.

ٱللّٰهُمَّ أحْسِنْ مَسِيرَنا، وَ عَظِّمْ أُجُورَنا.

ٱللّٰهُمَّ بِكَ ٱنْتَشَرْنا، وَ إلَيْكَ تَوَجَّهْنا، وَ بِكَ آمَنّا، وَ بِحَبْلِكَ ٱعْتَصَمْنا، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْنا.

ٱللّٰهُمَّ أنْتَ ثِقَتُنا وَ رَجاؤُنا وَ ناصِرُنا، لا تُحِلَّ بِنا ما لانُحِبُّ.

ٱللّٰهُمَّ بِكَ نَحِلُّ وَ بِكَ نَسِيرُ.

ٱللّٰهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنا، وَ أعْظِمْ عافِيَتَنا، أنْتَ ٱلخَلِيفَةُ فِي ٱلأهْلِ وَ ٱلمالِ، وَ أنْتَ

---

۱ ـ محاسن: ۳۶۲ ح ۹۸، من لا یحضره الفقیه: ۲۹۸/۲ ح۲۵۰۸، مکارم الأخلاق: ۵۵۱/۱ح ۱۹۰۲، مصباح الزائر: ۳۹، الامان: ۱۲۱، بحارالأنوار: ۲۵۳/۷۶ ح۴۸، وج ۱۱۲/۱۰۰.

۲ ـ من لا یحضره الفقیه: ۲۹۸/۲ ح۲۵۰۹، مکارم الأخلاق: ۵۵۱/۱ح ۱۹۰۳، مصباح الزائر: ۴۰، الامان: ۱۲۳، بحارالانوار: ۲۵۳/۷۶ ذیل ح۴۸، وج ۱۱۲/۱۰۰.

۳ ـ محاسن: ۳۶۲ ح۹۷، من لا یحضره الفقیه: ۳۰۰/۲ ح۲۵۱۹، مکارم الأخلاق: ۵۶۶/۱ح ۱۹۶۵، مصباح الزائر: ۴۰، الامان: ۱۲۳، بحارالأنوار: ۱۱۳/۱۰۰.

۴ ـ آل عمران: ۸۳.

۵ ـ محاسن: ۶۲۸ ح۱۰۲، و ۶۳۵ ح ۱۲۹، تهذیب الاحکام: ۱۶۵/۶ ح۳۰۸، مصباح الزائر: ۴۰، الامان: ۱۳۱، بحارالانوار: ۱۱۳/۱۰۰.

ٱلحامِلُ في ٱلماءِ وَ عَلَى ٱلظَّهرِ، ﴿و قالَ ٱرْكَبُوا فِيها بِسْمِ ٱللهِ مَجْراها وَ مُـرْساها إنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾[1] ﴿وَ ما قَدَرُوا ٱللهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ ٱلأرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ ٱلقِيامَةِ وَ ٱلسَّماواتُ مَطْوِيّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحانَهُ وَ تَعالىٰ عَمّا يُشْرِكُونَ﴾[2].

اَللّٰهُمَّ أنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ إلَيْهِ ٱلرِّجالُ، وَ شُدَّتْ إلَيْهِ ٱلرِّحالُ، وَ أنْتَ ـ سَـيِّدِي ـ أكْرَمُ مَزُورٍ وَ مَقْصُودٍ، وَ قَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زائِرٍ كَرامَةً وَ لِكُلِّ وافِـدٍ تُـحْفَةً، فَـأسْأَلُكَ أنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إيّايَ فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ ٱلنّارِ، وَ ٱشْكُرْ سَعْيِي، وَ ٱرْحَمْ مَسِيرِي مِنْ أهْلِي بِغَيْرِ مَنٍّ مِنِّي عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ ٱلمِنَّةُ عَلَيَّ أنْ جَعَلْتَ لي سَبِيلاً إلىٰ زِيارَةِ وَلِيِّكَ، وَ عَرَّفْتَنِي فَضْلَهَ، وَ حَفِظْتَنِي في لَيْلِي وَ نَهارِي حَتىٰ بَـلَّغْتَنِي هٰـذَا ٱلمَكـانَ، وَ قَـدْ رَجَوْتُكَ فَلا تَقْطَعْ رَجائِي، وَ قَدْ أمَّلْتُكَ فَلا تُخَيِّبْ أمَلِي، وَ ٱجْعَلْ مَسِيرِي هٰذا كَفّارَةً لِذُنُوبي، يا أرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ[3].

تمام شد کلام سیّد و غیر او ـ رحمهم الله ـ.

و در **حدیث معتبر** منقول است که شخصی به خدمت حضرت إمام علی نقی علیه السلام نوشت که: داخل می‌شود ماه مبارك رمضان بر شخصی، پس در دلش می‌افتد که به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برود یا به زیارت پدرت در بغداد، پس بماند در خانه خود تا بیرون رود ماه مبارک رمضان و بعد از آن به زیارت ایشان برود، یا در اثنای ماه مبارك برود و روزه را بخورد؟

حضرت در جواب نوشتند که: ماه رمضان را فضیلتی و اجری هست که ماههای دیگر را نیست، پس چون داخل شود ماه، باید که آن را اختیار نماید و روزه بگیرد[4].

و در **روایت معتبر** دیگر منقول است که ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام پرسید

---

۱ ـ هود: ۴۱.　　۲ ـ زمر: ۶۷.

۳ ـ مصباح الزائر: ۴۰، الامان: ۱۱۵، بحارالانوار: ۱۱۳/۱۰۰.

۴ ـ تهذیب الاحکام: ۱۱۰/۶ ح ۱۹۸، بحارالانوار: ۱۱۵/۱۰۰ ح ۲۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۶۰ ش ۱۱۴۰.

که: فدای تو شوم داخل می‌شود بر من ماه رمضان، و روزه می‌گیرم بعضی از آن را، پس ارادهٔ زیارت حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ می‌کنم، آیا بروم به زیارت و در رفتن و برگشتن روزه را بخورم، یا بمانم تا عید و بعد از عید به یک روز یا دو روز بروم؟

فرمود که: بمان تا عید. گفت: فدای تو شوم این بهتر است؟ فرمود که بلی، مگر نخوانده‌ای در کتاب خدا ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾[1].[2]

مؤلّف گوید که: چون در احادیث تجویز و امر به روزه خوردن از برای امری چند که فضیلتش بسیار کمتر است از زیارت ائمه علیهم السلام وارد شده، مثل تشییع و استقبال مؤمنان، و ترغیب و تحریص به زیارت امام حسین علیه السلام در بسیاری از شبهای ماه رمضان و شب عید وارد شده است، و اکثر مردم را بدون افطارِ روزه میسّر نمی‌شود، دور نیست که این دو حدیث محمول بر تقیه باشد؛ و الله یعلم.

---

۱ ـ بقره: ۱۸۵.

۲ ـ تهذیب‌الاحکام: ۳۱۶/۴ ح ۹۶۱، بحارالأنوار: ۱۱۶/۱۰۰ ح ۲۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲۳۵/۳ ش ۱۱۱۹.

باب اوّل

در بیان ثواب تعمیر قبور مقدّسه حضرت رسول و ائمّه هُدیٰ -صلوات الله علیهم اجمعین- و ثواب زیارت ایشان، و آداب زیارتهای ایشان عموماً، ودر آن دو فصل است:

فصل اوّل

در ثواب زیارت هریک از ایشان

به سندهای **صحیح** و معتبر از حضرت امام رضا ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: هر امام را عهدی در گردن دوستان و شیعیانش هست، و از جملهٔ تمامی و فاکردن به عهد و نیکو ادا نمودن آن، زیارت کردن قبرهای ایشان است؛ پس هرکه زیارت کند ایشان را برای رغبت در زیارت ایشان، و تصدیق کردن به آنچه ترغیب نموده‌اند در آن، بوده باشند امامان او شفیعان او در روز قیامت[1].

و به **سندهای معتبر** منقول است که زید شحّام به حضرت امام جعفر صادق ـ صلوات الله علیه ـ عرض کرد که: چه ثواب است کسی را که یکی از شما را زیارت کند؟

فرمود که: چنان است که زیارت کرده باشد رسول خدا ﷺ را[2].

و به سند **بسیار معتبر** از حضرت امام جعفر ﷺ منقول است که: خلق نکرده است حق تعالی خلقی را که بیشتر باشند از فرشتگان، و به درستی که نازل می‌شوند

---

۱ ـ کافی: ۵۶۷/۴ ح ۲، کامل الزیارات: ۱۲۱ ب ۴۳ ح ۲، من لا یحضره الفقیه: ۵۷۷/۲ ح ۳۱۶۲، عیون اخبار الرضا ﷺ: ۲۶۴/۲ ح ۲۴، علل الشرائع: ۴۵۹ ب ۲۲۱ ح ۳، مزار مفید: ۱۸۴ ح ۲، تهذیب‌الاحکام: ۷۸/۶ ح ۱۵۵ وص ۹۳ ح ۱۷۴، مزار کبیر: ۱۵، مصباح الزائر: ۳۷۴، بحارالانوار: ۱۱۶/۱۰۰ ح ۱ ـ ۴، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱۷/۵ ش ۱۶۲۲.

۲ ـ کافی: ۵۷۹/۴ ح ۱، کامل الزیارات: ۱۵۰ ب ۶۰ ح ۳ وذیل ح ۴، من لا یحضره الفقیه: ۵۷۸/۲ ح ۳۱۶۵ وص ۵۸۱ ح ۳۱۷۷، علل الشرائع: ۴۶۰ ب ۲۲۱ ح ۶، عیون اخبار الرضا ﷺ: ۲۶۶/۲ ح ۳۱، مزار مفید: ۱۸۳ ح ۱، تهذیب‌الاحکام: ۷۹/۶ ح ۱۵۷ و ص ۹۳ ح ۱۷۴، مصباح الزائر: ۳۹۵، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳۷۷/۱ ش ۴۲۸، وج ۱۳/۵ ش ۱۶۱۳.

از آسمان در هرشام هفتاد هزار فرشته که طواف می‌کنند به خانهٔ کعبه در آن شب، تا چون طلوع صبح می‌شود می‌روند به سوی قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس سلام می‌کنند بر آن حضرت، پس می‌روند به سوی قبر امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ و سلام می‌رسانند به آن حضرت، پس می‌روند به‌سوی قبر امام حسن ـ صلوات الله علیه ـ پس سلام می‌کنند بر آن حضرت، پس می‌روند به نزد قبر امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ پس سلام می‌کنند بر آن حضرت، پس بالا می‌روند به سوی آسمان پیش از طلوع آفتاب، پس نازل می‌شوند فرشتگان روز ـ هفتاد هزار فرشته ـ، پس می‌گردند گرد کعبه معظّمه در تمام روز، چون نزدیک شد که آفتاب غروب کند می‌روند به سوی قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله، پس سلام می‌کنند بر آن حضرت، پس می‌روند به سوی قبر امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ پس سلام می‌رسانند به آن حضرت، پس می‌روند به سوی قبر امام حسن ـ صلوات الله علیه ـ پس سلام می‌کنند بر آن حضرت، پس می‌روند به نزد قبر امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ پس سلام می‌کنند بر آن حضرت، پس برمی‌گردند به سوی آسمان پیش از فرو رفتن آفتاب[1].

و از حضرت صادق علیه السلام **منقول است** که: هرکه یکی از ما را زیارت کند، چنان است که حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده باشد[2].

و **به سند معتبر** از امام محمّد باقر ـ صلوات الله علیه ـ مروی است که حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ گفت که: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بدیدن ما آمد، و به هدیه آورده بود برای ما امّ ایمن شیری و کره‌ای و خرمایی، قدری از آنها را به نزد آن‌حضرت آوردیم تناول نمود، پس برخاست و رفت به گوشهٔ خانه و چند رکعت نماز گزارد، پس در سجدهٔ آخر گریه‌ای سخت کرد و احدی از ما بسبب جلالت و عظمت آن‌حضرت از سبب آن سؤال ننمود.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۱۴ ب۳۹ ح۲، ثواب الاعمال: ۱۲۱ ح۴۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۱۷ ـ ۱۱۸ ح۸ و۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۳۰۱ ش ۳۶۰.

۲ ـ ثواب الأعمال: ۱۲۳ ذیل ح۳، بحارالأنوار: ۱۱۸/۱۰۰ ح ۱۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱۳/۵ ش ۱۶۱۴.

پس برخاست حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ و در دامن آن‌حضرت نشست و گفت: ای پدر به خانه ما درآمدی و ما به هیچ چیز شاد نشدیم مثل شادی ما به آمدن تو، پس گریه کردی گریه‌ای که ما را به اندوه آوردی، سبب گریه چیست؟

حضرت رسول ﷺ گفت که: ای فرزند، در این‌وقت جبرئیل ﷺ آمد و مرا خبر داد که شماها کشته خواهید شد، و محلّ کشته شدن شما پراکنده خواهد بود.

پس حضرت امام حسین ﷺ گفت که: چه ثواب است کسی را که زیارت کند قبرهای ما را با این پراکندگی؟

فرمود که: ای فرزند، ایشان گروهی چند اند از امّت من که زیارت می‌کنند شما را، وطلب می‌کنند بسبب این زیارت برکت را، و لازم است بر من اینکه بیایم به‌نزد ایشان در روز قیامت، تا خلاصی دهم ایشان را از هولهای قیامت، و ساکن گرداند خدا ایشان را در بهشت[1].

و به سند معتبر از حضرت امام محمّد باقر ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که هرگاه حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ به نزد رسول خدا ﷺ می‌آمد او را به‌سوی خود می‌کشید، پس به حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ می‌گفت که: او را نگاه‌دار، پس حضرت امام حسین را می‌بوسید و می‌گریست و می‌فرمود که: ای فرزند، می‌بوسم جای ضربت شمشیرها را که بر تو خواهند زد.

پس حضرت امام حسین ﷺ می‌فرمود که: ای پدر، من کشته خواهم شد؟

حضرت رسول ﷺ می‌فرمود که: بلی، والله تو و پدرت و برادرت همه کشته خواهید شد.

می‌گفت که: ای پدر، محل کشته شدن ما دور از هم خواهد بود.

می‌گفت: بلی ای فرزند.

می‌گفت که: پس کی زیارت ما خواهد کرد از امّت تو؟

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۵۷ ـ ۵۸ ب ۱۶ ح ۶ و ۷. أمالی شیخ طوسی: ۲۸۱/۲، بحارالانوار: ۲۳۴/۴۴ ح ۲۰ و ۲۱، وج ۱۱۸/۱۰۰ ـ ۱۱۹ ح ۱۱ ـ ۱۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱۰/۵ ش ۱۶۰۸.

می‌فرمود که: زیارت نمی‌کند مرا و پدرت را و برادرت را و تو را، مگر صدّیقان از امّت من[۱].

و به چندین سند معتبر منقول است که از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که: چه ثواب است کسی را که زیارت کند قبر امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ را؟

گفت: هرکه برود نزد قبرآن‌حضرت و دو رکعت نماز یا چهار رکعت نماز نزد او بکند، نوشته شود برای او ثواب حجّی و عمره‌ای.

پس گفت که: همین ثواب هست کسی را که برود به زیارت هر امامی که حق تعالی فرمان برداری او را بر خلق واجب گردانیده است[۲].

و در کتابهای معتبر به سندهای معتبر منقول است که: واعظ اهل حجاز به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که: ای فرزند رسول خدا، چه ثواب است کسی را که زیارت کند قبر حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ را، و عمارت کند تربت آن‌حضرت را؟

فرمود که: خبر داد مرا پدرم از پدرش از جدّش امام حسین علیه السلام از پدرش امیرالمؤمنین که حضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت به آن حضرت که: والله که کشته خواهی شد در زمین عراق، و مدفون خواهی شد درآنجا.

حضرت امیرالمؤمنین گفت: یا رسول الله، چه ثواب است کسی را که زیارت کند قبرهای ما را، و عمارت نماید و جستجو نماید آنها را؟

گفت: ای ابو الحسن به درستی که حق تعالی گردانیده است قبر تو را و قبر امامان از فرزندان تو را، بقعه‌ای چند از بقعه‌های بهشت، و عرصه‌ای چند از عرصه‌های بهشت. و به درستی که خدا گردانیده است دلهای نجیبان از خلقش را و برگزیدگان از بندگانش که میل می‌نمایند به سوی شما و بر می‌تابند خواری و آزار را برای شما، پس

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۷۰ ب ۲۲ ح ۴، بحارالانوار: ۲۶۱/۴۴ ح ۱۴، وج ۱۱۹/۱۰۰ ح ۱۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴۲/۲ ش ۵۱۳.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۶۰ ب ۶۵ ح ۱۴، وص ۲۵۱ ب ۸۳ ح ۳ و ۴، مزار مفید: ۱۳۴ ح ۳، بحارالانوار: ۱۲۰/۱۰۰ ح ۱۹ ـ ۲۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳۴۵/۱ ش ۴۰۰ وج ۱۴/۵ ش ۱۶۱۶.

عمارت می‌کنند قبرهای شما را، و بسیار زیارت می‌کنند آنها را برای تقرّب جستن به جناب مقدّس الهی، و برای دوستی ایشان مر رسول خدا ﷺ را.

یا علی، این جماعت مخصوص‌اند به شفاعت من، و وارد می‌شوند بر حوض من، و ایشان زیارت‌کنندگان من‌اند فردا در بهشت.

یا علی، هرکه معمور گرداند قبرهای شما را، و جستجو نماید و رعایت کند آنها را، چنان باشد که یاری کرده باشد حضرت سلیمان بن داود را بر ساختن بیت المقدس.

و هرکه زیارت کند قبرهای شما را، ثوابش برابر است با ثواب هفتاد حج که بعد از حج واجب کنند. و از گناهان بیرون آیند در وقتی که برگردند از زیارت شما، مانند روزی که از مادر متولّد شده‌اند.

پس بشارت باد تو را، و بشارت ده شیعیان و دوستان خود را از نعمتهای بهشت، و آنچه موجب روشنی چشم و شادی گردد، به‌آنچه چشم ندیده باشد و گوش نشنیده باشد و بر خاطر کسی نگذشته باشد.

ولیکن جمعی از اراذل مردم سرزنش کنند زیارت‌کنندگان قبرهای شما را، چنانچه سرزنش کنند زن زناکننده را به زنای او. ایشان بدترین امّت من‌اند. نرسد به ایشان شفاعت من، و وارد نشوند بر حوض من[1].

و به سند معتبر منقول است از عبد الرّحمن بن مسلم که گفت: رفتم به خدمت امام موسیٰ کاظم ـ صلوات الله علیه ـ و سؤال کردم که زیارت کدام یک از ائمه ـ صلوات الله علیهم ـ بهتر است؟

فرمود که: هرکه اوّلِ ما را زیارت کند چنان است که آخرِ ما را زیارت کرده باشد، و هرکه آخرِ ما را زیارت کند چنان است که اوّلِ ما را زیارت کرده باشد.

و هرکه ولایت و دوستی اوّلِ ما را داشته باشد، چنان است که ولایت و دوستی

---

۱ ـ تهذیب الاحکام: ۲۲/۶ ح ۵۰ و ص ۱۰۷ ح ۱۸۹، مزار مفید: ۲۲۸ ح ۱۲، مصباح الزائر: ۱۳ ـ ۱۴، فرحة الغريّ: ۷۶، بحارالانوار: ۱۲۰/۱۰۰ ح ۲۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۴۱ ش ۵۱۲ و ج ۵/ ۵ ش ۱۶۰۲.

آخر ما را داشته باشد. و هرکه ولایت آخرِ ما را داشته باشد، چنان است که ولایت اوّل ما را داشته باشد.

و هرکه برآورد حاجت یکی از شیعیان ما را، چنان است که حاجت همهٔ ما را برآورده باشد[۱].

و به **سند معتبر** از حضرت موسی بن جعفر ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: چون روز قیامت شود، بر عرش خداوند رحمٰن چهار کس باشند از پیشینیان، و چهار کس از پسینیان.

امّا آن چهار کس که از پیشینیان اند: پس نوح، و ابراهیم، و موسی، وعیسی علیهم السلام اند.

وآن چهار که از پسینیان‌اند: پس محمّد، وعلیّ، وحسن، وحسین ـ صلوات الله علیهم ـ اند.

پس طعام بکشند، و بنشینند با ما هرکه زیارت کرده باشد قبرهای ائمه را.

به درستی که زیارت کندگان قبر فرزندم امام رضا، درجهٔ ایشان از همه بلندتر و عطایشان از همه بزرگتر باشد[۲].

و به **سند معتبر** دیگر مروی است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گفت که: یا علی هر که مرا زیارت کند در حیات من یا بعد از مرگ من، یا تو را زیارت کند در حیات تو یا بعد از مرگ تو، یا زیارت کند حسن و حسین ـ صلوات الله علیهما ـ را در حیات ایشان یا بعد از مرگ ایشان، ضامن شوم برای او در روز قیامت اینکه خلاصی دهم او را از ترسها و سختیهای آن روز، تا ببرم او را با خود به درجه خود در بهشت[۳].

و به **سند معتبر** از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که: هرکه زیارت کند مرا، یا زیارت کند احدی از ذریّه و فرزندان مرا، زیارت کنم او را

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۳۵ ب۱۰۸ ح۱۳، بحارالأنوار: ۱۲۱/۱۰۰ ح۲۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۲۴۵ ش۱۴۷۵ وج۵/ ۱۶ ش ۱۶۲۱.

۲ ـ کافی: ۵۸۵/۴ ح۴، کامل الزیارات: ۳۰۸ ب۱۰۱ ذیل ح۱۳، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲۶۳/۲ ح ۲۰، امالی صدوق: ۱۰۵ م۲۵ ح۶، بحارالأنوار: ۳۵/۱۰۲ ح۱۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۰۰ ش ۱۳۵۰.

۳ ـ کافی: ۵۷۹/۴ ح۲، کامل الزیارات: ۱۱ ب۱ ح۳، من لا یحضره الفقیه: ۵۷۸/۲ ح۳۱۶۶، بحارالانوار: ۱۲۳/۱۰۰ ح۳۰ وص۱۴۲ ح۱۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۵۲ ش۱۱۱ وج۲/ ۴۰ ش ۵۱۰.

در روز قیامت، پس خلاص کنم او را از ترسهای آن روز[۱].

و به سند **صحیح** منقول است که: حسن بن علی وشّاء از حضرت امام رضا ـ صلوات الله علیه ـ سؤال کرد که: چه ثواب است کسی را که زیارت کند قبر یکی از امامان را؟

فرمود که: او را است مثل ثواب کسی که حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ را زیارت کرده باشد.

پس پرسید که: چه ثواب دارد کسی که حضرت امام حسین ﷺ را زیارت کند؟

فرمود که: والله که ثوابش بهشت است[۲].

و از **امام جعفر صادق** ﷺ منقول است که: هرکه زیارت کند ما را بعد از فوت ما، چنان است که ما را زیارت کرده باشد در حیات ما[۳].

و از **امام محمد باقر** ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: هرکه قصد کند از خانه خود زیارت قبر امامی را که اطاعتش واجب باشد، و برای خرج خود یک درهم بیرون آورد، بنویسد حق تعالیٰ برای او هفتاد هزار حسنه، و محو کند از او هفتاد هزار گناه، و بنویسد نام او را در دیوان صدّیقان و شهیدان، خواه اسراف کند در خرج کردن و خواه اسراف نکند[۴].

---

۱ ـ کامل‌الزیارات: ۱۱ ب ۱ ح ۴، بحارالانوار: ۱۲۳/۱۰۰ ح ۳۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۵۳/۱ ش ۱۱۴.

۲ ـ مزار کبیر: ۳۲، بحارالانوار: ۱۲۴/۱۰۰ ح ۳۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۲۱۰ ش ۱۰۶۵، وج ۵/ ۱۷ ش ۱۶۲۳.

۳ ـ مزار مفید: ۲۰۱ ح ۳، مقنعه: ۴۸۵، مزار کبیر: ۴۱، بحارالانوار: ۱۲۴/۱۰۰ ح ۳۴، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/ ۳۶۳ ش ۴۱۲، وج ۵/ ۱۴ ش ۱۶۱۷.

۴ ـ بحارالأنوار: ۱۲۴/۱۰۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۵/ ۱۲ ش ۱۶۱۲.

فصل دوم

در آداب زیارت هریک از ائمه علیهم‌السلام

اوّل از آداب زیارت غسل کردن است، و افضل آن است که پیش از آنکه حدثی از او صادر شود، زیارت را واقع سازد[1].

و محتمل است که غسلی که در روز کنند تا شام کافی باشد، و غسلی که در شب کنند تا صبح کافی باشد[2].

و از **روایت معتبر** دیگر ظاهر می‌شود که غسل روز از برای شبِ بعد از آن، و غسل شب از برای روزِ بعد از آن نیز کافی باشد[3].

و در **حدیث معتبر** از حضرت صادق علیه‌السلام منقول است در تفسیر قول حق تعالی: ﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾[4] ـ که ترجمه‌اش این است که: بگیرید زینت خود را نزد هر مسجدی ـ فرمود که: مراد غسل کردن است نزد ملاقات هر امامی[5].

واحادیث غسل زیارت هر امامی، در باب زیارت ایشان خواهد آمد ـ إن‌شاءالله تعالیٰ ـ.

دوم: دعا خواندن در حال غسل و بعد از غسل است؛ و در احادیثِ کیفیّت

---

۱ ـ مقنعه: ۴۹۴.

۲ ـ تهذیب‌الاحکام: ۶۴/۵ ح ۲۰۴، بحارالانوار: ۱۳۳/۱۰۰ ح ۲۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۲۵/۵ ش ۱۶۳۸.

۳ ـ سرائر (مستطرفات): ۳/ ۵۶۷ ـ ۵۶۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۳۳ ح ۲۴.

۴ ـ اعراف: ۳۱.

۵ ـ تهذیب‌الاحکام: ۱۱۰/۶ ح ۱۹۷، بحارالانوار: ۱۶۹/۸۳ و ج ۱۳۲/۱۰۰ ح ۲۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۵/ ۲۴ ش ۱۶۳۵.

زیارت هر امام علیه السلام إن‌شاء الله تعالی مذکور خواهد شد.

و در حدیث معتبر منقول است که: چون حضرت صادق علیه السلام از غسل زیارت فارغ می‌شدند، این دعا می‌خواندند:

اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْهُ لي نُوراً وَ طَهُوراً، وَ حِرْزاً وَ كافِياً مِنْ كُلِّ داءٍ وَ سُقْمٍ، وَ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَ عاهَةٍ. وَ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَ جَوارِحِي وَ عِظامِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ مُخِّي وَ عَصَبِي، وَ ما أَقَلَّتِ اَلأَرْضُ مِنِّي، وَ اَجْعَلْهُ لِي شاهِداً يَوْمَ اَلْقِيامَةِ، يَوْمَ حاجَتِي وَ فَقْرِي وَ فاقَتِي[1].

جمعی از علما ـ رضوان الله علیهم ـ این حدیث را در باب غسل زیارت ائمه علیهم السلام ذکر کرده‌اند؛ و در نظر این قاصر، محتمل است که مراد غسلِ طواف زیارت باشد.

و از *ابن عیّاش* نقل شده است که در اثنای غسل زیارت، سنّت است که این دعا بخوانند:

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ، وَ نَجِّنِي مِنْ كُلِّ كَرْبٍ، وَ ذَلِّلْ لِي كُلَّ صَعْبٍ، إِنَّكَ نِعْمَ اَلْمَوْلىٰ وَ نِعْمَ اَلرَّبُّ، رَبُّ كُلِّ يابِسٍ وَ رَطْبٍ[2].

و شیخ کفعمی ذکر کرده است که: مروی است که در غسل زیارت این دعا بخوانند:

بِسْمِ اَللهِ وَ بِاللهِ، اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْهُ لِي نُوراً وَ طَهُوراً، وَ حِرْزاً وَ شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَ آفَةٍ وَ عاهَةٍ.

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي، وَ اَشْرَحْ بِهِ صَدْرِي، وَ سَهِّلْ بِهِ أَمْرِي[3].

سوم: آنکه باید که با جنابت داخل روضه‌های مقدّس ایشان نشود.

چنانچه به سند صحیح منقول است از بکر بن محمّد که گفت: با ابو بصیر رفتم

---

۱ ـ تهذیب‌الاحکام: ۵۴/۶ ح ۱۳۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵/ ۲۴ ش ۱۶۳۶.

۲ ـ حاشیه مصباح کفعمی: ۴۷۲، بحارالأنوار: ۱۲۸/۱۰۰ ح ۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵/ ۳۰ ش ۱۶۴۳.

۳ ـ حاشیه مصباح‌کفعمی: ۴۷۲، بحارالانوار: ۱۲۹/۱۰۰ ذیل ح ۹، موسوعة‌زیارات‌المعصومین علیهم السلام: ۲۵/۵ ش ۱۶۳۷.

به خدمت حضرت امام جعفر صادق ﷺ ـ و نمی‌دانستم که او جنب است ـ چون سلام کردیم حضرت فرمود که: ای ابوبصیر، مگر نمی‌دانی که سزاوار نیست جُنب را که داخل خانهٔ پیغمبران شود. پس برگشت ابوبصیر، و من داخل شدم[1].

و در روایت دیگر آن است که حضرت نظر تندی کرد بسوی ابوبصیر و فرمود که: همچنین داخل خانه پیغمبران می‌شوی و حال آنکه جُنبی!

ابوبصیر گفت که: پناه می‌برم به خدا از غضب خدا و غضب شما، و از خدا طلب آمرزش می‌کنم، و دیگر چنین نخواهم کرد[2].

پس از این حدیث شریف مفهوم می‌شود که جُنب داخل روضات نباید شد، زیرا که اخبار وارد شده است که: مرده و زندهٔ ما یک حکم دارد، و حرمت ما بعد از وفات ما مثل حرمت ما است در حال حیات[3].

و احوط آن است که زنان حائض و نفسا نیز داخل نشوند، چنانچه وارد شده است که باعث نفرت ملائکه می‌شوند[4].

چهارم: بر در روضهٔ مقدّسه ایستادن و رخصت طلبیدن، و سعی کردن در حصول رقّت و خضوع، و بعد از حصولْ داخل شدن است.

و در روایت صفوان که در زیارت حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ وارد شده است مذکور است[5].

و آیه کریمه ﴿لاتَدْخُلُوا بُيُوتَ ٱلنَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾[6] ـ یعنی داخل مشوید به خانه‌های پیغمبر مگر آنکه رخصت دهند شما را ـ مؤیّد این معنی است.

---

۱ ـ قرب الإسناد: ۴۳ ح ۱۴۰، بصائرالدرجات: ۲۴۱ ح ۲۳، دلائل الإمامه: ۱۳۷، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/ ۲۶۶ ش ۴۱۷، وج ۵/ ۲۴ ش ۱۶۳۴.

۲ ـ رجال کشّی: ۱۷۰ ح ۲۸۸، بحارالأنوار: ۱۰۰/ ۱۳۰ ح ۱۶.

۳ ـ مزار مفید: ۲۰۱ ح ۳، مقنعه: ۴۸۵، بحارالانوار: ۸۱/ ۶۳، وج ۱۰۰/ ۱۲۵ وص ۱۳۰.

۴ ـ علل الشرائع: ۲۹۸ ب ۲۳۶ ح ۱، خصال: ۵۸۶ ضمن ح ۱۲، من لا یحضره الفقیه: ۱/ ۹۲، بحارالانوار: ۸۱/ ۲۳۰ ح ۱ وح ۲ وص ۲۳۲ ح ۵.

۵ ـ مصباح المتهجّد: ۷۲۰، مزار شهید: ۱۲۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۹۷ ضمن ح ۳۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۲۴۴ ش ۱۱۳۱.

۶ ـ احزاب: ۵۳.

و چون حدیث وارد شده است که رقّت علامت استجابت دعا است[۱]، مؤیّد حصولِ رخصت بعد از تحقّق آن می‌شود.

پنجم: پوشیدن جامه‌های نفیس و پاکیزه، و بوی خوش کردن است، چنانچه جمعی ذکر کرده‌اند[۲]، و در بعضی زیارات خواهد آمد.

ودر زیارت حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ منع از بوی خوش کردن خواهد آمد[۳].

و آیه کریمهٔ ﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾[۴] شاید مؤیّد زینت کردن و پاکیزه بودن و بوی خوش کردن بشود.

ششم: بوسیدن عتبه است، و در زیارتی که شیخ مفید و غیر او به صفوان نسبت داده‌اند، امر به آن هست[۵].

و بعضی در استحبابش تأمّل دارند، و شیخ شهید ـ علیه‌الرحمه ـ گفته است که: مطّلع نشده‌ام در باب بوسیدن عتبه بر نصّی که اعتمادی بر آن داشته باشم، ولیکن فرقه امامیّه بر این‌اند که خوب است. و اگر زیارت کننده سجده کند و نیّت کند که از برای خدا سجده می‌کنم، به شکر اینکه مرا به این مکان رسانید، بهتر خواهد بود[۶].

و گمان *این فقیر* آن است که چون منعی از بوسیدن عتبه وارد نشده است، اگر به عموماتی که در باب تعظیم و تکریمِ ایشان وارد شده است، بعمل آورد خوب است.

هفتم: گمان فقیر آن است که اگر در وقت زیارت، صدا بلند نکنند بهتر است؛ بعموماتی که در اخفای ذکر وارده شده است.

و به آیه کریمه ﴿يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا أَصْواتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ﴾ ـ تا

---

۱ ـ خصال: ۸۱ ح ۶، عدة الداعی: ۱۶۷.

۲ ـ مزار کبیر: ۲۰۵، مزار شهید ۲۹، دروس: ۲/ ۲۲ ـ ۲۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۸۱ ح ۱۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۶۸ ش ۵۴۶، وج ۴/ ۲۴ ش ۱۲۸۳.

۳ ـ نگاه کن: ص ۳۰۴.

۴ ـ اعراف: ۳۱.

۵ ـ مزار شهید: ۳۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۸۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۱۲۹ ش ۵۶۸.

۶ ـ دروس: ۲/ ۲۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۳۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵/ ۳۳ ـ ۳۴ ش ۱۶۴۵.

آخر دو آیه[۱] ـ که مضمون نشان این است که: ای گروه مؤمنان، بلند مکنید صداهای خود را بالای صدای پیغمبر، و آواز بلند مکنید برای او به گفتار، مانند آواز بلند کردن بعضی از شما برای بعضی، که مبادا باطل شود عملهای شما و شما ندانید. به درستی که آنان که پست می‌کنند صداهای خود را نزد رسول خدا، ایشان گروهی اند که امتحان کرده است خدا دل ایشان را برای پرهیزکاری، برای ایشان است آمرزش گناهان و اجری بزرگ.

و در **حدیث معتبر** منقول است که: چون عایشه مانع شد که حضرت امام حسن ـ صلوات الله علیه ـ را نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله دفن کنند، حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ فرمود که: ای عایشه، برادرم مرا امر کرده است که او را نزدیک پدرش رسول خدا بیاورم که با او عهد خود را تازه کند؛ و برادرم داناترین مردم بود به حرمت خدا و رسول، و به معنی کتاب خدا از آن داناتر بود که هتک حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بکند، زیرا که حق‌تعالی می‌فرماید که ﴿يا أَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتَ ٱلنَّبِيِّ إِلّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾[۲]، و داخل کردی تو در خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله مردان را بی‌رخصت او.

و به تحقیق که خدا فرموده است که: ﴿يا أَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا أَصْواتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ ٱلنَّبِيِّ﴾.

و تو و عمر برای پدرت ابوبکر نزد گوش رسول خدا کلنگها زدید، و حال آنکه خدا می‌فرماید که: آنها که صدا را آهسته و پست می‌کنند نزد رسول خدا، آنها جماعتی‌اند که امتحان کرده است خدا دل ایشان را برای پرهیزکاری.

و به جان خودم سوگند که داخل کرد پدرت و عمر به‌رسول خدا صلی الله علیه و آله به نزدیکی ایشان آزارها، و رعایت نکردید از حق او و آنچه خدا امر به آن کرده بود بر زبان پیغمبرش. به درستی که خدا حرام کرده است از مؤمنان در حال مردن ایشان، آنچه را حرام کرده است در حال زندگی ایشان[۳].

---

۱ ـ حجرات: ۲ و ۳.

۲ ـ احزاب: ۵۳.

۳ ـ کافی: ۱/ ۳۰۲ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۲۵ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۱/ ۷۴ ش ۱۶۳.

مؤلّف گوید که: از این حدیث معلوم می‌شود که در زیارت حضرت رسول ﷺ صدا بلند نباید کرد، و چون از احادیث ظاهر می‌شود که اِکرام ائمهٔ طاهرین علیهم السلام مثل اِکرام ایشان لازم است، پس در زیارات ائمه علیهم السلام بهتر آن است که این رعایت بکنند.

هشتم: آنکه با موزه[1] و کفش و نعلین داخل روضه نشوند، و عمومات تعظیم بر این دلالت دارد، و آیه کریمهٔ ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾[2] مؤیّد است[3]؛ خصوصاً در روضه حضرت امیرالمؤمنین و حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیهما ـ، که در حدیث وارد شده است که شجرهٔ موسی علیه السلام در کربلا بوده[4] و نجف قطعه‌ای است از کوه طور[5]. بلکه بهتر آن است که چون نزدیک هر روضه شوند پا را برهنه کنند[6]؛ چنانچه در بعضی از زیارات مخصوصه خواهد آمد[7]. و عمومات اِکرام و اِعظام ظاهراً کافی باشد در استحباب آن در سائر زیارات که به خصوص در آنها وارد نشده است.

نهم: آنکه در وقت زیارت به نزدیک ضریح مقدّس برود با خضوع و خشوع و وقار، و پشت به قبله و رو به معصوم ـ صلوات الله علیه ـ بایستد؛ چنانچه در زیارات منقوله مذکور خواهد شد[8].

و امّا زیارت غیر معصوم، جمعی را اعتقاد آن است که در زیارت ایشان رو به قبله در عقب ضریح باید ایستاد، چنانچه در زیارت سایر مؤمنان مستحب است. و روایت صریحی در این باب به نظر نرسیده است، مگر یکی از زیارات منقوله شهداء ـ رضي الله عنهم ـ که از ناحیهٔ مقدّسهٔ حضرت صاحب الامر ـ صلوات الله علیه ـ بیرون آمده است، که در آنجا وارد شده است که ایشان را رو به قبله زیارت کنند[9].

---

۱ ـ نوعی کفش و پا افزار که تا زیر زانو را می‌گرفته، چکمه.
۲ ـ طٰهٰ: ۱۲.
۳ ـ بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۲۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵/ ۳۶ ـ ۳۷ ش ۱۶۴۹.
۴ ـ نگاه کن: ص ۲۶۹.
۵ ـ نگاه کن ص ۹۱.
۶ ـ نگاه کن: کامل الزیارات: ۱۳۳ ب ۴۹ ذیل ح ۴ وص ۳۱۰ ب ۱۰۲ ضمن ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۲ ح ۱۳ وص ۱۷۱ ح ۲۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۶۰ ش ۵۳۵، وج ۳/ ۱۱۴ ش ۸۸۴، وص ۲۳۵ ش ۱۱۱۸.
۷ ـ نگاه کن: ص ۳۰۹ وص ۳۳۱.
۸ ـ نگاه کن: ص ۳۳۳.
۹ ـ مزار کبیر: ۴۸۶، اقبال: ۳/ ۷۳، مصباح الزائر: ۲۷۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۶۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۵۱۴ ش ۱۲۱۰.

و دور نیست که در زیارت غیر معصومین ﷺ اگر پشت به قبله بایستند به روش متعارف مخاطبه و مکالمه که به عنوان مواجهه واقع می‌شود ـ با آنکه ظاهر بعضی روایات در زیارت عباس رضي الله عنه و غیر آن این است ـ، یا رو به قبله کنند به اعتبار آن حدیث مزبور و احادیث مطلق زیارت مؤمنان و عمل اکثر اصحاب، هر دو خوب باشد.

دهم: آیا بر دور ضریح مقدّس گردیدن خوب است یا نه؟

بعضی را اعتقاد آن است که خوب نیست، چون در حدیث صحیح از حضرت صادق ﷺ منقول است که: مخور آبْ ایستاده، و طواف مکن به قبر، و بول مکن در آبِ ایستاده، به درستی که کسی که بکند این را پس برسد به او بلائی، ملامت نکند مگر خود را. و کسی که یکی از اینها را بکند، دیگر از او جدا نمی‌شود مگر آنکه خدا خواهد[1].

و بعضی خوب می‌دانند، زیرا که محتمل است که مراد از طواف در این حدیث آن باشد که به‌روش طواف دور خانه کعبه، هفت شوط بگردند.

یا آنکه جمعی بردور قبر بنشینند و سخن گویند ـ که از باب اِفعال باشد[2] ـ.

یا آنکه مراد غایط کردن بر قبر باشد. و به این معنی در لغت وارد شده است[3]، و سایر فقرات حدیث فی الجمله مؤیّد این معنی است.

یا اینکه در بعضی از زیارات خواهد آمد این عبارت که: **إلّا أنْ نَطُوفَ حَوْلَ مَشاهِدِكُمْ**[4]، و در بعضی دیگر امر واقع شده است که ببوس چهار جانب قبر را؛ پس ممکن است که آن نهی در قبر غیر معصوم باشد.

و اگر کسی به قصد دور قبر گردیدن نکند، بلکه به قصد دعا خواندن در اطراف قبر یا بوسیدن و امثال آن که در زیارات جامعه و غیر آن وارد شده است بکند، احوط است.

---

۱ ـ علل الشرائع: ۲۸۳ ب ۲۰۰ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۲۶ ح ۳.

۲ ـ عبارت حدیث این است: «لا تَشْرَبْ وَأنْتَ قائِمٌ، وَلا تطفْ بِقَبْرٍ، وَلا تَبُلْ في ماءٍ نَقِيْعٍ...» یعنی «لاتُطِفْ» باشد، نه «لاتَطُفْ».

۳ ـ یعنی مادّهٔ «طوف» به این معنی آمده. نگاه کن: لسان العرب: ۹/ ۲۲۷.

۴ ـ نگاه کن: ص ۵۹۴.

یازدهم: احوط آن است که سجده بر قبر نکنند، امّا پهلوهای رو را بر قبر گذاشتن و دعا و تضرّع نمودن سنّت است.

چنانچه در **حدیث معتبر** مروی است که عبدالله بن جعفر حِمیَری عریضه نوشت به خدمت حضرت صاحب الامر ـ صلوات الله علیه ـ که: مردی که زیارت قبور ائمه علیهم السلام کند آیا جایز است که سجده کند بر قبر یا نه؟

جواب رسید که: سجده بر قبر جایز نیست، نه در نافله و نه در فریضه و نه در زیارت؛ و آنچه می‌باید کرد آن است که پهلوی راست رو را بر قبر گذارند[1].

و احادیث در ابواب کیفیّات زیارات، در استحباب وضع طرفینِ رو بر قبر بسیار است[2].

دوازدهم: نماز زیارت و غیر آن را به گمان فقیر در پشت قبر و بالای سر کردن بهتر است، و در پایین پا هم می‌توان کرد؛ و باید که پیشتر از قبر و مساوی قبر نایستد، و پشت به قبر نکند؛ اگرچه بعضی از علما تجویز کرده‌اند[3].

و در **حدیث معتبر** منقول است که حمیری عریضه به خدمت حضرت صاحب الامر ـ صلوات الله علیه ـ نوشت و سؤال نمود که: جایز است کسی را که نماز کند نزد قبور ائمه علیهم السلام اینکه عقب قبر بایستد و قبر را قبله خود گرداند، یا نزد سر یا پا بایستد؟ و آیا جایز است مقدّم بر قبر بایستد و نماز کند و قبر را عقب خود قرار دهد یا نه؟

جواب رسید که: نماز را پشت قبر باید کرد، و قبر را پیش رو قرار باید داد، و جایز نیست که نماز کند پیش روی قبر، و نه جانب راست و نه جانب چپ، زیرا که مقدّم بر امام و مساوی او نباید شد[4].

و ***بعضی از علما*** گفته‌اند که عقب قبر نماز نمی‌باید کرد[5]، زیرا که در حدیث حسن منقول است که: زراره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام سؤال کرد از نماز کردن در میان

---

۱ ـ تهذیب‌الاحکام: ۲/ ۲۲۸ ح ۸۹۸، احتجاج: ۴۹۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۲۸ ح ۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵/ ۲۶ ش ۱۶۴۰.

۲ ـ کامل الزیارات: ۲۱۸ و ۲۱۹ ب ۷۹ ضمن ح ۱۳، وص ۱۹۶ ب ۷۹ ضمن ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۹ ضمن ح ۱، وص ۱۶۹ ضمن ح ۲۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۳۰۱ ش ۱۱۵۶.

۳ ـ دروس: ۲/ ۲۳.

۴ ـ تهذیب‌الاحکام: ۲/ ۲۲۸ ح ۸۹۸، احتجاج: ۴۹۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۲۸ ح ۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵/ ۲۶ ش ۱۶۴۰.

۵ ـ مقنعه: ۱۵۱.

قبرها. جواب فرمود که: نماز کن در میان قبرها و هیچ یک از آنها را قبله خود مگردان؛ به درستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرموده است از این، و فرمود که: اخذ مکنید قبر مرا قبله و نه موضع سجود، به درستی که خدای عزیز جلیل لعنت کرده است آنها را که قبرهای پیغمبران خود را مسجدها گردانیدند[1].

مؤلّف گوید که: چون احادیث بسیار خواهد آمد که امر کرده‌اند به نماز کردن رو به قبور شریفهٔ ائمه علیهم السلام، مثل حدیث سابق؛ ممکن است حمل کردن این حدیث را بر تقیّه، یا بر اینکه از همه طرف رو به قبر کند مثل کعبه، چنانچه در این زمان بعضی از اعراب می‌کنند.

سیزدهم: در حدیث صحیح منقول است که هرکه از مکّه یا مدینه یا مسجد کوفه یا حایر امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ بیرون رود پیش از آنکه انتظار جمعه را بکشد، ندا کنند او را ملائکه که: کجا می‌روی، خدا تورا بر نگرداند[2]؟!

مؤلّف گوید که: محتمل است که مراد این باشد که نزدیک روز جمعه شده باشد، و انتظار نکشد که زیارت شب جمعه و روز جمعه را بکند. و ممکن است که مراد این باشد که روز جمعه پیش از نماز جمعه مسافر شود، چنانچه شیخ شهید علیه الرّحمه فهمیده است[3]. و هردو را رعایت کردن اولی است.

چهاردهم: در حدیث معتبر منقول است که: شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که گاه هست که می‌باشیم در مکّه یا مدینه یا حایر امام حسین علیه السلام، یا موضعی چند که امید فضل و ثواب در آنها هست، پس بسیار است که بیرون می‌رود شخصی برای وضو ساختن، پس دیگری می‌آید و به جای او می‌نشیند؟

حضرت فرمود که: هرکه سبقت گیرد به موضعی، پس او سزاوارتر است به آن موضع در آن روز و آن شب[4]. تمام شد حدیث.

---

۱ ـ علل الشرائع: ۳۵۸ ب ۷۵ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۲۸ ح ۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۷۳ ش ۱۶۲.

۲ ـ تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۱۰۷ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۳۲ ح ۱۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۳۲ ش ۶۸.

۳ ـ دروس: ۲/ ۲۵.

۴ ـ کافی: ۴/ ۵۴۶ ح ۳۳، کامل الزیارات: ۳۳۰ ب ۱۰۸ ح ۴ و ۳۳۱ ب ۱۰۸ ح ۱۰، تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۱۱۰ ح ۱۹۵، بحارالانوار: ۸۳/ ۳۵۵ ح ۸ وج ۱۰۰/ ۱۲۹ ح ۱۰ ـ ۱۲ وج ۱۰۱/ ۲۵۴ ح ۷ و ۸.

و اکثر متأخّرین گفته‌اند که:

اگر از آن موضع برخیزد نه به قصد برگشتن، حقّش برطرف می‌شود.

و اگر ارادهٔ برگشتن داشته باشد، اگر چیزی از متاع او در آنجا باقی باشد، او سزاوارتر است به آن موضع اگر زود برگردد.

و اگر بسیار به‌طول انجامد مدّت مفارقتش، باز حقّش باطل می‌شود.

و اگر چیزی از او در آن محل باقی نباشد، اگر بی ضرورتی برخیزد باز حقّش باطل می‌شود ـ موافق مشهور[1] ـ. و بعضی گفته‌اند که حقّش باقی است.

و اگر از برای ضرورتی برخیزد مثل تجدید وضو و ازاله نجاست، باز خلاف است که آیا حقّش باقی است یا نه؛ و ظاهر حدیث آن است که باقی است[2].

پانزدهم: در نماز زیارت هر امام سنّت است که در رکعت اوّل بعد از حمد، سورهٔ «یٰس» بخواند، و در رکعت دوم سورهٔ «الرّحمن»؛ چنانچه در حدیث ابو حمزه ثمالی مذکور است[3].

و بعضی در رکعت اوّل «الرحمن»، و در رکعت دوّم «یٰس» ذکر کرده‌اند[4].

و از بعضی احادیث ظاهر می‌شود که نماز زیارت اقلّش دو رکعت است، و چهار رکعت، و شش رکعت، و هشت رکعت، بهتر است[5].

و از بعضی روایات مفهوم می‌شود که نماز زیارت مخصوص معصوم است، و آنچه در زیارت حمزه ـ رضي الله عنه ـ وارد شده است[6]، معلوم نیست که نماز زیارت باشد؛ و چون در احادیث وارد شده است که نماز از برای مؤمنان کردن و هدیهٔ روح ایشان کردن خوب است[7]، اگر از آن جهت بکنند بد نیست.

شانزدهم: شیخ شهید ـ رضي الله عنه ـ ذکر کرده است که: مستحبّ است که

---

۱ ـ مسالك الافهام: ۱۲/ ۴۳۳ ـ ۴۳۴، بحار الانوار: ۸۳/ ۳۵۵ وج ۱۰۰/ ۱۲۹.

۲ ـ نگاه کن: ص۳۹ پاورقی ۴.

۳ ـ کامل الزيارات: ۲۴۰ ب ۷۹ ضمن ح ۱۸، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۳/ ۲۹۱ ش۱۱۵۵.

۴ ـ مزار مفید: ۸۳.

۵ ـ کامل الزيارات: ۲۹۰ ب ۹۶ ضمن ح ۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۶۸ ضمن ح ۱۰، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۳/ ۵۰۳ ش۱۲۰۲.

۶ ـ کامل الزيارات: ۲۲ ب۵ ضمن ح۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۱۲ ضمن ح۱، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۱/ ۲۳۵ ش۳۱۰.

۷ ـ بحار الانوار: ۹۱/ ۲۱۹ ح۴.

تلاوت قرآن نزد ضریح هر امام بکند و ثوابش را هدیه روح مقدّس آن‌حضرت کند، و نفع آن به زیارت‌کننده عاید می‌شود، و متضمّن تعظیم امام علیه السلام است[۱].

مؤلّف گوید که: دلالت می‌کند بر این مضمون، احادیثی که در کتاب قرآن ذکر کرده‌ایم در فضیلت هدیه قرآن به روح مقدّس ایشان[۲].

هفدهم: علما ذکر کرده‌اند که چون خواهد بیرون آید، پشت به قبر امام نکند، و از پس پشت برگردد[۳]؛ و در حدیث صفوان در کیفیت زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و غیر آن وارد است[۴]، و عموماتِ تعظیم مؤیّد است.

و شیخ شهید علیه‌الرحمه فرموده است که: روایت وارد شده است که باید که پشت به قبر نکند در هنگام بیرون آمدن، و از عقب برگردد تا ضریح پنهان شود[۵].

و باز شیخ شهید فرموده است که:

باید که در روضه توبه کند از گناهان، و با حضور قلب باشد در جمیع احوال، و تصدّق کند بر خدمه و ساکنان آن مکان شریف، و تعظیم و تکریم ایشان بجا آورد که مستلزم تعظیم امام است.

و خدمه و حافظان و متولّیان آن مکان شریف باید که از اهل خیر و صلاح و دین و مروّت باشند، و بر آزارهای زائران صبر کنند، و خشم خود را فرو نشانند، و غلظت و خشونت با ایشان نکنند، و قیام به حوائج ایشان بنمایند، و راهنمائی غریبان بکنند، و از احوال ایشان خبر بگیرند.

و مستحبّ است که چون زیارت کننده فارغ شود از زیارت و به‌خانه برگردد، قصد برگشتن به‌زیارت داشته باشد مادام که در آنجا هست.

و چون ارادهٔ بیرون رفتن کند زیارتِ وداع بکند، و از حق تعالی سؤال کند که باز

۱ـ دروس: ۲۳/۲، بحارالانوار: ۱۳۵/۱۰۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵/ ۳۲ ش ۱۶۴۵.

۲ـ نگاه کن: کافی: ۲/ ۶۱۸ ح ۴.

۳ـ کامل الزیارات: ۲۵۶ ب ۸۴ ذیل ح ۲، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۶۰۶، مزار مفید: ۱۳۰، مصباح المتهجد: ۷۲۹، مزار شهید: ۱۳۹، مزار کبیر: ۲۴۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۰۲ و ۲۰۴ و ۲۸۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۵۷۷ ش ۱۲۴۳.

۴ـ نگاه کن: ص ۱۳۱.

۵ـ دروس: ۲۴/۲، و نگاه کن: پاورقی ۳.

او را برگرداند.

و باید که زائر بعد از زیارت بهتر باشد از پیش از زیارت، زیرا که اگر زیارت مقبول باشد گناهانش آمرزیده شده است.

و چون از زیارت فارغ شود، بیرون رود از برای مزید احترام، و زیادتی شوق به رجوع.

و باید که تصدّق کند در آن محلّ شریف بر فقرا، زیرا که ثوابش مضاعف است، خصوصاً بر سادات.

و کسی که وقتی برسد که پیشنماز به نماز ایستاده باشد، اوّل نماز کند پیش از زیارت. و همچنین اگر وقتِ نماز واجب داخل شده باشد، ابتدا به نماز کند. و اگر وقت نماز نباشد، ابتدا به زیارت کند. و اگر در اثنای زیارت اقامه نماز بگویند، ترک کند زیارت را و متوجه نماز شود.

و زنان باید که جدا از مردان زیارت کنند، و اگر در شب زیارت کنند بهتر است. و باید که تغییر وضع کنند که کسی ایشان را نشناسد، و پنهان بیایند. و اگر با مردان زیارت کنند نیز جائز است، اگرچه مکروه است.

و سزاوار آن است که اگر زائران بسیار باشند، آنها که سبقت به ضریح مقدّس گرفته‌اند تخفیف دهند زیارت را و برگردند، تا دیگران به قرب ضریح فایز گردند[1].

و مستحبّ است که زیارت از برای پدر و مادر و دوستان و جمیع مؤمنان بکند، و بگوید: **اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ مِنْ ـ فُلان بْنِ فُلان ـ ، أَتَيْتُكَ زائِراً عَنْهُ، فَاشْفَعْ لَهُ عِنْدَ رَبِّكَ.** و به جای «فلان بن فلان»، نام او و پدر او را بگوید، و دعا کند از برای او[2].

تا اینجا کلام شیخ شهید علیه‌الرحمه است.

و کیفیت زیارت به نیابت در باب خود خواهد آمد، إن شاء الله[3].

---

۱ ـ دروس: ۲/ ۲۴ ـ ۲۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۳۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۵/ ۳۴ ش ۱۶۴۵.

۲ ـ دروس: ۲/ ۱۷، مزار مفید: ۲۱۰، مقنعه: ۴۹۴، تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۰۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۳۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۵/ ۱۳۹ ش ۱۶۷۵.

۳ ـ نگاه کن: ص ۶۶۰.

باب دوم

در فضیلت وکیفیّت زیارت رسول خدا وفاطمه زهرا وائمّه بقیع -صلوات‌الله علیهم اجمعین- **ودر آن چند فصل است:**

فصل اوّل

در فضیلت زیارت ایشان

در روایت **معتبر** از حضرت صادق ﷺ منقول است که: هرگاه احدی از شما حج کند، باید که ختم کند حجّش را به زیارت ما؛ زیرا که این از تمامی حج است[1].

و در **حدیث دیگر** فرمود که رسول خدا ﷺ فرمود که: هرکه مرا زیارت کند در حیات من، یا بعد از فوت من، شفیع او گردم من در روز قیامت[2].

و در **حدیث معتبر** از حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: تمام کنید حجّ خود را به زیارت حضرت رسول ﷺ، که ترک زیارت آن‌حضرت بعد از حجّ جفا و خلاف ادب است، و شما را امر به این کرده‌اند. و بروید به زیارت قبری چند که خدا لازم گردانیده است بر شما حق آنها و زیارت آنها را، و روزی از خدا طلب کنید نزد آن قبرها[3].

و به **سند معتبر** از حضرت امام رضا صلوات الله علیه منقول است که: حق تعالی پیغمبرش محمّد ﷺ را افضل گردانید از جمیع خلقش ـ از پیغمبران و ملائکه ـ، و اطاعت او را اطاعت خود شمرده، و بیعت او را بیعت خود شمرده،

---

۱ ـ علل الشرائع: ۴۵۹ ب ۲۲۱ ح ۱، عیون اخبار الرضا ﷺ: ۱/ ۲۹۲ ح ۲۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۳۹ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/ ۳۶۳ ش ۴۱۱.

۲ ـ قرب الإسناد: ۶۵ ح ۲۰۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۳۹ ح ۲.

۳ ـ خصال: ۶۱۶ ضمن حدیث اربعمائه، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۳۹ ح ۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/ ۳۷۵ ش ۴۲۲.

و زیارت او را در دنیا و آخرت زیارت خود شمرده.

و حضرت رسول ﷺ فرمود که: هرکه مرا زیارت کند در حال حیات یا بعد از فوت، چنان است که حق ـ تعالی شأنه ـ را زیارت کرده باشد[1].

و به **سندهای معتبر** از حضرت صادق ﷺ منقول است که رسول خدا ﷺ فرمود که: هرکه به‌سوی مکّه آید برای حجّ و مرا زیارت نکند در مدینه، جفا کنم او را در روز قیامت.

و هرکه به‌زیارت من بیاید واجب شود برای او شفاعت من، و هرکه واجب شود برای او شفاعت من، بهشت او را واجب گردد.

و هرکه در حرم مکّه یا حرم مدینه بمیرد، او را در قیامت حساب نکنند، و مرده باشد هجرت کننده بسوی خدا، و محشور شود در روز قیامت با شهیدان بدر[2].

و به چندین **سند معتبر** از حضرت صادق ﷺ منقول است که: حضرت امام حسن ـ صلوات الله علیه ـ از حضرت رسول ﷺ پرسید که: چه ثواب دارد کسی که تو را زیارت کند؟

فرمود که: ای فرزند، هرکه مرا زیارت کند در حال حیات من یا بعد از موت من، یا پدرت را زیارت کند یا برادرت را زیارت کند یا تو را زیارت کند، لازم است بر من که او را زیارت کنم در روز قیامت، پس خلاص گردانم او را از گناهانش، و او را داخل بهشت گردانم[3].

و ایضاً در **احادیث معتبره** منقول است که: روزی حضرت امام حسن ﷺ در دامن حضرت رسول ﷺ نشسته بود، پرسید که‌ای پدر، چه ثواب است کسی را که تو را بعد از موت تو زیارت کند؟

---

۱ ـ عیون اخبار الرضا ﷺ: ۱/ ۹۳ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۳۹ ح ۴، توحید: ۱۱۷ ح ۲۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/ ۶۶ ش ۱۴۹.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۴۸ ح ۵، کامل الزیارات: ۱۳ ب ۲ ح ۹، علل الشرائع: ۴۶۰ ب ۲۲۱ ح ۷، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۶۵ ح ۳۱۵۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۰ ح ۵ و ۶، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/ ۴۹ ش ۱۰۴.

۳ ـ کافی: ۵۴۸/۴ ح ۴، کامل الزیارات: ۱۱ ب ۱ ح ۵ و ح ۲، امالی صدوق: ۵۷ م ۱۴ ح ۴، ثواب الاعمال: ۱۰۷ ح ۲، علل الشرایع: ۴۶۰ ب ۲۲۱ ح ۵، بحارالانوار: ۱۴۱/۱۰۰ ح ۱۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۵۱/۱ ش ۱۱۰. در بعضی از این کتابها به امام حسین ﷺ نسبت داده شده.

فرمود که: ای فرزند، هرکه مرا بعد از موت من زیارت کند، از برای او است بهشت.

و هرکه پدرت را بعد از موت او زیارت کند، از برای او است بهشت.

و هرکه برادرت را بعد از موت او زیارت کند، از برای او است بهشت.

و هرکه تو را بعد از موت تو زیارت کند، از برای او است بهشت[۱].

و به **سند معتبر** از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که: هرکه به زیارت من بیاید، من شفیع او باشم در روز قیامت[۲].

و در چند **حدیث صحیح و قوی** منقول است که از حضرت امام محمّد تقی ـ صلوات الله علیه ـ پرسیدند که: چه ثواب دارد کسی که زیارت کند رسول خدا صلی الله علیه و آله را، و به قصد زیارت آمده باشد؟

فرمود که: از برای او است بهشت[۳].

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله **مروی است** که فرمود که: هرکه مرا زیارت کند در حیات من، یا بعد از وفات من، در جوار من باشد در روز قیامت[۴].

و در **حدیث معتبر** دیگر منقول است که فرمود که: هرکه مرا زیارت کند بعد از وفات من، چنان است که مرا زیارت کرده باشد در حیات من؛ و من گواه و شفاعت‌کنندهٔ او باشم در روز قیامت[۵].

و در **حدیث معتبر** از علی بن الحسین ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که: هرکه قبر مرا زیارت کند بعد از موت من، چنان است که هجرت کرده باشد به‌سوی من در حیات من. و اگر نتوانید، از دور سلام به سوی من

---

۱ ـ کامل‌الزیارات: ۱۰۰ب ۱ح ۱،مزار مفید: ۱۸۰ح ۱،مقنعه:۴۶۵،تهذیب‌الاحکام: ۲۰/۶ ح ۱ وص ۴۰ ح ۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵۲/۱ ش ۱۱۲ وص ۳۰۴ ش ۳۶۸.

۲ ـ کافی: ۵۴۸/۴ ح ۳، کامل الزیارات: ۱۲ ب ۲ ح ۱ وص۱۳ ح ۱۰ وح۱۳ وح۱۴، مزار مفید: ۱۶۹ ح ۳، تهذیب الاحکام: ۴/۶ ح ۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵۴/۱ ش۱۱۷.

۳ ـ کافی: ۵۴۸/۴ ح ۱، کامل الزیارات: ۱۲ ب ۲ ح ۲، بحارالانوار: ۱۴۲/۱۰۰ ح۲۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۶۷/۱ ش۱۵۱.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۳ ب ۲ ح ۱۱، مزار مفید: ۱۷۱ ح ۵، تهذیب‌الاحکام: ۳/۶ ح ۲، بحارالانوار: ۱۴۳/۱۰۰ ح ۲۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵۰/۱ ش۱۰۸.

۵ ـ کامل‌الزیارات: ۱۳ ب۲ ح ۱۲، بحارالانوار: ۱۴۳/۱۰۰ح۲۷، موسوعةزیارات‌المعصومین علیهم السلام: ۵۴/۱ ش۱۱۸.

بفرستید که به من می‌رسد[۱].

و در **حدیث معتبر** از امام محمد باقر ؑ منقول است که زیارت قبر رسول خدا ﷺ برابر است با حجّ مقبول، که با رسول خدا ﷺ بجا آورده باشند[۲].

و در **حدیث معتبر** از حضرت صادق ؑ منقول است که: هرکه حضرت رسول ﷺ را زیارت کند، چنان است که حق تعالی را در عرش عبادت کرده باشد[۳].

و به **سند معتبر** مروی است که از حضرت علیّ بن موسی الرّضا ؑ سؤال نمودند که کدام بهتر است: کسی که به حج برود و به زیارت حضرت رسول ﷺ نرود، یا به زیارت آن حضرت برود و به حج نرود؟

حضرت از سائل پرسید که: شما چه می‌گویید در این باب؟

گفت که: ما زیارت حضرت امام حسین را بهتر از حج می‌دانیم، چون زیارت حضرت رسول را بهتر ندانیم!

حضرت امام رضا ؑ فرمود که: حضرت امام جعفر صادق ؑ روز عیدی در مدینه بود، و رفت به زیارت حضرت رسول خدا ﷺ و بر آن حضرت سلام کرد، و فرمود که: ما بر اهل همه شهرها فضیلت داریم ـ خواه مکّه و خواه غیر مکه ـ بسبب زیارت حضرت رسول ﷺ[۴].

و در **حدیث معتبر** منقول است که: شخصی به خدمت حضرت فاطمة زهرا ـ صلوات الله علیها ـ رفت، حضرت از او پرسید که برای چه آمده‌ای؟

گفت: از برای طلب برکت و ثواب.

فرمود که: پدرم ﷺ مرا خبر داد که هرکه بر او و بر من سه روز سلام کند، حق تعالیٰ بهشت را از برای او واجب گرداند.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۴ ب ۲ ح ۱۷، جعفریّات: ۷۶، مزار مفید: ۱۶۸ ح ۱، تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۳ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/ ۵۸ ش ۱۳۰.

۲ ـ کامل‌الزیارات: ۱۴ب ۲ح ۱۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۴ ح ۳۰، موسوعة‌زیارات‌المعصومین ﷺ: ۱/ ۶۱ ش ۱۳۹.

۳ ـ کافی: ۴/ ۵۸۵ ح ۵، کامل الزیارات: ۱۵ ب ۲ ح ۲۰، مزار مفید: ۱۶۹ ح ۲، تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۴ ح ۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۴ ح ۳۱ و ۳۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/ ۶۴ ش ۱۴۶.

۴ ـ کامل‌الزیارات: ۳۳۱ب ۱۰۸ح ۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۴ح ۳۳، موسوعة‌زیارات‌المعصومین ﷺ: ۱/ ۶۶ش ۱۵۰.

آن شخص گفت که: در حیات او و شما؟

فرمود که: در حیات ما و بعد از موت ما[۱].

و در **حدیث معتبر** از عبدالله بن عبّاس منقول است که حضرت رسولﷺ فرمود که: هرکه حضرت امام حسن - صلوات الله علیه - را در بقیع زیارت کند، قدمش بر صراط ثابت باشد در روزی که قدمها از آن لغزد[۲].

و از حضرت **امام جعفر صادق**ؑ منقول است که فرمود که: هرکه مرا زیارت کند گناهانش آمرزیده شود، و پریشان نمیرد[۳].

و از حضرت **امام حسن عسکری**ؑ منقول است که: هرکه زیارت کند حضرت امام جعفر صادق و پدرش حضرت امام محمّد باقرؑ را آزار چشم نکشد، و بیماری و دردی به او نرسد، و مبتلا به بلای بدی نشود تا بمیرد[۴].

و در **حدیث معتبر** از هشام منقول است که به حضرت صادقؑ عرض نمودم که: آیا پدرت را زیارت می‌باید کرد؟ فرمود: بلی.

گفتم: چه ثواب است کسی را که او را زیارت کند؟

فرمود که: بهشت ثواب او است اگر اعتقاد به امامت او داشته باشد و متابعت او کند. و هرکه نخواهد زیارت او را و ترک کند، حسرت خواهد داشت در روز قیامت[۵].

---

۱ - تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۹ ح ۱۸، مزار مفید: ۱۷۷ ح ۱، مزار کبیر: ۳۵، مناقب ابن شهرآشوب: ۳/ ۳۶۵، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۱/ ۶۰ ش ۱۳۷ وص ۲۶۷ ش ۳۳۷.

۲ - أمالی صدوق: ۱۰۱ م ۲۴ ضمن ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۰/۱۴۱ ح ۱۴، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۱/۳۰۳ ش ۳۶۴.

۳ - مقنعه: ۴۷۴، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۸ ح ۱۵۳، روضة الواعظین: ۲۱۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۵ ح ۳۴، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۱/ ۳۶۳ ش ۴۱۰.

۴ - مقنعه: ۴۷۴، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۸ ح ۱۵۴، روضة الواعظین: ۲۱۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۵ ح ۳۵، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۱/ ۳۶۴ ش ۴۱۳.

۵ - کامل الزیارات: ۱۲۳ ب ۴۴ ح ۲، وص ۱۲۸ ب ۴۶ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۰/۱۴۵ ح ۳۶، وج ۱۰۱/ ۷۸ ح ۳۹، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۱/ ۳۴۵ ش ۴۰۱ وج ۳/ ۱۴۶ ش ۹۴۹.

فصل دوم

در بیان کیفیت زیارت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و آداب آن

بدان که غسل کردن سنّت است، و علما دو غسل را مستحبّ دانسته‌اند، یکی برای داخل شدن مدینه مشرّفه، و یکی برای زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله[1].

و آنچه از احادیث ظاهر می‌شود آن است که یک غسل سنّت است، و آن را اگر پیش از دخول مدینه واقع سازد بهتر است. و اگر در آن غسل قصد دخول مدینه، و دخول مسجد، و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه صلوات الله علیها، بلکه توبه از گناهان بکند، شاید که بهتر باشد.

و بهتر آن است که در دَرِ مسجد بایستد و ***رخصت داخل شدن*** بطلبد، و بعد از حصول رقّت با خضوع و خشوع و حضور قلب و آرام تن داخل شود ـ چنانچه در باب سابق مذکور شد[2] ـ.

و اگر دعای اذنی که علما ذکر کرده‌اند بخواند خوب است، و دعا این است:

اَللّٰهُمَّ إنِّي وَقَفْتُ عَلىٰ بابِ بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ نَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ ـ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ اَلسَّلامُ ـ وَقَدْ مَنَعْتَ اَلنّاسَ اَلدُّخُولَ إلىٰ بُيُوتِهِ إلّا بِإذْنِ نَبِيِّكَ، فَقُلْتَ: ﴿يا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتَ اَلنَّبِيِّ إلّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾[3].

---

۱ ـ نگاه کن: مصباح الزائر: ۴۴، دروس: ۲/ ۱۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۶۰ ح ۴۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۷۸ ـ ۸۰ و ص ۸۲.

۲ ـ نگاه کن: ص ۳۳.

۳ ـ احزاب: ۵۳.

اَللّٰهُمَّ وَإِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ فِي غَيْبَتِهِ كَما أَعْتَقِدُ فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رُسُلَكَ وَخُلَفاءَكَ أَحْياءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ؛ يَرَوْنَ مَكانِي فِي وَقْتِي هٰذا وَزَمانِي، وَيَسْمَعُونَ كَلامِي في وَقْتِي هٰذا، وَيَرُدُّونَ عَلَيَّ سَلامِي، وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِي كَلامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُناجاتِهِمْ.

فَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يا رَبِّ أَوَّلاً، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ ـ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ ثانِياً، وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ ٱلمَفْرُوضَ عَلَيَّ طاعَتُهُ فِي ٱلدُّخُولِ فِي ساعَتِي هٰذِهِ إِلىٰ بَيْتِهِ، وَأَسْتَأْذِنُ مَلائِكَتَكَ ٱلمُوَكَّلِينَ بِهٰذِهِ ٱلبُقْعَةِ ٱلمُبارَكَةِ ٱلمُطِيعَةِ لِلّٰهِ ٱلسّامِعَةِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّها ٱلمَلائِكَةُ ٱلمُوَكَّلُونَ بِهٰذِهِ ٱلمَشاهِدِ ٱلمُبارَكَةِ، وَرَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

بِإِذْنِ ٱللّٰهِ وَإِذْنِ رَسُولِهِ وَإِذْنِ خُلَفائِهِ وَإِذْنِكُمْ ـ صَلَواتُ ٱللّٰهِ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ ـ أَدْخُلُ هٰذَا ٱلبَيْتَ مُتَقَرِّباً إِلَى ٱللّٰهِ بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ٱلطّاهِرِينَ، فَكُونُوا مَلائِكَةَ ٱللّٰهِ أَعْوانِي وَكُونُوا أَنْصارِي حَتّىٰ أَدْخُلَ هٰذَا ٱلبَيْتَ، وَأَدْعُوَ ٱللّٰهَ بِفُنُونِ ٱلدَّعَواتِ، وَأَعْتَرِفَ لِلّٰهِ بِالعُبُودِيَّةِ، وَلِلرَّسُولِ وَلِأَبْنائِهِ ـ صَلَواتُ ٱللّٰهِ عَلَيْهِمْ ـ بِالطّاعَةِ[1].

پس بِسْمِ ٱللّٰهِ بگويد و داخل شود.

و علما گفته‌اند كه بگويد:

بِسْمِ ٱللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، وَفِي سَبِيلِ ٱللّٰهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ ٱللّٰهِ، ﴿رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَٱجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصِيراً﴾[2].[3]

و در اكثر كتب مذكور است كه: بعد از داخل شدن صد مرتبه ٱللّٰهُ أَكْبَر بگويد[4]، پس بيايد به جانب بالای سر حضرت و در پيش ستون دوم كه برابر سر مبارک حضرت است رو به قبله بايستد و زيارت كند؛ و اگر تقيّه باشد به برابر روی حضرت

---

۱ ـ مزاركبير: ۵۴ ـ ۵۶، مصباح‌الزائر: ۴۴، بحارالأنوار: ۱۰۰/ ۱۶۰ ح ۴۱، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۱/ ۸۲ ش۱۷۸.
۲ ـ اسراء: ۸۰.
۳ و ۴ ـ مزاركبير: ۵۶، مصباح‌الزّائر: ۴۵، بحارالانوار: ۱۶۱/۱۰۰ ح ۴۱، موسوعةزيارات‌المعصومين عليهم السلام: ۸۳/۱.

برود و زیارت کند، چنانچه سنّیان می‌کنند.

و در **حدیث صحیح** از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: چون خواهی داخل بشوی، پیش از داخل شدن یا بعد از آن غسل می‌کنی، و می‌روی به نزد قبر رسول ﷺ پس سلام می‌کنی بر آن حضرت، پس می‌ایستی نزد ستون پیش که از جانب راست قبر است رو به قبله، که دوش چپ به جانب قبر باشد و دوش راست به جانب منبر، که آن موضع سر رسول خدا ﷺ است، و می‌گویی:

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ ٱللّٰهِ، وَ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ ٱللّٰهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالاتِ رَبِّكَ، وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَ جاهَدْتَ في سَبِيلِ ٱللّٰهِ، وَ عَبَدْتَ ٱللّٰهَ حَتىٰ أَتاكَ ٱلْيَقِينُ، بِالحِكْمَةِ وَ ٱلْمَوْعِظَةِ ٱلحَسَنَةِ، وَ أَدَّيْتَ ٱلَّذي عَلَيْكَ مِنَ ٱلحَقِّ، وَ أَنَّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالمُؤْمِنِينَ، وَ غَلُظْتَ عَلَى ٱلكافِرِينَ، فَبَلَغَ ٱللّٰهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ ٱلْمُكَرَّمِينَ، اَلحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذي ٱسْتَنْقَذَنا بِكَ مِنَ ٱلشِّرْكِ وَ ٱلضَّلالَةِ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ صَلَواتِكَ وَصَلَواتِ مَلائِكَتِكَ ٱلْمُقَرَّبِينَ، وَ عِبادِكَ ٱلصّالِحِينَ، وَ أَنْبِيائِكَ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَ أَهْلِ ٱلسَّماواتِ وَ ٱلأَرَضِينَ، وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ يا رَبَّ ٱلعالَمِينَ مِنَ الأَوَّلِينَ وَ الآخِرِينَ، عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ، وَ رَسُولِكَ، وَ نَبِيِّكَ، وَ أَمِينِكَ، وَ نَجِيبِكَ، وَ حَبِيبِكَ، وَ صَفِيِّكَ، وَ خاصَّتِكَ، وَ صِفْوَتِكَ، وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ.

اَللّٰهُمَّ وَ أَعْطِهِ ٱلدَّرَجَةَ وَ ٱلْوَسِيلَةَ مِنَ ٱلْجَنَّةِ، وَ ٱبْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ ٱلأَوَّلُونَ وَ ٱلآخِرُونَ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا ٱللّٰهَ وَ ٱسْتَغْفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُوا ٱللّٰهَ تَوّاباً رَحِيماً﴾[1] وَ إِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تائِباً مِنْ ذُنُوبِي،

---

۱ ـ نساء: ۶۴.

وَ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ ٱلرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.

يا مُحَمَّدُ، إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَى ٱللهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ بِكَ لِيَغْفِرَ لي ذُنُوبِي.

و اگر تو را حاجتی باشد، بگردان قبر رسول صلی الله علیه و آله را پشت کتف خود و رو به قبله کن و دستها را بردار و حاجت خود را بطلب؛ به درستی که سزاوار است که برآورده شود إن شاءالله تعالی[1].

و *ابن بابویه* رحمه الله گفته است که: داخل مسجد شو از در جبرئیل[2].

مؤلّف گوید که: در جبرئیل دری است که به جانب بقیع مفتوح می‌شود، یا در دیگر در آن سمت بوده است.

و گویا مراد به گرفتن قبر در پشت کتف، آن باشد که از آن محلّ که زیارت کرده است اندکی پیشتر رود که محاذی قبر نباشد، و چون مقابل حقیقی قبر نیست باکی نیست.

و از کلام جمعی ـ موافقِ ظاهر بعضی از اخبار ـ ظاهر می‌شود که اگر محاذی قبر نیز پشت به قبر و رو به قبله کند، به قصد استظهار به آن‌حضرت و توجّه به‌جانب مقدّس الهی، خوب است.

و آنچه اوّل مذکور شد، به گمان فقیر احوط و اولی است؛ با آنکه در این زمانها به اعتبار تقیه غالباً موجب ضرر عظیم است و مشروع نیست.

و به **سند معتبر** از محمّد بن مسعود منقول است که گفت: دیدم حضرت صادق علیه السلام را که به‌نزد قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد، و دست مبارک خود را بر قبر گذاشت و فرمود:

أَسْأَلُ ٱللهَ ٱلَّذِي ٱجْتَباكَ وَ ٱخْتارَكَ، وَ هَداكَ وَ هَدىٰ بِكَ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ.

پس فرمود:

﴿إِنَّ ٱللهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ يا أَيُّها ٱلَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۵۰ ح ۱، کامل الزیارات: ۱۵ ب ۳ ح ۱، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۶۵، تهذیب الاحکام: ۶/ ۵ ح ۸، مصباح المتهجد: ۷۰۹، بحار الانوار: ۱۰۰/ ۱۵۰ ح ۱۷ و ح ۱۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۷۶ ش ۱۶۴ و ص ۸۶ ش ۱۸۱.

۲ ـ من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۶۶، بحار الانوار: ۱۰۰/ ۱۵۱ ح ۱۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۷۹ ش ۱۷۵.

وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً ﴾[1]. [2]

و به سند معتبر از ابن ابی نصر منقول است که: به خدمت حضرت امام رضا ـ صلوات الله علیه ـ عرض کردم که: چگونه سلام باید کرد بر رسول خدا ﷺ نزد قبرش؟

فرمود:

اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ اَللّٰهِ ـ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اَللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ اَللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ اَللّٰهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجاهَدْتَ في سَبِيلِ اَللّٰهِ، وَعَبَدْتَهُ حَتّىٰ أَتاكَ اَليَقِينُ، فَجَزاكَ اَللّٰهُ أَفْضَلَ ما جَزىٰ نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ إِبْراهِيمَ وَآلِ إِبْراهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ[3].

و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت امام رضا ؑ از شخصی سؤال کرد که: چه می‌گویی در سلام کردن بر حضرت رسول ﷺ؟

گفت: هرچه می‌دانیم و روایت بما رسیده است.

حضرت فرمود که: آیا تعلیم نکنم تو را چیزی که بهتر از این باشد؟

گفت: بلی. فرمود که: چون بایستی نزد قبر آن حضرت، بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اَللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اَللّٰهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِاَللّٰهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ خاتَمُ اَلنَّبِيِّينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالَةَ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجاهَدْتَ في سَبِيلِ رَبِّكَ، وَعَبَدْتَهُ حَتّىٰ أَتاكَ اَليَقِينُ، وَأَدَّيْتَ اَلَّذِي عَلَيْكَ مِنَ اَلحَقِّ.

---

۱ ـ احزاب: ۵۶.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۵۲ ح ۴، کامل الزیارات: ۱۷ ب ۳ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۵۴ ح ۲۳، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۱/ ۸۵ ش ۱۷۹.

۳ ـ کافی: ۴/۵۵۲ ح ۳، مزار مفید: ۱۷۲ ح ۱، مقنعه: ۴۸۵، تهذیب‌الاحکام: ۶/۶ ح ۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۵۵ ح ۲۵ و ۲۸، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۱/ ۹۰ ش ۱۸۴.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَجِيبِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ.

اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما سَلَّمْتَ عَلىٰ نُوحٍ فِي ٱلعالَمِينَ، وَٱمْنُنْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما مَنَنْتَ عَلىٰ مُوسىٰ وَهارُونَ، وَبارِكْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما بارَكْتَ عَلىٰ إِبْراهِيمَ وَآلِ إِبْراهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

اَللّٰهُمَّ رَبَّ ٱلبَيْتِ ٱلحَرامِ، وَرَبَّ ٱلمَسْجِدِ ٱلْحَرامِ، وَرَبَّ ٱلرُّكْنِ وَٱلمَقامِ، وَرَبَّ ٱلْبَلَدِ ٱلْحَرامِ، وَرَبَّ ٱلْحِلِّ وَٱلحَرامِ، وَرَبَّ ٱلْمَشْعَرِ ٱلْحَرامِ، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ مِنِّي ٱلسَّلامَ[1].

و در حديث معتبر منقول است كه حضرت امام زين العابدين ـ صلوات الله عليه ـ مى‌ايستادند نزد قبر حضرت رسول ﷺ و سلام مى‌كردند، و شهادت مى‌دادند از براى آن حضرت به تبليغ رسالت، و آنچه مى‌توانستند دعا مى‌كردند، پس پشت مى‌دادند به جانب قبر آن‌حضرت بر سنگ مرمر سبز نازكى كه نزديک قبر است، و پشت را به قبر مى‌چسبانيدند و رو به قبله مى‌كردند و اين دعا مى‌خواندند:

اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ أَمْرِي، وَإِلىٰ قَبْرِ مُحَمَّدٍ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ أَسْنَدْتُ ظَهْرِي، وَٱلقِبْلَةَ ٱلَّتِي رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ ٱسْتَقْبَلْتُ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ ما أَرْجُو لَها، وَلا أَدْفَعُ عَنْها شَرَّ ما أَحْذَرُ عَلَيْها، وَأَصْبَحَتِ ٱلأُمُورُ بِيَدِكَ، وَلا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي، ﴿إِنِّي لِما أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾[2].

---

۱ ـ كامل الزيارات: ۱۷ ب ۳ ح ۵. بحار الانوار: ۱۵۴/۱۰۰ ح ۲۴. موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۸۸/۱ ش ۱۸۳.

۲ ـ قصص: ۲۴.

اَللّٰهُمَّ أَرِدْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ، ولا رادَّ لِفَضْلِكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اَسْمِي، أَو أَنْ تُغَيِّرَ جِسْمِي، أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي.

اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّي بِالتَّقْوىٰ، وَجَمِّلْنِي بِالنِّعَمِ، وَاَعْمُرْنِي بِالْعافِيَةِ، وَاَرْزُقْنِي شُكْرَ اَلعافِيَةِ.[1]

و در اکثر کتب زیارات مذکور است که بعد از این دعا یازده مرتبه سوره «إنّا أنزلناه فی لیلة القدر» بخوانند[2].

و در بعضی از کتب معتبره، قبل از این دعا ذکر کرده‌اند؛ و گفته‌اند که بعد از این برود به نزد ستونی که نزدیک منبر است و مقام حضرت رسول است، و دو رکعت یا چهار رکعت نماز زیارت بکند. و بعضی شش رکعت و هشت رکعت ذکر کرده‌اند، و از روایتی که در باب سابق مذکور شد[3] مفهوم می‌شود.

و بعضی ذکر کرده‌اند که در نماز زیارت در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ «یٰس» بخواند و در رکعت دوم سورهٔ «الرَّحمٰن»؛ و در باب اوّل گذشت[4].

و در **فقه رضوی** ـ صلوات الله علیه ـ مذکور است که: در زیارت حضرت رسول ﷺ در بالای سر آن‌حضرت بایست رو به قبله و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا اَلنَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اَللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا اَلقاسِمِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ اَلْأَوَّلِينَ وَاَلآخِرِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا زَيْنَ اَلْقِيامَةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا شَفِيعَ اَلْقِيامَةِ.

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اَللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، بَلَّغْتَ اَلرِّسالَةَ، وَأَدَّيْتَ اَلْأَمانَةَ، وَنَصَحْتَ أُمَّتَكَ، وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ حَتّىٰ أَتاكَ اَلْيَقِينُ.

صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ، طِبْتَ حَيّاً وَطِبْتَ مَيِّتاً.

---

۱ ـ کافی: ۵۵۱/۴ ح ۲، بحارالانوار: ۱۵۳/۱۰۰ ح ۲۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/ ۱۶۳ ش ۲۲۲.

۲ ـ مصباح الزائر: ۴۸، مزار کبیر: ۷۳، بحار الانوار: ۱۷۱/۱۰۰ ح ۴۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱۰۰/۱ ش ۱۸۸.

۳ و ۴ ـ نگاه کن: ص ۴۰.

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَخِيكَ وَوَصِيِّكَ وَابْنِ عَمِّكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. وَعَلَى ابْنَتِكَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ، وَعَلىٰ وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ أَفْضَلُ السَّلامِ، وَأَطْيَبُ التَّحِيَّةِ، وَأَطْهَرُ الصَّلاةِ؛ وَعَلَيْنا مِنْكُمُ السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

و دعا می‌کنی از برای خود، و بسیار دعاکن از برای پدر و مادر خود و سایر مؤمنان[1].

و در **حدیث موثّق** منقول است که ابن فضّال به حضرت امام رضا عليه السلام عرض نمود که: دیدم شما را که سلام می‌کردید بر حضرت رسول صلى الله عليه وآله در غیر آن موضعی که ما سلام می‌کنیم، رو بروی قبر؟! حضرت فرمود که: تو سلام کن در آن موضعی که دیگران سلام می‌کنند[2].

پس از این حدیث ظاهر شد که زیارت را در بالای سر باید کرد، و در وقت تقیّه رو بروی قبر خوب است.

و به **سند موثّق** دیگر از ابن فضّال مروی است که گفت: دیدم حضرت امام رضا ـ صلوات الله علیه ـ را که می‌خواست وداع کند حضرت رسول صلى الله عليه وآله را برای رفتن به عمره، پس آمد به بالای سر حضرت رسول صلى الله عليه وآله بعد از نماز شام و سلام کرد بر آن حضرت و خود را به قبر چسبانید، پس ایستاد پهلوی قبر و دوش چپ خود را به قبر چسبانید، نزدیک به‌ستونی که برابر ستونی است که نزد سر رسول خدا است، پس شش رکعت نماز یا هشت رکعت نماز گزارد با نعلین که در پا داشت، و رکوع و سجودش بقدر سه تسبیح بود یا بیشتر، پس چون از نماز فارغ شد سجده‌ای طولانی کرد که از عرق مبارکش سنگ‌ریزهٔ مسجد تر شد[3].

و در روایت دیگر وارد است که: دو طرف روی مبارک خود را بر زمین چسبانید[4].

و به **سند صحیح** از حضرت صادق عليه السلام منقول است که: نماز کنید به‌جانب قبر پیغمبر صلى الله عليه وآله، هرچند نماز مؤمنان می‌رسد به آن حضرت هرجا که باشند[5].

---

۱ ـ بحارالانوار: ۹۹/ ۳۳۴، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۱/ ۱۲۸ ش ۱۹۲.

۲ ـ قرب‌الاسناد: ۳۹ ح ۱۳۶۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۹ ح ۱۳، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۱/ ۷۷ ش ۱۶۹.

۳ و ۴ ـ کامل الزیارات: ۲۷ ب ۷ ح ۳، عیون أخبار الرضا: ۲/ ۱۶ ح ۴۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۹، وص ۱۵۷ ح ۳۵، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۱/ ۱۶۶ ش ۲۲۶.

۵ ـ کافی: ۴/ ۵۵۳ ح ۷، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷ ح ۱۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۵۶ ح ۳۰ وص ۱۸۲ ح ۸، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۱/ ۴۰ ش ۸۵.

و احتمال دارد که مراد این باشد که صلوات فرستید بر آن‌حضرت نزد قبر، هرچند صلواتِ مؤمنان هرجاکه بفرستند به آن حضرت می‌رسد.

و در **حدیث صحیح** از ابن ابی نصر منقول است که از حضرت امام رضا علیه السلام پرسید که: چگونه سلام باید کرد بر حضرت رسول خدا ﷺ نزد قبرش؟

فرمود که: می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلیٰ رَسُولِ اَللهِ ـ صَلَّی اَللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ اَللهِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اَللهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اَللهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجاهَدْتَ في سَبِيلِ اَللهِ[1]، وَعَبَدْتَهُ حَتّیٰ أَتاكَ اَليَقِينُ؛ فَجَزاكَ اَللهُ أَفْضَلَ ما جَزیٰ نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلیٰ إبْراهِيمَ وَآلِ إبْراهِيمَ، إنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ[2].

---

۱ ـ «سبیل ربّك» خ ل.

۲ ـ کامل الزیارات: ۲۰ ب ۳ ح ۱۰، بحارالانوار: ۱۰۰/۱۵۵ ح ۲۸.

فصل سوم

در بیان فضیلت مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و اعمالی که مستحبّ است که در آن مسجد بعمل آورند

به سندهای معتبر از معاویة بن عمّار منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که: چون از دعای نزد قبر فارغ شوی برو و دست بر آن بمال، و دو قبّه پایین منبر را بگیر و چشمها و روی خود را بر آنها بمال ـ که می‌گویند که باعث شفای چشم می‌شود ـ، و بایست نزد منبر و حمد و ثنای الهی بجا آور، و حاجت خود را بطلب؛ به درستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که: میان منبر و خانه من باغی است از باغهای بهشت، و منبر من بر دری است از درهای بهشت، و ستونهای منبر در بهشت تربیت یافته است ـ یا نصب شده است ـ.

پس برو به نزد ستونی که مقام حضرت رسول است و هرچه خواهی نماز بکن، و هر وقت که به مسجد آیی و بیرون روی این اعمال را بجا بیاور، و صلوات بر پیغمبر و آل او علیهم السلام در مسجد بسیار بفرست[1].

و به سند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که: میان خانه و منبر من باغی است از باغهای بهشت.

سائل از حضرت صادق علیه السلام پرسید که: امروز باغ است؟

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۵۳ ح ۱، کامل الزیارات: ۱۶ ب ۳ ح ۲، تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۷ ح ۱۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۵۱ ح ۱۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۳۹ ش ۸۴ وص ۱۶۵ ش ۲۲۳.

فرمود که: بلی، اگر پرده گشوده شود هرآینه خواهید دید[۱].

مؤلّف گوید که: وصف این موضع شریف به باغ بهشت یا از جهت این است که اعمال صالحه در این موضع سبب دخول بهشت است، یا از جهت این است که این موضع چون در عصر حضرت رسالت پناهﷺ منبت اشجار رائقهٔ حقایق و مواعظ بوده است، که هریک مُثمر انواع ریاحین و ثمار طاعات و عبادات است به این سبب آن را تشبیه به ریاض بهشت فرموده‌اند. و آنچه حضرت صادق ؑ فرمود، گویا مراد این است که اگر پرده غفلت و حُجُب حبّ شهوات دنیا از پیش دیده دل برخیزد، هرآینه معلوم خواهد شد که باغستانهای معنوی مرغوبتر از جنّات صُوری است، و درختهای حقایق و معارف و میوه‌های طاعات و عبادات، برای تقویت عقل و روح اقوی و انفع و خوش‌آیندترند از اشجار و ثمار ظاهره که مورث تقویت و تفریح قوای جسمانی می‌گردند.

و محتمل است که محمول بر ظاهر باشد که در زیر این موضع باغی از باغهای بهشت بوده باشد، یا آنکه در قیامت این محلّ شریف را به بهشت برند و وسعت دهند و بهترین باغستانهای بهشت گردانند.

و **حدّ روضه** در طول، از قبر مقدّس حضرت رسولﷺ است تا منبر. و در عرض، از منبر است تا چهار ستون که بشماری از مسجد.

چنانچه در **حدیث معتبر** از حضرت صادقؑ پرسیدند که حدّ روضه چیست؟

فرمود که: چهار ستون می‌شماری از منبر به سوی آنچه سقف دارد از مسجد.

پرسید که: از صحن مسجد چیزی در روضه داخل است؟ فرمود که نه[۲].

و در **حدیث صحیح** منقول است که ابو بصیر از آن حضرت پرسید از حدّ روضه.

فرمود که: تا آنجا است که سقف دارد از مسجد. و حدّ مسجد تا دو ستون است که از جانب راست منبر منتهی می‌شود به راه از جانب سوق اللیل[۳].

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۵۴ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۶ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۱/ ۳۶ ش۷۵.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۵۴ ذیل ح۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۶ ذیل ح ۲، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۱/ ۳۶ ش ۷۶.

۳ ـ کافی: ۴/ ۵۵۵ ح ۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۶ ح ۳.

مؤلّف گوید که: گویا در این زمان سقف مسجد را زیاد کرده‌اند، پس منافات با حدیث سابق ندارد.

و در **حدیث صحیح** معتبر دیگر از آن‌حضرت منقول است که حضرت رسولﷺ فرمود که: میان منبر و خانه‌های من روضه‌ای است از روضه‌های بهشت، و منبر من بر تُرعه‌ای است از ترعه‌های بهشت. و یک نماز در مسجد من، برابراست با هزار نماز در مسجدهای دیگر به غیر از مسجد الحرام.

راوی از حضرت صادقؑ پرسید که: خانه‌های پیغمبرﷺ و خانهٔ امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ در این داخل است؟ فرمود که: بلی، و افضل و بهتر است[1].

مؤلّف گوید که: تُرعه دَرِ کوچک، و به معنی پایه و به معنی باغ آمده است؛ و همه مناسب است.

و در **احادیث معتبره** منقول است که: نماز در مسجد رسولﷺ برابر است با ده هزار نماز[2].

و به **سند حسن** بلکه صحیح از حضرت صادقؑ منقول است که: چون داخل مسجد مدینه شوی اگر توانی سه روز در مدینه اقامت نما، روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه، و این سه روز را روزه بدار، پس روز چهارشنبه نماز کن در میان قبر و منبر نزد ستونی که در پهلوی قبر است، پس خدا را بخوان نزد آن ستون، و هر حاجت دنیا و آخرت که خواهی از خدا سؤال کن، و روز دوم نزد ستون توبه که ستون ابي لبابه می‌گویند، و روز جمعه نزد مقام نبیّﷺ مقابل آن ستونی که خَلوق[3] بسیار بر آن می‌پاشند، پس خدا را بخوان نزد آن ستون برای هر حاجتی[4].

و در **حدیث صحیح** دیگر از آن‌حضرت منقول است که: روزه بدار روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را، و شب و روز چهار شنبه نزد ستونی که نزدیک سر

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۵۶ ح ۱۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۶ ح ۴، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۱/ ۳۶ ش ۷۴.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۵۶ ح ۱۲، کامل الزیارات: ۲۱ ب ۴ ح ۳، بحارالانوار: ۹۹/ ۳۸۲ ح ۱۳.

۳ ـ عطری که از زعفران و چیزهای معطر دیگر گرفته می‌شود. نگاه کن: نهایه ابن اثیر: ۲/ ۷۱.

۴ ـ کافی: ۴/ ۵۵۸ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۷ ح ۶، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۱/ ۴۳ ش ۹۴.

حضرت رسول ﷺ است نماز کن، و شب و روز پنجشنبه نزد ستون ابی لبابه نماز کن، و شب و روز جمعه نزد ستونی که در پهلوی مقام پیغمبر ﷺ است نماز کن، و این دعا را برای حاجت خود بخوان:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ، وَ جَمِيْعِ مـا أحـاطَ بِـهِ عِـلْمُكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي ـ كذا و كذا ـ.

و حاجات خود را بطلبد[۱].

و در حدیث صحیح دیگر فرمود که: برو به نزد مقام جبرئیل ـ و آن در زیر ناودان است، و آن مقامی است که چون جبرئیل به سوی حضرت رسول ﷺ نازل می‌شد، آنجا می‌ایستاد و رخصت می‌طلبید و بعد از رخصت داخل می‌شد ـ، و بگو:

أَيْ جَوادُ، أَيْ كَرِيمُ، أَيْ قَرِيبُ، أَيْ بَعِيدُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْـلِ بَيْتِهِ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ.

پس فرمود که: هر زنی که خون استحاضه‌اش منقطع نشود، اگر رو به قبله کند و این دعا بخواند، البته استحاضه‌اش برطرف می‌شود[۲].

و *ابن بابویه* ـ علیه الرّحمه ـ در من لایحضر این دعا را به این نحو ذکر کرده است:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، أَوْ تَسَمَّيْتَ بِهِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ هُوَ مَأْثُورٌ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ؛ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، وَبِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلىٰ مُوسىٰ، وَبِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلىٰ عِيسىٰ، وَبِكُلِّ حَـرْفٍ أَنْـزَلْتَهُ عَـلىٰ مُـحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلىٰ أَنْبِياءِ اللّٰهِ، إِلّا فَعَلْتَ بِي ـ كذا وكذا ـ .

و حاجات خود را می‌طلبد.

و اگر زن مستحاضه خواند، بجای «إلّا فعلتَ» می‌گوید: **إِلّا أَذْهَبْتَ عَنِّي هٰذَا الدَّمَ**[۳].

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۵۸ ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۷ ح ۷، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/ ۴۴ ش ۹۶.

۲ ـ کافی: ۴/۵۵۸ ح ۱، تهذیب‌الاحکام: ۶/۸ ح ۱۷، بحار الانوار: ۱۰۰/۱۴۷ ح ۸، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/۴۵ ش ۹۷.

۳ ـ من لا یحضره الفقیه: ۲/۵۶۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۴۷ ح ۹.

و در **حدیث دیگر** منقول است که از حضرت صادقؑ سؤال نمودند که: کجاست مقام جبرئیل؟

فرمود که: در زیر ناودانی است که هرگاه بیرون می‌روی از دری که آن را درِ فاطمه می‌گویند، هرگاه محاذی در بایستی که ناودان در بالای سرت باشد و در از پشت سرت.

اگر توانی که دو رکعت نماز در آنجا بکنی بکن، که هیچ کس در آنجا دعا نمی‌کند مگر آنکه دعایش مستجاب می‌شود[1].

و در **حدیث معتبر** دیگر از حضرت صادقؑ منقول است که: روزه گرفتن در مدینه و نماز کردن نزد ستونها واجب نیست، ولیکن هر که خواهد روزه بدارد، که بهتر است از برای او.

و بسیار بکنید نماز در این مسجد تا توانید، که بهتر است از برای شما.

و بدانید که آدمی گاه هست زیرك می‌باشد در کار دنیا، مردم او را مدح می‌کنند که چه بسیار زیرک است فلانی؛ پس چون باشد کسی که در باب آخرت زیرک باشد[2].

و در **حدیث صحیح** از آن‌حضرت منقول است که: اگر اقامت در مدینه تو را میسّر شود سه روز روزه می‌داری، و شب چهارشنبه نماز می‌کنی نزد ستون ابی لبابه ـ که خود را بر آن ستون بست تا توبه او از آسمان نازل شد ـ، و روز چهار شنبه نزد آن ستون می‌نشینی، پس می‌روی شب پنجشنبه نزد ستونی که بعد از اوست و پهلوی مقام رسولﷺ است، پس می‌نشینی نزد آن ستون در آن شب و آن روز، و روزه می‌داری در روز پنجشنبه، پس می‌روی به نزد ستونی که متصل به مقام پیغمبرﷺ است در شب جمعه و در آن‌شب و روز در آنجا نماز می‌گزاری، و روز جمعه را روزه می‌داری، و اگر توانی در این سه روزسخن مگو مگر به قدر ضرورت، و از مسجد بیرون مرو مگر از برای حاجتی، و در شب و روز خواب مکن، به درستی که

---

۱ ـ مزار کبیر: ۸۳، مصباح الزائر: ۵۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۸۰ ح ۴۵، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۱/ ۱۰۵.

۲ ـ تهذیب‌الاحکام: ۱۹/۶ ح ۴۳، بحارالانوار: ۱۴۸/۱۰۰ ح ۱۱، موسوعة‌زیارات‌المعصومینؑ: ۱/ ۴۰ ش ۸۶.

این عمل فضیلت عظیم دارد، پس در روز جمعه حمد و ثنای الهی بجا آور و صلوات بر رسول خدا و آلش ﷺ بفرست و حاجت خود را سؤال کن. و باید که این دعا بخوانی:

اَللّٰهُمَّ ما کانَتْ لي إِلَيْكَ مِنْ حاجَةٍ، شَرَعْتُ أنا في طَلَبِها وَ اَلْتِماسِها أوْ لَمْ أشْرَعْ، سَأَلْتُکَها أوْ لَمْ أسْأَلْکَها، فَإِنّي أتَوَجَّهُ إلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ـ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ـ نَبِيِّ اَلرَّحْمَةِ في قَضاءِ حَوائِجي، صَغِيرِها وَ كَبِيرِها.

اگر چنین کنی، سزاوار است که حاجتت برآورده شود[1].

و در کتاب **فقه رضوی**ؑ مذکور است که: چون از زیارت حضرت رسول ﷺ فارغ شوی نماز می‌کنی نزد ستون توبه، و نزد حنّانه، و در روضه، و نزد منبر، و تا توانی نماز بسیار در این مواضع بکن، و برو به نزد مقام جبرئیلؑ ـ و آن نزد ناودان است هرگاه بیرون روی از دری که آن را درگاه فاطمهؑ می‌گویند، و آن دری است که در برابر بازار بقیع است ـ پس در آنجا دو رکعت نماز بکن، و بگو:

يا جَوادُ يا كَرِيمُ، يا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ، أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اَللّٰهُ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ، أَنْ تَعْصِمَنِي مِنَ اَلْمَهالِكِ، وَأَنْ تُسَلِّمَنِي مِنْ آفاتِ اَلدُّنْيا وَاَلآخِرَةِ، وَوَعْثاءِ اَلسَّفَرِ، وَسُوءِ اَلْمُنْقَلَبِ؛ وَأَنْ تَرُدَّنِي سالِماً إِلىٰ وَطَنِي بَعْدَ حَجٍّ مَقْبُوْلٍ، وَسَعْيٍ مَشْكُورٍ، وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ، وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ اَلْعَهْدِ مِنِّي مِنْ حَرَمِكَ وَحَرَمِ نَبِيِّكَ ـ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ[2].

---

۱ ـ تهذیب‌الاحکام: ۶/۱۶ح۱۵، بحارالانوار: ۱۰۰/۱۵۷ ح۲۳، موسوعة زیارات‌المعصومینؑ: ۱/ ۴۵ ش۹۸.

۲ ـ بحارالانوار: ۹۹/ ۳۳۴ ـ ۳۳۵، وج ۱۰۰/ ۱۵۹، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۱/ ۱۲۹.

فصل چهارم

در وداع حضرت رسول صلی الله علیه و آله

در **احادیث صحیحه** و معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: چون خواهی که از مدینه بیرون آیی، غسل بکن و برو به نزد قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از آنکه از کارهای خود فارغ شده باشی، و بعمل آور آنچه پیشتر می‌کردی نزد داخل شدن مسجد، و بگو:

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ اَلْعَهْدِ مِنْ زِيارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ؛ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذٰلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ في مَماتِي عَلىٰ ما شَهِدْتُ عَلَيْهِ في حَياتِي أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ[1].

و به **سند موثّق** از آن حضرت منقول است که: در زیارت وداع می‌گویی:

صَلَّى اَللهُ عَلَيْكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ، لا جَعَلَهُ اَللهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ[2].

و *ابن بابویه* ـ رضی الله عنه ـ گفته است که چون خواهی که بیرون آیی از مدینه، برو به بالای سر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلام کن بر آن‌حضرت، پس برو به‌نزد منبر و صلوات بر آن حضرت و آلش بسیار بفرست و دعا از برای دین و دنیای خود آنچه

---

۱ ـ کافی: ۵۶۳/۴ ح ۱، کامل الزیارات: ۲۶ ب ۷ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۱ ح ۲۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۵۸ ح ۳۶ و ۳۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۲۴۷ ش ۳۱۶.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۶۳ ح ۲، کامل الزیارات: ۲۶ ب ۷ ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۵۷ ح ۳۳ و ۳۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۲۴۸ ش ۳۱۷.

خواهی بکن، پس برگرد به سوی قبر و بچسبان دوش چپ خود را به قبر، نزدیک به ستونی که بعد از ستونی است که خلوق بر آن می‌پاشند نزد سر پیغمبرﷺ، و شش رکعت یا هشت رکعت نماز بکن، و در هر رکعت حمد و سوره بخوان، و در هر دو رکعت قنوت بخوان، پس چون فارغ شوی رو به قبر بکن و وداع کن و بگو:

صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ، لا جَعَلَهُ ٱللهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ. اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ ٱلْعَهْدِ ـ تا آخر آنچه مذکور شد در روایت اوّل[1] ـ.

و در **فقه رضوی**ﷺ مذکور است که: چون خواهی که از مدینه بیرون آیی، وداع کن قبر آن‌حضرت را و بکن آنچه پیشتر می‌کردی، پس بگو:

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ ٱلْعَهْدِ مِنِّي مِنْ زِيارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَحَرَمِهِ، فَإِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللهُ فِي حَياتِي إِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذٰلِكَ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ.

و وداع مکن قبر را مگر با غسل؛ و اگر غسل ممکن نباشد وضو بساز[2]. تمام شد عبارت فقه رضوی.

و بدان که **تصدّق کردن** در مدینه ـ خصوصاً در مسجد ـ فضیلت عظیم دارد، به درستی که در روایت معتبر وارد شده است که: درهمی که در آنجا تصدّق کنند، برابر است با ده هزار درهم که در جاهای دیگر تصدّق کنند[3].

و زیارت حضرت رسول ﷺ در اوقات شریفه و ایّام متبرّک که ثوابش مضاعف است، خصوصاً ایّامی که وقایعی چند در آنها واقع شده است که اختصاصی به آن حضرت دارد، مثل:

روز ولادت آن حضرت، که موافق مشهور میان شیعه و احادیث معتبره روز

---

۱ ـ من لا یحضره الفقیه: ۵۷۵/۲، بحارالانوار: ۱۵۸/۱۰۰ ح۳۸، موسوعة زیارات المعصومینﷺ: ۲۵۰/۱ ش ۳۲۱.

۲ ـ بحارالانوار: ۹۹/ ۳۳۶ وج ۱۰۰/ ۱۶۰، موسوعة زیارات المعصومینﷺ: ۱/ ۲۴۹ ش ۳۲۰.

۳ ـ کافی: ۴/ ۵۸۶ ضمن ح ۱، کامل الزیارات: ۲۹ ب۸ ضمن ح۸، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۱ ذیل ح۵۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۰۰ ضمن ح ۵۱، موسوعة زیارات المعصومینﷺ: ۱/ ۲۲ ش۴۳.

هفدهم ماه ربیع الاوّل است، و بعضی دوازدهم نیز گفته‌اند؛ و اوّل اقوی است.

و روز وفات آن‌حضرت، که مشهور آن است که روز بیست و هشتم ماه صفر است.

و روز مبعث آن‌حضرت، که بیست و هفتم ماه رجب است.

و روز فتح بدر، که هفدهم ماه رمضان است.

و روز فتح مکّه، که بیستم ماه رمضان است.

و روز جنگ اُحد، که هفدهم شوّال است.

و روز فتح خیبر، که بیست و چهارم ماه رجب است.

و ایّام سایر فتوحات آن‌حضرت، چنانچه در کتاب احوال آن‌حضرت بیان کرده‌ایم.

و روز مباهله، که بیست و چهارم ماه ذی الحجّة است، و بعضی بیست و پنجم گفته‌اند.

و شب هجرت آن‌حضرت از مکّه به مدینه، که شب اوّل ماه ربیع‌الاوّل است.

و روزی که داخل مدینه شد آن‌حضرت، که دوازدهم ماه ربیع‌الاوّل است.

و روزی که از شعب ابی طالب بیرون آمدند، که آن پانزدهم ماه رجب است.

و شبی که آمنه ـ رضي الله عنها ـ به آن حضرت حامله شد، که نوزدهم جمادی الآخره است.

و شب معراج، که شب بیست و یکم ماه رمضان است. و بعضی گفته‌اند که نهم ماه ذی الحجة است، و بعضی گفته‌اند که هفدهم ماه ربیع الاوّل است.

و روزی که حضرت خدیجه را به عقد خود درآورد، که دهم ماه ربیع الاوّل است. و همچنین زیارت حضرت خدیجه که قبر شریفش در مکّهٔ معظّمه است، در این روز و سایر روزها که اختصاص به آن حضرت دارد انسب و اولیٰ است[1].

و آنچه ذکر کردیم موافق اقوال مشهوره است. و در بعضی از آنهااقوال دیگر هست، چنانچه در عرض کتاب بحار الانوار اشاره به آنها کرده‌ام.

---

۱ ـ بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۶۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۷۰ ش۱۵۸.

فصل پنجم

در بیان فضیلت زیارت آن حضرت در شهرهای دیگر غیر مدینه طیّبه و کیفیّت آن

از **رسول خدا** صلی الله علیه و آله منقول است که: خدا را ملکی چند هست که می‌گردند در زمین و هرکه از امّت من بر من سلام می‌فرستد به من می‌رسانند[1].

و **به سند معتبر** از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: ملکی از ملائکه از خدا سؤال نمود که هرچه بندگان خدا گویند او بشنود، و حق تعالی به او عطا کرد؛ پس آن ملک ایستاده است تا روز قیامت و هرکه از مؤمنان بگوید: **صَلَّى ٱللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ**، البته آن ملک می‌گوید: **وَعَلَيْكَ** ـ یعنی بر تو باد نیز سلام ـ.

پس آن ملک می‌گوید: یا رسول الله، فلان شخص سلام رسانیده است بر شما. پس حضرت می‌فرماید: و علیه السّلام[2] ـ یعنی بر او باد نیز سلام ـ.

و **به سند معتبر** از حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که: هرکه در هر جای زمین بر من سلام کند به من می‌رسانند و هرکه نزد قبر من بر من سلام کند من می‌شنوم[3].

و در **حدیث حسن** از حضرمی منقول است که: حضرت صادق علیه السلام مرا امر فرمود

---

۱ ـ امالی صدوق: ۲۵۷ م۵۱ ح ۱۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۸۱ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۵۷ ش ۱۲۷.

۲ ـ امالی طوسی: ۲/ ۲۹۰، عدّة الداعي: ۱۶۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۸۱ ح ۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۶۱ ش ۱۳۸ و ص ۱۵۷ ش ۲۱۶.

۳ ـ امالی طوسی: ۱/ ۱۶۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۸۲ ح ۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۵۶ ش ۱۲۴.

که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار نماز کنم تا توانم، و فرمود که همیشه تو را میسّر نمی‌شود که به این مکان شریف بیایی. و فرمود که به نزد قبر رسول صلی الله علیه و آله می‌روی؟ گفتم: بلی.

فرمود که: به درستی که سلامی که از نزدیک می‌کنی آن‌حضرت می‌شنود، و اگر دور باشی سلامت به آن حضرت می‌رسد[1].

و در **حدیث معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: بروید به مدینه و سلام کنید بر رسول خدا صلی الله علیه و آله، هرچند صلوات مؤمنان در هرجا که بفرستند به آن حضرت می‌رسد[2].

و در **حدیث صحیح** از آن حضرت منقول است که: صلوات فرستید بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله در پهلوی قبر آن‌حضرت، هرچند صلوات مؤمنان هرجا که باشند به آن حضرت می‌رسد[3].

و این حدیث احتمالِ نماز هدیّه دارد، که در نزدیک و دور نماز کنند و ثوابش را هدیهٔ روح مقدّس آن حضرت کنند.

و احادیث صلوات و سلام برآن‌حضرت، و زیارت آن‌حضرت در شهرهای دور، بسیار است.

و به **سند صحیح** منقول است که ابن ابی‌نصر به خدمت حضرت امام رضا ـ صلوات الله علیه ـ عرض کرد که: بعد از نماز چگونه صلوات و سلام بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله باید فرستاد؟

فرمود که: می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بنَ عَبْدِاللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَمِينَ اللهِ.

---

۱ ـ کامل‌الزیارات: ۱۲ب۲ح۵، بحارالانوار: ۱۰۰/۱۸۲ ح۵، موسوعةزیارات‌المعصومین علیهم السلام: ۱/۶۲ش۱۴۲.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۵۲ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۸۲ح ۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۶۴ش۱۴۴.

۳ ـ کافی: ۴/ ۵۵۳ح ۷، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۸۲ح ۸ و۹، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷ح ۱۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۴۰ ش۸۵.

أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجاهَدْتَ في سَبيلِ رَبِّكَ، وَعَبَدْتَهُ حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقينُ؛ فَجَزاكَ اللهُ يا رَسُولَ اللهِ أَفْضَلَ ما جَزىٰ نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ[1] عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ إِبْراهيمَ وَآلِ إِبْراهيمَ، إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ[2].

و در روایت معتبر از حضرت صادق ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول و قبر امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین را، و قبرهای حجّتهای خدا را صلوات الله علیهم اجمعین ـ و او در شهر خود باشد ـ پس غسل کند درروز جمعه، و دو جامهٔ پاکیزه بپوشد و بیرون رود به صحرایی پس چهار رکعت نماز بگزارد با هر سوره‌ای که میسّر شود، پس بایستد رو به قبله و بگوید:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ، وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضىٰ، وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْراءُ، وَالسِّبْطانِ الْمُنْتَجَبانِ، وَالْأَوْلادُ الْأَعْلامُ، وَالْأُمَناءُ الْمُنْتَجَبُونَ.

جِئْتُ انْقِطاعاً إِلَيْكُمْ وَإِلىٰ آبائِكُمْ وَوَلَدِكُمُ الْخَلَفِ عَلىٰ بَرَكَةِ الْحَقِّ، فَقَلْبي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَنُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّىٰ يَحْكُمَ اللهُ لِدينِهِ؛ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ، لا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنّي لَمِنَ الْقائِلينَ بِفَضْلِكُمْ، مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ، لا أُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً، وَلا أَزْعُمُ إِلّا ما شاءَ اللهُ.

سُبْحانَ اللهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، يُسَبِّحُ اللهَ بِأَسْمائِهِ جَميعُ خَلْقِهِ، وَالسَّلامُ عَلىٰ أَرْواحِكُمْ وَأَجْسادِكُمْ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

و در روایت دیگر وارد است که این زیارت را در بام خانه خود بکن[3].

---

۱ ـ «فَصلّ» خ ل.

۲ ـ قرب الإسناد: ۳۸۲ ح ۱۳۴۴، بحارالانوار: ۲۴/۸۶ ح ۲۵، وج ۱۰۰/۱۸۱ ح ۳، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۱/ ۱۳۴ ش ۱۹۷.

۳ ـ مصباح المتهجّد: ۲۸۸، مصباح الزائر: ۵۰۱، جمال الأسبوع: ۲۳۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۸۹ ح ۱۲، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۵/۱۲۸ ش ۱۶۷۱.

و در حدیث معتبر دیگر از مبشّر بن عبد العزیز منقول است که گفت: نزد حضرت صادق صلوات الله علیه بودم، شخصی آمد و گفت: فدای تو شوم من پریشانم.

حضرت فرمود که: روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بدار، پس چون چاشت روز جمعه شود زیارت کن رسول خدا ﷺ را از بالای بام خانه ات، یا در بیابانی از زمین در جایی که نبیند تو را کسی، پس در آن مکان دو رکعت نماز بگزار، پس به دو زانو درا و زانوهای خود را به خاک برسان در حالتی که رو به قبله کرده باشی، و دست راست خود را بالای دست چپ گذاشته باشی، و بگو:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ، اِنْقَطَعَ اَلرَّجاءُ إلّا مِنْكَ، وَخابَتِ اَلْآمالُ إلّا فِيكَ، يا ثِقَةَ مَنْ لا ثِقَةَ لَهُ، لا ثِقَةَ لِي غَيْرُكَ، اِجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً، وَ اَرْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ، وَمِنْ حَيْثُ لا أَحْتَسِبُ.

پس سجده رو به‌روی زمین و بگو:

يا مُغِيثُ، اِجْعَلْ لِي رِزْقاً مِنْ فَضْلِكَ.

اگر چنین کنی، طالع نمی‌شود بر تو روز شنبه مگر با روزی تازه.

و یکی از راویان این حدیث گوید که: من گفتم به محمد بن عثمان عَمْری ـ که یکی از نایبان حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه است ـ که: هرگاه کسی که دعای روزی کند که در مدینه نباشد چه کند؟

گفت که: حضرت رسول ﷺ را زیارت کند در بالای سر امامی که قبرش در آن شهر باشد.

پرسید که: اگر در آن شهر قبر امامی نباشد؟

فرمود که: نزد قبر یکی از صالحان برود، و یا بیرون رود به صحرائی و به جانب دست راست آن صحرا پاره‌ای راه برود و آنچه مذکور شد بکند، که حاجتش برآورده

است ان شاء الله تعالی[1].

مؤلف گوید که: سؤال راوی بعد از آنچه در اصل حدیث مذکور شده است خالی از غرابتی نیست، و جواب محمد بن عثمان نیز فی الجمله تنافی با اصل حدیث دارد؛ و چون از معتمدین و نُوّاب حضرت صاحب ﷺ بوده و از پیش خود حرفی هرگز نمی‌گفته‌اند، اگر به گفته او عمل نمایند خوب است.

و **بدان که** از اخبار سابقه معلوم شد که بهتر آن است که اگر آن حضرت را از دور خواهند که زیارت کنند، به صحرائی یا بامی بروند ـ و بهتر آن است که بلندترین بامهای خانه باشد ـ و زیارت کنند.

و اگر هرکجا که باشند زیارت کنند بی آنکه بر بامی یا صحرائی روند، بعمومات اکثر اخبار ـ خصوصاً زیارت بعد از نماز ـ بد نخواهد بود.

و کیفیت نماز زیارت بعید و عددش در باب سابق مذکور شد[2]. و علما ذکر کرده‌اند که مخیّر است میان دو رکعت و چهار رکعت.

---

۱ ـ مصباح المتهجّد: ۳۲۹، بحار الانوار: ۱۸۹/۱۰۰ ح ۱۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱۴۰/۱ ش ۲۰۴ و ص ۱۵۹ ش ۲۱۸.

۲ ـ نگاه کن: ص ۶۹ و ۷۰.

فصل ششم

در بیان **کیفیّت زیارت حضرت فاطمه** صلوات الله علیها

بدان که چون حضرت فاطمه صلوات الله علیها وصیّت نمود که آن دو ملعون که باعث شهادت او شدند، و اعوان ایشان، بر او نماز نگزارنـد، آن حـضرت را در شب مخفی دفن کردند؛ و به این سبب محل قبر شریف آن حضرت مختلفٌ فیه است میان علمای خاصّه و عامّه.

و مشهور میان علمای خاصّه و عامّه و ظاهر اکثر احادیث معتبره آن است که آن حضرت در خانه خود مدفون گردیده است[1]، که متّصل به حجره حضرت رسول ﷺ است؛ و اکنون ضریحی نیز برای آن حضرت ساخته‌اند.

و بعضی گفته‌اند که: در روضه مدفون است، که میان قبر و منبر باشد[2].

و بعضی گفته‌اند که: در بقیع نزدیک به قبر ائمه بقیع مدفون است[3].

و احوط آن است که در هر سه موضع زیارت کنند؛ اگرچه اظهر آن است که در خانه خود مدفون است.

چنانچه منقول است به **سند معتبر** که ابن ابی نصر از حضرت امام رضا ـ صلوات

---

۱ ـ من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۷۲، معاني الاخبار: ۲۶۸ ذیل ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/ ۲۶۵ ش ۳۳۳ وص ۳۳۴ ش ۳۳۶.

۲ ـ من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۷۲، مقنعه: ۴۵۹، تهذیب الاحکام: ۶/ ۹ ذیل ح ۱۷، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۹۲ ح ۳ و ۴، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/ ۳۶۵ ـ ۳۶۶ ش ۳۳۳ ـ ۳۳۶.

۳ ـ تاریخ الائمّه: ۳۱، تاج المواليد: ۹۹، تاریخ مدینة دمشق: ۴۲/ ۵۵۶، کشف الغمّه: ۲/ ۱۲۷.

الله علیه ـ سؤال نمود از قبر حضرت فاطمهؑ.

فرمود که: در خانهٔ خود مدفون شد؛ پس چون زیاد کردند بنی امیّه مسجد را، داخل مسجد شد[1].

و به **سند صحیح** باز منقول است از ابن ابی نصر که از آن حضرت این سؤال نمود؛ حضرت فرمود که: حضرت امام جعفرؑ فرمود که در خانه خود مدفون است[2].

و در **حدیث معتبر** از حضرت صادقؑ منقول است که: آن‌حضرت در روضه مدفون است، و به این سبب حضرت رسولؐ فرمود که: روضه‌ای از روضه‌های بهشت است. و فرمود که: دری از درهای بهشت؛ زیرا که قبر فاطمه باغی از باغهای بهشت است، و به سوی آن گشوده است دری از درهای بهشت[3].

مؤلّف گوید که: چون سابقاً مذکور شد که روضه به‌قدر چهار ستون عرض دارد، و مذکور شد که پاره‌ای از خانهٔ حضرت فاطمه را داخل مسجد کرده‌اند، پس ممکن است جمع میان این حدیث و احادیث پیش کردن که: حضرت در خانه خود مدفون شده باشند در جانب مسجد، که محاذی ما بین قبر و منبر باشد، و داخل روضه باشد.

و **مؤیِّدِ** این است آنچه در روایت سابق مذکور شد، کـه خـانه حـضرت داخـل روضه، و بهترین جاهای روضه است.

و در **حدیث موثّق** منقول است که یونس بن یعقوب از حضرت صادقؑ پرسید که: نماز در خانهٔ فاطمهؑ افضل است یا در روضه؟

فرمود که: در خانه فاطمه ـ صلوات الله علیها ـ[4].

و در **حدیث معتبر** دیگر از آن‌حضرت منقول است که: نماز در خانه فاطمهؑ بهتر از نماز در روضه است[5].

---

۱ ـ کافی: ۱/ ۴۶۱ ح ۹، معاني الاخبار: ۲۶۸ ذیل ح ۱، عیون اخبار الرضاؑ: ۱/ ۲۴۲ ح ۷۶، تهذیب الاحکام: ۳/ ۲۵۵ ح ۷۰۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۹۱ ح ۱.

۲ ـ قرب الإسناد: ۳۶۲ ح ۱۲۹۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۹۲ ح ۲.

۳ ـ معاني الاخبار: ۲۶۷ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۹۲ ح ۳، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۱/ ۲۶۱ ش ۳۲۵.

۴ ـ کافی: ۴/ ۵۵۶ ح ۱۳، تهذیب الاحکام: ۶/ ۸ ح ۱۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۹۳ ح ۶، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۱/ ۲۶۲ ش ۳۲۷.

۵ ـ کافی: ۴/ ۵۵۶ ح ۱۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۹۳ ح ۶، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۱/ ۲۶۲ ش ۳۲۸.

و در **حديث صحيح** ديگر از آن‌حضرت منقول است که: خانه علی و فاطمه ـ صلوات الله عليهما ـ ميان خانه‌ای است که حضرت رسولﷺ در آنجا مدفون است، و راهی که منتهی می‌شود به دری که محاذی بازار بقيع است؛ که اگر از آن در داخل مسجد شوی و راست بيايی، دوش چپت به ديوار خانه می‌رسد[1].

و در **حديث معتبر** ديگر فرمود که: چون از در بقيع داخل می‌شوی، خانهٔ اميرالمؤمنين در جانب چپ تو است، بقدر آنکه بُزی تواند رفت؛ و متّصل است به خانه رسول خداﷺ، و درهايشان مقرون به يکديگر است[2].

و به **سند معتبر** ازحضرت امام محمّد تقی ـ صلوات الله عليه ـ منقول است که به شخصی از سادات فرمود که:چون می‌روی به سوی قبر جدّهٔ خود فاطمه ـ صلوات الله عليها ـ بگو:

يا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكِ اللهُ الَّذي خَلَقَكِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكِ فَوَجَدَكِ لِمَا امْتَحَنَكِ صابِرَةً، وَزَعَمْنا أَنّا لَكِ أَوْلِياءُ، وَمُصَدِّقُونَ وَصابِرُونَ لِكُلِّ ما أَتانا بِهِ أَبُوكِ وَأَتانا بِهِ وَصِيُّهُ؛ فَإنّا نَسْأَلُكِ إنْ كُنّا صَدَّقْناكِ إلّا أَلْحَقْتِنا بِتَصْدِيقِنا لَهُما لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنا بِأَنّا قَدْ طَهُرْنا بِوِلايَتِكِ[3].

و سيّد *ابن طاووس* ـ رضي الله عنه ـ در کتاب اقبال ذکر کرده است که: روايت کرديم از جماعتی از اصحاب ما که وفات حضرت فاطمه ـ صلوات الله عليها ـ در روز سوم ماه جمادی الآخره بوده است؛ پس سزاوار آن است که آن حضرت را در آن روز زيارت کنند.

و **روايت کرده** است جامع‌کتاب مسائل که: ابراهيم بن محمّد همدانی عريضه نوشت به خدمت حضرت امام علی نقی ـ صلوات الله عليه ـ که مرا خبر ده از قبر حضرت فاطمه ﷺ، آيا در مدينه است يا در بقيع؟

حضرت جواب نوشتند که: با جدّم رسول خدا ﷺ مدفون است.

۱ـ کافی: ۴/ ۵۵۵ ضمن ح ۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۹۳ ح ۷.

۲ـ کافی: ۴/ ۵۵۵ ح ۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۹۴ ح ۸.

۳ـ تهذيب الاحکام: ۶/ ۹ ح ۱۹، مصباح المتهجد: ۷۱۱، مزار کبير: ۷۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۹۴ ح ۱۱، موسوعة زيارات المعصومينﷺ: ۱/ ۲۷۵ ش ۳۴۷.

سیّد ـ علیه الرّحمه ـ گفته است که پس می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا سَيِّدَةَ نِساءِ العالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا والِدَةَ الحُجَجِ عَلَى النّاسِ أَجْمَعِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا المَظْلُومَةُ المَمْنُوعَةُ حَقَّها.

پس بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أَمَتِكَ، وَابْنَةِ نَبِيِّكَ، وَزَوْجَةِ وَصِيِّ نَبِيِّكَ، صَلاةً تُزْلِفُها فَوْقَ زُلْفىٰ عِبادِكَ الْمُكْرَمِينَ، مِنْ أَهْلِ السَّماواتِ وَأَهْلِ الأَرَضِينَ.

به تحقیق که روایت رسیده است که هرکه به این زیارت آن‌حضرت را زیارت کند و از خدا طلب آمرزش کند، حق تعالی گناهانش را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند[۱].

مؤلّف گوید که: چون زیارت منقولِ مبسوطی از برای آن‌حضرت در روایاتی که به ما رسیده است به نظر نیامده بود، به همین اکتفا نمودیم. و اگر زیارت جامعه را بخوانند شاید مناسب باشد. و در بحار الانوار زیاراتِ مبسوطه مؤلّفه اکابر علما ـ رضوان الله علیهم ـ را ایراد نموده‌ایم.

و سیّد ابن طاووس علیه الرّحمة در **نماز زیارت** آن حضرت گفته است که: اگر توانی نماز حضرت فاطمه ـ صلوات الله علیها ـ را بجا آور؛ و آن دو رکعت است و در هر رکعت بعد از حمد شصت مرتبه «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» باید خواند، و اگر نتوانی در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» بخوان، و در رکعت دوم سورهٔ «قُلْ يا أَيُّهَا الكافِرُونَ»[۲].

و **بدان که** زیارت آن‌حضرت در اوقات شریفه و ازمنه مخصوصهٔ به آن‌حضرت، اولی و انسب و افضل است، مثل:

روز ولادت آن‌حضرت، که بیستم ماه جمادی الثانیه است بر قول شیخ مفید و سیّد ابن طاووس، یا دهم آن بر قول جمعی.

و روز وفات آن‌حضرت، که سوم ماه مذکور است بر قول سیّد و جمعی، یا بیست

---

۱ ـ اقبال الاعمال: ۳/ ۱۶۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۹۸ ح ۱۷ و ۱۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۲۷۱ ش ۳۴۳ و ص ۲۸۴ ش ۳۵۳.

۲ ـ اقبال الاعمال: ۳/ ۱۶۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۰۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۲۷۳ ش ۳۴۶.

و یکم ماه رجب است بر قول ابن عیّاش.

و روز تزویج آن‌حضرت به‌امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیهما ـ که پانزدهم ماه رجب است، یا اوّل ماه ذی الحجّة، یا ششم ماه ذی الحجة.

و شب زفاف آن‌حضرت، که نوزدهم ماه ذی‌الحجّه است، یا بیست و یکم ماه محرّم.

و روز مباهله، که گذشت[1].

و روز نزول «هَلْ أَتیٰ»، که روز بیست و پنجم ماه ذی الحجة است.

و غیر اینها از ایّامی که فضیلتی یا کرامتی از آن حضرت در آنها ظاهر شده باشد[2]؛ چنانچه در کتاب بحار الانوار ایراد شده است.

---

۱ ـ نگاه کن: ص ۶۶.

۲ ـ بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۰۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۲۷۲ ش ۳۴۴.

فصل هفتم

در کیفیّت زیارت ائمه بقیع صلوات الله علیهم أجمعین

باید که آدابی که در باب اوّل مذکور شد[1]، از غسل، و تطهیر جامه‌ها، و بوی خوش کردن، و رخصت طلبیدن در دخول، وغیر آنها را بعمل بیاورد.

و اگر در دعای اذن آنچه محمد بن المشهدی ﷺ ذکر کرده است بخواند بد نیست؛ گفته است که: بر در بایستد و بگوید:

یا مَوالِيَّ یا أَبْناءَ رَسُولِ اَللهِ، عَبْدُکُمْ وَاَبْنُ أَمَتِکُمْ، اَلذَّلِیلُ بَیْنَ أَیْدِیْکُمْ، وَ اَلْمُضْعَفُ في عُلُوِّ قَدْرِکُمْ، وَ اَلْمُعْتَرِفُ بِحَقِّکُمْ، جاءَکُمْ مُسْتَجِیراً بِکُمْ، قاصِداً إِلیٰ حَرَمِکُمْ، مُتَقَرِّباً إِلیٰ مَقامِکُمْ، مُتَوَسِّلاً إِلَی اَللهِ بِکُمْ، أَأَدْخُلُ یا مَوالِيَّ، أَأَدْخُلُ یا أَوْلِیاءَ اَللهِ، أَأَدْخُلُ یا مَلائِکَةَ اَللهِ اَلْمُحْدِقِینَ بِهٰذَا اَلْحَرَمِ، اَلْمُقِیمِینَ بِهٰذَا اَلْمَشْهَدِ.

و بعد از خشوع و رقّت داخل شود، و پای راست را مقدّم دارد، و بسم الله بگوید.

پس بگوید آنچه محمد بن المشهدی گفته است:

اَللهُ أَکْبَرُ کَبِیراً، وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ کَثِیراً، وَسُبْحانَ اَللهِ بُکْرَةً وَأَصِیلاً، وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلْفَرْدِ اَلصَّمَدِ، اَلْماجِدِ اَلْأَحَدِ، اَلْمُتَفَضِّلِ اَلْمَنّانِ، اَلْمُتَطَوِّلِ اَلْحَنّانِ، اَلَّذِي مَنَّ بِطَوْلِهِ، وَسَهَّلَ زِیارَةَ سادَتِي بِإِحْسانِهِ، وَلَمْ یَجْعَلْنِي عَنْ زِیارَتِهِمْ مَمْنُوعاً، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ[2].

---

۱ ـ نگاه کن: ص ۳۱.

۲ ـ مزار کبیر: ۸۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۱۱ ح ۱۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/ ۳۷۹ ش ۴۳۱.

و اگر دعاهای اذن و دخول که در زیارت حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ به روایت صفوان وارد شده است ـ و بعد از این خواهد آمد[1] ـ بخواند، مناسب است.

پس نزدیک قبور مقدّسه برود، و پشت به قبله کرده رو به قبور ایشان کرده بگوید آنچه کلینی و ابن قولویه و شیخ طوسی و غیر ایشان ـ رضی الله عنهم ـ روایت کرده‌اند از ائمه صلوات الله علیهم که فرموده‌اند که:

چون بروی به نزد قبور ائمه علیهم السلام که در بقیع‌اند، بایست نزد ایشان و قبر را پیش روی خود قرار ده و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَئِمَّةَ ٱلْهُدىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ ٱلتَّقْوىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ الحُجَّةَ[2] عَلىٰ أَهْلِ ٱلدُّنْيا.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّها ٱلْقُوّامُ في ٱلْبَرِيَّةِ بِالقِسْطِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ ٱلصِّفْوَةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ ٱلنَّجْوىٰ.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ، وَصَبَرْتُمْ في ذاتِ ٱللهِ، وَكُذِّبْتُمْ وَأُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ. وَأَشْهَدُ أَنَّكُمُ ٱلْأَئِمَّةُ ٱلرّاشِدُونَ ٱلْمَهْدِيُّونَ[3]، وَأَنَّ طاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنَّ قَوْلَكُمُ ٱلصِّدْقُ، وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجابُوا، وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعائِمُ ٱلدِّينِ، وَأَرْكانُ ٱلْأَرْضِ.

لَمْ تَزالُوا بِعَيْنِ ٱللهِ، يَنْسَخُكُمْ من أَصْلابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ، وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحامِ ٱلْمُطَهَّراتِ، لَمْ تُدَنِّسْكُمُ ٱلْجاهِلِيَّةُ ٱلْجَهْلاءُ، وَلَمْ تَشْرَكْ فِيكُمْ فِتَنُ ٱلْأَهْواءِ، طِبْتُمْ وَطابَ مَنْبَتُكُمْ.

مَنَّ بِكُمْ عَلَيْنا دَيّانُ ٱلدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ ﴿في بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيها ٱسْمُهُ﴾[4]، وَجَعَلَ صَلاتَنا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنا وَكَفّارَةً لِذُنُوبِنا، إِذِ ٱخْتارَكُمُ ٱللهُ لَنا، وَطَيَّبَ

---

۱ ـ نگاه کن: ص ۳۷۲.

۲ ـ «الحجج» خ ل.

۳ ـ «المهتدون» خ ل.

۴ ـ نور: ۳۶.

خَلْقَنا بِما مَنَّ عَلَيْنا مِنْ وِلايَتِكُمْ، وَكُنّا عِنْدَهُ مُسَمَّيْنَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ بِتَصْدِيقِنا إِيّاكُمْ، وَهٰذا مَقامُ مَنْ أَسْرَفَ وَأَخْطَأَ وَاسْتَكانَ، وَأَقَرَّ بِما جَنىٰ، وَرَجا بِمَقامِهِ الْخَلاصَ وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْكىٰ مِنَ الرَّدىٰ، فَكُونُوا لِي شُفَعاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيا، وَاتَّخَذُوا آياتِ اللّٰهِ هُزُواً، وَاسْتَكْبَرُوا عَنْها.

يا مَنْ هُوَ قائِمٌ لا يَسْهُو، وَدائِمٌ لا يَلْهُو، وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنُّ بِما وَفَّقْتَنِي وَعَرَّفْتَنِي بِما أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبادُكَ، وَجَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَمالُوا إِلىٰ سِواهُ؛ فَكانَتِ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوامٍ خَصَصْتَهُمْ بِما خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقامِي هٰذا مَذْكُوراً مَكْتُوباً، فَلا تَحْرِمْنِي ما رَجَوْتُ، وَلا تُخَيِّبْنِي فِيما دَعَوْتُ، بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

پس دعا کن از برای خود به‌هرچه خواهی[1].

و شیخ رحمه الله در تهذیب گفته است که: بعد از آن هشت رکعت نماز زیارت بکن[2].

و شیخ محمّد بن المشهدی بعد از «وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْها» گفته است که: پس سر را بالا می‌کنی و می‌گویی:

يا مَنْ هُوَ قائِمٌ ـ تا آخر ـ[3].

و سیّد ابن طاووس ـ علیه الرّحمة ـ گفته است که: چون خواهی که ایشان را وداع کنی بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

أَسْتَوْدِعُكُمُ اللّٰهَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلامَ، آمَنّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِما جِئْتُمْ بِهِ وَدَلَلْتُمْ

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۵۹، کامل الزیارات: ۵۳ ب ۱۵ ح ۲، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۷۵، مزار مفید: ۱۸۷، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۹، مصباح المتهجّد: ۷۱۳، مزار کبیر: ۸۶، مصباح الزائر: ۳۷۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۳۸۱ ش ۴۳۲.

۲ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۸۰.

۳ ـ مزار کبیر: ۸۷، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۰۵.

عَلَيْهِ، اَللّٰهُمَّ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ.

پس دعا بسیار بکن، و از خدا سؤال کن که دیگر تو را به‌زیارت ایشان برگرداند، و آخر عهدِ تو نباشد از زیارت ایشان[1].

بدان که بهترین زیاراتِ از برای ایشان، زیارتهای جامعه است که ان شاءالله بعد از این مذکور خواهد شد[2].

و به **سند معتبر** منقول است که محمّد بن الحنفيّة ـ رضي الله عنه ـ به زیارت برادر خود امام حسن صلوات الله علیه می‌رفت و می‌گفت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بَقِيَّةَ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ أَوَّلِ الْمُسْلِمِينَ، وَكَيْفَ لا تَكُونُ كَذٰلِكَ وَأَنْتَ سَلِيلُ الْهُدىٰ، وَحَلِيفُ التُّقىٰ، وَخامِسُ أَصْحابِ الْكِساءِ، غَذَّتْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ، وَرُبِّيتَ في حِجْرِ الْإِسْلامِ، وَرَضِعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمانِ، فَطِبْتَ حَيّاً وَطِبْتَ مَيِّتاً، غَيْرَ أَنَّ الْأَنْفُسَ غَيْرُ طَيِّبَةٍ بِفِراقِكَ، وَلا شاكَّةٍ فِي الْحَياةِ لَكَ، يَرْحَمُكَ اللّٰهُ[3].

و به **سند معتبر** از حضرت صادق ﷺ منقول است که فرمود که: می‌گویی نزد قبر علیّ بن الحسین ـ صلوات الله علیه ـ آنچه خواهی[4].

یعنی به هر لفظ که زیارت کنی خوب است.

و **بدان که** زیارت ایشان در اوقات متبرّکه و ازمنهٔ مخصوصه به ایشان اولی است، مثل:

روز ولادت حضرت امام حسن ـ صلوات الله علیه ـ، که موافق مشهور پانزدهم ماه مبارک رمضان است.

و روز وفات آن حضرت، که هفتم، یا بیست و هشتم، یا آخر ماه صفر است.

و روزی که نیزه بر ران مبارکش زدند، که بیست و سوم ماه رجب است.

---

۱ ـ مصباح الزائر: ۳۷۶، مقنعه: ۴۷۵، تهذیب الاحکام: ۶/ ۸۰، مصباح المتهجد: ۷۱۴، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۱/ ۳۹۴ ش ۴۳۹.

۲ ـ نگاه کن: ص ۵۷۶.

۳ ـ كامل الزيارات: ۵۳ ب ۱۵ ح ۱، مزار مفيد: ۱۸۱ ح ۱، تهذيب‌الاحكام: ۶/ ۴۱ ح ۸۵، مصباح الزائر: ۱۹۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۰۵ ح ۲، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۱/ ۳۱۲ ش ۳۸۲.

۴ ـ كامل‌الزيارات: ۵۵ ب ۱۵ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۰۶ ح ۵، موسوعة‌زيارات‌المعصومين ﷺ: ۱/ ۳۳۱ ش ۳۹۲.

و روز مباهله.

و روز نزول «هَلْ أتیٰ» که گذشت[1].

و روز خلافت آن حضرت، که روز شهادت امیر المؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ است.

و روز ولادت امام زین العابدین ﷺ، که پنجم یا نهم ماه شعبان است، یا پانزدهم ماه جمادی الاولی یا جمادی الثانیه یا رجب است.

و روز وفات آن حضرت، که دوازدهم، یا هیجدهم، یا بیست و پنجم ماه محرّم است.

و روز خلافت آن‌حضرت، که روز شهادت حضرت امام حسین ﷺ است.

و روز ولادت حضرت امام محمّد باقر ﷺ، که روز اوّل ماه رجب است موافق روایت معتبر، یا سوم ماه صفر.

و روز وفات آن‌حضرت، که هفتم ماه ذی الحجه است.

و روز خلافت آن‌حضرت، که روز وفات امام زین العابدین است.

و روز ولادت امام جعفر صادق صلوات الله علیه، که هفدهم ماه ربیع‌الاوّل است.

و روز وفات آن‌حضرت، که پانزدهم ماه رجب است، یا ماه شوّال.

و روز خلافت آن‌حضرت، که روز وفات حضرت امام محمد باقر ﷺ است[2].

---

۱ ـ نگاه کن: ص ۷۶.

۲ ـ بحار الانوار: ۲۱۰/۱۰۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳۰۸/۱ ش ۳۷۶ و ص ۳۲۹ ش ۳۹۰ و ص ۳۴۹ ش ۴۰۲.

فصل هشتم

در بیان سایر اعمال که در مدینه مستحبّ است

در **فقه الرّضا**ﷺ مذکور است که چون از اعمال مسجد فارغ شوی، برو به نزد قبر ائمه بقیعﷺ، و برو به مسجد حضرت فاطمهﷺ و دو رکعت نماز بگزار، و زیارت کن قبر حمزه و سائر شهدای اُحد را، و برو به مسجد فتح، و مسجد سقیا، و مسجد قبا ـ که در آنها فضیلت بسیار است ـ، و مسجد خلوت، و خانه امیرالمؤمنینﷺ، و خانه امام جعفر صادقﷺ که در دَرِ مسجد است، و دو رکعت نماز در آنجا بگزار[1].

و در **حدیث معتبر** از ائمهﷺ منقول است که: می‌گویی نزد قبر حمزه ـ رضي الله عنه ـ:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمَّ رَسُولِ اَللهِ، وَخَيْرَ اَلشُّهَداءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَسَدَ اَللهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جاهَدْتَ في اَللهِ، وَنَصَحْتَ لِرَسُولِ اَللهِ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَطَلَبْتَ ما عِنْدَ اَللهِ وَرَغِبْتَ فِيما وَعَدَ اَللهُ.

پس داخل شو و نماز بکن، و در وقت نماز رو به قبر مکن، و چون از نماز فارغ شوی خود را بر روی قبر بینداز، و بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُوقِي بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ ـ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلىٰ

۱ـ بحارالانوار: ۹۹/ ۳۳۵، وج ۱۰۰/ ۱۵۹، موسوعة زيارات المعصومينﷺ: ۱/ ۲۲۸ ش۳۰۵.

أهْلِ بَيْتِهِ ـ، لِتُجيرَني مِنْ نِقْمَتِكَ وَسَخَطِكَ وَمَقْتِكَ، وَمِنَ ٱلْأَزْلالِ[۱] في يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ ٱلْمَعَرّاتُ[۲] وَٱلْأَصْواتُ، وَتَشْتَغِلُ كُلُّ نَفْسٍ بِما قَدَّمَتْ، وَتُجادِلُ كُلُّ نَفْسٍ عَنْ نَفْسِها، فَإِنْ تَرْحَمْنِيَ ٱلْيَوْمَ فَلا خَوْفٌ عَلَيَّ وَلا حُزْنٌ، وَإِنْ تُعاقِبْ فَمَوْلايَ[۳] لَهُ ٱلْقُدْرَةُ عَلىٰ عَبْدِهِ.

اَللّٰهُمَّ فَلا تُخَيِّبْنِي ٱلْيَومَ وَلا تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ حاجَتِي، فَقَدْ لَزِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ٱبْتِغاءَ مَرْضاتِكَ وَرَجاءَ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلىٰ جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلىٰ جِنايَةِ نَفْسِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، وَما أَخافُ أَنْ تَظْلِمَنِي، وَلٰكِنْ أَخافُ سُوءَ ٱلْحِسابِ، فَانْظُرِ ٱلْيَوْمَ إِلىٰ تَقَلُّبِي عَلىٰ قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ ـ صَلَواتُكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ ـ فَبِهِمْ فُكَّنِي، وَلا تُخَيِّبْ سَعْيِي، وَلا يَهُونَنَّ عَلَيْكَ ٱبْتِهالِي، وَلا تَحْجُبْ مِنْكَ صَوْتِي، وَلا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوائِجِي.

يا غِياثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَمَحْزُونٍ، يا مُفَرِّجُ[۴] عَنِ ٱلْمَلْهُوفِ ٱلْحَيْرانِ ٱلْغَرِيبِ ٱلْغَرِيقِ، ٱلْمُشْرِفِ عَلَى ٱلْهَلَكَةِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ ٱلطّاهِرِينَ، وَٱنْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً لا أَشْقىٰ بَعْدَها أَبَداً، وَٱرْحَمْ تَضَرُّعِي وَغُرْبَتِي وَٱنْفِرادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضاكَ، وَتَحَرَّيْتُ ٱلْخَيْرَ ٱلَّذِي لا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِواكَ، وَلا تَرُدَّ أَمَلِي[۵].

و شاید زیارت شهدا در روز شهادت ایشان ـ که موافق مشهور هفدهم ماه شوّال است ـ انسب باشد.

و در **حدیث معتبر** مروی است که عُقبه از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود که: من می‌روم به‌سوی مساجدی که در دور مدینه است، به کدام ابتدا کنم؟

فرمود که: ابتدا کن به **مسجد قُبا** پس بسیار نماز کن در آن، که اوّل مسجدی است

---

۱ ـ «الزلل» خ ل.
۲ ـ «العَثَراتُ» خ ل.
۳ ـ «فمولیّ» خ ل.
۴ ـ «مُفَرِّجاً» خ ل.
۵ ـ کامل الزیارات: ۲۲ ب۵ ح۱، وص۲۳ ذیل ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۱۲ ح ۱، وص۲۱۳ ح ۲ و ۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۲۳۵ ش ۳۱۰.

که حضرت رسولﷺ در این عرصه در آن نماز کرد.

پس برو به **غرفهٔ مادر ابراهیم** پس نماز کن در آن، که آن مسکن و محلّ نماز رسول خداﷺ بوده است.

پس برو به **مسجد فضیخ** و دو رکعت نماز بکن، که پیغمبرت در آن نماز کرده است.

و چون از اینجا فارغ شوی برو به جانب **کوه اُحد**، و ابتدا کن به مسجدی که در پایین سنگستان است، و در آن نماز بکن.

پس برو به سوی **قبر حمزة** بن عبد المطّلب و سلام کن بر او.

پس برو بسوی **قبرهای شهدا**، و بایست نزد آن قبرها و بگو: **اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ الدِّيارِ، أَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ، وَإِنّا بِكُمْ لاحِقُونَ.**

پس برو به **مسجدی که** در آن مکانِ گشاده است و در پهلوی کوه در وقتی که داخل اُحد می‌شوی، پس در آن مسجد نماز بکن، که از آن موضع رسول خدا ﷺ بیرون رفت به سوی اُحد در وقتی که با کفّار مکّه جنگ کرد، پس در آنجا نماز کرد و به جنگ رفت.

پس باز برگرد و نماز کن نزد **قبر شهدا** آنچه خدا برای تو مقدّر کرده باشد.

پس برو به سوی **مسجد احزاب** و نماز کن، که رسول خداﷺ در آن‌موضع دعا کرد در روز جنگ احزاب و گفت: **يا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ، وَيا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَيا مُغِيثَ الْمَهْمُومِينَ، اِكْشِفْ عَنّي هَمِّي وَكَرْبِي وَغَمِّي، فَقَدْ تَرىٰ حالِي وَحالَ أَصْحابِي**[1].

و به **اسانید معتبره** از معاویه بن عمّار منقول است که حضرت صادقؑ فرمود که: ترک مکن رفتن به مشاهد مدینه را که یکی از آنها مسجد قبا است، و حق تعالیٰ در شأن آن مسجد فرستاده است این آیه را: ﴿**لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ**﴾[2] که مضمونش این است که: به تحقیق که مسجدی که بنا شده است بر پرهیزکاری در روز اوّل، سزاوارتر است به اینکه در آن بایستی به نماز و عبادت، از

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۶۰ ح ۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۷ ح ۳۹، کامل الزیارات: ۲۶ ب ۶ ح ۵ وص ۲۳ ب ۵ ح ۲، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۱/ ۲۵۵ ش ۳۰۲.

۲ ـ توبه: ۱۰۸.

مسجدی که منافقان به حیله و مکر بنا کرده‌اند، و غرفه مادر ابراهیم، و مسجد فضیخ، و قبور شهدا، و مسجد احزاب ـ که آن مسجد فتح است ـ.

و *به ما رسیده* است که پیغمبر ﷺ چون نزدیک قبور شهدا می‌آمد می‌گفت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ، فَنِعْمَ عُقْبَى ٱلدّارِ.

و باید که در **مسجد فتح** این دعا بخوانی:

يا صَرِيخَ ٱلْمَكْرُوبِينَ، وَيا مُجِيبَ ٱلْمُضْطَرِّينَ، اِكْشِفْ عَنِّي هَمِّي وَغَمِّي وَكَرْبِي، كَما كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فِي هٰذَا ٱلْمَكانِ[1].

و در **حدیث معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که حضرت رسول ﷺ فرمود که: هرکه بیاید به سوی مسجد من ـ مسجد قبا ـ و دو رکعت نماز در آن بگزارد، برگردد با ثواب عمره[2].

و احادیث در فضیلت مسجد قبا بسیار است.

و به **سند صحیح** از آن حضرت منقول است که: حضرت فاطمه ـ صلوات الله علیها ـ بعد از رسول خدا ﷺ هفتاد و پنج روز زنده ماند، و در این ایّام هیچ کس آن حضرت را خندان ندید، می‌رفت به سوی قبرستان شهیدان اُحد در هر هفته دو مرتبه، روز دوشنبه و پنجشنبه، و در آنجا نماز و دعا می‌کرد[3].

و به **سند معتبر** از عمّار ساباطی منقول است که گفت: با حضرت صادق ؑ رفتم به سوی مسجد فضیخ، فرمود که‌ای عمّار، می‌بینی این گودال را؟

گفتم بلی. فرمود که: اسماء زن جعفر بن ابی طالب ـ که آخر امیرالمؤمنین ؑ او را خواست ـ، روزی در این موضع نشسته بود با دو پسرش که از جعفر داشت، پس گریست؛

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۲۴ ب ۶ ح ۱، کافی: ۴/ ۵۶۰ ح ۱، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۷۴، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۱/ ۲۲۴ ش ۳۰۱.

۲ ـ کامل الزیارات: ۲۴ ب ۶ ح ۲، من لا یحضره الفقیه: ۱/ ۲۲۹ ح ۶۸۶، مزار کبیر: ۹۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۲۲، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۱/ ۲۲۳ ش ۲۹۸.

۳ ـ کافی: ۴/۵۶۱ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۰/۲۱۶ ح ۱۲ و ح ۱۳، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۱/۲۲۷ ش ۳۰۴.

پسرهایش از او پرسیدند که چرا گریه می‌کنی؟

گفت: از برای امیرالمؤمنین. گفتند: برای امیرالمؤمنین گریه می‌کنی و برای پدر ما گریه نمی‌کنی؟

گفت: برای موت او گریه نمی‌کنم، بلکه به یادم آمد حدیثی که حضرت امیرالمؤمنین در اینجا به من نقل کرد، و به این سبب گریستم، روزی با آن حضرت در این مسجد بودم، فرمود که می‌بینی این گودال را؟ گفتم: بلی. فرمود: که من با رسول خداﷺ در این موضع نشسته بودیم، ناگاه سر مبارک خود را در دامن من گذاشت و به خواب رفت تا وقت نماز پسین در آمد، نخواستم که آن حضرت را بیدار کنم، که مبادا آزار آن حضرت باشد، تا آنکه وقت بیرون رفت و نماز فوت شد، حضرت بیدار شد و فرمود که: یا علی نماز کرده‌ای؟ گفتم: نه. فرمود که چرا؟ گفتم که نخواستم که شمارا آزار کنم. پس برخاست و رو به قبله کرد، و دستها را بلند کرد و گفت: خداوندا برگردان آفتاب را به وقت نماز، تا علی نماز کند. پس آفتاب برگشت به وقت نماز عصر، تا من نماز کردم، پس به نهایت سرعت مانند شهاب فرو رفت[۱].

و از جملهٔ ***زیارات مرغوبه***، ***زیارت ابراهیم*** فرزند رسول خداﷺ است در بقیع؛ و در روز ولادت آن حضرت ـ که هیجدهم ماه رجب است موافق مشهور ـ انسب است. و در کیفیّت زیارت او خبری به نظر نرسیده است، و در کتب زیارات مسطور است.

و ***زیارت فاطمهٔ بنت اسد*** ـ رضي الله عنها ـ است؛ و قبر شریفش در بقیع معروف است. و از کلام شیخ‌ؒ در تهذیب مفهوم می‌شود که نزد ائمه بقیع‌؊ مدفون باشد[۲]. و مزاری که الحال معروف است، دور است از قبر ایشان. و دور نیست که آن موضع که در پیش روی ائمه بقیع‌؊ زیارت فاطمه زهراؑ در آنجا می‌کنند، محلّ قبر فاطمه بنت اسد باشد؛ که اشتباه کرده باشند.

و ***زیارت حضرت ابو طالب***، و حضرت عبد المطّلب، و حضرت عبد مناف،

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۶۱ ح ۷، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۱۶ ح ۱۵.

۲ ـ تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۷۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۱۹ ـ ۲۲۰.

و حضرت خدیجه ـ رضي الله عنهم ـ در مکّه معظّمه باید کرد. خصوصاً در ایّام مختصّه به ایشان، مثل:

بیست و ششم رجب، که روز وفات ابو طالب ﷺ است.

و دهم ربیع الأوّل، که روز وفات عبد المطّلب ﷺ است. و هفدهم محرّم، که روز هلاک اصحاب فیل و ظهور کرامت عبد المطّلب است.

و روز تزویج خدیجه رضي الله عنها، که پیش مذکور شد[۱].

و زیارت جعفر بن ابی طالب ـ رضي الله عنه ـ در موته.

و زیارت شهدای بدر در بدر.

و زیارت ابوذر ـ رضي الله عنه ـ در ربذه، که نزدیک به صفرا است از جانب راست راه، نسبت به کسی که از مکّه به مدینه رود.

و قبر شریف آمنه و عبدالله ـ رضي الله عنهما ـ در این زمان معلوم نیست.

و شیخ ***محمّد بن المشهدی*** ذکر کرده است که: مستحبّ است که نماز کند در خانه حضرت امام زین العابدین ـ صلوات الله علیه ـ، و خانه حضرت امام جعفر صادق ﷺ، و مسجد سلمان فارسی ـ رضي الله عنه ـ، و مسجد امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ، که محاذی قبر حضرت حمزه است[۲].

و از جمله مساجد معروفه **مسجد غدیر خم** است که نزدیک به جحفه است ـ که در این زمان رابغ می‌گویند ـ، و آن مسجد در این زمان اثرش هست، امّا نواصب از برای اخفای فضیلت و نصّ امیرالمؤمنین ﷺ راه را گردانیده‌اند و بر سر راهِ متعارف ایشان نیست، و نزدیک است به راه.

و به **سند معتبر** از حسّان جمّال منقول است که گفت: شتر به حضرت صادق ﷺ کرایه داده بودم، و در خدمت آن حضرت از مدینه تا مکه رفتم، و چون رسیدیم به مسجد غدیر نظر کرد به جانب چپ مسجد و فرمود که: این موضعِ قدم رسول خدا ﷺ است در وقتی که می‌فرمود که: «هرکه من مولای اویم پس علی مولای او است،

---

۱ ـ نگاه کن: ص ۶۶.

۲ ـ مزار کبیر: ۱۰۲، بحارالانوار: ۲۲۵/۱۰۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲۲۹/۱ ش ۳۰۶.

خداوندا دوست دار هرکه او را دوست دارد، و دشمن دار هرکه او را دشمن دارد»، پس نظر فرمود حضرت صادق ﷺ به جانب دیگر مسجد و فرمود که: این موضعِ خیمه ابوبکر و عمر و سالم مولای ابی حذیفه و ابو عبیدة بن الجرّاح است، در وقتی که دیدند که حضرت رسول ﷺ دست امیرالمؤمنین ﷺ را گرفته و بلند کرده است، و نصّ بر امامت او می‌نماید و فضائل او را بیان می‌فرماید؛ در آن وقت بعضی از ایشان گفتند که ببینید چشمهایش را که می‌گردد، گویا که دیده‌های دیوانه‌ای است؛ پس جبرئیل نازل شد و آیه ﴿وإِنْ يَكادُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾[۱] را آورد[۲].

---

۱ ـ قلم: ۵۱ و ۵۲.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۶۶ ح ۲، من لا یحضره الفقیه: ۱/ ۲۳۰ ح ۶۸۷، وج ۲/ ۵۵۹ ح ۳۱۴۶، تهذیب الاحکام: ۳/ ۲۶۳ ح ۷۴۶، مناقب ابن شهرآشوب: ۲/ ۲۲۸، بحارالانوار: ۳۷/ ۱۶۰ وص ۱۷۲ ح ۵۵ وج ۱۰۰/ ۲۲۵ ح ۲۱.

باب سوم

در فضیلت زیارت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ و کیفیت زیارت آن حضرت ودر آن چند فصل است:

فصل اوّل

در فضیلت زیارت آن حضرت

در **حدیث صحیح** منقول است از حضرت امام جعفر صادق ـ صلوات الله علیه ـ که: هرکه زیارت کند حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را، و عارف بحقّ آن حضرت باشد، و آن حضرت را امام واجب الاطاعه و خلیفه بلافصل داند، و از روی تجبّر و تکبّر به زیارت نیامده باشد، حقّ تعالیٰ بنویسد از برای او اجر صد هزار شهید، و گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد، و مبعوث گردد در روز قیامت از جملهٔ ایمنان از اهوال آن روز، و آسان گرداند بر او حساب را، و استقبال نمایند او را ملائکه، و چون برگردد از زیارت او را مشایعت نمایند تا به خانه خود بر گردد، و اگر بیمار شود به عیادت او بیایند، و اگر بمیرد متابعت جنازهٔ او بکنند و از برای او طلب آمرزش نمایند تا قبرش[1].

و به **سند معتبر** منقول است که ابو وهب قصری داخل مدینه شد، و به خدمت حضرت صادق ﷺ رسید و عرض کرد که فدای تو شوم، به نزد شما آمدم و زیارت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ نکردم.

حضرت فرمود که: بد کردی! اگر نه این بود که از شیعیان ما بودی، من نگاه به سوی تو نمی‌کردم؛ آیا زیارت نمی‌کنی کسی را که خدا با ملائکه او را زیارت می‌کنند، و پیغمبران او را زیارت می‌کنند، و مؤمنان او را زیارت می‌کنند؟!

---

۱ ـ امالی طوسی: ۱/ ۲۱۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۵۷ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۴۵ ش ۵۱۸.

گفت: فدای تو شوم، من این را نمی‌دانستم.

فرمود که: بدان که امیرالمؤمنین نزد خدا بهتر است از جمیع ائمه، و از برای او هست ثواب اعمال همهٔ ائمّه علیهم السلام، و بقدر عملهای خود زیادتی یافته‌اند[1].

و به سند معتبر دیگر منقول است از مفضّل که گفت: به خدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم و عرض کردم که: من مشتاق نجف شده‌ام!

فرمود که: برای چه مشتاق شده‌ای؟

گفتم: که می‌خواهم که امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را زیارت کنم.

فرمود که: آیا می‌دانی فضیلت زیارت آن حضرت را؟

گفتم: نه ـ یا ابن رسول الله ـ شما بفرمایید.

فرمود که: بدان که چون زیارت امیرالمؤمنین می‌کنی، زیارت کرده‌ای استخوان آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب ـ صلوات الله علیهم ـ را.

گفتم که: آدم از بهشت به سراندیب فرود آمد در جانب مشرق، و می‌گویند که استخوانش نزد خانهٔ کعبه است، چگونه استخوانش به کوفه افتاد؟!

فرمود که: خداند عالمیان وحی نمود به حضرت نوح علیه السلام در وقتی که در کشتی بود، که طواف کند خانه کعبه را هفت شوط. طواف کرد بنحوی که خدا به او وحی فرموده بود، پس بیرون آمد از کشتی به میان آب ـ و آب تا زانوی او بود ـ و بیرون آورد تابوتی راکه استخوان حضرت آدم علیه السلام در آن بود، و در کشتی جا داد، و طواف کرد دور خانه کعبه آنچه خدا خواست، پس کشتی آمد تا میان مسجد کوفه، پس در آنجا خدا وحی نمود به زمین که: آب خود را فرو بر[2]. پس آبش را از میان مسجد کوفه فرو برد، چنانچه آبْ اوّل از مسجد کوفه پیدا شد، و متفرّق شدند آن جماعتی که با حضرت نوح در کشتی بودند، پس حضرت نوح علیه السلام تابوت را گرفت و دفن کرد در غریّ ـ که اسم نجف اشرف است ـ و آن قطعه‌ای است از کوهی که حق تعالی با حضرت موسی علیه السلام بر آن سخن گفت، و حضرت عیسی را براین موضع تقدیس کرد و بزرگ

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۷۹ ح ۳، کامل الزیارات: ۳۸ ب ۱۰ ح ۱، مزار مفید: ۱۹ ح ۲، تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۲۰ ح ۴۵، مزار کبیر: ۳۶، فرحة الغری: ۷۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۵۱ ش ۵۲۵.

۲ ـ هود: ۴۴.

گردانید، و حضرت ابراهیم را در این مکان خلیل خود گردانید، و حضرت محمّد ﷺ را در این محل حبیب خود گردانید، و آن را مسکن پیغمبران گردانید. والله که ساکن نشده است در این مکان بعد از دو پدر طیّبش آدم و نوح، کسی که نزد خدا گرامی‌تر باشد از امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیهم ـ.

پس چون زیارت جانب نجف کنی، زیارت کن استخوان آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب را، به درستی که زیارت کرده خواهی بود پدران گذشته را، و محمّد ﷺ خاتم پیغمبران را، و علی بهترین اوصیا را، و به درستی که زیارت کننده او گشوده می‌شود برای او درهای آسمان نزد دعای او، پس از خیر غافل و خواب مباش[1].

و در **حدیث معتبر** از حضرت صادق ﷺ منقول است که: حق تعالیٰ عرض کرد ولایت ما را بر اهل شهرها، پس قبول نکردند مگر اهل کوفه؛ و به درستی که در پهلوی آن قبری هست که هیچ غمگینی نمی‌رود که نماز کند نزد آن چهار رکعت، مگر آنکه حق تعالیٰ برمی‌گرداند او را خوشحال با برآمدن حاجتش[2].

و به **سند معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: در جانب کوفه قبری هست که هیچ غمناکی به نزد آن نمی‌رود، که دو رکعت یا چهار رکعت نماز بگزارد، مگر آنکه حق تعالی غم او را زائل می‌گرداند و حاجت او را بر می‌آورد.

راوی پرسید که: قبر حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ را می‌فرمایید؟

اشاره فرمود به سر مبارکش که نه.

گفت که: قبر امیرالمؤمنین را می‌فرمایید؟

اشاره فرمود که بلی[3].

و در **حدیث معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: هرکه پیاده به زیارت

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۸ب ۱۰ح ۲، مزارمفید: ۲۰ح ۳، تهذیب الاحکام: ۲۲/۶ ح ۵۱، مزارکبیر: ۳۶، مصباح الزائر: ۱۱۷، فرحة الغری: ۷۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۵۹ ح ۴ و ۵، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۴۹ ش ۵۲۴.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۶۷ ب ۶۹ ح ۴، امالی مفید: ۱۴۲ ح ۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۵۹ ح ۷ و ص ۲۶۲ ح ۱۵، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۲۱ ش ۴۷۵ و ص ۳۱ ش ۵۰۰.

۳ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۵ ح ۷۳، فرحة الغری: ۶۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۵۹ ح ۸، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۳۱ ش ۵۰۱.

حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ برود، حق تعالیٰ به هر گامی ثواب دو حج و دو عمره از برای او بنویسد[۱].

و به **سند معتبر** دیگر منقول است که حضرت صادق ـ صلوات الله علیه ـ گفت: ای پسر مارِد، هرکه زیارت کند جدّم امیرالمؤمنین را، بنویسد خدا از برای او به عدد هر گامی حجّ مقبول و عمره پسندیده.

ای پسر مارد، والله که نمی‌خورد آتش جهنم قدمی را که غبار آلوده شود در زیارت امیرالمؤمنین ﷺ ـ خواه پیاده برود و خواه سواره ـ. ای پسر مارد، بنویس این حدیث را به آب طلا[۲].

مؤلّف گوید که: گویا امر به نوشتن به آب طلا کنایه باشد از نفاست حدیث، و اعتنا به شأن آن کردن و اهتمام در عمل به آن.

و در **حدیث معتبر** دیگر از آن حضرت مروی است که: زیارت حضرت امام حسین ﷺ برابر است با یک حج و یک عمره، و زیارت پدرش برابر است با دو حج و دو عمره[۳].

و به **سند معتبر** دیگر منقول است که آن حضرت فرمود به حسّان بن مهران که: آیا زیارت می‌کنی قبرهای شهیدان را که نزد شمایند؟

گفتم: کدام شهیدان؟

فرمود که: علی و حسین ـ صلوات الله علیهما ـ.

گفت: زیارت می‌کنیم، و بسیار زیارت می‌کنیم.

فرمود که: ایشان اند آن شهیدان که حق تعالی در شأن ایشان فرموده است که: «زنده‌اند نزد پروردگار خود و حال آنکه روزی می‌یابند»[۴]. پس زیارت کنید ایشان را، و تضرّع کنید در طلب کردن حاجات خود نزد قبرهای ایشان؛ اگر به ما چنین نزدیک

---

۱ ـ تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۲۰ ح ۴۶، فرحة الغری: ۷۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۶۰ ح ۹، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۴۶ ش ۵۲۰.

۲ ـ تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۲۱ ح ۴۹، فرحة الغری: ۷۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۶۰ ح ۱۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۴۵ ش ۵۱۹.

۳ ـ تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۲۱ ح ۴، فرحة الغری: ۷۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۶۰ ح ۱۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۴۶ ش ۵۲۱.

۴ ـ آل عمران: ۱۶۹.

بودند که به شما نزدیک اند، هرآینه ایشان را هجرت اخذ می‌کردیم[۱].

مؤلّف گوید: یعنی هجرت به سوی ایشان می‌کردیم، و ترک وطن نموده نزد ایشان ساکن می‌شدیم، یا آنکه رفتن به سوی ایشان را به منزله هجرت به سوی خدا و رسول می‌دانستیم.

و به **سند معتبر** دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که: ما می‌گوییم که در پشت کوفه قبری هست که پناه نمی‌برد به آن قبر دردناکی، مگر آنکه حق تعالی او را شفا کرامت می‌فرماید[۲].

و در **حدیث معتبر** منقول است که: ابو شعیب خراسانی به خدمت حضرت امام رضا ـ صلوات الله علیه ـ عرض کرد که کدام بهتر است: زیارت قبر امیر المؤمنن صلوات الله علیه، یا زیارت قبر امام حسین علیه السلام؟

فرمود که: امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ با غم و شدّت و الم شهید شده است، پس بر خدا لازم است که نرود به زیارت او غمناکی مگر آنکه غم او را زایل گرداند. و فضیلت زیارت قبر امیرالمؤمنین بر زیارت قبر امام حسین، مثل فضیلت امیرالمؤمنین است بر امام حسین علیهما السلام[۳].

و به **سند معتبر** از ابو بصیر منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که: ولایت و دوستی ما ولایت خدا است، که مبعوث نکرده است هیچ پیغمبری را مگر به این ولایت. به درستی که خداوند عالمیان عرض کرد ولایت و محبّت ما را بر آسمانها و زمینها و کوهها و شهرها، و قبول نکردند هیچ یک مثل قبول کردن اهل کوفه. و به درستی که در پهلوی ایشان قبری هست که هیچ غمناکی به سوی آن قبر نمی‌رود مگر آنکه حق تعالی غمش را زایل می‌گرداند، و دعایش را مستجاب می‌گرداند، و او را به اهلش شاد برمی‌گرداند[۴].

---

۱ ـ فرحة الغری: ۷۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۶۱ ح ۱۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۴۵ ش ۵۱۷.

۲ ـ مزار مفید: ۲۲۴ ح ۶، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۴ ح ۱۴، فرحة الغری: ۹۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۶۱ ح ۱۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۳۲ ش ۵۰۳.

۳ ـ فرحة الغری: ۱۰۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۶۱ ح ۱۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۵۲ ش ۵۲۷.

۴ ـ امالی مفید: ۱۴۲ ح ۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۶۲ ح ۱۵.

و از حضرت صادق علیه السلام **منقول است** که: درهای آسمان باز می‌شود نزد داخل شدن زیارت کننده به روضه حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه[۱].

و به **سند معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: اعرابی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله منزل من از منزل تو دور است، و مشتاق زیارت و دیدن تو می‌شوم و می‌آیم و تو را نمی‌بینم، و علی بن ابی طالب علیه السلام را می‌بینم و مونس من می‌شود به حدیث گفتن و موعظه کردن، و بر می‌گردم با تأسّف بر ندیدن تو!

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که: هرکه علی را زیارت کند مرا زیارت کرده است، و هرکه او را دوست دارد مرا دوست داشته است، و هرکه او را دشمن دارد مرا دشمن داشته است. این حدیث را از من به قوم خود برسان. و هرکه برود بعد از وفات علی به زیارت او، چنان است که به زیارت من آمده باشد؛ و من جزا می‌دهم او را در قیامت، و جبرئیل، و صالح مؤمنان ـ که امیرالمؤمنین علیه السلام است ـ[۲].

---

۱ ـ مقنعه: ۴۶۲، ارشاد القلوب: ۴۴۲، بحارالانوار: ۱۰۰ / ۲۶۲ ح ۱۶.

۲ ـ مزار کبیر: ۳۸، بحارالانوار: ۱۰۰ / ۲۶۲ ح ۱۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲ / ۳۹ ش ۵۰۸.

فصل دوم

در بیان موضع قبر منوّر آن حضرت ـ صلوات الله علیه ـ و قبور شریفهٔ انبیا و اوصیا علیهم السلام که در جوار آن حضرت مدفون اند

بدان که چون حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه به حضرت امام حسن و امام حسین ـ صلوات الله علیهما ـ وصیّت نمود که آن حضرت را در شب، پنهان دفن کنند از خوف خوارج و غیر ایشان، به این سبب قبر آن حضرت مخفی بود و مطّلع نبود بر آن مگر قلیلی از خواصّ شیعیان؛ تا آنکه چون حضرت صادق علیه السلام در زمان سفاح به عراق تشریف آوردند، به جمعی کثیر از شیعیان و اصحاب خود نمودند قبر آن حضرت را، و فرمودند که علامت قبر را ساختند؛ و در زمان هارون تجدید کردند به سببی که بعد از این مذکور خواهد شد.

و به این سبب در میان مخالفان و بعضی از عوام شیعه در صدر اوّل اختلافی بهم رسیده بود، بعضی می‌گفته‌اند که در خانه خود مدفون گردیده، و بعضی می‌گفته‌اند در صحن مسجد کوفه، و بعضی می‌گفته‌اند در میدان کوفه، و بعضی می‌گفته‌اند در کرخ ـ که محلّه‌ای بوده است از بغداد کهنه ـ. ولیکن اجماع علمای شیعه منعقد گردیده است به نقلهای متواتر، که مرقد شریف آن حضرت همین موضع معروف است.

و سیّد عبد الکریم بن طاووس ـ رضي الله عنه ـ در این باب کتابی تألیف نموده است مسمّی به «فرحة الغریّ» و احادیث بسیار در این باب ایراد نموده، و معجزات بسیار که در این مکان شریف ظاهر گردیده است نقل نموده.

و در هر عصری از اعصار از کرامات و معجزات آنقدر ظاهر می‌گردد که احتیاج به نقل سلف نیست؛ و فقیر بسیاری از آن را در کتاب بحار الانوار ایراد نموده‌ام.

و به اسانید معتبره منقول است از صفوان جمّال که گفت: با حضرت صادق ﷺ روانه شدیم از مدینه به سوی کوفه، چون به حیره گذشتیم فرمود که: شتران باید به قائم بروند ـ که عمارتی بوده است نزدیک نجف ـ، و حدّ راه باید که به غریّ باشد ـ که عمارتی بوده است در نجف اشرف، و به آن سبب نجف را غریّ می‌گفته‌اند ـ.

پس چون به قائم رسیدیم آن حضرت ریسمان باریکی بیرون آوردند و از قائم به جانب مغرب گامی چند برداشتند، و آن ریسمان را کشیدند تا به آخر ریسمان رسیدند، پس دست زدند و از زمین کفی از خاک برگرفتند و بوییدند، پس روانه شدند تا ایستادند به موضعی که الحال موضع قبر امیرالمؤمنین است، و به کف مبارک قبضه‌ای از خاک برگرفتند و بوییدند و نعره زدند و بیهوش شدند، بحدّی که من گمان کردم که از دنیا مفارقت کردند، چون به هوش آمدند فرمودند که: این موضع قبر امیرالمؤمنین است. پس خطی کشیدند برای علامت قبر.

من عرض کردم که: یا ابن رسول الله، چه چیز مانع شد نیکان از اهل بیت رسالت را که قبر آن حضرت را ظاهر گردانند؟

فرمود که: برای حذر از فرزندان مروان و خارجیان، که مبادا حیله در آزار رسانیدن به جسد مبارك آن حضرت بکنند[1].

و ایضاً به سند معتبر از سلیمان بن خالد و محمّد بن مسلم ـ که هر دو از اکابر راویان اند ـ منقول است که گفتند که: رفتیم در حیره به خدمت حضرت امام جعفر صادق ﷺ و رخصت طلبیدیم و داخل شدیم و در خدمت آن حضرت نشستیم، و سؤال نمودیم از موضع قبر امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ.

فرمود که: چون از حیره بیرون می‌روید و از تلّ کوچک و از قائم می‌گذرید، و تا نجف یک تیر پرتاب یا دو تیر پرتاب می‌ماند، می‌بینید تلّهای سفید که در میان آنها

---

۱ ـ فرحة الغری: ۹۲، بحارالانوار: ۱۰۰/۲۳۵ ح ۱.

قبری هست که سیل آن را شکافته است، آن قبر امیرالمؤمنین ﷺ است.

پس بامداد رفتیم و به صفتی که حضرت فرموده بود قبر را یافتیم، پس زیارت کردیم و نماز کردیم و برگشتیم؛ و روز دیگر بامداد به خدمت آن حضرت رفتیم، و طریق رفتن و یافتن خود را وصف کردیم.

فرمود که: درست یافته‌اید، خدا شما را بر راه راست بدارد[۱].

و **منقول است** از ابی قرّه که گفت: رفتم با زید بن علی به جانب قبرستان کوفه که در طرف نجف است؛ پس زید نماز بسیار کرد و بعد از آن فرمود که: ما نزدیک قبر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالبیم، ای أبی قرّه ما در باغی از باغهای بهشتیم[۲].

و از محمد بن سائب **منقول است** که گفت: حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ را امام حسن و امام حسین علیهما السلام و محمد بن الحنفیه و عبدالله بن جعفر و جمعی از اهل بیت آن حضرت، در شب بیرون آوردند و در پشت کوفه دفن کردند؛ از ترس اینکه مبادا خوارج و غیر ایشان قبر را بشکافند و آن حضرت را بدر آورند[۳].

و در **روایت دیگر** منقول است که: چون ابن ملجم ـ علیه اللّعنه ـ آن حضرت را ضربت زد، حضرت امام حسن ﷺ به آن حضرت گفت که این ملعون را بکشم؟

فرمود که: نه، ولیکن او را حبس کن و اگر من بمیرم او را بکش؛ و مرا دفن کنید در پشت کوفه، در قبر دو برادرم حضرت صالح و حضرت هود[۴].

و در **حدیث دیگر** منقول است که از حضرت امام حسن صلوات الله علیه پرسیدند که: در کجا دفن کردید امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ را؟

فرمود که: در کنار آن موضع که سیلاب آن را شسته است؛ و خود وصیّت فرمود که مرا دفن کنید در قبر برادرم هود[۵].

---

۱ ـ فرحة الغری: ۱۰۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۷ ح۵.

۲ ـ مزار مفید: ۲۲۴ ح۵، فرحة الغری: ۱۱۴، بحارالانوار: ۱۰۰/۲۳۷ ح۶، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۳۳ ش۵۰۵.

۳ ـ فرحة الغری: ۱۲۴، بحارالانوار: ۱۰۰/۲۳۸ ح۸.

۴ ـ تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۳۳ ح ۶۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۹ ح ۹.

۵ ـ تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۳۴ ح ۶۷، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۹ ح ۱۰.

و به **سند صحیح** منقول است که به حضرت صادق علیه السلام عرض کردند که: مردم می‌گویند که امیرالمؤمنین در صحن مسجد کوفه مدفون شده است.

فرمود که: نه.

گفتند که: پس کجا مدفون شده است؟

فرمود که: چون آن حضرت فوت شد، امام حسن علیه السلام او را برداشت و آورد به پشت کوفه و در میان تلّهای سفید دفن کرد.

صفوان جمّال می‌گوید که: رفتم به آنجا و یک موضعی را گمان کردم، و به خدمت آن حضرت آمدم و خبر دادم.

فرمود که: درست یافته‌ای، خدا تو را رحم کند[۱].

و به **سند معتبر** منقول است از یزید بن عمرو که: حضرت صادق علیه السلام در وقتی که در حیره بود روزی به من گفت که: آیا می‌خواهی بعمل آورم آنچه تو را وعده داده بودم که قبر امیرالمؤمنین را به تو نشان دهم؟

گفتم: بلی.

پس آن حضرت سوار شد، و اسماعیل فرزند آن حضرت سوار شد، و من با ایشان سوار شدم، تا آنکه از تلّ کوچک گذشت، و میان حیره و نجف نزد تلّهای سفید فرود آمد، و من و اسماعیل هم فرود آمدیم، پس حضرت نماز کرد و ما هم نماز کردیم؛ پس به اسماعیل گفت: برخیز و سلام کن بر جدّت حسین بن علی علیهما السلام.

گفتم: فدای تو شوم، مگر حسین در کربلا نیست؟

فرمود که: بلی، امّا چون سر مبارک آن حضرت را به شام بردند، یکی از شیعیان ما آن سر را دزدید و آورد و دفن کرد در پهلوی امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیهما ـ[۲].

و به **سند معتبر** از ابان بن تغلب مروی است که گفت: با حضرت صادق علیه السلام رفتیم به پشت کوفه، بر قبری گذشتند و فرود آمدند و دو رکعت نماز گزاردند، پس اندکی راه

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۳ ب ۹ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۴۰ ح ۱۲.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۷۱ ح ۱، کامل الزیارات: ۳۴ ب ۹ ح ۴، فرحة الغری: ۶۴، بحارالانوار: ۴۵/ ۱۷۸ ح ۲۸، وج ۱۰۰/ ۲۴۱ ح ۱۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۳۹ ش ۱۱۲۷.

رفتند و فرود آمدند و دو رکعت نماز گزاردند، پس اندکی دیگر رفتند و فرود آمدند و دو رکعت نماز کردند؛ پس فرمودند که: آن موضع اوّل قبر امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ بود، و موضع دوم محلّ سر مبارک امام حسین ﷺ بود، و موضع سوم محلّ منبر حضرت قائم آل محمّد ـ صلوات الله علیه ـ خواهد بود[۱].

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که فرمود که: چون به نجف می‌روی دو قبر می‌بینی، قبر بزرگی و قبر کوچکی؛ قبر بزرگ قبر امیرالمؤمنین است، و قبر کوچک مدفن سر حضرت امام حسین است[۲].

و به سند معتبر منقول است از صفوان جمّال که گفت: من با حضرت صادق ﷺ از قادسیّه روانه شدیم، تا مُشرِف شد بر نجف فرمود که: این کوهی است که پناه برد به آن فرزند جدّم نوح ﷺ ـ که گفت به زودی پناه برم به کوهی که مرا از آب نگاه دارد ـ، پس حق تعالیٰ وحی نمود به سوی آن کوه که ای نجف آیا مردم به تو پناه می‌برند از عذاب من! پس کوه فرو رفت در زمین و پاره پاره شد، و در ناحیه شام ظاهر شد.

پس فرمود که: راه را بگردان. پس می‌رفت تا رسید به غری، پس بر قبری ایستاد و سلام فرستاد بر پیغمبران یک یک ـ از آدم گرفته تا پیغمبر آخر الزّمان صلوات الله علیهم اجمعین ـ و من با او سلام می‌فرستادم؛ پس بر روی قبر افتاد و بر صاحب قبر سلام کرد، و صدای گریه آن حضرت بلند شد. پس برخاست و چهار رکعت نماز گزارد؛ و من نیز با آن حضرت نماز کردم، پس پرسیدم که این قبر کیست؟ فرمود که: این قبر جدّم علیّ بن ابی طالب ﷺ است[۳].

و در حدیث معتبر از یونس بن ظبیان منقول است که گفت: من در خدمت حضرت صادق ﷺ بودم در حیره، در ایّامی که آن حضرت به نزد ابو جعفر دوانیقی

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۷۱ ح ۲، کامل الزیارات: ۳۴ ب ۹ ح ۵، فرحة الغری: ۵۷، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۴۱ ح ۲۰ و ۲۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۲۳۹ ش ۱۱۲۸.

۲ ـ کامل الزیارات: ۳۴ ب ۹ ح ۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۴۱ ح ۲۲.

۳ ـ کامل الزیارات: ۳۵ ب ۹ ح ۷، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۶ ح ۳۱۹۷، فرحة الغری: ۹۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۴۲ ح ۲۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۱۱۶ ش ۵۶۶ وص ۲۷۹ ش ۶۰۱.

آمده بودند در شب ماهتابی، پس نظر کرد به سوی آسمان و فرمود که: ای یونس، نمی‌بینی این ستاره‌ها را که چه بسیار نیکو است! به درستی که اینها امان اهل آسمان‌اند، و ما اهل بیت امان اهل زمینیم.

پس فرمود که‌ای یونس، امر کن که استر و الاغ را زین کنند.

و چون هردو را زین کردند، فرمود که‌ای یونس می‌خواهم که الاغ را به من گذاری و استر را تو سوار شوی.

پس سوار شدیم، و چون از حیره بیرون رفتیم فرمود که: پیش باش ای یونس!

وگاه می‌فرمود که از جانب راست برو، وگاه می‌فرمود که از جانب چپ برو.

پس چون رسیدیم به تلّهای سرخ، فرمود که: به جانب راست برو.

پس به موضعی رفت که در آن چشمه آبی بود و وضو ساخت، پس نزدیک زمین بلندی آمد و نماز گزارد، پس بر آن بلندی برآمد و بسیار گریست، پس به بلندی دیگر رفت و باز چنین کرد.

پس فرمود که: ای یونس بکن مثل آنچه من کردم.

پس چون فارغ شدم فرمود که: ای یونس، می‌شناسی این مکان را؟

گفتم: نه.

فرمود که: موضعی که اوّل در آن نماز کردم موضع قبر امیرالمؤمنین بود، و آن بلندیِ دیگر، موضع سر حضرت امام حسین است؛ به درستی که ملعون عبید الله ابن زیاد ـ علیه اللّعنه ـ چون سر مبارک حضرت امام حسین ﷺ را به شام فرستاد، آوردند به کوفه، پس گفت: بیرون برید این سر را از کوفه که باعث فتنهٔ اهلش نشود، پس حق تعالیٰ چنین کرد که نزد امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ مدفون شد؛ پس سر با بدن است، و بدن با سر است[۱].

مؤلّف گوید که: گویا مراد این باشد که بعد از دفن کردن، حق تعالیٰ آن سر مبارک را به بدن شریفش ملحق گردانید، و متّصل به بدن شد؛ و در این موضع زیارت کردن

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۶ ب ۹ ح ۱۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۴۳ ح ۲۶.

برای این است که اوّل در اینجا مدفون شده است.

و محتمل است که مراد این باشد که بدن مبارک امیرالمؤمنین به منزله بدن شریف آن حضرت است، و هردو یک نور اند و جدائی در میان ایشان نیست؛ و باز سر و بدن از هم جدا نشدند.

و به **سند صحیح** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود که: چون من در حیره بودم نزد ابو العبّاس سفّاح، شب می‌رفتم به نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام ـ و آن در ناحیه نجف حیره است، در پهلوی عمارت غری که نعمان پادشاه عرب ساخته است ـ، پس نماز شب را در آنجا می‌کردم و پیش از صبح بر می‌گشتم[۱].

و ایضاً به **سند صحیح** از صفوان منقول است که از آن حضرت پرسیدم از موضع قبر امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ و آن حضرت نشان دادند.

صفوان گفت که: بعد از آن، بیست سال من نماز را نزد قبر آن حضرت می‌کردم[۲].

و در **حدیث ابوحمزه ثمالی** خواهد آمد که: حضرت امام زین العابدین علیه السلام او را بردند به نجف موضعی را نشان دادند و فرمودند که: این موضع قبر جدّم امیرالمؤمنین است؛ و زیارت کردند، و دو طرف روی مبارک خود را بر قبر منوّر مالیدند[۳].

و در **روایت معتبر** دیگر منقول است که ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود که: امیرالمؤمنین در کجا مدفون گردیده است؟

فرمود که: در قبر پدرش حضرت نوح.

ابوبصیر گفت که: مردم می‌گویند که نوح در مسجد کوفه مدفون است؟

فرمود که نه، در پشت کوفه مدفون است[۴].

و در **حدیث معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: قبر امیرالمؤمنین در میان سینهٔ حضرت نوح و فرق سر آن حضرت است، از جانب قبله[۵].

۱ـ کامل الزیارات: ۳۷ ب ۹ ح ۱۱، فرحة الغری: ۷۱ و ۱۰۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۴۴ ح ۲۷.

۲ـ کامل الزیارات: ۳۷ ب ۹ ح ۱۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۴۴ ح ۲۸.

۳ـ فرحة الغری: ۴۷، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۴۵ ح ۳۱.

۴ـ فرحة الغری: ۶۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۴۸ ح ۳۹.

۵ـ فرحة الغری: ۷۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۴۹ ح ۴۲.

و در **روایت معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: حضرت امیرالمؤمنین حضرت امام حسن عليه السلام را امر فرمود که قبر آن حضرت را در چهار موضع بکنند: در مسجد، و در نجف، و دو موضع دیگر؛ برای آنکه دشمنانش موضع قبرش را ندانند[۱].

و در **حدیث دیگر** فرمود که حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام وصیت فرمود که: جسد مرا بیرون برید پشت کوفه، پس هرگاه قدمهای شما فرو رود و بادی رو بروی شما بوزد مرا دفن کنید؛ و آن اوّل طور سینا است. پس چنین کردند[۲].

و در **حدیث معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: در کوفه است قبر نوح، و ابراهیم، و قبر سیصد و هفتاد پیغمبر، و ششصد وصیّ پیغمبر، و قبر بهترین اوصیای پیغمبران ـ یعنی امیرالمؤمنین ـ[۳].

مؤلّف گوید که: چون در روایت معتبره بسیار وارد است که حضرت آدم و نوح عليهما السلام نزد حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ مدفون اند[۴]، و در بعضی روایاتْ حضرت هود وارد شده است[۵]، و حضرت صالح عليه السلام نیز مشهور است که در حوالی آن حضرت مدفون است[۶]، و حضرت یونس و ذو الکفل نیز در این زمان قبرشان معروف است، و در این حدیث نیز حضرت ابراهیم عليه السلام با سایر انبیا و اوصیا وارد شده است، اگر در وقت زیارت آن حضرت همه را زیارت کند مناسب است؛ آنچه بخصوص مذکور اند خصوصاً، و باقی را عموماً.

و سابقاً روایتی گذشت[۷] که حضرت صادق عليه السلام سلام بر آدم و سایر انبیا فرستادند در زیارت آن حضرت.

---

۱ ـ فرحة الغری: ۷۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۵۰ ح ۴۴.

۲ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۴ ح ۶۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۵۰ ح ۴۵، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۲/ ۲۸ ش ۴۹۳.

۳ ـ فرحة الغری: ۶۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۰۴ ح ۶۱، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۲/ ۱۹ ش ۴۷۰.

۴ ـ کامل الزیارات: ۳۹ ب ۱۰ ضمن ح ۲، مزار مفید: ۲۱ ـ ۲۲ ضمن ح ۳، تهذیب الاحکام: ۶/ ۲۳ ضمن ح ۵۱، مزار کبیر: ۳۷، فرحة الغری: ۷۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۵۸ ضمن ح ۴، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۲/ ۴۹ ش ۵۲۴.

۵ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۳ ـ ۳۴ ح ۶۶ و ح ۶۷، فرحة الغري: ۳۸ ـ ۳۹، بحارالانوار: ۴۲/ ۲۱۸ ح ۲۰ و ۲۱ و ج ۱۰۰/ ۲۳۹ ح ۹ و ۱۰.

۶ ـ فرحة الغری: ۳۸، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۴ ح ۶۶، جامع الاخبار: ۷۲ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۹ ح ۹.

۷ ـ نگاه کن: ص ۱۰۰.

و این احادیث منافات ندارد با احادیثی که وارد شده است که بعضی از ایشان در مواضع دیگر مدفون شده‌اند؛ زیرا که ممکن است که مثل حضرت آدم ﷺ در جایی دیگر مدفون شده باشد، و از برای شرف مجاورت آن حضرت ایشان را به این محلّ شریف نقل کرده باشند.

و امّا مدفون شدن سر حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ در بالای سر حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه، و استحباب زیارت آن حضرت در آن مکان ـ به غیر آنچه سابقاً ذکر کردیم ـ بسیار است[1]؛ و احادیث در این باب بعد از این نیز خواهد آمد إن‌شاءالله[2].

۱ ـ کامل الزیارت: ۳۴ ب ۹ ح ۴ ـ ۶، فرحة الغری: ۵۶ ـ ۵۸ وص ۶۴ و ۶۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۴۱ ح ۱۸ وص ۲۴۴ ذیل ح ۲۶ وص ۲۴۶ ـ ۲۴۷ ح ۳۴ ـ ۳۶، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۲۳۹ ش ۱۱۲۷.

۲ ـ نگاه کن: ص ۱۱۳ و ۱۳۲ و ۱۳۷.

فصل سوم

در بیان زیارات مطلقه آن حضرت که مقیّد به وقتی نیست

اوّل:

زیارتی است که شیخ مفید و سیّد ابن طاووس و شیخ شهید و غیر ایشان ـ قدّس الله ارواحهم ـ در کتب خود ذکر کرده‌اند و به روایت نسبت داده‌اند؛ اگرچه از بعضی قرائن مفهوم می‌شود که دعایی چند در میان روایت درج فرموده باشند، و روایات دیگر نیز به این روایت ضمّ کرده باشند.

شیخ مفید فرموده است که: مروی است از صفوان که عرض نمود به خدمت حضرت صادق ـ صلوات الله علیه ـ که: چگونه زیارت کنیم حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را؟

فرمود که: ای صفوان، هرگاه که ارادهٔ زیارت نمایی غسل بکن و دو جامهٔ پاک بپوش، و به چیزی از بوی خوش خود را خوشبو کن ـ و اگر نیابی و نکنی تو را مُجزی است ـ و چون از خانه خود بیرون می‌روی بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ مَنْزِلِي أَبْغِي فَضْلَكَ، وَأَزُوْرُ وَصِيَّ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِما؛ اَللّٰهُمَّ فَيَسِّرْ ذٰلِكَ لِي، وَسَبِّبِ الْمَزارَ لَهُ، وَاخْلُفْنِي في عاقِبَتِيْ وَحُزانَتِي بِأَحْسَنِ الْخِلافَةِ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس روانه شو و حال آنکه می‌گفته باشی: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ، وسُبحانَ اللهِ، ولا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ؛**

و چون به خندق کوفه برسی بایست نزد خندق و بگو:

اَللهُ أَكْبَرُ، اَللهُ أَكْبَرُ أَهْلُ ٱلْكِبْرِياءِ وَٱلْمَجْدِ وَٱلْعَظَمَةِ، اَللهُ أَكْبَرُ أَهْلُ ٱلتَّكْبِيرِ وَٱلتَّقْدِيسِ وَٱلتَّسْبِيحِ وَٱلْآلاءِ، اَللهُ أَكْبَرُ مِمّا أخافُ وَأحْذَرُ، اَللهُ أَكْبَرُ عِمادِي وَعَلَيْهِ أَتَوَكَّلُ، اَللهُ أَكْبَرُ رَجائِي وَإِلَيْهِ أُنِيبُ.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي، وَٱلْقادِرُ عَلىٰ طَلِبَتِي، تَعْلَمُ حاجَتِي وَما تُضْمِرُهُ هَواجِسُ ٱلصُّدُورِ، وَما تَتَوَهَّمُهُ خَواطِرُ ٱلنُّفُوسِ؛ فَأَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ ٱلْمُصْطَفىٰ، ٱلَّذي قَطَعْتَ بِهِ حُجَجَ ٱلْمُحْتَجِّينَ، وَعُذْرَ ٱلْمُعْتَذِرِينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعالَمِينَ، أنْ لا تَحْرِمَنِي زِيارَةَ[1] وَلِيِّكَ وَأَخِي نَبِيِّكَ، أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَقَصْدَهُ، وَتَجْعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ ٱلصّالِحِينَ، وَشِيعَتِهِ ٱلْمُتَّقِينَ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

و چون نمودار شود برای تو قبّه شریفه آن حضرت، بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ ما ٱخْتَصَّنِي بِهِ مِنْ طِيبِ ٱلْمَوْلِدِ، وَٱسْتَخْلَصَنِي إكْراماً[2] بِهِ مِنْ مُوالاةِ ٱلْأَبْرارِ، ٱلسَّفَرَةِ ٱلْأَطْهارِ، وَٱلْخِيَرَةِ ٱلْأَعْلامِ.

اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ سَعْيِي إلَيْكَ، وَتَضَرُّعِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَٱغْفِرْ لِيَ ٱلذُّنُوبَ ٱلَّتِي لا تَخْفىٰ عَلَيْكَ، إنَّكَ أَنْتَ ٱللهُ ٱلْمَلِكُ ٱلْغَفّارُ.

پس چون برسی به ثُوَیّ ـ که آن در این زمان تلّی است نزدیک قبرستان از جانب چپ راه برای کسی که از کوفه رو به نجف آید ـ دو رکعت نماز در آنجا بکن؛ که روایت رسیده است که جماعتی از مخصوصان اصحاب امیرالمؤمنین ﷺ در آنجا مدفون شده‌اند، و بخوان آن دعا را که در هنگام دیدن قبّه مقدّسه خواندی.

و چون به عمارت حنّانه برسی دو رکعت نماز بکن، زیرا که روایت کرده است ابن ابی عمیر از مفضّل که چون حضرت صادق ﷺ گذشتند به عمارتِ میل کرده ـ که در سر راه نجف است ـ دو رکعت نماز کردند.

---

۱ ـ «ثوابَ زیارةِ» خ ل.

۲ ـ «لِکَرامتِهِ» خ ل.

به حضرت عرض کردند که این چه نماز بود؟

فرمود که: این موضعِ سر مبارک جدّم حسین بن علی ﷺ است که در اینجا گذاشتند در وقتی که از کربلا می‌آوردند که به سوی عبید الله بن زیاد ـ علیه اللعنة ـ ببرند.

پس در آنجا این دعا بخوان:

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَرىٰ مَكاني، وَتَسْمَعُ كَلامي، وَلا يَخْفىٰ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْري، وَكَيْفَ يَخْفىٰ عَلَيْكَ ما أَنْتَ مُكَوِّنُهُ وَبارِئُهُ، وَقَدْ جِئْتُكَ مُسْتَشْفِعاً بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ ٱلرَّحْمَةِ، وَمُتَوَسِّلاً بِوَصِيِّ رَسُولِكَ، فَأَسْأَلُكَ بِهِما ثَباتَ ٱلْقَدَمِ وَٱلْهُدىٰ، وَٱلْمَغْفِرَةَ فِي ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ.

مؤلّف گوید که: بهتر آن است که در مسجد حنّانه زیارت کند حضرت امام حسین ﷺ را به آن زیارتی که بعد از اتمام این زیارت از محمد بن المشهدی نقل خواهد شد[1]، و چهار رکعت نماز بکند، چنانچه مذکور خواهد شد[2] که حضرت صادق ﷺ در این موضع چنین کردند.

پس *گفته‌اند که*: چون به دروازهٔ نجف برسی بگو:

﴿اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذي هَدانا لِهٰذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا أَنْ هَدانَا ٱللّٰهُ﴾[3]، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذي سَيَّرَني في بِلادِهِ، وَحَمَلَني عَلىٰ دَوابِّهِ، وَطَوىٰ لِيَ ٱلْبَعيدَ، وَصَرَفَ عَنِّي ٱلْمَحْذُورَ، وَدَفَعَ عَنِّي ٱلْمَكْرُوهَ، حَتّىٰ أَقْدَمَني أَخا رَسُولِهِ ـ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ.

پس داخل شهر شو و بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذي أَدْخَلَني هٰذِهِ ٱلْبُقْعَةَ ٱلْمُبارَكَةَ ٱلَّتي بارَكَ ٱللّٰهُ فيها وَٱخْتارَها لِوَصِيِّ نَبِيِّهِ، اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْها شاهِدَةً لي[4].

پس چون به درگاه اوّل برسی بگو:

اَللّٰهُمَّ لِبابِكَ وَقَفْتُ[5]، وَبِفِنائِكَ نَزَلْتُ، وَبِحَبْلِكَ ٱعْتَصَمْتُ، وَلِرَحْمَتِكَ تَعَرَّضْتُ،

---

۱ و ۲ـ نگاه کن: ص ۱۱۸.

۳ ـ اعراف: ۴۳.

۴ ـ «فاجعلها لي بابَ حِطَّةِ خطايايَ» خ ل.

۵ ـ «قَرعْتَ» خ ل.

وَبِوَلِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ تَوَسَّلْتُ، فَاجْعَلْها زِيارَةً مَقْبُولَةً، وَدُعاءً مُسْتَجاباً.

پس چون به در صحن برسی بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذَا ٱلْحَرَمَ حَرَمُكَ، وَٱلْمَقامَ مَقامُكَ، وَأَنا أَدْخُلُ إِلَيْهِ أُناجِيكَ بِما أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، وَمِنْ سِرِّي وَمِنْ نَجْوايَ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلْحَنّانِ ٱلْمَنّانِ ٱلْمُتَطَوِّلِ، ٱلَّذِي مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لِي زِيارَةَ مَوْلايَ بِإِحْسانِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيارَتِهِ مَمْنُوعاً، وَلا عَنْ وِلايَتِهِ مَدْفُوعاً، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ.

اَللّٰهُمَّ كَما مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِ فَاجْعَلْنِي مِنْ شِيعَتِهِ، وَأَدْخِلْنِي ٱلْجَنَّةَ بِشَفاعَتِهِ، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

پس داخل صحن بشو و بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِهِ، وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ وَمَنْ فَرَضَ عَلَيَّ طاعَتَهُ، رَحْمَةً مِنْهُ لِي وَتَطَوُّلاً مِنْهُ عَلَيَّ، وَمَنَّ عَلَيَّ بِالْإِيمانِ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي أَدْخَلَنِي حَرَمَ أَخِي رَسُولِهِ وَأَرانِيهِ فِي عافِيَةٍ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي جَعَلَنِي مِنْ زُوّارِ قَبْرِ وَصِيِّ رَسُولِهِ.

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ ٱللّٰهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيّاً عَبْدُ ٱللّٰهِ، وَأَخُو رَسُولِ ٱللّٰهِ.

اَللّٰهُ أَكْبَرُ، ٱللّٰهُ أَكْبَرُ، ٱللّٰهُ أَكْبَرُ، لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللّٰهُ وَٱللّٰهُ أَكْبَرُ، وَٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ هِدايَتِهِ وَتَوْفِيقِهِ لِما دَعا إِلَيْهِ مِنْ سَبِيلِهِ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَفْضَلُ مَقْصُودٍ وَأَكْرَمُ مَأْتِيٍّ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ

اَلرَّحْمَةِ، وَبِأَخِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ ـ عَلَيْهِمَا السَّلامُ ـ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تُخَيِّبْ سَعْيِي، وَانْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحِيمَةً تَنْعَشُنِي بِها، وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ.

پس چون به در رواق برسى بايست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ، أَمِينِ اللّٰهِ عَلىٰ وَحْيِهِ وَعَزائِمِ أَمْرِهِ، الْخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَالْفاتِحِ لِما اسْتُقْبِلَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ صاحِبِ السَّكِينَةِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمَدْفُونِ بِالْمَدِينَةِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَبِي الْقاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ، وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس داخل رواق شو ـ و در داخل شدن پاى راست را مقدّم دار ـ و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ، وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اللّٰهِ وَخِيَرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِاللّٰهِ وَأَخِي رَسُولِ اللّٰهِ[1]. يا مَوْلايَ يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ جاءَكَ مُسْتَجِيراً بِذِمَّتِكَ، قاصِداً إِلىٰ حَرَمِكَ، مُتَوَجِّهاً إِلىٰ مَقامِكَ، مُتَوَسِّلاً إِلَى اللّٰهِ تَعالىٰ بِكَ. أَأَدْخُلُ يا مَوْلايَ، أَأَدْخُلُ يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَأَدْخُلُ يا حُجَّةَ اللّٰهِ، أَأَدْخُلُ يا أَمِينَ اللّٰهِ، أَأَدْخُلُ يا مَلائِكَةَ اللّٰهِ الْمُقِيمِينَ فِي هٰذَا الْمَشْهَدِ، يا مَوْلايَ أَتَأْذَنُ لِي بِالدُّخُولِ أَفْضَلَ ما أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لَهُ أَهْلاً فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذٰلِكَ.

پس عتبه را ببوس، و مقدّم دار پاى راست را پيش از پاى چپ و داخل شو، و در

---

١ ـ «ورسوله» خ ل.

حال داخل شدن بگو:

بِسْمِ ٱللهِ وَبِاللهِ، وَفي سَبيلِ ٱللهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ ٱللهِ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اَللّٰهُمَّ ٱغْفِرْ لِي وَٱرْحَمْنِي، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ ٱلتَّوّابُ ٱلرَّحِيمُ.

پس برو تا مُحاذی قبر شوی، و توقف نما پیش از رسیدن به قبر و بگو:

اَلسَّلامُ مِنَ ٱللهِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِ ٱللهِ، أَمِينِ ٱللهِ عَلىٰ وَحْيِهِ وَرِسالاتِهِ وَعَزائِمِ أَمْرِهِ، وَمَعْدِنِ ٱلْوَحْيِ وَٱلتَّنْزِيلِ، ٱلْخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَٱلْفاتِحِ لِما ٱسْتُقْبِلَ، وَٱلْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، اَلشّاهِدِ عَلىٰ ٱلْخَلْقِ، اَلسِّراجِ ٱلْمُنِيرِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ ٱلْمَظْلُومِينَ، أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَرْفَعَ وَأَشْرَفَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَنْبيائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيائِكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، عَبْدِكَ وَخَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ، وَأَخِي رَسُولِكَ، وَوَصِيِّ حَبِيبِكَ، ٱلَّذِي ٱنْتَجَبْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَٱلدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسالاتِكَ، وَدَيّانِ ٱلدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَٱلسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى ٱلْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، ٱلْقَوّامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِهِ، ٱلْمُطَهَّرِينَ ٱلَّذِينَ ٱرْتَضَيْتَهُمْ أَنْصاراً لِدِينِكَ، وَحَفَظَةً لِسِرِّكَ، وَشُهَداءَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَأَعْلاماً لِعِبادِكَ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ وَصِيِّ رَسُولِ ٱللهِ وَخَلِيفَتِهِ، وَٱلْقائِمِ بِأَمْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، سَيِّدِ ٱلْوَصِيِّينَ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ ٱللهِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ سَيِّدَةِ نِساءِ ٱلْعالَمِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ سَيِّدَي شَبابِ أَهْلِ ٱلْجَنَّةِ مِنَ ٱلْخَلْقِ أَجْمَعِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْأَئِمَّةِ ٱلرّاشِدِينَ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْأَنْبِياءِ وَٱلْمُرْسَلِينَ، اَلسَّلامُ عَلَى

اَلْأَئِمَّةِ اَلْمُسْتَوْدَعِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ خاصَّةِ اَللهِ مِنْ خَلْقِهِ، اَلسَّلامُ عَلَى اَلْمُتَوَسِّمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَى اَلْمُؤْمِنِينَ اَلَّذِينَ قامُوا بِأَمْرِهِ وَوازَرُوا أَوْلِياءَ اَللهِ، وَخافُوا بِخَوْفِهِمْ.

اَلسَّلامُ عَلَى اَلْمَلائِكَةِ اَلْمُقَرَّبِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْنا وَعَلىٰ عِبادِ اَللهِ اَلصّالِحِينَ.

پس برو تا بايستى نزديک قبر، و رو به قبر و پشت به قبله كن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا إِمامَ اَلْهُدىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلَمَ اَلتُّقىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا اَلْوَصِيُّ اَلْبَرُّ[1] اَلتَّقِيُّ اَلنَّقِيُّ اَلْوَفِيُّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا اَلْحَسَنِ وَاَلْحُسَيْنِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَ اَلدِّينِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ اَلْوَصِيِّينَ، وَأَمِينَ رَبِّ اَلْعالَمِينَ، وَدَيّانَ يَوْمِ اَلدِّينِ، وَخَيْرَ اَلْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ اَلصِّدِّيقِينَ، وَاَلصِّفْوَةَ مِنْ سُلالَةِ اَلنَّبِيِّينَ، وَبابَ حِكْمَةِ رَبِّ اَلْعالَمِينَ، وَخازِنَ وَحْيِهِ وَعَيْبَةَ عِلْمِهِ، وَاَلنّاصِحَ لِأُمَّةِ نَبِيِّهِ، وَاَلتّالِيَ لِرَسُولِهِ، وَاَلْمُواسِيَ لَهُ بِنَفْسِهِ، وَاَلنّاطِقَ بِحُجَّتِهِ، وَاَلدّاعِيَ إِلىٰ شَرِيعَتِهِ، وَاَلْماضِيَ عَلىٰ سُنَّتِهِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ نَبِيِّكَ[2] ما حُمِّلَ، وَرَعىٰ مَا اَسْتُحْفِظَ، وَحَفِظَ مَا اَسْتُوْدِعَ، وَحَلَّلَ حَلالَكَ، وَحَرَّمَ حَرامَكَ، وَأَقامَ أَحْكامَكَ، وَجاهَدَ اَلنّاكِثِينَ فِي سَبِيلِكَ، وَاَلْقاسِطِينَ فِي حُكْمِكَ، وَاَلْمارِقِينَ عَنْ أَمْرِكَ، صابِراً مُحْتَسِباً، لا تَأْخُذُهُ فِيكَ لَوْمَةُ لائِمٍ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيائِكَ وَأَصْفِيائِكَ، وَأَوْصِياءِ أَنْبِيائِكَ.

اَللّٰهُمَّ هٰذا قَبْرُ وَلِيِّكَ اَلَّذِي فَرَضْتَ طاعَتَهُ، وَجَعَلْتَ فِي أَعْناقِ عِبادِكَ مُبايَعَتَهُ، وَخَلِيفَتِكَ اَلَّذِي بِهِ تَأْخُذُ وَتُعْطِي، وَبِهِ تُثِيبُ وَتُعاقِبُ، وَقَدْ قَصَدْتُهُ طَمَعاً لِما أَعْدَدْتَهُ لِأَوْلِيائِكَ، فَبِعَظِيمِ قَدْرِهِ عِنْدَكَ، وَجَلِيلِ خَطَرِهِ لَدَيْكَ، وَقُرْبِ مَنْزِلَتِهِ مِنْكَ، صَلِّ عَلىٰ

---

۱ ـ «البارّ» خ ل.
۲ ـ «رَسُولِكَ» خ ل.

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَٱفْعَلْ بِي ما أنْتَ أهْلُهُ، فَإنَّكَ أهْلُ ٱلْكَرَمِ وَٱلْجُودِ.

وَٱلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ، وَعَلىٰ ضَجِيعَيْكَ آدَمَ وَنُوحٍ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس ضريح را ببوس، و در جانب سر بايست و بگو:

يا مَوْلايَ إلَيْكَ وُفُودِي، وَبِكَ أتَوَسَّلُ إلىٰ رَبِّي في بُلُوغِ مَقْصُودِي، وَأشْهَدُ أنَّ ٱلْمُتَوَسِّلَ بِكَ غَيْرُ خائِبٍ، وَٱلطّالِبَ بِكَ عَنْ مَعْرِفَةٍ غَيْرُ مَرْدُودٍ إلّا بِقَضاءِ حَوائِجِهِ، فَكُنْ لِي شَفِيعاً إلَى ٱللهِ رَبِّكَ وَرَبِّي في قَضاءِ حَوائِجِي، وَتَيْسِيرِ أُمُورِي، وَكَشْفِ شِدَّتِي، وَغُفْرانِ ذَنْبِي[١]، وَسَعَةِ رِزْقِي، وَتَطْوِيْلِ عُمْرِي، وَإعْطاءِ سُؤْلِي في آخِرَتِي وَدُنْيايَ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ قَتَلَةَ أمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ قَتَلَةَ ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ قَتَلَةَ ٱلأئِمَّةِ، وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً ألِيماً لا تُعَذِّبُهُ أحَداً مِنَ ٱلْعالَمِينَ، عَذاباً كَثِيراً لا ٱنْقِطاعَ لَهُ وَلا أجَلَ وَلا أمَدَ، بِما شاقُّوا وُلاةَ أمْرِكَ، وَأعِدَّ لَهُمْ عَذاباً لَمْ تُحِلَّهُ بِأحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ.

اَللّٰهُمَّ وَأدْخِلْ عَلىٰ قَتَلَةِ أنْصارِ رَسُولِكَ، وَعَلىٰ قَتَلَةِ أمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَعَلىٰ قَتَلَةِ ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ، وَعَلىٰ قَتَلَةِ أنْصارِ ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ، وَقَتَلَةِ مَنْ قُتِلَ في وِلايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ أجْمَعِينَ عَذاباً ألِيماً مُضاعَفاً في أسْفَلِ دَرْكٍ مِنَ ٱلْجَحِيمِ، لا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ ٱلْعَذابُ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ مَلْعُونُونَ، ناكِسُو رُؤُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ، قَدْ عايَنُوا ٱلنَّدامَةَ وَٱلْخِزْيَ ٱلطَّوِيلَ، لِقَتْلِهِمْ عِتْرَةَ أنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَأتْباعِهِمْ مِنْ عِبادِكَ ٱلصّالِحِينَ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْهُمْ في مُسْتَسِرِّ ٱلسِّرِّ وَظاهِرِ ٱلْعَلانِيَةِ في أرْضِكَ وَسَمائِكَ[٢].

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ لِي قَدَمَ[٣] صِدْقٍ في أوْلِيائِكَ، وَحَبِّبْ إلَيَّ مَشاهِدَهُمْ وَمُسْتَقَرَّهُمْ،

---

١ ـ «ذنوبي» خ ل.
٢ ـ «سمائك وأرضك» خ ل.
٣ ـ «لسان» خ ل.

حَتّىٰ تُلْحِقَنِي بِهِمْ وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعاً فِي ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

پس ضريح را ببوس، و پشت به قبله بايست و رو بـه جـانب قـبر امـام حسـين ـ صلوات الله عليه ـ بكن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ فاطِمَةَ ٱلزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ ٱلعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا ٱلأَئِمَّةِ ٱلْهادِينَ ٱلْمَهْدِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَرِيعَ ٱلدَّمْعَةِ ٱلسّاكِبَةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ ٱلمُصِيبَةِ ٱلرّاتِبَةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ جَدِّكَ وَأَبِيكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أُمِّكَ وَأَخِيكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ٱلأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَبَنِيكَ.

أَشْهَدُ لَقَدْ طَيَّبَ ٱللهُ بِكَ ٱلتُّرابَ، وَأَوْضَحَ بِكَ ٱلْكِتابَ، وَجَعَلَكَ وَأَباكَ وَجَدَّكَ وَأَخاكَ وَبَنِيكَ عِبْرَةً لِأُولِي ٱلْأَلْبابِ، يَا ٱبْنَ ٱلْمَيامِينِ ٱلأَطْيابِ[1]، اَلتّالِينَ ٱلكِتابَ، وَجَّهْتُ سَلامِي إِلَيْكَ، صَلَواتُ ٱللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْكَ، وَجَعَلَ أَفْئِدَةً مِنَ ٱلنّاسِ تَهْوِي إِلَيْكَ، ما خابَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكَ وَلَجَأَ إِلَيْكَ.

پس برو نزد پاى قبر بايست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَبِي ٱلْأَئِمَّةِ، وَخَلِيلِ ٱلنُّبُوَّةِ، وَٱلْمَخْصُوصِ بِالْأُخُوَّةِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ يَعْسُوبِ ٱلدِّينِ وَٱلْإِيمانِ، وَكَلِمَةِ ٱلرَّحْمٰنِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مِيزانِ ٱلأَعْمالِ، وَمُقَلِّبِ ٱلْأَحْوالِ، وَسَيْفِ ذِي ٱلْجَلالِ، وَساقِي ٱلسَّلْسَبِيلِ ٱلزُّلالِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ صالِحِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثِ عِلْمِ ٱلنَّبِيِّينَ، وَٱلْحاكِمِ يَوْمَ ٱلدِّينِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ شَجَرَةِ ٱلتَّقْوىٰ، وَسامِعِ ٱلسِّرِّ وَٱلنَّجْوىٰ.

---

۱ ـ «الطياب» خ ل.

اَلسَّلامُ عَلىٰ حُجَّةِ ٱللهِ ٱلْبالِغَةِ، وَنِعْمَتِهِ ٱلسّابِغَةِ، وَنِقْمَتِهِ ٱلدّامِغَةِ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلصِّراطِ ٱلْواضِحِ، وَٱلنَّجْمِ ٱللّائِحِ، وَٱلْإمامِ ٱلنّاصِحِ، وَٱلزِّنادِ ٱلقادِحِ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أبِي طالِبٍ أخِي نَبِيِّكَ، وَوَلِيِّهِ وَناصِرِهِ وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ، وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ، وَبابِ حِكْمَتِهِ، وَٱلنّاطِقِ بِحُجَّتِهِ، وَٱلدّاعِي إلىٰ شَرِيعَتِهِ، وخَلِيفَتِهِ في أُمَّتِهِ، وَمُفَرِّجِ ٱلْكُرَبِ عَنْ وَجْهِهِ، قاصِمِ ٱلْكَفَرَةِ، وَمُرْغِمِ ٱلْفَجَرَةِ، ٱلَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسىٰ.

اَللّٰهُمَّ والِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَٱنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَٱخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَٱلْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ، مِنَ ٱلْأوَّلِينَ وَ ٱلْآخِرِينَ، وَصلِّ عَلَيْهِ أفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أحَدٍ مِنْ أوْصِياءِ أنْبِيائِكَ، يا رَبَّ ٱلْعالَمِينَ.

پس برگرد به جانب سر از برای زیارت حضرت آدم و حضرت نوح علیهما السلام.

و در زیارت آدم علیه السلام بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِيَّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نَبِيَّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أمِينَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خَلِيفَةَ ٱللهِ في أرْضِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أبَا ٱلْبَشَرِ.

اَلسَّلامُ[۱] عَلَيْكَ وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، وَعَلَى ٱلطّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِكَ وَذُرِّيَّتِكَ، صَلاةً لا يُحْصِيها إلّا هُوَ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

و در زیارت نوح علیه السلام بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نَبِيَّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَفِيَّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ ٱللهِ،

---

۱ ـ «سلام الله» خ ل.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا شَيْخَ الْمُرْسَلِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ اللهِ فِي أَرْضِهِ، صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْكَ، وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، وَعَلَى الطّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِكَ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس شش رکعت نماز بکن، دو رکعت برای زیارت امیرالمؤمنین و در رکعت اوّل بعد از سورهٔ «فاتحة الکتاب» سورهٔ «الرّحمن» بخوان، و در رکعت دوم سورهٔ «یٰس»؛ و بعد از نماز تسبیح حضرت فاطمه ﷺ بخوان، و طلب آمرزش از خدا بکن، و از برای خود دعا بکن، و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةً مِنِّي إِلىٰ سَيِّدِي وَمَوْلايَ وَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ ـ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آلِهِ ـ.

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْها مِنِّي وَاجْزِنِي عَلىٰ ذٰلِكَ جَزاءَ الْمُحْسِنِينَ.

اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ، وَلَكَ رَكَعْتُ، وَلَكَ سَجَدْتُ، وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ، لِأَنَّهُ لا تَكُونُ[1] الصَّلاةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ إِلّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي زِيارَتِي، وَأَعْطِنِي سُؤْلِي، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ.

و چهار رکعت دیگر را هدیه آدم و نوح ﷺ گردان.

پس سجدهٔ شکر بجا آور، و در سجده بگو:

اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي وَرَجائِي، فَاكْفِنِي ما أَهَمَّنِي وَما لا يُهِمُّنِي، وَما أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ، وَلا إِلٰهَ غَيْرُكَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَقَرِّبْ فَرَجَهُمْ.

پس جانب راست رو را بر زمین گذار و بگو:

اِرْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ، وَوَحْشَتِي مِنَ النّاسِ، وَأُنْسِي بِكَ،

---

۱ ـ «لا تجوز» خ ل.

یاکَرِیمُ، یاکَرِیمُ، یاکَرِیمُ.

پس جانب چپ رو را بر زمین گذار و بگو:

لا إلٰهَ إلّا أنْتَ رَبّي حَقّاً حَقّاً، سَجَدْتُ لَكَ یارَبِّ تَعَبُّداً وَرِقّاً.

اَللّٰهُمَّ إنَّ عَمَلِي ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِي، یاکَرِیمُ، یاکَرِیمُ، یاکَرِیمُ.

پس برگرد به سجود، و صد مرتبه بگو: **شُکْراً، شُکْراً.**

و جهد کن در دعا، که این موضعِ طلبیدن مطالب است، و استغفار بسیار بکن که محل آمرزش گناهان است، و حاجات خود را از خدا طلب نما، که مقام استجابت دعاها است[۱].

مؤلّف گوید که، بعد از این فرموده است شیخ مفید و غیر او که: بخواند این دعا را بعد هر نماز نافله و فریضه، مادام که در نجف اقامت می‌نماید.

و چون این دعا در تهذیب و غیر آن از کتب معتبره به سند مذکور است، ما در اینجا ایراد می‌نماییم:

به سند معتبر روایت کرده‌اند از یونس بن ظبیان که گفت: رفتم به خدمت حضرت صادق ﷺ ـ در وقتی که در حیره بود آن حضرت ـ، پس مرا با خود برد به مکانی، و در آنجا ایستاد و دستها را بلند کرد و دعایی آهسته خواند که من نفهمیدم، پس دو رکعت نماز کرد، و دو سوره کوچک خواند در آن نماز؛ و من نیز چنین کردم.

پس این دعا را بلند خواند که من فهمیدم، و تعلیم من نمود.

پس فرمود که آیا می‌دانی که این چه مکان است؟

گفتم: فدای تو شوم نمی‌دانم، همین می‌دانم که در صحرایم.

فرمود که: این قبر امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ است، و با رسول خدا ملاقات می‌نماید تا روز قیامت، و از یکدیگر جدا نیستند هرچند قبرهاشان دور است از یکدیگر.

---

۱ ـ مزار شهید: ۲۹ ـ ۵۲، مصباح الزائر: ۱۱۸ ـ ۱۲۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۸۱ ـ ۲۸۹، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۶۸ ش ۵۴۶ وص ۱۲۸ ش ۵۶۸.

و دعا اين است:

اَللّٰهُمَّ لابُدَّ مِنْ أمْرِكَ، وَلابُدَّ مِنْ قَدَرِكَ، وَلا بُدَّ مِنْ قَضائِكَ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلّا بِكَ.

اَللّٰهُمَّ فَما قَضَيْتَ عَلَيْنا مِنْ قَضاءٍ، وَقَدَّرْتَ عَلَيْنا مِنْ قَدَرٍ، فَأعْطِنا مَعَهُ صَبْراً يَقْهَرُهُ وَيَدْمَغُهُ، وَاجْعَلْهُ لَنا صاعِداً في رِضْوانِكَ، يَنْمِي في حَسَناتِنا وَتَفْضِيلِنا وَسُودَدِنا وَشَرَفِنا وَمَجْدِنا وَنَعْمائِنا وَكَرامَتِنا في الدُّنْيا وَالآخِرَةِ، وَلا تَنْقُصْ مِنْ حَسَناتِنا.

اَللّٰهُمَّ وَما أعْطَيْتَنا مِنْ عَطاءٍ، أوْ فَضَّلْتَنا بِهِ مِنْ فَضِيلَةٍ، أوْ أكْرَمْتَنا بِهِ مِنْ كَرامَةٍ، فَأعْطِنا مَعَهُ شُكْراً يَقْهَرُهُ وَيَدْمَغُهُ، وَاجْعَلْهُ لَنا صاعِداً في رِضْوانِكَ، وَحَسَناتِنا وَسُودَدِنا وَشَرَفِنا، وَنَعْمائِكَ وَكَرامَتِكَ في الدُّنْيا وَالآخِرَةِ، وَلا تَجْعَلْهُ لَنا أشَراً وَلا بَطَراً وَلا فِتْنَةً وَلا مَقْتاً وَلا عَذاباً وَلا خِزْياً في الدُّنْيا وَالآخِرَةِ.

اَللّٰهُمَّ إنّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ عَثْرَةِ اللِّسانِ، وَسُوءِ المَقامِ، وَخِفَّةِ المِيزانِ.

اَللّٰهُمَّ لَقِّنا حَسَناتِنا في المَماتِ، وَلا تُرِنا أعْمالَنا عَلَيْنا حَسَراتٍ، وَلا تُخْزِنا عِنْدَ قَضائِكَ، وَلا تَفْضَحْنا بِسَيِّئاتِنا يَوْمَ نَلْقاكَ، وَاجْعَلْ قُلُوبَنا تَذْكُرُكَ وَلا تَنْساكَ، وَتَخْشاكَ كَأنَّها تَراكَ، حَتّىٰ نَلْقاكَ، وَبَدِّلْ سَيِّئاتِنا حَسَناتٍ، وَاجْعَلْ حَسَناتِنا دَرَجاتٍ، وَاجْعَلْ دَرَجاتِنا غُرُفاتٍ، وَاجْعَلْ غُرُفاتِنا عالِياتٍ.

اَللّٰهُمَّ أوْسِعْ لِفَقِيرِنا مِنْ سَعَةِ ما قَضَيْتَ عَلىٰ نَفْسِكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمُنَّ عَلَيْنا بِالْهُدىٰ ما أبْقَيْتَنا، وَالْكَرامَةِ إذا تَوَفَّيْتَنا، وَالحِفْظِ فِيما بَقِيَ مِنْ عُمْرِنا، وَالْبَرَكَةِ فِيما رَزَقْتَنا، وَالْعَوْنِ عَلىٰ ما حَمَّلْتَنا، وَالثَّباتِ عَلىٰ ما طَوَّقْتَنا، وَلا تُؤاخِذْنا بِظُلْمِنا، وَلا تُعاقِبْنا[1] بِجَهْلِنا، وَلا تَسْتَدْرِجْنا

---

۱ ـ «وَلا تُقايِسْنا» خ ل.

بِخَطِيئَتِنا[۱]، وَاَجْعَلْ أَحْسَنَ ما نَقُولُ ثابِتاً في قُلُوبِنا، وَاَجْعَلْنا عُظَماءَ عِنْدَكَ، أَذِلَّةً في أَنْفُسِنا، وَاَنْفَعْنا بِما عَلَّمْتَنا، وَزِدْنا عِلْماً نافِعاً، أَعُوذُ بِكَ مِنْ قَلْبٍ لا يَخْشَعُ، وَمِنْ عَيْنٍ لا تَدْمَعُ، وَصَلاةٍ لا تُقْبَلُ[۲]، أَجِرْنا مِنْ سُوءِ اَلْفِتَنِ[۳] يا وَلِيَّ اَلدُّنْيا وَاَلآخِرَةِ[۴].

مؤلّف گوید که: اگر بعد از زیارت حضرت آدم یا بعد از نماز زیارت آن حضرت، بخواند صلواتی را که از حضرت امام زین العابدین منقول است برای آن حضرت ـ و در بعضی از نسخ صحیفه کامله الحاق نموده‌اند ـ مناسب است؛ و آن این است:

اَللّٰهُمَّ وَآدَمُ بَدِيعُ فِطْرَتِكَ، وَأَوَّلُ مُعْتَرِفٍ مِنَ اَلطِّينِ بِرُبُوبِيَّتِكَ، وَبِكْرُ حُجَّتِكَ[۵] عَلىٰ عِبادِكَ وَبَرِيَّتِكَ، وَاَلدَّلِيلُ عَلَى اَلْاِسْتِجارَةِ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقابِكَ، وَاَلنّاهِجُ سُبُلَ تَوْبَتِكَ، وَاَلْوَسِيلَةُ بَيْنَ اَلْخَلْقِ وَبَيْنَ مَعْرِفَتِكَ، وَاَلَّذِي لَقَّيْتَهُ ما رَضِيتَ بِهِ عَنْهُ بِمَنِّكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتِكَ لَهُ، وَاَلْمُنِيبُ اَلَّذِي لَمْ يُصِرَّ عَلىٰ مَعْصِيَتِكَ، وَسابِقُ اَلْمُتَذَلِّلِينَ بِحَلْقِ رَأْسِهِ فِي حَرَمِكَ، وَاَلْمُتَوَسِّلُ بَعْدَ اَلْمَعْصِيَةِ بِالطّاعَةِ إِلىٰ عَفْوِكَ، وَأَبُو اَلْأَنْبِياءِ اَلَّذِيْنَ أُوذُوا فِي جَنْبِكَ، وَأَكْثَرُ سُكّانِ اَلْأَرْضِ سَعْياً فِي طاعَتِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَنْتَ يا رَحْمٰنُ، وَمَلآئِكَتُكَ وَسُكّانُ سَماواتِكَ وَأَرْضِكَ، كَما عَظَّمَ حُرُماتِكَ، وَدَلَّنا عَلىٰ سَبِيلِ مَرْضاتِكَ، يا أَرْحَمَ اَلرّاحِمِينَ[۶].

و شیخ *محمد بن المشهدی* روایت کرده است که: حضرت صادق در مسجد حنّانه، حضرت امام حسین را چنین زیارت کرد و چهار رکعت نماز گزارد، و زیارت این است:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ،

---

۱ ـ «بِخَطایانا» خ ل.
۲ ـ «لا تُرفع» خ ل.
۳ ـ «القبر» خ ل.
۴ ـ تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۳۵ ح ۷۴، مزار کبیر: ۲۳۸، فرحة الغری: ۶۶ ـ ۶۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۶۹ ح ۱۲، موسوعة زیارات المعصومین: ۲/ ۶۰ ش ۵۳۷.
۵ ـ «حججك» خ ل.
۶ ـ بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۹۲، موسوعة زیارات المعصومین: ۲/ ۲۸۶ ش ۶۰۸.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الصِّدِّيقَةِ الطّاهِرَةِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أبا عَبْدِ اللهِ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ، وَجاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الأذىٰ في جَنْبِهِ مُحْتَسِباً حَتّىٰ أتاكَ الْيَقِينُ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خالَفُوكَ وَحارَبُوكَ، وَأَنَّ الَّذِينَ خَذَلُوكَ، وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ، مَلْعُونُونَ عَلىٰ لِسانِ النَّبِيِّ الأُمِّيِّ، ﴿وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرىٰ﴾[۱].

لَعَنَ اللهُ الظّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ، وَضاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ الأَلِيمَ.

أَتَيْتُكَ يا مَوْلايَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ زائِراً، عارِفاً بِحَقِّكَ، مُوالِياً لِأَوْلِيائِكَ، مُعادِياً لِأَعْدائِكَ، مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، عارِفاً بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ[۲].

مؤلّف گوید که: اگر همین زیارت را در بالای سر امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ برای زیارت سر مبارک امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ نیز بخواند مناسب است.

و مشایخ مذکوران در تتمه زیارت کبیره، در ***بیان وداع*** گفته‌اند که چون خواهی وداع کنی، اعمالی که در اصل زیارت مذکور شد همه را بجا آور، و در آخر زیارت این دعا بخوان:

آمَنْتُ بِاللهِ وَبِالرُّسُلِ[۳] وَبِما جِئْتَ بِهِ وَدَلَلْتَنِي[۴] عَلَيْهِ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْهِ، ﴿رَبَّنا آمَنّا بِما أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنا الرَّسُولَ﴾[۵] وَآلَ الرَّسُولِ ﴿فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ﴾[۶].

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَةِ مَوْلايَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَخِي رَسُولِ اللهِ[۷]،

---

۱ ـ طٰه: ۶۱.

۲ ـ مزار کبیر: ۵۱۷، بحارالانوار: ۱۰۱/۲۵۶ ح ۴۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۳۶۷ ش ۶۶۵ وج ۳/ ۳۲۷ ش ۱۱۶۵.

۳ ـ «بالرسول» خ ل.

۴ ـ «دللت» خ ل.

۵ و ۵ ـ آل عمران: ۵۳.

۷ ـ «رسولك» خ ل.

وَٱرْزُقْنِي زِيارَتَهُ أَبَداً ما أَحْيَيْتَنِي.

اَللّٰهُمَّ لا تَحْرِمْنِي ثَوابَ زِيارَتِهِ، وَٱرْزُقْنِي ٱلْعَوْدَ، ثُمَّ ٱلْعَوْدَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ وَلا قالٍ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْ أَرْواحَهُمْ وَأَجْسادَهُمْ مِنِّي أَفْضَلَ ٱلتَّحِيَّةِ وَٱلسَّلامِ، وَٱلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ ٱللهِ ٱلْحافِّينَ بِهٰذَا ٱلْمَشْهَدِ ٱلشَّرِيفِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ ٱلْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ، وَعَلِيِّ بْنِ ٱلْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَٱلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَٱلْحُجَّةِ ٱلْقائِمِ بِأَمْرِ ٱللهِ، ٱلْمُنْتَقِمِ مِنْ أَعْدائِهِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ سَمِيِّ رَسُولِ ٱللهِ، وَمُظْهِرِ دِينِ ٱللهِ، سَلاماً واصِلاً دائِماً سَرْمَداً لا ٱنْقِطاعَ لَهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي أَنْقَذَنا بِكُمْ مِنَ ٱلشِّرْكِ وَٱلضَّلالَةِ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْكَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ، وَٱحْفَظْنِي بِحِفْظِ ٱلْإِيمانِ، وَلا تُشْمِتْ بِي مَنْ عادَيْتُهُ فِيكَ، يا رَبَّ ٱلْعالَمِينَ.

پس ببوس ضریح مقدس را، و هر دعا که خواهی بکن، و برگرد با سعادت و فیروزی[1].

زیارت دوم:

زیارتی است که سیّد عبد الکریم بن طاووس و سیّد علی بن طاووس و ابن بابویه و شیخ طوسی و ابن قولویه ـ رحمة الله علیهم ـ و غیر ایشان نقل کرده‌اند؛ و ما موافق روایت سید عبد الکریم ﷺ ذکر می‌کنیم:

به سند معتبر روایت کرده است از یونس بن ظبیان که حضرت امام

---

۱ ـ مزار شهید: ۶۲ ـ ۶۴، مصباح الزائر: ۱۳۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۸۹.

جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود که: چون خواهی زیارت کنی حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ را وضو بساز و غسل بکن، و بتأنّی راه برو و بگو:

اَلحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِهِ، وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ ـ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ وَمَنْ فَرَضَ طاعَتَهُ، رَحْمَةً مِنْهُ لِي، وَتَطَوُّلاً مِنْهُ عَلَيَّ بِالْإِيمانِ.

اَلحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي سَيَّرَنِي فِي بِلادِهِ، وَحَمَلَنِي عَلىٰ دَوابِّهِ، وَطَوىٰ لِيَ ٱلْبَعِيدَ، وَدَفَعَ عَنِّي ٱلْمَكْرُوهَ، حَتّىٰ أَدْخَلَنِي حَرَمَ أَخِي رَسُولِهِ فَأَرانِيهِ فِي عافِيَةٍ.

اَلحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي جَعَلَنِي مِنْ زُوّارِ قَبْرِ وَصِيِّ رَسُولِهِ.

﴿اَلحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي هَدانا لِهٰذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا أَنْ هَدانَا ٱللّٰهُ﴾[1].

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيّاً عَبْدُ ٱللّٰهِ وَأَخُو رَسُولِهِ ـ عَلَيْهِمَا ٱلسَّلامُ ـ.

اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ وَزائِرُكَ يَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِزِيارَةِ قَبْرِ أَخِي رَسُولِكَ، وَعَلىٰ كُلِّ مَأْتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتاهُ وَزارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ؛ فَأَسْأَلُكَ يا اَللّٰهُ، يا رَحْمٰنُ، يا رَحِيمُ، يا جَوادُ، يا واحِدُ يا أَحَدُ، يا فَرْدُ يا صَمَدُ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيّايَ مِنْ زِيارَتِي فِي مَوْقِفِي هٰذا فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ ٱلنّارِ. وَٱجْعَلْنِي مِمَّنْ يُسارِعُ فِي ٱلْخَيْراتِ وَيَدْعُوكَ رَغَباً وَرَهَباً، وَٱجْعَلْنِي لَكَ مِنَ ٱلْخاشِعِينَ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ بَشَّرْتَنِي عَلىٰ لِسانِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ـ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ فَقُلْتَ: ﴿وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾[2].

اَللّٰهُمَّ فَإِنِّي بِكَ مُؤْمِنٌ، وَبِجَمِيعِ أَنْبِيائِكَ، فَلا تُوقِفْنِي بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مَوْقِفاً

---

۱ ـ اعراف: ۴۳.

۲ ـ یونس: ۲.

تَفضَحُنِي بِهِ عَلىٰ رُؤُوسِ اَلْخَلائِقِ، بَلْ أَوْقِفْنِي مَعَهُمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَى اَلتَّصْدِيقِ بِهِمْ؛ فَإِنَّهُمْ عَبِيدُكَ، وَأَنْتَ خَصَصْتَهُمْ بِكَرامَتِكَ، وَأَمَرْتَنِي بِاتِّباعِهِمْ.

پس نزدیک قبر می‌روی و می‌گویی:

اَلسَّلامُ مِنَ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ أَمِينِ اَللهِ عَلىٰ رِسالَتِهِ[۱] وَعَزائِمِ أَمْرِهِ، وَمَعْدِنِ اَلْوَحْيِ وَاَلتَّنْزِيلِ، اَلْخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَاَلْفاتِحِ لِما اَسْتُقْبِلَ، وَاَلْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَاَلشّاهِدِ عَلَى اَلْخَلْقِ، اَلسِّراجِ اَلْمُنِيرِ، وَاَلسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ اَلْمَظْلُومِينَ، أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَرْفَعَ وَأَنْفَعَ وَأَشْرَفَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَنْبِيائِكَ وَأَصْفِيائِكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ، وَخَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ، وَأَخِي رَسُولِكَ، وَوَصِيِّ رَسُولِكَ، اَلَّذِي بَعَثْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَاَلدَّلِيلَ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسالَتِكَ[۲]، وَدَيّانَ اَلدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلَ قَضائِكَ بَيْنَ[۳] خَلْقِكَ، وَاَلسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اَلْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، اَلْقَوّامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِهِ، اَلْمُطَهَّرِينَ اَلَّذِينَ اَرْتَضَيْتَهُمْ أَنْصاراً لِدِينِكَ، وَأَعْلاماً لِعِبادِكَ، وَشُهَداءَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَحَفَظَةً لِسِرِّكَ.

و صلوات بر همهٔ ایشان می‌فرستی تا توانی، و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَى اَلْأَئِمَّةِ اَلْمُسْتَوْدَعِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ خالِصَةِ اَللهِ مِنْ خَلْقِهِ، اَلسَّلامُ عَلَى اَلْأَئِمَّةِ اَلْمُتَوَسِّمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَى اَلْمُؤْمِنِينَ اَلَّذِينَ أَقامُوا أَمْرَكَ، وَآزَرُوا أَوْلِياءَ اَللهِ، وَخافُوا لِخَوْفِهِمْ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلْمُقَرَّبِينَ.

---

۱ ـ «رسالاته» خ ل.
۲ ـ «بِرسالاتِكَ» خ ل.
۳ ـ «مِن» خ ل.

پس مى‌گويى:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَ ٱلدِّينِ، وَوارِثَ عِلْمِ ٱلْأَوَّلِينَ وَٱلْآخِرِينَ، وَصاحِبَ ٱلْمِيْسَمِ[1]، وَٱلصِّراطَ ٱلْمُسْتَقِيمَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ ٱلصَّلاةَ، وَآتَيْتَ ٱلزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ ٱلْمُنْكَرِ، وَٱتَّبَعْتَ ٱلرَّسُولَ، وَتَلَوْتَ ٱلْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ، وَوَفَيْتَ بِعَهْدِ ٱللهِ، وَجاهَدْتَ فِي ٱللهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَنَصَحْتَ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ ـ عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ ـ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ صابِراً مُجاهِداً عَنْ دِينِ ٱللهِ، مُوَقِّياً[2] لِرَسُولِ ٱللهِ، طالِباً ما عِنْدَ ٱللهِ، راغِباً فِيما وَعَدَ ٱللهُ ـ جَلَّ ذِكْرُهُ ـ مِنْ رِضْوانِهِ، وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شاهِداً وَشَهِيداً وَمَشْهُوداً.

فَجَزاكَ ٱللهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنِ ٱلْإِسْلامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ ٱلْجَزاءِ.

لَعَنَ ٱللهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ تابَعَ[3] عَلىٰ قَتْلِكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ خالَفَكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنِ ٱفْتَرىٰ عَلَيْكَ وَظَلَمَكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ غَصَبَكَ وَمَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ، أَنا إِلَى ٱللهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ، وَلَعَنَ ٱللهُ أُمَّةً خالَفَتْكَ، وَأُمَّةً جَحَدَتْ وِلايَتَكَ، وَأُمَّةً تَظاهَرَتْ عَلَيْكَ، وَأُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَأُمَّةً حادَتْ عَنْكَ وَخَذَلَتْكَ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلنّارَ مَثْواهُمْ وَبِئْسَ وِرْدُ ٱلْوارِدِينَ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ قَتَلَةَ أَنْبِيائِكَ وَأَوْصِياءِ أَنْبِيائِكَ بِجَمِيعِ لَعَناتِكَ، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نارِكَ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنِ ٱلْجَوابِيتَ وَٱلطَّواغِيتَ وَٱلْفَراعِنَةَ وَٱللّاتَ وَٱلْعُزّىٰ وَٱلْجِبْتَ وَٱلطّاغُوتَ، وَكُلَّ نِدٍّ يُدْعىٰ مِنْ دُونِ ٱللهِ، وَكُلَّ مُحْدِثٍ مُفْتَرٍ.

---

۱ ـ «المقام» خ ل.
۲ ـ «موفياً» خ ل.
۳ ـ «بايَعَ» خ ل.

اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ، وَأَشْياعَهُمْ، وَأَتْباعَهُمْ، وَمُحِبِّيهِمْ، وَأَوْلِياءَهُمْ، وَأَعْوانَهُمْ لَعْناً كَثِيراً.

پس سه مرتبه بگو: اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.

و سه مرتبه بگو: اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ.

و بگو:

اَللّٰهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذاباً لا تُعَذِّبُهُ أَحَداً مِنَ الْعالَمِينَ، وَضاعِفْ عَلَيْهِمْ عَذابَكَ بِما شاقُّوا وُلاةَ أَمْرِكَ، وَأَعِدَّ لَهُمْ عَذاباً أَلِيماً لَمْ تُحِلَّهُ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ.

اَللّٰهُمَّ وَأَدْخِلْ عَلىٰ قَتَلَةِ أَنْصارِ رَسُولِكَ وَقَتَلَةِ أَنْصارِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَلىٰ قَتَلَةِ أَنْصارِ الْحَسَنِ وَقَتَلَةِ أَنْصارِ الْحُسَيْنِ، وَقَتَلَةِ مَنْ قُتِلَ فِي وِلايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ أَجْمَعِينَ، عَذاباً مُضاعَفاً فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ لا تُخَفِّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذابِها، وَهُمْ فِيها مُبْلِسُونَ مَلْعُونُونَ، ناكِسُو رُؤُوسِهِمْ وَقَدْ عايَنُوا النَّدامَةَ وَالْخِزْيَ الطَّوِيلَ، بِقَتْلِهِمْ عِتْرَةَ أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَتْباعَهُمْ مِنْ عِبادِكَ الصّالِحِينَ.

اَللّٰهُمَّ وَالْعَنْهُمْ فِي مُسْتَسِرِّ السِّرِّ وَظاهِرِ الْعَلانِيَةِ، فِي سَمائِكَ وَأَرْضِكَ.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي لِسانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيائِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشْهَدَهُمْ وَمَشاهِدَهُمْ، حَتّىٰ تُلْحِقَنِي بِهِمْ وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعاً فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

و بعد از آن بنشين نزد سر آن حضرت و بگو:

سَلامُ اللّٰهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالْمُسَلِّمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ، وَالنّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ، وَالشّاهِدِينَ عَلىٰ أَنَّكَ صادِقٌ أَمِينٌ صِدِّيقٌ، عَلَيْكَ يا مَوْلايَ.

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ طُهْرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ.

أَشْهَدُ لَكَ يا وَلِيَّ اللّٰهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ بِالْبَلاغِ وَالْأَداءِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حَبِيبُ اللّٰهِ[۱]، وَأَنَّكَ بابُ اللّٰهِ، وَأَنَّكَ وَجْهُ اللّٰهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتىٰ، وَأَنَّكَ سَبِيلُ اللّٰهِ[۲]، وَأَنَّكَ عَبْدُ اللّٰهِ وَأَخُو رَسُولِهِ.

أَتَيْتُكَ وافِداً لِعَظِيمِ حالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ اللّٰهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ، مُتَقَرِّباً إِلَى اللّٰهِ بِزِيارَتِكَ، طالِباً خَلاصَ نَفْسِي مِنَ النّارِ، مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنْ نارٍ اسْتَحْقَقْتُها[۳] بِما جَنَيْتُ عَلىٰ نَفْسِي.

أَتَيْتُكَ انْقِطاعاً إِلَيْكَ وَإِلىٰ وَلَدِكَ الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِكَ عَلىٰ بَرَكَةِ[۴] الْحَقِّ؛ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَأَمْرِي لَكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، أَنا عَبْدُ اللّٰهِ وَمَوْلاكَ وَفِي طاعَتِكَ، الْوافِدُ إِلَيْكَ؛ أَلْتَمِسُ بِذٰلِكَ كَمالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللّٰهِ، وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِيَ اللّٰهُ بِصِلَتِهِ، وَحَثَّنِي عَلىٰ بِرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلىٰ فَضْلِهِ، وَهَدانِي لِحُبِّهِ، وَرَغَّبَنِي فِي الْوِفادَةِ إِلَيْهِ، وَأَلْهَمَنِي طَلَبَ الْحَوائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ سَعِدَ[۵] مَنْ تَوَلّاكُمْ، وَلا يَخِيبُ مَنْ أَتاكُمْ، وَلا يَسْعَدُ مَنْ عاداكُمْ؛ لا أَجِدُ أَحَداً أَفْزَعُ إِلَيْهِ خَيْراً لِي مِنْكُمْ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، وَدَعائِمُ الدِّينِ، وَأَرْكانُ الْأَرْضِ، وَالشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ.

اَللّٰهُمَّ لا تُخَيِّبْ تَوَجُّهِي إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ وَآلِ رَسُولِكَ، وَلا تَرُدَّ اسْتِشْفاعِي بِهِمْ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِزِيارَةِ مَوْلايَ وَوِلايَتِهِ وَمَعْرِفَتِهِ، فَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْصُرُهُ وَمِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ، وَمُنَّ عَلَيَّ بِنَصْرِي لِدِينِكَ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَحْيىٰ عَلىٰ ما حَيِيَ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طالِبٍ ـ عَلَيْهِ السَّلامُ ـ، وَأَمُوتُ عَلىٰ ما ماتَ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طالِبٍ ـ عَلَيْهِ السَّلامُ ـ[۶].

---

۱ ـ «جنب الله» خ ل.
۲ ـ «خليل الله» خ ل.
۳ ـ «استحققتها مثلي» خ ل.
۴ ـ «تزكية» خ ل.
۵ ـ «يسعد» خ ل.
۶ ـ فرحة الغري: ۷۹ ـ ۸۵؛ بحارالانوار: ۲۷۱/۱۰۰ ح ۱۴، تهذيب الاحكام: ۲۵/۶ ح ۵۳؛ كامل الزيارات: ۴۱ ب ۱۱ ح ۲؛ من لا يحضره الفقيه: ۵۸۷/۲ ح ۳۱۹۹، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۹۳/۲ ش ۵۶۳.

مؤلّف گوید که: در زیارت وداع، زیارتِ وداعی که متّصل به این مذکور مـی‌شود ایراد نموده است.

و *ابن بابویه* ـ علیه الرحمة ـ بعد از ذکر این زیارت و زیارت وداع، فرموده است که: پس تسبیح فاطمه زهرا ﷺ را بخوان، و آن این است:

سُبْحانَ ذِي ٱلْجَلالِ ٱلْباذِخِ ٱلْعَظِيمِ، سُبْحانَ ذِي ٱلْعِزِّ ٱلشّامِخِ ٱلْمُنِيفِ، سُبْحانَ ذِي ٱلْمُلْكِ ٱلْفاخِرِ ٱلْقَدِيمِ، سُبْحانَ ذِي ٱلْبَهْجَةِ وَٱلْجَمالِ، سُبْحانَ مَنْ تَرَدّىٰ بِـالنُّورِ وَٱلْوَقارِ، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ أَثَرَ ٱلنَّمْلِ فِي ٱلصَّفا، وَوَقْعَ ٱلطَّيْرِ فِي ٱلْهَواءِ[۱].

زیارت سوم:

روایت شده است در کامل الزیاره و غیر آن از حضرت امام رضا یا امام موسی یا امام علی نقی ـ صلوات الله علیهم اجمعین ـ که: می‌گفته‌انـد نـزد قـبر امـیرالمـؤمنین صلوات الله علیه:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ ٱللهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَـقُّهُ، صَبَرْتَ وَٱحْتَسَبْتَ حَتّىٰ أَتاكَ ٱلْيَقِينُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ ٱللهَ وَأَنْتَ شَهِيدٌ، عَذَّبَ ٱللهُ قاتِلَكَ بِأَنْواعِ ٱلْعَذابِ، وَجَدَّدَ عَلَيْهِ ٱلْعَذابَ.

جِئْتُكَ عارِفاً بِحَقِّكَ، مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ، مُعادِياً لِأَعْدائِكَ وَمَنْ ظَلَمَكَ، أَلْقىٰ عَلىٰ ذٰلِكَ رَبِّي إِنْ شاءَ ٱللهُ.

يا وَلِيَّ ٱللهِ إِنَّ لِي ذُنُوباً كَثِيرَةً، فَاشْفَعْ لِي إِلىٰ[۲] رَبِّكَ يا مَوْلايَ؛ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ ٱللهِ مَقاماً مَعْلُوماً، وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ ٱللهِ جاهاً وَشَفاعَةً، وَقَدْ قالَ ٱللهُ: ﴿وَلا يَشْفَعُونَ إِلّا لِمَنِ ٱرْتَضىٰ﴾[۳].[۴]

---

۱ ـ من لا يحضره الفقيه: ۲/ ۵۹۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۷۴، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۳/ ۵۴۵ ش ۱۲۲۳.

۲ ـ «عند» خ ل.

۳ ـ انبياء: ۲۸.

۴ ـ كافي: ۴/ ۵۶۹ ح ۱، كامل الزيارات: ۴۱ ب ۱۱ ح ۲، تهذيب الأحكام: ۶/ ۲۸ ح ۵۴، فـرحـة الغـرى: ۱۱۱، بـحارالانـوار: ۱۰۰/ ۲۶۵ ح ۳ ـ ح ۷، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۲/ ۱۳۸ ش ۵۶۹.

و چون خواهی آن حضرت را وداع کنی بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ اللهَ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ اَلسَّلامَ، آمَنّا بِاللهِ وَبِالرُّسُلِ وَبِما جاءَتْ بِهِ وَدَعَتْ إِلَيْهِ وَدَلَّتْ عَلَيْهِ، فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ.

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِي إِيّاهُ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذٰلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَماتِي عَلىٰ ما شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَياتِي.

أَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيّاً، وَالْحَسَنَ، وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسىٰ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، وَالْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ ـ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ـ أَئِمَّتِي. وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ قَتَلَهُمْ وَحارَبَهُمْ مُشْرِكُونَ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْهِمْ فِي أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ حارَبَهُمْ لَنا أَعْداءٌ، وَنَحْنُ مِنْهُمْ بُرَآءُ، وَأَنَّهُمْ حِزْبُ الشَّيْطانِ، وَعَلىٰ مَنْ قَتَلَهُمْ لَعْنَةُ اللهِ وَالْمَلائِكَةِ وَالنّاسِ أَجْمَعِينَ، وَمَنْ شَرِكَ فِيهِمْ، وَمَنْ سَرَّهُ قَتْلُهُمْ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلاةِ وَالتَّسْلِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ، وَفاطِمَةَ، وَالْحَسَنِ، وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيٍّ، وَمُحَمَّدٍ، وَجَعْفَرٍ، وَمُوسىٰ، وَعَلِيٍّ، وَمُحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ، وَالْحَسَنِ، وَالْحُجَّةِ. وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْنِي مَعَ هٰؤُلاءِ الْمُسَمَّيْنَ ـ الْأَئِمَّةَ ـ.

اَللّٰهُمَّ وَذَلِّلْ قُلُوبَنا لَهُمْ بِالطّاعَةِ وَالْمُناصَحَةِ وَالْمَحَبَّةِ وَحُسْنِ الْمُؤازَرَةِ وَالتَّسْلِيمِ[1].

---

۱ ـ كامل الزّيارات: ۴۶ ب ۱۲ ح ۱، من لا يحضره الفقيه: ۵۹۱/۲ ح ۳۲۰۰، تهذيب الاحكام: ۳۰/۶، فرحة الغرى: ۸۵، بحارالانوار: ۲۶۶/۱۰۰ ح ۸، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۲/ ۳۷۷ ش ۶۸۳.

زیارت چهارم:

در اکثر کتب حدیث و زیارت روایت شده است، و ثواب عظیم برای آن وارد است؛ و در زیارات جامعه به اندک تغییری با ثوابش مذکور خواهد شد[1] إن‌شاءالله تعالی:

به سند معتبر منقول است از علی بن موسی الرضا ـ صلوات الله علیه ـ از آباء طاهرین آن حضرت ﷺ، که حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه حضرت امیرالمؤمنین ـ علیه الصلاة والسلام ـ را به این نحو زیارت کردند که: بر قبر آن حضرت ایستادند و گریستند و گفتند:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ اَللهِ في أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلىٰ عِبادِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ جاهَدْتَ في اَللهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتابِهِ، وَاَتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتّىٰ دَعاكَ اَللهُ إِلىٰ جِوارِهِ، وَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيارِهِ، وَأَلْزَمَ أَعْداءَكَ اَلْحُجَّةَ في قَتْلِهِمْ إِيّاكَ، مَعَ ما لَكَ مِنَ اَلْحُجَجِ اَلْبالِغَةِ عَلىٰ جَمِيعِ خَلْقِهِ.

اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ، راضِيَةً بِقَضائِكَ، مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعائِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيائِكَ، مَحْبُوبَةً في أَرْضِكَ وَسَمائِكَ، صابِرَةً على نُزُولِ بَلائِكَ، شاكِرَةً لِفَواضِلِ نَعْمائِكَ، ذاكِرَةً لِسَوابِغِ آلائِكَ، مُشْتاقَةً إِلىٰ فَرْحَةِ لِقائِكَ، مُتَزَوِّدَةً اَلتَّقْوىٰ لِيَوْمِ جَزائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيائِكَ، مُفارِقَةً لِأَخْلاقِ أَعْدائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ اَلدُّنْيا بِحَمْدِكَ وَثَنائِكَ.

پس پهلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشتند و گفتند:

اَللّٰهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ اَلْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ والِهَةٌ، وَسُبُلَ اَلرّاغِبِينَ إِلَيْكَ شارِعَةٌ، وَأَعْلامَ

---

۱ ـ نگاه کن: ص۶۱۳ زیارت ششم.

ٱلْقاصِدِينَ إِلَيْكَ واضِحَةٌ، وَأَفْئِدَةَ ٱلْعارِفِينَ مِنْكَ فازِعَةٌ، وَأَصْواتَ ٱلدّاعِينَ إِلَيْكَ صاعِدَةٌ، وَأَبْوابَ ٱلْإِجابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ[1] وَدَعْوَةَ مَنْ ناجاكَ مُسْتَجابَةٌ، وَتَوْبَةَ مَنْ أَنابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ، وَعَبْرَةَ مَنْ بَكىٰ مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ، وَٱلْإِغاثَةَ لِمَنِ ٱسْتَغاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ، وَٱلْإِعانَةَ لِمَنِ ٱسْتَعانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ، وَعِداتِكَ لِعِبادِكَ مُنَجَّزَةٌ، وَزَلَلَ مَنِ ٱسْتَقالَكَ مُقالَةٌ، وَأَعْمالَ ٱلْعامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ، وَأَرْزاقَ ٱلْخَلائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نازِلَةٌ، وَعَوائِدَ ٱلْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ واصِلَةٌ، وَذُنُوبَ ٱلْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ، وَحَوائِجَ ٱلْخَلْقِ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ، وَجَوائِزَ ٱلسّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةٌ[2]، وَعَوائِدَ ٱلْمَزِيدِ مُتَواتِرَةٌ، وَمَوائِدَ ٱلْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ، وَمَناهِلَ ٱلظِّماءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةٌ.

اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعائِي، وَٱقْبَلْ ثَنائِي، وَأَعْطِنِي جَزائِي، وَٱجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ، إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمائِي، وَمُنْتَهىٰ مُنايَ، وَغايَةُ رَجائِي في مُنْقَلَبِي وَمَثْوايَ.

أَنْتَ إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلايَ، اِغْفِرْ لِأَوْلِيائِنا، وَكُفَّ عَنّا أَعْداءَنا وَٱشْغَلْهُمْ عَنْ أَذانا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ ٱلْحَقِّ وَٱجْعَلْها ٱلْعُلْيا، وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ ٱلْباطِلِ وَٱجْعَلْها ٱلسُّفْلىٰ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ[3].

زيارت پنجم

زيارتى است كه سيد عبد الكريم بن طاووس ـ رضى الله عنه ـ به سند معتبر از صفوان جمّال روايت كرده است كه گفت: چون با حضرت صادق عليه السلام وارد كوفه شديم ـ در هنگامى كه آن حضرت نزد ابوجعفر دوانيقى مى‌رفتند ـ فرمود كه: اى صفوان شتر را بخوابان كه اين نزديک قبر جدّم اميرالمؤمنين ـ صلوات الله عليه ـ است.

---

۱ ـ «مفتوحة» خ ل.   ۲ ـ «موفورة» خ ل.

۳ ـ كامل الزيارات: ۳۹ ب ۱۱ ح ۱، بحارالأنوار: ۱۰۰/ ۲۶۴ ح ۲، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۲/ ۸۷ ش ۵۵۹. و نگاه كن: مصباح المتهجّد: ۷۳۸، مزار كبير ۲۸۲، فرحة الغرى: ۴۰ ـ ۴۲ و ۴۳ ـ ۴۵، مزار شهيد: ۱۱۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۶۶ ح ۹ و ۲۶۸ ح ۱۱، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۲/ ۸۹ ش ۵۶۰.

پس فرود آمدند و غسل کردند و جامه را تغییر دادند، و پاها را برهنه کردند، و فرمودند که: تو نیز چنین کن.

پس روانه شدند به جانب نجف و فرمودند که: گامها را کوتاه بردار، و سر را به زیر انداز، که حقّ تعالی برای تو به عدد هر گامی که بر می‌داری صد هزار حسنه می‌نویسد، و صد هزار گناه محو می‌کند، و صد هزار درجه بلند می‌کند، و صد هزار حاجت بر می‌آورد؛ و می‌نویسد برای تو ثواب هر صدّیق و شهید که مرده باشد یا کشته شده باشد.

پس آن حضرت می‌رفتند، و من می‌رفتم با آن حضرت به آرام دل و آرام تن، و تسبیح و تنزیه و تهلیل خدا می‌کردیم تا رسیدیم به تلّها، پس نظر کردند به جانب راست و چپ، و به چوبی که در دست داشتند خطّی کشیدند، پس فرمودند که جستجو نما.

پس طلب کردم، اثر قبری یافتم.

پس آب دیده بر روی مبارکش جاری شد و گفت: **إِنّا للهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ.**

و گفت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلْوَصِيُّ ٱلْبَرُّ ٱلتَّقِيُّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلنَّبَأُ ٱلْعَظِيمُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلصِّدِّيقُ ٱلشَّهِيدُ ٱلرَّشِيدُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلْبَرُّ ٱلزَّكِيُّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ ٱللهِ عَلَى ٱلْخَلْقِ أَجْمَعِينَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ حَبِيبُ ٱللهِ وَخاصَّةُ ٱللهِ وَخالِصَتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ ٱللهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّهِ وَعَيْبَةَ عِلْمِهِ، وَخازِنَ وَحْيِهِ.

پس خود را به قبر چسبانیدند و گفتند:

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يا أَمِيرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يا حُجَّةَ ٱلْخِصامِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يا بابَ ٱلْمَقامِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يا نُورَ ٱللهِ ٱلتّامَّ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللهِ وَعَنْ رَسُولِ اللهِ[۱] صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ما حُمِّلْتَ، وَرَعَيْتَ مَا اسْتُحْفِظْتَ، وَحَفِظْتَ ما اسْتُودِعْتَ، وَحَلَّلْتَ حَلالَ اللهِ، وَحَرَّمْتَ حَرامَ اللهِ، وَأَقَمْتَ أَحْكامَ اللهِ، وَلَمْ تَتَعَدَّ حُدُودَ اللهِ، وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً حَتىٰ أَتاكَ الْيَقِينُ، صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ، وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِكَ.

پس برخاست آن حضرت و در بالای سر آن حضرت چند رکعت نماز کرد و فرمود که: ای صفوان هرکه زیارت کند امیر المؤمنین﷧ را به این زیارت، و این نماز بکند، برگردد به سوی اهلش و حال آنکه گناهانش آمرزیده شده باشد، و عملش مقبول و پسندیده شده باشد، و بنویسند برای او ثواب هرکه زیارت آن حضرت کرده باشد از ملائکه.

صفوان گفت بر سبیل تعجّب که: ثواب هرکه زیارت می‌کند آن حضرت را از ملائکه؟!

فرمود که: بلی، در هر شبی هفتاد قبیله از ملائکه آن حضرت را زیارت می‌کنند.

پرسید که: هر قبیله چه مقدارند؟

فرمود که: صد هزار ملک.

پس آن حضرت از پس پشت بیرون آمدند، و در اثنای بیرون آمدن می‌گفتند:

يا جَدّاهْ، يا سَيِّداهْ، يا طَيِّباهْ، يا طاهِراهْ، لا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْكَ، وَرَزَقَنِيَ الْعَوْدَ إِلَيْكَ، وَالْمُقامَ في حَرَمِكَ، وَالْكَوْنَ مَعَكَ وَمَعَ الْأَبْرارِ مِنْ وُلْدِكَ. صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ، وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْمُحْدِقِينَ بِكَ.

صفوان گفت که به‌آن حضرت عرض کردم که: رخصت می‌دهید که خبر دهم اصحاب خود را از اهل کوفه، و نشان این قبر به ایشان بدهم؟

فرمود که: بلی. و درهمی چند دادند که من قبر را مرمّت و اصلاح کردم[۲].

---

۱ ـ «رَسُولِهِ» خ ل.

۲ ـ مزار کبیر: ۲۴۰ ـ ۲۴۲، فرحة الغری: ۹۴ ـ ۹۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۷۹ ح ۱۵، موسوعة زیارات المعصومین﷨: ۲/ ۱۱۵ ش ۵۶۵.

و در **حدیث دیگر** از صفوان سابقاً مذکور شد[1] که: در خدمت آن حضرت به این موضع شریف آمد، و آن حضرت نزد قبر ایستادند و سلام بر حضرت آدم و سایر پیغمبران فرستادند تا پیغمبر آخرالزمان ـ صلوات الله علیه وآله و علیهم اجمعین ـ پس خود را بر روی قبر انداختند و بر آن حضرت سلام کردند و بسیار گریستند، پس برخاستند و چهار رکعت نماز کردند[2].

و در روایت دیگر آن است که شش رکعت نماز کردند[3].

مؤلّف گوید که: از بعضی احادیث زیارت آن حضرت مستفاد می‌شود که شش رکعت، همه نماز زیارت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بوده باشد؛ و از بعضی ظاهر می‌شود که دو رکعت نماز زیارت آن حضرت است، و دو رکعت نمازِ زیارت سر مبارک امام حسین ﷺ است، و دو رکعت برای شرافت محل منبر قائم آل محمد ـ صلوات الله علیه ـ است.

و اکثر علما چهار رکعت را برای زیارت حضرت آدم و نوح ﷺ ذکر کرده‌اند. اگر ده رکعت بکند که همه بعمل آید، شاید بد نباشد.

زیارت ششم:

زیارتی است که شیخ مفید و محمد بن المشهدی ـ رضی الله عنهما ـ و غیر ایشان روایت کرده‌اند؛ محمد بن المشهدی گفته است که:

روایت کرده است محمد بن خالد طیالسی، از سیف بن عمیره که گفت: بیرون رفتم با صفوان جمّال و جمعی از اصحاب ما به جانب نجف، پس حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ را زیارت کردیم. پس چون فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید به سوی قبر حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ و گفت: زیارت می‌کنیم حضرت امام حسین را از این مکان، از بالای سر حضرت امیرالمؤمنین.

---

۱ ـ نگاه کن: ص ۱۰۰.

۲ ـ کامل الزیارات: ۳۵ ب ۹ ح ۷، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۶ ح ۳۱۹۷، فرحة الغریّ: ۹۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۴۲ ح ۲۳ وص ۲۸۱ ح ۱۶، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۱۱۶ ش ۵۶۶ وص ۲۷۹ ش ۶۰۱.

۳ ـ من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۶ ضمن ح ۳۱۹۷.

و صفوان گفت که: با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به اینجا آمدم، و حضرت چنین زیارت و نماز کرد و دعا خواند که من می‌کنم، و فرمود که:

ای صفوان، این زیارت را ضبط کن، و این دعا را بخوان، و همیشه حضرت امیرالمؤمنین و امام حسین را به این نحو زیارت بکن؛ که من ضامنم بر خدا که هرکه ایشان را چنین زیارت کند و این دعا بخواند ـ خواه از نزدیک و خواه از دور ـ اینکه زیارتش مقبول باشد، و عملش مزد داده شود، و سلامش به ایشان برسد، و پسندیده گردد، و حاجتهایش برآورده شود هرچند عظیم باشند.

ای صفوان، این زیارت را با همین ضامنی از پدرم اخذ کرده‌ام، و او از پدرش از جدّش حسین، و او از برادرش حسن، و او از پدرش امیرالمؤمنین با همین ضامنی، و امیرالمؤمنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل با همین ضامنی که من ضامن شدم.

و جبرئیل علیه السلام گفت که: حق‌تعالی سوگند به ذات مقدّس خود خورده است که، هرکه امام حسین را چنین زیارت کند در روز عاشورا ـ از نزدیک یا دور ـ و این دعا را بخواند، زیارتش مقبول گردد، و هر حاجتی که بطلبد هرچند بزرگ باشد برآورده شود، و نامید برنگردد؛ و برگردد با دیدار روشن و خوشحال بسبب برآمدن حاجتهایش، و فایز شدن به بهشت و آزاد شدن از آتش جهنم، و شفاعت او را قبول کنم در حق هرکه دعا کند زیارت کننده برای او؛ مگر آنکه دشمن اهل بیت علیهم السلام باشد.

به این نحو قسم به ذات پاک خود خورده است، و ملائکه را بر این گواه گرفته است.

و جبرئیل گفت که: یا محمد حق تعالی مرا فرستاده است به سوی تو که به این مژده بشارت دهم تو را و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان تو را تا روز قیامت، پس دائم باد شادی تو، و شادی علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان فرزندان حسین، و شیعیان شما تا روز قیامت.

و صفوان گفت که: حضرت صادق علیه السلام فرمود که: ای صفوان، هرگاه تو را حاجتی در درگاه خدا باشد، این زیارت را بکن هرجا که باشی، و این دعا را بخوان و حاجت خود را سؤال کن؛ البته برآورده می‌شود.

و زيارت اميرالمؤمنين اين است: رو به قبر آن حضرت بايست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنِ اَصْطَفاهُ اَللهُ وَاَخْتَصَّهُ وَاَخْتارَهُ مِنْ بَرِيَّتِهِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خَلِيلَ اَللهِ ما دَجَا اَللَّيْلُ وَغَسَقَ، وَأَضاءَ اَلنَّهارُ وَأَشْرَقَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ ما صَمَتَ صامِتٌ، وَنَطَقَ ناطِقٌ، وَذَرَّ شارِقٌ، وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَوْلانا أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ، صاحِبِ اَلسَّوابِقِ وَاَلْمَناقِبِ وَاَلنَّجْدَةِ، وَمُبِيدِ اَلْكَتائِبِ، اَلشَّدِيدِ اَلْبَأْسِ، اَلْعَظِيمِ اَلْمِراسِ، اَلْمَكِينِ اَلْأَساسِ، ساقِي اَلْمُؤْمِنِينَ بِالْكَأْسِ مِنْ حَوْضِ اَلرَّسُولِ اَلْمَكِينِ اَلْأَمِينِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ صاحِبِ اَلنُّهىٰ وَاَلْفَضْلِ وَاَلطَّوائِلِ[1]، وَاَلْمَكْرُماتِ وَاَلنَّوائِلِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ فارِسِ اَلْمُؤْمِنِينَ، وَلَيْثِ اَلْمُوَحِّدِينَ، وَقاتِلِ اَلْمُشْرِكِينَ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ اَلْعالَمِينَ، وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ أَيَّدَهُ اَللهُ بِجَبْرَئِيلَ، وَأَعانَهُ بِمِيكائِيلَ، وَأَزْلَفَهُ فِي اَلدّارَيْنِ، وَحَباهُ بِكُلِّ ما تَقَرُّ بِهِ اَلْعَيْنُ، وَصَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آلِهِ اَلطّاهِرِينَ، وَعَلىٰ أَوْلادِهِ اَلْمُنْتَجَبِينَ، وَعَلَى اَلْأَئِمَّةِ اَلرّاشِدِينَ، اَلَّذِينَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَوْا عَنِ اَلْمُنْكَرِ، وَفَرَضُوا عَلَيْنا[2] اَلصَّلَواتِ، وَأَمَرُوا بِإِيتاءِ اَلزَّكَواتِ، وَعَرَّفُونا صِيامَ شَهْرِ رَمَضانَ، وَقِراءَةَ اَلْقُرْآنِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا يَعْسُوبَ اَلدِّينِ، وَقائِدَ اَلْغُرِّ اَلْمُحَجَّلِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْنَ اَللهِ اَلنّاظِرَةَ، وَيَدَهُ اَلباسِطَةَ، وَأُذُنَهُ اَلْواعِيَةَ، وَحِكْمَتَهُ[3] اَلْبالِغَةَ، وَنِعْمَتَهُ اَلسّابِغَةَ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ قَسِيمِ اَلْجَنَّةِ وَاَلنّارِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ نِعْمَةِ اَللهِ عَلَى اَلْأَبْرارِ، وَنِقْمَتِهِ

---

۱ ـ «الطول والفضائل» خ ل.　۲ ـ «لَنا» خ ل.

۳ ـ «كلمته» خ ل.

عَلَى ٱلْفُجّارِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ سَيِّدِ ٱلْمُتَّقِينَ ٱلْأَخْيارِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَخِي رَسُولِ ٱللهِ وَٱبْنِ عَمِّهِ، وَ زَوْجِ ٱبْنَتِهِ، وَٱلْمَخْلُوقِ مِنْ طِينَتِهِ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْأَصْلِ ٱلْقَدِيمِ، وَٱلْفَرْعِ ٱلْكَرِيمِ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلثَّمَرِ ٱلْجَنِيِّ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَبِي ٱلْحَسَنِ عَلِيٍّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ شَجَرَةِ طُوبىٰ، وَسِدْرَةِ ٱلْمُنْتَهىٰ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ آدَمَ صِفْوَةِ ٱللهِ، وَنُوحٍ نَبِيِّ ٱللهِ، وَإِبْراهِيمَ خَلِيلِ ٱللهِ، وَمُوسىٰ كَلِيمِ ٱللهِ، وَعِيسىٰ رُوحِ ٱللهِ، وَمُحَمَّدٍ حَبِيبِ ٱللهِ، وَمَنْ بَيْنَهُمْ مِنَ ٱلنَّبِيِّينَ وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَداءِ وَٱلصّالِحِينَ، وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقاً.

اَلسَّلامُ عَلىٰ نُورِ ٱلْأَنْوارِ، وَسَلِيلِ ٱلْأَطْهارِ، وَعَناصِرِ[1] ٱلْأَخْيارِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ والِدِ ٱلْأَئِمَّةِ ٱلْأَبْرارِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ حَبْلِ ٱللهِ ٱلْمَتِينِ، وَجَنْبِهِ ٱلْمَكِينِ[2]، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَمِينِ ٱللهِ فِي أَرْضِهِ، وَخَلِيفَتِهِ، وَٱلْحاكِمِ بِأَمْرِهِ، وَٱلْقَيِّمِ بِدِينِهِ، وٱلْمُهَيْمِنِ[3] بِحِكْمَتِهِ، وَٱلْعامِلِ بِكِتابِهِ، أَخِي ٱلرَّسُولِ، وَزَوْجِ ٱلْبَتُولِ، وَسَيْفِ ٱللهِ ٱلْمَسْلُولِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ صاحِبِ ٱلدَّلالاتِ، وَٱلْآياتِ ٱلْباهِراتِ، وَٱلْمُعْجِزاتِ ٱلْقاهِراتِ[4]، وَٱلْمُنْجِي مِنَ ٱلْهَلَكاتِ، ٱلَّذِي ذَكَرَهُ ٱللهُ فِي مُحْكَمِ ٱلْآياتِ فَقالَ تَعالىٰ: ﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ ٱلْكِتابِ لَدَيْنا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ﴾[5].

اَلسَّلامُ عَلَى ٱسْمِ ٱللهِ ٱلرَّضِيِّ، وَوَجْهِهِ ٱلْمُضِيءِ، وَجَنْبِهِ ٱلْعَلِيِّ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ حُجَجِ ٱللهِ وَأَوْصِيائِهِ، وَخاصَّةِ ٱللهِ وَأَصْفِيائِهِ وَخالِصَتِهِ وَأُمَنائِهِ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

---

۱ ـ «عنصر» خ ل.

۲ ـ «المبين» خ ل.

۳ ـ «النّاطِق» خ ل.

۴ ـ «الزاهرات» خ ل.

۵ ـ زخرف: ۴.

قَصَدْتُكَ ـ يا مَوْلايَ يا أَمِينَ اللهِ وَحُجَّتَهُ ـ زائِراً، عارِفاً بِحَقِّكَ، مُوالِياً لِأَوْلِيائِكَ، مُعادِياً لِأَعْدائِكَ، مُتَقَرِّباً إِلَى اللهِ بِزِيارَتِكَ؛ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ اللهِ رَبِّي وَرَبِّكَ في خَلاصِ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ، وَقَضاءِ حَوائِجِي حَوائِجِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

پس خود را به قبر بچسبان و قبر را ببوس، و بگو:

سَلامُ اللهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالْمُسَلِّمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالنّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ، وَالشّاهِدِينَ عَلىٰ أَنَّكَ صادِقٌ أَمِينٌ صِدِّيقٌ، عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ طُهْرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ.

أَشْهَدُ لَكَ يا وَلِيَّ اللهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ بِالْبَلاغِ وَالْأَداءِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جَنْبُ اللهِ وَبابُهُ، وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللهِ، وَوَجْهُهُ الَّذِي يُؤْتىٰ مِنْهُ، وَأَنَّكَ سَبِيلُ اللهِ، وَأَنَّكَ عَبْدُ اللهِ وَأَخُو رَسُولِهِ ـ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ.

أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيارَتِكَ، راغِباً إِلَيْكَ فِي الشَّفاعَةِ، أَبْتَغِي بِشَفاعَتِكَ خَلاصَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ، مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنَ النّارِ، هارِباً مِنْ ذُنُوبِيَ الَّتِي احْتَطَبْتُها عَلىٰ ظَهْرِي، فَزِعاً إِلَيْكَ رَجاءَ رَحْمَةِ[1] رَبِّي.

أَتَيْتُكَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ يا مَوْلايَ، وَأَتَقَرَّبُ بِكَ إِلَى اللهِ[2] لِيَقْضِيَ بِكَ حَوائِجِي، فَاشْفَعْ لِي يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللهِ؛ فَإِنِّي عَبْدُ اللهِ وَمَوْلاكَ وَزائِرُكَ، وَلَكَ عِنْدَ اللهِ الْمَقامُ الْمَحْمُودُ، وَالْجاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّأْنُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَبْدِكَ الْمُرْتَضىٰ، وَأَمِينِكَ الْأَوْفىٰ، وَعُرْوَتِكَ الْوُثْقىٰ، وَيَدِكَ الْعُلْيا، وَجَنْبِكَ الْأَعْلىٰ، وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنىٰ، وَحُجَّتِكَ عَلَى الْوَرىٰ، وَصِدِّيقِكَ الْأَكْبَرِ، وَسَيِّدِ الْأَوْصِياءِ، وَرُكْنِ

---

۱ ـ «راجياً رحمة» خ ل.

۲ ـ «وأتقرّب إلى الله بزيارتك» خ ل.

اَلْأَوْلِياءِ، وَعِمادِ اَلْأَصْفِياءِ؛ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ، وَيَعْسُوبِ اَلدِّينِ، وَقُدْوَةِ اَلصّالِحِينَ[۱]، وَإِمامِ اَلْمُخْلِصِينَ[۲]، وَاَلْمَعْصُومِ[۳] مِنَ اَلْخَلَلِ، اَلْمُهَذَّبِ مِنَ اَلزَّلَلِ، اَلْمُطَهَّرِ مِنَ اَلْعَيْبِ، اَلْمُنَزَّهِ مِنَ اَلرَّيْبِ، أَخِي نَبِيِّكَ، وَوَصِيِّ رَسُولِكَ، اَلْبائِتِ عَلىٰ فِراشِهِ، وَاَلْمُواسِي لَهُ بِنَفْسِهِ، وَكاشِفِ اَلْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، اَلَّذي جَعَلْتَهُ سَيْفاً لِنُبُوَّتِهِ، وَآيَةً لِرِسالَتِهِ، وَشاهِداً عَلىٰ أُمَّتِهِ، وَدَلالَةً عَلىٰ حُجَّتِهِ، وَحامِلاً لِرايَتِهِ، وَوِقايَةً لِمُهْجَتِهِ، وَهادِياً لِأُمَّتِهِ، وَيَداً لِبَأْسِهِ، وَتاجاً لِرَأْسِهِ، وَباباً لِسِرِّهِ، وَمِفْتاحاً لِظَفَرِهِ، حَتّىٰ هَزَمَ جُيُوشَ[۴] اَلشِّرْكِ بِإِذْنِكَ، وَأَبادَ عَساكِرَ اَلْكُفْرِ بِأَمْرِكَ، وَبَذَلَ نَفْسَهُ فِي مَرْضاةِ رَسُولِكَ، وَجَعَلَها وَقْفاً عَلىٰ طاعَتِهِ، فَصَلِّ اَللّٰهُمَّ عَلَيْهِ صَلاةً دائِمَةً باقِيَةً.

پس بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اَللهِ، وَاَلشِّهابَ اَلثّاقِبَ، وَاَلنُّورَ اَلْعاقِبَ، يا سَلِيلَ اَلْأَطائِبِ، يا سِرَّ اَللهِ؛ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اَللهِ تَعالىٰ ذُنُوباً قَدْ أَثْقَلَتْ ظَهْرِي، وَلا يَأْتِي عَلَيْها إِلّا رِضاهُ[۵]. فَبِحَقِّ مَنِ اَئْتَمَنَكَ عَلىٰ سِرِّهِ، وَاَسْتَرْعاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ، كُنْ لِي إِلَى اَللهِ شَفِيعاً، وَمِنَ اَلنّارِ مُجِيراً، وَعَلَى اَلدَّهْرِ ظَهِيراً؛ فَإِنِّي عَبْدُ اَللهِ وَوَلِيُّكَ وَزائِرُكَ، صَلَّى اَللهُ عَلَيْكَ.

و شش رکعت نماز زیارت بکن، و هر دعاکه خواهی بکن، و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ ياأَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلامُ اَللهِ أَبَداً ما بَقِيتُ وَبَقِيَ اَللَّيْلُ وَاَلنَّهارُ.

پس اشاره کن و متوجّه شو به جانب قبر امام حسین ﷺ و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللهِ.

أَتَيْتُكُما زائِراً، وَمُتَوَسِّلاً إِلَى اَللهِ رَبِّي وَرَبِّكُما، وَمُتَوَجِّهاً إِلَى اَللهِ بِكُما،

---

۱ ـ «الصدّيقين» خ ل.
۲ ـ «الصّالحين» خ ل.
۳ ـ «والمفطوم» خ ل.
۴ ـ «جنود» خ ل.
۵ ـ «رضاك» خ ل.

وَمُسْتَشْفِعاً بِكُما إِلَى اَللهِ في حاجَتِي هٰذِهِ، فَاشْفَعا لِي فَإِنَّ لَكُما عِنْدَ اَللهِ اَلْمَقامَ اَلْمَحْمُودَ، وَاَلْجاهَ اَلْوَجِيهَ، وَاَلْمَنْزِلَ اَلرَّفِيعَ وَاَلْوَسِيلَةَ.

إِنِّي أَنْقَلِبُ عَنْكُما مُنْتَظِراً لِتَنَجُّزِ اَلْحاجَةِ وَقَضائِها وَنَجاحِها مِنَ اَللهِ بِشَفاعَتِكُما لِي إِلَى اَللهِ فِي ذٰلِكَ، فَلا أَخِيبُ وَلا يَكُونُ مُنْقَلَبِي عَنْكُما مُنْقَلَباً خاسِراً[١]، بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَباً راجِحاً مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً لِي بِقَضاءِ جَمِيعِ اَلْحَوائِجِ، فَاشْفَعا لِي.

أَنْقَلِبُ[٢] عَلىٰ ما شاءَ اَللهُ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ، مُفَوِّضاً أَمْرِي إِلَى اَللهِ، مُلْجِئاً ظَهْرِي إِلَى اَللهِ، مُتَوَكِّلاً عَلَى اَللهِ، وَأَقُولُ: حَسْبِيَ اَللهُ وَكَفىٰ، سَمِعَ اَللهُ لِمَنْ دَعا، لَيْسَ وَراءَ اَللهِ وَوَراءَكُمْ يا ساداتِي مُنْتَهىٰ، ما شاءَ اَللهُ رَبِّي كانَ، وَما لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ.

يا سَيِّدِي يا أَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلايَ، وَأَنْتَ يا أَبا عَبْدِ اَللهِ، سَلامِي عَلَيْكُما مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اَللَّيْلُ وَاَلنَّهارُ، واصِلٌ إِلَيْكُما غَيْرَ مَحْجُوبٍ عَنْكُما سَلامِي إِنْ شاءَ اَللهُ، وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُما أَنْ يَشاءَ ذٰلِكَ وَيَفْعَلَ، فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

أَنْقَلِبُ يا سَيِّدَيَّ عَنْكُما تائِباً حامِداً لِلّٰهِ شاكِراً راضِياً، مُسْتَيْقِناً لِلإِجابَةِ، غَيْرَ آيِسٍ وَلا قانِطٍ، عائِداً راجِعاً إِلىٰ زِيارَتِكُما، غَيْرَ راغِبٍ عَنْكُما، بَلْ راجِعٌ إِنْ شاءَ اَللهُ إِلَيْكُما.

يا ساداتِي، رَغِبْتُ إِلَيْكُما بَعْدَ أَنْ زَهِدَ فِيكُما وَفِي زِيارَتِكُما أَهْلُ اَلدُّنْيا، فَلا يُخَيِّبُنِي[٣] اَللهُ فِيما رَجَوْتُ وَما أَمَّلْتُ في زِيارَتِكُما، إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

پس رو به قبله كن و بگو:

يا اَللهُ يا اَللهُ، يا مُجِيبَ دَعْوَةِ اَلْمُضْطَرِّينَ، وَيا كاشِفَ كَرْبِ اَلْمَكْرُوبِينَ، وَيا غِياثَ اَلْمُسْتَغِيثِينَ، وَيا صَرِيخَ اَلْمُسْتَصْرِخِينَ، وَيا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ اَلْوَرِيدِ، يا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ اَلْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيا مَنْ هُوَ اَلرَّحْمٰنُ اَلرَّحِيمُ، يا مَنْ

---

١ ـ «خائباً» خ ل. ٢ ـ در اكثر نسخ: «أنقلب». ٣ ـ «فلا خيّبني» خ ل.

عَلَى ٱلْعَرْشِ ٱسْتَوىٰ، يا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ ٱلْأَعْيُنِ وَما تُخْفِي ٱلصُّدُورُ، وَيا مَنْ لا تَخْفىٰ عَلَيْهِ خافِيَةٌ، يا مَنْ لا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ ٱلْأَصْواتُ، يا مَنْ لا تُغَلِّطُهُ ٱلْحاجاتُ، يا مَنْ لا يُبْرِمُهُ إِلْحاحُ ٱلْمُلِحِّينَ، يا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ، يا جامِعَ كُلِّ شَمْلٍ، يا بارِئَ ٱلنُّفُوسِ بَعْدَ ٱلْمَوْتِ، يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ في شَأْنٍ، يا قاضِيَ ٱلْحاجاتِ، يا مُنَفِّسَ ٱلْكُرُباتِ، يا مُعْطِيَ ٱلسُّؤْلاتِ[1]، يا وَلِيَّ ٱلرَّغَباتِ، يا كافِيَ ٱلْمُهِمّاتِ، يا مَنْ يَكْفِي كُلَّ شَيْءٍ، وَلا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي ٱلسَّماواتِ وَٱلْأَرْضِ.

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، وَعلِيٍّ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَبِحَقِّ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَبِحَقِّ ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ؛ فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ في مَقامِي هٰذا، وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ، وَبِهِمْ أَسْتَشْفِعُ إِلَيْكَ، وَبِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأَعْزِمُ عَلَيْكَ، وَبِالشَّأْنِ ٱلَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى ٱلْعالَمِينَ، وَبِاسْمِكَ ٱلَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ، وَبِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ ٱلْعالَمِينَ، وَبِهِ أَبَنْتَهُمْ، وَأَبَنْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ كُلِّ فَضْلٍ، حَتّىٰ فاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ ٱلْعالَمِينَ جَمِيعاً.

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِفَ غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي، وَأَنْ تَكْفِيَنِي ٱلْمُهِمَّ مِنْ أمْرِي، وَتَقْضِيَ عَنِّي دَيْنِي، وَتُجِيرَنِي مِنَ ٱلْفَقْرِ وَٱلْفاقَةِ، وَتُغْنِيَنِي عَنِ ٱلْمَسْأَلَةِ إِلَى ٱلْمَخْلُوقِينَ، وَتَكْفِيَنِي هَمَّ مَنْ أَخافُ هَمَّهُ، وَعُسْرَ مَنْ أَخافُ عُسْرَهُ، وَحُزُونَةَ مَنْ أَخافُ حُزُونَتَهُ، وَشَرَّ مَنْ أَخافُ شَرَّهُ، وَمَكْرَ مَنْ أَخافُ مَكْرَهُ، وَبَغْيَ مَنْ أَخافُ بَغْيَهُ، وَجَوْرَ مَنْ أَخافُ جَوْرَهُ، وَسُلْطانَ مَنْ أَخافُ سُلْطانَهُ، وَكَيْدَ مَنْ أَخافُ كَيْدَهُ، وَٱصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ، وَمَقْدُرَةَ مَنْ أَخافُ مَقْدُرَتَهُ عَلَيَّ، وَتَرُدَّ عَنِّي كَيْدَ ٱلْكَيَدَةِ وَمَكْرَ ٱلْمَكَرَةِ.

اَللّٰهُمَّ مَنْ أَرادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كادَنِي فَكِدْهُ، وَٱصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَبَأْسَهُ

---

۱ ـ «السؤالات» خ ل.

وَأَمانِيَّهُ، وَامْنَعْهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَأَنّىٰ شِئْتَ.

اَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لا تَجْبُرُهُ، وَبَلاءٍ لا تَسْتُرُهُ، وَبِفاقَةٍ لا تَسُدُّها، وَبِسُقْمٍ لا تُعافِيهِ، وَبِذُلٍّ لا تُعِزُّهُ، وَمَسْكَنَةٍ لا تَجْبُرُها.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلِ الذُّلَّ نَصْبَ عَيْنَيْهِ، وَأَدْخِلْ الْفَقْرَ في مَنْزِلِهِ، وَالسُّقْمَ في بَدَنِهِ، حَتّىٰ تَشْغَلَهُ عَنِّي بِشُغْلٍ شاغِلٍ لا فَراغَ لَهُ، وَأَنْسِهِ ذِكْرِي كَما أَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ، وَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسانِهِ وَيَدِهِ وَرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيعِ جَوارِحِهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ في جَمِيعِ ذٰلِكَ السُّقْمَ وَلا تَشْفِهِ، حَتّىٰ تَجْعَلَ لَهُ ذٰلِكَ شُغْلاً شاغِلاً عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي، وَاكْفِنِي يا كافِيَ ما لا يَكْفِي سِواكَ، يا مُفَرِّجَ مَنْ لا مُفَرِّجَ لَهُ سِواكَ، وَمُغِيثَ مَنْ لا مُغِيثَ لَهُ سِواكَ، وَجارَ مَنْ لا جارَ لَهُ سِواكَ، وَمَلْجَأَ مَنْ لا مَلْجَأَ لَهُ غَيْرُكَ.

أَنْتَ ثِقَتِي وَرَجائِي وَمَفْزَعِي وَمَهْرَبِي وَمَلْجَإِي وَمَنْجايَ؛ فَبِكَ أَسْتَفْتِحُ، وَبِكَ أَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشَفَّعُ، يا اَللهُ، يا اَللهُ، يا اَللهُ، وَلَكَ الْحَمْدُ، وَلَكَ الْمِنَّةُ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكىٰ وَأَنْتَ الْمُسْتَعانُ، فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي هَمِّي وَغَمِّي وَكَرْبِي في مَقامِي هٰذا، كَما كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ غَمَّهُ وَهَمَّهُ وَكَرْبَهُ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، فَاكْشِفْ عَنِّي كَما كَشَفْتَ عَنْهُ، وَفَرِّجْ عَنِّي كَما فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَاكْفِنِي كَما كَفَيْتَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ ما أَخافُ هَوْلَهُ، وَمَؤُونَةَ مَنْ أَخافُ مَؤُونَتَهُ وَهَمَّ مَنْ أَخافُ هَمَّهُ بِلا مَؤُونَةٍ عَلىٰ نَفْسِي مِنْ ذٰلِكَ، وَاصْرِفْنِي بِقَضاءِ حاجَتِي، وَكِفايَةِ ما أَهَمَّنِي هَمُّهُ، مِنْ أَمْرِ دُنْيايَ وَآخِرَتِي، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس ملتفت شو به جانب قبر امیرالمؤمنین علیه‌السلام و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالسَّلامُ عَلىٰ أَبِي عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ، ما بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، لا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيارَتِكُما، وَلا فَرَّقَ اللهُ

بَيْنِي وَبَيْنَكُما[1].

مؤلّف گوید که: از قراین روایات که در اینجا و در زیارت امام حسین علیه السلام در روزعاشورا ذکر کرده‌اند، معلوم می‌شود که مؤلّفانِ مزارات، این حدیث را تفریق و اختصار کرده‌اند.

و چون این حدیث مشتمل بر فضیلت عظیم هست، بهتر آن است که هرگاه که خواهند که این زیارت را بعمل آورند ـ خواه در روز عاشورا و خواه غیر آن، و خواه نزد قبر امیرالمؤمنین و خواه نزد قبر امام حسین علیه السلام، و خواه در سایر بلاد ـ اوّل زیارت امیرالمؤمنین بکنند تا آنجا که «فَإِنِّي عَبْدُ ٱللهِ وَوَلِيُّكَ وَزائِرُكَ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ»، پس ابتدا کنند و زیارت کنند حضرت امام حسین علیه السلام را به تمام آن زیارتی که در اوّلِ زیارات روز عاشورا بیان خواهیم کرد[2]؛ تا به همه حدیث عمل کرده باشند، و فضیلت عظیم را ادراک نموده باشند.

زیارت هفتم:

زیارتی است که در بعضی از کتب قدیمه معتبره یافته‌ام که به روایت صفوان جمّال منسوب گردانیده‌اند.

و آن این زیارت است:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا ٱلْأَئِمَّةِ، وَمَعْدِنَ ٱلنُّبُوَّةِ، وَٱلْمَخْصُوصَ بِالْأُخُوَّةِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ يَعْسُوبِ ٱلدِّينِ وَٱلْإِيمانِ، وَكَلِمَةِ ٱلرَّحْمٰنِ، وَكَهْفِ ٱلْأَنامِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مِيزانِ ٱلْأَعْمالِ، وَمُقَلِّبِ ٱلْأَحْوالِ، وَسَيْفِ ذِي ٱلْجَلالِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ صالِحِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثِ عِلْمِ ٱلنَّبِيِّينَ، وَٱلْحاكِمِ يَوْمَ ٱلدِّينِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ شَجَرَةِ ٱلتَّقْوىٰ، وَسامِعِ ٱلسِّرِّ وَٱلنَّجْوىٰ، وَمُنْزِلِ ٱلْمَنِّ وَٱلسَّلْوىٰ.

---

۱ ـ مزار کبیر: ۲۱۴ ـ ۲۲۵، بحارالانوار: ۳۰۵/۱۰۰ ـ ۳۱۱ ح۲۳ و۲۴، مصباح المتهجّد: ۷۷۷ ـ ۷۸۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴۸/۲ ش۵۲۳ وص ۱۱۷ ش ۵۶۷.

۲ ـ نگاه کن: ص۴۲۳.

اَلسَّلامُ عَلىٰ حُجَّةِ اَللهِ اَلْبالِغَةِ، وَنِعْمَتِهِ اَلسّابِغَةِ، وَنِقْمَتِهِ اَلدّامِغَةِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ إِسْرائِيلِ اَلْأُمَّةِ، وَبابِ اَلرَّحْمَةِ، وَأَبِي اَلْأَئِمَّةِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ صِراطِ اَللهِ اَلْواضِحِ، وَاَلنَّجْمِ اَللّائِحِ، وَاَلْإِمامِ اَلنّاصِحِ، وَاَلزِّنادِ اَلْقادِحِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ وَجْهِ اَللهِ اَلَّذِي مَنْ آمَنَ بِهِ أَمِنَ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ نَفْسِ اَللهِ اَلْقائِمَةِ فِيهِ بِالسُّنَنِ، وَعَيْنِهِ اَلَّتِي مَنْ عَرَفَها يَطْمَئِنُّ[1].

اَلسَّلامُ عَلىٰ أُذُنِ اَللهِ اَلْواعِيَةِ فِي اَلْأُمَمِ، وَيَدِهِ اَلْباسِطَةِ بِالنِّعَمِ، وَجَنْبِهِ اَلَّذِي مَنْ فَرَّطَ فِيهِ نَدِمَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ مُجازِي اَلْخَلْقِ، وَشافِعُ اَلرِّزْقِ، وَاَلْحاكِمُ بِالْحَقِّ، بَعَثَكَ اَللهُ عَلَماً لِعِبادِهِ، فَوَفَيْتَ بِمُرادِهِ، وَجاهَدْتَ فِي اَللهِ حَقَّ جِهادِهِ؛ فَصَلَّى اَللهُ عَلَيْكُمْ، وَجَعَلَ أَفْئِدَةً مِنَ اَلنّاسِ تَهْوِي إِلَيْكُمْ، فَالْخَيْرُ مِنْكَ وَإِلَيْكَ.

عَبْدُكَ اَلزّائِرُ لِحَرَمِكَ، اَللّائِذُ بِكَرَمِكَ، اَلشّاكِرُ لِنِعَمِكَ، قَدْ هَرَبَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ، وَرَجاكَ لِكَشْفِ كُرُوبِهِ، فَأَنْتَ ساتِرُ عُيُوبِهِ، فَكُنْ لِي إِلَى اَللهِ وَسِيلاً، وَمِنَ اَلنّارِ مُقِيلاً، وَلِما أَرْجُو فِيكَ كَفِيلاً، أَنْجُو نَجاءَ مَنْ وَصَلَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَسَلَكَ بِكَ إِلَى اَللهِ سَبِيلاً، فَأَنْتَ سامِعُ اَلدُّعاءِ، وَوَلِيُّ اَلْجَزاءِ، عَلَيْنا مِنْكَ اَلسَّلامُ، وَأَنْتَ اَلسَّيِّدُ اَلْكَرِيمُ، وَاَلْإِمامُ اَلْعَظِيمُ، فَكُنْ بِنا رَحِيماً يا أَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ. وَاَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اَللهِ[2].

زیارت هشتم:

زیارتی است که شیخ محمّد بن المشهدی ذکر کرده است، و گفته است که اخذ کرده‌ام از کتاب انوار، و اوّل نسبت داده است به حضرت خضرؑ، و بعد از آن روایت کرده است از یوسف کُناسی و معاویة بن عمّار، که هر دو از حضرت صادقؑ روایت

---

۱ ـ «من رَعَتْهُ اطمَأَنَّ» خ ل.

۲ ـ بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۳۰ ح ۲۹ به نقل از کتاب عتیق غروی، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۲/ ۱۴۱ ش ۵۷۱.

کرده‌اند که آن حضرت فرمود که:

چون خواهی زیارت کنی حضرت امیرالمؤمنین ﷺ را، پس غسل کن هرجا که میسّر شود تو را، و بگو وقتی که عزم بیرون آمدن می‌کنی:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي مَشْكُوراً، وَذَنْبِي مَغْفُوراً، وَعَمَلِي مَقْبُولاً، وَاغْسِلْنِي مِنَ الْخَطايا وَالذُّنُوبِ، وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ، وَزَكِّ عَمَلِي، وَتَقَبَّلْ سَعْيِي، وَاجْعَلْ ما عِنْدَكَ خَيْراً لِي.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوّابِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ.

پس برو به آرام دل و تن تا درِ حرم و نزد در بایست و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُرِيدُكَ فَأَرِدْنِي، وَأَقْبَلْتُ بِوَجْهِي إِلَيْكَ فَلا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ عَنِّي، وَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَإِنْ كُنْتَ ماقِتاً لِي فَارْضَ عَنِّي، وَإِنْ كُنْتَ ساخِطاً عَلَيَّ فَاعْفُ عَنِّي، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ بِرَحْمَتِكَ، أَبْتَغِي بِذٰلِكَ رِضاكَ فَلا تَقْطَعْ رَجائِي وَلا تُخَيِّبْنِي، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ السَّلامُ، وَمِنْكَ السَّلامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلامُ، وَأَنْتَ مَعْدِنُ السَّلامِ، حَيِّنا رَبَّنا مِنْكَ بِالسَّلامِ.

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيراً.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا الْحَسَنِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ ما أَمَرَكَ بِهِ، وَوَفَيْتَ بِعَهْدِ اللّٰهِ، وَتَمَّتْ بِكَ كَلِماتُ اللّٰهِ، وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقِينُ.

لَعَنَ اَللهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اَللهُ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ عَنْهُ[1].

أَنا ـ بِأَبِي وَأُمِّي ـ لِمَنْ والاكَ وَلِيٌّ، وَلِمَنْ عاداكَ عَدُوٌّ، أَبْرَأُ إِلَى اَللهِ مِمَّنْ بَرِئْتَ مِنْهُ وَبَرِئَ مِنْكُمْ.

پس بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا اَلْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ صَوْتِي، أَتَيْتُكَ مُتَعاهِداً لِدِينِي وَبَيْعَتِي، اِئْذَنْ لِي فِي بَيْتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّ رُوحَكَ مُقَدَّسَةٌ أُغْنِيَتْ[2] بِالْقُدْسِ وَاَلسَّكِينَةِ، جُعِلْتَ لَها بَيْتاً تَنْطِقُ عَلىٰ لِسانِكَ.

پس داخل حرم شو و بگو:

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلْـمُقَرَّبِينَ، اَلسَّـلامُ عَـلىٰ مَـلائِكَةِ اَللهِ اَلْـمُرْدِفِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ حَمَلَةِ اَلْعَرْشِ اَلْكَرُوبِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلْمُنْتَجَبِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلْمُسَوِّمِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلَّذِينَ هُمْ فِـي هٰـذا اَلْـحَرَمِ بِإِذْنِ اَللهِ مُقِيمُونَ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِهِ، وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ، وَمَنْ فَرَضَ طاعَتَهُ، رَحْمَةً مِنْهُ لِي، وَتَطَوُّلاً مِنْهُ عَلَيَّ بِذٰلِكَ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي سَيَّرَنِي فِي بِلادِهِ، وَحَمَلَنِي عَلىٰ دَوابِّهِ، وَطَـوىٰ لِـيَ اَلْـبَعِيدَ، وَدَفَعَ عَنِّي اَلْمَكارِهَ، حَتّىٰ أَدْخَلَنِي حَرَمَ وَلِيِّ اَللهِ، وَأَرانِيهِ فِي عافِيَةٍ.

﴿اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي هَدانا لِهٰذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا أَنْ هَدانا اَللهُ﴾[3].

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اَللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيّاً عَبْدُ اَللهِ وَأَخُو رَسُولِهِ.

---

۱ ـ «بِهِ» خ ل. ۲ ـ «أُعينت» خ ل. ۳ ـ اعراف: ۴۳.

اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ وَزائِرُكَ مُتَقَرِّبٌ إِلَيْكَ بِزِيارَةِ أَخِي رَسُولِكَ، وَعَلىٰ كُلِّ مَزُورٍ حَقٌّ لِمَنْ أَتاهُ وَزارَهُ، وَأَنْتَ أَكْرَمُ مَزُورٍ وَخَيْرُ مَأْتِيٍّ؛ فَأَسْأَلُكَ يا رَحْمٰنُ يا رَحِيمُ، يا واحِدُ يا أَحَدُ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيّايَ مِنْ زِيارَتِي في مَوْقِفِي هٰذا فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُسارِعُ في الْخَيْراتِ وَيَدْعُوكَ رَغَباً وَرَهَباً، وَاجْعَلْني لَكَ مِنَ الْخاشِعِينَ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ بَشَّرْتَنِي عَلىٰ لِسانِ نَبِيِّكَ فَقُلْتَ: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِيْنَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾[1].

اَللّٰهُمَّ فَإِنِّي بِكَ مُؤْمِنٌ، وَبِجَمِيعِ آياتِكَ مُوقِنٌ، فَلا تُوْقِفْنِي بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مَوْقِفاً تَفْضَحُنِي عَلىٰ رُؤُوسِ الْخَلائِقِ؛ بَلْ أَوْقِفْنِي مَعَهُمْ، وَتَوَفَّنِي عَلىٰ تَصْدِيقِي[2]؛ فَإِنَّهُمْ عَبِيدُكَ خَصَصْتَهُمْ بِكَرامَتِكَ، وَأَمَرْتَنِي بِاتِّباعِهِمْ.

پس برو به نزديک قبر و بگو:

اَلسَّلامُ مِنَ اللهِ عَلىٰ رَسُولِ اللهِ، مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللهِ، خاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَإِمامِ الْمُتَّقِينَ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَمِينِ اللهِ عَلىٰ رِسالاتِهِ وَعَزائِمِ أَمْرِهِ، وَمَعْدِنِ الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيلِ، الْخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَالْفاتِحِ لِما اسْتُقْبِلَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالشّاهِدِ عَلَى الْخَلْقِ، وَالسِّراجِ الْمُنِيرِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْمَظْلُومِينَ، أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَرْفَعَ وَأَنْفَعَ وَأَشْرَفَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيائِكَ وَأَصْفِيائِكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ، وَخَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ، وَأَخِي نَبِيِّكَ، وَوَصِيِّ رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ

---

۱ ـ يونس: ۲.

۲ ـ «التصديق بهم» خ ل.

عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَهُ بِرسالاتِكَ، وَدَيّانِ ٱلدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ خِطابِكَ مِنْ[۱] خَلْقِكَ، وَٱلْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَٱلسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى ٱلْأَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ، ٱلْقَوّامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ، ٱلْمُطَهَّرِينَ ٱلَّذِينَ ٱرْتَضَيْتَهُمْ أَنْصاراً لِدِينِكَ، وَأَعْلاماً لِعِبادِكَ.

پس بگو:

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْأَئِمَّةِ ٱلْمُسْتَوْدَعِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ خالِصَةِ ٱللهِ مِنْ خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلَّذِينَ قامُوا بِأَمْرِ ٱللهِ، وَخالَفُوا لِخَوْفِهِ ٱلْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ ٱللهِ ٱلْمُقَرَّبِينَ.

پس بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا إِمامَ ٱلْهُدىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلَمَ ٱلتُّقىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلْبَرُّ ٱلتَّقِيُّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلسِّراجُ ٱلْمُنِيرُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِيَّ ٱلرَّسُولِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَ ٱلدِّينِ، وَوارِثَ عِلْمِ ٱلْأَوَّلِينَ وَٱلْآخِرِينَ، وَصاحِبَ ٱلْمِيْسَمِ، وَٱلصِّراطَ ٱلْمُسْتَقِيمَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ ٱللهِ، أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ، وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ، صَبَرْتَ وَٱحْتَسَبْتَ حَتّىٰ أَتاكَ ٱلْيَقِينُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ ٱللهَ وَأَنْتَ شَهِيدٌ؛ عَذَّبَ ٱللهُ قاتِلَكَ بِأَنْواعِ ٱلْعَذابِ.

جِئْتُكَ يا وَلِيَّ ٱللهِ عارِفاً بِحَقِّكَ، مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ، مُعادِياً لِأَعْدائِكَ وَمَنْ

---

۱ ـ «وفصل قضائك بين» خ ل.

ظَلَمَكَ، أَلْقىٰ عَلىٰ ذٰلِكَ رَبِّي إِنْ شاءَ، إِنَّ لِي ذُنُوباً كَثِيرَةً فَاشْفَعْ لي فِيها عِنْدَ رَبِّكَ؛ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ ٱللهِ مَقاماً مَحْمُوداً، وَإِنَّ لَكَ عِنْدَهُ جاهاً وَشَفاعَةً، وَقَدْ قالَ ٱللهُ تَعالىٰ: ﴿وَلا يَشْفَعُونَ إِلّا لِمَنِ ٱرْتَضىٰ﴾[1].

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ ٱللهِ في سَمائِهِ وَأَرْضِهِ، وَأُذُنَهُ ٱلسّامِعَةَ، وَذِكْرَهُ ٱلْخالِصَ، وَنُورَهُ ٱلسّاطِعَ.

أَشْهَدُ أَنَّ لَكَ مِنَ ٱللهِ ٱلْمَزِيدَ، وَأَنَّ وَجْهَكَ إِلىٰ قِبَلِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ، وَأَنَّ لَكَ مِنَ ٱللهِ رِزْقاً جَدِيداً، تَغْدُو عَلَيْكَ ٱلْمَلائِكَةُ في كُلِّ صَباحٍ.

رَبِّ ٱغْفِرْ لِي، وَتَجاوَزْ عَنْ سَيِّئاتِي، وَٱرْحَمْ طُوْلَ مَكْثِي في ٱلْقِيامَةِ بِهِ؛ فَإِنَّكَ عَلّامُ ٱلْغُيُوبِ وَأَنْتَ خَيْرُ ٱلْوارِثِينَ.

پس بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ هُودٍ نَبِيِّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ داودَ خَلِيفَةِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلصِّدِّيقُ ٱلشَّهِيدُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ٱلْأَرْواحِ ٱلَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِكَ وَأَناخَتْ بِرَحْلِكَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ ٱللهِ ٱلْمُحْدِقِينَ بِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ ٱلصَّلاةَ، وَآتَيْتَ ٱلزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ ٱلْمُنْكَرِ، وَٱتَّبَعْتَ ٱلرَّسُولَ، وَتَلَوْتَ ٱلْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ، وَبَلَّغْتَ عَنْ رَسُولِ ٱللهِ، وَوَفَيْتَ بِعَهْدِ ٱللهِ، وَتَمَّتْ بِكَ كَلِماتُ ٱللهِ، وَجاهَدْتَ في سَبِيلِ ٱللهِ حَقَّ

---

۱ ـ انبیاء: ۲۸.

جِهادِهِ، وَنَصَحْتَ لِلّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ صابِراً مُحْتَسِباً وَمُجاهِداً عَنْ دِيـنِ اَللهِ، مُوَقِّياً[١] لِرَسُولِ اَللهِ ـ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، طالِباً ما عِنْدَ اَللهِ، راغِباً فِيما وَعَدَ اَللهُ، وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَشاهِداً وَمَشْهُوداً؛ فَجَزاكَ اَللهُ عَـنْ رَسُـولِهِ وَعَنِ اَلْإِسْلامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ اَلْجَزاءِ.

وكُنْتَ أَوَّلَ اَلْقَوْمِ إِسْلاماً، وَأَخْلَصَهُمْ إِيـماناً، وَأَشَـدَّهُمْ يَـقِيناً، وَأَخْـوَفَهُمْ لِلّهِ، وَأَعْظَمَهُمْ غَناءً[٢]، وَأَحْوَطَهُمْ عَلىٰ رَسُولِ اَللهِ ـ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَآلِـهِ ـ، وَأَفْـضَلَهُمْ مَناقِبَ، وَأَكْثَرَهُمْ سَوابِقَ، وَأَرْفَعَهُمْ دَرَجَةً، وَأَشْرَفَهُمْ مَنْزِلَةً، وَأَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ.

قَوِيتَ حِيْنَ ضَعُفَ أَصْحابُهُ، وَبَرَزْتَ حِيْنَ اَسْتَكانُوا، وَنَهَضْتَ حِـيْنَ وَهَـنُوا، وَلَزِمْتَ مِنْهاجَ رَسُولِ اَللهِ ـ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، وَكُنْتَ خَلِيفَتَهُ حَقّاً، لَمْ تُنازَعْ بِرَغْمِ اَلْمُنافِقِينَ، وَغَيْظِ اَلْكافِرِينَ، وَكُرْهِ اَلْحاسِدِينَ، وَصِغَرِ[٣] اَلْفاسِقِينَ؛ فَقُمْتَ بِالْأَمْرِ حِيْنَ فَشِلُوا، وَنَطَقْتَ حِيْنَ تَتَعْتَعُوا، وَمَضَيْتَ بِنُورِ اَللهِ إِذْ وَقَفُوا، فَمَنِ اَتَّبَعَكَ فَقَدْ هُدِيَ.

كُنْتَ أَقَلَّهُمْ كَلاماً، وَأَصْوَبَهُمْ مَنْطِقاً، وَأَكْثَرَهُمْ رَأْياً، وَأَشْجَعَهُمْ قَلْباً، وَأَشَدَّهُمْ يَقِيناً، وَأَحْسَنَهُمْ عَمَلاً، وَأَعْرَفَهُمْ بِاللهِ.

كُنْتَ لِلدِّينِ يَعْسُوباً أَوَّلاً حِيْنَ تَفَرَّقَ اَلنّاسُ، وَآخِراً حِينَ فَشِلُوا.

كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَباً رَحِيماً إِذْ صارُوا عَلَيْكَ عِيالاً، فَحَمَلْتَ أَثْقالَ ما عَنْهُ ضَعُفُوا، وَحَفِظْتَ ما أَضاعُوا، وَرَعَيْتَ ما أَهْمَلوا، وَشَمَّرْتَ إِذْ خَـنَعُوا[٤]، وَعَـلَوْتَ إِذْ هَـلِعُوا، وَصَبَرْتَ إِذْ جَزِعُوا.

كُنْتَ عَلَى اَلْكافِرِينَ عَذاباً صَبّاً، وَغِلْظَةً وَغَيْظاً، وَلِـلْمُؤْمِنِينَ عَـيْناً وَحِـصْناً[٥]

---

١ ـ «موفياً» خ ل.

٢ ـ «عناءً» خ ل.

٣ ـ «وضغن» خ ل.

٤ ـ «إذ جبنوا» خ ل.

٥ ـ «غيثاً وخصباً» خ ل.

وَعَلماً، لَمْ تُفْلَلْ حُجَّتُكَ، وَلَمْ يَرْتَبْ[۱] قَلْبُكَ، وَلَمْ تَضْعُفْ بَصِيرَتُكَ، وَلَمْ تَجْبُنْ نَفْسُكَ.

كُنْتَ كَالْجَبَلِ لا تُحَرِّكُهُ ٱلْعَواصِفُ، وَلا تُزِيلُهُ ٱلْقَواصِفُ.

وَكُنْتَ ـ كَما قالَ رَسُولُ ٱللهِ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ قَوِيّاً في أَمْرِ ٱللهِ، وَضِيعاً في نَفْسِكَ، عَظِيماً عِنْدَ ٱللهِ، كَبِيراً في ٱلْأَرْضِ، جَلِيلاً عِنْدَ ٱلْمُؤْمِنِينَ؛ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِيكَ مَهْمَزٌ، وَلا لِقائِلٍ فِيكَ مَغْمَزٌ، وَلا لِأَحَدٍ عِنْدَكَ هَوادَةٌ، اَلضَّعِيفُ ٱلذَّلِيلُ عِنْدَكَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ حَتّىٰ تَأْخُذَ لَهُ بِحَقِّهِ، وَٱلْقَوِيُّ ٱلْعَزِيزُ عِنْدَكَ ضَعِيفٌ ذَلِيلٌ حَتّىٰ تَأْخُذَ مِنْهُ ٱلْحَقَّ، وَٱلْقَرِيبُ وَٱلْبَعِيدُ عِنْدَكَ في ذٰلِكَ سَواءٌ، شَأْنُكَ ٱلْحَقُّ وَٱلصِّدْقُ وَٱلرِّفْقُ، وَقَوْلُكَ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَأَمْرُكَ حِلْمٌ وَحَزْمٌ، وَرَأْيُكَ عِلْمٌ وَعَزْمٌ.

اِعْتَدَلَ بِكَ ٱلدِّينُ، وَسَهُلَ بِكَ ٱلْعَسِيرُ، وَأُطْفِئَتْ بِكَ ٱلنِّيرانُ، وَقَوِيَ بِكَ ٱلْإِسْلامُ وَٱلْمُؤْمِنُونَ، وَسَبَقْتَ سَبْقاً بَعِيداً، وَأَتْعَبْتَ مَنْ بَعْدَكَ تَعَباً شَدِيداً، فَعَظُمَتْ رَزِيَّتُكَ في ٱلسَّماءِ، وَهَدَّتْ مُصِيبَتُكَ ٱلْأَنامَ، فَإِنّا لِلّٰهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ.

لَعَنَ ٱللهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ مَنْ شايَعَ عَلىٰ قَتْلِكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ خالَفَكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ ظَلَمَكَ حَقَّكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ عَصاكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ غَصَبَكَ حَقَّكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ، أَنا إِلَى ٱللهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ، لَعَنَ ٱللهُ أُمَّةً خالَفَتْكَ، وَأُمَّةً جَحَدَتْ وِلايَتَكَ، وَأُمَّةً حادَتْ عَنْكَ، وَأُمَّةً قَتَلَتْكَ[۲]. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلنّارَ مَثْواهُمْ وَبِئْسَ ٱلْوِرْدُ ٱلْمَوْرُودُ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ قَتَلَةَ أَنْبِيائِكَ وَأَوْصِياءِ أَنْبِيائِكَ بِجَمِيعِ لَعَناتِكَ، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نارِكَ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنِ ٱلْجَوابِيتَ وَٱلطَّواغِيتَ، وَكُلَّ نِدٍّ يُدْعىٰ مِنْ دُونِ ٱللهِ، وَكُلَّ مُلْحِدٍ مُفْتَرٍ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْهُمْ وَأَشْياعَهُمْ وَأَتْباعَهُمْ وَأَوْلِياءَهُمْ وَأَعْوانَهُمْ وَمُحِبِّيهِمْ لَعْناً كَثِيراً.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ قَتَلَةَ ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ.

---

۱ ـ «ولم يَزِغْ» خ ل.

۲ ـ «خذلتكَ» خ ل.

اَللّٰهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذاباً لا تُعَذِّبُهُ أَحداً مِنَ ٱلْعالَمِينَ، وَضاعِفْ عَلَيْهِمْ عَذابَكَ بِما شاقُّوا وُلاةَ أَمْرِكَ، وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً لَمْ تُحِلَّهُ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ.

اَللّٰهُمَّ أَدْخِلْ عَلىٰ قَتَلَةِ رَسُولِكَ وَأَوْلادِ رَسُولِكَ، وَعَلىٰ قَتَلَةِ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَقَتَلَةِ أَنْصارِهِ، وَقَتَلَةِ ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ وَأَنْصارِهِما، وَمَنْ نَصَبَ لِآلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ حَرْباً مِنَ ٱلنّاسِ أَجْمَعِينَ، عَذاباً مُضاعَفاً في أَسْفَلِ ٱلدَّرْكِ مِنَ ٱلْجَحِيمِ، لا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذابِها، وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ مَلْعُونُونَ، ناكِسُو رُؤُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ، قَدْ عايَنُوا ٱلنَّدامَةَ وَٱلْخِزْيَ ٱلطَّوِيلَ بِقَتْلِهِمْ عِتْرَةَ أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَتْباعَهُمْ مِنْ عِبادِكَ ٱلصّالِحِينَ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْهُمْ في مُسْتَسِرِّ ٱلسِّرِّ، وَظاهِرِ ٱلْعَلانِيَةِ، في سَمائِكَ وَأَرْضِكَ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ لِي لِسانَ صِدْقٍ في أَوْلِيائِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشاهِدَهُمْ حَتّىٰ تُلْحِقَنِي بِهِمْ، وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعاً في ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

پس خود را به ضریح مقدّس بچسبان و بگو:

يا سَيِّدِي، تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُومِي لِقَبْرِ[1] أَخِي رَسُولِكَ ـ صَلَواتُ ٱللهِ عَلَيْهِ ـ عائِذاً، لِتُجِيرَنِي مِنْ نِقْمَتِكَ وَسَخَطِكَ، وَمِنْ زَلازِلِ يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ ٱلْعَثَراتُ، يَوْمَ تُقَلَّبُ فِيهِ ٱلْقُلُوبُ وَٱلْأَبْصارُ، يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ، يَوْمَ ٱلْآزِفَةِ إِذِ ٱلْقُلُوبُ لَدَى ٱلْحَناجِرِ كاظِمِينَ، يَوْمَ ٱلْحَسْرَةِ وَٱلنَّدامَةِ، يَوْمَ يَفِرُّ ٱلْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ، يَوْمَ مِقْدارُهُ خَمْسُونَ أَلْفَ سَنَةٍ، يَوْمَ يَشِيبُ فِيهِ ٱلْوَلِيدُ، وَيَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمّا أَرْضَعَتْ، يَوْمَ تَشْخَصُ فِيهِ ٱلْأَبْصارُ، وَتُشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِما قَدَّمَتْ، وَتُجادِلُ كُلُّ نَفْسٍ عَنْ نَفْسِها، وَيَطْلُبُ كُلُّ ذِي جُرْمٍ ٱلْخَلاصَ.

---

۱ ـ «بلزوقي بقبر» خ ل.

پس سر بردار و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنْ تَرْحَمْنِي اَلْيَوْمَ، وَفي يَوْمٍ مِقْدارُهُ خَمْسُونَ أَلْفَ سَنَةٍ، فَلا خَوْفَ وَلا حُزْنَ؛ وَإِنْ تُعاقِبْ فَمَوْلىً لَهُ اَلْقُدْرَةُ عَلىٰ عَبْدِهِ وَجَزاهُ بِسُوءِ فِعْلِهِ؛ إِنْ لَمْ أَرْحَمْ نَفْسِي فَكُنْ أَنْتَ رَحِيمَها، اَلْحُجَجُ كُلُّها لَكَ، وَلا حُجَّةَ لِي وَلا عُذْرَ، ها أَنَا ذا عَبْدُكَ اَلْمُقِرُّ بِذَنْبِي.

فَيا خَيْرَ مَنْ رَجَوْتُ عِنْدَهُ اَلْمَغْفِرَةَ بِالْإِقْرارِ وَاَلِاعْتِرافِ، هٰذِهِ نَفْسِي بِما جَنَتْ مُعْتَرِفَةٌ، وَبِذَنْبِي مُقِرَّةٌ، وَبِظُلْمِ نَفْسِي مُعْتَرِفَةٌ، وَذُنُوبِي أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَها، وَإِنَّما يَخْضَعُ اَلْعَبْدُ اَلْعاصِي لِسَيِّدِهِ، وَيَخْشَعُ لِمَوْلاهُ بِالذُّلِّ، فَيا أَكْرَمَ مَنْ أَقَرَّ لَهُ بِالذُّنُوبِ، ما أَنْتَ صانِعٌ بِمُقِرٍّ لَكَ بِذَنْبِهِ، مُتَقَرِّبٍ إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ وَعِتْرَةِ نَبِيِّكَ، لائِذٍ بِقَبْرِ أَخِي رَسُولِكَ صَلَواتُ اَللهِ عَلَيْهِما.

يا مَنْ يَمْلِكُ حَوائِجَ اَلسّائِلِينَ، وَيَعْرِفُ ضَمِيرَ اَلصّامِتِينَ، كَما وَفَّقْتَنِي لِزِيارَتِي وَوِفادَتِي وَمَسْأَلَتِي، وَرَحِمْتَنِي بِذٰلِكَ، فَأَعْطِنِي مُنايَ في آخِرَتِي وَدُنْيايَ، وَوَفِّقْنِي لِكُلِّ مَقامٍ مَحْمُودٍ تُحِبُّ أَنْ تُدْعىٰ فِيهِ بِأَسْمائِكَ، وَتُسأَلَ فِيهِ مِنْ عَطائِكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي لُذْتُ بِقَبْرِ أَخِي رَسُولِكَ اَبْتِغاءَ مَرْضاتِكَ، فَانْظُرِ اَلْيَوْمَ إِلىٰ تَقَلُّبِي في هٰذَا اَلْقَبْرِ، وَبِهِ فَفُكَّنِي مِنَ اَلنّارِ، وَلا تَحْجُبْ عَنْكَ صَوْتِي، وَلا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ قَضاءِ حَوائِجِي، وَاَرْحَمْ تَضَرُّعِي وَتَمَلُّقِي وَعَبْرَتِي، وَاَقْلِبْنِي اَلْيَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ ما أَعْطَيْتَ مَنْ زارَهُ اَبْتِغاءَ مَرْضاتِكَ.

پس بنشین نزدیک سر مبارک آن حضرت و بگو:

سَلامُ اَللهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ اَلْمُقَرَّبِينَ، وَاَلْمُسَلِّمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ، وَاَلنّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ، وَاَلشّاهِدِينَ عَلىٰ أَنَّكَ صادِقٌ صِدِّيقٌ، عَلَيْكَ يا مَوْلايَ؛ صَلَّى اَللهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ طُهْرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ.

أَشْهَدُ لَكَ يا وَلِيَّ ٱللهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ بِالْبَلاغِ وَٱلْأَداءِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حَبِيبُ ٱللهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ بابُ ٱللهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَجْهُ ٱللهِ ٱلَّذِي مِنْهُ يُؤْتىٰ، وَأَنَّكَ سَبِيلُ ٱللهِ، وَأَنَّكَ عَبْدُ ٱللهِ.

أَتَيْتُكَ وافِداً لِعَظِيمِ حالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ ٱللهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ.

أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً إِلَى ٱللهِ بِزِيارَتِكَ، راغِباً إِلَيْكَ فِي ٱلشَّفاعَةِ، أَبْتَغِي بِزِيارَتِكَ خَلاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنْ نارٍ ٱسْتَحَقَّها مِثْلِي بِما جَنَيْتُ عَلىٰ نَفْسِي، هارِباً مِنْ ذُنُوبِيَ ٱلَّتِي ٱحْتَطَبْتُها عَلىٰ ظَهْرِي، فَزِعاً إِلَيْكَ رَجاءَ رَحْمَةِ رَبِّي.

أَتَيْتُكَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ يا مَوْلايَ إِلَى ٱللهِ لِيَقْضِيَ بِكَ حاجَتِي، فَاشْفَعْ لِي يا مَوْلايَ.

أَتَيْتُكَ مَكْرُوباً مَغْمُوماً قَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي ذُنُوباً، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ.

أَتَيْتُكَ زائِراً، عارِفاً بِحَقِّكَ، مُقِرّاً بِفَضْلِكَ، مُسْتَبْصِراً بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكَ.

أَتَيْتُكَ ٱنْقِطاعاً إِلَيْكَ، وَإِلىٰ وَلَدِكَ ٱلْخَلَفِ مِنْ بَعْدِكَ عَلَى ٱلْحَقِّ؛ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَأَمْرِي لَكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّىٰ يُحْيِيَ ٱللهُ بِكُمْ دِينَهُ وَيَرُدَّكُمْ؛ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ غَيْرِكُمْ، إِنِّي مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ بِرَجْعَتِكُمْ، لا مُنْكِرٌ لِلّٰهِ قُدْرَةً، وَلا مُكَذِّبٌ مِنْهُ مَشِيَّةً.

أَتَيْتُكَ ـ بِأَبِي وَأُمِّي وَمالِي وَنَفْسِي ـ زائِراً، وَمُتَقَرِّباً إِلَى ٱللهِ بِزِيارَتِكَ، مُتَوَسِّلاً إِلَيْكَ بِكَ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ مُخالِفُوكُمْ وَٱتَّخَذُوا آياتِ ٱللهِ هُزُواً وَٱسْتَكْبَرُوا عَنْها، وَأَنا عَبْدُ ٱللهِ وَمَوْلاكَ وَفِي طاعَتِكَ، ٱلْوافِدُ إِلَيْكَ، أَلْتَمِسُ بِذلِكَ كَمالَ ٱلْمَنْزِلَةِ عِنْدَ ٱللهِ، وَأَنْتَ يا مَوْلايَ مِمَّنْ حَثَّنِيَ ٱللهُ عَلىٰ بِرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلىٰ فَضْلِهِ، وَهَدانِي لِحُبِّهِ، وَرَغَّبَنِي فِي ٱلْوِفادَةِ إِلَيْهِ، وَأَلْهَمَنِي طَلَبَ ٱلْحَوائِجِ عِنْدَهُ.

أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لا يَشْقىٰ مَنْ تَوَلّاكُمْ، وَلا يَخِيبُ مَنْ ناداكُمْ[1]، وَلا يَخْسَرُ مَنْ يَهْواكُمْ، وَلا يَسْعَدُ مَنْ عاداكُمْ؛ لا أَجِدُ أَحَداً أَفْزَعُ إِلَيْهِ خَيْراً لِي مِنْكُمْ.

أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ ٱلرَّحْمَةِ، وَدَعائِمُ ٱلدِّينِ، وَأَرْكانُ ٱلْأَرْضِ، وَٱلشَّجَرَةُ ٱلطَّيِّبَةُ.

أَتَيْتُكُمْ زائِراً، وَبِكُمْ مُتَعَوِّذاً، لِما سَبَقَ لَكُمْ مِنَ ٱللهِ مِنَ ٱلْكَرامَةِ.

اَللّٰهُمَّ لا تُخَيِّبْ تَوَجُّهِي إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ وَآلِ رَسُولِكَ، وَٱسْتَنْقِذْنا بِحُبِّهِمْ، يا مَنْ لا يَخِيبُ سائِلُهُ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِزِيارَةِ مَوْلايَ وَوِلايَتِهِ وَمَعْرِفَتِهِ، فَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْصُرُهُ وَيَنْتَصِرُ بِهِ[2]، وَمُنَّ عَلَيَّ بِنَصْرِكَ لِدِينِكَ فِي ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ؛ اَللّٰهُمَّ تَوَفَّنِي عَلىٰ دِينِهِ.

اَللّٰهُمَّ أَوْجِبْ لِي مِنَ ٱلرَّحْمَةِ وَٱلرِّضْوانِ وَٱلْمَغْفِرَةِ وَٱلرِّزْقِ ٱلْواسِعِ ٱلْحَلالِ ما أَنْتَ أَهْلُهُ.

اَللّٰهُمَّ ٱفْعَلْ بِي ما أَنْتَ أَهْلُهُ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَحْيىٰ عَلىٰ ما حَيِيَ عَلَيْهِ مَوْلايَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طالِبٍ ـ عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ ـ ، وَأَمُوتُ عَلىٰ ما ماتَ عَلَيْهِ.

اَللّٰهُمَّ ٱخْتِمْ لِي بِالسَّعادَةِ وَٱلْمَغْفِرَةِ وَٱلْخَيْرِ.

پس نماز زيارت مى‌كنى آنچه خواهى، و دعا مى‌كنى و مى‌گويى:

اَللّٰهُمَّ لا بُدَّ مِنْ أَمْرِكَ[3]...

و بخواند تا آخر آن دعاكه در زيارت اول مذكور شد[4].

---

۱ ـ «أتاكم» خ ل.

۲ ـ «ممّن تنصره وتنتصر به» خ ل.

۳ ـ نگاه كن: ص ۱۱۷.

۴ ـ مزار كبير: ۲۲۵ ـ ۲۳۸، بحارالانوار: ۳۳۴/۱۰۰ ح ۳۲، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۲/ ۱۰۲ ش ۵۶۴.

فصل چهارم

در بیان زیارات امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه - که مخصوص اند به ایّام متبرّکه

اوّل:

زیارت روز عید غدیر است: در **حدیث معتبر** از ابن ابی نصر منقول است که حضرت امام رضا عليه السلام به او گفت که: ای ابن ابی‌نصر، هرجا که باشی حاضر شو در روز عید غدیر نزد قبر امیرالمؤمنین عليه السلام؛ به درستی که حق تعالی می‌آمرزد در این روز از هر مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت ساله را، و آزاد می‌کند از آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و در شب قدر و در شب فطر، و یک درهم در این روز برابر است با هزار درهم، اگر به برادران مؤمن عارف به حقّ اهل بیت بدهی. و عطا به برادران مؤمن بسیار بکن، و شاد کن در این روز هر مؤمن و مؤمنه را.

پس فرمود که: ای اهل کوفه خدا به شما خیر بسیار داده است؛ و شما از آن جماعتی هستید که خدا دل ایشان را برای ایمان امتحان کرده است، پیوسته خوار و مظلوم و امتحان کرده شده‌اید، و بر شما ریخته می‌شود بلا ریختنی؛ پس برطرف می‌کند و دور می‌کند از شما خداوندی که رفع کنندهٔ بلاهای عظیم است.

والله که اگر مردم فضیلت این روز را چنانچه باید بدانند، هرآینه ملائکه با ایشان هرروز ده مرتبه مصافحه کنند[1].

---

۱ - تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۲۴ ضمن ح ۵۲، مصباح المتهجّد: ۷۳۷، اقبال الاعمال: ۲/ ۲۶۸، مصباح الزائر: ۱۵۳، فرحة الغري: ۱۰۷، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۵۸ - ۳۵۹ ح ۲ - ۴، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۲/ ۵۲ ش ۵۲۸.

و بدانکه علما برای این روز سه زیارت نقل کرده‌اند:

زیارت اوّل:

زیارتی است که در زیارت چهارم از زیارات مطلقه گذشت[1]، و در زیارات جامعه نیز خواهد آمد[2]. و چون در حدیث اِشعاری به خصوصِ این روز نبود ما در زیارات مطلقه ایراد کردیم.

زیارت دوم:

زیارتی است که شیخ مفید و شیخ شهید ـ علیهما الرحمة ـ و غیر ایشان روایت کرده‌اند که: حضرت امام حسن عسکری ـ صلوات الله علیه ـ در سالی که معتصم علیه اللعنة آن حضرت را طلبیده بود، در روز عید غدیر حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ را به این لفظ زیارت کردند.

شیخ مفید گفته است که:

چون ارادهٔ زیارت نمایی بایست بر در قبّهٔ منوّره و رخصت طلب نما، پس پای راست را مقدّم دار و داخل شو، و برو به نزدیک ضریح مقدّس و پشت به قبله در برابر ضریح بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اَللّٰهِ خاتَمِ اَلنَّبِيِّينَ، وَسَيِّدِ اَلْمُرْسَلِينَ، وَصِفْوَةِ رَبِّ اَلْعالَمِينَ، أَمِينِ اَللّٰهِ عَلیٰ وَحْيِهِ وَعَزائِمِ أَمْرِهِ، وَاَلْخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَاَلْفاتِحِ لِمَا اَسْتُقْبِلَ، وَاَلْمُهَيْمِنِ عَلیٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ اَللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ وَصَلَواتُهُ وَتَحِيّاتُهُ، وَاَلسَّلامُ عَلیٰ أَنْبِياءِ اَللّٰهِ وَرُسُلِهِ، وَمَلائِكَتِهِ اَلْمُقَرَّبِينَ، وَعِبادِهِ اَلصّالِحِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ اَلْوَصِيِّينَ، وَوارِثَ عِلْمِ اَلنَّبِيِّينَ، وَوَلِيَّ رَبِّ اَلْعالَمِينَ، وَمَوْلايَ وَمَوْلَى اَلْمُؤْمِنِينَ، وَرَحْمَةُ اَللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ، يا أَمِينَ اَللّٰهِ فِي أَرْضِهِ، وَسَفِيرَهُ

---

۱ ـ نگاه کن: ص ۱۲۸.

۲ ـ نگاه کن: ص ۶۱۳ زیارت ششم.

في خَلْقِهِ، وَحُجَّتَهُ ٱلْبالِغَةَ عَلىٰ عِبادِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا دِينَ ٱللهِ ٱلْقَوِيمَ، وَصِراطَهُ ٱلْمُسْتَقِيمَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّها ٱلنَّبَأُ ٱلْعَظِيمُ، ٱلَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ، آمَنْتَ بِاللهِ وَهُمْ مُشْرِكُونَ، وَصَدَّقْتَ بِالْحَقِّ وَهُمْ مُكَذِّبُونَ، وَجاهَدْتَ وَهُمْ مُحْجِمُونَ، وَعَبَدْتَ ٱللهَ مُخْلِصاً لَهُ ٱلدِّينَ صابِراً مُحْتَسِباً حَتّىٰ أَتاكَ ٱلْيَقِينُ، أَلا لَعْنَةُ ٱللهِ عَلَى ٱلظّالِمِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ ٱلْمُسْلِمِينَ، وَيَعْسُوبَ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَإِمامَ ٱلْمُتَّقِينَ، وَقائِدَ ٱلْغُرِّ ٱلْمُحَجَّلِينَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو رَسُولِ ٱللهِ وَوَصِيُّهُ، وَوارِثُ عِلْمِهِ، وَأَمِينُهُ عَلىٰ شَرْعِهِ، وَخَلِيفَتُهُ في أُمَّتِهِ، وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَصَدَّقَ بِما أُنْزِلَ عَلىٰ نَبِيِّهِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنِ ٱللهِ ما أَنْزَلَهُ فِيكَ، فَصَدَعَ بِأَمْرِهِ، وَأَوْجَبَ عَلىٰ أُمَّتِهِ فَرْضَ طاعَتِكَ وَوِلايَتِكَ، وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ ٱلْبَيْعَةَ لَكَ، وَجَعَلَكَ أَوْلىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَما جَعَلَهُ ٱللهُ كَذٰلِكَ، ثُمَّ أَشْهَدَ ٱللهَ تَعالىٰ عَلَيْهِمْ فَقالَ: أَلَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ؟ فَقالُوا: اَللّٰهُمَّ بَلىٰ. فَقالَ: اَللّٰهُمَّ ٱشْهَدْ وَكَفىٰ بِكَ شَهِيداً وَحاكِماً بَيْنَ ٱلْعِبادِ.

فَلَعَنَ ٱللهُ جاحِدَ وِلايَتِكَ بَعْدَ ٱلْإِقْرارِ، وَناكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ ٱلْمِيثاقِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ ٱللهِ تَعالىٰ، وَأَنَّ ٱللهَ تَعالىٰ مُوفٍ لَكَ بِعَهْدِهِ، ﴿وَمَنْ أَوْفىٰ بِما عاهَدَ عَلَيْهُ ٱللهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْراً عَظِيماً﴾[1].

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلْحَقُّ ٱلَّذِي نَطَقَ بِوِلايَتِكَ ٱلتَّنْزِيلُ، وَأَخَذَ لَكَ ٱلْعَهْدَ عَلَى ٱلْأُمَّةِ بِذٰلِكَ ٱلرَّسُولُ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَعَمَّكَ وَأَخاكَ ٱلَّذِينَ تاجَرْتُمُ ٱللهَ بِنُفُوسِكُمْ، فَأَنْزَلَ ٱللهُ فِيكُمْ: ﴿إِنَّ

---

١ ـ فتح: ١٠.

اَللّٰهَ اَشْتَرىٰ مِنَ اَلْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ اَلْجَنَّةَ يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اَللّٰهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْداً عَلَيْهِ حَقّاً فِي اَلتَّوْراةِ وَاَلْإِنْجِيلِ وَاَلْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اَللّٰهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ اَلَّذِي بايَعْتُمْ بِهِ وَذٰلِكَ هُوَ اَلْفَوْزُ اَلْعَظِيمُ * اَلتّائِبُونَ اَلْعابِدُونَ اَلْحامِدُونَ اَلسّائِحُونَ اَلرّاكِعُونَ اَلسّاجِدُونَ اَلْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَاَلنّاهُونَ عَنِ اَلْمُنْكَرِ وَاَلْحافِظُونَ لِحُدُودِ اَللّٰهِ وَبَشِّرِ اَلْمُؤْمِنِينَ﴾[1].

أَشْهَدُ يا أَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ أَنَّ اَلشّاكَّ فِيكَ ما آمَنَ بِالرَّسُولِ اَلْأَمِينِ، وَأَنَّ اَلْعادِلَ بِكَ غَيْرَكَ عانِدٌ[2] عَنِ اَلدِّينِ اَلْقَوِيمِ، اَلَّذِي اَرْتَضاهُ لَنا رَبُّ اَلْعالَمِينَ وَأَكْمَلَهُ بِوِلايَتِكَ يَوْمَ اَلْغَدِيرِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ اَلْمَعْنِيُّ بِقَوْلِ اَلْعَزِيزِ اَلرَّحِيمِ: ﴿وَأَنَّ هٰذا صِراطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَلا تَتَّبِعُوا اَلسُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾[3]. ضَلَّ وَاَللّٰهِ وَأَضَلَّ مَنِ اَتَّبَعَ سِواكَ، وَعَنَدَ عَنِ اَلْحَقِّ مَنْ عاداكَ.

اَللّٰهُمَّ سَمِعْنا لِأَمْرِكَ وَأَطَعْنا، وَاَتَّبَعْنا صِراطَكَ اَلْمُسْتَقِيمَ، فَاهْدِنا رَبَّنا وَلا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا إِلىٰ طاعَتِكَ، وَاَجْعَلْنا مِنَ اَلشّاكِرِينَ لِأَنْعُمِكَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَوىٰ مُخالِفاً، وَلِلتُّقىٰ مُحالِفاً، وَعَلىٰ كَظْمِ اَلْغَيْظِ قادِراً، وَعَنِ اَلنّاسِ عافِياً غافِراً، وَإِذا عُصِيَ اَللّٰهُ ساخِطاً، وَإِذا أُطِيعَ اَللّٰهُ راضِياً، وَبِما عَهِدَ إِلَيْكَ عامِلاً، راعِياً لِمَا اَسْتُحْفِظْتَ، حافِظاً لِمَا اَسْتُودِعْتَ، مُبَلِّغاً ما حُمِّلْتَ، مُنْتَظِراً ما وُعِدْتَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اَتَّقَيْتَ ضارِعاً، وَلا أَمْسَكْتَ عَنْ حَقِّكَ جازِعاً، وَلا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجاهَدَةِ عاصِيكَ[4] ناكِلاً، وَلا أَظْهَرْتَ اَلرِّضا بِخِلافِ ما يُرْضِي اَللّٰهَ مُداهِناً، وَلا وَهَنْتَ لِما أَصابَكَ فِي سَبِيلِ اَللّٰهِ، وَلا ضَعُفْتَ وَلا اَسْتَكَنْتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ

---

۱ ـ توبه: ۱۱۱ و ۱۱۲.
۲ ـ «عادل» خ ل.
۳ ـ انعام: ۱۵۳.
۴ ـ «غاصبيك» خ ل.

مُراقِباً[1]؛ مَعاذَ ٱللهِ أَنْ تَكُونَ كَذلِكَ، بَلْ إِذْ ظُلِمْتَ ٱحْتَسَبْتَ رَبَّكَ، وَفَوَّضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ، وَذَكَّرْتَهُمْ فَمَا ٱدَّكَرُوا، وَوَعَظْتَ فَمَا ٱتَّعَظُوا، وَخَوَّفْتَهُمُ ٱللهَ فَما تَخَوَّفُوا[2].

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ يا أَمِيرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ جاهَدْتَ فِي ٱللهِ حَقَّ جِهادِهِ، حَتّىٰ دَعاكَ ٱللهُ إِلىٰ جِوارِهِ، وَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيارِهِ، وَأَلْزَمَ أَعْداءَكَ ٱلْحُجَّةَ بِقَتْلِهِمْ إِيّاكَ، لِتَكُونَ ٱلْحُجَّةُ لَكَ عَلَيْهِمْ، مَعَ ما لَكَ مِنَ ٱلْحُجَجِ ٱلْبالِغَةِ عَلىٰ جَمِيعِ خَلْقِهِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ، عَبَدْتَ ٱللهَ مُخْلِصاً، وَجاهَدْتَ في ٱللهِ صابِراً، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ مُحْتَسِباً، وَعَمِلْتَ بِكِتابِهِ، وَٱتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ، وَأَقَمْتَ ٱلصَّلاةَ، وَآتَيْتَ ٱلزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ ٱلْمُنْكَرِ مَا ٱسْتَطَعْتَ، مُبْتَغِياً ما عِنْدَ ٱللهِ، راغِباً فِيما وَعَدَ ٱللهُ، لا تَحْفِلُ بِالنَّوائِبِ، وَلا تَهِنُ عِنْدَ ٱلشَّدائِدِ، وَلا تُحْجِمُ عَنْ مُحارِبٍ؛ أَفِكَ مَنْ نَسَبَ غَيْرَ ذٰلِكَ إِلَيْكَ، وَٱفْتَرىٰ باطِلاً عَلَيْكَ، وَأَوْلىٰ لِمَنْ عَنَدَ عَنْكَ، لَقَدْ جاهَدْتَ في ٱللهِ حَقَّ ٱلْجِهادِ، وَصَبَرْتَ عَلَى ٱلْأَذىٰ صَبْرَ ٱحْتِسابٍ، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَصَلّىٰ لَهُ، وَجاهَدَ، وَأَبْدىٰ صَفْحَتَهُ في دارِ ٱلشِّرْكِ وَٱلْأَرْضُ مَشْحُونَةٌ ضَلالَةً، وَٱلشَّيْطانُ يُعْبَدُ جَهْرَةً، وَأَنْتَ ٱلْقائِلُ: «لاتَزِيدُنِي كَثْرَةُ ٱلنّاسِ حَوْلي عِزَّةً، وَلا تَفَرُّقُهُمْ عَنِّي وَحْشَةً، وَلَوْ أَسْلَمَنِي ٱلنّاسُ جَمِيعاً لَمْ أَكُنْ مُتَضَرِّعاً»[3].

اِعْتَصَمْتَ بِاللهِ فَعَزَزْتَ، وَآثَرْتَ ٱلآخِرَةَ عَلَى ٱلْأُولىٰ فَزَهِدْتَ، وَأَيَّدَكَ ٱللهُ وَهَداكَ، وَأَخْلَصَكَ وَٱجْتَباكَ، فَما تَناقَضَتْ أَفْعالُكَ، وَلا ٱخْتَلَفَتْ أَقْوالُكَ، وَلا تَقَلَّبَتْ أَحْوالُكَ، وَلا ٱدَّعَيْتَ وَلا ٱفْتَرَيْتَ عَلَى ٱللهِ كَذِباً، وَلا شَرِهْتَ إِلَى ٱلْحُطامِ، وَلا دَنَّسَكَ ٱلْآثامُ، وَلَمْ تَزَلْ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، وَيَقِينٍ مِنْ أَمْرِكَ، تَهْدِي إِلَى ٱلْحَقِّ وَإِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ.

أَشْهَدُ شَهادَةَ حَقٍّ وَأُقْسِمُ بِاللهِ قَسَمَ صِدْقٍ، أَنَّ مُحَمَّداً وَآلَهُ ـ صَلَواتُ ٱللهِ عَلَيْهِمْ ـ

---

١ ـ «مراغباً» خ ل. ٢ ـ «فلم يخافوا» خ ل.

٣ ـ نهج البلاغه: ٤٠٩ ك ٣٦ (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد: ١٤٨/١٦).

ساداتُ ٱلْخَلْقِ، وَأَنَّكَ مَوْلايَ وَمَوْلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَأَنَّكَ عَبْدُ ٱللهِ وَوَلِيُّهُ، وَأَخُو ٱلرَّسُولِ وَوَصِيُّهُ وَوارِثُهُ، وَأَنَّهُ ٱلْقائِلُ لَكَ: «وَٱلَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ ما آمَنَ بِي مَنْ كَفَرَ بِكَ، وَلا أَقَرَّ بِاللهِ مَنْ جَحَدَكَ، وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ، وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى ٱللهِ ولا إِلَيَّ مَنْ لا يَهْتَدِ بِكَ، وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَإِنِّي لَغَفّارٌ لِمَنْ تابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صالِحاً ثُمَّ ٱهْتَدىٰ﴾[1] إِلىٰ وِلايَتِكَ»[2].

مَوْلايَ، فَضْلُكَ لايَخْفىٰ، وَنُورُكَ لايُطْفىٰ، وَإِنَّ مَنْ جَحَدَكَ ٱلظَّلُومُ ٱلْأَشْقىٰ.

مَوْلايَ، أَنْتَ ٱلْحُجَّةُ عَلَى ٱلْعِبادِ، وَٱلْهادِي إِلَى ٱلرَّشادِ، وَٱلْعُدَّةُ لِلْمَعادِ.

مَوْلايَ، لَقَدْ رَفَعَ ٱللهُ في ٱلْأُولىٰ مَنْزِلَتَكَ، وَأَعْلىٰ في ٱلْآخِرَةِ دَرَجَتَكَ، وَبَصَّرَكَ ما عَمِيَ عَلىٰ مَنْ خالَفَكَ وَحالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَواهِبِ ٱللهِ لَكَ؛ فَلَعَنَ ٱللهُ مُسْتَحِلِّي ٱلْحُرْمَةِ مِنْكَ وَذائِدِي ٱلْحَقِّ عَنْكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُمُ ٱلْأَخْسَرُونَ ٱلَّذِينَ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ ٱلنّارُ وَهُمْ فِيها كالِحُونَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ ما أَقْدَمْتَ وَلا أَحْجَمْتَ وَلا نَطَقْتَ وَلا أَمْسَكْتَ، إِلّا بِأَمْرٍ مِنَ ٱللهِ وَرَسُولِهِ، قُلْتَ:

«وَٱلَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرَ إِلَيَّ رَسُولُ ٱللهِ ﷺ أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدُماً فَقالَ: يا عَلِيُّ، أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسىٰ إِلّا أَنَّهُ لا نَبِيَّ بَعْدِي، وَأُعْلِمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَحَياتَكَ مَعِي وَعَلىٰ سُنَّتِي، فَوَٱللهِ ما كَذِبْتُ وَلا كُذِبْتُ، وَلا ضَلَلْتُ وَلا ضُلَّ بِي، وَلا نَسِيتُ ما عَهِدَ إِلَيَّ رَبِّي، وَإِنِّي لَعَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي بَيَّنَها لِنَبِيِّهِ، وَبَيَّنَها ٱلنَّبِيُّ لِي، وَإِنِّي لَعَلَى ٱلطَّرِيقِ ٱلْواضِحِ، أَلْفِظُهُ لَفْظاً»[3].

---

۱ ـ طه: ۸۲.

۲ ـ تفسير فرات: ۱۸۰ ـ ۱۸۱ ضمن ح۲۳۳، امالى صدوق: ۳۹۹ م۷۴ ح۱۳، بحارالانوار: ۴۲۶/۳۵ ح۹، وج۳۶/۱۳۹ ح۹۹.

۳ ـ وقعة صفّين: ۳۱۵، امالى صدوق: ۳۳۲ م ۶۳ ضمن ح ۱۰، بحارالأنوار: ۴۸۷/۳۲ ضمن ح ۴۲۰، وص۶۱۷ ضمن ح۴۸۲.

صَدَقْتَ وَٱللهِ وَقُلْتَ ٱلْحَقَّ، فَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ ساواكَ بِمَنْ ناواكَ، وَٱللهُ جَلَّ ٱسْمُهُ يَقُولُ: ﴿هَلْ يَسْتَوِي ٱلَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَٱلَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ﴾[1].

فَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ ٱللهُ عَلَيْهِ وِلايَتَكَ، وَأَنْتَ وَلِيُّ ٱللهِ وَأَخُو رَسُولِهِ، وَٱلذّابُّ عَنْ دِينِهِ، وَٱلَّذِي نَطَقَ ٱلْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ، قالَ ٱللهُ تَعالىٰ: ﴿وَفَضَّلَ ٱللهُ ٱلْمُجاهِدِينَ عَلَى ٱلْقاعِدِينَ أَجْراً عَظِيماً * دَرَجاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكانَ ٱللهُ غَفُوراً رَحِيماً﴾[2].

وَقالَ ٱللهُ تَعالىٰ: ﴿أَجَعَلْتُمْ سِقايَةَ ٱلْحاجِّ وَعِمارَةَ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْآخِرِ وَجاهَدَ في سَبِيلِ ٱللهِ لا يَسْتَوُونَ عِنْدَ ٱللهِ وَٱللهُ لا يَهْدِي ٱلْقَوْمَ ٱلظّالِمِينَ * ٱلَّذِينَ آمَنُوا وَهاجَرُوا وَجاهَدُوا في سَبِيلِ ٱللهِ بِأَمْوالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ ٱللهِ وَأُولٰئِكَ هُمُ ٱلْفائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوانٍ وَجَنّاتٍ لَهُمْ فِيها نَعِيمٌ مُقِيمٌ * خالِدِينَ فِيها أَبَداً إِنَّ ٱللهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾[3].

أَشْهَدُ أَنَّكَ ٱلْمَخْصُوصُ بِمِدْحَةِ ٱللهِ، ٱلْمُخْلِصُ لِطاعَةِ ٱللهِ، لَمْ تَبْغِ بِالْهُدىٰ بَدَلاً، وَلَمْ تُشْرِكْ بِعِبادَةِ رَبِّكَ أَحَداً، وَأَنَّ ٱللهَ تَعالىٰ ٱسْتَجابَ لِنَبِيِّهِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ فِيكَ دَعْوَتَهُ، ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهارِ ما أَوْلاكَ لِأُمَّتِهِ إِعْلاءً لِشَأْنِكَ، وَإِعْلاناً لِبُرْهانِكَ، وَدَحْضاً لِلأَباطِيلِ، وَقَطْعاً لِلْمَعاذِيرِ؛ فَلَمّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ ٱلْفاسِقِينَ وَٱتَّقىٰ فِيكَ ٱلْمُنافِقِينَ، أَوْحىٰ إِلَيْهِ رَبُّ ٱلْعالَمِينَ: ﴿يا أَيُّهَا ٱلرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَٱللهُ يَعْصِمُكَ مِنَ ٱلنّاسِ﴾[4].

فَوَضَعَ عَلىٰ نَفْسِهِ أَوْزارَ ٱلْمَسِيرِ، وَنَهَضَ في رَمْضاءِ ٱلْهَجِيرِ، فَخَطَبَ وَأَسْمَعَ، وَنادىٰ فَأَبْلَغَ، ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعَ فَقالَ: هَلْ بَلَّغْتُ؟ فَقالُوا: اَللّٰهُمَّ بَلىٰ. فَقالَ: اَللّٰهُمَّ ٱشْهَدْ.

---

۱ ـ زمر: ۹.
۲ ـ نساء: ۹۵ و ۹۶.
۳ ـ توبه: ۱۹ ـ ۲۲.
۴ ـ مائده: ۶۷.

ثُمَّ قالَ: أَلَسْتُ أَوْلىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ فَقالُوا: بَلىٰ. فَأَخَذَ بِيَدِكَ وَقالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَهٰذا عَلِيٌّ مَوْلاهُ، اَللّٰهُمَّ والِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَاَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ[1].

فَما آمَنَ بِما أَنْزَلَ اَللّٰهُ فِيكَ عَلىٰ نَبِيِّهِ إِلّا قَلِيلٌ، وَلا زادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَخْسِيرٍ، وَلَقَدْ أَنْزَلَ اَللّٰهُ تَعالىٰ فِيكَ مِنْ قَبْلُ ـ وَهُمْ كارِهُونَ ـ: ﴿يا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اَللّٰهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى اَلْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى اَلْكافِرِينَ يُجاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اَللّٰهِ وَلا يَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ ذٰلِكَ فَضْلُ اَللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشاءُ وَاَللّٰهُ واسِعٌ عَلِيمٌ * إِنَّما وَلِيُّكُمُ اَللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَاَلَّذِينَ آمَنُوا اَلَّذِينَ يُقِيمُونَ اَلصَّلاٰةَ وَيُؤْتُونَ اَلزَّكاٰةَ وَهُمْ راكِعُونَ * وَمَنْ يَتَوَلَّ اَللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَاَلَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اَللّٰهِ هُمُ اَلْغالِبُونَ﴾[2]، ﴿رَبَّنا آمَنّا بِما أَنْزَلْتَ وَاَتَّبَعْنَا اَلرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ اَلشّاهِدِينَ﴾[3]، ﴿رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ اَلْوَهّابُ﴾[4].

اَللّٰهُمَّ إِنّا نَعْلَمُ أَنَّ هٰذا هُوَ اَلْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ، فَالْعَنْ مَنْ عارَضَهُ وَاَسْتَكْبَرَ، وَكَذَّبَ بِهِ وَكَفَرَ، ﴿وَسَيَعْلَمُ اَلَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾[5].

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ اَلْوَصِيِّينَ، وَأَوَّلَ اَلْعابِدِينَ، وَأَزْهَدَ اَلزّاهِدِينَ، وَرَحْمَةُ اَللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ وَصَلَواتُهُ وَتَحِيّاتُهُ؛ أَنْتَ مُطْعِمُ اَلطَّعامِ عَلىٰ حُبِّهِ مِسْكِيناً وَيَتِيماً وَأَسِيراً لِوَجْهِ اَللّٰهِ، لاتُرِيدُ مِنْهُمْ جَزاءً وَلا شُكُوراً[6].

وَفِيكَ أَنْزَلَ اَللّٰهُ تَعالىٰ: ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ

---

۱ ـ تفسیر قمی: ۱۷۴/۱، معاني الأخبار: ۶۷ ح۸، امالی طوسی: ۲۵۹/۱ ـ ۲۶۱، مناقب ابن مغازلي: ۲۷/۱۶ ح۲۳ ـ ۳۹، تاریخ مدینة دمشق: ۲۰۹/۴۲ ـ ۲۳۷، کنزالعمّال: ۱۶۸/۱۳ ح ۳۶۵۱۱، وص ۱۷۰ ح ۳۶۵۱۴ و ۳۶۵۱۵، ینابیع المودّه: ۲۹۶ ـ ۲۹۷، بحارالانوار: ۱۰۸/۳۷ ـ باب اخبار غدیر ـ.

۲ ـ مائده: ۵۴ ـ ۵۶. ۳ ـ آل عمران: ۵۳. ۴ ـ آل عمران: ۸.

۵ ـ شعراء: ۲۲۷. ۶ ـ اشاره به آیهٔ ۸ و ۹ از سورهٔ «هل أتیٰ».

وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولٰئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ﴾[۱].

وَأَنْتَ ٱلْكاظِمُ لِلْغَيْظِ وَٱلْعافِي عَنِ ٱلنّاسِ وَٱللهُ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ[۲]، وَأَنْتَ ٱلصّابِرُ في ٱلْبَأْساءِ وَٱلضَّرّاءِ وَحِيْنَ ٱلْبَأْسِ[۳].

وَأَنْتَ ٱلْقاسِمُ بِالسَّوِيَّةِ، وَٱلْعادِلُ في ٱلرَّعِيَّةِ، وَٱلْعالِمُ بِحُدُودِ ٱللهِ مِنْ جَمِيعِ ٱلْبَرِيَّةِ، وَٱللهُ تَعالىٰ أَخْبَرَ عَمّا أَوْلاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ: ﴿أَفَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ * أَمَّا ٱلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصّالِحاتِ فَلَهُمْ جَنّاتُ ٱلْمَأْوىٰ نُزُلاً بِما كانُوا يَعْمَلُونَ﴾[۴].

وَأَنْتَ ٱلْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ ٱلتَّنْزِيلِ، وَحُكْمِ ٱلتَّأْوِيلِ، وَنَصِّ ٱلرَّسُولِ؛ وَلَكَ ٱلْمَواقِفُ ٱلْمَشْهُودَةُ، وَٱلْمَقاماتُ ٱلْمَشْهُورَةُ، وَٱلْأَيّامُ ٱلْمَذْكُورَةُ، يَوْمَ بَدْرٍ وَيَوْمَ ٱلْأَحْزابِ ﴿إِذْ زاغَتِ ٱلْأَبْصارُ وَبَلَغَتِ ٱلْقُلُوبُ ٱلْحَناجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللهِ ٱلظُّنُونا * هُنالِكَ ٱبْتُلِيَ ٱلْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزالاً شَدِيداً * وَإِذْ يَقُولُ ٱلْمُنافِقُونَ وَٱلَّذِينَ في قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ما وَعَدَنا ٱللهُ وَرَسُولُهُ إِلّا غُرُوراً * وَإِذْ قالَتْ طائِفَةٌ مِنْهُمْ يا أَهْلَ يَثْرِبَ لا مُقامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ ٱلنَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنا عَوْرَةٌ وَما هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلّا فِراراً﴾[۵]، وَقالَ ٱللهُ تَعالى: ﴿وَلَمّا رَأَى ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلْأَحْزابَ قالُوا هٰذا ما وَعَدَنا ٱللهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ ٱللهُ وَرَسُولُهُ وَما زادَهُمْ إِلّا إِيماناً وَتَسْلِيماً﴾[۶] فَقَتَلْتَ عَمْرَهُمْ، وَهَزَمْتَ جَمْعَهُمْ، ﴿وَرَدَّ ٱللهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنالُوا خَيْراً وَكَفَى ٱللهُ ٱلْمُؤْمِنِينَ ٱلْقِتالَ وَكانَ ٱللهُ قَوِيّاً عَزِيزاً﴾[۷].

وَيَوْمَ أُحُدٍ إِذْ يُصْعِدُونَ وَلا يَلْوُونَ عَلىٰ أَحَدٍ وَٱلرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ في أُخْراهُمْ[۸]

---

۱ ـ حشر: ۹.
۲ ـ اشاره به آية ۱۳۴ از سورهٔ «آل عمران».
۳ ـ اشاره به آية ۱۷۷ از سورهٔ «بقره».
۴ ـ سجده: ۱۸ و ۱۹.
۵ ـ احزاب: ۱۰ ـ ۱۳.
۶ ـ احزاب: ۲۲.
۷ ـ احزاب: ۲۵.
۸ ـ اشاره به آيه ۱۵۳ از سورهٔ «آل عمران».

وَأَنْتَ تَذُودُ بِهِمُ[1] اَلْمُشْرِكِينَ عَنِ اَلنَّبِيِّ ذاتَ اَلْيَمِينِ وَذاتَ اَلشِّمالِ حَتّیٰ رَدَّهُـمُ اَللهُ تَعالیٰ عَنْكُما خائِفِينَ، وَنَصَرَ بِكَ اَلْخاذِلِينَ.

وَيَوْمَ حُنَيْنٍ عَلیٰ ما نَطَقَ بِهِ اَلتَّنْزِيلُ: ﴿إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَضاقَتْ عَلَيْكُمُ اَلْأَرْضُ بِما رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّـيْتُمْ مُـدْبِرِينَ * ثُـمَّ أَنْـزَلَ اَللهُ سَكِـينَتَهُ عَلیٰ رَسُولِهِ وَعَلَى اَلْمُؤْمِنِينَ﴾[2] وَاَلْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَمَنْ يَلِيكَ، وَعَمُّكَ اَلْعَبّاسُ يُنادِي اَلْمُنْهَزِمِينَ: يا أَصْحابَ سُورَةِ اَلْبَقَرَةِ، يا أَهْلَ بَيْعَةِ اَلشَّجَرَةِ، حَتّیٰ اَسْتَجابَ لَهُ قَـوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ اَلْمَؤُونَةَ، وَتَكَفَّلْتَ دُونَهُمُ اَلْمَعُونَةِ، فَعادُوا آيِسِينَ مِنَ اَلْـمَثُوبَةِ، راجِـينَ وَعْدَ اَللهِ تَعالیٰ بِالتَّوْبَةِ، وَذٰلِكَ قَوْلُ اَللهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: ﴿ثُـمَّ يَـتُوبُ اَللهُ مِـنْ بَـعْدِ ذٰلِكَ عَلیٰ مَنْ يَشاءُ﴾[3] وَأَنْتَ حائِزٌ دَرَجَةَ اَلصَّبْرِ، فائِزٌ بِعَظِيمِ اَلْأَجْرِ.

وَيَوْمَ خَيْبَرَ إِذْ أَظْهَرَ اَللهُ خَوَرَ اَلْمُنافِقِينَ، وَقَطَعَ دابِـرَ اَلْكـافِرِينَ، وَاَلْـحَمْدُ لِلهِ رَبِّ اَلْعالَمِينَ ﴿وَلَقَدْ كانُوا عاهَدُوا اَللهَ مِنْ قَبْلُ لا يُوَلُّونَ اَلْأَدْبارَ وَكـانَ عَـهْدُ اَللهِ مَسْؤُولاً﴾[4].

مَوْلايَ، أَنْتَ اَلْحُجَّةُ اَلْبالِغَةُ، وَاَلْمَحَجَّةُ اَلْواضِحَةُ، وَاَلنِّعْمَةُ اَلسّابِغَةُ، وَاَلْبُرْهانُ اَلْمُنِيرُ؛ فَهَنِيئاً لَكَ بِما آتاكَ اَللهُ مِنْ فَضْلٍ، وَتَبّاً لِشانِئِكَ ذِي اَلْجَهْلِ.

شَهِدْتَ مَعَ اَلنَّبِيِّ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمِيعَ حُرُوبِهِ وَمَغازِيهِ، تَحْمِلُ اَلرّايَـةَ أَمامَهُ، وَتَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدّامَهُ؛ ثُمَّ لِحَزْمِكَ اَلْمَشْهُورِ، وَبَصِيرَتِكَ فِي اَلْأُمُورِ، أَمَّرَكَ فِي اَلْمَواطِنِ وَلَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ أَمِيرٌ.

وَكَمْ مِنْ أَمْرٍ صَدَّكَ عَنْ إِمْضاءِ عَزْمِكَ فِيهِ اَلتُّقیٰ، وَاَتَّبَعَ غَيْرُكَ فِي مِثْلِهِ اَلْهَوىٰ،

---

۱ ـ «تذودهم» خ ل.
۲ ـ توبه: ۲۵ و ۲۶.
۳ ـ توبه: ۲۷.
۴ ـ احزاب: ۱۵.

فظَنَّ ٱلْجاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمّا إِلَيْهِ ٱنْتَهىٰ؛ ضَلَّ وَٱللّٰهِ ٱلظّانُّ لِذٰلِكَ وَمَا ٱهْتَدىٰ؛ وَلَقَدْ أَوْضَحْتَ ما أَشْكَلَ مِنْ ذٰلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمَ وَٱمْتَرىٰ بِقَوْلِكَ ـ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْكَ ـ: «قَدْ يَرىٰ ٱلْحُوَّلُ ٱلْقُلَّبُ وَجْهَ ٱلْحِيلَةِ وَدُونَها حاجِزٌ مِنْ تَقْوَى ٱللّٰهِ، فَيَدَعُها رَأْيَ ٱلْعَيْنِ، وَيَنْتَهِزُ فُرْصَتَها مَنْ لا حَرِيجَةَ لَهُ فِي ٱلدِّينِ»[1]. صَدَقْتَ وَخَسِرَ ٱلْمُبْطِلُونَ.

وَإِذْ ماكَرَكَ ٱلنّاكِثانِ فَقالا: نُرِيدُ ٱلْعُمْرَةَ. فَقُلْتَ لَهُما: «لَعَمْرُكُما ما تُرِيدانِ ٱلْعُمْرَةَ، لٰكِنْ تُرِيدانِ ٱلْغَدْرَةَ»[2]. فَأَخَذْتَ ٱلْبَيْعَةَ عَلَيْهِما وَجَدَّدْتَ ٱلْمِيثاقَ، فَجَدّا فِي ٱلنِّفاقِ، فَلَمّا نَبَّهْتَهُما عَلىٰ فِعْلِهِما أَغْفَلا وَعادا وَمَا ٱنْتَفَعا، وَكانَ عاقِبَةُ أَمْرِهِما خُسْراً.

ثُمَّ تَلاهُما أَهْلُ ٱلشّامِ، فَسِرْتَ إِلَيْهِمْ بَعْدَ ٱلْإِعْذارِ، وَهُمْ لا يَدِينُونَ دِينَ ٱلْحَقِّ، وَلا يَتَدَبَّرُونَ ٱلْقُرْآنَ، هَمَجٌ رَعاعٌ ضالُّونَ، وَبِالَّذِي أُنْزِلَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ فِيكَ كافِرُونَ، وَلِأَهْلِ ٱلْخِلافِ عَلَيْكَ ناصِرُونَ، وَقَدْ أَمَرَ ٱللّٰهُ تَعالىٰ بِاتِّباعِكَ، وَنَدَبَ ٱلْمُؤْمِنِينَ إِلىٰ نَصْرِكَ، وَقالَ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿يا أَيُّها ٱلَّذِينَ آمَنُوا ٱتَّقُوا ٱللّٰهَ وَكُونُوا مَعَ ٱلصّادِقِينَ﴾[3].

مَوْلايَ، بِكَ ظَهَرَ ٱلْحَقُّ وَقَدْ نَبَذَهُ ٱلْخَلْقُ، وَأَوْضَحْتَ ٱلسُّنَنَ بَعْدَ ٱلدُّرُوسِ وَٱلطَّمْسِ، فَلَكَ سابِقَةُ ٱلْجِهادِ عَلىٰ تَصْدِيقِ ٱلتَّنْزِيلِ، وَلَكَ فَضِيلَةُ ٱلْجِهادِ عَلىٰ تَحْقِيقِ ٱلتَّأْوِيلِ، وَعَدُوُّكَ عَدُوُّ ٱللّٰهِ، جاحِدٌ لِرَسُولِ ٱللّٰهِ، يَدْعُو باطِلاً، وَيَحْكُمُ جائِراً، وَيَتَأَمَّرُ غاصِباً، وَيَدْعُو حِزْبَهُ إِلَى ٱلنّارِ، وَعَمّارٌ يُجاهِدُ وَيُنادِي بَيْنَ ٱلصَّفَّيْنِ: ٱلرَّواحَ ٱلرَّواحَ إِلَى ٱلْجَنَّةِ. وَلَمّا ٱسْتَسْقىٰ فَسُقِيَ ٱللَّبَنَ كَبَّرَ وَقالَ: قالَ لِي رَسُولُ ٱللّٰهِ ـ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ: «آخِرُ شَرابِكَ مِنَ ٱلدُّنْيا ضَياحٌ مِنْ لَبَنٍ، وَتَقْتُلُكَ ٱلْفِئَةُ ٱلْباغِيَةُ»[4]. فَاعْتَرَضَهُ أَبُو ٱلْعادِيَةِ ٱلْفَزارِيّ فَقَتَلَهُ.

---

۱ ـ نهج‌البلاغه: ۸۳ خ ۴۱.

۲ ـ نگاه کن: شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید: ۱۷/۱۱، بحارالانوار: ۲۵/۳۲.

۳ ـ توبه: ۱۱۹.

۴ ـ نگاه کن: تاریخ مدینة دمشق: ۴۶۶/۴۳ ـ ۴۷۴.

فَعَلىٰ أَبِي ٱلْعادِيَةِ لَعْنَةُ ٱللهِ وَلَعْنَةُ مَلائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ أَجْمَعِين، وَعَلىٰ مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ وَسَلَلْتَ سَيْفَكَ عَلَيْهِ ـ يا أَمِيرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ـ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ وَٱلْمُنافِقِين، إِلىٰ يَوْمِ ٱلدِّين، وَعَلىٰ مَنْ رَضِيَ بِما ساءَكَ وَلَمْ يَكْرَهْهُ، وَأَغْمَضَ عَيْنَهُ وَلَمْ يُنْكِرْ، أَوْ أَعانَ عَلَيْكَ بِيَدٍ أَوْ لِسانٍ، أَوْ قَعَدَ عَنْ نَصْرِكَ، أَوْ خَذَلَ عَنِ ٱلْجِهادِ مَعَكَ، أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ و جَحَدَ حَقَّكَ، أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ ٱللهُ أَوْلىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ، وَصَلَواتُ ٱللهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ وَسَلامُهُ وَتَحِيّاتُهُ، وَعَلَى ٱلْأَئِمَّةِ مِنْ آلِكَ ٱلطّاهِرِينَ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

وَٱلْأَمْرُ ٱلْأَعْجَبُ وَٱلْخَطْبُ ٱلْأَفْظَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ، غَصْبُ ٱلصِّدِّيقَةِ ٱلطّاهِرَةِ ٱلزَّهْراءِ سَيِّدَةِ ٱلنِّساءِ فَدَكاً، وَرَدُّ شَهادَتِكَ وَشَهادَةِ ٱلسَّيِّدَيْنِ سُلالَتِكَ وَعِتْرَةِ ٱلْمُصْطَفىٰ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكُمْ ـ وَقَدْ أَعْلَى ٱللهُ تَعالىٰ عَلَى ٱلْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ، وَرَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ، وَأَبانَ فَضْلَكُمْ، وَشَرَّفَكُمْ عَلَى ٱلْعالَمِينَ، فَأَذْهَبَ عَنْكُمُ ٱلرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ. قالَ ٱللهُ جَلَّ وَعَزَّ: ﴿إِنَّ ٱلْإِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعاً * إِذا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ جَزُوعاً * وَإِذا مَسَّهُ ٱلْخَيْرُ مَنُوعاً * إِلَّا ٱلْمُصَلِّينَ﴾[1]، فَاسْتَثْنَى ٱللهُ تَعالىٰ نَبِيَّهُ ٱلْمُصْطَفىٰ وَأَنْتَ ـ يا سَيِّدَ ٱلْأَوْصِياءِ ـ مِنْ جَمِيعِ ٱلْخَلْقِ، فَما أَعْمَهَ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ ٱلْحَقِّ.

ثُمَّ أَفْرَضُوكَ سَهْمَ ذَوِي ٱلْقُرْبىٰ مَكْراً، وَأَحادُوهُ عَنْ أَهْلِهِ جَوْراً، فَلَمّا آلَ ٱلْأَمْرُ إِلَيْكَ أَجْرَيْتَهُمْ عَلىٰ ما أَجْرَيا رَغْبَةً عَنْهُما بِما عِنْدَ ٱللهِ لَكَ، فَأَشْبَهَتْ مِحْنَتُكَ بِهِما مِحَنَ ٱلْأَنْبِياءِ ـ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ ـ عِنْدَ ٱلْوَحْدَةِ وَعَدَمِ ٱلْأَنْصارِ.

وَأَشْبَهْتَ في ٱلْبَياتِ عَلَى ٱلْفِراشِ ٱلذَّبِيحَ ـ عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ ـ؛ إِذْ أَجَبْتَ كَما أَجابَ وَأَطَعْتَ كَما أَطاعَ إِسْماعِيلُ صابِراً مُحْتَسِباً، إِذْ قالَ لَهُ: ﴿يا بُنَيَّ إِنِّي أَرىٰ فِي ٱلْمَنامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ ماذا تَرىٰ قالَ يا أَبَتِ ٱفْعَلْ ما تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شاءَ ٱللهُ مِنَ ٱلصّابِرِينَ﴾[2].

---

۱ ـ معارج: ۱۹ ـ ۲۲.
۲ ـ صافّات: ۱۰۲.

وَكَذٰلِكَ أَنْتَ لَمّا أَباتَكَ ٱلنَّبِيُّ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ وَأَمَرَكَ أَنْ تَضْجَعَ فِي مَرْقَدِهِ واقِياً لَهُ بِنَفْسِكَ، أَسْرَعْتَ إِلىٰ إِجابَتِهِ مُطِيعاً، وَلِنَفْسِكَ عَلَى ٱلْقَتْلِ مُوَطِّناً؛ فَشَكَرَ ٱللهُ تَعالىٰ طاعَتَكَ، وَأَبانَ عَنْ جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: ﴿وَمِنَ ٱلنّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ٱبْتِغاءَ مَرْضاتِ ٱللهِ﴾[1].

ثُمَّ مِحْنَتُكَ يَوْمَ صِفِّينَ ـ وَقَدْ رُفِعَتِ ٱلْمَصاحِفُ حِيلَةً وَمَكْراً، فَأَعْرَضَ ٱلشَّكُّ وَعُرِفَ ٱلْحَقُّ وَٱتُّبِعَ ٱلظَّنُّ ـ أَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هارُونَ إِذْ أَمَّرَهُ مُوسىٰ عَلىٰ قَوْمِهِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ، وَهارُونُ يُنادِي بِهِمْ وَيَقُولُ: ﴿يا قَوْمِ إِنَّما فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ ٱلرَّحْمٰنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي * قالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عاكِفِينَ حَتّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنا مُوسىٰ﴾[2].

وَكَذٰلِكَ[3] لَمّا رُفِعَتِ ٱلْمَصاحِفُ قُلْتَ: «يا قَوْمِ إِنَّما فُتِنْتُمْ بِها وَخُدِعْتُمْ»، فَعَصَوْكَ وَخالَفُوا عَلَيْكَ، وَٱسْتَدْعَوْا نَصْبَ ٱلْحَكَمَيْنِ، فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ وَتَبَرَّأْتَ إِلَى ٱللهِ مِنْ فِعْلِهِمْ، وَفَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ.

فَلَمّا أَسْفَرَ ٱلْحَقُّ وَسَفِهَ ٱلْمُنْكَرُ، وَٱعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَٱلْجَوْرِ عَنِ ٱلْقَصْدِ، ٱخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ، وَأَلْزَمُوكَ عَلىٰ سَفَهِ ٱلتَّحْكِيمِ ٱلَّذِي أَبَيْتَهُ، وَأَحَبُّوهُ وَحَظَرْتَهُ، وَأَباحُوا ذَنْبَهُمُ ٱلَّذِي ٱقْتَرَفُوهُ، وَأَنْتَ عَلىٰ نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَهُدًى، وَهُمْ عَلىٰ سُنَنِ ضَلالَةٍ وَعَمًى، فَما زالُوا عَلَى ٱلنِّفاقِ مُصِرِّينَ، وَفِي ٱلْغَيِّ مُتَرَدِّدِينَ، حَتّىٰ أَذاقَهُمُ ٱللهُ وَبالَ أَمْرِهِمْ، فَأَماتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عانَدَكَ فَشَقِيَ وَهَوىٰ، وَأَحْيا بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعِدَ فَهُدِيَ.

صَلَواتُ ٱللهِ عَلَيْكَ غادِيَةً وَرائِحَةً وَعاكِفَةً وَذاهِبَةً، فَما يُحِيطُ ٱلْمادِحُ وَصْفَكَ، وَلا يُحْبِطُ ٱلطّاعِنُ فَضْلَكَ؛ أَنْتَ أَحْسَنُ ٱلْخَلْقِ عِبادَةً، وَأَخْلَصُهُمْ زَهادَةً، وَأَذَبُّهُمْ عَنِ ٱلدِّينِ.

أَقَمْتَ حُدُودَ ٱللهِ بِجَهْدِكَ، وَفَلَلْتَ عَساكِرَ ٱلْمارِقِينَ بِسَيْفِكَ، تُخْمِدُ لَهَبَ

---

١ ـ بقره: ٢٠٧.
٢ ـ طه: ٩٠ و ٩١.
٣ ـ «وكذلك أنت» خ ل.

اَلْحُرُوبِ بِبَنانِكَ، وَتَهْتِكُ سُتُورَ اَلشُّبَهِ بِبَيانِكَ، وَتَكْشِفُ لَبْسَ اَلْباطِلِ عَنْ صَرِيحِ اَلْحَقِّ، لا تَأْخُذُكَ فِي اَللهِ لَوْمَةُ لائِمٍ، وَفِي مَدْحِ اَللهِ تَعالىٰ لَكَ غِنىً عَنْ مَدْحِ اَلْمادِحِينَ، وَتَفْرِيطِ اَلْواصِفِينَ، قالَ اَللهُ: ﴿مِنَ اَلْمُؤْمِنِينَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اَللهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَما بَدَّلُوا تَبْدِيلاً﴾[۱].

وَلَمّا رَأَيْتَ أَنْ قَتَلْتَ اَلنّاكِثِينَ وَاَلْقاسِطِينَ وَاَلْمارِقِينَ، وَصَدَقَكَ رَسُولُ اَللهِ ـ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ وَعْدَهُ فَأَوْفَيْتَ بِعَهْدِهِ، قُلْتَ: «أَما آنَ أَنْ تُخْضَبَ هٰذِهِ مِنْ هٰذِهِ؟»[۲] أَمْ «مَتىٰ يُبعَثُ أَشْقاها؟»[۳]، واثِقاً بِأَنَّكَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، وَبَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، قادِمٌ عَلَى اَللهِ، مُسْتَبْشِرٌ بِبَيْعِكَ اَلَّذِي بايَعْتَهُ بِهِ وَذٰلِكَ هُوَ اَلْفَوْزُ اَلْعَظِيمُ.

اَللّٰهُمَّ اَلْعَنْ قَتَلَةَ أَنْبِيائِكَ وَأَوْصِياءِ أَنْبِيائِكَ بِجَمِيعِ لَعَناتِكَ، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نارِكَ، وَاَلْعَنْ مَنْ غَصَبَ وَلِيَّكَ حَقَّهُ، وَأَنْكَرَ عَهْدَهُ، وَجَحَدَهُ بَعْدَ اَلْيَقِينِ وَاَلْإِقْرارِ بِالْوِلايَةِ لَهُ يَوْمَ أَكْمَلْتَ لَهُ اَلدِّينَ.

اَللّٰهُمَّ اَلْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ ظَلَمَهُ وَأَشْياعَهُمْ وَأَنْصارَهُمْ.

اَللّٰهُمَّ اَلْعَنْ ظالِمِي اَلْحُسَيْنِ وَقاتِلِيهِ، وَاَلْمُتابِعِينَ عَدُوَّهُ وَناصِرِيهِ، وَاَلرّاضِينَ بِقَتْلِهِ وَخاذِلِيهِ، لَعْناً وَبِيلاً.

اَللّٰهُمَّ اَلْعَنْ أَوَّلَ ظالِمٍ وَغاصِبٍ لِآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ، وَكُلَّ مُسْتَنٍّ بِما سَنَّ إِلىٰ يَوْمِ اَلْقِيامَةِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خاتَمِ اَلنَّبِيِّينَ، وَعَلىٰ عَلِيٍّ سَيِّدِ اَلْوَصِيِّينَ، وَآلِهِ اَلطّاهِرِينَ، وَاَجْعَلْنا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ، وَبِوِلايَتِهِمْ مِنَ اَلْفائِزِينَ اَلْآمِنِينَ، اَلَّذِينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ[۴].

---

۱ ـ احزاب: ۲۳.

۲ و ۳ ـ نگاه کن: کتاب سلیم بن قیس: ۷۱۳/۲، ارشاد مفید: ۱۱/۱ وص۱۳، شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید: ۵۷/۷، بحارالانوار: ۱۱۸/۳۴ وص۱۳۷ وص۲۵۹، وج۴۲ ۱۹۵/ ح۱۳.

۴ ـ مزار کبیر: ۲۶۳ ـ ۲۸۲، بحارالانوار: ۳۵۹/۱۰۰ ح۶، موسوعة زيارات المعصومين﷩: ۲/ ۲۳۳ ش۵۹۳.

زيارت سوم:

روايت كرده است سيّد ابن طاووس ـ رضي الله عنه ـ گفته است كه: روايت كرده‌اند جماعتى از مشايخ، از محمد بن احمد صفوانى، كه در كتاب خود روايت كرده است به سند خود از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام كه فرمود كه: هرگاه در روز عيد غدير نزد قبر شريف اميرالمؤمنين ـ صلوات الله عليه ـ باشى، نزديک قبر آن حضرت برو بعد از نماز و دعا، و اگر در شهرهاى ديگر باشى اشاره كن به جانب آن حضرت بعد از نماز [و دعا]، و دعا اين است:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ وَأَخِي نَبِيِّكَ وَوَزِيرِهِ وَحَبِيبِهِ وَخَلِيلِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ، وَخِيَرَتِهِ مِنْ أُسْرَتِهِ، وَوَصِيِّهِ وَصِفْوَتِهِ وَخالِصَتِهِ وَأَمِينِهِ وَوَلِيِّهِ، وَأَشْرَفِ عِتْرَتِهِ اَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ، وَأَبِي ذُرِّيَّتِهِ، وَبابِ حِكْمَتِهِ، وَاَلنّاطِقِ بِحُجَّتِهِ، وَاَلدّاعِي إِلىٰ شَرِيعَتِهِ، وَاَلْماضِي عَلىٰ سُنَّتِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلىٰ أُمَّتِهِ، سَيِّدِ اَلْمُسْلِمِينَ، وَأَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ، وَقائِدِ اَلْغُرِّ اَلْمُحَجَّلِينَ، أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَأَصْفِيائِكَ وَأَوْصِياءِ أَنْبِيائِكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ نَبِيِّكَ ـ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ ما حُمِّلَ، وَرَعىٰ مَا اَسْتُحْفِظَ، وَحَفِظَ مَا اَسْتُودِعَ، وَحَلَّلَ حَلالَكَ، وَحَرَّمَ حَرامَكَ، وَأَقامَ أَحْكامَكَ، وَدَعا إِلىٰ سَبِيلِكَ، وَوالىٰ أَوْلِياءَكَ، وَعادىٰ أَعْداءَكَ، وَجاهَدَ اَلنّاكِثِينَ عَنْ سَبِيلِكَ، وَاَلْقاسِطِينَ وَاَلْمارِقِينَ عَنْ أَمْرِكَ، صابِراً مُحْتَسِباً، مُقْبِلاً غَيْرَ مُدْبِرٍ، لا تَأْخُذُهُ فِي اَللّٰهِ لَوْمَةُ لائِمٍ، حَتّىٰ بَلَغَ فِي ذٰلِكَ اَلرِّضا، وَسَلَّمَ إِلَيْكَ اَلْقَضاءَ، وَعَبَدَكَ مُخْلِصاً وَنَصَحَ لَكَ مُجْتَهِداً حَتّىٰ أَتاهُ اَلْيَقِينُ، فَقَبَضْتَهُ إِلَيْكَ شَهِيداً، سَعِيداً، وَلِيّاً، تَقِيّاً، رَضِيّاً، زَكِيّاً، هادِياً، مَهْدِيّاً.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ، أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيائِكَ

وَأَصْفِيائِكَ يا رَبَّ ٱلْعالَمِينَ[۱].

دوم:

زیارت روز مولد حضرت رسالت پناهی ﷺ است که هفدهم ماه ربیع الاوّل است موافق مشهور، و این زیارت بهترین زیارات است، و به سندهای معتبر در کتب معتبره مذکور است؛ و ظاهر بعضی از روایات آن است که خصوصیّت به این روز ندارد، و در هر وقت که این زیارت را بعمل آورند خوب است؛ و چون علماء در خصوصِ این روز ذکر کرده‌اند، ما نیز در اینجا ایراد کردیم:

شیخ مفید و شیخ شهید و سیّد ابن طاووس ـ رضی الله عنهم ـ روایت کرده‌اند که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه زیارت کرد حضرت امیر المؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ را در هفدهم ماه ربیع الاوّل به این زیارت، و تعلیم فرمود زیارت را به راوی ثقه عظیم الشّان محمّد بن مسلم ثقفی، فرمود که چون بیایی به مشهد امیرالمؤمنین ﷺ غسل زیارت بکن، و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش، و به قدری بوی خوش خود را خوشبو کن، و بر تو باد آرام دل و آرام تن، پس چون برسی به باب السلام ـ یعنی درِ ضریح مقدّس ـ پس رو به قبله بایست و سی مرتبه **اَللّهُ أَكْبَر** بگو، و بگو:

اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ خِيَرَةِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْبَشِيرِ ٱلنَّذِيرِ، ٱلسِّراجِ ٱلْمُنِيرِ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَنْبِياءِ ٱللهِ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَعِبادِ ٱللهِ ٱلصّالِحِينَ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ ٱللهِ ٱلحافِّينَ بِهٰذَا ٱلْحَرَمِ وَبِهٰذَا ٱلضَّرِيحِ، اَللّائِذِينَ بِهِ.

پس نزدیک قبر برو و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِيَّ ٱلْأَوْصِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عِمادَ ٱلْأَتْقِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ ٱلْأَوْلِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ ٱلشُّهَداءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا آيَةَ ٱللهِ ٱلْعُظْمىٰ،

---

۱ ـ اقبال‌الاعمال: ۳۰۶/۲، بحارالانوار: ۳۷۲/۱۰۰ ح۸، موسوعة زیارات المعصومین‌ﷺ: ۲/ ۲۳۲ ش۵۹۲.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خامِسَ أَهْلِ اَلْعَباءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قائِدَ اَلْغُرِّ اَلْمُحَجَّلِينَ اَلْأَتْقِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عِصْمَةَ اَلْأَوْلِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا زَيْنَ اَلْمُوَحِّدِينَ اَلنُّجَباءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خالِصَ اَلْأَخِلّاءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا والِدَ اَلْأَئِمَّةِ اَلْأُمَناءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ اَلْحَوْضِ وَحامِلَ اَللِّواءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ ياقَسِيمَ اَلْجَنَّةِ وَلَظىٰ[١]، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ مَكَّةُ وَمِنىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بَحْرَ اَلْعُلُومِ وَكَنَفَ[٢] اَلْفُقَراءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ وُلِدَ في اَلْكَعْبَةِ، وَزُوِّجَ في اَلسَّماءِ بِسَيِّدَةِ اَلنِّساءِ، وَكانَ شُهُودَها اَلْمَلائِكَةُ[٣] اَلْأَصْفِياءُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مِصْباحَ اَلضِّياءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ خَصَّهُ اَلنَّبِيُّ بِجَزِيلِ اَلْحِباءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ باتَ عَلىٰ فِراشِ خاتَمِ[٤] اَلْأَنْبِياءِ وَوَقاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ اَلْأَعْداءِ[٥]، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ رُدَّتْ لَهُ اَلشَّمْسُ فَسامىٰ شَمْعُونَ اَلصَّفا، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ أَنْجَى اَللّٰهُ سَفِينَةَ نُوحٍ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَخِيهِ حَيْثُ اَلْتَطَمَ اَلْماءُ حَوْلَها وَطَما، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ تابَ اَللّٰهُ بِهِ وَبِأَخِيهِ عَلىٰ آدَمَ إِذْ غَوىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا فُلْكَ اَلنَّجاةِ اَلَّذِي مَنْ رَكِبَهُ نَجا، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُ هَوىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ خاطَبَ اَلثُّعْبانَ وَذِئْبَ اَلْفَلا، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اَللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اَللّٰهِ عَلىٰ مَنْ كَفَرَ وَأَنابَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا إِمامَ ذَوِي اَلْأَلْبابِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَعْدِنَ اَلْحِكْمَةِ وَفَصْلَ اَلْخِطابِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ اَلْكِتابِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مِيزانَ يَوْمِ اَلْحِسابِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا فاصِلَ اَلْحُكْمِ، اَلنّاطِقَ بِالصَّوابِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا اَلْمُتَصَدِّقُ بِالْخاتَمِ في اَلْمِحْرابِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ كَفَى اَللّٰهُ اَلْمُؤْمِنِينَ اَلْقِتالَ بِهِ يَوْمَ اَلْأَحْزابِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ أَخْلَصَ لِلّٰهِ

---

١ ـ «واللَّظىٰ» خ ل.
٢ ـ «وَكَهْفَ» خ ل.
٣ ـ «الملائكة السَّفرة» خ ل.
٤ ـ «خير» خ ل.
٥ ـ «ووَقاهُ بِنَفْسِهِ عند مبارزة الأعداء» خ ل.

اَلْوَحْدانِيَّةَ[۱] وَأَنابَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قاتِلَ خَيْبَرَ وَقالِعَ اَلْبابِ[۲]، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ دَعاهُ خَيْرُ اَلْأَنامِ لِلْمَبِيتِ[۳] عَلىٰ فِراشِهِ فَأَسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِيَّةِ وَأَجابَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ لَهُ طُوْبىٰ وَحُسْنُ مَآبٍ، وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ عِصْمَةِ اَلدِّينِ وَيا سَيِّدَ اَلسّاداتِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ اَلْمُعْجِزاتِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ نَزَلَتْ في فَضْلِهِ سُورَةُ اَلْعادِياتِ[۴]، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ كُتِبَ اَسْمُهُ في اَلسَّماءِ عَلَى اَلسُّرادِقاتِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُظْهِرَ اَلْعَجائِبِ وَاَلآياتِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ اَلْغَزَواتِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُخْبِراً بِما غَبَرَ وَبِما هُوَ آتٍ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُخاطِبَ ذِئْبِ اَلْفَلَواتِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خاتِمَ اَلْحَصىٰ وَمُبَيِّنَ اَلْمُشْكِلاتِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلاتِهِ في اَلْوَغىٰ مَلائِكَةُ اَلسَّماواتِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ ناجَى اَلرَّسُوْلَ فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَيْ نَجْواهُ اَلصَّدَقاتِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا والِدَ اَلْأَئِمَّةِ اَلْبَرَرَةِ اَلسّاداتِ، وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا تالِيَ اَلْمَبْعُوثِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ خَيْرِ مَوْرُوثٍ، وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا إِمامَ اَلْمُتَّقِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا غِياثَ اَلْمَكْرُوبِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عِصْمَةَ اَلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُظْهِرَ اَلْبَراهِينِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا طٰهٰ وَيٰس، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبْلَ اَللهِ اَلْمَتِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ تَصَدَّقَ في صَلاتِهِ بِخاتَمِهِ عَلَى اَلْمِسْكِينِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قالِعَ اَلصَّخْرَةِ عَنْ فَمِ اَلْقَلِيبِ، وَمُظْهِرَ اَلْماءِ اَلْمَعِينِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْنَ اَللهِ اَلنّاظِرَةَ، وَيَدَهُ اَلْباسِطَةَ، وَلِسانَهُ اَلْمُعَبِّرَ عَنْهُ في بَرِيَّتِهِ أَجْمَعِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ اَلنَّبِيِّينَ، وَمُسْتَوْدَعَ عِلْمِ اَلْأَوَّلِينَ وَاَلآخِرِينَ،

---

۱ ـ «بالوحدانيّة» خ ل.

۲ ـ «السلام عليك يا قالع باب خيبر الصّيخود من الصّلاب» خ ل.

۳ ـ «إلى المَبيتِ» خ ل.

۴ ـ «براءة والعاديات» خ ل.

وَصاحِبَ لِواءِ ٱلْحَمْدِ، وَساقِيَ أَوْلِيائِهِ مِنْ حَوْضِ خاتَمِ ٱلنَّبِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا يَعْسُوبَ ٱلدِّينِ، وَقائِدَ ٱلْغُرِّ ٱلْمُحَجَّلِينَ، وَوالِدَ ٱلْأَئِمَّةِ ٱلْمَرْضِيِّينَ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱسْمِ ٱللهِ ٱلرَّضِيِّ، وَوَجْهِهِ ٱلْمُضِيءِ، وَجَنْبِهِ ٱلْقَوِيِّ، وَصِراطِهِ ٱلسَّوِيِّ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلإِمامِ ٱلتَّقِيِّ، ٱلْمُخْلِصِ ٱلصَّفِيِّ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْكَوْكَبِ ٱلدُّرِّيِّ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْإِمامِ أَبِي ٱلْحَسَنِ عَلِيٍّ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَئِمَّةِ ٱلْهُدىٰ، وَمَصابِيحِ ٱلدُّجىٰ، وَأَعْلامِ ٱلتُّقىٰ، وَمَنارِ ٱلْهُدىٰ، وَذَوِي ٱلنُّهىٰ، وَكَهْفِ ٱلْوَرىٰ، وَٱلْعُرْوَةِ ٱلْوُثْقىٰ، وَٱلْحُجَّةِ عَلىٰ أَهْلِ ٱلدُّنْيا، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ نُورِ ٱلْأَنْوارِ، وَحُجَّةِ ٱلْجَبّارِ، وَوالِدِ ٱلْأَئِمَّةِ ٱلْأَطْهارِ، وَقَسِيمِ ٱلْجَنَّةِ وَٱلنّارِ، ٱلْمُخْبِرِ عَنِ ٱلْآثارِ، ٱلْمُدَمِّرِ عَلَى ٱلْكُفّارِ، مُسْتَنْقِذِ ٱلشِّيعَةِ ٱلْمُخْلِصِينَ مِنْ عَظِيمِ ٱلْأَوْزارِ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْمَخْصُوصِ بِالطّاهِرَةِ ٱلتَّقِيَّةِ[1] ٱبْنَةِ ٱلْمُخْتارِ، ٱلْمَوْلُودِ فِي ٱلْبَيْتِ ذِي ٱلْأَسْتارِ، ٱلْمُزَوَّجِ فِي ٱلسَّماءِ بِالْبَرَّةِ ٱلطّاهِرَةِ، ٱلرَّضِيَّةِ ٱلْمَرْضِيَّةِ، ٱبْنَةِ ٱلْأَطْهارِ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلنَّبَإِ ٱلْعَظِيمِ، ٱلَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، وَعَلَيْهِ يُعْرَضُونَ، وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ نُورِ ٱللهِ ٱلْأَنْوَرِ، وَضِيائِهِ ٱلْأَزْهَرِ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ ٱللهِ وَحُجَّتَهُ، وَخالِصَةَ ٱللهِ وَخاصَّتَهُ.

أَشْهَدُ يا وَلِيَّ ٱللهِ لَقَدْ جاهَدْتَ فِي سَبِيلِ ٱللهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَٱتَّبَعْتَ مِنْهاجَ رَسُولِ ٱللهِ ﷺ، وَحَلَّلْتَ حَلالَ ٱللهِ، وَحَرَّمْتَ حَرامَهُ[2]، وَشَرَعْتَ أَحْكامَهُ، وَأَقَمْتَ ٱلصَّلاةَ، وَآتَيْتَ ٱلزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ ٱلْمُنْكَرِ، وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِ ٱللهِ صابِراً ناصِحاً مُجْتَهِداً، مُحْتَسِباً عِنْدَ ٱللهِ عَظِيمَ ٱلْأَجْرِ، حَتّىٰ أَتاكَ ٱلْيَقِينُ؛ فَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ

---

١ ـ «النَّقيّة» خ ل.

٢ ـ «حرام الله» خ ل.

دَفَعَكَ عَنْ حَقِّكَ وَأزالَكَ عَنْ مَقامِكَ[۱]، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ.

أُشْهِدُ ٱللهَ وَمَلائِكَتَهُ وَأَنْبِياءَهُ وَرُسُلَهُ أَنِّي والٍ[۲] لِمَنْ والاكَ، وَعادٍ[۳] لِمَنْ عاداكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس خود را به قبر بچسبان و قبر را ببوس، و بگو:

أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ كَلامي وَتَشهَدُ مَقامِي، وَأَشْهَدُ لَكَ يا وَلِيَّ ٱللهِ بِالْبَلاغِ وَٱلْأَداءِ، يا مَوْلايَ، يا حُجَّةَ ٱللهِ، يا أَمِينَ ٱللهِ، يا وَلِيَّ ٱللهِ، إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ ٱللهِ عزَّ وَجَلَّ ذُنُوباً قَدْ أَثْقَلَتْ ظَهْرِي، وَمَنَعَتْنِي مِنَ[۴] ٱلرُّقادِ، وَذِكْرُها يُقَلْقِلُ أَحْشائِي، وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَى ٱللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَيْكَ، فَبِحَقِّ مَنِ ٱئْتَمَنَكَ عَلىٰ سِرِّهِ، وَٱسْتَرْعاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طاعَتَكَ بِطاعَتِهِ، وَمُوالاتَكَ بِمُوالاتِهِ، كُنْ لي إِلَى ٱللهِ شَفِيعاً، وَمِنَ ٱلنّارِ مُجِيراً، وَعلَى ٱلدَّهْرِ ظَهِيراً.

پس باز خود را به قبر بچسبان و قبر را ببوس، و بگو:

يا وَلِيَّ اللهِ، يا حُجَّةَ اللهِ، يا بابَ حِطَّةِ اللهِ، وَلِيُّكَ وَزائِرُكَ، وَاللّائِذُ بِقَبْرِكَ، وَالنّازِلُ بِفِنائِكَ، وَ المُنِيخُ رَحْلَهُ في جِوارِكَ، يَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لَهُ إِلَى اللهِ في قَضاءِ حاجَتِهِ وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ في الدُّنْيا وَالآخِرَةِ؛ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ الجاهَ العَظِيمَ، وَالشَّفاعَةَ المَقْبُولَةَ، فَاجْعَلْنِي يا مَوْلايَ مِنْ هَمِّكَ، وَأَدْخِلْني في حِزْبِكَ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ ضَجِيعَيْكَ آدَمَ وَنُوحٍ، وَالسّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ وَلَدَيْكَ الحَسَنِ وَالحُسَيْنِ، وَعَلَى الأَئِمَّةِ الطّاهِرِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ[۵].

---

۱ ـ «مَنْ دَفَعَكَ عَنْ مَقامِكَ وَأزالَكَ عَنْ مَراتِبِكَ» خ ل. ۲ ـ «وليٌّ» خ ل.
۳ ـ «عدوٌّ» خ ل. ۴ ـ «عن» خ ل.
۵ ـ مزار كبير: ۲۰۵ ـ ۲۱۱، اقبال الاعمال: ۱۳۰/۳، مزار شهيد: ۸۹، بحارالأنوار: ۳۷۳/۱۰۰ ح۹، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۲۱۱/۲ ش۵۸۷.

سوم:

زیارت روز شهادت آن حضرت است؛ که بیست و یکم ماه رمضان است. چون در روایت معتبر منقول است که حضرت خضر ﷺ در روز شهادت آن حضرت به درخانه آن حضرت آمد، و بسیاری از فضائل آن حضرت را یاد کرد، و بسیار گریست و مردم را گریانید، و ناپیدا شد[۱]، و چون آن فقرات در زیارت هشتم که ذکر کردیم مندرج بود[۲]، به آن اکتفا نمودیم؛ اگر در این روز آن زیارت خوانده شود مناسب است، و اَصل آن زیارت را در بحار الانوار ذکر کرده‌ایم؛ اگر کسی خواهد به آنجا رجوع نماید[۳].

چهارم:

*زیارت روز مبعث حضرت رسول*ﷺ است، که روز بیست و هفتم ماه رجب است؛ و بعضی از علما ذکر کرده‌اند که زیارت آن حضرت در این روز سنّت است، و زیارت مخصوصی نقل کرده‌اند[۴]؛ و چون سند هیچ یک به نظر نرسیده بود ترک کردیم، ولیکن زیارت آن حضرت در أیّام شریفه ـ مثل سایر اعمال ـ أفضل است؛ خصوصاً ایّامی که اختصاص به آن حضرت دارد، مثل:

روز ولادت آن حضرت، که موافق مشهور سیزدهم ماه رجب است، و از حضرت صادق ﷺ منقول است که روز هفتم ماه شعبان بوده است[۵].

و روزی که آن حضرت ضربت خورده است، که نوزدهم ماه رمضان است موافقِ مشهور.

و شبی که آن حضرت بر فراش حضرت رسول ﷺ خوابید که شب اوّل ماه ربیع الاوّل است ـ موافق مشهور ـ.

و روزی که فتح بدر بر دست آن حضرت شد، که هفدهم ماه مبارک رمضان است ـ موافق احادیث معتبره ـ.

و روزی که در حمایت حضرت رسول ﷺ جلالت خود را ظاهر ساخت در جنگ اُحد، که روز هفدهم شوّال است.

---

۱ ـ کافی: ۱/ ۴۵۴ ح ۴، کمال الدین: ۳۸۷ ب ۳۸ ح ۳، امالی صدوق: ۲۰۰ م۴۲ ح ۱۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۲۲۷ ش ۵۹۰.   ۲ ـ نگاه کن: ص۱۴۸ ـ ۱۴۹.   ۳ ـ بحارالانوار: ۴۲/ ۳۰۳ ح۴ وج ۱۰۰/ ۳۵۴ ح ۱.

۴ ـ مصباح الزائر: ۱۷۶، مزار شهید: ۹۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۷۷ ح ۱۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۲۱۹ ش۵۸۸.   ۵ ـ مصباح المتهجّد: ۸۵۲.

و روزی که فتح خیبر بر دست معجز نمای آن جناب ظاهر شد، که بیست و هفتم ماه رجب است.

و روزی که بر دوش مبارک حضرت رسول‌ﷺ بالا رفت و بتها را شکست، که بیستم ماه رمضان است.

و روز فتح بصره، که پانزدهم جمادی الأُولی است.

و روزی که آفتاب از برای آن حضرت برگردید، که هفدهم شوّال است.

و روزی که از جانب خدا منصوب شد از برای تبلیغ سورهٔ براءة، و ابوبکر از آن امر معزول شد، و استحقاق آن حضرت برای خلافت و عدم استحقاق دیگران بر عالمیان ظاهر شد، که روز اوّل ماه ذی الحجّة است.

و روزی که درِ خانه‌های دیگران را از مسجد رسول‌ﷺ بستند، و در خانهٔ آن حضرت را باز گذاشتند، که روز عرفه است.

و روزی که انگشتر در نماز تصدّق کرد، و نصّ امامت در شأنش نازل شد، که روز بیست و چهارم ماه ذی الحجّة است. و چون موافق مشهور روز مباهله نیز هست، از آن جهت نیز مخصوص آن حضرت است.

و روزی که سورهٔ «هل أتی» در شأنش نازل شده است، که روز بیست و پنجم ماه ذی الحجة است.

و روز تزویج و روز زفاف حضرت فاطمه‌ؑ، که گذشت[1] در زیارت حضرت فاطمه.

و روز خلافت واقعی آن حضرت، که روز وفات حضرت رسول‌ﷺ است، و گذشت[2].

و روزی که بعد از قتل عثمان با آن حضرت بیعت کردند، که هیجدهم ماه ذی الحجة است، یا بیست و پنجم است.

و روز نوروز، که موافق بعضی از روایات روز بیعت آن حضرت است[3].

و همچنین سایر ایّام که کرامتی و فضیلتی از آن حضرت در آن ظاهر شده باشد؛ و آنها بسیار است، و بعضی از آنها در بحار الانوار مذکور است.

---

۱ ـ نگاه کن: ص ۷۶.　　۲ ـ نگاه کن: ص ۶۶.

۳ ـ بحار الانوار: ۱۰۰/ ۳۸۳.

باب چهارم

دربیان فضیلت نجف اشرف وکوفه
و مساجد کوفه و آب فرات است،
و مشتمل است بر چند فصل:

فصل اوّل

در فضیلت نجف اشرف

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نجف کوهی بود، و آن همان کوه است که پسر نوح گفت که پناه به آن می‌برم از غرق شدن، و بر روی زمین کوهی از آن بزرگتر نبود.

پس حق تعالی وحی نمود به آن کوه که: آیا به تو پناه می‌برند از عذاب من!

پس پاره پاره شد و در بلاد شام ظاهر شد، و ریگ بسیار ریزه شد؛ و بعد از آن جایِ آن کوه دریای عظیمی شد، و آن دریا را «نَیّ» می‌گفتند، و چون آن دریا خشک شد گفتند که «نَیّ جَفَّ» یعنی دریای نیّ خشکید؛ پس به بسیاری استعمال برای آسانی گفتار «نجف» گفتند[1].

و در روایت معتبر دیگر از امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: حضرت ابراهیم علیه السلام رسید به بانِقیا ـ که قریه‌ای بوده است در پهلوی نجف، و هر شب در آن قریه زلزله می‌شده است؛ آن شب که حضرت ابراهیم در آنجا بسر آورد زلزله نشد.

گفتند اهل آن قریه که: آیا چه حادث شده است که دیشب زلزله نشد؟!

گفتند: مرد پیری دیشب وارد این قریه شد، و پسرش با او است.

اهل آن قریه به نزد آن حضرت آمدند، والتماس کردند که یک شب دیگر در آن قریه بماند.

حضرت التماس ایشان را قبول فرمود، و در آن شب نیز زلزله نشد.

---

۱ ـ علل الشرائع: ۳۱ ب ۲۳ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵/۲ پاورقی ۸.

چون دانستند که از برکت قدوم شریف آن حضرت است، استدعا کردند که همیشه در آن قریه بماند، و آنچه خواهد ایشان به آن حضرت بدهند.

حضرت قبول ننمود و فرمود که: اگر خواهید که زلزله از شما بر طرف شود، این صحرای پشت قریه را به من بفروشید.

گفتند: ما بخشیدیم آن را به شما.

فرمود که به غیر خریدن راضی نمی‌شوم.

گفتند: پس به هر چه می‌خواهی از ما بخر.

حضرت از ایشان به هفت گوسفند و چهار الاغ خرید آن صحرا را. پس به این سبب نام موضع «بانِقیا» شد؛ زیرا که به لغت نبتی «نقیا» اسم گوسفند است.

پس پسر آن حضرت گفت که‌ای خلیل الرحمن، چه می‌کنی این صحرا را که نه زراعت در آن هست و نه حیوان شیرده؟!

فرمود که: ساکت شو، که حق تعالی ازاین صحرا هفتاد هزار کس را حشر کند که بی حساب به بهشت روند، و هر یک از ایشان شفاعت کنند جماعت بسیار را[1].

و در **روایت دیگر** منقول است که امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ خرید مابین خَوَرْنَق و حِیره و کوفه را از دهقانان به چهل هزار درهم، و گواه گرفت جمعی را بر آن.

گفتند: یا امیرالمؤمنین! می‌خری این زمین را به این مال بسیار، و گیاهی از آن نمی‌روید؟!

فرمود که: شنیدم از رسول خدا ﷺ که از پشت کوفه هفتاد هزار کس داخل بهشت خواهند شد بی حساب؛ خواستم که از ملک من محشور شوند[2].

و به **سند معتبر** از حضرت صادق علیه‌السلام منقول است که: چهار بقعه از زمین ناله کردند به سوی خدا در ایّام طوفان نوح: بیت المعمور ـ و خدا آن را به آسمان برد ـ، و نجف، و کربلا، و طوس[3].

---

۱ ـ علل الشرائع: ۵۸۵ ب ۳۸۵ ح ۳۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۲۶ ح ۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۲/ ۱۳ ش ۴۵۵.

۲ ـ فرحة الغری: ۲۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۱ ح ۲۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۲/ ۸ ش ۴۴۲.

۳ ـ تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۱۱۰ ح ۱۹۶، فرحة الغری: ۷۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۱ ح ۲۲، وج ۱۰۱/ ۱۰۶ ح ۲، وج ۱۰۲/ ۳۹ ح ۳۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۲/ ۱۹ ش ۴۷۱.

و در **روایت معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که فرمود به اهل کوفه، که در پهلوی شما قبرستانی هست که از آن محشور می‌شوند صد و بیست هزار کس، مثل شهیدان بدر[1].

و در **روایت دیگر** از امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: اوّل بقعه‌ای که خدا را در آن عبادت کردند، پشت کوفه است؛ چون خدا امر کرد ملائکه را که آدم را سجده کنند، در اینجا سجده کردند[2].

و در **حدیث دیگر** منقول است که آن حضرت نظر کردند به سوی نجف و فرمودند که: چه خوش آینده است دیدن تو! و چه طیّب و نیکو است زیر تو! خداوندا این را محلّ قبر من گردان[3].

و در ارشاد القلوب و فرحة الغری **روایت کرده‌اند** که: مرد صالحی از اهل کوفه گفت که: من در شب بارانی در مسجد کوفه بودم، ناگاه دری را که در جانب قبر مسلم است کوبیدند. چون در را گشودند جنازه‌ای را داخل کردند و در صفّه‌ای که در برابر قبر مسلم است گذاشتند؛ یکی از ایشان را خواب برد، در خواب دید که دو شخص نزد جنازه حاضر شدند، و یکی به دیگری گفت که ببین ما را با او حسابی هست تا از او بگیریم، پیش از آنکه از رصافه بگذرد، که بعد از آن ما به نزدیک او نمی‌توانیم رفت. پس بیدار شد و خواب را برای رفیقان خود نقل کرد؛ و در همان ساعت آن جنازه را برداشتند و داخل نجف کردند، که از حساب و عذاب نجات یابد[4].

و **نقل کرده‌اند** که روزی حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ در کنار صحرای نجف نشسته بود، ناگاه دید که شخصی بر ناقه‌ای سوار است و جنازه‌ای در پیش خود گرفته است و به سوی نجف می‌آید؛ چون نزدیک شد حضرت از او پرسید که از کجا می‌آیی؟

---

۱ ـ کامل‌الزیارات: ۳۳۰ ب ۱۰۸ ح ۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۱ ح ۲۳.

۲ ـ تفسیر عیّاشی: ۱/ ۳۴ ح ۱۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۲ ح ۲۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۱۳ ش ۴۵۶.

۳ ـ ارشاد القلوب: ۴۳۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۲۸ ش ۴۹۴.

۴ ـ ارشاد القلوب: ۴۳۹ ـ ۴۴۰، فرحة الغری: ۱۵۹ ـ ۱۶۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۲ ـ ۲۳۳.

گفت: از یمن. گفت: این جنازهٔ کیست؟

گفت جنازهٔ پدر من است، آورده‌ام که در این زمین دفن کنم.

حضرت فرمود که: چرا او را در شهر خود دفن نکردید؟

گفت: پدرم چنین وصیت کرد و گفت: مردی در آنجا مدفون خواهد شد که آمرزیده شوند به شفاعت او مثل عدد ربیعه و مُضَر ـ که دو قبیلهٔ عظیم اند از عرب ـ.

حضرت فرمود که: آن مرد را می‌شناسی؟

گفت نه. حضرت سه مرتبه فرمودند: والله من آن مردم.

پس حضرت برخاست و آن مرد را دفن کرد[1].

و می‌گویند که آن قبری که در مقبرة الصفا است، قبر آن مرد است.

و به سند معتبر منقول است از حبّه عُرَنی که گفت: بیرون رفتم با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به پشت کوفه، چون به صحرای نجف رسیدند ایستادند گویا با جماعتی مخاطبه می‌کردند؛ من نیز در خدمت آن حضرت آنقدر ایستادم که مانده شدم. پس نشستم آنقدر که از نشستن ملال بهم رسانیدم، باز برخاستم و ایستادم تا مانده شدم، باز نشستم تا دلتنگ شدم.

پس برخاستم و ردای خود را جمع کردم و گفتم: یا امیرالمؤمنین می‌ترسم بر شما که تعب بکشید از بسیاری ایستادن، ساعتی استراحت بفرمایید.

پس ردای خود را انداختم که آن حضرت بر روی آن بنشیند.

فرمود که: این ایستادن نیست مگر برای سخن گفتن با مؤمن، یا اُنس گرفتن با مونِسی.

گفتم: یا امیرالمؤمنین، ارواح مؤمنان چنین است؟

فرمود که: بلی، اگر پرده از پیش دیده تو برخیزد، هرآینه خواهی دید ایشان را که حلقه حلقه نشسته‌اند و با یکدیگر سخن می‌گویند.

گفتم: بدن‌اند یا روح‌اند؟

فرمود که: روح‌اند، و هیچ مؤمنی نمی‌میرد در بقعه‌ای از بقعه‌های زمین مگر

---

۱ ـ ارشاد القلوب: ۴۴۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۲۹ ش ۴۹۵.

آنکه به روحش می‌گویند که: ملحق شو به وادی السلام، که صحرای نجف است، و آن بقعه‌ای است از جنّت عدن[1].

و در **حدیث معتبر** دیگر منقول است که شخصی به حضرت صادق ﷺ عرض کرد که: برادرم در بغداد است و می‌ترسم که در آنجا بمیرد.

فرمود که: پروا مکن هر جا بمیرد؛ بدرستی که نمی‌ماند مؤمنی در مشرق و مغرب زمین مگر آنکه حق تعالی روحش را محشور می‌گرداند به سوی وادی السلام.

پرسید که: وادی السلام کجا است؟

فرمود که: پشت کوفه است؛ گویا می‌بینم که ایشان حلقه حلقه نشسته‌اند و با یکدیگر سخن می‌گویند[2].

و به **سند معتبر** از اصبغ بن نباته منقول است که حضرت امیرالمؤمنین ﷺ به صحرای نجف رفت؛ ما از عقب آن حضرت رفتیم، دیدیم که بر پشت خوابیده است بر روی زمین.

قنبر گفت: یا امیرالمؤمنین جامه در زیر شما نیندازم؟

فرمود که نه، نیست مگر تربت مؤمنی، یا نشستن در پهلوی مؤمنی.

پس فرمود که: ای پسر نباته، اگر پرده از برای شما بردارند هرآینه خواهید یافت روحهای مؤمنان را که در این صحرا حلقه حلقه نشسته‌اند، و به زیارت یکدیگر می‌روند و با یکدیگر سخن می‌گویند، و در اینجا است روح هر مؤمنی، و در برهوت است روح هر کافری[3].

و برهوت وادیی است نزدیک یمن.

و به **سند معتبر** از حضرت امام محمد باقر ﷺ منقول است که: چون

---

۱ ـ کافی: ۳/ ۲۴۳ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۴ ح ۲۶، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۱۲ ش ۴۵۱ قسمت آخر حدیث.

۲ ـ کافی: ۳/ ۲۴۳ ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۴ ح ۲۷، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۲۲ ش ۴۷۸.

۳ ـ بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۴، به نقل از غیبت علی بن عبد الحمید، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۱۲ ش ۴۵۲.

حضرت مهدی ﷺ داخل کوفه شود، مردم گویند: ای فرزند رسول خدا، نماز با شما مثل نماز با رسول خدا است، و این مسجد گنجایش ما ندارد!

پس آن حضرت بیرون رود به جانب نجف، پس مسجدی خط بکشد که هزار در داشته باشد، و گنجایش اصحاب آن حضرت داشته باشد، و بفرماید که نهری از پشت قبر امام حسین ﷺ بیاورند که تا نجف جاری شود، و بر آن نهر پلها و آسیاها ساخته شود[1].

---

۱ ـ ارشاد مفید: ۲/ ۳۸۰، غیبت طوسی: ۲۸۰، اعلام الوری: ۴۳۰، کشف الغمّة: ۳/ ۲۵۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۸۵ ح ۴، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۱۵ ش ۴۶۱.

فصل دوم

در بیان فضیلت آب فرات است

به **سند معتبر** منقول است که حضرت امام محمد باقر ﷺ پرسید از شخصی از اهل کوفه که: آیا غسل می‌کنی در آب فرات هر روز یک مرتبه؟ گفت نه. فرمود که: در هر هفته یک مرتبه غسل می‌کنی؟ گفت: نه. فرمود که در هر ماه غسل می‌کنی؟ گفت: نه. فرمود که در هر سال یک مرتبه غسل میکنی؟ گفت: نه. فرمود که تو از خیر محرومی[1].

و در **حدیث دیگر** از حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: چهار نهر است در دنیا که از بهشت است: فرات، و نیل، و سیحان، و جیحان.

در بهشت فراتْ آب است، و نیلْ عسل است، و سیحانْ شراب است، و جیحانْ شیر است[2].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: فرات بهترین آبها است در دنیا و در آخرت[3].

و در **احادیث بسیار** وارد است که هر طفلی را که کامش به آب فرات بردارند، البتّه محبّ اهل بیت رسول الله ـ صلّی الله علیهم ـ گردد[4].

و به **روایت معتبر** منقول است که حضرت صادق ﷺ به سلیمان عجلی فرمود

---

۱ ـ کامل‌الزیارات: ۳۰ ب۸ ضمن ح ۱۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۲۷ ح ۴، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۳۷۱ ش ۶۷۲.

۲ ـ کامل الزیارات: ۴۷ ب۱۳ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۲۷ ح۵، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۳۶۹ ش ۶۶۷.

۳ ـ کامل الزیارات: ۴۸ ب۱۳ ح ۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۲۸ ح۸، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۳۷۰ ش۶۶۸.

۴ ـ کافی: ۶/ ۳۸ ح ۱، کامل الزیارات: ۴۷ ب۱۳ ح ۲ و ۴ و ۱۱ و ۱۴ و ۱۵، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۹ ح ۸۲، مزار مفید: ۱۸ ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۲۸ ح۶ و ۹ وص ۲۳۰ ح۱۷ ـ ۱۹، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۳۷۳ ش۶۷۷، وص ۳۷۴ ش۶۷۹، وص۳۷۵ ش ۶۸۲.

که: اگر میان من و فرات آنقدر فاصله می‌بود که میان شما و فرات است، هرآینه دوست می‌داشتم که هر دو طرف روز بروم نزد آن[۱].

و در **حدیث معتبر** از حضرت علی بن الحسین ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: حق تعالی در هر شب ملکی می‌فرستد، که سه مثقال از مشک بهشت در نهر فرات می‌ریزد؛ و هیچ نهری در مشرق و مغرب نیست که برکتش بیشتر از نهر فرات باشد[۲].

و به **سند معتبر** دیگر از حضرت صادق ﷺ منقول است که: هر روز چند قطره از آب بهشت در فرات می‌ریزد[۳].

و در **روایت معتبر** دیگر منقول است که، چون حضرت صادق ﷺ در زمان سفّاح به کوفه تشریف آوردند، بر سر جسر ایستادند و به غلام خود فرمودند که مرا آب بده.

غلام کوزه ملاحی را گرفت و آب به آن حضرت داد، و حضرت میل فرمود ـ و آب از دو طرف دهان آن حضرت به ریش مبارک و جامهٔ آن حضرت می‌ریخت ـ.

پس دو مرتبهٔ دیگر آب طلبیدند و تناول فرمودند، و در هر مرتبه حمد الهی کردند.

پس فرمودند که: چه بسیار عظیم است برکت این نهر آب! بدرستی که هر روز هفت قطره از بهشت در آن می‌ریزد؛ اگر مردم بدانند که چه مقدار برکت در این نهر است، هرآینه خیمه‌ها در هر دو طرفش بزنند.

اگر نه این بود که خطاکاران در آن داخل می‌شدند، هیچ صاحب دردی و مرضی در آن غوطه نمی‌خورد مگر شفا می‌یافت[۴].

---

۱ ـ کافی: ۶/ ۳۸۸ ح ۴، کامل الزیارات: ۴۷ ب ۱۳ ح ۴، مزار مفید: ۱۸ ح ۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۹ ح ۸۲، بحارالانوار: ۲۲۸/۱۰۰ ح ۹، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۳۷۴ ش ۶۷۹.

۲ ـ کافی: ۶/ ۳۸۹ ح ۶، بحارالانوار: ۶۶/ ۴۴۸ ح ۶، وج ۱۰۰/ ۲۲۸ ح ۱۱ وص ۲۳۰ ح ۱۶، کامل الزیارات: ۴۸ ب ۱۳ ح ۷، وص ۴۹ ح ۱۲، مزار مفید: ۱۵ ح ۲، تهذیب الاحکام: ۳۸/۶ ح ۷۸، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۳۷۱ ش ۶۷۱.

۳ ـ کافی: ۶/ ۳۸۸ ح ۲، کامل الزیارات: ۴۸ ب ۱۳ ح ۸، بحارالانوار: ۶۶/ ۴۴۸ ح ۴، وج ۱۰۰/ ۲۲۹ ح ۱۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۳۷۲ ش ۶۷۴.

۴ ـ کامل الزیارات: ۴۸ ب ۱۳ ح ۹، مزار مفید: ۱۷ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۸ ح ۸۱، بحارالانوار: ۶۰/ ۴۱ ح ۸، وج ۱۰۰/ ۲۲۹ ح ۱۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۳۷۴ ش ۶۸۱.

و در **حدیث دیگر** فرمود که **«شاطئ الوادي الأيمن»** که خدا فرموده است[۱] نهر فرات است[۲].

و به **سند صحیح** از آن حضرت منقول است که فرمود که: گمان ندارم که کسی را کامش را به آب فرات بردارند و شیعه ما نباشد. و فرمود که: هر روز در آب فرات دو ناودان از بهشت جاری می‌شود[۳].

و در **حدیث معتبر** دیگر از آن حضرت مروی است که: دو نهر هستند که مؤمن‌اند، و دو نهر کافر.

امّا مؤمن، نیلِ مصر است و فرات؛ و اما کافر، نهر بلخ است و دجله. پس بردارید کام اولاد خود را به آب فرات[۴].

---

۱ ـ قصص: ۳۰.

۲ ـ کامل الزیارات: ۴۸ ب۱۳ ح ۱۰، مزار مفید: ۱۵، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۸ ح ۸۰، مزار کبیر: ۱۱۵، بحارالأنوار: ۱۰۰/ ۲۲۹ ح ۱۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۳۷۳ ش۶۷۸.

۳ ـ کافی: ۶/ ۳۸۸ ح ۱، بحارالانوار: ۶۶/ ۴۴۸ ح ۳، وج ۱۰۰/ ۲۲۹ ح ۱۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۳۷۲ ش۶۷۵.

۴ ـ کامل الزیارات: ۴۹ ب۱۳ ح ۱۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۰ ح ۲۰.

فصل سوم

در فضیلت کوفه و مسجد بزرگ کوفه و اعمال آن مسجد شریف است

در **حدیث معتبر** از حضرت امام حسن - صلوات الله علیه - منقول است که: بقدر جای پایٔ در کوفه، نزد من بهتر است و دوست‌تر می‌دارم از خانه‌ای که در مدینه داشته باشم[1].

و از **حضرت صادق** علیه السلام منقول است که: هر که در کوفه خانه داشته باشد، دست از آن بر ندارد[2].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: چون حضرت صاحب الامر علیه السلام ظاهر شود، ازبرای او در پشت کوفه مسجدی بنا کنند که هزار در داشته باشد، و متّصل شود خانه‌های کوفه به نهر کربلا[3].

و به **سند معتبر** از حضرت امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه - مروی است که خطاب فرمود به کوفه و فرمود که: فتنه‌های عظیم در تو حادث خواهد شد، و من می‌دانم که هیچ کس اراده بدی نسبت به تو نمی‌کند مگر آنکه خدا او را مبتلا می‌گرداند به بلائی که از تو مشغول شود، یا به امری که موجب کشته شدن او گردد[4].

و در **حدیث معتبر** از موسی بن جعفر علیهما السلام منقول است که: حق تعالی از شهرها چهار شهر را اختیار کرده است، فرموده است: ﴿وَٱلتِّينِ وَٱلزَّيْتُونِ * وَطُورِ سِينِينَ *

---

۱ - بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۸۵ ح ۱ بنقل از غیبت سیّد علی بن عبد الحمید، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۱۴ ش ۴۵۸.

۲ - بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۸۵ ح ۲ بنقل از سید علی بن عبد الحمید از کتاب فضل بن شاذان، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۱۹ ش ۴۷۲.

۳ - منتخب الانوار المضیئة: ۳۳۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۸۵ ح ۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۲۲ ش ۴۸۰.

۴ - نهج البلاغه: ۸۶ خ ۴۷، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۸۵ ح ۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۱۰ ش ۴۴۸.

وَهٰذَا ٱلْبَلَدِ ٱلْأَمِينِ﴾[1].

تین مدینه است، و زیتون بیت المقدس است، و طور سینین کوفه است، و بلد امین مکّه است[2].

و به روایت معتبر منقول است از حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ که: حق تعالی بلا را از کوفه دفع می‌کند، چنانچه از خیمه‌های پیغمبر ﷺ دفع می‌کند[3].

و در حدیث معتبر از ابن نباته مروی است که: روزی حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ نماز می‌کرد نزد ستونی که چون از باب الفیل داخل شوی و ستونها را از جانب صحن بشماری ستون هفتم است، ناگاه شخصی آمد دو جامهٔ سبز پوشیده، و دو گیسوی سیاه از سرش آویخته، و ریشش سفید بود، چون امیرالمؤمنین علیه السلام سلام نماز گفتند آن شخص نزدیک آمد و سر مبارک آن حضرت را بوسید، و دست حضرت را گرفته از درِ کِنْدَه بیرون رفت.

ابن نباته گفت که: ما بسرعت از عقب ایشان روان شدیم، پس دیدیم که امیرالمؤمنین رو به ما می‌آید در چهار سوق کِندَه؛ چون ما را دید گفت: چیست شما را؟

گفتیم: از این مرد ایمن نبودیم که آسیبی به شما برساند.

فرمود که: این برادرم حضرت خضر علیه السلام بود؛ ندیدید که چگونه نزدیک من آمد و با من سخن گفت؟! و با من گفت که: در شهری هستی که هیچ جبّاری ارادهٔ بدی نسبت به آن نمی‌کند مگر خدا او را می‌کشد، و از مردم در حذر باش؛ پس بیرون رفتم که مشایعت او نمایم، چون ارادهٔ نجف داشت[4].

و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود که: دوستان ما در کوفه بیش از همه شهرها است[5].

---

۱ ـ تین: ۱ ـ ۳.

۲ ـ معانی‌الاخبار: ۳۶۴ح ۱، خصال: ۲۲۵ ضمن ح۵۸، بحارالانوار: ۹۹/ ۳۸۳ح ۳، وج ۱۰۰/۳۹۲ ح ۲۰ و ۲۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/۷ ش ۴۴۰، این حدیث از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که ایشان از رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند.

۳ ـ عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲/ ۶۵ح ۲۹۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۹۲ ح ۲۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۹ ش ۴۴۶.

۴ ـ امالی طوسی: ۱/ ۵۰، مناقب ابن شهرآشوب: ۲/ ۲۴۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۹۲ ح ۲۳.

۵ ـ امالی طوسی: ۱/۱۴۳، وج ۲/۲۹۱، بحارالانوار: ۱۰۰/۳۹۳ ح ۲۴، وص ۳۹۹ ح ۴۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/۲۰ ش ۴۷۴.

و **به سند معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: مکه حرم خدا است[۱]، و مدینه حرم رسول خدا است، و کوفه حرم علیّ بن ابی طالب است؛ به درستی که امیرالمؤمنین علیه السلام حرام کرده است از کوفه، آنچه را که ابراهیم از مکّه، و رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه حرام کرده‌اند[۲].

و **به روایت معتبر** دیگر فرمود که: یک درهم که در کوفه تصدّق نمایند، حساب می‌شود به صد درهم[۳] که در جاهای دیگر داده شود؛ و دو رکعت نماز در کوفه، به صد رکعت محسوب می‌شود[۴].

و **به سند معتبر** از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: مسجد کوفه باغی است از باغهای بهشت، نماز کرده است در آن هزار و هفتاد پیغمبر؛ در جانب راستش رحمت است، و در جانب چپش مکر است. در آن است عصای موسی، و درخت کدو که برای حضرت یونس رویید، و انگشتر سلیمان. و از آن موضع جوشید تنور در طوفان نوح؛ و کشتی را در آن مسجد ساخت، و آن وسط و بهترین جاهای بابل است، و مجمع پیغمبران است[۵].

مؤلف گوید که: گویا مراد این است که در جانب راستش قبر امیرالمؤمنین و قبر امام حسین ـ صلوات الله علیهما ـ است که محلّ رحمت خدایند، و در جانب چپش خانه‌های خلفای جور بوده است که معدن مکر و حِیَل بوده‌اند.

و **به سند معتبر** از اصبغ بن نباته منقول است که روزی حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ در مسجد کوفه فرمود که: ای اهل کوفه، عطا کرده است حق تعالی به شما چیزی چند که به احدی عطا نکرده است: پس فضیلت داده است مسجد و محل نماز شما را؛ و آن خانه حضرت آدم، و خانه حضرت نوح، و خانه حضرت

---

۱ ـ در امالی: «مکه حرم ابراهیم است».

۲ ـ امالی طوسی: ۲/ ۲۸۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۹۹ ح۴۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۱۷ ش۴۶۵.

۳ ـ در بعضی از نُسخ کامل الزیارات: «دویست درهم».

۴ ـ کامل الزیارات: ۲۷ ب۸ ح۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۹۹ ح۴۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۱۸ ش۴۶۷.

۵ ـ کافی: ۳/ ۴۹۳ ح۹، تهذیب‌الاحکام: ۳/ ۲۵۲ ح۶۹۱، بحارالانوار: ۱۱/ ۵۸ ح۶۰ وج ۱۰۰/ ۳۸۹ ح۱۳.

ادریس، و محلّ نماز حضرت ابراهیم، و محل نماز برادرم خضر ـ علیهم السلام ـ است، و محل نماز من است.

و این مسجدِ شما یکی از چهار مسجد است که حق تعالی برگزیده است آنها را برای اهلشان.

و گویا می‌بینم که در روز قیامت بیاورند این مسجد را با دو جامهٔ سفید مانند مُحرمان، و شفاعت کند برای اهلش و برای هرکه در آن نماز کرده است؛ و شفاعتش ردّ نخواهد شد.

و نمی‌گذرد روزها تا آنکه حجر الاسود را در آن نصب خواهند کرد.

و زمانی خواهد آمد که محل نماز مهدی از فرزندان من باشد، و محل نماز هر مؤمنی باشد؛ و نماند بر روی زمین مؤمنی مگر آنکه در آن مسجد باشد، یا دلش به سوی آن مایل باشد.

پس دوری مکنید از این مسجد، و تقرّب جویید به خدا به نماز کردن در آن، و رغبت نمایید به سوی خدا در برآمدن حاجتهای شما؛ اگر مردم بدانند که چه برکتها در آن هست، هرآینه بیایند به سوی آن مسجد از اطراف زمین، اگرچه باید که به روش کودکان به دست و پا راه روند بر روی برف[1].

مؤلّف گوید که: گویا ذکر نصب حجر الاسود از برای اظهار اعجاز باشد، چنانچه قرامطه بعد از غیبت کُبرٰی حضرت قائم ﷺ کعبه را خراب کردند، و حجر الاسود را به کوفه آوردند و مدتی در مسجد کوفه بود، و باز برگردانیدند به محلّ خود.

و به سند **معتبر** از هارون بن خارجه منقول است که حضرت صادق ﷺ به او گفت که: چه مقدار مسافت هست میان خانه تو و میان مسجد کوفه؟

من عرض کردم که: یک میل است.

فرمود که: هیچ ملک مقرّب و پیغمبر مرسل و بندهٔ صالحی نیست که داخل کوفه شده باشد، و نماز در آن مسجد نکرده باشد.

---

۱ ـ امالی صدوق: ۱۸۹ م ۴۰ ح ۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۸۹ ح ۱۴، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۱۱ ش ۴۵۰.

و به درستی که حضرت رسول خدا ﷺ گذشت به آن مسجد و رخصت طلبید و فرود آمد و دو رکعت نماز در آن مسجد کرد.

و نماز واجب در آن برابر است با هزار نماز، و نماز نافله با پانصد نماز؛ و نشستن در آن بی‌قرآن خواندن نیز عبادت است.

پس برو به سوی آن مسجد، اگرچه به روش کودکان خود را بر زمین کشی[1].

و به سند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: مسجد کوفه محل نماز پیغمبران است، و حضرت رسول خدا ﷺ در شبی که جبرئیل آن حضرت را بر براق سوار کرده به معراج می‌برد، چون به برابر دار السلام ـ که نجف است ـ رسید گفت: یا محمد این محلِ نماز پدرت آدم و محل نماز پیغمبران است، فرود آی و در این مسجد نماز کن.

پس فرود آمد و نماز کرد، و از آنجا به مسجد اقصی رفت، و از مسجد اقصی به آسمان رفت[2].

و در **چند حدیث** معتبر از حضرت صادق ؑ منقول است که: نماز در مسجد کوفه، برابر است با هزار نماز در مسجدهای دیگر[3].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: نیکو مسجدی است مسجد کوفه، نماز کرده است در آن هزار پیغمبر، و هزار وصی پیغمبر؛ جانب راستش رضا و خوشنودی خدا است، و میانش باغی است از باغهای بهشت، و جانب چپش مکر است ـ یعنی خانه‌های خلفا[4] ـ.

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: هیچ پیغمبر و بندهٔ صالحی نیست مگر آنکه

---

۱ ـ امالی صدوق: ۳۱۵ م۶۱ ح۴، امالی طوسی: ۲/ ۴۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۹۱ ح ۱۶ و۱۷، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۲/ ۲۹۴ ش۶۲۴.

۲ ـ تفسیر عیاشی: ۲/ ۱۴۶ ح۲۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۸۷ ضمن ح۷.

۳ ـ کافی: ۴/ ۵۸ ضمن ح۱، کامل الزیارات: ۲۹ ب۸ ح۷، من لا یحضره الفقیه: ۱/ ۲۲۸ ذیل ح ۶۸۰، مزار مفید: ۶ ذیل ح۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۲ ذیل ح۵۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۹۷ ح۳۶ وص ۴۰۰ ذیل ح۵۱، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۲/ ۱۸ ش۴۶۶.

۴ ـ کافی: ۳/ ۴۹۲ ح۳، ثواب الاعمال: ۵۰ ح۱، من لا یحضره الفقیه: ۱/ ۲۳۱ ح۶۹۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۹۷ ح۳۷، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۲/ ۲۹۶ ش۶۲۶.

در مسجد کوفه نماز کرده است، حتی رسول خدا ﷺ در شب معراج جبرئیل ﷺ به آن حضرت گفت که: الحال در برابر مسجد کوفه‌ای! حضرت فرمود که: رخصت بطلب که در این مسجد نماز کنم. پس فرود آمد و نماز کرد[۱].

و به **سند معتبر** از حضرت امام محمد باقر ﷺ منقول است که: اگر مردم بدانند که چه فضیلت دارد مسجد کوفه، هرآینه از شهرهای دور تهیهٔ زاد و راحله کنند و به سوی این مسجد بیایند.

و فرمود که: نماز واجب در آن برابر حج مقبول است، و نماز نافله برابر عمرهٔ مقبول است[۲].

و در **روایت دیگر** از حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: نماز واجب برابر است با حجی که با رسول خدا ﷺ کرده باشند، و نماز نافله با عمره‌ای که با آن حضرت کرده باشند[۳].

و در **روایت معتبر** منقول است که شخصی به خدمت حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ آمد و گفت: می‌خواهم به مسجد اقصی بروم برای فضیلت آن مسجد.

فرمود که: راحلهٔ خود را بفروش، و توشهٔ خود را بخور، و در این مسجد کوفه نماز کن که نماز فریضه در این مسجد ثواب حج مقبول دارد، و نماز نافله ثواب عمرهٔ مبرور، و تا چهار فرسخ برکت دارد؛ و در میانش چشمه‌ای هست از روغن، و چشمه‌ای از شیر، و چشمه‌ای از آب که مؤمنان از آن آب خواهند خورد. و یک چشمهٔ دیگر هست از آب، که مؤمنان از آن خود را پاکیزه خواهند کرد. و از این مسجد جاری شد کشتی نوح.

و هیچ غمگینی دعا نمی‌کند در این مسجد که حاجتی از خدا طلب کند، مگر آنکه

---

۱ ـ کافی: ۳/ ۴۹۰ ضمن ح ۱، کامل الزیارات: ۲۸ ب ۸ ضمن ح ۶، مزار مفید: ۸ ح ۳، تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۳۲ ح ۶۲، مزار کبیر: ۱۲۴ وص ۱۴۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۹۸ ح ۳۹ وح ۴۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۲۹۴ ش ۶۲۴.

۲ ـ کامل الزیارات: ۲۸ ب ۸ ح ۳، مزار مفید: ۷ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۲ ح ۶۰، مزار کبیر: ۱۲۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۹۹ ح ۴۵ و ۴۶، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۲۹۴ ش ۶۲۳.

۳ ـ کامل الزیارات: ۲۸ ب ۸ ح ۵، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۲ ح ۶۱، مزار کبیر: ۱۲۳ وص ۱۳۰، بحارالانوار: ۸۳/ ۳۷۶ ح ۴۵ وج ۱۰۰/ ۴۰۰ ح ۴۸، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۲۹۰ ش ۶۱۶.

دعایش مستجاب می‌شود، و غمش زایل می‌گردد[1].

مؤلّف گوید که: گویا این چشمه‌ها در زمان حضرت صاحب الامر ـ صلوات الله علیه ـ در آن مسجد ظاهر خواهد شد، چنانچه از بعضی روایات مفهوم می‌شود.

و برکت چهار فرسخ، ممکن است که از جانب راستش باشد، که موضع قبر امیرالمؤمنین ﷺ است؛ پس حد صحرای نجف نیز معلوم می‌شود از دو جانب.

و ممکن است که از جمیع جوانب باشد، چنانچه از بعضی احادیث مستفاد می‌شود[2].

و ممکن است که غیر جانب چپ مراد باشد، چون مذمّت جانب چپ در بعضی اخبار گذشت[3].

و در **احادیث بسیار** مدح جانب راست و عقبش وارد است[4]؛ چون قبر امیرالمؤمنین در جانب راست، و قبر حضرت امام حسین در عقب است.

و در **چند روایت** از حضرت امیرالمؤمنین ﷺ منقول است که: تنور نوح ﷺ از گوشهٔ راست مسجد از جانب قبله جوشید؛ و از اساسِ اوّل مسجد که در زمان آدم و نوح بوده است دوازده هزار ذرع کم کرده‌اند[5].

و در **روایت معتبر** منقول است از حضرت صادق ﷺ که حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ بر درِ مسجد می‌ایستادند و تیر می‌انداختند، می‌رسید تیر آن حضرت به جایی که خرمافروشان می‌نشینند، و می‌فرمود که: تا اینجا داخل مسجد بوده است[6].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: چون حضرت قائم ﷺ ظاهر شود، مسجد کوفه را به‌اساس اوّلش برگرداند[7].

---

۱ ـ کافی: ۳/ ۴۹۱ ح ۲، کامل الزیارات: ۳۲ ب ۸ ح ۱۸، تهذیب الاحکام: ۳/ ۲۵۱ ح ۶۸۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۰۳ ح ۵۹، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۲۹۱ ش ۶۱۷.

۲ ـ مزار کبیر: ۱۲۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۹۶ ح ۳۱.

۳ ـ نگاه کن: ص ۱۹۱.

۴ ـ کافی: ۳/ ۴۹۰ ضمن ح ۱، کامل الزیارات: ۲۸ ب ۸ ح ۶، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۳ ضمن ح ۶۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۹۸ ح ۳۹ و ۴۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۲۹۵ ش ۶۲۴.

۵ ـ مزار کبیر: ۱۲۸ وص ۱۲۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۹۵ ح ۲۹ و ۳۱.

۶ ـ کافی: ۳/ ۴۹۲ ذیل ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۹۷ ح ۳۸.

۷ ـ کافی: ۴/ ۵۴۳ ح ۱۶.

[اعمال مسجد کوفه]

واما اعمال مسجد کوفه و فضیلت مخصوص هر موضع آن در کتاب مزار مسطور است؛ و در اینجا اکتفا می‌نماییم به‌ذکر آنچه روایت در آن به‌نظر رسیده است.

بدانکه از بعضی روایات معلوم می‌شود که جانب راست مسجد افضل است از جانب چپ آن[1].

و بهتر آن است که از دری که در عقب مسجد است ـ که مشهور است به باب الفیل ـ داخل مسجد شود[2].

چنانچه از **حضرت امیرالمؤمنین** ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که فرمود که: داخل مسجد شو از درگاه بزرگتر که آن باغی است از باغهای بهشت[3].

و چون داخل مسجد شود از جانب چپ چهار ستون بشمارد و نزد **ستون چهارم** نماز گزارد، که در **حدیث معتبر** منقول است که حضرت صادق ﷺ نزد آن ستون نماز کردند[4]. و از بعضی روایات فهمیده‌اند که این ستونی است که حضرت ابراهیم ﷺ نزد آن ستون نماز می‌کرده است[5].

پس سه ستون دیگر از جانب چپ بشمارد و نزد **ستون هفتم** نماز گزارد، که در حدیث گذشت که ظاهرش آن بود که حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ در آنجا نماز کردند، و حضرت خضر ﷺ درآنجا با آن حضرت ملاقات نمود[6]. و بعضی آن ستون را مقام خضر می‌گویند.

---

۱ ـ کافی: ۳/ ۴۹۳ ضمن ح۹ وص۴۹۲ ح۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۲۹۶ ش۶۲۶.

۲ ـ کافی: ۳/ ۴۹۳ ضمن ح۶، تهذیب الاحکام: ۳/ ۲۵۱ ح۶۹۰، مزار کبیر: ۱۶۲، مزار شهید ۲۳۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۱۰ ح۶۸.

۳ ـ مزار کبیر: ۱۶۱، مزار شهید: ۲۲۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۰۹، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۲۹۸ ش۶۲۹.

۴ ـ مزار کبیر: ۱۶۲، مزار شهید: ۲۳۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۱۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۳۰۰.

۵ ـ نگاه کن: پاروقی ۲.

۶ ـ نگاه کن: ص۱۸۸.

و علما گفته‌اند: که پس برود و در **دکّة القضا** نماز کند[1]، پس در **بیت الطشت** نماز کند[2].

و در بعضی از کتب نقل کرده‌اند که: حضرت صادق ﷺ در بیت الطشت دو رکعت نماز کردند[3].

و علما گفته‌اند که: در **دکّهٔ میان مسجد** نیز نماز کند[4].

پس برود نزد ستون هفتم.

بدان که نزدیک به عمارت جانب قبله مسجد در جانب راست ستونها هست، که بعضی از آنها را به عنوان محراب ساخته‌اند، و بعضی جای ستون ظاهر است و ستونش خراب شده است؛ و ابتدای عدد را از دیوار جانب راست مسجد باید شمرد.

و احادیث در فضیلت این **ستون هفتم** بسیار است.

در **روایت معتبر** منقول است که حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ رو به این ستون نماز می‌کرد، و نزدیک می‌ایستاد که میان آن حضرت و ستون آنقدر فاصله بود که بزی بگذرد[5].

و در **روایت معتبر** دیگر وارد شده است که: در هر شب شصت هزار ملک از آسمان نازل می‌شوند و نزد ستون هفتم نماز می‌کنند؛ و در شب دیگر ملائکه دیگر به این عدد می‌آیند، و دیگر هیچ یک عود نمی‌کنند تا روز قیامت[6].

و در **حدیث معتبر** از حضرت صادق ﷺ منقول است که: ستون هفتم، مقام حضرت ابراهیم ﷺ است[7].

و از **اصبغ بن نباته** منقول است که این ستون مقام امیرالمؤمنین ﷺ است، که نزد آن نماز می‌کرد؛ و چون آن حضرت حاضر نبود، حضرت امام حسن ﷺ آنجا نماز می‌کرد[8].

---

۱ ـ مزار کبیر: ۱۷۶، مصباح الزائر: ۷۹.

۲ ـ مصباح الزائر: ۸۰، مزار شهید: ۲۵۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۱۲.

۳ ـ بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۱۲.

۴ ـ مصباح الزائر: ۸۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۱۲.

۵ ـ کافی: ۳/ ۴۹۳ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۰۱ ح ۵۴.

۶ ـ کافی: ۳/ ۴۹۳ ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۰۱ ح ۵۵.

۷ ـ کافی: ۳/ ۴۹۳ ح ۷، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۳ ح ۶۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۰۶ ح ۶۵.

۸ ـ کافی: ۳/ ۴۹۳ ح ۸، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۳ ح ۶۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۰۶ ح ۶۴.

و سنّت است که نزد ستون هفتم چهار رکعت نماز بگزارد و دعا بخواند.

چنانچه در **حدیث معتبر** منقول است از ابو حمزه ثمالی که گفت: روزی در مسجد کوفه نشسته بودم، ناگاه دیدم که شخصی از در کِندَه داخل شد، شخصی را دیدم از همه کس خوشروتر، و خوشبوتر، و پاک جامه‌تر، و عمامه بر سر بسته و پیراهنی و دُرّاعه‌ای پوشیده، و دو نعل عربی در پای مبارکش بود، پس نعلین راکند و نزد ستون هفتم ایستاد، و دستها را تا برابر گوش بلند کرد و تکبیری گفت که جمیع موهای بدن من از دهشت آن راست ایستاد، پس چهار رکعت نماز گزارد، و رکوع و سجودشان را نیکو بعمل آورد؛ پس این دعا خواند:

إلٰهي إنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَقَدْ أَطَعْتُكَ في أَحَبِّ ٱلْأَشْياءِ إلَيْكَ، ٱلإيمانِ بِكَ، مَنّاً مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لا مَنّاً مِنّي بِهِ عَلَيْكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَداً، وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكاً، وَقَدْ عَصَيْتُكَ عَلىٰ غَيْرِ وَجْهِ ٱلْمُكابَرَةِ وَلَا ٱلْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ؛ وَلَا ٱلْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلٰكِنِ ٱتَّبَعْتُ هَوايَ، وَأَزَلَّنِي ٱلشَّيْطانُ بَعْدَ ٱلْحُجَّةِ عَلَيَّ وَٱلْبَيانِ، فَإنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي، غَيْرَ ظالِمٍ لِي؛ وَإنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ياكَرِيمُ.

پس به سجود رفت و مکرّر «یاکَرِیمُ» می‌گفت ـ آنقدر که یک نفَس وفا کند به آن ـ، پس باز در سجود گفت:

يا مَنْ يَقْدِرُ عَلىٰ حَوائِجِ ٱلسّائِلِينَ، يا مَنْ يَعْلَمُ ضَمِيرَ ٱلصّامِتِينَ، يا مَنْ لا يَحْتاجُ إلىٰ تَفْسِيرٍ، يا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ ٱلْأَعْيُنِ وَما تُخْفِي ٱلصُّدُورُ، يا مَنْ أَنْزَلَ ٱلْعَذابَ عَلىٰ قَوْمِ يُونُسَ وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ، فَدَعَوْهُ وَتَضَرَّعُوا إلَيْهِ، فَكَشَفَ عَنْهُمُ ٱلْعَذابَ وَمَتَّعَهُمْ إلىٰ حِينٍ.

قَدْ تَرىٰ مَكانِي، وَتَسْمَعُ كَلامِي، وَتَعْلَمُ حاجَتِي؛ فَاكْفِنِي ما أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دِينِي وَدُنْيايَ وَآخِرَتِي، يا سَيِّدِي ـ هفتاد مرتبه گفت: **ياسَيِّدِي** ـ.

چون سر از سجده برداشت ونیک ملاحظه کردم، حضرت امام زین‌العابدین ـ صلوات الله علیه ـ بود؛ پس دستهای مبارکش را بوسیدم و پرسیدم که: از برای چه آمدید به اینجا؟

فرمود که: از برای آنچه دیدی[۱] ـ یعنی نماز در مسجد کوفه ـ.

و در **روایت دیگر** وارد شده است که، ابوحمزه را با خود برد به زیارت حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیهما ـ[۲].

و دور نیست که در این حدیث اکتفا به همین شده است از برای تقیه باشد، و مقصود زیارت امیرالمؤمنین و امام حسین علیه‌السلام و نماز مسجد کوفه همه باشد؛ چنانچه از احادیث دیگر ظاهر می‌شود.

و در **روایت دیگر** از ابو حمزه منقول است که آن حضرت را دید که نزد ستون هفتم نماز با رکوع و سجود نیکو بجا آوردند، و بعد از نماز به سجده رفتند و این دعا خواندند:

اَللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَد عَصَيْتُكَ فَقَدْ أَطَعْتُكَ في أَحَبِّ اَلْأَشْياءِ إِلَيْكَ، وَهُوَ اَلْإِيمانُ بِكَ، مَنّاً مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ، لا مَنَّ[۳] بِهِ مِنِّي عَلَيْكَ، وَلَمْ أَعْصِكَ في أَبْغَضِ اَلْأَشْياءِ إِلَيْكَ، لَمْ أَدَّعِ لَكَ وَلَداً، وَلَمْ أَتَّخِذْ لَكَ شَرِيكاً، مَنّاً مِنْكَ عَلَيَّ، لا مَنَّ[۴] مِنِّي عَلَيْكَ، وَعَصَيْتُكَ في أَشْياءَ عَلىٰ غَيْرِ مُكاثَرَةٍ مِنِّي وَلا مُكابَرَةٍ، وَلَا اَسْتِكْبارٍ عَنْ عِبادَتِكَ، وَلا جُحُودٍ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلٰكِنِ اَتَّبَعْتُ هَوايَ، وَأَزَلَّنِي اَلشَّيْطانُ بَعْدَ اَلْحُجَّةِ وَاَلْبَيانِ؛ فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذَنْبِي، غَيْرَ ظالِمٍ لِي، وَإِنْ تَرْحَمْنِي فَبِجُودِكَ وَرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ اَلرّاحِمِينَ[۵].

و از جمله مواضع ممتازهٔ آن مسجد **ستون پنجم** است، باید که نزد آن نماز کند و حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید؛ زیراکه در روایت معتبره وارد شده است

---

۱ ـ مزار کبیر: ۱۶۸، مزار شهید: ۲۳۹، فرحة الغری: ۴۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۴۵ ح ۳۱ وص۳۸۸ ح۱۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۲/ ۳۱۰ ش۶۳۴.

۲ ـ فرحة الغری: ۴۷، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۴۵ ح ۳۱.

۳ ـ «لا منّاً» خ ل.

۴ ـ «لا منّاً» خ ل.

۵ ـ امالی صدوق: ۲۵۷ م ۵۰ ح ۱۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۹۰ ح ۱۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۲/ ۳۱۲ پاورقی ۲.

که محلّ نماز حضرت ابراهیم خلیل ـ علیه وآله السلام ـ بوده است[۱].

و منافات ندارد با روایات دیگر، زیرا که ممکن است که آن حضرت در همهٔ این مواضع نماز کرده باشد.

و در **حدیث معتبر** از حضرت صادق ﷺ منقول است که: ستون پنجم مقام جبرئیل ﷺ است[۲].

و در **حدیث اصبغ** بن نباته وارد است که: مقام امام حسن ﷺ است[۳].

پس معلوم شد از احادیث که نزد ستون پنجم و هفتم، اشرف است از سایر جاهای مسجد.

و علما ذکر کرده‌اند که نزد **ستون سوم**، مقام حضرت امام زین العابدین ﷺ است؛ و دو رکعت نماز گفته‌اند که سنّت است که در آنجا بگزارد[۴].

و گفته‌اند که باید که برود به صفّه، که متّصل است به در مسجد که به سوی خانهٔ امیرالمؤمنین ﷺ مفتوح می‌شود، و چهار رکعت نماز بکند و دعا بخواند؛ و همچنین در محرابی که آن حضرت در آنجا شهید شده است و متصل به آن در است، نماز کند و دعا بخواند[۵].

و در و محرابی که امروز معروف اند، در جانب راست مسجد واقع اند. و در میان مسجد علامتِ دری و محرابی هست، و از قراین معلوم می‌شود که درِ خانه آن حضرت آن در بوده است، و محل شهادت آن حضرت، آن محرابِ میان مسجد بوده است؛ نه آن محراب که زینت کرده‌اند و الحال مشهور است.

و اگر در هر دو جا نماز و دعا کند بهتر است.

و ذکر کرده‌اند که در **دکّهٔ حضرت صادق**ﷺ که نزدیک به قبر مسلم بن عقیل

---

۱ ـ مزار کبیر: ۱۶۷، مزار شهید: ۲۳۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۸۸ ح ۱۱، موسوعة زیارات المعصومینﷺ: ۲/ ۳۰۷ ش ۶۳.

۲ ـ کافی: ۳/ ۴۹۳ ذیل ح ۷، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۳ ذیل ح ۶۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۰۶ ذیل ح ۶۵.

۳ ـ کافی: ۳/ ۴۹۳ ضمن ح ۸، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۳ ضمن ح ۶۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۰۶ ضمن ح ۶۴.

۴ ـ مزار کبیر: ۱۶۵، مصباح الزائر: ۸۴، مزار شهید: ۲۳۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۱۵، موسوعة زیارات المعصومینﷺ: ۲/ ۳۰۴ ش ۶۳۱.

۵ ـ مصباح الزائر: ۸۷، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۱۸.

است، نماز کند و دعا بخواند[۱].

و اینها چون روایتشان به ما نرسیده است، ترک کردیم.

و از **حضرت صادق** علیه السلام منقول است که آن حضرت به بعضی از اصحاب خود فرمود که: آیا پی حاجتی بامداد نمی‌روی که گذرکنی به مسجد بزرگ کوفه؟

گفت: بلی.

فرمود که: چهار رکعت نماز بکن در آن مسجد، پس بگو:

إلٰهي إنْ كُنْتُ عَصَيْتُكَ فَإنّي قَدْ أَطَعْتُكَ في أحَبِّ ٱلْأشْياءِ إلَيْكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَداً، وَلَمْ أدَّعِ لَكَ شَرِيكاً، وَقَدْ عَصَيْتُكَ في أشْياءَ كَثِيرَةٍ عَلىٰ غَيْرِ وَجْهِ ٱلْمُكابَرَةِ لَكَ، وَلَا ٱلإسْتِكْبارِ عَنْ عِبادَتِكَ، وَلَا ٱلْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلَا ٱلْخُرُوجِ عَنِ ٱلْعُبُودِيَّةِ لَكَ؛ وَلٰكِنِ ٱتَّبَعْتُ هَوايَ، وَأَزَلَّنِي ٱلشَّيْطانُ بَعْدَ ٱلْحُجَّةِ وَٱلْبَيانِ، فَإنْ تُعَذِّبْني فَبِذُنُوبِي، غَيْرَ ظالِمٍ لِي؛ وَإنْ تَعْفُ عَنّي وَتَرْحَمْنِي فَبِجُودِكَ وَكَرَمِكَ يا كَرِيمُ.

و باز می‌گویی:

غَدَوْتُ بِحَوْلِ ٱللهِ وَقُوَّتِهِ، غَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنّي وَلا قُوَّةٍ، وَلٰكِنْ بِحَوْلِ ٱللهِ وَقُوَّتِهِ.

يا رَبِّ أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هٰذَا ٱلْبَيْتِ وَبَرَكَةَ أهْلِهِ، وَأَسْأَلُكَ أنْ تَرْزُقَنِي رِزْقاً حَلالاً طَيِّباً تَسُوقُهُ إلَيَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، وَأنا خافِضٌ في عافِيَتِكَ[۲].

و به **سند معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هرکه را به خدا حاجتی باشد، برود به مسجد کوفه و وضوی کامل بسازد، و در مسجد دو رکعت نماز بگزارد، و در هر رکعت سورهٔ «حمد»، و «قُلْ أعُوذُ بِرَبِّ ٱلْفَلَقِ» و «قُلْ أعُوذُ بِرَبِّ ٱلنّاسِ» و «قُلْ هُوَ ٱللهُ أحَدٌ» و «قُلْ يا أيُّهَا ٱلْكافِرُونَ» و «إذا جاءَ نَصْرُ ٱللهِ» و «سَبِّحِ ٱسْمَ رَبِّكَ ٱلْأعْلىٰ»

---

۱ ـ مزار کبیر: ۱۷۶، مصباح الزائر: ۹۸، مزار شهید: ۲۵۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۲۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۳۲۲ س ۶۳۹.

۲ ـ مزار کبیر: ۱۶۴ ـ ۱۶۵، مزار شهید: ۲۳۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۱۴ ح ۶۹.

و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ ٱلْقَدْرِ» هریک را یک مرتبه بخواند، و چون فارغ شود حاجت خود را بطلبد که إن‌شاء الله تعالی برآورده است.

راوی گوید که: من این نماز کردم و از خدا طلبیدم که روزیم را فراخ گرداند، و امروز نعمت بسیار دارم. و دعا کردم برای حج و مرا روزی شد. و به دیگری تعلیم کردم که روزیش تنگ بود و کرد، و حق تعالی روزیش را فراخ گردانید[۱].

و گفته‌اند علما که: *زیارت مسلم* بن عقیل ـ رضی الله عنه ـ در جنب مسجد کوفه، مستحب است؛ و زیارتی چند مخصوص در کتب مزار ایراد نموده‌اند[۲].

و چون اشهر آن است که آن حضرت در روز عرفه شهید شده است، اگر در آن روز او را زیارت کنند و قاتلان او را لعنت کنند، انسب خواهد بود.

و فضل زیارت آن بزرگوار محتاج به ورود اخبار نیست، و در بعضی از زیارات شهدا مندرج است.

و مزار بعضی از دختران امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ در حوالی مسجد کوفه معروف است.

و امّا خانه امیرالمؤمنین ﷺ، اگرچه روایتی در نماز و زیارت در آن وارد نشده است، امّا چون به شرف سُکنای آن حضرت مشرّف گردیده است، نماز و دعا در آن فضل عظیم خواهد داشت؛ و حدیث مطلقی در تعظیم مطلقِ مساکن و مشاهد شریفه ایشان وارد شده است.

---

۱ ـ امالی طوسی: ۲/ ۳۰ وص۳۴۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۳۹۳ ح۲۵، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۲۹۷ ش۶۲۸.

۲ ـ مزار کبیر: ۱۷۷، مصباح الزائر: ۱۰۰ وص۱۰۳، مزار شهید: ۲۷۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۲۶ وص۴۲۸، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۳۵۳ ـ ۳۵۸ ش۶۵۸ و ۶۵۹.

فصل چهارم

در بیان فضیلت مسجد سهله و سایر مساجد و مشاهد کوفه است

بدان‌که بعد از مسجد کبیر کوفه، مسجدی به فضیلت مسجد سهله در آن عرصه نیست.

و در **حدیث معتبر** از حضرت صادق ﷺ منقول است که: چون داخل کوفه شوی، برو به مسجد سهله و نماز بکن و حاجت دین و دنیای خود را از خدا بطلب؛ به درستی که مسجد سهله خانه حضرت ادریس است که در آنجا خیاطی می‌کرده و نماز می‌گزارده است؛ و هرکه در آن مسجد خدا را بخواند به هر حاجتی که خواهد حاجاتش برآورده شود، و حق تعالی در روز قیامت به سوی مقام بلند ـ که درجه حضرت ادریس است ـ او را بالا برد، و از مکروهات دنیا و مکر دشمنان امان یابد[1].

و در چند **حدیث معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: مسجد سهله خانه حضرت ابراهیم ﷺ بود که از آنجا به جنگ عمالقه رفت، و خانه ادریس بود که در آنجا خیاطی می‌کرد، و حضرت داود از آن مسجد به جنگ جالوت رفت، و در آن سنگ سبزی هست که در آن سنگ صورت هر پیغمبری هست، و از زیر آن سنگ طینت هر پیغمبری را برداشتند. و محل ورود حضرت خضر ﷺ و مسکن آن حضرت است.

پس فرمود که: اگر عموی من زید ـ در هنگامی که خروج کرد ـ به آن مسجد می‌رفت و نماز می‌کرد و از خدا امان می‌طلبید، بیست سال امان می‌یافت. و هیچ غمناکی به آن مسجد نمی‌رود که نماز کند میان نماز شام و خفتن و دعا کند، مگر آنکه

---

۱ ـ قصص الانبیاء راوندی: ۸۰ ح ۶۴، بحارالانوار: ۱۱/ ۲۸۰ ح ۱۰ وج ۱۰۰/ ۴۳۴ ح ۱.

خدا غمش را زایل می‌گرداند[۱].

راوی در **بعضی احادیث** پرسید که: این پیغمبران در کجا سُکنی می‌کرده‌اند؟ فرمود که: در گوشه‌های آن مسجد[۲].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: گویا می‌بینم که حضرت صاحب الامر ـ صلوات الله علیه ـ در آن مسجد فرود آید با اهل و عیالش، و منزل آن حضرت باشد.

و حق تعالی هیچ پیغمبری نفرستاده است مگر در آن مسجد نماز کرده است.

و هرکه در آن مسجد اقامت نماید، چنان است که در خیمهٔ رسول خدا ﷺ اقامت نموده است.

و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست، مگر دلش مایل است به سوی آن مسجد.

و هیچ کس با نیّت صادق نماز و دعا نمی‌کند در آن مسجد، مگر بر می‌گردد با برآمدن حاجتش.

و هیچ کس در آن مسجد امان نمی‌طلبد، مگر امان می‌یابد از هرچه می‌ترسد از آن.

و آن از جملهٔ بقعه‌هایی است که خدا دوست می‌دارد که او را در آنها بخوانند.

و هیچ شب و روزی نیست مگر ملائکه می‌آیند به زیارت آن مسجد، و عبادت خدا می‌کنند در آن.

پس فرمود که: اگر من نزدیک می‌بودم به شما، همهٔ نماز را در آن مسجد می‌کردم؛ و آنچه نگفتم از فضیلت آن مسجد زیاده از آن است که گفتم.

پس راوی پرسید که: حضرت قائم ؑ همیشه در آن مسجد خواهد بود؟

فرمود: بلی[۳].

و در **روایت معتبر** دیگر فرمود که: هرکه در مسجد سهله دو رکعت نماز بکند، خدا عمرش را دو سال زیاد کند[۴].

---

۱ ـ قصص الانبیاء: ۸۰ ح ۶۲، بحارالانوار: ۴۶/ ۱۸۲ ح ۴۵، وج ۱۰۰/ ۴۳۴ ح ۲.

۲ ـ مزار کبیر: ۱۳۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۳۵ ضمن ح ۵.

۳ ـ مزار کبیر: ۱۳۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۳۶ ح ۷، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۲/ ۳۲۹ ش ۶۴۹.

۴ ـ مزار مفید: ۱۴ ح ۴، مزار کبیر: ۱۳۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۳۶ ح ۶، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۲/ ۳۲۶ ش ۶۴۴.

و در **روایت دیگر** فرمود که: در آن مسجد صور قیامت را خواهند دمید. و از پهلوی آن هفتاد هزار کس حشر خواهند شد، که داخل بهشت شوند بی حساب[۱].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: در آن مسجد زبرجدی هست که در آن صورت هر پیغمبر و هر وصیّ پیغمبر هست[۲].

و به **سند حسن** از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: در کوفه مسجدهای ملعون، و مسجدهای مبارک هست.

اما مسجدهای مبارک:

مسجد غنی است، و آن مسجد قبله‌اش درست است، و خاکش طیب است، و مرد مؤمنی بنا کرده است آن را، و دنیا برطرف نمی‌شود مگر آنکه نزد آن دو چشمه جاری خواهد شد، و دو باغستان در آن بهم خواهد رسید.

و مسجد بنی ظفر است، و مسجد سهله است، و مسجد حمراء، و مسجد جُعفی است.

و اما مسجدهای ملعون:

مسجد ثقیف است، و مسجد اشعث، و مسجد جدیر، و مسجد سمّاک، و مسجد دیگر در حمرا که بر قبر فرعونی از فراعنه بنا شده است[۳].

و در **حدیث دیگر** از حضرت امیرالمؤمنین منقول است که فرمود که: از مساجد مبارکه مسجد حمرا است، و آن مسجد یونس بن متّی علیه السلام است[۴].

مؤلّف گوید که: دور نیست که مسجد حمرا، همین موضع باشد که الحال معروف است به قبر یونس علیه السلام؛ زیرا که بر مدفون شدن آن حضرت در آن حدود روایتی به نظر نرسیده است.

۱ـ کامل الزیارات: ۲۹ ب ۸ ح ۱۰، مزار مفید: ۱۲ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۳۷ ح ۷۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۳۶ ح ۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۳۲۷ ش ۶۴۶.

۲ـ قرب الاسناد: ۱۶۰ ذیل ح ۵۸۲، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۳۷ ذیل ح ۹.

۳ـ کافی: ۳/ ۴۸۹ ح ۱، خصال: ۳۰۰ ح ۷۵، تهذیب‌الاحکام: ۳/ ۲۴۹، مزار کبیر: ۱۱۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۳۷ ح ۱۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۳۲۶ ش ۶۴۳ و ص ۳۴۱ ش ۶۵۳.

۴ـ امالی طوسی: ۱/ ۱۷۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۳۹ ضمن ح ۱۳.

و به سند معتبر منقول است که از امام محمد باقر ـ صلوات الله علیه ـ پرسیدند که: کدام بقعهٔ زمین بهتر است بعد از حرم خدا و حرم رسول ﷺ؟

فرمود که: کوفه که پسندیده و پاکیزه است، و در آن قبرهای پیغمبران مرسل و غیر مرسل هست، و در آن قبرهای اوصیای پیغمبران هست، و در آن مسجد سهله هست که هیچ پیغمبری خدا نفرستاده است مگر در آن مسجد نماز کرده است، و عدل خدا درآنجا ظاهر خواهد شد، و حضرت قائم آل محمد ﷺ در آنجا خواهد بود، و آن منزل پیغمبران و اوصیا و صالحان است[۱].

و از حضرت صادق ﷺ منقول است که: حدّ مسجد سهله تا روحا است[۲].

[اعمال مسجد سهله]

و اما اعمال مسجد سهله: پس دو رکعت نماز میان نماز شام و خفتن سنّت است؛ چنانچه از حضرت صادق ﷺ منقول است که: هر غمگینی که به مسجد سهله بیاید و دو رکعت نماز در میان نماز شام و خفتن بجا آورد و دعا کند، البته حق تعالی غمش را زایل گرداند، و بلایش را مرتفع گرداند، و به حاجتش برساند[۳].

و شیخ شهید و محمّد بن المشهدی ـ رضی الله عنهما ـ به سند معتبر روایت کرده‌اند از بشّار مکاری که گفت: روزی در کوفه به خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه رفتم، و طبق رطبی نزد آن حضرت بود و تناول می‌نمود، فرمود که: نزدیک بیا و بخور.

گفتم: گوارا باد فدای تو شوم، مرا غیرتی حادث شده است در راهی که می‌آمدم، که دل مرا به درد آورد و بسیار در من اثر کرد.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۰ ب ۸ ح ۱۱، تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۳۱ ح ۵۷، مزار مفید: ۴ ح ۱، مزار کبیر: ۱۱۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۴۰ ح ۱۷، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۱۵ ش ۴۶۰.

۲ ـ کامل الزّیارات: ۲۹ ب ۸ ح ۹، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۴۰ ح ۱۸.

۳ ـ کافی: ۳/ ۴۹۵ ذیل ح ۳، تهذیب الاحکام: ۳/ ۲۵۲ ذیل ح ۶۹۳ وج ۶/ ۳۸ ح ۷۷، مزار مفید: ۱۴ ح ۳ وص ۸۸ ح ۱، مزار کبیر: ۱۳۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۴۰ ذیل ح ۱۶ وح ۲۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۲/ ۳۲۸ ش ۶۴۸.

فرمود که: بحق من که پیش آی و تناول نما.

چون از آن رطب قدری خوردم، فرمود که: الحال سخن خود را تمام کن.

عرض کردم که: در عرض راه یساولی از اعوان خلفای جور را دیدم که سر یک زنی را می‌کوبید، و او را به سوی زندان می‌کشید؛ و او به صدای بلند استغاثه می‌کرد و به خدا و رسول سوگند می‌داد، و هیچ کس به فریاد او نمی‌رسید؛ و این ظلم بر او به این سبب جاری شده بود که در عرض راه پایش لغزیده بود، و گفته بود که: ای فاطمه خدا لعنت کند بر هر که ظلم کرده است تو را.

چون حضرت این سخن شنید دست از خوردن کشید، و چندان گریست که دستمالش و ریش مبارکش و سینه‌اش به آب دیده‌اش تر شد؛ پس فرمود که‌ای بشّار برخیز تا برویم به مسجد سهله، و خدا را بخوانیم و از او سؤال کنیم که این زن را خلاص کند.

و در آن ساعت یکی از شیعیان را به در خانه سلطان فرستاد، و مبالغه فرمود که از آنجا حرکت مکن تا پیک من به سوی تو بیاید، و اگر در امر آن زن چیزی حادث شود، هرجا که باشیم خبر آن برای ما بیاور.

بشّار گفت که: در خدمت آن حضرت رفتیم به مسجد سهله، و هر یک دو رکعت نماز کردیم؛ پس حضرت دست به جانب آسمان برداشت و این دعا خواند:

أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ مُبْدِئُ ٱلْخَلْقِ وَمُعِيدُهُمْ، وَأَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ خالِقُ ٱلْخَلْقِ وَرازِقُهُمْ، وَأَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ ٱلْقابِضُ ٱلْباسِطُ، وَأَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ مُدَبِّرُ ٱلْأُمُورِ، وَباعِثُ مَنْ فِي ٱلْقُبُورِ، وَأَنْتَ وارِثُ ٱلْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْها، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ ٱلْمَخْزُونِ ٱلْمَكْنُونِ ٱلْحَيِّ ٱلْقَيُّومِ.

وَأَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ عالِمُ ٱلسِّرِّ وَأَخْفىٰ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ ٱلَّذِي إِذا دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ، وَإِذا سُئِلْتَ بِهِ أَعْطَيْتَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ[1] مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَبِحَقِّهِمُ ٱلَّذِي

---

۱ ـ «بحقّك عَلىٰ» خ ل.

أَوْجَبْتَهُ عَلىٰ نَفْسِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حاجَتِي، اَلسّاعَةَ، اَلسّاعَةَ.

يا سامِعَ اَلدُّعاءِ، يا سَيِّداه، يا مَوْلاه، يا غِياثاه، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اَسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَو اَسْتَأْثَرْتَ بِهِ في عِلْمِ اَلْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعَجِّلَ خَلاصَ هٰذِهِ اَلْمَرْأَةِ، يا مُقَلِّبَ اَلْقُلُوبِ وَاَلْأَبْصارِ.

پس به سجده رفت آن حضرت ـ و به غیر از نفَس کلامی نشنیدم ـ؛ پس سر برداشت و فرمود که: برخیز که آن زن را رها کردند.

چون بیرون آمدیم به ما رسید آن مردی که از برای خبر آوردن به درخانه سلطان فرستاده بودیم، و خبر داد که آن زن را رها کردند؛ و گفت: بر در خانه سلطان ایستاده بودم، ناگاه حاجب بیرون آمد و آن زن را طلبید و از او پرسید که: چه سخن از تو صادر شده بود که تو را آزار کردند؟ گفت پایم لغزید، گفتم خدا لعنت کند ظلم کنندگان تو را ای فاطمه! و به این سبب مرا چنین آزار کردند. پس حاجب دویست درهم بدر آورد و گفت: این را بگیر و امیر را حلال کن. آن زن قبول نکرد که آن زر را بگیرد. پس حاجب به نزد امیر رفت و برگشت و او را مرخّص کرد که برو به خانه خود.

حضرت پرسید که: آن زن قبول نکرد زر را؟

گفت بلی، با آنکه محتاج به یک درهم آن بود!

حضرت از جیب خود هفت اشرفی بیرون آورد و گفت: این را برای آن زن ببر و سلام مرا به او برسان.

بشّار گوید که: ما هردو رفتیم به نزد آن زن، و سلام حضرت را به او رسانیدیم.

گفت: باللّه که حضرت امام جعفر مرا سلام رسانیده است؟

گفتم: بلی. پس نعره زد و بیهوش شد؛ چون بهوش آمد بار دیگر پرسید. چون خبر دادیم باز نعره زد و بیهوش شد ـ تا سه مرتبه ـ.

پس زر را دادیم و گفتیم که آن حضرت برای تو فرستاده است.

زر را گرفت و گفت: از آن حضرت سؤال نمایید که کنیز خود را نزد حق تعالی شفاعت نماید که از گناهانش در گذرد، زیرا که کسی را نمی‌شناسم که به او متوسل شوم در درگاه خدا، که از آن حضرت و پدران بزرگوارش بزرگتر باشد.

پس به خدمت آن حضرت برگشتیم، و احوال آن زن را عرض می‌کردیم و آن حضرت می‌گریست، و از برای او دعا می‌کرد[۱].

مؤلّف گوید که: بعضی این نماز و دعا را در صفّه میان مسجد ذکر کرده‌اند که بعمل آید.

و در حدیث سابق گذشت که گوشه‌های مسجد محل پیغمبران بوده است؛ پس به این سبب فضیلت عظیم دارند.

و علما نماز در سه گوشهٔ مسجد نقل کرده‌اند. اوّل، گوشه‌ای که در خلاف جهت قبله در جانب راست واقع است، و بعد از آن در گوشه‌ای که در پیش قبله در جانب راست واقع است، و بعد از آن در گوشه‌ای که در پیش قبله در جانب چپ واقع است.

چنانچه شیخ شهید و محمّد بن المشهدی ـ رضی الله عنهما ـ **روایت کرده‌اند** از ابن بابویه، از کلینی، از علی بن ابرهیم، از پدرش که گفت: بعد از مراجعت از حجّ بیت الله الحرام وارد کوفه شدم و رفتم به مسجد سهله، پس شخصی را دیدم که مشغول به نماز بود، چون فارغ شد آن دعا را خواند که پیش مذکور شد[۲]، پس برخاست و رفت به گوشهٔ مسجد و دو رکعت نماز کرد، و چون فارغ شد تسبیح خواند، و گفت:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذِهِ ٱلْبُقْعَةِ ٱلشَّرِيفَةِ، وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيها، قَدْ عَلِمْتَ حَوائِجِي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَٱقْضِها؛ وَقَدْ أَحْصَيْتَ ذُنُوبِي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَٱغْفِرْها لِي.

اَللّٰهُمَّ أَحْيِنِي ما كانَتِ ٱلْحَياةُ خَيْراً لِي، وَتَوَفَّنِي وَأَمِتْنِي إِذا كانَتِ ٱلْوَفاةُ خَيْراً لِي، عَلىٰ مُوالاةِ أَوْلِيائِكَ وَمُعاداةِ أَعْدائِكَ، وَٱفْعَلْ بِي ما أَنْتَ أَهْلُهُ، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

---

۱ ـ مزار کبیر: ۱۳۷، مزار شهید: ۲۵۴، بحارالانوار: ۴۷/ ۳۷۹ وج ۱۰۰/ ۴۴۰ ح ۲۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۳۳۰ ش ۶۵۰.

۲ ـ نگاه کن: ص ۲۰۵.

پس برخاست. پرسیدم که: این چه موضع است؟

گفت: این خانهٔ حضرت ابراهیم خلیل است، که از اینجا به جنگ عمالقه رفت.

پس رفت به آن گوشه مسجد که در جانب مغرب است و دو رکعت نماز کرد، پس دستها را برداشت و گفت:

اَللّٰهُمَّ إنِّي صَلَّيْتُ هٰذِهِ ٱلصَّلاةَ ٱبْتِغاءَ مَرْضاتِكَ، وَطَلَبَ نائِلِكَ، وَرَجاءَ رِفْدِكَ وَجَوائِزِكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْها مِنِّي بِأَحْسَنِ قَبُولٍ، وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ ٱلْمأْمُولَ، وَٱفْعَلْ بِي ما أَنْتَ أَهْلُهُ، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ .

پس برخاست و رفت به گوشه‌ای که در جانب مشرق است و دو رکعت نماز کرد، و دستها را گشود و گفت:

اَللّٰهُمَّ إنْ كانَتِ ٱلذُّنُوبُ وَٱلْخَطايا قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ، فَلَمْ تَرْفَعْ لِي إلَيْكَ صَوْتاً، وَلَمْ تَسْتَجِبْ لِي دَعْوَةً، فَإنِّي أَسْأَلُكَ بِكَ يا اَللّٰهُ، فَإنَّهُ لَيْسَ مِثْلَكَ أَحَدٌ، وَأَتَوَسَّلُ إلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقْبِلَ إلَيَّ بِوَجْهِكَ ٱلْكَرِيمِ، وَتُقْبِلَ بِوَجْهِي إلَيْكَ، وَلا تُخَيِّبَنِي حِيْنَ أَدْعُوكَ، وَلا تَحْرِمَنِي حِينَ أَرْجُوكَ، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ .

پس به سجده رفت و پهلوهای روی خود را بر خاک گذاشت، و برخاست و بیرون آمد.

پرسیدم که این مکان چه نام داشت؟

فرمود که این مقام پیغمبران و مرسلان و صالحان است.

پس داخل شد در مسجد کوچکی که در پیش روی مسجد سهله است، و دو رکعت نماز با سکینه و وقار کرد، و دستها را به دعا گشود و گفت:

إلٰهِي قَدْ مَدَّ إلَيْكَ ٱلْخاطِئُ ٱلْمُذْنِبُ يَدَيْهِ لِحُسْنِ ظَنِّهِ بِكَ .

إلٰهِي قَدْ جَلَسَ ٱلْمُسِيءُ بَيْنَ يَدَيْكَ، مُقِرّاً لَكَ بِسُوءِ عَمَلِهِ، وَراجِياً مِنْكَ ٱلصَّفْحَ عَنْ زَلَلِهِ.

إلٰهِي قَدْ رَفَعَ إلَيْكَ ٱلظّالِمُ كَفَّيْهِ راجِياً لِما لَدَيْكَ، فَلا تُخَيِّبْهُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ فَضْلِكَ.

إلٰهِي قَدْ جَثا ٱلْعائِدُ إلَى ٱلْمَعاصِي بَيْنَ يَدَيْكَ، خائِفاً مِنْ يَوْمٍ يَجْثُو فِيهِ ٱلْخَلائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ.

إلٰهِي قَدْ جاءَكَ ٱلْعَبْدُ ٱلْخاطِئُ فَزِعاً مُشْفِقاً، وَرَفَعَ إلَيْكَ طَرْفَهُ حَذِراً راجِياً، وَفاضَتْ عَبْرَتُهُ مُسْتَغْفِراً نادِماً.

وَعِزَّتِكَ وَجَلالِكَ ما أَرَدْتُ بِمَعْصِيَتِي مُخالَفَتَكَ، وَما عَصَيْتُكَ إذْ عَصَيْتُكَ وَأَنا بِكَ جاهِلٌ، وَلا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَلا لِنَظَرِكَ مُسْتَخِفٌّ؛ وَلٰكِنْ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي، وَأَعانَتْنِي عَلىٰ ذٰلِكَ شِقْوَتِي، وَغَرَّنِي سِتْرُكَ ٱلْمُرْخىٰ عَلَيَّ. فَمَنِ ٱلْآنَ مِنْ عَذابِكَ يَسْتَنْقِذُنِي، وَبِحَبْلِ مَنْ أَعْتَصِمُ إنْ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي.

فَيا سَوْأَتاه غَداً مِنَ ٱلْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ، إذا قِيلَ لِلْمُخِفِّينَ: جُوزُوا، وَلِلْمُثْقِلِينَ: حُطُّوا؛ أَفَمَعَ ٱلْمُخِفِّينَ أَجُوزُ، أَمْ مَعَ ٱلْمُثْقِلِينَ أَحُطُّ.

وَيْلِي! كُلَّما كَبُرَتْ سِنِّي كَثُرَتْ ذُنُوبِي، وَيْلِي! كُلَّما طالَ عُمْرِي كَثُرَتْ مَعاصِيَّ؛ فَكَمْ أَتُوبُ وَكَمْ أَعُودُ، أَما آنَ لِي أَنْ أَسْتَحْيِيَ مِنْ رَبِّي.

اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ، وَخَيْرَ ٱلْغافِرِينَ.

پس گریست، و پهلوی راست روی خود را بر زمین گذاشت و گفت:

اِرْحَمْ مَنْ أَساءَ وَٱقْتَرَفَ، وَٱسْتَكانَ وَٱعْتَرَفَ.

پس پهلوی چپ رو را بر زمین گذاشت و گفت:

عَظُمَ ٱلذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسُنِ ٱلْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ يا كَرِيمُ.

پس بیرون آمد.

پرسیدم که‌ای سیّد من، این چه مکان است؟

گفت: این **مسجد زید بن صوحان** است که از صحابه امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ

بوده است، و این دعای او است که در نماز شب می‌خوانده است.

پس آن شخص غایب شد و او را ندیدیم. رفیق من گفت: این حضرت خضر علیه السلام بود[۱].

و از مساجد معروفه که در این زمان موجود است **مسجد زید** است ـ که عملش مذکور شد ـ، و **مسجد صعصعة بن صوحان** است:

شیخ **شهید** و **محمد بن المشهدی** ـ رحمة الله علیهما ـ روایت کرده‌اند از علیّ بن محمد بن عبد الرحمن شوشتری که گفت: گذشتم به طایفه بنی رواس، یکی از ایشان گفت که: بیا برویم به مسجد صعصعه و در آنجا نماز کنیم؛ که این ماه رجب است، و سنّت است در این ماه زیارت این مواضع مشرّفه، که امامان ما قدمهای مبارکشان به آنها رسیده و در آنها نماز کرده‌اند؛ و مسجد صعصعه از آنها است.

پس رفتیم به سوی آن مسجد، دیدیم ناقه‌ای را که در دَرِ مسجد عقال کرده‌اند؛ چون داخل شدیم مردی را دیدیم که جامه و عمامه مثل اهل حجاز پوشیده و نشسته است، و این دعا می‌خواند:

اَللّٰهُمَّ يا ذَا ٱلْمِنَنِ ٱلسّابِغَةِ، وَٱلْآلاءِ ٱلْوازِعَةِ، وَٱلرَّحْمَةِ ٱلْواسِعَةِ، وَٱلْقُدْرَةِ ٱلْجامِعَةِ، وَٱلنِّعَمِ ٱلْجَسِيمَةِ، وَٱلْمَواهِبِ ٱلْعَظِيمَةِ، وَٱلْأَيادِي ٱلْجَمِيلَةِ، وَٱلْعَطايا ٱلْجَزِيلَةِ.

يا مَنْ لا يُنْعَتُ بِتَمْثِيلٍ، وَلا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ، وَلا يُغلَبُ بِظَهِيرٍ.

يا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ، وَأَلْهَمَ فَأَنْطَقَ، وَٱبْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَعَلا فَارْتَفَعَ، وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ فَأَتْقَنَ، وَٱحْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ، وَأَعْطىٰ فَأَجْزَلَ، وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ.

يا مَنْ سَما فِي ٱلْعِزِّ فَفاتَ خَواطِرَ ٱلْأَبْصارِ، وَدَنا فِي ٱللُّطْفِ فَجازَ هَواجِسَ ٱلْأَفْكارِ، يا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ[۲] فَلا نِدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطانِهِ، وَتَفَرَّدَ بِالْآلاءِ وَٱلْكِبْرِياءِ فَلا ضِدَّ لَهُ فِي جَبَرُوتِ شَأْنِهِ.

---

۱ ـ مزار کبیر: ۱۴۰، مزار شهید ۲۵۸، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۴۳ ح ۲۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۳۳۳ ش ۶۵۱.

۲ ـ «بالمجد» خ ل.

يا مَنْ حارَتْ في كِبْرِياءِ هَيْبَتِهِ[۱] دَقائِقُ لَطائِفِ اَلْأَوْهامِ، وَاَنْحَسَرَتْ دُونَ إِدْراكِ عَظَمَتِهِ خَطائِفُ أَبْصارِ اَلْأَنامِ، يا مَنْ عَنَتِ اَلْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ اَلرِّقابُ لِعَظَمَتِهِ، وَوَجِلَتِ اَلْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ.

أَسْأَلُكَ بِهٰذِهِ اَلْمِدْحَةِ اَلَّتِي لا تَنْبَغِي إِلّا لَكَ، وَبِما وَأَيْتَ بِهِ عَلىٰ نَفْسِكَ لِداعِيكَ مِنَ اَلْمُؤْمِنِينَ، وَبِما ضَمِنْتَ اَلْإِجابَةَ فِيهِ عَلىٰ نَفْسِكَ لِلدّاعِينَ، يا أَسْمَعَ اَلسّامِعِينَ، وَأَبْصَرَ اَلنّاظِرِينَ، وَأَسْرَعَ اَلْحاسِبِينَ، يا ذَا اَلْقُوَّةِ اَلْمَتِينَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خاتَمِ اَلنَّبِيِّينَ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ اَلطّاهِرِينَ اَلْأَخْيارِ، وَاَقْسِمْ لي في شَهْرِنا هٰذا خَيْرَ ما قَسَمْتَ، وَاَخْتِمْ لِي في قَضائِكَ خَيْرَ ما حَتَمْتَ، وَاَخْتِمْ لي بِالسَّعادَةِ فِيمَنْ خَتَمْتَ، وَأَحْيِنِي ما أَحْيَيْتَنِي مَوْفُوراً، وَأَمِتْنِي مَسْرُوراً وَمَغْفُوراً.

وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجاتِي مِنْ مُساءَلَةِ اَلْبَرْزَخِ، وَاَدْرَأْ عَنِّي مُنْكَراً وَنَكِيراً، وَأَرِ عَيْنِي مُبَشِّراً وَبَشِيراً، وَاَجْعَلْ لِي إِلىٰ رِضْوانِكَ وَجِنانِكَ مَصِيراً، وَعَيْشاً قَرِيراً، وَمُلْكاً كَبِيراً، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيراً.

پس سجده طولانی کرد، و برخاست و بر ناقه سوار شد و رفت.

رفیقم گفت که: این حضرت خضر ﷺ بود چرا با او سخن نگفتیم، گویا زبان ما را بسته بودند!

چون بیرون آمدیم، ابن ابی رواد رواسی به ما برخورد و پرسید که: از کجا می‌آیید؟

گفتیم: از مسجد صعصعه؛ و خبر را به او نقل کردیم.

گفت این سواره هر دو روز یا سه روز یک مرتبه به این مسجد می‌آید، و با کسی سخن نمی‌گوید.

پس پرسید که شما گمان دارید که کی باشد؟

---

۱ ـ «هويّته» خ ل.

گفتیم: گمان ما آن است که خضر باشد.

گفت: والله نمی‌دانم او را مگر کسی که خضر نیز محتاج دیدن او است ـ یعنی صاحب الزمان صلوات الله علیه[1] ـ.

و **سیّد ابن طاووس** در کتاب اقبال از محمد بن ابی الرّواد رواسی نقل کرده است که او در روزی از روزهای ماه مبارک رجب با محمد بن جعفر دهّان به مسجد سهله رفت، پس محمد بن جعفر گفت که: بیا برویم به مسجد صعصعه، که آن مسجد مبارکی است و امیرالمؤمنین علیه السلام در آن نماز کرده است، و قدمهای امامان به آن رسیده است.

چون داخل مسجد شدیم و مشغول به نماز شدیم، ناگاه مردی را دیدیم که از ناقه خود فرود آمد و پای ناقه را بست، و داخل مسجد شد و دو رکعت نماز کرد، و بسیار طول داد نماز را.

پس دستها را بلند کرد و آن دعا که در روایت سابق مذکور شد[2] خواند، و چون فارغ شد بر ناقه سوار شد.

محمد بن جعفر گفت که: بیا بپرسیم که این کیست.

رفتیم و او را به خدا قسم دادیم که کیستی؟

فرمود که: به گمان شما من کیستم؟

گفتیم: ما گمان داریم که شما خضر باشید.

فرمود که: من آن کسم که خضر محتاج است به دیدن من؛ برگردید که من امام زمان شمایم[3].

أمّا **مسجد غنی**، و **مسجد جعفی**، و **مسجد بنی کاهل**، پس در هریک اعمال و ادعیه وارد شده است، و ما در این کتاب ایراد نکردیم، زیراکه موضع آن مساجد در این زمان معلوم نیست؛ و در کتاب مزار بحار الانوار ذکر کرده‌ایم، اگر آن ادعیه را در سایر مساجد معروفه بخوانند بد نیست.

---

۱ ـ مزار کبیر: ۱۴۳، مزار شهید: ۲۶۴، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۴۶ ح ۲۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۳۳۸ ش ۶۵۲.

۲ ـ نگاه کن: ص ۲۱۰.

۳ ـ اقبال: ۳/ ۲۱۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۴۴۷ ح ۲۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۳۴۰ پاورقی ۳.

باب پنجم

در بیان فضائل زیارت سید الشهداء حسین بن علیّ -صلوات الله علیهما- و در آن چند فصل است:

فصل اوّل

در اخباری است که دلالت بر وجوب زیارت آن حضرت می‌کند، و بر اینکه به خوف ترکِ زیارت نباید کرد، و بیان مدّتی که باید عود به زیارت آن حضرت کردن

به **سند صحیح** از حضرت امام محمد باقر ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: امر کنید شیعیان ما را به زیارت حسین بن علی ـ صلوات الله علیهما ـ که به درستی که زیارت آن حضرت دفع می‌کند خانه فرود آمدن، و غرق شدن، و سوخته شدن، و درنده دریدن را. و زیارت آن حضرت فرض است بر هرکس که اقرار نماید برای حسین به امامت از جانب خدا[1].

و به **سند موثّق** از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: زیارت کنید حسین علیه السلام را، و جفا مکنید آن حضرت را به ترک زیارت، که او بهترینِ جوانان اهل بهشت، و بهترینِ جوانان شهیدان است[2].

و به **سند معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: زیارت کنید قبر حسین را اگرچه سالی یک مرتبه باشد، به درستی که هرکه برود نزد آن حضرت با شناسایی حق آن حضرت و انکار نکردن حق او، او را عوضی نیست به غیر از بهشت؛ و روزی داده می‌شود روزی فراخ، و می‌دهد خدا به او فرَجی نزدیک.

به درستی که حق تعالی موکّل گردانیده است به قبر حسین علیه السلام چهار هزار ملک

---

۱ ـ امالی صدوق: ۱۲۳ م۲۹ ح ۱۰، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۲ ح۳۱۷۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱ ح ۱.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۰۹ ب۳۷ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱ ح ۲.

را، که همگی گریه بر آن حضرت می‌کنند، و مشایعت می‌کنند هرکه را زیارت آن حضرت کند تا به اهل خود برگردد؛ و اگر بیمار شود او را عیادت می‌کنند، و اگر بمیرد به جنازهٔ او حاضر می‌شوند با طلب آمرزش از برای او، و ترحّم کردن بر او[۱].

و به سند معتبر دیگر منقول است که شخصی به حضرت صادق ﷷ عرض کرد که: فدای تو شوم چه می‌فرمایی در حق کسی که ترک کند زیارت حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ را و او قادر بر زیارت او باشد؟

فرمود که: او عاقّ رسول خداﷺ و عاقّ ما شده است، و سبک شمرده است امری را که برای او نافع است.

و هرکه زیارت کند آن حضرت را، خدا حوائج او را متکفّل گردد، و کفایت مهمّات دنیای او می‌نماید.

و زیارت آن حضرت روزی را برای بنده جلب می‌کند، و آنچه خرج کند خدا عوض می‌دهد، و گناه پنجاه ساله او را می‌آمرزد، و برمی‌گردد به سوی اهل خود و حال آنکه هیچ گناه و خطائی بر او نباشد مگر آنکه از نامهٔ عمل او محو شود، و اگر در آن سفر بمیرد ملائکه نازل شوند و او را غسل دهند، و گشوده شود برای او دری به سوی بهشت که داخل شود بر او نسیم بهشت، و اگر سالم بماند گشوده شود برای او دری که نازل شود از آن درْ روزیِ او، و حق تعالی به عوض هر درهمی که او خرج کرده است ده هزار درهم به او بدهد و برای او ذخیره کند، و چون محشور شود گویند به او که: خدا این عوض را برای تو ذخیره کرد که امروز به تو رساند[۲].

و در حدیث معتبر دیگر منقول است که آن حضرت به اُمّ سعید[۳] فرمود که: زیارت کن حضرت امام حسین را، که زیارت آن حضرت واجب است بر مردان و زنان[۴].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۸۵ ب ۲۷ ح ۱۳، وص ۱۵۱ ب ۶۱ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲ ح ۳ وص ۴۷ ح ۱۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۵۳ ش ۹۵۳.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۲۷ ب ۴۶ ح ۲، وص ۳۳۷ ب ۱۰۸ ذیل ح ۱۴، تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۵ ح ۹۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲ ح ۵ و ۷، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۴۵ ش ۹۴۶.

۳ ـ «امّ سعیده» بیشتر نسخ.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۲۲ ب ۴۳ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳ ح ۹، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۶۰ ش ۹۶۷.

و در **حدیث معتبر** دیگر منقول است که فرمود که: اگر یکی از شما حج کند در تمام عمر خود و زیارت امام حسین علیه السلام نکرده باشد، هرآینه ترک کرده خواهد بود حقّی از حقوق رسول خدا صلی الله علیه و آله را؛ زیرا که حق حسین فریضه است از جانب خدا، و واجب است بر هر مسلمانی[1].

و به **سندهای معتبر** از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام منقول است که: هرکه به زیارت امام حسین علیه السلام نرود از شیعیان ما، ایمان و دینش ناقص خواهد بود. و اگر داخل بهشت شود، پست‌تر از مؤمنان دیگر خواهد بود[2].

و در **روایت دیگر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هرکه به زیارت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ نرود و گمان کند که شیعه ما است تا بمیرد، پس او شیعهٔ ما نیست. و اگر او از اهل بهشت باشد، مهمان اهل بهشت خواهد بود[3].

و به **سند حسن** از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: هرکه خواهد بداند که او از اهل بهشت است، عرض کند محبت ما را بر دل خود؛ اگر قبول کند مؤمن است.

و هرکه دوست ما است باید که رغبت کند در زیارت قبر امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ، زیرا که هرکه زیارت کنندهٔ آن حضرت است ما او را دوست اهل بیت می‌دانیم و از اهل بهشت است، و هرکه زیارت کنندهٔ آن حضرت نیست ایمانش ناقص است[4].

و در **روایت معتبر** دیگر مذکور است که: شخصی از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد از حال کسی که ترک کند زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام را. فرمود که: آن مردی است از اهل جهنّم[5].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۲۲ ب ۴۳ ح ۴، مزار مفید: ۲۷ ح ۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۲ ح ۸۷، مزار کبیر: ۳۴۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳ ح ۱۰ و ۱۱.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۹۳ ب ۷۸ ح ۱ و ۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۴ ح ۹۵، مزار کبیر: ۳۵۳ و ۳۵۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴ ح ۱۳ و ۱۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۱۲ ش ۸۸۰.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۹۳ ب ۷۸ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴ ح ۱۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۶۱ ش ۹۶۸.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۹۳ ب ۷۸ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴ ح ۱۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۰۳ ش ۸۶۲.

۵ ـ کامل الزیارات: ۱۹۳ ب ۷۸ ح ۵، مصباح الزائر: ۵۲۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۵ ح ۱۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۶۱ ش ۹۶۹.

و در **حدیث دیگر** فرمود که: اگر کسی هزار حج بکند و زیارت قبر امام حسین نکرده باشد، ترک کرده خواهد بود حق بزرگی از حقوق پیغمبر ﷺ را[۱].

و در **حدیث دیگر** مروی است که حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام پرسید از شخصی که: چه مقدار فاصله هست میان شما و میان قبر امام حسین علیه‌السلام؟ گفت: شانزده فرسخ است. پرسید که: آیا به زیارت آن حضرت می‌روید؟ گفت: نه. فرمود که: چه بسیار جفاکارید شما[۲]!

و از **حضرت امیرالمؤمنین** ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که فرمود که: پدر و مادرم فدای حسین باد که در نزدیک کوفه کشته خواهد شد، و گویا می‌بینم که انواع وحشیان صحرا گردنها کشیده باشند بر قبرش و بر او گریه و نوحه کنند تا صباح؛ چون چنین شود زنهار که جفا مکنید به زیارت نکردن آن حضرت[۳].

و به چندین **سند معتبر** منقول است که حضرت صادق علیه‌السلام به سَدیر صیرفی فرمود که: آیا زیارت می‌کنی حضرت امام حسین علیه‌السلام را هر روز؟ گفت: نه. فرمود که: هر هفته؟ گفت نه. فرمود که: هر ماه؟ گفت نه. فرمود که: هر سال؟ گفت: گاه هست که سالی یک مرتبه به زیارت آن حضرت می‌روم.

فرمود که: چه بسیار جفاکارید شما به حسین علیه‌السلام! مگر نمی‌دانید که خدا را چهار هزار ملک[۴] هست ژولیده مو، و گرد آلوده، بر آن حضرت می‌گریند و مرثیه می‌خوانند، و ایشان را ملال حاصل نمی‌شود، و پیوسته زیارت می‌کنند، و ثواب ایشان برای زیارت کننده‌گان آن حضرت است[۵].

و در **روایت معتبر** منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام از شخصی پرسید

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۹۳ ب۷۸ ح۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۵ ح۱۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۱۸۵ ش۱۰۱۶.

۲ ـ کامل الزیارات: ۲۹۰ ب۹۷ ح۱ وص۲۹۲ ح۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۵ ح۲۰ و۲۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۱۱۲ ش۸۷۸.

۳ ـ کامل الزیارات: ۲۹۱ ب۹۷ ح۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶ ح۲۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۹۲ ش۸۳۹.

۴ ـ در مصادر: هزار ملک.

۵ ـ کافی: ۴/ ۵۸۹ ح۸، کامل الزیارات: ۲۹۱ ب۹۷ ح۴، وص۲۸۷ ح۲ و۳، تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۱۶ ح۲۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶ ح۲۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۱۹۲ ش۱۰۲۸.

که: هر هفته زیارت امام حسین علیه السلام می‌کنی؟ گفت: نه. فرمود که: هر ماه زیارت می‌کنی؟ گفت: نه. فرمود که: هر سال زیارت می‌کنی؟ گفت: نه. فرمود که: تو محرومی از خیر[۱].

و در **روایت معتبر** دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود که: عجب دارم از کسی که گمان می‌کند که شیعه ما است و عمرش می‌گذرد و به زیارت قبر امام حسین علیه السلام نمی‌رود از روی تهاون و سستی و عجز و تنبلی؛ والله که اگر بداند که چه فضیلت در زیارت آن حضرت هست، هرآینه سستی و تنبلی نکند.

راوی عرض کرد که: چه فضیلت در آن هست؟

فرمود که: فضیلت و خیر بسیار، اوّل چیزی که به او می‌رسد آن است که گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزند و می‌گویند: عمل را از سر گیر[۲].

و در **حدیث معتبر** منقول است که حضرت صادق علیه السلام به ابان بن تغلب گفت که: ای ابان، چند گاه است که زیارت قبر امام حسین علیه السلام نکرده‌ای؟

گفت: مدّتی است.

فرمود که: سبحان الله العظیم، تو از سرکرده‌های شیعیانی و ترک زیارت آن حضرت می‌کنی! هرکه زیارت آن حضرت کند حق تعالی بنویسد برای او به عدد هر گامی حسنه‌ای، و محو کند از او به هرگامی گناهی، و بیامرزد گناهان گذشته و آینده او را. به تحقیق که چون آن حضرت شهید شد، بر قبر آن حضرت فرود آمد هفتاد هزار ملک ژولیده مو و گرد آلوده، و بر آن حضرت گریه و نوحه می‌کنند تا روز قیامت[۳].

و به چندین **سند صحیح** از معاویة بن عمّار[۴] منقول است که گفت: روزی به خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم، آن حضرت مشغول نماز بود و چون فارغ شد شنیدم که مناجات می‌کرد با پروردگار خود و می‌گفت:

ای خداوندی که مخصوص گردانیده‌ای ما را به کرامت، و وعده داده‌ای ما را

۱ـ کامل الزیارات: ۲۹۱ ب۹۷ ح۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶ ح۲۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۱۱ ش۸۷۶.

۲ـ کامل الزیارات: ۲۹۲ ب۹۷ ح۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۷ ح۲۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۳۵ ش۹۲۸.

۳ـ کامل الزیارات: ۳۳۱ ب۱۰۸ ح۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۷ ح۲۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۱۷ ش۸۹۰.

۴ـ ظاهراً سهو است، و صحیح: «معاویة بن وهب». نگاه کن: ص ۲۲۰ مصادر پاورقی ۱.

شفاعت، و علوم رسالت را به ما داده‌ای، و ما را وارث پیغمبران گردانیده‌ای، و ختم کرده‌ای به ما امّتهای گذشته را، و ما را مخصوص به وصیت پیغمبر گردانیده‌ای، و علم گذشته و آینده را به ما عطا کرده‌ای، و دلهای مردم را به سوی ما مایل گردانیده‌ای، بیامرز مرا و برادران مرا و زیارت کنندگان قبر ابی‌عبدالله الحسین را؛ آنان که خرج کرده‌اند مالهای خود را، و بیرون آورده‌اند از شهرها بدنهای خود را برای رغبت در نیکی ما، و امّید ثوابهای تو در صلهٔ ما، و برای شاد گردانیدن پیغمبر تو، و اجابت نمودن ایشان امر ما را، و برای خشمی که بر دشمنان داخل کرده‌اند، و مراد ایشان خشنودی تو است.

پس مکافات ده ایشان را از جانب ما به خشنودی، و حفظ کن ایشان را در شب و روز، و خلیفه ایشان باش در اهل و اولاد ایشان که در وطن خود گذاشته‌اند به خلافت نیکو، و رفیق ایشان باش، و دفع کن از ایشان شرّ هر جبّار معاند را، و هر ضعیف و شدید از خلقت را، و شرّ شیاطین جنّ و انس را. و بده به ایشان زیاده ازآنچه امید دارند از تو در دور شدن از وطنهای خود، و در اختیار کردن ایشان ما را بر فرزندان و اهالی و خویشان خود.

خداوندا دشمنان ما عیب کردند بر ایشان بیرون آمدن ایشان را به زیارت ما، پس این مانع نشد ایشان را از عزم کردن و بیرون آمدن از روی مخالفت ایشان. پس رحم کن آن روها را که آفتاب متغیر گردانیده است، و رحم کن گونه‌های روی ایشان را که می‌گردانند و می‌مالند بر قبر امام حسین، و رحم کن آن دیده‌ها را که گریه شان جاری شد از ترحم بر ما، و رحم کن آن دلها را که جزع کرده‌اند و سوخته‌اند از برای مصیبت ما، و رحم کن آن فغانها را که در مصیبت ما بلند کردند.

خداوندا آن جانها و آن بدنها را به تو می‌سپارم تا سیراب گردانی ایشان را از حوض کوثر در روز تشنگی.

و پیوسته آن حضرت به این نحو دعا می‌کرد در سجده.

پس چون فارغ شد گفتم: آن دعا که من از شما شنیدم، اگر در حق کسی می‌کردید

که خدا را نمی‌شناخت، گمان داشتم که آتش جهنم به او نرسد هـرگز؛ والله کـه آرزو کردم که زیارت آن حضرت کرده بودم، و حج نکرده بودم.

حضرت فرمود که: چه بسیار نزدیکی تو به آن حضرت! چـه مـانع است تـو را از زیارت ای معاویه، ترک زیارت مکن.

گفتم: فدای تو شوم، نمی‌دانستم که این قدر فضیلت دارد.

فرمود که: ای معاویه، آنها که برای زیارت کنندگان آن حضرت دعا مـی‌کنند در آسمان، زیاده از آنهایند که دعا می‌کنند برای ایشان در زمین. تـرک مکـن زیـارت آن حضرت را از برای خوف از احدی؛ که هر که از برای خوف ترکِ زیارت کند، آنقدر حسرت برد که آرزو کند که کاش آنقدر می‌ماندم نـزد قـبر آن حـضرت کـه در آنـجا مدفون می‌شدم.

آیا دوست نمی‌داری که خدا ببیند تو را در میان آنها که دعا می‌کنند برای ایشـان رسول خدا ﷺ و علی و فاطمه و ائمه معصومین علیهم السلام؟!

آیا نمی‌خواهی از آنها باشی که ملائکه در قیامت با ایشان مصافحه می‌کنند؟!

آیا نمی‌خواهی از آنها باشی که در قیامت بیایند و هیچ گناهی بر ایشان نباشد؟!

آیا نمی‌خواهی از آنها باشی که در قیامت حضرت رسول ﷺ با ایشان مـصافحه می‌کند[۱]؟!

و به سند معتبر از زراره منقول است که: عرض کردم به خدمت حـضرت امـام محمد باقر علیه السلام که: چه می‌فرمایی در باب کسی کـه پـدرت حـضرت امـام حسـین را زیارت کند با ترس؟

فرمود که: خدا او را ایمن می‌گرداند در روز قیامت که همه کس ترسان بـاشند. و به استقبال او آیند ملائکه، و او را بشارت دهند و گـویند کـه: مـترس و انـدوهناک مباش، که این روزِ رستگاری و فیروزی تو است[۲].

---

۱ ـ ثواب الاعمال: ۱۲۰ ح ۴۴، مصباح الزائر: ۱۹۳، مزار کبیر: ۳۳۴، بحارالانوار: ۱۰۱/۸ ح ۳۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۵۰ ش ۹۵۰.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۲۵ ب ۴۵ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰ ح ۳۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۰۳ ش ۸۶۱.

و به سند **معتبر** منقول است که ابن بکیر به حضرت صادق علیه السلام گفت که: می‌روم به زیارت حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ و دلم ترسان و هراسان است تا بر می‌گردم، از ترس خلیفه و اتباع و لشکری او.

فرمود که: ای پسر بکیر، دوست نمی‌داری که خدا تو را ببیند که ازبرای ما ترسانی؟! مگر نمی‌دانی که کسی که از برای خوف ما خائف و ترسان باشد، حق تعالی او را در قیامت در سایه عرش خود جا دهد، و حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ در زیر عرش با او سخن گوید، و او را حق تعالی ایمن گرداند از ترسهای روز قیامت، که مردم ترسند و او نترسد؛ و اگر ترسد ملائکه او را بشارت دهند و ترسش را زائل گردانند[۱]!

و به روایت **قوی** منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود که: آیا می‌روی به زیارت قبر امام حسین؟

گفت: بلی می‌روم با ترس و بیم.

فرمود که: هرچند سخت‌تر و دشوارتر است، ثواب به قدر ترس است. و هرکه در زیارت آن حضرت بترسد، ایمن گرداند خدا او را در روز قیامت، و برگردد از زیارت به آمرزش گناهان، و سلام کنند بر او ملائکه، و زیارت کند او را پیغمبر صلی الله علیه و آله و دعا کند از برای او، و برگردد با نعمتی از خدا و فضلی، و بدی به او نرسد[۲].

مؤلّف گوید که: از اکثر احادیث سابقه ظاهر می‌شود که زیارت حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ واجب باشد، و معارض ظاهری ندارد؛ ولیکن مشهور میان علما آن است که سنّت مؤکّد است.

و بحسب احادیث، وجوب زیارت آن حضرت در عمری یک مرتبه نهایت قوّت دارد؛ و شیعه‌ای که بر این تأکیدات و تهدیدات مطّلع شود و با قدرت ترک کند،

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۲۵ ب ۴۵ ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰ ح ۳۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۳۴ ش ۹۲۷.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۲۶ ب ۴۵ ح ۵ وص ۲۷۶ ب ۹۱ ضمن ح ۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۱ ح ۴۰ وص ۱۲۱ ضمن ح ۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۰۲ ش ۸۶۰.

وکامل الزیارات: ۲۷۶ ب ۹۱ ضمن ح ۷، الموسوعة: ۳/ ۱۰۲ ح ۶۸۰

در غایت ضعف ایمان خواهد بود.

و احوط آن است که در زیارت آن حضرت و حضرت رسول ﷺ، بلکه در زیارت هر امامی، در مرتبه اوّل قصد سنّت نکند، بلکه به قصد قربت تنها بعمل آورد.

و ایضاً از بسیاری از احادیث ظاهر می‌شود که تقیّه و خوف عذر نمی‌شود در ترک زیارت آن حضرت.

و این خلافِ مشهور میان علما، و منافی عموم احادیث تقیّه است. و دور نیست که مراد این باشد که خوفهای سهل که مبتنی بر احتمالات بعیده باشد، یا خوف فوت منافع دنیویه، یا فوت مالی، یا ضرر سهلی ـ از خفّتی و اهانتی ـ اینها را مانع نباید کرد. والله یعلم.

و به سند معتبر از علی زرگر مروی است که حضرت صادق ؑ فرمود که: یا علی شنیده‌ام که جمعی از شیعیان هستند که یک سال و دو سال بر ایشان می‌گذرد و به زیارت امام حسین ؑ نمی‌روند!

گفت: فدای تو شوم، جمعی را می‌شناسم که چنین اند.

فرمودند که: والله که ایشان بهرهٔ خود را خطا کرده‌اند، و از ثواب خدا میل کرده‌اند، و از مجاورت محمد ﷺ دور شده‌اند.

گفت: فدای تو شوم، در هر چند گاه زیارت می‌باید کرد؟

فرمود که: اگر توانی در هر ماه آن حضرت را زیارت کن.

گفت: نمی‌توانم، زیرا که به دست خود کار می‌کنم، و کارهای مردم در دست من است، و یک روز غایب از مکان خود نمی‌توانم شد.

فرمود که: تو و هرکه به دست خود کار کند معذور است، و مقصود من کسی بود که به دست خود کار نکند؛ از آنها که اگر هر جمعه بروند برایشان آسان است. ایشان را نزد خدا و رسول خدا در قیامت عذری نخواهد بود.

گفت اگر شخصی را به نیابت خود بفرستد جایز است؟

فرمود که بلی، اما رفتن خودش ثوابش بیشتر است، و نزد پروردگارش بهتر

است که خدا او را ببیند که شبها بیداری می‌کشد، و روزها تعب می‌کشد، پس حق تعالی نظر رحمتی به سوی او می‌کند که فردوس اعلی بر او واجب می‌شود، که با محمّد و اهل بیت او ـ صلوات الله علیهم ـ بوده باشد. پس رغبت کنید در چنین ثوابی و از اهل آن باشید[۱].

و به **اسانید صحیحه** و معتبره دیگر از آن حضرت منقول است که: حق و لازم است بر مالدار که هر سال دو مرتبه به زیارت امام حسین ؛ برود، و بر فقیر آنکه سالی یک مرتبه برود[۲].

و به **سندهای صحیح** دیگر از آن حضرت مروی است که: بروید به زیارت قبر حسین ؛ هر سال یک مرتبه[۳].

و به **سند صحیح** منقول است که حلبی از آن حضرت پرسید از زیارت امام حسین ؛. فرمود که: در سالی یک مرتبه بروید؛ می‌ترسم که اگر بیشتر بروید، میان مخالفان مشهور شوید[۴].

و از حضرت **امام موسی** ؛ منقول است که: جفا مکنید امام حسین ؛ را، مالدار هر چهار ماه یک مرتبه به زیارت برود، و فقیر هرگاه او را میسّر شود[۵].

و به **سند معتبر** مروی است که از حضرت صادق ؛ پرسیدند که: هرچندگاه یک مرتبه به زیارت امام حسین؛ باید رفت؟ فرمود که: هر مقدار که خواهی[۶].

و به **سند معتبر** از صفوان منقول است که گفت: در خدمت حضرت صادق؛

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۲۹۵ ب ۹۸ ح ۱۱، بحارالانوار: ۱۲/۱۰۱ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین؛: ۳/ ۱۶۱ ش ۹۷۰.

۲ ـ کامل الزیارات: ۲۹۳ ب۹۸ ح۱ وص ۲۹۴ ح ۵، تهذیب‌الاحکام: ۶/ ۴۲ ح ۸۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲ ـ ۱۳ ح ۲ ـ ۴، موسوعة زیارات المعصومین؛: ۳/ ۲۵۸ ش ۱۱۳۴.

۳ ـ کامل الزیارات: ۲۹۴ ب ۹۸ ح ۲ و۳ وص۲۹۵ ح ۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳ ح ۵ ـ ۷، موسوعة زیارات المعصومین؛: ۲۵۸/۳ ش۱۱۳۵.

۴ ـ کامل الزیارات: ۲۹۴ ب ۹۸ ح ۴ و۶ و۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳ ح ۸ ـ ۱۰، موسوعة زیارات المعصومین؛: ۳/ ۲۵۸ ش۱۱۳۶.

۵ ـ کامل الزیارات: ۲۹۴ ب ۹۸ ح ۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳ ح ۱۱.

۶ ـ کامل الزیارات: ۲۹۵ ب۹۸ ذیل ح ۱۰، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴ ذیل ح۱۲، موسوعة زیارات المعصومین؛: ۳/ ۲۵۹ ش۱۱۳۸.

بودم در مابین مکّه و مدینه، پس عرض کردم که یـا ابـن رسـول اللهﷺ چـرا شـما را غمگین و دلگیر و دل شکسته می‌بینم؟

فرمود که: اگر بشنوی آنچه من می‌شنوم، هرآینه سؤال نتوانی کرد.

عرض کردم که: چه چیز می‌شنوید؟

فرمود که: تضرّع ملائکه در درگاه خدا در لعنت کردن بر قاتلان امیرالمـؤمنین، و بر قاتلان امام حسین علیه‌السلام، و نوحه کردن جنّیان بر ایشان، و گریه ملائکه که در دور ضریح امام حسین اند، و بسیاری انـدوه ایشـان. هـرکه ایـنها را شـنود کِـی خـوردن و آشامیدن و خواب کردن بر او گوارا می‌باشد.

گفتم: کسی که به زیارت آن حضرت بیاید و برگردد دیگر کِی می‌باید برگردد باز به زیارت، و هرچندگاه باید رفت، و چندگاه گنجایش دارد ترک زیارت آن حضرت کردن؟

فرمود که: اما نزدیک، پس زیاده از یک ماه باید ترک زیارت نکند. و کسـی کـه خانه‌اش دور باشد، هر سه سال یک مرتبه باید به زیارت برود؛ که اگر زیاده از سه سال ترک کند بی‌عذری و علّتی، عاقّ حـضرت رسـول ﷺ شـده است، و قـطع رحـم آن حضرت کرده است.

و اگر بداند زیارت کننده حسین بن علی علیه‌السلام که حضرت رسول ﷺ و حضرت امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه و امامان و شهیدان اهل بیت ـ صلوات الله علیهم ـ چه مقدار شاد و خوشحال می‌شوند به زیارت آن حضرت، و چه دعاها در حق او می‌کنند، وچه ثوابها حق تعالی در دنیا به او می‌دهد، و چه اجرها بـرای او ذخـیره مـی‌کند کـه در آخرت به او برساند، هرآینه دوست دارد که تا زنده باشد در جوار آن حضرت باشد.

و به درستی که زیارت کنندهٔ آن حضرت چون از خانه بیرون می‌رود بر هر چیز که قدم می‌گذارد برای او دعا می‌کند، و چون آفتاب بر او می‌تابد گناهانش را می‌خورد چنانچه آتش هیزم را می‌خورد، و بر می‌گردد آمـرزیده کـه هـیچ گـناه بـر او نـباشد، و درجه‌ای چند برای او بلند کنند که به آن درجه‌ها نرسد مگر کسی که در جـهاد فـی سبیل الله شهید شده باشد و در خون خود دست و پا زده باشد، و حق تعالی ملکی را

موکّل گرداند که در آن روضه مقدّسه قائم مقام او باشد، و از برای او طلب آمرزش کند تا او به زیارت برگردد، یا سه سال بگذرد، یا بمیرد[۱].

و به **سند موثّق** از عبیدالله حلبی منقول است که گفت به حضرت صادق علیه السلام که: ما زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌کنیم در سال دو مرتبه، یا سه مرتبه.

فرمود که: خوشم نمی‌آید که بسیار به زیارت بروید؛ سالی یک مرتبه بروید[۲].

مؤلّف گوید که: این حدیث محمول بر تقیّه است؛ که اگر بسیار رفتن موجب ضرر باشد، سالی یک مرتبه بیشتر نروند.

و در **حدیث معتبر** دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: نماز می‌کنند نزد قبر امام حسین علیه السلام چهار هزار ملک از طلوع صبح تا غروب آفتاب، پس به آسمان می‌روند، و مثل ایشان نازل می‌شوند و نماز می‌کنند تا طلوع صبح.

پس سزاوار نیست مسلمانی را که تخلّف نماید از زیارت آن حضرت زیاده از چهار سال[۳].

و به **سند معتبر** از موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که: هرکه سالی سه مرتبه به زیارت امام حسین علیه السلام برود، از پریشانی ایمن گردد[۴].

و به **سند معتبر** منقول است که داود بن فرقد به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که: چه ثواب دارد کسی که هر ماه به زیارت امام حسین برود؟

فرمود که: او را است مثل ثواب صد هزار شهید از شهیدان بدر[۵].

و ***سید ابن طاووس*** ـ علیه الرحمة ـ نقل کرده است از محمد بن احمد بن داود که گفت: من همسایه‌ای داشتم که او را علیّ بن محمّد می‌گفتند، گفت که من هر ماه یک

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۲۹۷ ب ۹۸ ح ۱۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴ و۱۵ ح ۱۴ و۱۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۳۹ ش ۹۳۶.

۲ ـ کامل الزیارات: ۲۹۶ ب۹۸ ح۱۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۵ ح۱۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۳۶ ش ۱۱۲۰.

۳ ـ کامل الزیارات: ۲۹۶ ب۹۸ ح۱۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۵ ح۱۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۲۶ ش۹۰۹.

۴ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۸ ح۱۰۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۷ ح۲۳.

۵ ـ کامل الزیارات: ۱۸۳ ب ۷۴ ح ۴، مزار مفید: ۵۵ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۲۵ ح ۱۲۳، مزار کبیر: ۳۵۳، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۷ ح۲۴، وج ۱۰۱/ ۳۷ ح ۵۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۵۵ ش۹۵۸.

مرتبه به زیارت امام حسین ﷺ می‌رفتم، و چون سنّم بالا رفت و جسمم ضعیف شد مدّتی نرفتم؛ بعد از مدّتی پیاده روانه شدم و در مدت چند روز به کربلا رسیدم، و زیارت و نماز کردم. چون به خواب رفتم دیدم که حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ از قبر بیرون آمده است و به من می‌گوید که: چرا مرا جفا کردی، و پیشتر به من نیکو کار بودی.

گفتم: ای سیّد من چشمم ضعیف شده است، و پایم بی قوّت شده است، و در این وقت ترسیدم که آخر عمر من باشد، چند روز راه آمده‌ام تا به زیارت رسیده‌ام؛ و روایتی از شما به ما رسیده است می‌خواهم از شما بشنوم.

فرمود که: بگو.

گفتم: روایت می‌کنند که شما گفته‌اید که: هر که به زیارت من آید در حیات خود، من زیارت کنم او را بعد از وفات او.

فرمود که: بلی من گفته‌ام؛ و اگر او را در آتش جهنم بیابم از آتش بدر می‌آورم او را[۱].

مؤلّف گوید: موافق این اخبار معتبره، احوط آن است که آنها که نزدیک‌اند ـ مثل اهل بغداد و حلّه و نجف اشرف ـ هر ماه یک مرتبه به زیارت بروند اگر خوفی نباشد؛ و اقلّش هر چهار ماه یک مرتبه بروند، و با خوف سالی یک مرتبه. و اگر دور باشند هر سه سال یک مرتبه، و اگر بسیار دور باشند هر چهار سال یک مرتبه به زیارت بروند.

یا آنکه اغنیای متوسط الحال هر چهار سال یک مرتبه، و اغنیای بسیار مالدار هر سه سال یک مرتبه بروند.

---

۱ ـ الدروع الواقیه: ۵۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۶ ح ۱۹، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۲۱۸ ش ۱۰۸۴.

فصل دوم

در ثواب خالص گردانیدن نیّت در زیارت آن حضرت و اشتیاق به آن

به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: اگر مردم بدانند که چه فضیلت در زیارت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ هست، هرآینه بمیرند از اشتیاق، و جانهای ایشان پاره پاره شود از حسرت.

راوی گفت که: چه فضیلت دارد؟

فرمود که: هرکه به زیارت آن حضرت برود از روی نهایت شوق، بنویسد حق تعالی از برای او ثواب هزار حج مقبول، و هزار عمرهٔ مقبول، و اجر هزار شهید از شهیدان بدر، و مزد هزار روزه دار، و مزد هزار صدقهٔ مقبول، و ثواب آزاد کردن هزار بنده از برای خدا.

و تا یک سال محفوظ باشد از هر آفتی، خصوصاً از شیطان.

و موکّل گرداند حق تعالی به او ملکی راکه او را نگاه دارد از پیش رو، و از پشت سر، و از جانب راست، و از جانب چپ، و از بالای سر، و از زیر پای او.

و اگر در آن سال بمیرد، حاضر شوند فرشتگان رحمت نزد غسل دادن و کفن کردن او، و طلب آمرزش کنند از برای او، و مشایعت نمایند او را تا قبر او، و از برای او در راه استغفار کنند، و فراخ کنند قبر او را آنقدر که دیدهٔ او بیند، و ایمن گرداند حق تعالی او را از فشردن قبر و از ترسانیدن منکر و نکیر، و بگشایند دری از برای او به سوی بهشت، و در قیامت نامه‌اش به دست راستش دهند، و نوری حق تعالی به او عطا کند که روشن گرداند مابین مشرق و مغرب را، و منادی ندا کند که این از آنها است که

زیارت قبر امام حسین کرده‌اند از روی شوق و خواهش؛ پس احدی نماند در قیامت مگر آرزو کند که از زیارت کنندگان آن حضرت باشد[۱].

و به **سند صحیح** از محمد بن مسلم منقول است که گفت: عرض کردم به خدمت حضرت صادق که: چه ثواب دارد کسی که به زیارت قبر امام حسین ﷺ برود؟

فرمود که: هر که به زیارت آن حضرت برود از روی شوق و خواهش، از بندگان گرامی خداوند عالمیان باشد، و در قیامت در زیر علم امام حسین ﷺ باشد تا داخل بهشت شود[۲].

و به **سند معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: هر که زیارت کند حضرت امام حسین را از برای رضای خدا، نه از برای فخر و نه از برای طغیان و نه از برای شنیدن مردم، خالص و پاک گردد از گناهان چنانچه جامه که در آب شسته شود پاک می‌شود از چرک. و به هر گام که بگذارد ثواب حجّی، و بهر گام که بردارد ثواب عمره‌ای برای او نوشته شود[۳].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: هر که زیارت کند امام حسین را و حق آن حضرت را شناسد و غرضش رضای خدا و ثواب آخرت باشد، گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده شود.

و سه مرتبه سوگند یاد کردند بر این[۴].

و در **حدیث معتبر** دیگر وارد است که: جمعی از اهل خراسان به خدمت حضرت صادق ﷺ آمدند و سؤال کردند از فضیلت زیارت امام حسین صلوات الله علیه.

فرمود که: خبر داد مرا پدرم از جدّم که: هر که آن حضرت را زیارت کند و مرادش محض رضای خدا باشد، حق تعالی او را از گناهان بیرون آورد مانند فرزندی که از مادر متولّد شود، و مشایعت نمایند او را ملائکه در رفتار او، و بالها بر سرشان گسترده

۱ـ کامل الزیارات: ۱۴۲ ب ۵۶ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۸ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۹۹ ش ۸۵۵.

۲ـ کامل الزیارات: ۱۴۳ ب ۵۶ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۸ ح ۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۴۴ ش ۹۴۵.

۳ـ کامل الزیارات: ۱۴۴ ب ۵۷ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۹ ح ۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۸۹ ش ۱۰۲۵.

۴ـ کامل الزیارات: ۱۴۴ ب ۵۷ ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۹ ح ۴.

باشند تا به اهل خود برگردد؛ و ملائکه از پروردگار خود از برای او آمرزش سؤال کنند، و رحمت فرو گیرد او را و نازل شود بر او از اطراف آسمان، و ندا می‌کنند او را که: نیکو است حال تو، و نیکو است آن که او را زیارت کردی؛ و حق تعالی اهل او را حفظ نماید[۱].

و در **روایت معتبر دیگر** فرمود که: هرکه امام حسین را زیارت کند و او را امام واجب الاطاعه داند، نه از روی استنکاف و نه از روی تکبّر، نوشته شود برای او ثواب هزار حج مقبول و هزار عمرهٔ مقبول. و اگر شقیّ باشد سعادتمند گردد، و پیوسته در رحمت خدا فرو رود[۲].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: هرکه زیارت آن حضرت کند از برای رضای خدا، مشایعت نمایند او را جبرئیل و میکائیل و اسرافیل تا به منزل خود برگردد[۳].

و در **روایت دیگر** فرمود که: هرکه زیارت کند آن حضرت را از برای خدا و موافق فرمودهٔ خدا، آزاد گرداند حق تعالی او را از آتش جهنّم، و ایمن گرداند او را از بیم عظیم روز قیامت، و هر حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت که طلب نماید به او عطا کند[۴].

و به **سند معتبر** مروی است از حمران که گفت: رفتم به زیارت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ، چون برگشتم حضرت امام محمد باقر علیه السلام بدیدن من آمد و فرمود که: بشارت باد تو را ای حمران، که هرکه زیارت کند قبرهای شهیدان آل محمد را، و غرضش صله و احسان پیغمبر و تعظیم آن حضرت باشد، از گناه بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده بوده است[۵].

و به **سند معتبر** از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: چون روز قیامت درآید منادی ندا کند که: کجایند زیارت کنندگان حسین بن علی ـ صلوات الله علیهما ـ؟ پس

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۴۵ ب۵۷ ح۵ وص۱۵۴ ح۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۹ ح۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۹۶ ش۸۴۷.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۶۴ ب۵۷ ح۱۰، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۰ ح۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۸۳ ش۱۰۱۱.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۴۵ ب۵۷ ح۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۰ ح۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۲۵ ش۹۰۳.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۴۵ ب۵۷ ح۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۰ ح۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۳۲ ش۹۲۳.

۵ ـ امالی طوسی: ۲/ ۲۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۰ ح۱۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۰۳ ش۸۶۳.

برخیزند گروهی از مردم که احصا نتواند کرد عدد ایشان را به غیر از خدا؛ پس از ایشان پرسند که: به چه جهت و برای چه مطلب زیارت قبر آن حضرت کردید؟ گویند: پروردگارا برای محبت رسول خدا، و محبّت علی و فاطمة ـ صلوات الله علیهم ـ، و برای ترحّم و متاثّر شدن از ظلمی که بر آن حضرت واقع شده است.

پس ایشان گویند که: اینک محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین ـ صلوات الله علیهم ـ حاضراند، پس ملحق شوید به ایشان که شما با ایشان خواهید بود در درجه ایشان، ملحق شوید به علم رسول خدا ﷺ. پس آیند به زیر علم آن حضرت، و آن علم در دست امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ باشد، و در پیش و جانب راست و جانب چپ و عقب آن علم باشند تا همگی داخل بهشت شوند[۱].

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۴۱ ب ۵۵ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۱ ح ۱۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۴۳ ش ۹۴۳.

فصل سوم

در بیان آنکه زیارت آن حضرت معادل حجّ و عمره و جهاد است، و موجب مغفرت گناهان و خفّت حساب، و رفع درجات، و اجابت دعوات است و افضل اعمال است

به زیاده از صد سند **معتبر** از امام جعفر صادق ﷺ و امام موسی کاظم و سایر ائمه ﷺ منقول است که: زیارت حسین ﷺ، موجب آمرزش گناهان گذشته و آینده است[1].

و به سند **معتبر** از موسی بن جعفر ﷺ منقول است که: کمتر ثوابی که می‌دهند کسی را که امام حسین ﷺ را در کنار فرات زیارت کند ـ اگر حقّ و حُرمت و ولایت او را شناسد ـ آن است که گناهان گذشته و آینده‌اش را بیامرزند[2].

و به سند **معتبر** از حضرت صادق ﷺ منقول است که: هر که زیارت کند قبر ابی‌عبدالله‌الحسین ـ صلوات الله علیه ـ را، و داند که او امامی است که طاعتش بر بندگان فرض است، بیامرزد خدا گناهان گذشته و آینده او را، و قبول کند شفاعت او را درحق هفتاد گناهکار، و هر حاجت که از خدا نزد قبر آن حضرت سؤال نماید البته برآورده شود[3].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: چون شخصی به زیارت امام حسین ﷺ

---

۱ ـ نگاه کن: کامل الزیارات: ۱۵۲ ـ ۱۵۴ ب ۶۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۱ باب انّ زیارته صلوات الله علیه یوجب غفران الذنوب.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۸۲ ح ۹، کامل الزیارات: ۱۳۸ ب ۵۴ ح ۳، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۱ ح ۳۱۷۸، ثواب الاعمال: ۱۱۱ ح ۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۴ ح ۱۹ و ۲۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۲۰۳ ش ۱۰۴۹.

۳ ـ امالی صدوق: ۴۷۰ م ۸۶ ح ۱۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۰۸ ح ۱۹۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۴۱ ش ۹۳۹.

بیرون رود، در گام اوّل که بر می‌دارد گناهانش آمرزیده می‌شود، پس پیوسته او را مقدّس و مطهّر می‌گردانند تا برسد به ضریح مقدّس آن حضرت، پس حق تعالی با او مناجات می‌کند که: ای بنده من، سؤال کن از من تا عطا کنم، دعا کن تا مستجاب کنم، طلب نما تا ببخشم، حاجتی بطلب تا برآورم.

و بر خدا لازم است که آنچه وعده فرماید عطا کند[1].

و در **روایت دیگر** فرمود که: هرکه پیاده به زیارت آن حضرت برود، بنویسد حق تعالی برای او به هر گامی که بردارد حسنه‌ای، و محو کند از او گناهی، و بلند گرداند از برای او در بهشت درجه‌ای.

پس چون به نزد آن حضرت آید، حق تعالی موکّل گرداند به او دو ملک را، که بنویسند هرچه بیرون می‌آید از دهان او از سخن خیر، و ننویسند سخنان بد را؛ پس چون برگردد او را وداع کنند و گویند: ای دوست خدا آمرزیده شدی، تو از گروه خدا و گروه رسول خدا و گروه اهل بیت رسولی! والله که آتش جهنم را به چشم خود نخواهی دید هرگز، و آتش جهنم نخواهد دید تو را، و طعمهٔ او نخواهی گردید[2].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: هرکه از شیعیان ما حضرت امام حسین را زیارت کند، بر نگردد مگر همه گناهانش آمرزیده شود؛ و نوشته شود برای او به هرگامی که بردارد، و هر دستی که چهار پایش بردارد، هزار حسنه، و محو کنند از او هزار گناه، و بلند کنند از برای او هزار درجه[3].

و در **حدیث دیگر** منقول است که حضرت صادق عليه السلام به عبدالله بن النجار فرمود که: می‌روید به زیارت امام حسین، و به کشتی سوار می‌شوید؟

گفت: بلی.

فرمود که: آیا نمی‌دانی که چون کشتی به تلاطم می‌آید و می‌گردد، ندا می‌کنند

۱ـ کامل الزیارات: ۱۳۲ ب ۴۹ ح ۲، ثواب الاعمال: ۱۱۷ ح ۳۲، مزار مفید: ۳۱ ح ۲، مزار کبیر: ۳۴۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۴ ح ۲۱ و ۲۲، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۳/ ۱۱۸ ش ۸۹۲.

۲ـ کامل الزیارات: ۱۳۳ ب ۴۹ ح ۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۴ ح ۲۴، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۳/ ۱۱۴ ش ۸۸۵.

۳ـ کامل الزیارات: ۱۳۴ ب ۴۹ ح ۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۵ ح ۲۶، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۳/ ۱۱۷ ش ۸۸۹.

شما را که: خوشا حال شما، و نیک است بهشت از برای شما![1]

و به **سند موثق** دیگر مروی است که فرمود که: زیارت کنندگان قبر حسین بن علی علیه السلام چهل سال پیش از سایر مردم داخل بهشت می‌شوند، و مردم در موقف مشغول حساب‌اند[2].

و در **حدیث صحیح** دیگر فرمود که: هرکه به زیارت آن حضرت برود به سبب اشتیاق به زیارت، بنویسد خدا او را در قیامت از ایمنان از اهوال آن روز، و نامه‌اش به دست راست او داده شود، و او در زیر عَلَم حسین بن علیّ باشد تا داخل بهشت شود، و ساکن گردد در درجهٔ آن حضرت از بهشت[3].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: زیارت کننده حسین ـ صلوات الله علیه ـ گناهانش را جسری می‌گردانند بر در خانه‌اش، و بر روی آن می‌گذرد و آن را عقب خود می‌گذارد[4].

و به **سند معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: هرکه خواهد که در روز قیامت در کرامت خدا و در شفاعت محمّد صلی الله علیه و آله باشد، باید که زیارت کنندهٔ حسین علیه السلام باشد، تا بیابد از خدا بهترین کرامتها و ثواب نیکو، و از او نپرسند گناهی را که در زندگانی دنیا کرده باشد، اگر چه گناهانش به عدد ریگ بیابان عالج و کوههای تهامه و کف دریاها بوده باشد؛ به درستی که کشته شدند آن حضرت و اهل بیت و اصحاب او مظلوم و مقهور و تشنه[5].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: در روز قیامت منادی ندا کند که: کجایند شیعیان آل محمد؟

پس برخیزند گروهی از مردم که عدد ایشان را نداند به غیر از خدا، پس بایستند در ناحیه‌ای از مردم.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۳۵ ب ۴۹ ح ۱۰، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۵ ح ۲۷.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۳۷ ب ۵۳ ح ۱، مصباح الزّائر: ۵۲۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۶ ح ۳۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۲۹ ش ۹۱۶.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۴۲ ب ۵۶ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۶ ح ۳۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۳۰ ش ۹۱۸.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۵۲ ب ۶۲ ح ۱، ثواب الاعمال: ۱۱۶ ح ۳۰، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۶ ح ۳۲.

۵ ـ کامل الزیارات: ۱۵۳ ب ۶۲ ح ۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۷ ح ۳۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۳۰ ش ۹۱۹.

پس منادی ندا کند که: کجایند زیارت کنندگان قبر حسین؟

پس برخیزند جماعت بسیار.

پس به ایشان گویند که: بگیرید دست هرکه را می‌خواهید و با خود به بهشت ببرید.

پس بگیرد هریک از ایشان هرکس را که خواهد؛ حتی آنکه مردی از سایر مردم آید به سوی یکی از زائران و گوید: مرا نمی‌شناسی؟ من آنم که فلان روز ازبرای تو فلان کار کردم.

پس او را داخل بهشت کند، و کسی مانع او نشود[1].

و در **روایت دیگر** فرمود که: خدا را در هر روز و شب صد هزار نظر به سوی اهل زمین هست، که می‌آمرزد هر که را می‌خواهد، و عذاب می‌کند هر که را می‌خواهد.

و می‌آمرزد به خصوص زیارت کنندگان قبر حسین بن علی را، و اهل بیت ایشان را، و هرکه شفاعت کنند ایشان از برای او در روز قیامت، هرچند مستوجب آتش جهنم شده باشد، مادام که ناصبی و دشمن اهل بیت نباشد[2].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: چون زیارت کنندهٔ آن حضرت از خانهٔ خود به عزم زیارت بیرون می‌آید، اگر پیاده است به هر گامی حسنه‌ای برای او نوشته می‌شود و گناهی از او محو می‌شود؛ و اگر سواره است، به هرگامی که چهار پای او بر می‌دارد حسنه‌ای نوشته می‌شود و گناهی محو می‌شود؛ پس چون داخل حایر می‌شود، می‌نویسد خدا او را از جملهٔ رستگاران و جملهٔ فیروزی یافتگان؛ و چون از اعمال زیارت فارغ می‌شود، می‌نویسد خدا او را از آنها که به ثوابهای غیر متناهی فائز گردیده‌اند، پس چون خواهد برگردد، ملکی به نزد او می‌آید و می‌گوید که: رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را سلام می‌رساند و می‌گوید که: عمل را از سر گیر که گناهان گذشتهٔ تو را آمرزیدند[3].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۶۶ ب ۶۸ ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۷ ح ۳۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۴۲ ش ۹۴۱.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۶۶ ب ۶۸ ح ۵ و ۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۷ ح ۳۴ و ۳۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۴۱ ش ۹۳۸.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۳۲ ب ۴۹ ح ۱، ثواب الاعمال: ۱۱۶ ح ۳۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۳ ح ۸۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۷ و ۲۸ ح ۳۶ و ۳۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۱۶ ش ۸۸۸.

و در **احادیث بسیار** از ائمّه ابرار علیهم السلام منقول است که: زیارت حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ برابر است با حج مقبول.

و در **اخبار بی‌شمار** وارد است که: برابر است با عمرهٔ مقبوله.

و در **حدیث معتبر** مروی است که حضرت صادق علیه السلام به ابوسعید مداینی فرمود که: برو به نزد قبر حسین فرزند رسول خدا ـ صلوات الله علیهما ـ نیکترین نیکان و پاکترین پاکان و نیکوکارترین نیکوکاران، که چون زیارت کنی آن حضرت را نوشته می‌شود برای تو ثواب بیست و دو عمره[1]، و بیست و پنج حجّ[2]، و بیست و پنج بنده آزاد کردن[3].

و به **سندهای بسیار** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هرگاه ارادهٔ حجّ نمایی و تو را میسّر نشود، به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام برو، که ثواب حج برای تو نوشته می‌شود.

و هرگاه ارادهٔ عمره نمایی و تو را میسّر نشود، به زیارت آن حضرت برو که ثواب عمره برای تو نوشته می‌شود[4].

و در چند **حدیث معتبر** فرمود که: برابر است با حجّی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده باشند[5].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: برابر است با ده حجّ و ده عمره[6].

و به **سند معتبر** منقول است از ابن ابی یعفور که روزی حضرت صادق علیه السلام از بعضی شیعیان خود سؤال نمود که: آیا زیارت می‌کنی حضرت امام حسین علیه السلام را؟

گفت بلی، در هر سه سال یک مرتبه زیارت می‌کنم.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۵۴ ب۶۳ ح ۲، ثواب الاعمال: ۱۱۲ ح ۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۸ ح ۳ بنقل از کامل الزیارات: بیست و دو حج.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۸۱ ح ۴، کامل الزیارات: ۱۶۱ ب ۶۶ ح ۲، ثواب الاعمال: ۱۱۷ ح ۳۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۱ ـ ۴۲ ح ۷۰ ـ ۷۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۸۴ ش ۱۰۱۲.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۶۴ ـ ۱۶۵ ب ۶۷ ح ۲، ثواب الأعمال: ۱۱۲ ح ۱۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۴ ح ۳۶ ـ ۳۸.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۵۶ ب ۶۴ ح ۳ و ۴، وص ۱۵۸ ب ۶۵ ح ۲، مصباح المتهجّد: ۷۱۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۱ ح ۱۹ ـ ۲۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۸۵ ش ۱۰۱۵.

۵ ـ کامل الزیارات: ۱۵۷ ب ۶۵ ح ۶ و ۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۱ ح ۲۳ و ۲۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۹۷ ش ۸۵۰.

۶ ـ کامل الزیارات: ۱۶۰ ب ۶۵ ح ۱۱، ثواب الاعمال: ۱۱۲ ح ۱۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۲ ح ۳۰ وص ۳۹ ح ۵۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۹۷ ش ۸۵۱ وص ۱۸۲ ش ۱۰۰۹.

پس رنگ مبارک آن حضرت زرد شد و فرمود که: والله که اگر زیارت آن حضرت می‌کردی بهتر بود از برای تو از این حج که کرده‌ای.

گفت: فدای تو شوم، این قدر فضیلت دارد؟!

فرمود: بلی، والله که اگر بگویم به شما فضیلت زیارت و قبر آن حضرت را، هرآینه ترک حج خواهید کرد، و احدی از شما حج نخواهد کرد؛ مگر نمی‌دانی که حق تعالی کربلا را حرم آمن مبارک گردانید، پیش از آنکه مکّه را حرم گرداند؟![1]

و در **روایت معتبر** دیگر فرمود که: هرکه زیارت قبر آن حضرت بکند و عارف به حق او باشد، چنان است که صد حج با رسول خدا ﷺ کرده باشد[2].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: حق تعالی برای او ثواب هشتاد حج مقبول می‌نویسد[3].

و به **روایت دیگر**: ثواب بیست حجّ و بیست عمره و بیست جهاد، که هریک با پیغمبر مرسل و امام عادل کرده باشد[4].

و به **سند معتبر** ازآن حضرت منقول است که: روزی حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ در دامن رسول خدا ﷺ بود، و آن حضرت با او بازی می‌کرد و می‌خندید.

عایشه گفت که: یا رسول الله، چه بسیار خوش می‌آید تو را این طفل و دوست می‌داری او را!

فرمود که: چگونه خوشم نیاید و دوست ندارم او را و او میوهٔ دل من است و سُرور دیدهٔ من است، و به درستی که امّت من او را خواهند کشت، و هرکه او را بعد از وفات او زیارت کند حق تعالی برای او ثواب یک حجّ از حجّهای من بنویسد.

پس عایشه بر سبیل استبعاد گفت: یا رسول الله یک حجّ از حجّهای تو!

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۲۶۶ ب۸۸ ح۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۳ ح۳۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۱۸۲ ش ۱۰۱۰.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۶۲ ب۶۶ ح۵، ثواب الاعمال: ۱۱۸ ح۳۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۳ ح۳۴، وص۴۲ ح۷۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۱۷۶ ش۹۹۴.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۶۲ ب۶۶ ح۶، ثواب الاعمال: ۱۱۸ ح۳۹، مزار مفید: ۳۸ ح۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۴ ح۳۵ وص۴۲ ح۷۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۱۷۹ ش۱۰۰۳.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۶۹ ب۷۰ ح۱، وص۱۸۳ ب۷۴ ح۱، ثواب الاعمال: ۱۱۵ ح۲۵، امالی صدوق: ۱۲۳ م۲۹ ح۱۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۴ ح۳۹ ـ ۴۱ وص۸۵ ح۱ ـ ۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۱۹۸ ش۱۰۳۷.

فرمود که: بلی، و دو حجّ از حجّهای من. گفت: یا رسول الله دو حجّ از حجّهای تو!

فرمود که: بلی، و چهار حجّ.

و همچنین عایشه استبعاد می‌کرد و حضرت زیاد می‌کرد، تا رسید به نود حجّ از حجّهای رسول صلی الله علیه و آله، که هر حج با عمره باشد[1].

و به **سند معتبر** دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هرکه پیاده به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود، به هر قدمی که بردارد و بگذارد، ثواب یک بنده آزاد کردن از فرزندان اسماعیل در نامهٔ عملش بنویسند[2].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: حق تعالی نظر رحمت می‌کند به سوی زائران حسین علیه السلام پیش از اهل عرفات، و حاجتهای ایشان را بر می‌آورد، و گناهان ایشان را می‌آمرزد، و دعاهای ایشان را مستجاب می‌گرداند، پس نظر به اهل عرفات می‌کند و نسبت به ایشان نیز چنین می‌کند[3].

و به **سند معتبر** منقول است از موسی بن القاسم که گفت: چون حضرت صادق علیه السلام در اول خلافت ابو جعفر دوانیقی به عراق تشریف آورد، در نجف فرود آمد و فرمود که: ای موسی برو و بر سر راه بایست و نظر کن، شخصی خواهد آمد از ناحیه قادسیّه، چون به نزدیک تو رسد بگو: در اینجا شخصی هست از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و تو را می‌طلبد.

پس رفتم و بر سر راه ایستادم، و گرما شدید بود؛ پس پیوسته ایستاده بودم تا آنکه نزدیک شد که مخالفت آن حضرت کنم و برگردم، ناگاه دیدم که شخصی از دور می‌آید و بر شتری سوار است، چون نزدیک شد گفتم: اینجا شخصی از اولاد رسول هست و تو را می‌طلبد، و پیش از آنکه تو بیایی مرا خبر داده که تو خواهی آمد.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۶۸ ب ۲۲ ح ۱، امالی طوسی: ۲/ ۲۸۰، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۵ ح ۴۳ وج ۴۴/ ۲۶۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۸۹ ش ۸۳۱.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۳۴ ب ۴۹ ح ۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۶ ح ۴۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۱۵ ش ۸۸۶.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۶۵ ب ۶۸ ح ۱ وص ۱۷۰ ب ۷۰ ح ۴، ثواب الاعمال: ۱۱۶ ح ۲۸، مصباح المتهجّد: ۷۱۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۶ ـ ۸۷ ح ۱۰ ـ ۱۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۰۱ ش ۱۰۴۵.

پس همراه من آمد، و چون در خیمه حضرت داخل شد من نزدیک خیمه ایستادم.

حضرت از او پرسید که: از کجا می‌آیی؟

گفت: از اقصای بلاد یمن.

حضرت از باب اعجاز فرمود که: از فلان موضعی؟

گفت: بلی.

فرمود که: از برای چه به اینجا آمده‌ای؟

گفت: برای زیارت امام حسین عليه‌السلام.

فرمود که: هیچ مطلب دیگر به غیر از زیارت نداشتی؟

گفت: نه، هیچ مطلب نداشتم به غیر از آنکه نماز کنم نزد آن حضرت، و او را زیارت کنم، و سلام کنم بر او، و به سوی اهل خود برگردم.

حضرت فرمود که: شما چه ثواب می‌دانید در زیارت آن حضرت؟

گفت: ما این را می‌دانیم که برکت بهم می‌رسد در جان و زنان و فرزندان ما، و مال و معاش ما، و برآورده می‌شود حاجتهای ما.

حضرت فرمود که: آیا زیاده نگویم فضیلت زیارت آن حضرت را؟

گفت: زیاده بفرما یا ابن رسول الله.

فرمود که: زیارت آن حضرت برابر است با یک حجّ مقبول پاک پسندیده، که با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بجا آورده باشند.

آن شخص تعجّب کرد.

حضرت فرمود که: بلی والله، و دو حجّ چنین که با حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله کرده باشند.

پس پیوسته او تعجّب می‌کرد و حضرت زیاده می‌کرد، تا به سی حجّ رسید[1].

و در چند حدیث وارد شده است که حضرت صادق عليه‌السلام از شخصی سؤال نمود که: چند حجّ کرده‌ای؟ گفت نوزده حجّ. فرمود که: اگر بیست حجّ تمام کنی، از برای تو

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۶۲ ب ۶۶ ح ۷، ثواب الأعمال: ۱۱۸ ح ۴۰، مزار کبیر: ۳۳۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۷ و ۳۸ ح ۵۲ و ۵۳، موسوعة زیارات المعصومین عليهم‌السلام: ۳/ ۱۹۱ ش ۱۰۲۷.

به یک زیارت حضرت امام حسین علیه‌السلام حساب می‌شود[1].

و در **چند روایت** وارد است که: بهتر است از بیست حجّ و بیست عمرهٔ مقبول[2].

و در **روایت دیگر** وارد شده است که: شخصی از آن حضرت سؤال کرد ـ از روی تعجّب ـ که شنیده‌ام که فلان شخص به شما عرض کرده است که من نوزده حجّ و نوزده عمره کرده‌ام، شما فرموده‌اید که یک حج و یک عمرهٔ دیگر بکن تا ثواب زیارت قبر امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ در نامهٔ عملت نوشته شود.

حضرت فرمود که: کدام را دوست‌تر می‌داری، که بیست حج و بیست عمره بکنی، یا با امام حسین محشور شوی؟

گفت: بلکه این را دوست‌تر می‌دارم که با آن حضرت محشور شوم.

فرمود که: پس زیارت آن حضرت بکن تا با او محشور شوی[3].

و به **سند معتبر** منقول است که حضرت امام رضا علیه‌السلام به یونس فرمود که: هر که زیارت حضرت امام حسین علیه‌السلام بکند، پس حجّ و عمره کرده است.

یونس گفت که: حجّة الاسلام از او ساقط می‌شود؟

فرمود که: این به عوض حجّة الاسلام است برای کسی که استطاعت حجّ نداشته باشد، و چون مستطیع شود می‌باید به حجّ برود؛ مگر نمی‌دانی که هر روز هفتاد هزار ملک طواف می‌کنند دور کعبه تا شب، پس بالا می‌روند، و هفتاد هزار ملک دیگر نازل می‌شوند و طواف می‌کنند تا صبح. و به درستی که حسین گرامی‌تر است نزد خدا از کعبه؛ و در وقت هر نماز نازل می‌شوند هفتاد هزار ملک ژولیده مو و گرد آلوده، و نوبت به ایشان نمی‌افتد تا روز قیامت[4].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۶۱ ب ۶۶ ح ۳، ثواب الاعمال: ۱۱۸ ح ۳۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۲ ح ۷۳ و ۷۴.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۸۰ ح ۲ وص ۵۸۱ ح ۳، کامل الزّیارات: ۱۶۰ ب ۶۵ ح ۱۵ وص ۱۶۳ ب ۶۶ ح ۸، تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۷ ح ۱۰۲، ثواب الاعمال: ۱۱۹ ح ۴۱، مزار کبیر: ۳۳۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۰ ح ۶۲ ـ ۶۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۱۸۹ ش ۱۰۲۶.

۳ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۷ ح ۱۰۵، مصباح الزائر: ۱۹۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۸ ح ۵۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۱۷۷ ش ۹۹۷.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۵۹ ب ۶۵ ح ۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۰ ح ۶۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۲۰۸ ش ۱۰۶۱.

و در **روایت معتبر** دیگر وارد شده است که مسعده به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که: چه ثواب است کسی را که زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام را؟

فرمود که: نوشته می‌شود برای او ثواب حجّی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده باشند.

راوی تعجب کرد.

حضرت فرمود که: دو حجّ چنین. و همچنین زیاد می‌فرمود تا به پنجاه حجّ رسید و ساکت شد[۱].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: هرکه زیارت کند حسین بن علی را و عارف به حق آن حضرت باشد، حق تعالی بنویسد از برای او ثواب کسی که هزار بنده آزاد کرده باشد، و هزار اسب با زین و لجام به جهاد فی سبیل الله فرستاده باشد[۲].

مؤلّف گوید که: این اختلافها که در فضیلت زیارت آن حضرت وارد شده است، یا محمول است بر اختلاف اشخاص و زیارات؛ زیرا که دوری و نزدیکی راه، و قلّت و کثرت خوف، و سایر شدّتها و مشقّتها، و قلّت و کثرت معرفت آن حضرت، و تفاوت مراتب اخلاص و نیّتها و تقوی و پرهیز کاری، و سایر شرایط قبول عمل در زیادتی و کمی ثواب دخل عظیم دارند.

یا محمول است بر اختلاف عقول مردم، چنانچه از بعضی احادیث ظاهر می‌شود.

یا بر تفاوت حجّها و عمره‌ها، و بنده آزاد کردن‌ها، چنانچه از بعضی روایات نیز مُستفاد می‌شود.

یا به اعتبار حمل بعضی بر ثواب تفضّلی، و بعضی بر ثواب استحقاقی؛ والله یعلم.

و به **اسانید معتبره** بسیار از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: زیارت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ بهترین اعمال و محبوبترین عبادات است نزد خدا[۳].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۶۳ ب ۶۶ ح ۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۳ ح ۷۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۸۴ ش ۱۰۱۴.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۸۱ ح ۵، کامل الزیارات: ۱۶۴ ب ۶۷ ح ۱، مزار مفید: ۳۸ ح ۲، ثواب الاعمال: ۱۲ ح ۱۳، تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۴ ح ۹۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۳ ح ۸۱ ـ ۸۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۵۴ ش ۹۵۵.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۴۶ ب ۵۸ ح ۱ ـ ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۹ ح ۱ ـ ۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۵۵ ش ۹۵۷.

فصل چهارم

دربیان آنکه زیارت آن حضرت موجب طول عمر و حفظ بدن و مال و زیادتی روزی و برآمدن حاجات است و آنچه خرج کنند به اضعاف آن عوض می‌یابند

به چندین **سند معتبر** از حضرت صادق‌ؑ منقول است که فرمود به جمعی از اصحاب خود که: در پهلوی شما قبری هست که هیچ دردناک و غمگینی به نزد آن نمی‌رود مگر حق تعالی غمش را زائل می‌گرداند، و حاجتش را بر می‌آورد. و نزد او چهار هزار ملک هستند که از روزی که آن حضرت شهید شده است، ژولیده مو و غبار آلوده بر او می‌گریند تا روز قیامت؛ پس هرکه به زیارت آن حضرت می‌آید مشایعت او می‌نمایند تا به مأمن خود برسد، و هرکه بیمار شود از زائران، عیادت او می‌کنند؛ و هرکه بمیرد، از پی جنازه‌اش می‌روند[1].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: حسین ؑ شهید شده است مکروب و غمگین، و لازم است بر خدا که هر غمگین که به زیارت آن حضرت برود خوشحال برگردد[2].

و به **سند معتبر** از حضرت امام محمد باقر ؑ منقول است که: حسین شهید کربلا ـ صلوات الله علیه ـ مظلوم و غمناک و با شدّت و الم و تشنگی و اضطرار شهید شده است؛ پس حق تعالی قسم به ذات مقدّس خود خورده است که هر مضطرّ و مکروب و غمگین و گناهکار و تشنه و دردناک و بیماری که به زیارت آن حضرت

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۶۷ ب ۶۹ ح ۲ وص ۱۹۰ ب ۷۷ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۵ ح ۲ وص ۵۵ ح ۲۰، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۳/ ۱۳۱ ش ۹۲۰.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۶۷ ب ۶۹ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۵ ح ۳.

برود، و نزد آن حضرت دعا کند و تقرّب جوید به درگاه خدا به آن حضرت، البته حق تعالی غمش را برطرف کند، و سؤالش را عطا کند، و گناهش را بیامرزد، و عمرش را دراز گرداند، و روزیش را فراخ گرداند؛ پس عبرت گیرید ای صاحبان بصیرتها[1].

و به سند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که فرمود که: ولایت ما را عرض کردند بر اهل شهرها، پس قبول نکردند مثل قبول کردن اهل کوفه، به سبب این که قبر امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ در آنجا است، و در پهلوی آن قبر دیگر هست ـ یعنی قبر امام حسین صلوات الله علیه ـ، که هرکه نزد آن قبر حاضر شود و دو رکعت یا چهار رکعت نماز بکند پس حاجتی از خدا بطلبد، البته آن حاجت برآورده می‌شود؛ و هر روز هزار ملک دور قبر آن حضرت حاضر می‌شوند[2].

و به سند معتبر منقول است که عبدالله بن ابی یعفور به خدمت حضرت صادق علیه السلام رفت و گفت: شوق خدمت شما مرا باعث شده که مشقّت بسیار کشیدم تا به ملازمت رسیدم.

حضرت فرمود که: شکایت مکن از پروردگار خود، چرا نرفتی نزد کسی که حقش بر تو زیاده از حق من است؟

گفت: کیست آن که حقش بر من از شما بیشتر است؟

فرمود که: حسین بن علی ـ صلوات الله علیهما ـ چرا نرفتی به حایر آن حضرت که خدا را دعا کنی نزد او، و به سوی او شکایت کنی حاجتهای خود را[3]؟.

و به چندین سند منقول است از آن حضرت که: کمتر چیزی که برای زیارت کننده حضرت امام حسین علیه السلام حاصل می‌شود، آن است که خدا جان و مالش را حفظ کند تا او را به اهل خود برگرداند، و چون روز قیامت شود خدا او را حافظتر خواهد بود از دنیا[4].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۶۸ ب ۶۹ ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۶ ح ۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۰۰ ش ۸۵۷.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۶۸ ب ۶۹ ح ۷، ثواب الاعمال: ۱۱۴ ح ۲۰، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۶ ح ۶ و ص ۱۴۰ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۲/ ۱۷ ش ۴۶۴ و ص ۳۰ ش ۴۹۷.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۶۸ ب ۶۹ ح ۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۶ ح ۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۳۲ ش ۹۲۲.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۳۳ ب ۴۹ ح ۵، ثواب الاعمال: ۱۱۶ ح ۲۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۶ ح ۸ و ص ۷۸ ح ۳۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۲۸ ش ۹۱۳.

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: ایّام زیارت آن حضرت را به حساب عمر نمی‌شمارند[۱].

و به **سند صحیح** از آن حضرت منقول است که: هرکه یک سال بر او بگذرد و به زیارت قبر امام حسین ﷺ نرود، خدا یک سال از عمرش کم کند؛ و اگر گویم که بعضی از شما سی سال پیش از اجل خود می‌میرند هرآینه راستگو خواهم بود، به سبب اینکه ترک زیارت آن حضرت می‌کنید.

پس ترک زیارت آن حضرت مکنید تا عمرهای شما زیاده شود، و روزی شما فراخ شود. و اگر ترک زیارت آن حضرت کنید، کم می‌کند خدا از عمر و روزی شما. پس سعی کنید و رغبت نمایید در زیارت آن حضرت و ترک مکنید، که آن حضرت گواه شما خواهد بود نزد خدا و رسول خدا و فاطمه و امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیهم[۲] ـ.

و به **سند معتبر** دیگر منقول است از عبد الملک خثعمی که حضرت صادق ﷺ فرمود که: ای عبد الملک! ترک مکن زیارت حسین بن علی ﷺ را، و امر کن اصحابت را به زیارت آن حضرت، تا خدا عمرت را دراز کند، و روزیت را زیاد کند، و زنده دارد تو را سعادتمند، و بمیراند تو را سعادتمند، و بنویسد تو را از سعادتمندان[۳].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: زیارت کنید حسین را اگرچه سالی یک مرتبه باشد، که هرکه زیارت کند او را و حقّ او را شناسد و إنکار امامت او و فرزندان او ننماید، او را عوضی نیست به غیر از بهشت، و روزی یابد روزیِ فراخ، و حق تعالی از جانب خود فرَجی نزدیک به او کرامت فرماید[۴].

و به **روایت دیگر** فرمود که: هرکه زیارت قبر حسین ﷺ نکند، محروم شده

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۳۶ ب ۵۱ ح ۱، مزار مفید: ۳۲ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۳ ح ۹۰، مزار کبیر: ۳۴۲، مصباح الزائر: ۱۹۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۷ ح ۱۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۵۹ ش ۹۶۳.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۵۱ ب ۶۱ ح ۲، مزار مفید: ۳۲ ح ۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۳ ح ۹۱، مزار کبیر ۳۴۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۷ ح ۱۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۰۱ ش ۸۵۸.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۵۱ ب ۶۱ ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۷ ح ۱۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۵۳ ش ۹۵۱.

۴ ـ کامل الزیارات: ۸۵ ب ۲۷ ح ۱۳، وص ۱۵۱ ب ۶۱ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲ ح ۳ وص ۴۷ ح ۱۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۲۴ ش ۹۰۱.

است از خیر بسیار، و یک سال از عمرش کم می‌شود[۱].

و به **سند صحیح** منقول است که حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ فرمود که: من کشته و شهیدم که هرکه مرا یاد کند می‌گرید، و با شدّت و غم کشته خواهم شد؛ و بر خدا لازم است که نیاید غمگینی به زیارت من، مگر خدا او را شاد به اهلش برگرداند[۲].

و به **سند معتبر** منقول است که عبدالله بن سنان به حضرت صادق ﷺ عرض کرد که: فدای تو شوم، پدرت می‌فرمود که درهمی که در حج صرف می‌کنند به هزار درهم حساب می‌شود؛ چه ثواب دارد کسی که خرج کند مالی را در راه زیارت پدرت حسین ـ صلوات الله علیه ـ؟

فرمود که: حساب می‌شود برای او به هر درهمی ده هزار درهم، و ده هزار درجه از برای او بلند می‌کنند، و خشنودی خدا برای او بهتر است، و دعای حضرت رسول و امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین ـ صلوات الله علیهم اجمعین ـ برای او بهتر است[۳].

و در **حدیث معتبر** منقول است که صفوان جمّال از آن حضرت پرسید که: چه ثواب دارد کسی که شخصی را کارسازی کند و خرجی بدهد و به زیارت فرستد، و خود برای علّتی و عذری نرود.

فرمود که: عطا می‌کند خدا به او به عوض هر درهمی که خرج کرده است مانند کوه احد از حسنات؛ و عوض می‌دهد او را اضعاف آنچه صرف کرده است، و دفع می‌کند از او بلاها را که نازل می‌شود، و حق تعالی مالش را حفظ می‌نماید[۴].

و در **حدیث معتبر** دیگر پرسیدند که: چه ثواب دارد کسی که مالی خرج کند در راه زیارت آن حضرت، یا در ایّامی که نزد قبر آن حضرت است؟

فرمود که: هر درهمی به هزار درهم حساب می‌شود[۵].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۵۱ ب ۶۱ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۸ ح ۱۵، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۶۰ ش ۹۶۴.

۲ ـ ثواب الاعمال: ۱۲۳ ح ۵۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۴۸ ح ۱۶، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۹۳ ش ۸۴۱.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۲۸ ب ۴۸ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۵۰ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۴۶ ش ۹۴۸.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۲۹ ب ۴۶ ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۰ ح ۴۰.

۵ ـ کامل الزیارات: ۱۲۳ ب ۴۴ ضمن ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۷۸ ضمن ح ۳۹، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۴۷ ش ۹۴۹.

فصل پنجم

در بیان آنکه پیغمبران و اوصیای ایشان و ائمه معصومین و ملائکه ـ صلوات الله علیهم اجمعین ـ به زیارت آن حضرت می‌آیند و دعا از برای زیارت کنندگان آن حضرت می‌کنند و ایشان را بشارتها می‌دهند

به **سندهای موثّق** از حضرت صادق ﷺ منقول است که: حق تعالیٰ موکّل گردانیده است به قبر حضرت امام حسین ﷺ هفتاد هزار ملک را که ژولیده و گرد آلوده‌اند، از روزی که شهید شده است آن حضرت تا آنکه قائم آل محمد ـ صلوات الله علیه ـ ظاهر شود، و صلوات بر آن حضرت می‌فرستند، و دعا می‌کنند برای هرکه زیارت کند آن حضرت را، و می‌گویند: پروردگارا ایشان زیارت کنندگان حسین اند، چنین کن و چنین کن با ایشان[1].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: حضرت فاطمه زهرا ـ صلوات الله علیها ـ حاضر می‌شود نزد زیارت کنندگان قبر پسرش حسین ـ صلوات الله علیه ـ و استغفار می‌کند برای ایشان[2].

و به **سند صحیح** و معتبر از آن حضرت منقول است که فرمود که: خداوند عالمیان موکّل گردانیده است به قبر حسین بن علی ﷺ هفتاد هزار ملک را، که یک نماز یکی از ایشان برابر است با هزار نماز از نماز آدمیان، و ثواب نماز ایشان از برای زیارت کنندگان قبر آن حضرت است[3].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۱۹ ب ۴۱ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۵۴ ح ۱۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۲۵ ش ۹۰۶.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۱۸ ب ۴۱ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۵۵ ح ۱۴، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۳۸ ش ۹۳۳.

۳ ـ کامل الزیارات: ۸۶ ب ۲۷ ح ۱۴ وص ۱۲۱ ب ۴۲ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۵۵ ح ۱۵ وص ۵۶ ح ۲۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۲۶ ش ۹۰۷.

و به **سندهای صحیح** و موثّق و معتبر بسیار از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: حق تعالی چهار هزار ملک را مقرّر فرموده است نزد قبر حسین بن علی علیه السلام ژولیده مو و گرد آلوده از روزی که آن حضرت شهید شده است، که بر آن حضرت گریه می‌کنند، و هرکه به زیارت می‌آید او را استقبال می‌کنند، و چون بر می‌گردد او را مشایعت می‌کنند، و اگر بیمار شود به عیادتش می‌روند، و اگر بمیرد به جنازه‌اش حاضر می‌شوند، و از برای ایشان طلب آمرزش و دعا می‌کنند؛ و سرکرده ایشان ملکی است که او را منصور می‌گویند[1].

و به **سند موثّق** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: حق تعالی چهار هزار ملک را موکّل گردانیده است که به هیئت اصحاب مصیبت بر آن حضرت می‌گریند از طلوع صبح تا ظهر، و چون ظهر می‌شود ایشان بالا می‌روند و چهار هزار ملک دیگر نازل می‌شوند و گریه می‌کنند تا طلوع صبح، و گواه می‌شوند برای هرکه به زیارت آن حضرت می‌آید که وفا به عهد امام خود کرده است، و مشایعت می‌نمایند او را تا به خانه خود برگردد، و اگر بیمار شود به عیادت او می‌روند، و اگر بمیرد نماز براو می‌کنند، و بعد از مرگ او برای او استغفار می‌کنند[2].

و سید *ابن طاووس و ابن قولویه* ـ رضی الله عنهما ـ روایت کرده‌اند به چندین سند از حسین ـ دخترزادهٔ ابو حمزهٔ ثمالی ـ که گفت: بیرون رفتم به زیارت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ در آخر زمان بنی امیه، تا به غاضریّه رسیدم؛ چون مردم به خواب رفتند غسل کردم و به جانب قبر مقدّس روانه شدم، چون به در حایر رسیدم شخصی بیرون آمد خوشرو و خوشبو و جامه‌های بسیار سفید پوشیده، و گفت: برگرد که در این وقت به قبر آن حضرت نمی‌توانی رسید.

پس برگشتم تا کنار فرات، و چون نصف شب گذشت غسل کردم و به جانب قبر آمدم، چون به در حایر رسیدم همان شخص بیرون آمد و مانع شد.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۱۹ ب ۴۱ ح ۱، ثواب الاعمال: ۱۱۳ ح ۱۵، مزار کبیر: ۳۲۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶۲ ذیل ح ۴۰ وص ۶۳ ح ۴۲ و ۴۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۲۳ ش ۹۰۰.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۹۱ ب ۷۷ ح ۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۵۶ ح ۲۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۲۷ ش ۹۱۰.

باز برگشتم، و در آخر شب غسل کردم و رفتم، و چون به در حایر رسیدم باز آن شخص بیرون آمد و گفت: در این وقت به قبر نمی‌توانی رسید.

گفتم چرا نتوانم رسید به سوی قبر فرزند رسول خدا، و بهترین جوانان اهل بهشت؛ و از کوفه به اینجا آمده‌ام، و شب جمعه است و می‌ترسم که صبح شود و لشکر بنی امیّه مرا بکشند؟!

گفت: برگرد که نمی‌توانی رسید.

گفتم: چرا نمی‌توانم رسید؟

گفت: حضرت موسی بن عمران از پروردگار خود رخصت طلبیده است که به زیارت قبر حسین علیه السلام بیاید، و حق تعالی او را رخصت داده است، و با هفتاد هزار ملک به زیارت آن حضرت آمده است اول شب، و تا صبح اینجا خواهند بود؛ و چون به آسمان روند بیا.

پرسیدم که: تو کیستی؟

گفت: من از آن ملائکه‌ام که مأمور شده‌ام از جانب خدا به حراست قبر امام حسین، و طلب آمرزش از برای زیارت کنندگان آن حضرت می‌کنم.

پس برگشتم و به کنار فرات آمدم، و چون صبح طالع شد غسل کردم و آمدم و داخل حایر شدم و کسی را ندیدم، پس نماز صبح را نزد آن حضرت کردم، و به کوفه برگشتم[1].

و شیخ **محمد بن المشهدی** از سلیمان بن مهران اعمش روایت کرده است که گفت: من در کوفه بودم و همسایه‌ای داشتم که با او بسیار می‌نشستم و صحبت می‌داشتم، در شب جمعه نزد او بودم گفتم چه می‌گویی که برویم به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام؟

گفت: بدعت است، و هر بدعت گمراهی است، و هر گمراهی در آتش است.

من از پیش او خشمناک برخاستم، و با خود گفتم که چون سحر شود به نزد او

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۱۱ ب۳۸ ح۲ وص۱۱۳، اقبال الاعمال: ۳/ ۶۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۵۷ ح۲۵ وص ۵۹ ـ ۶۰ ح۲۹ ـ ۳۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۱۵ ش۱۰۷۹.

بیایم، و آن قدر از فضائل امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ برای او نقل کنم که او را به خشم آورم.

پس سحر آمدم و دَرِ خانه او را زدم.

شخصی جواب گفت که: او در اوّل شب به زیارت رفت.

من به سرعت از کوفه بیرون رفتم و متوجه کربلا شدم؛ چون داخل حایر شدم دیدم که آن شخص مشغول نماز است، چون فارغ شد به او گفتم که: دیروز تو می‌گفتی که بدعت است، و امروز به زیارت آمده‌ای؟!

گفت: ای سلیمان مرا ملامت مکن، که من اعتقاد به امامت اهل بیت نداشتم، تا آنکه در این شب گذشته خوابی دیدم که ترسیدم؛ شخصی را دیدم که نه بسیار بلند بود و نه بسیار کوتاه، و از نیکیِ حُسن و جمالش او را وصف نمی‌توانم کرد، و با او جمعی بودند که دور او راگرفته بودند و او را خدمت می‌کردند، و در پیش روی او شخصی بر اسبی سوار بود، و بر سرش تاجی بود که چهار رکن داشت، و بر هر رکنی جوهری نصب کرده بودند که به قدر سه روزه راه روشنی می‌داد.

پرسیدم که: این سوار کیست؟

گفت: محمد بن عبدالله ﷺ.

پرسیدم که: آن مرد دیگر کیست؟

گفتند: وصیّ او علی بن ابی طالب ؑ است.

پس نظر کردم ناگاه ناقه‌ای از نور دیدم که بر آن هودجی از نور بسته بودند و آن ناقه پرواز می‌کرد در میان آسمان و زمین.

پرسیدم که: این ناقه از کیست؟

گفتند: از حضرت فاطمه زهرا و مادرش خدیجه ـ صلوات الله علیهما ـ است.

با ایشان جوانی دیدم، پرسیدم که آن کیست؟

گفتند: حسن بن علی ـ صلوات الله علیهما ـ.

گفتم: به کجا می‌روند؟

گفتند: به زیارت مظلوم و شهید کربلا حسین بن علی ـ صلوات الله علیه ـ می‌روند.

پس به نزدیک هودج رفتم، ناگاه رقعه‌ها دیدم که از آسمان فرو می‌ریزد که در آنها امان نوشته‌اند برای هرکه زیارت امام حسین کند در شب جمعه؛ پس هاتفی ندا کرد که: ما و شیعیان ما در بلندترین درجه‌های بهشتیم.

پس آن مرد گفت: ای سلیمان والله که از این مکان مفارقت نمی‌کنم تا جانم از بدنم مفارقت کند[1].

و به **سند معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هیچ پیغمبری در آسمانها نیست مگر سؤال می‌کنند از حق تعالی که رخصت دهد ایشان را در زیارت حسین علیه السلام؛ پس فوجی نازل می‌شوند، و فوجی بالا می‌روند[2].

و به **سند معتبر** منقول است از صفوان که گفت: حضرت صادق علیه السلام به من گفت در وقتی که در حیره بودم که: می‌خواهی برویم به زیارت قبر امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ؟

گفتم: فدای تو شوم، تو او را زیارت می‌کنی؟

فرمود که: چگونه او را زیارت نکنم و حال آنکه در هر شب جمعه حق تعالیٰ او را زیارت می‌کند، و جمیع پیغمبران و اوصیای ایشان را به زیارت او می‌فرستد؛ ومحمد صلی الله علیه و آله بهترین پیغمبران است و ما بهترین اوصیائیم[3].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: قبر حسین علیه السلام ـ بیست ذرع در بیست ذرع ـ باغی است از باغهای بهشت، و در آن معراجی هست به سوی آسمان؛ و هیچ ملک مقرّب و پیغمبر مرسلی نیست مگر از خدا سؤال می‌کند که به زیارت آن حضرت بیایند؛ پس فوجی به زیر می‌آیند، و فوجی بالا می‌روند[4].

و در **روایت دیگر** فرمود که: میان قبر حسین و آسمان هفتم، محلّ تردّد ملائکه است[5].

---

۱ ـ مزار کبیر: ۳۳۰ ح ۱۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۵۸ ح ۲۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۱۹ ش ۱۰۸۶.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۱۱ ب ۳۸ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۶ ح ۱۰۰، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۵۹ ح ۲۷ و ۲۸.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۱۲ ب ۳۸ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶۰ ح ۳۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۶۳ ش ۹۷۲.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۱۲ ب ۳۸ ح ۳ وص ۱۱۴ ب ۳۹ ح ۴ وص ۲۷۲ ب ۹۰ ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶۰ ح ۳۳ وص ۱۰۶ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۴۸ ش ۷۶۲.

۵ ـ کامل الزیارات: ۱۱۴ ب ۳۹ ح ۳، ثواب الاعمال: ۱۲۲ ح ۴۷، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۷۹ ح ۳۱۷۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۵ ش ۷۲۳.

و به **چند سند** از اسحاق بن عمّار منقول است که گفت: به حضرت صادق ﷺ عرض کردم که در حایر حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ بودم در شب عرفه، پس دیدم پنجاه هزار کس خوشرو و خوشبو که جامه‌های بسیار سفید پوشیده بودند، و در تمام شب نماز می‌کردند، و هرچند می‌خواستم به نزدیک قبر روم از بسیاری مردم نمی‌توانستم رفت؛ چون صبح طالع شد به سجده رفتم، چون سر از سجده برداشتم هیچ یک از آنها را ندیدم.

حضرت فرمود که: می‌دانی اینها کیستند؟

گفتم: نه.

فرمود که: خبرداد مرا پدرم از پدرش که: در وقت شهادت حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ چهار هزار ملک به آن حضرت گذشتند و به آسمان رفتند، پس حق تعالی وحی کرد به ایشان که: ای گروه ملائکه! گذشتید به فرزند حبیب من و برگزیده من محمد ﷺ و او کشته می‌شد و مقهور و مظلوم بود و او را یاری نکردید؛ پس بروید به زمین به سوی قبر او، و بر او گریه کنید ژولیده مو و غبار آلوده تا روز قیامت. پس ایشان نزد قبر آن حضرت هستند تا روز قیامت[1].

و در **حدیث معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: حسین بن علی ﷺ نزد پروردگار خود است، نظر می‌کند به لشکرگاه خود و شهیدانی که در دور او مدفون شده‌اند، و نظر می‌کند به سوی زیارت کنندگان خود، و او بهتر می‌داند نام ایشان و نام پدرهای ایشان را، و درجه‌ها و منزلتهای ایشان را نزد حق تعالی، از شناختن یکی از شما فرزند خود را. و می‌بیند هر که را بر او می‌گرید، پس طلب آمرزش می‌کند از برای او، و سؤال می‌کند از پدران بزرگوارش که از برای ایشان استغفار کنند، و می‌گوید که: اگر بداند زیارت کنندهٔ من آنچه خدا مهیّا کرده است از برای او از ثواب، هرآینه شادی او زیاده از جزع او خواهد بود.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۱۵ ب ۳۹ ح ۶ و ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶۱ ح ۳۴ و ۳۵، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۹۵ ش ۸۴۶

و به درستی که زیارت کنندهٔ آن حضرت بر می‌گردد و هیچ گناه بر او نیست[۱].

و به سند **معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: خدا را ملکی چند هست که موکّلند به قبر حسین ـ صلوات الله علیه ـ، پس چون مردی ارادهٔ زیارت آن حضرت نماید حق تعالی نامهٔ گناهانش را به آن ملائکه می‌دهد، پس هرگاه گناهی کند ایشان محو می‌کنند، و پیوسته حسناتش را مضاعف می‌گردانند تا بهشت از برای او واجب گردد. پس آن ملائکه احاطه می‌کنند آن زیارت کننده را و سعی در پاکی او می‌کنند، و او را به پاکی یاد می‌کنند، و استغفار می‌کنند؛ و ندا می‌کنند ملائکه آسمان را که: تقدیس کنید زیارت کننده محبوب حبیب خدا را.

پس چون زائر غسل کند، ندا کند ایشان را رسول خدا ﷺ که: ای گروه مهمانان خدا بشارت باد شما را که رفیق من خواهید بود در بهشت.

پس ندا می‌کند ایشان را امیرالمؤمنین ﷺ که: من ضامنم که حاجات شما برآورده شود، و بلاها از شما دفع شود در دنیا و آخرت.

پس ملائکه ایشان را از جانب راست و چپ احاطه می‌کنند، تا به اهل خود برگردند[۲].

و به سند **معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که فرمود که: گویا می‌بینم والله ملائکه را که ازدحام کرده‌اند با مؤمنان بر قبر امام حسین ـ صلواتِ الله علیه ـ و دست بر روهای ایشان می‌مالند، و در ایّام برزخ می‌فرستد حق تعالی از برای زیارت کنندگان آن حضرت از طعام بهشت، و خدمتکاران ایشان ملائکه‌اند، و هیچ حاجتی از حاجات دنیا و آخرت سؤال نمی‌کنند مگر حق تعالی ایشان را عطا می‌فرماید.

مفضّل گفت: والله خوش کرامتی است این!

فرمود که: می‌خواهی زیاده بگویم؟

گفت بلی. فرمود که: گویا می‌بینم حسین بن علی ﷺ را که چون برگردد به دنیا در رجعت، کرسی از نور از برای آن حضرت بگذارند، و دور آن کرسی نود هزار قبهٔ سبز برپا کنند.

---

۱ ـ امالی طوسی: ۱/ ۵۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶۴ ح ۴۹، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۲۶ ش ۹۳۱.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۳۲ ب ۴۹ ح ۳ وص ۱۵۲ ب ۶۲ ح ۳، ثواب الاعمال: ۱۱۷ ح ۳۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶۴ ـ ۶۵ ح ۵۰ ـ ۵۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۱۷ ش ۸۹۱.

و گویا می‌بینم که مؤمنان به زیارت آن حضرت آیند و سلام بر آن حضرت کنند، پس حق تعالی ایشان را ندا کند که: ای دوستان من، سؤال کنید از من، که بسیار آزار کشیدید، و ذلیل و خوار شدید، و مقهور و مظلوم شدید؛ امروز روزی است که هر حاجت از حاجات دنیا و آخرت که از من بطلبید، البته از برای شما برآورم.

پس خوردن و آشامیدن ایشان از بهشت باشد، این والله کرامتی است که دیگر شبیه خود ندارد[1].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: هرکه خواهد که در جوار پیغمبرش ﷺ و جوار علی و فاطمه باشد، پس ترک نکند زیارت حسین بن علی ﷺ را[2].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: هرکه خواهد که مسکن و مأوای او بهشت باشد، پس ترک نکند زیارت مظلوم را.

راوی پرسید که: مظلوم کیست؟

فرمود که: حسین بن علی مدفون کربلا، هرکه به زیارت آن حضرت برود از روی شوقِ به سوی زیارت او، و برای محبّت رسول خدا و محبّت فاطمه و محبّت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیهم ـ، بنشاند خدا او را بر مائده‌های بهشت که با ایشان طعام خورد، و مردم مشغول حساب باشند[3].

و به **سند معتبر** دیگر از عبدالله بن بکیر منقول است که حضرت صادق ﷺ فرمود که: ای پسر بکیر، حق تعالی برگزیده است از بقعه‌های زمین شش بقعه را: خانه کعبه، و حرم، و قبرهای پیغمبران، و قبرهای اوصیای پیغمبران، و قبرهای شهیدان، و مساجدی که در آنها خدا را یاد می‌کنند.

ای پسر بکیر، می‌دانی چه ثواب دارد کسی که زیارت قبر حسین ﷺ بکند؟ در هر صباح هاتفی از ملائکه بر سر قبر آن حضرت ندا می‌کند که: ای طلب کننده خیر، بیا

۱ـ کامل الزیارات: ۱۳۵ ب ۵۰ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶۵ ح ۵۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۳۲ ش ۹۲۴.

۲ـ کامل الزیارات: ۱۳۶ ب ۵۲ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶۶ ح ۵۴، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۴۴ ش ۹۴۴.

۳ـ کامل الزیارات: ۱۳۷ ب ۵۲ ح ۲ وص ۱۴۱ ب ۵۵ ح ۲، وص ۱۴۴ ب ۵۶ ح ۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶۶ ح ۵۵ وص ۷۶ ح ۲۷.

به سوی برگزیده خدا تا برگردی باکرامت خدا، و ایمن گردی از ندامت روز جزا؛ و اهل مشرق و مغرب همگی این ندا می‌شنوند بغیر از انس و جنّ.

و هیچ ملکی نمی‌ماند در زمین از نویسندگان اعمالِ خلائق، مگر آنکه به سوی قبر آن حضرت میل می‌کنند در وقتی که بنده به خواب می‌رود، که خدا را تسبیح کنند و طلب خوشنودی از خدا کنند نزد قبر آن حضرت.

و نمی‌ماند ملکی در هوا که این صدا را شنود مگر آنکه جواب می‌گویند آن ملک را به تقدیس خدا؛ پس سخت می‌شود صداهای ملائکه، پس جواب می‌گویند ایشان را اهل آسمان اوّل، و صداهای ایشان بلند می‌شود، و همچنین صدای اهل هر آسمان بلند می‌شود تا آسمان هفتم، پس پیغمبران می‌شنوند صداهای ایشان را، و ترحّم می‌کنند و صلوات می‌فرستند بر حسین، و دعا می‌کنند برای هرکه به زیارت آن حضرت می‌آید[۱].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: چون از نزد قبر آن حضرت بر می‌گردی منادی تو را ندا می‌کند ـ که اگر سخنش را بشنوی، در تمام عمر خود نزد او اقامت خواهی کرد ـ می‌گوید: خوشا حال تو ای بنده! غنیمت بردی و سالم ماندی، و گناهان گذشته ات آمرزیده شد، پس عمل را از سر گیر[۲].

و **به سند معتبر** از موسی بن جعفر ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: هرکه از خانه خود بیرون رود به قصد زیارت حسین بن علی صلوات الله علیهما، موکّل گرداند حق تعالیٰ به او ملکی را که انگشت خود را بر قفای او بگذارد و هرچه از دهان او بیرون آید بنویسد، پس چون داخل حائر شود کفَش را بر میان پشت او بگذارد و بگوید: گناهان گذشته ات آمرزیده شد، عمل را از سر گیر[۳].

و **به سند معتبر** از حضرت صادق ﷺ منقول است که: چون شخصی از خانه خود

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۲۵ ب ۴۴ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۱/۶۶ ح ۵۷، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۲۲ ش ۸۹۸ و ج ۵/ ۶ ش ۱۶۰۲.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۵۳ ب ۶۲ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶۷ ح ۵۸.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۵۳ ب ۶۲ ح ۷ و ص ۱۹۱ ب ۷۷ ح ۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶۷ ح ۵۹ ـ ۶۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۲۰۵ ش ۱۰۵۲.

بیرون آید به عزم زیارت حسین بن علی ـ صلوات الله علیهما ـ مشایعت کنند او را هفتصد ملک از بالای سر او، و زیر پای او، و از جانب راست و چپ و پیش رو و پشت سر او، تا او را به مأمنش برسانند؛ پس چون زیارت کند آن حضرت را، ندا کند او را منادی که: گناهانت آمرزیده شد پس از سرگیر عمل را.

پس با او برمی‌گردند آن ملائکه تا داخل خانهٔ خود شود، پس به او می‌گویند که: تو را به خدا سپردیم.

پس پیوسته به زیارت او می‌آیند تا روز مردن او؛ و بعد از مرگ او هر روز زیارت می‌کنند حضرت امام حسین را، و ثوابش از آن مرد است[1].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۹۰ ب ۷۷ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶۷ ح ۶۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۱۹ ش ۸۹۳.

فصل ششم

در بیان انواع مختلفه ثواب که در فضیلت زیارت آن حضرت وارد شده است

به سندهای معتبر بسیار از امام محمّد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام منقول است که: هرکه زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام را و عارف به حق او باشد، خدا او را در اعلی علّیّین بنویسد[1].

و به سندهای معتبر از امام محمد باقر و امام جعفرصادق علیهما السلام منقول است که: حق تعالیٰ به حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ به عوض شهادت عطا کرد اینکه: امامت را در فرزندان او قرارداد، و شفا را در تربت او مقرّر فرمود، و دعا را نزد قبر او مستجاب گردانید، و ایّام زیارت کنندهٔ او در رفتن و برگشتن از عمر او حساب نمی‌شود[2].

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هیچ کس نیست در روز قیامت مگر آرزو می‌کند که از زائران حسین بن علی علیهما السلام باشد، از بسیاریِ آنچه مشاهده می‌کند از کرامتِ ایشان نزد خداوند عالمیان[3].

و در حدیث دیگر فرمود که: هرکه خواهد که برکنارِ مائده‌های نور بنشیند

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۴۷ ب ۵۹ ح ۳ وص ۱۴۸ ح ۴ ـ ۶ وح ۸ ـ ۱۰ وص ۱۴۹ ح ۱۲، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲/ ۴۳ ح ۱۵۹، صحیفة الرضا: ۲۵۵ ح ۱۸۸، ثواب الاعمال: ۱۱۰ ح ۲ و۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶۹ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۰۶ ش ۸۷۰ وص ۱۵۴ ش ۹۵۴.

۲ ـ امالی طوسی: ۱/ ۳۲۴، بحارالانوار: ۴۴/ ۲۲۱ ح ۱، وج ۱۰۱/ ۶۹ ح ۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۷ ش ۷۱۴.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۳۵ ب ۵۰ ح ۱، مصباح الزائر: ۵۲۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۷۲ ح ۱۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۳۰ ش ۹۱۷.

در روز قیامت، باید که از زائران آن حضرت باشد[۱].

و به سند **معتبر** از عبدالله بن حمّاد منقول است که گفت: روزی حضرت صادق علیه السلام به من گفت که: نزد شما فضیلتی هست که به احدی مثل آن داده نشده است، و گمان ندارم که چنانچه باید آن‌را بشناسید و محافظت بر آن بنمایید و قیام به حق آن بکنید؛ و از برای آن فضیلت اهلی چند هستند که ایشان را برای آن کار نام برده‌اند، و به ایشان آن توفیق را عطا کرده‌اند؛ و این سعادت و رحمتی است که حق تعالیٰ به ایشان بخشیده است.

پرسیدم که: کدام است آن فضیلت که وصف کردی و نام نبردی؟

فرمود که: زیارت جدّم حسین علیه السلام است، زیرا که او غریب است و در زمین غربت مدفون شده است؛ هرکه به زیارت او می‌رود بر او می‌گرید، و هرکه به زیارت او نمی‌رود بر مصیبت او اندوهناک می‌باشد، و دلش می‌سوزد هرکه او را به یاد می‌آورد، و ترحّم می‌کند هرکه نظر می‌کند به سوی قبر پسرش در پایین پای او، در بیابانی که خویشی و دوستی نزد او نیست، و حقّ او را غصب کردند، و جمع شدند جمعی از کافران و مرتدّان از دین و یاوری یکدیگر کردند تا او را کشتند، و در بیابان دفن نکرده انداختند، و منع کردند از او آب فراتی را که سگان می‌خورند، و ضایع کردند حق رسول خدا صلی الله علیه و آله را، و وصیتی را که در حق او و اهل بیتش کرده بود.

پس او مدفون گردید جفا یافته در میان قبرهای خویشان و شیعیان خود؛ هرکه به نزدیک او می‌رود وحشت می‌یابد از تنهائی او، و دوری او از جدّ بزرگوارش.

و در منزلی افتاده است که نمی‌رود نزد او مگر کسی که خدا دلش را به ایمان امتحان کرده باشد، و حق ما را به او شناسانده باشد.

پس گفتم: فدای تو شوم من می‌رفتم به زیارت آن حضرت، تا آنکه مبتلا شدم به خدمت خلیفه و حفظ اموال او؛ و من نزد ایشان مشهور شده‌ام، لهذا در این ولا از برای تقیّه ترک کرده‌ام، و من می‌دانم که زیارت آن حضرت ثواب بسیار دارد.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۳۵ ب ۵۰ ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۷۲ ح ۱۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۲۹ ش ۹۱۵.

فرمود که: می‌دانی که کسی که به زیارت آن حضرت می‌رود چه فضیلت دارد، و او را نزد ما چه نیکیها است؟

گفتم نه.

فرمود که: امّا فضیلت زیارت کنندهٔ او، پس مباهات می‌کنند به او ملائکه آسمانها؛ و اما آنچه نزد ما برای او هست، پس ترحّم می‌کنیم بر او هر صبح و شام.

و به تحقیق که خبر داد مرا پدرم که: روضهٔ آن حضرت از روزی که مدفون شده است هرگز خالی نبوده است از کسی که صلوات فرستد بر او، از ملائکه یا جنّیان یا آدمیان یا وحشیان صحرا؛ و هیچ چیز نیست مگر آرزوی حال زیارت کنندهٔ آن حضرت می‌کند، و خود را از برای برکت بر او می‌مالد، و به نظر کردن به سوی او امّید خیر می‌دارد، برای آنکه برکت یافته است به نظر کردن به سوی قبر آن حضرت.

بعد از آن فرمود که: شنیده‌ام که قومی از نواحی کوفه و غیر ایشان می‌روند نزد قبر آن حضرت، و زنان می‌روند و ندبه و نوحه می‌کنند در نیمه ماه شعبان، پس بعضی قرآن می‌خوانند، و بعضی قصّه‌های جانسوز آن حضرت را ذکر می‌کنند، و بعضی ندبه و نوحه می‌کنند، و بعضی مرثیه می‌خوانند!

گفتم: بلی فدای تو شوم، دیده‌ام بعضی از آنها را که می‌فرمایی.

فرمود که: حمد و سپاس خداوندی را که درمیان مردم جمعی را مقرّر فرموده است که می‌آیند به‌سوی ما و ما را مدح می‌کنند، و مرثیه از برای مصیبت ما می‌گویند و می‌خوانند، و دشمن ما کسانی را گردانیده است که طعن کنند بر آنها، از خویشان ما و غیر ایشان، و استهزا کنند بر ایشان، و قبیح شمارند کردار ایشان را[1].

و به **سند معتبر** دیگر از صفوان منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که: کمتر چیزی که کسب می‌کند زیارت کنندهٔ حضرت امام حسین علیه السلام، آن است که هر حسنه را هزار هزار حسنه ثواب می‌دهند او را، و گناه را یکی می‌نویسند.

پس فرمود که: ای صفوان، بشارت باد تو را که خدا را ملکی چند هست که

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۲۴ ب ۱۰۸ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱ / ۷۳ ح ۲۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳ / ۱۵۷ ش ۹۶۲.

با ایشان قضیبها از نور هست، پس چون حافظان و نویسندگان اعمال می‌خواهند که بنویسند گناهی بر زیارت کنندهٔ حسین علیه السلام، آن ملائکه می‌گویند به حافظان که: دست نگاهدارید و منویسید. و چون حسنه‌ای می‌کنند می‌گویند: بنویسید، که ایشان گروهی اند که بدل می‌کند حق تعالیٰ گناهان ایشان را به حسنات[۱].

و به **سند معتبر** از ذَریح مُحاربی منقول است که گفت: به حضرت صادق علیه السلام شکایت کردم آنچه به من می‌رسد از قوم و فرزندان من، هرگاه به ایشان نقل می‌کنم ثواب زیارت قبر امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ را، تکذیب من می‌کنند و می‌گویند: تو دروغ می‌بندی بر امام جعفر علیه السلام.

حضرت فرمود که: ای ذَریح، بگذار مردم را به هرجا که خواهند بروند، والله که حق‌تعالیٰ مباهات می‌کند به زائران حسین بن علی و آنها که از راههای دور به زیارت آن حضرت می‌روند، با ملائکهٔ مقرّبین و حاملان عرش خود حتّی آنکه می‌فرماید به ایشان که: آیا نمی‌بینید زیارت کنندگان قبر حسین را که آمده‌اند با نهایت شوق به سوی آن حضرت، و به سوی فاطمه زهرا ـ صلّی الله علیهما ـ! به عزّت و جلال و عظمت خود سوگند می‌خورم که واجب می‌گردانم برای ایشان کرامت خود را، که ایشان را گرامی دارم و داخل کنم ایشان را در بهشتی که مهیّا کرده‌ام برای دوستان خود و پیغمبران و رسولان خود. ای ملائکه من، اینها زیارت کنندگان حسین اند که محبوب محمّد است که او پیغمبر و حبیب من است، و هرکه مرا دوست دارد حبیب مرا دوست می‌دارد، و هرکه حبیب مرا دوست دارد، محبوب او را دوست می‌دارد، و هرکه حبیب مرا یا محبوب او را دشمن دارد بر من لازم است که او را به بدترین عذابهای خود عذاب کنم، و به آتش خود او را بسوزانم، و جهنّم را جایگاه او گردانم، و او را عذابی کنم که هیچ یک از عالمیان را نکرده باشم[۲].

و در **حدیث دیگر** از امام محمّد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام منقول است

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۳۰ ب ۱۰۸ ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۷۴ ح ۲۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۳۸ ش ۹۳۵.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۴۳ ب ۵۶ ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۷۵ ح ۲۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۴۲ ش ۹۴۲.

که: هرکه خدا خیر او را می‌خواهد، دوستی حسین و زیارت او را در دلش می‌اندازد[۱].

و در **حدیث دیگر** مروی است که: هرکه خواهد در قیامت نظر به رحمتهای الهی کند، و بر او شدّت جان کندن آسان شود، و هول قبر از او برطرف شود، بسیار زیارت کند حسین را[۲].

و در **احادیث بسیار** وارد است که: زیارت آن حضرت، زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله است[۳].

و به **سند معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: زیارت کنندهٔ حسین علیه السلام شفاعتش را قبول می‌کنند در حق صد کس، که همه مستوجب آتش جهنّم شده باشند[۴].

و در **حدیث دیگر** از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: هرکه یک نماز در پشت قبر حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ بکند و نیّتش خالص از برای خدا باشد، حق تعالیٰ در قیامت او را نوری کرامت فرماید که هرچیز را فروگیرد.

و حق تعالی گرامی می‌دارد زیارت‌کنندگان آن حضرت را، و منع می‌کند آتش جهنم را که به ایشان نرسد.

و به درستی که زائر آن حضرت را به کنار حوض کوثر می‌آورند، و حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ در کنار حوض با او مصافحه می‌کند، و از حوض او را سیراب می‌گرداند، پس کسی همراه او می‌کند که او را از اهوال قیامت بگذراند، و به منزل او در بهشت او را برساند؛ و امر می‌کند صراط را که برای او نرم و ذلیل شود، و امر می‌کند آتش جهنّم را که از زبانه آتش چیزی به او نرسد[۵].

و به **سند معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود که: در عقب قبر حضرت امام حسین علیه السلام نماز باید کرد، و مُقدّم نباید شد.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۴۲ ب ۵۵ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۱ / ۷۶ ح ۲۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳ / ۱۶۰ ش ۹۶۵.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۴۹ ب ۶۰ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱ / ۷۷ ح ۳۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳ / ۲۱۷ ش ۱۰۸۲.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۵۰ ب ۶۰ ذیل ح ۱ و ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۱ / ۷۷ ح ۳۴ و ۳۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳ / ۱۵۶ ش ۹۵۹ و ص ۲۱۷ ش ۱۰۸۳.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۶۵ ب ۶۸ ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۱ / ۷۷ ح ۳۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳ / ۱۴۲ ش ۹۴۰.

۵ ـ کامل الزیارات: ۱۲۲ ب ۴۴ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱ / ۷۸ ح ۳۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳ / ۱۰۴ ش ۸۶۵.

راوی پرسید که: چه ثواب است زیارت کننده آن حضرت را؟

فرمود که: بهشت از برای او است، اگر اعتقاد به امامت آن حضرت داشته باشد.

پرسید که: چه عقاب است کسی را که ترک کند زیارت آن حضرت را از روی نخواستن؟

فرمود که: حسرت روز قیامت.

پرسید که: چه ثواب است کسی را که نزد قبر آن حضرت بماند؟

فرمود که: هر روز به هزار ماه حساب می‌شود.

پرسید که: چه ثواب دارد کسی که مالی در راه زیارت آن حضرت، یا در مدّتی که نزد قبر آن حضرت است خرج کند؟

فرمود که: هر درهم به هزار درهم حساب می‌شود.

پرسید که: چه ثواب است کسی را که در سفر زیارت آن حضرت بمیرد؟

فرمود که: ملائکه او را مشایعت می‌کنند،و حنوط و کفن از برای او از بهشت می‌آورند، و بر او نماز می‌کنند، و کفن بهشت را در بالای کفنهای او می‌پوشانند، و از ریحان بهشت در زیر او فرش می‌کنند، و زمین را از پیش رو و پشت سر و بالای سر و پایین پا، هریک یک فرسخ فراخ می‌کنند، و دری از بهشت به سوی قبرش می‌گشایند، و بر او شمیم و گلهای بهشت داخل می‌شود تا روز قیامت.

پرسید که: چه ثواب دارد کسی که نزد آن حضرت نماز کند؟

فرمود که: هرکه دو رکعت نماز نزد قبر آن حضرت بکند، هیچ حاجت از خدا نطلبد مگر به او عطا کند.

پرسید که: چه ثواب دارد کسی که از آب فرات غسل کند برای زیارت آن حضرت؟

فرمود که: گناهان از او می‌ریزد و پاک می‌شود از گناه، مثل روزی که از مادر متولد شده بوده است.

پرسید که: چه ثواب دارد کسی که شخصی را به زیارت فرستد در وقتی که خود برای عذری نتواند رفت؟

فرمود که: عطا می‌کند خدا به او به هر درهمی که خرج کند مثل کوه اُحد

از حسنات، و عوض دهد او را اضعاف آنچه خرج کرده است، و بلاها را از او دفع کند، و مالش را حفظ کند.

پرسید که: چه ثواب است کسی راکه به جور ظالمی کشته شود نزد آن حضرت؟

فرمود که: نزد اوّل قطره‌ای که از خونش ریخته می‌شود، جمیع گناهانش آمرزیده می‌شود؛ و ملائکه می‌شویند طینت او را که از آن مخلوق شده است تا خالص گردد، چنانچه خالص است طینت پیغمبران مخلص، و بیرون رود از آن طینت آنچه به آن مخلوط گردیده است از چرکهای طینت اهل کفر، و دلش را می‌شویند و می‌گشایند و پر می‌کنند از ایمان، پس ملاقات می‌نماید ثواب الهی را و حال آنکه پاک و خالص شده است ازآنچه به بدنها و دلها مخلوط می‌گردد؛ و می‌نویسند برای او که قبول گردد شفاعت او در اهل خانه‌اش، و در هزار کس از برادران مؤمنش، و ملائکه با جبرئیل و میکائیل و ملک موت بر او نماز می‌کنند، و کفن و حنوطش را از بهشت می‌آورند، و قبرش را فراخ می‌گردانند، و چراغها در قبرش می‌گذارند، و دری از بهشت به سوی قبرش می‌گشایند، و ملائکه تحفه‌ها از بهشت از برای او می‌آورند، و بعد از هیجده روز او را بالا می‌برند به حظیرهٔ قُدس، و پیوسته درآنجا با اولیاءالله می‌باشد تا در صُور بدمند، پس چون از قبر بیرون آید اوّل کسی که با او مصافحه می‌کند حضرت رسول خدا و امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین ـ صلوات الله علیهم ـ اند، و بشارت می‌دهند او را و می‌گویند: باما باش، و او را بر حوض کوثر باز می‌دارند که از آن آب بخورد، و هرکه را خواهد آب بدهد.

پرسید که: چه ثواب دارد کسی که به سبب زیارت آن حضرت او را محبوس گردانند؟

فرمود که: به هر روز که محبوس بوده است، و به هر غمی که به او رسیده است، فرحی عظیم در قیامت به او می‌رسد.

پرسید که: اگر بعد از حبس او را بزنند، چه ثواب دارد؟

فرمود که: به او می‌دهند به هر زدن حوری در بهشت، و به هر دردی که به بدن او رسیده است هزار هزار حسنه، و محو می‌کنند از او هزار هزار گناه، و بلند می‌کنند

از برای او هزار هزار درجه، و در قیامت با رسول خدا ﷺ صحبت دارد و سخن گوید تا مردم از حساب فارغ شوند، و با او مصافحه کنند حاملان عرش خدا، و گویند به او که: هرچه خواهی بطلب.

و آورند زنندهٔ او را به نزد حساب و هیچ حساب نکنند او را و بازوهای او را گرفته بکشند تا ببرند به سوی ملکی که شربتی از حمیم و شربتی از غِسلین جهنّم به او بخوراند، و او را بر کوههای آتش بگذارند و گویند: بچش جزای آنکه زدی کسی راکه مهمان خدا و رسول بود.

و مضروب را بیاروند به درِ جهنّم و بگویند به او که: نظر کن و ببین حال آن کس راکه تو را زده بود، آیا سینه ات شفا یافت از غم او؟

پس گوید: حمد و سپاس خداوندی راکه به برکت فرزند رسولش انتقام مرا از او کشید[۱].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۲۳ ب ۴۴ ح ۲، بحارالانوار: ۷۸/۱۰۱ ح ۳۹، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۴۶ ش ۹۴۹.

فصل هفتم

در فضیلت نماز کردن در روضهٔ مقدّسه
و حوالی آن و کیفیّت نماز زیارت و غیر آن

در فصول سابقه چند حدیث در فضیلت نماز نزد آن حضرت و نماز در عقب قبر مقدّس گذشت[1]. و در باب اوّل بیان نماز در عقب قبور ائمه علیهم السلام گذشت[2]. و آنچه از اخبار ظاهر می‌شود آن است که نماز زیارت و غیر آن را، در عقب قبر آن حضرت و بالای سر آن حضرت کردن هردو خوب است. و اگر در بالای سر کند پست‌تر بایستد که مُحاذی اصل قبر مقدّس نباشد[3].

و به **سند معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود که: نماز کن نزد سر قبر حسین علیه السلام[4].

و به **سند صحیح** منقول است که ازآن حضرت سؤال کردند که: چون به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برویم، قبر را قبله گردانیم؟ فرمود که: اندکی به ناحیهٔ دیگر میل کن[5].

مؤلّف گوید که: ممکن است که این حدیث بر وجه تقیه وارد شده باشد، یا مراد نهی از سجده کردن بر قبر باشد.

چنانچه به **سند صحیح** دیگر از آن حضرت منقول است که فرمود که: چون فارغ

---

۱ ـ نگاه کن: ص۲۵۹ و ۲۶۰.　　۲ و ۳ـ نگاه کن ص۳۸ و ۳۹.

۴ ـ کامل الزیارات: ۲۴۵ ب ۸۰ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۱ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۳۶ ش ۱۱۲۲.

۵ ـ کامل الزیارات: ۲۴۵ ب ۸۰ ح ۲، وص ۲۴۶ ضمن ح۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۱ ح ۲ و۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۳۷ ش ۱۱۲۴.

شوی از زیارت شهدا، قبر امام حسین علیه السلام را پیش روی خود قرار ده و آنچه خواهی نماز بکن[۱].

و به سند **موثّق** منقول است از حلبی که: به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که: ما زیارت قبر حسین علیه السلام می‌کنیم، چگونه نماز نزد آن حضرت بکنیم؟

فرمود که: پشت سر می‌ایستی نزد دوش آن حضرت، پس صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و صلوات بر حضرت امام حسین علیه السلام می‌فرستی.

و بنابر یک نسخه، سؤال نمود از کیفیت صلوات فرستادن بر آن حضرت[۲].

و به سند **معتبر** از علی بن ابی حمزه منقول است که گفت: سؤال کردم از حضرت امام موسی علیه السلام از زیارت قبر امام حسین علیه السلام.

فرمود که: دوست نمی‌دارم که ترک کنی.

گفت: چه می‌فرمایی در نماز کردن نزد قبر آن حضرت؛ و من تقصیر می‌کنم.

فرمود که: در مسجد الحرام، و مسجد رسول صلی الله علیه و آله، و نزد قبر حسین علیه السلام آنچه خواهی تطوّع بکن که من دوست می‌دارم.

گفت: در روز، نماز تطوّع نزد قبر آن حضرت بکنم؟

فرمود که: بلی[۳].

و به سند **معتبر** منقول است که حضرت امام محمّد باقر علیه السلام به شخصی گفت که: چه چیز مانع می‌شود تو را که هرگاه تو را حاجتی رو دهد، بروی به نزد قبر امام حسین - صلوات الله علیه - و چهار رکعت نماز بکنی، و بعد از آن حاجت خود را از خدا بطلبی؟

به درستی که نماز واجب نزد آن حضرت برابر است با حجّ و نماز نافله با عمره[۴].

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۷۸ ح ۴، کامل الزیارات: ۲۴۵ ب ۸۰ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۱ ح ۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۳۶ ش ۱۱۲۱.

۲ ـ کامل الزیارات: ۲۴۵ ب ۸۰ ح ۴ وص ۲۹۶ ب ۹۸ ح ۱۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۱ ح ۴ وص ۱۵ ح ۱۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۳۶ و ۲۳۷ ش ۱۱۲۰ و ۱۱۲۳.

۳ ـ کامل الزیارات: ۲۴۶ ب ۸۱ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۲ ح ۶ وج ۸۹/ ۷۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۵۹ ش ۷۸۸.

۴ ـ کامل الزیارات: ۲۵۱ ب ۸۳ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۳ ح ۱۴۱، مزار کبیر: ۳۵۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۱ ح ۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۳ ش ۷۱۸.

و به **سند معتبر** دیگر منقول است که حضرت صادق ﷺ به مفضّل فرمود که: هر رکعت نماز که نزد حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ بکنی، ثوابش مثل ثواب کسی است که هزار حجّ و هزار عمره کرده باشد، و هزار بنده آزاد کرده باشد، و هزار مرتبه با پیغمبر مرسل به جهاد فی سبیل الله ایستاده باشد[۱].

و به **سند دیگر** ازآن حضرت منقول است که: هر نماز که نزد آن حضرت بکنند مقبول است، و هر دعاکه کنند مستجاب است؛ خواه از برای دنیا کنند و خواه از برای آخرت[۲].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: هرکه زیارت کند آن حضرت را و دو رکعت نماز یا چهار رکعت نزد آن حضرت بکند، ثواب حجّ و عمره برای او نوشته شود[۳].

و **بدان که** مشهور میان علما آن است که: مسافر هرگاه در مکّه معظّمه یا مدینه مشرّفه یا مسجد کوفه یا حایر حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ بوده باشد، و قصد اقامتِ ده روزه نکرده باشد، مخیّر است میان قصر کردن و تمام کردن نماز؛ و تمام کردن بهتر است.

و در احادیث بسیار، امر به تمام کردن در این مواطن واقع شده است[۴].

و گمان فقیر آن است که: اگر در حایر نماز کند، تمام کردن اولی است، و اگر جمع کند احوط است، و اگر در سایر مواضع کربلای معلّی نماز کند احتیاط قصر و تمام هردو را بکند، بلکه تا پنج فرسخ از هر طرف چنین کند.

و همچنین در سایر مواضع مکّه غیر از مسجد الحرام، و سایر مواضع مدینه غیر از مسجد رسول ﷺ، و سایر مواضع کوفه.

و نهایت احتیاط آن است که در جمیع این مواضع، جمع میان هردو بکند.

۱ـ کامل الزیارات: ۲۵۱ ب۸۳ ح۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۲ ح۸، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۵۳ ش۷۷۵.

۲ـ کامل الزیارات: ۲۵۲ ب۸۳ ح۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۳ ح۹، مزار کبیر: ۳۵۶، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۳۸ ش۹۳۴.

۳ـ کامل الزیارات: ۲۵۱ ب۸۳ ح۳، مزار مفید: ۱۸۵ ح۳، مزار کبیر: ۳۵۵، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۲۰ ح۱۹ وج ۱۰۱/ ۸۳ ح۱۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۸۸ ش۱۰۲۳ وج۵/ ۱۴ ش۱۶۱۶.

۴ـ کافی: ۴/ ۵۸۶ و۵۸۷ ح۲ و۳ و۵، کامل الزیارات: ۲۴۹ ـ ۲۵۰ ب۸۲ ح۳ ـ ۸، من لا یحضره الفقیه: ۱/ ۴۴۲ ح۱۲۸۵، تهذیب الاحکام: ۵/ ۴۳۰ ـ ۴۳۲ ح۱۴۹۴ ـ ۱۵۰۰، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۳ و۸۴ ح۱۲ و۱۳ وج ۸۹/ ۷۶ وص۷۷ ـ ۷۸ ح۲ و۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/ ۲۴ ش۴۸ و۴۹ وج ۳/ ۵۵ ش۷۷۹ و ۷۸۰ وص۵۸ ش۷۸۶ و۷۸۷.

و اولی آن است که تا مقدور باشد، در این مواضع قصد اقامت کند که بی‌دغدغه تمام کند.

و از بعضی احادیث ظاهر می‌شود که نوافلی که در سفر ساقط می‌شود، در این مواضع می‌توان کردن[1]؛ و جمعی از علما قائل شده‌اند، و خالی از قوّتی نیست، خصوصاً وقتی که نماز را تمام کند.

۱ ـ کامل الزیارات: ۲۴۶ ـ ۲۴۸ ب ۸۱ ح ۱ و ۲ و ۴ ـ ۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۲ ح ۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۴۷ ش ۱۰۰ و ج ۳/ ۵۹ ش ۷۸۸ و ۷۸۹.

باب ششم

در بیان فضیلت حایر و کربلای معلّی و فضیلت تربت حضرت امام حسین علیه السلام و آداب آن است و در آن چند فصل است:

فصل اوّل

در فضیلت حایر و کربلا و بیان حدّ حایر است

به **سند معتبر** از حضرت صادق عليه السلام منقول است که: قبر حسین عليه السلام - بیست ذرع در بیست ذرع - باغی است از باغهای بهشت[1].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: چهار بقعهٔ زمین در ایّام طوفان شکایت به خدا کردند: بیت المعمور، و نجف، و کربلا، و طوس[2].

و به **سند معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: زمین کعبه گفت که چیست مثل من و حال آنکه خانهٔ خدا بر پشت من ساخته شده است، و می‌آیند مردم به سوی من از اطراف عالم، و حق تعالی مرا حرم و مأمن خود گردانیده است!

حق تعالی به او وحی فرمود که: ساکت شو و قرار گیر، که فضیلت تو در جنب فضیلت زمین کربلا نیست مگر به منزلهٔ سوزنی که در دریا فرو برند در جنب دریا، و اگر تربت کربلا نمی‌بود تو را فضیلت نمی‌دادم، و اگر آن کسی که در کربلا محل دفن او شده است نمی‌بود، نه تو را خلق می‌کردم و نه آن خانه را که به آن فخر کردی؛ پس قرار گیر، و متواضع و ذلیل باش از برای کربلا، و استنکاف و تکبّر مکن بر کربلا، و الّا

---

۱ - کامل الزیارات: ۱۱۲ ب۳۸ ح۳ وص۲۷۲ ب۸۹ ح۵، مزار مفید: ۱۴۱ ح۴، مصباح المتهجّد: ۷۳۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۲ ح۱۳۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۶۰ ح۳۳ وص۱۰۶ ح۱، وص۱۱۱ ح۲۹ - ۳۱، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۳/ ۴۸ ش۷۶۲.

۲ - تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۱۰ ح۱۹۶، فرحة الغری: ۷۰، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۱ ح۲۲ وج ۱۰۱/ ۱۰۶ ح۲ وج ۱۰۲/ ۳۹ ح۳۸، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۲/ ۱۹ ش۴۷۱ وج ۳/ ۲۸ ش۷۲۹ وج ۴/ ۹۱ ش۱۳۳۳.

فرو برم تو را در آتش جهنّم[1].

و به **سندهای معتبر** دیگر ازامام محمد باقر علیه السلام منقول است که: خلق کرد حق‌تعالیٰ زمین کربلا را پیش ازآنکه خلق کند کعبه را به بیست و چهار هزار سال، و مقدّس گردانید آن‌را و برکت فرستاد بر آن؛ و پیوسته چنین مقدّس و مبارک بود پیش ازآنکه خدا خلایق را خلق نماید. و همیشه چنین خواهد بود تا بگرداند خدا آن را بهترین زمینهای بهشت، و بهتر منزلی و مسکنی که دوستان خود را در آن ساکن گرداند در بهشت[2].

و به **چند سند** دیگر از حضرت امام زین العابدین ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: حق تعالیٰ کربلا را حرم صاحب امنیّت با برکت گردانید پیش از آنکه خلق کند زمین کعبه را و حرم گرداند آن را به بیست و چهار هزار سال؛ و چون حق تعالیٰ در ابتدای قیامت زمین را به زلزله آورد، بالا برند کربلا را با خاکش چنانچه هست نورانی و صافی، پس بگردانند آن را بهترین باغی از باغهای بهشت، و بهتر مسکن و مأوایی در بهشت، که در آن ساکن نشوند مگر پیغمبران و مرسلان؛ و آن روشنی دهد در میان باغهای بهشت چنانچه ستاره‌های بسیار روشن در میان ستاره‌ها از برای اهل زمین روشنی می‌دهند، و نورش دیده‌های اهل بهشت را خیره گرداند، و ندا کند که: منم آن زمین مقدّس طیّب مبارکی که در برداشتم بهترین شهیدان و بهترین جوانان اهل بهشت را[3].

و از حضرت **امام محمد باقر** علیه السلام منقول است که فرمود که: غاضریّه ـ یعنی کربلا ـ بقعه‌ای است که در آن بقعه حق تعالیٰ سخن گفت با موسی بن عمران علیه السلام، و مناجات کرد در آن با نوح علیه السلام؛ و آن گرامی‌ترین زمینهای خدا است بر خدا، و اگر چنین نبود

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۲۶۷ ب۸۸ ح۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۶ ح۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۷ ش۷۲۶.

۲ ـ کامل الزیارات: ۲۶۸ ب۸۸ ح۴ وص۲۷۰ ح۱۳ و۱۴، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۲ ح۱۳۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۷ و۱۰۸ ح۵ ـ ۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۶ ش۷۱۲.

۳ ـ کامل الزیارات: ۳۱۸ ب۸۸ ح۵، مزار مفید: ۲۳ ح۱، مزار کبیر: ۳۳۷، بحارالانوار: ۵۷/ ۲۰۲ ذیل ح۱۴۷ وج ۱۰۱/ ۱۰۸ ح۱۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۳ ش۷۰۸.

حق تعالی نمی‌سپرد در آن دوستان و پیغمبران و فرزندان پیغمبرانش را؛ پس زیارت کنید قبرهای ما را در غاضریّه[۱].

و **حضرت صادق**ؑ فرمود که: غاضریه از تربت بیت المقدس است[۲].

و **به سند معتبر** منقول است که حضرت رسول خداﷺ فرمود که: مدفون خواهد شد پسر من در زمینی که آن راکربلا گویند، و آن بقعه‌ای است که برآن بود قبة الاسلامی که نجات داد خدا برآن قبّه آنها راکه ایمان به حضرت نوحؑ آورده بودند از طوفان[۳].

و **به سند معتبر** از حضرت صادق ؑ مروی است که: زیارت کنید کربلا را و از آن قطع مکنید؛ که فرزند بهترین پیغمبران را دربر گرفته است.

و به درستی که ملائکه زیارت کردند کربلا را هزار سال پیش ازآنکه جدّم حسین در آنجا ساکن شود، و هیچ شبی نمی‌گذرد مگر جبرئیل و میکائیل آن را زیارت می‌کنند؛ پس جهد کن که پیوسته در آن مکان باشی[۴].

و **به سند معتبر** دیگر ازآن حضرت منقول است که: حق تعالیٰ بعضی از زمینها و آبها را بر بعضی زیادتی داده است، پس بعضی از آنها فخر کردند، و بعضی بغیْ و زیادتی بر زمینهای دیگر کردند، پس هیچ آب و زمینی نبود مگر مُعاقَب شدند به ترک تواضع و فروتنی؛ حتی آنکه مسلّط گردانید حق تعالیٰ مشرکان را بر کعبه، و فرستاد بر زمزم آب شوری تا مزه‌اش را فاسد گردانید.

و به درستی که کربلا و آب فرات اوّل زمین و اوّل آبی بودند که حق تعالیٰ مقدّس و مبارک گردانید آنها را، پس گفت به کربلا که: سخن بگو.

پس چون زمینها و آبها فخر کردند بعضی بر بعضی، گفت: من زمین مقدّس مبارک خدایم، تربت و آب من شفا است و فخر نمی‌کنم، بلکه خاضع و ذلیل برای کسی ام که مرا چنین کرده است؛ و این را برای فخر بر زمینهای دیگر نمی‌گویم، بلکه

۱ـ کامل الزیارات: ۲۶۸ ب۸۸ ح۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۸ ح۱۳، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۳/ ۱۵ ش ۷۱۱.

۲ـ کامل الزیارات: ۲۶۹ ب۸۸ ح۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۹ ح۱۴، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۳/ ۲۹ ش ۷۳۰.

۳ـ کامل الزیارات: ۲۶۹ ب۸۸ ح۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۹ ح۱۵، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۳/ ۷ ش۶۹۸.

۴ـ کامل الزیارات: ۲۶۹ ب۸۸ ح ۱۰، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۸ ح۱۶، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۳/ ۲۸ ش۷۲۷.

شکر نعمت پروردگار خود می‌کنم.

پس خدا آن را گرامی داشت و به سبب فروتنی و شکر نعمت، کرامت و شرفش را زیاد کرد به حسین ـ صلوات الله علیه ـ و اصحاب او.

پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که: هرکه تواضع کند برای خدا، بلند کند او را خدا؛ و هرکه تکبّر کند، خدا او را ذلیل و پست گرداند[1].

و به **سند معتبر** از حضرت امام زین العابدین ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: حضرت مریم به اعجاز از دمشق به کربلا آمد، و حضرت عیسی در موضع قبر امام حسین از او متولّد شد، و در همان شب به دمشق برگشت[2].

و به **سند معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ در بعضی از سفرها چون نزدیک کربلا رسید از لشکر پیش افتاد، و چون به محلّ شهادت امام حسین علیه السلام و اصحاب او رسید فرمود که: در اینجا دویست پیغمبر و دویست وصیّ پیغمبر و دویست فرزندزادهٔ پیغمبر شهید شده‌اند با اتباع ایشان.

پس دور صحرا می‌گردید و می‌فرمود که: اینجا محلّ خوابیدن شتران ایشان است، و اینجا محل فرود آوردن بارهای ایشان است، و این محلّ شهادت گروهی چند است که پیش از ایشان بهتر از ایشان نبوده است، و بعد از ایشان مثل ایشان نخواهد بود[3].

و **فرمود که**: خوشا حال تو ای خاک، که بر تو ریخته خواهد شد خونهای دوستان![4]

و به **سند معتبر** دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود که چون به زیارت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ بروی، زیارت کن آن حضرت را محزون و غمگین، و حوائج خود را نزد او سؤال نما و برگرد، و آن را وطن خود قرار مده[5].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۲۷۰ ب۸۸ ح۱۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۹ ح۱۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۶ ش۷۲۵.

۲ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۳ ح۱۳۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۱۶ ح۴۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۴ ش۷۰۹.

۳ ـ کامل الزیارات: ۲۷۰ ب۸۸ ح۱۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۲ ح۱۳۸، مصباح الزائر: ۲۷۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۱۶ ح۴۲ و۴۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۱ ش۷۰۵.

۴ ـ کامل الزیارات: ۲۷۰ ب۸۸ ذیل ح ۱۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۱۶ ذیل ح ۴۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۰ ش۷۰۴.

۵ ـ کامل الزیارات: ۱۳۱ ب۴۸ ح۳، ثواب الاعمال: ۱۱۴ ح۲۱، مزار مفید: ۹۶ ح۱، مزار کبیر: ۳۶۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۰ ح۲ ـ ۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۲۹ ش۱۱۰۴.

مؤلّف گوید که: چون در باب سابق احادیث در فضیلت توقّف و توطّن در کربلا گذشت[۱]، ممکن است که نهی که در این حدیث وارد شده است محمول بر صورت تقیّه و خوف باشد؛ چنانچه غالب احوال آن زمان چنین بوده است.

یا مراد این باشد که، نزدیک قبر و در حایر بسیار توقّف ننماید؛ چنانچه بعضی از احادیث به این مضمون بعد از این خواهد آمد[۲].

و به **چندین سند** از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که: جبرئیل به نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و اشاره به حضرت امام حسین علیه السلام کرد و گفت: این فرزندزادهٔ تو کشته خواهد شد با جماعتی از فرزندان و اهل بیت تو و نیکان امّت تو در کنار فرات، در زمینی که آن را کربلا گویند؛ و به سبب آن کرب و بلا بر دشمنان تو و دشمنان فرزندان تو بسیار خواهد بود در روزی که غم آن روز برطرف نمی‌شود و حسرتش دائم است ـ یعنی روز قیامت ـ. و آن زمین پاکترین بقعه‌های زمین است، و از همهٔ زمین حُرمتش بیشتر است، و از زمینهای بهشت است[۳].

و در **حدیث دیگر** از امام زین العابدین علیه السلام منقول است که فرمود که: گویا می‌بینم که قصرها و بناهای محکم بر دور قبر امام حسین علیه السلام ساخته‌اند، و گویا می‌بینم که بازارها بر دور قبر آن حضرت بهم رسیده، و از اطراف زمین به زیارت آن حضرت خواهند آمد[۴].

و در **حدیث معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: برکت قبر امام حسین علیه السلام تا ده میل است[۵] ـ که سه فرسخ و ثُلث فرسخ باشد ـ.

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: حریم قبر آن حضرت از هر طرف، یک فرسخ است[۶].

---

۱ ـ نگاه کن: ص۲۲۴ وص۲۵۳. ۲ ـ نگاه کن: ص ۳۰۰.

۳ ـ کامل الزیارات: ۲۶۴ ب۸۸ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۱۴ ح۳۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۷ ش۶۹۹.

۴ ـ صحیفة الرضا علیه السلام: ۲۶۸ ح ۱۶۱، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۱/ ۴۸ ح ۱۹۰، بحارالانوار: ۴۱/ ۲۸۷ ح۹ وج۱۰۱/ ۱۱۴ ح۳۶.

۵ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۲ ح۱۳۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۱۵ ح۴۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۴۹ ش۷۶۵.

۶ ـ کامل الزیارات: ۲۷۱ ب۸۹ ح۲ وص۲۸۲ ب۹۳ ح۹، مزار مفید: ۱۴۰ ح۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۱ ح۱۳۳، مزار کبیر: ۳۵۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۱۱ ح۲۵ و۲۶ وص۱۱۴ ح۳۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۴۷ ش ۷۶۰.

و در **روایت معتبر** دیگر فرمود که: حریم قبر آن حضرت پنج فرسخ است، از چهار جانب قبر[1].

و در **حدیث معتبر** دیگر از اسحاق بن عمّار منقول است که گفت: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که می‌فرمود که: موضع قبر حسین بن علی علیهما السلام را حُرمت معلومی هست، هرکه آن حرمت را بشناسد و پناه به آن برد امان یابد.

گفتم: وصف فرما برای من موضع آن حضرت را.

فرمود که: بپیما از موضع قبرش که امروز هست، از هر طرف بیست و پنج ذرع. و موضع قبرش از آن روز که مدفون شده است در آن باغی است از باغهای بهشت، و دری است از درهای بهشت، و در آن معراجی به سوی آسمانها است که اعمال زائران را از آن بالا می‌برند[2].

مؤلف گوید که: علما جمع میان احادیث مختلفه این باب، به حمل بر اختلاف مراتبِ فضیلت کرده‌اند که: اقصای مراتب فضیلت پنج فرسخ است، و از آن بهتر یک فرسخ است، و اشرف آن فرسخ یک میل است که بعد از این خواهد آمد، و اشرف از آن هفتاد باع است، و اشرف از آن هفتاد ذرع است، و اشرف از آن بیست و پنج ذرع است، و اشرف از آن بیست ذرع است، و اشرف از آن اصل ضریح است.

و ظاهر علما این است که تربتِ استشفا و سجود و سبحه را، از همه اینها توان برداشت. و احوط در تربت استشفا آن است که زیاده از یک فرسخ و ثُلث فرسخ بر ندارند. و احوط از آن آنکه از زیاده از یک میل برندارند. و احوط از آن آنکه از حوالی ضریح مقدّسه اخذ نمایند.

و امّا **حدّ حایر**: پس از کلام علما، مختلف ظاهر می‌شود:

بعضی گفته‌اند که: آنچه احاطه کرده است به آن دیوارهای صحن؛ پس تمام

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۲۷۲ ب۸۹ ح۳، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۷۹ ح۳۱۶۹ وص ۶۰۰ ح۳۲۰۶، مزار مفید: ۱۴۰ ح۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۱ ح۱۳۲، مزار کبیر: ۳۵۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۴۹ ش۵۶۴.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۸۸ ح۶، کامل الزیارات: ۲۷۲ ب۸۹ ح۴، مزار مفید: ۱۴۱ ح۳، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۱ ح۱۳۴، مزار کبیر: ۳۳۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۱۰ ح۱۹ ـ ۲۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۴۹ ش۷۶۶.

صحن و عمارات متّصله به روضه مقدّسه ـ از مسجدین و غیر آنها ـ همه داخل خواهد بود.

و بعضی گفته‌اند که: اصل ضریح است.

و بعضی گفته‌اند: ضریح است با عمارات متّصله به آن.

و ظاهر کلام اکثر علما و مشهور میان سکنه آن دیار، آن معنی اوّل است.

و از بعضی معمّرین افاضل از سکنه آن اماکن مقدّسه مسموع شد، که صحن شریف از پیش رو و جانب راست و جانب چپ مضبوط است و تغییر نداده‌اند؛ امّا از طرف پشت سر تغییر داده‌اند، و قدر اصل و زیادتی معلوم نیست.

و دور نیست که آنچه از صحن گود است داخل حایر باشد، و آنچه بلند است داخل نباشد؛ چنانچه ابن ادریس ـ علیه الرحمه ـ در سرائر گفته است که این مکان را حایر می‌گویند برای آنکه در لغت عرب، حایر مکان پست را می‌گویند، زیرا که آب در آن حیران و ساکن می‌گردد[1].

و شیخ شهید و جمع دیگر گفته‌اند که: برای این مسمّی به حایر گردیده است که در زمان متوکل ـ علیه اللّعنه ـ که به امر او آب بستند که اثر ضریح را منطمس سازند، به اعجاز آن حضرت آب بر دور حایر بلند شد و داخل حایر نشد[2].

و بنابراین احتمال اخیر، مسجد بزرگ داخل حایر نخواهد بود، با آنچه محاذی آن است از یمین و یسار، و آنچه عقب آن است از صحن.

و در دخول حجره‌های صحن در حایر، بنا بر احتمال اوّل و اخیر خالی از اشکالی نیست.

و بنابر اقوالی که مذکور شد، طریق احتیاط در قصر و اتمام صلاة در این موضع بر ناقد بصیر ظاهر می‌شود.

---

۱ ـ سرائر: ۱/ ۳۴۲.

۲ ـ ذکری الشیعه: ۴/ ۲۹۱.

فصل دوم

در فضیلت تربت آن حضرت و کیفیّت و آداب اخذ و استعمال آن است

به **سند معتبر** از موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که فرمود که: از تربت من چیزی برمدارید که تبرّک به آن کنید؛ که هر تربت ما حرام است مگر تربت جدّم حسین بن علی علیه السلام؛ که خدا آن را شفا گردانیده است برای شیعیان و دوستان ما[1].

و به **سند معتبر** از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: هر گِلی حرام است مانند میته و خون و جانوری که به نام غیر خدا کشته باشند، مگر طینت قبر حسین علیه السلام که آن شفا است از هر دردی[2].

و در **حدیث معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: اگر بیماری از مؤمنان که حقّ و حُرمت و ولایت و امامت حضرت امام حسین را داند، بگیرد از طین قبر آن حضرت بقدر سر انگشت، هرآینه دوای او خواهد بود[3].

و به **سند موثق** از ابن ابی یعفور منقول است که به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که: یک شخص از خاک قبر امام حسین علیه السلام بر می‌دارد و منتفع می‌شود،

---

۱ ـ عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۱/ ۸۴ ح ۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۱۸ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۵۸ ش ۷۸۵.

۲ ـ کافی: ۶/ ۲۶۶ ح ۹، کامل الزیارات: ۲۸۵ ب ۹۵ ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲۰ ح ۷ وص ۱۳۰ ح ۴۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۶۱ ش ۷۹۳.

۳ ـ کامل الزیارات: ۲۷۸ ب ۹۱ ح ۸ وص ۲۷۹ ب ۹۲ ح ۶، مزار مفید: ۱۴۳ ح ۲، مصباح المتهجد: ۷۳۲، دعوات راوندی: ۱۸۵ ح ۵۱۲، مصباح الزائر: ۲۵۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲۲ ح ۱۰ و ۱۱ وص ۱۲۵ ح ۲۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۳۲ ش ۷۳۸.

و دیگری بر می‌دارد و منتفع نمی‌شود!

فرمود که: نه والله، هرکه بردارد و اعتقاد داشته باشد که به او نفع می‌بخشد، منتفع می‌شود[۱].

و به **سند معتبر** منقول است که بعضی از اصحابِ حضرت امام محمد باقر علیه السلام گفت: زنی قدری ریسمان به من داد که در مکّه بدهم که جامهٔ کعبه را به آن بدوزند، و من نخواستم که به حاجبان و خدَمه کعبه بدهم؛ زیرا که ایشان را می‌شناختم و می‌دانستم که خود متصرّف می‌شوند. چون به مدینه آمدم به خدمت امام محمّد باقر علیه السلام عرض کردم.

فرمود که: آن را بده و عسل و زعفران بخر، و بگیر قدری از تربت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ و به آب باران ضمّ کن، و عسل و زعفران را در آن بریز، و به شیعیان بده که بیماران خود را به آن دوا کنند[۲].

و به **سندهای معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: خاک قبر حضرت امام حسین علیه السلام شفای هر درد است، و آن است دوای بزرگ[۳].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: تربت امام حسین علیه السلام در آن شفا است، هرچند یک میل راه ـ که ثلث فرسخ باشد ـ دورتر از قبر برداشته باشند[۴].

و در **روایت دیگر** فرمود که: هرکه را علّتی برسد و مداوا کند به خاک قبر امام حسین علیه السلام، حق تعالی او را شفا می‌بخشد از آن علّت، مگر آنکه علّت مرگ باشد[۵].

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۸۸ ح ۳، کامل الزیارات: ۲۷۴ ب ۹۱ ح ۱، مکارم الاخلاق: ۱/ ۳۶۱ ح ۱۱۷۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲۲ ح ۱۲ ـ ۱۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۴۶ ش ۷۵۷.

۲ ـ محاسن: ۵۰۰ ح ۶۲۱، کامل الزیارات: ۲۷۴ ب ۹۱ ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲۳ ح ۱۵ و ۱۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۶۲ ش ۷۹۶.

۳ ـ کامل الزیارات: ۲۷۵ ب ۹۱ ح ۴، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۹۹ ح ۳۲۰۷، مزار مفید: ۱۴۳ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۴ ح ۱۴۲، مصباح المتهجّد: ۷۳۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۸ و ۱۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۳۲ ش ۷۳۹.

۴ ـ کامل الزیارات: ۲۷۵ ب ۹۱ ح ۵، مزار مفید: ۱۴۳ ح ۳، مکارم الاخلاق: ۱/ ۳۶۰ ح ۱۱۷۵، مزار کبیر: ۳۶۱، مصباح الزائر: ۲۵۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲۴ ح ۲۰ و ۲۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۳۳ ش ۷۴۰.

۵ ـ کامل الزیارات: ۲۷۵ ب ۹۱ ح ۶، مزار مفید: ۱۴۴ ح ۴، مزار کبیر: ۳۶۱، مکارم الاخلاق: ۲/ ۲۴۳ ح ۲۵۸۷، مصباح الزائر: ۲۵۵، بحارالانوار: ۹۵/ ۳۴ و ج ۱۰۱/ ۱۲۴ ح ۲۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۳۲ ش ۷۳۷.

و به **سند معتبر** منقول است از شخصی که گفت: حضرت امام رضا علیه‌السلام برای من از خراسان بسته متاعی فرستاد، چون گشودم در میان آن خاکی بود؛ از آن مرد که آورده بود پرسیدم که: این خاک چیست؟

گفت: این خاک قبر امام حسین علیه‌السلام است؛ هرگز آن حضرت از جامه و غیر جامه چیزی به جایی نمی‌فرستد، مگر این خاک را در میانش می‌گذارد، و می‌گوید این امان است از بلاها به اذن و مشیّت خدا[1].

و به **سند معتبر** از حضرت صادق علیه‌السلام مروی است که: بردارید کام فرزندان خود را با تربت حسین علیه‌السلام، که امان می‌بخشد از بلاها[2].

و به **سند صحیح** منقول است که: شخصی به آن حضرت عرض کرد که: می‌گیرم از خاک قبر حسین، و نزد من می‌باشد برای برکت آن. فرمود که: خوب است[3].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: در خاک حایری که حسین علیه‌السلام در آن مدفون است، شفای هر درد و ایمنی از هر بیم و خوف هست[4].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: اگر بیماری از مؤمنان ـ که شناسد حق و حرمت و امامت امام حسین علیه‌السلام را از برای او ـ از تربت آن حضرت از یک میل راه بردارد، از برای او دوا و شفا خواهد بود[5].

و به **روایت معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: نزد سر حضرت حسین بن علی علیهما‌السلام خاک سرخی هست که شفا می‌بخشد از هر درد و مرض، مگر مرگ را.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۲۷۸ ب ۹۲ ح ۱، مزار مفید: ۱۴۴ ح ۶، فضل زیارة الحسین علیه‌السلام: ۹۰ ح ۸۳، تهذیب الاحکام: ۸/ ۴۰ ح ۱۲۱، استبصار: ۳/ ۲۷۹ ح ۹۹۲، مزار کبیر: ۳۶۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۶۰ ش ۷۹۱.

۲ ـ کامل الزیارات: ۲۷۸ ب ۹۲ ح ۲، مزار مفید: ۱۴۴ ح ۵، مصباح المتهجّد: ۷۳۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۴ ح ۱۴۳، مزار کبیر: ۳۶۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲۴ ح ۲۴ و ۲۵ وص ۱۳۶ ح ۷۹ وج ۱۰۴/ ۱۱۵ ح ۳۵ و ۳۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۵۶ ش ۷۸۲.

۳ ـ کامل الزیارات: ۲۷۸ ب ۹۲ ح ۳ وص ۲۴۶ ذیل ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۱ ذیل ح ۵ وص ۱۲۵ ح ۲۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۳۵ ش ۷۴۶.

۴ ـ کامل الزیارات: ۲۷۸ و ۲۷۹ ب ۹۲ ح ۴ و ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲۵ ح ۲۷ و ۲۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۳۶ ش ۷۴۷.

۵ ـ کامل الزیارات: ۲۷۹ ب ۹۲ ح ۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲۵ ح ۲۹.

راوی گفت که: من رفتم و از بالای سر آن حضرت به قدر یک ذرع کندم، از بالای سر آن حضرت خاک سرخی ریخت به قدر درهمی، پس آن را به کوفه آوردم و با دواها ممزوج کردم و به بیماران می‌دادم و شفا می‌یافتند[۱].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: هر گِلی حرام است مانند گوشت خوک، و هر که بخورد و بمیرد من نماز را بر او نمی‌کنم، مگر گل قبر امام حسین عليه السلام که در آن شفای هر دردی هست؛ و اگر کسی از روی لذّت و خواهش بخورد از برای او شفا نیست[۲].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: اندکی از آن حلال است، مثل نخودی[۳].

و در **روایت معتبر** دیگر فرمود که: خاک قبر حسین عليه السلام را از نزد قبر تا هفتاد ذرع، می‌توان برداشت[۴].

و در **روایت معتبر** دیگر هفتاد باع در هفتاد باع فرمود[۵].

و باع آن مقدار است که هردو دست را بگشایند؛ و تقریبا به قدر چهار ذراع می‌شود.

و به **سند معتبر** از امام محمد باقر عليه السلام منقول است که: طین قبر حسین عليه السلام شفای هر درد و ایمنی از هر خوف است، و از برای هر مطلب که بردارند آن مطلب حاصل می‌شود[۶].

و در **حدیث دیگر** منقول است که: از حضرت صادق عليه السلام پرسیدند از گِل ارمنی که بر می‌دارند برای کسی که عضوی از او شکسته باشد، آیا حلال است برداشتن آن؟

فرمود که: باکی نیست، آن خاک ذوالقرنین است؛ و خاک قبر امام حسین عليه السلام از آن بهتر است[۷].

۱ـ کافی: ۴/ ۵۸۸ ح ۴، کامل الزیارات: ۲۷۹ ب۹۳ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲۵ و ۱۲۶ ح ۳۰ و ۳۱، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۳/ ۳۱ ش۷۳۶ ـ بخش اول حدیث ـ.

۲ـ کافی: ۶/ ۲۶۵ ح ۱، کامل الزیارات: ۲۸۵ ب۹۵ ح ۱، علل الشرائع: ۵۳۲ ب۳۱۷ ح ۲، بحارالانوار: ۶۰/ ۱۵۲ ح۷ وج ۱۰۱/ ۱۲۹ ح۴۳ و ۴۴، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۳/ ۳۴ ش۷۴۳.

۳ـ کامل الزیارات: ۲۸۵ ب۹۵ ذیل ح ۳، مزار مفید: ۱۴۶ ذیل ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۴ ذیل ح۱۴۵، مزار کبیر: ۳۶۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۰ ذیل ح۴۶ و ۴۷، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۳/ ۱۶ ذیل ش۷۱۳.

۴ـ کافی: ۴/ ۵۸۸ ح۵، مصباح المتهجّد: ۷۳۲، مزار کبیر: ۳۶۳، مصباح الزائر: ۲۵۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۰ ح ۵۰ـ۵۳.

۵ـ کامل الزیارات: ۲۸۱ ب۹۳ ح۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۱ ح۵۵.

۶ـ طبّ الأئمّة: ۵۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۱ ح۵۹.

۷ـ مصباح المتهجّد: ۷۳۲، مکارم الاخلاق: ۱/ ۳۶۲ ح ۱۱۸۲، دعوات راوندی: ۱۸۵ ح۵۱۴، بحارالانوار: ۶۰/ ۱۵۵ ح۸ وج ۶۲/ ۱۷۴ ح۸ وج ۱۰۱/ ۱۳۴ ح۶۹، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۳/ ۳۴ ش۷۴۴.

و در **حدیث معتبر** دیگر منقول است از ابو حمزه ثمالی که گفت: عرض کردم به حضرت صادق ﷺ که: می‌بینم اصحاب ما می‌گیرند خاک قبر حضرت امام حسین ﷺ را و طلب شفا از آن می‌کنند، آیا در آن شفا هست؟

فرمود که: طلب شفا می‌توان کرد از خاکی که بردارند از میان قبر تا چهار میل. و همچنین است خاک قبر جدّم رسول خدا ﷺ و قبر امیرالمؤمنین و امام حسن ﷺ.

پس بگیر از آن خاک که آن شفای هر درد است، و سپری است از برای دفع هرچه از آن ترسی؛ و هیچ چیز به آن برابری نمی‌کند از چیزها که از آن شفا طلب می‌کنند بغیر از دعا.

و چیزی که آن را فاسد می‌کند، آن است که در ظرفها و جاهای بد می‌گذارند.

و آنها که معالجه به آن می‌کنند، کم است یقین ایشان؛ هرکه یقین داشته باشد که این از برای او شفا است هرگاه معالجه به آن بکند او را کافی خواهد بود، و محتاج به دوای دیگر نخواهد شد.

و فاسد می‌گرداند آن تربت را شیاطین و کافران از جنّیان که خود را بر آن می‌مالند، و به هر چیز که می‌گذرد آن تربت آن را بو می‌کنند؛ و امّا شیاطین و کافران جنّ، پس حسد می‌برند فرزندان آدم را و خود را برآن می‌مالند که اکثرِ نیکی و بوی خوشش برطرف می‌شود. و هیچ تربت از حایر بیرون نمی‌آید مگر مهیّا می‌شود از شیاطین و کافران جنّ از برای آن تربت، آن قدر که عدد ایشان را به غیر از خدا احصا نمی‌تواند کرد، و آن تربت در دست صاحبش است و ایشان خود را بر آن می‌مالند؛ و ملائکه نمی‌گذارند ایشان را که داخل حایر شوند. و اگر تربت سالم از اینها بماند، هر بیماری را که به آن معالجه نمایند البته در آن ساعت شفا می‌یابد.

پس چون تربت را برداری پنهان کن، و نام خدا بر آن بسیار بخوان؛ و شنیده‌ام که بعضی از آنها که تربت را برمی‌دارند، آن را سبک می‌شمارند؛ حتی بعضی از ایشان آن را در توبره چهار پایان می‌اندازند، یا در ظرف طعام و چیزهایی که دست بر آن بسیار مالیده می‌شود ـ از خرجین‌ها و جوالها ـ.

پس چگونه شفا یابد از آن، کسی که به این نوع آن را حرمت دارد؛ ولیکن دلی که در آن یقین نیست و سبک می‌شمارد چیزی را که صلاحش در آن است، عمل خود را فاسد می‌کند[1].

مؤلّف گوید که: مشهور میان علما آن است که خوردن گل و خاک مطلقاً جایز نیست، مگر خاک قبر امام حسین علیه السلام بقصد شفا، بی‌قصد لذّت، به قدر نخودی.

و اگر به قدر عدسی زیاده نخورند، احوط است.

و احوط آن است که آن تربت را از موضعِ نزدیک برداشته باشند، و به دعاها و آداب منقوله برداشته باشند، و در وقت خوردن به آداب و ادعیه منقوله بخورند؛ چنانچه مذکور خواهد شد.

و امّا خاک قبور سایر انبیا و ائمه علیهم السلام، پس جایز نیست خوردن آنها.

و این دو حدیث را حمل می‌توان کرد بر اینکه تبرّک جویند به آنها بغیر خوردن؛ مثل طلا کردن و مانند آن.

و به **سند معتبر** از محمد بن مسلم منقول است که گفت: رفتم به مدینه و بیمار شدم، حضرت امام محمد باقر علیه السلام دوایی از برای من فرستاد که غلامی آورد، و دستمالی بر روی آن پوشیده بودند.

غلام گفت که: این را بخور که حضرت مرا امر کرده است که نروم، تا بیاشامی این دوا را.

پس چون گرفتم و خوردم، شربت سردی بود در نهایت خوش طعمی، و بوی مشک از آن ساطع بود.

پس غلام گفت که: مولای من می‌فرماید که چون دوا را بخوردی بیا به نزد ما.

من از این قول تعجب کردم؛ زیرا که حالی داشتم پیشتر، که قدرت نداشتم بر برخاستن.

پس چون آن شربت در جوف من قرار گرفت، گویا از بندی رها شدم؛ برخاستم و به در خانه آن حضرت آمدم و رخصت طلبیدم، حضرت صدا زدند که جسمت صحیح شده است، داخل شو.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۲۸۰ ب ۹۳ ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲۶ ح ۳۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۴۲ ش ۷۵۳.

پس داخل شدم و می‌گریستم، و سلام کردم و دست و سرش را بوسیدم.

پرسید که: چرا گریه میکنی؟

گفتم که: فدای تو شوم می‌گریم بر غربت خود، و دوری راه از خدمت شما، وکمی قدرت برماندن در ملازمت شما، که پیوسته نظر به شما کنم.

فرمود که: امّا کمی قدرت، پس حق تعالی چنین گردانیده است شیعیان و اهل مودّت ما را، و بلا را به سوی ایشان تند گردانیده است.

و امّا آنچه گفتی از غربت، پس مؤمن در این دنیا غریب است در میان این خلق واژگون، تا از این خانه به در رود به سوی رحمت خدا.

و امّا آنچه ذکر کردی از دوری راه، پس تو را در این باب تأسّی خواهد بود به حضرت ابی‌عبدالله الحسین ﷺ، که در زمینی است که دور است از ما در کنار فرات.

و امّا آنچه یادکردی از محبّت قرب ما، و نظر کردن به سوی ما، و اینکه قادر بر این نیستی، پس بدان که خدا می‌داند آنچه در دل تو است، و تو را بر آن جزا خواهد داد.

پس فرمود که: آیا به زیارت امام حسین ﷺ می‌روی؟

گفتم بلی، با ترس و بیم بسیار.

فرمود که: هرچند ترس بیشتر است، ثوابش عظیم‌تر است.

پس فرمود که: چگونه یافتی آن شربت را؟

گفتم: گواهی می‌دهم که شما اهل بیت رحمتید، و تو وصیّ اوصیائی؛ در وقتی غلام آن شربت را آورد که قدرت نداشتم که بر پا بایستم، و از خود ناامید شده بودم، پس چون آن شربت سرد شیرین خوشبو را نوشیدم غلام گفت که مولای من فرموده است که بیا، گفتم با این حال می‌روم هرچند جانم برود؛ چون روانه شدم گویا از بندی رها شدم، پس سپاس خداوندی راکه شما را رحمت گردانیده است برای شیعیان شما.

فرمود که: آن شربت که خوردی از خاک قبرهای پدران من بود، و از برای شفا از آن بهتر چیزی نمی‌باشد، پس هیچ چیز را با آن را برابر مکن، که ما به اطفال و زنان خود می‌خورانیم، و از آن خیر بسیار می‌بینیم.

گفتم: فدای تو شوم، ما بر می‌داریم و طلب شفا از آن می‌کنیم.

فرمود که: شخصی آن را برمی‌دارد و ازحایر بیرون می‌آورد ظاهر، بی‌آنکه در چیزی بپیچد، پس هیچ جنّ و جانور و چیزی که دردی و بلائی داشته باشد نیست مگر آنکه آن را بو می‌کند، پس برکتش برطرف می‌شود، و برکتش را دیگران می‌برند؛ و آن تربت که به آن معالجه می‌کنند چنین نمی‌باید باشد، واگر نه این علّت باشد که گفتم، هرکه آن را برخود بمالد یا از آن بخورد، البته شفا می‌یابد در همان ساعت.

و آن مثل حجر الأسود است که اوّل مثل یاقوتی بود در نهایت سفیدی، و هر بیماری و دردناکی که خود را بر آن می‌مالید در ساعت شفا می‌یافت؛ و چون صاحبان دردها از اهل کفر و جاهلیّت خود را بر آن می‌مالیدند، سیاه شد و اثرش کم شد.

و چون تو برمی‌داری تربت را ظاهر و گشوده بیرون می‌آوری، و در میان خرجین و در جاهای چرکین می‌افکنی، پس برکتش می‌رود[۱].

وبه دو سند معتبر ازحارث بن مغیره منقول است که گفت: به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که: من درد وبیماری بسیار دارم، و به هر دوائی که مداوا کردم نفع نیافتم.

فرمود که: چرا غافلی از تربت قبرحسین بن علی علیهما السلام که در آن شفای هر درد است، و ایمنی از هر خوف هست؟!

چون تربت را برداری این دعا بخوان:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ ٱلطِّينَةِ، وَبِحَقِّ ٱلْمَلَكِ ٱلَّذِي أَخَذَها، وَبِحَقِّ ٱلنَّبِيِّ ٱلَّذِي قَبَضَها، وَبِحَقِّ ٱلْوَصِيِّ ٱلَّذِي حَلَّ فِيها، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَٱفْعَلْ بِي ـ كذا وكذا ـ.

و به‌جای «وافعل بي كذا وكذا» حاجتهای خود را بطلبد.

پس حضرت فرمود که: ملکی که تربت را اخذ کرد جبرئیل بود، و آن تربت را به پیغمبر صلی الله علیه و آله نمود و گفت: این تربت پسرت حسین است؛ امّت تو بعد از تو او را خواهند کشت. و پیغمبری که آن را اخذ کرد محمّد صلی الله علیه و آله بود، و وصیّی که در آن حلول

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۲۷۵ ب ۹۱ ح ۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲۰ ح ۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۸ ش ۷۱۶.

کرده است حضرت امام حسین است با شهیدان که با آن حضرت در آنجا مدفون شده‌اند.

گفتم فدای تو شوم شفای هر درد را دانستم، چگونه باعث ایمنی از هر خوف می‌گردد؟

فرمود که: هرگاه از پادشاهی و یا غیر او ترسی، از خانه بیرون مرو مگر آنکه تربت آن حضرت با تو باشد، پس بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَخَذْتُهُ مِنْ قَبْرِ وَلِيِّكَ وَٱبْنِ وَلِيِّكَ، فَاجْعَلْهُ لِي أَمْناً وَحِرْزاً لِما أَخافُ وَما لا أَخافُ.

زیرا که گاه هست بر آدمی بلائی چند وارد می‌شود که خوف از آنها ندارد.

حارث گفت که: چنانچه حضرت فرمود من تربت را اخذ کردم، و آن دعا که فرمود خواندم پس بدنم صحیح شد، و امان من گردید از آنچه می‌ترسیدم و از آنچه نمی‌ترسیدم؛ و بعد از آن بحمد الله مکروهی و المی ندیدم[۱].

و به روایت معتبر دیگر منقول است که آن حضرت فرمود که: حق تعالی تربت جدّم را گردانیده است شفای هر درد، و امان از هر خوف؛ پس هرگاه یکی از شما خواهد که بردارد تربت را، پس ببوسد آن را و بر هر دو دیده بگذارد و بر سایر بدن بمالد، و بگوید:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذِهِ ٱلتُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ مَنْ حَلَّ بِها وَثَوىٰ فِيها، وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ وَٱلْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَبِحَقِّ ٱلْمَلائِكَةِ ٱلْحافِّينَ بِهِ، إِلّا جَعَلْتَها شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ، وَبُرْءاً مِنْ كُلِّ مَرَضٍ، وَنَجاةً مِنْ كُلِّ آفَةٍ، وَحِرْزاً مِمّا أَخافُ وَأَحْذَرُ.

پس آن را استعمال نماید.

راوی گفت که: من همیشه چنین کردم، و هیچ مکروهی بحمد الله ندیدم[۲].

و در حدیث دیگر فرمود که: چون احدی از شما تربت را بردارد، به اطراف انگشتان بردارد ـ و قدر آن مثل نخود است ـ پس ببوسد و بر هر دو دیده بگذارد، و بر سایر بدن بمالد، و آن دعا که در حدیث سابق گذشت بخواند[۳].

---

۱ ـ امالی طوسی: ۱/ ۳۲۵، کامل الزیارات: ۲۸۲ ب۹۳ ح ۱۰، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۴ ح۱۴۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۱۸ و۱۱۹ ح۲ و۳، موسوعة زیارات المعصومین﵈: ۳/ ۳۸ ش ۷۵۰.

۲ ـ امالی طوسی: ۱/ ۳۲۶، مصباح الزائر: ۲۵۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۱۹ ح۴ و۵.

۳ ـ مکارم الاخلاق: ۱/ ۳۶۱ ح۱۱۷۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۱۹ ح۶.

و در **حديث معتبر** ديگر فرمود كه: چون كسى از تربت حضرت امام حسين ﷺ تناول نمايد، بگويد:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ ٱلْمَلَكِ ٱلَّذِي تَناوَلَهُ، وَٱلرَّسُولِ ٱلَّذِي بَوَّأَهُ، وَٱلْوَصِيِّ ٱلَّذِي ضُمِّنَ فِيهِ، أَنْ تَجْعَلَهُ شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ.

پس آن درد را نام برد[1].

و در **حديث معتبر** از حضرت امام محمد باقر ﷺ منقول است كه: چون بردارى تربت را، بگو:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذِهِ ٱلتُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ ٱلْمَلَكِ ٱلْمُوَكَّلِ بِها، وَبِحَقِّ ٱلْمَلَكِ ٱلَّذِي كَرَبَها[2]، وَبِحَقِّ ٱلْوَصِيِّ ٱلَّذِي هُوَ فِيها، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَٱجْعَلْ هٰذَا ٱلطِّينَ شِفاءً لِي مِنْ كُلِّ داءٍ، وَأَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ.

اگر چنين كند البته شفاى او است از هردردى، و امان او است از هر خوفى[3].

و در **روايت معتبر** منقول است كه: مهر كردن بر تربت حسينﷺ آن است كه بر آن سورهٔ «إنّا أنزلناه في ليلة القدر» بخوانى[4].

و **روايتى** وارد شده است كه: چون تربت را برگيرى بگو:

بِسْمِ ٱللهِ، اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذِهِ ٱلتُّرْبَةِ ٱلطّاهِرَةِ، وَبِحَقِّ ٱلْبُقْعَةِ ٱلطَّيِّبَةِ، وَبِحَقِّ ٱلْوَصِيِّ ٱلَّذِي تُوارِيهِ، وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَأَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ، وَٱلْمَلائِكَةِ ٱلَّذِينَ يَحُفُّونَ بِهِ، وَٱلْمَلائِكَةِ ٱلْعُكُوفِ عَلىٰ قَبْرِ وَلِيِّكَ يَنْتَظِرُونَ نَصْرَهُ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ـ، اِجْعَلْ لِي فِيهِ شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ، وَأَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَغِنىً مِنْ كُلِّ فَقْرٍ، وَعِزّاً مِنْ كُلِّ

---

۱ ـ كامل الزيارات: ۲۸۰ ب۹۳ ح۳، مصباح المتهجّد: ۷۳۴، دعوات راوندى: ۱۸۷ ح۵۱۸، بحارالانوار: ۱۰۱ / ۱۲۷ ح۳۳ و۳۴، موسوعة زيارات المعصومينﷺ: ۳ / ۴۵ ش۷۵۶.

۲ ـ «كرّ بها» خ ل.

۳ ـ كامل الزيارات: ۲۸۰ ب۹۳ ح۴، بحارالانوار: ۱۰۱ / ۱۲۷ ح۳۵، موسوعة زيارات المعصومينﷺ: ۳ / ۱۷ ش۷۱۵.

۴ ـ كافى: ۴ / ۵۸۸ ح۷، كامل الزيارات: ۲۸۱ ب۹۳ ح۷، بحارالانوار: ۱۰۱ / ۱۲۷ ح۳۶، موسوعة زيارات المعصومينﷺ: ۳ / ۶۷ ش۸۰۶.

ذُلٍّ، وَأَوْسِعْ بِهِ عَلَيَّ في رِزْقِي، وَأَصِحَّ بِهِ جِسْمِي[۱].

و به سند معتبر دیگر از حضرت صادق﵇ منقول است که: چون خواهی خاک قبر حضرت امام حسین﵇ را برداری، پس سورهٔ «حمد» و «قل أعوذ بربّ الفلق» و «قل أعوذ بربّ النّاس» و «قل هو الله أحد» و «إنّا أنزلناه فی لیلة القدر» و «یٰس» و «آیة الکرسی» بخوان ـ و بنا بر بعضی نسخ «قل یا أیّها الکافرون» نیز بخوان ـ و بگو:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ، وَبِحَقِّ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ عَبْدِكَ، وَأَخِي رَسُولِكَ، وَبِحَقِّ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ، وَبِحَقِّ ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ، وَبِحَقِّ ٱلْأَئِمَّةِ ٱلرّاشِدِينَ، وَبِحَقِّ هٰذِهِ ٱلتُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ ٱلْمَلَكِ ٱلْمُوَكَّلِ بِها، وَبِحَقِّ ٱلْوَصِيِّ ٱلَّذِي هُوَ فِيها، وَبِحَقِّ ٱلْجَسَدِ ٱلَّذِي تَضَمَّنَتْ، وَبِحَقِّ ٱلسِّبْطِ ٱلَّذِي ضُمِّنَتْ[۲]، وَبِحَقِّ جَمِيعِ مَلائِكَتِكَ وَأَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَٱجْعَلْ هٰذَا ٱلطِّينَ شِفاءً لِي وَلِمَنْ يَسْتَشْفِي بِهِ مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ، وَأَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ.

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اِجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً، وَرِزْقاً واسِعاً، وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ، وَآفَةٍ وَعاهَةٍ، وَجَمِيعِ ٱلْأَوْجاعِ كُلِّها، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ ٱلتُّرْبَةِ ٱلْمُبارَكَةِ ٱلْمَيْمُونَةِ، وَٱلْمَلَكِ ٱلَّذِي هَبَطَ بِها، وَٱلْوَصِيِّ ٱلَّذِي هُوَ فِيها، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ، وَٱنْفَعْنِي بِها، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ[۳].

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۸۹ ذیل ح۷، کامل الزیارات: ۲۸۲ ب۹۳ ح۸، مصباح الزائر: ۲۵۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲۸ ح۳۷ و۳۸، موسوعة زیارات المعصومین﵊: ۳/ ۴۶ ش۷۵۸.

۲ ـ «ضَمَّت» خ ل.

۳ ـ کامل الزیارات: ۲۸۳ ب۹۳ ح۱۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲۸ ح۳۹، موسوعة زیارات المعصومین﵊: ۳/ ۴۰ ش۷۵۱.

و در روایت دیگر فرمود که: هرگاه تربت را بخوری یا خواهی که بخوری، بگو:

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً واسِعاً، وَعِلْماً نافِعاً، وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ[۱].

و به روایت دیگر فرمود که بگو:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبارَكَةِ، وَرَبَّ الْوَصِيِّ الَّذِي وارَتْهُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً، وَرِزْقاً واسِعاً، وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ[۲].

و در روایت معتبر دیگر فرمود که: هرگاه برداری تربت مظلوم را و در دهان بگذاری، بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ، وَبِحَقِّ الْمَلَكِ الَّذِي قَبَضَها، وَالنَّبِيِّ الَّذِي حَضَنَها، وَالْإِمامِ الَّذِي حَلَّ فِيها، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي فِيها شِفاءً نافِعاً، وَرِزْقاً واسِعاً، وَأَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَداءٍ.

که اگر این را بگوید، حقّ تعالی به او شفا و عافیت می‌بخشد[۳].

و در حدیث دیگر فرمود که: تربت امام حسین ﷺ بسیار مبارک است، هرکه بخورد آن را از شیعیان ما، برای او شفا می‌گردد از هر دردی؛ و هرکه بخورد از دشمنان ما، در بدنش گداخته می‌شود چنانچه دنبه گداخته می‌شود.

پس چون تربت را بخوری بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَلَكِ الَّذِي قَبَضَها، وَبِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي خَزَنَها، وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيها، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ لي فِيهِ شِفاءً مِنْ

۱ـ کامل الزیارات: ۲۸۴ ب ۹۴ ح ۱، مزار مفید: ۱۴۹ ح ۱، مکارم الاخلاق: ۲/ ۲۴۳ ح ۲۵۸۶، مزار کبیر: ۳۶۴، مصباح الزائر: ۲۵۷، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۳۸ ش ۷۴۹.

۲ـ کامل الزیارات: ۲۸۴ ب ۹۴ ح ۲، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۶۰۰ ح ۳۲۰۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲۹ ح ۴۱.

۳ـ کامل الزیارات: ۲۸۴ ب ۹۴ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۲۹ ح ۴۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۳۳ ش ۷۴۱.

كُلِّ داءٍ، وَعافِيَةً مِنْ كُلِّ بَلاءٍ، وَأَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ، وَصَلَّى ٱللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

وایضاً میگویی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هٰذِهِ ٱلتُّرْبَةَ تُرْبَةُ وَلِيِّكَ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّها شِفاءٌ مِنْ كُلِّ داءٍ، وَأَمانٌ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَلِي بِرَحْمَتِكَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ كُلَّ ما قِيلَ فِيهِمْ وَفِيها هُوَ ٱلْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ، وَصَدَقَ ٱلْمُرْسَلُونَ[۱].

و در حدیث معتبر دیگر منقول است که: تربت قبر آن حضرت شفای هـر درد است، هرگاه که خواهی بخوری بگو:

بِسْمِ ٱللهِ وَبِاللهِ، اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْهُ رِزْقاً واسِعاً، وَعِلْماً نافِعاً، وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللّٰهُمَّ رَبَّ ٱلتُّرْبَةِ ٱلْمُبارَكَةِ، وَرَبَّ ٱلْوَصِيِّ ٱلَّذِي وارَتْهُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَٱجْعَلْ هٰذَا ٱلطِّينَ شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ، وَأَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ[۲].

و در روایت معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: هرکه طین قبر حسین علیه‌السلام را بخورد نه از برای طلب شفا، چنان است که گوشت ما را خورده است.

پس اگر کسی محتاج شود به خوردن از برای شفا، بگوید:

بِسْمِ ٱللهِ وَبِاللهِ، اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ ٱلتُّرْبَةِ ٱلْمُبارَكَةِ ٱلطّاهِرَةِ، وَرَبَّ ٱلنُّورِ ٱلَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ، وَرَبَّ ٱلْجَسَدِ ٱلَّذِي سَكَنَ فِيهِ، وَرَبَّ ٱلْمَلائِكَةِ ٱلْمُوَكَّلِينَ بِهِ، اِجْعَلْهُ لِي شِفاءً مِنْ داءِ ـ كذا وكذا ـ.

و بیماری خود را نام برد.

---

۱ ـ مكارم الاخلاق: ۱/ ۳۶۰ ح ۱۱۷۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۲ ح ۶۰، موسوعة زيارات المعصومين علیهم‌السلام: ۳/ ۴۴ ش ۷۵۴.

۲ ـ مصباح المتهجّد: ۷۳۲، دعوات راوندی: ۱۸۷ ح ۵۱۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۴ ح ۷۰، موسوعة زيارات المعصومين علیهم‌السلام: ۳/ ۴۴ ش ۷۵۵.

و فرمود که: بعد از آن جرعه‌ای از آب بخور و بگو:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً واسِعاً، وَعِلْماً نافِعاً، وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ.

که اگر چنین کنی، خدا دفع می‌کند آنچه می‌یابی در خود از بیماری و همّ و غمّ إن شاء الله[1].

و در **حدیث معتبر** دیگر منقول است که شخصی به خدمت آن حضرت عرض کرد که: من شنیدم که شما فرمودید که تربت حسین ﷺ از دواهای مفرد است، و به هیچ دردی نمی‌گذرد مگر آن را دفع می‌کند.

فرمود که: بلی من گفتم.

آن شخص گفت که: من خوردم و از آن نفع نیافتم.

فرمود که: آن دعائی دارد، که هرکه بخورد و آن دعا نخواند نفع نمی‌یابد.

پرسید که: چه دعا باید خواند؟

فرمود که: چون تربت را برداری اوّل ببوس و بر هردو دیده بگذار، و برمدار زیاده از یک نخود، که هرکه زیاده از آن بخورد چنان است که گوشت و خون ما را خورده است، پس چون برداری بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَلَكِ الَّذِي قَبَضَها، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي خَزَنَها، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيها، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَهُ شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ، وَأَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَحِفْظاً مِنْ كُلِّ سُوءٍ.

پس چون این دعا بخوانی تربت را در جامه‌ای ببند، و بخوان بر آن سوره «إِنّا أَنْزَلْناهُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، که آن دعا رخصتِ برداشتن است، و خواندن «إنّا أنزلناه» به منزلهٔ مهر کردن آن است[2].

---

۱ ـ مصباح المتهجّد: ۷۳۳، دعوات راوندی: ۱۸۷ ح ۵۱۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۴ ح ۷۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۴۱ ش ۷۵۲.

۲ ـ مزار مفید: ۱۴۷ ح ۱، مصباح المتهجّد: ۷۳۴، دعوات راوندی: ۱۸۶ ح ۵۱۵، مصباح الزائر: ۲۵۶، بحارالانوار: ۶۰/ ۱۵۷ ح ۲۴ وج ۱۰۱/ ۱۳۵ ح ۷۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۳۷ ش ۷۴۹.

و به سند معتبر منقول است که جابر جُعفی گفت: رفتم به خدمت حضرت امام محمد باقر ﷺ و شکایت کردم به آن حضرت که دو مرض ضدّ یکدیگر دارم، که هریک را که مداوا می‌کنم دیگری زیاده می‌شود.

فرمود که: بر تو باد به خوردن تربت حسین بن علی ﷺ.

گفتم بسیار خوردم و فایده نبخشید.

چون این را گفتم، از روی مولای خود اثر غضب را مشاهده کردم.

پس گفتم: ای مولای من پناه میبرم به خدا از غضب تو.

و برخاست و داخل خانه شد غضبناک، و چیزی آورد به وزن حبّه‌ای، و فرمود که: بخور.

من خوردم، و در همان ساعت عافیت یافتم.

گفتم: ای مولای من، این چه دوا بود که به این زودی در من اثر کرد؟

فرمود که: همان است که گفتی خوردم و فایده نبخشید.

گفتم: والله ای مولای من، من دروغ نگفتم، ولیکن این را عرض کردم که شاید علمی در این باب از شما اخذ کنم که نزد من بهتر باشد از تمام دنیا.

فرمود که: چون خواهی تربت برداری، در آخر شب متوجه شو و غسل کن به آب خالص، و بپوش پاکترین جامه‌های خود را، و به سعد خود را خوشبو کن و داخل روضه شو و نزد سر آن حضرت بایست و چهار رکعت نماز بکن و در رکعت اوّل سورهٔ حمد بخوان، و یازده مرتبه «قل یا أیّها الکافرون»، و در رکعت دوم بعد از «حمد» یازده مرتبه سورهٔ «إنّا أنزلناه فی لیلة القدر» بخوان، پس در قنوت این دعا بخوان:

لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللهُ حَقّاً حَقّاً، لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللهُ عُبُودِيَّةً وَرِقّاً، لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ ٱلْأَحْزابَ وَحْدَهُ، سُبْحانَ ٱللهِ مالِكِ ٱلسَّماواتِ وَما فِيهِنَّ وَما بَيْنَهُنَّ، سُبْحانَ ٱللهِ ذِي ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ، وَٱلْحَمْدُ للهِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

پس رکوع و سجود می‌کنی، و دو رکعت دیگر نماز می‌کنی، و در رکعت اوّل بعد

از حمد یازده مرتبه «قُلْ هُوَ اللهُ أحَدٌ»، و در رکعت دوم بعد از حمد یازده مرتبه «إذا جاءَ نَصْرُ اللهِ» می‌خوانی، و همان قنوت را که در دو رکعت اول خواندی می‌خوانی، پس بعد از نماز به سجدهٔ شکر می‌روی و هزار مرتبه می‌گویی: شکراً.

پس بر می‌خیزی و به ضریح می‌چسبی و می‌گویی:

يا مَوْلايَ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، إنِّي آخِذٌ مِنْ تُرْبَتِكَ بِإذْنِكَ.

اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْها شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ، وَعِزّاً مِنْ كُلِّ ذُلٍّ، وَأمْناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَغِنىً مِنْ كُلِّ فَقْرٍ، لِي وَلِجَمِيعِ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِناتِ.

پس به سر انگشت سه مرتبه برمی‌داری و در کهنه پاکی می‌گذاری یا در شیشه، و مهر میکنی سرش را به انگشتر عقیق که بر آن این کلمات را نقش کرده باشند: **ما شاءَ ٱللهُ، لا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ، أسْتَغْفِرُ ٱللهَ.**

پس اگر خدا داند که نیّت تو درست است، در این سه قبضه زیاده از هفت مثقال برداشته نمی‌شود. پس از برای هر علّت که بخوری، آن اثر را خواهی دید که دیدی[1].

و به **روایت دیگر** سیّد ابن طاووس‌ﷺ و غیر او همین عمل را روایت کرده‌اند، و قنوت را نقل نکرده‌اند، و در رکعت چهارم «إذا جاء نصر الله» را دوازده مرتبه نقل کرده‌اند[2].

و سیّد آن عمل اوّل را نیز نقل کرده است، و قنوت را به این لفظ ذکر کرده است:

لا إلٰهَ إلّا ٱللهُ عُبُودِيَّةً وَرِقّاً، لا إلٰهَ إلّا ٱللهُ حَقّاً حَقّاً، لا إلٰهَ إلّا ٱللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ ٱلْأحْزابَ وَحْدَهُ، سُبْحانَ ٱللهِ مَلِكِ ٱلسَّماواتِ ٱلسَّبْعِ، وَٱلْأرَضِينَ ٱلسَّبْعِ، وَما بَيْنَهُنَّ، وَما فِيهِنَّ، وَسُبْحانَ ٱللهِ رَبِّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ، وَصَلَّى ٱللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَسَلامٌ عَلَى ٱلْمُرْسَلِينَ، وَٱلْحَمْدُ للهِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ[3].

---

۱ ـ مزار کبیر: ۳۶۴ ـ ۳۶۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۸ ح ۸۳، موسوعة زيارات المعصومين‌ﷺ: ۳/ ۲۱ ش ۷۱۷.

۲ ـ مصباح الزائر: ۲۵۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۷ ح ۸۰.

۳ ـ مصباح الزائر: ۲۵۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۷ ح ۸۱.

فصل سوم

در بیان سایر فوائد تربت مشرّفه
و بعضی معجزات که از آن ظاهر گردیده است

بدان که معجزات بسیار که نزد ضریح و از تربت مقدّسه آن حضرت ظاهر گردیده است، در کتاب بحارالانوار ایراد کرده‌ام؛ و از آنها در این مقام اکتفا به دو قصّه می‌نمایم:

اوّل:

شیخ طوسی ـ علیه الرحمه ـ از مشایخ کرام خود روایت نموده است که محمد ازْدی گفت که: در مسجد جامع مدینه من نماز کردم و در پهلوی من دو مرد بودند، بر یکی از آنها جامه‌های سفر بود، یکی از آنها به دیگری گفت که: در تربت قبر امام حسین‌ؑ شفای از هر درد هست، و من مرضی داشتم و به هر دوا که مداوا کردم عافیت نیافتم، تا آنکه خوف هلاک بر من مستولی شد و از خود ناامید شدم، و نزد ما پیر زالی بود از اهل کوفه، به نزد من آمد ـ در وقتی که علّتم نهایت شدّت داشت ـ و گفت: درد تو را هر روز در زیادتی می‌بینم، می‌خواهی که تو را معالجه بکنم که از این مرض نجات یابی؟

گفتم: من بسی محتاجم به چنین چیزی.

پس آبی در قدحی کرد و به نزد من آورد. چون آن آب را آشامیدم صحیح شدم، که گویا هرگز آزاری نداشته‌ام.

بعد از چند ماه آن زن به نزد من آمد ـ و سلمه نام داشت ـ.

گفتم: بالله ای سلمه، آن چه دوا بود که به من دادی؟

گفت: به یک دانه از این تسبیح که در دست دارم تو را دوا کردم.

گفتم: این تسبیح چیست؟

گفت: خاک قبر امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ است.

من به او گفتم که: ای رافضیه، مرا مداوا به خاک قبر حسین می‌کنی؟!

پس آن زن خشمناک از پیش من بیرون رفت؛ و در همان ساعت آزار من عود کرد، و چندان شدّت بهم رسانیده است که خوف هلاک بر خود دارم[1].

دوم:

باز شیخ ـ قدّس الله روحه ـ به سند معتبر نقل کرده است که موسی بن عبد العزیز گفت که: مرا ملاقات کرد یُوحنای طبیب نصرانی و گفت: به حق پیغمبرت و دینت که بگو کیست آن کسی که مردم به زیارت او می‌روند در ناحیه قصر ابن هبیره، آیا از اصحاب پیغمبر شما است؟

گفتم نه، او امام حسین پسر دختر پیغمبر ما است؛ به من بگو که چرا این سؤال کردی؟

گفت: در این باب خبر غریبی دارم:

سابور ـ خادم رشید ـ شبی مرا طلبید، چون به نزد او رفتم مرا برداشت و برد به خانهٔ موسی بن عیسی که از خویشان خلیفه بود؛ دیدم که بی هوش بر رختخواب افتاده است، و در پیش رویش طشتی بود که جمیع احشایش در آن طشت ریخته بود ـ و هارون الرّشید او را در آن ایّام از کوفه طلبیده بود ـ.

سابور پرسید از خادم مخصوص موسی و گفت: این چه حال است که در او می‌بینم؟

گفت: یک ساعت قبل از این در نهایت صحّت و خوشحالی نشسته بود و با ندیمانش صحبت می‌داشت، و شخصی از بنی هاشم حاضر بود گفت: من علّت شدیدی داشتم و به هرچه معالجه کردم فایده نداد، تا آنکه کاتب من گفت که

---

۱ ـ امالی طوسی: ۱/ ۳۲۷، بحارالانوار: ۴۵/ ۳۹۹ ح۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۶۹ ش۸۱۲.

از تربت حسین ﷺ بردار و مداوا کن. چنین کردم و عافیت یافتم.

موسی گفت که: هیچ از آن پیش تو مانده است؟

گفت: بلی.

پس فرستاد و قدری از آن تربت آوردند.

موسی گرفت و از روی استخفاف آن را در دبر خود داخل کرد، چون چنین کرد در ساعت فریاد کرد که: النّار، النّار، طشت بیارید، طشت بیارید.

چون طشت آوردیم اینها که در طشت است از او جدا شد؛ پس ندیمان پراکنده شدند و مجلس به ماتم بدل شد.

سابور به من گفت که: بیا ملاحظه کن آیا چاره‌ای در علاج این مرد می‌توانی کرد.

چون در طشت نظر کردم، دیدم که جگر و سپرز وشش و دلش همه در طشت افتاده است، بسیار تعجب کردم و گفتم: هیچ کس چارهٔ این نمی‌تواند کرد مگر عیسیٰ که مرده را زنده می‌کرده است.

سابور گفت: راست می‌گویی، ولیکن اینجا باش تا معلوم شود که حالش به کجا منتهی می‌شود.

من شب نزد ایشان ماندم، و در سحر به جهنّم واصل شد.

راوی گفت که: یوحنّا با دین نصرانیت مدّتی می‌آمد و حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ را زیارت می‌کرد، و بعد از آن مسلمان شد و اسلامش نیکو شد[1].

و از جمله **فواید تربت** شریف آن حضرت آن است که، مستحبّ است ***با میّت در قبر گذاشتن، و کفن را به آن نوشتن.***

چنانچه در **حدیث معتبر** از حضرت امام رضا ﷺ منقول است که فرمود که: چه مانع است احدی از شما را که هرگاه میّت را دفن کند، در برابر رویش مهری از خاک امام حسین ﷺ بگذارد، و در زیر سرش نگذارد[2]؟

---

۱ ـ امالی طوسی: ۱/ ۳۲۸، بحارالانوار: ۴۵/ ۳۹۹ ح ۱۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۷۰ ش ۸۱۳.

۲ ـ مصباح المتهجّد: ۷۳۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۶ ح ۷۵، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۶۴ ش ۷۹۹.

و به **سند صحیح** منقول است که حِمیَری به خدمت حضرت صاحب الامر ﷺ عریضه نوشت و سؤال کرد که: خاک قبر حسین ﷺ را با میّت در قبر می‌توان گذاشت؟

در جواب نوشتند که: با میّت به قبر باید گذاشت، و با حنوطش مخلوط باید کرد[1].

و **ایضاً** نوشت که: کفن را به آن می‌توان نوشت؟

نوشتند که خوب است و جایز است[2].

دیگر، **سجده کردن بر تربت مقدّسه** است. و اگر خاک را در خریطه[3] کنند و در وقت نماز پهن کنند و بر آن سجده کنند، افضل است.

و اگر *مهر بسازند* از آن و سجده کنند هم خوب است.

چنانچه حمیری به **حضرت صاحب الأمر** ﷺ نوشت و سؤال نمود از سجده کردن بر لوحی که از خاک قبر امام حسین ﷺ ساخته باشد.

جواب نوشتند که: جایز است، و فضیلت در آن است[4].

و به **سند معتبر** از معاویه بن عمّار منقول است که حضرت صادق ﷺ خریطه‌ای داشتند از دیبای زرد که در آن تربت حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ بود، و چون وقت نماز می‌شد آن را بر سجّاده می‌ریختند و بر آن سجده می‌کردند؛ و می‌فرمودند که سجده بر تربت آن حضرت، هفت حجاب را بر می‌دارد[5].

یعنی باعث قبول نماز می‌گردد و به آسمانها بالا می‌رود.

و احادیث در فضیلت و ثواب سجده بر تربت آن حضرت بسیار است.

دیگر *تسبیح از تربت* آن حضرت ساختن، و به آن تسبیح ذکر کردن، و در دست داشتن فضیلت عظیم دارد.

چنانچه به **سند معتبر** از حضرت موسی بن جعفر ـ صلوات الله علیهما ـ

---

۱ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۶ ح ۱۴۹، احتجاج: ۴۸۹، بحارالانوار: ۵۳/ ۱۶۵، وج ۸۱/ ۳۱۳ ح ۸ وج ۱۰۱/ ۱۳۳ ح ۶۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۶۵ ش ۸۰۰.

۲ ـ احتجاج: ۴۸۹، بحارالانوار: ۵۳/ ۱۶۵ ضمن ح ۴.

۳ ـ ظرفی کیسه مانند از چرم یا پارچه. نگاه کن: تاج العروس: ۱۰/ ۲۳۶ ـ خرط ـ.

۴ ـ احتجاج: ۴۸۹، بحارالانوار: ۵۳/ ۱۶۵ وج ۸۵/ ۱۴۹ ح ۸، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۶۵ ش ۸۰۱.

۵ ـ مصباح المتهجّد: ۷۳۳، دعوات راوندی: ۱۸۸ ح ۵۱۹ ـ ۵۲۰، بحارالانوار: ۸۵/ ۱۵۳ ح ۱۴ وج ۱۰۱/ ۱۳۵ ح ۷۴، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۵۱ ش ۷۶۹.

منقول است که: باید که مؤمن خالی نباشد از پنج چیز: مسواکی، و شانه‌ای، و سجّاده‌ای، و تسبیحی که در آن سی و چهار دانه باشد، و انگشتر عقیقی[۱].

و به **سند معتبر** منقول است از حضرت صادق ﷺ که: هر که بگرداند سنگهایی که از تربت حسین ﷺ می‌سازند ـ یعنی تسبیحی پخته ـ پس یکبار استغفار کند، هفتاد استغفار از برای او نوشته می‌شود. و اگر تسبیح را در دست نگاه‌دارد و تسبیح نگوید، به عدد هر حبّه هفت مرتبه از برای او نوشته می‌شود[۲].

و از حضرت موسی بن جعفر ﷺ به **سند معتبر** منقول است که فرمود که: شیعهٔ ما مستغنی نیستند از چهار چیز: خمره‌ای که بر آن نماز کنند، و انگشتری که در دست کنند، و مسواکی که به آن مسواک کنند، و تسبیحی از خاک قبر امام حسین ﷺ که در آن سی و سه حبّه باشد؛ که هرگاه آن را بگرداند و ذکر خدا کند به هر دانه چهل حسنه برای او نوشته می‌شود، و اگر ذکر نکند و بازی کند و گرداند به هر دانه بیست حسنه از برای او نوشته می‌شود[۳].

مؤلّف گوید که: «خُمره»: سجادهٔ صغیری بوده است که از حصیر می‌بافته‌اند و بر آن سجده می‌کرده‌اند؛ و دور نیست که اینجا مطلقِ سجّاده مراد باشد، چنانچه در حدیث سابق گذشت.

و به **سند صحیح** منقول است که محمد حِمیَری به خدمت حضرت صاحب الامر ﷺ نوشت که: آیا جایز است که کسی تسبیح بگوید با خاک قبر حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ، و آیا در آن فضیلتی هست؟

فرمان نوشتند که: تسبیح بگو با تسبیح خاک آن حضرت، که هیچ تسبیحی از آن بهتر نیست؛ و از فضیلت آن، آن است که آدمی ذکر و تسبیح را فراموش می‌کند و تسبیح را می‌گرداند، پس ثواب آن ذکر از برای او نوشته می‌شود[۴].

---

۱ ـ مصباح المتهجّد: ۷۳۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۶ ح ۷۶.

۲ ـ مزار مفید: ۱۵۰ ح ۲، مصباح المتهجّد: ۷۳۵، مزار کبیر: ۳۶۷، بحارالانوار: ۸۵/ ۳۳۴ ح ۱۸ و ج ۱۰۱/ ۱۳۶ ح ۷۷، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۳۰ ش ۷۳۳.

۳ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۵ ح ۱۴۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۲ ح ۶۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۵۷ ش ۷۸۴.

۴ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۵ ح ۱۴۸، احتجاج: ۴۸۹، بحارالانوار: ۸۵/ ۳۲۷ ح ۱ و ج ۱۰۱/ ۱۳۲ ح ۶۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۶۵ ش ۸۰۲.

و به **سند معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: حضرت فاطمه زهرا -صلوات الله علیها- تسبیحی ساخته بودند از رشته‌ای از پشم، که به عدد تکبیرات بر آن گره زده بودند، و در دست داشتند و می‌گرانیدند، و عدد تسبیح و تکبیر را به آن نگاه می‌داشتند؛ تا آنکه حمزه بن عبد المطلب -رضی الله عنهما- شهید شد، حضرت فاطمه از خاک قبر شریف او تسبیح ساختند؛ و مردم نیز تأسّی به آن حضرت کردند، پس چون حضرت امام حسین -صلوات الله علیه- شهید شد تسبیح را از تربت آن حضرت ساختند؛ برای فضیلت و زیادتی برکتی که در تربت آن حضرت هست[۱].

و به **سند معتبر** از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: هرکه بگرداند تسبیح تربت امام حسین علیه السلام را، و بگوید: «**سُبْحانَ ٱللهِ، وَٱلْحَمْدُ للهِ، وَلا إِلٰهَ إِلَّا ٱللهُ، وَٱللهُ أَكْبَرُ**» با هر دانه، بنویسد حق‌تعالیٰ از برای او شش هزار حسنه، و محو کند ازاو شش هزار گناه، و بلند کند از برای او شش‌هزار درجه، و بنویسد از برای او شش‌هزار شفاعت[۲].

و به **سند معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است‌که: تسبیح خاک امام حسین علیه السلام در دست آدمی تسبیح می‌گوید، بی‌آنکه صاحبش تسبیح بگوید[۳].

و در **حدیث دیگر** فرمود که تسبیحهای سبز در دست شیعیان ما، مانند رشته‌های سبز است که در عباهای بنی اسرائیل بود.

حق تعالیٰ به حضرت موسی وحی فرمود که: امر کن بنی اسرائیل را که در چهار جانب عباهای خود رشته‌های سبز قرار دهند، و به آنها خداوند آسمان را یاد کنند[۴].

مؤلّف گوید که: ظاهرش آن است که دانهٔ تسبیح سبز باشد.

و بعضی چنین فهمیده‌اند که ریسمانش سبز باشد، و گفته‌اند که: سنّت است

---

۱ ـ مزار مفید: ۱۵۰ ح ۱، مزار کبیر: ۳۶۶، مکارم الاخلاق: ۲/ ۳۰ ح ۲۰۶۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۳ ح ۶۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۹ ش ۷۳۲.

۲ ـ مزار مفید: ۱۵۱ ح ۳، مزار کبیر: ۳۶۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۳ ح ۶۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۶۰ ش ۷۹۲.

۳ ـ مزار مفید: ۱۵۱ ح ۴، مزار کبیر: ۳۶۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۳ ح ۶۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۹ ش ۷۳۱.

۴ ـ مزار مفید: ۱۵۱ ح ۶، مزار کبیر: ۳۶۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۴ ح ۶۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۳۱ ش ۷۳۵.

رشتهٔ تسبیح سبز باشد. و شاید حدیث دیگر نیز به ایشان رسیده باشد؛ و بهتر آن است که هر دو سبز باشد.

و در **روایتی** وارد شده است که حوریان بهشت چون یکی از ملائکه را می‌بینند که از برای کاری به زمین می‌آید، از او التماس می‌کنند که برای ما تسبیح و تربت قبر امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ به هدیّه بیاور[۱].

و *بدان‌که* احوط آن است که مهر و تسبیح و تربت آن حضرت را نخرند و نفروشند، بلکه به هدیّه و بخشش بدهند؛ و در برابر آنها اگر تواضعی کنند بی‌آنکه اوّل شرط کرده باشند، شاید بد نباشد.

چنانکه در **حدیث معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هرکه خاک قبر امام حسین علیه السلام را بفروشد، چنان است که گوشت آن حضرت را فروخته و خریده باشد[۲].

و در **حدیث معتبر** دیگر منقول است که: چون حضرت صادق علیه السلام به عراق تشریف آوردند، گروهی نزد آن حضرت آمدند و عرض کردند که: دانسته‌ایم که تربت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ موجب شفای هر درد است، آیا باعث ایمنی از هر خوف هست؟

فرمود که: هرگاه کسی خواهد که او را از هر بیمی امان بخشد، باید که تسبیحی که از تربت آن حضرت ساخته باشند در دست بگیرد، و سه مرتبه این دعا بخواند:

أَصْبَحْتُ اَللّٰهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمامِكَ وَجِوارِكَ اَلْمَنِيعِ اَلَّذِي لا يُطاوَلُ وَلا يُحاوَلُ، مِنْ شَرِّ كُلِّ طارِقٍ وَغاشِمٍ مِنْ سائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَما خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ، اَلصّامِتِ وَاَلنّاطِقِ، في جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ، بِلِباسٍ سابِغَةٍ حَصِينَةٍ ـ وَهِيَ وِلاءُ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ ـ، مُحْتَجِزاً مِنْ كُلِّ قاصِدٍ لِي إِلىٰ أَذِيَّةٍ بِجِدارٍ حَصِينِ اَلْإِخْلاصِ في اَلِاعْتِرافِ بِحَقِّهِمْ، وَاَلتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ جَمِيعاً، مُوقِناً أَنَّ اَلْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ، أُوالِي مَنْ

۱ ـ مزار مفید: ۱۵۱ ح۵، مزار کبیر: ۳۶۸، مکارم الاخلاق: ۲/ ۳۰ ح۲۰۶۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۴ ح۶۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۶۷ ش۸۰۵.

۲ ـ کامل الزیارات: ۲۸۶ ب۹۵ ح۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۳۰ ح۴۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۵۷ ش۷۸۳.

والَوْا، وَأُعادِي مَنْ عادَوْا، وَأُجانِبُ مِنْ جانَبُوا.

فَأَعِذْنِي اَللّٰهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ ما أَتَّقِيهِ إِنّا ﴿جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدّاً وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ﴾[1].

پس تسبیح را ببوسد و بر هر دو چشم بمالد، و بگوید:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ اَلتُّرْبَةِ اَلْمُبارَكَةِ، وَبِحَقِّ صاحِبِها، وَبِحَقِّ جَدِّهِ، وَبِحَقِّ أَبِيهِ، وَبِحَقِّ أُمِّهِ، وَبِحَقِّ أَخِيهِ، وَبِحَقِّ وُلْدِهِ اَلطّاهِرِينَ، اِجْعَلْها شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ، وَأَماناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَحِفْظاً مِنْ كُلِّ سُوءٍ.

اگر در صبح چنین کند، در امان خدا باشد تا شام[2].

و در روایت دیگر منقول است که: هرکه از پادشاهی یا از غیر او ترسد، چون از خانه بیرون آید چنین کند، تا حرزی باشد او را از شرّ ایشان[3].

---

۱ ـ یس: ۹.

۲ ـ فلاح السائل: ۲۲۴، الامان: ۴۷، بحارالانوار: ۸۶/ ۲۷۶ ح ۴۱.

۳ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۵ ضمن ح ۱۴۶، مصباح الزائر: ۳۴، الامان: ۴۷.

باب هفتم

در زیارات مطلقهٔ آن حضرت که مخصوص به وقتی از اوقات نیست، و آداب آنها است وسایر اعمال و ادعیه که درروضهٔ مقدّسه باید بعمل آورد و در آن چند فصل است:

فصل اوّل

در آداب زیارت آن حضرت است

به **سند معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: چون به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بروی، زیارت کن آن حضرت را محزون و غمگین و ژولیده مو و غبار آلوده و گرسنه و تشنه ـ که آن حضرت با این احوال شهید شده است ـ، و حاجات خود را طلب نما و برگرد، و آن را وطن قرار مده[1].

و در **حدیث دیگر** منقول است که آن حضرت از شخصی پرسید که: می‌روید به زیارت قبر ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام؟ گفت بلی. فرمود که: از برای آن سفره برمی‌دارید؟ گفت: بلی. فرمود که: اگر به زیارت قبر پدرها و مادرهای خود بروید چنین نمی‌کنید. گفت: چه چیز بخوریم؟ فرمود که: نان با لبن[2].

یعنی شیر یا ماست.

و در **چند روایت** دیگر وارد شده است که آن حضرت فرمود که: شنیده‌ام که جماعتی به زیارت امام حسین علیه السلام می‌روند و با خود سُفره‌ها بر می‌دارند که در آنها بزغاله‌های بریان و حلواها هست! اگر به زیارت قبر پدران یا دوستان خود بروند، اینها را با خود بر نمی‌دارند[3].

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۸۷ ح ۲، کامل الزیارات: ۱۳۱ ب ۴۸ ح ۳، ثواب الاعمال: ۱۱۴ ح ۲۱، مزار مفید: ۹۶ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۶ ح ۲۰، مزار کبیر: ۳۶۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۰ ح ۲ ـ ۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۲۹ ش ۱۱۰۴.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۲۹ ب ۴۷ ح ۲، ثواب الاعمال: ۱۱۴ ح ۲۲، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۲۸۱ ح ۲۴۵۴، تهذیب الاحکام: ۶/ ۷۷ ح ۱۵۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۰ ح ۵ و ۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۲۸ ش ۱۱۰۲.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۳۰ ب ۴۷ ح ۳، ثواب الاعمال: ۱۱۵ ح ۲۳، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۲۸۱ ح ۲۴۵۵، مزار مفید: ۹۷ ح ۲، مزار کبیر: ۳۶۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۱ ح ۷ و ۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۳۰ ش ۱۱۰۶.

و در حدیث معتبر دیگر منقول است که آن حضرت به مفضّل بن عمر فرمود که: زیارت کنید امام حسین را، بهتر از آن است که زیارت نکنید؛ و زیارت نکنید، بهتر از آن است که زیارت کنید.

مفضّل گفت: پشت مرا شکستی!

فرمود که: والله که اگر به زیارت قبر پدران خود بروید اندوهگین و غمناک می‌روید، و به زیارت آن حضرت که می‌روید سفره‌ها با خود بر می‌دارید؛ بلکه می‌باید ژولیده مو و گردآلوده بروید[۱].

و به سند معتبر مروی است که محمّد بن مسلم به حضرت امام محمّد باقر علیه السلام عرض کرد که: چون ما به زیارت پدرت حسین بن علیّ علیهما السلام برویم، آیا نه چنان است که در حجّیم؟

فرمود که: بلی.

گفت: پس بر ما لازم است آنچه بر حاجیان لازم است.

فرمود که: بر تو لازم است که نیکو مصاحبت نمایی با هرکه رفیق تو است.

و بر تو لازم است که کم سخن بگویی مگر سخن خیر.

و لازم است بر تو که یاد خدا بسیار بکنی.

و لازم است که جامه‌هایت پاکیزه باشد.

و لازم است که غسل کنی، پیش از آن که داخل حایر شوی.

و لازم است که با خشوع و رقّت باشی، و نماز بسیار بکنی، و صلوات بر محمّد و آل محمد بسیار بفرستی.

و باید که خود را نگاه داری از چیزهایی که سزاوار نیست تو را.

و باید که دیدهٔ خود را از حرام و شبهه بپوشانی، و احسان به برادران مؤمن پریشان خود بکنی، و اگر کسی را ببینی که خرجی‌اش تمام شده است او را دستگیری

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۳۰ ب ۴۷ ح ۳ و ص ۱۳۱ ح ۲، مزار مفید: ۹۷ ح ۳، مزار کبیر: ۳۶۹، مصباح الزائر: ۵۲۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۱ ح ۱۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۳۰ ش ۱۱۰۵.

کنی، و خرجی خود را میان خود و ایشان برابر قسمت کنی.

و لازم است بر تو تقیّه که قوام دین تو بر آن است، و پرهیز کاری از چیزهایی که خدا از آنها نهی کرده است، و ترک کنی خصومت و بسیار قسم خوردن و مجادله و منازعه کردن را.

پس چون چنین کنی، تمام می‌شود ثواب حج و عمره از برای تو، و مستوجب می‌شوی از جانب آن‌کسی که طلب ثواب او کرده‌ای به مالْ خرج کردن و از اهل خود دور افتادن، اینکه برگردی با آمرزش گناهان، و رحمت و خشنودی خدا[۱].

و به سند **معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هرکه به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود پیاده، حقّ تعالیٰ بنویسد از برای او به عدد هر گامی هزار حسنه، و محو کند از او هزار گناه، و بلند کند ازبرای او در بهشت هزار درجه.

پس چون به شطّ فرات برسی غسل بکن، و پاهای خود را برهنه کن و نعلهای خود را در دست خود بگیر و راه رو مانند راه رفتن بندهٔ ذلیل، پس چون به در حایر برسی چهار مرتبه **الله أکبر** بگو، پس اندکی راه برو پس چهار مرتبه **الله أکبر** بگو، پس برو به نزد سر آن حضرت و بایست و چهار مرتبه **الله أکبر** بگو، و نماز بکن نزد آن حضرت، و از خدا حاجتهای خود را بطلب[۲].

و به سند **معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: هرکه غسل کند به آب فرات و زیارت کند قبر حسین علیه السلام را، از گناه خالی شود مانند روزی که از مادر متولّد شده بوده است، هرچند گناهان کبیره کرده باشد.

و پیشتر چنین دوست می‌داشتند که کسی که بـه زیارت آن حضرت رود اوّل غسل کند، و در وداع غسل نکند، و چون وداع کند دست بر روی بمالد[۳].

۱ـ کامل الزیارات: ۱۳۰ ب۴۸ ح۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۲ ح۱۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۳۴ ش۱۱۱۶.

۲ـ کامل الزیارات: ۱۳۳ ب۴۹ ح۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۲ ح۱۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱۱۴/۳ ش۸۸۴ وص۲۳۵ ش۱۱۱۸.

۳ـ کامل الزیارات: ۱۸۴ ب۷۵ ح۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۳ ح۱۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۴۰ ش۹۳۷ وص۲۳۳ ش۱۱۱۵.

و در **روایت معتبر** دیگر فرمود که: چون مؤمن به زیارت آن حضرت برود و حق آن حضرت را شناسد و غسل کند در آب فرات، حق تعالی بنویسد از برای او به هر گامی حجّی مقبول و عمره‌ای مقبول و جهادی با پیغمبر مرسل، یا امام عادل[1].

و در **چند حدیث** معتبر دیگر منقول است که از آن حضرت پرسیدند که: کسی که زیارت امام حسین‌ﷺ کند بر او غسل هست؟ فرمود که: نه[2].

مؤلف گوید که: مراد این است که غسل بر او واجب نیست و شرط زیارت نیست، بلکه سنّت مُؤکد است.

و در **روایت معتبر** از حضرت صادق‌ﷺ منقول است که: چون نزدیک آن حضرت برسی، اگر آب غسل یابی غسل بکن، و اگر نیابی وضو بساز، و به زیارت برو[3].

و به **سند معتبر** منقول است که از آن حضرت پرسیدند که: بسیار است که می‌رویم به زیارت قبر حسین بن علی‌ﷺ، و بر ما دشوار است غسل زیارت به سبب سرما یا غیر آن.

فرمود که: هرکه غسل کند در فرات و زیارت کند آن حضرت را، از برای او نوشته می‌شود از ثوابْ آنچه احصا نتوان کرد. پس چون برگردد به آن موضع که غسل کرده است، و وضو بسازد و باز به زیارت رود، همان ثواب از برای او نوشته می‌شود[4].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: هرکه از فرات غسل کند و متوجّه زیارت شود، گناهان از او بریزد مانند روزی که از مادر متولّد شده است[5].

و در **حدیث** معتبر دیگر فرمود که: چون به زیارت آن حضرت روی، برو به نزد فرات و غسل کن در برابر قبر آن حضرت[6].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۸۴ ب۷۵ ح۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۳ ح۱۵.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۸۷ ب۷۶ ح۱ ـ ۴، تهذیب الاحکام: ۶/ ۵۳ ح۱۲۸ و ۱۲۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۴ ح۱۷ ـ ۲۴، موسوعة زیارات المعصومین‌ﷺ: ۳/ ۲۳۴ ش۱۱۱۷.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۸۸ ب۷۶ ح۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۵ ح۲۵، موسوعة زیارات المعصومین‌ﷺ: ۳/ ۲۳۱ ش۱۱۰۹.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۸۸ ب۷۶ ح۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۵ ح۲۷، موسوعة زیارات المعصومین‌ﷺ: ۳/ ۲۳۲ ش۱۱۱۱.

۵ ـ کامل الزیارات: ۱۸۴ ب۷۵ ح۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۳ ح۱۴، موسوعة زیارات المعصومین‌ﷺ: ۳/ ۱۴۰ ش۹۳۷.

۶ ـ کافی: ۴/ ۵۷۲ ح۱، کامل الزیارات: ۱۸۶ ب۷۵ ح۸ وص۲۰۱ ب۷۹ ح۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۶ ح۳۳ وص۱۵۷ ح۵، موسوعة زیارات المعصومین‌ﷺ: ۳/ ۲۳۱ ش۱۱۱۰.

و احادیث غسل بسیار است، و بعضی در فصول فضیلت زیارت گذشت[۱]، و بعضی در کیفیات زیارات خواهد آمد[۲].

و به سند **معتبر** منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود به ابو بصیر که: می‌خواهی تو را خبر دهم که جدّم علی بن الحسین علیه السلام چگونه زیارت حضرت امام حسین می‌کرد؟

گفت: بلی.

فرمود که: چون خواهی به زیارت آن حضرت بیرون روی، پیش از بیرون رفتن روز چهار شنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بدار، پس چون شب جمعه شود نماز شب بکن، و برخیز و نظر به اطراف آسمان بکن، و در آن شب پیش از شام غسل بکن و با طهارت بخواب؛ پس چون خواهی بروی به زیارت غسل بکن، و بوی خوش مکن، و روغن برخود ممال، و سرمه مکش، تا بروی به نزد قبر[۳].

مؤلّف گوید که: از این حدیث و غیر این، ظاهر می‌شود که در خصوص زیارت حضرت امام حسین - صلوات الله علیه - بویِ خوش کردن خوب نباشد.

و در **زیارت جابر** انصاری وارد شده است که او خود را به سُعد خوشبو کرد[۴].

و در حدیث برداشتن تربت نیز گذشت[۵].

و محتمل است که بوی خوش برای زینت خوب نباشد، و اگر به قصد حرمت مرقد منوّر بکنند بد نباشد؛ اگر چه اولی آن است که نکنند.

امّا خوشبو کردن ضریح مقدّس و بُخور در روضه مقدّسه برای تطییب آن مکان شریف خوب است، و در آن منعی وارد نشده است، و مستلزم تعظیم صاحب ضریح و روضه است - صلوات الله علیه -. و ادعیهٔ غسل و سایر آداب زیارت در باب اوّل گذشت[۶]، و در احادیثِ زیارات آن حضرت بعد از این خواهد آمد[۷] إن‌شاءالله تعالی.

۱ـ نگاه کن: ص۲۴۶ و ۲۵۱ و ۲۶۰.
۲ـ نگاه کن: ص۳۰۵ و ۳۰۸ و ۳۳۰ و ۳۵۰ و ۳۵۴.
۳ـ تهذیب الاحکام: ۶/۷۶ ح ۱۵۰، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۴۷ ح۳۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۲۷ ش ۱۱۰۰.
۴ـ مصباح الزائر: ۲۸۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۲۹ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۶۰ ش ۱۱۴۱.
۵ـ نگاه کن: ص۲۸۹.
۶ـ نگاه کن: ص ۳۱.
۷ـ نگاه کن: ص۳۰۵ وص ۳۳۰ و...

فصل دوم

در زیارات مطلقه است که مخصوص به وقتی
و حالی نیست و در همهٔ اوقات بعمل می‌توان آورد

زیارت اوّل:

به سند قوی از ابو حمزه ثمالی منقول است که حضرت صادق ﷺ فرمود که: چون خواهی روانهٔ زیارت قبر حسین بن علیّ - صلوات الله علیهما - بشوی، پس روزه بدار روز چهار شنبه و پنجشنبه و جمعه را، پس چون خواهی که بیرون روی جمع کن اهل و فرزندان خود را، و دعای سفر را بخوان، و غسل کن پیش از بیرون رفتن؛ و بگو در وقتی که غسل می‌کنی:

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَٱشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَأَجْرِ عَلىٰ لِسانِي ذِكْرَكَ وَمِدْحَتَكَ وَٱلثَّناءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لا قُوَّةَ إِلّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِوامَ دِينِيَ ٱلتَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ، وَٱلِاتِّباعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَٱلشَّهادَةُ عَلىٰ أَنْبِيائِكَ وَجَمِيعِ رُسُلِكَ إِلىٰ جَمِيعِ خَلْقِكَ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْهُ نُوراً وَطَهُوراً، وَحِرْزاً وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ وَآفَةٍ وَعاهَةٍ، وَمِنْ شَرِّ ما أَخافُ وَأَحْذَرُ.

پس چون خواهی بیرون روی بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي، وَإِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي، وَإِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، لا مَنْجىٰ وَلا مَلْجَأَ إِلّا إِلَيْكَ، تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ، عَزَّ جارُكَ، وَجَلَّ ثَناؤُكَ.

پس بگو:

بِسْمِ اَللهِ وَبِاللهِ، وَمِنَ اَللهِ، وَإِلَى اَللهِ، وَفِي سَبِيلِ اَللهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اَللهِ ـ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، عَلَى اَللهِ توَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أَنَبْتُ، فاطِرِ اَلسَّماواتِ اَلسَّبْعِ وَالْأَرَضِينَ اَلسَّبْعِ، وَرَبِّ اَلْعَرْشِ اَلْعَظِيمِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنِي في سَفَرِي، وَاخْلُفْنِي في أهْلِي بِأَحْسَنِ اَلْخِلافَةِ.

اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَإِلَيْكَ خَرَجْتُ، وَإِلَيْكَ وَفَدْتُ، وَلِخَيْرِكَ تَعَرَّضْتُ، وَبِزِيارَةِ حَبِيبِ حَبِيبِكَ تَقَرَّبْتُ.

اَللّٰهُمَّ لا تَمْنَعْنِي خَيْرَ ما عِنْدَكَ بِشَرِّ ما عِنْدِي.

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَكَفِّرْ عَنِّي سَيِّئاتِي، وَحُطَّ عَنِّي خَطايايَ، وَاقْبَلْ مِنِّي حَسَناتِي.

و سه مرتبه بگو:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي في دِرْعِكَ اَلْحَصِينَةِ اَلَّتِي تَجْعَلُ فِيها مَنْ تُرِيدُ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ اَلْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ.

پس بخوان سورهٔ «فاتحة الكتاب»، و «قل أعوذ بربّ الفلق»، و«قل أعوذ بربّ الناس»، و«قل هو الله أحد»، وسورهٔ «إنّا انزلناه»، و«آية الكرسى»، و«يٰس»، و اين آيات آخر سورهٔ حشر را:

﴿لَوْ أَنْزَلْنا هٰذَا اَلْقُرْآنَ عَلىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اَللهِ وَتِلْكَ اَلْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ * هُوَ اَللهُ اَلَّذِي لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ عالِمُ اَلْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ هُوَ اَلرَّحْمٰنُ اَلرَّحِيمُ * هُوَ اَللهُ اَلَّذِي لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ اَلْمَلِكُ اَلْقُدُّوسُ اَلسَّلامُ اَلْمُؤْمِنُ اَلْمُهَيْمِنُ اَلْعَزِيزُ اَلْجَبّارُ اَلْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اَللهِ عَمّا يُشْرِكُونَ * هُوَ اَللهُ اَلْخالِقُ

اَلْبارِئُ اَلْمُصَوِّرُ لَهُ اَلْأَسْماءُ اَلْحُسْنىٰ يُسَبِّحُ لَهُ ما في اَلسَّماواتِ وَاَلْأَرْضِ وَهُوَ اَلْعَزِيزُ اَلْحَكِيمُ﴾[1].

و روغن بر خود ممال و سرمه مکش، تا به نزد فرات بروی.

و سخن کم بگو، و مزاح کم بکن، و یاد خدا بسیار بکن، و زنهار که حذر کن از مزاح و جدل و خصومت کردن.

پس اگر سواره باشی یا پیاده، بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَواتِ اَلنَّكالِ، وَعَواقِبِ اَلْوَبالِ، وَفِتْنَةِ[2] اَلضَّلالِ، وَمِنْ أَنْ نُلْقىٰ بِمَكْرُوهٍ.

وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ اَلْحَبْسِ وَاَللَّبْسِ، وَمِنْ وَسْوَسَةِ اَلشَّيْطانِ وَطَوارِقِ اَلسُّوءِ، وَشَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ شَياطِينِ اَلْجِنِّ وَاَلْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَنْصِبُ لِأَوْلِياءِ اَللهِ اَلْعَداوَةَ، وَمِنْ أَنْ يَفْرُطُوا عَلَيَّ أَوْ أَنْ يَطْغَوْا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عُيُونِ اَلظَّلَمَةِ، وَمِنْ شَرِّ اَلشَّرِّ[3] وَشَرَكِ[4] إِبْلِيسَ، وَمَنْ يَرُدُّ عَنِ اَلْخَيْرِ[5] بِاللِّسانِ وَاَلْيَدِ.

پس اگر از چیزی خوف داشته باشی، بگو:

لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ، بِهِ اَحْتَجَبْتُ، وَبِهِ اَعْتَصَمْتُ.

اَللّٰهُمَّ اَعْصِمْنِي مِن شَرِّ خَلْقِكَ، فَإِنَّما أَنَا بِكَ وَأَنا عَبْدُكَ.

پس چون برسی به آب فرات، پیش از آنکه عبور کنی بگو:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ إِلَيْهِ اَلرِّجالُ، وَأَنْتَ يا سَيِّدِي أَكْرَمُ مَأْتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زائِرٍ كَرامَةً، وَلِكُلِّ وافِدٍ تُحْفَةً، وَقَدْ أَتَيْتُكَ زائِراً قَبْرَ اَبْنِ نَبِيِّكَ ـ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ ـ، فَاجْعَلْ تُحْفَتَكَ إِيّايَ فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ اَلنّارِ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي،

---

۱ ـ حشر: ۲۱ ـ ۲۴.
۲ ـ «فتنة» خ ل.
۳ ـ «كلّ البشر» خ ل.
۴ ـ «شرّ» خ ل.
۵ ـ «الخِيَرَة» خ ل.

وَاشْكُرْ سَعْيِي، وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ، بِغَيْرِ مَنٍّ مِنِّي، بَلْ لَكَ الْمَنُّ عَلَيَّ إِذْ جَعَلْتَ لِيَ السَّبِيلَ إِلىٰ زِيارَتِهِ، وَعَرَّفْتَنِي فَضْلَهُ، وحَفِظْتَنِي حَتّىٰ بَلَّغْتَنِي قَبْرَ ابْنِ وَلِيِّكَ، وَقَدْ رَجَوْتُكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ[1] وَلا تَقْطَعْ رَجائِي، وَقَدْ أَتَيْتُكَ فَلا تُخَيِّبْ أَمَلِي، وَاجْعَلْ هٰذا كَفّارَةً لِما كانَ قَبْلَهُ مِنْ ذُنُوبِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصارِهِ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس از نهر فرات عبور کن و بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ سَعْيِي مَشْكُوراً، وَذَنْبِي مَغْفُوراً، وَعَمَلِي مَقْبُولاً، وَاغْسِلْنِي مِنَ الْخَطايا وَالذُّنُوبِ، وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَمْحَقُ دِينِي أَوْ تُبْطِلُ عَمَلِي، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس برو به نینوی ـ که در نزدیک قبر آن حضرت بوده است ـ و بارهای خود را درآنجا بگذار، و روغن بر خود ممال و سرمه مکش و گوشت مخور تا در آنجایی، پس برو به کنار فرات ـ آنجاکه محاذی قبر است ـ و غسل بکن لُنگ بسته، و در وقت غسل بگو:

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي، وَطَهِّرْلِي قَلْبِي، وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَأَجْرِ عَلىٰ لِسانِي مَحَبَّتَكَ وَمِدْحَتَكَ وَالثَّناءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِوامَ دِينِيَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ، وَالشَّهادَةُ عَلى جَمِيعِ أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ بِالْأُلْفَةِ بَيْنَهُمْ. أَشْهَدُ أَنَّهُمْ أَنْبِياؤُكَ وَرُسُلُكَ إِلىٰ جَمِيعِ خَلْقِكَ.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ نُوراً وَطَهُوراً، وَحِرْزاً وَشِفاءً مِنْ كُلِّ سُقْمٍ وَداءٍ، وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعاهَةٍ، وَمِنْ شَرِّ ما أَخافُ وَأَحْذَرُ.

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ بِهِ جَوارِحِي، وَعِظامِي، وَلَحْمِي، وَدَمِي، وَشَعْرِي، وَبَشَرِي، وَمُخِّي، وَعَصَبِي، وَما أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَاجْعَلْهُ لِي شاهِداً يَوْمَ فَقْرِي وَفاقَتِي.

پس پاکترین جامه‌های خود را بپوش، و چون بپوشی سی مرتبه بگو: اَللّٰهُ أَكْبَرُ، اَللّٰهُ أَكْبَرُ.

---

[1] ـ «وآل محمّد» خ ل.

و بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي إِلَيْهِ قَصَدْتُ فَبَلَّغَنِي، وَإِيّاهُ أَرَدْتُ فَقَبِلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي، وَرَحْمَتَهُ ٱبْتَغَيْتُ فَسَلَّمَنِي.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ حِصْنِي، وَكَهْفِي، وَحِرْزِي، وَرَجائِي، وَأَمَلِي، لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ يا رَبَّ ٱلْعالَمِينَ.

پس چون خواهی به سوی قبر روانه شوی، بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَرَدْتُكَ فَأَرِدْنِي، وَإِنِّي أَقْبَلْتُ بِوَجْهِي إِلَيْكَ فَلا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ عَنِّي، فَإِنْ كُنْتَ عَلَيَّ ساخِطاً فَتُبْ عَلَيَّ، وَٱرْحَمْ مَسِيرِي إِلَى ٱبْنِ حَبِيبِكَ، أَبْتَغِي بِذٰلِكَ رِضاكَ عَنِّي، فَارْضَ عَنِّي وَلا تُخَيِّبْنِي، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

پس پیاده براه برو با پای برهنه، با آرام دل و آرام بدن، و در راه اَللهُ أَكْبَر، و لا إِلٰهَ إِلَّا اَللهُ، و اَلْحَمْدُ لله، و هر ذکری که دلالت بر عظمت و بزرگواری خدا و رسول خدا کند بگو، و صلوات بر محمّد و آل محمّد بسیار بفرست.

و بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلْواحِدِ ٱلْمُتَوَحِّدِ بِالْأُمُورِ كُلِّها، خالِقِ ٱلْخَلْقِ لَمْ يَعْزُبْ عَنْهُ شَيْءٌ مِنْ أُمُورِهِمْ، وَعَلِمَ كُلَّ شَيْءٍ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ.

صَلَواتُ ٱللهِ وَصَلَواتُ مَلائِكَتِهِ ٱلْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيائِهِ وَرُسُلِهِ أَجْمَعِينَ، عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ ٱلْأَوْصِياءِ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي أَنْعَمَ عَلَيَّ وَعَرَّفَنِي فَضْلَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ.

پس اندکی راه برو، و گامها را نزدیک یکدیگر بگذار، پس چون بالا روی بر تلّ و محاذی قبر مقدّس شوی بایست و سی مرتبه اَللهُ أَكْبَرُ بگو، پس بگو:

لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللهُ فِي عِلْمِهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِهِ، وَلا إِلٰهَ إِلَّا ٱللهُ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِهِ، وَلا إِلٰهَ

إِلَّا اللهُ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِهِ.

وَالْحَمْدُ لِلّهِ في عِلْمِهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ لِلّهِ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِهِ، وَالْحَمْدُ لِلّهِ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِهِ.

وَسُبْحانَ اللهِ في عِلْمِهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِهِ، وَسُبْحانَ اللهِ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِهِ، وَسُبْحانَ اللهِ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهىٰ عِلْمِهِ.

وَالْحَمْدُ لِلّهِ بِجَميعِ مَحامِدِهِ عَلىٰ جَميعِ نِعَمِهِ، وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ، وَحَقٌّ لَهُ ذٰلِكَ.

لا إِلٰه إِلَّا اللهُ الْحَليمُ الْكَريمُ، لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظيمُ، لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ نُورُ السَّماواتِ السَّبْعِ، وَنُورُ الْأَرَضينَ السَّبْعِ، وَنُورُ الْعَرْشِ الْعَظيمِ، وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَةَ اللهِ، وَزُوّارَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللهِ.

پس ده گام برو و سی‌مرتبه اَللهُ أَكْبَر بگو؛ و در وقت رفتن بگو:

لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ تَهْليلاً لا يُحْصيهِ غَيْرُهُ، قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَبَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَمَعَ كُلِّ أَحَدٍ، وَعَدَدَ كُلِّ أَحَدٍ.

وَسُبْحانَ اللهِ تَسْبيحاً لا يُحْصيهِ غَيْرُهُ، قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَبَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَمَعَ كُلِّ أَحَدٍ، وَعَدَدَ كُلِّ أَحَدٍ.

وَسُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ، قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَبَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ، وَمَعَ كُلِّ أَحَدٍ، وَعَدَدَ كُلِّ أَحَدٍ، أَبَداً أَبَداً أَبَداً.

اَللّٰهُمَّ إِنّي أُشْهِدُكَ وَكَفىٰ بِكَ شَهيداً، فَاشْهَدْ لي أَنّي أَشْهَدُ أَنَّكَ حَقٌّ، وَأَنَّ رَسُولَكَ حَقٌّ، وَأَنَّ قَوْلَكَ حَقٌّ، وَأَنَّ قَضاءَكَ حَقٌّ، وَأَنَّ قَدَرَكَ حَقٌّ، وَأَنَّ فِعْلَكَ حَقٌّ، وَأَنَّ جَنَّتَكَ حَقٌّ، وَأَنَّ نارَكَ حَقٌّ، وَأَنَّكَ مُميتُ الْأَحْياءِ وَأَنَّكَ مُحْيِ الْمَوْتىٰ، وَأَنَّكَ باعِثُ

مَنْ في ٱلْقُبُورِ، وَأَنَّكَ جامِعُ ٱلنّاسِ لِيَوْمٍ لا رَيْبَ فِيهِ، وَأَنَّكَ لا تُخْلِفُ ٱلْمِيعادَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ ٱللّٰهِ وَٱبْنَ حُجَّتِهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَةَ ٱللّٰهِ، وَيا زُوّارَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِٱللّٰهِ ـ عليه السلام ـ.

پس روانه شو به آرام دل و به یاد خدا و به تأنّی، و با گفتن الله أكبر، و لا إله إلّا الله، و الحمد لله، و سایر ذکرها که دلالت بر عظمت و بزرگوای خدا و رسول می‌کند؛ و گامها را کوتاه بردار.

پس چون برسی به دری که در جانب مشرق واقع است بایست، و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً ـ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَمِينُ ٱللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ ٱلْأَوَّلِينَ وَٱلْآخِرِينَ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ ٱلْأَنْبِياءِ وَٱلْمُرْسَلِينَ، سَلامٌ عَلىٰ رَسُولِ ٱللّٰهِ.

﴿ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي هَدانا لِهٰذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا أَنْ هَدانَا ٱللّٰهُ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ﴾[1].

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هٰذا قَبْرُ ٱبْنِ حَبِيبِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَنَّهُ ٱلْفائِزُ بِكَرامَتِكَ، أَكْرَمْتَهُ بِكِتابِكَ[2]، وَخَصَصْتَهُ وَٱئْتَمَنْتَهُ عَلىٰ وَحْيِكَ، وَأَعْطَيْتَهُ مَوارِيثَ ٱلْأَنْبِياءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلىٰ خَلْقِكَ، وَأَعْذَرَ فِي ٱلدَّعْوَةِ، وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ، لِيَسْتَنْقِذَ عِبادَكَ مِنَ ٱلضَّلالَةِ وَٱلْجَهالَةِ وَٱلْعَمىٰ وَٱلشَّكِّ وَٱلِارْتِيابِ إِلىٰ بابِ ٱلْهُدىٰ مِنَ ٱلرَّدىٰ، وَأَنْتَ تَرىٰ وَلا تُرىٰ، وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ ٱلْأَعْلىٰ، حَتّىٰ ثارَ عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِكَ مَنْ غَرَّتْهُ ٱلدُّنْيا، وَباعَ ٱلْآخِرَةَ بِالثَّمَنِ ٱلْأَوْكَسِ، وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ رَسُولَكَ، وَأَطاعَ مِنْ عَبِيدِكَ مِنْ أَهْلِ ٱلنِّفاقِ وَحَمَلَةِ ٱلْأَوْزارِ مَنِ ٱسْتَوْجَبَ ٱلنّارَ.

لَعَنَ ٱللّٰهُ قاتِلِي وَلَدِ رَسُولِكَ، وَضاعَفَ عَلَيْهِمُ ٱلْعَذابَ ٱلْأَلِيمَ.

---

١ ـ اعراف: ٤٣.

٢ ـ «ألزمته كتابك» خ ل.

پس اندکی نزدیک برو و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إبْراهِيمَ خَلِيلِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ ٱللهِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ وَصِيِّ رَسُولِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ ٱلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ٱلزَّكِيِّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ فاطِمَةَ ٱلصِّدِّيقَةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلصِّدِّيقُ ٱلشَّهِيدُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلْوَصِيُّ[1] ٱلْبارُّ ٱلتَّقِيُّ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ ٱلصَّلاةَ، وَآتَيْتَ ٱلزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ ٱلْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ ٱللهَ مُخْلِصاً حَتّىٰ أَتاكَ ٱلْيَقِينُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ٱلْأَرْواحِ ٱلَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِكَ وَأَناخَتْ بِرَحْلِكَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ ٱللهِ ٱلْمُحْدِقِينَ بِكَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ ٱللهِ، وَزُوّارِ قَبْرِ ٱبْنِ نَبِيِّ ٱللهِ.

پس داخل حایر شو، و بگو در وقت داخل شدن:

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ ٱللهِ ٱلْمُقَرَّبِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ ٱللهِ ٱلْمُنْزَلِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ ٱللهِ ٱلْمُسَوِّمِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ ٱللهِ ٱلَّذِينَ بِهٰذَا ٱلْحائِرِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مُقِيمُونَ، وَبِإِذْنِ رَبِّهِمْ يَعْمَلُونَ، وَلِأَمْرِ ٱللهِ مُسَلِّمُونَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، وَٱبْنَ أَمِينِ ٱللهِ، وَٱبْنَ خالِصَةِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ، إِنّا لِلّٰهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ، ما أَعْظَمَ مُصِيبَتَكَ عِنْدَ أَبِيكَ رَسُولِ ٱللهِ، وَما

---

۱ ـ «الرّضي» خ ل.

أَعْظَمَ مُصِيبَتَكَ عِنْدَ مَنْ عَرَفَ ٱللهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَجَلَّ مُصِيبَتَكَ عِنْدَ ٱلْمَلَإِ ٱلْأَعْلىٰ، وَعِنْدَ أَنْبِياءِ ٱللهِ وَعِنْدَ رُسُلِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ مِنِّي إِلَيْكَ وَٱلتَّحِيَّةُ مَعَ عَظِيمِ ٱلرَّزِيَّةِ عَلَيْكَ، كُنْتَ نُوراً فِي ٱلْأَصْلابِ ٱلشّامِخَةِ، وَنُوراً فِي ظُلُماتِ ٱلْأَرْضِ، وَنُوراً فِي ٱلْهَواءِ، وَنُوراً فِي ٱلسَّماواتِ ٱلْعُلىٰ، كُنْتَ فِيها نُوراً ساطِعاً لا يُطْفىٰ، وَأَنْتَ ٱلنّاطِقُ بِالْهُدىٰ.

پس اندکی راه برو و هفت مرتبه اَللهُ أَكبَر، و هفت مرتبه لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللهُ، و هفت مرتبه اَلْحَمدُ لِلّٰهِ، و هفت مرتبه سُبْحانَ ٱللهِ، و هفت مرتبه لَبَّيْكَ داعِيَ ٱللهِ[1] بگو.

پس بگو:

إِنْ كانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي عِنْدَ ٱسْتِغاثَتِكَ، فَقَدْ أَجابَكَ قَلْبِي وَسَمْعِي وَبَصَرِي وَرَأْيِي وَهَوايَ عَلَى ٱلتَّسْلِيمِ لِخَلَفِ ٱلنَّبِيِّ ٱلْمُرْسَلِ، وَٱلسِّبْطِ ٱلْمُنْتَجَبِ، وَٱلدَّلِيلِ ٱلْعالِمِ، وَٱلْأَمِينِ ٱلْمُسْتَخْزَنِ، وَٱلْمُؤَدِّي ٱلْمُبَلِّغِ، وَٱلْمَظْلُومِ ٱلْمُضْطَهَدِ.

جِئْتُكَ ٱنْقِطاعاً إِلَيْكَ، وَإِلىٰ جَدِّكَ وَأَبِيكَ، وَوَلَدِكَ ٱلْخَلَفِ مِنْ بَعْدِكَ؛ فَقَلْبِي لَكَ[2] مُسَلِّمٌ وَرَأْيِي لَكَ[3] مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكَ[4] مُعَدَّةٌ، حَتّىٰ يَحْكُمَ ٱللهُ بِدِينِهِ وَيَبْعَثَكُمْ.

وَأُشْهِدُ ٱللهَ أَنَّكُمُ ٱلْحُجَّةُ، وَبِكُمْ تُرْجَى ٱلرَّحْمَةُ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي بِكُمْ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ. لا أُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً، وَلا أُكَذِّبُ مِنْهُ بِمَشِيئَةٍ.

پس برو و گامها را کوتاه بردار، تا رو به قبر بایستی پشت به قبله و بگو:

اَلسَّلامُ مِنَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ أَمِينِ ٱللهِ عَلىٰ رُسُلِهِ وَعَزائِمِ أَمْرِهِ، ٱلْخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَٱلْفاتِحِ لِمَا ٱسْتُقْبِلَ، وَٱلْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَٱلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صاحِبِ مِيثاقِكَ، وَخاتَمِ رُسُلِكَ، وَسَيِّدِ عِبادِكَ، وَأَمِينِكَ فِي بِلادِكَ، وَخَيْرِ بَرِيَّتِكَ، كَما تَلا كِتابَكَ، وَجاهَدَ عَدُوَّكَ، حَتّىٰ أَتاهُ ٱلْيَقِينُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ، ٱلَّذِي ٱنْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ،

---

۱ ـ «لبّيك داعي الله لبّيك» خ ل.

۲ ـ ۴ ـ «لكم» خ ل.

وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالَتِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ أَتْمِمْ بِهِ كَلِماتِكَ، وَأَنْجِزْ بِهِ وَعْدَكَ، وَأَهْلِكْ بِهِ عَدُوَّكَ، وَاكْتُبْنا في أَوْلِيائِهِ وَأَحِبّائِهِ.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا لَهُ شِيعَةً وَأَنْصاراً وَأَعْواناً عَلىٰ طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ، وَما وَكَّلْتَهُ بِهِ وَاسْتَخْلَفْتَهُ عَلَيْهِ، يا رَبَّ الْعالَمِينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ، وَأُمِّ السِّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، اَلطّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ الصِّدِّيقَةِ الزَّكِيَّةِ، سَيِّدَةِ نِساءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، صَلاةً لا يَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصائِها غَيْرُكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَابْنِ أَخِي رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَابْنِ أَخِي رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

و بر همهٔ ائمّه علیهم السلام صلوات می‌فرستی به همان نحو که صلوات بر حسن و حسین علیهما السلام فرستادی، و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ أَتْمِمْ بِهِمْ كَلِماتِكَ، وَأَنْجِزْ بِهِمْ وَعْدَكَ، وَأَهْلِكْ بِهِمْ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّهُمْ

مِنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنْسِ أَجْمَعِينَ.

اَللّٰهُمَّ اَجْزِهِمْ عَنّا خَيْرَ ما جَزَيْتَ نَذِيراً عَنْ قَوْمِهِ.

اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْنا لَهُمْ شِيعَةً وَأَنْصاراً وَأَعْواناً عَلىٰ طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ.

اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْنا مِمَّنْ يَتَّبِعُ ٱلنُّورَ ٱلَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُمْ، وَأَحْيِنا مَحْياهُمْ، وَأَمِتْنا مَماتَهُمْ، وَأَشْهِدْنا مَشاهِدَهُمْ فِي ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذا مَقامٌ أَكْرَمْتَنِي بِهِ وَشَرَّفْتَنِي بِهِ، وَأَعْطَيْتَنِي فِيهِ رَغْبَتِي عَلىٰ حَقِيقَةِ إِيمانِي بِكَ وَبِرَسُولِكَ.

پس اندكى نزديكتر به قبر مى‌شوى و مى‌گويى:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، وَسَلامُ ٱللهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ ٱلْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيائِهِ ٱلْمُرْسَلِينَ كُلَّما تَرُوحُ ٱلرّائِحاتُ ٱلطّاهِراتُ لَكَ، وَعَلَيْكَ سَلامُ ٱلْمُؤْمِنِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ، اَلنّاطِقِينَ لَكَ بِفَضْلِكَ بِأَلْسِنَتِهِمْ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ صادِقٌ صِدِّيقٌ صَدَقْتَ فِيما دَعَوْتَ إِلَيْهِ، وَصَدَقْتَ فِيما أَتَيْتَ بِهِ، وَأَنَّكَ ثارُ ٱللهِ فِي ٱلْأَرْضِ.

اَللّٰهُمَّ أَدْخِلْنِي فِي أَوْلِيائِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ شَهادَتَهُمْ وَمَشاهِدَهُمْ فِي ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و مى‌گويى:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ، رَحِمَكَ ٱللهُ يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا إِمامَ ٱلْهُدىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلَمَ ٱلتُّقىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ ٱللهِ عَلىٰ أَهْلِ ٱلدُّنْيا.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ ٱللهِ وَٱبْنَ حُجَّتِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ نَبِيِّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ

عَلَيْكَ يا ثارَ ٱللهِ وَٱبْنَ ثارِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وِتْرَ ٱللهِ وَٱبْنَ وِتْرِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً، وَأَنَّ قاتِلَكَ فِي ٱلنّارِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جاهَدْتَ فِي سَبِيلِ ٱللهِ حَقَّ جِهادِهِ، لَمْ تَأْخُذْكَ فِي ٱللهِ لَوْمَةُ لائِمٍ، وَأَنَّكَ عَبَدْتَهُ حَتّىٰ أَتاكَ ٱلْيَقِينُ.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَلِمَةُ ٱلتَّقْوىٰ، وَبابُ ٱلْهُدىٰ، وَٱلْحُجَّةُ عَلىٰ خَلْقِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّ ذٰلِكَ لَكُمْ سابِقٌ فِيما مَضىٰ، وَفاتِحٌ فِيما بَقِيَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ أَرْواحَكُمْ وَطِينَتَكُمْ طِينَةٌ طَيِّبَةٌ طابَتْ وَطَهُرَتْ، بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ، مِنَ ٱللهِ وَمِنْ رَحْمَتِهِ.

فَأُشْهِدُ ٱللهَ تَبارَكَ وَتَعالىٰ ـ وَكَفىٰ بِهِ شَهِيداً ـ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَلَكُمْ تابِعٌ فِي ذاتِ نَفْسِي، وَشَرائِعِ دِينِي، وَخَواتِيمِ عَمَلِي، وَمُنْقَلَبِي وَمَثْوايَ؛ فَأَسْأَلُ ٱللهَ ٱلْبارَّ ٱلرَّحِيمَ أَنْ يُتَمِّمَ ذٰلِكَ لِي.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ، وَنَصَحْتُمْ، وَصَبَرْتُمْ، وَقُتِلْتُمْ، وَغُصِبْتُمْ، وَأُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَصَبَرْتُمْ.

لَعَنَ ٱللهُ أُمَّةً خالَفَتْكُمْ، وَأُمَّةً جَحَدَتْ وِلايَتَكُمْ، وَأُمَّةً تَظاهَرَتْ عَلَيْكُمْ، وَأُمَّةً شَهِدَتْ وَلَمْ تُسْتَشْهَدْ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلنّارَ مَثْواهُمْ ﴿وَبِئْسَ ٱلْوِرْدُ ٱلْمَوْرُودُ﴾[1]، وَ﴿بِئْسَ ٱلرِّفْدُ ٱلْمَرْفُودُ﴾[2].

و می‌گویی:

صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ، وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ.

---

۱ ـ هود: ۹۸.
۲ ـ هود: ۹۹.

لَعَنَ ٱللهُ قاتِلِيكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ سالِبِيكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ جادِلِيكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ شايَعَ عَلىٰ قَتْلِكَ، وَمَنْ أَمَرَ بِذٰلِكَ[۱] وَشارَكَ في دَمِكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ أَوْ[۲] سَلَّمَ إِلَيْهِ.

أنا أَبْرَأُ إِلَى ٱللهِ مِنْ وِلايَتِهِمْ، وَأَتَوَلَّى ٱللهَ وَرَسُولَهُ وَآلَ رَسُولِهِ؛ وَأَشْهَدُ أَنَّ ٱلَّذِينَ ٱنْتَهَكُوا حُرَمَكَ[۳] وَسَفَكُوا دَمَكَ، مَلْعُونُونَ عَلىٰ لِسانِ ٱلنَّبِيِّ ٱلْأُمِّيِّ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ، وَسَفَكُوا دِماءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَضاعِفْ عَلَيْهِمُ ٱلْعَذابَ ٱلْأَلِيمَ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ قَتَلَةَ ٱلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَقَتَلَةَ أَنْصارِ ٱلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نارِكَ، وَأَذِقْهُمْ بَأْسَكَ، وَضاعِفْ عَلَيْهِمُ ٱلْعَذابَ وَٱلْعَنْهُمْ لَعْناً وَبِيلاً.

اَللّٰهُمَّ أَحْلِلْ بِهِمْ نِقْمَتَكَ، وَأْتِهِمْ مِنْ حَيْثُ لا يَحْتَسِبُونَ، وَخُذْهُمْ مِنْ حَيْثُ لا يَشْعُرُونَ، وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً نُكْراً، وَٱلْعَنْ أَعْداءَ نَبِيِّكَ وَأَعْداءَ آلِ نَبِيِّكَ لَعْناً وَبِيلاً.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنِ ٱلْجِبْتَ وَٱلطّاغُوتَ وَٱلْفَراعِنَةَ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و می‌گویی:

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ، إِلَيْكَ كانَتْ رِحْلَتِي مَعَ بُعْدِ شُقَّتِي، وَإِلَيْكَ كانَ مَجِيئِي، وَبِكَ أَسْتَتِرُ مِنْ عَظِيمِ جُرْمِي، أَتَيْتُكَ زائِراً وافِداً قَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي.

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يا سَيِّدِي، بَكَيْتُكَ يا خِيَرَةَ ٱللهِ وَٱبْنَ خِيَرَتِهِ، وَلَكَ فاضَتْ عَبْرَتِي، وَعَلَيْكَ كانَ أَسَفِي وَنَحِيبِي وَصُراخِي وَزَفْرَتِي وَشَهِيقِي، وَحَقٌّ لِي أَنْ أَبْكِيَكَ وَقَدْ بَكَتْكَ ٱلسَّماواتُ وَٱلْأَرَضُونَ وَٱلْجِبالُ وَٱلْبِحارُ، فَما عُذْرِي إِنْ لَمْ أَبْكِكَ وَقَدْ بَكاكَ حَبِيبُ رَبِّي، وَبَكَتْكَ ٱلْأَئِمَّةُ ـ صَلَواتُ ٱللهِ عَلَيْهِمْ ـ، وَبَكاكَ مَنْ دُونَ سِدْرَةِ ٱلْمُنْتَهىٰ إِلَى ٱلثَّرىٰ جَزَعاً عَلَيْكَ.

---

۱ ـ «بقتلك» خ ل.

۲ ـ «و» خ ل.

۳ ـ «حرمتك» خ ل.

پس دست بر قبر بگذار و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أبا عَبْدِاللهِ، يا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُاللهِ وَأَمِينُهُ، بَلَّغْتَ ناصِحاً، وَأَدَّيْتَ أَمِيناً، وَقُلْتَ صادِقاً، وَقُتِلْتَ[1] صِدِّيقاً، فَمَضَيْتَ عَلىٰ يَقِينٍ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمىً عَلىٰ هُدىً، وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ إلىٰ باطِلٍ، وَلَمْ تُجِبْ إلّا اللهَ وَحْدَهُ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، بَلَّغْتَ ما أُمِرْتَ بِهِ، وَقُمْتَ بِحَقِّهِ، وَصَدَّقْتَ مَنْ كانَ قَبْلَكَ، غَيْرَ واهِنٍ وَلا مُوهِنٍ، فَصَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً، جَزاكَ اللهُ مِنْ صِدِّيقٍ خَيْراً.

أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهادَ مَعَكَ جِهادٌ، وَأَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَإلَيْكَ، وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيراثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ وَعِنْدَ أَهْلِ بَيْتِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَنَصَحْتَ وَوَفَيْتَ وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شاهِداً[2] وَمَشْهُوداً، فَصَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

أَشْهَدُ أَنَّكَ طُهْرٌ طاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ مُطَهَّرٍ، طَهُرْتَ وَطَهُرَتْ أَرْضٌ أَنْتَ بِها، وَطَهُرَ حَرَمُكَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَدَعَوْتَ إلَيْهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ أُمَّةً قَتَلَتْكَ أَشْرارُ خَلْقِ اللهِ وَكَفَرَتُهُ.

وَإنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إلَى اللهِ رَبِّكَ وَرَبِّي مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِي، وَأَتَوَجَّهُ بِكَ إلَى اللهِ فِي حَوائِجِي وَرَغْبَتِي فِي أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيايَ.

---

۱ ـ «قُوتِلْتَ» خ ل.

۲ ـ «شهيداً» خ ل.

پس جانب راست رو را بر قبر بگذار و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا ٱلْقَبْرِ وَمَنْ فِيهِ، وَبِحَقِّ هٰذِهِ ٱلْقُبُورِ وَمَنْ أَسْكَنْتَها، أَنْ تَكْتُبَ ٱسْمِي عِنْدَكَ فِي أَسْمائِهِمْ، حَتّىٰ تُورِدَنِي مَوارِدَهُمْ، وَتُصْدِرَنِي مَصادِرَهُمْ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و بگو:

رَبِّ أَفْحَمَتْنِي ذُنُوبِي وَقَطَعَتْ مَقالَتِي، فَلا حُجَّةَ لِي وَلا عُذْرَ لِي، فَأَنَا ٱلْمُقِرُّ بِذَنْبِي، ٱلْأَسِيرُ بِبَلِيَّتِي، ٱلْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِي، ٱلْمُتَجَلِّدُ فِي خَطِيئَتِي، ٱلْمُتَحَيِّرُ عَنْ قَصْدِي، ٱلْمُنْقَطَعُ بِي، قَدْ أَوْقَفْتُ يا رَبِّ نَفْسِي مَوْقِفَ ٱلْأَشْقِياءِ ٱلْأَذِلّاءِ ٱلْمُذْنِبِينَ، ٱلْمُجْتَرِئِينَ عَلَيْكَ، بِوَعِيدِكَ.

يا سُبْحانَكَ، أَيُّ جُرْأَةٍ ٱجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ، وَأَيُّ تَغْرِيرٍ غَرَّرْتُ بِنَفْسِي، وَأَيُّ سَكْرَةٍ أَوْبَقَتْنِي، وَأَيُّ غَفْلَةٍ أَعْطَبَتْنِي! ما كانَ أَقْبَحَ سُوءَ نَظَرِي، وَأَوْحَشَ فِعْلِي!

يا سَيِّدِي، فَارْحَمْ كَبْوَتِي لِحُرِّ وَجْهِي، وَزَلَّةَ قَدَمِي، وَتَعْفِيرِي فِي ٱلتُّرابِ خَدِّي، وَنَدامَتِي عَلىٰ ما فَرَطَ مِنِّي، وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي، وَٱرْحَمْ صَرْخَتِي وَعَبْرَتِي، وَٱقْبَلْ مَعْذِرَتِي، وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلىٰ جَهْلِي، وَبِإِحْسانِكَ عَلىٰ خَطِيئاتِي، وَبِعَفْوِكَ عَلَيَّ.

رَبِّ أَشْكُو إِلَيْكَ قَساوَةَ قَلْبِي وَضَعْفَ عَمَلِي، فَارْتَحْ لِمَسْأَلَتِي؛ فَأَنَا ٱلْمُقِرُّ بِذَنْبِي، ٱلْمُعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِي، وَهاهٰذِهِ يَدِي وَناصِيَتِي، أَسْتَكِينُ لَكَ بِالْقَوَدِ مِنْ نَفْسِي، فَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَنَفِّسْ كُرْبَتِي، وَٱرْحَمْ خُشُوعِي وَخُضُوعِي، وَٱنْقِطاعِي إِلىٰ سَيِّدِي، وَأَسَفِي عَلىٰ ما كانَ مِنِّي، وَتَمَرُّغِي[1] وَتَعْفِيرِي فِي تُرابِ قَبْرِ ٱبْنِ نَبِيِّكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، فَأَنْتَ رَجائِي وَمُعْتَمَدِي، وَظَهْرِي وَعُدَّتِي، لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ.

---

۱ ـ «وتضرُّعي» خ ل.

پس سی و پنج مرتبه اَللهُ أَكْبَر بگو؛ و دستها را به آسمان بردار و بگو:

إِلَيْكَ يا رَبِّ صَمَدْتُ[1] مِنْ أَرْضِي، وَإِلَى ٱبْنِ نَبِيِّكَ قَطَعْتُ ٱلْبِلادَ رَجاءً لِلْمَغْفِرَةِ. فَكُنْ لِي يا سَيِّدِي[2] سَكَناً وَشَفِيعاً، وَكُنْ بِي رَحِيماً، وَكُنْ لِي مُنْجِحاً يَوْمَ لا تَنْفَعُ ٱلشَّفاعَةُ عِنْدَهُ إِلّا لِمَنِ ٱرْتَضىٰ، يَومَ لا تَنْفَعُ شَفاعَةُ ٱلشّافِعِينَ، وَيَوْمَ يَقُولُ أَهْلُ ٱلضَّلالَةِ: ﴿ما لَنا مِنْ شافِعِينَ * وَلا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾[3]؛ فَكُنْ يَوْمَئِذٍ في مَقامِي بَيْنَ يَدَيْ رَبِّي لِي مُنْقِذاً، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمي، إِذَا ٱرْتَعَدَتْ فَرائِصِي، وَأُخِذَ بِسَمْعِي، وَأَنا مُنَكِّسُ رَأْسِي بِما قَدَّمْتُ مِنْ سُوءِ عَمَلِي، وَأَنا عارٍ كَما وَلَدَتْنِي أُمِّي، وَرَبِّي يَسْأَلُنِي، فَكُنْ لِي يَوْمَئِذٍ شافِعاً وَمُنْقِذاً، فَقَدْ أَعْدَدْتُكَ لِيَوْمِ حاجَتِي، وَيَوْمِ فَقْرِي وَفاقَتِي.

پس جانب چپ رو را بر قبر بگذار و بگو:

اَللّٰهُمَّ ٱرْحَمْ تَضَرُّعِي في تُرابِ قَبْرِ ٱبْنِ نَبِيِّكَ، فَإِنِّي مَوْضِعُ رَحْمَةٍ يا رَبِّ.

و بگو:

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، إِنِّي[4] أَبْرَأُ إِلَى ٱللهِ مِنْ قاتِلِكَ وَمِنْ سالِبِكَ، يا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكَ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً، وَأَبْذُلَ مُهْجَتِي فِيكَ وَأَقِيَكَ بِنَفْسِي، وَكُنْتُ فِيمَنْ أَقامَ بَيْنَ يَدَيْكَ حَتّىٰ يُسْفَكَ دَمِي مَعَكَ، فَأَظْفَرَ مَعَكَ بِالسَّعادَةِ وَٱلْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ.

و بگو:

لَعَنَ ٱللهُ مَنْ رَماكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ طَعَنَكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنِ ٱجْتَزَّ رَأْسَكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ حَمَلَ رَأْسَكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ نَكَتَ بِقَضِيبِهِ بَيْنَ ثَناياكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ أَبْكىٰ نِساءَكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ أَيْتَمَ أَوْلادَكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ أَعانَ عَلَيْكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ سارَ إِلَيْكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ مَنَعَكَ ماءَ ٱلْفُراتِ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ غَشَّكَ وَخَلّاكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ سَمِعَ صَوْتَكَ فَلَمْ يُجِبْكَ، لَعَنَ ٱللهُ ٱبْنَ

---

۱ ـ «عَمَدْتُ» خ ل.
۲ ـ «يا وَلِيِّي» خ ل.
۳ ـ شعراء: ۱۰۰ و ۱۰۱.
۴ ـ «أَنا» خ ل.

آكِلَةِ ٱلْأَكْبادِ، وَلَعَنَ ٱللهُ ٱبْنَهُ وَأَعْوانَهُ وَأَتْباعَهُ وَأَنْصارَهُ، وَلَعَنَ ٱللهُ ٱبْنَ سُمَيَّةَ، وَلَعَنَ ٱللهُ جَمِيعَ قاتِلِيكَ، وَقاتِلِي أَبِيكَ، وَمَنْ أَعانَ عَلىٰ قَتْلِكُمْ، وَحَشَا ٱللهُ أَجْوافَهُمْ وَبُطُونَهُمْ وَقُبُورَهُمْ ناراً، وَعَذَّبَهُمْ عَذاباً أَلِيماً.

پس نزد سر آن حضرت هزار مرتبه تسبیح امیرالمؤمنین را بخوان، و اگر خواهی اعمال پایین پا را بجا بیاور، و بعد از نماز زیارت که بعد از این مذکور خواهد شد[1] این تسبیح را بخوان.

و تسبیح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این است:

سُبْحانَ مَنْ لا تَبِيدُ مَعالِمُهُ، سُبْحانَ مَنْ لا تَنْقُصُ[2] خَزائِنُهُ، سُبْحانَ مَنْ لَا ٱنْقِطاعَ لِمُدَّتِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا يَنْفَدُ ما عِنْدَهُ، سُبْحانَ مَنْ لَا ٱضْمِحْلالَ لِفَخْرِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا يُشاوِرُ أَحَداً في أَمْرِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا إِلٰهَ غَيْرُهُ.

پس برو به نزد پای آن حضرت و دست خود را بر قبر بگذار و سه مرتبه بگو:

صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ.

پس بگو:

صَبَرْتَ وَأَنْتَ ٱلصّادِقُ ٱلْمُصَدَّقُ، قَتَلَ ٱللهُ مَنْ قَتَلَكُمْ بِالْأَيْدِي وَٱلْأَلْسُنِ.

و بگو:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ ٱلْأَرْبابِ، صَرِيخَ ٱلْأَخْيارِ، إِنِّي عُذْتُ مَعاذاً، فَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ ٱلنّارِ.

جِئْتُكَ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ وافِداً إِلَيْكَ، أَتَوَسَّلُ بِكَ إِلَى ٱللهِ في جَمِيعِ حَوائِجِي مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيايَ، وَبِكَ يَتَوَسَّلُ ٱلْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى ٱللهِ في جَمِيعِ حَوائِجِهِمْ، وَبِكَ يُدْرِكُ أَهْلُ ٱلتِّراتِ مِنْ عِبادِ ٱللهِ طَلِبَتَهُمْ، أَسْأَلُ وَلِيَّكَ وَوَلِيَّنا أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيارَتِكَ ٱلصَّلاةَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَٱلْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي.

---

۱ ـ نگاه کن: ص ۳۲۱.

۲ ـ «تنقضي» خ ل.

اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْنا مِمَّنْ تَنْصُرُهُ وَتَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ فِي ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ.

پس پهلوی روی خود را بر قبر بگذار، و بگو:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ ٱلْحُسَيْنِ، اِشْفِ صَدْرَ ٱلْحُسَيْنِ.

اَللّٰهُمَّ رَبَّ ٱلْحُسَيْنِ، اُطْلُبْ بِدَمِ ٱلْحُسَيْنِ.

اَللّٰهُمَّ رَبَّ ٱلْحُسَيْنِ، اِنْتَقِمْ مِمَّنْ رَضِيَ بِقَتْلِ ٱلْحُسَيْنِ.

اَللّٰهُمَّ رَبَّ ٱلْحُسَيْنِ، اِنْتَقِمْ مِمَّنْ خالَفَ ٱلْحُسَيْنَ.

اَللّٰهُمَّ رَبَّ ٱلْحُسَيْنِ، اِنْتَقِمْ مِمَّنْ فَرِحَ بِقَتْلِ ٱلْحُسَيْنِ.

و تضرّع می‌نمایی، و مبالغه می‌کنی در لعنت کردن بر قاتلان حسین و قاتلان امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیهما ـ، ونزد پای آن حضرت هزار مرتبه می‌خوانی تسبیح حضرت فاطمه ـ صلوات الله علیها ـ را؛ و اگر نتوانی صد مرتبه می‌خوانی.

و تسبیح آن حضرت این است:

سُبْحانَ ذِي ٱلعِزِّ ٱلشّامِخِ ٱلْمُنِيفِ، سُبْحانَ ذِي ٱلْجَلالِ ٱلْفاخِرِ ٱلْعَظِيمِ، سُبْحانَ ذِي ٱلْمُلْكِ ٱلْفاخِرِ ٱلْقَدِيمِ، سُبْحانَ ذِي ٱلْمُلْكِ ٱلْفاخِرِ ٱلْعَظِيمِ، سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ ٱلْعِزَّ وَٱلْجَمالَ، سُبْحانَ مَنْ تَرَدّىٰ بِالنُّورِ وَٱلْوَقارِ، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ أَثَرَ ٱلنَّمْلِ فِي ٱلصَّفا، وَخَفَقانَ ٱلطَّيْرِ فِي ٱلْهَواءِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هٰكَذا، وَلا هٰكذا غَيْرُهُ.

پس برو به نزد قبر علیّ بن الحسین ـ و او نزد پای امام حسین عليه‌السلام است ـ پس بایست نزد قبر او و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، وَٱبْنَ خَلِيفَةِ رَسُولِ ٱللهِ، وَٱبْنَ بِنْتِ رَسُولِ ٱللهِ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ مُضاعَفَةً، كُلَّما طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ.

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي مِنْ مَذْبُوحٍ وَمَقْتُولٍ مِنْ غَيْرِ جُرْمٍ.

وَبِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي دَمُكَ ٱلْمُرْتَقىٰ بِهِ إِلىٰ حَبِيبِ ٱللهِ.

وَبِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي مِنْ مُقَدَّمٍ بَيْنَ يَدَي أَبِيكَ يَحْتَسِبُكَ وَيَبْكِي عَلَيْكَ مُحْتَرِقاً عَلَيْكَ قَلْبُهُ، يَرْفَعُ دَمَكَ بِكَفِّهِ إِلىٰ أَعْنانِ ٱلسَّماءِ لا تَرجِعُ مِنْهُ قَطْرَةٌ، وَلا تَسْكُنُ عَلَيْكَ مِنْ أَبِيكَ زَفْرَةٌ، وَدَّعَكَ لِلْفِراقِ، فَمَكانُكُما عِنْدَ ٱللهِ مَعَ آبائِكَ ٱلْماضِينَ، وَمَعَ أُمَّهاتِكَ فِي ٱلْجِنانِ مُنَعَّمِينَ؛ أَبْرَأُ إِلَى ٱللهِ مِمَّنْ قَتَلَكَ وَذَبَحَكَ.

پس خود را به قبر بچسبان، و دست خود را بر قبر بگذار و بگو:

سَلامُ ٱللهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ ٱلْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيائِهِ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَعِبادِهِ ٱلصّالِحِينَ، عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَٱبْنَ مَوْلايَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ عِتْرَتِكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ وَآبائِكَ وَأَبْنائِكَ وَأُمَّهاتِكَ ٱلْأَخْيارِ ٱلْأَبْرارِ، ٱلَّذِينَ أَذْهَبَ ٱللهُ عَنْهُمُ ٱلرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، وَٱبْنَ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَٱبْنَ ٱلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَرَحمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

لَعَنَ ٱللهُ قاتِلَكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنِ ٱسْتَخَفَّ بِحَقِّكُمْ وَقَتَلَكُمْ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ بَقِيَ مِنْهُمْ وَمَنْ مَضىٰ، نَفْسِي فِداؤُكُمْ وَلِمَضْجَعِكُمْ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكُمْ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

پس پهلوی روی خود را بر قبر بگذار و سه مرتبه بگو:

صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ يا أَبَا ٱلْحَسَنِ.

پس بگو:

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، أَتَيْتُكَ زائِراً وافِداً، عائِذاً مِمّا جَنَيْتُ عَلىٰ نَفْسِي وَٱحْتَطَبْتُ عَلىٰ ظَهْرِي، أَسْأَلُ وَلِيَّكَ وَوَلِيِّي أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيارَتِكَ عِتْقَ رَقَبَتِي مِنَ ٱلنّارِ.

و هر دعاكه خواهی بكن.

پس برو به نزد قبر امام حسين‌ﷺ، و از پشت سر آن حضرت بگرد تا بروی به نزد

سر آن حضرت، و در آنجا دو رکعت نماز بگزار، و در رکعت اوّل سورهٔ «حمد» و سورهٔ «یٰس» بخوان، و در رکعت دوم سورهٔ «حمد» و سورهٔ «الرّحمن» بخوان.

و اگر خواهی در پشت قبر بکن نماز را؛ و در بالای سر بهتر است.

و چون فارغ شوی دیگر نماز کن آنچه خواهی؛ امّا این دو رکعت نمازِ زیارت ناچار است نزد هر قبری که زیارت کنند.

پس چون از نماز فارغ شوی، دست بلند کن به سوی آسمان و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنّٰا أَتَيْناهُ مُؤْمِنِينَ بِهِ، مُسَلِّمِينَ لَهُ، مُعْتَصِمِينَ بِحَبْلِهِ، عارِفِينَ بِحَقِّهِ، مُقِرِّينَ بِفَضْلِهِ، مُسْتَبْصِرِينَ بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَهُ، عارِفِينَ بِالْهُدَى ٱلَّذِي هُوَ عَلَيْهِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ مَنْ حَضَرَنِي مِنْ مَلائِكَتِكَ أَنِّي بِهِمْ مُؤْمِنٌ، وَأَنِّي بِمَنْ قَتَلَهُمْ كافِرٌ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ لِما أَقُولُ بِلِسانِي حَقِيقَةً فِي قَلْبِي، وَشَرِيعَةً فِي عَمَلِي.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنِي مِمَّنْ لَهُ مَعَ ٱلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ـ عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ ـ قَدَمُ ثابِتٌ، وَأَثْبِتْنِي فِيمَنِ ٱسْتُشْهِدَ مَعَهُ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنِ ٱلَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ كُفْراً. سُبْحانَكَ يا حَلِيمُ عَمّا يَعْمَلُ ٱلظّالِمُونَ فِي ٱلْأَرْضِ، تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ يا عَظِيمُ، تَرىٰ عَظِيمَ ٱلْجُرْمِ مِنْ عِبادِكَ فَلا تَعْجَلُ عَلَيْهِمْ، تَعالَيْتَ يا كَرِيمُ، أَنْتَ شاهِدٌ غَيْرُ غائِبٍ، وَعالِمٌ بِما أُوتِيَ[1] إِلىٰ أَهْلِ صَفْوَتِكَ وَأَحِبّائِكَ مِنَ ٱلْأَمْرِ ٱلَّذِي لا تَحْمِلُهُ سَماءٌ وَلا أَرْضٌ، وَلَوْ شِئْتَ لَانْتَقَمْتَ مِنْهُمْ، وَلٰكِنَّكَ ذُو أَناةٍ، وَقَدْ أَمْهَلْتَ ٱلَّذِينَ ٱجْتَرَؤُوا عَلَيْكَ وَعَلىٰ رَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ فَأَسْكَنْتَهُمْ أَرْضَكَ، وَغَذَوْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ إِلىٰ أَجَلٍ هُمْ بالِغُوهُ، وَوَقْتٍ هُمْ صائِرُونَ إِلَيْهِ، لِيَسْتَكْمِلُوا ٱلْعَمَلَ[2] ٱلَّذِي قَدَّرْتَ، وَٱلْأَجَلَ ٱلَّذِي أَجَّلْتَ، لِتُخَلِّدَهُمْ فِي مَحَطٍّ وَوَثاقٍ،

---

۱ ـ از کامل الزیارات، و بحارالانوار. در نسخ «أُتِيَ» بدون واو.

۲ ـ «الْعَمَلَ فيه» خ ل.

وَنارٍ وَحَمِيمٍ وَغَسّاقٍ، وَٱلضَّرِيعِ وَٱلْأَحْراقِ، وَٱلْأَغْلالِ وَٱلْأَوْثاقِ، وَغِسْلِينٍ وَزَقُّومٍ وَصَدِيدٍ، مَعَ طُولِ ٱلْمَقامِ في أَيّامِ لَظىٰ، وَفي سَقَرٍ ٱلَّتِي لا تُبْقِي وَلا تَذَرُ، وَفِي ٱلْحَمِيمِ وَٱلْجَحِيمِ.

پس خود را به قبر بچسبان و بگو:

يا سَيِّدِي، أَتَيْتُكَ زائِراً مُوَقَّراً مِنَ ٱلذُّنُوبِ، أَتَقَرَّبُ إِلىٰ رَبِّي بِوُفُودِي إِلَيْكَ، وَبُكائِي عَلَيْكَ، وَعَوِيلِي وَحَسْرَتِي وَأَسَفِي وَبُكائِي، وَما أَخافُ عَلىٰ نَفْسِي، رَجاءَ أَنْ تَكُونَ لِي حِجاباً وَسَنَداً وَكَهْفاً وَحِرْزاً وَشافِعاً وَوِقايَةً مِنَ ٱلنّارِ غَداً، وَأَنا مِنْ مَوالِيكُمُ ٱلَّذِينَ أُعادِي عَدُوَّكُمْ وَأُوالِي وَلِيَّكُمْ، عَلىٰ ذٰلِكَ أَحْيىٰ وَعَلَيْهِ أَمُوتُ، وَعَلَيْهِ أُبْعَثُ إِنْ شاءَ ٱللهُ، وَقَدْ أَشْخَصْتُ بَدَنِي وَوَدَّعْتُ أَهْلِي، وَبَعُدَتْ شُقَّتِي، وَأُؤَمِّلُ فِي قُرْبِكُمُ ٱلنَّجاةَ، وَأَرْجُو فِي إِتْيانِكُمُ ٱلْكَرَّةَ، وَأَطْمَعُ فِي ٱلنَّظَرِ إِلَيْكُمْ وَإِلىٰ مَكانِكُمْ غَداً فِي جِنانِ رَبِّي مَعَ آبائِكُمُ ٱلْماضِينَ.

و بگو:

يا أَبا عَبْدِٱللهِ، يا حُسَيْنَ بْنَ رَسُولِ ٱللهِ، جِئْتُكَ مُسْتَشْفِعاً بِكَ إِلَى ٱللهِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَشْفِعُ إِلَيْكَ بِوَلَدِ حَبِيبِكَ، وَبِالْمَلائِكَةِ ٱلَّذِينَ يَضِجُّونَ عَلَيْهِ وَيَبْكُونَ وَيَصْرُخُونَ، لا يَفْتُرُونَ وَلا يَسْأَمُونَ، وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِكَ مُشْفِقُونَ، وَمِنْ عَذابِكَ حَذِرُونَ، لا تُغَيِّرُهُمُ ٱلْأَيّامُ، وَلا يَهْرَمُونَ، فِي نَواحِي ٱلْحَيْرِ يَشْهَقُونَ، وَسَيِّدُهُمْ يَرىٰ ما يَصْنَعُونَ وَما فِيهِ يَتَقَلَّبُونَ، قَدِ ٱنْهَمَلَتْ مِنْهُمُ ٱلْعُيُونُ فَلا تَرقَأُ، وَٱشْتَدَّ مِنْهُمُ ٱلْحُزْنُ بِحُرْقَةٍ لا تُطْفَأُ.

پس دستها را به سوی آسمان بردار و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ ٱلْمِسْكِينِ ٱلْمُسْتَكِينِ، ٱلْقَلِيلِ[1] ٱلذَّلِيلِ، ٱلَّذِي لَمْ يُرِدْ

---

۱ ـ «العليل» خ ل.

بِمَسْكَنَتِهِ[1] غَيْرَكَ، فَإِنْ لَمْ تُدْرِكْهُ رَحْمَتُكَ عَطِبَ.

أَسْأَلُكَ أَنْ تَدارَكَنِي بِلُطْفٍ مِنْكَ، فَأَنْتَ ٱلَّذِي لا تُخَيِّبُ سائِلَكَ، وَتُعْطِي ٱلْمَغْفِرَةَ وَتَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ، فَلا أَكُونَنَّ يا سَيِّدِي أنا أَهْوَنَ خَلْقِكَ عَلَيْكَ، وَلا أَكُونُ أَهْوَنَ مَنْ وَفَدَ إِلَيْكَ بِابْنِ حَبِيبِكَ، فَإِنِّي أَمَّلْتُ وَرَجَوْتُ وَطَمِعْتُ وَزُرْتُ وَاغْتَرَبْتُ رَجاءً لَكَ أَنْ تُكافِيَنِي، إِذْ أَخْرَجْتَنِي مِنْ رَحْلِي فَأَذِنْتَ لِي بِالْمَسِيرِ إِلىٰ هٰذَا ٱلْمَكانِ رَحْمَةً مِنْكَ، وَتَفَضُّلاً مِنْكَ، يا رَحْمٰنُ يا رَحِيمُ.

و جهد کن در دعا تا توانی، و بسیار دعا کن ان‌شاءالله، پس برو به سوی شهدا و بایست مُحاذی قبور همهٔ ایشان، و اشاره کن به سوی ایشان و همه را مخاطب گردان و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ ٱلْقُبُورِ مِنْ أَهْلِ دِيارٍ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى ٱلدّارِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَوْلِياءَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ ٱللهِ، وَأَنْصارَ رَسُولِهِ، وَأَنْصارَ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَأَنْصارَ ٱبْنِ رَسُولِهِ، وَأَنْصارَ دِينِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصارُ ٱللهِ كَما قالَ ٱللهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ في سَبِيلِ ٱللهِ وَما ضَعُفُوا وَمَا ٱسْتَكانُوا﴾[2].

فَما ضَعُفْتُمْ وَمَا ٱسْتَكَنْتُمْ حَتّىٰ لَقِيتُمُ ٱللهَ عَلىٰ سَبِيلِ ٱلْحَقِّ.

صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكُمْ، وَعَلىٰ أَرْواحِكُمْ وَأَجْسادِكُمْ.

أَبْشِرُوا بِمَوْعِدِ ٱللهِ ٱلَّذِي لا خُلْفَ لَهُ وَلا تَبْدِيلَ، إِنَّ ٱللهَ لا يُخْلِفُ وَعْدَهُ، وَٱللهُ مُدْرِكُ بِكُمْ ثارَ ما وَعَدَكُمْ.

أَنْتُمْ خاصَّةُ ٱللهِ، اخْتَصَّكُمُ ٱللهُ لِأَبِي عَبْدِٱللهِ ـ عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ ـ، أَنْتُمُ ٱلشُّهَداءُ، وَأَنْتُمُ ٱلسُّعَداءُ، سَعِدْتُمْ عِنْدَ ٱللهِ، وَفُزْتُمْ بِالدَّرَجاتِ مِنْ جَنّاتٍ لا يَظْعَنُ أَهْلُها

---

۱ ـ «بمسألته» خ ل.

۲ ـ آل عمران: ۱٤٦.

وَلا يَهْرَمُونَ، وَرَضُوا بِالْمَقامِ في دارِ ٱلسَّلامِ مَعَ مَنْ نَصَرْتُمْ.

جَزاكُمُ ٱللهُ خَيْراً مِنْ أَعْوانٍ جَزاءَ مَنْ صَبَرَ مَعَ رَسُولِ ٱللهِ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

أَنْجَزَ ٱللهُ ما وَعَدَكُمْ مِنَ ٱلْكَرامَةِ في جِوارِهِ وَدارِهِ مَعَ ٱلنَّبِيِّينَ وَٱلْمُرْسَلِينَ، وَأَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَقائِدِ ٱلْغُرِّ ٱلْمُحَجَّلِينَ.

أَسْأَلُ ٱللهَ ٱلَّذِي حَمَلَنِي إِلَيْكُمْ حَتّٰى أَرانِي مَصارِعَكُمْ، أَنْ يُرِيَنِيكُمْ عَلَى ٱلْحَوْضِ رِواءً مَرْوِيِّينَ؛ وَيُرِيَنِي أَعْداءَكُمْ في أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ ٱلْجَحِيمِ؛ فَإِنَّهُمْ قَتَلُوكُمْ ظُلْماً، وَأَرادُوا إِماتَةَ ٱلْحَقِّ، وَسَلَبُوكُمْ لِابْنِ سُمَيَّةَ وَٱبْنِ آكِلَةِ ٱلْأَكْبادِ.

فَأَسْأَلُ ٱللهَ أَنْ يُرِيَنِيهِمْ ظِماءً مُظْمَئِينَ مُسَلْسَلِينَ مُغَلَّلِينَ يُساقُونَ إِلَى ٱلْجَحِيمِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ[1] ٱبْنِ رَسُولِ ٱللهِ مِنِّي ما بَقِيتُ، وَٱلسَّلامُ عَلَيْكُمْ دائِماً إِذا فَنِيتُ وَبَلِيتُ.

لَهْفِي عَلَيْكُمْ، أَيُّ مُصِيبَةٍ أَصابَتْ كُلَّ مَوْلىً[2] لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ! لَقَدْ عَظُمَتْ وَخَصَّتْ وَجَلَّتْ وَعَمَّتْ مُصِيبَتُكُمْ.

أَنا بِكُمْ لَجَزِعٌ، وَأَنا بِكُمْ لَمُوجَعٌ مَحْزُونٌ، وَأَنا بِكُمْ لَمُصابٌ مَلْهُوفٌ.

هَنِيئاً لَكُمْ ما أُعْطِيتُمْ، وَهَنِيئاً لَكُمْ ما بِهِ حُيِّيتُمْ؛ فَلَقَدْ بَكَتْكُمُ ٱلْمَلائِكَةُ، وَحَفَّتْكُمْ وَسَكَنَتْ مُعَسْكَرَكُمْ، وَحَلَّتْ مَصارِعَكُمْ، وَقَدَّسَتْ وَصَفَّتْ بِأَجْنِحَتِها عَلَيْكُمْ، لَيْسَ لَها عَنْكُمْ فِراقٌ إِلىٰ يَوْمِ ٱلتَّلاقِ وَيَوْمِ ٱلْمَحْشَرِ وَيَوْمِ ٱلْمَنْشَرِ، طافَتْ عَلَيْكُمْ رَحْمَةٌ مِنَ ٱللهِ بَلَغْتُمْ بِها شَرَفَ ٱلْآخِرَةِ.

أَتَيْتُكُمْ شَوْقاً، وَزُرْتُكُمْ خَوْفاً؛ أَسْأَلُ ٱللهَ أَنْ يُرِيَنِيكُمْ عَلَى ٱلْحَوْضِ وَفي ٱلْجِنانِ مَعَ ٱلْأَنْبِياءِ وَٱلْمُرْسَلِينَ، وَٱلشُّهداءِ وَٱلصّالِحِينَ، وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقاً.

---

١ ـ «يا أنصار الله وأنصار» خ ل.
٢ ـ «مُوالٍ» خ ل.

پس بگرد در دور حایر و بگو:

يا مَنْ إلَيْهِ وَفَدْتُ، وَإلَيْهِ خَرَجْتُ، وَبِهِ ٱسْتَجَرْتُ، وَإلَيْهِ قَصَدْتُ، وَإلَيْهِ بِابْنِ نَبِيِّهِ تَقَرَّبْتُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمُنَّ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ ٱلنّارِ.

اَللّٰهُمَّ ٱرْحَمْ غُرْبَتِي وَبُعْدَ دارِي، وَٱرْحَمْ مَسِيرِي إلَيْكَ وَإلَى ٱبْنِ حَبِيبِكَ، وَٱقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِحاً قَدْ قَبِلْتَ مَعْذِرَتِي وَخُضُوعِي وَخُشُوعِي عِنْدَ إمامِي وَسَيِّدِي وَمَوْلايَ، وَٱرْحَمْ صَرْخَتِي وَبُكائِي وَهَمِّي وَجَزَعِي وَحُزْنِي، وَما قَدْ باشَرَ قَلْبِي مِنَ ٱلْجَزَعِ عَلَيْهِ، فَبِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَلُطْفِكَ لِي خَرَجْتُ إلَيْهِ، وَبِتَقْوِيَتِكَ إيّايَ وَصَرْفِكَ ٱلْمَحْذُورَ عَنِّي وَكِلاءَتِكَ بِاللَّيْلِ وَٱلنَّهارِ لِي، وَبِحِفْظِكَ[1] وَكَرامَتِكَ لِي، وَكُلَّ بَحْرٍ قَطَعْتُهُ، وَكُلَّ وادٍ وَفَلاةٍ سَلَكْتُها، وَكُلَّ مَنْزِلٍ نَزَلْتُهُ، فَأَنْتَ حَمَلْتَنِي فِي ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ، وَأَنْتَ ٱلَّذِي بَلَّغْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي وَكَفَيْتَنِي، وَبِفَضْلٍ مِنْكَ وَوِقايَةٍ بَلَغْتُ، وَكانَتِ ٱلْمِنَّةُ لَكَ عَلَيَّ فِي ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَأَثَرِي مَكْتُوبٌ عِنْدَكَ وَٱسْمِي وَشَخْصِي؛ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ عَلىٰ ما أَبْلَيْتَنِي، وَٱصْطَنَعْتَ عِنْدِي.

اَللّٰهُمَّ فَارْحَمْ فَرَقِي مِنْكَ، وَمَقامِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَمَلُّقِي، وَٱقْبَلْ مِنِّي تَوَسُّلِي إلَيْكَ بِابْنِ حَبِيبِكَ وَصِفْوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَتَوَجُّهِي إلَيْكَ، وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي، وَٱقْبَلْ عَظِيمَ ما سَلَفَ مِنِّي، وَلا يَمْنَعْكَ ما تَعْلَمُ مِنِّي مِنَ ٱلْعُيُوبِ وَٱلذُّنُوبِ وَٱلإسْرافِ عَلىٰ نَفْسِي، وَإنْ كُنْتَ لِي ماقِتاً فَارْضَ عَنِّي، وَإنْ كُنْتَ عَلَيَّ ساخِطاً فَتُبْ عَلَيَّ، إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللّٰهُمَّ ٱغْفِرْ لِي وَلِوالِدَيَّ وَٱرْحَمْهُما كَما رَبَّيانِي صَغِيراً، وَٱجْزِهِما عَنِّي خَيْراً، اَللّٰهُمَّ ٱجْزِهِما بِالْإحْسانِ إحْساناً، وَبِالسَّيِّئاتِ غُفْراناً. اَللّٰهُمَّ أَدْخِلْهُمَا ٱلْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ،

---

۱ ـ «بحياطتك» خ ل.

وَحَرِّمْ وُجُوهَهُما عَنْ عَذابِكَ، وَبَرِّدْ عَلَيْهِما مَضاجِعَهُما، وَافْسَحْ لَهُما في قَبْرَيْهِما، وَعَرِّفْنِيهِما في مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَجِوارِ حَبيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ[۱].

مؤلّف گوید که: این روایت کبیره شریفه مشتمل بر زیارت حضرت عبّاس و زیارت وداع حضرت امام حسین علیه السلام و سایر شهدا بود، هریک إن شاء الله در فصل مخصوص مذکور خواهد شد[۲].

و چون در باب تسبیح امیرالمؤمنین و فاطمه ـ صلوات الله علیهما ـ و نمازِ زیارت، روایت معتبر دیگر وارد شده است که موافق و مؤیّد این روایت است، در اینجا ایراد می‌نماییم:

به سند معتبر منقول است از ابو سعید مداینی که گفت: رفتم به خدمت حضرت صادق علیه السلام و پرسیدم که: بروم به زیارت قبر حسین ـ صلوات الله علیه ـ؟

فرمود که: بلی برو به زیارت قبر حسین علیه السلام فرزند رسول خدا نیکترین نیکان و پاکیزه‌ترین پاکیزگان و نیکوکارترین نیکوکاران؛ و چون آن حضرت را زیارت کنی نزد سر آن حضرت هزار مرتبه تسبیح حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را بخوان، و نزد پاهای آن حضرت هزار مرتبه تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخوان، پس نزد آن حضرت دو رکعت نماز بکن، و در آن دو رکعت سورهٔ «یس» و «الرّحمن» بخوان؛ پس چون چنین کنی ثواب عظیم از برای تو خواهد بود.

گفتم: فدای تو شوم، تسبیح علی و فاطمه علیهما السلام را به من بیاموز.

فرمود که: بلی ای ابو سعید، *تسبیح علی* علیه السلام این است:

سُبْحانَ الَّذي لا تَنْفَدُ خَزائِنُهُ، سُبْحانَ الَّذي لا تَبيدُ مَعالِمُهُ، سُبْحانَ الَّذي لا يَفْنىٰ ما عِنْدَهُ، سُبْحانَ الَّذي لا يُشْرِكُ أَحَداً في حُكْمِهِ، سُبْحانَ الَّذي لَا اضْمِحْلالَ لِفَخْرِهِ، سُبْحانَ الَّذي لَا انْقِطاعَ لِمُدَّتِهِ، سُبْحانَ الَّذي لا إِلٰهَ غَيْرُهُ.

---

۱ ـ کامل الزّیارات: ۲۲۲ ـ ۲۴۵ ب۷۹ ح۱۸، بحارالانوار: ۱۷۳/۱۰۱ ـ ۱۹۰ ح۳۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۴۸ ش۱۱۳۳ وص۲۷۸ ش۱۱۵۵.

۲ ـ نگاه کن: ص۳۹۹ وص۴۰۳ ـ ۴۰۵.

و تسبیح فاطمه عليها السلام این است:

سُبْحانَ ذِي اَلْجَلالِ اَلْباذِخِ اَلْعَظِيمِ، سُبْحانَ ذِي اَلْعِزِّ اَلشّامِخِ اَلْمُنِيفِ، سُبْحانَ ذِي اَلْمُلْكِ اَلْفاخِرِ اَلْقَدِيمِ، سُبْحانَ ذِي اَلْبَهْجَةِ وَاَلْجَمالِ، سُبْحانَ مَنْ تَرَدّىٰ بِالنُّورِ وَاَلْوَقارِ، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ أَثَرَ اَلنَّمْلِ في اَلصَّفا، وَوَقْعَ اَلطَّيْرِ في اَلْهَواءِ[1].

مؤلّف گوید که: چون اختلافی در هر دو تسبیح هست با آنچه گذشت، به هر یک که عمل کند خوب است، اگرچه آنچه گذشت موافق است با آنچه بعد از نماز ایشان و جاهای دیگر ذکر کرده‌اند.

و اگر هر دو را بعمل آورد اولی است.

زیارت دوم:

شیخ مفید و محمّد بن المشهدی - رضي الله عنهما - در مزارهای خود ذکر کرده‌اند که زیارت دیگر است برای آن حضرت که به روایت دیگر مروی شده است، و مقیّد به وقتی از اوقات نیست:

هرگاه وارد زمین کربلا شوی پس فرود آ در کنار نهر علقمی، پس بکن جامه‌های سفر خود را و غسل زیارت به قصد ندب و استحباب بکن؛ و در حال غسل کردن بگو:

بِسْمِ اَللهِ وَبِاللهِ، وَفي سَبِيلِ اَللهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اَللهِ - صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَزَكِّ عَمَلِي، وَنَوِّرْ بَصَرِي، وَاَجْعَلْ غُسْلِي هٰذا طَهُوراً، وَحِرْزاً وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ وَآفَةٍ وَعاهَةٍ، وَمِنْ شَرِّ ما أُحاذِرُ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَغْسِلْنِي مِنَ اَلذُّنُوبِ كُلِّها وَاَلْآثامِ وَاَلْخَطايا، وَطَهِّرْ جِسْمِي وَقَلْبِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَمْحَقُ بِها دِينِي، وَاَجْعَلْ عَمَلِي خالِصاً

---

۱ - کامل الزیارات: ۲۱۳ ب ۷۹ ح ۱۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۶۶ ح ۱۷، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۳/ ۵۴۴ ش ۱۲۲۳.

لِوَجْهِكَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْهُ لي شاهِداً يَوْمَ حاجَتِي وَفَقْرِي وَفاقَتِي، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و بخوان سورهٔ «إنّا أنزلناه فی لیلة القدر».

پس چون فارغ شوی از غسل، بپوش آنچه پاک است از جامه‌های خود، پس متوجّه شو به سوی کربلای معلّیٰ با سکینه و وقار و پای برهنه، با خضوع و مذلّت، **والله أكبر، والحمد لله، وسُبحان الله، وأستغفر الله ربّي وأتوب إليه** بگو، و صلوات بر محمّد و آل محمّد بسیار بفرست؛ و چون به دروازه برسی بایست و چهار مرتبه **الله أكبر** بگو، پس بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذا مَقامٌ أَكْرَمْتَنِي بِهِ وَشَرَّفْتَنِي، اَللّٰهُمَّ فَأَعْطِنِي[1] فِيهِ رَغْبَتِي عَلىٰ حَقِيقَةِ إِيمانِي بِكَ وَبِرَسُولِكَ عَلَيْهِ السَّلامُ[2].

پس داخل شو و مُقدّم دار پای راست را بر پای چپ، و بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ ـ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ اَللّٰهُمَّ ﴿أَنْزِلْنِي مُنْزَلاً مُبارَكاً وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ﴾[3].

پس برو تا داخل صحن شوی، پس چون داخل شوی چهار مرتبه **اَللّٰهُ أَكْبَر** بگو، و متوجّه شو به سوی قبله و دستهای خود را بردار و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي[4] إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَإِلَيْكَ خَرَجْتُ، وَإِلَيْكَ وَفَدْتُ، وَلِخَيْرِكَ تَعَرَّضْتُ، وَبِزِيارَةِ حَبِيبِ حَبِيبِكَ إِلَيْكَ تَقَرَّبْتُ.

اَللّٰهُمَّ فَلا تَمْنَعْنِي خَيْرَ ما عِنْدَكَ لِشَرِّ ما عِنْدِي.

---

۱ ـ «اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد وأعطني» خ ل.

۲ ـ «وبرسولك وآله صلواتك عليهم أجمعين» خ ل.　　۳ ـ مؤمنون: ۲۹.

۴ ـ «إليك أتوجّه و» خ ل.

اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لي ذُنُوبِي، وَكَفِّرْ عَنّي سَيِّئاتِي، وَحُطَّ عَنّي خَطِيئاتِي، وَاَقْبَلْ حَسَناتِي.

پس بخوان سورهٔ «حمد»، و «قل أعوذ بربّ الفلق»، و «قل أعوذ بربّ النّاس»، و «قل هو الله أحد»، و «إنّا أنزلناه في ليلة القدر»، و «آية الكرسى»، و آخر سورهٔ «حشر» ـ يعنى: ﴿لَوْ أَنْزَلْنا هٰذَا اَلْقُرْآنَ عَلىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اَللّٰهِ وَتِلْكَ اَلْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ * هُوَ اَللّٰهُ اَلَّذِي لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ عالِمُ اَلْغَيْبِ وَاَلشَّهادَةِ هُوَ اَلرَّحْمٰنُ اَلرَّحِيمُ * هُوَ اَللّٰهُ اَلَّذِي لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ اَلْمَلِكُ اَلْقُدُّوسُ اَلسَّلامُ اَلْمُؤْمِنُ اَلْمُهَيْمِنُ اَلْعَزِيزُ اَلْجَبّارُ اَلْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اَللّٰهِ عَمّا يُشْرِكُونَ * هُوَ اَللّٰهُ اَلْخالِقُ اَلْبارِئُ اَلْمُصَوِّرُ لَهُ اَلْأَسْماءُ اَلْحُسْنىٰ يُسَبِّحُ لَهُ ما فِي اَلسَّماواتِ وَاَلْأَرْضِ وَهُوَ اَلْعَزِيزُ اَلْحَكِيمُ﴾[1].

پس دو ركعت نماز تحيّت بجا آور، و چون فارغ شوى تسبيح بخوان ـ يعنى تسبيح حضرت فاطمه ـ و بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلْواحِدِ فِي اَلْأُمُورِ كُلِّها، خالِقِ اَلْخَلْقِ لَمْ يَعْزُبْ عَنْهُ شَيْءٌ مِنْ أُمُورِهِمْ، عالِمِ كُلِّ شَيْءٍ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ، وَصَلَواتُ اَللّٰهِ وَصَلَواتُ مَلائِكَتِهِ وَأَنْبِيائِهِ وَرُسُلِهِ وَجَمِيعِ خَلْقِهِ، وَسَلامُهُ وَسَلامُ جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ اَلْمُصْطَفىٰ وَأَهْلِ بَيْتِهِ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ اَلصّالِحاتُ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي أَنْعَمَ عَلَيَّ وَعَرَّفَنِي فَضْلَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اَللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ إِلَيْهِ اَلرِّجالُ، وَشُدَّتْ إِلَيْهِ اَلرِّحالُ، وَأَنْتَ يا سَيِّدِي أَكْرَمُ مَأْتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ آتٍ تُحْفَةً، فَاجْعَلْ تُحْفَتِي بِزِيارَةِ قَبْرِ وَلِيِّكَ

۱ـ حشر: ۲۱ـ۲۴.

وَٱبْنِ[1] نَبِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ ٱلنّارِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ على مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْ عَمَلِي، وَٱشْكُرْ سَعْيِي، وَٱرْحَمْ مَسِيرِي مِنْ أَهْلِي، بِغَيْرِ مَنٍّ.

اَللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْمَنُّ عَلَيَّ إِذْ جَعَلْتَ لِيَ ٱلسَّبِيلَ إِلىٰ زِيارَةِ وَلِيِّكَ، وَعَرَّفْتَنِي فَضْلَهُ، وَحَفِظْتَنِي حَتّىٰ بَلَّغْتَنِي.

اَللّٰهُمَّ وَقَدْ أَتَيْتُكَ وَأَمَّلْتُكَ فَلا تُخَيِّبْ أَمَلِي وَلا تَقْطَعْ رَجائِي، وَٱجْعَلْ مَسِيرِي هٰذا كَفّارَةً لِما قَبْلَهُ مِنْ ذُنُوبِي، وَرِضْواناً تُضاعِفُ بِهِ حَسَناتِي، وَسَبَباً لِنَجاحِ طَلِباتِي، وَطَرِيقاً لِقَضاءِ حَوائِجِي، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَٱجْعَلْ سَعْيِي مَشْكُوراً، وَذَنْبِي مَغْفُوراً، وَعَمَلِي مَقْبُولاً، وَدُعائِي مُسْتَجاباً، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَرَدْتُكَ[2] فَأَرِدْنِي، وَأَقْبَلْتُ بِوَجْهِي إِلَيْكَ[3] فَلا تُعْرِضْ عَنِّي، وَقَصَدْتُكَ فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَإِنْ كُنْتَ لِي ماقِتاً فَارْضَ عَنِّي، وَٱرْحَمْ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ وَلا تُخَيِّبْنِي يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

پس برو تا آنجاكه قبر را مشاهده نمايى، و چون ببينى چهار مرتبه **اَللّٰهُ أَكْبَر** بگو، و رو به قبر بايست و پشت خود را به‌سوى قبله كن و بگو:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ ٱلسَّلامُ، وَمِنْكَ ٱلسَّلامُ، وَإِلَيْكَ يَرجِعُ ٱلسَّلامُ، يا ذَا ٱلْجَلالِ وَٱلْإِكْرامِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ ٱللهِ، أَمِينِ ٱللهِ عَلىٰ وَحْيِهِ وَعَزائِمِ أَمْرِهِ، ٱلْخاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَٱلْفاتِحِ لِمَا ٱسْتُقْبِلَ، وَٱلْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، عَبْدِ ٱللهِ وَأَخِي رَسُولِهِ، ٱلصِّدِّيقِ ٱلْأَكْبَرِ، وَٱلْفارُوقِ

---

۱ ـ «وَابنِ بنتِ» خ ل.
۲ ـ «أُريدك» خ ل.
۳ ـ «عليك» خ ل.

اَلْأَعْظَمِ، سَيِّدِ اَلْمُسْلِمِينَ، وَإِمامِ اَلْمُتَّقِينَ، وَقائِدِ اَلْغُرِّ اَلْمُحَجَّلِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَى اَلْحَسَنِ وَاَلْحُسَيْنِ، سَيِّدَي شَبابِ أَهْلِ اَلْجَنَّةِ مِنَ اَلْخَلْقِ أَجْمَعِينَ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَئِمَّةِ اَلْهُدَى اَلرّاشِدِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَى اَلطّاهِرَةِ اَلصِّدِّيقَةِ فاطِمَةَ، سَيِّدَةِ نِساءِ اَلْعالَمِينَ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلْمُنْزَلِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلْمُرْدِفِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلْمُسَوِّمِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلزّوّارِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلَّذِينَ هُمْ في هٰذَا اَلْمَشْهَدِ بِإِذْنِ اَللهِ مُقِيمُونَ.

پس برو تا به نزدیک قبر، و بایست رو به قبر مقدّس و پشت به قبله و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ ياوارِثَ وَصِيِّ رَسُولِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اَلْحَسَنِ اَلرَّضِيِّ[۱].

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا اَلشَّهِيدُ اَلصِّدِّيقُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا اَلْوَصِيُّ اَلْبَرُّ اَلتَّقِيُّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى اَلْأَرْواحِ اَلَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِكَ وَأَناخَتْ بِرَحْلِكَ. اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلْمُحْدِقِينَ بِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ[۲] اَلصَّلاةَ، وَآتَيْتَ اَلزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ اَلْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ اَلْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ، وَجاهَدْتَ في اَللهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى اَلْأَذىٰ في جَنْبِهِ، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتّىٰ أَتاكَ اَلْيَقِينُ.

لَعَنَ اَللهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَأُمَّةً قاتَلَتْكَ، وَأُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَأُمَّةً أَعانَتْ عَلَيْكَ، وَأُمَّةً

---

۱ ـ «الزكيّ» خ ل.

۲ ـ «أشهد أنّك أقمت» خ ل.

خَذَلَتْكَ، وَأُمَّةً دَعَتْكَ فَلَمْ تُجِبْكَ، وَأُمَّةً بَلَغَها ذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، وَأَلْحَقَهُمُ اللهُ بِدَرَكِ[1] الْجَحِيمِ.

اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ، وَهَدَمُوا كَعْبَتَكَ، وَاسْتَحَلُّوا حَرَمَكَ، وَأَلْحَدُوا فِي الْبَيْتِ الْحَرامِ، وَحَرَّفُوا كِتابَكَ، وَسَفَكُوا دِماءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَظْهَرُوا الْفَسادَ فِي أَرْضِكَ، وَاسْتَذَلُّوا عِبادَكَ الْمُؤْمِنِينَ.

اَللّٰهُمَّ ضاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ الْأَلِيمَ، وَاجْعَلْ لِي لِسانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيائِكَ الْمُصْطَفَيْنَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشاهِدَهُمْ، وَأَلْحِقْنِي بِهِمْ، وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس دست راست را بگذار بر قبر، و اشاره كن به دست چپ به سوى قبر و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ابْنَ رَسُولِ اللهِ، إِنْ لَمْ أَكُنْ أَدْرَكْتُ نُصْرَتَكَ بِيَدِي، فَها أَنَا ذا وافِدٌ إِلَيْكَ بِنَصْرِي، قَدْ أَجابَكَ سَمْعِي وَقَلْبِي وَبَصَرِي[2] وَبَدَنِي وَرَأْيِي وَهَوايَ عَلَى التَّسْلِيمِ لَكَ، وَلِلْخَلَفِ الْباقِي مِنْ بَعْدِكَ، وَالْأَدِلّاءِ عَلَى اللهِ مِنْ وَلَدِكَ؛ فَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّىٰ يَحْكُمَ اللهُ بِأَمْرِهِ، وَهُوَ خَيْرُ الْحاكِمِينَ.

پس دستها را به سوى آسمان بلند كن و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هٰذَا الْقَبْرَ قَبْرُ حَبِيبِكَ وَصِفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، الْفائِزِ بِكَرامَتِكَ. أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ، وَأَعْطَيْتَهُ مَوارِيثَ الْأَنْبِياءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً لَكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، فَأَعْذَرَ فِي الدَّعْوَةِ، وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبادَكَ مِنَ الضَّلالَةِ وَالْجَهالَةِ وَالْعَمىٰ وَالشَّكِّ وَالِارْتِيابِ إِلىٰ بابِ الْهُدىٰ وَالرَّشادِ.

وَأَنْتَ يا سَيِّدِي بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلىٰ، تَرىٰ وَلا تُرىٰ، وَقَدْ تَوازَرَ عَلَيْهِ فِي طاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيا، وَباعَ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ، وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ

---

١ ـ «وألحقهم بدرك» خ ل.

٢ ـ «قد أجابك سمعي وبصري» خ ل.

رَسُولَكَ ـ عَلَيْهِ اَلسَّلامُ ـ[١]، وَأَطاعَ مِنْ عِبادِكَ أَهْلَ اَلشِّقاقِ وَاَلنِّفاقِ، وَحَمَلَةَ اَلْأَوْزارِ، اَلْمُسْتَوْجِبِينَ اَلنّارَ.

اَللّٰهُمَّ اَلْعَنْهُمْ لَعْناً وَبِيلاً، وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً أَلِيماً.

پس دست چپ را پایین آور، و به دست راست اشاره کن به سوی قبر و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اَلْأَنْبِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِيَّ اَلْأَوْصِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آلِكَ وَذُرِّيَّتِكَ، اَلَّذِينَ حَباهُمُ اَللهُ بِالْحُجَجِ اَلْبالِغَةِ، وَاَلنُّورِ وَاَلصِّراطِ اَلْمُسْتَقِيمِ.

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، ما أَجَلَّ مُصِيبَتَكَ وَأَعْظَمَها عِنْدَ اَللهِ، وَما أَجَلَّ مُصِيبَتَكَ وَأَعْظَمَها عِنْدَ رَسُولِ اَللهِ، وَما أَجَلَّ مُصِيبَتَكَ وَأَعْظَمَها عِنْدَ أَنْبِياءِ اَللهِ، وَما أَجَلَّ مُصِيبَتَكَ وَأَعْظَمَها عِنْدَ أَوْلِياءِ اَللهِ، وَما أَجَلَّ مُصِيبَتَكَ وَأَعْظَمَها عِنْدَ اَلْمَلَإِ اَلْأَعْلىٰ، وَما أَجَلَّ مُصِيبَتَكَ وَأَعْظَمَها عِنْدَ شِيعَتِكَ خاصَّةً، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللهِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي اَلظُّلُماتِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اَللهِ وَأَمِينُهُ، وَخازِنُ عِلْمِهِ، وَوَصِيُّ[٢] نَبِيِّهِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَنَصَحْتَ، وَصَبَرْتَ عَلَى اَلْأَذىٰ فِي جَنْبِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ قُتِلْتَ[٣]، وَحُرِمْتَ، وَغُصِبْتَ، وَظُلِمْتَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جُحِدْتَ وَاَهْتُضِمْتَ، وَصَبَرْتَ فِي ذاتِ اَللهِ، وَأَنَّكَ قَدْ كُذِّبْتَ، وَدُفِعْتَ عَنْ حَقِّكَ، وَأُسِيءَ إِلَيْكَ فَاحْتَمَلْتَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ اَلْإِمامُ اَلرّاشِدُ اَلْهادِي، هَدَيْتَ وَقُمْتَ بِالْحَقِّ وَعَمِلْتَ بِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ طاعَتَكَ مُفْتَرَضَةٌ، وَقَوْلَكَ اَلصِّدْقُ، وَدَعْوَتَكَ اَلْحَقُّ، وَأَنَّكَ دَعَوْتَ

---

١ ـ «صلواتك عليه وآله» خ ل.
٢ ـ «وَوَصِيُّ وصيّ» خ ل.
٣ ـ «أنّك قُتلت» خ ل.

إِلَى ٱلْحَقِّ وَ إِلىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَٱلْمَوْعِظَةِ ٱلْحَسَنَةِ فَلَمْ تُجَبْ، وَأَمَرْتَ بِطاعَةِ ٱللهِ فَلَمْ تُطَعْ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ ٱلدِّينِ، وَعَمُودِهِ، وَرُكْنِ ٱلْأَرْضِ وَعِمادِها.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَٱلْأَئِمَّةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ كَلِمَةُ ٱلتَّقْوىٰ، وَبابُ ٱلْهُدىٰ، وَٱلْعُرْوَةُ ٱلْوُثْقىٰ، وَٱلْحُجَّةُ عَلىٰ أَهْلِ ٱلدُّنْيا[1].

وَأُشْهِدُ ٱللهَ وَمَلائِكَتَهُ وَأَنْبِياءَهُ وَرُسُلَهُ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَلَكُمْ تابِعٌ فِي ذاتِ نَفْسِي، وَشَرايِعِ دِينِي، وَخَواتِيمِ عَمَلِي، وَمُنْقَلَبِي إِلىٰ رَبِّي.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَدَّيْتَ عَنِ ٱللهِ وَعَنْ رَسُولِهِ صادِقاً، وَقُلْتَ أَمِيناً، وَنَصَحْتَ لِلّٰهِ وَرَسُولِهِ[2] مُجْتَهِداً، وَمَضَيْتَ عَلىٰ يَقِينٍ، لَمْ تُؤْثِرْ ضَلالاً عَلىٰ هُدىً، وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ إِلىٰ باطِلٍ؛ فَجَزاكَ ٱللهُ عَنْ رَعِيَّتِكَ خَيْراً، وَصَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ صَلاةً لا يُحْصِيها غَيْرُهُ، وَعَلَيْكَ ٱلسَّلامُ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُصَلِّي عَلَيْهِ كَما صَلَّيْتَ عَلَيْهِ، وَصَلّىٰ عَلَيْهِ مَلائِكَتُكَ وَأَنْبِياؤُكَ وَرُسُلُكَ وَأَمِيرُ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْأَئِمَّةُ أَجْمَعُونَ، صَلاةً كَثِيرَةً مُتَتابِعَةً مُتَرادِفَةً يَتْبَعُ بَعْضُها بَعْضاً، فِي مَحْضَرِنا هٰذا وَإِذا غِبْنا وَعَلىٰ كُلِّ حالٍ، صَلاةً لَا ٱنْقِطاعَ لَها وَلا نَفادَ.

اَللّٰهُمَّ أَبْلِغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ فِي ساعَتِي هٰذِهِ وَفِي كُلِّ ساعَةٍ، تَحِيَّةً مِنِّي كَثِيرَةً وَسَلاماً، آمَنّا بِاللهِ وَحْدَهُ وَٱتَّبَعْنا ٱلرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ ٱلشّاهِدِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، أَتَيْتُكَ ـ بِأَبِي وَأُمِّي ـ زائِراً، وافِداً إِلَيْكَ، مُتَوَجِّها بِكَ إِلىٰ رَبِّكَ وَرَبِّي لِيُنْجِحَ لِي بِكَ حَوائِجِي، وَيُعْطِيَنِي بِكَ سُؤْلِي، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَهُ، وَكُنْ لِي شَفِيعاً، فَقَدْ جِئْتُكَ هارِباً مِنْ ذُنُوبِي، مُتَنَصِّلاً إِلىٰ رَبِّي مِنْ سَيِّئِ عَمَلِي،

---

۱ ـ «على من في الدنيا» خ ل.

۲ ـ «ولرسوله» خ ل.

راجياً في مَوْقِفِي هٰذا اَلْخَلاصَ مِنْ عُقُوبَةِ رَبِّي، طامِعاً أَنْ يَسْتَنْقِذَنِي رَبِّي بِكَ مِنَ اَلرَّدىٰ.

أَتَيْتُكَ يا مَوْلايَ وافِداً إِلَيْكَ إِذْ رَغِبَ عَنْ زِيارَتِكَ أَهْلُ اَلدُّنْيا، وَإِلَيْكَ كانَتْ رِحْلَتِي، وَلَكَ عَبْرَتِي وَصَرْخَتِي، وَعَلَيْكَ أَسَفِي، وَلَكَ نَحِيبِي وَزَفْرَتِي، وَعَلَيْكَ تَحِيَّتِي وَسَلامِي، أَلْقَيْتُ رَحْلِي بِفِنائِكَ، مُسْتَجِيراً بِكَ وَبِقَبْرِكَ مِمّا أَخافُ عَلىٰ نَفْسِي مِنْ عَظِيمِ جُرْمِي[1].

وَأَتَيْتُكَ زائِراً أَلْتَمِسُ ثَباتَ اَلْقَدَمِ في اَلْهِجْرَةِ إِلَيْكَ، وَقَدْ تَيَقَّنْتُ أَنَّ اَللهَ جَلَّ ثَناؤُهُ بِكُمْ يُنَفِّسُ اَلْهَمَّ، وَبِكُمْ يَكْشِفُ اَلْكَرْبَ، وَبِكُمْ يُباعِدُ نائِباتِ اَلزَّمانِ اَلْكَلِبِ، وَبِكُمْ فَتَحَ اَللهُ، وَبِكُمْ يَخْتِمُ، وَبِكُمْ يُنَزِّلُ اَلْغَيْثَ، وَبِكُمْ يُنْزِلُ اَلرَّحْمَةَ، وَبِكُمْ يُمْسِكُ اَلْأَرْضَ أَنْ تَسِيخَ بِأَهْلِها، وَبِكُمْ يُثَبِّتُ اَللهُ جِبالَها عَلىٰ مَراسِيها.

وَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلىٰ رَبِّي بِكَ يا سَيِّدِي في قَضاءِ حَوائِجِي، وَمَغْفِرَةِ ذُنُوبِي؛ فَلا أَخِيبَنَّ مِنْ بَيْنِ زُوّارِكَ، فَقَدْ خَشِيتُ ذٰلِكَ إِنْ لَمْ تَشْفَعْ لِي.

وَلا يَنْصَرِفَنَّ زُوّارُكَ يا مَوْلايَ بِالْعَطاءِ وَاَلْحِباءِ، وَاَلْخَيْرِ وَاَلْجَزاءِ، وَاَلْمَغْفِرَةِ وَاَلرِّضا، وَأَنْصَرِفُ أَنا مَجْبُوهاً بِذُنُوبِي، مَرْدُوداً عَلَيَّ عَمَلِي، قَدْ خُيِّبْتُ لِما سَلَفَ مِنِّي.

فَإِنْ كانَتْ هٰذِهِ حالِي، فَالْوَيْلُ لِي، ما أَشْقانِي وَأَخْيَبَ سَعْيِي!

وَفي حُسْنِ ظَنِّي بِرَبِّي وَبِنَبِيِّي وَبِكَ ـ يا مَوْلايَ ـ وَبِالْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ ساداتِي، أَنْ لا أَخِيبَ.

فَاشْفَعْ لِي إِلىٰ رَبِّي لِيُعْطِيَنِي أَفْضَلَ ما أَعْطىٰ أَحَداً مِنْ زُوّارِكَ، وَاَلْوافِدِينَ[2] إِلَيْكَ، وَيَحْبُوَنِي وَيُكْرِمَنِي وَيُتْحِفَنِي بِأَفْضَلِ ما مَنَّ بِهِ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ زُوّارِكَ، وَاَلْوافِدِينَ إِلَيْكَ.

---

١ ـ «ممّا أخاف مِن عظيم جُرمي» خ ل.

٢ ـ «والواردين» خ ل.

پس بردار دستها را به سوی آسمان و بگو:

اَللّٰهُمَّ قَدْ تَرىٰ مَكانِي، وَتَسْمَعُ كَلامِي، وَتَرىٰ مَقامِي، وَتَضَرُّعِي وَمَلاذِي بِقَبْرِ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ وَٱبْنِ نَبِيِّكَ، وَقَدْ عَلِمْتَ يا سَيِّدِي حَوائِجِي، وَلا يَخْفىٰ عَلَيْكَ حالِي، وَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِابْنِ رَسُولِكَ، وَحُجَّتِكَ وَأَمِينِكَ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً بِهِ إِلَيْكَ وَإِلىٰ رَسُولِكَ؛ فَاجْعَلْنِي بِهِ عِنْدَكَ[1] وَجِيهاً فِي ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ وَمِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ.

وَأَعْطِنِي بِزِيارَتِي أَمَلِي، وَهَبْ لِي مُنايَ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِشَهْوَتِي[2] وَرَغْبَتِي، وَٱقْضِ لِي حَوائِجِي، وَلا تَرُدَّنِي خائِباً، وَلا تَقْطَعْ رَجائِي، وَلا تُخَيِّبْ دُعائِي، وَعَرِّفْنِي ٱلْإِجابَةَ فِي جَمِيعِ ما دَعَوْتُكَ مِنْ أَمْرِ ٱلدِّينِ وَٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ، وَٱجْعَلْنِي مِنْ عِبادِكَ ٱلَّذِينَ صَرَفْتَ عَنْهُمُ ٱلْبَلايا وَٱلْأَمْراضَ وَٱلْفِتَنَ وَٱلْأَعْراضَ، مِنَ ٱلَّذِينَ تُحْيِيهِمْ فِي عافِيَةٍ، وَتُمِيتُهُمْ فِي عافِيَةٍ، وَتُدْخِلُهُمُ ٱلْجَنَّةَ فِي عافِيَةٍ، وَتُجِيرُهُمْ مِنَ ٱلنّارِ فِي عافِيَةٍ، وَوَفِّقْ لِي بِمَنٍّ مِنْكَ صَلاحَ ما أُؤَمِّلُ فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوانِي وَمالِي، وَجَمِيعِ ما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

پس خود را به قبر بچسبان و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ ٱللهِ وَٱبْنَ حُجَّتِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ ٱللهِ وَأَمِينُهُ، وَخَلِيفَتُهُ فِي عِبادِهِ، وَخازِنُ عِلْمِهِ، وَمُسْتَودَعُ سِرِّهِ، بَلَّغْتَ عَنِ ٱللهِ ما أُمِرْتَ بِهِ، وَوَفَيْتَ وَأَوْفَيْتَ، وَمَضَيْتَ عَلىٰ يَقِينٍ شَهِيداً وَشاهِداً وَمَشْهُوداً، صَلَواتُ ٱللهِ وَرَحْمَتُهُ عَلَيْكَ.

أَنا يا مَوْلايَ وَلِيُّكَ ٱللّائِذُ بِكَ فِي طاعَتِكَ، أَلْتَمِسُ ثَباتَ ٱلْقَدَمِ فِي ٱلْهِجْرَةِ عِنْدَكَ، وَكَمالَ ٱلْمَنْزِلَةِ فِي ٱلْآخِرَةِ بِكَ.

أَتَيْتُكَ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَمالِي وَوَلَدِيَ زائِراً، وَبِحَقِّكَ عارِفاً، مُتَّبِعاً

---

۱ ـ «فاجعلني عندك» خ ل.

۲ ـ «بسؤلي» خ ل.

لِلْهُدَى ٱلَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، مُوجِباً لِطاعَتِكَ، مُسْتَيْقِناً فَضْلَكَ، مُسْتَبْصِراً بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكَ، عالِماً بِهِ، مُتَمَسِّكاً[1] بِوِلايَتِكَ وَوِلايَةِ آبائِكَ وَذُرِّيَّتِكَ ٱلطّاهِرِينَ.

أَلا لَعَنَ ٱللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَخالَفَتْكُمْ، وَشَهِدَتْكُمْ فَلَمْ تُجاهِدْ مَعَكُمْ، وَغَصَبَتْكُمْ حَقَّكُمْ.

أَتَيْتُكَ يا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ مَكْرُوباً، وَأَتَيْتُكَ مَغْمُوماً، وَأَتَيْتُكَ مُفْتَقِراً إِلىٰ شَفاعَتِكَ؛ وَلِكُلِّ زائِرٍ حَقٌّ عَلىٰ مَنْ أَتاهُ وَزارَهُ، وَأَنا زائِرُكَ وَمَوْلاكَ، وَضَيْفُكَ ٱلنّازِلُ بِكَ، وَٱلْحالُّ بِفِنائِكَ، وَلِي حَوائِجُ مِنْ حَوائِجِ ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ، بِكَ أَتَوَجَّهُ إِلَى ٱللهِ في نُجْحِها وَقَضائِها؛ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي في قَضاءِ حَوائِجِي كُلِّها، وَقَضاءِ حاجَتِيَ ٱلْعُظْمىٰ ٱلَّتِي إِنْ أَعْطانِيها لَمْ يَضُرَّنِي ما مَنَعَنِي، وَإِنْ مَنَعَنِيها لَمْ يَنْفَعْنِي ما أَعْطانِي، فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ ٱلنّارِ، وَٱلدَّرَجاتِ ٱلْعُلىٰ، وَٱلْمِنَّةَ عَلَيَّ بِجَمِيعِ سُؤْلِي، وَرَغْبَتِي وَشَهْوَتِي، وَإِرادَتِي وَمُنايَ، وَصَرفَ جَمِيعِ ٱلْمَكْرُوهِ وَٱلْمَحْذُورِ عَنِّي، وَعَنْ أَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوانِي وَمالِي وَجَمِيعِ ما أَنْعَمَ عَلَيَّ، وَٱلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس سر را بردار از قبر و بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي جَعَلَنِي مِنْ زُوّارِ ٱبْنِ[2] نَبِيِّهِ، وَرَزَقَنِي مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ، وَٱلْإِقْرارَ بِحَقِّهِ، وَٱلشَّهادَةَ بِطاعَتِهِ ﴿رَبَّنا آمَنّا بِما أَنْزَلْتَ وَٱتَّبَعْنا ٱلرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ ٱلشّاهِدِينَ﴾[3].

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، لَعَنَ ٱللهُ قاتِلِيكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ خاذِلِيكَ[4]، وَلَعَنَ ٱللهُ سالِبِيكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ رَماكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ طَعَنَكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ ٱلْمُعِينِينَ عَلَيْكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ ٱلسّائِرِينَ إِلَيْكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ مَنَعَكَ شُرْبَ ماءِ ٱلْفُراتِ، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ دَعاكَ

---

۱ ـ «مُستمسِكاً» خ ل. ۲ ـ «ابن بنت» خ ل.

۳ ـ آل عمران: ۵۳.

۴ ـ «ولعن خاذليك» ـ بدون لفظ جلاله ـ خ ل. و همچنین موارد بعدی تا «ولعن الله من دعاك».

وَغَشَّكَ وَخَذَلَكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ ٱبْنَ آكِلَةِ ٱلْأَكْبادِ، وَلَعَنَ ٱللهُ ٱبْنَهُ ٱلَّذِي وَتَرَكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ أَعْوانَهُمْ وَأَتْباعَهُمْ وَأَنْصارَهُمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَمَنْ أَسَّسَ لَهُمْ، وَحَشَا ٱللهُ قُبُورَهُمْ ناراً، وَٱلسَّلامُ عَلَيْكَ ـ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي ـ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس منحرف شو از قبر، و روی خود را بگردان به سوی قبله، و دستهای خود را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَتَعَبَّأَ وَأَعَدَّ وَٱسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ إِلىٰ مَخْلُوقٍ، رَجاءَ رِفْدِهِ وَجائِزَتِهِ[1] وَنَوافِلِهِ وَفَواضِلِهِ وَعَطاياهُ، فَإِلَيْكَ يا رَبِّ كانَتْ تَهْيِئَتِي وَتَعْبِئَتِي وَإِعْدادِي وَٱسْتِعْدادِي وَسَفَرِي، وَإِلىٰ قَبْرِ وَلِيِّكَ وَفَدْتُ، وَبِزِيارَتِهِ إِلَيْكَ تَقَرَّبْتُ، رَجاءَ رِفْدِكَ وَجَوائِزِكَ وَنَوافِلِكَ وَعَطاياكَ وَفَواضِلِكَ.

اَللّٰهُمَّ وَقَدْ رَجَوْتُ كَرِيمَ عَفْوِكَ، وَواسِعَ مَغْفِرَتِكَ، فَلا تَرُدَّنِي خائِباً؛ فَإِلَيْكَ قَصَدْتُ، وَما عِنْدَكَ أَرَدْتُ، وَقَبْرَ إِمامِيَ ٱلَّذِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ طاعَتَهُ زُرْتُ، فَاجْعَلْنِي بِهِ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ، وَمِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ ٱلَّذِينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ، وَأَعْطِنِي بِهِ جَمِيعَ سُؤْلِي، وَٱقْضِ لِي بِهِ جَمِيعَ حَوائِجِي، وَلا تَقْطَعْ رَجائِي، وَلا تُخَيِّبْ دُعائِي، وَٱرْحَمْ ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي، وَلا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي، وَلا إِلىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، مَوْلايَ! فَقَدْ أَفْحَمَتْنِي ذُنُوبِي، وَقَطَعَتْ حُجَّتِي، وَٱبْتُلِيتُ بِخَطِيئَتِي، وَٱرْتُهِنْتُ بِعَمَلِي، وَأَوْبَقْتُ نَفْسِي، وَوَقَفْتُها مَوْقِفَ ٱلْأَذِلّاءِ ٱلْمُذْنِبِينَ ٱلْمُجْتَرِئِينَ عَلَيْكَ، ٱلتّارِكِينَ أَمْرَكَ، ٱلْمُغْتَرِّينَ بِكَ، ٱلْمُسْتَخِفِّينَ بِوَعْدِكَ؛ وَقَدْ أَوْبَقَنِي ما كانَ مِنْ قَبِيحِ جُرْمِي، وَسُوءِ نَظَرِي لِنَفْسِي.

فَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَنَدامَتِي، وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي، وَٱرْحَمْ عَبْرَتِي، وَٱقْبَلْ مَعْذِرَتِي،

---

۱ ـ «جوائزه» خ ل.

وَعُذْ بِحِلْمِكَ عَلىٰ جَهْلِي، وَبِإحْسانِكَ عَلىٰ إساءَتِي، وَبِعَفْوِكَ عَلىٰ جُرْمِي، وَإلَيْكَ[1] أَشْكُو ضَعْفَ عَمَلِي، فَارْحَمْنِي يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي فَإنِّي مُقِرٌّ بِذَنْبِي، مُعْتَرِفٌ بِخَطِيئَتِي، وَهٰذِهِ يَدِي وَناصِيَتِي، أَسْتَكِينُ بِالْقَوَدِ مِنِّي.

يا سَيِّدِي، فَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَنَفِّسْ كُرْبَتِي، وَارْحَمْ خُشُوعِي وَخُضُوعِي، وَأَسَفِي عَلىٰ ماكانَ مِنِّي، وَوُقُوفِي عِنْدَ قَبْرِ وَلِيِّكَ، وَذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ.

فَأَنْتَ رَجائِي وَمُعْتَمَدِي وَظَهْرِي وَعُدَّتِي، فَلا تَرُدَّنِي خائِباً، وَتَقَبَّلْ عَمَلِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَآمِنْ رَوْعَتِي، وَلا تُخَيِّبْنِي، وَلا تَقْطَعْ رَجائِي مِنْ بَيْنِ خَلْقِكَ يا سَيِّدِي.

اَللّٰهُمَّ وَقَدْ قُلْتَ في كِتابِكَ الْمُنْزَلِ عَلىٰ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ ـ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِينَ﴾[2]، يا رَبِّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ، وَأَنْتَ الَّذِي لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ، فَاسْتَجِبْ لِي يا رَبِّ فَقَدْ سَأَلَكَ السّائِلُونَ وَسَأَلْتُكَ، وَطَلَبَ الطّالِبُونَ وَطَلَبْتُ مِنْكَ، وَرَغِبَ الرّاغِبُونَ وَرَغِبْتُ إلَيْكَ، وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ لا تُخَيِّبَنِي وَلا تَقْطَعَ رَجائِي، فَعَرِّفْنِي الْإجابَةَ يا سَيِّدِي، وَاقْضِ لِي حَوائِجَ[3] الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس برو به نزديک سر آن حضرت و دو رکعت نماز بکن، و در رکعت اوّل بعد از سورۀ «حمد» سوره «يٰس» بخوان، و در رکعت دوّم سورۀ «الرحمن»، پس چون سلام بگويى و تسبيح حضرت فاطمه عليها السلام بخوانى، ذکرها که بر عظمت خدا دلالت کند بسيار بخوان، و استغفار از گناهان خود بکن، و صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرست،

---

١ ـ «فإليك» خ ل.

٢ ـ غافر: ٦٠.

٣ ـ «حوائجي [في]» خ ل.

و دستها را بردار و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنّٰا أَتَيْناهُ مُؤْمِنِينَ بِهِ، مُسَلِّمِينَ لَهُ، مُعْتَصِمِينَ بِحَبْلِهِ، عارِفِينَ بِحَقِّهِ، مُقِرِّينَ بِفَضْلِهِ، مُسْتَبْصِرِينَ بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَهُ، عارِفِينَ بِالْهُدَى ٱلَّذِي هُوَ عَلَيْهِ .

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ مَنْ حَضَرَ مِنْ مَلائِكَتِكَ، أَنِّي بِهِمْ مُؤْمِنٌ، وَبِمَنْ قَتَلَهُمْ كافِرٌ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ لِما أَقُولُ[1] بِلِسانِي حَقِيقَةً في قَلْبِي، وَشَرِيعَةً في عَمَلِي .

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنِي مِمَّنْ لَهُ مَعَ ٱلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَدَمٌ ثابِتٌ، وَأَثْبِتْنِي فِيمَنِ ٱسْتُشْهِدَ مَعَهُ .

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنِ ٱلَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ كُفْراً، سُبْحانَكَ يا حَلِيمُ عَمّا يَعْمَلُ ٱلظّالِمُونَ في ٱلْأَرْضِ، يا عَظِيمُ تَرىٰ عَظِيمَ ٱلْجُرْمِ مِنْ عِبادِكَ فَلا تَعْجَلُ عَلَيْهِمْ، فَتَعالَيْتَ عَمّا يَقُولُ ٱلظّالِمُونَ عُلُوّاً كَبِيراً، ياكَرِيمُ، أَنْتَ شاهِدٌ غَيْرُ غائِبٍ، وَعالِمٌ بِما أُوتِيَ[2] إِلىٰ أَهْلِ صَلَواتِكَ وَأَحِبّائِكَ، مِنَ ٱلْأَمْرِ ٱلَّذِي لا تَحْمِلُهُ سَماءٌ وَلا أَرْضٌ؛ وَلَوْ شِئْتَ لَٱنْتَقَمْتَ مِنْهُمْ، وَلٰكِنَّكَ ذُوْ أَناةٍ، وَقَدْ أَمْهَلْتَ ٱلَّذِينَ ٱجْتَرَؤُوا عَلَيْكَ وَعَلىٰ رَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ، فَأَسْكَنْتَهُم[3] أَرْضَكَ، وَغَذَوْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ إِلىٰ أَجَلٍ هُمْ بالِغُوهُ، وَوَقْتٍ هُمْ صائِرُونَ إِلَيْهِ، لِيَسْتَكْمِلُوا ٱلْعَمَلَ فِيهِ ٱلَّذِي قَدَّرْتَ، وَٱلْأَجَلَ ٱلَّذِي أَجَّلْتَ، في عَذابٍ وَوَثاقٍ، وَحَمِيمٍ وَغَسّاقٍ، وَٱلضَّرِيعِ وَٱلْأَحْراقِ، وَٱلْأَغْلالِ وَٱلْأَوْثاقِ، وَغِسْلِينٍ وَزَقُّومٍ وَصَدِيدٍ، مَعَ طُولِ ٱلْمَقامِ في أَيّامِ لَظى، وَفي سَقَرٍ ٱلَّتِي لا تُبْقِي وَلا تَذَرُ، وَفي ٱلْحَمِيمِ وَٱلْجَحِيمِ، وَٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

پس طلب آمرزش کن برای گناه خود، و دعا کن به آنچه خواهی، و چون فارغ شوی از دعا به سجده برو و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ مَلائِكَتَكَ وَأَنْبِياءَكَ وَرُسُلَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ ٱللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ رَبِّي، وَٱلْإِسْلامُ دِينِي، وَمُحَمَّدٌ نَبِيِّي، وَعَلِيٌّ؛ وَٱلْحَسَنُ، وَٱلْحُسَيْنُ،

---

۱ ـ «أقوله» خ ل. ۲ ـ از مصادر. در نسخ «أُتِيَ» بدون واو. ۳ ـ «وأسكنتهم» خ ل.

وَعَلِيُّ بْنُ ٱلْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَمُوْسَى بْنُ جَعْفَرٍ، وَعَلِيُّ بْنُ مُوسىٰ، وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَٱلْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، وَٱلْخَلَفُ ٱلْباقِي ـ عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ ٱلصَّلَواتِ ـ أَئِمَّتِي؛ بِهِمْ أَتَوَلّىٰ، وَمِنْ عَدُوِّهِمْ أَتَبَرَّأُ.

پس سه مرتبه بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ دَمَ ٱلْمَظْلُومِ.

و سه مرتبه بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ بِإِيوائِكَ عَلىٰ نَفْسِكَ لِأَوْلِيائِكَ لَتُظْفِرَنَّهُمْ بِعَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى ٱلْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ٱلْيُسْرَ بَعْدَ ٱلْعُسْرِ.

پس جانب راست رو را بر زمين بگذار، وسه مرتبه بگو:

يا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي ٱلْمَذاهِبُ، وَتَضِيقُ عَلَيَّ ٱلْأَرْضُ بِما رَحُبَتْ، وَيا بارِئَ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَقَدْ كانَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى ٱلْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ.

پس جانب چپ رو را بر زمين بگذار و بگو:

يا مُذِلَّ كُلِّ جَبّارٍ، وَيا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَفَرِّجْ عَنِّي.

پس سه مرتبه بگو: يا حَنّانُ، يا مَنّانُ، يا كاشِفَ ٱلْكُرَبِ ٱلْعِظامِ.

پس برگرد به سجده و صد مرتبه بگو: شُكْراً، شُكْراً. و حاجت خود را طلب نما.

پس برو به نزد پا و بايست نزد قبر عليّ بن الحسين عليه‌السلام و بگو:

سَلامُ ٱللهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ ٱلْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيائِهِ ٱلْمُرْسَلِينَ وَعِبادِهِ ٱلصّالِحِينَ، عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَٱبْنَ مَوْلايَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ، وَصَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ

وَعَلىٰ عِتْرَةِ آبائِكَ ٱلْأَخْيارِ ٱلْأَبْرارِ، ٱلَّذِينَ أَذْهَبَ ٱللهُ عَنْهُمُ ٱلرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، وَعَذَّبَ ٱللهُ قاتِلَكَ بِأَنْواعِ ٱلْعَذابِ، وَٱلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس اشاره کن به ناحیهٔ پاهای علیّ بن الحسین علیهما السلام به سلام بر شهدا ـ که ایشان در آنجا مدفون اند ـ و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا ٱلرَّبّانِيُّونَ، أَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ، وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ وَأَنْصارٌ.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصارُ ٱللهِ جَلَّ ٱسْمُهُ، وَسادَةُ ٱلشُّهَداءِ فِي ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ؛ صَبَرْتُمْ وَٱحْتَسَبْتُمْ، وَلَمْ تَهِنُوا وَلَمْ تَضْعُفُوا وَلَمْ تَسْتَكِينُوا حَتّىٰ لَقِيتُمُ ٱللهَ جَلَّ وَعَزَّ عَلىٰ سَبِيلِ ٱلْحَقِّ، وَنَصْرِهِ وَكَلِمَةِ[1] ٱللهِ ٱلتّامَّةِ.

صَلَّى ٱللهُ عَلىٰ أَرْواحِكُمْ وَأَبْدانِكُمْ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

أَبْشِرُوا ـ رِضْوانُ ٱللهِ عَلَيْكُمْ ـ بِمَوْعِدِ ٱللهِ ٱلَّذِي لا خُلْفَ لَهُ، ٱللهُ تَعالىٰ مُدْرِكُ بِكُمْ، بارٌّ[2] ما وَعَدَكُمْ، إِنَّهُ لا يُخْلِفُ ٱلْمِيعادَ.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ ٱللهِ، وَقُتِلْتُمْ عَلىٰ مِنْهاجِ رَسُولِ ٱللهِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، وَٱبْنِ رَسُولِهِ عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ؛ فَجَزاكُمُ ٱللهُ عَنِ ٱلرَّسُولِ وَٱبْنِهِ وَذُرِّيَّتِهِ أَفْضَلَ ٱلْجَزاءِ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي صَدَقَكُمْ وَعْدَهُ، وَأَراكُمْ ما تُحِبُّونَ[3].

زیارت سوم:

در کتب معتبره به سند حسن و سند قویّ از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: چون داخل حایر شوی بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذا مَقامٌ كَرَّمْتَنِي بِهِ، وَشَرَّفْتَنِي بِهِ، اَللّٰهُمَّ فَأَعْطِنِي فِيهِ رَغْبَتِي عَلىٰ حَقِيقَةِ إِيمانِي بِكَ وَبِرُسُلِكَ.

---

۱ ـ «ونصرة كلمة» خ ل. ۲ ـ «ثارٌ» خ ل.

۳ ـ مزار مفید: ۹۹ ـ ۱۲۰، تهذیب الاحکام: ۶/ ۵۶ ـ ۶۵، مزار کبیر: ۳۷۰ ـ ۳۸۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۰۶ ـ ۲۱۷ ح ۳۳، موسوعة زيارات المعصومين علیهم السلام: ۳/ ۲۶۵ ش ۱۱۴۴ وص ۳۶۳ ش ۱۱۷۴.

سَلامٌ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ، وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ فِيما تَغْتَدِي وَتَرُوحُ بِهِ الرّائِحاتُ الطّاهِراتُ لَكَ وَعَلَيْكَ، وَسَلامٌ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَسَلامٌ عَلَى الْمُسَلِّمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ، النّاطِقِينَ لَكَ بِفَضْلِكَ بِأَلْسِنَتِهِمْ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ صادِقٌ صِدِّيقٌ، صَدَقْتَ فِيما دَعَوْتَ إِلَيْهِ، وَصَدَقْتَ فِيما أَتَيْتَ بِهِ؛ وَأَنَّكَ ثارُ اللهِ فِي الْأَرْضِ، مِنَ الدَّمِ الَّذِي لايُدْرَكُ ثارُهُ مِنَ الْأَرْضِ إِلّا بِأَوْلِيائِكَ.

اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ مَشاهِدَهُمْ وَشَهادَتَهُمْ حَتّىٰ تُلْحِقَنِي بِهِمْ، وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ فَرَطاً وَتابِعاً فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

پس اندکی راه می‌روی و هفت مرتبه اَللهُ أَكْبَر می‌گویی، پس می‌ایستی در برابر قبر و می‌گویی:

سُبْحانَ الَّذِي سَبَّحَ لَهُ الْمُلْكُ وَالْمَلَكُوتُ، وَقَدَّسَتْ بِأَسْمائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ، وَسُبْحانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ، رَبِّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ.

اَللّٰهُمَّ اكْتُبْنِي فِي وَفْدِكَ إِلىٰ خَيْرِ بِقاعِكَ وَخَيْرِ خَلْقِكَ.

اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْجِبْتَ وَالطّاغُوتَ، وَالْعَنْ أَشْياعَهُمْ وَأَتْباعَهُمْ.

اَللّٰهُمَّ أَشْهِدْنِي مَشاهِدَ الْخَيْرِ كُلَّها مَعَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ.

اَللّٰهُمَّ تَوَفَّنِي مُسْلِماً، وَاجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ[1] مَعَ الْباقِينَ الْوارِثِينَ، الَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ عِبادِكَ الصّالِحِينَ.

پس پنج مرتبه اَللهُ أَكْبَر می‌گویی، و اندکی راه می‌روی و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي بِكَ مُؤْمِنٌ، وَبِوَعْدِكَ مُوقِنٌ.

اَللّٰهُمَّ اكْتُبْ لِي إِيماناً، وَثَبِّتْهُ فِي قَلْبِي.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ ما أَقُولُ بِلِسانِي حَقِيقَتَهُ فِي قَلْبِي، وَشَرِيعَتَهُ فِي عَمَلِي.

---

۱ ـ «واجعل لي قدماً» خ ل.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَهُ مَعَ الْحُسَيْنِ ـ عَلَيْهِ السَّلامُ ـ قَدَمُ ثابِتٌ، وَأَثْبِتْنِي فِيمَنِ اسْتُشْهِدَ مَعَهُ.

پس سه مرتبه **اَللّٰهُ أَكْبَر** می‌گویی، و دستها را بر می‌داری و بر قبر می‌گذاری، پس می‌گویی:

أَشْهَدُ أَنَّكَ طُهْرٌ طاهِرٌ مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ، طَهُرْتَ وَطَهُرَتْ لَكَ[1] الْبِلادُ، وَطَهُرَتْ أَرْضٌ أَنْتَ بِها، وَطَهُرَ حَرَمُها.

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَدَعَوْتَ إِلَيْهِ، وَأَنَّكَ ثارُ اللّٰهِ في أَرْضِهِ حَتّىٰ يَسْتَثِيرَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ.

پس هر دو گونهٔ روی خود را بر قبر می‌گذاری، پس می‌نشینی و خدا را به هر نام که خواهی یاد می‌کنی و از خدا هر حاجت که خواهی می‌طلبی.

پس بر می‌گردی به سوی قبر و دستها را بر قبر می‌گذاری نزد پای آن حضرت، و می‌گویی:

صَلَواتُ اللّٰهِ عَلىٰ رُوحِكَ وَعَلىٰ بَدَنِكَ، صَدَقْتَ وَأَنْتَ الصّادِقُ الْمُصَدَّقُ، وَقَتَلَ اللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ.

پس رو می‌کنی به سوی علی فرزند آن حضرت و می‌گویی آنچه خواهی.

پس می‌ایستی و رو به قبر شهدا می‌کنی و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَداءُ، أَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، أَبْشِرُوا بِمَوْعِدِ اللّٰهِ الَّذِي لا خُلْفَ لَهُ، اَللّٰهُ مُدْرِكٌ لَكُمْ وِتْرَكُمْ، وَمُدْرِكٌ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ عَدُوَّهُ؛ أَنْتُمْ سادَةُ الشُّهَداءِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

پس قبر را پیش روی خود می‌گردانی و آنچه خواهی نماز می‌کنی، پس می‌گویی:

جِئْتُ وافِداً إِلَيْكَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَى اللّٰهِ بِكَ في جَمِيعِ حَوائِجِي مِنْ أَمْرِ دُنْيايَ

---

۱ ـ «بِكَ» خ ل.

وَآخِرَتِي، وَبِكَ يَتَوَسَّلُ ٱلْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى ٱللهِ في حَوائِجِهِمْ، وَبِكَ يُدْرِكُ عِنْدَ ٱللهِ أَهْلُ ٱلتِّراتِ طَلِبَتَهُمْ.

پس یازده مرتبه اَللهُ أَكْبَر می‌گویی با تأنّی، پس اندکی راه می‌روی و رو به قبله می‌ایستی پس می‌گویی:

اَلْحَمْدُ لِلّهِ ٱلْواحِدِ ٱلْمُتَوَحِّدِ في ٱلْأُمُورِ كُلِّها، خَلَقَ ٱلْخَلْقَ فَلَمْ يَغِبْ شَيْءٌ مِنْ أُمُورِهِمْ عَنْ عِلْمِهِ، فَعَلِمَهُ بِقُدْرَتِهِ، ضَمِنَتِ[1] ٱلْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْها دَمَكَ وَثارَكَ يا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ.

أَشْهَدُ أَنَّ لَكَ مِنَ ٱللهِ ما وَعَدَكَ مِنَ ٱلنَّصْرِ وَٱلْفَتْحِ، وَأَنَّ لَكَ مِنَ ٱللهِ ٱلْوَعْدَ ٱلصّادِقَ في هَلاكِ أَعْدائِكَ، وَتَمامِ مَوْعِدِ ٱللهِ إِيّاكَ.

أَشْهَدُ أَنَّ تَبَعَكَ[2] ٱلصّادِقُونَ ٱلَّذِينَ قالَ ٱللهُ تَبارَكَ وَتَعالىٰ فِيهِمْ: ﴿أُولٰئِكَ هُمُ ٱلصِّدِّيقُونَ وَٱلشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ﴾[3].

پس هفت مرتبه اَللهُ أَكْبَر بگو، پس اندکی راه می‌روی پس رو به قبر می‌کنی و می‌گویی:

(اَلْحَمْدُ لِلّهِ ٱلَّذِي ﴿لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ في ٱلْمُلْكِ)[4] وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيراً﴾[5].

أَشْهَدُ أَنَّكَ دَعَوْتَ إِلَى ٱللهِ وَإِلىٰ رَسُولِهِ، وَوَفَيْتَ لِلّهِ بِعَهْدِهِ، وَقُمْتَ لِلّهِ بِكَلِماتِهِ، وَجاهَدْتَ في سَبِيلِ ٱللهِ حَتّىٰ أَتاكَ ٱلْيَقِينُ.

لَعَنَ ٱللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ أُمَّةً خَذَلَتْكَ، وَلُعِنَتْ أُمَّةٌ خَذَلَتْ عَنْكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ بِالوِلايَةِ لِمَنْ والَيْتَ وَوالَتْهُ رُسُلُكَ، وَأَشْهَدُ بِالْبَراءَةِ مِمَّنْ

---

۱ ـ «ضُمِّنَت» خ ل.
۲ ـ «أنَّ مَن اتَّبَعَكَ» خ ل.
۳ ـ حدید: ۱۹.
۴ ـ اسراء: ۱۱۱.
۵ ـ فرقان: ۲.

بَرِئْتَ مِنْهُ وَبَرِئَتْ مِنْهُ رُسُلُكَ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ، وَهَدَمُوا كَعْبَتَكَ، وَحَرَّفُوا كِتابَكَ، وَسَفَكُوا دِماءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَفْسَدُوا فِي بِلادِكَ، وَٱسْتَذَلُّوا عِبادَكَ.

اَللّٰهُمَّ ضاعِفْ لَهُمُ[۱] ٱلْعَذابَ فِيما جَرىٰ مِنْ سُبُلِكَ وَبَرِّكَ[۲] وَبَحْرِكَ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْهُمْ فِي مُسْتَسِرِّ ٱلسَّرائِرِ فِي سَمائِكَ وَأَرْضِكَ.

و هرگاه داخل حایر شوی، بر آن حضرت سلام کن، و گونهٔ روی خود را بر قبر بگذار[۳].

زیارت چهارم:

به سند معتبر منقول است از حسین بن ثُوَیر که گفت: من و یونس بن ظبیان و جمعی از اصحاب در خدمت حضرت صادق ﷺ بودیم، یونس گفت: فدای تو شوم، من حاضر می‌شوم در مجالس خلفای بنی عبّاس و اتباع ایشان، پس چه بگویم در آن جاها؟

فرمود که: هرگاه در مجالس ایشان حاضر شوی و ما را یاد کنی بگو: اَللّٰهُمَّ أَرِنَا ٱلرَّخاءَ وَٱلسُّرُورَ.

که آنچه می‌خواهی حاصل می‌شود.

من گفتم: فدای تو شوم، من بسیار یاد می‌کنم حسین ـ صلوات الله علیه ـ را، در آن وقت چه بگویم.

فرمود که: سه مرتبه بگو: اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِٱللهِ.

که سلام می‌رسد به آن حضرت از نزدیک و دور.

پس فرمود که: چون حضرت امام حسین ﷺ شهید شد، بر آن حضرت گریست هفت آسمان و هفت زمین، و آنچه در آنها است، و آنچه در مابین آنها است، و هر که در

---

۱ ـ «علیهم» خ ل.

۲ ـ «فیما جرت به سنّتك في برّك»، «فيما جرى من سلك في برّك» خ ل.

۳ ـ كامل الزيارات: ۱۹۴ ب ۷۹ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱ / ۱۴۸ ح ۱، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۳ / ۳۱۰ ش ۱۱۵۹.

بهشت و جهنّم است از خلق پروردگار ما، و آنچه دیده می‌شود و آنچه دیده نمی‌شود، مگر سه چیز که بر آن حضرت نگریستند.

گفتم: فدای تو شوم، آن سه چیز کدام است؟

فرمود که: بر او نگریست بصره، و دمشق، و آل عثمان.

گفتم: فدای تو شوم، می‌خواهم به زیارت آن حضرت بروم، چون بروم چه چیز بگویم و چه کار بکنم؟

فرمود که: چون به زیارت آن حضرت بروی غسل کن در کنار شطّ فرات، پس جامه‌های پاک خود را بپوش، و با پای برهنه روانه شو، به درستی که در حرمی هستی از حرمهای خدا و رسول خدا؛ و در وقت رفتن **اَللّٰهُ أَكْبَرُ**، و **لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰه**، و هر ذکر که متضمّن تعظیم و تمجید خدا است بسیار بگو، و صلوات بر محمّد و آل محمّد بسیار بفرست، و چون به در حایر برسی بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَةَ اللّٰهِ، وَزُوّارَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللّٰهِ.

پس ده گام برو و **اَللّٰهُ أَكْبَر** بگو، پس بایست و سی مرتبه **اَللّٰهُ أَكْبَر** بگو، پس برو به نزد قبر و پشت به قبله کن و مقابل روی آن حضرت بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قَتِيلَ اللّٰهِ وَابْنَ قَتِيلِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثارِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وِتْرَ اللّٰهِ الْمَوْتُورَ فِي السَّماواتِ وَالْأَرْضِ.

أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ، وَاقْشَعَرَّتْ لَهُ أَظِلَّةُ الْعَرْشِ، وَبَكىٰ لَهُ جَمِيعُ الْخَلائِقِ، وَبَكَتْ لَهُ السَّماواتُ السَّبْعُ وَالْأَرَضُونَ السَّبْعُ، وَما فِيهِنَّ وَما بَيْنَهُنَّ، وَمَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَالنّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنا، وَما يُرىٰ وَما لا يُرىٰ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللّٰهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللّٰهِ وَابْنُ قَتِيلِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

ثارُ اللهِ في الْأَرْضِ وَابْنُ ثارِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وِتْرُ اللهِ الْمَوْتُورُ في السَّماواتِ وَالْأَرْضِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَنَصَحْتَ، وَوَفَيْتَ وَوافَيْتَ، وَجاهَدْتَ في سَبِيلِ رَبِّكَ، وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَمُسْتَشْهَداً، وَشاهِداً وَمَشْهُوداً.

أَنا عَبْدُاللهِ وَمَوْلاكَ، وَفي طاعَتِكَ، وَالْوافِدُ إِلَيْكَ، أَلْتَمِسُ كَمالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللهِ، وَثَباتَ الْقَدَمِ في الْهِجْرَةِ إِلَيْكَ، وَالسَّبِيلَ الَّذِي لا يَخْتَلِجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ في كَفالَتِكَ الَّتِي أُمِرْتَ بِها.

مَنْ أَرادَ اللهَ بَدَأَ بِكُمْ، مَنْ أَرادَ اللهَ بَدَأَ بِكُمْ، مَنْ أَرادَ اللهَ بَدَأَ بِكُمْ، وبِكُمْ[1] يُبَيِّنُ اللهُ الْكَذِبَ، وَبِكُمْ يُباعِدُ اللهُ الزَّمانَ الْكَلِبَ، وَبِكُمْ فَتَحَ اللهُ، وَبِكُمْ يَخْتِمُ اللهُ، وَبِكُمْ يَمْحُو اللهُ ما يَشاءُ وَبِكُمْ يُثْبِتُ، وَبِكُمْ يَفُكُّ الذُّلَّ مِنْ رِقابِنا، وَبِكُمْ يُدْرِكُ اللهُ تِرَةَ كُلِّ مُؤْمِنٍ يُطْلَبُ، وَبِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجارَها، وَبِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجارُ أَثْمارَها، وَبِكُمْ تُنْزِلُ السَّماءُ قَطْرَها وَرِزْقَها، وَبِكُمْ يَكْشِفُ اللهُ الْكَرْبَ، وَبِكُمْ يُنْزِلُ اللهُ الْغَيْثَ، وَبِكُمْ تُسَبِّحُ[2] الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدانَكُمْ، وَتَسْتَقِلُّ جِبالُها عَلىٰ مَراسِيها[3].

إِرادَةُ الرَّبِّ في مَقادِيرِ أُمُورِهِ تُهْبَطُ إِلَيْكُمْ، وَيَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُم الصّادِرُ عَمّا فُصِّلَ مِنْ أَحْكامِ الْعِبادِ.

لُعِنَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْكُمْ، وَأُمَّةٌ خالَفَتْكُمْ، وَأُمَّةٌ جَحَدَتْ وِلايَتَكُمْ، وَأُمَّةٌ ظاهَرَتْ عَلَيْكُمْ، وَأُمَّةٌ شَهِدَتْ وَلَمْ تُسْتَشْهَدْ.

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ النّارَ مَأْواهُمْ[4] وَبِئْسَ وِرْدُ الْوارِدِينَ، وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ.

---

۱ ـ «بكم» خ ل.
۲ ـ «تسيخ» خ ل.
۳ ـ «مراتِبِها» خ ل.
۴ ـ «مثواهم» خ ل.

پس بگو:

صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ يا أبا عَبْدِ ٱللهِ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ يا أبا عَبْدِ ٱللهِ.

أَنا إِلَى ٱللهِ مِمَّنْ خالَفَكَ بَرِيءٌ، أَنا إِلَى ٱللهِ مِمَّنْ خالَفَكَ بَرِيءٌ، أَنا إِلَى ٱللهِ مِمَّنْ خالَفَكَ بَرِيءٌ.

پس می‌روی به نزد قبر علی فرزند آن حضرت، که نزد پای آن حضرت مدفون است، و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ خَدِيجَةَ ٱلْكُبْرىٰ وَفاطِمَةَ ٱلزَّهْراءِ[۱].

صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ.

لَعَنَ ٱللهُ مَنْ قَتَلَكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ قَتَلَكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ قَتَلَكَ. أَنا إِلَى ٱللهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ، أَنا إِلَى ٱللهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ، أَنا إِلَى ٱللهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ.

پس بر می‌خیزی و اشاره می‌کنی به دست خود به سوی شهدا و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ، فُزْتُمْ وَٱللهِ، فُزْتُمْ وَٱللهِ، فُزْتُمْ وَٱللهِ، فَلَيْتَ أَنِّي مَعَكُم[۲] فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً.

پس می‌گردی و می‌روی به پشت قبر، و قبر را برابر خود می‌گیری و شش رکعت نماز می‌کنی پس زیارتت تمام می‌شود؛ و اگر خواهی آنجا بمان، و اگر خواهی برگرد[۳].

---

۱ ـ «یاابن خدیجة وفاطمة» خ ل.

۲ ـ «یا لیتني کنت معکم» خ ل.

۳ ـ کافی: ۴/ ۵۷۵ ح ۲، کامل الزیارات: ۱۹۷ ب ۷۹ ح ۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۵۴ ح ۱۳۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۵۱ ح ۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۳۷ ش ۱۱۲۵ وص ۳۲۳ ش ۱۱۶۴.

زیارت پنجم:

به سند صحیح از معاویه بن عمّار منقول است که به خدمت حضرت صادق عليه السلام عرض کرد که: چون به زیارت حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ بروم چه چیز بگویم؟

فرمود که بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ، صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ، رَحِمَكَ اللهُ يا أَبا عَبْدِاللهِ، لَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ[1] اللهُ مَنْ شَرِكَ[2] في دَمِكَ، وَلَعَنَ[3] اللهُ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِك فَرَضِيَ بِهِ؛ أَنا إِلَى اللهِ مِنْ ذٰلِك بَرِيءٌ[4].

و به سند معتبر دیگر منقول است که آن حضرت به عامر بن جذاعه فرمود که: چون به نزد قبر آن حضرت روی بگو:

اَلْحَمْدُ للهِ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِه، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ، لَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَمَنْ شارَكَ في دَمِكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِي بِهِ؛ أَنا إِلَى اللهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ[5].

و در روایت معتبر دیگر فرمود که: بگوید:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ، لَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ؛ أَنا إِلَى اللهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ[6].

و به روایت معتبر دیگر فرمود که بگوید:

اَلْحَمْدُ للهِ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

---

۱ ـ «لعن» خ ل.　۲ ـ «أشرك» خ ل.

۳ ـ «لعن» خ ل.

۴ ـ کامل الزیارات: ۲۰۵ ب ۷۹ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۶۲ ح ۷، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۳/ ۳۱۵ ش ۱۱۶۱.

۵ ـ کامل الزیارات: ۲۱۱ ب ۷۹ ح ۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۶۵ ح ۱۴.

۶ ـ کامل الزیارات: ۲۱۵ ب ۷۹ ح ۱۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۶۷ ح ۱۹.

عَلَيْكَ اَلسَّلامُ يا أبا عَبْدِاَللهِ وَرَحْمَةُ اَللهِ، يـا أبـا عَـبْدِاَللهِ صَـلَّى اَللهُ عَـلَيْكَ، يا أبا عَبْدِاَللهِ لَعَنَ اَللهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَمَنْ شارَكَ في دَمِكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ؛ أنا إلَى اَللهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ[1].

و در حديث موثّق ديگر فرمود كه: مى‌گويى:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أبا عَبْدِاَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللهِ، لَعَنَ اَللهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اَللهُ مَنْ أعانَ عَلَيْكَ و [مَنْ][2] بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ؛ أنا إلَى اَللهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ[3].

و در حديث معتبر ديگر فرمود كه بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أبا عَبْدِاَللهِ، لَعَنَ اَللهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَمَنِ اَشْتَرَكَ في دَمِكَ، وَمَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ؛ وَأنا إلَى اَللهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ[4].

اگرچه الفاظ اين زيارات به يكديگر نزديک است، امّا چون هريک به سند معتبرى وارد شده بود، همه را ايراد نموديم كه زائر به هر يک كه خواهد عمل نمايد؛ و اگر همه را بخواند بهتر است.

زيارت ششم:

به سند معتبر منقول است كه حضرت صادق ـ صلوات الله عليه ـ فرمود به يوسف كُناسى كه: چون خواهى به زيارت قبر امام حسين عليه السلام بروى، برو به كنار فرات و در برابر قبر آن حضرت غسل بكن، و متوجه شو به سوى آن حضرت به تأنّى و با ياد خدا، تا داخل حاير شوى از درى كه در جانب مشرق واقع است، و در وقت داخل شدن بگو:

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلْمُقَرَّبِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلْمُنْزَلِينَ،

---

۱ ـ كامل الزيارات: ۲۱۲ ب ۷۹ ذيل ح۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۶۷ ح۱۸.

۲ ـ از كامل الزيارات، وبحارالانوار.

۳ ـ كامل الزيارات: ۲۲۱ ب ۷۹ ح ۱۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۷۲ ح۲۴.

۴ ـ كامل الزيارات: ۲۲۲ ب ۷۹ ح ۱۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۷۲ ح۲۵.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلْمُرْدِفِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلْمُسَوِّمِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلَّذِينَ هُمْ في هٰذَا اَلْحَيْرِ [1] بِإِذْنِ اَللهِ مُقِيمُونَ.

پس چون مقابل قبر آن حضرت شوی بگو:

اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ اَللهِ، صَلَّى اَللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ أَمِينِ اَللهِ [2] عَلىٰ رُسُلِهِ وَعَزائِمِ أَمْرِهِ، اَلْخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَاَلْفاتِحِ لِمَا اَسْتُقْبِلَ، وَاَلْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَاَلسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس بگو:

اَلسَّلامُ [3] عَلىٰ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ، عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ، اَلَّذِي اَنْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَاَلدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ، وَدَيّانِ اَلدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَاَلْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَاَلسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَاَبْنِ رَسُولِكَ، اَلَّذِي اَنْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَاَلدَّلِيلِ عَلىٰ مَن بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ، وَدَيّانِ اَلدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَاَلْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَاَلسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس سلام می‌فرستی بر امام حسین علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام، به همان نحو سلامی که بر امام حسن علیه السلام فرستادی.

پس می‌روی به نزدیک قبر و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللهِ، صَلَّى اَللهُ عَلَيْكَ

---

۱ ـ «الحائر» خ ل.

۲ ـ «السلام علىٰ رسول الله، السلام علىٰ امين الله» خ ل.

۳ ـ «اللهمّ صلّ» خ ل.

يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ، رَحِمَكَ ٱللهُ يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ ٱللهِ ما أَمَرَكَ بِهِ، وَلَمْ تَخْشَ أَحَداً غَيْرَهُ، وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ، وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً[1] حَتّىٰ أَتاكَ ٱلْيَقِينُ.

أَشْهَدُ أَنَّكُم[2] كَلِمَةُ ٱلتَّقْوىٰ، وَبابُ ٱلْهُدىٰ، وَٱلْعُرْوَةُ ٱلْوُثْقىٰ، وَٱلْحُجَّةُ عَلىٰ مَنْ يَبْقىٰ وَمَنْ تَحْتَ ٱلثَّرىٰ.

أَشْهَدُ أَنَّ ذٰلِكَ لَكُمْ سابِقٌ فِيما مَضىٰ، وَذٰلِكَ لَكُمْ فاتِحٌ فِيما بَقِيَ.

أَشْهَدُ أَنَّ أَرْواحَكُمْ وَطِينَتَكُمْ طَيِّبَةٌ[3] طَيِّبَةٌ، طابَتْ وَطَهُرَتْ هِيَ بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ، مَنّاً مِنَ ٱللهِ وَمِنْ رَحْمَتِهِ.

فَأُشْهِدُ ٱللهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَلَكُمْ تابِعٌ فِي ذاتِ نَفْسِي وَشَرايِعِ دِينِي، وَخاتِمَةِ عَمَلِي، وَمُنْقَلَبِي وَمَثْوايَ؛ فَأَسْأَلُ ٱللهَ ٱلْبَرَّ ٱلرَّحِيمَ أَنْ يُتَمِّمَ[4] لِي ذٰلِكَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ عَنِ ٱللهِ ما أَمَرَكُمْ بِهِ، لَمْ تَخْشَوْا أَحَداً غَيْرَهُ، وَجاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ، وَعَبَدْتُمُوهُ حَتّىٰ أَتاكُمُ ٱلْيَقِينُ.

فَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ قَتَلَكُمْ، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ أَقَرَّ بِهِ[5]، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّ ٱلَّذِينَ ٱنْتَهَكُوا حُرْمَتَكَ وَسَفَكُوا دَمَكَ مَلْعُونُونَ عَلىٰ لِسانِ ٱلنَّبِيِّ ٱلْأُمِّيِّ.

پس می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنِ ٱلَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ، وَخالَفُوا مِلَّتَكَ، وَرَغِبُوا عَنْ أَمْرِكَ، وَٱتَّهَمُوا رَسُولَكَ، وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِكَ.

اَللّٰهُمَّ ٱحْشُ قُبُورَهُمْ ناراً، وَأَجْوافَهُمْ ناراً، وَٱحْشُرْهُمْ وَأَتْباعَهُمْ إِلىٰ جَهَنَّمَ زُرْقاً.

---

۱ ـ «صادقاً» خ ل.
۲ ـ «أنّك» خ ل.
۳ ـ «طِينَةٌ» خ ل.
۴ ـ «أن يُتِمَّ» خ ل.
۵ ـ «أمَرَ به» خ ل.

اَللّٰهُمَّ اَلْعَنْهُمْ لَعْناً يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ، وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، وَكُلُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ اَمْتَحَنْتَ قَلْبَهُ لِلاِ يمانِ.

اَللّٰهُمَّ اَلْعَنْهُمْ في مُسْتَسِرِّ اَلسِّرِّ وَظاهِرِ اَلْعَلانِيَةِ.

اَللّٰهُمَّ اَلْعَنْ جَوابِيتَ هٰذِهِ اَلْأُمَّةِ، وَاَلْعَنْ طَواغِيتَها، وَاَلْعَنْ فَراعِنَتَها، وَاَلْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ، وَاَلْعَنْ قَتَلَةَ اَلْحُسَيْنِ، وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً لا تُعَذِّبُ بِهِ أَحَداً مِنَ اَلْعالَمِينَ.

اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْنا مِمَّنْ تَنْصُرُهُ وَتَنْتَصِرُ بِهِ، وَتَمُنُّ عَلَيْهِ بِنَصْرِكَ لِدِينِكَ في اَلدُّنْيا وَاَلْآخِرَةِ.

پس در جانب سر مبارک آن حضرت بنشین، و بگو:

صَلَّى اَللهُ عَلَيْكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُاَللهِ وَأَمِينُهُ، بَلَّغْتَ ناصِحاً، وَأَدَّيْتَ أَمِيناً، وَقُتِلْتَ صِدِّيقاً، وَمَضَيْتَ عَلىٰ يَقِينٍ، لَمْ تُؤْثِرْ عَمىً عَلىٰ هُدىً، وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ إِلىٰ باطِلٍ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ اَلصَّلاةَ، وَآتَيْتَ اَلزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ اَلْمُنْكَرِ، وَاَتَّبَعْتَ اَلرَّسُولَ، وَتَلَوْتَ اَلْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ، وَدَعَوْتَ إِلىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَاَلْمَوْعِظَةِ اَلْحَسَنَةِ، صَلَّى اَللهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، قَدْ بَلَّغْتَ ما أُمِرْتَ بِهِ، وَقُمْتَ بِحَقِّهِ، وَصَدَّقْتَ مَنْ قَبْلَكَ غَيْرَ واهِنٍ وَلا مُوهِنٍ، صَلَّى اَللهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً، فَجَزاكَ اَللهُ مِنْ صِدِّيقٍ خَيْراً عَنْ رَعِيَّتِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّ اَلْجِهادَ مَعَكَ جِهادٌ، وَأَنَّ اَلْحَقَّ مَعَكَ وَإِلَيْكَ، وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيراثُ اَلنُّبُوَّةِ عِنْدَكَ وَعِنْدَ أَهْلِ بَيْتِكَ، صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

أَشْهَدُ أَنَّكَ صِدِّيقٌ عِنْدَ اَللهِ[1]، وَحُجَّتُهُ عَلىٰ خَلْقِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ، وَكُلَّ داعٍ مَنْصُوبٍ غَيْرَكَ فَهُوَ باطِلٌ مَدْحُوضٌ، وَأَشْهَدُ أَنَّ اَللهَ هُوَ اَلْحَقُّ اَلْمُبِينُ.

---

۱ ـ «صدّيق الله» خ ل.

پس برو به جانب پای آن حضرت و هر دعا که اختیار کنی بخوان، و از برای خود دعا بکن.

پس برو نزدیک سر علیّ بن الحسین علیهما السلام و بگو:

سَلامُ اللهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيائِهِ الْمُرْسَلِينَ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ، وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ وَعِتْرَةِ آبائِكَ الْأَخْيارِ الْأَبْرارِ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً.

پس برو به سوی قبور شهدا و بر ایشان سلام کن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرَّبّانِيُّونَ، أَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ وَسَلَفٌ، وَنَحْنُ لَكُمْ أَتْباعٌ[1] وَأَنْصارٌ.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصارُ اللهِ، كما قالَ اللهُ تَبارَكَ وَتَعالىٰ في كِتابِهِ: ﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ في سَبِيلِ اللهِ وَما ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكانُوا﴾[2].

فَما وَهَنْتُمْ وَما ضَعُفْتُمْ وَمَا اسْتَكَنْتُمْ حَتّىٰ لَقِيتُمُ اللهَ عَلىٰ سَبِيلِ الْحَقِّ، وَنُصْرَةِ كَلِمَةِ اللهِ التّامَّةِ.

صَلَّى اللهُ عَلىٰ أَرْواحِكُمْ وَأَبْدانِكُمْ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

أَبْشِرُوا بِمَوْعِدِ اللهِ الَّذِي لا خُلْفَ لَهُ، إِنَّهُ لا يُخْلِفُ الْمِيعادَ، اللهُ مُدْرِكٌ لَكُمْ ثارَ ما وَعَدَكُمْ.

أَنْتُمْ سادَةُ الشُّهَداءِ في الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، أَنْتُمُ السّابِقُونَ وَالْمُهاجِرُونَ وَالْأَنْصارُ.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جاهَدْتُمْ في سَبِيلِ اللهِ، وَقُتِلْتُمْ عَلىٰ مِنْهاجِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله وَابْنِ رَسُولِهِ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَقَكُمْ وَعْدَهُ وَأَراكُمْ ما تُحِبُّونَ.

---

۱ ـ «تَبَعٌ» خ ل.

۲ ـ آل عمران: ۱۴۶.

پس بگو:

أَتَيْتُكَ يا حَبِيبَ رَسُولِ اللهِ وَابْنَ رَسُولِهِ وَإِنِّي لَكَ عارِفٌ، وَبِحَقِّكَ مُقِرٌّ، وَبِفَضْلِكَ مُسْتَبْصِرٌ، وَبِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكَ مُوقِنٌ، عارِفٌ بِالْهُدَى الَّذي أَنْتَ عَلَيْهِ، بِأَبي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُصَلِّي عَلَيْهِ كَما صَلَّيْتَ أَنْتَ عَلَيْهِ وَرُسُلُكَ[1] وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلاةً مُتَتابِعَةً مُتَواصِلَةً مُتَرادِفَةً يَتْبَعُ بَعْضُها بَعْضاً، لَا انْقِطاعَ لَها وَلا أَمَدَ وَلا أَبَدَ وَلا أَجَلَ، في مَحْضَرِنا، وَإِذا غِبْنا وَشَهِدْنا، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ[2].

زیارت هفتم:

به سند معتبر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود به ابراهیم بن ابی البلاد که: چون به زیارت حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ می‌روی چه می‌گویی؟

گفت: می‌گویم:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ المُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ إِلىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالحِكْمَةِ وَالمَوْعِظَةِ الحَسَنَةِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ سَفَكُوا دَمَكَ وَاسْتَحَلُّوا حُرْمَتَكَ، مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ ﴿عَلىٰ لِسانِ داوُدَ وَعِيسى بْنِ مَرْيَمَ ذٰلِكَ بِما عَصَوا وَكانُوا يَعْتَدُونَ﴾[3].

حضرت فرمود که: بلی چنین است[4].

---

۱ ـ «وَرَسُولُكَ» خ ل.

۲ ـ کافي: ۵۷۲/۴ ح ۱، کامل الزیارات: ۲۰۱ ب ۷۹ ح ۳، بحارالانوار: ۱۵۷/۱۰۱ ح ۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۳۱۷ ش ۱۱۶۳.

۳ ـ مائده: ۷۸. اوّل آیه این است: ﴿لُعِنَ الَّذِين كفروا مِنْ بني إسرائيل على...﴾.

۴ ـ کامل الزیارات: ۲۰۹ ب ۷۹ ذیل ح ۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۶۵ ح ۱۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۳۲۹ ش ۱۱۶۶.

و به **سند معتبر** دیگر از حضرت صادقؑ منقول است که فرمود که: هر که به زیارت قبر امام حسین صلوات الله علیه برود، حق تعالیٰ برای او ثواب حجّی و عمره‌ای بنویسد.

پس فرمود که: چون به زیارت آن حضرت روی بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَوْمَ وُلِدْتَ، وَيَوْمَ تَمُوتُ، وَيَوْمَ تُبْعَثُ حَيّاً.

أَشْهَدُ أَنَّكَ حَيٌّ شَهِيدٌ تُرْزَقُ عِنْدَ رَبِّكَ، وَأَتَوالىٰ وَلِيَّكَ، وَأَبْرَأُ مِنْ عَدُوِّكَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ قاتَلُوكَ وَانْتَهَكُوا حُرَمَكَ، مَلْعُونُونَ عَلىٰ لِسانِ النَّبِيِّ الأُمِّيِّ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجاهَدْتَ في سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ.

أَسْأَلُ اللهَ وَلِيَّكَ وَوَلِيَّنا أَنْ يَجْعَلَ تُحْفَتَنا مِنْ زِيارَتِكَ الصَّلاةَ عَلىٰ نَبِيِّنا، وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِنا؛ اِشْفَعْ لِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ عِنْدَ رَبِّكَ[1].

زیارت هشتم:

به سند معتبر منقول است از امام علی نقی ـ صلوات الله علیه ـ که: بگو نزد قبر امام حسین صلوات الله علیه:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ في أَرْضِهِ وَشاهِدَهُ عَلىٰ خَلْقِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجاهَدْتَ في سَبِيلِ اللهِ حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقِينُ، فَصَلَّى اللهُ عَلَيْكَ حَيّاً وَمَيِّتاً.

---

۱ ـ كامل الزيارات: ۲۲۰ ب ۷۹ ح ۱۴، بحارالانوار: ۱۰۱/۱۷۱ ح ۲۲، موسوعة زيارات المعصومينؑ: ۳/۳۱۶ ش ۱۱۶۲.

پس گونهٔ راست رو را بر قبر گذار و بگو:

أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، جِئْتُكَ مُقِرّاً بِالذُّنُوبِ لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ.

پس یاد کن ائمه علیهم السلام را یک یک و بگو: أَشْهَدُ أَنَّهُمْ حُجَجُ ٱللهِ[1].

و اگر به این لفظ بگوید خوب است:

وَأَشْهَدُ أَنَّ جَدَّكَ مُحَمَّداً سَيِّدُ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَأَباكَ عَلِيّاً أَمِيرُ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَأَخاكَ ٱلْحَسَنَ سَيِّدُ شَبابِ أَهْلِ ٱلْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، وَأَنَّكَ وَٱلْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ عَلِيَّ بْنَ ٱلْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسىٰ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَٱلْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، وَٱلْحُجَّةَ ٱلْمُنْتَظَرَ، أَئِمَّتِي، وَحُجَجُ ٱللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ.

پس بگو:

أُكْتُبْ لِي عِنْدَكَ مِيثاقاً وَعَهْداً أَنِّي أَتَيْتُكَ مُجَدِّداً[2] ٱلْمِيثاقَ، فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ، إِنَّكَ أَنْتَ ٱلشّاهِدُ[3].

زیارت نهم:

به سند موثّق منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به عمّار ساباطی فرمود که: چون برسی به قبر حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ شَبابِ أَهْلِ ٱلْجَنَّةِ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ رِضاهُ مِنْ رِضَى ٱلرَّحْمٰنِ، وَسَخَطُهُ مِنْ سَخَطِ ٱلرَّحْمٰنِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ ٱللهِ، وَحُجَّةَ ٱللهِ، وَبابَ ٱللهِ، وَٱلدَّلِيلَ عَلَى ٱللهِ، وَٱلدّاعِيَ إِلَى ٱللهِ.

---

۱ و ۳ ـ کافی: ۴/ ۵۷۷ ح ۳، کامل الزیارات: ۲۰۹ ب ۷۹ ح ۷ وص ۲۱۰ ذیل ح ۷، تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۱۴ ح ۲۰۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۷۲ ح ۲۶ ـ ۲۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۳۳۰ ش ۱۱۶۷.

۲ ـ «أُجَدِّدُ» خ ل.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ حَلَّلْتَ حَلالَ اللهِ، وَحَرَّمْتَ حَرامَ اللهِ، وَأَقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ إِلىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَمَنْ قُتِلَ مَعَكَ شُهَداءُ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ قاتِلَكَ[1] فِي النّارِ، أَدِينُ اللهَ بِالبَراءَةِ مِمَّنْ قَتَلَكَ، وَمِمَّنْ قاتَلَكَ وَشايَعَ عَلَيْكَ، وَمِمَّنْ جَمَعَ[2] عَلَيْكَ، وَمِمَّنْ سَمِعَ صَوْتَكَ وَلَمْ يُعِنْكَ[3].

يا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً[4].

زیارت دهم:

به سند معتبر منقول است از جابر جعفی که: حضرت صادق علیه السلام فرمود به مفضّل بن عمر که: چه مقدار فاصله است میان تو و میان قبر امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ؟

گفت: پدر و مادرم فدای تو باد، یک روز و بعضی از روز دیگر.

فرمود که: به زیارت آن حضرت می‌روی؟

گفت: بلی.

فرمود که: آیا تو را بشارت بدهم؟ آیا تو را شاد گردانم به ذکر کردن بعضی از ثواب زیارت آن حضرت؟

گفت: بلی. فرمود که: چون احدی از شما شروع می‌کند در تهیه و کارسازی زیارت آن حضرت، بشاشت و شادی می‌کنند به سبب او اهل آسمان و او را بشارت می‌دهند؛ پس چون از در خانهٔ خود بیرون می‌آید ـ خواه سواره و خواه پیاده ـ موکّل می‌گرداند حق تعالیٰ به او چهار هزار ملک از ملائکه، که صلوات می‌فرستند بر او

---

۱ ـ «قاتليك» خ ل.

۲ ـ «خرج» خ ل.

۳ ـ «ولم يُجِبْكَ» خ ل.

۴ ـ كامل الزيارات: ۲۱۲ ب ۷۹ ح ۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۶۶ ح ۱۵، موسوعة زيارات المعصومين علیهم السلام: ۳/ ۲۷۷ ش ۱۱۵۴.

تا برسد به قبر آن حضرت.

ای مفضّل چون برسی به قبر آن حضرت، بر در روضه بایست و این کلمات را بخوان، که تو را به هر کلمه نصیبی از رحمت الهی خواهد بود.

پرسید که: آن کلمات چیست؟

فرمود که: می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إبْراهِيمَ خَلِيلِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ ياوارِثَ عَلِيٍّ وَصِيِّ[۱] رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْحَسَنِ الرَّضِيِّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ فاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللهِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصِّدِّيقُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ[۲] الْبارُّ التَّقِيُّ، اَلسَّلامُ عَلَى الْأرْواحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِكَ وَأَناخَتْ بِرَحْلِكَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللهِ الْمُحْدِقِينَ بِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقِينُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس به سوی قبر روانه می‌شوی، و به هر قدمی که برمی‌داری یا می‌گذاری مثل ثواب کسی داری که در خون خود دست و پا زده باشد در راه خدا.

پس چون به نزدیک قبر برسی، دست بر قبر بمال و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ في سَمائِهِ وَأَرْضِهِ.

پس می‌روی و متوجه نماز می‌شوی، و به هر رکعت که می‌کنی مثل ثواب کسی

---

۱ ـ «یا وارث وصیّ» خ ل.

۲ ـ «الرضیّ» خ ل.

داری که هزار حج و هزار عمره کرده باشد، و هزار بنده آزاد کرده باشد، و هزار مرتبه از برای خدا به جهاد ایستاده باشد با پیغمبر مرسل.

پس چون بر می‌گردی از نزد قبر آن حضرت، منادی تو را ندا می‌کند که اگر سخن او را بشنوی در جمیع عمر خود نزد قبر آن حضرت بمانی؛ آن منادی می‌گوید: خوشا حال تو ای بنده، غنیمت یافتی و سالم گردیدی، و گناهان گذشته ات آمرزیده شد، پس از سر گیر عمل را.

پس اگر در آن سال یا در آن روز یا در آن شب بمیرد، متوجه قبض روح او نمی‌شود به غیر از خدا.

و می‌آیند با او ملائکه و استغفار از برای او می‌کنند، و صلوات بر او می‌فرستند، تا به منزل خود برگردد. پس ملائکه می‌گویند: پروردگارا این بنده تو است و نزد قبر فرزند پیغمبرت آمد و به منزل خود برگشت، پس به کجا رویم ما؟

پس ندا می‌رسد به ایشان از آسمان که: ای ملائکه من، بایستید به در خانهٔ بندهٔ من و تسبیح و تقدیس من کنید و ثوابش را در حسنات او بنویسید تا روز مردن او.

پس پیوسته آن ملائکه در دَرِ خانه او هستند، و تسبیح و تنزیه خدا می‌نمایند و ثوابش را در حسنات او می‌نویسند تا روزی که به دار بقا رحلت نماید، پس آن ملائکه به جنازهٔ او حاضر می‌شوند، و در وقت غسل دادن و کفن کردن و نماز کردن بر او حاضر می‌شوند، پس می‌گویند: پروردگارا ما را موکّل کرده بودی به در خانهٔ بنده خود، و او فوت شد پس به کجا رویم ما؟

پس حق تعالیٰ ندا کند ایشان را که: ای ملائکه من، بایستید نزد قبر بنده من و تسبیح و تنزیه خدا بکنید، و ثواب آن را در حسنات او بنویسید تا روز قیامت[1].

و شیخ *محمد بن المشهدی* و *سید ابن طاووس* ـ رضي الله عنهما ـ این زیارت را با این فضائل روایت کرده‌اند از جابر، و مفضّل را ذکر نکرده‌اند، و زیارت را به این لفظ نقل کرده‌اند:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اَللهِ،

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۲۰۵ ب ۷۹ ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۶۳ ح ۸.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إبْراهِيمَ خَلِيلِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَـلِيمِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُـلِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَخَيْرِ ٱلْوَصِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ ٱلْحَسَنِ ٱلرَّضِيِّ، ٱلطّاهِرِ ٱلرّاضِي ٱلْمَرْضِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلصِّدِّيقُ ٱلْأَكْبَرُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلْـوَصِيُّ ٱلْـبَرُّ ٱلتَّـقِيُّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ٱلْأَرْواحِ ٱلَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِكَ وَأَناخَتْ بِرَحْلِكَ، اَلسَّـلامُ عَـلَيْكَ وَعَلَى ٱلْمَلائِكَةِ ٱلْحافِّينَ بِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ ٱلصَّلاةَ، وَآتَيْتَ ٱلزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ ٱلْمُنْكَرِ، وَجاهَدْتَ ٱلْمُلْحِدِينَ، وَعَبَدْتَ ٱللهَ مُخْلِصاً حَتّىٰ أَتاكَ ٱلْيَقِينُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وبَرَكاتُهُ.

پس به نزدیک قبر برو و دست بر قبر بگذار و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ ٱللهِ في أَرْضِهِ[۱].

پس سیّد ابن طاووس ـ علیه الرحمه ـ گفته است که: مستحبّ است آدمی را که هر وقت که از زیارت آن حضرت فارغ شود و خواهد که از روضهٔ مقدّسه بیرون آید، روی خود را به ضریح بچسباند و ببوسد، و بگوید:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خالِصَةَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قَتِيلَ ٱلظِّماءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا غَـرِيبَ ٱلْغُرَباءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ وَلا قالٍ؛ فَإِنْ أَمْضِ فَلا عَنْ مَلالَةٍ، وَإِنْ أُقِمْ

---

۱ ـ مزار کبیر: ۴۳۴، مصباح الزائر: ۲۵۲، بحار الانوار: ۱۰۱/ ۱۶۵ ح ۱۱ و ص ۲۲۹ ح ۳۶، موسوعة زيارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۲۰ ش ۸۹۵ و ص ۳۱۴ ش ۱۱۶۰.

فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ ٱللهُ ٱلصّابِرِينَ.

لا جَعَلَهُ ٱللهُ آخِرَ ٱلْعَهْدِ مِنّي لِزِيارَتِكَ، وَرَزَقَنِيَ ٱللهُ ٱلْعَوْدَ إِلىٰ مَشْهَدِكَ، وَٱلْمُقامَ بِفِنائِكَ، وَٱلْقِيامَ في حَرَمِكَ، وَإِيّاهُ أَسْأَلُ أَنْ يُسْعِدَنِي بِكُمْ وَيَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ[1].

زيارت يازدهم:

به سند معتبر از حضرت صادق ﷺ منقول است كه: چون به نزد قبر حضرت امام حسين ـ صلوات الله عليه ـ بروى ابتدا كن به ثنا بر خداوند عـالميان، و صـلوات بـر حضرت رسول ﷺ، و بسيار سعى كن در اين باب، پس بگو:

سَلامُ ٱللهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ فِيما تَرُوحُ وَتَغْدُو ٱلزّاكِياتُ ٱلطّاهِراتُ لَكَ، وَعَلَيْكَ سَلامُ ٱلْمَلائِكَةِ ٱلْمُقَرَّبِينَ، وَٱلْمُسَلِّمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ، وَٱلنّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ، وَٱلشُّهَداءِ عَلىٰ أَنَّكَ صادِقٌ صِدِّيقٌ، صَدَقْتَ وَنَصَحْتَ فِيما أَتَيْتَ بِهِ، وَأَنَّكَ ثارُ ٱللهِ فِي ٱلْأَرْضِ، وَٱلدَّمُ ٱلَّذِي لا يُدْرِكُ تِرَتَهُ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ ٱلْأَرْضِ وَلا يُدْرِكُهُ إِلَّا ٱللهُ وَحْدَهُ.

جِئْتُكَ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ وَافِداً إِلَيْكَ، أَتَوَسَّلُ إِلَى ٱللهِ بِكَ في جَمِيعِ حَوائِجِي مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيايَ، وَبِكَ يَتَوَسَّلُ ٱلْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى ٱللهِ في حَوائِجِهِمْ، وَبِكَ يُدْرِكُ أَهْلُ ٱلتِّراتِ مِنْ عِبادِ ٱللهِ طَلِبَتَهُمْ.

پس اندكى راه برو، و بايست پشت به قبله و رو به قبر و بگو:

ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلْواحِدِ، ٱلْمُتَوَحِّدِ بِالْأُمُورِ كُلِّها، خالِقِ ٱلْخَلْقِ فَلَمْ يَعْزُبْ عَنْهُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَعالِمِ كُلِّ شَيْءٍ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ، ضَمَّنَ ٱلْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْها دَمَكَ وَثارَكَ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ.

---

۱ ـ مصباح الزائر: ۲۵۴، بحارالانوار: ۱۰۱/۲۳۰، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۳/۵۸۴ ش ۱۲۵۴.

أَشْهَدُ أَنَّ لَكَ مِنَ ٱللهِ ما وَعَدَكَ مِنَ ٱلنَّصْرِ وَٱلْفَتْحِ، وَأَنَّ لَكَ مِنَ ٱللهِ ٱلْوَعْدَ ٱلْحَقَّ فِي هَلاكِ عَدُوِّكَ، وَتَمامِ مَوْعِدِهِ إِيّاكَ.

أَشْهَدُ أَنَّهُ قاتَلَ مَعَكَ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ كَما قالَ ٱللهُ: ﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ﴾[1].

پس هفت مرتبه اَللهُ أَكْبَر بگو، پس اندكى راه برو و رو به قبر بايست و بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي ٱلْمُلْكِ، وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيراً.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ ٱللهِ ما أُمِرْتَ بِهِ، وَوَفَيْتَ بِعَهْدِ ٱللهِ، وَتَمَّتْ بِكَ كَلِماتُهُ، وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتّىٰ أَتاكَ ٱلْيَقِينُ.

لَعَنَ ٱللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ أُمَّةً خَذَلَتْكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ أُمَّةً خَذَلَتْ عَنْكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ بِالْوِلايَةِ لِمَنْ والَيْتَ وَوالَتْ رُسُلُكَ، وَأَشْهَدُ بِالْبَراءَةِ مِمَّنْ تَبَرَّأْتَ مِنْهُ وَبَرِئَتْ مِنْهُ رُسُلُكَ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا رَسُولَكَ، وَهَدَمُوا كَعْبَتَكَ، وَحَرَّفُوا كِتابَكَ، وَسَفَكُوا دَمَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَفْسَدُوا عِبادَكَ وَٱسْتَذَلُّوهُمْ.

اَللّٰهُمَّ ضاعِفْ لَهُمُ ٱللَّعْنَةَ فِيما جَرَتْ بِهِ سُنَّتُكَ فِي بَرِّكَ وَبَحْرِكَ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْهُمْ فِي سَمائِكَ وَأَرْضِكَ.

اَللّٰهُمَّ وَٱجْعَلْ لِي لِسانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيائِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشاهِدَهُمْ، حَتّىٰ تُلْحِقَنِي بِهِمْ، وَتَجْعَلَهُمْ لِي فَرَطاً، وَتَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعاً فِي ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ.

پس اندكى راه برو پس هفت مرتبه اَللهُ أَكْبَر، و هفت مرتبه لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللهُ، و هفت

---

١ ـ آل عمران: ١٤٦.

مرتبه اَلْحَمْدُ لله، و هفت مرتبه سُبْحانَ اَللهِ، و هفت مرتبه لَبَّيْكَ داعِيَ اَللهِ بگو.

پس بگو:

إنْ كانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي، فَقَدْ أَجابَكَ قَلْبِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَرَأْيِي وَهَوايَ عَلَى اَلتَّسْلِيمِ لِخَلَفِ اَلنَّبِيِّ اَلْمُرْسَلِ، وَاَلسِّبْطِ اَلْمُنْتَجَبِ، وَاَلدَّلِيلِ اَلْعالِمِ، وَاَلْأَمِينِ اَلْمُسْتَخْزَنِ، وَاَلْمُوَصِّي اَلْبَلِيغِ[1]، وَاَلْمَظْلُومِ اَلْمُهْتَضَمِ.

جِئْتُ اَنْقِطاعاً إِلَيْكَ وَإِلىٰ وَلَدِكَ وَوَلَدِ وَلَدِكَ اَلْخَلَفِ مِنْ بَعْدِكَ عَلىٰ بَرَكَةِ اَلْحَقِّ، فَقَلْبِي لَكَ مُسَلِّمٌ، وَأَمْرِي لَكَ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكَ مُعَدَّةٌ، حَتّىٰ يَحْكُمَ اَللهُ لِدِينِهِ وَيَبْعَثَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي مِنَ اَلْمُؤْمِنِينَ بِرَجْعَتِكُمْ، لا أُنْكِرُ لِلهِ قُدْرَةً، وَلا أُكَذِّبُ لَهُ مَشِيَّةً، وَلا أَزْعُمُ أَنَّ ما شاءَ لا يَكُونُ.

پس راه برو تا به قبر برسی، پس ایستاده بگو:

سُبْحانَ اَللهِ، يُسَبِّحُ لِلهِ ذِي اَلْمُلْكِ وَاَلْمَلَكُوتِ، وَيُقَدِّسُ بِأَسْمائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ.

سُبْحانَ اَللهِ اَلْمَلِكِ اَلْقُدُّوسِ، رَبِّ اَلْمَلائِكَةِ وَاَلرُّوحِ.

اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْنِي فِي وَفْدِكَ إِلىٰ خَيْرِ بِقاعِكَ وَخَيْرِ خَلْقِكَ.

اَللّٰهُمَّ اَلْعَنِ اَلْجِبْتَ وَاَلطّاغُوتَ.

پس دستها را بلند کن و بر ضریح مقدّس بگذار و بگو:

أَشْهَدُ أَنَّكَ طُهْرٌ طاهِرٌ، مِنْ طُهْرٍ طاهِرٍ، قَدْ طَهُرَتْ بِكَ اَلْبِلادُ، وَطَهُرَتْ أَرْضٌ أَنْتَ فِيها؛ وَأَنَّكَ ثارُ اَللهِ فِي اَلْأَرْضِ حَتّىٰ يَسْتَثِيرَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ.

پس دستها و دو طرف روی خود را بر ضریح بگذار، پس بنشین نزد سر مبارک آن‌حضرت و خدا را یاد کن به هر ذکر که خواهی، و متوجه شو به سوی او و حاجتهای خود را بطلب.

---

۱ ـ «والوصيّ المُبلِّغ» خ ل.

پس دستها و پهلوهای روی خود را نزد پای آن حضرت بر ضریح بگذار و بگو:

صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، فَلَقَدْ صَبَرْتَ وَأَنْتَ اَلصّادِقُ اَلْمُصَدَّقُ؛ قَتَلَ اَللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَاَلْأَلْسُنِ.

پس بایست نزد قبر علی بن الحسین﷩ و ثنا کن بر او آنچه خواهی، و از پروردگار خود حاجتهای خود را بطلب.

پس رو به جانب قبرهای شهدا بکن ایستاده و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا اَلرَّبّانِيُّونَ، أَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ، وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ وَأَنْصارٌ، أَبْشِرُوا بِمَوْعِدِ اَللّٰهِ اَلَّذِي لا خُلْفَ لَهُ، وَأَنَّ اَللّٰهَ مُدْرِكٌ بِكُمْ ثارَكُمْ، وَأَنْتُمْ سادَةُ اَلشُّهَداءِ فِي اَلدُّنْيا وَاَلْآخِرَةِ.

پس قبر را در پیش روی خود قرارده و آنچه خواهی نماز بکن.

و هرگاه که داخل حایر شوی سلام بکن و برو و دستها و پهلوهای روی خود را بر قبر بگذار، و چون خواهی که بیرون روی باز چنین کن؛ و نماز را قصر مکن تا آنجا باشی.

پس چون خواهی که برگردی، آن حضرت را وداع کن و بگو:

سَلامُ اَللّٰهِ، وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ اَلْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيائِهِ اَلْمُرْسَلِينَ، وَعِبادِهِ اَلصّالِحِينَ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللّٰهِ، وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَذُرِّيَّتِكَ، وَمَنْ حَضَرَكَ مِنْ أَوْلِيائِكَ.

و چون خواهی که برگردی آنچه در وقت داخل شدن کردی بکن.

و چون داخل خانهٔ خود شوی بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي سَلَّمَنِي وَسَلَّمَ مِنِّي، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فِي اَلْأُمُورِ كُلِّها، وَعَلىٰ كُلِّ حالٍ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعالَمِينَ.

پس بیست و یک بار **اَللّٰهُ أَكْبَر** بگو، پیاپی از روی تأنّی و تند مگو[1].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۲۱۶ ب ۷۹ ح ۱۳، بحارالانوار: ۱۰۱/۱۶۸ ح ۲۰ و ص ۱۷۰ ح ۲۱، موسوعة زیارات المعصومین﷩: ۳/ ۲۴۰ ش ۱۱۳۰ و ص ۲۹۸ ش ۱۱۵۶ و ص ۵۵۷ ش ۱۲۴۴.

زیارت دوازدهم:

به سند معتبر منقول است از صفوان جمّال که گفت: رخصت طلبیدم از حضرت صادق‌ﷺ از برای زیارت مولایم حسین بن علی‌ﷺ، و سؤال کردم که تعلیم نماید مرا که چگونه آن حضرت را زیارت کنم.

فرمود که: ای صفوان! سه روز روزه بدار پیش ازآنکه از خانه بیرون روی، و در روز سوم غسل بکن، پس اهل خانهٔ خود را جمع کن نزد خود و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ ٱلْيَوْمَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمالِي وَوَلَدِي وَمَنْ كانَ مِنِّي بِسَبِيلٍ[۱]، ٱلشّاهِدَ مِنْهُمْ وَٱلْغائِبَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَٱحْفَظْنا بِحِفْظِ ٱلْإِيمانِ، وَٱحْفَظْ عَلَيْنا.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنا فِي حِرْزِكَ، وَلا تَسْلُبْنا نِعْمَتَكَ، وَلا تُغَيِّرْ ما بِنا مِنْ عافِيَتِكَ، وَزِدْنا مِنْ فَضْلِكَ إِنّا إِلَيْكَ راغِبُونَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثاءِ ٱلسَّفَرِ، وَمِنْ كَآبَةِ ٱلْمُنْقَلَبِ، وَمِنْ سُوءِ ٱلْمَنْظَرِ فِي ٱلنَّفْسِ وَٱلْأَهْلِ وَٱلْمالِ وَٱلْوَلَدِ.

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنا حَلاوَةَ ٱلْإِيمانِ، وَبَرْدَ ٱلْمَغْفِرَةِ، وَآمِنّا مِنْ عَذابِكَ[۲] إِنّا إِلَيْكَ راغِبُونَ وَآتِنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ[۳].

پس چون برسی به نهر فرات ـ یعنی شریعهٔ حضرت صادق‌ﷺ در کنار نهر علقمی ـ بگو:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَتْ إِلَيْهِ ٱلرِّجالُ، وَشُدَّتْ إِلَيْهِ ٱلرِّحالُ، وَأَنْتَ سَيِّدِي أَكْرَمُ مَقْصُودٍ، وَأَفْضَلُ مَزُورٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زائِرٍ كَرامَةً، وَلِكُلِّ وافِدٍ تُحْفَةً؛ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيّايَ فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ ٱلنّارِ؛ وَقَدْ قَصَدْتُ وَلِيَّكَ وَٱبْنَ نَبِيِّكَ، وَصَفِيَّكَ

---

۱ ـ «بِسَبِيلٍ من المؤمنين» خ ل.

۲ ـ «وآمنّا عذابك» خ ل.

۳ ـ «وآتنا في الدّنيا حسنة وفي الآخرة حسنةً وقنا عذاب النّار» خ ل.

وَٱبْنَ صَفِيِّكَ، وَنَجِيَّكَ وَٱبْنَ نَجِيِّكَ، وَحَبِيبَكَ وَٱبْنَ حَبِيبِكَ.

اَللّٰهُمَّ فَاشْكُرْ سَعْيِي، وَٱرْحَمْ مَسِيرِي إلَيْكَ، بِغَيْرِ مَنٍّ مِنِّي عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ ٱلْمَنُّ عَلَيَّ، إذْ جَعَلْتَ لِيَ ٱلسَّبِيلَ إلىٰ زِيارَتِهِ، وَعَرَّفْتَنِي فَضْلَهُ، وَحَفِظْتَنِي فِي ٱللَّيْلِ وَٱلنَّهارِ حَتّىٰ بَلَّغْتَنِي هٰذَا ٱلْمَكانَ.

اَللّٰهُمَّ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ عَلىٰ نَعمائِكَ كُلِّها، وَلَكَ ٱلشُّكْرُ عَلىٰ مِنَنِكَ كُلِّها.

پس غسل کن از فرات، به درستی که پدرم مرا خبر داد از پدرانش که رسول خداﷺ فرمود که: این پسر من حسین کشته خواهد شد بعد از من در کنار شط فرات، پس هر که او را زیارت کند و از فرات غسل کند، گناهان از او بریزد مانند روزی که از مادر متولّد شده بوده است.

و چون غسل کنی در اثنای غسل بگو:

بِسْمِ ٱللهِ وَبِاللهِ، اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْهُ نُوراً وَطَهُوراً، وَحِرْزاً وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَآفَةٍ، وَسُقْمٍ وَعَاهَةٍ.

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي، وَٱشْرَحْ بِهِ صَدْرِي، وَسَهِّلْ لِي بِهِ أمْرِي.

و چون از غسل فارغ شوی دو جامهٔ طاهر بپوش، و دو رکعت نماز در بیرون مشرعه بکن، که آن همان مکانی است که حق تعالی در شأن آن فرموده است که:

﴿وَفِي ٱلْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجاوِراتٌ وَجَنّاتٌ مِنْ أَعْنابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوانٌ وَغَيْرُ صِنْوانٍ يُسْقىٰ بِماءٍ واحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَها عَلىٰ بَعْضٍ فِي ٱلْأُكُلِ﴾[1].

پس چون از نماز فارغ شوی روانه شو به جانب حایر با یاد خدا و به تأنّی، و گامهای خود را کوتاه بردار، که حق تعالیٰ برای تو به هر گامی حجّی و عمره‌ای می‌نویسد، و راه رو با دل خاشع و دیده گریان، و بسیار بگو اَللهُ أَكْبَر، و لا إلٰهَ إلَّا ٱللهُ، و ثنای بر خدا، و صلوات بر حضرت رسولﷺ، و صلوات بر حسین﵇ بخصوص،

۱ ـ رعد: ۴.

و لعنت کن بر کشندگان او، و بیزاری جو از آنـها کـه در اوّل اسـاس ایـن ظـلم را بـر اهل بیت گذاشتند.

و چون برسی به در حایر بایست و بگو:

اَللّٰهُ أَكْبَرُ كَبِيراً، وَٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِيراً، وَسُبْحانَ ٱللّٰهِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً ﴿ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّـذِي هَدانا لِهٰذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا أَنْ هَدٰانَا ٱللّٰهُ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ﴾[1].

پس بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ ٱللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نَبِيَّ ٱللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يـا خـاتَمَ ٱلنَّبِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ ٱلْمُرْسَلِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ ٱللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ ٱلْـوَصِيِّينَ، اَلسَّـلامُ عَـلَيْكَ يـا قـائِدَ ٱلْـغُرِّ ٱلْمُحَجَّلِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ ٱلْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَـلَى ٱلْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِيَّ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلصِّدِّيقُ ٱلشَّهِيدُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَةَ ٱللّٰهِ ٱلْمُقِيمِينَ في هٰذَا ٱلْمُقامِ ٱلشَّـرِيفِ، اَلسَّـلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَةَ رَبِّي ٱلْمُحْدِقِينَ بِقَبْرِ ٱلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ مِنِّي أَبَداً ما بَقِيتُ وَبَقِيَ ٱللَّيْلُ وَٱلنَّهارُ.

پس بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ ٱللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، عَبْدُكَ وَٱبْنُ عَبْدِكَ وَٱبْنُ أَمَتِكَ، ٱلْـمُقِرُّ بِـالرِّقِّ، وَٱلتّـارِكُ لِـلْخِلافِ عَلَيْكُمْ، وَٱلْمُوالِي لِوَلِيِّكُمْ، وَٱلْمُعادِي لِعَدُوِّكُمْ، قَصَدَ حَرَمَكَ، وَٱسْتَجارَ بِـمَشْهَدِكَ، وَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقَصْدِهِ[2].

---

۱ ـ اعراف: ۴۳.

۲ ـ «بقصدك» خ ل.

أَأَدْخُلُ يا رَسُولَ اَللهِ، أَأَدْخُلُ يا نَبِيَّ اَللهِ، أَأَدْخُلُ يا أَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ، أَأَدْخُلُ يا سَيِّدَ اَلْوَصِيِّينَ، أَأَدْخُلُ يا فاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِساءِ اَلْعالَمِينَ، أَأَدْخُلُ يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاَللهِ، أَأَدْخُلُ يا مَوْلايَ يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللهِ.

پس اگر دلت خاشع گردد و دیده ات گریان شود، علامت رخصت است، پس داخل شو و بگو:

اَلْحَمْدُ لِلهِ اَلْواحِدِ اَلْأَحَدِ، اَلْفَرْدِ اَلصَّمَدِ، اَلَّذِي هَدانِي لِوِلايَتِكَ، وَخَصَّنِي بِزِيارَتِكَ، وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ.

پس برو به در روضهٔ مقدّسه، و محاذی بالای سر بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ ـ عَلَيْهِ اَلسَّلامُ ـ وَلِيِّ اَللهِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ مُحَمَّدٍ اَلْمُصْطَفىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ عَلِيٍّ اَلْمُرْتَضىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ فاطِمَةَ اَلزَّهْراءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ خَدِيجَةَ اَلْكُبْرىٰ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اَللهِ وَاَبْنَ ثارِهِ، وَاَلْوِتْرَ اَلْمَوْتُورَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ اَلصَّلاةَ، وَآتَيْتَ اَلزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ اَلْمُنْكَرِ، وَأَطَعْتَ اَللهَ وَرَسُولَهُ، حَتّىٰ أَتاكَ اَلْيَقِينُ.

فَلَعَنَ اَللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اَللهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اَللهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاَللهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي اَلْأَصْلابِ اَلشّامِخَةِ، وَاَلْأَرْحامِ اَلْمُطَهَّرَةِ؛ لَمْ تُنَجِّسْكَ اَلْجاهِلِيَّةُ بِأَنْجاسِها، وَلَمْ تُلْبِسْكَ مُدْلَهِمّاتُ ثِيابِها.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِن دَعائِمِ ٱلدِّينِ، وَأَرْكانِ ٱلْمُؤْمِنِينَ .

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ ٱلإمامُ ٱلْبَرُّ ٱلتَّقِيُّ، ٱلرَّضِيُّ ٱلزَّكِيُّ، ٱلْهادِي ٱلمَهْدِيُّ .

وَأَشْهَدُ أَنَّ ٱلأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ ٱلتَّقْوىٰ، وَأَعْلامُ ٱلْهُدىٰ، وَٱلْعُرْوَةُ ٱلْوُثْقىٰ، وَٱلْحُجَّةُ عَلىٰ أَهْلِ ٱلدُّنْيا.

وَأُشْهِدُ ٱللهَ وَمَلائِكَتَهُ وَأَنْبِياءَهُ وَرُسُلَهُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرايِعِ دِينِي وَخَواتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، صَلَواتُ ٱللهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلىٰ أَرْواحِكُمْ، وَعَلىٰ أَجْسادِكُمْ، وَعَلىٰ أَجْسامِكُمْ، وَعَلىٰ شاهِدِكُمْ، وَعَلىٰ غائِبِكُمْ، وَعَلىٰ ظاهِرِكُمْ، وَعَلىٰ باطِنِكُمْ.

پس خود را به ضریح بچسبان و ضریح را ببوس، و بگو:

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يا أَبا عَبْدِٱللهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ ٱلرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتِ ٱلْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنا، وَعَلىٰ جَمِيعِ أَهْلِ ٱلسَّماواتِ وَٱلْأَرْضِ .

فَلَعَنَ ٱللهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتالِكَ .

يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِٱللهِ، قَصَدْتُ حَرَمَكَ، وَأَتَيْتُ إِلىٰ مَشْهَدِكَ، أَسْأَلُ ٱللهَ بِالشَّأْنِ ٱلَّذِي لَكَ عِنْدَهُ، وَبِالْمَحَلِّ ٱلَّذِي لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ .

پس برخیز و دو رکعت نماز در بالای سر آن حضرت بکن، و در این دو رکعت هر سوره که خواهی بخوان، و چون فارغ شوی بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ، لِأَنَّ ٱلصَّلاةَ وَٱلرُّكُوعَ وَٱلسُّجُودَ لا تَكُونُ إِلّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ ٱللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ ٱلسَّلامِ وَٱلتَّحِيَّةِ،

وَاَرْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ اَلسَّلامَ.

اَللّٰهُمَّ وَهاتانِ اَلرَّكْعَتانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلىٰ مَوْلايَ اَلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا اَلسَّلامُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ، وَتَقَبَّلْها[1] مِنِّي، وَأْجُرْنِي عَلىٰ ذٰلِكَ بِأَفْضَلِ أَمَلِي وَرَجائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ، يا وَلِيَّ اَلْمُؤْمِنِينَ.

پس برخيز و برو به نزد پاى قبر، و بايست نزد علىّ بن الحسين عليهما السلام و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ نَبِيِّ اَللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ اَلْحُسَيْنِ اَلشَّهِيدِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا اَلشَّهِيدُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا اَلْمَظْلُومُ وَاَبْنُ اَلْمَظْلُومِ.

لَعَنَ اَللّٰهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اَللّٰهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اَللّٰهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

پس خود را به قبر بچسبان و ضريح را ببوس، و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اَللّٰهِ وَاَبْنَ وَلِيِّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ اَلْمُصِيبَةُ وَجَلَّتِ اَلرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنا وَعَلىٰ جَمِيعِ اَلْمُسْلِمِينَ؛ فَلَعَنَ اَللّٰهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اَللّٰهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ.

پس برو از جانب پاى علىّ بن الحسين به سوى شهدا، و متوجه شو به سوى ايشان و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَوْلِياءَ اَللّٰهِ وَأَحِبّاءَهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَصْفِياءَ اَللّٰهِ وَأَوِدّاءَهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ دِينِ اَللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ رَسُولِ اَللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ اَلْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ أَبِي مُحَمَّدٍ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، اَلزَّكِيِّ اَلنّاصِحِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ أَبِي عَبْدِاَللّٰهِ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي، طِبْتُمْ وَطابَتِ اَلْأَرْضُ اَلَّتِي فِيها دُفِنْتُمْ، وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظِيماً، فَيا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ.

---

۱ ـ «وتقبّل» خ ل.

پس برگرد به جانب سر حضرت امام حسین علیه السلام، و دعا بسیار بکن از برای خود و از برای پدر و مادر و اهل و فرزندان و برادران مؤمن خود، که در روضه آن حضرت دعای دعا کننده و سؤال سؤال‌کننده ردّ نمی‌شود.

و چون خواهی بیرون آیی خود را به قبر بچسبان، و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خاصَّةَ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خالِصَةَ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ اللهِ، سَلامَ مُوَدِّعٍ لا قالٍ وَلا سَئِمٍ؛ فَإِنْ أَمْضِ فَلا عَنْ مَلالَةٍ، وَإِنْ أُقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللهُ الصّابِرِينَ.

وَلا جَعَلَهُ اللهُ يا مَوْلايَ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيارَتِكَ، وَرَزَقَنِيَ الْعَوْدَ إِلىٰ مَشْهَدِكَ، وَالْمُقامَ في حَرَمِكَ، وَإِيّاهُ أَسْأَلُ أَنْ يُسْعِدَنِي بِكَ وَبِالْأَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِكَ، وَيَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

پس برخیز و از روضه بیرون رو، و پشت را به جانب قبر مکن، و بسیار بگو: إِنّا لِلهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ تا پنهان شوی از قبر.

پس فرمود که: هرکه آن حضرت را به این نحو زیارت کند، بنویسد حق تعالیٰ از برای او به هر گامی صد هزار حسنه، و محو کند از او صد هزار گناه، و بلند کند از برای او صد هزار درجه، و بر آورد از برای او صد هزار حاجت ـ که آسانترین آنها آن باشد که او را از آتش جهنّم دور گرداند ـ، و چنان باشد که با حضرت امام حسین صلوات الله علیه شهید شده باشد، تا شریک شود با شهدای کربلا در درجات ایشان[1].

مؤلّف گوید که: نهر علقمی در این زمان منطمس شده است و در عقب قبر عبّاس بوده است، و شریعه صادق علیه السلام ظاهراً آن موضع باشد که اکنون مشهور است به مقام آن حضرت و در آن موضع عمارتی ساخته‌اند؛ اگر ممکن باشد از آن جانب از نهرهایی که

---

۱ ـ مصباح المتهجّد: ۷۱۷، بحارالانوار: ۱۹۷ ح ۳۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۴۰ ش ۱۱۳۱ وص ۳۰۲ ش ۱۱۵۷.

از فرات منشعب می‌شود غسل کند و در آن مقام نماز کند و متوجه زیارت شود بهتر است. و اگر از سایر نهرها که از فرات جدا می‌شود از هر جانب که باشد غسل کند خوب است.

زیارت سیزدهم:

شیخ محمد بن المشهدی ﷺ همین زیارت گذشته را به اختلاف بسیاری روایت کرده است؛ چون به حسب سند و متن بعد از زیارت اوّل، اوثق و اضبط زیارات است، هر دو طریق را ایراد کردیم.

گفته است که:

مروی است از صفوان جمّال که گفت مولای من جعفر بن محمّد الصّادق ﷺ فرمود که: هرگاه اراده کنی زیارت حسین بن علی ـ صلوات الله علیه ـ را، پس سه روز روزه بدار پیشتر، و در روز چهارم غسل بکن، و اهل و فرزند خود را نزد خود جمع کن و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ ٱلْيَوْمَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمالِي وَوَلَدِي، وَمَنْ كانَ مِنِّي بِسَبِيلٍ، اَلشّاهِدَ مِنْهُمْ وَٱلْغائِبَ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنا مِنَ ٱلْفائِزِينَ، وَٱحْفَظْنا بِحِفْظِ ٱلْإِيمانِ، وَٱحْفَظْ عَلَيْنا.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنا في جِوارِكَ وَحِفْظِكَ وَحِرْزِكَ، وَلا تُغَيِّرْ ما بِنا مِنْ نِعْمَتِكَ، وَزِدْنا مِنْ فَضْلِكَ، إِنّا إِلَيْكَ راغِبُونَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثاءِ ٱلسَّفَرِ، وَكَآبَةِ ٱلْمُنْقَلَبِ، وَسُوءِ ٱلْمَنْظَرِ في ٱلْمالِ وَٱلْأَهْلِ وَٱلْوَلَدِ.

اَللّٰهُمَّ ٱرْزُقْنا حَلاوَةَ ٱلْإِيمانِ، وَبَرْدَ ٱلْمَغْفِرَةِ، وَأَماناً مِنْ عَذابِكَ، وَآتِنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّهُ لا يَمْلِكُ ذٰلِكَ غَيْرُكَ.

و چون به فرات برسی صد مرتبه اَللّٰهُ أَكْبَر، و صد مرتبه لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللّٰه بگو، و صد

مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرست، پس بگو:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ إِلَيْهِ اَلرِّجالُ، وَأَنْتَ سَيِّدي خَيْرُ مَقْصُودٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زائِرٍ كَرامَةً، وَلِكُلِّ وافِدٍ تُحْفَةً؛ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيّايَ فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ اَلنّارِ، وَاَشْكُرْ سَعْيِي، وَاَرْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ، مِنْ غَيْرِ مَنٍّ عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ اَلْمَنُّ عَلَيَّ، إِذْ جَعَلْتَ لِيَ اَلسَّبِيلَ إِلىٰ زِيارَتِهِ، وَعَرَّفْتَنِي فَضْلَهُ وَشَرَفَهُ.

اَللّٰهُمَّ فَاحْفَظْنِي بِاللَّيْلِ وَاَلنَّهارِ، حَتّىٰ تُبَلِّغَنِي هٰذَا اَلْمَكانَ، فَقَدْ رَجَوْتُكَ فَلا تَقْطَعْ رَجائِي، وَقَدْ أَمَّلْتُكَ فَلا تُخَيِّبْ أَمَلِي، وَاَجْعَلْ مَسِيرِي هٰذا كَفّارَةً لِذُنُوبِي، يا رَبَّ اَلْعالَمِينَ.

پس چون اراده غسل کنی بگو:

بِسْمِ اَللهِ وَبِاللهِ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اَللهِ، صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَعَلَى اَلْأَئِمَّةِ اَلصّادِقِينَ.

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي، وَاَشْرَحْ بِهِ صَدْرِي، وَنَوِّرْ بِهِ بَصَرِي.

اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْهُ نُوراً وَطَهُوراً وَخَيْراً[1]، وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَسَقَمٍ، وَعافِنِي مِنْ كُلِّ ما أَخافُ وَأَحْذَرُ.

اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْهُ لي شاهِداً يَوْمَ حاجَتِي وَفَقْرِي وَفاقَتِي إِلَيْكَ، يا رَبَّ اَلْعالَمِينَ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس چون از غسل فارغ شوی، دو جامهٔ طاهر بپوش ـ یا یک جامه ـ، و دو رکعت نماز بکن در بیرون مشرعه، و در رکعت اوّل بعد از فاتحة الکتاب «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ»، و در رکعت دوم «قُلْ یا أَیُّها الکافِرُونَ» بخوان؛ و چون سلام بگویی **اَللهُ أَکْبَر** بسیار بگو،

۱ـ «حرزاً» خ ل.

پس بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلْواحِدِ اَلْمُتَوَحِّدِ في اَلْاُمُورِ كُلِّها، اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحِيمِ، وَ﴿اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي هَدانا لِهٰذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا أَنْ هَدانَا اَللّٰهُ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ﴾[1].

اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْحَمْدُ حَمْداً كَثِيراً دائِماً سَرْمَداً لا يَنْقَطِعُ وَلا يَفْنىٰ، حَمْداً تَرْضىٰ بِهِ عَنّا، حَمْداً يَتَّصِلُ أَوَّلُهُ وَلا يَنْفَدُ آخِرُهُ، حَمْداً يَزِيدُ وَلا يَبِيدُ، وَصَلَّى اَللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

پس چون متوجّه حایر شوی بگو:

اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ قَصَدْتُ، وَلِبابِكَ قَرَعْتُ، وَبِفِنائِكَ نَزَلْتُ، وَبِكَ اَعْتَصَمْتُ، وَلِرَحْمَتِكَ تَعَرَّضْتُ، وَبِوَلِيِّكَ اَلْحُسَيْنِ ـ عَلَيْهِ اَلسَّلامُ ـ تَوَسَّلْتُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاَجْعَلْ زِيارَتِي مَبْرُورَةً، وَدُعائِي مَقْبُولاً.

پس چون به در حایر برسی، بیرون بایست و نظر کن به سوی ضریح و بگو:

يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاَللّٰهِ، يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللّٰهِ، عَبْدُكَ وَاَبْنُ عَبْدِكَ وَاَبْنُ أَمَتِكَ، اَلذَّلِيلُ بَيْنَ يَدَيْكَ، اَلْمُقَصِّرُ في عُلُوِّ قَدْرِكَ، اَلْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكَ، جاءَكَ مُسْتَجِيراً بِذِمَّتِكَ، قاصِداً إِلىٰ حَرَمِكَ، مُتَوَجِّهاً إِلىٰ مَقامِكَ، مُتَوَسِّلاً إِلَى اَللّٰهِ تَبارَكَ وَتَعالىٰ بِكَ.

أَفَأَدْخُلُ يا مَوْلايَ يا حُجَّةَ اَللّٰهِ، أَأَدْخُلُ يا أَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ، أَأَدْخُلُ يا وَلِيَّ اَللّٰهِ، أَأَدْخُلُ يا بابَ اَللّٰهِ، أَأَدْخُلُ يا مَلائِكَةَ اَللّٰهِ، أَأَدْخُلُ أَيُّهَا اَلْمَلائِكَةُ اَلْمُحْدِقُونَ بِهٰذَا اَلْحَرَمِ، اَلْمُقِيمُونَ بِهٰذَا اَلْمَشْهَدِ.

پس داخل شو، و پای راست را مُقدّم دار، و بگو:

اَللّٰهُ أَكْبَرُ كَبِيراً، وَسُبْحانَ اَللّٰهِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً، وَاَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلْفَرْدِ اَلْأَحَدِ اَلصَّمَدِ

---

۱ ـ اعراف: ۴۳.

اَلْواحِدِ اَلْمُتَفَضِّلِ اَلْمُتَطَوِّلِ اَلْجَبّارِ، اَلَّذي بِطَوْلِهِ مَنَّ عَلَيَّ وَسَهَّلَ زِيارَةَ مَوْلايَ، وَلَمْ يَجْعَلْنِي مَمْنُوعاً، وَعَنْ دِينِهِ مَدْفُوعاً، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ؛ فَلَهُ اَلْحَمْدُ.

پس به در روضهٔ مقدّسه بایست در برابر ضریح با خشوع و گریه، و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إبْراهِيمَ خَلِيلِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عَلِيٍّ حُجَّةِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اَلْحَسَنِ اَلدّاعِي إلَى اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نَبِيِّ اَللهِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا اَلصِّدِّيقُ اَلشَّهِيدُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا اَلْبَرُّ اَلْوَصِيُّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اَللهِ وَاَبْنَ ثارِهِ، وَاَلْوِتْرَ اَلْمَوْتُورَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ اَلصَّلاةَ، وَآتَيْتَ اَلزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ اَلْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اَللهَ مُخْلِصاً حَتّىٰ أَتاكَ اَلْيَقِينُ.

پس داخل روضه شو، و نزد سر آن حضرت بایست با خشوع دل، و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ سَيِّدِ اَلْوَصِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ فاطِمَةَ اَلزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ اَلْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وِعاءَ اَلنُّورِ وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خازِنَ اَلْكِتابِ اَلْمَشْهُورِ[1]، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أُسَّ اَلْإسْلامِ، اَلنّاصِرَ لِدِينِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نِظامَ اَلْمُسْلِمِينَ.

يا مَوْلايَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً في اَلْأَصْلابِ اَلشّامِخَةِ، وَاَلْأَرْحامِ اَلْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ اَلْجاهِلِيَّةُ بِأَنْجاسِها.

أَشْهَدُ أَنَّكَ يا مَوْلايَ مِنْ دَعائِمِ اَلدِّينِ، وَأَرْكانِ اَلْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ اَلْمُؤْمِنِينَ.

---

۱ ـ «المسطور» خ ل.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ اَلْإِمامُ اَلبَرُّ اَلتَّقِيُّ، اَلْمُطَهَّرُ اَلزَّكِيُّ، اَلْهادِي اَلْمَهْدِيُّ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ اَلْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ اَلتَّقْوىٰ، وَأَعْلامُ اَلْهُدىٰ، وَاَلْعُرْوَةُ اَلْوُثْقىٰ، وَاَلْحُجَّةُ عَلىٰ أَهْلِ اَلدُّنْيا مِنْ أَوْلِيائِكَ.

پس خود را به ضریح بچسبان، و بگو:

إِنّا لِلّٰهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ، يا مَوْلايَ أَنا مُوالٍ لِوَلِيِّكُمْ، مُعادٍ لِعَدُوِّكُمْ، وَأَنا بِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرايِعِ دِينِي، وَخَواتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقُلُوبِكُمْ سِلْمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ تَبَعٌ.

يا مَوْلايَ، آمَنْتُ بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ، وَظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ، وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ.

يا مَوْلايَ، أَتَيْتُكَ خائِفاً فَآمِنِّي، وَأَتَيْتُكَ مُسْتَجِيراً فَأَجِرْنِي، يا سَيِّدِي أَنْتَ وَلِيِّي وَمَوْلايَ، وَحُجَّةُ اَللّٰهِ عَلَى اَلْخَلْقِ أَجْمَعِين.

آمَنْتُ بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ، وَبِظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ.

يا مَوْلايَ، أَنْتَ اَلسَّفِيرُ بَيْنَنا وَبَيْنَ اَللّٰهِ، وَاَلدّاعِي إِلَى اَللّٰهِ بِالْحِكْمَةِ وَاَلْمَوْعِظَةِ اَلْحَسَنَةِ.

لَعَنَ اَللّٰهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ[1].

پس نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز زیارت بکن، و بعد از سلام بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْهُمْ عَنِّي اَلسَّلامَ كَثِيراً، وَأَفْضَلَ اَلتَّحِيَّةِ وَاَلسَّلامِ، وَاَرْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ اَلسَّلامَ كَثِيراً.

پس بگو:

اَللّٰهُمَّ هاتانِ اَلرَّكْعَتانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي وَكَرامَةٌ لِسَيِّدِي وَمَوْلايَ أَبِي عَبْدِاَللّٰهِ اَلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ ـ صَلَواتُ اَللّٰهِ عَلَيْهِما ـ.

---

۱ ـ چنین است در نسخ، وهمچنین نسخه خطی مزار کبیر (مزار ابن مشهدی)، و ظاهراً چیزی از قبل این عبارت افتاده است؛ شاید چنین باشد: «لعن الله أمّة ظلمتك و...» نگاه کن: مزار کبیر: ۴۲۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۵۳.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَأْجُرْنِي، وَبَلِّغْنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجائِي فِيْكَ وَفي وَلِيِّكَ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ ـ عَلَيْهِ اَلسَّلامُ ـ .

پس باز خود را به ضریح بچسبان و بگو:

يا مَوْلايَ، أَشْهَدُ أَنَّ اَللهَ عَزَّ وَجَلَّ مُنْجِزٌ لَكَ ما وَعَدَكَ، وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ ـ عَلَيْهِ اَللَّعْنَةُ إِلىٰ يَوْمِ اَلدِّينِ ـ .

پس می‌روی به نزد قبر علیّ بن الحسین علیهما السلام و ضریح را می‌بوسی و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اَللهِ وَاَبْنَ وَلِيِّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اَللهِ وَاَبْنَ حَبِيبِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خَلِيلَ اَللهِ وَاَبْنَ خَلِيلِهِ، عِشْتَ سَعِيداً، وَمُتَّ فَقِيداً، وَقُتِلْتَ مَظْلُوماً؛ يا شَهِيدُ اَبْنَ اَلشَّهِيدِ عَلَيْكَ مِنَ اَللهِ اَلسَّلامُ .

پس دو رکعت نماز می‌کنی، و بعد از نماز صلوات بر محمّد و آل محمّد بسیار می‌فرستی، و حاجت خود را از خدا سؤال می‌کنی.

پس می‌روی به نزد قبر عبّاس فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا اَلْوَلِيُّ اَلصّالِحُ اَلنّاصِحُ اَلصِّدِّيقُ .

أَشْهَدُ أَنَّكَ آمَنْتَ بِاللهِ، وَنَصَرْتَ اَبْنَ رَسُولِ اَللهِ ـ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ ، وَدَعَوْتَ إِلىٰ سَبِيلِ اَللهِ، وَواسَيْتَ بِنَفْسِكَ، وَبَذَلْتَ مُهْجَتَكَ؛ فَعَلَيْكَ مِنَ اَللهِ اَلسَّلامُ اَلتّامُّ .

پس خود را به قبر می‌چسبانی و می‌بوسی، و می‌گویی:

بِأَبي وَأُمِّي يا ناصِرَ دِينِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ناصِرَ اَلْحُسَيْنِ اَلصِّدِّيقِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا شَهِيدُ اَبْنَ اَلشَّهِيدِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ مِنِّي أَبَداً ما بَقِيتُ، وَصَلَّى اَللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

پس بیرون می‌آیی وبرمی‌گردی به سوی قبر امام‌حسین علیه السلام، ومی‌مانی نزد او آنچه خواهی؛ ودوست نمی‌دارم که شب درآنجا بمانی.

پس اگر خواهی وداع کنی، بایست نزد سر مبارک آن حضرت وگریه کن و بگو:

يا مَوْلايَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا قالٍ وَلا سَئِمٍ، فَإِنْ أَنْصَرِفْ يا مَوْلايَ فَلا عَنْ مَلالَةٍ، وَإِنْ أُقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللهُ الصّابِرِينَ.

يا مَوْلايَ، لا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّي مِنْ زِيارَتِكَ، وَتَقَبَّلَ مِنّي، وَرَزَقَنِيَ الْعَوْدَ إِلَيْكَ، وَالْمَقامَ في حَرَمِكَ، وَالْكَوْنَ في مَشْهَدِكَ، آمِيْنَ رَبَّ الْعالَمِينَ.

پس ضریح را می‌بوسی، و جمیع بدن و روی خود را بر ضریح می‌مالی ـ که باعث امان و حرز تو است از هرچه ترسی و از آن حذر نمایی إن‌شاءالله ـ، پس از عقب بر می‌گردی و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ الْمَقامِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَفِينَةَ النَّجاةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَلائِكَةَ رَبِّيَ الْمُقِيمِينَ في هٰذَا الْحَرَمِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ، وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْمُحْدِقِينَ بِكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعلَى الْأَرْواحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَبَداً مِنّي ما بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ.

و می‌گویی:

إِنّا لِلّٰهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً[1].

زیارت چهاردهم:

سیّد ابن طاووس ـ رضی الله عنه ـ ایراد نموده است، و از بعضی قرائن مظنون گردیده است که مأثور است.

فرموده است که: می‌ایستی بر در قبّهٔ شریفه و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي في هٰذَا الْمَقامِ رَغْبَتِي عَلىٰ حَقِيقَةِ

---

۱ ـ مزار کبیر: ۴۲۷ ـ ۴۳۴، بحارالانوار: ۲۵۷/۱۰۱ ح ۴۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۲۴۴ ش ۱۱۳۲ وص ۳۰۶ ش ۱۱۵۸.

إيمانِي بِكَ وَبِرَسُولِكَ وَبِوُلاةِ أَمْرِكَ.

اَلْحَرَمُ حَرَمُ اللهِ، وَحَرَمُ رَسُولِهِ، وَحَرَمُكَ، يا مَوْلايَ، أَتَأْذَنُ لِي بِالدُّخُولِ إِلىٰ حَرَمِكَ؛ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لِذٰلِكَ أَهْلاً فَأَنْتَ لِذٰلِكَ أَهْلٌ. عَنْ إِذْنِكَ يا مَوْلايَ أَدْخُلُ حَرَمَ اللهِ وَحَرَمَكَ.

پس داخل می‌شوی، و رو به ضریح مقدّس می‌ایستی پشت به قبله و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْحَسَنِ الشَّهِيدِ سِبْطِ رَسُولِ اللهِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللهِ وَابْنَ خِيَرَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمامُ الْهادِي الزَّكِيُّ، وَعَلىٰ أَرْواحٍ حَلَّتْ بِفِنائِكَ، وَأَقامَتْ فِي جِوارِكَ، وَوَفَدَتْ مَعَ زُوّارِكَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ مِنِّي ما بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِكَ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّ الْمُصابُ فِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، وَفِي أَهْلِ السَّماواتِ أَجْمَعِينَ، وَفِي سُكّانِ الْأَرَضِينَ؛ فَإِنّا لِلّٰهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ، وَصَلَواتُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَتَحِيّاتُهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آبائِكَ الطَّيِّبِينَ الْمُنْتَجَبِينَ، وَعَلىٰ ذَرارِيهِمُ الْهُداةِ الْمَهْدِيِّينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَعَلَيْهِمْ، وَعَلىٰ رُوحِكَ وَعَلىٰ أَرْواحِهِمْ، وَعَلىٰ تُرْبَتِكَ وَعَلىٰ تُرْبَتِهِمْ.

اَللّٰهُمَّ لَقِّهِمْ رَحْمَةً وَرِضْواناً، وَرَوْحاً وَرَيْحاناً.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاللهِ، يَا ابْنَ خاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَيَا ابْنَ[1] سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَيَا ابْنَ[2] سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا شَهِيدُ، يَا ابْنَ الشَّهِيدِ، يا أَخَا الشَّهِيدِ، يا أَبَا الشُّهَداءِ.

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْهُ عَنِّي في هٰذِهِ السّاعَةِ، وَفي هٰذَا الْيَوْمِ، وَفي هٰذَا الْوَقْتِ، وَفي كُلِّ وَقْتٍ، تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلاماً.

سَلامُ اللهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْعالَمِينَ، وَعَلَى الْمُسْتَشْهَدِينَ مَعَكَ، سَلاماً مُتَّصِلاً مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ.

اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الشَّهِيدِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ.

اَلسَّلامُ عَلَى الْعَبّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ.

اَلسَّلامُ عَلَى الشُّهَداءِ مِنْ وَلَدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَى الشُّهَداءِ مِنْ وَلَدِ الْحَسَنِ.

اَلسَّلامُ عَلَى الشُّهَداءِ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ.

اَلسَّلامُ عَلَى الشُّهَداءِ مِنْ وَلَدِ جَعْفَرٍ وَعَقِيلٍ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مَعَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلاماً.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ، أَحْسَنَ اللهُ لَكَ الْعَزاءَ في وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ، أَحْسَنَ اللهُ لَكِ الْعَزاءَ في وَلَدِكِ الْحُسَيْنِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَحْسَنَ اللهُ لَكَ الْعَزاءَ في وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ.

۱ـ «وابن» خ ل.

۲ـ «وابن» خ ل.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا مُحَمَّدٍ اَلْحَسَنَ، أَحْسَنَ اَللهُ لَكَ اَلْعَزاءَ في أَخِيكَ اَلْحُسَيْنِ.

يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاَللهِ، أَنا ضَيْفُ اَللهِ وَضَيْفُكَ، وَجارُ اَللهِ وَجارُكَ، وَلِكُلِّ ضَيْفٍ وَجارٍ قِرىً، وَقِرايَ في هٰذَا اَلْوَقْتِ أَنْ تَسْأَلَ اَللهَ سُبْحانَهُ وَتَعالىٰ أَنْ يَرْزُقَنِي فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ اَلنّارِ، إِنَّهُ سَمِيعُ اَلدُّعاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

پس ضريح را ببوس، و برو به نزد سر آن حضرت و بايست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَرِيعَ اَلْعَبْرَةِ اَلسّاكِبَةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قَرِينَ اَلْمُصِيبَةِ اَلرّاتِبَةِ، بِاللهِ أُقْسِمُ لَقَدْ طَيَّبَ اَللهُ بِكَ اَلتُّرابَ، وَأَعْظَمَ بِكَ اَلْمُصابَ، وَأَوْضَحَ بِكَ اَلْكِتابَ، وَجَعَلَكَ وَجَدَّكَ وَأَباكَ وَأُمَّكَ وَأَخاكَ وَأَبْناءَكَ عِبْرَةً لِأُولِي اَلْأَلْبابِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ اَلْخِطابَ وَتَرُدُّ اَلْجَوابَ، فَصَلَّى اَللهُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ اَلْمَيامِينِ اَلطِّيابِ؛ وَها أَنَا ذا نَحْوَكَ قَدْ أَتَيْتُ، وَإِلىٰ فِنائِكَ اَلْتَجَيْتُ، أَرْجُو بِذٰلِكَ اَلْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَإِلىٰ جَدِّكَ وَأَبِيكَ.

فَصَلَّى اَللهُ عَلَيْكَ يا إمامِي وَاَبْنَ إمامِي، كَأَنِّي بِكَ يا مَوْلايَ في عَرَصاتِ كَرْبَلاءَ تُنادِي فَلا تُجابُ، وَتَسْتَغِيثُ فَلا تُغاثُ، وتَسْتَجِيرُ فَلا تُجارُ؛ يا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكَ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ رُوحِهِ وَجَسَدِهِ، وَبَلِّغْهُ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرةً وَسَلاماً، وَرَحْمَةً وَبرَكَةً وَرِضْواناً، وَخَيْراً دائِماً وَغُفْراناً، إِنَّكَ سَمِيعُ اَلدُّعاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

پس خود را به قبر بچسبان، و ببوس ضريح را، و بگو:

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يا أَبا عَبْدِاَللهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ اَلْمُصِيبَةُ، وَجَلَّتِ اَلرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنا، وَعَلىٰ جَمِيعِ أَهْلِ اَلسَّماواتِ وَاَلْأَرْضِ؛ فَلَعَنَ اَللهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتالِكَ.

يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ، قَصَدْتُ حَرَمَكَ، وَأَتَيْتُ مَشْهَدَكَ. أَسْأَلُ ٱللهَ بِالشَّأْنِ ٱلَّذي لَكَ عِنْدَهُ، وَبِالْمَحَلِّ ٱلَّذي لَكَ لَدَيْهِ، أَنْ يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَني مَعَكُمْ في ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ.

پس دو رکعت نماز نزد سر آن حضرت بکن با هر سوره که خواهی، و دعا کن آنچه خواهی.

پس برخیز و برو و سلام کن بر علیّ بن الحسین علیهما السلام، و بر شهدا.

پس صلوات بفرست بر امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ به این صلوات:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى ٱلْحُسَيْنِ ٱلْمَظْلُومِ ٱلشَّهيدِ، قَتيلِ ٱلْعَبَراتِ، وَأَسيرِ ٱلْكُرُباتِ، صَلاةً نامِيَةً زاكِيَةً مُبارَكَةً، يَصْعَدُ أَوَّلُها وَلا يَنْفَدُ آخِرُها، أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلادِ ٱلْأَنْبِياءِ وَٱلْمُرْسَلينَ، يا رَبَّ ٱلْعالَمينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى ٱلْإِمامِ ٱلشَّهيدِ ٱلْمَقْتُولِ، ٱلْمَظْلُومِ ٱلْمَخْذُولِ، وَٱلسَّيِّدِ ٱلْقائِدِ، وَٱلْعابِدِ ٱلزّاهِدِ، ٱلْوَصِيِّ ٱلْخَليفَةِ، ٱلْإِمامِ ٱلصِّدّيقِ، ٱلطُّهْرِ ٱلطّاهِرِ، ٱلطَّيِّبِ ٱلْمُبارَكِ، ٱلرَّضِيِّ ٱلْمَرْضِيِّ، ٱلتَّقِيِّ ٱلْهادِي ٱلْمَهْدِيِّ، ٱلزّاهِدِ ٱلذّائِدِ، ٱلْمُجاهِدِ ٱلْعالِمِ، إِمامِ ٱلْهُدىٰ، سِبْطِ ٱلرَّسُولِ، وَقُرَّةِ عَيْنِ ٱلْبَتُولِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ـ .

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ سَيِّدي وَمَوْلايَ كَما عَمِلَ بِطاعَتِكَ، وَنَهىٰ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَبالَغَ في رِضْوانِكَ، وَأَقْبَلَ عَلىٰ إيمانِكَ، غَيْرَ قابِلٍ فيكَ عُذْراً، سِرّاً وَعَلانِيَةً، يَدْعُو ٱلْعِبادَ إِلَيْكَ، وَيَدُلُّهُمْ عَلَيْكَ، وَقامَ بَيْنَ يَدَيْكَ، يَهْدِمُ ٱلْجَوْرَ بِالصَّوابِ، وَيُحْيِي ٱلسُّنَّةَ بِالْكِتابِ، فَعاشَ في رِضْوانِكَ مَكْدُوداً، وَمَضىٰ عَلىٰ طاعَتِكَ وَفي أَوْلِيائِكَ[1] مَكْدُوحاً، وَقَضىٰ[2] إِلَيْكَ مَفْقُوداً، لَمْ يَعْصِكَ في لَيْلٍ وَلا نَهارٍ، بَلْ جاهَدَ فيكَ ٱلْمُنافِقينَ وَٱلْكُفّارَ .

اَللّٰهُمَّ فَاجْزِهِ خَيْرَ جَزاءِ ٱلصّادِقينَ ٱلْأَبْرارِ، وَضاعِفْ عَلَيْهِمُ ٱلْعَذابَ وَلِقاتِليهِ

---

۱ ـ «وفي ولائك» خ ل.

۲ ـ «ومَضىٰ» خ ل.

ٱلْعِقابَ، فَقَدْ قاتَلَ كَرِيماً، وَقُتِلَ مَظْلُوماً، وَمَضىٰ مَرْحُوماً، يَقُولُ: «أَنا ٱبْنُ رَسُولِ ٱللهِ مُحَمَّدٍ، وَٱبْنُ مَنْ زَكّىٰ وَعَبَدَ»، فَقَتَلُوهُ بِالْعَمْدِ ٱلْمُعْتَمَدِ، قَتَلُوهُ عَلَى ٱلْإِيمانِ، وَأَطاعُوا في قَتْلِهِ ٱلشَّيْطانَ، وَلَمْ يُراقِبُوا فِيهِ ٱلرَّحْمٰنَ.

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ سَيِّدِي وَمَوْلايَ صَلاةً تَرْفَعُ بِها ذِكْرَهُ، وَتُظْهِرُ بِها أَمْرَهُ، وَتُعَجِّلُ بِها نَصْرَهُ، وَٱخْصُصْهُ بِأَفْضَلِ قِسَمِ ٱلْفَضائِلِ يَوْمَ ٱلْقِيامَةِ، وَزِدْهُ شَرَفاً في أَعْلىٰ عِلِّيِّينَ، وَبَلِّغْهُ أَعْلىٰ شَرَفِ ٱلْمُكَرَّمِينَ، وَٱرْفَعْهُ مِنْ شَرَفِ رَحْمَتِكَ في شَرَفِ ٱلْمُقَرَّبِينَ في ٱلرَّفِيعِ ٱلْأَعْلىٰ، وَبَلِّغْهُ ٱلْوَسِيلَةَ، وَٱلْمَنْزِلَةَ ٱلْجَلِيلَةَ، وَٱلْفَضْلَ وَٱلْفَضِيلَةَ، وَٱلْكَرامَةَ ٱلْجَزِيلَةَ.

اَللّٰهُمَّ وَٱجْزِهِ عَنّا أَفْضَلَ ما جَزَيْتَ إِماماً عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَصَلِّ عَلىٰ سَيِّدِي وَمَوْلايَ كُلَّما ذُكِرَ، وَكُلَّما لَمْ يُذْكَرْ.

يا سَيِّدِي وَمَوْلايَ، أَدْخِلْنِي في حِزْبِكَ وَزُمْرَتِكَ، وَٱسْتَوْهِبْنِي مِنْ رَبِّكَ وَرَبِّي؛ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ ٱللهِ جاهاً وَقَدْراً، وَمَنْزِلَةً رَفِيعَةً، إِنْ سَأَلْتَ أُعْطِيتَ، وَإِنْ شَفَعْتَ شُفِّعْتَ.

اَللهَ ٱللهَ في عَبْدِكَ وَمَوْلاكَ، لا تُخَلِّنِي عِنْدَ ٱلشَّدائِدِ وَٱلْأَهْوالِ لِسُوءِ عَمَلِي، وَقَبِيحِ فِعْلِي، وَعَظِيمِ جُرْمِي؛ فَإِنَّكَ أَمَلِي وَرَجائِي، وَثِقَتِي وَمُعْتَمَدِي، وَوَسِيلَتِي إِلَى ٱللهِ رَبِّي وَرَبِّكَ؛ لَمْ يَتَوَسَّلِ ٱلْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى ٱللهِ بِوَسِيلَةٍ هِيَ أَعْظَمُ حَقّاً، وَلا أَوْجَبُ حُرْمَةً، وَلا أَجَلُّ قَدْراً عِنْدَهُ مِنْكُمْ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ، لا خَلَّفَنِيَ ٱللهُ عَنْكُمْ بِذُنُوبِي، وَجَمَعَنِي وَإِيّاكُمْ في جَنَّةِ عَدْنٍ ٱلَّتِي أَعَدَّها لَكُمْ وَلِأَوْلِيائِكُمْ، إِنَّهُ خَيْرُ ٱلْغافِرِينَ، وَأَرْحَمُ ٱلرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ أَبْلِغْ سَيِّدِي وَمَوْلايَ تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلاماً، وَٱرْدُدْ عَلَيْنا مِنْهُ ٱلتَّحِيَّةَ وَٱلسَّلامَ، إِنَّكَ جَوادٌ كَرِيمٌ، وَصَلِّ عَلَيْهِ كُلَّما ذُكِرَ ٱلسَّلامُ، وَكُلَّما لَمْ يُذْكَرْ، يا رَبَّ ٱلْعالَمِينَ.

پس دو رکعت نماز زیارت بکن، و دعا کن بعد از آن به دعاهایی که عقیب نماز زیارت گذشت.[۱،۲]

زیارت پانزدهم:

سیّد ابن طاووس ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده است که: شخصی را دیدند که آمد به نزد حضرت امام حسین علیه السلام با حلیه اعراب، و راحله خود را خوابانید و رفت به سوی ضریح مقدّس با سکینه و وقار تا ایستاد دَر دَرِ روضه منوّره، و اشاره کرد به دست خود به جانب ضریح و گفت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ ٱللهِ وَحُجَّتَهُ، سَلامُ مُسَلِّمٍ لِلّٰهِ فِيكَ، رادٍّ إِلَى ٱللهِ وَإِلَيْكَ، مُراعٍ حَقَّ مَا ٱسْتَرْعاكَ ٱللهُ خَلْقَهُ، وَٱسْتَرْعاكَ حَقَّهُ؛ فَأَنْتَ حُجَّتُهُ ٱلْكُبْرىٰ، وَكَلِمَتُهُ ٱلْعُظْمىٰ، وَطَرِيقَتُهُ ٱلْمُثْلىٰ، وَحُجَّتُهُ عَلىٰ أَهْلِ ٱلدُّنْيا، وَخَلِيفَتُهُ فِي ٱلْأَرْضِ وَٱلسَّماواتِ ٱلْعُلىٰ.

أَتَيْتُكَ زائِراً، وَلِآلاءِ ٱللهِ ذاكِراً، أَصْبَحَ ذَنْبِي عَظِيماً، وَأَصْبَحْتُ بِهِ عَلِيماً، فَكُنْ لِي بِحَظِّهِ زَعِيماً، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

پس پهلوی روی خود را بر ضریح گذاشت و گفت:

أَتَيْتُكَ لِلذُّنُوبِ مُقْتَرِفاً، وَبِهِنَّ مُعْتَرِفاً، فَكُنْ لِي إِلَى ٱللهِ شافِعاً، فَها أَنَا ذا قَدْ جِئْتُ عَنْهُنَّ نازِعاً، إِلَى ٱللهِ أَتَنَصَّلُ، وَبِكُمْ يا آلَ مُحَمَّدٍ أَتَوَسَّلُ، ٱلْآخِرِ مِنْكُمْ وَٱلْأَوَّلِ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكُمْ وَسَلَّمَ، وَكَرَّمَ وَأَجْزَلَ.

پس عقب ضریح ایستاد رو به قبر و بسیار نماز کرد، و دعا و استغفار کرد، و به سجده رفت و پهلوهای روی خود را بر خاک گذاشت و گفت:

إِلٰهِي إِيّاكَ قَصَدْتُ، وَإِلىٰ وَلِيِّكَ وَٱبْنِ وَلِيِّكَ وَفَدْتُ، نازِلاً بِعَقْوَتِكَ، عائِذاً بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، فَارْحَمْ غُرْبَتِي، وَأَقِلْ عَثْرَتِي، وَٱقْبَلْ تَوْبَتِي، وَأَحْسِنْ أَوْبَتِي،

---

۱ ـ نگاه کن: ص ۳۴۲، و مصباح الزائر: ۲۰۸.

۲ ـ مصباح الزّائر: ۲۴۵ ـ ۲۴۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۲۲ ـ ۲۲۶ ح ۳۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۷۱ ش ۱۱۴۷ وص ۳۳۵ ش ۱۱۷۱ وص ۵۶۴ ش ۱۲۳۴.

مَشْكُورَ ٱلْبَصِيرَةِ، مَغْفُورَ ٱلْعَلانِيَةِ وَٱلسَّرِيرَةِ، مِنْ كُلِّ كَبِيرَةٍ وَصَغِيرَةٍ.

اَللّٰهُمَّ ٱرْحَمْ ضَراعَتِي إِلَيْكَ، وَتَقَبَّلْ شَفاعَتِي بِهِ إِلَيْكَ، وَٱقْضِ حاجَتِي بِوَسِيلَتِي بِهِ لَدَيْكَ، وَٱجْعَلْها نَجاتِي مِنَ ٱلنّارِ، وَسُوءِ هٰذِهِ ٱلدّارِ، وَحَطِيطَةً لِذُنُوبِي وَٱلْآصارِ، يا عالِمَ ٱلْخَفايا وَٱلْأَسْرارِ.

إِلٰهِي إِنِّي ٱمْتَطَيْتُ إِلَيْكَ ٱلْمَهابَةَ، وَٱدَّرَعْتُ ٱلْمَثابَةَ، لَأْياً بَعْدَ لَأْيٍ، فِي غُدُوِّي وَمَسائِي إِلىٰ أَئِمَّتِي وَأَوْلِيائِي؛ فَابْعَثْنِي فِي أُسْرَتِهِمْ، وَٱحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ، يَوْمَ أُدْعىٰ مِنَ ٱلْحافِرَةِ لِحُضُورِ ٱلسّاهِرَةِ، وَمَوْقِفِ ٱلْحِسابِ فِي ٱلْآخِرَةِ.

پس گونه‌های رو را بر خاک گذاشت و تضرّع کرد و گریست، و گفت:

يا ذَا ٱلْجَلالِ وَٱلْإِكْرامِ، يا ذَا ٱلْحَوْلِ وَٱلطَّوْلِ، يا ذَا ٱلْقُوَّةِ وَٱلْحَوْلِ، نَجِّنِي مِنْ خَطَلِ ٱلْعَمَلِ وَٱلْقَوْلِ، وَآمِنِّي يَوْمَ ٱلْفَزَعِ وَٱلْهَوْلِ.

پس سر از سجده برداشت و سخن چند گفت که راوی نفهمید، و برخاست و نزد سر حضرت امام حسین علیه السلام ایستاد و گفت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ، وَعَلىٰ مَنِ ٱتَّبَعَكَ وَشَهِدَ ٱلْمَعْرَكَةَ مَعَكَ، وَٱلْوارِدِينَ مَصْرَعَكَ، يا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً.

أَتَيْتُكَ زائِراً يا وَلِيَّ ٱللهِ وَٱبْنَ وَلِيِّهِ وَوَصِيَّ نَبِيِّهِ، وَٱنْصَرَفْتُ مُوَدِّعاً غَيْرَ سَئِمٍ وَلا قالٍ، فَاجْعَلْنِي مِنْكَ بِبالٍ.

پس برگشت و سوار شد و روانه شد، و با کسی سخن نگفت[۱].

مؤلّف گوید که: ظاهر آن است که حضرت خضر یا یکی از حضرات ائمّه طاهرین علیهم السلام بوده باشد.

---

۱ ـ مصباح الزائر: ۲۵۰، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۲۸، موسوعة زيارات المعصومين علیهم السلام: ۳/ ۳۳۴ ش ۱۱۷۰ وص ۵۴۵ ش ۱۲۲۴، وص ۵۸۰ ش ۱۲۴۷.

زيارت شانزدهم:

سيّد ابن طاووس و شيخ محمّد بن المشهدی ـ رضي الله عنهما ـ روايت كرده‌اند از ابن عيّاش، از عبد المنعم بغدادی كه گفت: بيرون آمد از ناحيهٔ مقدّسه حضرت صاحب الامر ـ صلواتُ الله عليه ـ به سوی من بر دست محمّد بن غالب اصفهانی، كه آن حضرت نوشته بودند كه: چون خواهی زيارت كنی شهدای كربلا ـ رضوان الله عليهم ـ را، پس بايست نزد پاهای حضرت امام حسين‌ؑ كه قبر عليّ بن الحسين در آنجا است، و رو به سوی قبله كن به درستی كه اكثر شهدا در آنجايند، و اشاره كن به سوی عليّ بن الحسين و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَوَّلَ قَتيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَليلٍ، مِنْ سُلالَةِ إبْراهِيمَ اَلْخَلِيلِ، صَلَّى اَللهُ عَلَيْكَ، وَعَلىٰ أبِيكَ إذْ قالَ فِيكَ: قَتَلَ اَللهُ قَوْماً قَتَلُوكَ، يا بُنَيَّ ما أجْرَأَهُمْ عَلَى اَلرَّحْمٰنِ، وَعَلَى اَنْتِهاكِ حُرْمَةِ اَلرَّسُولِ! عَلَى اَلدُّنْيا بَعْدَكَ اَلْعَفا.

كَأَنِّي بِكَ بَيْنَ يَدَيْهِ ماثِلاً، وَلِلْكافِرِينَ قائِلاً:

أَنَا عَلِيُّ بْنُ اَلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيّ   نَحْنُ وَبَيْتِ اَللهِ أَوْلىٰ بِالنَّبِيّ
أَطْعَنُكُمْ بِالرُّمْحِ حَتّىٰ يَنْثَنِي   أَضْرِبُكُمْ بِالسَّيْفِ أَحْمِي عَنْ أَبِي
ضَرْبَ غُلامٍ هاشِمِيٍّ عَرَبِيّ   وَاَللهِ لا يَحْكُمُ فِينَا اَبْنُ اَلدَّعِيّ

حَتّىٰ قَضَيْتَ نَحْبَكَ، وَلَقيتَ رَبَّكَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوْلىٰ بِاللهِ وَبِرَسُولِهِ، وَأَنَّكَ اَبْنُ رَسُولِهِ وَاَبْنُ حُجَّتِهِ وَأَمِينِهِ.

حَكَمَ اَللهُ لَكَ عَلىٰ قاتِلِكَ مُرَّةَ بْنِ مُنْقِذِ بْنِ اَلنُّعْمانِ اَلْعَبْدِيِّ لَعَنَهُ اَللهُ وَأَخْزاهُ، وَمَنْ شَرِكَهُ في قَتْلِكَ وَكانُوا عَلَيْكَ ظَهِيراً؛ أَصْلاهُمُ اَللهُ جَهَنَّمَ، وَساءَتْ مَصِيراً.

وَجَعَلَنَا اَللهُ مِنْ مُلاقِيكَ وَمُرافِقِيكَ، وَمُرافِقِي جَدِّكَ وَأَبِيكَ، وَعَمِّكَ وَأَخِيكَ، وَأُمِّكَ اَلْمَظْلُومَةِ.

وَأَبْرَأُ إِلَى ٱللهِ مِنْ قاتِلِيكَ، وَأَسْأَلُ ٱللهَ مُرافَقَتَكَ في دارِ ٱلْخُلُودِ، وَأَبْرَأُ إِلَى ٱللهِ مِنْ أَعْدائِكَ أُولِي ٱلْجُحُودِ، وَٱلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِ ٱللهِ بْنِ ٱلْحُسَيْنِ، ٱلطِّفْلِ ٱلرَّضِيعِ، ٱلْمَرْمِيِّ ٱلصَّرِيعِ، ٱلْمُتَشَحِّطِ دَماً، ٱلْمُصَعَّدِ دَمُهُ في ٱلسَّماءِ، ٱلْمَذْبُوحِ بِالسَّهْمِ في حِجْرِ أَبِيهِ. لَعَنَ ٱللهُ رامِيَهُ حَرْمَلَةَ ابْنَ كاهِلٍ ٱلْأَسَدِيَّ وَذَوِيهِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِ ٱللهِ بْنِ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، مُبْلَى ٱلْبَلاءِ، وَٱلْمُنادِي بِالْوَلاءِ فِي عَرْصَةِ كَرْبَلاءَ، ٱلْمَضْرُوبِ مُقْبِلاً وَمُدْبِراً. لَعَنَ ٱللهُ قاتِلَهُ هانِيَ بْنَ ثُبَيْتٍ ٱلْحَضْرَمِيَّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَبِي ٱلْفَضْلِ ٱلْعَبّاسِ بْنِ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، ٱلْمُواسِي أَخاهُ بِنَفْسِهِ، ٱلْآخِذِ لِغَدِهِ مِنْ أَمْسِهِ، ٱلْفادِي لَهُ، ٱلْواقِي، ٱلسّاعِي إِلَيْهِ بِمائِهِ، ٱلْمَقْطُوعَةِ يَداهُ، لَعَنَ ٱللهُ قاتِلَيْهِ يَزِيدَ بْنَ وَقّادٍ وَحَكِيمَ بْنَ ٱلطُّفَيْلِ ٱلطّائِيَّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، ٱلصّابِرِ نَفْسُهُ مُحْتَسِباً، وَٱلنّائِي عَنِ ٱلْأَوْطانِ مُغْتَرِباً، ٱلْمُسْتَسْلِمِ لِلْقِتالِ، ٱلْمُسْتَقْدِمِ لِلنِّزالِ، ٱلْمَكْثُورِ بِالرِّجالِ. لَعَنَ ٱللهُ قاتِلَهُ هانِيَ بْنَ ثُبَيْتٍ ٱلْحَضْرَمِيَّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عُثْمانَ بْنِ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ ـ سَمِيِّ عُثْمانَ بْنِ مَظْعُونٍ ـ، لَعَنَ ٱللهُ رامِيَهُ بِالسَّهْمِ خَوْلِيَّ بْنَ يَزِيدَ ٱلْأَصْبَحِيَّ ٱلْأَيادِي، وَٱلْأَبانِيَّ ٱلدّارِمِيَّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، قَتِيلِ ٱلْأَبانِيِّ ٱلدّارِمِيِّ ـ لَعَنَهُ ٱللهُ وَضاعَفَ عَلَيْهِ ٱلْعَذابَ ٱلْأَلِيمَ ـ، وَصَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدُ، وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ ٱلصّابِرِينَ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَبِي بَكْرِ بْنِ ٱلْحَسَنِ ٱلزَّكِيِّ ٱلْوَلِيِّ، ٱلْمَرْمِيِّ بِالسَّهْمِ ٱلرَّدِيِّ. لَعَنَ ٱللهُ قاتِلَهُ عَبْدَ ٱللهِ بْنَ عُقْبَةَ ٱلْغَنَوِيَّ.

السَّلامُ عَلىٰ عَبْدِ ٱللهِ بْنِ ٱلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ٱلزَّكِيِّ. لَعَنَ ٱللهُ قاتِلَهُ وَرامِيَهُ حَرْمَلَةَ بْنَ

كاهِلٍ ٱلْأَسَدِيَّ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْقاسِمِ بْنِ ٱلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، ٱلْمَضْرُوبِ هامَتُهُ، ٱلْمَسْلُوبِ لامَتُهُ، حِيْنَ نادَى ٱلْحُسَيْنَ عَمَّهُ، فَجَلّىٰ عَلَيْهِ عَمُّهُ كَالصَّقْرِ، وَهُوَ يَفْحَصُ بِرِجْلَيْهِ ٱلتُّرابَ، وَٱلْحُسَيْنُ يَقُولُ: بُعْداً لِقَوْمٍ قَتَلُوكَ، وَمَنْ خَصْمُهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيامَةِ جَدُّكَ وَأَبُوكَ. ثُمَّ قالَ: عَزَّ وَٱللهِ عَلىٰ عَمِّكَ أَنْ تَدْعُوَهُ فَلا يُجِيبَكَ، أَوْ يُجِيبَكَ وَأَنْتَ قَتِيلٌ جَدِيلٌ فَلا يَنْفَعَكَ، هٰذا وَٱللهِ يَوْمٌ كَثُرَ واتِرُهُ، وَقَلَّ ناصِرُهُ.

جَعَلَنِيَ ٱللهُ مَعَكُما يَوْمَ جَمْعِكُما، وَبَوَّأَنِي مُبَوَّأَكُما، وَلَعَنَ ٱللهُ قاتِلَكَ عَمْرَو بْنَ سَعْدِ بْنِ نُفَيْلٍ ٱلأَزْدِيَّ، وَأَصْلاهُ جَحِيماً، وَأَعَدَّ لَهُ عَذاباً أَلِيماً.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَوْنِ بْنِ عَبْدِٱللهِ بْنِ جَعْفَرٍ، ٱلطَّيّارِ فِي ٱلْجِنانِ، حَلِيفِ ٱلْإِيمانِ، وَمُنازِلِ ٱلْأَقْرانِ، ٱلنّاصِحِ لِلرَّحْمٰنِ، ٱلتّالِي لِلْمَثانِي وَٱلْقُرْآنِ. لَعَنَ ٱللهُ قاتِلَهُ عَبْدَٱللهِ بْنَ قُطَيَّةَ[1] ٱلنَّبْهانِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِٱللهِ بْنِ جَعْفَرٍ، ٱلشّاهِدِ مَكانَ أَبِيهِ، وَٱلتّالِي لِأَخِيهِ، وَواقِيهِ بِبَدَنِهِ. لَعَنَ ٱللهُ قاتِلَهُ عامِرَ بْنَ نَهْشَلٍ ٱلتَّمِيمِيَّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ عَقِيلٍ. لَعَنَ ٱللهُ قاتِلَهُ وَرامِيَهُ بِشْرَ بْنَ خُوطٍ ٱلْهَمْدانِيَّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِ ٱلرَّحْمٰنِ بْنِ عَقِيلٍ. لَعَنَ ٱللهُ قاتِلَهُ وَرامِيَهُ عُمَرَ بْنَ خالِدِ بْنِ أَسَدٍ ٱلْجُهَنِيَّ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْقَتِيلِ ٱبْنِ ٱلْقَتِيلِ، عَبْدِٱللهِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ. وَلَعَنَ ٱللهُ قاتِلَهُ عامِرَ بْنَ صَعْصَعَةَ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَبِي عَبْدِٱللهِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ. وَلَعَنَ ٱللهُ رامِيَهُ وَقاتِلَهُ عَمْرَو بْنَ صُبَيْحٍ ٱلصَّيْداوِيَّ.

---

۱ ـ «قُطبة» خ ل.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي سَعِيدِ بْنِ عَقِيلٍ. وَلَعَنَ اَللهُ قاتِلَهُ لَقِيطَ بْنَ ناشِرٍ اَلْجُهَنِيَّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ سُلَيْمانَ ـ مَولَى اَلْحُسَيْنِ بْنِ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ ـ . وَلَعَنَ اَللهُ قاتِلَهُ سُلَيْمانَ بْنَ عَوْفٍ اَلْحَضْرَمِيَّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ قارِبٍ ـ مَوْلَى اَلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ـ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مُنْجِحٍ ـ مَولَى اَلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ـ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مُسْلِمِ بْنِ عَوْسَجَةَ اَلْأَسَدِيِّ، اَلْقائِلِ لِلْحُسَيْنِ ـ وَقَدْ أَذِنَ لَهُ فِي اَلِانْصِرافِ ـ: نَحْنُ نُخَلِّي عَنْكَ، وَبِمَ نَعْتَذِرُ[1] إِلَى اَللهِ مِنْ أَداءِ حَقِّكَ؟! وَلا وَاَللهِ حَتّىٰ أَكْسِرَ فِي صُدُورِهِمْ رُمْحِي، وَأَضْرِبَهُمْ بِسَيْفِي ما ثَبَتَ قائِمُهُ فِي يَدِي، وَلا أُفارِقُكَ؛ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ مَعِي سِلاحٌ أُقاتِلُهُمْ بِهِ، لَقَذَفْتُهُمْ بِالحِجارَةِ، ثُمَّ لَمْ أُفارِقْكَ حَتّىٰ أَمُوتَ مَعَكَ.

وَكُنتَ أَوَّلَ مَنْ شَرىٰ نَفْسَهُ، وَأَوَّلَ شَهِيدٍ مِنْ شُهَداءِ اَللهِ قَضىٰ نَحْبَهُ، فَفُزْتَ وَرَبِّ اَلْكَعْبَةِ، وَشَكَرَ اَللهُ لَكَ اَسْتِقْدامَكَ[2]، وَمُواساتَكَ إِمامَكَ، إِذْ مَشىٰ إِلَيْكَ ـ وَأَنْتَ صَرِيعٌ ـ فَقالَ: يَرْحَمُكَ اَللهُ يا مُسْلِمَ بْنَ عَوْسَجَةَ، وَقَرَأَ: ﴿فَمِنْهُمْ مَنْ قَضىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَما بَدَّلُوا تَبْدِيلاً﴾[3]. لَعَنَ اَللهُ اَلْمُشْتَرِكِيْنَ فِي قَتْلِكَ: عَبْدَاَللهِ اَلضَّبابِيَّ، وَعَبْدَاَللهِ بْنَ خُشْكارَةَ اَلْبَجَلِيَّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ سَعْدِ بْنِ عَبْدِاَللهِ اَلْحَنَفِيِّ، اَلْقائِلِ لِلْحُسَيْنِ ـ وَقَدْ أَذِنَ لَهُ فِي اَلِانْصِرافِ ـ: لا وَاَللهِ، لا نُخَلِّيكَ حَتّىٰ يَعْلَمَ اَللهُ أَنّا قَدْ حَفِظْنا غَيْبَةَ رَسُولِ اَللهِ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيكَ. وَاَللهِ لَوْ أَعْلَمُ أَنِّي أُقْتَلُ ثُمَّ أُحْيا، ثُمَّ أُحْرَقُ ثُمَّ أُذْرىٰ، وَيُفْعَلُ ذٰلِكَ بِي سَبْعِينَ مَرَّةً، ما فارَقْتُكَ حَتّىٰ أَلْقىٰ حِمامِي دُونَكَ؛ وَكَيْفَ لا أَفْعَلُ[4] ذٰلِكَ وَإِنَّما هِيَ مَوْتَةٌ أَوْ قَتْلَةٌ واحِدَةٌ، ثُمَّ هِيَ اَلْكَرامَةُ اَلَّتِي لَااَنْقِضاءَ لَها أَبَداً.

---

١ ـ «ولم نُعذِر» خ ل.
٢ ـ شكر الله استقدامك» خ ل.
٣ ـ احزاب: ٢٣.
٤ ـ «وكيف أفعل» خ ل.

فَقَدْ لَقِيتَ حِمامَكَ، وَواسَيْتَ إمامَكَ، وَلَقِيتَ مِنَ ٱللهِ ٱلْكَرامَةَ في دارِ ٱلْمُقامَةِ. حَشَرَنا ٱللهُ مَعَكُمْ في ٱلْمُسْتَشْهَدِينَ، وَرَزَقَنا مُرافَقَتَكُمْ في أَعْلىٰ عِلِّيِّينَ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ بِشْرِ بْنِ عُمَرَ ٱلْحَضْرَمِيِّ. شَكَرَ ٱللهُ لَكَ قَوْلَكَ لِلْحُسَيْنِ ـ وَقَدْ أَذِنَ لَكَ في ٱلاِنْصِرافِ ـ: أَكَلَتْنِي إذَنِ ٱلسِّباعُ حَيّاً، إذا فارَقْتُكَ وَأَسْأَلُ عَنْكَ ٱلرُّكْبانَ، وَأَخْذُلُكَ مَعَ قِلَّةِ ٱلْأَعْوانِ؛ لا يَكُونُ هٰذا أَبَداً.

اَلسَّلامُ عَلىٰ يَزِيدَ بْنِ حُصَيْنٍ ٱلْهَمْدانِيِّ ٱلْمَشْرِقِيِّ ٱلْقارِئِ، ٱلْمُجَدِّلِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عِمْرانَ بْنِ كَعْبٍ ٱلْأَنْصارِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ نَعِيمِ بْنِ ٱلْعَجْلانِ ٱلْأَنْصارِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ زُهَيْرِ بْنِ ٱلْقَيْنِ ٱلْبَجَلِيِّ، ٱلْقائِلِ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ ـ وَقَدْ أَذِنَ لَهُ في ٱلاِنْصِرافِ ـ: لا وَٱللهِ، لا يَكُونُ ذٰلِكَ أَبَداً، أَتْرُكُ ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ أَسِيراً في يَدِ ٱلْأَعْداءِ وَأَنْجُو أَنا! لا أَرانِيَ ٱللهُ ذٰلِكَ ٱلْيَوْمَ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَمْرِو بْنِ قُرْطَةَ[1] ٱلْأَنْصارِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ حَبِيبِ بْنِ مُظاهِرٍ ٱلْأَسَدِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْحُرِّ بْنِ يَزِيدَ ٱلرِّياحِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِٱللهِ بْنِ عُمَيْرٍ ٱلْكَلْبِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ نافِعِ بْنِ هِلالٍ ٱلْبَجَلِيِّ ٱلْمُرادِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَنَسِ بْنِ كاهِلٍ ٱلْأَسَدِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ قَيْسِ بْنِ مُسْهِرٍ ٱلصَّيْداوِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِٱللهِ وَعَبْدِ ٱلرَّحْمٰنِ ـ ٱبْنَي عُرْوَةَ بْنِ حَرّاقٍ ـ ٱلْغِفارِيَّيْنِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ جَوْنٍ ـ مَوْلىٰ أَبِي ذَرٍّ ٱلْغِفارِيِّ ـ.

---

۱ ـ «قَرظَة» اقبال الاعمال وكتب ديگر.

اَلسَّلامُ عَلىٰ شَبِيبِ بْنِ عَبْدِاللهِ ٱلنَّهْشَلِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْحَجّاجِ بْنِ زَيْدٍ ٱلسَّعْدِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ قاسِطٍ وَكِرْشٍ ـ اِبْنَي زُهَيْرٍ ـ ٱلتَّغْلِبِيَّيْنِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ كِنانَةَ بْنِ عَتِيْقٍ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ ضِرْغامَةَ بْنِ مالِكٍ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ جُوَيْنِ بْنِ مالِكٍ ٱلضَّبُعِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَمْرِو بْنِ ضُبَيْعَةَ ٱلضَّبُعِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ زَيْدِ بْنِ ثُبَيْتٍ ٱلْقَيْسِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِاللهِ وَعُبَيْدِاللهِ ـ اَبْنَيْ يَزِيدَ بْنِ ثُبَيْتٍ ٱلْقَيْسِيِّ ـ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عامِرِ بْنِ مُسْلِمٍ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ قَعْنَبِ بْنِ عَمْرٍو ٱلنَّمِرِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ سالِمٍ ـ مَوْلىٰ عامِرِ بْنِ مُسْلِمٍ ـ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ سَيْفِ بْنِ مالِكٍ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ زُهَيْرِ بْنِ بِشْرٍ ٱلْخَثْعَمِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ بَدْرِ بْنِ مَعْقِلٍ ٱلْجُعْفِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْحَجّاجِ بْنِ مَسْرُوقٍ ٱلْجُعْفِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَسْعُودِ بْنِ ٱلْحَجّاجِ، وَٱبْنِهِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مُجَمِّعِ بْنِ عَبْدِاللهِ ٱلْعائِذِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَمّارِ بْنِ حَسّانِ بْنِ شُرَيْحٍ ٱلطّائِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ حَيّانِ بْنِ ٱلْحارِثِ ٱلسَّلْمانِيِّ ٱلْأَزْدِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ جُنْدبِ بْنِ حُجْرٍ اَلْخَوْلانِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عُمَرَ بْنِ خالِدٍ اَلصَّيْداوِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ سَعِيدٍ ـ مَوْلاهُ ـ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ يَزِيدَ بْنِ زِيادِ بْنِ اَلْمُظاهِرِ اَلْكِنْدِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ زاهِرٍ ـ مَوْلىٰ عَمْرِو بْنِ اَلْحَمِقِ اَلْخُزاعِيِّ ـ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ جَبَلَةَ بْنِ عَلِيٍّ اَلشَّيْبانِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ سالِمٍ ـ مَوْلىٰ بَنِي اَلْمَدِينَةِ ـ اَلْكَلْبِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَسْلَمَ بْنِ كَثِيرٍ اَلْأَزْدِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ زُهَيْرِ بْنِ سُلَيْمٍ اَلْأَزْدِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ قاسِمِ بْنِ حَبِيبٍ اَلْأَزْدِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عُمَرَ بْنِ اَلْأُحْدُوثِ اَلْحَضْرَمِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَبِي ثُمامَةَ عُمَرَ بْنِ عَبْدِاَللهِ اَلصّائِدِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ حَنْظَلَةَ بْنِ أَسْعَدَ اَلشّامِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَبْدِاَلرَّحْمٰنِ بْنِ عَبْدِاَللهِ بْنِ اَلْكَدِنِ اَلْأَرْحَبِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَمّارِ بْنِ أَبِي سَلامَةَ اَلْهَمْدانِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عابِسِ بْنِ شَبِيبٍ اَلشّاكِرِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ شَوْذَبٍ ـ مَوْلىٰ شاكِرٍ ـ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ شَبِيبِ بْنِ اَلْحارِثِ بْنِ سَرِيعٍ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مالِكِ بْنِ عَبْدِ بْنِ سَرِيعٍ.

اَلسَّلامُ عَلَى اَلْجَرِيحِ اَلْمَأْسُورِ: سِوارِ بْنِ أَبِي حَمِيرٍ اَلْفَهْمِيِّ اَلْهَمْدانِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلَى اَلْمُرْتَثِّ مَعَهُ: عَمْرِو بْنِ عَبْدِاللهِ اَلْجُنْدُعِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا خَيْرَ أَنْصارٍ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى اَلدّارِ؛ بَوَّأَكُمُ اللهُ مُبَوَّأَ الْأَبْرارِ.

أَشْهَدُ لَقَدْ كَشَفَ اللهُ لَكُمُ الْغِطاءَ، وَمَهَّدَ لَكُمُ الْوِطاءَ، وَأَجْزَلَ لَكُمُ الْعَطاءَ، وَكُنْتُمْ عَنِ الْحَقِّ غَيْرَ بِطاءٍ، وَأَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ، وَنَحْنُ لَكُمْ خُلَطاءُ فِي دارِ الْبَقاءِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ[۱].

مؤلّف گويد که: در اکثر مزارات، اين زيارت را از زيارات مخصوصهٔ ايّام عاشورا ذکر کرده‌اند؛ و چون از روايتش اختصاص معلوم نمی‌شد، ما در زيارات مطلقه ايراد کرديم.

---

۱ ـ اقبال الاعمال: ۷۳/۳، مزار کبير: ۴۸۵ ـ ۴۹۵، مصباح الزّائر: ۲۷۸ ـ ۲۸۶، بحارالأنوار: ۲۶۹/۱۰۱، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۵۱۳/۳ ـ ۵۲۹ ش ۱۲۱۰.

فصل سوم

در زیارت عبّاس بن علیّ علیه السلام است

به سند بسیار معتبر از ابو حمزهٔ ثُمالی منقول است که حضرت امام جعفر صادق ـ صلوات الله علیه ـ فرمود که: چون اراده نمایی که زیارت کنی قبر عبّاس بن علی را ـ و آن بر کنار فرات است محاذی حایر ـ، می‌ایستی بر در روضه و می‌گویی:

سَلامُ اَللهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ اَلْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيائِهِ اَلْمُرْسَلِينَ، وَعِبادِهِ اَلصّالِحِينَ، وَجَمِيعِ اَلشُّهَداءِ وَاَلصِّدِّيقِينَ، وَاَلزّاكِياتُ اَلطَّيِّباتُ فِيما تَغْتَدِي وَتَرُوحُ، عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ.

أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَاَلتَّصْدِيقِ وَاَلْوَفاءِ وَاَلنَّصِيحَةِ لِخَلَفِ اَلنَّبِيِّ ـ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ اَلْمُرْسَلِ وَاَلسِّبْطِ اَلْمُنْتَجَبِ، وَاَلدَّلِيلِ اَلْعالِمِ، وَاَلْوَصِيِّ اَلْمُبَلِّغِ، وَاَلْمَظْلُومِ اَلْمُهْتَضَمِ.

فَجَزاكَ اَللهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ وَعَنِ اَلْحَسَنِ وَاَلْحُسَيْنِ ـ صَلَواتُ اَللهِ عَلَيْهِمْ ـ أَفْضَلَ اَلْجَزاءِ، بِما صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ وَأَعَنْتَ، فَنِعْمَ عُقْبَى اَلدّارِ.

لَعَنَ اَللهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اَللهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ، وَلَعَنَ اَللهُ مَنْ حالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ ماءِ اَلْفُراتِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً، وَأَنَّ اَللهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ ما وَعَدَكُمْ.

جِئْتُكَ يَا ٱبْنَ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ وافِداً إِلَيْكُمْ، وَقَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ وَتابِعٌ[۱]، وَأَنا لَكُمْ تابِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّىٰ يَحْكُمَ ٱللهُ وَهُوَ خَيْرُ ٱلْحاكِمِينَ.

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ، لا مَعَ عَدُوِّكُمْ. إِنِّي بِكُمْ وَبِإِيابِكُمْ[۲] مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَنْ خالَفَكُمْ وَقَتَلَكُمْ مِنَ ٱلْكافِرِينَ.

قَتَلَ ٱللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ بِالْأَيْدِي وَٱلْأَلْسُنِ.

پس داخل روضه شو، و خود را به ضريح بچسبان و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلْعَبْدُ ٱلصّالِحُ، ٱلْمُطِيعُ لِلّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَلِأَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمَ ـ، وَٱلسَّلامُ[۳] عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوانُهُ، وَعَلىٰ[۴] رُوحِكَ وَبَدَنِكَ.

أَشْهَدُ وَأُشْهِدُ ٱللهَ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلىٰ ما مَضىٰ بِهِ[۵] ٱلْبَدْرِيُّونَ، وَٱلْمُجاهِدُونَ[۶] في سَبِيلِ ٱللهِ، ٱلْمُناصِحُونَ لَهُ في جِهادِ أَعْدائِهِ، ٱلْمُبالِغُونَ في نُصْرَةِ أَوْلِيائِهِ، اَلذّابُّونَ عَنْ أَحِبّائِهِ.

فَجَزاكَ ٱللهُ أَفْضَلَ ٱلْجَزاءِ، وَأَكْثَرَ ٱلْجَزاءِ، وَأَوْفَرَ ٱلْجَزاءِ، وَأَوْفىٰ جَزاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفىٰ بِبَيْعَتِهِ، وَٱسْتَجابَ لَهُ دَعْوَتَهُ، وَأَطاعَ وُلاةَ أَمْرِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بالَغْتَ فِي ٱلنَّصِيحَةِ، وَأَعْطَيْتَ غايَةَ ٱلْمَجْهُودِ، فَبَعَثَكَ ٱللهُ فِي ٱلشُّهَداءِ، وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْواحِ ٱلسُّعَداءِ، وَأَعْطاكَ مِنْ جِنانِهِ أَفْسَحَها مَنْزِلاً، وَأَفْضَلَها غُرَفاً؛ وَرَفَعَ ذِكْرَكَ في عِلِّيِّينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ ٱلنَّبِيِّينَ وَٱلصِّدِّيقِينَ، وَٱلشُّهَداءِ وَٱلصّالِحِينَ، وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقاً.

---

۱ ـ «مسلّم لكم» خ ل.
۲ ـ «وبآبائكم» خ ل.
۳ ـ «السّلام» خ ل.
۴ ـ «وبركاته ومغفرته على» خ ل.
۵ ـ «عليه» خ ل.
۶ ـ «المجاهدون» خ ل.

أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهُنْ وَلَمْ تَنْكَلْ، وَأَنَّكَ مَضَيْتَ عَلىٰ بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِياً بِالصّالِحِينَ، وَمُتَّبِعاً لِلنَّبِيِّينَ.

فَجَمَعَ اللهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَأَوْلِيائِهِ فِي مَنازِلِ الْمُخْبِتِينَ، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرّاحِمِينَ.

و چون خواهی که وداع کنی، برو به نزد قبر و بگو:

أَسْتَوْدِعُكَ اللهَ وَأَسْتَرْعِيكَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلامَ.

آمَنّا بِاللهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِكِتابِهِ، وَبِما جاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللهِ، اَللّٰهُمَّ اكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ.

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِي قَبْرَ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ، وَارْزُقْنِي زِيارَتَهُ أَبَداً ما أَبْقَيْتَنِي، وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبائِهِ فِي الْجِنانِ، وَعَرِّفْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ رَسُولِكَ وَأَوْلِيائِكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَفَّنِي عَلَى الْإِيمانِ بِكَ، وَالتَّصْدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَالْوِلايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ، وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَالْبَراءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ، فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ يا رَبِّي بِذٰلِكَ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

و دعا کن از برای خود و از برای مؤمنان و مسلمانان، و هر دعا که خواهی بکن[1].

مؤلّف گوید که: موافق روایت ابو حمزه، این است که مذکور شد؛ و شیخ مفید و غیر او بعد «فِي مَنازِلِ الْمُخْبِتِينَ فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرّاحِمِين» گفته‌اند:

پس برو به سوی بالای سر و دو رکعت نماز بکن، و بعد از آن آنچه خواهی نماز بکن، و دعا بسیار بکن، و بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تَدَعْ لِي فِي هٰذَا الْمَكانِ الْمُكَرَّمِ

---

۱ ـ كامل الزيارات: ۲۵۶ ـ ۲۵۸ ب۸۵ و۸۶ ح۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۷۷ ـ ۲۸۸ ح۱ و۲، موسوعة زيارات المعصومين‌ؑ: ۳/ ۵۳۰ ش۱۲۱۱ وص۵۸۸ ش۱۲۵۵.

وَالْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ ذَنْباً إِلّا غَفَرْتَهُ، وَلا هَمّاً إِلّا فَرَّجْتَهُ، وَلا مَرَضاً إِلّا شَفَيْتَهُ، وَلا عَيْباً إِلّا سَتَرْتَهُ، وَلا رِزْقاً إِلّا بَسَطْتَهُ، وَلا خَوْفاً إِلّا آمَنْتَهُ، وَلا شَمْلاً إِلّا جَمَعْتَهُ، وَلا غائِباً إِلّا حَفِظْتَهُ وَأَدَّيْتَهُ، وَلا حاجَةً مِنْ حَوائِجِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ لَكَ فِيها رِضىً وَلِيَ فِيها صَلاحٌ إِلّا قَضَيْتَها، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس برگرد به سوی ضریح، و نزد پاها بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبّاسَ بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلاماً، وَأَقْدَمِهِمْ إِيماناً، وَأَقْوَمِهِمْ بِدِينِ اللهِ، وَأَحْوَطِهِمْ عَلَى الْإِسْلامِ.

أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَخِيكَ، فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُواسِي.

فَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحارِمَ، وَانْتَهَكَتْ حُرْمَةَ الْإِسْلامِ، فَنِعْمَ الصّابِرُ الْمُجاهِدُ، الْمُحامِي النّاصِرُ، وَالْأَخُ الدّافِعُ عَنْ أَخِيهِ، الْمُجِيبُ إِلىٰ طاعَةِ رَبِّهِ، الرّاغِبُ فِيما زَهِدَ فِيهِ غَيْرُهُ مِنَ الثَّوابِ الْجَزِيلِ، وَالثَّناءِ الْجَمِيلِ، فَأَلْحَقَكَ اللهُ بِدَرَجَةِ آبائِكَ في دارِ[1] النَّعِيمِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِزِيارَةِ أَوْلِيائِكَ رَغْبَةً في ثَوابِكَ، وَرَجاءً لِمَغْفِرَتِكَ، وَجَزِيلِ إِحْسانِكَ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ، وَأَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دارّاً، وَعَيْشِي قارّاً، وَزِيارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَحَياتِي بِهِمْ طَيِّبَةً، وَأَدْرِجْنِي إِدْراجَ الْمُكْرَمِينَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مِنْ زِيارَةِ مَشاهِدِ أَحِبّائِكَ مُنْجِحاً، قَدِ اسْتَوْجَبَ غُفْرانَ الذُّنُوبِ، وَسَتْرَ الْعُيُوبِ، وَكَشْفَ الْكُرُوبِ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوىٰ، وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ[2].

---

۱ ـ «في جنّات» خ ل.

۲ ـ مزار کبیر: ۳۸۸ ـ ۳۹۱، بحارالانوار: ۲۱۷/۱۰۱، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۳/ ۵۳۴ ش ۱۲۱۴.

فصل چهارم

در زیارت مخصوص وداع است

به سند معتبر از ابوحمزهٔ ثمالی منقول است که حضرت صادق ؈ فرمود که: باید که زیارت حضرت امام حسین؈ در مدّتی که نزدیک قبر آن حضرت هستی بسیار بکنی تا توانی، و باید که توقف تو در نینوی و در غاضریّه باشد.

و هرگاه ارادهٔ زیارتِ وداع نمایی غسل بکن، و چون از زیارت فارغ شوی برابر روی آن حضرت بایست، و دست بر ضریح بگذار و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ، أَنْتَ لِي جُنَّةٌ مِنَ ٱلْعَذابِ، وَهٰذا أَوانُ ٱنْصِرافِي عَنْكَ غَيْرَ راغِبٍ عَنْكَ، وَلا مُسْتَبْدِلٍ بِكَ سِواكَ، وَلا مُؤْثِرٍ عَلَيْكَ غَيْرَكَ، وَلا زاهِدٍ في قُرْبِكَ، وَجُدْتُ بِنَفْسِي لِلْحَدَثانِ، وَتَرَكْتُ ٱلْأَهْلَ وَٱلْأَوْطانَ، فَكُنْ لِي شافِعاً يَوْمَ حاجَتِي وَفَقْرِي وَفاقَتِي، وَيَوْمَ لا يُغْنِي عَنِّي والِدِي، وَلا وَلَدِي، وَلا حَمِيمِي، وَلا قَرِيبِي.

أَسْأَلُ ٱللهَ ٱلَّذِي قَدَّرَ وَخَلَقَ، أَنْ يُنَفِّسَ بِكَ كَرْبِي.

وَأَسْأَلُ ٱللهَ ٱلَّذِي قَدَّرَ عَلَيَّ فِراقَ مَكانِكَ، أَنْ لا يَجْعَلَهُ آخِرَ ٱلْعَهْدِ مِنِّي وَمِنْ رَجْعَتِي.

وَأَسْأَلُ ٱللهَ ٱلَّذِي أَبْكىٰ عَلَيْكَ عَيْنِي، أَنْ يَجْعَلَهُ سَنَداً لِي.

وَأَسْأَلُ ٱللهَ ٱلَّذِي نَقَلَنِي إِلَيْكَ مِنْ رَحْلِي وَأَهْلِي، أَنْ يَجْعَلَهُ ذُخْراً لِي.

وَأَسْأَلُ ٱللهَ ٱلَّذِي أَرانِي مَكانَكَ وَهَدانِي لِلتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ وَلِزِيارَتِي إِيّاكَ،

أَنْ يُورِدَنِي حَوْضَكُمْ، وَيَرْزُقَنِي مُرافَقَتَكُمْ فِي الْجِنانِ مَعَ آبائِكَ الصّالِحِينَ، صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ[1] بْنِ عَبْدِ اللّهِ، حَبِيبِ اللّهِ وَصِفْوَتِهِ، وَأَمِينِهِ وَرَسُولِهِ، وَسَيِّدِ النَّبِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ اللّهِ رَبِّ[2] الْعالَمِينَ، وَقائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، اَلسَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الرّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ فِي الْحَيْرِ[3] مِنْكُمْ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللّهِ الْباقِينَ الْمُقِيمِينَ، الْمُسَبِّحِينَ الَّذِينَ هُمْ بِأَمْرِ رَبِّهِمْ قائِمُونَ[4]، اَلسَّلامُ عَلَيْنا وَعَلىٰ عِبادِ اللّهِ الصّالِحِينَ، وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ.

و می‌گویی:

سَلامُ اللّهِ وَسَلامُ مَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيائِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبادِهِ الصّالِحِينَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّهِ عَلَيْكَ، وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، وَعَلىٰ ذُرِّيَّتِكَ، وَعَلىٰ مَنْ[5] حَضَرَكَ مِنْ أَوْلِيائِكَ.

أَسْتَوْدِعُكَ اللّهَ وَأَسْتَرْعِيكَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلامَ، آمَنّا بِاللّهِ وَبِرَسُولِ اللّهِ[6] وَبِما جاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللّهِ، اَللّٰهُمَّ اكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ.

و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِي ابْنَ رَسُولِكَ، وَارْزُقْنِي زِيارَتَهُ أَبَداً ما أَبْقَيْتَنِي. اَللّٰهُمَّ وَانْفَعْنِي بِحُبِّهِ يا رَبَّ الْعالَمِينَ، اَللّٰهُمَّ ابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

---

۱ ـ «على رسول الله محمّد» خ ل.

۲ ـ «ووصيّ رسول ربّ» خ ل.

۳ ـ «الحاير» خ ل.

۴ ـ «مقيمون» خ ل.

۵ ـ «ومن» خ ل.

۶ ـ «وبرسوله» خ ل.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَعْدَ ٱلصَّلاةِ وَٱلتَّسْلِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ لا تَجْعَلَهُ آخِرَ ٱلْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِي إِيّاهُ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ يا رَبِّ فَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبائِهِ وَأَوْلِيائِهِ، وَإِنْ أَبْقَيْتَنِي يا رَبِّ فَارْزُقْنِي ٱلْعَوْدَ إِلَيْهِ، ثُمَّ ٱلْعَوْدَ إِلَيْهِ بَعْدَ ٱلْعَوْدِ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ لِي لِسانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيائِكَ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشاهِدَهُمْ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تَشْغَلْنِي عَنْ ذِكْرِكَ بِإِكْثارٍ عَلَيَّ مِنَ ٱلدُّنْيا تُلْهِينِي عَجائِبُ بَهْجَتِها، وَتَفْتِنِّي زَهَراتُ زِينَتِها، وَلا بِإِقْلالٍ يَضُرُّ بِعَمَلِي كَدُّهُ، وَيَمْلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ؛ وَأَعْطِنِي مِنْ ذٰلِكَ غِنىً عَنْ شِرارِ خَلْقِكَ، وَبَلاغاً أَنالُ بِهِ رِضاكَ يا رَحْمٰنُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَلائِكَةَ ٱللهِ، وَزُوّارَ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ ٱللهِ.

پس جانب راست روی خود را و جانب چپ روی خود را بر ضریح بگذار، و الحاح و مبالغه کن در دعا و حاجت طلبیدن.

پس چون بیرون روی، رو از قبر مگردان تا بیرون روی.

و چون خواهی که شهدا را وداع کنی، روی خود را به جانب قبور ایشان بگردان و بگو:

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ ٱلْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِي إِيّاهُمْ، وَأَشْرِكْنِي[1] مَعَهُمْ فِي صالِحِ ما أَعْطَيْتَهُمْ عَلىٰ نَصْرِهِمُ ٱبْنَ نَبِيِّكَ، وَحُجَّتَكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَجِهادِهِمْ مَعَهُ فِي سَبِيلِكَ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْمَعْنا وَإِيّاهُمْ فِي جَنَّتِكَ[2] مَعَ ٱلشُّهَداءِ وَٱلصّالِحِينَ، وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقاً.

أَسْتَوْدِعُكُمُ ٱللهَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمُ ٱلسَّلامَ.

اَللّٰهُمَّ ٱرْزُقْنِي ٱلْعَوْدَ إِلَيْهِمْ، وَٱحْشُرْنِي مَعَهُمْ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ[3].

مؤلف گوید که: ***شیخ مفید*** و ***سیّد ابن طاووس*** و غیر ایشان زیارت وداع را به همان نحو

---

۱ ـ «وَأَدْخِلْني» خ ل. ۲ ـ «جِنّاتك» خ ل.

۳ ـ کامل الزیارات: ۲۵۳ ب ۸۴ ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۸۰ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۵۷۴ ش ۱۲۴۳.

که مذکور شد ذکر کرده‌اند تا «**اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعالَمِينَ**».

و گفته‌اند که:

پس اشاره کن به سوی قبر به انگشت شهادت دست راست و بگو: **سَلامُ اَللّٰهِ وَمَلائِكَتِهِ ...** ـ تا ـ **مَعَ اَلشّاهِدِينَ**.

پس دستها را به سوی آسمان بلند کن و بگو: **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ...**

و دعاها را ذکر کرده‌اند تا آخر وداع شهداء و گفته‌اند:

پس بیرون رو، و رو را از قبر مگردان تا از دیده‌ات پنهان شود، و بایست نزد درگاه رو به قبله و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبِالشَّأْنِ اَلَّذِي جَعَلْتَهُ لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَتَقَبَّلَ عَمَلِي، وَتَشْكُرَ سَعْيِي، وَتُعَرِّفَنِي اَلْإِجابَةَ في جَمِيعِ دُعائِي، وَلا تُخَيِّبْ سَعْيِي، وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ اَلْعَهْدِ مِنِّي بِهِ، وَاَرْدُدْنِي إِلَيْهِ بِبِرٍّ، وَاَرْزُقْنِي رِزْقاً واسِعاً حَلالاً كَثِيراً عاجِلاً، صَبّاً صَبّاً، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ، وَلا مَنٍّ مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَاَجْعَلْهُ واسِعاً مِنْ فَضْلِكَ، كَثِيراً مِنْ عَطِيَّتِكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ: ﴿وَاَسْأَلُوا اَللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ﴾[1] فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ، وَمِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ، وَمِنْ يَدِكَ اَلْمَلْأىٰ أَسْأَلُ، فَلا تَرُدَّنِي خائِباً، فَإِنِّي ضَعِيفٌ فَضاعِفْ لِي، وَعافِنِي إِلىٰ مُنْتَهىٰ أَجَلِي، وَاَجْعَلْ لِي في كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَها عَلىٰ عِبادِكَ أَوْفَرَ نَصِيبٍ، وَاَجْعَلْنِي خَيْراً مِمّا أَنا عَلَيْهِ، وَاَجْعَلْ ما أَصِيرُ إِلَيْهِ خَيْراً مِمّا يَنْقَطِعُ عَنِّي، وَاَجْعَلْ سَرِيرَتِي خَيْراً مِنْ عَلانِيَتِي، وَأَعِذْنِي مِنْ أَنْ يَرَى اَلنّاسُ فِيَّ خَيْراً وَلا خَيْرَ فِيَّ، وَاَرْزُقْنِي مِنَ اَلتِّجارَةِ أَوْسَعَها رِزْقاً وَأَعْظَمَها فَضْلاً، وَآتِنِي يا سَيِّدِي وَعِيالِي بِرِزْقٍ واسِعٍ تُغْنِينا بِهِ عَنْ دُناةِ خَلْقِكَ، وَلا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنَ اَلْعِبادِ فِيهِ مَنّاً، وَاَجْعَلْنِي

---

۱ ـ نساء: ۳۲.

مِمَّنِ اسْتَجابَ لَكَ وَآمَنَ بِوَعْدِكَ وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ، وَلا تَجْعَلْنِي أَخْيَبَ وَفْدِكَ وَزُوّارِ ابْنِ نَبِيِّكَ، وَأَعِذْنِي مِنَ الْفَقْرِ وَمَواقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، وَاقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً لِي بِأَفْضَلِ ما يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُوّارِ أَوْلِيائِكَ، وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِمْ، وَإِنْ لَمْ تَكُنِ اسْتَجَبْتَ لِي وَغَفَرْتَ لِي وَرَضِيتَ عَنِّي، فَمِنَ الْآنَ فَاسْتَجِبْ لِي، وَاغْفِرْ لِي، وَارْضَ عَنِّي قَبْلَ أَنْ تَنْأىٰ عَنِ ابْنِ نَبِيِّكَ دارِي، فَهٰذا أَوانُ انْصِرافِي ـ إِنْ كُنْتَ أَذِنْتَ لِي ـ غَيْرَ راغِبٍ عَنْكَ وَلا عَنْ أَوْلِيائِكَ، وَلا مُسْتَبْدِلٍ بِكَ وَلا بِهِمْ.

اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ، وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي، وَعَنْ شِمالِي، حَتّىٰ تُبَلِّغَنِي أَهْلِي، فَإِذا بَلَّغْتَنِي فَلا تَبْرَأْ مِنِّي، وَأَلْبِسْنِي وَإِيّاهُمْ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَاكْفِنِي مَؤُونَةَ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَامْنَعْنِي مِنْ أَنْ يَصِلَ إِلَيَّ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ بِسُوءٍ، فَإِنَّكَ وَلِيُّ ذٰلِكَ وَالْقادِرُ عَلَيْهِ، وَأَعْطِنِي جَمِيعَ ما سَأَلْتُكَ، وَمُنَّ عَلَيَّ بِهِ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس برگرد با گفتن اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ، و سُبْحانَ اللّٰهِ، و لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ، و اللّٰهُ أَكْبَرُ[۱].

و به سند معتبر دیگر از یوسف کناسی منقول است که حضرت صادق ﷺ فرمود که: چون خواهی وداع کنی حسین بن علی ﷺ را بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلامَ، آمَنّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِما جِئْتَ بِهِ وَدَلَلْتَ عَلَيْهِ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ.

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّا وَمِنْهُ.

اَللّٰهُمَّ إِنّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَنْفَعَنا بِحُبِّهِ.

اَللّٰهُمَّ ابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً تَنْصُرُ بِهِ دِينَكَ، وَتَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ، وَتُبِيرُ بِهِ مَنْ نَصَبَ

---

۱ ـ مزار مفید: ۱۳۰، تهذیب الاحکام: ۶/ ۶۷ ـ ۷۰، مصباح الزائر: ۲۱۷ ـ ۲۲۰، مزار کبیر: ۳۹۲ ـ ۳۹۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۸۳.

حَرْباً لِآلِ مُحَمَّدٍ، فَإِنَّكَ وَعَدْتَهُ ذٰلِكَ، وَأَنْتَ لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ شُهَداءُ نُجَباءُ، جاهَدْتُمْ في سَبِيلِ ٱللهِ، وَقُتِلْتُمْ عَلىٰ مِنْهاجِ رَسُولِ ٱللهِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ وَٱبْنِ رَسُولِهِ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

أَنْتُمُ ٱلسّابِقُونَ وَٱلْمُهاجِرُونَ وَٱلْأَنْصارُ؛ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصارُ ٱللهِ وَأَنْصارُ رَسُولِهِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ.

فَالْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي صَدَقَكُمْ وَعْدَهُ، وَأَراكُمْ ما تُحِبُّونَ، وَصَلَّى ٱللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ لا تَشْغَلْنِي فِي ٱلدُّنْيا عَنْ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ، لا بِإِكْثارٍ تُلْهِينِي عَجائِبُ بَهْجَتِها، وَتَفْتِنِّي زَهَراتُ زِينَتِها، وَلا بِإِقْلالٍ يَضُرُّ بِعَمَلِي كَدُّهُ، وَيَمْلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ؛ أَعْطِنِي مِنْ ذٰلِكَ غِنىً عَنْ شِرارِ خَلْقِكَ، وَبَلاغاً أَنالُ رِضاكَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ، وَصَلَّى ٱللهُ عَلىٰ رَسُولِ ٱللهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ ٱللهِ، وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ ٱلطَّيِّبِينَ ٱلْأَخْيارِ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ[1].

---

١ ـ كامل الزيارات: ٢٥٢ ب٨٤ ح١، من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٩٧ ح٣٢٠٣ ـ تا «يا أرحم الراحمين» ـ، بحارالانوار: ١٠١/٢٨٢ ح٣، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ٣/ ٥٧٢ ش ١٢٤٠.

فصل پنجم

در بیان سایر اعمال که مستحبّ است
که در روضهٔ مقدّسه واقع سازند

شیخ طوسی ـ علیه الرّحمة ـ در کتاب مصباح در بیان اعمال روز جمعه ذکر کرده است که: مستحبّ است که دعای مظلوم را نزد قبر ابی‌عبدالله الحسین ـ صلوات الله علیه ـ بخواند، و آن دعا این است:

اَللّٰهُمَّ إنِّي أعْتَزُّ بِدِينِكَ، وَأكْرُمُ بِهِدايَتِكَ، وَ ـ فُلانٌ ـ يُذِلُّنِي بِشَـرِّهِ، وَيُـهِينُنِي بِأذِيَّتِهِ، وَيَعِيبُنِي بِوِلاءِ أوْلِيائِكَ، وَيَبْهَتُنِي بِدَعْواهُ؛ وَقَدْ جِئْتُ إلىٰ مَوْضِعِ ٱلدُّعـاءِ، وَضَمانِكَ ٱلْإجابَةَ[1].

اَللّٰهُمَّ صَلِّ علىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأعْدِنِي عَلَيْهِ، اَلسّاعَةَ، اَلسّاعَةَ.

پس بر قبر خود را بینداز و بگو:

مَوْلايَ، إمامِي مَظْلُومٌ اَسْتَعْدىٰ[2] عَلىٰ ظالِمِهِ، اَلنَّصْرَ، اَلنَّصْرَ.

آنقدر مکرّر «اَلنَّصْرَ» را بگوید که نفس قطع شود[3].

مؤلّف گوید: این دعا را کسی می‌خواند که از ظلم ظالمی مضطرّ شده باشد،

---

۱ ـ «ضمانُك الإجابةُ» خ ل.

۲ ـ «أسْتَعْدِي» خ ل.

۳ ـ مصباح المتهجّد: ۲۷۹، بحارالانوار: ۸۹/ ۳۰۶ ح ۱۱ وج ۱۰۱ ص ۲۸۵، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۶/ ۵۶۶ ش ۱۲۳۶.

و به‌جای «فلان» نام آن ظالم را می‌گوید.

و به **سند صحیح** از حضرت صادق ﷺ منقول است که: هر بنده‌ای که در امری از امور، صد مرتبه طلب خیر از خداوند عالمیان بکند، که بایستد نزد سر حضرت امام حسین ﷺ و **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ**، و **لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ**، و **سُبْحانَ اللّٰهِ** بگوید، و خدا را به بزرگواری یاد کند، و حمد و ثنای خدا بگوید چنانچه سزاوار است، و صد مرتبه طلب خیر از خدا بکند، البته حق تعالیٰ آنچه خیر او است در آن امر به او می‌نماید و پیش او می‌آورد[1].

مؤلف گوید که موافق روایاتِ دیگر، طلب خیر به این نحو می‌کند که: صد مرتبه می‌گوید: **أَسْتَخِيرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ خِيَرَةً في عافِيَةٍ.**

و ***سیّد ابن طاووس*** ـ علیه الرّحمة ـ گفته است که: نماز زیارتی است از برای حسین ابن علی ﷺ و آن چهار رکعت است با «حمد» و «قل هو الله أحد» و «قل يا أيّها الكافرون»، و بعد از آن این دعا را می‌خوانی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ أَهْلَ طاعَتِكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ مَعَ كُلِّ شاهِدٍ يَشْهَدُ، بِما شَهِدْتُ بِهِ أَجْمَعَ في حَياتِي وَبَعْدَ وَفاتِي، حَتّىٰ أَلْقاكَ عَلىٰ ذٰلِكَ يَوْمَ فاقَتِي.

وَأَشْهَدُ أَنَّ اللّٰهَ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِياؤُهُمُ الطّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُماتِ أُولٰئِكَ أَصْحابُ النّارِ هُمْ فِيها خالِدُونَ[2].

وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّبِيَّ أَوْلىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْواجُهُ أُمَّهاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلىٰ بِبَعْضٍ في كِتابِ اللّٰهِ[3].

وَأَشْهَدُ أَنَّ وَلِيَّنا «اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَهُمْ راكِعُونَ»[4]**، وَأَنَّ ذُرِّيَّتَهُما «أُولُو الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلىٰ بِبَعْضٍ»**[5]**، «ذُرِّيَّةً**

---

۱ ـ قرب الإسناد: ۵۹ ح ۱۸۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۸۵ ح ۱، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۳/ ۵۱ ش ۷۶۸.

۲ ـ بقره: ۲۵۷.

۳ ـ احزاب: ۶.

۴ ـ مائده: ۵۵.

۵ ـ انفال: ۷۵، احزاب: ۶.

بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَٱللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾[۱].

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ[۲] أَعْلامُ ٱلدِّينِ، وَأُولُو ٱلْأَرْحامِ عَلَى ٱلْوَرىٰ، وَٱلْحُجَّةُ عَلىٰ أَهْلِ ٱلدُّنْيا، ٱنْتَجَبْتَهُمْ وَٱصْطَفَيْتَهُمْ وَٱخْتَصَصْتَهُمْ، وَأَطْلَعْتَهُمْ عَلىٰ سِرِّكَ، فَقامُوا بِأَمْرِكَ، وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَوْا عَنِ ٱلْمُنْكَرِ، وَدَعَوَا ٱلْعِبادَ إِلَى ٱلتَّأْوِيلِ وَٱلتَّنْزِيلِ، كُلَّما مَضىٰ مِنْهُمْ داعٍ خَلَّفَ فِيهِمْ داعِياً، فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ، وَأَمَرْتَ بِمُوالاتِهِمْ، وَلَمْ تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عُذْراً في تَرْكِهِمْ، وَٱلِانْحِيازِ عَنْهُمْ، وَٱلْمَيْلِ إِلىٰ غَيْرِهِمْ، وَجَعَلْتَهُمْ أَهْلَ بَيْتِ ٱلنُّبُوَّةِ، وَأَفْضَلَ ٱلْبَرِيَّةِ، وَمَعْدِنَ ٱلرِّسالَةِ، وَمُخْتَلَفَ ٱلْمَلائِكَةِ، وَمَهْبِطَ ٱلْوَحْيِ وَٱلْكَرامَةِ، وَأَوْلادَ ٱلصِّفوَةِ، وَأَسْباطَ ٱلرُّسُلِ، وَأَقْرانَ ٱلْكِتابِ، وَأَبْوابَ ٱلْهُدىٰ، وَٱلْعُرْوَةَ ٱلْوُثْقىٰ، لا يَخافُونَ فِيكَ لَوْمَةَ لائِمٍ، وَلا يَقُومُ بِحَقِّهِمْ إِلّا مُؤْمِنٌ، وَلا يُهْدىٰ بِهُداهُمْ إِلّا مُنْتَجَبٌ.

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ، وَبارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَجْزَلِ بَرَكاتِكَ، وَبَوِّئْهُمْ مِنْ كَرَمِكَ بِأَكْرَمِ كَراماتِكَ في ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ أَحَبَّ ٱلْأَشْياءِ إِلَيَّ وَأَبَرَّها لَدَيَّ وَأَهَمَّها إِلَيَّ حُبَّكَ، وَحُبَّ رَسُولِكَ، وَحُبَّ أَهْلِ بَيْتِهِ ٱلطَّيِّبِينَ، وَحُبَّ مَنْ أَحَبَّهُمْ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَحُبَّ مَنْ عَمِلَ ٱلْمُحَبَّ لَكَ وَلَهُمْ، وَبُغْضَ مَنْ أَبْغَضَكَ وَأَبْغَضَهُمْ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَبُغْضَ مَنْ عَمِلَ ٱلْمُبْغَضَ لَكَ وَلَهُمْ، حَيّاً وَمَيِّتاً.

وَٱرْزُقْنِي صَبْراً جَمِيلاً، وَدِيناً سَلِيماً، وَفَرَجاً قَرِيباً، وَأَجْراً عَظِيماً، وَرِزْقاً هَنِيئاً، وَعَيْشاً رَغِيداً، وَجِسْماً صَحِيحاً، وَعَيْناً دامِعَةً، وقَلْباً خاشِعاً، وَيَقِيناً ثابِتاً، وَعُمْراً طَوِيلاً، وَعَقْلاً كامِلاً، وَعِبادَةً دائِمَةً.

وَأَسْأَلُكَ ٱلثَّباتَ عَلَى ٱلْهُدىٰ، وَٱلْقُوَّةَ عَلىٰ ما تُحِبُّ وَتَرْضىٰ.

---

۱ ـ آل عمران: ۳۴.

۲ ـ «أنّهم» خ ل.

اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ حُبَّكَ أَحَبَّ الْأَشْياءِ إِلَيَّ، وَخَوْفَكَ أَخْوَفَ الْأَشْياءِ عِنْدِي، وَارْزُقْنِي حُبَّكَ، وَحُبَّ مَنْ يَنْفَعُنِي حُبُّهُ عِنْدَكَ؛ وَما رَزَقْتَنِي وَتَرْزُقُنِي مِمّا أُحِبُّ فَاجْعَلْهُ لِي فَراغاً فِيما تُحِبُّ، وَاقْطَعْ عَنِّي حَوائِجَ[1] الدُّنْيا بِالشَّوْقِ إِلىٰ لِقائِكَ. وَإِذا أَقْرَرْتَ عُيُونَ أَهْلِ الدُّنْيا بِدُنْياهُمْ، فَاجْعَلْ قُرَّةَ عَيْنِي في طاعَتِكَ وَرِضاكَ وَمَرْضاتِكَ بِرَحْمَتِكَ، إِنَّ رَحْمَتَكَ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ[2].

پس گفته است سیّد ﷺ: *صفت نماز دیگر* که نزد سر مبارک حضرت امام حسین ﷺ باید کرد، و آن دو رکعت است که در رکعت اوّل سورهٔ «الرّحمن» و در رکعت دوم سوره «تبارك الّذی بیده الملك» باید خواند. هرکه این دو رکعت را در آنجا بکند، حق تعالیٰ بنویسد از برای او ثواب بیست و پنج حج مقبول پسندیده که با رسول خدا ﷺ کرده باشند[3].

باز گفته است که: *صفت نماز حضرت امام حسین* ـ صلوات الله علیه ـ که سزاوار است که نزد ضریح مقدّس آن حضرت بعمل آورند، و آن چهار رکعت است با چهار صد مرتبه سورهٔ «فاتحة الکتاب»، و چهار صد مرتبه «قل هو الله أحد» به این کیفیّت که: در هر رکعت ایستاده پنجاه مرتبه سورهٔ «حمد» و پنجاه مرتبه سورهٔ «قل هو الله أحد» می‌خوانی، پس به رکوع می‌روی و هریک را ده مرتبه می‌خوانی، پس سر از رکوع بر می‌داری و هریک را ده مرتبه می‌خوانی، پس به سجده می‌روی و هر یک را ده مرتبه می‌خوانی، پس سر از سجده بر می‌داری و هریک را ده مرتبه می‌خوانی، پس به سجدهٔ دوم می‌روی و هریک را ده مرتبه می‌خوانی، پس در هر رکعت هر یک صد مرتبه خوانده می‌شود.

پس چون سلام بگویی این دعا بخوان:

يا اَللّٰهُ، أَنْتَ الَّذِي اسْتَجَبْتَ لِآدَمَ وَحَوّاءَ عَلَيْهِما السَّلامُ حِينَ ﴿قالا رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَتَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِينَ﴾[4]، وَناداكَ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلامُ

---

۱ ـ «واقطع حوائج» خ ل.

۲ ـ مصباح الزائر: ۵۲۸ ـ ۵۳۰، بحارالانوار: ۲۸۵/۱۰۱ ح ۲، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۳/ ۵۵۸ ش ۱۲۳۱.

۳ ـ مصباح الزائر: ۵۳۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۸۷، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۳/ ۵۶۰ ش ۱۲۲۳.

۴ ـ اعراف: ۲۳.

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ، وَأَطْفَأْتَ نارَ نَمْرُودَ عَنْ خَلِيلِكَ إِبْراهِيمَ فَجَعَلْتَها عَلَيْهِ بَرْداً وَسَلاماً.

وَأَنْتَ ٱلَّذِي ٱسْتَجَبْتَ لِأَيُّوبَ عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ حِينَ ناداكَ: ﴿أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ ٱلرَّاحِمِينَ﴾[۱] فَكَشَفْتَ ما بِهِ مِنَ ٱلضُّرِّ وَآتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرىٰ لِأُولِي ٱلْأَلْبابِ.

وَأَنْتَ ٱلَّذِي ٱسْتَجَبْتَ لِذِي ٱلنُّونِ حِينَ نادىٰ[۲] فِي ٱلظُّلُماتِ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ ٱلظّالِمِينَ[۳]، فَنَجَّيْتَهُ مِنَ ٱلْغَمِّ.

وَأَنْتَ ٱلَّذِي ٱسْتَجَبْتَ لِمُوسىٰ وَهارُونَ دَعْوَتَهُما حِينَ قُلْتَ: ﴿قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُما فَاسْتَقِيما﴾[۴]، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ، وَغَفَرْتَ لِداوُدَ ذَنْبَهُ وَنَبَّهْتَ قَلْبَهُ وَأَرْضَيْتَ خَصْمَهُ رَحْمَةً مِنْكَ.

وَأَنْتَ ٱلَّذِي فَدَيْتَ ٱلذَّبِيحَ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ بَعْدَ ما أَسْلَما[۵] وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ فَنادَيْتَ بِالْفَرَجِ وَٱلرَّوْحِ.

وَأَنْتَ ٱلَّذِي ناداكَ زَكَرِيّا عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ نِداءً خَفِيّاً ﴿قالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ ٱلْعَظْمُ مِنِّي وَٱشْتَعَلَ ٱلرَّأْسُ شَيْباً وَلَمْ أَكُنْ بِدُعائِكَ رَبِّ شَقِيّاً﴾[۶]، وَقُلْتَ: ﴿وَيَدْعُونَنا رَغَباً وَرَهَباً وَكانُوا لَنا خاشِعِينَ﴾[۷].

وَأَنْتَ تَسْتَجِيبُ[۸] لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصّالِحاتِ لِتَزِيدَنَّهُمْ[۹] مِنْ فَضْلِكَ؛ رَبِّ فَلا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْوَنِ ٱلدّاعِينَ لَكَ، ٱلرّاغِبِينَ إِلَيْكَ، وَٱسْتَجِبْ لِي كَما ٱسْتَجَبْتَ لَهُمْ،

---

۱ ـ انبياء: ۸۳
۲ ـ «ناداك» خ ل.
۳ ـ انبياء: ۸۷.
۴ ـ يونس: ۸۹.
۵ ـ «حين أسلما» خ ل.
۶ ـ مريم: ۴.
۷ ـ انبياء: ۹۰.
۸ ـ «وأنت الذي استجبتَ» خ ل.
۹ ـ «لتَزيدهم» خ ل.

بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ طَهِّرْنِي بِطُهْرِكَ، وَتَقَبَّلْ صَلَواتِي وَحَسَناتِي بِقَبُولٍ حَسَنٍ، وَطَيِّبْ بَقِيَّةَ حَياتِي، وَطَيِّبْ وَفاتِي، وَاحْفَظْنِي فِيمَنْ أُخَلِّفُ، وَاحْفَظْهُمْ رَبِّ بِدُعائِي، وَاجْعَلْ ذُرِّيَّتِي ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً، تَحُوطُها بِحِياطَتِكَ مِنْ كُلِّ ما حُطْتَ مِنْهُ ذُرِّيَّةَ أَوْلِيائِكَ وَأَهْلِ طاعَتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

يا مَنْ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ، وَمِنْ كُلِّ سائِلٍ قَرِيبٌ، وَلِكُلِّ داعٍ مِنْ خَلْقِهِ مُسْتَجِيبٌ، أَنْتَ اللّهُ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ، الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ.

وَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي عَلَوْتَ بِها عَلىٰ عَرْشِكَ، وَرَفَعْتَ بِها سَماواتِكَ، وَفَرَشْتَ بِها أَرْضَكَ، وَأَرْسَيْتَ بِها جِبالَكَ، وَأَجْرَيْتَ بِهَا الْبِحارَ، وَسَخَّرْتَ بِهَا السَّحابَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ وَاللَّيْلَ وَالنَّهارَ، وَخَلَقْتَ بِهَا الْخَلائِقَ كُلَّها.

أَسْأَلُكَ بِعَظَمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّماواتُ وَأَضاءَتْ بِهِ الظُّلُماتُ، إِلّا صَلَّيْتَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَكَفَيْتَنِي أَمْرَ مَعادِي وَمَعاشِي، وَأَصْلَحْتَ شَأْنِي كُلَّهُ، وَلَمْ تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلَحْتَ أَمْرِي وَأَمْرَ عِيالِي، وَكَفَيْتَنِي أَمْرَهُمْ، وَأَغْنَيْتَنِي وَإِيّاهُمْ مِنْ كُنُوزِكَ وَخَزائِنِكَ وَسَعَةِ فَضْلِكَ، وَأَنْبَطْتَ قَلْبِي مِنْ يَنابِيعِ الْحِكْمَةِ، الَّتِي تَنْفَعُنِي بِها وَتَنْفَعُ بِها مَنِ ارْتَضَيْتَ مِنْ عِبادِكَ، وَجَعَلْتَ لِي مِنَ الْمُتَّقِينَ فِي آخِرَتِي إِماماً؛ كَما جَعَلْتَ إِبْراهِيمَ إِماماً، فَإِنَّ بِتَوْفِيقِكَ يَفُوزُ الْفائِزُونَ، وَيَتُوبُ التّائِبُونَ، وَيَعْبُدُكَ الْعابِدُونَ، وَبِتَسْدِيدِكَ يَسْعَدُ الصّالِحُونَ الْمُخْبِتُونَ الْخائِفُونَ لَكَ، وَبِإِرْشادِكَ نَجَا النّاجُونَ مِنْ نارِكَ، وَأَشْفَقَ مِنْهَا الْمُشْفِقُونَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِخِذْلانِكَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ، وَهَلَكَ الظّالِمُونَ، وَغَفَلَ الْغافِلُونَ.

اَللّٰهُمَّ آتِ نَفْسِي مُناها، أَنْتَ وَلِيُّها وَمَوْلاها، وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكّاها .

اَللّٰهُمَّ بَيِّنْ لَها هُداها، وَأَلْهِمْها فُجُورَها وَتَقْواها، وَأَنْزِلْها مِنَ الْجِنانِ عُلْياها، وَطَيِّبْ وَفاتَها وَمَحْياها، وَأَكْرِمْ مُنْقَلَبَها وَمَثْواها، وَمُسْتَقَرَّها وَمَأْواها، أَنْتَ رَبُّها وَمَوْلاها[1].

---

۱ ـ مصباح الزّائر: ۵۳۲ ـ ۵۳۴، بحارالانوار: ۱۰۱ / ۲۸۷ ـ ۲۸۹، موسوعة زيارات المعصومين علیهم السلام: ۳ / ۵۶۰ ش ۱۲۳۳.

فصل ششم

در بیان زیارت حال تقیّه
و تجویز انشای زیارت کردن است

در **حدیث معتبر** منقول است که یونس بن ظبیان به حضرت صادق ﷺ عرض کرد که: زیارت امام حسین ﷺ در حال تقیّه چگونه باید کرد؟

فرمود که: چون برسی به نهر فرات غسل بکن، پس دو جامهٔ طاهر بپوش، پس بگذر محاذی قبر آن حضرت پس سه مرتبه بگو:

صَلَّى اَللهُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ اَللهِ.

چون چنین کنی زیارت تو تمام است[1].

و به **سند حسن** از آن حضرت منقول است که: می‌گویی: نزد قبر حسین بن علیّ ﷺ آنچه خواهی[2].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۲۶ ب۴۵ ح۴، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۹۸ ح۳۲۰۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۸۴ ح۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۱۵ ح۲۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۵۰۰ ش۱۲۰۰.

۲ ـ کامل الزیارات: ۲۱۳ ب۷۹ ح۱۰، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۸۴ ح۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۲۷۷ ح۱۱۵۳.

باب هشتم

در بیان فضیلت و کیفیّت زیارت آن حضرت است که مخصوص اند به ایّام و اوقات معلومه و امکنه بعیده و در آن چند فصل است:

فصل اوّل

در فضیلت و کیفیت زیارت
شب و روز عاشورا و اعمال آن روز است

به سند **صحیح** و معتبر از حضرت صادق ﷺ منقول است که: هر که حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ را زیارت کند در روز عاشورا، و عارف به حق آن حضرت بوده باشد، چنان است که خدا را در عرش عبادت کرده باشد[1].

و در چند **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: هر که آن حضرت را در روز عاشورا زیارت کند، چنان است که در پیش آن حضرت شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد[2].

و در **روایت معتبر** دیگر فرمود که: هر که آن حضرت را در روز عاشورا زیارت کند، بهشت او را واجب شود[3].

و در **حدیث معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: هر که شب عاشورا نزد حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ بماند تا صبح، در روز قیامت خدا را ملاقات کند آلوده به خون خود، و چنان باشد که در عرصهٔ کربلا با آن حضرت شهید شده باشد[4].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۷۴ ب ۷۱ ح ۳، مزار مفید: ۵۱ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۵۱ ح ۱۲۰، مزار کبیر: ۳۵۱، اقبال الاعمال: ۳/ ۶۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۵ ح ۱۱ و ۱۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۶۳ ش ۹۷۳.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۷۴ ب ۷۱ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۵ ح ۱۳.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۷۳ ب ۷۱ ح ۲، مزار مفید: ۵۲ ح ۳، تهذیب الاحکام: ۶/ ۵۱ ح ۱۲۱، مزار کبیر: ۳۵۲، اقبال الاعمال: ۳/ ۶۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۴ ح ۸، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۶۴ ش ۹۷۴.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۷۳ ب ۷۱ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۴ ح ۷، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۶۴ ش ۹۷۵.

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: هرکه در روز عاشورا نزد قبر حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ مردم را آب بدهد، مثل کسی باشد که لشکر آن حضرت را آب داده باشد، و با آن حضرت در صحرای کربلا حاضر شده باشد[1].

و به **سند مُوثّق** از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: هرکه ترک کند سعی کردن در حاجتهای خود را در روز عاشورا، حق تعالیٰ حاجتهای دنیا و آخرت او را برآورد.

وهرکه روز عاشورا روز مصیبت و حزن و گریه او باشد، حق تعالیٰ روز قیامت را روز فرح و خوشحالی او گرداند، و دیده‌اش در بهشت به ما روشن گردد.

و هرکه روز عاشورا را روز برکت نام کند، و در خانه خود چیزی ذخیره کند، برکت نیابد درآنچه ذخیره کرده است؛ و محشور شود در روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد ـ علیهم اللعنة ـ[2].

و در **حدیث حسن** دیگر فرمود به ریّان بن شبیب که: ای پسر شبیب اگر از برای چیزی گریه کنی، از برای حسین بن علی علیهما السلام گریه کن، که او را مانند گوسفند سر بریدند، وکشته شد با آن حضرت از اهل بیت او هیجده مرد که در زمین شبیه خود نداشتند.

و به تحقیق که آسمانهای هفتگانه و زمینها برای شهادت آن حضرت گریستند.

و به درستی که چهار هزار ملک به سوی زمین آمدند برای یاری او، وقتی رسیدند که او شهید شده بود؛ پس ایشان نزد قبر آن حضرت اند ژولیده و گردآلوده تا آنکه قائم آل محمّد علیهم السلام ظاهر شود، پس از یاوران آن حضرت خواهند بود، و شعار ایشان در جنگ این خواهد بود: **«یا لَثاراتِ الْحُسَینِ»** ـ یعنی ای گروهی که طلب خون حسین می‌کنید ـ.

ای پسر شبیب، مرا خبر داد پدرم، از پدرش، از جدّش که: چون شهید شد جدّم حسین ـ صلوات الله علیه ـ آسمان خون و خاک سرخ بارید.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۷۴ ب ۷۱ ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۵ ح ۱۴.

۲ ـ علل الشرائع: ۱/ ۲۲۷ ب ۱۶۲ ح ۲، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۱/ ۲۳۲ ح ۵۷، امالی صدوق: ۱۱۲ م ۲۷ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۲ ح ۱ و ۲.

ای پسر شبیب، اگر گریه کنی بر حسین تا آب دیدهٔ تو بر روی تو جاری شود، حق تعالیٰ هر گناه صغیره و کبیرهٔ تو را بیامرزد.

ای پسر شبیب، اگر خواهی که در قیامت هیچ گناه بر تو نباشد، زیارت آن حضرت بکن.

ای پسر شبیب، اگر خواهی که در غرفه‌های بهشت با رسول خدا و آل او ـ صلوات الله علیهم ـ ساکن شوی، لعنت کن قاتلان آن حضرت را.

ای پسر شبیب، اگر خواهی که مثل ثواب کسی داشته باشی که با آن حضرت شهید شده باشد، پس هرگاه که او را یاد کنی بگو:

یا لَیتَنِي کُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِیماً.

ای پسر شبیب، اگر خواهی که در درجات عالیهٔ بهشت با ما باشی، محزون باش از برای حزن ما، و شاد باش از برای شادی ما. و بر تو باد به محبّت و ولایت ما، که اگر مردی سنگی را دوست دارد، خدا او را با او محشور گرداند در روز قیامت[1].

و به سند معتبر منقول است که عبدالله بن الفضل به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که: یا ابن رسول الله! چگونه عامّه روز عاشورا را روز برکت نامیدند؟

حضرت گریست و فرمود که: چون امام حسین علیه السلام شهید شد مردم تقرّب جستند به سوی یزید، و خبرها از برای او بستند، و جایزه‌ها از برای آنها گرفتند؛ و از جملهٔ آنها که از برای او بستند این بود که روز عاشورا روز برکت است، تا عدول کنند مردم در آن روز از جزع و گریه و مصیبت و حزن به سوی فرح و شادی و تبرّک جستن به آن، و تهیه سال کردن در آن.

خدا حکم کند میان ما و ایشان[2].

مؤلّف گوید که: نهی از ذخیره کردن چیزی در خانه که در احادیث وارد شده است، گویا مراد آن باشد که آذوقه سال را در این روز در خانه جمع کنند از برای مبارکی این روز؛ چنانچه الحال نیز در شام و مکّه متعارف است.

---

۱ ـ عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۱/ ۲۳۳ ح ۵۸، امالی صدوق: ۱۱۲ م ۲۷ ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۳ ح ۳.

۲ ـ علل الشرائع: ۱/ ۲۲۶ ب ۱۶۲ ضمن ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۴ ح ۶.

و امّا زیارات منقوله این روز، پس چند زیارت است:

[زیارت] اوّل:

به سند معتبر منقول است از سیف بن عمیره و صالح بن عُقبه، هردو از محمّد بن اسماعیل و علقمة بن محمّد حَضرمی، و هردو از مالک جُهَنی که حضرت امام محمّد باقر ﷺ فرمود که: هرکه زیارت کند حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ را در روز دهم محرم تا نزد قبر آن حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار هزار حج، و دو هزار هزار عمره، و دو هزار هزار جهاد، که هریک را با رسول خدا ﷺ و ائمّه طاهرین ﷺ کرده باشند.

مالک گفت: فدای تو شوم، چه ثواب است برای کسی که در شهرهای دور باشد، و ممکن نباشد او را رفتن به سوی قبر آن حضرت؟

فرمود که: چون روز عاشورا درآید بیرون رود به سوی صحرا، یا بالا رود بر بام بلندی در خانه خود، و اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام، و جهد کند در نفرین کردن بر قاتل آن حضرت، و بعد از آن دو رکعت نماز بکند؛ و بکند این کار را در اوّل روز پیش از پیشین، پس ندبه و نوحه و گریه کند بر حسین، و امر کند هرکه را در خانهٔ او است و از او تقیّه نکند به گریه کردن بر آن حضرت، و در خانه خود مصیبتی برپا دارد به اظهار جزع بر آن حضرت، و ملاقات کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانه‌های خود به گریه کردن، و تعزیه گویند بعضی از ایشان بعضی را به مصیبت آن حضرت؛ پس من ضامنم بر خدا که هرگاه این کارها را بکنند، جمیع آن ثوابها را به ایشان عطا فرماید.

مالک گفت: تو ضامنی و کفیلی از برای ایشان به این ثواب؟ فرمود که: بلی.

پرسید که: چگونه یکدیگر را تعزیه بگویند؟

فرمود که می‌گویند که:

عَظَّمَ اللهُ أُجُورَنا بِمُصابِنا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلام، وَجَعَلَنا وَإِيّاكُمْ مِنَ الطّالِبِينَ

بِثَأْرِهِ مَعَ وَلِيِّهِ ٱلْإمامِ ٱلْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ـ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ ـ.

و اگر توانی در آن روز از برای هیچ کار از خانه بیرون مرو، که آن روز نحسی است که حاجت هیچ مؤمنی در آن روز برآورده نمی‌شود؛ و اگر برآورده شود از برای او مبارک نیست، و در آن خیری و رشدی نخواهد دید.

و ذخیره مکن از برای منزل خود چیزی، که در این روز هرکه از برای منزل خود چیزی ذخیره کند از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است؛ و اهلش که از برای ایشان ذخیره کرده است مبارک نخواهند بود از برای او.

پس کسی که چنین کند، از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج، و هزار هزار عمره، و هزار هزار جهاد، که همه با رسول خدا ﷺ باشد. و از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و صدّیقی و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد، از وقتی که خدا دنیا را خلق کرده است تا روز قیامت.

علقمة بن محمّد گفت که: من گفتم به حضرت امام محمّد باقر ؈ که تعلیم نما به من دعایی که بخوانم در این روز هرگاه که خواهم که آن حضرت را زیارت کنم از نزدیک، و دعایی که هرگاه که در شهرهای دور خواهم که اشاره کنم و آن حضرت را زیارت کنم بخوانم.

فرمود که: ای علقمه! هرگاه بکنی آن دو رکعت را بعد از آن‌که اشاره کرده باشی به جانب آن حضرت به سلام، و گفته باشی بعد از اشاره و نماز آن قول را که مذکور خواهد شد، پس دعا کرده خواهی بود به دعایی که ملائکه می‌خوانند در وقتی که زیارت آن حضرت می‌کنند، و می‌نویسد خدا برای تو به آن زیارت هزار هزار حسنه، و محو می‌کند از برای تو هزار هزار گناه، و بلند می‌کند از برای تو در بهشت هزار هزار درجه، و خواهی بود از آنها که شهید شده باشند با حسین بن علی ـ صلوات الله علیه ـ تا آنکه شریک شوی با ایشان در درجات ایشان، و نشناسند تو را مگر از آنها که با آن حضرت شهید شده‌اند، و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبری و رسولی، و ثواب زیارت هرکه آن حضرت را زیارت کرده است، از روزی که شهید شده است.

می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أبا عَبْدِاللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ، وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ؛ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْواحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلامُ اللهِ أَبَداً ما بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ.

يا أبا عَبْدِاللهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَعَظُمَتِ[1] الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا، وَعَلىٰ جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلامِ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّماوَاتِ عَلَىٰ جَمِيعِ أَهْلِ السَّماوَاتِ؛ فَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقامِكُمْ، وَأَزالَتْكُمْ عَنْ مَراتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللهُ فِيها، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتالِكُمْ؛ بَرِئْتُ إِلَى اللهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ، وَمِنْ أَشْياعِهِمْ وَأَتْباعِهِمْ وَأَوْلِيائِهِمْ.

يا أَبا عَبْدِاللهِ، إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ، وَلَعَنَ اللهُ آلَ زِيادٍ وَآلَ مَرْوانَ، وَلَعَنَ اللهُ بَنِي أُمَيَّةَ قاطِبَةً، وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ مَرْجانَةَ، وَلَعَنَ اللهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللهُ شِمْراً، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتالِكَ.

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، لَقَدْ عَظُمَ مُصابِي بِكَ؛ فَأَسْأَلُ اللهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ، أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثارِكَ مَعَ إِمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهاً بِالْحُسَيْنِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

يا أَبا عَبْدِاللهِ، إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ وَإِلىٰ رَسُولِهِ، وَإِلىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِلىٰ

---

۱ ـ «وجلّت» خ ل.

فاطِمَةَ، وَإلَى ٱلْحَسَنِ، وَإلَيْكَ بِمُوالاتِكَ وَبِالْبَراءَةِ مِمَّنْ قاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ ٱلْحَرْبَ، وَبِالْبَراءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَساسَ ٱلظُّلْمِ وَٱلْجَوْرِ عَلَيْكُمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى ٱللهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَساسَ ذٰلِكَ[1]، وَبَنىٰ عَلَيْهِ بُنْيانَهُ، وَجَرىٰ فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلىٰ أَشْياعِكُمْ.

بَرِئْتُ إِلَى ٱللهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى ٱللهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُوالاتِكُمْ وَمُوالاةِ وَلِيِّكُمْ، وَبِالْبَراءَةِ مِنْ أَعْدائِكُمْ، وَٱلنّاصِبِينَ لَكُمُ ٱلْحَرْبَ، وَبِالْبَراءَةِ مِنْ أَشْياعِهِمْ وَأَتْباعِهِمْ.

إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ، وَوَلِيٌّ لِمَنْ والاكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ؛ فَأَسْأَلُ ٱللهَ ٱلَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيائِكُمْ، وَرَزَقَنِيَ ٱلْبَراءَةَ مِنْ أَعْدائِكُمْ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ في ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ في ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ.

وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي ٱلْمَقامَ ٱلْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ ٱللهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثارِي[2] مَعَ إمامٍ مَهْدِيٍّ ظاهِرٍ ناطِقٍ مِنْكُمْ.

وَأَسْأَلُ ٱللهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّأْنِ ٱلَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ، أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصابِي بِكُمْ أَفْضَلَ ما يُعْطِي مُصاباً بِمُصِيبَةٍ[3]، مُصِيبَةً ما أَعْظَمَها وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَها في ٱلْإِسْلامِ، وَفي جَمِيعِ أَهْلِ ٱلسَّماواتِ وَٱلْأَرْضِ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنِي في مَقامِي هٰذا مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْكَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ مَحْيايَ مَحْيا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَماتِي مَماتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ، وَٱبْنُ آكِلَةِ ٱلْأَكْبادِ، ٱللَّعِينُ بْنُ ٱللَّعِينِ عَلىٰ

۱ـ از «وبالبراءة ممّن قاتلك» تا اینجا: «وبالبراءة ممّن أسّس أساس ذلك» خ ل.

۲ـ «ثاركم» خ ل.

۳ـ «بمصيبته» خ ل.

لِسانِ نَبِيِّكَ ـ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ فـي كُـلِّ مَـوْطِنٍ وَمَـوْقِفٍ وَقَـفَ فِـيهِ نَـبِيُّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ أبا سُفْيانَ، وَمُعاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيانَ، وَيَزِيدَ بْنَ مُعاوِيَةَ ـ عَلَيْهِمْ مِنْكَ ٱللَّعْنَةُ أَبَدَ ٱلْآبِدِينَ ـ، وَهٰذا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَـرْوَانَ بِـقَتْلِهِمُ ٱلْـحُسَيْنَ صَلَوَاتُ ٱللهِ عَلَيْهِ.

اَللّٰهُمَّ ضاعِفْ عَلَيْهِمُ ٱللَّعْنَ مِنْكَ وَٱلْعَذابَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هٰذَا ٱلْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هٰذا وَأَيّامِ حَـياتِي بِـالْبَراءَةِ مِنْهُمْ وَٱللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَبِالْمُوالاةِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ.

پس صد مرتبه می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ أَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تابِعٍ لَهُ عَلىٰ ذٰلِكَ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنِ ٱلْعِصابَةَ ٱلَّتِي جاهَدَتِ ٱلْحُسَيْنَ، وَشايَعَتْ وَبايَعَتْ عَلىٰ قَتْلِهِ. اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْهُمْ جَمِيعاً.

پس صد مرتبه می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ، وَعَلَى ٱلْأَرْواحِ ٱلَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِكَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلامُ ٱللهِ ما[1] بَقِيتُ وَبَقِيَ ٱللَّيْلُ وَٱلنَّهارُ؛ وَلا جَعَلَهُ ٱللهُ آخِرَ ٱلْعَهْدِ مِنِّي لِزِيارَتِكَ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْحُسَيْنِ، وَعَلىٰ عَلِيِّ بْنِ ٱلْحُسَيْنِ، وَعَلىٰ أَصْحابِ ٱلْحُسَيْنِ.

پس می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَٱبْدَأْ بِهِ أَوَّلاً، ثُمَّ ٱلثّانِيَ، ثُمَّ ٱلثّالِثَ، ثُمَّ ٱلرّابِعَ. اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ يَزِيدَ بْنَ مُعاوِيَةَ خامِساً، وَٱلْعَنْ عُبَيْدَ ٱللهِ بْنَ زِيادٍ، وَٱبْنَ مَرْجانَةَ،

---

۱ ـ «أبداً ما» خ ل.

وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْراً، وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ، وَآلَ زِيَادٍ، وَآلَ مَرْوانَ، إِلىٰ يَوْمِ ٱلْقِيامَةِ.

پس به سجده می‌روی و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ حَمْدَ ٱلشّاكِرِينَ لَكَ عَلىٰ مُصابِهِمْ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ عَظِيمِ رَزِيَّتِي. اَللّٰهُمَّ ٱرْزُقْنِي شَفاعَةَ ٱلْحُسَيْنِ ـ عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ ـ يَوْمَ ٱلْوُرُودِ، وَثَبِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ ٱلْحُسَيْنِ وَأَصْحابِ ٱلْحُسَيْنِ، ٱلَّذِينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ ٱلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ.

علقمه گفت که امام محمّد باقر عليه السلام فرمود که: اگر توانی هر روز آن حضرت را به این کیفیّت زیارت کنی، بکن که جمیع این ثوابها از برای تو خواهد بود[1].

و روایت کرد محمّد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت: من با صفوان ابن مهران جمّال و جماعتی از اصحاب خود رفتیم به سوی نجف ـ بعد ازآنکه حضرت صادق عليه السلام بیرون رفته بودند از حِیره به مدینه پیش از ما ـ پس چون از زیارت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فارغ شدیم، صفوان روی خود را گردانید به سوی قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه و گفت:

زیارت کنید حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ را از این مکان از بالای سر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه، که حضرت امام جعفر صادق عليه السلام چنین کرد در وقتی که من در خدمت آن حضرت به این مکان شریف آمده بودم.

پس خواند صفوان آن زیارت را که علقمه از حضرت امام محمد باقر عليه السلام برای روز عاشورا روایت کرده است.

پس دو رکعت نماز کرد نزد سر امیرالمؤمنین، و وداع کرد بعد از نماز امیرالمؤمنین عليه السلام را و رو به جانب قبر امام حسین عليه السلام کرد و آن حضرت را نیز وداع کرد.

---

۱ ـ مصباح المتهجد: ۷۷۲ ـ ۷۷۷، کامل الزیارات: ۱۷۴ ب ۷۱ ح ۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۹۰ ح ۱ وص ۲۹۳، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۳/ ۳۸۴ ش ۱۱۷۸.

و از جملهٔ دعاها که بعد از آن دو رکعت خواند، این دعا بود:

يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ، يا مُجِيبَ دَعْوَةِ ٱلْمُضْطَرِّينَ، يا كاشِفَ كَرْبِ ٱلْمَكْرُوبِينَ، يا غِياثَ ٱلْمُسْتَغِيثِينَ، وَيا صَرِيخَ ٱلْمُسْتَصْرِخِينَ، وَيا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ ٱلْوَرِيدِ، وَيا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ ٱلْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ ٱلْأَعْلىٰ وَبِالْأُفُقِ ٱلْمُبِينِ، وَيا مَنْ هُوَ ٱلرَّحْمٰنُ ٱلرَّحِيمُ عَلَى ٱلْعَرْشِ ٱسْتَوىٰ، وَيا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ ٱلْأَعْيُنِ وَما تُخْفِي ٱلصُّدُورُ، وَيا مَنْ لا تَخْفىٰ عَلَيْهِ خافِيَةٌ، وَيا مَنْ لا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ ٱلْأَصْواتُ، وَيا مَنْ لا تُغَلِّطُهُ ٱلْحاجاتُ، وَيا مَنْ لا يُبْرِمُهُ إِلْحاحُ ٱلْمُلِحِّينَ، يا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ، وَيا جامِعَ كُلِّ شَمْلٍ، وَيا بارِئَ ٱلنُّفُوسِ بَعْدَ ٱلْمَوْتِ، يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، يا قاضِيَ ٱلحاجاتِ، يا مُنَفِّسَ ٱلْكُرُباتِ، يا مُعْطِيَ ٱلسُّؤُلاتِ[1]، يا وَلِيَّ ٱلرَّغَباتِ، يا كافِيَ ٱلْمُهِمّاتِ، يا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَلا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي ٱلسَّماواتِ وَٱلْأَرْضِ.

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، وَبِحَقِّ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَبِحَقِّ ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ، فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقامِي هٰذا، وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ أَتَشَفَّعُ إِلَيْكَ، وَبِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأَعْزِمُ عَلَيْكَ، وَبِالشَّأْنِ ٱلَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالْقَدْرِ ٱلَّذِي لَهُم عِنْدَكَ، وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى ٱلعالَمِينَ، وَبِاسْمِكَ ٱلَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ، وَبِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ ٱلْعالَمِينَ، وَبِهِ أَبَنْتَهُمْ وَأَبَنْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ ٱلْعالَمِينَ، حَتّىٰ فاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ ٱلْعالَمِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي، وَتَكْفِيَنِي ٱلْمُهِمَّ مِنْ أُمُورِي، وَتَقْضِيَ عَنِّي دَيْنِي، وَتَجْبُرَنِي مِنَ ٱلْفَقْرِ، وَتُجِيرَنِي مِنَ ٱلْفاقَةِ، وَتُغْنِيَنِي عَنِ ٱلْمَسْأَلَةِ إِلَى ٱلْمَخْلُوقِينَ، وَتَكْفِيَنِي هَمَّ مَنْ أَخافُ هَمَّهُ، وَعُسْرَ

---

۱ ـ «السؤالات» خ ل.

مَنْ أَخافُ عُسْرَهُ، وَحُزُونَةَ مَنْ أَخافُ حُزُونَتَهُ، وَشَرَّ مَنْ أَخافُ شَرَّهُ، وَمَكْرَ مَنْ أَخافُ مَكْرَهُ، وَبَغْيَ مَنْ أَخافُ بَغْيَهُ، وَجَوْرَ مَنْ أَخافُ جَوْرَهُ، وَسُلْطانَ مَنْ أَخافُ سُلْطانَهُ، وَكَيْدَ مَنْ أَخافُ كَيْدَهُ، وَمَقْدُرَةَ مَنْ أَخافُ بَلاءَ مَقْدُرَتِهِ عَلَيَّ، وَتَرُدَّ عَنِّي كَيْدَ ٱلْكَيَدَةِ، وَمَكْرَ ٱلْمَكَرَةِ.

اَللّٰهُمَّ مَنْ أَرادَنِي فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كادَنِي فَكِدْهُ، وَٱصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَأْسَهُ وَأَمانِيَّهُ، وَٱمْنَعْهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَأَنّىٰ شِئْتَ.

اَللّٰهُمَّ ٱشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لا تَجْبُرُهُ، وَبِبَلاءٍ لا تَسْتُرُهُ، وَبِفاقَةٍ لا تَسُدُّها، وَبِسُقْمٍ لا تُعافِيهِ، وَذُلٍّ لا تُعِزُّهُ، وَبِمَسْكَنَةٍ لا تَجْبُرُها.

اَللّٰهُمَّ ٱضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصْبَ عَيْنَيْهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ ٱلْفَقْرَ فِي مَنْزِلِهِ، وَٱلْعِلَّةَ وَٱلسُّقْمَ فِي بَدَنِهِ، حَتّىٰ تَشْغَلَهُ عَنِّي بِشُغْلٍ شاغِلٍ لا فَراغَ لَهُ، وَأَنْسِهِ ذِكْرِي كَما أَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ، وَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسانِهِ وَيَدِهِ وَرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيعِ جَوارِحِهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ ذٰلِكَ ٱلسُّقْمَ وَلا تَشْفِهِ، حَتّىٰ تَجْعَلَ ذٰلِكَ لَهُ شُغْلاً شاغِلاً بِهِ عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي، وَٱكْفِنِي يا كافِيَ ما لا يَكْفِي سِواكَ، فَإِنَّكَ ٱلْكافِي لا كافِيَ سِواكَ، وَمُفَرِّجٌ لا مُفَرِّجَ سِواكَ، وَمُغِيثٌ لا مُغِيثَ سِواكَ، وَجارٌ لا جارَ سِواكَ؛ خابَ مَنْ كانَ رَجاؤُهُ[1] سِواكَ، وَمُغِيثُهُ سِواكَ، وَمَفْزَعُهُ إِلىٰ سِواكَ، وَمَهْرَبُهُ وَمَلْجَؤُهُ إِلىٰ غَيْرِكَ، وَمَنْجاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ. فَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجائِي وَمَفْزَعِي وَمَهْرَبِي وَمَلْجَإِي وَمَنْجايَ؛ فَبِكَ أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ أَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشَفَّعُ.

فَأَسْأَلُكَ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ، فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَلَكَ ٱلشُّكْرُ، وَإِلَيْكَ ٱلْمُشْتَكىٰ، وَأَنْتَ ٱلْمُسْتَعانُ.

فَأَسْأَلُكَ يا اَللهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

---

۱ ـ «جاره» خ ل.

وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي في مَقامِي هٰذا، كَما كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، فَاكْشِفْ عَنِّي كَما كَشَفْتَ عَنْهُ، وَفَرِّجْ عَنِّي كَما فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَاكْفِنِي كَما كَفَيْتَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ ما أَخافُ هَوْلَهُ، وَمَؤُونَةَ ما أَخافُ مَؤُونَتَهُ، وَهَمَّ ما أَخافُ هَمَّهُ، بِلا مَؤُونَةٍ عَلىٰ نَفْسِي مِنْ ذٰلِكَ، وَاصْرِفْنِي بِقَضاءِ حَوائِجِي، وَكِفايَةِ ما أَهَمَّنِي هَمُّهُ مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيايَ.

يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ يا أَبا عَبْدِ اللهِ، عَلَيْكُما مِنِّي سَلامُ اللهِ أَبَداً ما بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهارُ، وَ لا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِكُما، وَلا فَرَّقَ اللهُ بَيْنِي وَ بَيْنَكُما.

اَللّٰهُمَّ أَحْيِنِي حَياةَ مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّيَّتِهِ، وَ أَمِتْنِي مَماتَهُمْ، وَ تَوَفَّنِي عَلىٰ مِلَّتِهِمْ، وَاحْشُرْنِي في زُمْرَتِهِمْ، وَ لا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً في الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ.

يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ يا أَبا عَبْدِ اللهِ، أَتَيْتُكُما زائِراً وَ مُتَوَسِّلاً إِلَى اللهِ رَبِّي وَ رَبِّكُما، وَ مُتَوَجِّهاً إِلَيْهِ بِكُما، وَ مُسْتَشْفِعاً بِكُما إِلَى اللهِ في حاجَتِي هٰذِهِ، فَاشْفَعا لِي، فَإِنَّ لَكُما عِنْدَ اللهِ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ، وَ الْجاهَ الْوَجِيهَ، وَ الْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَ الْوَسِيلَةَ.

إِنِّي أَنْقَلِبُ عَنْكُما مُنْتَظِراً لِتَنَجُّزِ الْحاجَةِ وَ قَضائِها وَ نَجاحِها مِنَ اللهِ، بِشَفاعَتِكُما لِي إِلَى اللهِ في ذٰلِكَ، فَلا أَخِيبُ وَ لا يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَباً خائِباً خاسِراً، بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَباً راجِحاً مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً لِي بِقَضاءِ جَمِيعِ حَوائِجِي، وَ تَشْفَعا لِي إِلَى اللهِ.

أَنْقَلِبُ[1] عَلىٰ ما شاءَ اللهُ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ، مُفَوِّضاً أَمْرِي إِلَى اللهِ، مُلْجِئاً ظَهْرِي إِلَى اللهِ، وَ مُتَوَكِّلاً عَلَى اللهِ، وَ أَقُولُ حَسْبِيَ اللهُ وَ كَفىٰ، سَمِعَ اللهُ لِمَنْ دَعا، لَيْسَ لِي وَراءَ اللهِ وَ وَراءَكُمْ يا سادَتِي مُنْتَهىً، ما شاءَ رَبِّي كانَ، وَ ما لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ،

---

۱ ـ «انقلبت» خ ل.

وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ.

أَسْتَوْدِعُكُما اَللهَ، وَ لا جَعَلَهُ اَللهُ آخِرَ اَلْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُما.

اِنْصَرَفْتُ يا سَيِّدِي يا أَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ وَ مَوْلايَ، وَ أَنْتَ يا أَبا عَبْدِ اَللهِ يا سَيِّدِي، وَ سَلامِي عَلَيْكُما مُتَّصِلٌ مَا اَتَّصَلَ اَللَّيْلُ وَ اَلنَّهارُ، واصِلٌ ذٰلِكَ إِلَيْكُما، غَيرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُما سَلامِي إِنْ شاءَ اَللهُ. وَ أَسْأَلُهُ بِحَقِّكُما أَنْ يَشاءَ ذٰلِكَ وَ يَفْعَلَ، فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اِنْقَلَبْتُ يا سَيِّدَيَّ عَنْكُما تائِباً، حامِداً لِلّهِ، شاكِراً، راجِياً لِلْإِجابَةِ، غَيْرَ آيِسٍ وَ لا قانِطٍ، آئِباً عائِداً راجِعاً إِلىٰ زِيارَتِكُما، غَيْرَ راغِبٍ عَنْكُما وَ لا مِنْ زِيارَتِكُما، بَلْ راجِعٌ عائِدٌ إِنْ شاءَ اَللهُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ.

يا سادَتِي رَغِبْتُ إِلَيْكُما وَإِلىٰ زِيارَتِكُما بَعْدَ أَنْ زَهِدَ فِيكُما وَفي زِيارَتِكُما أَهْلُ اَلدُّنْيا، فَلا خَيَّبَنِيَ اَللهُ مِمّا رَجَوْتُ[1] وَ ما أَمَّلْتُ في زِيارَتِكُما، إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

سیف بن عمیره گفت که: من به صفوان گفتم که: علقمه که این زیارت را از امام محمد باقر ؑ از برای ما روایت کرد، این دعا را نقل نکرد!

صفوان گفت که: من وارد شدم با سیّد خودم امام جعفر ـ صلوات الله علیه ـ به این مکان، پس کرد مثل آنچه ما کردیم در زیارت، و این دعا را خواند در هنگام وداع بعد از آنکه آن دو رکعت نماز را کرد، و آن وداع را بجا آورد.

بعد از آن صفوان گفت که: حضرت صادق ؑ به من گفت که: تعاهد نما این زیارت را، و بخوان این دعا را، و به این نحو زیارت بکن، که من ضامنم بر خدا که هرکه این زیارت را بکند و این دعا را بخواند از نزدیک یا دور، اینکه زیارتش مقبول باشد، و سعیش مزد داده شود، و سلامش به آن حضرت برسد و محجوب نگردد، و هر حاجت که از خدا بطلبد برآورده شود هر چند حاجتش بزرگ باشد.

ای صفوان، این زیارت را با همین ضامنی از پدرم شنیدم، و پدرم از علیّ بن

---

۱ ـ «ما رجوت» خ ل.

الحسین با همین ضامنی، و او از امام حسین‌﷣ و او از امام حسن‌﷣ با همین ضامنی، و او از پدرش امیرالمؤمنین با همین ضامنی، و امیرالمؤمنین از رسول خدا ﷺ با همین ضامنی، و رسول خدا از جبرئیل ﷣ با همین ضامنی، و جبرئیل از خداوند عالمیان با همین ضامنی.

و به تحقیق که حق تعالی قسم به ذات مقدّس خود خورده است که: هر که حضرت امام حسین را به این روش زیارت کند از نزدیک یا دور، و این دعا را بخواند، زیارت او را قبول کنم، و هر حاجت که بطلبد برآورم هرچند بزرگ باشد، و هر سؤال که بکند عطا کنم، و از درگاه من ناامید برنگردد، و او را برگردانم شاد و خوشحال به برآمدن حاجتش، و فائز شدن به بهشت، و آزاد شدن از جهنم. و ازبرای هر که شفاعت کند شفاعتش را قبول کنم، مگر کسی که دشمن ما اهل بیت باشد. و گواه گرفت خدا ما را برآنچه گواه گرفته بود بر آن ملائکه ملکوت خود را.

پس جبرئیل گفت که: یا رسول الله حق تعالیٰ مرا به سوی تو فرستاده است برای بشارت و سرور و خوشحالی تو، و بشارت و شادی علیّ بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان تو تا روز قیامت.

پس حضرت صادق‌﷣ فرمود که: ای صفوان هرگاه تو را حاجتی به سوی خدا بهم رسد این زیارت را بکن هرجا که باشی، و این دعا را بخوان، و از پروردگار خود حاجت خود را بطلب، که البتّه برآورده می‌شود و حق تعالیٰ خلف وعدهٔ خود نمی‌فرماید[1].

مؤلّف گوید که: چون عبارت حدیث تشویش عظیمی دارد، و قابل احتمال بسیار هست، اگر اوّل زیارت «السَّلامُ عَلَيْكَ يا أبا عَبد اللهِ» را تا «آل نَبِيّك عَلَيهِم السَّلامُ» بخواند و نماز زیارت را بکند، و باز همان زیارت را اعاده کند و بعد از صد مرتبه لعنت بار دیگر نماز بکند، و بعد از صد مرتبه سلام بار دیگر نماز کند، و متّصل به سجده و بعد از سجده نیز نماز کند، شاید به جمیع احتمالات عمل کرده باشد.

---

۱ ـ مصباح المتهجّد: ۷۷۷ ـ ۷۸۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۲۹۶ ح۳، موسوعة زيارات المعصومين‌﷨: ۲/ ۲۸۰ ش۶۰۴ و ج۳/ ۵۳۹ ش۱۲۱۷.

و اگر اوّل یکی از زیارات بعید را بعمل آورد و نماز بکند، و بعد از آن این اعمال را بعمل آورد، ظاهراً کافی باشد.

و اگر زیارت ششمِ امیرالمؤمنین علیه السلام را با این زیارت ضمّ کند، چنانچه سابقاً اشاره به این کردیم، بهتر است. خصوصاً هرگاه این زیارت را در نزد ضریح امیرالمؤمنین علیه السلام بعمل آورد.

و چون در حدیث، تجویز کردن این زیارت در هر وقت وارد شده است، اگر در غیرِ روز عاشورا کند به جای «اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو اُمَيَّةَ» بگوید: **اَللّٰهُمَّ إِنَّ يَوْمَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو اُمَيَّةَ.**

[زیارت] دوم:

به سند حسن کالصحیح روایت کرده‌اند اکابر اصحاب از عبد الله بن سنان که گفت: داخل شدم بر سیّد خود جعفر بن محمّد علیه السلام در روز عاشورا، پس آن حضرت را یافتم با رنگ متغیّر، و اثر حزن و اندوه از او ظاهر بود، و آب از دیده‌های مبارکش می‌ریخت مانند مروارید.

گفتم سبب چیست گریهٔ شما را، هرگز خدا نگریاند دیده‌های شما را؟

فرمود که: آیا غافلی تو، مگر نمی‌دانی که حسین بن علی علیه السلام در مثل این روز شهید شده است؟!

گفتم: ای سیّد من، چه می‌فرمایی در روزهٔ آن؟

فرمود که: روزه بدار بی آنکه شب نیّت روزه کنی، و افطار بکن نه از روی شماتت، و یک روز تمام روزه مدار، و باید که افطار تو بعد از نماز عصر بوده باشد بر شربتی از آب؛ به درستی که در مثل این وقت از این روز، جنگ برطرف شد از آل رسول ـ صلّی الله علیهم ـ و کارزار از ایشان گشوده شد، و سی کس از ایشان بر زمین کشته افتاده بودند با موالی ایشان که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله کشتن هریک از ایشان عظیم بود؛ و اگر در دنیا می‌بود او را می‌بایست تعزیه بگویند برای کشته شدن هریک از ایشان.

پس آن حضرت آنقدر گریست که ریش مبارکش به‌آب دیده‌اش تر شد.

پس فرمود که: به درستی که حق تعالیٰ نور را در روز جمعه خلق کرد در روز اوّل ماه مبارک رمضان، و ظلمت را خلق کرد در روز چهار شنبه روز عاشورا، و از برای هریک راهی و طریقه‌ای قرار داد.

ای عبدالله بن سنان، بهترین کاری که در این روز بکنی آن است که جامه‌های پاک بپوشی، و بندهای خود را بگشایی، و ساعد خود را تا مرفق بگشایی ـ مانند هیئت اصحاب مصیبت ـ پس بروی به صحرای خالی ـ یا مکانی که کسی تو را نبیند، یا به موضعی از منزل خود که خالی باشد ـ در وقتی که روز بلند شده باشد، پس چهار رکعت نماز بگزاری، و رکوع و سجودش را نیکو بعمل آوری، و بعد از هر دو رکعت سلام بگویی، و در رکعت اوّل سورهٔ «حمد» و «قل یا أیّها الکافرون»، و در رکعت دوم سورهٔ «حمد» و «قل هو الله أحد»، و در رکعت سوم سورهٔ «حمد» و سورهٔ «احزاب»، و در رکعت چهارم سورهٔ «حمد» و سورهٔ «إذا جاءك المنافقون» بخوانی ـ یا هر سوره‌ای که تو را میسّر شود از قرآن ـ، پس سلام بگویی و رو را بگردانی به جانب قبر امام حسین ﷺ و متمثّل سازی از برای خود و در خاطر خود درآوری کشته شدن آن حضرت را، و هرکه با آن حضرت بوده است از فرزندان و اهل آن حضرت، و سلام و صلوات فرستی بر آن حضرت، و لعنت کنی بر قاتلان آن حضرت، و بیزاری جویی از کرده‌های ایشان تا بلند گرداند به این سبب حق تعالیٰ از برای تو در بهشت درجه‌ها و برطرف کند از تو گناهان بسیار ـ، پس راه روی از مکانی که هستی ـ خواه صحرا یا فضا یا غیر آنها ـ چند گام، و در این راه رفتن بگویی: **إِنّا لِلّهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ، رِضاً بِقَضائِهِ وَتَسْلِيماً لِأَمْرِهِ.**

و باید که در این حالت، حزن و اندوه و بدحالی بسیار داشته باشی، و یاد خدا بسیار بکن، و «**إِنّا لِلّهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ**» بسیار بگو.

پس چون از راه رفتن و از این فعل فارغ شوی، بایست در موضعی که اوّل در آن نماز کردی و بگو:

اَللّٰهُمَّ عَذِّبِ الْفَجَرَةَ الَّذِينَ شاقُّوا رَسُولَكَ، وَحارَبُوا أَوْلِياءَكَ، وَعَبَدُوا غَيْرَكَ،

وَٱسْتَحَلُّوا مَحارِمَكَ، وَٱلْعَنِ ٱلْقادَةَ وَٱلْأَتْباعَ، وَمَنْ كانَ مِنْهُمْ فَخَبَّ وَأَوْضَعَ[1] مَعَهُمْ، أَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْناً كَثِيراً.

اَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَٱجْعَلْ صَلَواتِكَ عَلَيْهِمْ، وَٱسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي ٱلْمُنافِقِينَ وَٱلْمُضِلِّينَ، وَٱلْكَفَرَةِ ٱلْجاحِدِينَ، وَٱفْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً يَسِيراً، وَأَتِحْ لَهُمْ رَوْحاً وَفَرَجاً قَرِيباً، وَٱجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلٰى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطاناً نَصِيراً.

پس دستها را بردار به سوی آسمان و این دعا بخوان، و قصد کن دشمنان آل محمّد علیهم السلام را:

اَللّٰهُمَّ إِنَّ كَثِيراً مِنَ ٱلْأُمَّةِ ناصَبَتِ ٱلْمُسْتَحْفَظِينَ مِنَ ٱلْأَئِمَّةِ، وَكَفَرَتْ بِالْكَلِمَةِ، وَعَكَفَتْ عَلَى ٱلْقادَةِ ٱلظَّلَمَةِ، وَهَجَرَتِ ٱلْكِتابَ وَٱلسُّنَّةَ، وَعَدَلَتْ عَنِ ٱلْحَبْلَيْنِ ٱللَّذَيْنِ أَمَرْتَ بِطاعَتِهِما، وَٱلتَّمَسُّكِ بِهِما، فَأَماتَتِ ٱلْحَقَّ، وَحادَتْ عَنِ ٱلْقَصْدِ، وَمالَأَتِ ٱلْأَحْزابَ، وَحَرَّفَتِ ٱلْكِتابَ، وَكَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمّا جاءَها، وَتَمَسَّكَتْ بِالْباطِلِ لَمّا ٱعْتَرَضَها، فَضَيَّعَتْ[2] حَقَّكَ، وَأَضَلَّتْ خَلْقَكَ، وَقَتَلَتْ أَوْلادَ نَبِيِّكَ، وَخِيَرَةَ عِبادِكَ وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ، وَوَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَوَحْيِكَ.

اَللّٰهُمَّ فَزَلْزِلْ أَقْدامَ أَعْدائِكَ وَأَعْداءِ رَسُولِكَ وَأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ.

اَللّٰهُمَّ وَأَخْرِبْ دِيارَهُمْ، وَٱفْلُلْ سِلاحَهُمْ، وَخالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَفُتَّ فِي أَعْضادِهِمْ، وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ، وَٱضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ ٱلْقاطِعِ، وَٱرْمِهِمْ بِحَجَرِكَ ٱلدّامِغِ، وَطُمَّهُمْ بِالْبَلاءِ طَمّاً، وَقُمَّهُمْ بِالْعَذابِ قَمّاً، وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً نُكْراً، وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ وَٱلْمَثُلاتِ ٱلَّتِي أَهْلَكْتَ بِها أَعْداءَكَ، إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ ٱلْمُجْرِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّ سُنَّتَكَ ضائِعَةٌ، وَأَحْكامَكَ مُعَطَّلَةٌ، وَعِتْرَةَ نَبِيِّكَ فِي ٱلْأَرْضِ هائِمَةٌ.

---

۱ ـ «ومن كان لهم محبّاً وأوضع» خ ل.   ۲ ـ «وضيعت» خ ل.

اَللّٰهُمَّ فَأَعِنِ اَلْحَقَّ وَأَهْلَهُ، وَاقْمَعِ الْباطِلَ وَأَهْلَهُ، وَمُنَّ عَلَيْنا بِالنَّجاةِ، وَاهْدِنا إِلَى الْإيمانِ، وَعَجِّلْ فَرَجَنا، وَانْظِمْهُ بِفَرَجِ أَوْلِيائِكَ، وَاجْعَلْهُم لَنا وُدّاً، وَاجْعَلْنا لَهُمْ وَفْداً.

اَللّٰهُمَّ وَأَهْلِكْ مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ عِيداً، وَاسْتَهَلَّ بِهِ فَرَحاً وَمَرَحاً، وَخُذْ آخِرَهُمْ كَما أَخَذْتَ أَوَّلَهُمْ.

وَأَضْعِفِ اللّٰهُمَّ الْعَذابَ وَالتَّنْكِيلَ عَلىٰ ظالِمِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَهْلِكْ أَشْياعَهُمْ وَقادَتَهُمْ، وَأَبِرْ حُماتَهُمْ وَجَماعَتَهُمْ.

اَللّٰهُمَّ وَضاعِفْ صَلَواتِكَ وَرَحْمَتَكَ وَبَرَكاتِكَ عَلىٰ عِتْرَةِ نَبِيِّكَ، الْعِتْرَةِ الضّائِعَةِ الْخائِفَةِ الْمُسْتَذَلَّةِ، بَقِيَّةٍ مِنَ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الزّاكِيَةِ الْمُبارَكَةِ.

وَأَعْلِ اللّٰهُمَّ كَلِمَتَهُمْ، وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُمْ، وَاكْشِفِ الْبَلاءَ وَاللَّأْواءَ وَحَنادِسَ الْأَباطِيلِ وَالْعَمىٰ عَنْهُمْ، وَثَبِّتْ قُلُوبَ شِيعَتِهِمْ وَحِزْبِكَ عَلىٰ طاعَتِكَ وَوِلايَتِهِم[1] وَنُصْرَتِهِمْ وَمُوالاتِهِمْ، وَأَعِنْهُمْ، وَامْنَحْهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الْأَذىٰ فِيكَ .

وَاجْعَلْ لَهُمْ أَيّاماً مَشْهُودَةً، وَأَوْقاتاً مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً يُوشِكُ فِيها فَرَجُهُمْ، وَ تُوجِبُ فِيها تَمْكِينَهُمْ وَنَصْرَهُمْ، كَما ضَمِنْتَ لِأَوْلِيائِكَ في كِتابِكَ الْمُنْزَلِ، فَإِنَّكَ قُلْتَ ـ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ـ: ﴿وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ في الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِي لا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً﴾[2].

اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ[3] غُمَّتَهُمْ، يا مَنْ لا يَمْلِكُ كَشْفَ الضُّرِّ إِلّا هُوَ، يا واحِدُ يا أَحَدُ، يا حَيُّ يا قَيُّومُ، وَأَنا يا إِلٰهِي عَبْدُكَ الْخائِفُ مِنْكَ، وَالرّاجِعُ إِلَيْكَ، السّائِلُ لَكَ، الْمُقْبِلُ عَلَيْكَ، اللّاجِئُ إِلىٰ فِنائِكَ، الْعالِمُ بِأَنَّهُ لا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلّا إِلَيْكَ.

---

۱ ـ «وولايتك» خ ل.
۲ ـ نور: ۵۵.
۳ ـ «فاكشف» خ ل.

اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ دُعائِي، وَاسْمَعْ يا إِلٰهِي عَلانِيَتِي وَنَجْوايَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ، وَقَبِلْتَ نُسُكَهُ، وَنَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ.

اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ أَوَّلاً وَآخِراً عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبارِكْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ، بِأَكْمَلِ وَأَفْضَلِ ما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلىٰ أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَمَلائِكَتِكَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ بِلا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ.

اَللّٰهُمَّ وَلا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاجْعَلْنِي يا مَوْلايَ مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَذُرِّيَّتِهِمُ الطّاهِرَةِ الْمُنْتَجَبَةِ، وَهَبْ لِيَ التَّمَسُّكَ بِحَبْلِهِمْ، وَالرِّضا بِسَبِيلِهِمْ، وَالْأَخْذَ بِطَرِيقَتِهِمْ، إِنَّكَ جَوادٌ كَرِيمٌ.

پس روی خود را بر زمین بمال، و بگو:

يا مَنْ يَحْكُمُ ما يَشاءُ، وَيَفْعَلُ ما يُرِيدُ، أَنْتَ حَكَمْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ مَحْمُوداً مَشْكُوراً، فَعَجِّلْ يا مَوْلايَ فَرَجَهُمْ وَفَرَجَنا بِهِمْ، فَإِنَّكَ ضَمِنْتَ إِعْزازَهُمْ بَعْدَ الذِّلَّةِ، وَتَكْثِيرَهُمْ بَعْدَ الْقِلَّةِ، وَإِظْهارَهُمْ بَعْدَ الْخُمُولِ، يا أَصْدَقَ الصّادِقِينَ، وَيا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

فَأَسأَلُكَ يا إِلٰهِي وَسَيِّدِي مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ بَسْطَ أَمَلِي، وَالتَّجاوُزَ عَنِّي، وَقَبُولَ قَلِيلِ عَمَلِي وَكَثِيرِهِ، وَالزِّيادَةَ في أَيّامِي، وَتَبْلِيغِي ذٰلِكَ الْمَشْهَدَ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعىٰ فَيُجِيبُ إِلىٰ طاعَتِهِمْ وَمُوالاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ، وَتُرِيَنِي ذٰلِكَ قَرِيباً سَرِيعاً في عافِيَةٍ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس سر خود را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لا يَرْجُونَ أَيّامَكَ، فَأَعِذْنِي يا إِلٰهِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذٰلِكَ.

پس به درستی که این عمل بهتر است برای تو از بسیاری از حج و عمره سنّت که بجا آوری و مالها در آن خرج کنی، و بدن خود را تعب بسیار در آنها بفرمایی، و از اهل

و فرزندان خود مفارقت نمایی.

و بدان که حق تعالی عطا می‌فرماید به هرکه این نماز را بکند، و این دعا را بخواند از روی اخلاص، و این عمل را بجا آورد از روی یقین و تصدیقِ به این ثوابها، ده خصلت؛ که از جملهٔ آنها آن است که او را از مرگ بد نگاه دارد، و ایمن گرداند او را از مکروهات و از پریشانی، و بر او دشمنی را ظفر ندهد تا بمیرد، و نگاه دارد از دیوانگی و خوره و پیسی او را و فرزندان او را تا چهار پشت، و شیطان و اولیای شیطان را بر او و بر نسل او تا چهار پشت مسلّط نگرداند.

ابن سنان گفت که: پس من از خدمت آن حضرت برگشتم و می‌گفتم: سپاس خداوندی را که منّت گذاشت بر من به شناختن شما و دوستی شما، و از او سؤال می‌کنم که یاری دهد مرا بر آنچه لازم و فرض است بر من از فرمان برداری شما، به منّت و رحمت خود[1].

و *سیّد ابن طاووس* ـ رضي الله عنه ـ این روایت را در کتاب اقبال به سند بسیار معتبرِ دیگر، از عبدالله بن سنان به همین نحو روایت کرده است، و در عمل و ادعیه اندک اختلافی دارد که اشاره به آنها می‌نماید؛ زیرا که چون به حسب سند، این روایت از جمیع روایات زیارات عاشورا اوثق است، زیارت کننده احتیاطاً به هر دو روایت عمل نماید، تا اعتماد او بر حصول این ثوابهای عظیم بیشتر باشد.

گفته است که: حضرت فرمود که: جامه‌های طاهر بپوش، و بندهای خود را بگشا، و ذراع و ساق خود را بگشا، و به زمین خالی یا خانهٔ خود که کسی تو را نبیند برو در هنگامی که روز بلند شده باشد.

ـ و نماز را به همان نحو نقل کرده است ـ.

و بعد از آن فرمود که: پس هزار مرتبه لعنت کن بر قاتل آن حضرت، تا نوشته شود برای تو به هر لعنتی هزار حسنه، و محو شود از تو هزار گناه، و بلند شود برای تو هزار درجه در بهشت.

---

۱ ـ مصباح المتهجّد: ۷۸۲ ـ ۷۸۷، مزار کبیر: ۴۷۳ ـ ۴۸۰، بحارالانوار: ۳۰۳/۱۰۱ ح ۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴۰۲/۳ ش ۱۱۸.

پس راه می‌روی از موضعی که در آن نماز کرده‌ای هفت مرتبه، و هر مرتبه می‌گویی:

إِنّا لِلّٰهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ، رِضاً بِقَضاءِ ٱللّٰهِ، وَتَسْلِيماً لِأَمْرِهِ ـ هفت مرتبه ـ.

و در همه این احوال باید که بر تو اثر بد حالی و اندوه و ماتم زدگی و تأسّف ظاهر باشد.

پس چون فارغ شوی، بایست در موضعی که در آن نماز کردی، و هفتاد مرتبه بگو:

اَللّٰهُمَّ عَذِّبِ ٱلَّذِينَ حارَبُوا رُسُلَكَ، وَشاقُّوكَ وَعَبَدُوا غَيْرَكَ، وَٱسْتَحَلُّوا مَحارِمَكَ، وَٱلْعَنِ ٱلْقادَةَ وَٱلْأَتْباعَ، وَمَنْ كانَ مِنْهُمْ، وَمَنْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْناً كَثِيراً.

پس بگو:

اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ[1] مُحَمَّدٍ ـ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ـ، وَٱسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي ٱلْمُنافِقِينَ وَٱلْكُفّارِ وَٱلْجاحِدِينَ، وَٱمْنُنْ عَلَيْهِمْ، وَٱفْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً يَسِيراً، وَٱجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلىٰ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطاناً نَصِيراً.

پس بعد از دعا قنوت بخوان، و در قنوت این دعا بخوان:

اَللّٰهُمَّ إِنَّ ٱلْأُمَّةَ خالَفَتِ ٱلْأَئِمَّةَ، وَكَفَرُوا بِالْكَلِمَةِ، وَأَقامُوا عَلَى ٱلضَّلالَةِ وَٱلْكُفْرِ وَٱلرَّدىٰ، وَٱلْجَهالَةِ وَٱلْعَمىٰ، وَهَجَرُوا ٱلْكِتابَ ٱلَّذِي أَمَرْتَ بِمَعْرِفَتِهِ، وَٱلْوَصِيَّ ٱلَّذِي أَمَرْتَ بِطاعَتِهِ، فَأَماتُوا ٱلْحَقَّ، وَعَدَلُوا عَنِ ٱلْقِسْطِ، وَأَضَلُّوا ٱلْأُمَّةَ عَنِ ٱلْحَقِّ، وَخالَفُوا ٱلسُّنَّةَ، وَبَدَّلُوا ٱلْكِتابَ، وَمَلَكُوا ٱلْأَحْزابَ، وَكَفَرُوا بِالْحَقِّ لَمّا جاءَهُمْ، وَتَمَسَّكُوا بِالْباطِلِ، وَضَيَّعُوا ٱلْحَقَّ، وَأَضَلُّوا خَلْقَكَ، وَقَتَلُوا أَوْلادَ نَبِيِّكَ ـ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، وَخِيَرَةَ عِبادِكَ وَأَصْفِيائِكَ، وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَخَزَنَةَ سِرِّكَ، وَمَنْ جَعَلْتَهُمُ ٱلْحُكّامَ فِي سَماواتِكَ وَأَرْضِكَ.

اَللّٰهُمَّ فَزَلْزِلْ أَقْدامَهُمْ، وَأَخْرِبْ دِيارَهُمْ، وَٱكْفُفْ سِلاحَهُمْ وَأَيْدِيَهُمْ، وَأَلْقِ

---

۱ ـ «آل» خ ل.

اَلاِخْتِلافَ فِيما بَيْنَهُمْ، وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ، وَاَضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ اَلصّارِمِ، وَحَجَرِكَ اَلدّامِغِ، وَطُمَّهُمْ بِالْبَلاءِ طَمّاً، وَاَرْمِهِمْ بِالْبَلاءِ رَمْياً، وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً شَدِيداً نُكْراً، وَاَرْمِهِمْ بِالْغَلاءِ، وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ اَلَّذِي أَخَذْتَ بِها أَعْداءَكَ، وَأَهْلِكْهُمْ بِما أَهْلَكْتَهُمْ بِهِ.

اَللّٰهُمَّ وَخُذْهُمْ أَخْذَ اَلْقُرىٰ وَهِيَ ظالِمَةٌ، إِنَّ أَخْذَها أَلِيمٌ شَدِيدٌ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّ سُبُلَكَ ضائِعَةٌ، وَأَحْكامَكَ مُعَطَّلَةٌ، وَأَهْلَ نَبِيِّكَ فِي اَلْأَرْضِ هائِمَةٌ، كَالْوَحْشِ اَلسّائِمَةِ.

اَللّٰهُمَّ أَعْلِ اَلْحَقَّ، وَاَسْتَنْقِذِ اَلْخَلْقَ، وَاَمْنُنْ عَلَيْنا بِالنَّجاةِ، وَاَهْدِنا لِلْإِيمانِ، وَعَجِّلْ فَرَجَنا بِالْقائِمِ عَلَيْهِ اَلسَّلامُ، وَاَجْعَلْهُ لَنا رِدْءاً، وَاَجْعَلْنا لَهُ رِفْداً.

اَللّٰهُمَّ وَأَهْلِكْ مَنْ جَعَلَ قَتْلَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عِيداً، وَاَسْتَحَلَّ فَرَحاً وَسُرُوراً، وَخُذْ آخِرَهُمْ بِما أَخَذْتَ بِهِ أَوَّلَهُمْ.

اَللّٰهُمَّ أَضْعِفِ اَلْبَلاءَ وَاَلْعَذابَ وَاَلتَّنْكِيلَ عَلَى اَلظّالِمِينَ، مِنَ اَلْأَوَّلِينَ وَاَلْآخِرِينَ، وَعَلىٰ ظالِمِي آلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ ـ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، وَزِدْهُمْ نَكالاً وَلَعْنَةً، وَأَهْلِكْ شِيعَتَهُمْ وَقادَتَهُمْ وَجَماعَتَهُمْ.

اَللّٰهُمَّ اَرْحَمِ اَلْعِتْرَةَ اَلضّائِعَةَ اَلْمَقْتُولَةَ اَلذَّلِيلَةَ، مِنَ اَلشَّجَرَةِ اَلطَّيِّبَةِ اَلْمُبارَكَةِ.

اَللّٰهُمَّ أَعْلِ كَلِمَتَهُمْ، وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُمْ، وَثَبِّتْ قُلُوبَهُمْ، وَقُلُوبَ شِيعَتِهِمْ عَلىٰ مُوالاتِهِمْ، وَاَنْصُرْهُمْ وَأَعِنْهُمْ، وَصَبِّرْهُمْ عَلَى اَلْأَذىٰ فِي جَنْبِكَ، وَاَجْعَلْ لَهُمْ أَيّاماً مَشْهُورَةً، وَأَيّاماً مَعْلُومَةً، كَما ضَمِنْتَ لِأَوْلِيائِكَ فِي كِتابِكَ اَلْمُنْزَلِ، فَإِنَّكَ قُلْتَ: ﴿وَعَدَ اَللّٰهُ اَلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا اَلصّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي اَلْأَرْضِ كَما اَسْتَخْلَفَ اَلَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ اَلَّذِي اَرْتَضىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ

مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً﴾[1].

اَللّٰهُمَّ أَعْلِ كَلِمَتَهُمْ، يا لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، يا لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، يا لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ، يا حَيُّ يا قَيُّومُ، فَإِنِّي عَبْدُكَ ٱلْخائِفُ مِنْكَ، وَٱلرّاجِعُ إِلَيْكَ، وَٱلسّائِلُ لَدَيْكَ، وَٱلْمُتَوَكِّلُ عَلَيْكَ، وَٱللّاجِئُ بِفِنائِكَ، فَتَقَبَّلْ دُعائِي، وَٱسْمَعْ نَجْوايَ، وَٱجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ وَهَدَيْتَهُ، وَقَبِلْتَ نُسُكَهُ، وَٱنْتَجَبْتَهُ بِرَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْوَهّابُ.

أَسْأَلُكَ يا اَللهُ بِلا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، أَنْ لا تُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، ٱلْأَئِمَّةِ صَلَواتُ ٱللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَٱجْعَلْنِي مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ: عَلِيٍّ، وَفاطِمَةَ، وَٱلْحَسَنِ، وَٱلْحُسَيْنِ، وَعَلِيٍّ، وَمُحَمَّدٍ، وَجَعْفَرٍ، وَمُوسىٰ، وَعَلِيٍّ، وَمُحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ، وَٱلْحَسَنِ، وَٱلْحُجَّةِ ٱلْقائِمِ ـ عليهم السّلام ـ ، وَأَدْخِلْنِي فِيما أَدْخَلْتَهُمْ فِيهِ، وَأَخْرِجْنِي مِمّا أَخْرَجْتَهُمْ مِنْهُ.

پس پهلوهای روی خود را بر خاک بگذار و بگو:

يا مَنْ يَحْكُمُ بِما يَشاءُ، وَيَعْمَلُ ما يُرِيدُ، أَنْتَ حَكَمْتَ فِي أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ما حَكَمْتَ، فَلَكَ ٱلْحَمْدُ مَحْمُوداً مَشْكُوراً، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَفَرَجَنا بِهِمْ، فَإِنَّكَ ضَمِنْتَ إِعْزازَهُمْ بَعْدَ ٱلذِّلَّةِ، وَتَكْثِيرَهُمْ بَعْدَ ٱلْقِلَّةِ، وَإِظْهارَهُمْ بَعْدَ ٱلْخُمُولِ، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

أَسْأَلُكَ يا إِلٰهِي وَسَيِّدِي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي أَمَلِي، وَتَشْكُرَ قَلِيلَ عَمَلِي، وَأَنْ تَزِيدَنِي فِي أَيامِي، وَتُبَلِّغَنِي ذٰلِكَ ٱلْمَشْهَدَ، وَتَجْعَلَنِي مِنَ ٱلَّذِي دُعِيَ فَأَجابَ

---

۱ ـ نور: ۵۵.

إلیٰ طاعَتِهِمْ وَمُوالاتِهِمْ، وَأَرِنِي ذٰلِكَ قَرِيباً سَرِيعاً، إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و سر را به جانب آسمان بلند کن[1].

پس حضرت ثواب زیارت را به همان نحو که مذکور شد، بیان فرمود.

[زیارت] سوم:

باز سیّد ـ علیه الرحمة ـ در کتاب اقبال گفته است که: در کتاب مختصر از منتخب ذکر کرده است که:

پس مهیّای زیارت عاشورا می‌شوی، پس ابتدا می‌کنی به غسل، ودو جامهٔ طاهر می‌پوشی، و پای برهنه می‌روی به بالای بام خانهٔ خود یا صحرایی، پس رو به قبله می‌کنی و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صِفوَةِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ أَمِينِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إبْراهِيمَ خَلِيلِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ ٱللهِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ ٱلنَّبِيِّينَ، وَأَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدِ ٱلْوَصِيِّينَ، وَأَفْضَلِ ٱلسّابِقِينَ، وَسِبْطَ خاتَمِ ٱلْمُرْسَلِينَ.

وَكَيْفَ لا تَكُونُ كَذٰلِكَ سَيِّدِي، وَأَنْتَ إمامُ ٱلْهُدىٰ، وَحَلِيفُ ٱلتُّقىٰ، وَخامِسُ أَصْحابِ ٱلْكِساءِ، رُبِّيتَ في حِجْرِ ٱلْإسْلامِ، وَرُضِعْتَ مِنْ ثَدْيِ ٱلْإيمانِ، فَطِبْتَ حَيّاً وَمَيِّتاً.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ ٱلْحَسَنِ ٱلزَّكِيِّ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلصِّدِّيقُ ٱلشَّهِيدُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلْوَصِيُّ ٱلْبَرُّ ٱلتَّقِيُّ ٱلرَّضِيُّ ٱلزَّكِيُّ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعلَى ٱلْأَرْواحِ ٱلَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِكَ، وَأَناخَتْ بِساحَتِكَ، وَجاهَدَتْ

---

۱ ـ اقبال الاعمال: ۳/ ۶۵ ـ ۶۹؛ بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۰۹ ح ۵.

في ٱللهِ مَعَكَ، وَشَرَتْ نَفْسَها ٱبْتِغاءَ مَرْضاةِ ٱللهِ فِيكَ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْمَلائِكَةِ ٱلْمُحْدِقِينَ بِكَ.

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً ـ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ أَباكَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طالِبٍ أَمِيرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ وَسَيِّدَ ٱلْوَصِيِّينَ، وَقائِدَ ٱلْغُرِّ ٱلْمُحَجَّلِينَ، إِمامٌ ٱفْتَرَضَ ٱللهُ طاعَتَهُ عَلىٰ خَلْقِهِ؛ وَكَذٰلِكَ أَخُوكَ ٱلْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، وَكَذٰلِكَ أَنْتَ وَٱلْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَقَمْتُمُ ٱلصَّلاةَ، وَآتَيْتُمُ ٱلزَّكاةَ، وَأَمَرْتُمْ بِٱلْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ ٱلْمُنْكَرِ، وَجاهَدْتُمْ فِي ٱللهِ حَقَّ جِهادِهِ، حَتّىٰ أَتاكُمُ ٱلْيَقِينُ مِنْ وَعْدِهِ.

فَأُشْهِدُ ٱللهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي بِاللهِ مُؤْمِنٌ، وَبِمُحَمَّدٍ مُصَدِّقٌ، وَبِحَقِّكُمْ عارِفٌ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ عَنِ ٱللهِ عَزَّ وَجَلَّ ما أَمَرَكُمْ بِهِ، وَعَبَدْتُمُوهُ حَتّىٰ أَتاكُمُ ٱلْيَقِينُ.

بِأَبِي وَأُمِّي أَنْتَ يا أَبا عَبْدِ ٱللهِ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ قَتَلَكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ أَمَرَ بِقَتْلِكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ شايَعَ عَلىٰ ذٰلِكَ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ بِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّ ٱلَّذِينَ سَفَكُوا دَمَكَ، وَٱنْتَهَكُوا حُرْمَتَكَ، وَقَعَدُوا عَنْ نُصْرَتِكَ ـ مِمَّنْ دَعاكَ فَأَجَبْتَهُ ـ مَلْعُونُونَ عَلىٰ لِسانِ ٱلنَّبِيِّ ٱلْأُمِّيِّ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

يا سَيِّدِي وَمَوْلايَ، إِنْ كانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي عِنْدَ ٱسْتِغاثَتِكَ، فَقَدْ أَجابَكَ رَأْيِي وَهَوايَ.

أَنا أَشْهَدُ أَنَّ ٱلْحَقَّ مَعَكَ، وَأَنَّ مَنْ خالَفَكَ عَلىٰ ذٰلِكَ باطِلٌ، فَيا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً.

فَأَسْأَلُكَ يا سَيِّدِي أَنْ تَسْأَلَ ٱللهَ جَلَّ ذِكْرُهُ فِي ذُنُوبِي، وَأَنْ يُلْحِقَنِي بِكُمْ وَبِشِيعَتِكُمْ، وَأَنْ يَأْذَنَ لَكُمْ فِي ٱلشَّفاعَةِ، وَأَنْ يُشَفِّعَكُمْ فِي ذُنُوبِي؛ فَإِنَّهُ قالَ جَلَّ ذِكْرُهُ:

﴿مَنْ ذَا ٱلَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾[1].

صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آبائِكَ وَأَوْلادِكَ، وَٱلْمَلائِكَةِ ٱلْمُقِيمِينَ في حَرَمِكَ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَعَلَى ٱلشُّهَداءِ ٱلَّذِينَ ٱسْتُشْهِدُوا مَعَكَ وَبَيْنَ يَدَيْكَ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ، وَعَلىٰ وَلَدِكَ عَلِيٍّ ٱلْأَصْغَرِ، ٱلَّذِي فُجِعْتَ بِهِ.

پس می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي بِكَ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ، وَقَدْ تَحَرَّمْتُ بِمُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ، وَتَوَجَّهْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ، وَٱسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ، وَتَوَسَّلْتُ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، لِتَقْضِيَ عَنِّي مُفْتَرَضِي وَدَيْنِي، وَتُفَرِّجَ غَمِّي، وَتَجْعَلَ فَرَجِي مَوْصُولاً بِفَرَجِهِمْ.

پس دستهای خود را بلند کن تا سفیدی زیر بغل دیده شود، و بگو:

يا ٱللهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، لا تَهْتِكْ سِتْرِي، وَلا تُبْدِ عَوْرَتِي، وَآمِنْ رَوْعَتِي، وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي. اَللّٰهُمَّ ٱقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِحاً، قَدْ رَضِيتَ عَمَلِي، وَٱسْتَجَبْتَ دَعْوَتِي، يا ٱللهُ ٱلْكَرِيمُ.

پس بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس ابتدا کن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ ٱلزَّهْراءِ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْحَسَنِ ٱلزَّكِيِّ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْحُسَيْنِ ٱلصِّدِّيقِ ٱلشَّهِيدِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ ٱلْحُسَيْنِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلرِّضا عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْإِمامِ ٱلْقائِمِ بِحَقِّ ٱللهِ،

---

۱ ـ بقره: ۲۵۵.

وَحُجَّةِ ٱللهِ في أَرْضِهِ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آبائِهِ ٱلرّاشِدِينَ ٱلطَّيِّبِينَ ٱلطّاهِرِينَ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً.

پس شش رکعت نماز می‌کنی ـ هر دو رکعت به یک سلام ـ، و در هر رکعت بعد از «حمد» صد مرتبه «قل هو الله أحد» بخوان، و بعد از فارغ شدن از همه بگو:

اَللّٰهُمَّ يا اَللهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحِيمُ، يا عَلِيُّ يا عَظِيمُ، يا أَحَدُ يا صَمَدُ، يا فَرْدُ يا وِتْرُ، يا سَمِيعُ، يا عَلِيمُ يا عالِمُ، يا كَبِيرُ يا مُتَكَبِّرُ، يا جَلِيلُ يا جَمِيلُ، يا حَلِيمُ يا قَوِيُّ، يا عَزِيزُ يا مُتَعَزِّزُ يا جَبّارُ، يا مُؤْمِنُ يا مُهَيمِنُ، يا جَبّارُ، يا عَلِيُّ يا مُعِينُ، يا حَنّانُ يا مَنّانُ، يا تَوّابُ، يا باعِثُ يا وارِثُ، يا حَمِيدُ يا مَجِيدُ، يا مَعْبُودُ يا مَوْجُودُ، يا ظاهِرُ يا باطِنُ، يا أَوَّلُ يا آخِرُ، يا حَيُّ يا قَيُّومُ، يا ذَا ٱلْجَلالِ وَٱلْإِكْرامِ، وَيا ذَا ٱلْعِزَّةِ وَٱلسُّلْطانِ.

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ ٱلْأَسْماءِ يا اَللهُ، وَبِحَقِّ أَسْمائِكَ كُلِّها، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ وَكَرْبٍ وَضُرٍّ وَضِيقٍ أَنَا فِيهِ، وَتَقْضِيَ عَنِّي دَيْنِي، وَتُبَلِّغَنِي أُمْنِيَّتِي، وَتُسَهِّلَ لِي مَحَبَّتِي، وَتُيَسِّرَ لِي إرادَتِي، وَتُوصِلَنِي إِلىٰ بُغْيَتِي سَرِيعاً عاجِلاً، وَتُعْطِيَنِي سُؤْلِي وَمَسْأَلَتِي، وَتَزِيدَنِي فَوْقَ رَغْبَتِي، وَتَجْمَعَ لِي خَيْرَ ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ[1].

[زیارت] چهارم:

شیخ مفید ـ قدّس الله روحه ـ فرموده است که: زیارت دیگر است در روز عاشورا به روایت دیگر.

و شیخ *محمّد بن المشهدی* رحمه الله ذکر کرده است که: زیارت دیگر است در روز عاشورا که از ناحیه مقدّسهٔ حضرت صاحب الأمر ـ صلوات الله علیه ـ به سوی بعضی از نائبان آن حضرت بیرون آمده است:

می‌ایستی نزد قبر آن حضرت و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلىٰ آدَمَ صِفوَةِ ٱللهِ مِنْ خَلِيقَتِهِ. اَلسَّلامُ عَلىٰ شِيْثٍ وَلِيِّ ٱللهِ وَخِيَرَتِهِ.

---

۱ ـ اقبال الاعمال: ۳/۷۰ ـ ۷۲، بحارالانوار: ۱۰۱/۳۱۵ ح ۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/۴۲۵ ش ۱۱۸۳ و ص ۵۵۲ ش ۱۲۲۸.

اَلسَّلامُ عَلىٰ إدْرِيسَ اَلْقائِمِ لِلّٰهِ بِحُجَّتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ نُوحٍ اَلْمُجابِ في دَعْوَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ هُودٍ اَلْمَمْدُودِ مِنَ اَللّٰهِ بِمَعُونَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ صالِحٍ اَلَّذِي تَوَّجَهُ اَللّٰهُ بِكَرامَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ إبْراهِيمَ اَلَّذِي حَباهُ اَللّٰهُ بِخُلَّتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ إسْماعِيلَ اَلَّذِي فَداهُ اَللّٰهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ إسْحاقَ اَلَّذِي جَعَلَ اَللّٰهُ اَلنُّبُوَّةَ في ذُرِّيَّتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ يَعْقُوبَ اَلَّذِي رَدَّ اَللّٰهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ يُوسُفَ اَلَّذِي نَجّاهُ اَللّٰهُ مِنَ اَلْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُوسَى اَلَّذِي فَلَقَ اَللّٰهُ اَلْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ هارُونَ اَلَّذِي خَصَّهُ اَللّٰهُ بِنُبُوَّتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ شُعَيْبٍ اَلَّذِي نَصَرَهُ اَللّٰهُ عَلىٰ أُمَّتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ داوُدَ اَلَّذِي تابَ اَللّٰهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ سُلَيْمانَ اَلَّذِي ذَلَّتْ لَهُ اَلْجِنُّ بِعِزَّتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَيُّوبَ اَلَّذِي شَفاهُ اَللّٰهُ مِنْ عِلَّتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ يُونُسَ اَلَّذِي أَنْجَزَ اَللّٰهُ لَهُ مَضْمُونَ عِدَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عُزَيْرٍ اَلَّذِي أَحْياهُ اَللّٰهُ بَعْدَ مَيْتَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ زَكَرِيَّا اَلصّابِرِ في مِحْنَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ يَحْيَى اَلَّذِي أَزْلَفَهُ اَللّٰهُ بِشَهادَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عِيسىٰ رُوحِ اَللّٰهِ وَكَلِمَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اَللّٰهِ وَصِفْوَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ اَلْمَخْصُوصِ بِأُخُوَّتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ اَلزَّهْراءِ اَبْنَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَبِي مُحَمَّدٍ اَلْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلَى اَلْحُسَيْنِ، اَلَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ أَطاعَ اَللّٰهَ في سِرِّهِ وَعَلانِيَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ جَعَلَ اَللّٰهُ اَلشِّفاءَ في تُرْبَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنِ اَلْإجابَةُ تَحْتَ قُبَّتِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنِ اَلْأَئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ.

اَلسَّلامُ عَلَى اَبْنِ خاتَمِ اَلْأَنْبِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَى اَبْنِ سَيِّدِ اَلْأَوْصِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَى اَبْنِ فاطِمَةَ اَلزَّهْراءِ، اَلسَّلامُ عَلَى اَبْنِ خَدِيجَةَ اَلْكُبْرىٰ، اَلسَّلامُ عَلَى اَبْنِ سِدْرَةِ اَلْمُنْتَهىٰ، اَلسَّلامُ عَلَى اَبْنِ جَنَّةِ اَلْمَأْوىٰ، اَلسَّلامُ عَلَى اَبْنِ زَمْزَمَ وَاَلصَّفا، اَلسَّلامُ عَلَى اَلْمُرَمَّلِ بِالدِّماءِ، اَلسَّلامُ عَلَى اَلْمَهْتُوكِ اَلْخِباءِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ خامِسِ أَصْحابِ

اَلْكِساءِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ غَرِيبِ الْغُرَباءِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ شَهِيدِ الشُّهَداءِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ قَتِيلِ الْأَدْعِياءِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ ساكِنِ كَرْبَلاءَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ بَكَتْهُ مَلائِكَةُ السَّماءِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكِياءُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ يَعْسُوبِ الدِّينِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنازِلِ الْبَراهِينِ.

اَلسَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ السّاداتِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْجُيُوبِ الْمُضَرَّجاتِ، اَلسَّلامُ عَلَى الشِّفاهِ الذّابِلاتِ، اَلسَّلامُ عَلَى النُّفُوسِ الْمُصْطَلَماتِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْأَرْواحِ الْمُخْتَلَساتِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْأَجْسادِ الْعارِياتِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْجُسُومِ الشّاحِباتِ، اَلسَّلامُ عَلَى الدِّماءِ السّائِلاتِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْأَعْضاءِ الْمُقَطَّعاتِ، اَلسَّلامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُشالاتِ، اَلسَّلامُ عَلَى النِّسْوَةِ الْبارِزاتِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ حُجَّةِ رَبِّ الْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آبائِكَ الطّاهِرِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى أَبْنائِكِ الْمُسْتَشْهَدِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ ذُرِّيَّتِكَ النّاصِرِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْمُضاجِعِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَخِيهِ الْمَسْمُومِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيٍّ الْكَبِيرِ، اَلسَّلامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ.

اَلسَّلامُ عَلَى الْأَبْدانِ السَّلِيبَةِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْعِتْرَةِ الْقَرِيبَةِ.

اَلسَّلامُ عَلَى الْمُجَدَّلِينَ فِي الْفَلَواتِ، اَلسَّلامُ عَلَى النّازِحِينَ عَنِ الْأَوْطانِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بِلا أَكْفانٍ، اَلسَّلامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُفَرَّقَةِ عَنِ الْأَبْدانِ.

اَلسَّلامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصّابِرِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلا ناصِرٍ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ ساكِنِ التُّرْبَةِ الزّاكِيَةِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ صاحِبِ الْقُبَّةِ السّامِيَةِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنِ افْتَخَرَ بِهِ جَبْرَئِيلُ، اَلسَّلامُ عَلىٰ

مَنْ ناغاهُ فِي الْمَهْدِ مِيكائِيلُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ نُكِثَتْ ذِمَّتُهُ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ هُتِكَتْ حُرْمَتُهُ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ أُرِيقَ بِالظُّلْمِ دَمُهُ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمُغَسَّلِ بِدَمِ الْجِراحِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمُجَرَّعِ بِكَأْساتِ الرِّماحِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمُضامِ الْمُسْتَباحِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرىٰ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ دَفَنَهُ[1] أَهْلُ الْقُرىٰ.

اَلسَّلامُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمُحامِي بِلا مُعِينٍ، اَلسَّلامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْخَدِّ التَّرِيبِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ، اَلسَّلامُ عَلَى الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ[2] بِالْقَضِيبِ، اَلسَّلامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْأَجْسامِ الْعارِيَةِ فِي الْفَلَواتِ، تَنْهَشُهَا الذِّئابُ الْعادِياتُ، وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السِّباعُ الضّارِياتُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ، وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْمَرْفُوفِينَ[3] حَوْلَ قُبَّتِكَ، الْحافِّينَ بِتُرْبَتِكَ، الطّائِفِينَ بِعَرْصَتِكَ، الْوارِدِينَ لِزِيارَتِكَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ، فَإِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ، وَرَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ سَلامَ الْعارِفِ بِحُرْمَتِكَ، الْمُخْلِصِ فِي وِلايَتِكَ، الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللهِ بِمَحَبَّتِكَ، الْبَرِيءِ مِنْ أَعْدائِكَ، سَلامَ مَنْ قَلْبُهُ بِمُصابِكَ مَقْرُوحٌ، وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ، سَلامَ الْمَفْجُوعِ الْمَحْزُونِ الْوالِهِ الْمُسْتَكِينِ، سَلامَ مَنْ لَوْ كانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوَقاكَ بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ، وَبَذَلَ حُشاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحُتُوفِ، وَجاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَنَصَرَكَ عَلىٰ مَنْ بَغىٰ عَلَيْكَ، وَفَداكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمالِهِ وَوَلَدِهِ، وَرُوحُهُ لِرُوحِكَ فِداءٌ، وَأَهْلُهُ لِأَهْلِكَ وِقاءٌ.

فَلَئِنْ أَخَّرَتْنِي الدُّهُورُ، وَعاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ، وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حارَبَكَ

---

۱ ـ «من تولّى دَفْنَهُ» خ ل.
۲ ـ «المُقْرَع» خ ل.
۳ ـ «المُرَفرِفين» خ ل.

مُحارِباً، وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ ٱلْعَداوَةَ مُناصِباً، فَلَأَنْدُبَنَّكَ صَباحاً وَمَساءً، وَلَأَبْكِيَنَّ لَكَ بَدَلَ ٱلدُّمُوعِ دَماً، حَسْرَةً عَلَيْكَ، وَتَأَسُّفاً عَلىٰ ما دَهاكَ وَتَلَهُّفاً، حَتّىٰ أَمُوتَ بِلَوْعَةِ ٱلْمُصابِ، وَغُصَّةِ ٱلِاكْتِيابِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ ٱلصَّلاةَ، وَآتَيْتَ ٱلزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ ٱلْمُنْكَرِ وَٱلْعُدْوانِ، وَأَطَعْتَ ٱللهَ وَما عَصَيْتَهُ، وَتَمَسَّكتَ بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَأَرْضَيْتَهُ، وَخَشِيتَهُ وَراقَبْتَهُ وَٱسْتَحَيْتَهُ[1]، وَسَنَنْتَ ٱلسُّنَنَ، وَأَطْفَأْتَ ٱلْفِتَنَ، وَدَعَوْتَ إِلَى ٱلرَّشادِ، وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ ٱلسَّدادِ، وَجاهَدْتَ في ٱللهِ حَقَّ ٱلْجِهادِ.

وَكُنْتَ لِلّٰهِ طائِعاً، وَلِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ تابِعاً، وَلِقَوْلِ أَبِيكَ سامِعاً، وإلىٰ وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسارِعاً، وَلِعِمادِ ٱلدِّينِ رافِعاً، وَلِلطُّغْيانِ قامِعاً، وَلِلطُّغاةِ مُقارِعاً، وَلِلْأُمَّةِ ناصِحاً، وَفي غَمَراتِ ٱلْمَوْتِ سابِحاً، وَلِلْفُسّاقِ مُكافِحاً، وَبِحُجَجِ ٱللهِ قائِماً، وَلِلْإِسْلامِ وَٱلْمُسْلِمِينَ راحِماً، وَلِلْحَقِّ ناصِراً، وَعِنْدَ ٱلْبَلاءِ صابِراً، وَلِلدِّينِ كالِئاً، وَعَنْ حَوْزَتِهِ مُرامِياً.

تَحُوطُ ٱلْهُدىٰ وَتَنْصُرُهُ، وَتَبْسُطُ ٱلْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ، وَتَنْصُرُ ٱلدِّينَ وَتُظْهِرُهُ، وَتَكُفُّ ٱلْعابِثَ[2] وَتَزْجُرُهُ، وَتَأْخُذُ لِلدَّنِيِّ مِنَ ٱلشَّرِيفِ، وَتُساوِي فِي ٱلْحُكْمِ بَيْنَ ٱلْقَوِيِّ وَٱلضَّعِيفِ.

كُنْتَ رَبِيعَ ٱلْأَيْتامِ، وَعِصْمَةَ ٱلْأَنامِ، وَعِزَّ ٱلْإِسْلامِ، وَمَعْدِنَ ٱلْأَحْكامِ، وَحَلِيفَ ٱلْإِنْعامِ، سالِكاً طَرائِقَ جَدِّكَ وَأَبِيكَ، مُشْبِهاً في ٱلْوَصِيَّةِ[3] لِأَخِيكَ، وَفِيَّ ٱلذِّمَمِ، رَضِيَّ ٱلشِّيَمِ، ظاهِرَ ٱلْكَرَمِ، مُتَهَجِّداً في ٱلظُّلَمِ، قَوِيمَ ٱلطَّرائِقِ، كَرِيمَ ٱلْخَلائِقِ، عَظِيمَ ٱلسَّوابِقِ، شَرِيفَ ٱلنَّسَبِ، مُنِيفَ ٱلْحَسَبِ، رَفِيعَ ٱلرُّتَبِ، كَثِيرَ ٱلْمَناقِبِ، مَحْمُودَ

---

١ ـ «واستَجَبته» خ ل.

٢ ـ «العائب» خ ل.

٣ ـ «الرّجاحة» خ ل.

اَلضَّرائِبِ، جَزِيلَ اَلْمَواهِبِ، حَلِيمٌ رَشِيدٌ، مُنِيبٌ جَوادٌ، عَلِيمٌ شَدِيدٌ، إمامٌ شَهِيدٌ، أَوّاهٌ مُنِيبٌ، حَبِيبٌ مَهِيبٌ.

كُنْتَ لِلرَّسُولِ ـ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ـ وَلَداً، وَلِلْقُرْآنِ سَنَداً، وَلِلْأُمَّةِ عَضُداً، وَفي اَلطّاعَةِ مُجْتَهِداً، حافِظاً لِلْعَهْدِ وَاَلْمِيثاقِ، ناكِباً عَنْ سُبُلِ اَلْفُسّاقِ، باذِلاً لِلْمَجْهُودِ، طَوِيلَ اَلرُّكُوعِ وَاَلسُّجُودِ.

زاهِداً في اَلدُّنْيا زُهْدَ اَلرّاحِلِ عَنْها، ناظِراً إِلَيْها بِعَيْنِ اَلْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْها، آمالُكَ عَنْها مَكْفُوفَةٌ، وَهِمَّتُكَ عَنْ زِينَتِها مَصْرُوفَةٌ، وَأَلْحاظُكَ عَنْ بَهْجَتِها مَطْرُوفَةٌ، وَرَغْبَتُكَ في اَلْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ.

حَتّىٰ إِذَا اَلْجَوْرُ مَدَّ باعَهُ، وَأَسْفَرَ اَلظُّلْمُ قِناعَهُ، وَدَعَا اَلْغَيُّ أَتْباعَهُ، وَأَنْتَ في حَرَمِ جَدِّكَ قاطِنٌ، وَلِلظّالِمِينَ مُبايِنٌ، جَلِيسُ اَلْبَيْتِ وَاَلْمِحْرابِ، مُعْتَزِلٌ عَنِ اَللَّذّاتِ وَاَلشَّهَواتِ، تُنْكِرُ اَلْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسانِكَ عَلىٰ حَسَبِ طاقَتِكَ وَإِمْكانِكَ، ثُمَّ اَقْتَضاكَ اَلْعِلْمُ لِلْإِنْكارِ[1]، وَلَزِمَكَ أَنْ تُجاهِدَ اَلْفُجّارَ، فَسِرْتَ في أَوْلادِكَ وَأَهالِيكَ، وَشِيعَتِكَ وَمَوالِيكَ، وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَاَلْبَيِّنَةِ، وَدَعَوْتَ إِلَى اَللهِ بِالْحِكْمَةِ وَاَلْمَوْعِظَةِ اَلْحَسَنَةِ، وَأَمَرْتَ بِإِقامَةِ اَلْحُدُودِ، وَاَلطّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ، وَنَهَيْتَ عَنِ اَلْخَبائِثِ وَاَلطُّغْيانِ، وَواجَهُوكَ بِالظُّلْمِ وَاَلْعُدْوانِ.

فَجاهَدْتَهُمْ بَعْدَ اَلْإِيعازِ إِلَيْهِمْ، وَتَأْكِيدِ اَلْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ، فَنَكَثُوا ذِمامَكَ وَبَيْعَتَكَ، وَأَسْخَطُوا رَبَّكَ وَجَدَّكَ، وَبَدَؤُوكَ بِالْحَرْبِ، فَثَبَتَّ لِلطَّعْنِ وَاَلضَّرْبِ، وَطَحَنْتَ جُنُودَ اَلْفُجّارِ، وَاَقْتَحَمْتَ قَسْطَلَ اَلْغُبارِ، مُجالِداً بِذِي اَلْفَقارِ، كَأَنَّكَ عَلِيٌّ اَلْمُخْتارُ.

فَلَمّا رَأَوْكَ ثابِتَ اَلْجَأْشِ، غَيْرَ خائِفٍ وَلا خاشٍ، نَصَبُوا لَكَ غَوائِلَ مَكْرِهِمْ،

---

۱ ـ «الانكار» خ ل.

وَقاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ، وَأَمَرَ اَللَّعِينُ جُنُودَهُ فَمَنَعُوكَ اَلْماءَ وَوُرُودَهُ، وَناجَزُوكَ اَلْقِتالَ، وَعاجَلُوكَ اَلنِّزالَ، وَرَشَقُوكَ بِالسِّهامِ وَاَلنِّبالِ، وَبَسَطُوا إِلَيْكَ أَكُفَّ اَلِاصْطِلامِ، وَلَمْ يَرْعَوْا لَكَ ذِماماً، وَلا راقَبُوا فِيكَ آثاماً في قَتْلِهِم أَوْلِياءَكَ، وَنَهْبِهِمْ رِحالَكَ، وَ أَنْتَ مُقَدَّمٌ في اَلْهَبَواتِ، وَمُحْتَمِلٌ لِلْأَذِيّاتِ، قَدْ عَجِبَتْ مِنْ صَبْرِكَ مَلائِكَةُ اَلسَّماواتِ، فَأَحْدَقُوا[1] بِكَ مِنْ كُلِّ اَلْجِهاتِ، وَأَثْخَنُوكَ بِالْجِراحِ، وَحالُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اَلرَّواحِ، وَلَمْ يَبْقَ لَكَ ناصِرٌ، وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ صابِرٌ، تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلادِكَ، حَتّىٰ نَكَسُوكَ عَنْ جَوادِكَ، فَهَوَيْتَ إِلَى اَلْأَرْضِ جَرِيحاً، تَطَؤُكَ اَلْخُيُولُ بِحَوافِرِها، وَتَعْلُوكَ اَلطُّغاةُ بِبَواتِرِها.

قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ، وَاَخْتَلَفَتْ بِالِانْقِباضِ وَاَلِانْبِساطِ شِمالُكَ وَيَمِينُكَ، تُدِيرُ طَرْفاً خَفِيّاً إِلىٰ رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ، وَقَدْ شُغِلْتَ بِنَفْسِكَ عَنْ وَلَدِكَ وَأَهالِيكَ[2].

وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شارِداً، إِلىٰ خِيامِكَ قاصِداً، مُحَمْحِماً باكِياً؛ فَلَمّا رَأَيْنَ اَلنِّساءُ جَوادَكَ مَخْزِيّاً، وَنَظَرْنَ سَرْجَكَ عَلَيْهِ مَلْوِيّاً، بَرَزْنَ مِنَ اَلْخُدُورِ ناشِراتِ اَلشُّعُورِ، عَلَى اَلْخُدُودِ لاطِماتٍ، لِلْوُجُوهِ[3] سافِراتٍ، وَبِالْعَوِيلِ داعِياتٍ، وَبَعْدَ اَلْعِزِّ مُذَلَّلاتٍ، وَإِلىٰ مَصْرَعِكَ مُبادِراتٍ، وَاَلشِّمْرُ جالِسٌ عَلىٰ صَدْرِكَ، وَمُولِغٌ[4] سَيْفَهُ عَلىٰ[5] نَحْرِكَ، قابِضٌ عَلىٰ[6] شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ، ذابِحٌ لَكَ بِمُهَنَّدِهِ.

قَدْ سَكَنَتْ حَواسُّكَ، وَخَفِيَتْ أَنْفاسُكَ، وَرُفِعَ عَلَى اَلْقَنا رَأْسُكَ، وَسُبِيَ أَهْلُكَ كَالعَبِيدِ، وَصُفِّدُوا في اَلْحَدِيدِ، فَوْقَ أَقْتابِ اَلْمَطِيّاتِ، تَلْفَحُ وُجُوهَهُمْ حَرُّ اَلْهاجِراتِ، يُساقُونَ في اَلْبَرارِي وَاَلْفَلَواتِ، أَيْدِيهِمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى اَلْأَعْناقِ، يُطافُ بِهِمْ في اَلْأَسْواقِ.

---

۱ ـ «وَأَحْدَقوا» خ ل.
۲ ـ «أَهْلِكَ» خ ل.
۳ ـ از بحارالانوار. در نسخ: «الوُجُوهِ».
۴ ـ «مولغ» خ ل.
۵ ـ «في» خ ل.
۶ ـ «في» خ ل.

فَالْوَيْلُ لِلْعُصاةِ ٱلْفُسّاقِ، لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ ٱلْإِسْلامَ، وَعَطَّلُوا ٱلصَّلاةَ وَٱلصِّيامَ، وَنَقَضُوا ٱلسُّنَنَ وَٱلْأَحْكامَ، وَهَدَمُوا قَواعِدَ ٱلْإِيمانِ، وَحَرَّفُوا آياتِ ٱلْقُرْآنِ، وَهَمْلَجُوا فِي ٱلْبَغْيِ وَٱلْعُدْوانِ.

لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ ٱللهِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ ـ مِنْ أَجْلِكَ مَوْتُوراً، وَعادَ كِتابُ ٱللهِ عَزَّ وَجَلَّ مَهْجُوراً، وَغُودِرَ ٱلْحَقُّ إِذْ قُهِرْتَ مَقْهُوراً، وَفُقِدَ بِفَقْدِكَ ٱلتَّكْبِيرُ وَٱلتَّهْلِيلُ، وَٱلتَّحْرِيمُ وَٱلتَّحْلِيلُ، وَٱلتَّنْزِيلُ وَٱلتَّأْوِيلُ، وَظَهَرَ بَعْدَكَ ٱلتَّغْيِيرُ وَٱلتَّبْدِيلُ، وَٱلْإِلْحادُ وَٱلتَّعْطِيلُ، وَٱلْأَهْواءُ وَٱلْأَضالِيلُ، وَٱلْفِتَنُ وَٱلْأَباطِيلُ.

فَقامَ ناعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ ٱلرَّسُولِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ فَنَعاكَ إِلَيْهِ بِالدَّمْعِ ٱلْهَطُولِ قائِلاً: يا رَسُولَ ٱللهِ، قُتِلَ سِبْطُكَ وَفَتاكَ، وَٱسْتُبِيحَ أَهْلُكَ وَحِماكَ، وَسُبِيَتْ بَعْدَكَ ذَرارِيكَ، وَوَقَعَ ٱلْمَحْذُورُ بِعِتْرَتِكَ وَذَوِيكَ، فَانْزَعَجَ ٱلرَّسُولُ، وَبَكىٰ قَلْبُهُ ٱلْمَهُولُ، وَعَزّاهُ بِكَ ٱلْمَلائِكَةُ وَٱلْأَنْبِياءُ، وَفُجِعَتْ بِكَ أُمُّكَ ٱلزَّهْراءُ، وَٱخْتَلَفَتْ جُنُودُ ٱلْمَلائِكَةِ ٱلْمُقَرَّبِينَ تُعَزِّي أَباكَ أَمِيرَ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَأُقِيمَتْ لَكَ ٱلْمَآتِمُ فِي أَعْلىٰ عِلِّيِّينَ، وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ ٱلْحُورُ ٱلْعِينُ، وَبَكَتِ ٱلسَّماءُ وَسُكّانُها، وَٱلْجِنانُ[1] وَخُزّانُها، وَٱلْهِضابُ وَأَقْطارُها، وَٱلْبِحارُ وَحِيتانُها، وَمَكَّةُ وَبُنْيانُها، وَٱلْجِنانُ[2] وَوِلْدانُها، وَٱلْبَيْتُ وَٱلْمَقامُ، وَٱلْمَشْعَرُ ٱلْحَرامُ، وَٱلْحِلُّ وَٱلْإِحْرامُ.

اَللّٰهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هٰذَا ٱلْمَكانِ ٱلْمُنِيفِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَٱحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ، وَأَدْخِلْنِي ٱلْجَنَّةَ بِشَفاعَتِهِمْ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يا أَسْرَعَ ٱلْحاسِبِينَ، وَيا أَكْرَمَ ٱلْأَكْرَمِينَ، وَيا أَحْكَمَ ٱلْحاكِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ خاتَمِ ٱلنَّبِيِّينَ، رَسُولِكَ إِلَى ٱلْعالَمِينَ أَجْمَعِينَ، وَبِأَخِيهِ وَٱبْنِ عَمِّهِ

---

۱ ـ «والجِبال» خ ل.　　۲ ـ «والبحار وحيتانها، والجنان» خ ل.

ٱلْأَنْزَعِ ٱلْبَطِينِ، ٱلْعالِمِ ٱلْمَكِينِ، عَلِيٍّ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَبِفاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ ٱلْعالَمِينَ، وَبِالْحَسَنِ ٱلزَّكِيِّ عِصْمَةِ ٱلْمُتَّقِينَ، وَبِأَبِي عَبْدِٱللهِ ٱلْحُسَيْنِ أَكْرَمِ ٱلْمُسْتَشْهَدِينَ، وَبِأَوْلادِهِ ٱلْمَقْتُولِينَ، وَبِعِتْرَتِهِ ٱلْمَظْلُومِينَ، وَبِعَلِيِّ بْنِ ٱلْحُسَيْنِ زَيْنِ ٱلْعابِدِينَ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قِبْلَةِ ٱلْأَوَّلِينَ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ ٱلصّادِقِينَ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ مُظْهِرِ ٱلْبَراهِينِ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ ناصِرِ ٱلدِّينِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةِ ٱلْمُهْتَدِينَ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ ٱلزّاهِدِينَ، وَٱلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وارِثِ ٱلْمُسْتَخْلَفِينَ، وَٱلْحُجَّةِ عَلَى ٱلْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ٱلصّادِقِينَ ٱلْأَبَرِّينَ، آلِ طٰهٰ وَيٰس، وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي ٱلْقِيامَةِ مِنَ ٱلْآمِنِينَ ٱلْمُطْمَئِنِّينَ ٱلْفائِزِينَ، ٱلْفَرِحِينَ ٱلْمُسْتَبْشِرِينَ.

اَللّٰهُمَّ ٱكْتُبْنِي فِي ٱلْمُسْلِمِينَ، وَأَلْحِقْنِي بِالصّالِحِينَ، وَٱجْعَلْ لِي لِسانَ صِدْقٍ فِي ٱلْآخِرِينَ، وَٱنْصُرْنِي عَلَى ٱلْباغِينَ، وَٱكْفِنِي كَيْدَ ٱلْحاسِدِينَ، وَٱصْرِفْ عَنِّي مَكْرَ ٱلْماكِرِينَ، وَٱقْبِضْ عَنِّي أَيْدِيَ ٱلظّالِمِينَ، وَٱجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ ٱلسّادَةِ ٱلْمَيامِينِ فِي أَعْلىٰ عِلِّيِّينَ، مَعَ ٱلَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ ٱلنَّبِيِّينَ وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَداءِ وَٱلصّالِحِينَ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ ٱلْمَعْصُومِ، وَبِحُكْمِكَ ٱلْمَحْتُومِ، وَنَهْيِكَ ٱلْمَكْتُومِ، وَبِهٰذَا ٱلْقَبْرِ ٱلْمَلْمُومِ، ٱلْمُوَسَّدِ فِي كَنَفِهِ ٱلْإِمامُ ٱلْمَعْصُومُ، ٱلْمَقْتُولُ ٱلْمَظْلُومُ، أَنْ تَكْشِفَ ما بِي مِنَ ٱلْغُمُومِ، وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ ٱلْقَدَرِ ٱلْمَحْتُومِ، وَتُجِيرَنِي مِنَ ٱلنّارِ ذاتِ ٱلسَّمُومِ.

اَللّٰهُمَّ جَلِّلْنِي بِنِعْمَتِكَ، وَرَضِّنِي بِقِسَمِكَ، وَتَغَمَّدْنِي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَباعِدْنِي مِنْ مَكْرِكَ وَنِقَمِكَ.

اَللّٰهُمَّ اَعْصِمْنِي مِنَ الزَّلَلِ، وَسدِّدْنِي في اَلْقَوْلِ وَالْعَمَلِ، وَافْسَحْ لِي فـي مُـدَّةِ اَلْأَجَلِ، وَأَعْفِنِي مِنَ الْأَوْجاعِ وَالْعِلَلِ، وَبَلِّغْنِي بِمَوالِيَّ وَبِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَارْحَـمْ عَـبْرَتِي، وَأَقِـلْنِي عَثْرَتِي، وَنَفِّسْ كُرْبَتِي، وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَأَصْلِحْ لِي في ذُرِّيَّتِي.

اَللّٰهُمَّ لا تَدَعْ لِي في هٰذَا الْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ وَالْمَحَلِّ الْـمُكَرَّمِ ذَنْـباً إلّا غَـفَرْتَهُ، وَلا عَيْباً إلّا سَتَرْتَهُ، وَلا غَمّاً إلّا كَشَفْتَهُ، وَلا رِزْقاً إلّا بَسَطْتَهُ، وَلا جاهاً إلّا عَـمَرْتَهُ، وَلا فَساداً إلّا أَصْلَحْتَهُ، وَلا أَمَلاً إلّا بَلَّغْتَهُ، وَلا دُعاءً إلّا أَجَبْتَهُ، وَلا مُضَيِّقاً[1] إلّا فَرَّجْتَهُ، وَلا شَمْلاً إلّا جَمَعْتَهُ، وَلا أَمْراً إلّا أَتْمَمْتَهُ، وَلا مالاً إلّا كَثَّرْتَهُ[2]، وَلا خُلْقاً إلّا حَسَّـنْتَهُ، وَلا إنْفاقاً إلّا أَخْلَفْتَهُ، وَلا حالاً إلّا عَمَرْتَهُ، وَلا حَسُوداً إلّا قَمَعْتَهُ، وَلا عَدُوّاً إلّا أَرْدَيْتَهُ، وَلا شَرّاً إلّا كَفَيْتَهُ، وَلا مَرَضاً إلّا شَفَيْتَهُ، وَلا بَعِيداً إلّا أَدْنَـيْتَهُ، وَلا شَـعَثاً إلّا لَـمَمْتَهُ، وَلا سُؤالاً إلّا أَعْطَيْتَهُ.

اَللّٰهُمَّ إنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعاجِلَةِ، وَثَوابَ الْآجِلَةِ .

اَللّٰهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلالِكَ عَنِ الْحَرامِ، وَبِفَضْلِكَ عَنْ جَمِيعِ الْأَنامِ.

اَللّٰهُمَّ إنِّي أَسْأَلُكَ عِلْماً نافِعاً، وَقَلْباً خاشِعاً، وَيَقِيناً شافِياً، وَعَمَلاً زاكِياً، وَصَبْراً جَمِيلاً، وَأَجْراً جَزِيلاً.

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَزِدْ في إحْسانِكَ وَكَرَمِكَ إلَيَّ، وَاجْعَلْ قَوْلِي في النّاسِ مَسْمُوعاً، وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعاً، وَأَثَرِي في الْخَيْراتِ مَتْبُوعاً، وَعَدُوِّي مَقْمُوعاً.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيارِ، في آناءِ اللَّيْلِ وَأَطْـرافِ النَّـهارِ؛ وَاكْفِنِي شَرَّ الْأَشْرارِ، وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَوْزارِ، وَأَجِرْنِي مِنَ النّارِ، وَأَحِلَّنِي[3]

---

۱ ـ «مَضيقاً» خ ل.
۲ ـ «أكثرته» خ ل.
۳ ـ «أدخِلني» خ ل.

دارَ ٱلْقَرارِ، وَٱغْفِرْ لِي وَلِجَمِيعِ إِخْوانِي فِيكَ وَأَخَواتِيَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِناتِ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

پس روی به قبله کن و دو رکعت نماز بکن، و در رکعت اوّل سورهٔ «انبیا» و در رکعت دوم سورهٔ «حشر» بخوان، و در قنوت نماز این دعا بخوان:

لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللهُ ٱلْحَلِيمُ ٱلْكَرِيمُ، لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللهُ ٱلْعَلِيُّ ٱلْعَظِيمُ، لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللهُ رَبُّ ٱلسَّماواتِ ٱلسَّبْعِ، وَٱلْأَرَضِينَ ٱلسَّبْعِ، وَما فِيهِنَّ وَما بَيْنَهُنَّ، خِلافاً لِأَعْدائِهِ، وَتَكْذِيباً لِمَنْ عَدَلَ بِهِ، وَإِقْراراً لِرُبُوبِيَّتِهِ، وَخُضُوعاً[1] لِعِزَّتِهِ.

اَلْأَوَّلُ بِغَيْرِ أَوَّلٍ، وَٱلْآخِرُ إِلىٰ غَيْرِ آخِرٍ، اَلظّاهِرُ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِهِ، ٱلْباطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَلُطْفِهِ، لا تَقِفُ ٱلْعُقُولُ عَلىٰ كُنْهِ عَظَمَتِهِ، وَلا تُدْرِكُ ٱلْأَوْهامُ حَقِيقَةَ ماهِيَّتِهِ، وَلا تَتَصَوَّرُ ٱلْأَنْفُسُ مَعانِيَ كَيْفِيَّتِهِ، مُطَّلِعاً عَلَى ٱلضَّمائِرِ، عارِفاً بِالسَّرائِرِ ﴿يَعْلَمُ خائِنَةَ ٱلْأَعْيُنِ وَما تُخْفِي ٱلصُّدُورُ﴾[2].

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ عَلىٰ تَصْدِيقِي رَسُولَكَ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، وَإِيمانِي بِهِ، وَعِلْمِي بِمَنْزِلَتِهِ، وَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ ٱلنَّبِيُّ ٱلَّذِي نَطَقَتِ ٱلْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ، وَبَشَّرَتِ ٱلْأَنْبِياءُ بِهِ، وَدَعَتْ إِلَى ٱلْإِقْرارِ بِما جاءَ بِهِ، وَحَثَّتْ عَلىٰ تَصْدِيقِهِ بِقَوْلِهِ تَعالىٰ: ﴿ٱلَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوباً عِنْدَهُمْ فِي ٱلتَّوْراةِ وَٱلْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهاهُمْ عَنِ ٱلْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّباتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ ٱلْخَبائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَٱلْأَغْلالَ ٱلَّتِي كانَتْ عَلَيْهِمْ﴾[3].

فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ إِلَى ٱلثَّقَلَيْنِ، وَسَيِّدِ ٱلْأَنْبِياءِ ٱلْمُصْطَفَيْنَ، وَعَلىٰ أَخِيهِ وَٱبْنِ عَمِّهِ، ٱللَّذَيْنِ لَمْ يُشْرِكا بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً، وَعَلىٰ فاطِمَةَ ٱلزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ

---

۱ ـ «وخُشوعاً» خ ل.
۲ ـ غافر: ۱۹.
۳ ـ اعراف: ۱۵۷.

اَلْعالَمِينَ، وَعَلىٰ سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ اَلْجَنَّةِ اَلْحَسَنِ وَاَلْحُسَيْنِ، صَلاةً خالِدَةَ اَلدَّوامِ، عَدَدَ قَطْرِ اَلرِّهامِ، وَزِنَةَ اَلْجِبالِ وَاَلْآكامِ، ما أَوْرَقَ اَلسَّلامُ، وَاَخْتَلَفَ اَلضِّياءُ وَاَلظَّلامُ، وَعلىٰ آلِهِ اَلطّاهِرِينَ، اَلْأَئِمَّةِ اَلْمُهْتَدِينَ، اَلذّائِدِينَ عَنِ اَلدِّينِ، عَلِيٍّ، وَمُحَمَّدٍ، وَجَعْفَرٍ، وَمُوسىٰ، وَعَلِيٍّ، وَمُحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ، وَاَلْحَسَنِ، وَاَلْحُجَّةِ، اَلْقُوّامِ بِالْقِسْطِ، وَسُلالَةِ اَلسِّبْطِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا اَلْإِمامِ فَرَجاً قَرِيباً، وَصَبْراً جَمِيلاً، وَنَصْراً عَزِيزاً، وَغِنىً عَنِ اَلْخَلْقِ، وَثَباتاً فِي اَلْهُدىٰ، وَاَلتَّوْفِيقَ لِما تُحِبُّ وَتَرْضىٰ، وَرِزْقاً واسِعاً حَلالاً طَيِّباً مَرِيئاً دارّاً سائِغاً فاضِلاً مُفَضَّلاً[1] صَبّاً صَبّاً، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلا نَكَدٍ، وَلا مِنَّةٍ مِنْ أَحَدٍ، وَعافِيَةً مِنْ كُلِّ بَلاءٍ وَسَقَمٍ وَمَرَضٍ، وَاَلشُّكْرَ عَلَى اَلْعافِيَةِ وَاَلنَّعْماءِ؛ وَإِذا جاءَ اَلْمَوْتُ فَاقْبِضْنا عَلىٰ أَحْسَنِ ما يَكُونُ لَكَ طاعَةً عَلىٰ ما أَمَرْتَنا مُحافِظِينَ، حَتّىٰ تُؤَدِّيَنا إِلىٰ جَنّاتِ اَلنَّعِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ اَلرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَوْحِشْنِي مِنَ اَلدُّنْيا، وَآنِسْنِي بِالْآخِرَةِ؛ وَإِنَّهُ لا يُوحِشُ مِنَ اَلدُّنْيا إِلّا خَوْفُكَ، وَلا يُونِسُ بِالْآخِرَةِ إِلّا رَجاؤُكَ.

اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْحُجَّةُ لا عَلَيْكَ، وَإِلَيْكَ اَلْمُشْتَكىٰ لا مِنْكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِنِّي عَلىٰ نَفْسِيَ اَلظّالِمَةِ اَلْعاصِيَةِ، وَشَهْوَتِيَ اَلْغالِبَةِ، وَاَخْتِمْ لِي بِالْعافِيَةِ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّ اَسْتِغْفارِي إِيّاكَ ـ وَأَنا مُصِرٌّ عَلىٰ ما نَهَيْتَ ـ قِلَّةُ حَياءٍ، وَتَرْكِيَ اَلِاسْتِغْفارَ مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ حِلْمِكَ تَضْيِيعٌ لِحَقِّ اَلرَّجاءِ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي تُؤْيِسُنِي أَنْ أَرْجُوَكَ، وَإِنَّ عِلْمِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ يَمْنَعُنِي أَنْ أَخْشاكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَدِّقْ رَجائِي لَكَ، وَكَذِّبْ خَوْفِي مِنْكَ، وَكُنْ لِي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ، يا أَكْرَمَ اَلْأَكْرَمِينَ.

---

۱ ـ «مُفَضَّلاً» خ ل.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَيِّدْنِي بِالْعِصْمَةِ، وَأَنْطِقْ لِسانِي بِالْحِكْمَةِ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْدَمُ عَلىٰ ما ضَيَّعَهُ في أَمْسِهِ، وَلا يُغْبَنُ حَظُّهُ في يَوْمِهِ، وَلا يَهُمُّ لِرِزْقِ غَدِهِ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّ الْغَنِيَّ مَنِ اسْتَغْنىٰ بِكَ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ، وَالْفَقِيرَ مَنِ اسْتَغْنىٰ بِخَلْقِكَ عَنْكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ بِكَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ لايَبْسُطُ كَفّاً إِلّا إِلَيْكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَنَطَ وَأَمامَهُ التَّوْبَةُ، وَوَراءَهُ الرَّحْمَةُ؛ وَإِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ الْعَمَلِ فَإِنِّي في رَحْمَتِكَ قَوِيُّ الْأَمَلِ، فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِي لِقُوَّةِ أَمَلِي.

اَللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ ما في عِبادِكَ مَنْ هُوَ أَقْسىٰ قَلْباً مِنِّي وَأَعْظَمُ مِنِّي ذَنْباً، فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لا مَوْلىٰ أَعْظَمَ مِنْكَ طَوْلاً، وَأَوْسَعَ رَحْمَةً وَعَفْواً؛ فَيا مَنْ هُوَ أَوْحَدُ في رَحْمَتِهِ، اغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ بِأَوْحَدَ في خَطِيئَتِهِ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنا فَعَصَيْنا، وَنَهَيْتَ فَمَا انْتَهَيْنا، وَذَكَّرْتَ فَتَناسَيْنا، وَبَصَّرْتَ فَتَعامَيْنا، وَحَذَّرْتَ فَتَعَدَّيْنا، وَما كانَ ذٰلِكَ جَزاءَ إِحْسانِكَ إِلَيْنا، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِما أَعْلَنّا وَأَخْفَيْنا، وَأَخْبَرُ بِما نَأْتِي وَما أَتَيْنا، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تُؤاخِذْنا بِما أَخْطَأْنا وَنَسِينا، وَهَبْ لَنا حُقُوقَكَ لَدَيْنا، وَأَتِمَّ إِحْسانَكَ إِلَيْنا، وَأَسْبِلْ رَحْمَتَكَ عَلَيْنا.

اَللّٰهُمَّ إِنّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهٰذَا الصِّدِّيقِ الْإِمامِ، وَنَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ لَهُ، وَلِجَدِّهِ رَسُولِكَ، وَلِأَبَوَيْهِ عَلِيٍّ وَفاطِمَةَ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، إِدْرارَ الرِّزْقِ الَّذِي بِهِ قِوامُ حَياتِنا، وَصَلاحُ أَحْوالِ عِيالِنا، فَأَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي تُعْطِي مِنْ سَعَةٍ، وَتَمْنَعُ مِنْ قُدْرَةٍ، وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ ما يَكُونُ صَلاحاً لِلدُّنْيا، وَبَلاغاً لِلْآخِرَةِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لَنا وَلِوالِدَيْنا، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِماتِ، الْأَحْياءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْواتِ، وَآتِنا في الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا بِرَحْمَتِكَ عَذابَ النّارِ.

پس رکوع و سجود می‌کنی و تشهد می‌خوانی و سلام می‌گویی، پس چون تسبیح فاطمه علیها السلام بخوانی چهل مرتبه بگو:

سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ للهِ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَر.

و از خدا سؤال کن که تو را از گناهان نگاه دارد، و از عذاب خود نجات بخشد، و توفیق عمل نیک کرامت فرماید، و اعمالت را قبول نماید. و بایست نزد سر قبر و دو رکعت نماز بکن به نحوی که گذشت، پس خود را به ضریح بچسبان و ببوس، و بگو:

زادَ اللهُ في شَرَفِكُمْ، وَالسَّلامُ عَلَيكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

و دعاکن برای خود، وپدر و مادر خود، و هرکه خواهی[1].

مؤلف گوید که: این زیارت را با تغییرها و زیادتی‌ها در مزارات ایراد کرده‌اند و به سیّد مرتضی ـ رضی الله عنه ـ نسبت داده‌اند، و از زیارات مطلقه شمرده‌اند؛ پس دور نیست که بنابراین در سایر ایّام نیز توان خواند این زیارت را.

---

۱ ـ مزار کبیر: ۴۹۶ ـ ۵۱۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۲۸ ح۹ وص۳۱۷ ح۸، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۳/ ۴۰۹ ش۱۱۸۱.

فصل دوم

در بیان فضیلت و کیفیّت زیارت اربعین ـ یعنی بیستم ماه صفر ـ است

در کتب معتبره از حضرت امام حسن عسکری ﷺ روایت کرده‌اند که: علامات مؤمن پنج چیز است: نماز پنجاه و یک رکعت از فریضه و نافله در شب و روز، و زیارت روز اربعین، و انگشتر در دست راست کردن، و جبین را در سجده بر خاک گذاشتن، و «بسم الله الرّحمن الرّحیم» را بلند گفتن[1].

و از **عطا منقول** است که گفت: با جابر بن عبدالله انصاری بودم در روز بیستم ماه صفر، چون به غاضریه رسیدیم در آب فرات غسل کرد، و پیراهن طاهری که با خود داشت پوشید، پس گفت که آیا با تو چیزی از بوی خوش هست ای عطا؟ گفتم: با من سُعد هست.

پس قدری از آن سعد گرفت و بر سر و بدن پاشید، و با پای برهنه روانه شد تا ایستاد نزد سر مبارک حضرت امام حسین و سه‌مرتبه **الله أکبر** گفت. پس افتاده و بیهوش شد، و چون به هوش آمد شنیدم که می‌گفت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا آلَ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا صِفْوَةَ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا خِيَرَةَ اَللهِ مِنْ خَلْقِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا ساداتِ اَلسّاداتِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا لُيُوثَ اَلْغاباتِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا سَفِينَةَ اَلنَّجاةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاَللهِ وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ اَلْأَنْبِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اَللهِ،

---

۱ ـ مزار مفید: ۵۳ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۵۲ ح ۱۲۲، مصباح المتهجّد: ۷۸۷ ـ ۷۸۸، مزار کبیر: ۳۵۲، مصباح الزائر: ۲۸۶، حاشیه مصباح کفعمی: ۴۸۹، بحارالانوار: ۸۲/ ۲۹۲ ح ۲۱ وج۸۵/ ۷۵ ح ۷ وج ۱۰۱/ ۱۰۶ ح ۱۷ وص۳۲۹ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۲۱۲ ش ۱۰۷۰.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِسْماعِيلَ ذَبِيحِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللهِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا شَهِيدُ ابْنَ الشَّهِيدِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قَتِيلُ ابْنَ الْقَتِيلِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلىٰ خَلْقِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَبَرَرْتَ والِدَيْكَ، وَجاهَدْتَ عَدُوَّكَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلامَ وَتَرُدُّ الْجَوابَ، وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللهِ وَخَلِيلُهُ وَنَجِيبُهُ، وَصَفِيُّهُ وَابْنُ صَفِيِّهِ.

زُرْتُكَ مُشْتاقاً، فَكُنْ لِي شَفِيعاً إِلَى اللهِ، يا سَيِّدِي أَسْتَشْفِعُ إِلَى اللهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ، وَبِأَبِيكَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَبِأُمِّكَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ.

لَعَنَ اللهُ قاتِلِيكَ وَظالِمِيكَ وَشانِئِيكَ وَمُبْغِضِيكَ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.

پس خم شد و دو طرف روی خود را بر قبر مقدّس مالید، و چهار رکعت نماز کرد، پس آمد به نزد قبر علی بن الحسین علیهما السلام و گفت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ، لَعَنَ اللهُ قاتِلَكَ، لَعَنَ اللهُ ظالِمَكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ بِمَحَبَّتِكُمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللهِ[1] مِنْ عَدُوِّكُمْ.

پس قبر را بوسید، و دو رکعت نماز کرد، و رو به جانب قبر شهدا کرد و گفت:

اَلسَّلامُ عَلَى الْأَرْواحِ الْمُنِيخَةِ بِقَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللهِ.

---

۱ ـ «أَتَبَرَّأُ إِلَيْهِ» خ ل.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا شِيعَةَ اَللهِ، وَشِيعَةَ رَسُولِهِ، وَشِيعَةَ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ وَاَلْحَسَنِ وَاَلْحُسَيْنِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا طاهِرُونَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا مَهْدِيُّونَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَبْرارُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ مَلائِكَةِ اَللهِ اَلْحافِّينَ بِقُبُورِكُمْ.

جَمَعَنِيَ اَللهُ وَإِيّاكُمْ في مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ تَحْتَ عَرْشِهِ.

پس آمد به نزد قبر حضرت عبّاس و ايستاد نزد قبر و گفت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا اَلْقاسِمِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَبّاسَ بْنَ عَلِيٍّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ.

أَشْهَدُ لَقَدْ[1] بالَغْتَ في اَلنَّصِيحَةِ، وَأَدَّيْتَ اَلْأَمانَةَ، وَجاهَدْتَ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّ أَخِيكَ؛ فَصَلَواتُ اَللهِ عَلىٰ رُوحِكَ اَلطَّيِّبَةِ، وَجَزاكَ اَللهُ مِنْ أَخٍ خَيْراً.

پس دو ركعت نماز كرد و خدا را خواند براى حاجتهاى خود و برگشت[2].

و به سند معتبر منقول است از صفوان جمّال كه گفت: مولاى من حضرت صادق ـ صلوات الله عليه ـ به من گفت در زيارت اربعين كه: زيارت مى‌كنى در هنگامى كه روز بلند شده باشد، و مى‌گويى:

اَلسَّلامُ عَلىٰ وَلِيِّ اَللهِ وَحَبِيبِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ خَلِيلِ اَللهِ وَنَجِيبِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ صَفِيِّ اَللهِ وَاَبْنِ صَفِيِّهِ، اَلسَّلامُ عَلَى اَلْحُسَيْنِ اَلْمَظْلُومِ اَلشَّهِيدِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَسِيرِ اَلْكُرُباتِ، وَقَتِيلِ اَلْعَبَراتِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَاَبْنُ وَلِيِّكَ، وَصَفِيُّكَ وَاَبْنُ صَفِيِّكَ، اَلْفائِزُ بِكَرامَتِكَ، أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ، وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ، وَاَجْتَبَيْتَهُ بِطِيبِ اَلْوِلادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّداً

---

١ ـ «أشهد أنّك قد» خ ل.

٢ ـ مصباح الزّائر: ٢٨٦ ـ ٢٨٨، بحارالانوار: ١٠١/ ٣٣٠ ح ١، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ٣/ ٢٦٠ ش ١١٤١ وص ٤٣٢ ش ١١٨٤ وص ٥٣٧ پاورقى ٢.

مِنَ ٱلسّادَةِ، وَقائِداً مِنَ ٱلْقادَةِ، وَذائِداً مِنَ ٱلذّادَةِ، وَأَعْطَيْتَهُ مَوارِيثَ ٱلْأَنْبِياءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلىٰ خَلْقِكَ مِنَ ٱلْأَوْصِياءِ، فَأَعْذَرَ فِي ٱلدُّعاءِ، وَمَنَحَ ٱلنُّصْحَ، وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ، لِيَسْتَنْقِذَ عِبادَكَ مِنَ ٱلْجَهالَةِ، وَحَيْرَةِ ٱلضَّلالَةِ.

وَقَدْ تَوازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ ٱلدُّنْيا، وَباعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ ٱلْأَدْنىٰ، وَشَرىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ ٱلْأَوْكَسِ، وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّىٰ فِي هَواهُ، وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ، وَأَطاعَ مِنْ عِبادِكَ أَهْلَ ٱلشِّقاقِ وَٱلنِّفاقِ وَحَمَلَةَ ٱلْأَوْزارِ، ٱلْمُسْتَوْجِبِينَ ٱلنّارَ[1].

فَجاهَدَهُمْ فِيكَ صابِراً مُحْتَسِباً، حَتّىٰ سُفِكَ فِي طاعَتِكَ دَمُهُ، وَٱسْتُبِيحَ حَرِيمُهُ.

اَللّٰهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبِيلاً، وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً أَلِيماً.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ سَيِّدِ ٱلْأَوْصِياءِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ ٱللهِ وَٱبْنُ أَمِينِهِ، عِشْتَ سَعِيداً، وَمَضَيْتَ حَمِيداً، وَمُتَّ فَقِيداً مَظْلُوماً شَهِيداً.

وَأَشْهَدُ أَنَّ ٱللهَ مُنْجِزٌ لَكَ ما وَعَدَكَ، وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ، وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ ٱللهِ، وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِ ٱللهِ، حَتّىٰ أَتاكَ ٱلْيَقِينُ.

فَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ والاهُ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُ.

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي ٱلْأَصْلابِ ٱلشّامِخَةِ وَٱلْأَرْحامِ ٱلطّاهِرَةِ؛ لَمْ تُنَجِّسْكَ ٱلْجاهِلِيَّةُ بِأَنْجاسِها، وَلَمْ تُلْبِسْكَ ٱلْمُدْلَهِمّاتُ مِنْ ثِيابِها.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ ٱلدِّينِ، وَأَرْكانِ ٱلْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ ٱلْمُؤْمِنِينَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ ٱلْإِمامُ ٱلْبَرُّ ٱلتَّقِيُّ، ٱلرَّضِيُّ ٱلزَّكِيُّ، ٱلْهادِي ٱلْمَهْدِيُّ.

---

۱ ـ «لِلنّار» خ ل.

وَأَشْهَدُ أَنَّ اَلْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ اَلتَّقْوىٰ، وَأَعْلامُ اَلْهُدىٰ، وَاَلْعُرْوَةُ اَلْـوُثْقىٰ، وَاَلْحُجَّةُ عَلىٰ أَهْلِ اَلدُّنْيا.

وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرايِعِ دِينِي وَخَواتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّىٰ يَأْذَنَ اَللهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ، لا مَعَ عَدُوِّكُمْ؛ صَلَواتُ اَللهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلىٰ أَرْواحِكُمْ وَأَجْسادِكُمْ، وَشاهِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ، وَظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ، آمِينَ رَبَّ اَلْعالَمِينَ.

و دو رکعت نماز می‌کنی، و هر دعا که خواهی می‌کنی و برمی‌گردی[1].

و *سیّد ابن طاووس* ـ علیه‌الرحمه ـ گفته است که: من برای این زیارت وداعی یافته‌ام که مخصوص است به این زیارت:

باید که بایستی پیش روی ضریح و بگویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ عَلِيٍّ اَلْـمُرْتَضىٰ وَصِـيِّ رَسُولِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا اَبْنَ فاطِمَةَ اَلزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ اَلْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اَلْحَسَنِ اَلزَّكِيِّ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اَللهِ في أَرْضِهِ وَشاهِدَهُ عَـلىٰ خَـلْقِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاَللهِ اَلشَّهِيدَ، وَاَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَاَبْنَ مَوْلايَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ اَلصَّلاةَ، وَآتَيْتَ اَلزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِـالْمَعْرُوفِ، وَنَـهَيْتَ عَـنِ اَلْمُنْكَرِ، وَجاهَدْتَ في سَبِيلِ اَللهِ حَتّىٰ أَتاكَ اَلْيَقِينُ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ.

أَتَيْتُكَ يا مَوْلايَ زائِراً وافِداً راغِباً، مُقِرّاً لَكَ بِالذُّنُوبِ، هارِباً إِلَيْكَ مِنَ اَلْخَطايا، لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ، يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللهِ، صَلَّى اَللهُ عَلَيْكَ حَيّاً وَمَيِّتاً؛ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اَللهِ مَقاماً مَعْلُوماً، وَشَفاعَةً مَقْبُولَةً.

---

۱ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۱۳ ح ۲۰۱، مصباح المتهجّد: ۷۸۸ ـ ۷۹۰، مزار کبیر: ۵۱۴، اقبال الاعمال: ۳/ ۱۰۱، مصباح الزّائر: ۲۸۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۳۱ ح ۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۳/ ۴۲۹ ش ۱۱۸۳.

لَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَكَ، لَعَنَ اللهُ مَنْ حَرَمَكَ وَغَصَبَ حَقَّكَ، وَلَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللهُ مَنْ خَذَلَكَ، وَلَعَنَ اللهُ مَنْ دَعاكَ فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يُعِنْكَ، وَلَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ حَرَمِ اللهِ وَحَرَمِ رَسُولِهِ، وَحَرَمِ أَبِيكَ وَأَخِيكَ، لَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شُرْبِ ماءِ الْفُراتِ، لَعْناً كَثِيراً يَتْبَعُ بَعْضُها بَعْضاً.

اَللّٰهُمَّ فاطِرَ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ، عالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ، أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبادِكَ فِيما كانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ، ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾[1].

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِ، وَارْزُقْنِيهِ أَبَداً ما بَقِيتُ وَحَيِيتُ يا رَبِّ، وَإِنْ مِتُّ فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ[2].

---

۱ ـ شعراء: ۲۲۷.

۲ ـ مصباح الزّائر: ۲۹۰، اقبال الاعمال: ۱۰۳/۳، بحارالانوار: ۳۳۲/۱۰۱ ـ ۳۳۳ ذیل ح ۲، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۵۷۸/۳ ش ۱۲۴۶.

فصل سوم

در بیان کیفیّت و فضیلت زیارت آن حضرت است در ایّام ماههای مبارک رجب و شعبان و رمضان

به سند معتبر منقول است از حضرت صادق ﷺ که: هرکه زیارت کند حسین بن علی ﷺ را در شب نیمهٔ شعبان، حق تعالیٰ گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد[1].

و به چند سند معتبر از حضرت امام زین العابدین و امام جعفر صادق ﷺ منقول است که: هرکه خواهد که مصافحه کند با او صد و بیست و چهار هزار پیغمبر، پس باید که زیارت کند قبر ابی‌عبدالله الحسین ﷺ را در نیمهٔ شعبان؛ به درستی که ارواح پیغمبران ﷺ رخصت می‌طلبند در زیارت آن حضرت پس رخصت می‌یابند؛ که از ایشان اند پنج پیغمبر اولو العزم.

پرسیدند که: کدام اند آنها؟

فرمود که: نوح، و ابراهیم، و موسی، و عیسی، و محمّد ـ صلّی الله علیهم اجمعین ـ؛ ایشان که مبعوث شده‌اند به مشرق و مغرب زمین[2].

و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق ﷺ منقول است که: چون نیمه ماه شعبان می‌شود، منادی از افق اعلیٰ ندا می‌کند که: ای زیارت کنندگان حسین برگردید

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۷۴ ب ۷۱ ح ۶ وص ۱۸۲ ب ۷۲ ح ۱۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۳ ح ۱ وص ۱۰۵ ح ۱۵ و ۱۶، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۶۹ ش ۹۸۲.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۷۹ ب ۷۲ ح ۲، مزار مفید: ۴۲ ح ۱، مزار کبیر: ۳۴۶، اقبال الاعمال: ۳/ ۳۳۸، بحارالانوار: ۱۱/ ۵۸ ح ۶۱ وج ۱۰۱/ ۹۳ ح ۲ و ۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۹۴ ش ۸۴۵.

که گناهان شما آمرزیده شد، و ثواب شما بر پروردگار شما و پیغمبر شما است[۱].

و در **روایت معتبر** دیگر فرمود که: هرکه سه سال متوالی در نصف شعبان آن حضرت را زیارت کند، گناهانش آمرزیده می‌شود[۲].

و در **حدیث معتبر** دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: زیارت کنندهٔ حسین علیه السلام در نصف شعبان، گناهانش آمرزیده می‌شود، و در آن سال بر او گناهی نوشته نمی‌شود؛ پس اگر در سال دیگر زیارت کند باز گناهانش آمرزیده می‌شود[۳].

و به **سند معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هرکه در یک شب از سه شب قبر حسین بن علیّ علیه السلام را زیارت کند، گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده شود: شب عید فطر، یا شب عید اضحی، یا شب نیمهٔ شعبان[۴].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: هرکه آن حضرت را زیارت کند در شب نیمه شعبان و شب فطر و شب عرفه در یک سال، بنویسد حقّ تعالیٰ ازبرای او ثواب هزار حج مقبول، و هزار عمرهٔ مقبول؛ و برآورده شود ازبرای او هزار حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت[۵].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: در شب نیمهٔ شعبان می‌آمرزد حق تعالیٰ هرکس را که زیارت امام حسین علیه السلام بکند گناهان گذشته ایشان را، و به ایشان میگویند که: عمل را از سر گیر[۶].

و به **سندهای صحیح** و غیر صحیح مروی است که ابن ابی نصر از حضرت

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۸۹ ح۹، کامل الزیارات: ۱۷۹ ب۷۲ ح۱ وص ۱۸۰ ح۳، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۲ ح ۳۱۸۰، مزار مفید: ۴۳ ح۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۹ ح ۱۱۰، مزار کبیر: ۳۴۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۴ ح۵ و۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۶۸ ش ۹۸۰.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۸۰ ب۷۲ ح۴، مزار مفید: ۴۴ ح۴، مزار کبیر: ۳۴۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۴ ح۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۷۲ ش ۹۸۷.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۸۰ ب۷۲ ح۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۴ ح۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۰۹ ش ۸۷۳.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۸۰ ب۷۲ ح۶، مزار مفید: ۴۵ ح۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۹ ح ۱۱۲، مزار کبیر: ۳۴۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۰ ح۲۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۷۱ ش ۹۸۶.

۵ ـ کامل الزیارات: ۱۸۰ ب۷۲ ح۷، وص۹۵ ح۱۱، مزار مفید: ۵۰ ح۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۵۱ ح۱۱۹، مزار کبیر: ۳۵۰، مصباح الزائر: ۳۲۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۰ ح۲۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۶۹ ش ۹۸۱.

۶ ـ کامل الزیارات: ۱۸۱ ب۷۲ ح ۱۰، اقبال الاعمال: ۳/ ۳۳۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۵ ح ۱۲ و۱۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۷۱ ش ۹۸۵.

امام رضا ـ صلوات الله علیه ـ سؤال نمود که: در کدام وقت بهتر است که زیارت کنیم حضرت امام حسین‌ؑ را؟

فرمود که: در نصف شعبان و نصف رجب[۱].

و به **سند معتبر** از حضرت صادق‌ؑ منقول است که: هرکه بزیارت قبر حسین‌ؑ برود در ماه مبارک رمضان و در راه بمیرد، او را در قیامت به موقف حساب در نیاورند، و به او گویند: ایمن داخل بهشت شود[۲].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: هرکه زیارت کند آن حضرت را در روز اوّل ماه رجب، خدا بیامرزد او را البته[۳].

و به **سند معتبر** دیگر از حضرت صادق‌ؑ منقول است که: چون روز اوّل شعبان داخل می‌شود، منادی از زیر عرش ندا می‌کند که: ای گروه شیعیان حسین! خالی مگذارید شب نیمهٔ این ماه را از زیارت آن حضرت. اگر بدانید که چه ثواب در آن است، هرآینه از بسیاریِ انتظار، سال بر شما دیر گذرد تا شب نیمهٔ شعبان درآید[۴].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: هرکه زیارت قبر آن حضرت بکند در نیمهٔ شعبان ـ که غرضش محض رضای حق تعالی باشد، و غیر خدا کسی منظورش نباشد ـ خدا در آن شب گناهانش را بیامرزد، هرچند به عدد موی بزهای قبیلهٔ کلب باشد.

راوی تعجّب کرد که: همهٔ گناهانش آمرزیده می‌شود؟

فرمود که: آیا این ثواب را از برای زیارت کنندهٔ حسین بسیار می‌دانی؟! چگونه خدا او را نیامرزد، و او به منزله کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده باشد![۵]

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۸۲ ب۷۳ ح ۱، مزار مفید: ۴۰ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۸ ح۱۰۸، مصباح المتهجد: ۸۰۷، مزار کبیر: ۳۴۶، اقبال الاعمال: ۲/ ۲۳۶، مصباح الزائر: ۳۰۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۶ ح۱۴ وص۹۷ ح۲۴ و۲۵، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۳/ ۲۲۴ ش ۱۰۹۰ و ۱۰۹۱.

۲ ـ کامل الزیارات: ۳۳۰ ب۱۰۸ ح۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۷ ح ۲۰، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۳/ ۱۷۳ ش۹۸۹.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۷۲ ب ۷۰ ذیل ح ۱۱، وص۱۸۲ ب۷۳ ذیل ح ۲، مزار مفید: ۳۹ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۸ ح۱۰۷، مصباح المتهجد: ۸۰۱، اقبال الاعمال: ۳/ ۲۱۹، مصباح الزائر: ۲۹۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۷ ح۲۱ ـ ۲۳، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۳/ ۱۶۸ ش۹۷۹.

۴ ـ اقبال الاعمال: ۳/ ۳۳۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۸ ح۲۶، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۳/ ۱۷۰ ش۹۸۴.

۵ ـ اقبال الاعمال: ۳/ ۳۴۰، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۸ ح۲۷، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۳/ ۱۷۰ ش۹۸۳.

و در **حدیث دیگر** فرمود که: خدا می‌آمرزد برای زیارت‌کنندهٔ حسین‌ؑ در نیمهٔ شعبان، گناهان گذشته و آینده او را[1].

و به **سند معتبر** دیگر منقول است که: از آن حضرت پرسیدند که: آیا زیارت حضرت امام حسین را وقتی هست که بهتر از وقتی باشد؟

فرمود که: زیارت کنید آن حضرت را در هر وقت و هر زمان؛ زیرا که زیارت آن حضرت خیر مقرّری است، هر که آن را بیشتر بعمل آورد خیر بیشتر خواهد یافت، و هر که کمتر کند کمتر خواهد یافت. و سعی کنید در زیارت کردن آن حضرت در اوقات شریفه، که اعمال صالحه در آنها ثوابش مضاعف است، و در آن اوقات شریفه ملائکه از آسمان نازل می‌شوند از برای زیارت آن حضرت.

پس پرسید از فضیلت زیارت آن حضرت در ماه مبارک رمضان.

فرمود که: هرکه به زیارت آن حضرت برود از روی خشوع و از برای خدا و پشیمان از گناهان و طلب آمرزش کننده از آنها، در یکی از سه شب ماه رمضان ـ در شب اول ماه یا در شب نیمه ماه یا در شب آخر ماه ـ گناهان و خطاها از او فرو ریزد چنانچه برگهای خشکیده به باد تند از درختان می‌ریزد، تا آنکه از گناه پاک شود مانند روزی که از مادر متولد شده بوده است. و یا این ثواب از برای او باشد، مثل ثواب کسی که در آن سال حج و عمره کرده باشد، و دو ملک او را ندا کنند ـ که ندای ایشان را هر صاحب روحی بشنود بغیر از جنّ و انس ـ، یکی از آنها گوید که: ای بنده خدا پاک شدی پس عمل را از سرگیر، و دیگری گوید که: ای بنده خدا دعایت مستجاب شد، پس بشارت باد تو را به آمرزشی از جانب خدا، و فضلی بزرگ[2].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: شب قدر در ده روزِ آخر ماه مبارک رمضان است، هرکه آن شب را نزد قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه دریابد، و دو رکعت یا بیشتر نماز در آنجا بکند، و از حق تعالی بهشت را سؤال کند، و پناه برد

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۸۱ ب ۷۲ ح ۹، اقبال الاعمال: ۳/ ۳۴۰، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۸ ح ۲۸، موسوعة زیارات المعصومین‌ؑ: ۳/ ۱۶۹ ش ۹۸۲.

۲ ـ اقبال الاعمال: ۱/ ۴۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۸ ح ۲۹، موسوعة زیارات المعصومین‌ؑ: ۳/ ۱۷۴ ش ۹۹۱.

به سوی او از آتش جهنم، حق تعالی به او عطا فرماید آنچه سؤال کرده است، و پناه دهد او را ازآنچه از او پناه جسته است.

و همچنین اگر سؤال کند که خدا به او بدهد بهترین چیزها که در این شب مقدّر شده است، و نگاه دارد او را از چیزهای بدی که در این شب مقدّر شده است، یا حاجتی را از خدا بطلبد که در آن گناهی نباشد، امید دارم که سؤالش به او داده شود، و از چیزهایی که حذر کرده است نگاه داشته شود، و شفاعت او را قبول کند حق تعالیٰ در حقّ ده کس از اهل بیت او ـ که همه مستوجب عذاب شده باشند ـ، و حق تعالی بسیار خیر رساننده است به سؤال‌کننده و بنده خود[۱].

و به **سند معتبر** از امام زاده عبد العظیم ـ رضي الله عنه ـ منقول است که حضرت امام محمّد تقی علیه السلام فرمود که: هرکه زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سوم ماه رمضان ـ و آن شبی است که امید است که شب قدر باشد، و در آن شب هر امر محکمی جدا و مقدّر شود ـ، مصافحه کنند با او روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر، که همه رخصت می‌طلبند از خدا در زیارت آن حضرت در این شب[۲].

و در **حدیث معتبر** دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: چون شب قدر می‌شود، منادی از میان عرش ندا می‌کند که: خدا آمرزید هرکه را زیارت قبر حسین علیه السلام کرد[۳].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: هرکه زیارت قبر آن حضرت بکند در نیمه شعبان، بنویسد حق تعالی از برای او ثواب هزار حجّ[۴].

و به **روایت معتبر** منقول است از موسی بن جعفر علیه السلام که: سه شب است که هرکه زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در آن شبها، گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده

---

۱ ـ اقبال الاعمال: ۱/ ۳۸۳، بحارالانوار: ۹۸/ ۱۶۵ وج ۱۰۱/ ۹۹ ح ۳۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۷۵ ش۹۹۲.

۲ ـ اقبال الاعمال: ۱/ ۳۸۳، بحارالانوار: ۹۸/ ۱۶۶ وج ۱۰۱/ ۱۰۰ ح ۳۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۱۱ ش۱۰۶۸.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۸۴ ب ۷۴ ح۵، مزار مفید: ۵۴ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۹ ح ۱۱۱، مزار کبیر: ۳۵۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۶ ح۱۸ و ۱۹ وص ۱۰۰ ح ۳۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۷۶ ش۹۹۳.

۴ ـ مصباح الزائر: ۳۱۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۰ ح۳۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۷۲ ش۹۸۸.

شود: شب نصف شعبان، و شب بیست و سوم ماه رمضان، و شب عید[۱].

مترجم گوید: در کتب علماء زیارات مخصوصه از برای روز اوّل ماه رجب و شب نیمهٔ رجب و شب نیمهٔ شعبان ذکر کرده‌اند، و چون به روایت نسبت نداده‌اند ما ایراد نکردیم؛ اگر یکی از زیارات منقوله راکه سابقاً مذکور شد بعمل آورند خوب است.

و **شیخ کفعمی** علیه الرحمه در کتاب بلدالامین، در زیارت نصف شعبان ذکر کرده است که: روایت کرده‌اند از حضرت صادق ؑ که در زیارت حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ نزد قبر می‌ایستی و می‌گویی:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ الزَّكِيُّ، أُودِعُكَ شَهادَةً مِنِّي لَكَ يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ في يَوْمِ شَفاعَتِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ وَلَمْ تَمُتْ، بَلْ بِرَجاءِ حَياتِكَ حَيِيَتْ قُلُوبُ شِيعَتِكَ، وَبِضِياءِ نُورِكَ اهْتَدَى الطّالِبُونَ إِلَيْكَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ نُورُ اللّٰهِ الَّذِي لَمْ يُطْفَأْ وَلا يُطْفَأُ أَبَداً، وَأَنَّكَ وَجْهُ اللّٰهِ الَّذِي لَمْ يَهْلِكْ وَلا يَهْلِكُ أَبَداً.

وَأَشْهَدُ أَنَّ هٰذِهِ التُّرْبَةَ تُرْبَتُكَ، وَهٰذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ، وَهٰذَا الْمَصْرَعَ مَصْرَعُ بَدَنِكَ، لا ذَلِيلَ وَاللّٰهُ مُعِزُّكَ، وَلا مَغْلُوبَ وَاللّٰهُ ناصِرُكَ. هٰذِهِ شَهادَةٌ لِي عِنْدَكَ إِلىٰ يَوْمِ قَبْضِ رُوحِي بِحَضْرَتِكَ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ[۲].

مؤلّف گوید که: دور نیست که این از زیاراتِ مطلقه باشد.

و در **حدیث معتبر** از حضرت صادق ؑ منقول است که: هرکه در شب نیمه شعبان از اوّل تا آخرِ شب در کربلای معلّی بماند، و هزار مرتبه سورهٔ «قل هو الله أحد» بخواند، و هزار مرتبه استغفار بکند، و هزار مرتبه **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ** بگوید، پس برخیزد

---

۱ ـ مصباح الزائر: ۳۲۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۰۱ ح ۳۶، موسوعة زيارات المعصومين ؑ: ۳/ ۲۰۴ ش ۱۰۵۰.

۲ ـ مصباح کفعمی: ۴۹۸، بلد الامین: ۲۸۴، بحارالانوار: ۱۰۱/۳۴۲ ح ۲، موسوعة زيارات المعصومين ؑ: ۳/ ۴۴۵ ش ۱۱۹۲.

و چهار رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت هزار مرتبه «آیة الکرسی» بخواند، حق تعالی موکّل گرداند به او دو ملک راکه حفظ نمایند او را از هر بدی، و از شرّ هر شیطان و سلطان؛ و حسنات او را برای او بنویسند، و گناهی بر او ننویسند، و تا با اویند از برای او استغفار کنند[۱].

و *سیّد ابن طاووس* ـ علیه الرحمة ـ در کتاب اقبال از محمّد بن علی طرازی نقل کرده است که: او از خطّ محمّد بن هارون نقل کرده است که: از نماز شب نیمه شعبان نزد قبر سیّدما ابی‌عبدالله الحسین ـ صلوات الله علیه ـ چهار رکعت نماز است، که در هر رکعت پنجاه مرتبه «فاتحة الکتاب» و پنجاه مرتبه «قل هو الله أحد» بخوانند، و هریک را در رکوع ده مرتبه، و بعد از سر برداشتن از رکوع و در سجده‌ها و در میان سجده‌ها ده مرتبه بخوانند، و بعد از نماز این دعا بخوانند.

أَنْتَ ٱللهُ ٱلَّذِي ٱسْتَجَبْتَ لِآدَمَ وَحَوّاءَ، حِينَ ﴿قالا رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَتَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخاسِرِينَ﴾[۲]، وَناداكَ نُوحٌ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ وَآلَهُ مِنَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ، وَأَطْفَأْتَ نارَ نَمْرُودَ عَنْ خَلِيلِكَ إِبْراهِيمَ فَجَعَلْتَها عَلَيْهِ بَرْداً وَسَلاماً.

وَأَنْتَ ٱلَّذِي ٱسْتَجَبْتَ لِأَيُّوبَ حِينَ ناداكَ ﴿أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ ٱلرّاحِمِينَ﴾[۳]، فَكَشَفْتَ ما بِهِ مِنَ ضُرٍّ وَآتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرىٰ لِأُولِي ٱلْأَلْبابِ.

وَأَنْتَ ٱلَّذِي ٱسْتَجَبْتَ لِذِي ٱلنُّونِ حِينَ ناداكَ فِي ٱلظُّلُماتِ أَنْ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ ٱلظّالِمِينَ[۴]، فَنَجَّيْتَهُ مِنَ ٱلْغَمِّ.

وَأَنْتَ ٱلَّذِي ٱسْتَجَبْتَ لِمُوسىٰ وَهارُونَ دَعْوَتَهُما حِينَ قُلْتَ: ﴿قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُما﴾[۵]، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ، وَغَفَرْتَ لِداوُدَ ذَنْبَهُ وَنَبَّهْتَ قَلْبَهُ وَأَرْضَيْتَ

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۸۱ ب ۷۲ ح ۸، اقبال الاعمال: ۳/ ۳۳۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۴۲ ح ۳.
۲ ـ اعراف: ۲۳.
۳ ـ انبیاء: ۸۳.
۴ ـ انبیاء: ۸۷.
۵ ـ یونس: ۸۹.

خَصْمَهُ مِنْكَ، وَأَنْتَ ٱلَّذِي فَدَيْتَ ٱلذَّبِيحَ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ حِيْنَ أَسْلَما وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ فَنادَيْتَهُ بِالْفَرَجِ وَٱلرَّوْحِ.

وَأَنْتَ ٱلَّذِي ناداكَ زَكَرِيّا نِداءً خَفِيّاً ﴿قالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ ٱلْعَظْمُ مِنِّي وَٱشْتَعَلَ ٱلرَّأْسُ شَيْباً وَلَمْ أَكُنْ بِدُعائِكَ رَبِّ شَقِيّاً﴾[1]، وَقُلْتَ: ﴿وَيَدْعُونَنا رَغَباً وَرَهَباً وَكانُوا لَنا خاشِعِينَ﴾[2].

وَأَنْتَ ٱلَّذِي ٱسْتَجَبْتَ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصّالِحاتِ لِتَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ؛ رَبِّ فَلا تَجْعَلْنِي أَهْوَنَ ٱلرّاغِبِينَ إِلَيْكَ، وَٱسْتَجِبْ لِي كَما ٱسْتَجَبْتَ لَهُمْ، بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ طَهِّرْنِي، وَتَقَبَّلْ صَلاتِي وَحَسَناتِي، وَطَيِّبْ بَقِيَّةَ حَياتِي، وَطَيِّبْ وَفاتِي، وَٱخْلُفْنِي فِيمَنْ أُخَلِّفُ، وَٱحْفَظْهُمْ رَبِّ بِدُعائِي، وَٱجْعَلْ ذُرِّيَّتِي ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً تَحُوطُها بِحِياطَتِكَ مِنْ كُلِّ ما حُطْتَ مِنْهُ ذُرِّيَّةَ أَوْلِيائِكَ، بِرَحْمَتِكَ يا رَحِيمُ.

يا مَنْ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَعَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ، وَمِنْ كُلِّ سائِلٍ قَرِيبٌ، وَلِكُلِّ داعٍ مِنْ خَلْقِهِ مُجِيبٌ، أَنْتَ ٱللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ، ٱلْأَحَدُ ٱلصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ.

تَمْلِكُ ٱلْقُدْرَةَ ٱلَّتِي عَلَوْتَ بِها فَوْقَ عَرْشِكَ، وَرَفَعْتَ بِها سَماواتِكَ، وَأَرْسَيْتَ بِها جِبالَكَ، وَفَرَشْتَ بِها أَرْضَكَ، وَأَجْرَيْتَ بِهَا ٱلْبِحارَ، وَسَخَّرْتَ بِهَا ٱلسَّحابَ وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ وَٱللَّيْلَ وَٱلنَّهارَ، وَخَلَقْتَ بِهَا ٱلْخَلائِقَ.

أَسْأَلُكَ بِعَظَمَةِ وَجْهِكَ ٱلْكَرِيمِ ٱلَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ ٱلسَّماواتُ، وَأَضاءَتْ بِهِ ٱلظُّلُماتُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْفِيَنِي أَمْرَ مَنْ يُعادِينِي وَأَمْرَ مَعادِي وَمَعاشِي، وَأَصْلِحْ يا رَبِّ شَأْنِي، وَلا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ أَمْرَ وَلَدِي وَعِيالِي، وَأَغْنِنِي وَإِيّاهُمْ مِنْ خَزائِنِكَ وَسَعَةِ رِزْقِكَ وَفَضْلِكَ، وَٱرْزُقْنِي

---

۱ ـ مریم: ۴.
۲ ـ انبیاء: ۹۰.

اَلعِفَّة في دِينِكَ، وَانْفَعْنِي بِما نَفَعْتَ بِهِ مَنِ ارْتَضَيْتَ مِنْ عِبادِكَ، وَاجْعَلْنِي لِلْمُتَّقِينَ إماماً كَما جَعَلْتَ إبْراهِيمَ، فَإنَّ بِتَوْفِيقِكَ يَفُوزُ الْمُتَّقُونَ، وَيَتُوبُ التّائِبُونَ، وَيَعْبُدُكَ الْعابِدُونَ، وَبِتَسْدِيدِكَ وَإرْشادِكَ نَجَا الصّالِحُونَ مِنَ النّارِ.

اَللّٰهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْواها، وَأَنْتَ وَلِيُّها وَمَوْلاها، وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكّاها.

اَللّٰهُمَّ بَيِّنْ لَها رَشادَها وَتَقْواها، وَنَزِّلْها مِنَ الْجِنانِ أَعْلاها، وَطَيِّبْ وَفاتَها وَمَحْياها، وَأَكْرِمْ مُنْقَلَبَها وَمَثْواها، وَمُسْتَقَرَّها وَمَأْواها، أَنْتَ رَبُّها وَمَوْلاها.

اَللّٰهُمَّ اسْمَعْ وَاسْتَجِبْ بِمَنْزِلَةِ مُحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ، وَفاطِمَةَ، وَالْحَسَنِ، وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَالْحُجَّةِ الْقائِمِ ـ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ ـ عِنْدَكَ، وَبِمَنْزِلَتِهِمْ لَدَيْكَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ[1].

و ایضاً سیّد ـ علیه الرّحمة ـ روایت کرده است به سند معتبر که: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردند که: چه می‌فرمایید در باب کسی که نزد قبر حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ حاضر شود در شب نیمهٔ ماه مبارک رمضان؟

حضرت فرمود که: به به! هرکه نزد قبر آن حضرت در شب نیمه ماه مبارک رمضان ده رکعت نماز بکند بعد از نماز خفتن به غیر از نماز شب، و در هر رکعت سورهٔ حمد و ده مرتبه «قل هو الله أحد» بخواند، و از خدا امان بطلبد از آتش جهنم، حق تعالی او را بنویسد آزاد کرده خود از آتش جهنم، و نمیرد تا در خواب ببیند ملکی چند را که او را بشارت دهند به بهشت، و ملکی چند را که او را ایمن گردانند از آتش جهنم[2].

و شیخ مفید، و سیّد ابن طاووس، و شیخ شهید، و شیخ محمّد بن المشهدی ـ رضي الله عنهم ـ زیارتی نقل کرده‌اند از برای شب قدر، و روز عید ماه رمضان، و عید قربان.

و سیّد فرموده است که این زیارت مخصوص شب قدر است، و در عیدها نیز

---

۱ ـ اقبال الاعمال: ۳/ ۳۴۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۴۳ ح ۴ وص ۲۸۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۵۶۰ ش ۱۲۳۳.

۲ ـ اقبال الاعمال: ۱/ ۲۹۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۴۹، ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۷۳ ش ۹۹۰.

چنین زیارت می‌توان کردن.

و روایتی که شیخ محمّد بن المشهدی نقل کرده است، مُشعر است بر اینکه از زیارات مطلقه باشد، و در همه وقت توان کرد.

گفته است که: **روایت شده** است از حضرت صادق﷣ که: چون خواهی زیارت کنی حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ را، پس برو به روضهٔ آن حضرت بعد از آنکه غسل کرده باشی، و پاکترین جامه‌های خود را پوشیده باشی، پس چون بایستی نزدیک قبر آن حضرت، مقابل روی آن حضرت بایست، و پشت به جانب قبله کن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الصِّدِّيقَةِ الطّاهِرَةِ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أَبا عَبْدِاللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ، وَجاهَدْتَ في اللهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذىٰ في جَنْبِهِ مُحْتَسِباً حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقِينُ.

أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خالَفُوكَ وَحارَبُوكَ وَالَّذِينَ خَذَلُوكَ وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ، مَلْعُونُونَ عَلىٰ لِسانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ «وَقَدْ خابَ مَنِ افْتَرىٰ»[1] لَعَنَ اللهُ الظّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَضاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ الْأَلِيمَ.

أَتَيْتُكَ يا مَوْلايَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ زائِراً، عارِفاً بِحَقِّكَ، مُوالِياً لِأَوْلِيائِكَ، مُعادِياً لِأَعْدائِكَ، مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، عارِفاً بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ.

پس خود را به قبر بچسبان، و پهلوی روی خود را بر آن بگذار.

---

۱ ـ طه: ۶۱.

پس برو به نزد سر آن حضرت و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ ٱللهِ في أَرْضِهِ وَسَمائِهِ، صَلَّى ٱللهُ عَلىٰ رُوحِكَ ٱلطَّيِّبِ وَجَسَدِكَ ٱلطّاهِرِ، وَعَلَيْكَ ٱلسَّلامُ يا مَوْلايَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس باز خود را به ضريح بچسبان و ببوس، وپهلوى روى خود را برآن بگذار، و نزد سر دو ركعت نماز بكن و بعد از آن هر نماز كه ميسّر شود بكن.

پس برو به نزد پاهاى آن حضرت، و علىّ بن الحسين عليهما السلام را زيارت بكن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَٱبْنَ مَوْلايَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ، لَعَنَ ٱللهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَضاعَفَ عَلَيْهِمُ ٱلْعَذابَ ٱلْأَلِيمَ.

و هر دعاكه خواهى بكن.

پس از جانب پا منحرف شو، و رو به قبله شهدا را زيارت كن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا ٱلصِّدِّيقُونَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا ٱلشُّهَداءُ ٱلصّابِرُونَ.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جاهَدْتُمْ في سَبِيلِ ٱللهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَى ٱلْأَذىٰ في جَنْبِ ٱللهِ، وَنَصَحْتُمْ للهِ وَلِرَسُولِهِ حَتّىٰ أَتاكُمُ ٱلْيَقِينُ.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ، فَجَزاكُمُ ٱللهُ عَنِ ٱلْإِسْلامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ جَزاءِ ٱلْمُحْسِنِينَ، وَجَمَعَ ٱللهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ في مَحَلِّ ٱلنَّعِيمِ.

پس برو به سوى قبر عباس ـ رضي الله عنه ـ و چون نزد قبر بايستى بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلْعَبْدُ ٱلصّالِحُ، ٱلْمُطِيعُ للهِ وَلِرَسُولِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جاهَدْتَ وَنَصَحْتَ وَصَبَرْتَ حَتّىٰ أَتاكَ ٱلْيَقِينُ.

لَعَنَ ٱللهُ ٱلظّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ ٱلْأَوَّلِينَ وَٱلْآخِرِينَ، وَأَلْحَقَهُمْ بِدَرَكِ ٱلْجَحِيمِ[1].

---

۱ ـ مزار كبير: ۵۱۷، بحارالانوار: ۱۰۱/۲۵۶ ح ۴۰، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۳/ ۳۲۷ ش ۱۱۶۵.

فصل چهارم

در بیان فضیلت زیارت آن حضرت است
در روز عرفه و عیدها و سایر ایّام متبرّکه

به سند معتبر منقول است از بشیر دهّان که گفت: عرض کردم به حضرت صادق﷣ که: گاه هست حج از من فوت می‌شود، و روز عرفه را نزد قبر حضرت امام حسین﷣ می‌گذرانم.

فرمود که: نیک می‌کنی ای بشیر، هر مؤمنی که به زیارت قبر امام حسین﷣ برود با شناسائی حق آن حضرت در غیر روز عیدی، نوشته شود برای او ثواب بیست حج، و بیست عمره مقبول، و بیست جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل.

و هرکه زیارت کند آن حضرت را در روز عرفه با معرفت حق آن حضرت، نوشته شود برای او هزار حج، و هزار عمره پسندیدهٔ مقبول، و هزار جهاد با پیغمبر مرسل یا امام عادل.

گفتم: کجا حاصل می‌شود برای من مثل ثواب موقف عرفات؟!

پس نظر فرمود آن حضرت به سوی من مانند کسی که خشمناک باشد و فرمود که: ای بشیر، مؤمن هرگاه برود به زیارت قبر امام حسین در روز عرفه، و غسل کند در نهر فرات پس متوجّه شود به سوی قبر آن حضرت، بنویسد حق تعالیٰ از برای او به هر گامی حجّی که با همه مناسک بعمل آمده باشد.

و چنین گمان دارم که فرمود: و عمره‌ای[1].

و به **سندهای معتبر** از آن حضرت منقول است که: خداوند عالمیان در پسین روز عرفه، اوّل نظر رَحمت به سوی زیارت کنندگان حسین بن علی می‌کند، پیش از آنکه نظر به اهل موقفِ عرفات کند.

راوی پرسید که: به چه سبب چنین می‌کند؟

فرمود که: در میان آنها که در عرفات حاضر می‌شوند فرزندان زنا می‌باشند و در میان زیارت کنندگان آن حضرت فرزندان زنا نمی‌باشند[2].

و به **سند حسن** کالصّحیح از حضرت صادق و کاظم و رضا ﷺ منقول است که: هرکه زیارت کند آن حضرت را در روز عرفه، برگرداند حق تعالی او را خنک دل[3].

یعنی با دل مطمئن به ایمان، و شاد به رضا و خشنودی خدا.

و به **سند معتبر** دیگر از حضرت صادق ﷺ منقول است که: حق تعالیٰ رحمت خود را متوجّه زائران قبر حسین ـ صلوات الله علیه ـ می‌گرداند پیش از اهل عرفات، و حاجتهای ایشان را بر می‌آورد، و گناهان ایشان را می‌آمرزد، و شفاعت ایشان را قبول می‌کند در سؤالهای ایشان؛ پس بعد از آن متوجّه اهل عرفات می‌شود و با ایشان نیز چنین می‌کند[4].

و در **روایت معتبر** دیگر از بشیر منقول است که گفت: در هنگامی که حضرت صادق ﷺ در حیره بود و نزد آن حضرت جماعتی از شیعه بودند، رو به سوی من کرد و فرمود که: ای بشیر، امسال حج کردی؟

گفتم: نه، ولیکن در روز عرفه نزد قبر امام حسین ﷺ بودم.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۶۹ ب ۷۰ ح ۱، ثواب الاعمال: ۱۱۵ ح ۲۵، امالی صدوق: ۱۲۳ م ۲۹ ح ۱۱، مزار کبیر: ۳۲۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۵ ح ۱ ـ ۳، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۹۸ ش ۱۰۳۷.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۷۰ ب ۷۰ ح ۳، ثواب الاعمال: ۱۱۵ ح ۲۷، معانی الاخبار: ۳۹۱ ح ۳۶، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۰ ح ۳۱۳۷، تهذیب الاحکام: ۶/ ۵۰ ح ۱۱۶، مصباح المتهجّد: ۷۱۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۵ ح ۴ ـ ۷، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۲۰۰ ش ۱۰۴۲.

۳ ـ من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۰ ح ۳۱۷۲، ثواب الاعمال: ۱۱۵ ح ۲۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۶ ح ۸ و ۹، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۲۰۰ ش ۱۰۴۱.

۴ ـ کامل الزیارات: ۱۶۵ ب ۶۸ ح ۱ وص ۱۷۰ ب ۷۰ ح ۴، ثواب الاعمال: ۱۱۶ ح ۲۸، مصباح المتهجّد: ۷۱۵، اقبال الاعمال: ۲/ ۶۱، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۶ ح ۵۰ وص ۸۶ و ۸۷ ح ۱۰ ـ ۱۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۲۰۱ ش ۱۰۴۵.

فرمود که: ای بشیر والله که از تو فوت نشده است چیزی از ثوابها که از برای اصحاب مکّه در مکّه بهم رسیده است.

گفتم: فدای تو شوم درآنجا عرفات هست، بیان فرما که چگونه مرا ثواب ایشان فوت نشده است؟!

فرمود که: ای بشیر احدی از شما که غسل کند بر کنار فرات، و برود به زیارت قبر آن حضرت، و عارف به امامت او و حق او باشد، عطا می‌فرماید حق تعالیٰ به او به هر گامی که بردارد یا بگذارد، ثواب صد حج مقبول، و صد عمرهٔ مبرور، و صد جهاد که با پیغمبر مرسل برود به جنگ دشمن‌ترین دشمنان خدا.

ای بشیر بشنو، و برسان به هرکس که دلش برتابد و قبول کند، که هرکه زیارت کند آن حضرت را در روز عرفه، چنان است که حق‌تعالی را در عرش زیارت کرده باشد[1].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: هرکه را فوت شود روز عرفه در عرفات، و دریابد آن را نزد قبر حسین بن علی﵉، از او فوت نشده است ثوابی. و به درستی که حق تعالی ابتدا می‌کند به اهل قبر حسین﵇ پیش از اهل عرفات، پس با ایشان خود مخاطبه و مکالمه می‌فرماید[2].

و به **سند حسن و موثّق** از آن حضرت منقول است که: چون روز عرفه می‌شود، حق‌تعالی مطّلع می‌شود بر زوّار قبر حسین﵇ پس به ایشان می‌گوید که: از سر گیرید عمل را که گناهان شما را آمرزیدم. پس متوجّه کار سازی اهل عرفات می‌شود[3].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: هرگاه روز عرفه می‌شود، حق‌تعالی نظر می‌فرماید به سوی زیارت‌کنندگان قبر آن حضرت پس می‌فرماید که: برگردید که گناهان شما آمرزیده شده است. و از روزی که برمی‌گردند تا هفتاد روز، گناه

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۷۱ ب ۷۰ ح ۹، وص ۱۸۵ ب ۷۵ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۷ ح ۱۳، موسوعة زیارات المعصومین﵈: ۳/ ۱۹۶ ش ۱۰۳۴.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۷۰ ب ۷۰ ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۷ ح ۱۴، موسوعة زیارات المعصومین﵈: ۳/ ۱۹۷ ش ۱۰۳۶.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۷۱ ب ۷۰ ح ۷، تهذیب الاحکام: ۶/ ۵۱ ح ۱۱۷، مصباح المتهجّد: ۷۱۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۸ ح ۱۵ وص ۹۲ ح ۳۵ و ۳۶، موسوعة زیارات المعصومین﵈: ۳/ ۲۰۱ ش ۱۰۴۳.

بر ایشان نوشته نمی‌شود[۱].

و در **حدیث معتبر** دیگر از آن حضرت منقول است که: هرکه زیارت کند قبر امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ را در روز عرفه، بنویسد خدا از برای او ثواب هزار هزار حج که با قائم آل محمّد ـ صلوات الله علیه ـ کرده باشند، و هزار هزار عمره که با رسول خدا ﷺ کرده باشند، و ثواب آزاد کردن هزار هزار بنده، و فرستادن هزار هزار کس به جهاد در راه خدا.

و نام برَد حق تعالیٰ او را که: بندهٔ بسیار تصدیق‌کننده من ایمان آورد به وعدهٔ من.

و ملائکه گویند که: فلان مرد صدّیق است، خدا او را ثنا گفته است دربالای عرش عظمت و جلالش.

و در زمین او را «کروبیّ» گویند[۲] ـ که لقب ملائکه مقرّبین است ـ.

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: هرکه آن حضرت را زیارت کند در روز عرفه با شناختن حق او، بنویسد خدا از برای او ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد، که با پیغمبر مرسل کرده باشند[۳].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: هرکه پریشان باشد و او را میسّر نشود حجّة الاسلام، پس برود و عرفه را نزد قبر امام حسین ﷺ بگذراند، که آن مجزی است او را از حج اسلام.

و نمی‌گویم که از حج مجزی است مگر از برای کسی که پریشان باشد. امّا مالدار،

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۱۷۱ ب ۷۰ ح ۸، مصباح المتهجد: ۷۱۶، اقبال الاعمال: ۲/ ۶۱، مصباح الزائر: ۳۴۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۸ ح ۱۶ و ۱۷، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۲۰۱ ش ۱۰۴۴.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۷۲ ب ۷۰ ح ۱۰، مزار مفید: ۴۶ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۴۹ ح ۱۱۳، مصباح المتهجد: ۷۱۵، مزار کبیر: ۳۴۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۸ ح ۱۸ و ۱۹، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۲۰۲ ش ۱۰۴۶.

۳ ـ کامل الزیارات: ۱۷۲ ب ۷۰ ح ۱۱ وص ۱۸۲ ب ۷۳ ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۹ ح ۲۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۹۳ ش ۱۰۲۹.

هرگاه حج واجب خود را کرده باشد، و خواهد که حج سنّت یا عمرهٔ سنّت بکند و شغل دنیایی یا عایقی او را مانع شود، و برود به نزد قبر آن حضرت در روز عرفه، او را مجزی است از ادا کردن حج و عمره، و مضاعف گرداند حق تعالیٰ ثواب آن را از برای او به اضعاف بسیار.

راوی پرسید: برابر چند حج و چند عمره است؟ فرمود که: آن را احصا نمی‌توان کرد. پرسید که: صد برابر؟ فرمود که: کی احصا می‌تواند کرد؟ پرسید که: هزار برابر؟ فرمود که: بیشتر.

پس آن آیه را خواند که مضمونش این است که: اگر بشمارید نعمتهای خدا را، احصا نمی‌توانید کرد آنها را[1]، به درستی که خدا واسع العطا و کریم است[2].

و در **حدیث دیگر** از حضرت امام محمد باقر ﷺ منقول است که: هر که شب عرفه در زمین کربلا باشد، و بماند آنجا تا زیارت روز عید بکند و برگردد، نگاه دارد خدا او را از شرّ آن سال[3].

و در **حدیث معتبر** از رفاعه منقول است که حضرت صادق ﷺ به او فرمود که: امسال حج کردی؟ گفت: فدای تو شوم، زری نداشتم که به حج روم، ولیکن عرفه را نزد قبر امام حسین ﷺ گذرانیدم.

فرمود که: ای رفاعه! هیچ کوتاهی نکردی از آنچه اهل منی در آن بودند؛ اگر نه این بود که کراهت دارم که مردم ترک حج کنند، هرآینه حدیثی برای تو می‌گفتم که هرگز ترک زیارت قبر آن حضرت نکنی.

پس ساعتی ساکت شد، و بعد از آن فرمود که: خبرداد مرا پدرم که: هر که بیرون رود به سوی قبر امام حسین ﷺ و عارف به حق آن حضرت بوده باشد و با تکبّر نرود، همراه

---

۱ ـ ابراهیم: ۳۴، نحل: ۱۸.

۲ ـ کامل الزیارات: ۱۷۳ ب ۷۰ ح ۱۲، مزار مفید: ۴۶ ح ۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۵۰ ح ۱۱۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۸۹ ح ۲۲ و ۲۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۹۷ ش ۱۰۳۵.

۳ ـ کامل الزیارات: ۲۶۹ ب ۸۸ ح ۹، مزار مفید: ۴۸ ح ۳، مزار کبیر: ۳۴۹، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۰ ح ۲۵، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۱۱۰ ش ۸۷۴.

او می‌شوند هزار ملک از جانب راست او، و هزار ملک از جانب چپ او، و نوشته شود برای او ثواب هزار حج و هزار عمره که با پیغمبری یا وصیّ پیغمبری کرده باشند[۱].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: هرکه روز عرفه را نزد قبر حسین علیه السلام بگذراند خالی بر نگردد، بلکه برگردد و دستهای او مملوّ باشد از رحمت الهی[۲].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: هرکه زیارت کند قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه، آمرزیده شود گناهان او البته، و چون از دنیا بیرون رود در دل او هیچ حسرت از دنیا نباشد، و در بهشت با امام حسین علیه السلام ساکن گردد.

پس فرمود که: کیست که نخواهد که همسایهٔ حضرت امام حسین صلوات الله علیه باشد؟![۳]

مؤلّف گوید که: زیارت آن حضرت در سایر اوقات شریفه و لیالی و ایّام متبرکه افضل است؛ خصوصاً اوقاتی که به آن حضرت منسوب‌اند، مثل: روز مباهله.

و روز نزول «هل أتی»، که گذشت[۴].

و روز ولادت شریف آن حضرت، که ـ موافق مشهور ـ روز سوّم ماه شعبان است. و در مصباح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که ولادت آن حضرت در پنجم ماه شعبان واقع شد، در سال چهارم هجرت[۵].

و همچنین مناسب است زیارت آن حضرت در چهاردهم ماه ربیع الاوّل، که روزی است که یزید علیه اللّعنه به جهنم واصل شده است ـ بنابر مشهور ـ.

و از برای خصوصِ این ایّام، زیارتِ منقولی نیافتم.

و در کتب علما، زیارات مخصوصه از برای عیدین و عرفه مذکور است، و در کتاب بحارالانوار ایراد کرده‌ام؛ هرکه خواهد به آنها رجوع نماید[۶].

و اگر یکی از زیارات مطلقه را که به اسانید معتبره منقول است ـ و سابقاً مذکور شد ـ بخواند اولی است.

---

۱ ـ مصباح المتهجّد: ۷۱۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۱ ح ۳۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۹۵ ش ۱۰۳۲.
۲ ـ مصباح المتهجّد: ۷۱۶، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۱ ح ۳۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۹۹ ش ۱۰۳۸.
۳ ـ کامل الزیارات: ۱۸۳ ب ۷۴ ح ۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۹۶ ح ۱۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۶۲ ش ۹۷۱.
۴ ـ نگاه کن: ص ۷۶. ۵ ـ مصباح المتهجّد: ۸۵۲. ۶ ـ بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۵۲ و ۳۵۶ و ۳۵۹.

و شیخ طوسی و سید ابن طاووس ـ علیهما الرّحمه ـ ذکر کرده‌اند که: بیرون آمد فرمان حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه به سوی قاسم بن العلاء همدانی ـ وکیل امام حسن عسکری‌ؑ ـ که: مولای ما امام حسین‌ؑ متولد شد در روز پنجشنبه سوم ماه شعبان؛ پس در آن روز روزه بدار، و این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ ٱلْمَوْلُودِ في هٰذَا ٱلْيَوْمِ، ٱلْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ قَبْلَ ٱسْتِهْلالِهِ وَوِلادَتِهِ، بَكَتْهُ ٱلسَّماءُ وَمَنْ فِيها، وَٱلْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْها ـ وَلَمّا يَطَأْ لابَتَيْها ـ، قَتِيلِ ٱلْعَبْرَةِ، وَسَيِّدِ ٱلْأُسْرَةِ، ٱلْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ ٱلْكَرَّةِ، ٱلْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ ٱلْأَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ، وَٱلشِّفاءَ في تُرْبَتِهِ، وَٱلْفَوْزَ مَعَهُ في أَوْبَتِهِ، وَٱلْأَوْصِياءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قائِمِهِمْ وَغَيْبَتِهِ؛ حَتّىٰ يُدْرِكُوا ٱلْأَوْتارَ، وَيَثْأَرُوا ٱلثّارَ، وَيُرْضُوا ٱلْجَبّارَ، وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصارٍ، صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِمْ مَعَ ٱخْتِلافِ ٱللَّيْلِ وَٱلنَّهارِ.

اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ، وَأَسْأَلُ سُؤالَ مُقْتَرِفٍ وَمُعْتَرِفٍ مُسِيءٍ إِلىٰ نَفْسِهِ مِمّا فَرَّطَ في يَوْمِهِ وَأَمْسِهِ، يَسْأَلُكَ ٱلْعِصْمَةَ إِلىٰ مَحَلِّ رَمْسِهِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ، وَٱحْشُرْنا في زُمْرَتِهِ، وَبَوِّئْنا مَعَهُ دارَ ٱلْكَرامَةِ، وَمَحَلَّ ٱلْإِقامَةِ.

اَللّٰهُمَّ وَكَما أَكْرَمْتَنا بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرِمْنا بِزُلْفَتِهِ، وَٱرْزُقْنا مُرافَقَتَهُ وَسابِقَتَهُ، وَٱجْعَلْنا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ، وَيُكْثِرُ ٱلصَّلاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ، وَعَلىٰ جَمِيعِ أَوْصِيائِهِ وَأَهْلِ أَصْفِيائِهِ، ٱلْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ ٱلْإِثْنَي عَشَرَ، ٱلنُّجُومِ ٱلزُّهَرِ، وَٱلْحُجَجِ عَلىٰ جَمِيعِ ٱلْبَشَرِ.

اَللّٰهُمَّ وَهَبْ لَنا في هٰذَا ٱلْيَومِ خَيْرَ مَوْهِبَةٍ، وَأَنْجِحْ لَنا فِيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ، كَما وَهَبْتَ ٱلْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ، وَعاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ، فَنَحْنُ عائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ، وَنَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ، آمِينَ رَبَّ ٱلْعالَمِينَ.

پس می‌خوانی بعد از این، دعای حضرت امام حسین‌ؑ را، و این آخر دعایی

است که آن حضرت خوانده در روزی که مغلوب کافران گردیده بود.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ مُتَعالِي[۱] اَلْمَكانِ، عَظِيمُ اَلْـجَبَرُوتِ، شَـدِيدُ اَلْـمِحالِ، غَـنِيٌّ عَـنِ اَلْخَلائِقِ، عَرِيضُ اَلْكِبْرِياءِ، قادِرٌ عَلىٰ ما تَشاءُ، قَرِيبُ اَلرَّحْمَةِ، صادِقُ اَلْوَعْدِ، سابِغُ اَلنِّعْمَةِ، حَسَنُ اَلْبَلاءِ، قَرِيبٌ إِذا دُعِيتَ، مُحِيطٌ بِما خَلَقْتَ، قابِلُ اَلتَّوْبَةِ لِمَنْ تابَ إِلَيْكَ، قادِرٌ عَلىٰ ما أَرَدْتَ، وَمُدْرِكٌ ما طَلَبْتَ، وَشَكُورٌ إِذا شُكِرْتَ، وَذَكُورٌ إِذا ذُكِـرْتَ، أَدْعُوكَ مُحْتاجاً، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فَقِيراً، وَأَفْزَعُ إِلَيْكَ خـائِفاً، وَأَبْكِـي إِلَـيْكَ مَكْـرُوباً، وَأَسْتَعِينُ بِكَ ضَعِيفاً، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كافِياً.

أُحْكُمْ بَيْنَنا وَبَيْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ، فَإِنَّهُمْ غَرُّونا، وَخَدَعُونا، وَغَدَرُوا بِنا وَقَتَلُونا؛ وَنَحْنُ عِتْرَةُ نَبِيِّكَ، وَوَلَدُ حَبِيبِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ، اَلَّذِي اَصْطَفَيْتَهُ بِالرِّسالَةِ، وَأْتَمَنْتَهُ عَلىٰ وَحْيِكَ، فَاجْعَلْ لَنا مِنْ أَمْرِنا فَرَجاً وَمَخْرَجاً، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ اَلرّاحِمِينَ.

ابن عیّاش گفت که: شنیدم از حسین بن علی بزوفری که گفت شنیدم از حضرت صادق علیه السلام[۲] که در این روز این دعا را می‌خواند و می‌فرمود که: از دعاهای روز سوم ماه شعبان است که روز مولد حضرت امام حسین علیه السلام است[۳].

مؤلّف گوید که: اگر این دعا را در این روز در روضهٔ مقدّسه آن حضرت بخوانـد انسب است.

---

۱ ـ «اللّهمّ متعاليَ... عظيمَ... شديدَ» خ ل.

۲ ـ هرچند این ترجمه با متن موجود مصباح المتهجّد سازگار است که به نقل از ابن عیّاش (متوفّی ۴۰۱ ﻫ) می‌گوید: «سمعت الحسين بن علي بن سفيان البزوفري يقول سمعت أباعبدالله عليه السلام يدعو به...»، امّا چگونه بزوفری که از برجستگان شیعه در قرن چهارم است از امام صادق ـ علیه السلام ـ شنیده و روایت کرده است؟!

باید گفت در این قسمت از متن مصباح تصحیفی روی داده که منشأ آن «ابوعبدالله» کنیهٔ بزوفری است که از اسم او فاصله گرفته، و با تکرار «سمعت» و ضمیمه «علیه السلام» بتدریج چنین صورتی به خود گرفته است. و درست آن است که در مصباح صغیر ـ یعنی کتابی که خود شیخ طوسی قدّس سرّه از مصباح المتهجّد اختصار نموده ـ آمده است به نقل از ابن عیاش: «سمعت أباعبدالله الحسين بن علي بن سفيان البزوفري يدعو بهذا الدعاء...» یعنی شنیدم که ابوعبدالله حسین بن علی بن سفیان بزوفری این دعا را می‌خواند... (مصباح صغیر ـ چند نسخهٔ خطی ـ).

۳ ـ مصباح المتهجّد: ۸۲۷، اقبال الاعمال: ۳/ ۳۰۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۴۸، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۳/ ۴۴۲ ش ۱۱۹۰.

فصل پنجم

در بیان فضیلت و کیفیّت زیارت آن حضرت در غیر کربلا و زیارت سائر ائمه علیهم السلام در شهرهای دور کردن است

به سندهای معتبر از سدیر صرّاف منقول است که گفت: حضرت صادق علیه السلام به من فرمود که: چه مانع است تو را از اینکه زیارت کنی قبر امام حسین علیه السلام را در هر هفته پنج مرتبه، یا در هر روز یک مرتبه؟

گفتم: فدای تو شوم، میان من و آن حضرت فرسخهای بسیار هست.

فرمود که: بالا می‌روی به بام خانهٔ خود، پس ملتفت می‌شوی به جانب راست و جانب چپ خود، پس سر خود را به سوی آسمان بلند می‌کنی، پس رو به جانب قبر آن حضرت می‌کنی و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أبا عَبْدِاللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

تا نوشته شود برای تو ثواب حجّی و عمره‌ای.

سدیر گفت که: بسیار است که من در روزی زیاده از بیست مرتبه چنین زیارت می‌کنم[1].

و به سند صحیح از آن حضرت منقول است که: کسی که ناحیه‌اش بعید و خانه‌اش دور باشد از ما، پس بالا رود به بام خانهٔ خود و دو رکعت نماز بگزارد

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۲۸۷ ب ۹۶ ح ۲، کافی: ۴/ ۵۸۹ ح ۸، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۶۵ ح ۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۱۹۲ ش ۱۰۲۸.

و اشاره کند به سلام به سوی قبرهای ما، که آن سلام به ما می‌رسد[1].

و در **حدیث معتبر** منقول است از سلیمان بن عیسی که گفت: پدرم عرض کرد به خدمت حضرت صادق ﷺ که چگونه تو را زیارت کنم هرگاه قادر بر آمدن نباشم؟

فرمود که: ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن نباشی، چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالا رو بر بام خانه خود و دو رکعت نماز بکن، و متوجه شو به سوی من؛ به درستی که هرکه مرا زیارت کند در حیات من، چنان است که مرا زیارت کرده است بعد از موت من. و کسی که مرا زیارت کند بعد از موت من چنان است که مرا زیارت کرده باشد در حیات من[2].

مؤلف گوید که: این حدیث دلالت می‌کند بر اینکه در این زمانها حضرت صاحب الامر ـ صلوات الله علیه ـ را در همه موضع زیارت توان کرد؛ و اگر رو به سامرّه کند در وقت زیارت بهتر است، و زیارت مخصوصِ آن حضرت از بعید بعد از این خواهد آمد.

و در **حدیث معتبر** دیگر مروی است که حضرت صادق ﷺ به سدیر فرمود که: بسیار زیارت می‌کنی قبر حسین بن علی ﷺ را؟

گفت از بسیاریِ شغل، مرا مقدور نمی‌شود.

فرمود که: می‌خواهی تو را چیزی تعلیم نمایم که هرگاه بکنی از برای تو زیارت آن حضرت نوشته شود.

گفت بلی فدای تو شوم.

فرمود که: غسل بکن در خانهٔ خود، و بالا رو به بام خانه خود و اشاره کن به جانب آن حضرت به سلام کردن، تا نوشته شود برای تو ثواب زیارت[3].

و در **حدیث معتبر** دیگر منقول است که حنان بن سدیر رفت به خدمت حضرت صادق ﷺ ـ و نزد آن حضرت جماعتی از اصحاب او بودند ـ، پس فرمود که: ای حنان،

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۲۸۶ ب ۹۶ ح ۱ و ص ۲۸۸ ح ۶، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۹۹ ح ۳۲۰۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۶۵ ح ۱ و ص ۳۶۷ ح ۸، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۵/ ۱۲۸ ش ۱۶۷۰.

۲ ـ کامل الزیارات: ۲۸۷ ب ۹۶ ح ۴، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۶۶ ح ۶، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۱/ ۳۶۶ ش ۴۱۶.

۳ ـ کامل الزیارات: ۲۸۸ ب ۹۶ ح ۵، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۶۷ ح ۷، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۳/ ۵۰۴ ش ۱۰۲۴.

زیارت امام حسین علیه السلام می‌کنی هر ماه یک مرتبه؟ گفت نه. فرمود که: هر دو ماه یک مرتبه می‌کنی؟ گفت: نه. فرمود که: هر سال یک مرتبه؟ گفت نه. فرمود که: چه بسیار جفاکارید به سیّد و آقای خود!

گفت یا ابن رسول الله، مانع من کمی توشه و دوری مسافت است.

فرمود که: می‌خواهی شما را دلالت کنم به زیارتی که مقبول باشد، هر چند زیارت کننده دور باشد؟

گفت: چگونه زیارت کنم یا ابن رسول الله؟

فرمود که: غسل کن در روز جمعه ـ یا هر روز که خواهی ـ، و بپوش پاکترین جامه‌های خود را، و بالا رو بر بلندترین بامهای خانه خود ـ یا برو به صحرائی ـ و رو به جانب قبر کن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَابْنَ مَولايَ، وَسَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا قَتِيلُ[1] ابْنَ الْقَتِيلِ، اَلشَّهِيدَ ابْنَ الشَّهِيدِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

أَنا زائِرُكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ بِقَلْبِي وَلِسانِي وَجَوارِحِي، وَإِنْ لَمْ أَزُرْكَ بِنَفْسِي وَالْمُشاهَدَةِ فَعَلَيْكَ السَّلامُ[2] يا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ، وَوارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ، ووارِثَ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ اللهِ، وَوارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللهِ، وَوارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللهِ وَكَلِمَتِهِ، وَوارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللهِ وَنَبِيِّهِ وَرَسُولِهِ، وَوارِثَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ اللهِ وَخَلِيفَتِهِ، وَوارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.

لَعَنَ اللهُ قاتِلِيكَ، وَجَدَّدَ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ في هٰذِهِ السّاعَةِ، وَفي كُلِّ ساعَةٍ.

أَنا يا سَيِّدِي مُتَقَرِّبٌ إِلَى اللهِ جَلَّ وَعَزَّ، وَإِلىٰ جَدِّكَ رَسُولِ اللهِ، وَإِلىٰ أَبِيكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِلىٰ أَخِيكَ الْحَسَنِ، وَإِلَيْكَ يا مَوْلايَ ـ عَلَيْكَ سَلامُ اللهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكاتُهُ ـ بِزِيارَتِي لَكَ بِقَلْبِي وَلِسانِي وَجَمِيعِ جَوارِحِي؛ فَكُنْ يا سَيِّدِي شَفِيعِي

---

۱ ـ «يا مَوْلايَ الْقَتِيلَ» خ ل.

۲ ـ «والمشاهدة لقبتك السلام عَلَيْك» خ ل.

لِقَبُولِ ذٰلِكَ مِنِّي، وَأَنا بِالبَراءَةِ مِنْ أَعْدائِكَ وَاللَّعْنَةِ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ وَإِلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ، فَعَلَيْكَ صَلَواتُ اللهِ وَرِضْوانُهُ وَرَحْمَتُهُ.

پس اندکی می‌گردی به جانب چپ خود و رو می‌گردانی به سوی قبر علیّ بن الحسین علیه السلام ـ که او نزد پای پدر خود مدفون است ـ و سلام می‌کنی بر او مثل این سلام، پس دعا می‌کنی و می‌طلبی حاجتهای دنیا و آخرت خود را، پس چهار رکعت نماز می‌گزاری ـ که نماز زیارت هشت رکعت است، یا شش رکعت، یا چهار رکعت، یا دو رکعت، و بهترش هشت رکعت است ـ.

پس رو می‌کنی به جانب قبر امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ و می‌گویی:

أَنا مُوَدِّعُكَ يا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ، وَسَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي، وَمُوَدِّعُكَ يا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَمُوَدِّعُكُمْ يا سادَتِي يا مَعْشَرَ الشُّهَداءِ، فَعَلَيْكُمْ سَلامُ اللهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكاتُهُ وَرِضْوانُهُ[1].

مؤلف گوید که: چون عبارت این حدیث تشویش و اضطرابی دارد و چند احتمال دارد، بهتر آن است که همین زیارت را با وداع چنانچه رو به قبر شریف می‌خواند، رو به قبله نیز بکند و بخواند، تا آنکه به‌همه احتمالات عمل کرده باشد.

و در زیارت علیّ بن الحسین، اگر زیارات مخصوصه آن حضرت که گذشت بخواند خوب است.

و اگر همین زیارت را خواند به‌جای «**يا وارِث**» در همه جا «**يَا ابْنَ وارِث**» بخواند، یا از «**وارث**» قصد وراثت امامت و خلافت نکند؛ زیرا که آن حضرت امام نبوده است.

و ***بدان که*** این حدیث دلالت می‌کند بر اینکه از دور که زیارت کنند، نماز زیارت را بعد از زیارت باید بکند و احادیث پیش دلالت کرد بر آنکه پیش باید بکنند؛ و دور

۱ـ کامل الزیارات: ۲۸۸ ـ ۲۹۰ ب ۹۶ ح ۷، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۶۷ ح ۱۰، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۲۳۸ ش ۱۱۲۶ وص ۵۰۱ ش ۱۲۰۲ وص ۵۷۳ ش ۱۲۴۱.

نیست که مخیّر باشند.

و اگر این زیارت را کنند، به‌همین‌نحو که وارد شده است بکنند.

و از این احادیث معلوم شد که غسل از برای زیارتِ بعید مستحب است. و از بعضی هم مفهوم شد که بی‌غسل نیز می‌توان کرد. و از بعضی عمومات مستفاد می‌شود که بر هر حالی توان کرد، چنانچه اکثر علما گفته‌اند. و اگر در بام خانه یا صحرا واقع سازد، احوط و اولی است.

و **زیارت جامعه** که در بلاد بعیده همهٔ ائمّه علیهم السلام را زیارت کنند، در فصل زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از بعید گذشت[1].

و در **حدیث معتبر** از حسین بن ثویر منقول است که به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که: من بسیار حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ را یاد می‌کنم، در آن وقت چه بگویم؟

فرمود که: سه مرتبه بگو: **صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ ٱللّٰهِ.**

که سلام بر آن حضرت می‌رسد از نزدیک و دور[2].

و *شیخ طوسی* ـ علیه الرحمه ـ ذکر کرده است که: زیارت می‌توان کرد ائمّه علیهم السلام را از دور، چنانچه از نزدیک ایشان را زیارت می‌کنند؛ امّا در جایی که «**أَتَيْتُكَ زائِراً**» باشد نگوید، بلکه بگوید:

قَصَدْتُكَ بِقَلْبِي زائِراً إِذْ عَجَزْتُ عَنْ حُضُورِ مَشْهَدِكَ، وَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ سَلامِي لِعِلْمِي أَنَّهُ يَبْلُغُكَ ـ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْكَ ـ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ.

و دعا کن آنچه خواهی[3].

و بعضی از *اکابر علما* روایت کرده است از ابوالحسن قادسی که گفت: من بسیار به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می‌رفتم، پس چندی به سبب پیری و کمی مال

---

۱ ـ نگاه کن: ص ۶۱.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۷۵ ضمن ح ۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۰۳ ح ۱۸۰، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۷۰ ح ۱۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۵۰۵ ش ۱۲۰۵.

۳ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۰۳ ذیل ح ۱۷۹.

توفیق زیارت آن حضرت نیافتم، پس شبی حضرت رسول ﷺ را در خواب دیدم که حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام در خدمت آن حضرت بودند، چون من به نزدیک ایشان رسیدم امام حسین علیه السلام گفت: یا رسول الله، این مرد مرا بسیار زیارت می‌کرد، و اکنون ترک کرده است.

حضرت رسول متوجه من گردید و فرمود که: آیا ترک زیارت مثلِ حسین می‌توان کرد؟!

گفتم: یا رسول‌الله، قلّت مال و پیری مرا مانع ادراک این سعادت گردیده است.

حضرت فرمود که: هر شب بر بام خانه خود برو، و به انگشت شهادت به سوی قبر آن حضرت اشارت کن و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ جَدِّكَ وَعَلىٰ أَبِيكَ[1]، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أُمِّكَ وَأَخِيكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ٱلْأَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ ٱلدَّمْعَةِ ٱلسّاكِبَةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ ٱلْمُصِيبَةِ ٱلثّابِتَةِ[2]، لَقَدْ أَصْبَحَ كِتابُ ٱللهِ فِيكَ مَهْجُوراً، وَرَسُولُ ٱللهِ فِيكَ مَوْتُوراً، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَنْصارِ ٱللهِ وَخُلَفائِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أُمَناءِ ٱللهِ وَأَحِبّائِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَحالِّ مَعْرِفَةِ ٱللهِ، وَمَعادِنِ حِكْمَةِ ٱللهِ، وَحَفَظَةِ سِرِّ ٱللهِ، وَحَمَلَةِ كِتابِ ٱللهِ، وَأَوْصِياءِ نَبِيِّ ٱللهِ، وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ ٱللهِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس هر حاجت که خواهی از خدا سؤال کن، پس اگر چنین کنی زیارت تو از دور و نزدیک هردو مقبول است[3].

و بدان که *زیارت* هشتم زیارتهای جامعه که بعد از این مذکور می‌شود[4]، در خصوصِ بعید وارد شده است.

۱ـ «وأبيك» خ ل. ۲ـ «الراتبة» خ ل.

۳ـ بحارالانوار: ۱۰۱/ ۳۷۵ ح ۱۷، موسوعة زيارات المعصومين علیهم السلام: ۳/ ۵۱۰ ش ۱۲۰۸.

۴ـ نگاه کن: ص ۶۲۰.

باب نهم

در بیان فضیلت و کیفیت زیارت حضرت امام موسی کاظم و امام رضا و امام محمّد تقی -صلوات الله علیهم اجمعین- **است ومحتوی بر چند فصل است:**

فصل اوّل

در فضیلت زیارت کاظمین - صلوات‌الله‌علیهما - است

به سند معتبر منقول است که محمّد بن سنان از حضرت امام رضا عليه السلام سؤال نمود که: چه ثواب دارد کسی که پدر تو را زیارت کند؟

فرمود که: بهشت از برای او است، پس او را زیارت کن[1].

و به اسانید معتبره از زکریّا بن آدم منقول است که حضرت امام رضا عليه السلام فرمود که: حق تعالی نجات داد بغداد را به برکت قبر موسی بن جعفر - صلوات الله علیه -[2].

و به سند معتبر دیگر منقول است که ابراهیم بن عقبه نوشت به خدمت حضرت امام علی نقی - صلوات الله علیه - و سؤال نمود از زیارت حضرت امام حسین و از زیارت امام موسی و امام محمّد تقی که: کدام یک بهتر است؟

حضرت در جواب نوشت که: امام حسین مقدّم است، و زیارت این دو معصوم جامع‌تر است، و ثوابش عظیم‌تر است[3].

مؤلّف گوید که: گویا مراد این است که زیارت امام حسین افضل است از زیارت هر یک از معصومین، امّا زیارت این هر دو معصوم جامع‌تر و بهتر است از زیارت آن حضرت.

---

۱ - تهذیب الاحکام: ۶/ ۸۲ ح ۱۶۰، مزار مفید: ۱۹۱ ح ۲، مناقب ابن شهرآشوب: ۴/ ۳۲۹، مزار کبیر: ۳۹، مصباح الزائر: ۳۷۷، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲ ح ۵، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۴/ ۱۵ ش ۱۲۶۸.

۲ - مزار مفید: ۱۹۲ ح ۴، مناقب ابن شهرآشوب: ۴/ ۳۲۹، مزار کبیر: ۴۰، مصباح الزائر: ۳۷۷، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲ ح ۴، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۴/ ۱۰ ش ۱۲۶۰.

۳ - کافی: ۴/ ۵۸۳ ح ۳، کامل الزیارات: ۳۰۰ ب ۹۹ ح ۱۱، عیون اخبار الرضا عليه السلام: ۲/ ۲۶۵ ح ۲۵، مزار مفید: ۱۹۰ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۹۱ ح ۱۷۲، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲ ح ۷ - ۹، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۴/ ۱۷ ش ۱۲۷۳.

و محتمل است که مراد این باشد که زیارت امام حسین را مقدّم باید داشت، و این زیارتها را که به آن ضمّ کنند، جامع‌تر و ثوابش بیشتر می‌شود.

و به چندین **سند صحیح** منقول است از حسن بن علی وشّا که از حضرت امام رضا علیه السلام پرسید که: چه ثواب دارد کسی که قبر امام موسی علیه السلام را زیارت کند؟

فرمود که: از برای او است مثل ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده باشد[1].

و در **حدیث معتبر** منقول است از حسین واسطی که گفت به حضرت امام رضا ـ صلوات الله علیه ـ که: زیارت کنم قبر حضرت امام موسی علیه السلام را در بغداد؟

فرمود که: اگر ناچار باشد، از پس حجاب ـ یعنی دیوار ـ زیارت کن[2].

و در **روایت دیگر** از آن حضرت پرسیدند از رفتن به زیارت حضرت کاظم علیه السلام.

فرمود که: نماز کنید در مسجدها که در دور آن حضرت است[3].

مؤلّف گوید که: این دو حدیث محمول بر حال خوف و تقیه است، یعنی اگر از مخالفان ترسید در زیارت آن حضرت، داخل روضه مشوید و از بیرون زیارت کنید، و در مسجدهای نزدیک قبر آن حضرت نماز زیارت و نمازهای دیگر بکنید.

چنانچه به **سند موثّق** ـ بلکه صحیح ـ از حسین منقول است که از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کرد که: چه ثواب است کسی را که قبر پدر تو را زیارت کند؟

فرمود که: او را زیارت کنید. پرسید که: چه فضیلت در آن هست؟

فرمود که: فضلی هست مانند فضل کسی که زیارت کند پدرش را ـ یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله ـ.

گفت: اگر ترسم و نتوانم داخل روضه شد چه کنم؟

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۵۸۳ ح ۲، کامل الزیارات: ۳۰۰ ب ۹۹ ح ۸، ثواب الاعمال: ۱۲۳ ذیل ح ۱، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۲ ح ۳۱۸۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۸۱ ح ۱۵۸، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳ ح ۱۰ وص ۵ ح ۲۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۳ ش ۱۲۶۴ وص ۱۶ ش ۱۲۶۹ و ۱۲۷۰.

۲ ـ کامل الزیارات: ۲۹۸ ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳ ح ۱۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۲۴ ش ۱۲۸۲.

۳ ـ کامل الزیارات: ۲۹۹ ب ۹۹ ح ۴، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۶۰۸ ح ۳۲۱۵، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲/ ۲۷۶ ح ۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۸۳ ح ۱۶۴ وص ۱۰۲ ح ۱۷۸، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۴ ح ۱۶ وص ۱۲۶ ح ۱ ـ ۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۲۳ ش ۱۲۸۱.

فرمود که: زیارت کن از پشت دیوار[۱] ـ و در روایت دیگر: از آن طرف جسر زیارت کن[۲].

و به سند **معتبر** دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که فرمود که: هر که زیارت کند پدرم را در بغداد، چنان است که زیارت کرده باشد رسول خدا و امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیهما ـ را؛ ولیکن از برای رسول خدا و امیرالمؤمنین، فضل ایشان بر سایر ائمّه علیهم السلام هست[۳].

و در **حدیث صحیح** از حضرت امام محمّد تقی علیه السلام منقول است که: هر که زیارت کند قبر موسی بن جعفر علیه السلام را، از برای او است بهشت[۴].

و در **حدیث معتبر** منقول است که: شخصی به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفت و گفت: فدای تو شوم، زیارت قبر امام موسی علیه السلام در بغداد، در آن مشقت عظیم هست از جهت تقیه، و ما می‌رویم و سلام بر آن حضرت می‌کنیم و زیارت می‌کنیم از پس دیوارها، پس چه ثواب دارد کسی که آن حضرت را زیارت کند؟

فرمود که: والله که مثل کسی است که نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله برود و زیارت کند[۵].

و در **حدیث دیگر** همین سؤال کردند فرمود که: مثل کسی است که امام حسین علیه السلام را زیارت کند.

راوی گوید که: پس شخصی داخل شد به خدمت آن حضرت و ذکر کرد بغداد را، و بدی اهلش را، و اینکه مردم منتظراند از بسیاریِ بدی ایشان که به زمین فرو روند، یا صدای عظیمی بشنوند که هلاک شوند، یا صاعقه بر ایشان نازل شود.

حضرت فرمود که: تا امام موسی علیه السلام در کنار ایشان است، بر ایشان عذاب نازل نمی‌شود[۶].

۱ـ کامل الزیارات: ۲۹۹ ب ۹۹ ح ۵، مزار مفید: ۱۹۱ ح ۳، مزار کبیر: ۴۰، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۴ ح ۱۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۵ ش ۱۲۶۷.

۲ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۸۲ ح ۱۶۱، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۴ ح ۱۸.

۳ـ کافی: ۴/ ۵۸۳ ح ۱، کامل الزیارات: ۲۹۹ ب ۹۹ ح ۶، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۲ ح ۳۱۸۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۸۱ ح ۱۵۹، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۴ ح ۱۹ و ۲۰ و ص ۵ ح ۲۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۴ ش ۱۲۶۵.

۴ـ کامل الزیارات: ۲۹۹ ب ۹۹ ذیل ح ۷ و ص ۳۰۱ ب ۹۹ ذیل ح ۱۲، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۵ ذیل ح ۲۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۷ ش ۱۲۷۲.

۵ـ کامل الزیارات: ۳۰۰ ب ۹۹ ح ۹، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۵ ح ۲۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۴ ش ۱۲۶۶.

۶ـ کامل الزیارات: ۳۰۰ ب ۹۹ ح ۱۰، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۵ ح ۲۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۶ ش ۱۲۷۱ ـ بخش اوّل حدیث ـ.

و شیخ *ابن شهرآشوب* روایت کرده است از علیّ بن الخلال که او گفت: هیچ امر دشواری مرا روی نداد که بعد از آن بروم به نزد قبر حضرت امام موسی علیه السلام و متوسّل به آن حضرت شوم، مگر آنکه خدا آن را برای من آسان کرد[۱].

و جماعتی در بغداد زنی را دیدند که می‌دود، پرسیدند که به کجا می‌روی؟

گفت: به سوی قبر موسی بن جعفر علیهما السلام که دعا کنم برای پسرم که او را حبس کرده‌اند.

مرد حنبلی در آنجا حاضر بود، استهزا کرد و گفت: پسرت در زندان مرد.

آن زن گفت که: خداوندا از تو سؤال می‌کنم به حق آن کسی که او را در زندان شهید کردند، که قدرت خود را به من بنمایی!

ناگاه پسر آن زن را رها کردند، و پسر آن حنبلی که به او استهزا کرده بود به جنایت او گرفتند[۲].

و در بعضی از **کتب معتبره** روایت کرده‌اند از حسن بن جمهور عمّی که گفت: در سال دویست و نود و شش ـ و آن سالی بود که علیّ بن محمّد بن الفرات وزیر مقتدر شده بود ـ دیدم احمد بن ربیعه کاتب خلیفه را، که در دستش علّت خوره بهم رسیده بود، و به مرتبه‌ای رسید که بدبو و سیاه شد، و یزید طبیب امر کرد که دست او را ببرند شاید که زنده بماند؛ و هرکه او را می‌دید شک نمی‌کرد که او خواهد مرد.

پس در خواب دید حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ را و عرض کرد که یا امیرالمؤمنین از خدا نمی‌طلبی که دست مرا به من ببخشد؟

فرمود که: من شغلها دارم، ولیکن برو به سوی موسی بن جعفر که او از برای تو از خدا می‌طلبد.

چون صبح شد، محمل طلبید و فرش‌ها در آن محمل انداختند، و او را غسل دادند و خوشبو کردند و در آن محمل خوابانیدند و جامه بر روی او انداختند، و او را بردند به نزد قبر امام موسی علیه السلام. پس پناه به آن حضرت برد و استغاثه کرد و دعا کرد،

---

۱ ـ تاریخ بغداد: ۱/ ۱۳۳، مناقب ابن شهرآشوب: ۴/ ۳۰۵، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۱ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۸ ش ۱۲۷۴.

۲ ـ مناقب ابن شهرآشوب: ۴/ ۳۰۵، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۱ ح ۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۹ ش ۱۲۷۵.

و از تربت آن حضرت گرفت و بر دستش تا کتف مالید و دستش را بست، و چون روز دیگر شد و دستش را گشود، دید که هر گوشت و پوست که بر دستش بوده است همه ریخته است، و به غیر از استخوانها و رگها و پی‌ها چیزی نمانده است، و بویش برطرف شده است.

چون این خبر به وزیر رسید، او را به محمل نشانیدند و به سوی وزیر بردند تا آن حال را مشاهده کرد.

و در اندک وقتی گوشت و پوست دستش رویید، و به اصلاح آمد؛ و مشغول کتابت خود شد[1].

مؤلف گوید که: در هر عصری آنقدر از معجزات و کرامات، نزد ضریح مقدس آن دو معصوم ظاهر می‌گردد که احتیاج به نقل احوال ازمنهٔ سالفه نیست؛ و در زمان ما بسیاری ظاهر و متواتر شد که نقلش موجب تطویل است.

---

۱ ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۶ح ۲۷ وج ۹۴/ ۳۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۴/ ۱۰ ش ۱۲۶۲.

فصل دوم

در بیان کیفیت زیارت ایشان علیهما السلام است

به سند معتبر از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقول است که: چون خواهی زیارت کنی موسی بن جعفر و محمّد بن علی بن موسی علیهم السلام را، پس غسل بکن، و خود را پاکیزه و خوشبو کن و دو جامهٔ طاهر بپوش، و بگو نزد قبر امام موسی علیه السلام:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللّٰهِ في ظُلُماتِ الْأَرْضِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ بَدا لِلّٰهِ في شَأْنِهِ، أَتَيْتُكَ زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ، مُعادِياً لِأَعْدائِكَ، مُوالِياً لِأَوْلِيائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يا مَوْلايَ.

پس حاجت خود را بطلب.

پس سلام کن بر امام محمد تقی علیه السلام به همین کلمات که گذشت، و ابتدا کن به غسل، و بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، اَلْإِمامِ الْبَرِّ التَّقِيِّ، اَلرَّضِيِّ الْمَرْضِيِّ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ مَنْ فَوْقَ الْأَرَضِينَ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرىٰ، صَلاةً كَثِيرَةً نامِيَةً زاكِيَةً مُبارَكَةً مُتَواصِلَةً مُتَرادِفَةً، كَأَفْضَلِ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيائِكَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا إِمامَ الْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثَ النَّبِيِّينَ، وَسُلالَةَ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللّٰهِ في ظُلُماتِ الْأَرْضِ.

أَتَيْتُكَ زائِراً، عارِفاً بِحَقِّكَ، مُعادِياً لِأَعْدائِكَ، مُوالِياً لِأَوْلِيائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ.

پس حاجت خود را بطلب، که برآورده است إن‌شاءالله تعالی[1].

و شیخ *طوسی*ﷺ گفته است که: چون خواهی وداع کنی امام موسی ﷺ را، نزد قبر بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا أَبَا ٱلْحَسَنِ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

أَسْتَوْدِعُكَ ٱللهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ ٱلسَّلامَ، آمَنّا بِاللهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِما جِئْتَ بِهِ وَدَلَلْتَ عَلَيْهِ، اَللّٰهُمَّ فَاكْتُبْنا مَعَ ٱلشّاهِدِينَ[2].

و همچنین در وداع امام محمد تقیﷺ می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

أَسْتَوْدِعُكَ ٱللهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ ٱلسَّلامَ، آمَنّا بِاللهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِما جِئْتَ بِهِ وَدَلَلْتَ عَلَيْهِ، فَاكْتُبْنا[3] مَعَ ٱلشّاهِدِينَ.

و سؤال کن از خدا که این آخر زیارت تو نباشد آن حضرت را، و دیگر توفیق برگشتن بیابی؛ و قبر را ببوس، و گونه‌های روی خود را بر قبر بگذار[4].

و *ابن بابویه* ـ رضي الله عنه ـ گفته است که: نماز زیارت را چهار رکعت بگزار در نزد سر مبارک حضرت امام محمّد تقی ﷺ: دو رکعت برای زیارت امام موسی ﷺ، و دو رکعت برای زیارت امام محمّد تقیﷺ. و نماز مکن نزد سر حضرت امام موسیﷺ، که آن مقابل قبرهای قریش است، و جایز نیست آنها را قبلهٔ خود گردانیدن[5].

مؤلّف گوید که: چون در آن زمانها تقیّه بسیار شدید بوده است، این زیارتهای مختصر را تعلیم فرمودند، که آسیبی به شیعیان ایشان نرسد.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۰۱ ـ ۳۰۲ ب ۱۰۰، بحارالانوار: ۷/۱۰۲ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومینﷺ: ۴/ ۲۷ ش ۱۲۸۸ وص ۶۳ ش ۱۳۱۵.

۲ ـ تهذیب‌الاحکام: ۸۳/۶، مقنعه: ۴۷۸، بحارالانوار: ۹/۱۰۲، موسوعة زیارات المعصومینﷺ: ۴/ ۴۷ ش ۱۳۰۵.

۳ ـ «اللهمّ اکتبنا» تهذیب، «اللهمّ فاکتبنا» بحار.

۴ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۹۱ ب ۴۰، بحارالانوار: ۹/۱۰۲.

۵ ـ من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۶۰۲، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۱۰، موسوعة زیارات المعصومینﷺ: ۴/ ۷۵ ش ۱۳۲۴.

و زیارات مبسوطه در کتب علما هست، امّا ظاهرش آن است که تألیف علما بوده باشد.

و بهترین زیارات برای ایشان، زیارات جامعه است که بعد از این مرقوم خواهد شد؛ خصوصا یک زیارت که از حدیثش ظاهر خواهد شد که مزیدِ اختصاصی به موسی بن جعفر ﷺ دارد[1].

و بدان که زیارات ایشان در ایّام و لیالی متبرّکه و اوقات شریفه، افضل و اولی است؛ خصوصاً اوقاتی که به ایشان اختصاصی دارد مثل:

روز ولادت امام موسی ﷺ، که موافق مشهور روز هفتم صفر است.

و روز وفات آن حضرت، که روز بیست و پنجم ماه رجب است. و بعضی پنجم، و بعضی ششم ماه مذکور نیز گفته‌اند.

و روز امامت آن حضرت، که پانزدهم ماه رجب، یا پانزدهم ماه شوّال است.

و روز ولادت امام محمّد تقی ﷺ، که دهم ماه رجب است به روایت ابن عیاش، یا هفدهم ماه رمضان است، یا پانزدهم آن.

و روز وفات آن حضرت، که روز آخر ماه ذی القعده است، یا روز یازدهم آن.

و روز امامت آن حضرت، که روز شهادت حضرت امام رضا ﷺ است؛ و مذکور خواهد شد[2].[3]

---

۱ ـ نگاه کن: ص ۵۷۶.

۲ ـ نگاه کن: ص ۵۱۳.

۳ ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۵.

فصل سوم

در بیان فضیلت مسجد براثا است
و غیر آن از مساجد و مشاهد آن حدود

بدان که مسجد براثا از مساجد مشهوره است، و علما در کتب خود ذکر کرده‌اند[1]، و تا حال باقی است، و در میان مشهدِ کاظمین علیهما السلام و بغداد واقع است.

و به **سند معتبر** از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که: چون حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ از جنگ خوارج نهروان برگشت، گذشت به زورا ـ که محلّ شهر بغداد بوده است ـ پس گفت به مردم که: این زورا است، پس راه روید و اجتناب کنید از داخل شدن آن، که خسف و فرو رفتن به زمین به آن نزدیکتر است از فرو رفتن میخ در میان سبوس.

و چون به موضع دیگر رسید، پرسید که: این چه موضع است؟

گفتند نجرا است.

فرمود که: این زمین شوره است، به جانب راست این زمین میل کنید.

پس به راهبی رسید که در صومعه خود بود، به آن راهب خطاب نمود و فرمود که: اینجا فرود آیم؟

راهب گفت که با لشکر خود اینجا فرود میا.

فرمود که چرا؟

---

۱ ـ من لا یحضره الفقیه: ۱/ ۲۳۲ ذیل ح۶۹۷، نهایة الاحکام: ۱/ ۳۵۵، ذکری الشیعه: ۳/ ۱۱۸، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۶ باب فضل مسجد براثا.

راهب گفت: زیرا که در این موضع فرود نمی‌آید مگر پیغمبری یا وصیّ پیغمبری با لشکر خود که جهاد کنند در راه خدا؛ چنین خوانده‌ایم ما در کتابهای خود.

حضرت امیرالمؤمنین ـ علیه السلام ـ فرمود که: من آن وصیّ پیغمبرم.

پس آن راهب از صومعه خود فرود آمد به سوی آن حضرت و گفت: عرض کن بر من دین اسلام را، و بگیر از من پیمان شریعتهای آن را، که من در انجیل وصف تو را خوانده‌ام، و خوانده‌ام که فرود خواهی آمد در زمین براثا، که خانه حضرت مریم و زمین حضرت عیسی علیه السلام است.

پس حضرت گفت که: بایست و به ما چیزی خبر مده، که ما از تو بهتر می‌دانیم.

پس رفت به نزد موضعی از آن صحرا و امر کرد که خاک را دور کردند، پس سنگی عظیم ظاهر شد، پس سر پایی بر آن سنگ زد، و از زیر آن چشمهٔ بزرگی ظاهر شد.

پس فرمود که: این چشمه‌ای است که از برای مریم علیها السلام ظاهر گردید.

پس هفده ذرع از آن چشمه دور شد و فرمود که: بشکافید این مکان را.

چون شکافتند، سنگ سفیدی ظاهر شد.

فرمود که: حضرت مریم علیها السلام حضرت عیسی را از دوش خود گرفت و بر این سنگ گذاشت، و در این موضع نماز کرد.

پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن سنگ را نصب کرد، و به سوی آن نماز کرد، و چهار روز در آنجا ماند؛ و حرم خود را در موضعی فرود آورده بود که آنقدر دور بود که اگر صدا زنند توان شنید.

پس فرمود که: این زمین براثا است، این خانه مریم علیها السلام است، این موضع مقدّسی است که پیغمبران در آن نماز کرده‌اند.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که: ما در کتب یافته‌ایم که حضرت ابراهیم علیه السلام پیش از عیسی علیه السلام در آن موضع نماز کرده است[1].

و به **سند معتبر** دیگر از جابر بن عبدالله انصاری منقول است که گفت که: امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ با ما نماز کرد در براثا بعد از برگشتن از جنگ خوارج، و ما

---

۱ ـ امالی طوسی: ۱/ ۲۰۲، خرائج: ۲/ ۵۵۲ ح ۱۳، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۷ ـ ۲۸ ح ۲ و ۳.

زیاده از صد هزار مرد بودیم، پس نصرانی از صومعه خود فرود آمد و پرسید که: سرکردهٔ این لشکر کیست؟

ما اشارت به امیرالمؤمنین علیه‌السلام کردیم که این است.

پس به نزد آن حضرت آمد و سلام کرد و گفت: ای سیّد من، تو پیغمبری؟

گفت: نه. پیغمر سیّد و آقای من است.

گفت: پس تو وصیّ پیغمبری؟

فرمود که: بلی. گفت: من این صومعه را از برای این موضع بنا کرده‌ام که براثا نام دارد، و در کتب آسمانی خوانده‌ام که در این موضع با این جمعیّت نماز نمی‌کند مگر پیغمبری یا وصیّ پیغمبری.

پس مسلمان شد، و حضرت امیرالمؤمنین به او گفت که: کی در اینجا نماز کرده است؟

گفت: حضرت عیسی و مادرش.

حضرت فرمود که: حضرت ابراهیم خلیل نیز در اینجا نماز کرده است[1].

و در **روایت دیگر** منقول است از جابر، از انس بن مالک که: چون امیرالمؤمنین علیه‌السلام از جنگ خوارج برگشت در براثا فرود آمد، و در آنجا راهبی در دیر خود بود، چون آن راهب آن لشکر را دید از دیر خود فرود آمد و پرسید که: سرکردهٔ این لشکر کیست؟

گفتند: امیرالمؤمنین است، و از جنگ اهل نهروان برگشته است.

پس به خدمت حضرت شتافت، و به ادب ایستاد و گفت: **اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ حَقّاً حَقّاً.**

حضرت فرمود که: چه می‌دانی که من امیرالمؤمنین ام بحقیقت و راستی؟

گفت: چنین خبر داده‌اند ما را رهبانان و دانایان ما.

حضرت فرمود که: ای حباب راهب!

گفت که: نام مرا چه می‌دانی؟

---

۱ ـ تهذیب الاحکام: ۳/ ۲۶۴ ح ۷۴۷، ذکری الشیعه: ۳/ ۱۱۸، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۰.

فرمود که: حبیبم رسول خدا ﷺ مرا چنین خبر داده است.

حباب گفت که: دست دراز کن که من شهادت می‌دهم به وحدانیّت خدا، و به رسالت محمد ﷺ. و شهادت می‌دهم که تو که علیّ بن ابی طالبی وصیّ آن حضرتی.

حضرت فرمود که: در کجا می‌باشی؟

گفت: در این دیر می‌باشم.

فرمود که: بعد از این در اینجا مباش، ولیکن در اینجا مسجدی بنا کن، و به اسم بنا کننده‌اش نام کن آن را.

پس بنا کرد آن را مردی که نامش براثا بود؛ پس مسجد را براثا نام کرد.

و امیرالمؤمنین ؑ از راهب پرسید که: از کجا آب می‌خوری؟

گفت: از دجله.

فرمود که: چرا در اینجا چشمه‌ای یا چاهی نمی‌کنی؟

گفت: یا امیرالمؤمنین هر چاهی که کندیم آبش شور بود.

حضرت جایی را نشان داد و فرمود که اینجا چاهی بکن.

چون کندند، سنگ بزرگی ظاهر شد که نتوانستند کندن.

پس حضرت آن سنگ را کند، و از زیرش چشمه‌ای ظاهر شد از عسل شیرین‌تر و از کره لذیذتر.

پس فرمود که: ای حباب از این چشمه آب بخور. ای حباب زود باشد که در پهلوی مسجد تو شهری بنا شود که جبّاران بسیار در آن باشند، و بلا و فتنه در آن عظیم باشد؛ حتّی آنکه در هر شب جمعه هفتاد هزار فرج را به‌حرام جماع کنند[1] ـ و مراد از آن شهر بغداد نو است ـ.

و *ابن شهرآشوب* ـ علیه الرحمه ـ روایت کرده است که چون حضرت امیرالمؤمنین ؑ داخل مسجد براثا شد در آنجا درخت عوسجی بود و خار بسیار داشت، پس شمشیر خود را کشید و خارها را از آن درخت دور کرد، و فرمود که: در

---

۱ ـ الیقین لابن طاووس: ۴۲۱ ـ ۴۲۲، بحارالانوار: ۲۶/۱۰۲ ح ۱.

اینجا قبر پیغمبری است از پیغمبران خدا.

و امر کرد آفتاب را که برگردد، پس برگشت. و با آن حضرت سیزده کس از اصحابش همراه بودند، پس قبله را درست کرد و در آنجا نماز کرد[۱].

مؤلّف گوید که: مشهور آن است که برگشتن آفتاب برای امیرالمؤمنین بعد از وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله، در بیرون شهر حلّه واقع شد، و در آنجا مسجدی هست که معروف است به مسجد شمس؛ و بعضی از علما ذکر کرده‌اند که نماز کردن در آنجا مستحبّ است[۲].

و بعضی در آنجا زیارت حضرت یوشع وصی حضرت موسی علیه السلام می‌کنند. و شاید سببش این باشد که در بعضی از روایات وارد شده است که بعد از آنکه آفتاب برگشت و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نماز کرد، سری در آنجا ظاهر شد و با آن حضرت سخن بسیار گفت؛ پرسیدند که این کیست؟

فرمود که: این برادرم یوشع وصیّ حضرت موسی است[۳].

و **قبر قنبر** ـ رضی الله عنه ـ در بغداد مشهور است، و زیارت می‌کنند.

و **قبر سلمان** ـ رضی الله عنه ـ در مداین موجود است، و زیارت او مرغوب است؛ و زیارات او در کتب اصحاب مکتوب است[۴].

---

۱ ـ مناقب ابن شهرآشوب: ۲/ ۲۶۵، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۹ ح ۱۱.

۲ و ۳ ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۹ ـ ۳۰.

۴ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۱۸، مصباح الزائر: ۵۱۰ ـ ۵۱۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵/ ۲۳۱ ـ ۲۳۳ ش ۱۷۰۹ و ۱۷۱۰.

فصل چهارم

در بیان فضیلت زیارت امام الانس والجنّ
علی بن موسی الرّضا ـ صلوات الله علیه ـ
و شرافت مدفن آن حضرت است

به **سند معتبر** از رسول خدا ﷺ منقول است که فرمود که: زود باشد که پاره‌ای از تن من در زمین خراسان مدفون گردد؛ هیچ مؤمنی او را زیارت نکند، مگر آنکه حق تعالی بهشت را از برای او واجب گرداند، و بدنش را بر آتش جهنم حرام گرداند[1].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: پاره‌ای از بدن من در خراسان مدفون خواهد شد؛ هر غمناکی که او را زیارت کند، البته حق‌تعالی غمش را زایل گرداند، و هر گناهکاری که او را زیارت کند، البته خدا گناهانش را بیامرزد[2].

و به **سند معتبر** منقول است که حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ فرمود که: زود باشد که مردی از فرزندان من به زهر کشته شود در زمین خراسان به ظلم و عدوان ـ که نام او نام من باشد، و نام پدرش نام موسی بن عمران ـ، هرکه او را در غریبی او زیارت کند، خدا گناهان گذشته و آینده‌اش را بیامرزد، هرچند مثل عدد ستاره‌ها و قطره‌های بارانها و برگ درختان بوده باشد[3].

---

۱ ـ عیون اخبار الرضا ﷺ: ۲/ ۲۵۸ ح ۴، امالی صدوق: ۶۰ م ۱۵ ح ۶، من لایحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۵ ح ۳۱۹۶، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۱ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۴/ ۹۵ ش ۱۳۴۰.

۲ ـ عیون اخبار الرضا ﷺ: ۲/ ۲۶۱ ح ۱۴، امالی صدوق: ۱۰۴ م ۲۵ ح ۲، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۳ ح ۳۱۸۹، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۳ ح ۱۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۴/ ۹۵ ش ۱۳۴۱.

۳ ـ من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۴ ح ۳۱۹۰، امالی صدوق: ۱۰۴ م ۲۵ ح ۵، عیون اخبار الرضا ﷺ: ۲/ ۲۶۲ ح ۱۷، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۴ ح ۱۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۴/ ۹۶ ش ۱۳۴۲.

و به **سند معتبر** از حضرت صادق ﷺ منقول است که فرمود که: بیرون آید مردی از فرزندان پسرم موسی، که نام او موافق اسم امیرالمؤمنین ﷺ باشد، پس مدفون شود در زمین طوس که در خراسان است، و کشته شود در آنجا به زهر، پس مدفون شود در آنجا غریب. هرکه او را زیارت کند و عارف به حق او باشد و او را امام واجب الاطاعة داند، عطا کند خدا به او ثواب کسی را که زر در راه خدا خرج کرده باشد، و جهاد کرده باشد پیش از فتح مکّه[1].

و در **حدیث معتبر** دیگر منقول است از عبدالله بن الفضل که گفت: در خدمت حضرت صادق ﷺ بودم، پس داخل شد بر آن حضرت شخصی از اهل طوس و گفت: یا ابن رسول الله، چه ثواب دارد کسی که زیارت کند قبر ابی‌عبدالله الحسین ﷺ را؟

فرمود که: ای طوسی، هرکه زیارت کند قبر آن حضرت را، و داند که او امام است از جانب خدا و اطاعتش بر بندگان واجب است، حق‌تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد، و قبول کند شفاعت او را در هفتاد گناهکار، و نزد قبر او هر حاجتی که بطلبد البته برآورده شود.

پس حضرت امام موسی ﷺ داخل شد، او را بر ران خود نشانید، و میان دو دیده‌اش را می‌بوسید؛ پس ملتفت شد به جانب آن مرد و فرمود که: ای طوسی، این طفل امام و خلیفه و حجّت خدا است بعد از من، و به درستی که از صلب او مردی بیرون خواهد آمد که پسندیدهٔ خدا باشد در آسمان، و پسندیده بندگان باشد در زمین، و او کشته خواهد شد در زمین شما به زهر از روی ظلم و تعدی، و مدفون خواهد شد در آن زمین غربت. هرکه او را زیارت کند در غریبی او، و داند که او امام است بعد از پدرش و اطاعت او واجب است از جانب حق تعالی، چنان باشد که رسول خدا ﷺ را زیارت کرده باشد[2].

---

۱ ـ عیون اخبار الرضا ﷺ: ۲/ ۲۵۸ ح ۳، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۳ ح ۳۱۸۵، امالی صدوق: ۱۰۲ م ۲۵ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۳ ح ۹، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۴/ ۹۶ ش ۱۳۴۳.

۲ ـ امالی صدوق: ۴۷۰ م ۸۶ ح ۱۱، تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۰۸ ح ۱۹۱، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۴۲ ح ۴۸، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۴/ ۹۸ ش ۱۳۴۶.

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: در طوفان نوح چهار بقعهٔ زمین به خدا شکایت کردند: بیت‌المعمور، و نجف، و کربلا، و شهر طوس[۱].

و به **سند معتبر** منقول است که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود که: هرکه زیارت کند قبر فرزند من علی را، او را نزد خدا ثواب هفتاد حجّ مقبول بوده باشد.

راوی استبعاد کرد و گفت: هفتاد حجّ مقبول؟!

حضرت فرمود که بلی، هفتاد هزار حجّ.

گفت: هفتاد هزار حجّ؟!

فرمود که: چه بسیار حجّی باشد که مقبول نشود؛ هرکه آن حضرت را زیارت کند، یا یک شب نزد آن حضرت بماند، چنان باشد که خدا را در عرش زیارت کرده باشد.

گفت: چنانچه خدا را در عرش زیارت کرده باشد؟!

فرمود که: بلی، چون روز قیامت می‌شود بر عرش الهی چهار کس از پیشینیان و چهار کس از پسینیان خواهند بود، امّا پیشینیان: پس نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام اند، و اما پسینیان: پس محمّد و علی و حسن و حسین علیهم السلام اند؛ پس ریسمانی می‌کشند در پای عرش، پس می‌نشینند با ما زیارت‌کنندگان قبرهای ائمه علیهم السلام.

و به درستی که زیارت کنندگان قبر فرزندم علی، درجهٔ ایشان از همه بلندتر و عطایشان از همه بیشتر خواهد بود[۲].

و به **سند حسن** منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که: فرزند زادهٔ من شهید خواهد شد در زمین خراسان، در شهری که آن را طوس گویند؛ هرکه او را در آنجا زیارت کند و حق او را شناسد، در روز قیامت دست او را بگیرم و داخل بهشت گردانم، هرچند از اهل کبائر باشد.

راوی گفت: فدای تو شوم، شناختن حق او کدام است؟

---

۱ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۱۰ ح۱۹۶، فرحة الغری: ۷۱، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۳۱ ح۲۲ وج۱۰۱/ ۱۰۶ ح۲ وج۱۰۲/ ۳۹ ح۳۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۹۱ ش۱۳۳۳.

۲ ـ عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲/ ۲۶۳ ب۶۶ ح۲۰، امالی صدوق: ۱۰۵ م۲۵ ح۶، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۵ ح۱۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۰۰ ش۱۳۵۰.

فرمود که: آن است که بداند که او امامی است که اطاعت او بر خلق واجب است؛ و غریب و شهید است، هرکه زیارت کند او را و عارف به حقّ او باشد، عطا فرماید حق تعالی به او ثواب هفتاد شهید ـ و در روایت دیگر: هفتاد هزار شهید[1] ـ از آنها که در پیش روی رسول خدا ﷺ با حقیقت ایمان شهید شده باشند[2].

و در حدیث دیگر منقول است که اشاره فرمود به حضرت امام موسی ؑ و فرمود که: فرزندی از این در طوس شهید خواهد شد که زیارت نکند او را از شیعیان ما مگر قلیل بسیار نادری[3].

و در حدیث معتبر منقول است که حضرت موسی بن جعفر ؑ فرمود که: فرزند من علی به زهر کشته خواهد شد به ظلم و ستم، و مدفون خواهد شد در پهلوی هارون؛ هرکه او را زیارت کند، چنان است که رسول خدا ﷺ را زیارت کرده باشد[4].

و به سند معتبر دیگر منقول است که: روزی حضرت امام موسی ؑ نشسته بود و فرزندانش نزد او حاضر بودند، پس حضرت امام رضا ؑ از پیش آن حضرت گذشت ـ و او در ابتدای سن جوانی بود ـ، حضرت امام موسی ؑ فرمود که: این فرزند فوت خواهد شد در زمین غربت؛ پس هرکه او را زیارت کند و منقاد باشد امر او را، و شناسد حق او را، نزد خدا مثل شهیدان بدر باشد[5].

و به سند حسن منقول است که حضرت امام موسی ؑ روزی اشاره نمود به حضرت امام رضا ؑ و فرمود که: هرکه این فرزندم را زیارت کند، از برای او است بهشت[6].

و به سند موثّق منقول است که حضرت امام رضا ؑ فرمود که: در خراسان

---

۱ ـ عیون اخبار الرضا ؑ: ۲/ ۲۶۲ ح۱۸.

۲ ـ من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۴ ح۳۱۹۲، امالی صدوق: ۱۰۵ م۲۵ ح۸، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۵ ح۱۷ و۱۸، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۴/ ۹۷ ش۱۳۴۴.

۳ ـ عیون اخبار الرضا : ۲/ ۲۶۲ ذیل ح۱۸، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۵ ح۱۹، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۴/ ۹۸ ش۱۳۴۵.

۴ ـ عیون أخبار الرضا ؑ: ۲/ ۲۶۴ ح۲۳، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۸ ح۳۲، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۴/ ۹۹ ش۱۳۴۷.

۵ ـ کامل الزیارات: ۳۰۴ ب۱۰۱ ح۵، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۴۱ ح۴۳، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۴/ ۹۹ ش۱۳۴۸.

۶ ـ کامل الزیارات: ۳۰۶ ب۱۰۱ ح۱۰، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۴۱ ح۴۵، موسوعة زیارات المعصومین ؑ: ۴/ ۹۹ ش۱۳۴۹.

بقعه‌ای هست که بر آن زمانی خواهد آمد که محلّ آمدن و رفتن ملائکة خواهد بود، پس پیوسته فوجی از ملائکه از آسمان فرود خواهند آمد و فوجی بالا خواهند رفت، تا در صور بدمند.

پرسیدند که: یا ابن رسول الله، کدام بقعه است آن؟

فرمود که: آن در زمین طوس است، و آن والله باغی است از باغهای بهشت؛ هرکه مرا زیارت کند در آن بقعه، چنان باشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد. و بنویسد حقّ تعالی از برای او به سبب آن زیارت، ثواب هزار حج پسندیده و هزار عمرهٔ مقبول. و من و پدرانم شفیعان او باشیم در روز قیامت[1].

و به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که فرمود که: والله که هیچ‌یک از ما نیست مگر کشته و شهید می‌شود.

پرسیدند که: کی شما را خواهد کشت یا ابن رسول الله؟

فرمود که: بدترین خلق خدا در زمان من مرا به زهر خواهد کشت، و مرا دفن خواهند کرد دور از یار و دیار در بلاد غربت؛ پس هرکه مرا در آن غربت زیارت کند، بنویسد حق تعالی از برای او ثواب صد هزار شهید، و صد هزار صدّیق، و صد هزار حج و عمره کننده، و صد هزار جهادکننده؛ و محشور شود در قیامت در زمرهٔ ما، و در درجات عالیه بهشت رفیق ما باشد[2].

و به سند موثّق دیگر منقول است که شخصی از اهل خراسان به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که: یا ابن رسول الله، دیشب رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که می‌فرمود به من که: چگونه خواهد بود حال شما هرگاه دفن شود در زمین شما پاره‌ای از تن من، و به شما سپارند امانت مرا، و پنهان شود در خاک شما ستارهٔ من.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که: منم آن که مدفون شوم در زمین شما، و من پارهٔ

---

۱ ـ من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۵ ح۳۱۹۵، امالی صدوق: ۶۱ م۱۵ ح۷، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲/ ۲۵۹ ح۵، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۱ ح۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۰۴ ش۱۳۵۶.

۲ ـ امالی صدوق: ۶۱ م۱۵ ح۸، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۵ ح۳۱۹۴، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲/ ۲۶۰ ح۹، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۲ ح۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۰۸ ش۱۳۶۴.

تن پیغمبر شمایم، و منم آن امانت و آن ستاره. هرکه مرا زیارت کند و او داند و شناسد آنچه را خدا واجب کرده است از حق من و فرمان‌برداری من، پس من و پدرانم شفیعان او باشیم در روز قیامت. و هرکه ما شفیعان او باشیم در روز قیامت، نجات یابد هرچند بر او بوده باشد مثل گناه جنّیان و آدمیان.

و به تحقیق که خبر داد مرا پدرم، از جدّم از پدرش، که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که: هرکه ببیند مرا در خوابش پس مرا دیده است؛ زیرا که شیطان متمثّل نمی‌شود به صورت من، و نه به صورت یکی از اوصیای من، و نه به صورت یکی از شیعیان ایشان، و به‌درستی که خواب راست یک جزء است از هفتاد جزء از پیغمبری[1].

و به چندین **سند صحیح** از ابن ابی نصر منقول است که گفت: خواندم نامهٔ حضرت امام رضا ـ صلوات الله علیه ـ را که نوشته بود که: برسانید به شیعیان من که زیارت من نزد خدا برابر است با هزار حج.

پس من این حدیث را به حضرت امام محمّد تقی علیه السلام عرض کردم. فرمود که: بلی، والله هزار هزار حج هست از برای کسی که آن حضرت را زیارت کند، و حق او را شناسد[2].

و در **حدیث صحیح** دیگر فرمود که: هرکه از دوستان من که عارف به حق من باشد مرا زیارت کند، البته او را شفاعت کنم در روز قیامت[3].

و به دو **سند معتبر** دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که: هرکه مرا زیارت کند با این دوریِ قبر من، بیایم به نزد او در سه موطن روز قیامت، تا او را خلاصی بخشم از اهوال آنها: در وقتی که نامه‌های نیکو کاران به دست راست ایشان و نامه‌های بد کاران به دست چپ ایشان پرواز کند، و نزد

۱ـ من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۴ ح۳۱۹۳، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲/ ۲۶۰ ح۱۱، امالی صدوق: ۶۱ م۱۵ ح۱۰، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۲ ح۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۰۳ ش۱۳۵۴.

۲ـ من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۵ ح۳۱۸۴، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲/ ۲۶۰ ح۱۰، ثواب الاعمال: ۱۲۳ ح۳، امالی صدوق: ۶۱ م۱۵ ح۹ وص۱۰۴ م۲۵ ح۳، تهذیب الاحکام: ۶/ ۸۵ ح۱۶۸، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۳ ح۴ ـ ۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۰۵ ش۱۳۵۷.

۳ـ من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۳ ح۳۱۸۶، امالی صدوق: ۱۰۴ م۲۵ ح۴، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲/ ۲۶۲ ح۱۶، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۳ ح۷ و۸، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۰۱ ش۱۳۵۲.

صراط، و نزد ترازوی اعمال[1].

و در **حدیث موثّق** دیگر فرمود که: من کشته و زهر داده و مدفون خواهم شد در زمین غربت. این را می‌دانم به خبری که پدرم به من داده، از پدرانش، از رسول خدا ﷺ. پس کسی که در غربتِ من مرا زیارت کند، من و پدرانم شفیعان او باشیم در روز قیامت؛ و هرکه ما شفیعان او باشیم، نجات یابد هرچند بر او مثل گناه جنّ و انس بوده باشد[2].

و به **سند معتبر** دیگر مروی است که آن حضرت فرمود که: بار نباید بست به سوی قبری از قبرها، مگر قبرهای ما اهل‌بیت. و به درستی که من کشته خواهم شد به زهر ظلم و ستم، و مدفون خواهم شد در زمین غربت؛ پس هرکه بار بندد به سوی زیارت من، دعایش مستجاب و گناهانش آمرزیده شود[3].

و به **سند معتبر** دیگر منقول است که حضرت امام رضا ﷺ داخل قبّه‌ای شد که درآنجا قبر هارون الرّشید بود، پس به یک جانب آن قبر خطّی کشید و فرمود که: این تربت من است و در اینجا مدفون خواهم شد، و در این زودی حق تعالی این زمین را محل آمدن و رفتن شیعیان و دوستان من گرداند. والله که زیارت‌کننده‌ای از ایشان مرا زیارت نکند، و سلام‌کننده‌ای از ایشان بر من سلام نکند، مگر واجب شود از برای او آمرزش خدا و رحمت خدا به شفاعتِ ما اهل بیت[4].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود که: زود باشد که کشته شوم به زهر با ظلم و ستم، و مدفون شوم در پهلوی هارون، و بگرداند خدای‌تعالی تربت مرا محل تردّد شیعیان و دوستان من. پس هرکه مرا در این غربت زیارت کند، واجب شود برای او که من او را

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۰۴ ب ۱۰۱ ح ۴، عیون أخبار الرضا ﷺ: ۲/ ۲۵۸ ب ۶۶ ح ۲، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۴ ح ۳۱۹۱، امالی صدوق: ۱۰۶ م ۲۵ ح ۹، خصال: ۱۶۷ ح ۲۲۰، تهذیب الاحکام: ۶/ ۸۵ ح ۱۶۹، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۴ ح ۱۳ ـ ۱۴ وص ۴۰ ح ۴۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۴/ ۱۰۲ ش ۱۳۵۳.

۲ ـ عیون أخبار الرضا ﷺ: ۲/ ۲۶۶ ح ۳۳، امالی صدوق: ۴۸۹ م ۸۹ ح ۸، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۴ ح ۱۵، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۴/ ۱۰۳ ش ۱۳۵۵.

۳ ـ خصال: ۱۴۳ ح ۱۶۷، عیون أخبار الرضا ﷺ: ۲/ ۲۵۸ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۶ ح ۲۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۴/ ۱۰۶ ش ۱۳۵۹.

۴ ـ عیون اخبار الرضا ﷺ: ۲/ ۱۳۵ ب ۳۹ ضمن ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۶ ح ۲۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۴/ ۱۰۱ ش ۱۳۵۱.

زیارت کنم در روز قیامت. و سوگند می‌خورم به خدایی که محمّد ﷺ را گرامی داشته است به پیغمبری، و برگزیده است او را بر جمیع خلایق، که هرکه از شما شیعیان نزد قبر من دو رکعت نماز بکند، البته مستحق شود آمرزش گناهان را از خداوند عالمیان در روز قیامت. و به حق آن خداوندی که ما را گرامی داشته است بعد از محمّد ﷺ به امامت، و مخصوص گردانیده است ما را به وصیّت آن حضرت، سوگند می‌خورم که زیارت کنندگان قبر من گرامی‌تر از هر گروه اند بر خدا در روز قیامت. و هر مؤمنی که مرا زیارت کند پس به روی او قطره‌ای از باران برسد، البته حق تعالی جسد او را بر آتش جهنّم حرام گرداند[1].

و به سند **صحیح** دیگر منقول است که آن حضرت فرمود که: من کشته خواهم شد به زهر ستم؛ پس هرکه مرا زیارت کند با شناختن حق من، خدا گناهان گذشته و آیندهٔ او را بیامرزد[2].

و در **حدیث معتبر** دیگر فرمود: که روزها و شبها آخر نخواهند شد، تا بگردد طوس محلّ تردّد شیعیان و زیارت کنندگان من؛ پس هرکه مرا با غریبی من در طوس زیارت کند، با من باشد در درجهٔ من در روز قیامت، و گناهانش آمرزیده شود[3].

و به **سندهای صحیح** بسیار از امام محمد تقی ؑ منقول است که: هرکه پدرم را در طوس زیارت کند، خدا گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد؛ پس چون روز قیامت شود، منبری از برای او در برابر منبر رسول خداﷺ نصب کنند، که برآن منبر باشد تا حق تعالی از حساب بندگان خود فارغ شود[4].

---

۱ ـ عیون اخبار الرضاؑ: ۲/ ۲۲۹ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۶ ح ۲۳، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۴/ ۱۰۶ ش ۱۳۶۰.

۲ ـ عیون اخبار الرضاؑ: ۲/ ۲۶۵ ح ۲۷، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۸ ح ۳۳، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۴/ ۱۰۷ ش ۱۳۶۱.

۳ ـ عیون اخبار الرضاؑ: ۲/ ۲۶۷ ح ۳۴، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۹ ح ۳۶، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۴/ ۱۰۷ ش ۱۳۶۲.

۴ ـ عیون اخبار الرضاؑ: ۲/ ۲۶۳ ح ۱۹، امالی صدوق: ۱۰۵ م ۲۵ ح ۷، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۴ ح ۱۲، موسوعة زیارات المعصومینؑ: ۴/ ۱۱۰ ش ۱۳۷۰.

و به سند **معتبر** از امام زاده عبد العظیم ـ رضی الله عنه ـ منقول است که حضرت امام محمّد تقی(ع) فرمود که: زیارت نکند پدرم را احدی پس به او برسد آزاری از باران یا سرما یا گرما، مگر حرام گرداند خدا بدن او را بر آتش جهنّم[۱].

و به سند **حسن** از عبد العظیم(ع) منقول است که آن حضرت فرمود که: حتم و لازم شده است بر خدا برای کسی که پدرم را زیارت کند در طوس با معرفت به حق او، که البته بهشت را به او عطا فرماید[۲].

و باز به سند **حسن** منقول است که عبد العظیم ـ قدّس الله روحه ـ به آن حضرت عرض کرد که: متحیّر شده‌ام میان زیارت قبر امام حسین(ع) و میان زیارت قبر پدرت در طوس، پس چه می‌فرمایی؟

فرمود که: در جای خود باش. پس داخل خانه شد و بیرون آمد، و آب دیده‌های مبارکش بر رویش جاری بود، پس فرمود که: زیارت کنندگان قبر امام حسین بسیاراند، و زیارت کنندگان قبر پدرم کم اند[۳].

و به سند **صحیح** از آن حضرت منقول است که در میان دو کوه طوس، قبضه‌ای از خاک هست که از بهشت برداشته‌اند؛ هرکه داخل آن شود ایمن باشد در روز قیامت از آتش جهنّم[۴].

و به سند **صحیح** دیگر منقول است که ابن ابی نجران از آن حضرت پرسید که: چه ثواب است برای کسی که پدرت را زیارت کند؟ فرمود که: ثواب او بهشت است والله[۵].

و در حدیث **صحیح** دیگر این سؤال کردند، و دو مرتبه فرمود که: از برای او

---

۱ ـ امالی صدوق: ۵۲۱ م۹۴ ح۱، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۶ ح ۲۰، موسوعة زیارات المعصومین(ع): ۴/ ۱۱۰ ش ۱۳۷۱.

۲ ـ عیون اخبار الرضا(ع): ۲/ ۲۵۹ ح۷، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۳ ح۳۱۸۸، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۷ ح۲۵، موسوعة زیارات المعصومین(ع): ۴/ ۱۰۹ ش ۱۳۶۶.

۳ ـ عیون اخبار الرضا(ع): ۲/ ۲۵۹ ح۸، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۷ ح۲۶، موسوعة زیارات المعصومین(ع): ۴/ ۱۱۰ ش۱۳۷۲.

۴ ـ عیون اخبار الرضا(ع): ۲/ ۲۵۹ ح۶، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۳ ح۳۱۸۷، تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۰۹ ح۱۹۲، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۷ ح۲۴، موسوعة زیارات المعصومین(ع): ۴/ ۹۳ ش۱۳۳۸.

۵ ـ عیون اخبار الرضا(ع): ۲/ ۲۶۱ ح۱۲، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۷ ح۲۷، موسوعة زیارات المعصومین(ع): ۴/ ۱۰۹ ش۱۳۶۷.

بهشت است والله[1].

و به **سند معتبر** منقول است که محمّد بن سلیمان از امام محمد تقی ﷺ پرسید که: شخصی حجّ واجب خود را کرد بعنوان حج تمتّع، پس به مدینه رفت و زیارت حضرت رسول ﷺ کرد، پس رفت به نجف و زیارت پدرت امیرالمؤمنین ﷺ کرد ـ و حق او را می‌شناخت، و می‌دانست که او حجّت خدا است بر خلق او، و او درگاه خدا است که از آن در به خدا باید رسید ـ پس سلام کرد بر آن حضرت، پس رفت به کربلا و حضرت امام حسین ﷺ را زیارت کرد، پس رفت به بغداد و حضرت امام موسی ﷺ را زیارت کرد، پس به شهر خود برگشت، و در این وقت خدا آنقدر مال به او روزی کرده است که به حج می‌تواند رفت، کدام بهتر است از برای این مردی که حج واجب خود را کرده است: که برگردد و باز حجّ بکند، یا برود به خراسان و پدرت حضرت امام رضا ﷺ را زیارت کند؟

فرمود که: بلکه برود و بر پدرم سلام کند افضل است، و باید که در ماه رجب باشد؛ و در این زمان مکنید، که بر ما و شما از خلیفه خوف تشنیع هست[2].

و به **سند حسن** منقول است که علیّ بن مهزیار به خدمت آن حضرت عرض کرد که: فدای تو شوم، زیارت امام رضا ﷺ افضل است یا زیارت امام حسین ﷺ؟

فرمود که: زیارت پدرم افضل است، زیرا که امام حسین را همه کس زیارت می‌کند، و پدرم را زیارت نمی‌کند مگر خواصّ از شیعه[3].

مؤلّف گوید که: گویا مراد این باشد که چون فضیلت زیارت حضرت امام حسین ﷺ مشهور گردیده است، اکثر شیعه رغبت به زیارت آن حضرت می‌کنند؛

---

۱ ـ عیون اخبار الرضا ﷺ: ۲/ ۲۶۱ ح۱۳، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۷ ح۲۸، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۴/ ۱۰۹ ش۱۳۶۸.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۸۴ ح۲، کامل الزیارات: ۳۰۵ ب۱۰۱ ح۷، تهذیب الاحکام: ۶/ ۸۴ ح۱۶۶، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۷ ح۲۹ و ۳۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۴/ ۱۱۱ ش۱۳۷۴.

۳ ـ کافی: ۴/ ۵۸۴ ح۱، کامل الزیارات: ۳۰۶ ب۱۰۱ ح۱۱، عیون اخبار الرضا ﷺ: ۲/ ۲۶۵ ح۲۶، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۵۸۲ ح۳۱۸۳، تهذیب الاحکام: ۶/ ۸۴ ح۱۶۵، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۸ ح۳۴، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۴/ ۱۱۱ ش۱۳۷۳.

و فضیلت زیارت حضرت امام رضا ﷺ را کمتر شنیده‌اند و کمتر رغبت می‌کنند؛ پس این حکم مخصوص آن زمان خواهد بود.

و بنابراین در هر عصری هر امام راکه زیارت کمتر کنند، زیارت او افضل خواهد بود.

و ممکن است که مراد این باشد که حضرت امام حسین ﷺ را شیعه و سنی زیارت می‌کنند، و آن حضرت را به‌غیر شیعه زیارت نمی‌کنند.

یا آنکه هرکه زیارت آن حضرت می‌کند با اعتقاد به امامت آن حضرت، مخصوصان شیعه‌اند ـ یعنی اثناعشری ـ زیرا که هرکه اعتقاد به امامت آن حضرت دارد، به همهٔ ائمّة اعتقاد دارد؛ به خلاف حضرت امام حسین ﷺ که همه فرق شیعه اعتقاد به امامت او دارند.

و به **سندهای صحیح** و غیر صحیح بسیار از آن حضرت منقول است که: هرکه قبر پدرم را زیارت کند بهشت از برای او است[1].

و به **سند معتبر** از امام علی نقی ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که فرمود که: اهل قم و اهل آبه آمرزیده‌اند، به سبب اینکه زیارت می‌کنند جدّم علیّ بن موسی الرّضا ﷺ را در طوس. به درستی که هرکه به زیارت آن حضرت برود، و در راهش قطره‌ای از باران به او برسد، خدا جسدش را بر آتش جهنّم حرام گرداند[2].

مؤلّف گوید که: زیارت آن حضرت در اوقات شریفه و ازمنه مختصّه به آن حضرت، افضل است. خصوصا در ماه مبارک رجب که در حدیث گذشت.

و روز ولادت آن حضرت، که موافق مشهور یازدهم ماه ذی‌القعده است.

و روز وفات آن حضرت، که روز آخر ماه صفر است، یا هفدهم آن، یا بیست و چهارم ماه رمضان.

و روزی که آن حضرت به خلافت الهی فایز گردیده است، که روز وفات حضرت امام موسی ﷺ است و گذشت[3].

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۰۳ ح ۱ وح ۲، تهذیب الاحکام: ۶/ ۸۵ ح ۱۷۰، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۴۰ ح ۳۹ و ۴۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۴/ ۱۰۸ ش ۱۳۶۵.

۲ ـ عیون اخبار الرضا ﷺ: ۲/ ۲۶۴ ح ۲۲، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۸ ح ۳۱، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۴/ ۱۱۲ ش ۱۳۷۵.

۳ ـ نگاه کن: ص ۴۹۷.

و روزی که بیعتِ خلافت با آن حضرت کردند، که اول ماه رمضان است، یا ششم آن.

و *سیّد ابن طاووس* ـ علیه الرّحمه ـ در کتاب اقبال ذکر کرده است که: روایتی وارد شده است که در روز ششم ماه رمضان دو رکعت نماز باید کرد، در هر رکعتی سورهٔ حمد یک مرتبه، و سوره توحید بیست و پنج مرتبه، از برای شکر آنکه حقوق مولای ما حضرت امام رضا ﷺ در آن روز ظاهر شده است[1].

و **ایضاً فرموده** است که در بعضی از تصانیف اصحاب خود دیده‌ام که: مستحبّ است زیارت امام رضا ﷺ در روز بیست و سوم ماه ذی القعده ـ از نزدیک یا دور ـ به بعضی از زیارات منقوله یا غیر منقوله آن حضرت[2].

و به **سند معتبر** ابن بابویه ـ علیه الرّحمه ـ روایت کرده است که: چون حضرت امام رضا ﷺ به ده سرخ رسید ـ در وقتی که به نزد مأمون می‌رفت ـ گفتند: یا ابن رسول الله ظهر شده است نماز نمی‌کنید؟

پس فرود آمد و آب طلبید. گفتند که: آب همراه نداریم.

پس به دست مبارک خود زمین را کاوید، آنقدر آب جوشید که آن حضرت و هرکه با آن حضرت بود وضو ساختند؛ و اثرش تا امروز باقی است. و چون داخل سناباد شد، پشت مبارک را گذاشت به کوهی که دیگها از آن می‌تراشند، و فرمود که: خداوندا نفع ببخش به این کوه، و برکت ده در هرچه در ظرفی گذارند که از این کوه تراشند. و فرمود که برای آن حضرت دیگها از آن سنگ تراشیدند. و فرمود که طعام آن حضرت را نپزند مگر در آن دیگها. پس از آن روز مردم دیگها و ظرفها از آن تراشیدند و برکت یافتند[3].

مؤلّف گوید که: در کتبِ معجزات، کرامات و معجزاتِ بسیار برای روضهٔ مقدّسه رضویّه ـ صلوات الله علی مشرّفها ـ ذکر کرده‌اند، که ایرادش در این مقام مناسب نیست؛ با آنکه در هر زمانی آنقدر ظاهر می‌شود که احتیاج به نقل وقایع گذشته نیست؛ و إن‌شاءالله در کتاب حیاة القلوب بیان خواهد شد.

---

۱ ـ اقبال الاعمال: ۱/ ۲۶۳، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۴۳ ح ۴۹.

۲ ـ اقبال الاعمال: ۲/ ۲۳ (پاورقی) ـ ص ۳۱۰ طبع حجری ـ، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۴۳ ح ۵۰، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۴/ ۱۱۵ ش ۱۳۷۹.

۳ ـ عیون اخبار الرضا ﷺ: ۲/ ۱۳۵ ح ۱.

فصل پنجم

در بیان کیفیت زیارت آن حضرت است

به سند **معتبر** از ابو الصَّلت هروی منقول است که گفت: در خدمت حضرت امام رضا﵇ بودم که جمعی از اهل قم به خدمت آن حضرت آمدند و سلام کردند، پس ایشان را جوابِ سلام فرمود، و نزدیک خود طلبید و گفت: مرحبا و خوش آمده‌اید، و شما شیعیان مایید به حقیقت و راستی، و خواهد آمد بر شما زمانی که در آن زمان به زیارت تربت من بیایید در طوس؛ هرکه مرا زیارت کند و با غسل باشد، از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده بوده است[1].

و به سند **معتبر** از حضرت امام علی نقی ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: هرکه را به سوی خدا حاجتی باشد، پس زیارت کند قبر جدّم امام رضا﵇ را در شهر طوس و حال آنکه غسل کرده باشد، و نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بکند، و در قنوت نماز حاجت خود را بطلبد؛ پس به درستی که مستجاب می‌شود مگر آنکه از برای گناهی یا قطعِ رحمی سؤال کند. به درستی که موضع قبر آن حضرت بقعه‌ای است از بقعه‌های بهشت؛ و هیچ مؤمنی او را زیارت نمی‌کند، مگر حق تعالی او را از آتش جهنّم آزاد می‌کند و داخل بهشت می‌گرداند[2].

---

۱ ـ عیون اخبار الرضا﵇: ۲/ ۲۶۴ ح ۲۱، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۴۹ ح ۶، موسوعة زیارات المعصومین﵈: ۴/ ۱۰۷ ش ۱۳۶۳.

۲ ـ عیون اخبار الرضا﵇: ۲/ ۲۶۶ ح ۳۲، امالی صدوق: ۴۷۱ م ۸۶ ح ۱۲، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۴۹ ح ۴ و ۵، موسوعة زیارات المعصومین﵈: ۴/ ۱۱۳ ش ۱۳۷۶.

و در حدیث معتبر دیگر از ائمه علیهم السلام منقول است که: چون نزد قبر امام رضـا علیه السلام بروی بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ٱلرِّضَا ٱلْمُرْتَضىٰ، ٱلْإمامِ ٱلتَّقِيِّ ٱلنَّقِيِّ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ مَن فَوْقَ ٱلْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ ٱلثَّرىٰ، اَلصِّدِّيقِ ٱلشَّهِيدِ، صَلاةً كَثِيرَةً تامَّةً زاكِيَةً مُتَواصِلَةً مُتَواتِرَةً مُتَرادِفَةً، كَأَفْضَلِ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيائِكَ[1].

و زیارت مشهور آن حضرت، زیارتی است که در کتب معتبره مذکور است، و بـه محمد بن الحسن بن الولید ـ رضی الله عنه ـ منسوب گردانیده‌اند. و از مزار ابن قولویه رحمه الله معلوم می‌شود که از ائمة علیهم السلام مروی بوده باشد.

گفته‌اند که:

چون اراده نمایی که زیارت کنی حضرت امام رضا ـ صلوات الله علیه ـ را در طـوس، پس غسل کن پیش از آنکه از خانه بیرون روی، و بگو در وقتی که غسل می‌کنی:

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي، وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي، وَٱشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَأَجْرِ عَلىٰ لِسانِي مِدْحَتَكَ وَٱلثَّناءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لا قُوَّةَ إِلّا بِكَ. اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْهُ لِي طَهُوراً وَشِفاءً.

و می‌گویی در وقت بیرون رفتن:

بِسْمِ ٱللهِ وَبِاللهِ، وَإِلَى ٱللهِ وَإِلَى ٱبْنِ رَسُولِ ٱللهِ، حَسْبِيَ ٱللهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى ٱللهِ. اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَإِلَيْكَ قَصَدْتُ، وَما عِنْدَكَ أَرَدْتُ.

پس چون بیرون روی، بر در خانهٔ خود بایست و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَعَلَيْكَ خَلَّفْتُ أَهْلِي وَمـالِي وَمـا خَـوَّلْتَنِي، وَبِكَ وَثِقْتُ فَلا تُخَيِّبْنِي، يا مَنْ لا يُخَيِّبُ مَنْ أَرادَهُ، وَلا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَٱحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ، فَإِنَّهُ لا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَ.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۰۸ ب ۱۰۲ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۵۰ ح ۷، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۲۳ ش ۱۳۹۰.

پس چون به سلامت برسی به نزدیک قبر آن حضرت، غسل بکن؛ و در وقت غسل کردن بگو:

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي، وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَأَجْرِ عَلىٰ لِسانِي مِدْحَتَكَ وَمَحَبَّتَكَ وَالثَّناءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لا قُوَّةَ إِلّا بِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قُوَّةَ[1] دِينِيَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ، وَالاِتِّباعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَالشَّهادَةُ عَلىٰ جَمِيعِ خَلْقِكَ.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شِفاءً وَنُوراً، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس بپوش پاکترین جامه‌های خود را، و پای برهنه روانه شو با سکینه و وقار که به تأنّی بروی، و دلت به‌یاد خدا باشد، و **اَللّٰهُ أَكْبَر**، و **لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰه**، و **سُبْحانَ اللّٰه**، و **اَلْحَمْدُ لِلّٰه** بگو، و گامهای خود را کوتاه بردار؛ و چون داخل روضه مقدّسه شوی بگو:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ ـ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّ اللّٰهِ.

پس برو به نزدیک ضریح، و قبله را در پشت خود بگیر و روبروی آن حضرت بایست، و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِياءِ وَالْمُرْسَلِينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَسَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، صَلاةً لا يَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصائِها غَيْرُكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ، عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلَ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسالَتِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ

---

۱ ـ «قوام» خ ل.

كُلِّهِ، وَٱلسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ، وَأُمِّ ٱلسِّبْطَيْنِ ـ ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ سَيِّدَي شَبابِ أَهْلِ ٱلْجَنَّةِ ـ، ٱلطُّهْرَةِ ٱلطّاهِرَةِ ٱلْمُطَهَّرَةِ، ٱلتَّقِيَّةِ ٱلنَّقِيَّةِ، ٱلرَّضِيَّةِ ٱلزَّكِيَّةِ، سَيِّدَةِ نِساءِ ٱلْعالَمِينَ وَأَهْلِ ٱلْجَنَّةِ[1] أَجْمَعِينَ، صَلاةً لا يَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصائِها غَيْرُكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ، سِبْطَي نَبِيِّكَ، وَسَيِّدَي شَبابِ أَهْلِ ٱلْجَنَّةِ، ٱلْقائِمَيْنِ في خَلْقِكَ، وَٱلدَّلِيلَيْنِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالَتِكَ، وَدَيّانَيِ ٱلدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلَي[2] قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ ٱلْحُسَيْنِ، عَبْدِكَ ٱلْقائِمِ في خَلْقِكَ، وَٱلدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ[3]، وَدَيّانِ ٱلدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، سَيِّدِ ٱلْعابِدِينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَخَلِيفَتِكَ في أَرْضِكَ، باقِرِ عِلْمِ ٱلنَّبِيِّينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ٱلصّادِقِ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، ٱلصّادِقِ ٱلْبارِّ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَبْدِكَ ٱلصّالِحِ، وَلِسانِكَ في خَلْقِكَ، اَلنّاطِقِ بِحُكْمِكَ[4]، وَٱلْحُجَّةِ عَلىٰ بَرِيَّتِكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ٱلرِّضا ٱلْمُرْتَضىٰ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ، ٱلْقائِمِ بِعَدْلِكَ، وَٱلدّاعِي إِلىٰ دِينِكَ وَدِينِ آبائِهِ ٱلصّادِقِينَ، صَلاةً لا يَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصائِها غَيْرُكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ، ٱلْقائِمِ بِأَمْرِكَ، وَٱلدّاعِي إِلىٰ سَبِيلِكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ.

---

١ ـ «سيّدة نساء أهل الجنّة» خ ل.
٢ ـ «وفصل» خ ل.
٣ ـ «برسالتك» خ ل.
٤ ـ «بعلمك» خ ل.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى ٱلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، ٱلْعامِلِ بِأَمْرِكَ، ٱلْقائِمِ في خَلْقِكَ، وَحُجَّتِكَ ٱلْمُؤَدِّي عَنْ نَبِيِّكَ، وَشاهِدِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، ٱلْمَخْصُوصِ بِكَرامَتِكَ، ٱلدّاعِي إِلىٰ طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ حُجَّتِكَ، وَوَلِيِّكَ ٱلْقائِمِ في خَلْقِكَ، صَلاةً تامَّةً نامِيَةً باقِيَةً تُعَجِّلُ بِها فَرَجَهُ، وَتَنْصُرُهُ بِها، وَتَجْعَلُنا مَعَهُ فِي ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ، وَأُوالِي وَلِيَّهُمْ، وَأُعادِي عَدُوَّهُمْ، فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ، وَٱصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ، وَ أَهْوالَ يَوْمِ ٱلْقِيامَةِ.

پس می‌نشینی نزد سر آن حضرت و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ ٱللهِ فِي ظُلُماتِ ٱلْأَرْضِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَ ٱلدِّينِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفِيِّ[1] ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ إِسْماعِيلَ ذَبِيحِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِٱللهِ خاتَمِ ٱلنَّبِيِّينَ وَحَبِيبِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ رَسُولِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ فاطِمَةَ ٱلزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ ٱلْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ أَبِي مُحَمَّدٍ ٱلْحَسَنِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ أَبِي عَبْدِٱللهِ ٱلْحُسَيْنِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عَلِيِّ بْنِ ٱلْحُسَيْنِ سَيِّدِ ٱلْعابِدِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، باقِرِ عِلْمِ ٱلْأَوَّلِينَ وَٱلْآخِرِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ٱلصّادِقِ ٱلْبارِّ ٱلْأَمِينِ،

---

۱ ـ «صِفوة» خ ل.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ أَبِي اَلْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ اَلْكاظِمِ اَلْحَلِيمِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا اَلشَّهِيدُ اَلسَّعِيدُ اَلْمَظْلُومُ اَلْمَقْتُولُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا اَلصِّدِّيقُ اَلْوَصِيُّ اَلْبارُّ اَلتَّقِيُّ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ اَلصَّلاةَ، وَآتَيْتَ اَلزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ اَلْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اَللهَ مُخْلِصاً حَتّىٰ أَتاكَ اَلْيَقِينُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا اَلْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. لَعَنَ اَللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، لَعَنَ اَللهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، لَعَنَ اَللهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَساسَ اَلظُّلْمِ وَاَلْجَوْرِ وَاَلْبِدْعَةِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ اَلْبَيْتِ.

پس خود را به ضریح می‌چسبانی و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ مِنْ أَرْضِي، وَقَطَعْتُ اَلْبِلادَ رَجاءَ رَحْمَتِكَ، فَلا تُخَيِّبْنِي، وَلا تَرُدَّنِي بِغَيْرِ قَضاءِ حَوائِجِي، وَاَرْحَمْ تَقَلُّبِي عَلىٰ قَبْرِ اَبْنِ أَخِي رَسُولِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، أَتَيْتُكَ زائِراً وافِداً، عائِذاً مِمّا جَنَيْتُ عَلىٰ نَفْسِي، وَاَحْتَطَبْتُ عَلىٰ ظَهْرِي؛ فَكُنْ لِي شافِعاً إِلَى اَللهِ تَعالىٰ يَوْمَ حاجَتِي وَفَقْرِي وَفاقَتِي، فَلَكَ عِنْدَ اَللهِ مَقامٌ مَحْمُودٌ[1]، وَأَنْتَ عِنْدَ اَللهِ وَجِيهٌ.

پس دست راست را بلند می‌کنی، و دست چپ را بر قبر می‌گشایی و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَوِلايَتِهِمْ، أَتَوَلّىٰ آخِرَهُمْ بِما تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَهُمْ، وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَهُمْ.

اَللّٰهُمَّ اَلْعَنِ اَلَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ، وَاَتَّهَمُوا نَبِيَّكَ، وَجَحَدُوا آياتِكَ، وَسَخِرُوا بِإِمامِكَ، وَحَمَلُوا اَلنّاسَ عَلىٰ أَكْتافِ آلِ مُحَمَّدٍ.

---

۱ ـ «فإنّ لك عند الله مقاماً محموداً» خ ل.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَالْبَراءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، يا رَحْمٰنُ.

پس می‌گردی و به نزد پای آن حضرت می‌روی، و می‌گویی:

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ يا أَبَا الْحَسَنِ، صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ؛ صَبَرْتَ وَأَنْتَ الصّادِقُ الْمُصَدَّقُ، قَتَلَ اللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ.

پس تضرّع و مبالغه کن در لعنت کردن بر کشندهٔ امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ و قاتلان حسن و حسین علیهما السلام، و قاتلان جمیع اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله. پس از پشت قبر برو به نزد سر آن حضرت و دو رکعت نماز بکن، و در رکعت اوّل سورهٔ «یٰس» و در رکعت دوم سورهٔ «الرّحمن» بخوان، و جهد کن در دعا و تضرّع، و بسیار دعا کن از برای خود و پدر و مادر خود، و جمیع برادران مؤمن خود، و آنچه خواهی نزد آن حضرت بمان. و باید که نمازهای خود را نزد قبر بکنی[1].

و چون خواهی که *زیارت وداع* کنی بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ، أَنْتَ لَنا جُنَّةٌ مِنَ الْعَذابِ، وَهٰذا أَوانُ انْصِرافِي عَنْكَ ـ إِنْ كُنْتَ أَذِنْتَ لِي ـ ، غَيْرَ راغِبٍ عَنْكَ، وَلا مُسْتَبْدِلٍ بِكَ، وَلا مُؤْثِرٍ عَلَيْكَ، وَلا زاهِدٍ فِي قُرْبِكَ، وَقَدْ جُدْتُ بِنَفْسِي لِلْحَدَثانِ، وَتَرَكْتُ الْأَهْلَ وَالْأَوْلادَ وَالْأَوْطانَ، فَكُنْ لِي شافِعاً يَوْمَ حاجَتِي وَفَقْرِي وَفاقَتِي، يَوْمَ لا يُغْنِي عَنِّي حَمِيمِي[2] وَلا قَرِيبِي، يَوْمَ لا يُغْنِي عَنِّي والِدِي وَلا وَلَدِي.

أَسْأَلُ اللّٰهَ الَّذِي قَدَّرَ عَلَيَّ رِحْلَتِي[3] إِلَيْكَ أَنْ يُنَفِّسَ بِكَ كُرْبَتِي، وَأَسْأَلُ اللّٰهَ الَّذِي قَدَّرَ عَلَيَّ فِراقَ مَكانِكَ، أَنْ لا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ رُجُوعِي إِلَيْكَ، وَأَسْأَلُ اللّٰهَ الَّذِي أَبْكىٰ عَلَيْكَ عَيْنِي أَنْ يَجْعَلَهُ لِي سَبَباً وَذُخْراً، وَأَسْأَلُ اللّٰهَ الَّذِي أَرانِي مَكانَكَ،

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۰۹ ب ۱۰۲، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲/ ۲۷۱ ـ ۲۷۵، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۶۰۲ ح ۳۲۱۳، تهذیب الاحکام: ۶/ ۸۶ ح ۱۷۱، مزار کبیر: ۶۴۷ ـ ۶۵۳، مصباح الزائر: ۳۸۹ ـ ۳۹۴، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۴۴ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱۱۸/۴ ش ۱۳۸۷ و ص ۱۲۴ ش ۱۳۹۱.

۲ ـ «حميمي ولا حبيبي» خ ل.

۳ ـ «رحيلي» خ ل.

وَهَدانِي لِلتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ وَزِيارَتِي إِيّاكَ، أَنْ يُورِدَنِي حَوْضَكُمْ، وَيَرْزُقَنِي مُرافَقَتَكُمْ في ٱلْجِنانِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ، وَقائِدِ ٱلْغُرِّ ٱلْمُحَجَّلِينَ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَيْنِ، سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ ٱلْجَنَّةِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ ٱلْحُسَيْنِ سَيِّدِ ٱلسّاجِدِينَ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ باقِرِ عِلْمِ ٱلْأَوَّلِينَ وَٱلآخِرِينَ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ٱلصّادِقِ ٱلْبارِّ ٱلْأَمِينِ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ٱلْكاظِمِ ٱلْحَلِيمِ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى ٱلرِّضَا ٱلْعَلِيمِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ٱلتَّقِيِّ ٱلْجَوادِ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ٱلنَّقِيِّ ٱلْهادِي، وَٱلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ٱلْعَسْكَرِيِّ، وَٱلْحُجَّةِ ٱلْقائِمِ ٱلْمُنْتَظَرِ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ؛ اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ ٱللهِ ٱلْباقِينَ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْمَلائِكَةِ ٱلْمُقِيمِينَ ٱلْمُسَبِّحِينَ، ٱلَّذِينَ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، اَلسَّلامُ عَلَيْنا وَعَلىٰ عِبادِ ٱللهِ ٱلصّالِحِينَ.

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ ٱلْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِي إِيّاهُ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبائِهِ ٱلْماضِينَ[1]، وَإِنْ أَبْقَيْتَنِي يا رَبِّ فَارْزُقْنِي زِيارَتَهُ أَبَداً ما أَبْقَيْتَنِي، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و می‌گویی:

أَسْتَوْدِعُكَ ٱللهَ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ ٱلسَّلامَ، آمَنّا بِٱللهِ وَبِما دَعَوْتَ إِلَيْهِ، اَللّٰهُمَّ فَاكْتُبْنا مَعَ ٱلشّاهِدِينَ.

اَللّٰهُمَّ فَارْزُقْنِي حُبَّهُمْ وَمَوَدَّتَهُمْ أَبَداً ما أَبْقَيْتَنِي، اَلسَّلامُ مِنِّي أَبَداً ما بَقِيتُ، وَدائِماً إِذا فَنِيتُ، اَلسَّلامُ عَلَيْنا وَعَلىٰ عِبادِ ٱللهِ ٱلصّالِحِينَ.

---

۱ ـ «الطاهرين» خ ل.

و چون از روضهٔ مقدّسه بیرون آیی، پشت به جانب قبر مکن تا از نظر تو پنهان شود[۱].

مؤلّف گوید که: چند زیارت دیگر در بحارالانوار ذکر کرده‌ام، و چون ثابت نبود که منقول از ائمه باشد در اینجا ترک کردم. و زیارت جامعه را در این روضات خواندن انسب و اولی است.

[دعا بعد از زیارت امام رضا]

و شیخ مفید ـ علیه الرحمة ـ ذکر کرده است که: مستحب است که بعد از نماز زیارت حضرت امام رضا، این دعا بخواند:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يا اَللهُ، اَلدّائِمُ في مُلْكِهِ، اَلْقائِمُ في عِزِّهِ، اَلْمُطاعُ في سُلْطانِهِ، اَلْمُتَفَرِّدُ في كِبْرِيائِهِ، اَلْمُتَوَحِّدُ في دَيْمُومِيَّةِ بَقائِهِ، اَلْعادِلُ في بَرِيَّتِهِ، اَلْعالِمُ في قَضِيَّتِهِ، اَلْكَرِيمُ في تَأْخِيرِ عُقُوبَتِهِ.

إِلٰهِي حاجاتِي مَصْرُوفَةٌ إِلَيْكَ، وَآمالِي مَوْقُوفَةٌ لَدَيْكَ؛ وَكُلَّما وَفَّقْتَنِي مِنْ خَيْرٍ فَأَنْتَ دَلِيلِي عَلَيْهِ وَطَرِيقِي إِلَيْهِ، يا قَدِيراً لا تَؤُودُهُ اَلْمَطالِبُ، يا مَلِيّاً يَلْجَأُ إِلَيْهِ كُلُّ راغِبٍ، ما زِلْتُ مَصْحُوباً مِنْكَ بِالنِّعَمِ، جارِياً عَلىٰ عاداتِ اَلْإِحْسانِ وَاَلْكَرَمِ.

أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ اَلنّافِذَةِ في جَمِيعِ اَلْأَشْياءِ، وَقَضائِكَ اَلْمُبْرَمِ اَلَّذِي تَحْجُبُهُ بِأَيْسَرِ اَلدُّعاءِ، وَبِالنَّظْرَةِ اَلَّتِي نَظَرْتَ بِها إِلَى اَلْجِبالِ فَتَشامَخَتْ، وَإِلَى اَلْأَرَضِينَ فَتَسَطَّحَتْ، وَإِلَى اَلسَّماواتِ فَارْتَفَعَتْ، وَإِلَى اَلْبِحارِ فَتَفَجَّرَتْ.

يا مَنْ جَلَّ عَنْ أَدَواتِ لَحَظاتِ اَلْبَشَرِ، وَلَطُفَ عَنْ دَقائِقِ خَطَراتِ اَلْفِكَرِ.

لا تُحْمَدُ يا سَيِّدِي إِلّا بِتَوْفِيقٍ مِنْكَ يَقْتَضِي حَمْداً، وَلا تُشْكَرُ عَلىٰ أَصْغَرِ مِنَّةٍ إِلّا اَسْتَوْجَبْتَ بِها شُكْراً.

فَمَتىٰ تُحْصىٰ نَعْماؤُكَ يا إِلٰهِي، وَتُجازىٰ آلاؤُكَ يا مَوْلايَ، وَتُكافَأُ صَنائِعُكَ

---

۱ ـ من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۶۰۵ ـ ۶۰۶، عیون اخبار الرضا: ۲/ ۲۷۵، تهذیب الاحکام: ۶/ ۸۹، مزار کبیر: ۶۵۳، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۴۸ ح۳، موسوعة زیارات المعصومین: ۴/ ۱۵۳ ش۱۴۰۵.

يا سَيِّدِي، وَمِنْ نِعَمِكَ يَحْمَدُ ٱلْحامِدُونَ، وَمِنْ شُكْرِكَ يَشْكُرُ ٱلشّاكِرُونَ، وَأَنْتَ ٱلْمُعْتَمَدُ لِلذُّنُوبِ في عَفْوِكَ، وَٱلنّاشِرُ عَلَى ٱلْخاطِئِينَ جَناحَ سِتْرِكَ، وَأَنْتَ ٱلْكاشِفُ لِلضُّرِّ بِيَدِكَ.

فَكَمْ مِنْ سَيِّئَةٍ أَخْفاها حِلْمُكَ حَتّىٰ دَخَلَتْ[1]، وَحَسَنَةٍ ضاعَفَها فَضْلُكَ حَتّىٰ عَظُمَتْ عَلَيْها مُجازاتُكَ.

جَلَلْتَ أَنْ يُخافَ مِنْكَ إِلَّا ٱلْعَدْلُ، وَأَنْ يُرْجىٰ مِنْكَ إِلَّا ٱلْإِحْسانُ وَٱلْفَضْلُ، فَامْنُنْ عَلَيَّ بِما أَوْجَبَهُ فَضْلُكَ، وَلا تَخْذُلْنِي بِما يَحْكُمُ بِهِ عَدْلُكَ.

سَيِّدِي، لَوْ عَلِمَتِ ٱلْأَرْضُ بِذُنُوبِي لَساخَتْ بِي، أَوِ ٱلْجِبالُ لَهَدَّتْنِي، أَوِ ٱلسَّماواتُ لَاخْتَطَفَتْنِي، أَوِ ٱلْبِحارُ لَأَغْرَقَتْنِي.

سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي، مَوْلايَ مَوْلايَ مَوْلايَ، قَدْ تَكَرَّرَ وُقُوفِي لِضِيافَتِكَ، فَلا تَحْرِمْنِي ما وَعَدْتَ ٱلْمُتَعَرِّضِينَ لِمَسْأَلَتِكَ.

يا مَعْرُوفَ ٱلْعارِفِينَ، يا مَعْبُودَ ٱلْعابِدِينَ، يا مَشْكُورَ ٱلشّاكِرِينَ، يا جَلِيسَ ٱلذّاكِرِينَ، يا مَحْمُودَ مَنْ حَمِدَهُ، يا مَوْجُودَ مَنْ طَلَبَهُ، يا مَوْصُوفَ مَنْ وَحَّدَهُ، يا مَحْبُوبَ مَنْ أَحَبَّهُ، يا غَوْثَ مَنْ أَرادَهُ، يا مَقْصُودَ مَنْ أَنابَ إِلَيْهِ، يا مَنْ لا يَعلَمُ ٱلْغَيْبَ إِلّا هُوَ، يا مَنْ لا يَصْرِفُ ٱلسُّوءَ إِلّا هُوَ، يا مَنْ لا يُدَبِّرُ ٱلْأَمْرَ إِلّا هُوَ، يا مَنْ لا يَغْفِرُ ٱلذَّنْبَ إِلّا هُوَ، يا مَنْ لا يَخْلُقُ ٱلْخَلقَ إِلّا هُوَ، يا مَنْ لا يُنْزِلُ ٱلْغَيْثَ إِلّا هُوَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَٱغْفِرْ لي يا خَيْرَ ٱلْغافِرِينَ.

رَبِّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ ٱسْتِغْفارَ حَياءٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ ٱسْتِغْفارَ رَجاءٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ ٱسْتِغْفارَ إِنابَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ ٱسْتِغْفارَ رَغْبَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ ٱسْتِغْفارَ رَهْبَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ

---

١ ـ «خلت» خ ل.

ٱسْتِغْفارَ طاعَةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ ٱسْتِغْفارَ إيمانٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ ٱسْتِغْفارَ إقْرارٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ ٱسْتِغْفارَ إخْلاصٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ ٱسْتِغْفارَ تَقْوىٰ، وَأَسْتَغْفِرُكَ ٱسْتِغْفارَ تَوَكُّلٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ ٱسْتِغْفارَ ذِلَّةٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ ٱسْتِغْفارَ عامِلٍ لَكَ، هارِبٍ مِنْكَ إلَيْكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُبْ عَلَيَّ وَعَلىٰ والِدَيَّ بِما تُبْتَ وَتَتُوبُ عَلىٰ جَميعِ خَلْقِكَ، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمينَ.

يا مَنْ تَسَمّىٰ بِالْغَفُورِ ٱلرَّحيمِ، يا مَنْ تَسَمّىٰ بِالْغَفُورِ ٱلرَّحيمِ، يا مَنْ تَسَمّىٰ بِالْغَفُورِ ٱلرَّحيمِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَٱقْبَلْ تَوْبَتي، وَزَكِّ عَمَلي، وَٱشْكُرْ سَعْيي، وَٱرْحَمْ ضَراعَتي، وَلا تَحْجُبْ صَوْتي، وَلا تُخَيِّبْ مَسْأَلَتي يا غَوْثَ ٱلْمُسْتَغيثينَ، وَأَبْلِغْ أَئِمَّتي سَلامي وَدُعائي، وَشَفِّعْهُمْ في جَميعِ ما سَأَلْتُكَ، وَأَوْصِلْ هَدِيَّتي إلَيْهِمْ كَما يَنْبَغي لَهُمْ، وَزِدْهُمْ مِنْ ذٰلِكَ ما يَنْبَغي لَكَ بِأَضْعافٍ لا يُحْصيها غَيْرُكَ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ ٱلْعَلِيِّ ٱلْعَظيمِ، وَصَلَّى ٱللهُ عَلىٰ أَطْيَبِ ٱلْمُرْسَلينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ٱلطّاهِرينَ[1].

و در بعضی از کتب نقل کرده‌اند از حسین بن احمد فقیه رازی که: هر که زیارت کند حضرت امام رضا یا دیگری از ائمه را، پس نماز جعفر نزد قبر آن حضرت بجا آورد، برای او نوشته شود به هر رکعتی ثواب کسی که هزار حج و هزار عمره بجا آورده باشد، و هزار بنده آزاد کرده باشد، و هزار مرتبه در جهاد ایستاده باشد با پیغمبر مرسل. و به هر گامی ثواب صد حج و صد عمره و صد بنده آزاد کردن داشته باشد، و صد حسنه برای او نوشته شود، و صد گناه از او محو شود[2].

[زیارت غیر مشهور]

مؤلّف گوید که: چون به خط بعضی از افاضل، به نظر رسید که این زیارت را از خطّ

---

۱ ـ بحارالانوار: ۵۵/۱۰۲ ـ ۵۷، موسوعة زیارات المعصومین: ۱۳۷/۴ ش ۱۳۹۳ و ص ۱۵۲ ش ۱۴۰۲.

۲ ـ بحارالانوار: ۱۳۷/۱۰۰ ح۲۵، موسوعة زیارات المعصومین: ۱۱۳/۴ ش ۱۳۷۷ و ص ۱۵۱ ش ۱۴۰۰.

شیخ شهید ـ علیه الرّحمه ـ نقل کرده بود، و از سیاقش مفهوم می‌شد که منقول باشد، لهذا ایراد نمود:

چون در برابر ضریح مقدّس بایستد بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ رَسُولِ ٱللهِ، أَمِينِ ٱللهِ عَلىٰ وَحْيِهِ وَعَزائِمِ أَمْرِهِ، ٱلْخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَٱلْفاتِحِ لِمَا ٱسْتُقْبِلَ، وَٱلْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَوْلانا أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدِ ٱلْوَصِيِّينَ، وَأَبِي ٱلْأَئِمَّةِ ٱلْمَعْصُومِينَ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ فاطِمَةَ ٱلزَّهْراءِ سَيِّدَةِ ٱلنِّساءِ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْأَئِمَّةِ ٱلْمَعْصُومِينَ، سادَةِ ٱلْمُتَّقِينَ، وَكُبَراءِ ٱلصِّدِّيقِينَ، وَأَعْلامِ ٱلْمُهْتَدِينَ، وَأَنْوارِ ٱلْعارِفِينَ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَوْلانا وَسَيِّدِنا ٱلْإِمامِ ٱلْمَعْصُومِ أَبِي ٱلْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ٱلرِّضا، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ نَبِيِّ ٱللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ خاتَمِ ٱلنَّبِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ سَيِّدِ ٱلْوَصِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ إِمامِ ٱلْمُتَّقِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ قائِدِ ٱلْغُرِّ ٱلْمُحَجَّلِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ فاطِمَةَ ٱلزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ ٱلْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ خَدِيجَةَ ٱلْكُبْرىٰ أُمِّ ٱلْمُؤْمِنِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ أَبِي عَبْدِ ٱللهِ ٱلْحُسَيْنِ ٱلشَّهِيدِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ عَلِيِّ بْنِ ٱلْحُسَيْنِ زَيْنِ ٱلْعابِدِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ، ٱلْباقِرِ لِعُلُومِ ٱلدِّينِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ أَبِي عَبْدِ ٱللهِ جَعْفَرٍ ٱلصّادِقِ ٱلْأَمِينِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ أَبِي ٱلْحَسَنِ مُوسَى ٱلْكاظِمِ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَمُودَ الدِّينِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِيَّ رَسُولِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خاصَّةَ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خالِصَةَ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْضِعَ سِرِّ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْبَةَ عِلْمِ اللّهِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْأَنْبِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِيَّ الْأَوْصِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مِشْكاةَ الضِّياءِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُنْتَهَى الْعُلْيا.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ الشَّرَفِ الْأَثِيلِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ذَا الْفِعْلِ الْجَمِيلِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ الْأَصْلِ الْأَصِيلِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أُسَّ الْإِيمانِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا شَرِيكَ الْقُرْآنِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَعْدِنَ الْأَمانِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا إِمامَ الْأَبْرارِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِيَّ الْمُخْتارِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُظْهِرَ الْأَسْرارِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ الْمُعْجِزاتِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُوضِحَ الْبَيِّناتِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّراطُ الْمُسْتَقِيمُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدِّينُ الْقَوِيمُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مِصْباحَ الْهُدىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَأْوَى التُّقىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَجْدَ[1] الْحِجا، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا طَوْدَ النُّهىٰ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدّاعِي إِلَى الْمَحَجَّةِ الْعُظْمىٰ، وَالطّاعِنِ إِلَى الْغايَةِ الْقُصْوىٰ، وَالسّامِي إِلَى الْمَجْدِ وَالْعُلىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعالِمُ بِالتَّأْوِيلِ وَالذِّكْرىٰ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا دَلِيلَ الرَّشادِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ السّادَةِ الْأَمْجادِ، اَلسَّلامُ

---

۱ ـ «محلّ» ظ.

عَلَيْكَ يَا ٱبْنَ ٱلْقادةِ ٱلزُّهّادِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مِصْباحَ ٱلظُّلَمِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا يَنْبُوعَ ٱلْحِكَمِ، وَرَحْمَةُ ٱللهِ وَبَرَكاتُهُ.

أَشْهَدُ يا مَوْلايَ أَنَّكَ ٱلْمُطِيعُ لِلّٰهِ، ٱلْقائِمُ بِأَمْرِ ٱللهِ، ٱلْعامِلُ بِإِرادَتِهِ، ٱلْفائِزُ بِكَرامَتِهِ، اِصْطَفاكَ ٱللهُ لِعِلْمِهِ، وَٱخْتارَكَ لِسِرِّهِ، وَأَعَزَّكَ بِهُداهُ، وَخَصَّكَ بِبُرْهانِهِ، وَأَيَّدَكَ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكَ خَلِيفَةً في أَرْضِهِ، وَداعِياً إِلىٰ حَقِّهِ، وشَهِيداً عَلىٰ خَلْقِهِ، وَناصِراً لِدِينِهِ، وَحُجَّةً عَلىٰ بَرِيَّتِهِ، وَتُرْجُماناً لِوَحْيِهِ، وَخازِناً لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِهِ، عَصَمَكَ ٱللهُ مِنَ ٱلذُّنُوبِ، وَبَرَّأَكَ مِنَ ٱلْعُيُوبِ.

زُرْتُكَ يا مَوْلايَ عارِفاً بِحَقِّكَ، مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ، مُهْتَدِياً بِهُداكَ، مُقْتَفِياً لِأَثَرِكَ، مُتَّبِعاً لِسُنَّتِكَ، مُتَمَسِّكاً بِحَبْلِكَ، مُطِيعاً لِأَمْرِكَ، مُوالِياً لِوَلِيِّكَ، مُعادِياً لِعَدُوِّكَ، عالِماً بِأَنَّ ٱلْحَقَّ لَكَ وَمَعَكَ، مُتَوَسِّلاً إِلَى ٱللهِ بِكَ، مُسْتَشْفِعاً إِلَيْهِ بِجاهِكَ، وَحَقٌّ عَلَيْهِ أَنْ لا يُخَيِّبَ سائِلَهُ، وَٱلرّاجِيَ ما عِنْدَهُ لِزائِرِكَ ٱلْمُطِيعِ لَكَ.

پس دستها را بردارد و بگويد:

اَللّٰهُمَّ فَكَما وَفَّقْتَنِي لِلْإِيمانِ بِنَبِيِّكَ، وَٱلتَّصْدِيقِ بِكِتابِكَ، وَمَنَنْتَ عَلَيَّ بِطاعَتِهِ وَٱتِّباعِ مِلَّتِهِ، وَهَدَيْتَنِي إِلىٰ مَعْرِفَتِهِ وَمَعْرِفَةِ ٱلْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ، وَأَكْمَلْتَ بِمَعْرِفَتِهِمُ ٱلْإِيمانَ، وَقَبِلْتَ بِطاعَتِهِمْ وَوِلايَتِهِمُ ٱلْأَعْمالَ، وَٱسْتَعْبَدْتَ بِالصَّلاةِ عَلَيْهِمْ عِبادَكَ، وَجَعَلْتَهُمْ مِفْتاحاً لِلدُّعاءِ وَسَبَباً لِلْإِجابَةِ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَعَلىٰ مَوْلانا وَسَيِّدِنا أَبِي ٱلْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ، وَٱجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهاً في ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ وَمِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ، وَٱجْعَلْ ذُنُوبَنا بِهِمْ مَغْفُورَةً، وَعُيُوبَنا بِهِمْ مَسْتُورَةً، وَفَرائِضَنا مَشْكُورَةً، وَنَوافِلَنا مَبْرُورَةً، وَقُلُوبَنا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَأَنْفُسَنا بِطاعَتِكَ مَسْرُورَةً، وَجَوارِحَنا عَلىٰ خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً، وَأَسْماءَنا في خَواصِّكَ مَشْهُورَةً، وَأَرْزاقَنا مِنْ لَدُنْكَ

مَذْرُورَةً، وَحَوائِجَنا لَدَيْكَ مَيْسُورَةً، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس برود و نزد سر ضریح مقدّس بایستد و بگوید:

اَلسَّلامُ عَلَى الْقائِمِ مَقامَ الْأَنْبِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْوارِثِ عُلُومَ الْأَوْصِياءِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ خَلِيفَةِ اللهِ وَخَلِيفَةِ رَسُولِهِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ زِمامِ الدِّينِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ نِظامِ الْمُسْلِمِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ صَلاحِ الدُّنْيا وَعُمْدَةِ الْمُؤْمِنِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَصْلَ الْإِسْلامِ النّامِيَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا فَرْعَهُ السّامِيَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ بِهِ تَمامُ الصَّلاةِ وَالزَّكاةِ وَالصِّيامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهادِ، وَتَوَفُّرُ الْفَيْءِ وَالصَّدَقاتِ، وَإِمْضاءُ الْحُدُودِ الْمُسَمَّياتِ، وَالْأَحْكامِ الْمُبَيَّناتِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُحَلِّلُ حَلالَ اللهِ، وَالْمُحَرِّمُ حَرامَهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقِيمُ حُدُودَ اللهِ وَأَحْكامَهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الذّابُّ عَنْ دِينِ اللهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدّاعِي إِلَى اللهِ بِالْحُجَّةِ الْبالِغَةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ فَضْلُهُ كَالشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ الطّالِعَةِ، الْمُجَلِّلَةِ بِنُورِها لِلْعالَمِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الْمُنِيرُ، وَالسِّراجُ الزّاهِرُ، وَالنُّورُ السّاطِعُ، وَالنَّجْمُ الْهادِي.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عِزَّ الْمُسْلِمِينَ، وَغَيْظَ الْمُنافِقِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بَوارَ الْكافِرِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا السّادَةِ الْمَيامِينِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ عَجَزَتْ عَنْ ذِكْرِ فَضْلِهِ الْبُلَغاءُ، وَقَصُرَتْ عَنْ إِدْراكِهِ الْفُصَحاءُ، وَتَحَيَّرَتْ فِي نَعْتِ فَضْلِهِ الْخُطَباءُ، وَلَمْ تَنْتَهِ إِلَيْهِ الْحُكَماءُ ﴿ذٰلِكَ فَضْلُ اللهِ

يُؤْتِيهِ مَنْ يَشاءُ وَاللهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾[1].

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ، وَعَلىٰ آبائِكَ الْأَكْرَمِينَ وَأَبْنائِكَ الطّاهِرِينَ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس ضريح را ببوسد، و نماز زيارت بكند، و بگويد:

يا شامِخاً في بُعْدِهِ، يا رَؤُوفاً في رَحْمَتِهِ، يا مُحْيِيَ الْأَمْواتِ، يا مُخْرِجَ النَّباتِ، يا ظَهْرَ اللّاجِئِينَ، يا جارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، يا أَسْمَعَ السّامِعِينَ، يا أَبْصَرَ النّاظِرِينَ، يا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، يا عِمادَ مَنْ لا عِمادَ لَهُ، يا سَنَدَ مَنْ لا سَنَدَ لَهُ، يا ذُخْرَ مَنْ لا ذُخْرَ لَهُ، يا حِرْزَ الضُّعَفاءِ، يا كَنْزَ الْفُقَراءِ، يا عَظِيمَ الرَّجاءِ، يا مُنْقِذَ الْغَرْقىٰ، يا مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ، يا أَمانَ الْخائِفِينَ، يا إِلٰهَ الْعالَمِينَ، يا صانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، يا جابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ، يا صاحِبَ كُلِّ غَرِيبٍ، يا مُونِسَ كُلِّ وَحِيدٍ، يا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ، يا شاهِداً غَيْرَ غائِبٍ، يا غالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ، يا حَيُّ حِينَ لا حَيَّ، يا مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ، يا حَيُّ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، بَدِيعَ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ، أَنْتَ الْقائِمُ عَلىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلاةً تُرْضِيهِمْ وَتُحْظِيهِمْ وَتُبَلِّغُهُمْ أَقْصىٰ رِضاكَ، وَأَنْ تَرْحَمَ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ، وَوَحْشَتِي مِنَ النّاسِ، وَأُنْسِي بِكَ يا كَرِيمُ، تَصَدَّقْ عَلَيَّ في هٰذِهِ السّاعَةِ بِرَحْمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ تَهْدِي بِها قَلْبِي، وَتَجْمَعُ بِها أَمْرِي، وَتَلُمُّ بِها شَعَثِي، وَتُبَيِّضُ بِها وَجْهِي، وَتُكْرِمُ بِها مَقامِي، وَتَحُطُّ بِها عَنِّي وِزْرِي، وَتَغْفِرُ بِها ما مَضىٰ مِنْ ذُنُوبِي، وَتَعْصِمُنِي بِها فِيما بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، وَتَسْتَعْمِلُنِي في ذٰلِكَ كُلِّهِ بِطاعَتِكَ وَما يُرْضِيكَ عَنِّي، وَتَخْتِمُ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ، وَتَجْعَلُ لِي ثَوابَهُ الْجَنَّةَ، وَتَسْلُكُ بِي سَبِيلَ الصّالِحِينَ، وَتُعِينُنِي عَلىٰ صالِحِ ما أَعْطَيْتَنِي، وَلا تُشْمِتُ بِي حاسِداً

---

[1] ـ جمعه: ۴.

وَلا عَدُوّاً، وَلا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً، وَلا أَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ وَلا أَكْثَرَ، يا رَبَّ ٱلْعالَمِينَ.

و سعی کند در دعاکردن به آنچه خواهد، پس قبر را در پیش رو قرار دهد و بگوید:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هٰذَا ٱلْإِمامَ مُقِرّاً بِإِمامَتِهِ، مُعْتَقِداً لِفَرْضِ طاعَتِهِ، فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبِي وَعُيُوبِي، وَمُوبِقاتِ آثامِي، وَكَثْرَةِ سَيِّئاتِي وَخَطايايَ وَما تَعْرِفُهُ مِنِّي، مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ، مُسْتَعِيذاً بِحِلْمِكَ، لاجِئاً إِلىٰ رُكْنِكَ، عائِذاً بِرَأْفَتِكَ، مُسْتَشْفِعاً بِوَلِيِّكَ وَٱبْنِ أَوْلِيائِكَ، وَصَفِيِّكَ وَٱبْنِ أَصْفِيائِكَ، وَأَمِينِكَ وَٱبْنِ أُمَنائِكَ، وَخَلِيفَتِكَ وَٱبْنِ خُلَفائِكَ، ٱلَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ ٱلْوَسِيلَةَ إِلىٰ رَحْمَتِكَ وَرِضْوانِكَ، وَٱلذَّرِيعَةَ إِلىٰ رَأْفَتِكَ وَغُفْرانِكَ.

اَللّٰهُمَّ وَأَوَّلُ حاجاتِي إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ما سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي عَلىٰ كَثْرَتِها، وَأَنْ تَعْصِمَنِي فِيما بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، وَتُطَهِّرَ دِينِي مِمّا يُدَنِّسُهُ وَيَشِينُهُ وَيُزْرِي بِهِ، وَتَحْمِيَهُ مِنَ ٱلرَّيْبِ وَٱلشَّكِّ وَٱلْفَسادِ وَٱلشِّرْكِ، وَتُثَبِّتَنِي عَلىٰ طاعَتِكَ، وَطاعَةِ رَسُولِكَ وَذُرِّيَّتِهِ ٱلنُّجَباءِ ٱلسُّعَداءِ ـ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتُكَ وَسَلامُكَ وَبَرَكاتُكَ ـ، وَتُحْيِيَنِي ما أَحْيَيْتَنِي عَلىٰ طاعَتِهِمْ، وَتُمِيتَنِي إِذا أَمَتَّنِي عَلىٰ طاعَتِهِمْ، وَأَنْ لا تَمْحُوَ مِنْ قَلْبِي مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ، وَبُغْضَ أَعْدائِهِمْ، وَمُرافَقَةَ أَوْلِيائِهِمْ وَبِرَّهُم.

وَأَسْأَلُكَ يا رَبِّ أَنْ تَقْبَلَ ذٰلِكَ مِنِّي، وَتُحَبِّبَ إِلَيَّ عِبادَتَكَ، وَتُبَغِّضَ إِلَيَّ مَعاصِيَكَ، وَتَرْزُقَنِي تَوْبَةً نَصُوحاً تَرْضاها، وَنِيَّةً تَحْمَدُها، وَعَمَلاً صالِحاً تَقْبَلُهُ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

پس چون خواهد که زیارت وداع کند نزد ضریح بایستد رو به قبر و پشت به قبله و بگوید:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ ٱللّٰهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَخازِنَ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّهِ، وَبابَ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ، وَصِراطَهُ ٱلْمُسْتَقِيمَ، سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ وَلا قالٍ وَلا مالٍّ، وَرَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ غُدُوَّنا مَقْرُوناً بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، وَرَواحَنا عَنْكَ مَوْصُولاً بِالنَّجاحِ مِنْكَ، وَدُعاءَنا لَكَ مَقْرُوناً بِحُسْنِ الْإِجابَةِ، وَخُضُوعَنا بَيْنَ يَدَيْكَ داعِياً إِلىٰ رَحْمَتِكَ، وَاعْتِرافَنا بِذُنُوبِنا شَفِيعاً إِلىٰ عَفْوِكَ، وَارْزُقْنَا الْعَوْدَ إِلىٰ زِيارَتِهِ، ثُمَّ الْعَوْدَ إِلَيْهِ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّا لِزِيارَةِ سَيِّدِنا وَإِمامِنا، الْمَفْرُوضِ طاعَتُهُ عَلَيْنا، وَارْزُقْنا زِيارَتَهُ أَبَداً ما أَبْقَيْتَنا، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالْمَنِّ الْجَسِيمِ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ[1].

---

١ ـ موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ٤/ ١٤٣ ش١٣٩٧ وص١٥٧ ش١٤٠٨.

باب دهم

در بیان فضیلت و کیفیّت زیارت حضرات امام علی نقی وامام حسن عسکری و صاحب الامر - صلوات الله علیهم اجمعین - **است وادعیه توسّل به ائمّه** علیهم السلام **وعرایضی که به خدمت ایشان نویسند و در آن چند فصل است:**

فصل اوّل

در فضیلت و کیفیّت زیارت
عسکریّین - صلوات الله علیهما - است

به سند معتبر منقول است از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که فرمود که: قبر من در سُرَّ من رآی امان است از برای اهل دو جانب از بلاها و عذاب خدا[1].

مؤلّف گوید که: در باب اول، احادیث فضیلت زیارت ائمة علیهم السلام عموماً گذشت.

و بدان که خلاف است که آیا داخل خانهٔ مقدّس ایشان می‌توان شد که نزدیک قبر زیارت کنند، یا از بیرون خانه باید زیارت کرد. و اشهر میان علما آن است که داخل می‌توان شد، زیرا که در احادیث بسیار وارد شده است که ائمّه علیهم السلام تجویز فرموده‌اند شیعیان را که تصرّف نمایند در اراضی و مساکنی که به ایشان تعلّق دارد، و عمومات زیارت ایشان و کیفیّاتی که دربعضی از زیارات جامعه وارد شده است، از داخل شدن روضه و بوسیدن قبر و غیر آن، که دلالت بر تجویز دخول روضه می‌کند، مؤیّد است.

و به سند معتبر منقول است از ابو الطیّب که: من داخل خانه عسکریّین علیهما السلام نمی‌شدم، و از پشت شبکه زیارت می‌کردم، در روز عاشورا در میان روز که آفتاب بسیار گرم بود و راهها خالی بود، متوجّه روضهٔ مقدّسه ایشان شدم، و ترسان و هراسان بودم از اصحاب خلیفه و از اهل شهر، تا آنکه رسیدم به دیواری که از آنجا به جانب شبکه می‌باید رفت، ناگاه شخصی را دیدم که در دَرِ خانه مقدّسهٔ ایشان نشسته است

---

۱ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۹۳ ح ۱۷۶، مزار کبیر: ۴۱، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۵۹ ح ۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۹۱ ش ۱۴۲۸.

و پشتش به این طرف است، و گویا در دفتری نظر می‌کند.

پس به من گفت که: به کجا می‌روی ای ابو الطّیّب؟ ـ به صدایی که شبیه بود به صدای حسین پسر حضرت امام علی نقی علیه السلام ـ.

با خود گفتم که: این حسین است که آمده است که برادر خود را زیارت کند. گفتم: ای سیّد من، می‌روم که زیارت کنم از پشت شبکه، و بعد از آن می‌آیم که حقّ خدمت شما را ادا کنم.

فرمود که: چرا داخل خانه نمی‌شوی ای ابو الطّیّب؟

گفتم: خانه صاحبی دارد، و بی‌رخصت او داخل نمی‌شوم.

فرمود که: هرگاه تو مولیٰ و مطیع ما باشی، و اعتقاد به امامت ما به راستی داشته باشی، ما چون تو را مانع شویم از داخل شدن خانهٔ خود؟! بیا و داخل خانه شو.

باز قبول نکردم و روانه شدم، چون به نزدیک در خانه رسیدم کسی را ندیدم، دانستم که حضرت صاحب الامر علیه السلام بوده است، و پشیمان شدم؛ پس رفتم به نزد بصری که خادم روضه مقدّسه بود، و طلبیدم او را که در را برای من گشود؛ و رفتم و از اندرون زیارت کردم[1].

مؤلّف گوید که: این حدیث نیز مؤیّد رخصت می‌شود.

و ***ابن قولویه*** ـ علیه الرّحمه ـ در کامل الزّیاره گفته است که: روایت شده است از بعضی از ائمّه علیهم السلام که: چون خواهی زیارت قبر امام علی نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام بکنی، غسل می‌کنی و به نزد قبر ایشان می‌روی اگر توانی رفت؛ و اگر نه، اشاره می‌کنی به سلامْ مقابلِ شبکه که به سوی ضریح مفتوح است، و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا وَلِيَّيِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا حُجَّتَيِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا نُورَيِ اللهِ فِي ظُلُماتِ الْأَرْضِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا مَنْ بَدا لِلهِ فِي شَأْنِكُما.

أَتَيْتُكُما زائِراً، عارِفاً بِحَقِّكُما، مُعادِياً لِأَعْدائِكُما، مُوالِياً لِأَوْلِيائِكُما، مُؤْمِناً بِما

---

۱ ـ امالی طوسی: ۱/ ۲۹۳، بشارة المصطفی: ۱۴۲، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۶۰ ح ۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۹۷ ش ۱۴۳۴.

آمَنْتُما بِهِ، كافِراً بِما كَفَرْتُما بِهِ، مُحَقِّقاً لِما حَقَّقْتُما، مُبْطِلاً لِما أَبْطَلْتُما.

أَسْأَلُ ٱللهَ رَبِّي وَرَبَّكُما أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيارَتِكُمَا ٱلصَّلاةَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي مُرافَقَتَكُما فِي ٱلْجِنانِ مَعَ آبائِكُمَا ٱلصّالِحِينَ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ ٱلنّارِ، وَيَرْزُقَنِي شَفاعَتَكُما وَمُصاحَبَتَكُما، وَيُعَرِّفَ بَيْنِي وَبَيْنَكُما، وَلا يَسْلُبَنِي حُبَّكُما وَحُبَّ آبائِكُمَا ٱلصّالِحِينَ، وَأَنْ لا يَجْعَلَهُ آخِرَ ٱلْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِكُما، وَيَحْشُرَنِي مَعَكُما في ٱلْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ.

اَللّٰهُمَّ ٱرْزُقْنِي حُبَّهُما، وَتَوَفَّنِي عَلىٰ مِلَّتِهِما.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ ظالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ، وَٱنْتَقِمْ مِنْهُمْ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنِ ٱلْأَوَّلِينَ مِنْهُمْ وَٱلْآخِرِينَ، وَضاعِفْ عَلَيْهِمُ ٱلْعَذابَ، وَٱبْلُغْ[1] بِهِمْ وَبِأَشْياعِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَمُتَّبِعِيهِمْ أَسْفَلَ دَرَكٍ مِنَ ٱلْجَحِيمِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَٱبْنِ وَلِيِّكَ، وَٱجْعَلْ فَرَجَنا مَعَ فَرَجِهِمْ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

و جهد می‌کنی در دعا کردن از برای خود، و پدر و مادر خود، و هر دعا که خواهی بکن، و اگر توانی به نزدیک قبر ایشان بروی، دو رکعت نماز نزد قبر بکن؛ و اگر نتوانی، داخل مسجد شو و دو رکعت نماز بکن، و هر دعا که خواهی بکن که مستجاب است؛ و این مسجد در پهلوی خانهٔ ایشان است، و حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری در آن نماز می‌کرده‌اند[2].

مؤلّف گوید که: آن مسجد، در این زمان داخل خانه مقدّسه شده است، و در پشت ضریح عسکریّین علیهما السلام واقع است. و در این روضه نیز، زیارات جامعه اولی است.

و شیخ *طوسی* ـ علیه الرحمه ـ گفته است که: چون خواهی ایشان را وداع کنی،

---

۱ ـ «وبلّغ» خ ل.

۲ ـ کامل الزیارات: ۳۱۳ ب ۱۰۳ ح ۱، من لا یحضره الفقیه: ۲/ ۶۰۷ ح ۳۲۱۴، تهذیب الاحکام: ۶/ ۹۴، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۶۱ ـ ۶۲ ح ۵ و ۶، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۷۱ ش ۱۴۱۶ و ص ۲۰۹ ش ۱۴۴۰.

نزد قبر بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَیْکُما یا وَلِیَّیِ اللهِ، أَسْتَوْدِعُکُمَا اللهَ وَأَقْرَأُ عَلَیکُمَا السَّلامَ، آمَنّا بِـاللهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِما جِئْتُما بِهِ وَدَلَلْتُما عَلَیْهِ، اَللّٰهُمَّ اکْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِینَ.

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتِهِما، وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَیْهِما، وَاحْشُـرْنِي مَعَهُما وَمَع آبائِهِمَا الطّاهِرِینَ، وَالْقائِمِ الْحُجَّةِ مِنْ ذُرِّیَّتِهِما یا أَرْحَمَ الرّاحِمِینَ[۱].

و در **حدیث معتبر** منقول است که: منصوری به خدمت حضرت امام علی نقی ـ صلوات الله علیه ـ عرض کرد که: ای سیّد من، دعایی تعلیم من نما که تقرّب جویم به سوی خدای تعالی به آن دعا.

فرمود که: این دعایی است که من بسیار می‌خوانم، و از خدا سؤال کردم که هرکه این دعا را در روضهٔ من بخواند، خدا او را نا امید نگرداند؛ و آن دعا این است:

یا عُدَّتِي عِنْدَ الْعُدَدِ، وَیا رَجائِي وَالْمُعْتَمَدُ، وَیا کَهْفِي وَالسَّنَدُ، یا واحِدُ یا أَحَدُ، وَیا قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ، أَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَلَمْ تَجْعَلْ في خَـلْقِكَ أَحَداً مِثْلَهُمْ، صَلِّ عَلىٰ جَماعَتِهِمْ، وَافْعَلْ بِي ـ کذا وکذا ـ[۲].

و حاجتهای خود را بطلبد.

و *بدان که* علما در کتب خود، زیارت مادر حضرت صاحب الامر علیه السلام را ذکر کرده‌اند.

و قبر حضرت حکیمه خاتون دختر حضرت امام محمّد تقی علیه السلام نیز در آن روضهٔ مقدّسه است، باید که آن حضرت را نیز زیارت کنند، که در نهایت جلالت و از مخصوصان اصحاب سرّ ائمه بوده است، و در زمان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و بعد از آن، به خدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام می‌رسیده است، و در وقت ولادت آن حضرت حاضر بوده است، و خدمت چهار امام کرده است.

---

۱ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۹۵، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۶۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۲۲۶ ش ۱۴۵۰.

۲ ـ امالی طوسی: ۲۸۶/۱، مصباح الزائر: ۴۰۸، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۵۹ ح۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۱۶۵ ش ۱۴۱۰.

و *بدان که* زیارت عسکریّین علیهما السلام در ازمنه شریفه و اوقات مخصوصه به ایشان، اولی و انسب است. خصوصاً روز ولادت امام علی نقی علیه السلام که پانزدهم ماه ذی الحجة است موافق مشهور، و به روایت ابن عیّاش دوم یا پنجم ماه رجب است، و به روایت ابراهیم بن هاشم سیزدهم ماه رجب است.

و روز وفات آن حضرت، که سوم[1] ماه رجب است به روایت ابراهیم بن هاشم و غیر او، یا دوم یا پنجم ماه رجب است بنابر بعضی اقوال، یا بیست و ششم ماه جمادی الثّانی است بنابر قول کلینی.

و روز امامت آن حضرت، که آخر ماه ذی القعده است، یا یازدهم آن.

و روز ولادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، که دهم ماه ربیع الثّانی است بنابر مشهور، یا هشتم آن بنابر قول شیخ طبرسی، یا چهارم آن به‌قول شیخ شهید.

و روز وفات آن حضرت، که هشتم ماه ربیع الاوّل است به قول کلینی و اکثر علما، یا اوّل آن به‌قول شیخ در مصباح.

و روز خلافت آن حضرت، که روز وفات والد بزرگوار او است ـ صلوات الله علیهما ـ.[2]

---

۱ ـ در نسخ «سیزدهم» آمده و سهو است. نگاه کن: بحارالانوار: ۷۸/۱۰۲، مصباح المتهجد: ۸۱۹.

۲ ـ بحارالانوار: ۷۸/۱۰۲ ـ ۷۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱۶۹/۴ ش ۱۴۱۴ وص ۱۹۵ ش ۱۴۳۱.

فصل دوم

در بیان کیفیّت و آداب زیارت حضرت صاحب الزّمان ـ صلوات الله علیه ـ لسعة

[زیارت ناحیه اوّل]

بدان که زیارت آن حضرت در همه جا ـ خصوصاً در سرداب مقدّس که محلّ غیبت آن حضرت است ـ مستحب است.

و به سندهای صحیح و معتبر از محمّد بن عبدالله حِمیَری منقول است که: از ناحیه مقدّسه فرمان حضرت صاحب الامر ـ صلوات الله علیه ـ به سوی او بیرون آمد که: چون خواهید متوجّه شوید به ما به سوی خدا و به سوی ما، پس بگویید ـ چنانچه خدا فرموده است ـ:

﴿سَلامٌ عَلىٰ آلِ یاسِین﴾[1].

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا داعِيَ اللهِ وَرَبّانِيَّ آیاتِهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا بابَ اللهِ وَدَیّانَ دِینِهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا خَلِیفَةَ اللهِ وَناصِرَ حَقِّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا حُجَّةَ اللهِ وَدَلِیلَ إرادَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا تالِيَ کِتابِ اللهِ وَتَرْجُمانَهُ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ في آناءِ لَیْلِكَ وَأَطْرافِ نَهارِكَ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا بَقِیَّةَ اللهِ في أَرْضِهِ.

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مِیثاقَ اللهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَکَّدَهُ، اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا وَعْدَ اللهِ الَّذِي

---

۱ ـ صافّات: ۱۳۰.

ضَمِنَهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ، وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْواسِعَةُ وَعْداً غَيْرَ مَكْذُوبٍ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذا يَغْشىٰ، وَالنَّهارِ إِذا تَجَلّىٰ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمامُ الْمَأْمُونُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ بِجَوامِعِ السَّلامِ.

أُشْهِدُكَ يا مَوْلايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لا حَبِيبَ إِلّا هُوَ وَأَهْلُهُ.

وَأُشْهِدُكَ أَنَّ عَلِيّاً أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ، وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسىٰ حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللّٰهِ.

أَنْتُمُ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ؛ وَأَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لا رَيْبَ فِيها، يَوْمَ ﴿لايَنْفَعُ نَفْساً إِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمانِها خَيْراً﴾[1]، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ ناكِراً وَنَكِيراً حَقٌّ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّراطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصادَ حَقٌّ، وَالْمِيزانَ وَالْحَشْرَ حَقٌّ، وَالْحِسابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنّارَ حَقٌّ، وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِما حَقٌّ.

---

۱ ـ انعام: ۱۵۸.

يا مَوْلايَ شَقِيَ مَنْ خالَفَكُمْ، وَسَعِدَ مَنْ أَطاعَكُمْ.

فَاشْهَدْ عَلىٰ ما أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ، وَأَنا وَلِيٌّ لَكَ، بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ؛ فَالْحَقُّ ما رَضِيتُمُوهُ، وَالْباطِلُ ما سَخِطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ ما أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ ما نَهَيْتُمْ عَنْهُ.

فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللهِ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ، وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِكُمْ يا مَوْلايَ[1] أَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ، وَمَوَدَّتِي خالِصَةٌ لَكُمْ، آمِينَ آمِينَ.

و بعد از آن، اين دعا مى‌خوانى:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ، وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ، وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمانِ، وَفِكْرِي نُورَ النِّيّاتِ، وَعَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ، وَلِسانِي نُورَ الصِّدْقِ، وَدِينِي نُورَ الْبَصائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصَرِي نُورَ الضِّياءِ، وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُوالاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ ـ عَلَيْهِمُ السَّلامُ ـ، حَتّىٰ أَلْقاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثاقِكَ فَتُغَشِّيَنِي رَحْمَتَكَ[2]، يا وَلِيُّ يا حَمِيدُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلادِكَ، وَالدّاعِي إِلىٰ سَبِيلِكَ، وَالْقائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالثّائِرِ بِأَمْرِكَ، وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوارِ الْكافِرِينَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ، وَمُنِيرِ الْحَقِّ، وَالنّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ التّامَّةِ فِي أَرْضِكَ، الْمُرْتَقِبِ الْخائِفِ، وَالْوَلِيِّ النّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجاةِ، وَعَلَمِ الْهُدىٰ، وَنُورِ أَبْصارِ الْوَرىٰ، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدىٰ، وَمُجَلِّي الْغَماءِ[3]، الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلاً وَقِسْطاً كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيائِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ، وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً.

---

۱ ـ «مواليّ» خ ل.
۲ ـ «فلتسعني رحمتك» خ ل.
۳ ـ «العمى» خ ل.

اَللّٰهُمَّ ٱنْصُرْهُ وَٱنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَٱنْصُرْ بِهِ أَوْلِياءَكَ وَأَوْلِياءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصارَهُ، وَٱجْعَلْنا مِنْهُمْ.

اَللّٰهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ باغٍ وَطاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَٱحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، وَٱحْرُسْهُ وَٱمْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَٱحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ ٱلْعَدْلَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَٱنْصُرْ ناصِرِيهِ، وَٱخْذُلْ خاذِلِيهِ، وَٱقْصِمْ قاصِمِيهِ، وَٱقْصِمْ بِهِ جَبابِرَةَ ٱلْكُفْرِ، وَٱقْتُلْ بِهِ ٱلْكُفّارَ وَٱلْمُنافِقِينَ، وَجَمِيعَ ٱلْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ كانُوا مِنْ مَشارِقِ ٱلْأَرْضِ وَمَغارِبِها، بَرِّها وَبَحْرِها، وَٱمْلَأْ بِهِ ٱلْأَرْضَ عَدْلاً، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَٱجْعَلْنِي ٱللّٰهُمَّ مِنْ أَنْصارِهِ وَأَعْوانِهِ، وَأَتْباعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ ـ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ ـ ما يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ ما يَحْذَرُونَ، إِلٰهَ ٱلْحَقِّ آمِينَ، يا ذَا ٱلْجَلالِ وَٱلْإِكْرامِ، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ[1].

[زیارت ناحیه دوم]

و به سند معتبر منقول است از احمد بن ابراهیم که گفت: شکایت کردم به محمّد بن عثمان ـ که از نوّاب حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بوده است ـ که بسیار مشتاقم به دیدن مولای خود.

گفت: با اشتیاق، خواهش دیدن آن حضرت هم داری؟

گفتم: بلی. گفت: خدا ثواب دهد تو را بر اشتیاق تو، و روی مبارک آن حضرت را به تو بنماید به‌آسانی و عافیت. پس گفت که: آرزوی دیدن آن حضرت در این ایّام غیبت مکن؛ که باید مشتاق خدمت آن حضرت باشی، و سؤال نکنی اجتماع

---

۱ ـ احتجاج: ۴۹۲/۲، بحارالانوار: ۱۷۱/۵۳ ح۵، وج۲/۹۴ ح۴ وج۸۱/۱۰۲ ح۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۲۵۷ ش۱۴۹۰.

با آن حضرت را، که این از امور حتمی خدا است، و تسلیم و انقیاد مر امر خدا را لازم است؛ ولیکن متوجّه شو به سوی آن حضرت به زیارت کردن بعد از دوازده رکعت نماز، که در هر رکعت سورهٔ «قل هو الله أحد» بخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام بگویی، و صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستی، پس بگو:

﴿سَلامٌ عَلىٰ آلِ ياسِين﴾، ذٰلِكَ هُوَ ٱلْفَضْلُ ٱلْمُبِينُ، وَٱللهُ ذُوْ ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ لِمَنْ يَهْدِيهِ صِراطَهُ ٱلْمُسْتَقِيمَ.

قَدْ آتاكُمُ ٱللهُ يا آلَ ياسِينَ خِلافَتَهُ، وَعَلِمَ مَجارِيَ أَمْرِهِ فِيما قَضاهُ وَدَبَّرَهُ وَرَتَّبَهُ وَأَرادَهُ في مَلَكُوتِهِ، فَكَشَفَ لَكُمُ ٱلْغِطاءَ، وَأَنْتُمْ خَزَنَتُهُ وَشُهَداؤُهُ وَعُلَماؤُهُ وَأُمَناؤُهُ، وَساسَةُ ٱلْعِبادِ، وَأَرْكانُ ٱلْبِلادِ، وَقُضاةُ ٱلْأَحْكامِ، وَأَبْوابُ ٱلْإِيمانِ، وَسُلالَةُ ٱلنَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةُ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَعِتْرَةُ خِيَرَةِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

وَمِنْ تَقْدِيرِهِ مَنائِحَ ٱلْعَطاءِ بِكُمْ إِنْفاذُهُ مَحْتُوماً مَقْرُوناً، فَما شَيْءٌ مِنّا إِلّا وَأَنْتُمْ لَهُ ٱلسَّبَبُ وَإِلَيْهِ ٱلسَّبِيلُ.

خِيارُهُ لِوَلِيِّكُمْ نِعْمَةٌ، وَٱنْتِقامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ سُخْطَةٌ، فَلا نَجاةَ وَلا مَفْزَعَ إِلّا أَنْتُمْ، وَلا مَذْهَبَ عَنْكُمْ، يا أَعْيُنَ ٱللهِ ٱلنّاظِرَةَ، وَحَمَلَةَ مَعْرِفَتِهِ، وَمَساكِنَ تَوْحِيدِهِ في أَرْضِهِ وَسَمائِهِ.

وَأَنْتَ ـ يا مَوْلايَ وَيا حُجَّةَ ٱللهِ وَبَقِيَّتَهُ ـ كَمالُ نِعْمَتِهِ، وَوارِثُ أَنْبِيائِهِ وَخُلَفائِهِ ما بَلَغْناهُ مِنْ دَهْرِنا، وَصاحِبُ ٱلرَّجْعَةِ لِوَعْدِ رَبِّنا، ٱلَّتِي فِيها دَوْلَةُ ٱلْحَقِّ وَفَرَجُنا، وَنَصْرُ ٱللهِ لَنا وَعِزُّنا.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّها ٱلْعَلَمُ ٱلْمَنْصُوبُ، وَٱلْعِلْمُ ٱلْمَصْبُوبُ، وَٱلْغَوْثُ وَٱلرَّحْمَةُ ٱلْواسِعَةُ، وَعْداً غَيْرَ مَكْذُوبٍ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ ٱلْمَرْأىٰ وَٱلْمَسْمَعِ، ٱلَّذِي بِعَيْنِ ٱللهِ مَواثِيقُهُ، وَبِيَدِ ٱللهِ

عُهُودُهُ، وَبِقُدْرَةِ ٱللهِ سُلْطانُهُ.

أَنْتَ ٱلْحَلِيمُ ٱلَّذِي لا تُعَجِّلُهُ ٱلْغَضْبَةُ[۱]، وَٱلْكَرِيمُ ٱلَّذِي لا تُبَخِّلُهُ ٱلْحَفِيظَةُ، وَٱلْعالِمُ ٱلَّذِي لا تُجَهِّلُهُ ٱلْحَمِيَّةُ، مُجاهَدَتُكَ فِي ٱللهِ ذاتُ مَشِيَّةِ ٱللهِ، وَمُقارَعَتُكَ فِي ٱللهِ ذاتُ ٱنْتِقامِ ٱللهِ، وَصَبْرُكَ فِي ٱللهِ ذُو أَناةِ ٱللهِ، وَشُكْرُكَ لِلّهِ ذُو مَزِيدِ ٱللهِ وَرَحْمَتِهِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَحْفُوظاً بِاللهِ[۲]، اَللهُ نَوَّرَ أَمامَهُ وَ وَراءَهُ، وَيَمِينَهُ وَشِمالَهُ، وَفَوْقَهُ وَتَحْتَهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَخْزُوناً[۳] فِي قُدرَةِ ٱللهِ، نُورُ سَمْعُهُ وَبَصَرُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَعْدَ ٱللهِ ٱلَّذِي ضَمِنَهُ، وَيا مِيثاقَ ٱللهِ ٱلَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا داعِيَ ٱللهِ وَدَيّانَ دِينِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خَلِيفَةَ ٱللهِ وَناصِرَ حَقِّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ ٱللهِ وَدَلِيلَ إِرادَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا تالِيَ كِتابِ ٱللهِ وَتُرْجُمانَهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ فِي آناءِ ٱللَّيْلِ وَٱلنَّهارِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بَقِيَّةَ ٱللهِ فِي أَرْضِهِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تُعَوِّذُ وَتُسَبِّحُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمَجِّدُ وَتَمْدَحُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمْسِي وَتُصْبِحُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ فِي ٱللَّيْلِ إِذا يَغْشىٰ، وَفِي ٱلنَّهارِ إِذا تَجَلّىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ فِي ٱلْآخِرَةِ وَٱلْأُولىٰ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا حُجَجَ ٱللهِ، وَدُعاتَنا، وَهُداتَنا، وَرُعاتَنا، وَقادَتَنا وَأَئِمَّتَنا، وَسادَتَنا وَمَوالِيَنا.

---

۱ ـ «العصبيّة» خ ل.
۲ ـ «بالله نورٌ» خ ل.
۳ ـ «محروزاً» خ ل.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ، أَنْتُمْ نُورُنا، وَأَنْتُمْ جاهُنا أَوْقاتَ صَلَواتِنا، وَعِصْمَتُنا بِكُمْ لِدُعائِنا وَصَلاتِنا وَصِيامِنا وَاسْتِغْفارِنا وَسائِرِ أَعْمالِنا.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمامُ الْمَأْمُونُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمامُ الْمَأْمُولُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ بِجَوامِعِ السَّلامِ.

اِشْهَدْ يا مَوْلايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لا حَبِيبَ إِلّا هُوَ وَأَهْلُهُ، وَأَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ الْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسىٰ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَأَنْتَ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ الْأَنْبِياءَ دُعاةُ وَهُداةُ رُشْدِكُمْ؛ أَنْتُمُ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَخاتِمَتُهُ.

وَأَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لا شَكَّ فِيها، وَ ﴿لا يَنْفَعُ نَفْساً إِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمانِها خَيْراً﴾[1].

وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ مُنْكَراً وَنَكِيراً حَقٌّ، وَأَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَالصِّراطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصادَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْمِيزانَ حقٌّ وَالْحِسابَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنّارَ حَقٌّ، وَالْجَزاءَ بِهِما لِلْوَعْدِ وَالْوَعِيدِ حَقٌّ.

وَأَنَّكُمْ لِلشَّفاعَةِ حَقٌّ، لا تُرَدُّونَ وَلا تُسْبَقُونَ بِمَشِيَّةِ اللهِ وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَلِلّٰهِ الرَّحْمَةُ وَالْكَلِمَةُ الْعُلْيا، وَبِيَدِهِ الْحُسْنىٰ، وَحُجَّةُ اللهِ النُّعْمىٰ، خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ لِعِبادَتِهِ، أَرادَ مِنْ عِبادِهِ عِبادَتَهُ؛ فَشَقِيٌّ وَسَعِيدٌ، قَدْ شَقِيَ مَنْ خالَفَكُمْ، وَسَعِدَ مَنْ أَطاعَكُمْ.

---

۱ ـ انعام: ۱۵۸.

وَأَنْتَ يا مَوْلايَ فَاشْهَدْ بِما أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ، تَخْزُنُهُ وَتَحْفَظُهُ لِي عِنْدَكَ، أَمُوتُ عَلَيْهِ، وَأُنْشَرُ عَلَيْهِ وَأَقِفُ بِهِ وَلِيّاً لَكَ، بَرِيئاً مِنْ عَدُوِّكَ، ماقِتاً لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ، وادّاً لِمَنْ أَحْبَبْتُمْ. فَالْحَقُّ ما رَضِيتُمُوهُ، وَالْباطِلُ ما سَخِطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ ما أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ ما نَهَيْتُمْ عَنْهُ، وَالْقَضاءُ الْمُثْبَتُ ما اسْتَأْثَرَتْ بِهِ مَشِيَّتُكُمْ، وَالْمَمْحُوُّ ما لا اسْتَأْثَرَتْ بِهِ سُنَّتُكُمْ.

فَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَمُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، الْحَسَنُ حُجَّتُهُ، الْحُسَيْنُ حُجَّتُهُ، عَلِيٌّ حُجَّتُهُ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ، جَعْفَرٌ حُجَّتُهُ، مُوسىٰ حُجَّتُهُ، عَلِيٌّ حُجَّتُهُ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ، عَلِيٌّ حُجَّتُهُ، الْحَسَنُ حُجَّتُهُ، وَأَنْتَ[1] حُجَّتُهُ، وَأَنْتُمْ[2] حُجَجُهُ وَبَراهِينُهُ.

أَنَا يا مَوْلايَ مُسْتَبْشِرٌ بِالْبَيْعَةِ الَّتِي أَخَذَ اللّٰهُ عَلَيَّ شَرْطَهُ قِتالاً في سَبِيلِهِ، اشْتَرىٰ بِهِ أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ؛ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ، وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِكُمْ يا مَوالِيَّ، أَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ؛ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، وَمَوَدَّتِي خالِصَةٌ لَكُمْ، وَبَراءَتِي مِنْ أَعْدائِكُمْ أَهْلِ الْحَرْدَةِ وَالْجِدالِ ثابِتَةٌ، لِثارِكُمْ أَنا وَلِيٌّ وَحِيدٌ، وَاللّٰهُ إِلٰهُ الْحَقِّ جَعَلَنِي بِذٰلِكَ، آمِينَ آمِينَ.

مَنْ لِي إِلّا أَنْتَ فِيما دِنْتُ وَاعْتَصَمْتُ بِكَ فِيهِ، تَحْرُسُنِي فِيما تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ، يا وِقايَةَ اللّٰهِ وَسِتْرَهُ وَبَرَكَتَهُ، أَغِنْنِي، أَدْنِنِي، أَدْرِكْنِي، صِلْنِي بِكَ وَلا تَقْطَعْنِي.

اَللّٰهُمَّ بِهِمْ إِلَيْكَ تَوَسُّلِي وَتَقَرُّبِي.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصِلْنِي بِهِمْ وَلا تَقْطَعْنِي، بِحُجَّتِكَ اعْصِمْنِي، وَسَلامُكَ عَلىٰ آلِ ياسِينَ.

---

١ ـ «أنت» خ ل. ٢ ـ «أنتم» خ ل.

مَوْلايَ أَنْتَ ٱلْجاهُ عِنْدَ ٱللهِ رَبِّكَ وَرَبِّي، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ ٱلَّذِي خَلَقْتَهُ مِنْ ذٰلِكَ، وَٱسْتَقَرَّ فِيكَ فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلىٰ شَيْءٍ أَبَداً.

يا كَيْنُونُ، يا مُكَوِّنُ، يا مُتَعالِ، يا مُتَقَدِّسُ، يا مُتَرَحِّمُ، يا مُتَرَئِّفُ، يا مُتَحَنِّنُ، أَسْأَلُكَ كَما خَلَقْتَهُ غَضّاً أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ، وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَوالِدِ هُداةِ رَحْمَتِكَ؛ وَٱمْلَأْ قَلْبِي نُورَ ٱلْيَقِينِ، وَصَدْرِي نُورَ ٱلْإِيمانِ، وَفِكْرِي نُورَ ٱلثَّباتِ، وَعَزْمِي نُورَ ٱلتَّوْفِيقِ، وَذَكائِي نُورَ ٱلْعِلْمِ، وَقُوَّتِي نُورَ ٱلْعَمَلِ، وَلِسانِي نُورَ ٱلصِّدْقِ، وَدِينِي نُورَ ٱلْبَصائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصَرِي نُورَ ٱلضِّياءِ، وَسَمْعِي نُورَ وَعْيِ ٱلْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي نُورَ ٱلْمُوالاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ، وَنَفْسِي نُورَ قُوَّةِ ٱلْبَراءَةِ مِنْ أَعْداءِ مُحَمَّدٍ وَأَعْداءِ آلِ مُحَمَّدٍ، حَتّىٰ أَلْقاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثاقِكَ، فَلْتَسَعْنِي رَحْمَتُكَ يا وَلِيُّ يا حَمِيدُ، بِمَرْأىٰ آلِ مُحَمَّدٍ وَمَسْمَعِكَ يا حُجَّةَ ٱللهِ دُعائِي، فَوَفِّنِي مُنْجَزاتِ إِجابَتِي، أَعْتَصِمُ بِكَ، مَعَكَ مَعَكَ مَعَكَ سَمْعِي وَرِضايَ يا كَرِيمُ[1].

و سید *ابن طاووس* ـ علیه الرّحمه ـ فرموده است که: این زیارت معروف است به ندبه، و از ناحیه مقدّسه به سوی حِمیَری بیرون آمده است، و امر فرموده است که در سرداب مقدّس بخوانند[2].

و زیارت دیگر ذکر کرده است، که بعد ازاین در عرض حوائج و توسّل به ائمه علیهم السلام خواهد آمد[3].

[دعای ندبه]

و سیّد و شیخ *محمّد بن المشهدی* ـ رحمة الله علیهما ـ نقل کرده‌اند از محمّد بن

---

۱ ـ مزار کبیر: ۵۸۵ وص ۵۶۶ ـ ۵۷۳، مصباح‌الزائر: ۴۳۰ ـ ۴۳۴، بحارالانوار: ۵۳/ ۱۷۴ ح ۶ وج ۱۰۲/ ۹۲ ـ ۹۷، وج ۹۴/ ۳۶ ح ۲۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۲۶۳ ش ۱۴۹۱.

۲ ـ مصباح الزائر: ۴۳.

۳ ـ نگاه کن: ص ۶۴۱.

علی بن قرّه، که او نقل کرده است از کتاب محمّد بن الحسین بن سفیان البزوفری که دعای ندبه از برای صاحب الزّمان ـ صلوات الله علیه ـ مستحب است که در عیدهای چهارگونه بخوانند، و آن دعا این است:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ ما جَرىٰ بِهِ قَضاؤُكَ فِي أَوْلِيائِكَ، الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ، إِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ ما عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لا زَوالَ لَهُ وَلَا اضْمِحْلالَ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجاتِ هٰذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ وَزُخْرُفِها وَزِبْرِجِها، فَشَرَطُوا لَكَ ذٰلِكَ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمُ الْوَفاءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ، وَالثَّناءَ الْجَلِيَّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلائِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرائِعَ[1] إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلىٰ رِضْوانِكَ.

فَبَعْضٌ أَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ إِلىٰ أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْها.

وَبَعْضٌ[2] حَمَلْتَهُ فِي فُلْكِكَ، وَنَجَّيْتَهُ وَ[3]مَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ.

وَبَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلاً، وَسَأَلَكَ لِسانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ، فَأَجَبْتَهُ وَجَعَلْتَ ذٰلِكَ عَلِيّاً.

وَبَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيماً، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِدْءاً وَوَزِيراً.

وَبَعْضٌ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبٍ، وَآتَيْتَهُ الْبَيِّناتِ، وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ.

وَكُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهاجاً[4]، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِياءَهُ[5] مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلىٰ مُدَّةٍ، إِقامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلىٰ عِبادِكَ، وَلِئَلّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبَ الْباطِلُ عَلىٰ أَهْلِهِ، وَلِئَلّا يَقُولَ[6] أَحَدٌ: لَوْلا أَرْسَلْتَ إِلَيْنا

---

۱ ـ «الذريعة» خ ل.
۲ ـ «وبعضهم» خ ل.
۳ ـ «مع» خ ل.
۴ ـ «منهاجه» خ ل.
۵ ـ «أوصياء» خ ل.
۶ ـ «ويقول» خ ل.

رَسُولاً مُنْذِراً، وَأَقَمْتَ لَنا عَلَماً هادِياً، فَنَتَّبِعَ آياتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزىٰ.

إِلىٰ أَنِ انْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلىٰ حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ ـ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ؛ فَكانَ[1] كَما انْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ، وَصِفْوَةَ مَنِ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مَنِ اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ.

قَدَّمْتَهُ عَلىٰ أَنْبِيائِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشارِقَكَ وَمَغارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُراقَ، وَعَرَجْتَ بِرُوحِهِ إِلىٰ سَمائِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ ما كانَ وَما يَكُونُ إِلَى انْقِضاءِ خَلْقِكَ.

ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَئِيلَ وَمِيكائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلائِكَتِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَذٰلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مُبَوَّأَ صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَهُدىً لِلْعالَمِينَ * فِيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً﴾[2].

وَقُلْتَ: ﴿إِنَّما يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾[3].

ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ ـ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ مَوَدَّتَهُمْ في كِتابِكَ فَقُلْتَ: ﴿قُلْ لا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ في الْقُرْبىٰ﴾[4].

وَقُلْتَ: ﴿ما سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ﴾[5].

وَقُلْتَ: ﴿ما أَسْأَلُكُم عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلّا مَنْ شاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلىٰ رَبِّهِ سَبِيلاً﴾[6].

فَكانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلىٰ رِضْوانِكَ.

فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيّامُهُ أَقامَ وَلِيَّهُ عَلِيَّ بْنَ[7] أَبِي طالِبٍ ـ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِما وَعَلىٰ

---

۱ ـ «وكان» خ ل.
۲ ـ آل عمران: ۹۶ و ۹۷.
۳ ـ احزاب: ۳۳.
۴ ـ شوری: ۲۳.
۵ ـ سبأ: ۴۷.
۶ ـ فرقان: ۵۷.
۷ ـ «قام وليُّه عليُّ بنُ» خ ل.

آلِهما ـ هادِياً؛ إذْ كانَ هُوَ ٱلْمُنْذِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ، فَقالَ ـ وَٱلْمَلَأُ أَمامَهُ ـ:

مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلاهُ، اَللّٰهُمَّ والِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَٱنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَٱخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.

وَقالَ: مَنْ كُنْتُ نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيْرُهُ.

وَقالَ: أَنا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ واحِدَةٍ، وَسائِرُ ٱلنّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتّىٰ.

وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هارُونَ مِنْ مُوسىٰ فَقالَ لَهُ: أَنْتَ[1] مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسىٰ، إلّا أَنَّهُ لا نَبِيَّ بَعْدِي.

وَزَوَّجَهُ ٱبْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِساءِ ٱلْعالَمِينَ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ ما حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ ٱلْأَبْوابَ إلّا بابَهُ.

ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ فَقالَ: أَنا مَدِينَةُ ٱلْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بابُها، فَمَنْ أَرادَ ٱلْمَدِينَةَ وَٱلْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِها مِنْ بابِها.

ثُمَّ قالَ لَهُ: أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوارِثِي، لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي، وَدَمُكَ مِنْ دَمِي، وَسِلْمُكَ سِلْمِي، وَحَرْبُكَ حَرْبِي، وَٱلْإيمانُ مُخالِطٌ لَحْمَكَ وَدَمَكَ، كَما خالَطَ لَحْمِي وَدَمِي، وَأَنْتَ غَداً عَلَى ٱلْحَوْضِ خَلِيفَتِي، وَأَنْتَ تَقْضِي دَيْنِي وَتُنْجِزُ عِداتِي، وَشِيعَتُكَ عَلىٰ مَنابِرَ مِنْ نُورٍ مُبْيَضَّةً وُجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي ٱلْجَنَّةِ، وَهُمْ جِيرانِي؛ وَلَوْلا أَنْتَ يا عَلِيُّ لَمْ يُعْرَفِ ٱلْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي.

وَكانَ بَعْدَهُ هُدىً مِنَ ٱلضَّلالِ[2]، وَنُوراً مِنَ ٱلْعَمىٰ، وَحَبْلَ ٱللهِ ٱلْمَتِينَ، وَصِراطَهُ ٱلْمُسْتَقِيمَ؛ لا يُسْبَقُ بِقَرابَةٍ فِي رَحِمٍ، وَلا بِسابِقَةٍ فِي دِينٍ، وَلا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ[3].

يَحْذُو حَذْوَ ٱلرَّسُولِ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِما وَآلِهِما ـ وَيُقاتِلُ عَلَى ٱلتَّأْوِيلِ،

---

١ ـ «فقال أنت» خ ل.

٢ ـ «الضلالة» خ ل.

٣ ـ «في منقبة من مناقبه» خ ل.

وَلا تَأْخُذُهُ في اللهِ لَوْمَةُ لائِمٍ.

قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنادِيدَ الْعَرَبِ، وَقَتَلَ أَبْطالَهُمْ، وَناهَشَ[1] ذُؤْبانَهُمْ، وَأَوْدَعَ[2] قُلُوبَهُمْ أَحْقاداً بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ، فَأَضَبَّتْ[3] عَلىٰ عَداوَتِهِ، وَأَكَبَّتْ عَلىٰ مُنابَذَتِهِ، حَتّىٰ قَتَلَ النّاكِثِينَ وَالْقاسِطِينَ وَالْمارِقِينَ.

وَلَمّا قَضىٰ نَحْبَهُ، وَقَتَلَهُ أَشْقَى الْآخِرِينَ يَتْبَعُ أَشْقَى الْأَوَّلِينَ، لَمْ يُمْتَثَلْ أَمْرُ رَسُولِ اللهِ ـ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ فِي الْهادِينَ بَعْدَ الْهادِي[4]، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلىٰ مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلىٰ قَطِيعَةِ رَحِمِهِ وَإِقْصاءِ وُلْدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفىٰ لِرِعايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ؛ فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَأُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ، وَجَرَى الْقَضاءُ لَهُمْ بِما يُرْجىٰ لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، وَكانَتِ[5] الْأَرْضُ لِلّٰهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ، وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَ﴿سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً﴾[6] ﴿وَلَنْ يُخْلِفَ اللهُ وَعْدَهُ﴾[7] ﴿وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾[8].

فَعَلَى الْأَطائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ ـ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِما وَآلِهِما ـ فَلْيَبْكِ الْباكُونَ، وَإِيّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتَدِرَّ[9] الدُّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ الصّارِخُونَ، وَيَضِجَّ الضّاجُّونَ وَيَعِجَّ الْعاجُّونَ.

أَيْنَ الْحَسَنُ، أَيْنَ الْحُسَيْنُ، أَيْنَ أَبْناءُ الْحُسَيْنِ، صالِحٌ بَعْدَ صالِحٍ، وَصادِقٌ بَعْدَ صادِقٍ.

أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ الْخِيَرَةُ بَعْدَ الْخِيَرَةِ.

أَيْنَ الشُّمُوسُ الطّالِعَةُ، أَيْنَ الْأَقْمارُ الْمُنِيرَةُ، أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزّاهِرَةُ.

---

۱ ـ «وناوَشَ» خ ل.
۲ ـ فَأَوْدَعَ» خ ل.
۳ ـ «فأصنّت» خ ل.
۴ ـ «الهادين» خ ل.
۵ ـ «إذ كانت» خ ل.
۶ ـ اسراء: ۱۰۸.
۷ ـ حج: ۴۷.
۸ ـ لقمان: ۹، وسوره...
۹ ـ «فلتذرف» خ ل.

أَيْنَ أَعْلامُ ٱلدِّينِ، وَقَواعِدُ ٱلْعِلْمِ.

أَيْنَ بَقِيَّةُ ٱللهِ ٱلَّتِي لا تَخْلُو مِنَ ٱلْعِتْرَةِ ٱلْهادِيَةِ، أَيْنَ ٱلْمُعَدُّ لِقَطْعِ دابِرِ ٱلظَّلَمَةِ.

أَيْنَ ٱلْمُنْتَظَرُ لِإِقامَةِ ٱلْأَمْتِ وَٱلْعِوَجِ، أَيْنَ ٱلْمُرْتَجىٰ لِإِزالَةِ ٱلْجَوْرِ وَٱلْعُدْوانِ، أَيْنَ ٱلْمُدَّخَرُ لِتَجْدِيدِ ٱلْفَرائِضِ وَٱلسُّنَنِ، أَيْنَ ٱلْمُتَخَيَّرُ[۱] لِإِعادَةِ ٱلْمِلَّةِ وَٱلشَّرِيعَةِ.

أَيْنَ ٱلْمُؤَمَّلُ لِإِحْياءِ ٱلْكِتابِ وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُحْيِي مَعالِمِ ٱلدِّينِ وَأَهْلِهِ.

أَيْنَ قاصِمُ شَوْكَةِ ٱلْمُعْتَدِينَ، أَيْنَ هادِمُ أَبْنِيَةِ ٱلشِّرْكِ وَٱلنِّفاقِ، أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ ٱلْفُسُوقِ وَٱلْعِصْيانِ وَٱلطُّغْيانِ، أَيْنَ حاصِدُ فُرُوعِ ٱلْغَيِّ وَٱلشِّقاقِ.

أَيْنَ طامِسُ آثارِ ٱلزَّيْغِ وَٱلْأَهْواءِ، أَيْنَ قاطِعُ حَبائِلِ ٱلْكِذْبِ وَٱلِافْتِراءِ.

أَيْنَ مُبِيدُ ٱلْعُتاةِ وَٱلْمَرَدَةِ، أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ ٱلْعِنادِ وَٱلتَّضْلِيلِ وَٱلْإِلْحادِ، أَيْنَ مُعِزُّ ٱلْأَوْلِياءِ وَمُذِلُّ ٱلْأَعْداءِ.

أَيْنَ جامِعُ ٱلْكَلِمِ عَلَى ٱلتَّقْوىٰ، أَيْنَ بابُ ٱللهِ ٱلَّذِي مِنْهُ يُؤْتىٰ.

أَيْنَ وَجْهُ ٱللهِ ٱلَّذِي يَتَوَجَّهُ[۲] إِلَيْهِ ٱلْأَوْلِياءُ، أَيْنَ ٱلسَّبَبُ ٱلْمُتَّصِلُ بَيْنَ ٱلْأَرْضِ[۳] وَٱلسَّماءِ.

أَيْنَ صاحِبُ يَوْمِ ٱلْفَتْحِ وَناشِرُ رايَةِ ٱلْهُدىٰ، أَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ ٱلصَّلاحِ وَٱلرِّضا.

أَيْنَ ٱلطّالِبُ بِذُحُولِ ٱلْأَنْبِياءِ وَأَبْناءِ ٱلْأَنْبِياءِ، أَيْنَ ٱلْمُطالِبُ[۴] بِدَمِ ٱلْمَقْتُولِ بِكَرْبَلاءَ.

أَيْنَ ٱلْمَنْصُورُ عَلىٰ مَنِ ٱعْتَدىٰ عَلَيْهِ وَٱفْتَرىٰ، أَيْنَ ٱلْمُضْطَرُّ ٱلَّذِي يُجابُ إِذا دَعا، أَيْنَ صَدْرُ ٱلْخَلائِفِ[۵] ذُو ٱلْبِرِّ وَٱلتَّقْوىٰ.

أَيْنَ ٱبْنُ ٱلنَّبِيِّ ٱلْمُصْطَفىٰ، وَٱبْنُ عَلِيٍّ ٱلْمُرْتَضىٰ، وَٱبْنُ خَدِيجَةَ ٱلْغَرّاءِ،

---

۱ ـ «الْمُتَّخَذ» خ ل.
۲ ـ «به يتوجّه» خ ل.
۳ ـ «بين أهل الأرض» خ ل.
۴ ـ «الطّالب» خ ل.
۵ ـ «الخلائق» خ ل.

وَابْنُ فاطِمَةَ الْكُبْرىٰ.

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، وَنَفْسِي لَكَ الْوِقاءُ وَالْحِمىٰ، يَا ابْنَ السّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا ابْنَ النُّجَباءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا ابْنَ الْهُداةِ الْمَهْدِيِّينَ، يَا ابْنَ الْخِيَرَةِ الْمُهَذَّبِينَ، يَا ابْنَ الْغَطارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا ابْنَ الْأَطائِبِ الْمُسْتَظْهِرِينَ[1]، يَا ابْنَ الْخَضارِمَةِ الْمُنْتَجَبِينَ، يَا ابْنَ الْقَماقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ[2].

يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ، يَا ابْنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، يَا ابْنَ الشُّهُبِ الثّاقِبَةِ، يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الزّاهِرَةِ، يَا ابْنَ السُّبُلِ الْواضِحَةِ، يَا ابْنَ الْأَعْلامِ اللّائِحَةِ، يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكامِلَةِ، يَا ابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا ابْنَ الْمَعالِمِ الْمَأْثُورَةِ، يَا ابْنَ الْمُعْجِزاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَا ابْنَ الدَّلائِلِ الْمَشْهُودَةِ.

يَا ابْنَ الصِّراطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا ابْنَ النَّبَإِ الْعَظِيمِ، يَا ابْنَ مَنْ هُوَ في أُمِّ الْكِتابِ لَدَى اللهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ.

يَا ابْنَ الْآياتِ وَالْبَيِّناتِ، يَا ابْنَ الدَّلائِلِ الظّاهِراتِ، يَا ابْنَ الْبَراهِينِ الْباهِراتِ[3]، يَا ابْنَ الْحُجَجِ الْبالِغاتِ، يَا ابْنَ النِّعَمِ السّابِغاتِ، يَا ابْنَ طٰهٰ وَالْمُحْكَماتِ، يَا ابْنَ يٰس وَالذّارِياتِ، يَا ابْنَ الطُّورِ وَالْعادِياتِ.

يَا ابْنَ مَنْ ﴿دَنا فَتَدَلّىٰ * فَكانَ قابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنىٰ﴾[4]، دُنُوّاً وَاقْتِراباً مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلىٰ.

لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوىٰ، بَلْ أَيُّ أَرْضٍ تُقِلُّكَ أَوْ ثَرىٰ، أَبِرَضْوىٰ أَوْ غَيْرِها أَمْ ذِي طُوىٰ.

---

۱ ـ «المُطهَّرين» خ ل.

۲ ـ «الأكبرين» خ ل، «يا ابن الغطارفة الأنجبين يا ابن الخضارمة المنتجبين، يا ابن القماقمة الأكرمين، يا ابن الأطائب المعظّمين المطهّرين» خ ل.

۳ ـ «الواضحات الباهرات» خ ل.

۴ ـ نجم: ۸ و ۹.

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى ٱلْخَلْقَ وَلا تُرىٰ، وَلا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيساً وَلا نَجْوىٰ.

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِيَ ٱلْبَلْوىٰ، وَلا يَنالُكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَلا شَكْوىٰ.

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نازِحٍ ما نَزَحَ عَنّا، بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةُ شائِقٍ يَتَمَنّىٰ، مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرا فَحَنّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدِ عِزٍّ لا يُسامىٰ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلِ مَجْدٍ لا يُجارىٰ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلادِ نِعَمٍ لا يُضاهىٰ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفِ شَرَفٍ لا يُساوىٰ.

إِلىٰ مَتىٰ أَحارُ[1] فِيكَ يا مَوْلايَ، وَإِلىٰ مَتىٰ وَأَيَّ خِطابٍ أَصِفُ فِيكَ وَأَيَّ نَجْوىٰ.

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أُجابَ دُونَكَ وَأُناغىٰ، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيَكَ وَيَخْذُلَكَ ٱلْوَرىٰ، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ ما جَرىٰ.

هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ ٱلْعَوِيلَ وَٱلْبُكاءَ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأُساعِدَ جَزَعَهُ إِذا خَلا، هَلْ قَذِيَتْ عَيْنٌ فَساعَدَتْها[2] عَيْنِي عَلَى ٱلْقَذىٰ، هَلْ إِلَيْكَ يَا ٱبْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقىٰ، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمُنا مِنْكَ بِغَدِهِ فَنَحْظىٰ.

مَتىٰ نَرِدُ مَناهِلَكَ ٱلرَّوِيَّةَ فَنَرْوىٰ، مَتىٰ نَنْتَفِعُ[3] مِنْ عَذْبِ مائِكَ فَقَدْ طالَ ٱلصَّدىٰ، مَتىٰ نُغادِيكَ وَنُراوِحُكَ فَنَقَرَّ مِنْها عَيْناً، مَتىٰ تَرانا[4] نَراكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِواءَ ٱلنَّصْرِ تُرىٰ، أَتَرانا[5] نَحُفُّ بِكَ وَأَنْتَ تَؤُمُّ ٱلْمَلأَ وَقَدْ مَلأْتَ ٱلأَرْضَ عَدْلاً، وَأَذَقْتَ أَعْداءَكَ هَواناً وَعِقاباً، وَأَبَرْتَ ٱلْعُتاةَ وَجَحَدَةَ ٱلْحَقِّ، وَقَطَعْتَ دابِرَ ٱلْمُتَكَبِّرِينَ، وَٱجْتَثَثْتَ أُصُولَ ٱلظّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ: ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ كَشّافُ ٱلْكُرَبِ وَٱلْبَلْوىٰ، وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ ٱلْعَدْوىٰ، وَأَنْتَ

---

۱ ـ «أجار» خ ل.
۲ ـ «فتسعدها» خ ل.
۳ ـ «نُنقع» خ ل.
۴ ـ «نَرَانا» خ ل.
۵ ـ «نَرَانا» خ ل.

رَبُّ ٱلآخِرَةِ وَٱلأُولىٰ، فَأَغِثْ يا غِياثَ ٱلْمُسْتَغِيثِينَ عُبَيْدَكَ ٱلْمُبْتَلىٰ، وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يا شَدِيدَ ٱلْقُوىٰ، وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ ٱلْأَسىٰ وَٱلْجَوىٰ، وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يا مَنْ عَلَى ٱلْعَرْشِ ٱسْتَوىٰ، وَمَنْ إِلَيْهِ ٱلرُّجْعىٰ وَٱلْمُنْتَهىٰ.

اَللّٰهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ ٱلتّائِقُونَ إِلىٰ وَلِيِّكَ، ٱلْمُذَكِّرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنا عِصْمَةً وَمَلاذاً، وَأَقَمْتَهُ لَنا قِواماً وَمَعاذاً، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنّا إِماماً، فَبَلِّغْهُ عَنّا[1] تَحِيَّةً وَسَلاماً، وَزِدْنا بِذٰلِكَ يا رَبِّ إِكْراماً، وَٱجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنا مُسْتَقَرّاً وَمُقاماً، وَأَتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيّاهُ أَمامَنا، حَتّىٰ تُورِدَنا جِنانَكَ، وَمُرافَقَةَ ٱلشُّهَداءِ مِنْ خُلَصائِكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ ٱلسَّيِّدِ ٱلْأَكْبَرِ، وَصَلِّ عَلىٰ أَبِيهِ ٱلسَّيِّدِ ٱلْقَسْوَرِ، وَحامِلِ ٱللِّواءِ فِي ٱلْمَحْشَرِ، وَساقِي أَوْلِيائِهِ مِنْ نَهْرِ ٱلْكَوْثَرِ، وَٱلْأَمِيرِ عَلىٰ سائِرِ ٱلْبَشَرِ، ٱلَّذِي مَنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ شَكَرَ، وَمَنْ أَبىٰ فَقَدْ خَطَرَ وَكَفَرَ، صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَعَلىٰ أَخِيهِ وَعَلىٰ نَجْلِهِمَا ٱلْمَيامِينِ ٱلْغُرَرِ، ما طَلَعَتْ شَمْسٌ وَما أَضاءَ قَمَرٌ، وَعَلىٰ جَدَّتِهِ ٱلصِّدِّيقَةِ ٱلْكُبْرىٰ فاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ، وَعَلىٰ مَنِ ٱصْطَفَيْتَ مِنْ آبائِهِ ٱلْبَرَرَةِ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَتَمَّ وَأَدْوَمَ وَأَكْبَرَ وَأَوْفَرَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيائِكَ، وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلاةً لا غايَةَ لِعَدَدِها وَلا نِهايَةَ لِمَدَدِها، وَلا نَفادَ لِأَمَدِها.

اَللّٰهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ ٱلْحَقَّ، وَأَدْحِضْ بِهِ ٱلْباطِلَ، وَأَدِلْ[2] بِهِ أَوْلِياءَكَ، وَأَذْلِلْ بِهِ أَعْداءَكَ، وَصِلِ ٱللّٰهُمَّ بَيْنَنا وَبَيْنَهُ وُصْلَةً تُؤَدِّي إِلىٰ مُرافَقَةِ سَلَفِهِ، وَٱجْعَلْنا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ، وَيَمْكُثُ[3] فِي ظِلِّهِمْ، وَأَعِنّا عَلىٰ تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَٱلِاجْتِهادِ فِي طاعَتِهِ، وَٱلِاجْتِنابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ، وَٱمْنُنْ عَلَيْنا بِرِضاهُ، وَهَبْ لَنا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعاءَهُ

---

۱ ـ «منّا» خ ل.
۲ ـ «وأعزّ» خ ل.
۳ ـ «ويمكن» خ ل.

وَخَيْرَهُ، ما نَنالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزاً عِنْدَكَ.

وَاجْعَلْ صَلاتَنا بِهِ مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنا بِهِ مَغْفُورَةً، وَدُعاءَنا بِهِ مُسْتَجاباً.

وَاجْعَلْ أَرْزاقَنا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهُمُومَنا بِهِ مَكْفِيَّةً، وَحَوائِجَنا بِهِ مَقْضِيَّةً.

وَأَقْبِلْ إِلَيْنا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنا إِلَيْكَ، وَانْظُرْ إِلَيْنا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لا تَصْرِفْها عَنّا بِجُودِكَ، وَاسْقِنا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رَيّاً رَوِيّاً هَنِيئاً سائِغاً لا ظَمَأَ[1] بَعْدَهُ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس نماز زيارت بكن، و هر دعاكه خواهى بكن كه مستجاب است إن‌شاءالله تعالى[2].

و شيخ محمّد بن المشهدى نماز را ذكر نكرده است.

[زيارت صاحب الامر بعد از نماز صبح]

و ايضاً سيّد - عليه الرّحمه - ذكر كرده است كه: مستحب است كه هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر را چنين زيارت كند:

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلايَ صاحِبَ الزَّمانِ - صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ - عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ، في مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها، وَبَرِّها وَبَحْرِها، وَسَهْلِها وَجَبَلِها، حَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَعَنْ والِدَيَّ وَوَلَدِي وَعَنِّي، مِنَ الصَّلَواتِ وَالتَّحِيّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللهِ، وَمِدادَ كَلِماتِهِ، وَمُنْتَهىٰ رِضاهُ، وَعَدَدَ ما أَحْصاهُ كِتابُهُ، وَأَحاطَ بِهِ عِلْمُهُ.

اَللّٰهُمَّ أُجَدِّدُ لَهُ في هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ، عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَهُ في رَقَبَتِي[3].

اَللّٰهُمَّ كَما شَرَّفْتَنِي بِهٰذَا التَّشْرِيفِ وَفَضَّلْتَنِي بِهٰذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَصْتَنِي بِهٰذِهِ النِّعْمَةِ، فَصَلِّ عَلىٰ مَوْلايَ وَسَيِّدِي صاحِبِ الزَّمانِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصارِهِ وَأَشْياعِهِ

---

۱ - «لا نظمأُ» خ ل.

۲ - مزار كبير: ۵۷۳ - ۵۸۴، مصباح الزائر: ۴۴۶ - ۴۵۳، اقبال الاعمال: ۱/ ۵۰۴ - ۵۵۳، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۱۰۴ - ۱۱۰، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۴/ ۳۶۶ ش ۱۵۴۶.

۳ - «بيعة في رقبتي» خ ل.

وَٱلذّابّينَ عَنْهُ، وَٱجْعَلْني مِنَ ٱلْمُسْتَشْهَدينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طائِعاً غَيْرَ مُكْرَهٍ، في ٱلصَّفِّ ٱلَّذي نَعَتَّ أَهْلَهُ في كِتابِكَ فَقُلْتَ: ﴿صَفّاً كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ﴾[1]، عَلىٰ طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ.

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ في عُنُقي إِلىٰ يَوْمِ ٱلْقِيامَةِ[2].

[دعای عهد]

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هرکه چهل صباح این عهد را بخواند، از یاوران قائم ما باشد؛ و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد. و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید، و هزار گناه از او محو کند.

و آن عهد این است:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ ٱلنُّورِ ٱلْعَظيمِ، وَرَبَّ ٱلْكُرْسِيِّ ٱلرَّفيعِ، وَرَبَّ ٱلْبَحْرِ ٱلْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلَ ٱلتَّوْراةِ وَٱلْإِنْجيلِ وَٱلزَّبُورِ، وَرَبَّ ٱلظِّلِّ وَٱلْحَرُورِ، وَمُنْزِلَ ٱلْقُرْآنِ ٱلْعَظيمِ، وَرَبَّ ٱلْمَلائِكَةِ ٱلْمُقَرَّبينَ، وَٱلْأَنْبِياءِ وَٱلْمُرْسَلينَ.

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ ٱلْكَريمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ ٱلْمُنيرِ، وَمُلْكِكَ ٱلْقَديمِ، يا حَيُّ يا قَيُّومُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ ٱلَّذي أَشْرَقَتْ بِهِ ٱلسَّماواتُ وَٱلْأَرَضُونَ، وَبِاسْمِكَ ٱلَّذي يَصْلُحُ بِهِ ٱلْأَوَّلُونَ وَٱلْآخِرُونَ، يا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيا حَيُّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ حينَ لا حَيَّ، يا مُحْيِيَ ٱلْمَوْتىٰ وَمُميتَ ٱلْأَحْياءِ، وَيا حَيُّ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ.

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلانَا ٱلْإِمامَ ٱلْهادِيَ ٱلْمَهْدِيَّ، ٱلْقائِمَ بِأَمْرِكَ ـ صَلَواتُ ٱللهِ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آبائِهِ ٱلطّاهِرينَ ـ عَنْ جَميعِ ٱلْمُؤْمِنينَ وَٱلْمُؤْمِناتِ، في مَشارِقِ ٱلْأَرْضِ

---

۱ ـ صفّ: ۴.

۲ ـ مصباح الزائر: ۴۵۴، بحارالانوار: ۱۱۰/۱۰۲، موسوعة زيارات المعصومين علیهم السلام: ۲۹۹/۴ ش ۱۵۰۰.

وَمَغارِبِها، سَهْلِها وَجَبَلِها، وَبَرِّها[١] وَبَحْرِها، وَعَنِّي وَعَنْ والِدَيَّ، مِنَ ٱلصَّلَواتِ زِنَةَ عَرْشِ ٱللهِ وَمَدادَ[٢] كَلِماتِهِ، وَما أَحْصاهُ عِلْمُهُ وَأَحاطَ بِهِ كِتابُهُ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ في صَبِيحَةِ يَوْمِي هٰذا وَما عِشْتُ مِنْ أَيّامِي، عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَهُ في عُنُقِي، لا أَحُولُ عَنْها وَلا أَزُولُ أَبَداً.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنِي مِنْ أَنْصارِهِ وَأَعْوانِهِ، وَٱلذّابِّينَ عَنْهُ، وَٱلْمُسارِعِينَ إِلَيْهِ في قَضاءِ حَوائِجِهِ، وَٱلْمُحامِينَ عَنْهُ[٣]، وَٱلسّابِقِينَ إِلىٰ إِرادَتِهِ، وَٱلْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

اَللّٰهُمَّ إِنْ حالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ ٱلْمَوْتُ ٱلَّذِي جَعَلْتَهُ عَلىٰ عِبادِكَ حَتْماً، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِراً كَفَنِي، شاهِراً سَيْفِي، مُجَرِّداً قَناتِي، مُلَبِّياً دَعْوَةَ ٱلدّاعِي، في ٱلْحاضِرِ وَٱلْبادِي.

اَللّٰهُمَّ أَرِنِي ٱلطَّلْعَةَ ٱلرَّشِيدَةَ، وَٱلْغُرَّةَ ٱلْحَمِيدَةَ، وَٱكْحُلْ ناظِرِي بِنَظْرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مَنْهَجَهُ، وَٱسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ، وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَٱشْدُدْ أَزْرَهُ.

وَٱعْمُرِ ٱللّٰهُمَّ بِهِ بِلادَكَ، وَأَحْيِ بِهِ عِبادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ ـ وَقَوْلُكَ ٱلْحَقُّ ـ : ﴿ظَهَرَ ٱلْفَسادُ في ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ بِما كَسَبَتْ أَيْدِي ٱلنّاسِ﴾[٤].

فَأَظْهِرِ ٱللّٰهُمَّ لَنا وَلِيَّكَ، وَٱبْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، ٱلْمُسَمّىٰ بِاسْمِ رَسُولِكَ، حَتّىٰ لا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ ٱلْباطِلِ إِلّا مَزَّقَهُ[٥]، وَيُحِقَّ ٱلْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ.

وَٱجْعَلْهُ ٱللّٰهُمَّ مَفْزَعاً لِمَظْلُومِ عِبادِكَ، وَناصِراً لِمَنْ لا يَجِدُ لَهُ ناصِراً غَيْرَكَ، وَمُجَدِّداً لِما عُطِّلَ مِنْ أَحْكامِ كِتابِكَ، وَمُشَيِّداً لِما وَرَدَ مِنْ أَعْلامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ ، وَٱجْعَلْهُ ٱللّٰهُمَّ مِمَّنْ[٦] حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ ٱلْمُعْتَدِينَ.

---

١ ـ «بَرّها» خ ل.
٢ ـ «عَدَد» خ ل.
٣ ـ «وَالمُتَمَثِّلين لِأَوامِره والمُحامين عنه» خ ل.
٤ ـ روم: ٤١.
٥ ـ «أدحضه» خ ل.
٦ ـ «واجعله ممّن» خ ل.

اَللّٰهُمَّ وَسُرَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً ـ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ بِرُؤْيَتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلىٰ دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِكانَتَنا بَعْدَهُ.

اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ هٰذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هٰذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً، وَنَراهُ قَرِيباً، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی، و در هر مرتبه می‌گویی:

اَلْعَجَلَ، يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ[1].

[دعا برای صاحب الأمر عليه السلام]

و به سند معتبر منقول است از یونس بن عبد الرّحمن که حضرت امام رضا عليه السلام امر می‌فرمود که از برای صاحب الامر عليه السلام این دعا بخوانند:

اَللّٰهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَلِسانِكَ الْمُعَبِّرِ عَنْكَ، وَالنّاطِقِ[2] بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النّاظِرَةِ بِإِذْنِكَ، وَشاهِدِكَ عَلىٰ عِبادِكَ، الْجَحْجاحِ الْمُجاهِدِ، وَالْعائِذِ بِكَ، الْعابِدِ عِنْدَكَ.

وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ ما خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ.

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ، وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ، وَعَنْ شِمالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ.

وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ، وَآباءَهُ السّادَةَ أَئِمَّتَكَ، وَدَعائِمَ دِينِكَ.

وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لا تَضِيعُ، وَفِي جِوارِكَ الَّذِي لا يُخْفَرُ، وَفِي مَنْعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لا يُقْهَرُ، وَآمِنْهُ بِأَمانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لا يُخْذَلُ مَنْ آمَنْتَهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لا يُرامُ مَنْ كانَ فِيهِ.

---

۱ ـ مصباح الزائر: ۴۵۵، مزار کبیر: ۶۶۳، مصباح کفعمی: ۵۵۰، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۱۱۱، موسوعة زیارات المعصومین عليهم السلام: ۴/ ۳۲۱ ش ۱۵۱۹.

۲ ـ «النّاطق» خ ل.

وَانْصُرْهُ بِنَصْرِكَ ٱلْعَزِيزِ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ ٱلْغالِبِ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ، وَأَرْدِفْهُ بِمَلائِكَتِكَ، وَوالِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ ٱلْحَصِينَةَ، وَحُفَّهُ بِالْمَلائِكَةِ حَفّاً.

اَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهِ ٱلصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ ٱلْفَتْقَ، وَأَمِتْ بِهِ ٱلْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِهِ ٱلْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقائِهِ ٱلْأَرْضَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْهُ بِالرُّعْبِ. وَقَوِّ ناصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خاذِلِيهِ. وَدَمْدِمْ عَلىٰ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمِّرْ عَلىٰ مَنْ[١] غَشَّهُ، وَاقْتُلْ بِهِ جَبابِرَةَ ٱلْكُفْرِ، وَعُمُدَهُ وَدَعائِمَهُ، وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ ٱلضَّلالَةِ، وَشارِعَةَ ٱلْبِدَعِ، وَمُمِيتَةَ ٱلسُّنَّةِ، وَمُقَوِّيَةَ ٱلْباطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ ٱلْجَبّارِينَ، وَأَبِرْ بِهِ ٱلْكافِرِينَ، وَجَمِيعَ ٱلْمُلْحِدِينَ، فِي مَشارِقِ ٱلْأَرْضِ وَمَغارِبِها، وَبَرِّها وَبَحْرِها، وَسَهْلِها وَجَبَلِها، حَتّىٰ لا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيّاراً، وَلا تُبْقِيَ لَهُمْ آثاراً.

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبادَكَ، وَأَعِزَّ بِهِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَأَحْيِ بِهِ سُنَنَ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَدارِسَ حُكْمِ ٱلنَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحىٰ مِنْ دِينِكَ وَبُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتّىٰ تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلىٰ يَدَيْهِ جَدِيداً غَضّاً مَحْضاً صَحِيحاً، لا عِوَجَ فِيهِ وَلا بِدْعَةَ مَعَهُ، وَحَتّىٰ تُنِيرَ[٢] بِعَدْلِهِ ظُلَمَ ٱلْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرانَ ٱلْكُفْرِ، وَتُوضِحَ بِهِ مَعاقِدَ ٱلْحَقِّ وَمَجْهُولَ ٱلْعَدْلِ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ ٱلَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلىٰ غَيْبِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ ٱلذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ ٱلْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ ٱلرِّجْسِ، وَسَلَّمْتَهُ مِنَ ٱلدَّنَسِ.

اَللّٰهُمَّ فَإِنّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ ٱلْقِيامَةِ وَيَوْمَ حُلُولِ ٱلطّامَّةِ، أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْباً، وَلا أَتىٰ حُوباً، وَلَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ

---

١ ـ «ودمِّرْ مَنْ» خ ل.

٢ ـ «تُبِيرَ» خ ل.

فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً؛ وَأَنَّهُ ٱلْهادِي ٱلْمُهْتَدِي الطّاهِرُ ٱلتَّقِيُّ ٱلنَّقِيُّ ٱلرَّضِيُّ ٱلْمَرْضِيُّ ٱلزَّكِيُّ.

اَللّٰهُمَّ أَعْطِهِ في نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ[1] وَأُمَّتِهِ وَجَميعِ رَعِيَّتِهِ، ما تُقِرُّ بِـهِ عَيْنَهُ، وَتَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ ٱلْمَمالِكِ[2]، قَرِيبِها وَبَعِيدِها، وَعَزِيزِها وَذَلِيلِها، حَتّىٰ يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلىٰ كُلِّ حُكْمٍ، وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ عَلى كُلِّ باطِلٍ.

اَللّٰهُمَّ ٱسْلُكْ بِنا عَلىٰ يَدَيْهِ مِـنْهاجَ ٱلْـهُدىٰ، وَٱلْـمَحَجَّةَ ٱلْـعُظْمىٰ، وَٱلطَّـرِيقَةَ ٱلْوُسْطىٰ، ٱلَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا ٱلْغالِي، وَيَلْحَقُ بِهَا ٱلتّالِي، وَقَوِّنا عَلىٰ طـاعَتِهِ، وَثَـبِّتْنا عَلىٰ مُتابَعَتِهِ[3]، وَٱمْنُنْ عَلَيْنا بِمُبايَعَتِهِ؛ وَٱجْعَلْنا في حِزْبِهِ ٱلْقَوّامِينَ بِأَمْرِهِ، ٱلصّابِرِينَ مَعَهُ، ٱلطّالِبِينَ رِضاكَ بِمُناصَحَتِهِ، حَتّىٰ تَحْشُرَنا يَوْمَ ٱلْقِيامَةِ في أَنْصارِهِ وَأَعْوانِـهِ، وَمُقَوِّيَةِ سُلْطانِهِ.

اَللّٰهُمَّ وَٱجْعَلْ ذٰلِكَ لَنا خالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَرِياءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتّىٰ لا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلا نَطْلُبَ بِهِ إِلّا وَجْهَكَ، وَحَتّىٰ تُحِلَّنا مَحِلَّهُ، وَتَجْعَلَنا فـي ٱلْـجَنَّةِ مَـعَهُ، وَأَعِذْنا مِنَ ٱلسَّآمَةِ وَٱلْكَسَلِ وَٱلْفَتْرَةِ، وَٱجْعَلْنا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلا تَسْتَبْدِلْ بِنا غَيْرَنا؛ فَإِنَّ ٱسْتِبْدالَكَ بِنا غَيْرَنا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنا كَبِيرٌ.

اَللّٰهُمَّ نَوِّرْ بِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَهُدَّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ، وَٱهْدِمْ بِعِزِّهِ كُلَّ ضَلالَةٍ، وَٱقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبّارٍ، وَأَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نارٍ، وَأَهْلِكْ بِعَدْلِهِ جَوْرَ كُلِّ جائِرٍ، وَأَجْرِ حُكْمَهُ عَلىٰ كُلِّ حاكِمٍ، وَأَذِلَّ بِسُلْطانِهِ كُلَّ سُلْطانٍ.

اَللّٰهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَنْ ناواهُ، وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عاداهُ، وَٱمْكُرْ بِمَنْ كادَهُ، وَٱسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ وَٱسْتَهانَ بِأَمْرِهِ، وَسَعىٰ في إِطْفاءِ نُورِهِ، وَأَرادَ إِخْمادَ ذِكْرِهِ.

---

۱ ـ «وأهله وذرّيّته» خ ل.
۲ ـ «وتجمع له المُمْلَكاتِ كلَّها» خ ل.
۳ ـ «مُشايعته» خ ل.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ اَلْمُصْطَفىٰ، وَعَلِيٍّ اَلْمُرْتَضىٰ، وَفاطِمَةَ اَلزَّهْراءِ، وَاَلْحَسَنِ اَلرَّضِيِّ، وَاَلْحُسَيْنِ اَلْمُصَفّىٰ، وَجَمِيعِ اَلْأَوْصِياءِ مَصابِيحِ اَلدُّجىٰ، وَأَعْلامِ اَلْهُدىٰ، وَمَنارِ اَلتُّقىٰ، وَاَلْعُرْوَةِ اَلْوُثْقىٰ، وَاَلْحَبْلِ اَلْمَتِينِ، وَاَلصِّراطِ اَلْمُسْتَقِيمِ، وَصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ وَوُلاةِ عَهْدِكَ، وَاَلْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَمُدَّ في أَعْمارِهِمْ، وَزِدْ في آجالِهِمْ، وَبَلِّغْهُمْ أَقْصىٰ آمالِهِمْ، دِيناً وَدُنْياً وَآخِرَةً، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ[1].

و در بعضی از کتب بعد از «وَهُوَ عَلَيْنا كَبِيرٌ» این دعا وارد شده است:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ وُلاةِ عَهْدِهِ، وَاَلْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ آمالَهُمْ، وَزِدْ في آجالِهِمْ، وَأَعِزَّ نَصْرَهُمْ، وَتَمِّمْ لَهُمْ ما أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبِّتْ دَعائِمَهُمْ، وَاَجْعَلْنا لَهُمْ أَعْواناً، وَعَلىٰ دِينِكَ أَنْصاراً؛ فَإِنَّهُمْ مَعادِنُ كَلِماتِكَ، وَخُزّانُ عِلْمِكَ، وَأَرْكانُ تَوْحِيدِكَ، وَدَعائِمُ دِينِكَ، وَوُلاةُ أَمْرِكَ، وَخالِصَتُكَ مِنْ عِبادِكَ، وَصِفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِياؤُكَ وَسَلائِلُ أَوْلِيائِكَ، وَصِفْوَةُ أَوْلادِ نَبِيِّكَ، وَاَلسَّلامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اَللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ[2].

[دعا در غیبت حضرت قائم علیه السلام]

و ایضاً به سند معتبر مروی است که این دعا را در غیبت حضرت قائم علیه السلام بخوانند:

اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ.

اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ.

اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.

اَللّٰهُمَّ لا تُمِتْنِي مِيتَةً جاهِلِيَّةً، وَلا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي.

---

۱ ـ مصباح الزائر: ۴۵۷ ـ ۴۵۹، بحار الانوار: ۱۱۲/۱۰۲.

۲ ـ مصباح المتهجّد: ۴۰۹، جمال الأسبوع: ۵۰۶ ـ ۵۱۱، مصباح كفعمى: ۵۴۸، بحارالانوار: ۹۵/ ۳۳۰ ح ۴ وج ۱۱۵/۱۰۲، موسوعة زيارات المعصومين علیهم السلام: ۴/ ۳۳۳ ش ۱۵۳۱.

اَللّٰهُمَّ فَكَما هَدَيْتَنِي بِوِلايَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طاعَتَهُ مِنْ وُلاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ ـ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ ، حَتّىٰ والَيْتُ وُلاةَ أَمْرِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طالِبٍ، وَالْحَسَنَ، وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيّاً، وَمُحَمَّداً، وَجَعْفَراً، وَمُوسىٰ، وَعَلِيّاً، وَمُحَمَّداً، وَعَلِيّاً، وَالْحَسَنَ، وَالْحُجَّةَ الْقائِمَ الْمَهْدِيَّ ـ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ـ .

اَللّٰهُمَّ فَثَبِّتْنِي عَلىٰ دِينِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطاعَتِكَ، وَلَيِّنْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَعافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَثَبِّتْنِي عَلىٰ طاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ، الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ؛ وَبِإِذْنِكَ[1] غابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ، وَأَمْرَكَ يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعالِمُ غَيْرُ الْمُعَلَّمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلاحُ أَمْرِ وَلِيِّكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهارِ أَمْرِهِ، وَكَشْفِ سِتْرِهِ، فَصَبِّرْنِي عَلىٰ ذٰلِكَ حَتّىٰ لا أُحِبَّ تَعْجِيلَ ما أَخَّرْتَ، وَلا تَأْخِيرَ ما عَجَّلْتَ، وَلا كَشْفَ ما سَتَرْتَ، وَلا الْبَحْثَ[2] عَمّا كَتَمْتَ، وَلا أُنازِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ، وَلا أَقُولَ: لِمَ وَكَيْفَ، وَلا: ما بالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لا يَظْهَرُ وَقَدِ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ. وَأُفَوِّضُ أُمُورِي كُلَّها إِلَيْكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِيَنِي وَلِيَّ أَمْرِكَ[3] ظاهِراً نافِذَ الْأَمْرِ مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطانَ وَالْقُدْرَةَ، وَالْبُرْهانَ وَالْحُجَّةَ، وَالْمَشِيَّةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ، فَافْعَلْ ذٰلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتّىٰ نَنْظُرَ إِلىٰ وَلِيِّ أَمْرِكَ ـ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ ـ ظاهِرَ الْمَقالَةِ، وَاضِحَ الدَّلالَةِ، هادِياً مِنَ الضَّلالَةِ، شافِياً مِنَ الْجَهالَةِ.

أَبْرِزْ يا رَبِّ مَشاهِدَهُ، وَثَبِّتْ قَواعِدَهُ، وَاجْعَلْنا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَتِهِ، وَأَقِمْنا بِخِدْمَتِهِ، وَتَوَفَّنا عَلىٰ مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنا فِي زُمْرَتِهِ.

اَللّٰهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ ما خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ، وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ، وَعَنْ شِمالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ، وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ

---

۱ ـ «فبإذنك» خ ل.
۲ ـ «ولا أبحثَ» خ ل.
۳ ـ «وليّ الأمر» خ ل.

اَلَّذي لا يَضيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِه، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلامُ.

اَللّٰهُمَّ وَمُدَّ في عُمْرِهِ، وَزِدْ في أَجَلِهِ، وَأَعِنْهُ عَلىٰ ما وَلَّيْتَهُ وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَزِدْ في كَرامَتِكَ لَهُ؛ فَإِنَّهُ الْهادِي الْمَهْدِيُّ، وَالْقائِمُ الْمُهْتَدِي، وَالطّاهِرُ التَّقِيُّ، الزَّكِيُّ النَّقِيُّ، الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ، الصّابِرُ الشَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ.

اَللّٰهُمَّ وَلا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ في غَيْبَتِهِ وَانْقِطاعِ خَبَرِهِ عَنّا، وَلا تُنْسِنا ذِكْرَهُ وَانْتِظارَهُ، وَالْإيمانَ بِه، وَقُوَّةَ الْيَقِينِ في ظُهُورِهِ، وَالدُّعاءَ لَهُ، وَالصَّلاةَ عَلَيْهِ، حَتّىٰ لا تُقَنِّطَنا غَيْبَتُهُ[1] مِنْ قِيامِهِ، وَيَكُونَ يَقِينُنا في ذٰلِكَ كَيَقِينِنا في قِيامِ رَسُولِكَ ـ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ وَما جاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ.

فَقَوِّ[2] قُلُوبَنا عَلَى الْإيمانِ بِه، حَتّىٰ تَسْلُكَ بِنا عَلىٰ يَدِيْهِ مِنْهاجَ الْهُدىٰ، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمىٰ، وَالطَّرِيقَةَ الْوُسْطىٰ، وَقَوِّنا عَلىٰ طاعَتِهِ، وَثَبِّتْنا عَلىٰ مُتابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنا في حِزْبِهِ وَأَعْوانِهِ وَأَنْصارِهِ، وَالرّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَلا تَسْلُبْنا ذٰلِكَ في حَياتِنا، وَلا عِنْدَ وَفاتِنا، حَتّىٰ تَتَوَفّانا وَنَحْنُ عَلىٰ ذٰلِكَ، لا شاكِّينَ وَلا ناكِثِينَ[3]، وَلا مُرْتابِينَ، وَلا مُكَذِّبِينَ.

اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْ ناصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خاذِلِيهِ، وَدَمْدِمْ عَلىٰ مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِه، وَأَظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَاسْتَنْقِذْ بِهِ عِبادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ، وَانْعَشْ بِهِ الْبِلادَ، وَاقْتُلْ بِهِ الْجَبابِرَةَ وَالْكَفَرَةَ[4]، وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلالَةِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبّارِينَ وَالْكافِرِينَ، وَأَبِرْ بِهِ الْمُنافِقِينَ وَالنّاكِثِينَ، وَجَمِيعَ الْمُخالِفِينَ وَالْمُلْحِدِينَ، في مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها، وَبَرِّها وَبَحْرِها، وَسَهْلِها وَجَبَلِها، حَتّىٰ لا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيّاراً، وَلا تُبْقِيَ لَهُمْ آثاراً.

---

١ ـ «لا يُقَنِّطنا طولُ غيبته» خ ل.
٢ ـ «وقوّ» خ ل.
٣ ـ «ولا ناكِبينَ» خ ل.
٤ ـ «جبابرة الكفر» خ ل.

طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلادَكَ، وَٱشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبادِكَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا ٱمْتَحىٰ مِنْ دِينِكَ، وَأَصْلِحْ بِهِ ما بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَغُيِّرَ مِنْ سُنَّتِكَ[۱]، حَتّىٰ يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلىٰ يَدَيْهِ غَضّاً جَدِيداً صَحِيحاً لا عِوَجَ فِيهِ وَلا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتّىٰ تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرانَ ٱلْكافِرِينَ؛ فَإِنَّهُ عَبْدُكَ ٱلَّذِي ٱسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَٱرْتَضَيْتَهُ لِنَصْرِ[۲] دِينِكَ، وَٱصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ ٱلذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ ٱلْعُيُوبِ، وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى ٱلْغُيُوبِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ ٱلرِّجْسِ، وَنَقَّيْتَهُ مِنَ ٱلدَّنَسِ.

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آبائِهِ ٱلْأَئِمَّةِ ٱلطّاهِرِينَ، وَعَلىٰ شِيعَتِهِ ٱلْمُنْتَجَبِينَ، وَبَلِّغْهُمْ مِنْ أَيّامِهِ[۳] ما يَأْمُلُونَ، وَٱجْعَلْ ذٰلِكَ مِنّا خالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَرِئاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتّىٰ لا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلا نَطْلُبَ بِهِ إِلّا وَجْهَكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنا، وَغَيْبَةَ إِمامِنا، وَشِدَّةَ ٱلزَّمانِ عَلَيْنا، وَوُقُوعَ ٱلْفِتَنِ بِنا، وَتَظاهُرَ ٱلْأَعْداءِ، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنا، وَقِلَّةَ عَدَدِنا.

اَللّٰهُمَّ فَافْرِجْ ذٰلِكَ عَنّا بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَنَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ، وَإِمامِ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ، إِلٰهَ ٱلْحَقِّ آمِينَ.

اَللّٰهُمَّ إِنّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لِوَلِيِّكَ في إِظْهارِ عَدْلِكَ في عِبادِكَ، وَقَتْلِ أَعْدائِكَ في بِلادِكَ، حَتّىٰ لا تَدَعَ لِلْجَوْرِ يا رَبِّ دِعامَةً إِلّا قَصَمْتَها، وَلا بَقِيَّةً إِلّا أَفْنَيْتَها، وَلا قُوَّةً إِلّا أَوْهَنْتَها، وَلا رُكْناً إِلّا هَدَمْتَهُ[۴]، وَلا حَدّاً إِلّا فَلَلْتَهُ، وَلا سِلاحاً إِلّا أَكْلَلْتَهُ، وَلا رايَةً إِلّا نَكَسْتَها، وَلا شُجاعاً إِلّا قَتَلْتَهُ، وَلا جَيْشاً إِلّا خَذَلْتَهُ.

وَٱرْمِهِمْ يا رَبِّ بِحَجَرِكَ ٱلدّامِغِ، وَٱضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ ٱلْقاطِعِ، وَبَأْسِكَ ٱلَّذِي لا تَرُدُّهُ عَنِ ٱلْقَوْمِ ٱلْمُجْرِمِينَ، وَعَذِّبْ أَعْداءَكَ وَأَعْداءَ وَلِيِّكَ وَأَعْداءَ

---

۱ ـ «سُنَنِكَ» خ ل.
۲ ـ «لِنُصرة» خ ل.
۳ ـ «من آمالهم» خ ل.
۴ ـ «إِلّا هَدَدْتَهُ» خ ل.

رَسُولِكَ ـ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ بِيَدِ وَلِيِّكَ، وَأَيْدِي عِبادِكَ ٱلْمُؤْمِنِينَ.

اَللّٰهُمَّ ٱكْفِ وَلِيَّكَ وَحُجَّتَكَ في أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَكَيْدَ مَنْ أَرادَهُ[١]، وَٱمْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَٱجْعَلْ دائِرَةَ ٱلسَّوْءِ عَلىٰ مَنْ أَرادَ بِهِ سُوءاً، وَٱقْطَعْ عَنْهُ مادَّتَهُمْ، وَأَرْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ، وَزَلْزِلْ أَقْدامَهُمْ، وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبَغْتَةً، وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذابَكَ، وَأَخْزِهِمْ في عِبادِكَ، وَٱلْعَنْهُمْ في بِلادِكَ، وَأَسْكِنْهُمْ أَسْفَلَ نارِكَ، وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذابِكَ، وَأَصْلِهِمْ ناراً، وَٱحْشُ قُبُورَ مَوْتاهُمْ ناراً، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نارِكَ؛ فَإِنَّهُمْ أَضاعُوا ٱلصَّلاةَ، وَٱتَّبَعُوا ٱلشَّهَواتِ، وَأَضَلُّوا[٢] عِبادَكَ وَأَخْرَبُوا بِلادَكَ.

اَللّٰهُمَّ وَأَحْيِ بِوَلِيِّكَ ٱلْقُرْآنَ، وَأَرِنا نُورَهُ سَرْمَداً لا لَيْلَ فِيهِ، وَأَحْيِ بِهِ ٱلْقُلُوبَ ٱلْمَيِّتَةَ، وَٱشْفِ بِهِ ٱلصُّدُورَ ٱلْوَغِرَةَ، وَٱجْمَعْ بِهِ ٱلْأَهْواءَ ٱلْمُخْتَلِفَةَ عَلَى ٱلْحَقِّ، وَأَقِمْ بِهِ ٱلْحُدُودَ ٱلْمُعَطَّلَةَ، وَٱلْأَحْكامَ ٱلْمُهْمَلَةَ، حَتّىٰ لا يَبْقىٰ حَقٌّ إِلّا ظَهَرَ، وَلا عَدْلٌ إِلّا زَهَرَ.

وَٱجْعَلْنا يا رَبِّ مِنْ أَعْوانِهِ، وَمُقَوِّيَةِ سُلْطانِهِ، وَٱلْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَٱلرّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَٱلْمُسَلِّمِينَ لِأَحْكامِهِ، وَمِمَّنْ لا حاجَةَ بِهِ إِلَى ٱلتَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ.

وَأَنْتَ ـ يا رَبِّ ـ ٱلَّذِي تَكْشِفُ ٱلضُّرَّ، وَتُجِيبُ ٱلْمُضْطَرَّ إِذا دَعاكَ، وَتُنْجِي مِنَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ، فَاكْشِفِ ٱلضُّرَّ عَنْ وَلِيِّكَ، وَٱجْعَلْهُ خَلِيفَةً في أَرْضِكَ كَما ضَمِنْتَ لَهُ.

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَماءِ آلِ مُحَمَّدٍ ـ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ ـ، وَلا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْداءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ، وَلا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ ٱلْحَنَقِ وَٱلْغَيْظِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ[٣] عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذٰلِكَ فَأَعِذْنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَٱجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ فائِزاً فِي ٱلدُّنْيا

---

١ ـ «وكد من كاده» خ ل.

٢ ـ «وَضَلُّوا وأضَلُّوا» خ ل.

٣ ـ «والغيظ على آل محمّد» خ ل.

وَالْآخِرَةِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، آمِينَ يا رَبَّ[1] الْعالَمِينَ[2].

و دو زیارت دیگر در کتب معتبره علما مذکور است؛ و از مزار شیخ مفید ـ علیه الرّحمه ـ ظاهر می‌شود که هر دو منقول باشد.

[زیارت اوّل در سرداب مقدّس]

گفته‌اند که: چون داخل سرداب شوی بعد از رخصت طلبیدن، بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خَلِيفَةَ اللهِ وَخَلِيفَةَ آبائِهِ الْمَهْدِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِيَّ الْأَوْصِياءِ الْماضِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حافِظَ أَسْرارِ رَبِّ الْعالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بَقِيَّةَ اللهِ مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُنْتَجَبِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَنْوارِ الزّاهِرَةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَعْلامِ الْباهِرَةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْعِتْرَةِ الطّاهِرَةِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَعْدِنَ الْعُلُومِ النَّبَوِيَّةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ اللهِ الَّذِي لا يُؤْتىٰ إِلّا مِنْهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَبِيلَ اللهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ناظِرَ شَجَرَةِ طُوبىٰ وَسِدْرَةِ الْمُنْتَهىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللهِ الَّذِي لا يُطْفىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ الَّتِي لا تَخْفىٰ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّماءِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ سَلامَ مَنْ عَرَفَكَ بِما عَرَّفَكَ بِهِ اللهُ، وَنَعَتَكَ بِبَعْضِ نُعُوتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُها وَفَوْقَها.

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلىٰ مَنْ مَضىٰ وَمَنْ بَقِيَ، وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْغالِبُونَ، وَأَوْلِياءَكَ هُمُ الْفائِزُونَ، وَأَعْداءَكَ هُمُ الْخاسِرُونَ؛ وَأَنَّكَ خازِنُ كُلِّ عِلْمٍ، وَفاتِقُ كُلِّ رَتْقٍ، وَمُحَقِّقُ كُلِّ حَقٍّ، وَمُبْطِلُ كُلِّ باطِلٍ.

---

۱ ـ «وآمين ربّ» خ ل.

۲ ـ کمال الدين: ۵۱۲ ح۴۳، مصباح المتهجّد: ۴۱۱، جمال الاسبوع: ۵۲۱، مصباح الزائر: ۴۲۵، بلد الأمين: ۳۰۶ ـ ۳۰۹، بحارالانوار: ۱۸۷/۵۳ ح۱۸ وج۱۰۲/ ۸۹، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۴/ ۳۵۲ ش۱۵۳۹.

رَضِيتُكَ يا مَوْلايَ إماماً وَهادِياً وَوَلِيّاً وَمُرْشِداً، لا أَبْتَغِي بِكَ بَدَلاً، وَلا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيّاً.

أَشْهَدُ أَنَّكَ اَلْحَقُّ اَلثّابِتُ اَلَّذِي لا عَيْبَ فِيهِ، وَأَنَّ وَعْدَ اَللهِ فِيكَ حَقٌّ، لا أَرْتابُ لِطُولِ اَلْغَيْبَةِ وَبُعْدِ اَلْأَمَدِ، وَلا أَتَحَيَّرُ مَعَ مَنْ جَهِلَكَ وَجَهِلَ بِكَ، مُنْتَظِرٌ مُتَوَقِّعٌ لِأَيّامِكَ، وَأَنْتَ اَلشّافِعُ اَلَّذِي لا تُنازَعُ، وَاَلْوَلِيُّ اَلَّذِي لا تُدافَعُ، ذَخَرَكَ اَللهُ لِنُصْرَةِ اَلدِّينِ، وَإِعْزازِ اَلْمُؤْمِنِينَ، وَالاِنْتِقامِ مِنَ اَلْجاحِدِينَ اَلْمارِقِينَ.

أَشْهَدُ أَنَّ بِوِلايَتِكَ تُقْبَلُ اَلْأَعْمالُ، وَتُزَكَّى اَلْأَفْعالُ، وَتُضاعَفُ اَلْحَسَناتُ، وَتُمْحَى اَلسَّيِّئاتُ؛ فَمَنْ جاءَ بِوِلايَتِكَ وَاَعْتَرَفَ بِإِمامَتِكَ قُبِلَتْ أَعْمالُهُ، وَصُدِّقَتْ أَقْوالُهُ، وَتَضاعَفَتْ حَسَناتُهُ، وَمُحِيَتْ سَيِّئاتُهُ.

وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلايَتِكَ وَجَهِلَ مَعْرِفَتَكَ وَاَسْتَبْدَلَ بِكَ غَيْرَكَ، كَبَّهُ اَللهُ عَلىٰ مِنْخَرِهِ فِي اَلنّارِ، وَلَمْ يَقْبَلِ اَللهُ لَهُ عَمَلاً، وَلَمْ يُقِمْ لَهُ يَوْمَ اَلقِيامَةِ وَزْناً.

أُشْهِدُ اَللهَ وَأُشْهِدُ مَلائِكَتَهُ وَأُشْهِدُكَ يا مَوْلايَ بِهٰذا[1]، ظاهِرُهُ كَباطِنِهِ، وَسِرُّهُ كَعَلانِيَتِهِ، وَأَنْتَ اَلشّاهِدُ عَلىٰ ذٰلِكَ، وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ، وَمِيثاقِي لَدَيْكَ؛ إِذْ أَنْتَ نِظامُ اَلدِّينِ، وَيَعْسُوبُ اَلْمُتَّقِينَ، وَعِزُّ اَلْمُوَحِّدِينَ، وَبِذٰلِكَ أَمَرَنِي رَبُّ اَلْعالَمِينَ، فَلَوْ تَطاوَلَتِ اَلدُّهُورُ، وَتَمادَتِ اَلْأَعْمارُ[2]، لَمْ أَزْدَدْ فِيكَ إِلّا يَقِيناً، وَلَكَ إِلّا حُبّاً، وَعَلَيْكَ إِلّا مُتَّكَلاً وَمُعْتَمَداً، وَلِظُهُورِكَ إِلّا مُتَوَقِّعاً وَمُنْتَظِراً، وَلِجِهادِي[3] بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّباً، فَأَبْذُلُ نَفْسِي وَمالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَجَمِيعَ ما خَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَاَلتَّصَرُّفَ بَيْنَ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ.

مَوْلايَ فَإِنْ أَدْرَكْتُ أَيّامَكَ اَلظّاهِرَةَ وَأَعْلامَكَ اَلْباهِرَةَ، فَها أَنا ذا عَبْدُكَ

---

١ ـ «أنّ مقالي هذا» خ ل. ٢ ـ «الأعصار» خ ل.

٣ ـ «وَعَلَيْكَ إلّا توكُّلاً واعتماداً، ولظهورك إلّا توقّعاً وانتظاراً وترقّباً لجهادي» خ ل.

اَلْمُتَصَرِّفُ بَيْنَ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ، أَرْجُو بِهِ اَلشَّهادَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَاَلْفَوْزَ لَدَيْكَ .

مَوْلايَ، فَإِنْ أَدْرَكَنِيَ اَلْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ وَبِآبائِكَ اَلطّاهِرِينَ إِلَى اَللهِ تَعالىٰ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ، وَرَجْعَةً فِي أَيّامِكَ، لِأَبْلُغَ مِنْ طاعَتِكَ مُرادِي، وَأَشْفِيَ مِنْ أَعْدائِكَ فُؤادِي.

مَوْلايَ، وَقَفْتُ فِي زِيارَتِكَ مَوْقِفَ اَلْخاطِئِينَ اَلنّادِمِينَ، اَلْخائِفِينَ مِنْ عِقابِ رَبِّ اَلْعالَمِينَ، وَقَدِ اَتَّكَلْتُ عَلىٰ شَفاعَتِكَ، وَرَجَوْتُ بِمُوالاتِكَ وَشَفاعَتِكَ مَحْوَ ذُنُوبِي، وَسَتْرَ عُيُوبِي، وَمَغْفِرَةَ زَلَلِي؛ فَكُنْ لِوَلِيِّكَ يا مَوْلايَ عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِهِ، وَاَسْأَلِ اَللهَ غُفْرانَ زَلَلِهِ، فَقَدْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِكَ، وَتَمَسَّكَ بِوِلايَتِكَ، وَتَبَرَّأَ مِنْ أَعْدائِكَ .

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْجِزْ لِوَلِيِّكَ ما وَعَدْتَهُ .

اَللّٰهُمَّ أَظْهِرْ كَلِمَتَهُ، وَأَعْلِ دَعْوَتَهُ، وَاَنْصُرْهُ عَلىٰ عَدُوِّهِ وَعَدُوِّكَ يا رَبَّ اَلْعالَمِينَ .

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَظْهِرْ كَلِمَتَكَ اَلتّامَّةَ، وَمُغَيَّبَكَ فِي أَرْضِكَ، اَلْخائِفَ اَلْمُتَرَقِّبَ .

اَللّٰهُمَّ اَنْصُرْهُ نَصْراً عَزِيزاً، وَاَفْتَحْ لَهُ فَتْحاً قَرِيباً يَسِيراً .

اَللّٰهُمَّ وَأَعِزَّ بِهِ اَلدِّينَ بَعْدَ اَلْخُمُولِ، وَأَطْلِعْ بِهِ اَلْحَقَّ بَعْدَ اَلْأُفُولِ، وَاَجْلُ بِهِ اَلظُّلْمَةَ، وَاَكْشِفْ بِهِ اَلْغُمَّةَ .

اَللّٰهُمَّ وَآمِنْ بِهِ اَلْبِلادَ، وَاَهْدِ بِهِ اَلْعِبادَ .

اَللّٰهُمَّ اَمْلَأْ بِهِ اَلْأَرْضَ عَدْلاً وَقِسْطاً، كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً، إِنَّكَ سَمِيعٌ مُجِيبٌ .

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اَللهِ، اِئْذَنْ لِوَلِيِّكَ فِي اَلدُّخُولِ إِلىٰ حَرَمِكَ، صَلَواتُ اَللهِ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آبائِكَ اَلطّاهِرِينَ، وَرَحْمَةُ اَللهِ وَبَرَكاتُهُ [1].

---

۱ ـ مزار کبیر: ۵۸۶ ـ ۵۸۹، مزار شهید: ۲۰۳ ـ ۲۰۸، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۱۱۶، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۴/ ۲۸۱ ش۱۴۹۴.

پس برو به نزد سرداب غیبت آن حضرت، و میان دو در بایست و درها را به دست خود بگیرو تنحنح کن ـ مانند کسی که رخصت داخل شدن طلبد ـ و «بِسْمِ ٱللهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ» بگو و پایین رو با تأنّي و حضور قلب، و دو رکعت نماز در عرصه سرداب بکن، پس بگو:

اَللهُ أَكْبَرُ، اَللهُ أَكْبَرُ، لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللهُ وَٱللهُ أَكْبَرُ، وَلِلّٰهِ ٱلْحَمْدُ.

اَلْحَمْدُلِلّٰهِ ٱلَّذِي هَدانا لِهٰذا، وَعَرَّفَنا أَوْلِياءَهُ وَأَعْداءَهُ، وَوَفَّقَنا لِزِيارَةِ أَئِمَّتِنا، وَلَمْ يَجْعَلْنا مِنَ ٱلْمُعانِدِينَ ٱلنّاصِبِينَ، وَلا مِنَ ٱلْغُلاةِ ٱلْمُفَوِّضِينَ، وَلا مِنَ ٱلْمُرْتابِينَ ٱلْمُقَصِّرِينَ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ وَلِيِّ ٱللهِ وَٱبْنِ أَوْلِيائِهِ، اَلسَّلامُ عَلَى ٱلْمُدَّخَرِ لِكَرامَةِ أَوْلِياءِ ٱللهِ وَبَوارِ أَعْدائِهِ.

اَلسَّلامُ عَلَى ٱلنُّورِ ٱلَّذِي أَرادَ أَهْلُ ٱلْكُفْرِ إِطْفاءَهُ، فَأَبَى ٱللهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ بِكُرْهِهِمْ، وَأَيَّدَهُ بِالْحَياةِ حَتّىٰ يُظْهِرَ عَلىٰ يَدِهِ ٱلْحَقَّ بِرَغْمِهِمْ.

أَشْهَدُ أَنَّ ٱللهَ ٱصْطَفاكَ صَغِيراً، وَأَكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيراً، وَأَنْتَ حَيٌّ لا تَمُوتُ، حَتّىٰ تُبْطِلَ ٱلْجِبْتَ وَٱلطّاغُوتَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلىٰ خُدّامِهِ وَأَعْوانِهِ، عَلىٰ غَيْبَتِهِ[1] وَنَأْيِهِ، وَٱسْتُرْهُ سَتْراً عَزِيزاً، وَٱجْعَلْ لَهُ مَعْقِلاً حَرِيزاً، وَٱشْدُدِ ٱللّٰهُمَّ وَطْأَتَكَ عَلىٰ مُعانِدِيهِ، وَٱحْرُسْ مَوالِيَهِ وَزائِرِيهِ.

اَللّٰهُمَّ كَما جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُوراً؛ فَاجْعَلْ سِلاحِي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُوراً، وَإِنْ حالَ بَيْنِي وَبَيْنَ لِقائِهِ ٱلْمَوْتُ ٱلَّذِي جَعَلْتَهُ عَلىٰ عِبادِكَ حَتْماً، وَأَقْدَرْتَ بِهِ عَلىٰ خَلِيقَتِكَ رَغْماً، فَابْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ ظاهِراً مِنْ حُفْرَتِي، مُؤْتَزِراً كَفَنِي،

---

۱ ـ «في غَيْبَتِهِ» خ ل.

حَتّیٰ أُجاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ، في ٱلصَّفِّ ٱلَّذِي أَثْنَيْتَ عَلىٰ أَهْلِهِ في كِتابِكَ فَقُلْتَ: ﴿كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ﴾[1].

اَللّٰهُمَّ طالَ ٱلِانْتِظارُ، وَشَمِتَ مِنّا[2] ٱلْفُجّارُ، وَصَعُبَ عَلَيْنَا ٱلِانْتِصارُ.

اَللّٰهُمَّ أَرِنا وَجْهَ وَلِيِّكَ ٱلْمَيْمُونَ، في حَياتِنا وَبَعْدَ ٱلْمَنُونِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَي صاحِبِ هٰذِهِ ٱلْبُقْعَةِ.

اَلْغَوْثَ، اَلْغَوْثَ، اَلْغَوْثَ، يا صاحِبَ ٱلزَّمانِ، قَطَعْتُ في وُصْلَتِكَ ٱلْخُلّانَ، وَهَجَرْتُ لِزِيارَتِكَ ٱلْأَوْطانَ، وَأَخْفَيْتُ أَمْرِي عَنْ أَهْلِ ٱلْبُلْدانِ، لِتَكُونَ شَفِيعاً عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي، وَإِلىٰ آبائِكَ وَمَوالِيَّ، في حُسْنِ ٱلتَّوْفِيقِ لِي، وَإِسْباغِ ٱلنِّعْمَةِ عَلَيَّ، وَسَوْقِ ٱلْإِحْسانِ إِلَيَّ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَصْحابِ ٱلْحَقِّ، وَقادَةِ ٱلْخَلْقِ، وَٱسْتَجِبْ مِنِّي ما دَعَوْتُكَ، وَأَعْطِنِي ما لَمْ أَنْطِقْ بِهِ في دُعائِي، مِنْ صَلاحِ دِينِي وَدُنْيايَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَصَلَّى ٱللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ٱلطّاهِرِينَ.

پس داخل صُفّه شو، و دو رکعت نماز بکن و بگو:

اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ ٱلزّائِرُ في فِناءِ وَلِيِّكَ ٱلْمَزُورِ، ٱلَّذِي فَرَضْتَ طاعَتَهُ عَلَى ٱلْعَبِيدِ وَٱلْأَحْرارِ، وَأَنْقَذْتَ بِهِ أَوْلِياءَكَ مِنْ عَذابِ ٱلنّارِ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْها زِيارَةً مَقْبُولَةً ذاتَ دُعاءٍ مُسْتَجابٍ، مِنْ مُصَدِّقٍ بِوَلِيِّكَ غَيْرِ مُرْتابٍ.

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ ٱلْعَهْدِ بِهِ وَلا بِزِيارَتِهِ، وَلا تَقْطَعْ أَثَرِي مِنْ مَشْهَدِهِ، وَزِيارَةِ أَبِيهِ وَجَدِّهِ.

اَللّٰهُمَّ أَخْلِفْ عَلَيَّ نَفَقَتِي، وَٱنْفَعْنِي بِما رَزَقْتَنِي في دُنْيايَ وَآخِرَتِي،

۱ـ صف: ۴.

۲ـ «بنا» خ ل.

لِي وَلِإخْوانِي وَأَبَوَيَّ وَجَمِيْعِ عِتْرَتِي.

أَسْتَوْدِعُكَ اَللهَ أَيُّهَا اَلإمامُ اَلَّذِي يَفُوزُ بِهِ اَلْمُؤْمِنُونَ، وَيَهْلِكُ عَلىٰ يَدَيْهِ اَلْكافِرُونَ اَلْمُكَذِّبُونَ.

يا مَوْلايَ، يَا اَبْنَ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، جِئْتُكَ زائِراً لَكَ وَلِأَبِيْكَ وَجَدِّكَ، مُتَيَقِّناً اَلْفَوْزَ بِكُمْ، مُعْتَقِداً إمامَتَكُمْ.

اَللّٰهُمَّ اَكْتُبْ هٰذِهِ اَلشَّهادَةَ وَاَلزِّيارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي عِلِّيِّينَ، وَبَلِّغْنِي بَلاغَ اَلصّالِحِينَ، وَاَنْفَعْنِي بِحُبِّهِمْ يا رَبَّ اَلْعالَمِينَ[۱].

[زيارت دوم در سرداب مقدس]

گفته‌اند که: به روايت ديگر منقول است که: مى‌گويى بعد از داخل شدن سرداب مقدّس:

السَّلامُ عَلَى الحَقِّ الجَدِيدِ، وَالعالِمِ الَّذي عِلْمُهُ لا يَبِيدُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحْيِي اَلْمُؤْمِنِينَ، وَمُبِيرِ اَلْكافِرِينَ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَهْدِيِّ اَلْأُمَمِ، وَجامِعِ اَلْكَلِمِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ خَلَفِ اَلسَّلَفِ، وَصاحِبِ اَلشَّرَفِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ حُجَّةِ اَلْمَعْبُودِ، وَكَلِمَةِ اَلْمَحْمُودِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مُعِزِّ اَلْأَوْلِياءِ، وَمُذِلِّ اَلْأَعْداءِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ وارِثِ اَلْأَنْبِياءِ، وَخاتَمِ اَلْأَوْصِياءِ.

اَلسَّلامُ عَلَى اَلْقائِمِ اَلْمُنْتَظَرِ، وَاَلْعَدْلِ اَلْمُشْتَهَرِ.

اَلسَّلامُ عَلَى اَلسَّيْفِ اَلشّاهِرِ، وَاَلْقَمَرِ اَلزّاهِرِ، وَاَلنُّورِ اَلْباهِرِ.

۱ـ مصباح الزائر: ۴۴۴، مزار كبير: ۶۵۷ ـ ۶۵۹، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۱۰۳ ـ ۱۰۴، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۴/ ۲۸۷ ش۱۴۹۵، وص۴۲۳ ش۱۵۹۹.

اَلسَّلامُ عَلىٰ شَمْسِ اَلظَّلامِ، وَبَدْرِ اَلتَّمامِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ رَبِيعِ اَلْأَنامِ، وَنَضْرَةِ اَلْأَيّامِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ صاحِبِ اَلصَّمْصامِ، وَفَلّاقِ اَلْهامِ.

اَلسَّلامُ عَلَى اَلدِّينِ اَلْمَأْثُورِ، وَاَلْكِتابِ اَلْمَسْطُورِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ بَقِيَّةِ اَللهِ في بِلادِهِ، وَحُجَّتِهِ عَلىٰ عِبادِهِ، اَلْمُنْتَهىٰ إِلَيْهِ مَوارِيثُ اَلْأَنْبياءِ، وَلَدَيْهِ مَوْجُودُ آثارُ اَلْأَصْفِياءِ، اَلْمُؤْتَمَنِ عَلَى اَلسِّرِّ، وَاَلْوَلِيِّ لِلْأَمْرِ.

اَلسَّلامُ عَلَى اَلْمَهْدِيِّ اَلَّذِي وَعَدَ اَللهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ اَلْأُمَمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ اَلْكَلِمَ، وَيَلُمَّ بِهِ اَلشَّعْثَ، وَيَمْلَأَ بِهِ اَلْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً، وَيُمَكِّنَ لَهُ، وَيُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ اَلْمُؤْمِنِينَ.

أَشْهَدُ يا مَوْلايَ أَنَّكَ وَاَلْأَئِمَّةَ مِنْ آبائِكَ أَئِمَّتِي وَمَوالِيَّ فِي اَلْحَياةِ اَلدُّنْيا، وَيَوْمَ يَقُومُ اَلْأَشْهادُ.

أَسْأَلُكَ يا مَوْلايَ أَنْ تَسْأَلَ اَللهَ تَبارَكَ وَتَعالىٰ في صَلاحِ شَأْنِي، وَقَضاءِ حَوائِجِي، وَغُفْرانِ ذُنُوبِي، وَاَلْأَخْذِ بِيَدِي، في دِينِي وَدُنْيايَ وَآخِرَتِي، لِي وَلِكافَّةِ إِخْوانِيَ اَلْمُؤْمِنِينَ وَاَلْمُؤْمِناتِ، إِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ، وَصَلَّى اَللهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اَللهِ وَآلِهِ اَلطّاهِرِينَ.

پس دوازده رکعت نماز زیارت می‌کنی ـ هر دو رکعت به یک سلام ـ، پس می‌خوانی دعایی که از آن حضرت منقول است، و آن این است:

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ اَلْبَلاءُ، وَبَرِحَ اَلْخَفاءُ، وَاَنْكَشَفَ اَلْغِطاءُ، وَضاقَتِ اَلْأَرْضُ، وَمَنَعَتِ اَلسَّماءُ، وَإِلَيْكَ يا رَبِّ اَلْمُشْتَكىٰ، وَعَلَيْكَ اَلْمُعَوَّلُ في اَلشِّدَّةِ وَاَلرَّخاءِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، اَلَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنا طاعَتَهُمْ، فَعَرَّفْتَنا بِذٰلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَرِّجْ عَنّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عاجِلاً كَلَمْحِ اَلْبَصَرِ، أَوْ هُوَ أَقْرَبُ مِنْ ذٰلِكَ.

يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ، يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ، اُنْصُرانِـي فَـإِنَّكُما نـاصِرايَ، وَاكْـفِيانِي فَإِنَّكُما كافِيايَ.

يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ، اَلْغَوْثَ، اَلْغَوْثَ، اَلْغَوْثَ؛ أَدْرِكْنِي، أَدْرِكْنِي، أَدْرِكْنِي[۱].

بدان‌كه زيارت آن حضرت در سرداب و جميع بلاد مرغوب است؛ خصوصا در امكنه شريفه، مثل ضرايح مقدّسه اجداد طاهرين آن‌حضرت عليهم السلام، و در ازمنه متبرّكه، خصوصاً شب ولادت آن حضرت ـ كه موافق مشهور شب پانزدهم ماه شعبان است ـ، و در شب قدر كه ملائكه و روح بر آن حضرت نازل مى‌شوند.

---

۱ ـ مزار شهيد: ۲۱۰، مزار كبير: ۵۹۰، بحارالانوار: ۱۱۹/۱۰۲، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۴/ ۲۸۵ ـ ۲۸۷ ش۱۴۹۴ وص۳۰۱ ش۱۵۰۱.

باب یازدهم

در بیان زیارات جامعه است که هر امامی را به آن زیارت می‌توان کرد، و استغاثه به ایشان نمودن، وعرایض به خدمت ایشان نوشتن درحاجتها و شدّتها، و کیفیّت صلوات فرستادن بر ایشان؛ و مشتمل برچند فصل است:

فصل اوّل

در بيان زيارات جامعه است

زيارت اوّل:

به سند معتبر منقول است كه از حضرت امام رضا ﷺ پرسيدند از زيارت موسى بن جعفر ﷺ.

فرمود كه: نماز كنيد در مسجدهايى كه در دور آن حضرت است. و كافى است نزد هر امامى، كه اين زيارت بكنيد:

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَوْلِياءِ اَللهِ وَأَصْفِيائِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أُمَناءِ اَللهِ وَأَحِبّائِهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَنْصارِ اَللهِ وَخُلَفائِهِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَحالِّ مَعْرِفَةِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَساكِنِ ذِكْرِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُظْهِرِي أَمْرِ اَللهِ وَنَهْيِهِ، اَلسَّلامُ عَلَى اَلدُّعاةِ إِلَى اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَى اَلْمُسْتَقِرِّينَ فِي مَرْضاةِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَى اَلْمُمَحَّصِينَ[1] فِي طاعَةِ اَللهِ، اَلسَّلامُ عَلَى اَلْأَدِلّاءِ عَلَى اَللهِ.

اَلسَّلامُ عَلَى اَلَّذِينَ مَنْ والاهُمْ فَقَدْ والَى اَللهَ، وَمَنْ عاداهُمْ فَقَدْ عادَى اَللهَ، وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اَللهَ، وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اَللهَ، وَمَنِ اَعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اَعْتَصَمَ بِاللهِ، وَمَنْ تَخَلّىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّىٰ مِنَ اَللهِ.

أُشْهِدُ اَللهَ أَنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ

---

١ ـ «المُخلِصينَ» خ ل.

وَعَلانِيَتِكُمْ، مُفَوِّضٌ في ذٰلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ.

لَعَنَ ٱللهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنْسِ مِنَ ٱلْأَوَّلِينَ وَٱلْآخِرِينَ، وَأَبْرَأُ[1] إِلَى ٱللهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى ٱللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ٱلطّاهِرِينَ.

و این کافی است در همهٔ زیارتها، و بسیار صلوات می‌فرستی بر مُحمّد و آل محمّد، و نام می‌بری یک یک را به نام ایشان، و بیزاری می‌جویی از دشمنان ایشان، و دعا می‌کنی از برای خود و مؤمنان به آنچه خواهی[2].

[صلوات بر رسول خدا و ائمه علیهم السلام]

مؤلّف گوید که: چون در این روایت امر به صلوات بر هریک بخصوص وارد شده است، اگر این صلواتِ منقول را بخواند بعد از زیارت، مناسب است.

و این صلوات، در کتب غیبت با سندش مذکور است، و چون طولی دارد اکتفا می‌نماییم به آنچه شیخ طوسی ـ علیه الرحمه ـ در مصباح کبیر ذکر کرده است که:

این صلواتی است که بیرون آمد به سوی ابوالحسن ضرّاب اصفهانی در مکه، و نسخه‌اش این است:

بِسْمِ ٱللهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَخاتَمِ ٱلنَّبِيِّينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ، ٱلْمُنْتَجَبِ في ٱلْمِيثاقِ، ٱلْمُصْطَفىٰ في ٱلظِّلالِ، ٱلْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، ٱلْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، ٱلْمُؤَمَّلِ لِلنَّجاةِ، ٱلْمُرْتَجىٰ لِلشَّفاعَةِ، ٱلْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ ٱللهِ.

اَللّٰهُمَّ شَرِّفْ بُنْيانَهُ، وَعَظِّمْ بُرْهانَهُ، وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُ، وَٱرْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَأَضِئْ نُورَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ ٱلْفَضْلَ وَٱلْفَضِيلَةَ، وَٱلْمَنْزِلَةَ وَٱلْوَسِيلَةَ، وَٱلدَّرَجَةَ ٱلرَّفِيعَةَ، وَٱبْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ ٱلْأَوَّلُونَ وَٱلْآخِرُونَ.

---

۱ ـ «لَعن الله عدوّ آل محمّد من الجنّ والإنس وأبرَأُ» خ ل.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۷۸ ح ۲، کامل الزیارات: ۳۱۵ ب ۱۰۴ ح ۱، من لایحضره الفقیه: ۲/ ۶۰۸ ح ۳۲۱۵، عیون اخبار الرضا: ۲/ ۲۷۶ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۱۲۶ ح ۱ ـ ۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۲۸ ش ۱۲۸۹ وج ۵/ ۴۴ ش ۱۶۵۳.

وَصَلِّ عَلىٰ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثِ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَقائِدِ ٱلْغُرِّ ٱلْمُحَجَّلِينَ، وَسَيِّدِ ٱلْوَصِيِّينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى ٱلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إمامِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثِ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى ٱلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، إمامِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثِ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ ٱلْحُسَيْنِ، إمامِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثِ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، إمامِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثِ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، إمامِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثِ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلىٰ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، إمامِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثِ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ، إمامِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثِ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، إمامِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثِ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، إمامِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثِ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى ٱلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمامِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثِ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى ٱلْحُجَّةِ ٱلْمُنْتَظَرِ ٱلْخَلَفِ ٱلْقائِمِ ٱلْهادِي ٱلْمَهْدِيِّ، إِمامِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَوارِثِ ٱلْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، ٱلْأَئِمَّةِ ٱلْهادِينَ ٱلْمَهْدِيِّينَ، ٱلْعُلَماءِ ٱلصّادِقِينَ، ٱلْأَوْصِياءِ ٱلْمَرْضِيِّينَ، دَعائِمِ دِينِكَ، وَأَرْكانِ تَوْحِيدِكَ، وَتَراجِمَةِ وَحْيِكَ، وَحُجَجِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَخُلَفائِكَ فِي أَرْضِكَ، فَهُمُ ٱلَّذِينَ ٱخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَٱصْطَفَيْتَهُمْ لِعِبادِكَ، وَٱرْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرامَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَزَيَّنْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، وَغَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَأَلْبَسْتَهُمْ مِنْ نُورِكَ، وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ، وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلائِكَتِكَ، وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ، صَلاةً زاكِيَةً نامِيَةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً دائِمَةً لا يُحِيطُ بِها إِلّا أَنْتَ، وَلا يَسَعُها إِلّا عِلْمُكَ، وَلا يُحْصِيها أَحَدٌ غَيْرُكَ.

اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ، ٱلْمُحْيِي لِسُنَّتِكَ، ٱلْقائِمِ بِأَمْرِكَ، ٱلدّاعِي إِلَيْكَ، ٱلدَّلِيلِ عَلَيْكَ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَشاهِدِكَ عَلىٰ عِبادِكَ.

اَللّٰهُمَّ أَعِزَّ نَصْرَهُ، وَمُدَّ فِي عُمْرِهِ، وَزَيِّنِ ٱلْأَرْضَ بِطُولِ بَقائِهِ.

اَللّٰهُمَّ ٱكْفِهِ بَغْيَ ٱلْحاسِدِينَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ ٱلْكائِدِينَ، وَٱدْحَرْ عَنْهُ إِرادَةَ ٱلظّالِمِينَ، وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي ٱلْجَبّارِينَ.

اَللّٰهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَشِيعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ وَخاصَّتِهِ وَعامَّتِهِ وَعَدُوِّهِ وَجَمِيعِ أَهْلِ ٱلدُّنْيا، ما تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ، وَتَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ، وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِي ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللّٰهُمَّ جَدِّدْ بِهِ ما مُحِيَ مِنْ دِينِكَ، وَأَحْيِ بِهِ ما بُدِّلَ مِنْ كِتابِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ ما غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتّىٰ يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلىٰ يَدَيْهِ غَضّاً جَدِيداً خالِصاً مُخْلَصاً لا شَكَّ فِيهِ، وَلا شُبْهَةَ مَعَهُ، وَلا باطِلَ عِنْدَهُ، وَلا بِدْعَةَ لَدَيْهِ.

اَللّٰهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَهُدَّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ، وَاهْدِمْ بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلالَةٍ، وَاقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبّارٍ، وَأَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نارٍ، وَأَهْلِكْ بِعَدْلِهِ جَوْرَ كُلِّ جائِرٍ، وَأَجْرِ حُكْمَهُ عَلىٰ كُلِّ حُكْمٍ، وَأَذِلَّ بِسُلْطانِهِ كُلَّ سُلْطانٍ.

اَللّٰهُمَّ أَذِلَّ مَنْ ناواهُ، وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عاداهُ، وَامْكُرْ بِمَنْ كادَهُ، وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ حَقَّهُ، وَاسْتَهانَ بِأَمْرِهِ، وَسَعىٰ في إِطْفاءِ نُورِهِ، وَأَرادَ إِخْمادَ ذِكْرِهِ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ محمّدٍ المُصطَفىٰ، وَعَلِيٍّ المُرْتَضىٰ، وَفاطِمَةَ الزَّهراءِ، وَالحَسَنِ الرِّضا، وَالحُسَينِ المُصَفّىٰ، وَجَمِيعِ الأوصِياءِ، مَصابِيحِ الدُّجىٰ، وَأَعلامِ الهُدىٰ، وَمَنارِ التُّقىٰ، وَالعُرْوَةِ الوُثْقىٰ، وَالحَبْلِ المَتِينِ، وَالصِّراطِ المُستَقِيمِ.

وَصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ وَوُلاةِ عَهْدِكَ، وَالأَئِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ، وَمُدَّ في أَعْمارِهِم، وَزِدْ في آجالِهِم، وَبَلِّغْهُم أَقْصىٰ آمالِهِم، دِيناً وَدُنْياً وَآخِرَةً، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ[1].

زيارت دوم:

شيخ ابن بابويه ـ عليه الرّحمه ـ و غير او به سند معتبر روايت كرده‌اند كه، شخصى از حضرت امام على نقى ـ صلوات الله عليه ـ سؤال نمود كه: اى فرزند رسول خدا به من تعليم نما سخن بليغ كاملى كه آن را بخوانم، هرگاه زيارت كنم يكى از شما را.

فرمود كه: چون به درگاه برسى، بايست و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً ـ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

---

١ ـ مصباح المتهجد: ۴۰۶ ـ ۴۰۹، غيبت طوسى: ۱۶۸ ـ ۱۷۰، مزار كبير: ۶۶۷ ـ ۶۷۰، جمال الأسبوع: ۵۰۰ ـ ۵۰۴، بحارالانوار: ۵۲/ ۲۰ ـ ۲۲ وج ۸۱/۹۴ ـ ۸۳، موسوعة زيارات المعصومين‌عليهم‌السلام: ۵/ ۱۵۳ ش ۱۶۸۲.

و باید که با غسل باشی.

پس چون داخل شوی و قبر را ببینی، بایست و سی مرتبه **الله أكبر** بگو.

پس راه برو به آرام دل و آرام تن، و گامها را نزدیک به‌یکدیگر بگذار، پس بایست و سی مرتبه **الله أكبر** بگو.

پس به نزدیک قبر برو و چهل مرتبه **الله أكبر** بگو ـ که صد تکبیر تمام شود ـ.

پس بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَمَوْضِعَ الرِّسالَةِ، وَمُخْتَلَفَ المَلائِكَةِ، وَمَهْبِطَ الوَحْيِ، وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ، وَخُزّانَ العِلْمِ، وَمُنْتَهَى الحِلْمِ، وَأُصُولَ الكَرَمِ، وَقادَةَ الأُمَمِ، وَأَوْلِياءَ النِّعَمِ، وَعَناصِرَ الأَبْرارِ، وَدَعائِمَ الأَخْيارِ، وَساسَةَ العِبادِ، وَأَرْكانَ البِلادِ، وَأَبْوابَ الإِيمانِ، وَأُمَناءَ الرَّحْمٰنِ، وَسُلالَةَ النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةَ المُرْسَلِينَ، وَعِتْرَةَ خِيَرَةِ رَبِّ العالَمِينَ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَئِمَّةِ الهُدىٰ، وَمَصابِيحِ الدُّجىٰ، وَأَعْلامِ التُّقىٰ، وَذَوِي النُّهىٰ، وَأُولِي الحِجا، وَكَهْفِ الوَرىٰ، وَوَرَثَةِ الأَنْبِياءِ، والمَثَلِ الأَعْلىٰ، وَالدَّعْوَةِ الحُسْنىٰ، وَحُجَجِ اللهِ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ وَالأُولىٰ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ، وَمَساكِنِ بَرَكَةِ اللهِ، وَمَعادِنِ حِكْمَةِ اللهِ، وَحَفَظَةِ سِرِّ اللهِ، وَحَمَلَةِ كِتابِ اللهِ، وَأَوْصِياءِ نَبِيِّ اللهِ، وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللهِ ـ صلّى الله عليه وآله ـ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَلسَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ إِلَى اللهِ، وَالأَدِلّاءِ عَلىٰ مَرْضاةِ اللهِ، وَالمُسْتَوفِرِينَ[1] في أَمْرِ اللهِ وَالتّامِّينَ في مَحَبَّةِ اللهِ، وَالمُخْلِصِينَ في تَوْحِيدِ اللهِ، وَالمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبادِهِ المُكْرَمِينَ الَّذِينَ لا يَسْبِقُونَهُ بِالقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

---

۱ ـ «والمُسْتَقِرِّين» خ ل.

اَلسَّلامُ عَلَى الأَئِمَّةِ الدُّعاةِ، وَالقادَةِ الهُداةِ، وَالسّادَةِ الوُلاةِ، وَالذّادَةِ الحُماةِ، وَأَهْلِ الذِّكرِ، وَأُولِي الأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللهِ، وَخِيَرَتِهِ وَحِزْبِهِ، وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَحُجَّتِهِ وَصِراطِهِ، وَنُورِهِ وَبُرْهانِهِ، وَرَحْمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، كَما شَهِدَ اللهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلائِكَتُهُ وَأُولُو العِلْمِ مِنْ خَلقِهِ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ العَزِيزُ الحَكِيمُ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ محمّداً عَبْدُهُ المُنْتَجَبُ، وَرَسُولُهُ المُرْتَضىٰ، أَرْسَلَهُ بِالهُدىٰ وَدِينِ الحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ المُشْرِكُونَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمُ الأَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ، المَهْدِيُّونَ، المَعْصُومُونَ، المُكَرَّمُونَ، المُقَرَّبُونَ، المُتَّقُونَ، الصّادِقُونَ، المُصْطَفَوْنَ، المُطِيعُونَ لِلّٰهِ، القَوّامُونَ بِأَمْرِهِ، العامِلُونَ بِإِرادَتِهِ، الفائِزُونَ بِكَرامَتِهِ.

اِصْطَفاكُمْ بِعِلْمِهِ[١]، وَارْتَضاكُمْ لِغَيْبِهِ، وَاخْتارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَباكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ بِهُداهُ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهانِهِ، وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ[٢]، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفاءَ في أَرْضِهِ، وَحُجَجاً عَلىٰ بَرِيَّتِهِ، وَأَنْصاراً لِدِينِهِ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِهِ، وَتَراجِمَةً لِوَحْيِهِ، وَأَرْكاناً لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهَداءَ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَأَعْلاماً لِعِبادِهِ، وَمَناراً في بِلادِهِ، وَأَدِلّاءَ عَلىٰ صِراطِهِ.

عَصَمَكُمُ اللهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَآمَنَكُمْ مِنَ الفِتَنِ، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً؛ فَعَظَّمْتُمْ جَلالَهُ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَأَدَمْتُمْ[٣] ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ مِيثاقَهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ في السِّرِّ وَالعَلانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ إِلىٰ سَبِيلِهِ بِالحِكْمَةِ وَالمَوْعِظَةِ الحَسَنَةِ، وَبَذَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ في مَرْضاتِهِ،

---

١ ـ «لِعلمه» خ ل.
٢ ـ «بنوره» خ ل.
٣ ـ «أدَمْنتم» خ ل.

وَصَبَرْتُمْ عَلىٰ ما أَصابَكُمْ في جَنْبِهِ، وَأَقَمْتُمُ الصَّلاةَ، وَآتَيْتُمُ الزَّكاةَ، وَأَمَرْتُمْ بِالمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ المُنْكَرِ، وَجاهَدْتُمْ في اللهِ حَقَّ جِهادِهِ، حَتّىٰ أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، وَبَيَّنْتُمْ فَرائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَنَشَرْتُم[۱] شَرائِعَ أَحْكامِهِ، وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ[۲]، وَصِرْتُمْ في ذٰلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ القَضاءَ، وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضىٰ.

فَالرّاغِبُ عَنْكُمْ مارِقٌ، وَاللّازِمُ لَكُمْ لاحِقٌ، وَالمُقَصِّرُ في حَقِّكُمْ زاهِقٌ، وَالحَقُّ مَعَكُمْ، وَفِيكُمْ، وَمِنْكُمْ، وَإِلَيْكُمْ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيراثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَإِيابُ الخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَصْلُ الخِطابِ عِنْدَكُمْ، وَآياتُ اللهِ لَدَيْكُمْ، وَعَزائِمُهُ فِيكُمْ، وَنُورُهُ وَبُرْهانُهُ عِنْدَكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ.

مَنْ والاكُمْ فَقَدْ والَى اللهَ، وَمَنْ عاداكُمْ فَقَدْ عادَى اللهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللهَ، وَمَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللهِ، أَنْتُمُ السَّبيلُ الأَعْظَمُ وَالصِّراطُ[۳] الأَقْوَمُ، وَشُهَداءُ دارِ الفَناءِ، وَشُفَعاءُ دارِ البَقاءِ، وَالرَّحْمَةُ المَوْصُولَةُ، وَالآيَةُ المَخْزُونَةُ، وَالأَمانَةُ المَحْفُوظَةُ، وَالبابُ المُبْتَلىٰ بِهِ النّاسُ.

مَنْ أَتاكُمْ فقد نَجا، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ فقد هَلَكَ؛ إِلَى اللهِ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَإِلىٰ سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ.

سَعِدَ وَاللهِ مَنْ والاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ عاداكُمْ، وَخابَ مَنْ جَحَدَكُمْ، وَضَلَّ مَنْ فارَقَكُمْ، وَفازَ من تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَاَمِنَ من لَجَأَ اِلَيكُمْ، وسَلِمَ مَن صَدَّقَكم، وَهُدِيَ مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ.

مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالجَنَّةُ مَأْواهُ، وَمَنْ خالَفَكُمْ فَالنّارُ مَثْواهُ، وَمَنْ جَحَدَكُمْ كافِرٌ، وَمَنْ حارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ في أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الجَحِيمِ.

---

۱ ـ «فَسَّرْتُمْ» خ ل. ۲ ـ «سُنَنَه» خ ل.

۳ ـ «ومن اعتصم بكم فقد اعتصم بالله، أنتم الصراط» خ ل.

أَشْهَدُ أَنَّ هٰذا سابِقٌ لَكُمْ فِيما مَضىٰ، وَجارٍ لَكُمْ فِيما بَقِيَ؛ وَأَنَّ أَرْواحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطِينَتَكُمْ واحِدَةٌ، طابَتْ وَطَهُرَتْ، بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمُ اللهُ أَنْواراً فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُحْدِقِينَ، حَتّىٰ مَنَّ عَلَيْنا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ في بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرفَعَ وَيُذكَرَ فيها اسْمُهُ، وَجَعلَ صَلَواتِنا[1] عليكم، وَما خَصَّنا بِهِ مِنْ وِلايَتِكُمْ طِيْباً لِخُلْقِنا، وَطَهارَةً لِأَنْفُسِنا، وَتَزْكِيَةً لَنا، وَكَفّارَةً لِذُنُوبِنا، فَكُنّا عِنْدَهُ مُسَلِّمِينَ[2] بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفِينَ بِتَصْدِيقِنا إِيّاكُمْ، فَبَلَغَ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ المُكَرَّمِينَ، وَأَعْلىٰ مَنازِلِ المُقَرَّبِينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجاتِ المُرْسَلِينَ، حَيْثُ لا يَلْحَقُهُ لاحِقٌ، وَلا يَفُوقُهُ فائِقٌ، وَلا يَسْبِقُهُ سابِقٌ، وَلا يَطْمَعُ في إِدْراكِهِ طامِعٌ؛ حَتّىٰ لايَبْقىٰ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلا صِدِّيقٌ وَلا شَهِيدٌ، وَلا عالِمٌ وَلا جاهِلٌ، وَلا دَنِيٌّ وَلا فاضِلٌ، وَلا مُؤْمِنٌ صالِحٌ، وَلا فاجِرٌ طالِحٌ، وَلا جَبّارٌ عَنِيدٌ، وَلا شَيْطانٌ مَرِيدٌ، وَلا خَلْقٌ فِيما بَيْنَ ذٰلِكَ شَهِيدٌ، إِلّا عَرَّفَهُمْ جَلالَةَ أَمْرِكُمْ، وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ، وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ، وَتَمامَ نُورِكُمْ، وَصِدْقَ مَقاعِدِكُمْ، وَثَباتَ مَقامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَكَرامَتَكُمْ عَلَيْهِ، وَخاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ.

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَأَهْلِي وَمالِي وَأُسْرَتي.

أُشْهِدُ اللهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِما آمَنْتُمْ بِهِ، كافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَبِما كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكُمْ، مُوالٍ لَكُمْ وَلِأَوْلِيائِكُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدائِكُمْ ومُعادٍ لَهُمْ، سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ، حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِما حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِما أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَكُمْ، عارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِإِيابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ،

---

١ ـ «صلاتنا» خ ل.
٢ ـ «مُسمِّين» خ ل.

آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زائِرٌ لَكُمْ، عائِذٌ بكم، لائِذٌ بِقُبُورِكُم[1]، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمُقَدِّمُكُمْ أَمامَ طَلِبَتِي وَحَوائِجِي وَإِرادَتِي في كُلِّ أَحْوالي وَأُمُوري، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ، وَشاهِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ، وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَمُفَوِّضٌ في ذلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَمُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ، وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ[2]، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّىٰ يُحْيِيَ اللهُ تعالى دِينَهُ بِكُمْ، وَيَرُدَّكُمْ في أَيّامِهِ، وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ[3]، وَيُمَكِّنَكُمْ في أَرْضِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ، لا مَعَ عَدُوِّكُم[4]، آمَنْتُ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِما تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ، وَبَرِئْتُ إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدائِكُمْ، وَمِنَ الجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَالشَّياطِينِ وَحِزْبِهِم، الظّالِمِينَ لَكُمْ، وَالجاحِدِينَ لِحَقِّكُمْ، وَالمارِقِينَ مِنْ وِلايَتِكُمْ، وَالغاصِبِينَ لِإِرْثِكُمْ، وَالشّاكِّينَ[5] فِيكُمْ، وَالمُنْحَرِفِينَ[6] عَنْكُمْ؛ وَمِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَكُمْ، وَكُلِّ مُطاعٍ سِواكُمْ، وَمِنَ الأَئِمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النّارِ.

فَثَبَّتَنِيَ اللهُ أَبَداً ما حَيِيتُ عَلىٰ مُوالاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ، وَوَفَّقَنِي لِطاعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِي شَفاعَتَكُمْ، وَجَعَلَنِي مِنْ خِيارِ مَوالِيكُمُ التّابِعِينَ لِما دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثارَكُمْ، وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي بِهُداكُمْ، وَيُحْشَرُ في زُمْرَتِكُمْ، وَيَكِرُّ في رَجْعَتِكُمْ، وَيُمَلَّكُ في دَوْلَتِكُمْ، وَيُشَرَّفُ في عافِيَتِكُمْ، وَيُمَكَّنُ في أَيّامِكُمْ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ غَداً بِرُؤْيَتِكُمْ.

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمالي، مَنْ أَرادَ اللهَ بَدَأَ بِكُمْ، وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ.

---

۱ ـ «زائر لكم، لائذ عائذ بقبوركم» خ ل.
۲ ـ «مُتَّبع» خ ل.
۳ ـ «بعدله» خ ل.
۴ ـ «لا مع غَيْرِكم» خ ل.
۵ ـ «الشّاكّينَ» خ ل.
۶ ـ «المُنْحَرِفينَ» خ ل.

مَوالِيَّ، لا أُحْصِي ثَناءَكُمْ، وَلا أَبْلُغُ مِنَ المَدْحِ كُنْهَكُمْ، وَمِنَ الوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَأَنْتُمْ نُورُ الأَخْيارِ، وَهُداةُ الأَبْرارِ، وَحُجَجُ الجَبّارِ.

بِكُمْ فَتَحَ اللهُ، وَبِكُمْ يَخْتِمُ، وَبِكُمْ يُنَزِّلُ الغَيْثَ، وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الأَرْضِ إِلّا بِإِذْنِهِ، وَبِكُمْ يُنَفِّسُ الهَمَّ، وَبِكُمْ يَكْشِفُ الضُّرَّ[1]، وَعِنْدَكُمْ ما نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَهَبَطَتْ بِهِ مَلائِكَتُهُ، وَإِلىٰ جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الأَمِينُ.

ـ و اگر زيارت اميرالمؤمنين ﷺ باشد بجاى «وإلى جدّكم بُعث الرّوح الأمين» بگو: «وَإِلىٰ أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الأَمِينُ» ـ.

آتاكُمُ اللهُ ما لَمْ يُؤْتِ أَحَداً مِنَ العالَمِينَ، طَأْطَأَ كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ، وَبَخَعَ[2] كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفازَ الفائِزُونَ بِوِلايَتِكُمْ، بِكُمْ[3] يُسْلَكُ إِلَى الرِّضْوانِ، وَعَلىٰ مَنْ جَحَدَ وِلايَتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمٰنِ.

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمالِي، ذِكْرُكُمْ فِي الذّاكِرِينَ، وَأَسْماؤُكُمْ فِي الأَسْماءِ، وَأَجْسادُكُمْ فِي الأَجْسادِ، وَأَرْواحُكُمْ فِي الأَرْواحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ، وَآثارُكُمْ فِي الآثارِ، وَقُبُورُكُمْ فِي القُبُورِ؛ فَما أَحْلىٰ أَسْماءَكُمْ، وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ، وَأَجَلَّ خَطَرَكُمْ، وَأَوْفىٰ عَهْدَكُمْ، وَأَصْدَقَ وَعْدَكُمْ.

كَلامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمُ التَّقْوىٰ، وَفِعْلُكُمُ الخَيْرُ، وَعادَتُكُمُ الإِحْسانُ، وَسَجِيَّتُكُمُ الكَرَمُ، وَشَأْنُكُمُ الحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ؛ إِنْ ذُكِرَ الخَيْرُ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَأَصْلَهُ وَفَرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ وَمَأْواهُ وَمُنْتَهاهُ.

---

۱ ـ «ويَكْشِفُ الضُّرَّ» خ ل.
۲ ـ «ونخع» خ ل.
۳ ـ «فَبِكُمْ» خ ل.

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنائِكُمْ، وَأُحْصِي جَمِيلَ بَلائِكُمْ، وَبِكُمْ أَخْرَجَنا اللهُ مِنَ الذُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنّا غَمَراتِ الكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنا بِكُمْ مِنْ شَفا جُرُفِ الهَلَكاتِ وَمِنَ النّارِ.

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، بِمُوالاتِكُمْ عَلَّمَنا اللهُ مَعالِمَ دِينِنا، وَأَصْلَحَ ما كانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيانا، وَبِمُوالاتِكُمْ تَمَّتِ الكَلِمَةُ وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ وائتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَبِمُوالاتِكُم[1] تُقْبَلُ الطّاعَةُ المُفْتَرَضَةُ، وَلَكُمُ المَوَدَّةُ الواجِبَةُ، وَالدَّرَجاتُ الرَّفِيعَةُ، وَالمَقامُ المَحْمُودُ، وَالمَكانُ[2] المَعْلُومُ عِنْدَاللهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالجاهُ العَظِيمُ، وَالشَّأْنُ الكَبِيرُ، وَالشَّفاعَةُ المَقْبُولَةُ.

﴿رَبَّنا آمَنّا بِما أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ﴾[3]، ﴿رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الوَهّابُ﴾[4]، ﴿سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً﴾[5].

يا وَلِيَّ اللهِ، إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوباً لا يَأْتِي عَلَيْها إِلّا رِضاكُمْ[6]؛ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلىٰ سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طاعَتَكُمْ بِطاعَتِهِ، لَمّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي، وَكُنْتُمْ شُفَعائِي؛ فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ أَطاعَكُمْ فَقَدْ أَطاعَ اللهَ، وَمَنْ عَصاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللهَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الأَخْيارِ الأَئِمَّةِ الأَبْرارِ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعائِي؛ فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ العارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ، وَفِي زُمْرَةِ المَرْحُومِينَ بِشَفاعَتِهِمْ، إِنَّكَ

---

۱ ـ «وبولايتكم» خ ل.
۲ ـ «والمقام» خ ل.
۳ ـ آل عمران: ۵۳.
۴ ـ آل عمران: ۸.
۵ ـ اسراء: ۱۰۸.
۶ ـ «إلّا رضى الله ورضاكم» خ ل.

أَرْحَمُ الرّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً، وَحَسْبُنا اللهُ وَنِعْمَ الوَكِيلُ.

و چون خواهی که برگردی برای زیارتِ وداع بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ وَلا قالٍ وَلا مالٍّ، وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، اِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، سَلامَ وَلِيٍّ غَيْرِ راغِبٍ عَنْكُمْ، وَلا مُسْتَبْدِلٍ بِكُمْ، وَلا مُؤْثِرٍ عَلَيْكُمْ، وَلا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ، وَلا زاهِدٍ في قُرْبِكُمْ.

لا جَعَلَهُ الله آخِرَ العَهْدِ مِنْ زِيارَةِ قُبُورِكُمْ، وَإتيانِ مَشاهِدِكُمْ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ، وَحَشَرَنِيَ اللهُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَأَوْرَدَنِي حَوْضَكُمْ، وَجَعَلَنِي مِنْ حِزْبِكُمْ، وأَرْضاكُمْ عَنِّي ومَكَّنَنِي مِنْ[1] دَوْلَتِكُمْ، وَاَحْياني فِي رَجْعَتِكُمْ، وَمَلَّكَنِي فِي أَيّامِكُمْ، وَشَكَرَ سَعْيِي بِكُمْ، وَغَفَرَ ذَنْبِي بِشَفاعَتِكُمْ، وَأَقالَ عَثْرَتِي بِمَحَبَّتِكُمْ[2]، وَاَعْلىٰ كَعْبِي بِمُوالاتِكُمْ، وَشَرَّفَنِي بِطاعَتِكُمْ، وَاَعَزَّنِي بِهُداكُمْ، وَجَعَلَنِي مِمَّن انْقَلَبَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً غانِماً سالِماً مُعافاً غَنِيّاً فائِزاً بِرِضْوانِ الله وَفَضْلِهِ وَكِفايَتِهِ، بِأَفْضَلِ ما يَنْقَلِبُ بِهِ اَحَدٌ مِنْ زُوّارِكُمْ وَمَوالِيكَمْ وَمُحِبِّيكُمْ وَشِيعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِيَ اللهُ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ اَبَداً ما أَبْقانِي رَبِّي، بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ، وَإِيمانٍ وَتَقْوىً وإِخْباتٍ، وَرِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ.

اَللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ العَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِمْ وَذِكْرِهِمْ، وَالصَّلاةِ عَلَيْهِمْ، وَأَوْجِبْ لِيَ المَغْفِرَةَ والرَّحْمَةَ وَالخَيْرَ وَالْبَرَكَةَ وَالتَّقْوىٰ، وَالْفَوْزَ وَالنُّورَ وَالْإِيمانَ، وَحُسْنَ الإجابَةِ، كَما أَوْجَبْتَ لِأَوْلِيائِكَ الْعارِفِينَ بِحَقِّهِمُ، المُوجِبينَ طاعَتَهُمْ، والرّاغِبِينَ[3] فِي زِيارَتِهِمُ، المُتَقَرِّبينَ إِلَيْكَ وَإِلَيْهِمْ.

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسي وَأَهْلي وَمالي، اجْعَلُونِي فِي هَمِّكُمْ، وَصَيِّرُونِي فِي

---

۱ ـ «في» خ ل. ۲ ـ «بحبّكم» خ ل.

۳ ـ «الراغبين» خ ل.

حِزْبِكُمْ، وَأَدْخِلُوني فِي شَفاعَتِكُمْ، وَاذْكُرُوني عِنْدَ رَبِّكُمْ.

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحمّدٍ وَآلِ مُحمّدٍ، وَأَبْلِغْ أَرْواحَهُمْ وَأَجْسادَهُمْ مِنّي السَّلامَ، والسَّلامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ، وَصَلّى اللهُ عَلىٰ مُحمّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيراً، وَحَسْبُنا اللهُ وَنِعْمَ الوَكيلُ[1].

مؤلّف گوید که: این بهترین زیارتهای جامعه است از جهت متن و سند، و باید که در همهٔ روضات خوانده شود.

زیارت سوم: زیارة أئمة المؤمنین علیهم السلام

سیّد ابن طاووس و شیخ محمّد بن المشهدی ـ رضي الله عنهما ـ از ائمّه علیهم السلام روایت کرده‌اند که: چون اراده زیارت یکی از ائمهٔ علیهم السلام بکنی، باید که چون عزم نمایی بر رفتن بگویی:

اللّهُمَّ صِلْ عَزمي بِالتَّحقِيقِ، وَنِيَّتِي بِالتَّوفِيقِ؛ وَرَجائي بِالتَّصدِيقِ. وَتَوَلَّ أمرِي، وَلا تَكِلْنِي إلىٰ نَفْسي، فَأُحُلَّ عُقْدَةَ الخِيَرَةِ، وَأتَخَلَّفَ عَنْ حُضُورِ المَشاهِدِ المُقَدَّسةِ.

و دو رکعت نماز بکن پیش از بیرون رفتن، و بعد از نماز بگو:

اللّهُمَّ إنِّي أسْتَودِعُكَ دِينِي وَنَفْسي، وَجَميعَ حُزانَتي.

اللّهُمَّ أنتَ الصّاحِبُ في السَّفَرِ، وَالخَلِيفَةُ في الأهْلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ.

اللّهُمَّ إنِّي أعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الصُّحبَةِ، وَإخفاقِ الأوْبَةِ.

اللّهُمَّ سَهِّلْ لَنا حَزَنَ ما نَتَوَغَّلُ فيه، وَيَسِّرْ عَلَينا مُسْتَغْزَرَ ما نَروحُ ونَغْدُو لَهُ، إنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

---

۱ ـ من لا يحضره الفقيه: ۶۰۹/۲ ح ۳۲۱۶، عيون أخبار الرضا علیه السلام: ۲۷۷/۲ ح ۱، تهذيب الاحكام: ۹۵/۶ ح ۱، مزار كبير: ۵۲۳ ـ ۵۳۵، بحارالانوار: ۱۲۷/۱۰۲ ح ۴، موسوعة زيارات المعصومين علیهم السلام: ۵۲/۵ ش ۱۶۵۶ وص ۲۰۵ ش ۱۶۹۳.

و چون براه افتی، باید که همّت تو همگی مصروف باشد بر آنچه از برای آن می‌روی. و باید که کم متوجه شوی به امری چند که مانع حضور قلب و حسن حال تو باشد، و نیکو مصاحبت نمایی با رفیقان خود، و ثنای خدا بسیار بگویی، و صلوات بر محمّد و آل محمّد بسیار بفرستی.

و چون غسل زیارت کنی، در اثنای غسل بگو:

بِسمِ اللهِ وَبِاللهِ، وَفي سَبيلِ اللهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسولِ اللهِ.

اللّٰهُمَّ اغْسِلْ عَنّي دَرَنَ الذُّنُوبِ، وَوَسَخَ العُيوبِ، وَطَهِّرْني بِماءِ التَّوبَةِ، وَألبِسْني رِداءَ العِصمَةِ، وَأيِّدْني بِلُطْفٍ مِنكَ تُوَفِّقُني لِصالِحِ الأعمالِ، إنَّكَ ذو الفَضلِ العظِيمِ.

و چون نزدیک شوی به در روضه مقدّسه بگو:

الحَمدُ للهِ الَّذي وَفَّقَني لِقَصْدِ وَلِيِّهِ، وَزِيارَةِ حُجَّتِهِ، وَأوْرَدَني حَرَمَهُ، وَلَمْ يَبْخَسْني حَظّي مِنْ زِيارَةِ قَبرِهِ، وَالنُّزُولِ بِعَقْوَةِ مُغَيَّبِهِ وَساحَةِ تُربَتِهِ.

الحَمدُ للهِ الَّذي لَمْ يَسُمْنِي بِحِرمانِ ما أمَّلْتُهُ، وَلا صَرَفَ عَنّي ما رَجَوتُهُ[1]، وَلا قَطَعَ رَجائي فِيما[2] تَوَقَّعتُهُ، بَلْ ألْبَسَني عافِيَتَهُ، وَأفادَني نِعمَتَهُ، وَآتاني كَرامَتَهُ.

پس چون داخل روضه متبرّکه شوی، بایست نزد ضریح منوّر و بگو:

السَّلامُ عَلَيكُم أئِمَّةَ المُؤمِنينَ، وَسادَةَ المُتَّقِينَ، وَكُبَراءَ الصِّدِّيقِينَ، وَأُمَراءَ الصّالِحينَ، وَقادَةَ المُحسِنِينَ، وَأعلامَ المُهتَدِينَ، وَأنوارَ العارِفينَ، وَوَرَثَةَ الأنبِياءِ، وَصُفوَةَ الأوصِياءِ، وَشُموسَ الأتقِياءِ، وَبُدورَ الخُلَفاءِ، وَعِبادَ الرَّحمٰنِ، وَشُرَكاءَ القُرآنِ، وَمَنهَجَ[3] الإيمانِ، وَمَعادِنَ الحَقائِقِ، وَشُفَعاءَ الخَلائِقِ، وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

أشهَدُ أنَّكُم أبوابُ اللهِ، وَمَفاتِيحُ رَحمَتِهِ، وَمَقالِيدُ مَغفِرَتِهِ، وَسَحائِبُ رِضوانِهِ، وَمَصابِيحُ جِنانِهِ، وَحَمَلَةُ فُرقانِهِ، وَخَزَنَةُ عِلمِهِ، وَحَفَظَةُ سِرِّهِ، وَمَهبِطُ وَحيِهِ، وَعِندَكُم

۱ـ «وَلا صَرَفَ عَزمي عَمّا رَجَوْتُهُ» خ ل. ۲ـ «مِمّا» خ ل.

۳ـ «ومناهج» خ ل.

أماناتُ النُّبُوَّةِ، وَوَدائِعُ الرِّسالَةِ، أنتُمْ أُمَناءُ اللهِ وَأحِبّاؤهُ، وَعِبادُهُ وَأصفِياؤهُ، وَأنصارُ تَوحِيدِهِ، وَأركانُ تَمجِيدِهِ، وَدُعاتُهُ إلىٰ كُتُبِهِ[۱]، وَحَرَسَةُ خَلائِقِهِ، وَحَفَظَةُ وَدائِعِهِ، لا يَسبِقُكُم ثَناءُ المَلآئِكَةِ في الإخلاصِ وَالخُشوعِ، وَلا يُضادُّكُم ذُو ابْتِهالٍ وَخُضوعٍ.

أنّى وَلَكُمُ القُلوبُ الَّتي تَوَلّى اللهُ رِياضَتَها بِالخَوفِ وَالرَّجاءِ، وَجَعَلَها أوْعِيَةً لِلشُّكرِ وَالثَّناءِ، وَآمَنَها مِنْ عَوارِضِ الغَفلَةِ، وَصَفّاها مِنْ شَواغِلِ الفَتْرَةِ، بَلْ يَتَقَرَّبُ أهلُ السَّماءِ بِحُبِّكُم، وَبِالبَراءَةِ مِنْ أعدائِكُم، وَتَواتُرِ البُكاءِ عَلىٰ مُصابِكُمْ، وَالاِستِغفارِ لِشِيعَتِكُم وَمُحِبِّيكُمْ.

فَأنا أُشهِدُ اللهَ خالِقي، وَأُشهِدُ مَلائِكَتَهُ وَأنبِياءَهُ، وَأُشهِدُكُم يا مَوالِيَّ أنّي مُؤمِنٌ بِوِلايَتِكُم، مُعتَقِدٌ لِإمامَتِكُم، مُقِرٌّ بِخِلافَتِكُم، عارِفٌ بِمَنزِلَتِكُم، مُوقِنٌ بِعِصمَتِكُم، خاضِعٌ لِوِلايَتِكُم، مُتَقَرِّبٌ إلَى اللهِ بِحُبِّكُم، وَبِالبَراءَةِ مِنْ أعدائِكُم، عالِمٌ بِأنَّ اللهَ قَدْ طَهَّرَكُم مِنَ الفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنها وَما بَطَنَ، وَمِنْ كُلِّ رِيبَةٍ وَنَجاسَةٍ، وَدَنِيَّةٍ وَرَجاسَةٍ، وَمَنَحَكُم رايَةَ الحَقِّ الَّتي مَنْ تَقَدَّمَها ضَلَّ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنها زَلَّ، وَفَرَضَ طاعَتَكُم عَلىٰ كُلِّ أسوَدَ وَأبيَضَ.

وَأشهَدُ أنَّكُم قَدْ وَفَيْتُم بِعَهدِ اللهِ وَذِمَّتِهِ، وَبِكُلِّ ما اشْتَرَطَ[۲] عَلَيكُم فِي كِتابِهِ، وَدَعَوتُم إلىٰ سَبِيلِهِ، وَأنفَذْتُم طاقَتَكُم في مَرضاتِهِ، وَحَمَلْتُمُ الخَلائِقَ عَلىٰ مِنهاجِ النُّبُوَّةِ، وَمَسالِكِ الرِّسالَةِ، وَسِرْتُمْ فِيهِ بِسِيرَةِ الأنبِياءِ، وَمَذاهِبِ الأوصِياءِ، فَلَمْ يُطَعْ لَكُمْ أمرٌ، وَلَمْ تُصغِ إلَيكُمْ أُذُنٌ؛ فَصَلواتُ اللهِ عَلىٰ أرواحِكُم وَأجسادِكُم.

پس خود را به ضریح بچسبان، و بگو:

بِأَبي أنتَ وَأُمّي يا حُجَّةَ اللهِ، لَقَدْ أُرضِعْتَ بِثَدْيِ الإيمانِ، وَفُطِمْتَ بِنُورِ

---

۱ ـ «دينه» خ ل.

۲ ـ «ما اشترطهُ» خ ل.

الإسلامِ، وَغُذِّيتَ بِبَرْدِ اليَقِينِ، وَأُلْبِسْتَ حُلَلَ العِصمَةِ، وَاصْطُفِيتَ وَوُرِّثْتَ عِلمَ الكِتابِ، وَلُقِّنْتَ فَصلَ الخِطابِ، وَأُوضِحَ بِكَ مَعارِفُ التَّنزِيلِ، وَغَوامِضُ التَّأوِيلِ، وَسُلِّمَتْ إلَيكَ رَايَةُ الحَقِّ، وَكُلِّفْتَ هِدايَةَ الخَلقِ، وَنُبِذَ إلَيكَ عَهدُ الإمامَةِ، وَأُلْزِمْتَ حِفظَ الشَّرِيعَةِ.

وَأشهَدُ يا مَولايَ أنَّكَ وَفَيتَ بِشَرائِطِ الوَصِيَّةِ، وَقَضَيتَ ما لَزِمَكَ مِنْ فَرضِ الطّاعَةِ، وَنَهَضْتَ بِأعْباءِ الإمامَةِ، وَاحْتَذَيْتَ مِثالَ النُّبُوَّةِ، فِي الصَّبرِ وَالاِجْتِهادِ، وَالنَّصِيحَةِ لِلعِبادِ، وَكَظمِ الغَيظِ، وَالعَفوِ عَنِ النّاسِ، وَعَزَمْتَ عَلى العَدلِ فِي البَرِيَّةِ، وَالنَّصَفَةِ فِي القَضِيَّةِ، وَوَكَّدْتَ الحُجَجَ عَلَى الأُمَّةِ بِالدَّلائِلِ الصّادِقَةِ، وَالشَّواهِدِ النّاطِقَةِ، وَدَعَوتَ إلَى اللهِ بِالحِكمَةِ البالِغَةِ، وَالمَوعِظَةِ الحَسَنَةِ.

فَمُنِعْتَ مِنْ تَقوِيمِ الزَّيغِ، وَسَدِّ الثُّلَمِ، وإصلاحِ الفاسِدِ، وَكَسرِ المُعانِدِ، وَإحياءِ السُّنَنِ، وَإماتَةِ البِدَعِ، حَتّىٰ فارَقْتَ الدُّنيا وَأنتَ شَهِيدٌ، وَلَقِيتَ رَسولَ اللهِ ـ صلّى الله عليه و آله ـ وَأنتَ حَمِيدٌ، صَلَواتُ اللهِ عَلَيكَ تَتَرادَفُ وَتَزِيدُ.

پس برو به نزد پاها و بگو:

يا سادَتي يا آلَ رَسولِ اللهِ، إنِّي بِكُمْ أتَقَرَّبُ إلَى اللهِ جَلَّ وَعَلا، بِالخِلافِ عَلَى الَّذِينَ غَدِرُوا بِكُم، وَنَكَثُوا بَيعَتَكُم، وَجَحَدُوا وِلايَتَكُم، وَأنكَروا مَنزِلَتَكُم، وَخَلَعوا رِبْقَةَ طاعَتِكُم، وَهَجَروا أسبابَ مَوَدَّتِكُم، وَتَقَرَّبُوا إلىٰ فَراعِنَتِهِم بِالبَراءَةِ مِنْكُم، وَالإعراضِ عَنْكُم، وَمَنَعُوكُم مِنْ إقامَةِ الحُدودِ، وَاسْتِيْصالِ الجُحودِ، وَشَعْبِ الصَّدْعِ، وَلَمِّ الشَّعَثِ، وَسَدِّ الخَلَلِ، وَتَثقِيفِ الأَوَدِ، وَإمضاءِ الأحكامِ، وَتَهذِيبِ الإسلامِ، وَقَمْعِ الآثامِ، وَأرْهَجوا عَلَيكُم نَقْعَ الحُروبِ وَالفِتَنِ، وَأنْحَوْا عَلَيكُم سُيوفَ الأحقادِ، وَهَتَكُوا مِنكُمُ السُّتُورَ، وَابْتاعُوا بِخُمْسِكُمُ الخُمُورَ، وَصَرَفُوا

صَدَقاتِ المَساكِينِ إلَى المُضحِكِينَ وَالسّاخِرِينَ.

وَذٰلِكَ بِما طَرَّقَتْ لَهمُ الفَسَقَةُ الغُواةُ، وَالحَسَدَةُ البُغاةُ، أهلُ النَّكثِ وَالغَدرِ وَالخِلافِ وَالمَكرِ، وَالقُلوبِ المُنْتِنَةِ مِنْ قَذَرِ الشِّركِ، وَالأجسادِ المُشحَنَةِ من دَرَنِ الكُفرِ، الَّذِينَ أضَبُّوا عَلَى النِّفاقِ، وَأكَبُّوا عَلىٰ عَلائِقِ الشِّقاقِ.

فَلَمّا مَضَى المُصطَفىٰ ـ صَلَواتُاللهِ عَلَيهِ وَآلِـهِ ـ اخْـتَطَفُوا الْـغِرَّةَ، وَانْـتَهَزُوا الفُرْصَةَ، وَانْتَهَكُوا الحُرمَةَ، وَغادَرُوهُ عَلىٰ فِراشِ الوَفاةِ، وَأسرَعُوا لِـنَقضِ البَـيعَةِ، وَمُخالَفَةِ المَواثِيقِ المُؤَكَّدَةِ، وَخِيانَةِ الأمانَةِ المَعروضَةِ عَلَى الجِبالِ الرّاسِيَةِ، وَأبَتْ أنْ تَحمِلَها وَحَمَلَها الإنسانُ الظَّلُومُ الجَهولُ ذو الشِّقاقِ وَالعِزَّةِ، بِـالآثامِ المُـولِمَةِ، وَالأَنَفَةِ عَنِ الانقِيادِ لِحَمِيدِ العاقِبَةِ.

فَحُشِرَ سِفْلَةُ[1] الأعرابِ وَبَقايا الأحـزابِ إلىٰ دارِ النُّـبُوَّةِ وَالرِّسـالَةِ، وَمَـهبَطِ الوَحيِ وَالمَلآئِكَةِ، وَمُستَقَرِّ سُلطانِ الوِلايَةِ، وَمَعدِنِ الوَصِيَّةِ وَالخِلافَةِ وَالإمـامَةِ، حَتّىٰ نَقَضُوا عَهدَ المُصطَفىٰ في أخِيهِ عَلَمِ الهُدىٰ، وَالمُبَيِّنِ طَريقَ النَّجاةِ مِنْ طُـرُقِ الرَّدىٰ، وَجَرَحُوا كَبِدَ خَيرِ الوَرىٰ في ظُلمِ ابْنَتِهِ، وَاضْطِهادِ حَبِيبَتِهِ، وَاهْتِضامِ عَزِيزَتِهِ، بَضعَةِ لَحمِهِ، وَفِلْذَةِ كَبِدِهِ، وَخَذَلُوا بَعْلَها، وَصَـغَّرُوا قَـدرَهُ، وَاسْـتَحَلُّوا مَـحارِمَهُ، وَقَطَعُوا رَحِمَهُ، وَأنكَرُوا أُخُوَّتَهُ، وَهَجَرُوا مَوَدَّتَهُ، وَنَقَضُوا طاعَتَهُ[2]، وَجَحَدُوا وِلايَـتَهُ، وَأطمَعُوا العَبِيدَ في خِلافَتِهِ، وَقادُوهُ إلىٰ بَيْعَتِهِم، مُصلِتَةً سُيوفَها، مُشْرِعَةً أسِنَّتَها.

وَهُوَ ساخِطُ القَلبِ، هائِجُ الغَضَبِ، شَدِيدُ الصَّبرِ، كاظِمُ الغَـيظِ، يَـدعونَهُ إلىٰ بَيعَتِهِمُ الَّتي عَمَّ شُؤمُها الإسلامَ، وَزَرَعَتْ في قُلوبِ أهلِها الآثامَ، وَعَنَّفَتْ سَلمانَها، وَطَرَدَتْ مقدادَها، وَنَفَتْ جُندَبَها، وَفَتَقَتْ بَطنَ عَمّارِها، وَحَرَّفَتِ القُـرآنَ، وَبَـدَّلَتِ

---

۱ ـ «فَحشَروا سِفْلَةَ» خ ل.　　۲ ـ «بَيْعَتَهُ» خ ل.

الأحكامَ، وَغَيَّرَتِ المَقامَ، وَأباحَتِ الخُمسَ للطُّلَقاءِ، وَسَلَّطَتْ أولادَ اللُّعَناءِ[1] عَلَى الفُروجِ والدِّماءِ، وَخَلَطَتِ الحَلالَ بِالحَرامِ، وَاسْتَخَفَّتْ بِالإيمانِ وَالإسلامِ، وَهَدَمَتِ الكَعبَةَ، وَأغارَتْ عَلىٰ دارِ الهِجرَةِ يَومَ الحَرَّةِ، وَأبْرَزَتْ بَناتِ المُهاجِرينَ وَالأنصارِ لِلنَّكالِ وَالسَّوْءَةِ، وَألْبَسَتْهُنَّ ثَوبَ العارِ وَالفَضِيحَةِ، وَرَخَّصَتْ لِأهلِ الشُّبهَةِ في قَتلِ أهلِ بَيتِ الصَّفوَةِ، وَإبادَةِ نَسلِهِ، وَاسْتِئْصالِ شَأفَتِهِ، وَسَبْيِ حَرَمِهِ، وَقَتلِ أنصارِهِ، وَكَسرِ مِنبَرِهِ، وَقَلبِ مَفخَرِهِ، وَإخفاءِ دِينِهِ، وَقَطعِ ذِكرِهِ.

يا مَوالِيَّ، فَلَوْ عايَنَكُمُ المُصطَفىٰ وَسِهامُ الأُمَّةِ مُغْرِقَةٌ[2] في أكبادِكُم، وَرِماحُهُم مُشرَعَةٌ في نُحورِكُم، وَسُيوفُهُمْ مُولَعَةٌ في دِمائِكُم، يَشفِي أبناءُ العَواهِرِ غَليلَ الفِسقِ مِنْ وَرَعِكُم، وَغَيظَ الكُفرِ مِنْ إيمانِكُم؛ وأنتُم بَينَ صَريعٍ في المِحرابِ قَدْ فَلَقَ السَّيفُ هامَتَهُ، وَشَهيدٍ فَوقَ الجَنازَةِ قَدْ شُكَّتْ بِالسِّهامِ أكفانُهُ، وَقَتِيلٍ بِالعَراءِ قَدْ رُفِعَ فَوقَ القَناةِ رَأسُهُ، وَمُكَبَّلٍ في السِّجنِ قَدْ رُضَّتْ بِالحَدِيدِ أعضاؤهُ، وَمَسمومٍ قَدْ قُطِّعَتْ بِجُرَعِ السَّمِّ أمعاؤهُ، وَشَمْلُكُم عَباديدُ تُفْنِيهِمُ العَبِيدُ وَأبناءُ العَبِيدِ.

فَهَلِ المِحَنُ يا سادَتي إلّا الَّتي لَزِمَتْكُم، وَالمَصائِبُ إلّا الَّتي عَمَّتْكُم، وَالفَجائِعُ إلّا الَّتي خَصَّتْكُم، وَالقَوارِعُ إلّا الَّتي طَرَقَتْكُم، صَلَواتُ اللهِ عَلَيكُم، وَعَلىٰ أرواحِكُم وَأجسادِكُم، وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس ببوس قبر را و بگو:

بَأبي وَأُمِّي يا آلَ المُصطَفىٰ، إنّا لا نَملِكُ إلّا أنْ نَطوفَ حَولَ مَشاهِدِكُم، وَنُعَزِّيَ فِيها أرواحَكُم عَلىٰ هٰذِهِ المَصائِبِ العَظِيمَةِ الحالَّةِ بِفِنائِكُم، وَالرَّزايا الجَلِيلَةِ النّازِلَةِ بِساحَتِكُم، الَّتي أثبَتَتْ في قُلوبِ شِيعَتِكُم القُروحَ، وَأورَثَتْ أكبادَهُمُ الجُروحَ،

---

۱ ـ «الخناء» خ ل.

۲ ـ «مُغْرَقَةٌ» خ ل.

وَزَرَعَتْ في صُدورِهِمُ الغُصَصَ. وَنَحْنُ نُشهِدُ اللهَ أنّا قَدْ شارَكْنا أولِياءَكُم وَأنصارَكُم المُتَقَدِّمِينَ في إراقَةِ دِماءِ النّاكِثِينَ، وَالقاسِطِينَ، والمارِقِينَ، وَقَتَلَةِ أبي عَبدِاللهِ سَيِّدِ شَبابِ أهلِ الجَنَّةِ ـ عليه السّلام ـ يَومَ كَرَبلاءَ، بِالنِّيّاتِ وَالقُلوبِ، وَالتَأَسُّفِ عَلىٰ فَوتِ تِلكَ المَواقِفِ الَّتي حَضَروا لِنُصرَتِكُم، وَعَلَيكُم مِنّا[1] السَّلامُ، وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس قبر را میان خود و میان قبله قرار ده و بگو:

اللّٰهُمَّ يا ذا القُدرَةِ الَّتي صَدَرَ عَنها العالَمُ مُكَوَّناً مَبْرُوءاً عَلَيها، مَفطوراً تَحتَ ظِلِّ العَظَمَةِ، فَنَطَقَتْ شَواهِدُ صُنعِكَ فِيهِ بِأنَّكَ أنتَ اللهُ لا إلٰهَ إلّا أنتَ مُكَوِّنُهُ وَبارِئُهُ وَفاطِرُهُ، ابْتَدَعْتَهُ لا مِنْ شَيْءٍ، وَلا عَلىٰ شَيْءٍ، وَلا في شَيْءٍ، وَلا لِوَحشَةٍ دَخَلَتْ عَلَيكَ إذْ لا غَيرُكَ، وَلا حاجَةٍ بَدَتْ لَكَ في[2] تَكوِينِهِ، وَلا لِاستِعانَةٍ مِنكَ عَلىٰ ما تَخلُقُ بَعدَهُ، بَلْ أنشَأتَهُ لِيَكونَ دَلِيلاً عَلَيكَ بِأنَّكَ بائِنٌ مِنَ الصُّنعِ، فَلا يُطِيقُ المُتَّصِفُ بِعَقلِهِ إنكارَكَ، وَالمَوسُومُ بِصِحَّةِ المَعرِفَةِ جُحودَكَ.

أسأَلُكَ بِشرَفِ الإخلاصِ في تَوحِيدِكَ، وَحُرمَةِ التَّعَلُّقِ بِكِتابِكَ، وَأهلِ بَيتِ نَبِيِّكَ، أنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ آدَمَ بَدِيعِ فِطرَتِكَ، وَبِكْرِ حُجَّتِكَ، وَلِسانِ قُدْرَتِكَ، وَالخَلِيفَةِ في بَسِيطَتِكَ، وَعَلىٰ مُحمّدٍ الخالِصِ مِنْ صَفوَتِكَ، وَالفاحِصِ عَنْ مَعرِفَتِكَ، وَالغائِصِ المأمُونِ عَلىٰ مَكنُونِ سَرِيرَتِكَ، بِما أولَيتَهُ مِنْ نِعمَتِكَ بِمَعونَتِكَ، وَعَلىٰ مَنْ بَينَهُما مِنَ النَّبِيِّينَ وَالمُكَرَّمِينَ، وَالأوصِياءِ وَالصِّدِّيقِينَ، وَأنْ تَهَبَني لإمامي هٰذا.

پس پهلوی روی خود را به ضریح بگذار و بگو:

اللّٰهُمَّ بِمَحَلِّ هٰذا السَيِّدِ مِنْ طاعَتِكَ، وَبِمَنزِلَتِهِ عِندَكَ، لاتُمِتْني فُجأَةً،

---

۱ ـ «حضروا لنصرتكم، والله وليّنا يُبلّغكم» خ ل. ۲ ـ «إلى» خ ل.

وَلا تَحرِمْني تَوبَةً، وَارْزُقْنِي الوَرَعَ عَنْ مَحارِمِكَ دِيناً وَدُنياً، وَاشْغَلْني بِالآخِرَةِ عَنْ طَلَبِ الأُولىٰ، وَوَفِّقْني لِما تُحِبُّ وَتَرضىٰ، وَجَنِّبْني اتِّباعَ الهَوىٰ، وَالِاغتِرارَ بِالأَباطِيلِ وَالمُنىٰ.

اللّٰهُمَّ اجْعَلِ السَّدادَ في قَولي، وَالصَّوابَ في فِعلي، وَالصِّدقَ وَالوَفاءَ في ضَماني وَوَعدِي، وَالحِفظَ وَالإيناسَ مَقرونَينِ بِعَهدي وَعقدي، وَالبِرَّ وَالإحسانَ مِنْ شَأْني وَخُلقي، وَاجْعَلِ السَّلامَةَ لي شامِلَةً، وَالعافِيَةَ بِي مُحِيطَةً مُلتَفَّةً[1]، وَلَطِيفَ صُنعِكَ وَعَونِكَ مَصروفاً إِلَيَّ، وَحُسنَ تَوفِيقِكَ وَيُسْرِكَ مَوفُوراً عَلَيَّ، وَأَحْيِني يا رَبِّ سَعِيداً، وَتَوَفَّني شَهِيداً، وَطَهِّرْني لِلْمَوتِ وَما بَعدَهُ.

اللّٰهُمَّ وَاجْعَلِ الصِّحَّةَ وَالنُّورَ في سَمعِي وَبَصَري، وَالجِدَةَ وَالخَيرَ في طُرُقي[2]، وَالهُدىٰ وَالبَصِيرَةَ في دِيني وَمَذهَبي، وَالمِيزانَ أَبَداً نَصبَ عَينِي، وَالذِّكرَ وَالمَوعِظَةَ شِعاري وَدِثاري، وَالفِكرَةَ وَالعِبرَةَ أُنْسِي[3] وَعِمادي، وَمَكِّنِ اليَقِينَ في قَلبي، وَاجْعَلْهُ أَوثَقَ الأَشياءِ في نَفسي، وَأَغْلِبْهُ عَلىٰ رَأْيِي وَعَزْمي.

وَاجْعَلِ الإرشادَ في عَمَلي، وَالتَّسلِيمَ لِأَمرِكَ مِهادي وَسَنَدي، وَالرِّضا بِقَضائِكَ وَقَدَرِكَ أَقصىٰ عَزْمي وَنِهايَتي، وَأَبعَدَ هَمِّي وَغايَتي، حَتّىٰ لا أَتَّقِيَ أَحَداً مِنْ خَلقِكَ بِدِيني، وَلا أَطلُبَ بِهِ غَيرَ آخِرَتي، وَلا أَسْتَدْعِيَ مِنهُ إِطرائِي وَمَدْحِي.

وَاجْعَلْ خَيرَ العَواقِبِ عاقِبَتِي، وَخَيرَ المَصائِرِ مَصِيري، وَأَنعَمَ العَيشِ عَيشِي، وَأَفضَلَ الهُدىٰ هُدايَ، وَأَوفَرَ الحُظوظِ حَظِّي، وَأَجزَلَ الأَقسامِ قِسْمي وَنَصِيبي.

وَكُنْ لِي يا رَبِّ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلِيّاً، وَإِلىٰ كُلِّ خَيرٍ دَلِيلاً وَقائِداً، وَمِنْ كُلِّ باغٍ وَحَسودٍ ظَهِيراً وَمانِعاً.

---

١ ـ «مكتنفة» خ ل.

٢ ـ «والجِدَة والْجَلاء في طَرْفي» خ ل.

٣ ـ «أُنسي» خ ل.

اللّهُمَّ بِكَ اعتِدادي وَعِصمَتي وَثِقَتي، وَتَوفيقي وَحَولي وَقُوَّتي، وَلَكَ مَحيايَ وَمَماتِي، وَفِي قَبضَتِكَ سُكونِي وَحَرَكَتِي، وَإنَّ بِعُروَتِكَ الوُثقىٰ اسْتِمْساكي وَوُصْلَتي، وَعَلَيكَ في الأُمورِ كُلِّها اعتِمادي وَتَوَكُّلي، ومِنْ عَذابِ جَهَنَّمَ وَمَسِّ سَقَرَ نَجاتي وَخَلاصي، وَفي دارِ أمْنِكَ وَكَرامَتِكَ مَثوايَ وَمُنقَلَبي، وَعَلىٰ أيدِي ساداتي وَمَوالِيَّ آلِ المُصطَفىٰ فَوْزي وَفَرَجي.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحمّدٍ وَآلِ مُحمّدٍ، وَاغْفِرْ لِلمؤمِنينَ وَالمؤمِناتِ، وَالمُسلِمِينَ وَالمُسلِماتِ، وَاغفِرْ لي وَلِوالِدَيَّ وَما وَلَدا وَأهلِ بَيتِي وَجِيراني، وَلِكُلِّ مَنْ قَلَّدَني يَداً[1]، مِنَ المؤمِنِينَ[2] وَالمؤمِناتِ، إنَّك ذو فَضلٍ عَظِيم.

والسّلام عَليكَ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ[3].

[دعا بعد از زیارت هر یک از ائمه علیهم‌السلام]

پس سیّد علیه الرحمة، و شیخ مفید رضی الله عنه فرموده‌اند که: این دعا را بعد از زیارت هریک از ائمّه علیهم‌السلام بخوانند:

اللّهُمَّ إنِّي زُرْتُ هذا الإمامَ مُقِرّاً بِإمامَتِهِ، مُعتَقِداً لِفَرْضِ طاعَتِهِ، فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنوبي وَعُيُوبي، وَمُوبِقاتِ آثامي، وَكَثْرَةِ سَيِّئاتي وَخَطاياي، وَما تَعْرِفُهُ مِنِّي، مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ، مُسْتَعِيذاً بِحِلْمِكَ، راجِياً رَحْمَتَك[4]، لاجِئاً إلىٰ رُكْنِكَ، عائِذاً بِرَأْفَتِكَ، مُسْتَشْفِعاً بِوَلِيِّكَ وَابنِ أولِيائِكَ، وَصَفِيِّكَ وَابنِ أصفِيائِكَ، وَأمِينِكَ وابنِ أُمَنائِكَ، وَخَلِيفَتِكَ وَابنِ خُلَفائِكَ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الوَسِيلَةَ إلىٰ رَحْمَتِكَ وَرِضْوانِكَ، وَالذَّرِيعَةَ إلىٰ رَأْفَتِكَ وَغُفرانِكَ.

---

۱ ـ «دعاءً» خ ل.

۲ ـ «ولكلّ من ولدني من المؤمنين» خ ل.

۳ ـ مصباح الزائر: ۴۶۰ ـ ۴۶۷، مزار کبیر: ۲۹۲ ـ ۳۰۲، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۱۶۲ ـ ۱۶۹، موسوعة زيارات المعصومين علیهم‌السلام: ۲۸/۵ ش۱۶۴۲ وص۷۵ ش۱۶۵۸.

۴ ـ «لرحمتك» خ ل.

اللّهُمَّ وَأوَّلُ حاجَتِي إلَيكَ أنْ تَغْفِرَ لي ما سَلَفَ مِنْ ذُنُوبي عَلىٰ كَثْرَتِها، وَأَنْ تَعْصِمَني فِيما بَقِيَ مِنْ عُمْري، وَتُطَهِّرَ دِيني مِمّا يُدَنِّسُهُ وَيَشينُهُ وَيُزْرِي بِهِ، وَتَحْمِيَهُ مِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِ، وَالفَسادِ وَالشِّرْكِ، وَتُثَبِّتَني عَلىٰ طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ، وَذُرِّيَّتِهِ النُّجَباءِ السُّعَداءِ ـ صَلواتُكَ عَلَيهِم وَرَحمَتُكَ وَسَلامُكَ وَبَركاتُكَ ـ، وَتُحْيِيَني ما أحْيَيْتَني عَلىٰ طاعَتِهِم، وتُمِيتَني إذا أمَتَّني عَلىٰ طاعَتِهِم، وَأنْ لا تَمْحُوَ مِنْ قَلْبي مَوَدَّتَهُم وَمَحَبَّتَهُم، وَبُغْضَ أعدائِهِم، وَمُرافقَةَ[1] أولِيائِهِم، وَبِرَّهُمْ.

وَأسأَلُكَ يا رَبِّ أنْ تَقبَلَ ذلِكَ مِنِّي، وَتُحَبِّبَ إلَيَّ عِبادَتَكَ وَالمُواظَبَةَ عَلَيها، وَتُنَشِّطَني لَها، وَتُبَغِّضَ إلَيَّ مَعاصِيكَ وَمَحارِمَكَ وَتَدْفَعَني عَنْها، وَتُجَنِّبَني التَّقصِيرَ في صَلَواتي، وَالاسْتِهانَةَ بِها، وَالتَّراخِيَ عَنْها، وَتُوَفِّقَني لِتَأْدِيَتِها كَما فَرَضْتَ وَأَمَرْتَ بِهِ، عَلىٰ سُنَّةِ رَسُولِكَ ـ صَلَواتُكَ عَلَيهِ وَآلِهِ وَرَحمَتُكَ وَبَرَكاتُكَ ـ خُضُوعاً وَخُشُوعاً، وَتَشرَحَ صَدْري لإِيتاءِ الزَّكاةِ، وَإعْطاءِ الصَّدَقاتِ، وَبَذْلِ المَعْرُوفِ وَالإحسانِ إلىٰ شِيعَةِ آل محمّدٍ ـ عَلَيْهِمُ السَّلامُ ـ وَمُواساتِهِمْ، وَلا تَتَوَفّانِي إلّا بَعْدَ أَنْ تَرْزُقَنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ، وَزِيارَةَ قَبْرِ رَسُولِكَ عَلَيْهِ السَّلامُ، وَقُبُورِ الْأَئِمَّةِ ـ عَلَيْهِمُ السَّلامُ ـ.

وَأَسْأَلُكَ يارَبِّ تَوْبَةً نَصُوحاً تَرْضاها، وَنِيَّةً تَحْمَدُها، وَعَمَلاً صالِحاً تَقْبَلُهُ، وَأَنْ تَغْفِرَلِي وَتَرْحَمَنِي إذا تَوَفَّيْتَنِي، وَتُهَوِّنَ عَلَيَّ سَكَراتِ الْمَوْتِ، وَتَحْشُرَنِي فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ[2] ـ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ ـ، وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَتَجْعَلَ دَمْعِي غَزِيراً فِي طاعَتِكَ، وَعَبْرَتِي جارِيَةً فِيما يُقَرِّبُنِي مِنْكَ، وَقَلْبِي عَطُوفاً عَلىٰ أَوْلِيائِكَ، وَتَصُونَنِي فِي هٰذِهِ الدُّنْيا مِنَ الْعاهَاتِ وَالْآفاتِ، وَالْأَمْراضِ الشَّدِيدَةِ، وَالْأَسْقامِ الْمُزْمِنَةِ، وَجَمِيعِ أَنْواعِ الْبَلايا وَالْحَوادِثِ، وَتَصْرِفَ قَلْبِي عَنِ الْحَرامِ،

۱ ـ «وموافقة» خ ل.

۲ ـ «آل محمد» خ ل.

وَتُبَغِّضَ إِلَيَّ مَعاصِيَكَ، وَتُحَبِّبَ إِلَيَّ الْحَلالَ وَتَفْتَحَ إِلَيَّ[۱] أَبْوابَهُ، وَتُثَبِّتَ نِيَّتي وَفِعْلي عَلَيْهِ، وَتَمُدَّ فِي عُمْرِي وَتُغْلِقَ أَبْوابَ الْمِحَنِ عَنِّي، وَلا تَسْلُبَنِي ما مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَلا تَسْتَرِدَّ شَيْئاً مِمّا أَحْسَنْتَ بِهِ إِلَيَّ، وَلا تَنْزِعَ مِنِّي النِّعَمَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِها عَلَيَّ، وَتَزِيدَ فِيما خَوَّلْتَنِي، وَتُضاعِفَهُ أَضْعافاً مُضاعَفَةً، وَتَرْزُقَنِي مالاً كَثِيراً، وَاسِعاً، سائِغاً، هَنِيئاً نامِياً وافِياً، وَعِزّاً باقِياً كافِياً، وَجاهاً عَرِيضاً مَنِيعاً، وَنِعْمَةً سابِغَةً عامَّةً تُغْنِينِي بِذٰلِكَ عَنِ الْمَطالِبِ الْمُنَكِّدَةِ، وَالْمَوارِدِ الصَّعْبَةِ، وَتُخَلِّصُنِي مِنْها مُعافىً فِي دِينِي وَنَفْسِي وَوُلْدِي وَما أَعْطَيْتَنِي وَمَنَحْتَنِي، وَتَحْفَظَ عَلَيَّ مالِي وَجَمِيعَ ما خَوَّلْتَنِي، وَتَقْبِضَ عَنِّي أَيْدِيَ الْجَبابِرَةِ، وَتَرُدَّنِي إِلىٰ وَطَنِي، وَتُبَلِّغَنِي نِهايَةَ أَمَلِي فِي دُنْيايَ وَآخِرَتِي، وَتَجْعَلَ عاقِبَةَ أَمْرِي مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِيمَةً، وَتَجْعَلَنِي رَحِيبَ الصَّدْرِ، واسِعَ الحالِ، حَسَنَ الخُلْقِ، بَعِيداً مِنَ البُخْلِ وَالمَنْعِ وَالنِّفاقِ وَالكِذْبِ وَالبَهْتِ وَقَولِ الزُّورِ، وتُرَسِّخَ في قَلْبِي مَحَبَّةَ مُحمّدٍ وَآل مُحمّدٍ وَشِيعَتِهِم.

وَتَحْرُسَنِي يا رَبِّ فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمالِي وَوُلْدِي، وَأَهْلِ حُزانَتِي، وَإِخْوانِي، وَأَهْلِ مَوَدَّتِي، وَذُرِّيَّتِي، بِرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ.

اللّٰهُمَّ هذِهِ حاجاتِي عِنْدَكَ، وَقَدِ اسْتَكْثَرْتُها لِلُؤْمِي وَشُحِّي، وَهِيَ عِنْدَكَ صَغِيرَةٌ حَقِيرَةٌ، وَعَلَيكَ سَهْلَةٌ يَسِيرَةٌ؛ فَأَسأَلُكَ بِجاهِ مُحمّدٍ وَآلِ محمّدٍ ـ عَلَيهِ وَعَلَيهِمُ السَّلامُ ـ عِنْدَكَ، وَبِحَقِّهِم عَلَيكِ، وَبِما أَوْجَبْتَ لَهُم، وَبِسائِرِ أَنبِيائِكَ وَرُسُلِكَ، وَأَصفِيائِكَ وَأَولِيائِكَ، المُخلَصِينَ مِنْ عِبادِكَ، وَبِاسْمِكَ الأَعظَمِ الأَعظَمِ، لَمّا قَضَيتَها كُلَّها، وَأَسْعَفْتَنِي بِها، وَلَمْ تُخَيِّبْ أَمَلِي وَرَجائِي.

اللّٰهُمَّ وَشَفِّعْ صاحِبَ هٰذا القَبْرِ فِيَّ.

---

۱ ـ «لي» خ ل.

يا سَيِّدي، يا وَلِيَّ اللهِ، يا أَمِينَ اللهِ، أسأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لي إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ في هذِهِ الحاجاتِ كُلِّها، بِحَقِّ آبائِكَ الطّاهِرِينَ، وَبِحَقِّ أولادِكَ المُنْتَجَبِينَ؛ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ ـ تَقَدَّسَتْ أَسْماؤُهُ ـ المَنْزِلَةَ الشَّرِيفَةَ، وَالمَرْتَبَةَ[1] الجَلِيلَةَ، وَالجاهَ العَرِيضَ.

اللّٰهُمَّ لَو عَرَفْتُ مَنْ هُوَ أَوجَهُ عِنْدَكَ مِنْ هٰذا الإِمامِ، وَمِنْ آبائِهِ وَأَبنائِهِ الطّاهِرِينَ عَلَيهِمُ السَّلامُ وَالصَّلاةُ، لَجَعَلْتُهُم شُفَعائي، وَقَدَّمْتُهُم أَمامَ حاجاتي وَطَلِباتي هٰذِهِ، فَاسْمَعْ مِنِّي، وَاسْتَجِبْ لي، وَافْعَلْ بي ما أَنْتَ أَهْلُهُ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

اللّٰهُمَّ وَما قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْأَلَتي، وَعَجَزَتْ عَنْهُ قُوَّتي، وَلَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتي، مِنْ صالِحِ دِيني وَدُنْيايَ وَآخِرَتي، فَامْنُنْ بِهِ عَلَيَّ، وَاحْفَظْني، وَاحْرُسْني، وَهَبْ لي، وَاغْفِرْ لي.

وَمَنْ أَرادَني بِسُوءٍ أَو مَكْرُوهٍ ـ مِنْ شَيْطانٍ مَرِيدٍ، أَو سُلْطانٍ عَنِيدٍ، أَو جَبّارٍ شَدِيدٍ، أَو مُخالِفٍ في دِينٍ، أَو مُنازِعٍ في دُنياً، أَو حاسِدٍ عَلَيَّ نِعْمَةً[2]، أَو ظالِمٍ أَو باغٍ ـ فَاقْبِضْ عَنِّي يَدَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ، وَاشْغَلْهُ عَنّي بِنَفْسِهِ[3]، وَاكْفِني شَرَّهُ وَشَرَّ أَتْباعِهِ وَشَياطِينِهِ، وَأَجِرْني مِنْ كُلِّ ما يَضُرُّني وَيُجْحِفُ بِي، وَأَعْطِني جَمِيعَ الخَيرِ كُلَّهُ، مِمّا أَعلَمُ وَمِمّا لا أَعلَمُ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحمّدٍ وَآلِ مُحمّدٍ، وَاغْفِرْ لي وَلِوالِدَيَّ، وَلإِخْواني وَأَخَواتي، وَأَعْمامي وَعَمّاتي، وَأَخْوالي وَخالاتي، وَأَجْدادي وَجَدّاتي، وَأَولادِهِم وَذَرارِيْهِم، وَأَزواجِي وَذُرِّيّاتي، وَأَقْرِبائي وَأَصْدِقائي وَجِيراني، وَإِخواني فِيكَ، مِنْ أَهلِ الشَّرقِ وَالغَرْبِ، وَلِجَمِيعِ أَهْلِ مَوَدَّتي، مِنَ المُؤْمِنينَ وَالمؤمِناتِ، الأَحياءِ مِنْهُم وَالأَمواتِ، وَلِجَمِيعِ مَنْ عَلَّمَني خَيْراً، أَو تَعَلَّمَ مِنِّي عِلْماً.

---

١ ـ «والرّتبة» خ ل.

٢ ـ «عَلى نِعْمَةٍ» خ ل.

٣ ـ «وَاشْغَلْهُ بِنَفْسِهِ» خ ل.

اللّٰهُمَّ أشْرِكْهُم في صالِحِ دُعائي، وَزِيارَتي لِمَشْهَدِ حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ، وَأشْرِكْني في صالِحِ أدْعِيَتِهِم، بِرَحمَتِكَ يا أرَحَمَ الرّاحِمِينَ، وَبَلِّغْ وَلِيَّكَ مِنْهُمُ السَّلامَ، وَالسَّلامُ عَلَيكَ[1] وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

يا سَيِّدِي، يا مَوْلايَ، يا فُلانَ بنَ فُلان ـ يعنی نام امامی كه زيارت می‌كند و نام پدر او را مذكور سازد، پس بگويد ـ:

صَلَّى اللهُ عَلَيكَ، وَعَلىٰ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أنتَ وَسِيلَتي إلَى اللهِ، وَذَرِيعَتي إلَيهِ، وَلِي حَقُّ مُوالاتي وَتَأمِيلي؛ فَكُنْ شَفِيعي إلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ في الوُقُوفِ عَلىٰ قِصَّتي هذِهِ، وَصَرْفي عَنْ مَوقِفي هذا بِالنُّجْحِ بِما سَأَلْتُهُ كُلِّهِ، بِرَحْمَتِهِ وَقُدرَتِهِ.

اللّٰهُمَّ ارْزُقْني عَقْلاً كامِلاً، وَلُبًّا راجِحاً، وَعِزًّا باقِياً، وَقَلْباً زَكِيًّا، وَعَمَلاً كَثِيراً، وَأَدَباً بارِعاً؛ وَاجْعَلْ ذٰلِكَ كُلَّهُ لي، وَلا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ، بِرَحْمَتِكَ يا أرحَمَ الرَّاحِمِينَ[2].

[دعای ديگر بعد از زيارت هر يک از ائمه عليهم السلام]

باز سيّد و شيخ مفيد ـ عليهما الرّحمة ـ گفته‌اند كه: خواندن اين دعا بعد از زيارت هر يک از ائمّة عليهم السلام مستحب است:

اللّٰهُمَّ إنْ كانَتْ ذُنوبي قَدْ أخْلَقَتْ وَجْهي عِنْدَكَ، وَحَجَبَتْ دُعائي عَنْكَ، وَحالَتْ بَيني وَبَينَكَ، فَأسأَلُكَ أنْ تُقبِلَ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الكَرِيمِ، وَتَنْشُرَ عَلَيَّ رَحمَتَكَ، وَتُنْزِلَ عَلَيَّ بَرَكاتِكَ.

وَإنْ كانَتْ قَدْ مَنَعَتْ أنْ تَرْفَعَ لي إلَيكَ صَوتاً، أو تَغْفِرَ لي ذَنْباً، أو تَتَجاوَزَ عَنْ خَطِيئَةٍ مُهْلِكَةٍ، فَها أنَا ذا مُسْتَجِيرٌ بِكَرَمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلالِكَ، مُتَوَسِّلٌ إلَيكَ، مُتَقَرِّبٌ إلَيكَ بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إلَيكَ، وَأكرَمِهِم عَلَيكَ، وَأَوْلاهُمْ بِكَ، وَأطْوَعِهِم لَكَ، وَأعْظَمِهِم

---

۱ ـ «عليه» خ ل.

۲ ـ مصباح الزّائر: ۴۶۸ ـ ۴۷۱، بحارالانوار: ۱۶۹/۱۰۲ ـ ۱۷۲، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۱۹۴/۵ ش ۱۶۷۸.

مَنْزِلَةً وَمَكاناً عِنْدَكَ مُحَمَّدٍ، وَبِعِتْرَتِهِ الطّاهِرِينَ، الأَئِمَّةِ الهُداةِ المَهْدِيِّينَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلىٰ خَلْقِكَ طاعَتَهُم، وَأَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِم، وَجَعَلْتَهُم وُلاةَ الأمرِ مِنْ بَعدِ رَسُولِكَ ـ صلّى الله عليه و آله ـ.

يا مُذِلَّ كُلِّ جَبّارٍ عَنِيدٍ، وَيا مُعِزَّ المؤمِنينَ، بَلَغَ مَجْهودي فَهَبْ لي نَفْسي السّاعَةَ، بِرحْمَةٍ مِنْكَ تَمُنُّ بِها عَلَيَّ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ.

پس ضريح را ببوس و هر دو طرف رو را بر ضريح بگذار، و بگو:

اللّٰهُمَّ إنَّ هٰذا مَشهَدٌ لا يَرجُو مَنْ فاتَتْهُ فِيهِ رَحْمَتُكَ أَنْ يَنالَها في غَيرِهِ، وَلا أحَدٌ أشْقىٰ مِنِ امْرِئٍ قَصَدَهُ مُؤَمِّلاً فَآبَ عَنْهُ خائِباً.

اللّٰهُمَّ إنِّي أعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ[1] الإيابِ، وَخَيبَةِ المُنقَلَبِ، وَالمُناقَشَةِ عِنْدَ الحِسابِ؛ وَحاشاكَ يا رَبِّ أنْ تَقْرِنَ طاعَةَ وَلِيِّكَ بِطاعَتِكَ، وَمُوالاتَهُ بِمُوالاتِكَ، وَمَعْصِيَتَهُ بِمَعْصِيَتِكَ، ثُمَّ تُؤْيِسَ زائِرَهُ وَالمُتَحَمِّلَ مِنْ بُعدِ البِلادِ إلىٰ قَبْرِهِ، وَعِزَّتِكَ[2] لا يَنْعَقِدُ عَلىٰ ذلِكَ ضَمِيري، إذْ كانَتِ القُلوبُ إلَيكَ بِالجَمِيلِ تُشِيرُ[3].

و شيخ مفيد ﷫ گفته است كه: پس بگو:

يا وَلِيَّ اللهِ، إنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوباً لا يَأْتِي عَلَيْها إلّا رِضاكَ؛ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلىٰ سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طاعَتَكَ بِطاعَتِهِ، وَمُوالاتَكَ بِمُوالاتِهِ، تَوَلَّ صَلاحَ حالي مَعَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ، وَاجْعَلْ حَظِّي مِنْ زِيارَتِكَ تَخْلِيطي بِخالِصِي زُوّارِكَ، الَّذِينَ تَسْأَلُ اللهَ عَزَّوَجَلَّ في عِتْقِ رِقابِهِمْ، وَتَرْغَبُ إلَيْهِ في حُسْنِ ثَوابِهِمْ؛ وَها أَنَا اليَوْمَ بِقَبْرِكَ لائِذٌ، وَبِحُسْنِ دِفاعِكَ عَنِّي عائِذٌ، فَتَلافَنِي يا مَوْلايَ وَأَدْرِكْني، وَاسْأَلِ اللهَ عَزَّوَجَلَّ في أَمْرِي، فَإنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ مَقاماً كَرِيماً وَجاهاً عَظِيماً، صَلَّى اللهُ

---

۱ ـ «سوء» خ ل. ۲ ـ «وَعِزَّتِكَ يا رَبِّ» خ ل.

۳ ـ مصباح الزائر: ۴۷۱ ـ ۴۷۲، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۱۷۲ و ۱۷۳، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۵/ ۱۹۹ ش ۱۶۸۸.

عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً[۱].

و سیّد ـ علیه الرّحمه ـ گفته است که: پس نماز زیارت بکن، و چون خواهی وداع کنی و برگردی، بگو:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَمَعْدِنَ الرِّسالَةِ، سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ وَلا قالٍ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ[۲] ـ تا آخر زیارت وداع که در زیارت دوم گذشت[۳] ـ.

زیارت چهارم:

سیّد ابن طاووس ـ رضي الله عنه ـ ذکر کرده است که: مروی است از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه، و گفته است که: رخصت می‌طلبی به‌آنچه پیشتر ذکر کردیم در زیارت حضرت صاحب‌الأمر ـ صلوات الله علیه ـ.

مؤلّف گوید که: ما این دعای اذن را در آداب مطلق زیارات ذکر کردیم[۴].

پس گفته است که: داخل می‌شوی و مقدّم می‌داری پای راست را بر پـای چپ، و می‌گویی:

بِسمِ اللهِ وَبِاللهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ ـ صلّى الله عليه و آله ـ.

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ محمّداً عَـبدُهُ وَرَسُـولُهُ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْليماً.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، كَما شَهِدَ اللهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلائِكَتُهُ وَأُولُو العِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ العَزِيزُ الحَكِيمُ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ محمّداً عَبْدُهُ المُنْتَجَبُ، وَرَسُولُهُ المُرْتَضىٰ، أَرْسَلَهُ بِالهُدىٰ وَدِيـنِ الحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ المُشْرِكُونَ.

---

۱ ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۱۷۳.
۲ ـ مصباح الزائر: ۴۷۲، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۱۷۳.
۳ ـ نگاه کن: ص۵۸۸.
۴ ـ نگاه کن: ص۴۹.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَواتِكَ وَأَكْمَلَها، وَأَنْمىٰ بَرَكاتِكَ وَأَعَمَّها، وَأَزْكىٰ تَحِيّاتِكَ وَأَتَمَّها، عَلىٰ سَيِّدِنا مُحمّدٍ عَبْدِكَ، وَرَسُولِكَ، وَنَبِيِّكَ، وَنَجِيِّكَ، وَوَلِيِّكَ، وَرَضِيِّكَ، وَصَفِيِّكَ، وَخِيَرَتِكَ، وَخاصَّتِكَ، وَخالِصَتِكَ، وَأَمِينِكَ، الشّاهِدِ لَكَ، وَالدّالِّ عَلَيْكَ، وَالصّادِعِ بِأَمْرِكَ، وَالنّاصِحِ لَكَ، المُجاهِدِ في سَبِيلِكَ، وَالذّابِّ عَنْ دِينِكَ، وَالمُوْضِحِ لِبَراهِينِكَ، وَالمَهدِيِّ[1] إِلىٰ طاعَتِكَ، وَالمُرْشِدِ إِلىٰ مَرْضاتِكَ، وَالواعِي لِوَحْيِكَ، وَالحافِظِ لِعَهْدِكَ، وَالْماضِي عَلىٰ إِنْفاذِ أَمْرِكَ، المُؤَيَّدِ بِالنُّورِ المُضِيءِ، وَالمُسَدَّدِ بِالأَمْرِ المَرْضِيِّ، المَعْصُومِ مِنْ كُلِّ خَطَإٍ وَزَلَلٍ، المُنَزَّهِ عَنْ كُلِّ دَنَسٍ وَخَطَلٍ، وَالمَبْعُوثِ بِخَيْرِ الأَدْيانِ وَالمِلَلِ، مُقَوِّمِ المَيْلِ وَالعِوَجِ، وَمُقِيمِ البَيِّناتِ وَالحُجَجِ، المَخْصُوصِ بِظُهُورِ الفَلَجِ، وَإِيضاحِ المَنْهَجِ، المُظْهِرِ مِنْ تَوْحِيدِكَ ما اسْتَتَرَ، وَالمُحْيِي مِنْ عِبادَتِكَ ما دَثَرَ، وَالخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَالفاتِحِ لِمَا انْغَلَقَ، المُجْتَبىٰ مِنْ خَلائِقِكَ، وَالمُعْتامِ لِكَشْفِ حَقائِقِكَ، وَالمُوْضَحَةِ بِهِ أَشْراطُ الهُدىٰ، وَالمَجْلُوِّ بِهِ غِرْبِيبُ العَمىٰ.

دامِغِ جَيْشاتِ الأَباطِيلِ، وَدافِعِ صَوْلاتِ الأَضالِيلِ، المُخْتارِ مِنْ طِينَةِ الكَرَمِ، وَسُلالَةِ المَجْدِ الأَقْدَمِ، وَمَغْرِسِ الفَخارِ المُعْرِقِ، وَفَرْعِ العَلاءِ المُثْمِرِ المُوْرِقِ، المُنْتَجَبِ مِنْ شَجَرَةِ الأَصْفِياءِ، وَمِشْكاةِ الضِّياءِ، وَذُؤابَةِ العَلْياءِ، وَسُرَّةِ البَطْحاءِ، بَعِيثِكَ بِالحَقِّ، وَبُرْهانِكَ عَلىٰ جَمِيعِ الخَلْقِ، خاتَمِ أَنْبِيائِكَ، وَحُجَّتِكَ البالِغَةِ في أَرْضِكَ وَسَمائِكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلاةً يَنْغَمِرُ في جَنْبِ انْتِفاعِهِ بِها قَدْرُ الانْتِفاعِ بِهِ[2]، وَيَحُوزُ مِنْ بَرَكَةِ التَّعَلُّقِ بِسَبَبِها ما يَفُوقُ قَدْرَ المُتَعَلِّقِينَ بِسَبَبِهِ، وَزِدْهُ بَعْدَ ذٰلِكَ مِنَ الإِكْرامِ

---

١ ـ «والهادي» خ ل.

٢ ـ «قدر الانتفاع» خ ل.

وَالإِجْلالِ ما يَتَقاصَرُ عَنْهُ فَسِيحُ الآمالِ، حَتّىٰ يَعْلُوَ مِنْ كَرَمِكَ أَعْلىٰ مَحالِّ المَراتِبِ، وَيَرْقىٰ مِنْ نِعَمِكَ أَسْنىٰ مَنازِلِ المَواهِبِ؛ وَخُذْ لَهُ اللّٰهُمَّ بِحَقِّهِ وَواجِبِهِ مِنْ ظالِمِيهِ، وَظالِمِي الصَّفْوَةِ مِنْ أَقارِبِهِ.

اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ، وَدَيّانِ دِينِكَ، وَالقائِمِ بِالقِسْطِ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ، عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ أَمِيرِ المُؤْمِنِينَ، وَإِمامِ المُتَّقِينَ، وَسَيِّدِ الوَصِيِّينَ، وَيَعْسُوبِ الدِّينِ، وَقائِدِ الغُرِّ المُحَجَّلِينَ، وَقِبْلَةِ العارِفِينَ، وَعَلَمِ المُهْتَدِينَ، وَعُرْوَتِكَ الوُثْقىٰ، وَحَبْلِكَ المَتِينِ، وَخَلِيفَةِ رَسُولِكَ عَلَى النّاسِ أَجْمَعِينَ، وَوَصِيِّهِ فِي الدُّنْيا وَالدِّينِ.

الصِّدِّيقِ الأَكْبَرِ فِي الأَنامِ، وَالفارُوقِ الأَزْهَرِ بَيْنَ الحَلالِ وَالحَرامِ، ناصِرِ الإِسْلامِ، وَمُكَسِّرِ الأَصْنامِ.

مُعِزِّ الدِّينِ وَحامِيهِ، وَواقِي الرَّسُولِ وَكافِيهِ، المَخْصُوصِ بِمُؤاخاتِهِ يَوْمَ الإِخاءِ، وَمَنْ هُوَ مِنْهُ بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسىٰ، خامِسِ أَصْحابِ الكِساءِ، وَبَعْلِ سَيِّدَةِ النِّساءِ، المُؤْثِرِ بِالقُوتِ بَعْدَ ضُرِّ الطَّوىٰ، وَالمَشْكُورِ سَعْيُهُ فِي «هَلْ أَتىٰ».

مِصْباحِ الهُدىٰ، وَمَأْوَى التُّقىٰ، وَمَحَلِّ الحِجىٰ، وَطَوْدِ النُّهىٰ، الدّاعِي إِلَى المَحَجَّةِ العُظْمىٰ، وَالطّاعِنِ إِلَى الغايَةِ القُصْوىٰ، وَالسّامِي إِلَى المَجْدِ وَالعُلىٰ، وَالعالِمِ بِالتَّأْوِيلِ وَالذِّكْرىٰ.

الَّذِي أَخْدَمْتَهُ خَواصَّ مَلائِكَتِكَ بِالطّاسِ وَالمِنْدِيلِ حَتّىٰ تَوَضَّأَ، وَرَدَدْتَ عَلَيْهِ الشَّمْسَ بَعْدَ دُنُوِّ غُرُوبِها حَتّىٰ أَدّىٰ فِي أَوَّلِ الوَقْتِ لَكَ فَرْضاً، وَأَطْعَمْتَهُ مِنْ طَعامِ أَهْلِ الجَنَّةِ حِينَ مَنَحَ المِقْدادَ قَرْضاً، وَباهَيْتَ بِهِ خَواصَّ مَلائِكَتِكَ إِذْ شَرىٰ نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِكَ لِتَرْضىٰ، وَجَعَلْتَ وِلايَتَهُ إِحْدىٰ فَرائِضِكَ؛ فَالشَّقِيُّ مَنْ أَقَرَّ بِبَعْضٍ وَأَنْكَرَ بَعْضاً.

عُنْصُرِ الأَبْرارِ، وَمَعْدِنِ الفِخارِ، وَقَسِيمِ الجَنَّةِ وَالنّارِ، صاحِبِ الأَعْرافِ،

وَأَبِي الأَئِمَّةِ الأَشْرافِ، المَظْلُومِ المُغْتَصَبِ، وَالصّابِرِ المُحْتَسِبِ، والمَوْتُورِ في نَفْسِهِ وَعِتْرَتِهِ، المَقْصُودِ[١] في رَهْطِهِ وَأَعِزَّتِهِ، صَلاةً لا انْقِطاعَ لِمَزِيدِها، وَلا اتِّضاعَ لِمَشِيدِها.

اَللّٰهُمَّ أَلْبِسْهُ حُلَلَ الإِنْعامِ، وَتَوِّجْهُ تاجَ الإِكْرامِ، وَارْفَعْهُ إِلىٰ أَعْلىٰ مَرْتَبَةٍ وَمَقامٍ، حَتّىٰ يَلْحَقَ نَبِيَّكَ ـ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آلِهِ السَّلامُ ـ، وَاحْكُمْ لَهُ اللّٰهُمَّ عَلىٰ ظالِمِيهِ، إِنَّكَ العَدْلُ فِيما تَقْضِيهِ.

اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى الطّاهِرَةِ البَتُولِ، الزَّهْراءِ ابْنَةِ الرَّسُولِ، أُمِّ الأَئِمَّةِ الهادِينَ، وَسَيِّدَةِ نِساءِ العالَمِينَ، وارِثَةِ خَيْرِ الأَنْبِياءِ، وَقَرِينَةِ خَيْرِ الأَوْصِياءِ، القادِمَةِ عَلَيْكَ مُتَأَلِّمَةً مِنْ مُصابِها بِأَبِيها، مُتَظَلِّمَةً مِمّا حَلَّ بِها مِنْ غاصِبِيها، ساخِطَةً عَلىٰ أُمَّةٍ لَمْ تَرْعَ حَقَّكَ في نُصْرَتِها، بِدَلِيلِ دَفْنِها لَيْلاً في حُفْرَتِها، المُغْتَصَبَةِ حَقَّها، وَالمُغَصَّصَةِ بِرِيقِها، صَلاةً لا غايَةَ لِأَمَدِها، وَلا نِهايَةَ لِمَدَدِها، وَلا انْقِضاءَ لِعَدَدِها.

اَللّٰهُمَّ فَتَكَفَّلْ لَها عَنْ مَكارِهِ دارِ الفَناءِ في دارِ البَقاءِ بِأَنْفَسِ الأَعْواضِ، وَأَنِلْها مِمَّنْ عانَدَها نِهايَةَ الآمالِ وَغايَةَ الأَغْراضِ، حَتّىٰ لا يَبْقىٰ لَها وَلِيٌّ ساخِطٌ لِسُخْطِها إِلّا وَهُوَ راضٍ، إِنَّكَ أَعَزُّ مَنْ أَجارَ المَظْلُومِينَ وَأَعْدَلُ قاضٍ.

اَللّٰهُمَّ أَلْحِقْها في الإِكْرامِ بِبَعْلِها وَأَبِيها، وَخُذْ لَها الحَقَّ مِنْ ظالِمِيها.

اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى الأَئِمَّةِ الرّاشِدِينَ، وَالقادَةِ الهادِينَ، وَالسّادَةِ المَعْصُومِينَ، الأَتْقِياءِ الأَبْرارِ، مَآوِي السَّكِينَةِ وَالوَقارِ، وخُزّانِ العِلْمِ، وَمُنْتَهَى الحِلْمِ وَالفَخارِ، ساسَةِ العِبادِ، وَأَرْكانِ البِلادِ، وَأَدِلَّةِ الرَّشادِ، الأَلِبّاءِ الأَمْجادِ، العُلَماءِ بِشَرْعِكَ الزُّهّادِ، مَصابِيحِ الظُّلَمِ، وَيَنابِيعِ الحِكَمِ، وَأَوْلِياءِ النِّعَمِ، وَعِصَمِ الأُمَمِ، قُرَناءِ التَّنْزِيلِ وَآياتِهِ، وَأُمَناءِ التَّأْوِيلِ وَوُلاتِهِ، وَتَراجِمَةِ الوَحْيِ وَدَلالاتِهِ، أَئِمَّةِ الهُدىٰ، وَمَنارِ الدُّجىٰ،

---

١ ـ «المَقْهُورِ» خ ل.

وَأَعْلامِ التُّقىٰ، وَكُهُوفِ الوَرىٰ، وَحَفَظَةِ الإِسْلامِ، وَحُجَجِكَ عَلىٰ جَمِيعِ الأَنامِ، الحَسَنِ وَالحُسَيْنِ، سَيِّدَي شَبابِ أَهْلِ الجَنَّةِ، وَسِبْطَي نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَعَلِيِّ بْنِ الحُسَيْنِ السَّجّادِ زَيْنِ العابِدِينَ، وَمحمّدِ بْنِ عَلِيٍّ باقِرِ عِلْمِ الدِّينِ، وَجَعْفَرِ بْنِ محمّدٍ الصّادِقِ الأَمِينِ، وَمُوسىٰ بْنِ جَعْفَرٍ الكاظِمِ الحَلِيمِ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضا الوَفِيِّ، وَمحمّد بْنِ عَلِيٍّ البَرِّ التَّقِيِّ، وَعَلِيِّ بْنِ محمّدٍ المُنْتَجَبِ الزَّكِيِّ، وَالحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الهادِي الرَّضِيِّ، وَالحُجَّةِ ابْنِ الحَسَنِ، صاحِبِ العَصْرِ وَالزَّمَنِ، وَصِيِّ الأَوْصِياءِ، وَبَقِيَّةِ الأَنْبياءِ، المُسْتَتِرِ عَنْ خَلْقِكَ، وَالمُؤَمَّلِ لِإِظْهارِ حَقِّكَ، المَهْدِيِّ المُنْتَظَرِ، وَالقائِمِ الَّذِي بِهِ يُنْتَصَرُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، صَلاةً باقِيَةً فِي العالَمِينَ، تُبَلِّغُهُمْ بِها أَفْضَلَ مَحَلِّ المُكَرَّمِينَ.

اَللّٰهُمَّ أَلْحِقْهُمْ فِي الإِكْرامِ بِجَدِّهِمْ وَأَبِيهِمْ، وَخُذْ لَهُمُ الحَقَّ مِنْ ظالِمِيهِمْ.

أَشْهَدُ يا مَوْلايَ أَنَّكُمُ المُطِيعُونَ لِلّٰهِ، القَوّامُونَ بِأَمْرِهِ، العامِلُونَ بِإِرادَتِهِ، الفائِزُونَ بِكَرامَتِهِ؛ اصْطَفاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَاجْتَباكُمْ لِغَيْبِهِ، وَاخْتارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَأَعَزَّكُمْ بِهُداهُ، وَخَصَّكُمْ بِبَراهِينِهِ، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفاءَ فِي أَرْضِهِ، وَدُعاةً إِلىٰ حَقِّهِ، وَشُهَداءَ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَأَنْصاراً لِدِينِهِ، وَحُجَجاً عَلىٰ بَرِيَّتِهِ، وَتَراجِمَةً لِوَحْيِهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِهِ؛ عَصَمَكُمُ اللّٰهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأَكُمْ مِنَ العُيُوبِ، وَائْتَمَنَكُمْ عَلَى الغُيُوبِ.

زُرْتُكُمْ يا مَوالِيَّ عارِفاً بِحَقِّكُمْ، مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكُمْ، مُهْتَدِياً بِهُداكُمْ، مُقْتَفِياً لِأَثَرِكُمْ، مُتَّبِعاً لِسُنَّتِكُمْ، مُتَمَسِّكاً بِوِلايَتِكُمْ، مُعْتَصِماً بِحَبْلِكُمْ، مُطِيعاً لِأَمْرِكُمْ، مُوالِياً لِأَوْلِيائِكُمْ، مُعادِياً لِأَعْدائِكُمْ، عالِماً بِأَنَّ الحَقَّ فِيكُمْ وَمَعَكُمْ، مُتَوَسِّلاً إِلَى اللّٰهِ بِكُمْ،

مُسْتَشْفِعاً إِلَيْهِ بِجاهِكُمْ، وَحَقٌّ عَلَيْهِ أَنْ لايُخَيِّبَ سائِلَهُ، وَالرّاجِيَ ما عِنْدَهُ لِزُوّارِكُمُ المُطِيعِينَ لَكُمْ.

اَللّٰهُمَّ فَكَما وَفَّقْتَنِي لِلإِيمانِ بِنَبِيِّكَ وَالتَّصْدِيقِ لِدَعْوَتِهِ، وَمَنَنْتَ عَلَيَّ بِطاعَتِهِ وَاتِّباعِ مِلَّتِهِ، وَهَدَيْتَنِي إِلىٰ مَعْرِفَتِهِ وَمَعْرِفَةِ الأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ، وَأَكْمَلْتَ بِمَعْرِفَتِهِمُ الإِيمانَ، وَقَبِلْتَ بِوَلايَتِهِمْ وَطاعَتِهِمُ الأَعْمالَ، وَاسْتَعْبَدْتَ بِالصَّلاةِ عَلَيْهِمْ عِبادَكَ، وَجَعَلْتَهُمْ[١] مِفْتاحاً لِلدُّعاءِ وَسَبَباً لِلإِجابَةِ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ وَمِنَ المُقَرَّبِينَ.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ ذُنُوبَنا بِهِمْ مَغْفُورَةً، وَعُيُوبَنا مَسْتُورَةً، وَفَرائِضَنا مَشْكُورَةً، وَنَوافِلَنا مَبْرُورَةً، وَقُلُوبَنا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَأَنْفُسَنا بِطاعَتِكَ مَسْرُورَةً، وَجَوارِحَنا عَلىٰ خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً، وَأَسْماءَنا فِي خَواصِّكَ مَشْهُورَةً، وَأَرْزاقَنا مِنْ لَدُنْكَ مَدْرُورَةً، وَحَوائِجَنا لَدَيْكَ مَيْسُورَةً، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ .

اَللّٰهُمَّ أَنْجِزْ لَهُمْ وَعْدَكَ، وَطَهِّرْ بِسَيْفِ قائِمِهِمْ أَرْضَكَ، وَأَقِمْ بِهِ حُدُودَكَ المُعَطَّلَةَ، وَأَحْكامَكَ المُهْمَلَةَ وَالمُبَدَّلَةَ، وَأَحْيِ بِهِ القُلُوبَ المَيِّتَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الأَهْواءَ المُتَفَرِّقَةَ، وَاجْلُ بِهِ صَدَأَ الجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، حَتّىٰ يَظْهَرَ الحَقُّ عَلىٰ يَدَيْهِ فِي أَحْسَنِ صُورَتِهِ، وَيَهْلِكَ الباطِلُ وَأَهْلُهُ بِنُورِ دَوْلَتِهِ، وَلا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الحَقِّ مَخافَةَ أَحَدٍ مِنَ الخَلْقِ .

اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَظْهِرْ فَلَجَهُمْ، وَاسْلُكْ بِنا مَنْهَجَهُمْ، وَأَمِتْنا عَلىٰ وِلايَتِهِمْ، وَاحْشُرْنا فِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِوائِهِمْ، وَأَوْرِدْنا حَوْضَهُمْ، وَاسْقِنا بِكَأْسِهِمْ، وَلا تُفَرِّقْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ، وَلا تَحْرِمْنا شَفاعَتَهُمْ، حَتّىٰ نَظْفَرَ بِعَفْوِكَ وَغُفْرانِكَ، وَنَصِيرَ إِلىٰ رَحْمَتِكَ وَرِضْوانِكَ، إِلٰهَ الحَقِّ رَبَّ العالَمِينَ .

---

١ ـ «وجَعَلْتَها» خ ل.

يا قَرِيبَ الرَّحْمَةِ مِنَ المُؤْمِنِينَ ـ وَنَحْنُ أُولئِكَ حَقّاً لا ارْتِياباً ـ، يا مَنْ إِذا أَوْحَشَنا التَعَرُّضُ لِغَضَبِهِ آنَسَنا حُسْنُ الظَّنِّ بِهِ، فَنَحْنُ واقِفُونَ بَيْنَ رَغْبَةٍ وَرَهْبَةٍ ارْتِقاباً؛ قَدْ أَقْبَلْنا لِعَفْوِكَ وَمَغْفِرَتِكَ طُلّاباً، فَأَذْلَلْنا لِقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ رِقاباً، فَصَلِّ عَلىٰ مُحمّدٍ وَآلِ محمّدٍ الطّاهِرِينَ، وَاجْعَلْ دُعاءَنا بِهِمْ مُسْتَجاباً، وَوَلاءَنا لَهُمْ مِنَ النّارِ حِجاباً.

اَللّٰهُمَّ بَصِّرْنا قَصْدَ السَّبِيلِ لِنَعْتَمِدَهُ، وَمَوْرِدَ الرُّشْدِ لِنَرِدَهُ، وَبَدِّلْ خَطايانا صَواباً، وَ﴿لاتُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً﴾[1]، يا مَنْ تَسَمّىٰ مِنْ جُودِهِ وَكَرَمِهِ وَهّاباً، وَ﴿آتِنا في الدُّنْيا حَسَنَةً وَفي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ﴾[2] إِنْ حَقَّتْ عَلَيْنا اكْتِساباً، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس نماز زیارت می‌کنی، و هر دعاکه خواهی می‌کنی؛ پس برمی‌گردی و نزد ضریح می‌ایستی و می‌گویی:

يا وَلِيَّ اللهِ، إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوباً لايَأْتِي عَلَيْها إِلّا رِضاهُ؛ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلىٰ سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طاعَتَكَ بِطاعَتِهِ، وَمُوالاتَكَ بِمُوالاتِهِ، تَوَلَّ صَلاحَ حالي مَعَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ، وَاجْعَلْ حَظِّي مِنْ زِيارَتِكَ تَخْلِيطي بِخالِصِي زُوّارِكَ، الَّذِينَ تَسْأَلُ اللهَ عَزَّوَجَلَّ في عِتْقِ رِقابِهِمْ، وَتَرْغَبُ إِلَيْهِ في حُسْنِ ثَوابِهِمْ؛ وَها أَنَا اليَوْمَ بِقَبْرِكَ لائِذٌ، وَبِحُسْنِ دِفاعِكَ عَنِّي عائِذٌ، فَتَلافَنِي يا مَوْلايَ وَأَدْرِكْني، وَاسْأَلِ اللهَ عَزَّوَجَلَّ في أَمْرِي، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ مَقاماً كَرِيماً، صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

پس ضریح را ببوس، و متوجّه قبله شو و دستها را بردار و بگو:

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ لَمّا فَرَضْتَ عَلَيَّ طاعَتَهُ، وَأَكْرَمْتَنِي بِمُوالاتِهِ، عَلِمْتُ أَنَّ ذٰلِكَ لِجَلِيلِ

---

۱ ـ آل عمران: ۸.

۲ ـ بقره: ۲۰۱.

مَرْتَبَتِهِ عِنْدَكَ، وَنَفِيسِ حَظِّهِ لَدَيْكَ، وَلِقُرْبِ مَنْزِلَتِهِ مِنْكَ، فَلِذٰلِكَ لُذْتُ بِقَبْرِهِ لَواذَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّكَ لا تَرُدُّ لَهُ شَفاعَةً؛ فَبِقَدِيمِ عِلْمِكَ فِيهِ، وَحُسْنِ رِضاكَ عَنْهُ، ارْضَ عَنِّي وَعَنْ والِدَيَّ، وَلا تَجْعَلْ لِلنّارِ عَلَيَّ سَبِيلاً وَلا سُلْطاناً، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس برو به پشت قبر و قبر را پيش روى خود بگردان، و دستها را بردار و بگو:

اَللّٰهُمَّ لَوْ وَجَدْتُ شَفِيعاً أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ محمّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الأَخْيارِ، الأَتْقِياءِ الأَبْرارِ ـ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ ـ لَاسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ، وَهٰذا قَبْرُ وَلِيٍّ مِنْ أَوْلِيائِكَ، وَسَيِّدٍ مِنْ أَصْفِيائِكَ، وَمَنْ فَرَضْتَ عَلَى الخَلْقِ طاعَتَهُ، قَدْ جَعَلْتُهُ بَيْنَ يَدَيَّ؛ أَسْأَلُكَ يا رَبِّ بِحُرْمَتِهِ عِنْدَكَ، وَبِحَقِّهِ عَلَيْكَ، لَمّا نَظَرْتَ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحِيمَةً مِنْ نَظَراتِكَ، تَلُمُّ بِها شَعَثِي، وَتُصْلِحُ بِها حالِي فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ، فَإِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي لَمّا فاتَتِ العَدَدَ وَجازَتِ الأَمَدَ، عَلِمْتُ أَنَّ شَفاعَةَ كُلِّ شافِعٍ دُونَ أَوْلِيائِكَ تَقْصُرُ عَنْها، فَوَصَلْتُ المَسِيرَ مِنْ بَلَدِي قاصِداً وَلِيَّكَ بِالسُّرىٰ، وَمُتَعَلِّقاً مِنْهُ بِالعُرْوَةِ الوُثْقىٰ؛ وَها أَنا يا مَوْلايَ قَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِ إِلَيْكَ، وَأَقْسَمْتُ بِهِ عَلَيْكَ، فَارْحَمْ غُرْبَتِي، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي لا أُعَوِّلُ عَلىٰ صالِحَةٍ سَلَفَتْ مِنِّي، وَلا أَثِقُ بِحَسَنَةٍ تَقُومُ بِالحُجَّةِ عَنِّي؛ وَلَوْ أَنِّي قَدَّمْتُ حَسَناتِ جَمِيعِ خَلْقِكَ ثُمَّ خالَفْتُ طاعَةَ أَوْلِيائِكَ، لَكانَتْ تِلْكَ الحَسَناتُ مُزْعِجَةً لِي عَنْ جِوارِكَ، غَيْرَ حائِلَةٍ بَيْنِي وَبَيْنَ نارِكَ، فَلِذٰلِكَ عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ طاعَتِكَ طاعَةُ أَوْلِيائِكَ.

اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ تَوَجُّهِي بِمَنْ تَوَجَّهْتُ بِهِ إِلَيْكَ، فَلَقَدْ عَلِمْتُ أَنِّي غَيْرُ واجِدٍ أَعْظَمَ مِقْداراً مِنْهُمْ، لِمَكانِهِمْ مِنْكَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ بِالإِنْعامِ مَوْصُوفٌ، وَوَلِيُّكَ بِالشَّفاعَةِ لِمَنْ أَتاهُ مَعْرُوفٌ، فَإِذا شَفَعَ فِيَّ مُتَفَضِّلاً، كانَ وَجْهُكَ عَلَيَّ مُقْبِلاً؛ وَإِذا كانَ وَجْهُكَ عَلَيَّ مُقْبِلاً، أَصَبْتُ مِنَ الجَنَّةِ مَنْزِلاً.

اَللّٰهُمَّ فَكَما أَتَوَسَّلُ بِهِ إِلَيْكَ، أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِالرِّضا وَالنِّعَمِ.

اَللّٰهُمَّ أَرْضِهِ عَنّا وَلا تُسْخِطْهُ عَلَيْنا، وَاهْدِنا بِهِ وَلا تُضِلَّنا فِيْهِ، وَاجْعَلْنا فِيْهِ عَلَى السَّبِيلِ الَّذِي تَخْتارُهُ، وَأَضِفْ طاعَتِي إِلىٰ خالِصِ نِيَّتِي في تَحِيَّتي، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ خِيارِ خَلْقِكَ محمّدٍ وَآلِهِ، كَما انْتَجَبْتَهُمْ عَلَى العالَمِينَ، وَاخْتَرْتَهُمْ عَلىٰ عِلْمٍ مِنَ الأَوَّلِينَ.

اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ حُجَّتِكَ، وَصِفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، التّالي لِنَبِيِّكَ، المُقِيمِ لِأَمْرِكَ، عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ. وَصَلِّ عَلىٰ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ، سَيِّدَةِ نِساءِ العالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى الحَسَنِ وَالحُسَيْنِ، شَنَفَيْ عَرْشِكَ، وَدَلِيلَي خَلْقِكَ عَلَيْكَ، وَدُعاتِهِمْ[1] إِلَيْكَ.

اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ عَلِيٍّ، وَمحمّدٍ، وَجَعْفَرٍ، وَمُوسىٰ، وَعَلِيٍّ، وَمحمّدٍ، وَعَلِيٍّ، وَالحَسَنِ، وَالخَلَفِ الصّالِحِ الباقي؛ مَصابِيحِ الظَّلامِ، وَحُجَجِكَ عَلىٰ جَمِيعِ الأَنامِ، خَزَنَةِ العِلْمِ أَنْ يُعْدَمَ، وَحُماةِ الدِّينِ أَنْ يَسْقَمَ، صَلاةً يَكُونُ الجَزاءُ عَلَيْها أَتَمَّ رِضْوانِكَ، وَنَوامِيَ بَرَكاتِكَ، وَكَرائِمَ إِحْسانِكَ.

اَللّٰهُمَّ الْعَنْ أَعْداءَهُمْ مِنَ الجِنِّ وَالإِنْسِ أَجْمَعِينَ، وَضاعِفْ عَلَيْهِمُ العَذابَ الأَلِيمَ؛ والسلام عَليكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس بخوان آن دعای عهد راکه در زیارات حضرت صاحب الامر علیه السلام گذشت[2].

پس می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ، راضِيَةً بِقَضائِكَ، مُوْلَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعائِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيائِكَ، مَحْبُوبَةً في أَرْضِكَ وَسَمائِكَ، صابِرَةً عَلىٰ نُزُولِ بَلائِكَ، مُشْتاقَةً إِلىٰ فَرحَةِ لِقائِكَ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوىٰ لِيَوْمِ جَزائِكَ، مُسْتَسِنَّةً[3] بِسُنَنِ أَوْلِيائِكَ،

---

۱ ـ «وَداعِيهِم» خ ل. ۲ ـ نگاه کن: ص ۵۵۷.

۳ ـ «مستنّة» خ ل.

مُفارِقَةً لِأَخْلاقِ أَعْدائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيا بِحَمْدِكَ وَثَنائِكَ[۱].

زیارت پنجم:

منقول است از حسین بن روح ـ که از نایبان حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بوده است ـ که گفت: زیارت کن در هر روضه از روضه‌های ائمه ـ صلوات الله علیهم ـ که در آنجا باشی در ماه رجب، به این زیارت: چون داخل شوی بگو:

الحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أشهَدَنا مَشهَدَ أوليائِهِ في رَجَبٍ، وَأوجَبَ عَلَينا مِنْ حَقِّهِم ما قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ محمّدٍ المُنتَجَبِ، وَعَلىٰ أوصِيائِهِ الحُجُبِ.

اللّٰهُمَّ فَكَما أشهَدْتَنا مَشهَدَهُم فَأنْجِزْ لَنا مَوعِدَهُم، وَأورِدْنا مَورِدَهُم غَيرَ مُحَلَّئِينَ عَنْ وِرْدٍ في دارِ المُقامَةِ وَالخُلْدِ.

وَالسَّلامُ عَلَيكُم، إنِّي قد قَصَدْتُكُم، وَاعْتَمَدْتُكُم بِمَسْأَلَتي وَحاجَتي، وَهِيَ فَكاكُ رَقَبَتي مِنَ النّارِ، وَالمَقَرُّ مَعَكُم في دارِ القَرارِ، مَعَ شِيعَتِكُم الأبرارِ، وَالسَّلامُ عَلَيكُم بِما صَبَرْتُم فَنِعْمَ عُقْبَى الدّارِ.

أنَا سائِلُكُم وَآمِلُكُم فِيما إلَيكُمُ التَّفوِيضُ، وَعَلَيكُمُ التَّعوِيضُ؛ فَبِكُمْ يُجْبَرُ المَهِيضُ، وَيُشْفَى المَرِيضُ، وَعِنْدَكُمْ ما تَزدادُ الأرحامُ وَما تَغِيضُ.

إنِّي بِسِرِّكُم مُؤْمِنٌ، وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ، وَعَلَى اللهِ بِكُم مُقْسِمٌ في رَجْعَتي بِحَوائِجي، وَقَضائِها وَإمْضائِها وَإنْجاحِها وَإبراحِها، وَبِشُؤوني لَدَيكُم وَصَلاحِها.

وَالسَّلامُ عَلَيكُم سَلامَ مُوَدِّعٍ، وَلَكُم حَوائِجَهُ مُودِعٌ، يِسأَلُ اللهَ إلَيْكُمُ المَرجِعَ، وَسَعيُهُ إلَيكُم غَيرُ مُنقَطِعٍ، وَأنْ يُرجِعَني مِنْ حَضرَتِكُم خَيرَ مَرجِعٍ إلىٰ جَنابٍ مُمْرِعٍ، وَخَفْضٍ[۲] مُوسِعٍ، وَدَعَةٍ وَمَهَلٍ إلىٰ حِينِ الأجَلِ، وَخَيرَ مَصِيرٍ وَمَحَلٍّ، في النَّعِيمِ الأزَلِ،

---

۱ ـ مصباح الزّائر: ۴۷۶ ـ ۴۸۴، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۱۷۸ ـ ۱۸۵، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۵/ ۶۲ ش ۱۶۵۷.

۲ ـ «خفض عَيْش» خ ل.

وَالعَيشِ المُقْتَبَلَ، وَدَوامِ الأُكُلِ، وَشُرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلسَلِ، وَعَلٍّ وَنَهَلٍ، لا سَأَمَ مِنْهُ وَلا مَلَلَ، وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَتَحيّاتُهُ عَلَيكُم، حَتَّى العَودِ إِلىٰ حَضرَتِكُم، وَالفَوزِ في كَرَّتِكُم، وَالحَشرِ في زُمْرَتِكُم، وَالسَّلامُ عَلَيكُم وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَصَلَواتُهُ وَتَحيّاتُهُ، وَهُوَ حَسْبُنا وَنِعْمَ الوَكِيلُ[1].

زیارت ششم:

به سندهای معتبر منقول است از جابر، از امام محمّد باقر علیه السلام که حضرت امام زین‌العابدین ـ صلوات الله علیه ـ به‌زیارت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه آمد، و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست، و فرمود:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ اللهِ في أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلىٰ عِبادِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ جاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ ـ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، حَتّىٰ دَعاكَ اللهُ إِلىٰ جِوارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيارِهِ لَكَ كَرِيمَ ثَوابِهِ، وَأَلْزَمَ أَعْداءَكَ الحُجَّةَ[2] مَعَ ما لَكَ مِنَ الحُجَجِ البالِغَةِ عَلىٰ جَمِيعِ خَلْقِهِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ نَفْسي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ، راضِيَةً بِقَضائِكَ، مُوْلَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعائِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيائِكَ، مَحْبُوبَةً في أَرْضِكَ وَسَمائِكَ، صابِرَةً عِند[3] نُزُولِ بَلائِكَ، شاكِرَةً لِفَواضِلِ نَعمائِكَ، ذاكِرَةً لِسَوابِغِ آلائِكَ، مُشْتاقَةً إِلىٰ فَرْحَةِ لِقائِكَ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوىٰ لِيَوْمِ جَزائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيائِكَ، مُفارِقَةً لِأَخْلاقِ أَعْدائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيا بِحَمْدِكَ وَثَنائِكَ.

پس پهلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

اَللّٰهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ المُخْبِتِينَ إِلَيْكَ والِهَةٌ، وَسُبُلَ الرّاغِبِينَ إِلَيْكَ شارِعَةٌ، وَأَعْلامَ

---

۱ ـ مصباح المتهجّد: ۸۲۱، مزار کبیر: ۲۰۳ ـ ۲۰۵، اقبال الاعمال: ۱۸۳/۳، مصباح الزّائر: ۴۹۳، بحارالانوار: ۱۹۵/۱۰۲، موسوعة زيارات المعصومين علیهم السلام: ۵/ ۱۲۲ ش ۱۶۶۷.

۲ ـ «الحجّة في قتلهم إيّاك» خ ل. ۳ ـ «على» خ ل.

القاصِدِينَ إِلَيْكَ واضِحَةٌ، وَأَفْئِدَةَ الوافدين إليك[1] فازعةٌ، وَأَصْواتَ الدّاعِينَ إِلَيْكَ صاعِدَةٌ، وَأَبْوابَ الإِجابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ، وَدَعْوَةَ مَنْ ناجاكَ مُسْتَجابَةٌ، وَتَوْبَةَ مَنْ أَنابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ، وَعَبْرَةَ مَنْ بَكىٰ مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ، والإغاثَةَ لِمَنِ اسْتَغاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ[2]، وَالإِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ، وَعِداتِكَ لِعِبادِكَ مُنَجَّزَةٌ، وَزَلَلَ مَنِ اسْتَقالَكَ مُقالَةٌ، وَأَعْمالَ العامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ، وَأَرْزاقَ الخَلائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نازِلَةٌ، وَعَوائِدَ المَزِيدِ إِلَيْهِمْ واصِلَةٌ، وَذُنُوبَ المُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ، وَحَوائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ، وَجَوائِزَ السّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةٌ، وَعَوائِدَ المَزِيدِ مُتَواتِرَةٌ، وَمَوائِدَ المُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ، وَمَناهِلَ الظِّماءِ مُتْرَعَةٌ.

اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعائي، وَاقْبَلْ ثَنائي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيائي، بِحَقِّ محمّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ[3]، إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمائِي، وَمُنْتَهىٰ مُنايَ، وَغايَةُ رَجائِي في مُنْقَلَبِي وَمَثْوايَ.

پس حضرت امام محمّد باقر ﷺ فرمود که: هرکه از شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبر امیرالمؤمنین یا نزد قبر یکی از ائمّه ﷺ بخواند، البتّه حق تعالی این زیارت و دعا را در نامه‌ای از نور بالا برد، و مهر محمّد ﷺ را بر آن بزند، و چنین محفوظ باشد تا تسلیم نمایند به‌قائم آل محمّد ﷺ، پس استبقال نماید صاحبش را به بشارت و تحیّت و کرامت، إن شاءالله تعالی[4].

جابر گفت که: من این حدیث را به حضرت امام جعفر صادق ﷺ عرض کردم.

فرمود که: هرگاه خواهی وداع یکی از ائمّه ﷺ بکنی، این دعا را نیز اضافه کن:

السَّلامُ عَلَيكَ أَيُّها الإمامُ وَرَحمَةُ اللهِ وبَرَكاتُهُ، أَستَودِعُكَ اللهَ، وَعَلَيكَ السَّلامُ

۱ـ «وأفئدة العارفين مِنْك» خ ل. ۲ـ «مرجوّة» خ ل.

۳ـ «والحسين والأئمّة من ذريّة الحسين» خ ل.

۴ـ مصباح المتهجّد: ۷۳۸، اقبال الاعمال: ۲/ ۲۷۳، مصباح االزائر: ۴۷۴، فرحة الغرى: ۴۰ ـ ۴۶، بحارالانوار: ۱۰۰/ ۲۶۶ ح۹ وص۲۶۸ ح۱۱ وج۱۰۲/ ۱۷۶، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۲/ ۸۹ ش ۵۶۰ وج۵/ ۳۹ ش ۱۶۵۰.

وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ. آمَنّا بِالرَّسُولِ وَبِما جِئْتُمْ بِهِ وَدَعَوتُم إِلَيهِ.

اللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ العَهْدِ مِنْ زِيارَتي وَلِيَّكَ.

اللّٰهُمَّ لا تَحْرِمْني ثَوابَ مَزارِهِ[1] الَّذي أَوْجَبْتَ لَهُ، وَيَسِّرْ لَنا العَودَ إِلَيهِ إِنْ شاءَ اللهُ تَعالىٰ[2].

مؤلّف گوید که: این زیارت در زیارات مطلقهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام گذشت[3]، و بهترین زیارات است از جهت متن و سند؛ و باید که در جمیع روضات مقدّسه بر این مواظبت نمایند.

زیارت هفتم:

شیخ ابن قولویه رحمه الله به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که: مجزی است تو را این زیارت نزد قبر حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ و نزد قبر هر امامی که حاضر شوی، بگو:

اَلسَّلامُ مِنَ اللهِ، السَّلامُ عَلىٰ محمّدٍ أَمِينِ اللهِ عَلىٰ رسله[4] وَعَزائِمِ أَمْرِهِ، الخاتِمِ لِما سَبَقَ، وَالفاتِحِ لِما اسْتُقْبِلَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ محمّد عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعثتَ بِرِسالاتِكَ[5] وَكُتُبِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيٍّ أَمِيرِالمُؤْمِنِينَ، عَبْدِكَ وَأَخِي رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ وَكُتُبِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ،

---

۱ ـ «مَن زاره» خ ل.

۲ ـ فرحة الغری: ۴۶، بحارالانوار: ۱۰۰/۲۶۸ ح ۱۰.

۳ ـ نگاه کن: ص۱۲۸.

۴ ـ «رسوله» خ ل.

۵ ـ «برسالتك» خ ل.

وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ فاطِمَةَ أَمَتِكَ، وَبِنْتِ نَبِيِّكَ، وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ، وَأُمِّ السِّبْطَيْنِ ـ الحَسَنِ وَالحُسَيْنِ ـ، الطّاهِرَةِ المُطَهَّرَةِ، الصِّدِّيقَةِ الزَّكِيَّةِ، سَيِّدَةِ نِساءِ أَهْلِ الجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، وَالسَّلامُ عَلَيْها وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَابْنِ رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ وَكُتُبِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَابْنِ رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ وَكُتُبِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الحُسَيْنِ، عَبْدِكَ وَابْنِ رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ وَكُتُبِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَابْنِ رَسُولِكَ، الَّذي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ وَكُتُبِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَبْدِكَ وَابْنِ رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلیٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ وَكُتُبِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلیٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَبْدِكَ وَابْنِ رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلیٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ وَكُتُبِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلیٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسیٰ، عَبْدِكَ وَابْنِ رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلیٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ وَكُتُبِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلیٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَركاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَابْنِ رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلیٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ وَكُتُبِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلیٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَبْدِكَ وَابْنِ رَسُولِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلیٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسالاتِكَ وَكُتُبِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالْمُهَيْمِنِ عَلیٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَبْدِكَ وَابْنِ رَسُولِكَ، الَّذي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِـرِسالاتِكَ وَكُـتُبِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الحُجَّةِ ابْنِ الحَسَنِ، عَبْدِكَ وَابْنِ رَسُولِكَ، الَّذي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَالدَّلِيلِ عَلىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِـرِسالاتِكَ وَكُـتُبِكَ، وَدَيّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلِ قَضائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

پس می‌گویی:

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ، وَبابُ الهُدىٰ، وَالعُرْوَةُ الوُثْقىٰ، وَالحُجَّةُ البالِغَةُ عَلىٰ مَنْ فِيها وَمَنْ تَحْتَ الثَّرىٰ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ أَرْواحَكُمْ وَطِينَتَكُمْ مِنْ طِينَةٍ واحِدَةٍ، طابَتْ وَطَهُرَتْ، مِنْ نُـورِ اللهِ وَمِنْ رَحْمَتِهِ.

وَأُشْهِدُ اللهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنّي لَكُمْ تَبَعٌ بِذاتِ نَفْسي، وَشَرائِعِ دِيـني، وَخَـواتِـيمِ عَمَلِي. اَللّٰهُمَّ فَأَتْمِمْ لي ذٰلِكَ بِرَحْمَتِكَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللهِ ما أُمِرْتَ بِهِ، وَقُـمْتَ بِحَقِّهِ، غَيْرَ واهِنٍ وَلا مُوهِنٍ؛ فَجَزاكَ اللهُ مِنْ صِدِّيقٍ خَيْراً عَنْ رَعِيَّتِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّ الجِهادَ مَعَكَ جِهادٌ، وَأَنَّ الحَقَّ مَـعَكَ وَلَكَ، وَأَنْتَ مَـعْدِنُهُ، وَمِـيراثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ وَعِنْدَ أَهْلِ بَيْتِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكاةَ، وَأَمَرْتَ بِالمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ المُنْكَرِ،

وَدَعَوْتَ إِلىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالحِكْمَةِ وَالمَوْعِظَةِ الحَسَنَةِ، وَعَبَدْتَ رَبَّكَ حَتّىٰ أَتاكَ اليَقِينُ.

و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللهِ المُسَوِّمِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللهِ المُنْزَلِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللهِ المُرْدِفِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَلائِكَةِ اللهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هٰذا الحَرَمِ بِإِذْنِ اللهِ مُقِيمُونَ.

پس می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ الْعَنِ اللَّذَيْنِ بَدَّلا نِعْمَتَكَ، وَخالَفا كِتابَكَ، وَجَحَدا آياتِكَ، وَاتَّهَما رَسُولَكَ. احْشُ قُبُورَهُما وَأَجْوافَهُما ناراً، وَأَعِدَّ لَهُما عَذاباً أَلِيماً، وَاحْشُرْهُما وَأَشْياعَهُما إِلىٰ جَهَنَّمَ زُرْقاً، احْشُرْهُما وَأَشْياعَهُما وَأَتْباعَهُما يَوْمَ القِيامَةِ عَلىٰ وُجُوهِهِمْ عُمْياً وَبُكْماً وَصُمّاً، مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّما خَبَتْ زِدْناهُمْ سَعِيراً.

اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ العَهْدِ مِنْ زِيارَةِ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّكَ، وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَتَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ؛ فَإِنَّكَ وَعَدْتَهُ، وَأَنْتَ الرَّبُّ الَّذِي لا تُخْلِفُ المِيعادَ.

و می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللهِ فِي ظُلُماتِ الأَرْضِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا إِمامَ المُؤْمِنِينَ، وَوارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَسُلالَةَ الوَصِيِّينَ، وَالشَّهِيدَ يَوْمَ الدِّينِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ وَآباءَكَ الَّذِينَ كانُوا مِنْ قَبْلِكَ، وَأَبْناءَكَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِكَ، مَوالِيَّ وَأَوْلِيائِي وَأَئِمَّتِي.

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَصْفِياءُ اللهِ وَخَزَنَتُهُ، وَحُجَّتُهُ البالِغَةُ؛ انْتَجَبَكُمْ بِعِلْمِهِ أَنْصاراً لِدِينِهِ، وَقُوّاماً بِأَمْرِهِ، وَخُزّاناً لِعِلْمِهِ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَتَراجِمَةً لِوَحْيِهِ، وَمَعْدِناً لِكَلِماتِهِ،

وَأَرْكاناً لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهُوداً عَلىٰ عِبادِهِ، اسْتَوْدَعَكُمْ خَلْقَهُ، وَأَوْرَثَكُمْ كِتابَهُ، وَخَصَّكُمْ بِكَرائِمِ التَّنْزِيلِ، وَأَعْطاكُمُ التَّأْوِيلَ، وَجَعَلَكُمْ تابُوتَ حِكْمَتِهِ وَمَناراً في بِلادِهِ، وَضَرَبَ لَكُمْ مَثَلاً مِنْ نُورِهِ، وَأَجْرىٰ فِيكُمْ مِنْ عِلْمِهِ، وَعَصَمَكُمْ مِنَ الزَّلَلِ، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ، فَبِكُمْ تَمَّتِ النِّعْمَةُ، وَاجْتَمَعَتِ الفُرْقَةُ، وَائْتَلَفَتِ الكَلِمَةُ، وَلَزِمَتِ الطّاعَةُ المُفْتَرَضَةُ، وَالمَوَدَّةُ الواجِبَةُ؛ فَأَنْتُمْ أَوْلِياؤُهُ النُّجَباءُ، وَعِبادُهُ المُكَرَّمُونَ.

أَتَيْتُكَ يا ابْنَ رَسُولِ اللهِ عارِفاً بِحَقِّكَ، مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ، مُعادِياً لِأَعْدائِكَ، مُوالِياً لِأَوْلِيائِكَ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً. أَتَيْتُكَ وافِداً زائِراً، عائِذاً مُسْتَجِيراً مِمّا جَنَيْتُ عَلىٰ نَفْسي، وَاحْتَطَبْتُ عَلىٰ ظَهْرِي؛ فَكُنْ لِي شَفِيعاً، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَاللهِ مَقاماً مَعْلُوماً، وَأَنْتَ عِنْدَاللهِ وَجِيهٌ. آمَنْتُ بِاللهِ وَبِما أُنْزِلَ عَلَيْكُمْ، وَأَتَوَلّىٰ آخِرَكُمْ بِما تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ، وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَكُمْ، وَكَفَرْتُ بِالجِبْتِ وَالطّاغُوتِ، وَاللّاتِ وَالعُزّىٰ[۱].

زیارت هشتم:

زیارتی است که سیّد ابن طاووس ـ علیه الرّحمه ـ در ضمن ادعیه عرفه روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق؛ و در هر وقت و هر موضع که باشد می‌توان کرد، خصوصاً در روز عرفه:

السَّلامُ عَلَيكَ يا رَسُولَ اللهِ، السَّلامُ عَلَيكَ يا نَبِيَّ اللهِ، السَّلامُ عَلَيكَ يا خِيرَةَ اللهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَأَمِينَهُ عَلىٰ وَحْيِهِ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ يا أَمِيرَالمؤمِنِينَ، السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ، أَنْتَ حُجَّةُ اللهِ

---

۱ ـ کامل الزّیارات: ۳۱۶ ب ۱۰۴ ح ۲، بحارالانوار: ۱۰۲/۱۶۰ ح ۶، موسوعة زیارات المعصومین: ۵/ ۴۱ ـ ۴۴ ش ۱۶۵۱ و ۱۶۵۲.

عَلىٰ خَلْقِهِ، وَبابُ عِلْمِهِ، وَوَصِيُّ نَبِيِّهِ، وَالخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ في أُمَّـتِهِ. لَـعَنَ اللهُ أُمَّـةً غَصَبَتْكَ حَقَّكَ، وَقَعَدَتْ مَقْعَدَكَ؛ أَنا بَرِيءٌ مِنْهُم وَمِنْ شِيعَتِهِم إِلَيكَ.

السَّلامُ عَلَيكِ يا فاطِمَةُ البَتُولُ، السَّـلامُ عَـلَيكِ يـا زَيـنَ نِسـاءِ العـالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيكِ يا بِنْتَ رَسُولِ رَبِّ العالَمِينَ، صَلَّى اللهُ عَلَيكِ وَعَلَيهِ، السَّـلامُ عَـلَيكِ يا أُمَّ الحَسَنِ وَالحُسَينِ. لَعَنَ اللهُ أُمَّةً غَصَبَتْكِ حَقَّكِ، وَمَنَعَتْكِ ما جَعَل اللهُ لَكِ حَلالاً؛ أَنا بَرِيءٌ إِلَيكِ مِنْهُم وَمِنْ شِيعَتِهِم.

السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ يا أَبا مُحمّدٍ الحَسَنَ الزَّكِيَّ، السَّلامُ عَلَيكَ يا مَـولايَ. لَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَبايَعَتْ في أَمْرِكَ وَشايَعَتْ؛ أَنا بَرِيءٌ إِلَيكَ مِنْهُم وَمِنْ شِيعَتِهِم.

السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ، يا أَبا عَبدِاللهِ الحُسَينَ بنَ عَـلِيٍّ، صَـلَواتُ اللهِ عَـلَيكَ وَعَلىٰ أَبِيكَ وَجَدِّكَ مُحمّدٍ ـ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ ـ. لَعَنَ اللهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ دَمَكَ، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَاسْتَباحَتْ حَرِيمَكَ، وَلَـعَنَ اللهُ أَشْـياعَهُم، وَلَـعَنَ المُـمَهِّدِينَ لَـهُم بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتالِكُم؛ أَنا بَرِيءٌ إِلَى اللهِ وَإِلَيكَ مِنْهُم.

السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ، يا أَبا محمّدٍ عَلِيَّ بنَ الحُسَينِ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ، يا أَبا جَعفَرٍ محمّدَ بنَ عَلِيٍّ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ، يا أَبا عَبدِ اللهِ جَعفَرَ بنَ مُحمّدٍ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ، يا أَبا الحَسَنِ مُوسَى بنَ جَعفَرٍ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ، يا أَبا الحَسَنِ عَلِيَّ بنَ مُوسىٰ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ، يا أَبا جَعفَرٍ محمّدَ بنَ عَلِيٍّ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ، يا أَبا الحَسَنِ عَلِيَّ بنَ مُحمّدٍ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ، يا أَبا محمّد الحَسَنَ بنَ عَلِيٍّ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ، يا ابنَ الحَسَنِ صاحِبَ الزَّمانِ، صَلَّى اللهُ عَلَيكَ وَعَلىٰ عِتْرَتِكَ الطّاهِرَةِ الطَّيِّبَةِ.

يا مَوالِيَّ، كُونُوا شُفَعائي في حَطِّ وِزْرِي وَخَطاياي، آمَنْتُ بِاللهِ وَبِما أُنْزِلَ إلَيكُم، وَأتَوالىٰ آخِرَكُم بِما أتَوالىٰ أوَّلَكُم، وَبَرِئْتُ مِنَ الجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَاللّاتِ وَالعُزّىٰ.

يا مَوالِيَّ، أنا سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُم، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُم، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ، وَوَلِيٌّ لِمَنْ والاكُمْ إلىٰ يَومِ القِيامَةِ، وَلَعَنَ اللهُ ظالِمِيكُم وَغاصِبِيكُم، وَلَعَنَ اللهُ أشياعَهُم وَأتْباعَهُم، وَأهلَ مَذهَبِهِم، وَأبْرَأُ إلَى اللهِ وَإلَيكُم مِنْهُم[1].

---

۱ ـ اقبال الاعمال: ۲/ ۱۳۵، بحارالانوار: ۹۸/ ۲۵۱، وج ۱۰۱/ ۳۷۴، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۵/ ۱۲۴ ش ۱۶۶۸.

فصل دوم

در بیان کیفیت استشفاع و توسل به ائمه علیهم‌السلام و نوشتن عرائض به خدمت ایشان است و در آن چند روایت است

روایت اوّل:

به سند معتبر منقول است از محمد بن عبدالله بن المطّلب الشیبانی که گفت: شنیدم از ابن کشمرد که گفت: مرا با ابوالهیجا اسیر کرده بودند، و سلیمان ـ که والی بود ـ ابوالهیجا را گرامی می‌داشت و اورا بر سر خوان خود می‌طلبید، و شب او را برای صحبت به مجلس خود حاضر می‌گردانید؛ و در بعضی از شبها من التماس کردم که نام مرا نزد سلیمان مذکور سازد، و از او سؤال کند که مرا رها کند.

او قبول کرد و در آن‌شب رفت به سوی سلیمان، و عادتش آن بود که هرگاه از مجلس سلیمان برمی‌گشت نزد من می‌آمد و دلداری من می‌کرد و خبرها نقل می‌کرد؛ در این شب نیامد، و این موجب زیادتی وحشت من گردید، پس رفتم من به خانه او ـ و او مردی بود بسیار دیندار و صالح و شیعه خالص ـ، چون نظرش بر من افتاد بسیار گریست و گفت: من راضی بودم که یک سال بیماری بکشم و نام تو را نزد او مذکور نسازم.

گفتم: چرا؟

گفت: زیرا که همینکه نام تو را بردم خشم و طَیش او زیاده شد، و سوگندها یاد کرد که فردا نزد طلوع آفتاب امر کند که تو را گردن بزنند؛ و هرچند شفاعت کردم در این باب اصرار او بیشتر شد.

پس ابوالهیجا دلداری من کرد و گفت: اگر نه این بود که گمان می‌کردم که تو را

وصیّتی یا امری چند هست که محتاجی به گفتن آنها، هرآینه این خبر را به‌تو نقل نمی‌کردم، پس بر خدا اعتماد کن، و از این بلای عظیم که تو را رو داده است به او متوسّل شو که خدا امان دهنده‌ای است که کسی از عقوبت او امان نمی‌تواند داد، و متوجه شو به سوی حق تعالیٰ به شفاعت آن جماعت که تهیه و ذخیره‌اند از برای شدائد و امور عظیمه ـ یعنی محمد و آل طاهرین او صلوات الله علیهم اجمعین ـ.

ابن کشمرد گفت که: پس برگشتم به آن خانه که مرا در آنجا فرود آورده بودند، با حالتی عظیم از نا امیدی از زندگانی و تن به مردن دادن، پس غسل کردم و کفن خود را پوشیدم، و رو به قبله آوردم و پیوسته درآن‌شب نماز می‌کردم، و با پروردگار خود مناجات می‌کردم، و با تضرّع و اقرار به گناهان توبه می‌کردم از هریک [از] گناهان خود، و متوسّل شدم به خدا به شفاعت رسول خدا و ائمه طاهرین ـ صلوات الله علیهم ـ و یک‌یک را نام می‌بردم، و پیوسته در محراب ایستاده بودم و تضرّع می‌کردم به سوی امیرالمؤمنین، و استغاثه به آن حضرت می‌کردم و می‌گفتم: یا امیرالمؤمنین، به تو متوجّه می‌شوم به سوی خداوندی که پروردگار من و پروردگارتو است، در این امری که مرا فرو گرفته است.

و پیوسته این قِسم سخنان می‌گفتم تا چون نصف شب گذشت مرا خواب ربود، پس حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ را در خواب دیدم که مرا ندا کرد که: ای پسر کشمرد!

گفتم: لبّیک یا امیرالمؤمنین!

فرمود: که چرا تو را با این حال می‌بینم؟

گفتم: ای مولای من، سزاوار نیست کسی راکه در صباح این شب کشته شود دور از اهل و فرزندانش، و بی‌وصیّت به کسی که متکفّل امور او شود، اینکه اضطراب و جزعش عظیم باشد؟!

فرمود که: مانع خواهد شد حفظ و حمایت الهی میان تو و میان آنچه تو را وعید داده است از سطوتهای خود، بنویس:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، مِنَ العَبْدِ الذَّلِيلِ فُلانِ بْنِ فُلان ـ و نام خود و نام پدر خود

را بنویس ـ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ الَّذي لا إِلٰـهَ إِلّا هُـوَ الْحَـيُّ الْقَـيُّومُ، وَسَـلامٌ عَـلىٰ آلِ ياسين، مُحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ، وَفاطِمَةَ، وَالْحَسَنِ، وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيٍّ، وَمُحَمَّدٍ، وَجَـعْفَرٍ، وَمُوسىٰ، وَعَلِيٍّ، وَمُحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ، وَالْحَسَنِ، وَحُجَّتِكَ يا رَبِّ عَلىٰ خَلْقِكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنّي لَمُسْلِمٌ، وَإِنّي أَشْهَدُ أَنَّكَ اللهُ إِلٰهي وَإِلٰهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِـرِينَ، لا إِلٰـهَ غَيْرُكَ، وَأَتَوَجَّهُ[1] إِلَيْكَ بِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْماءِ الَّتي إِذا دُعِيتَ بِها أَجَبْتَ، وَإِذا سُئِلْتَ بِـها أَعْطَيْتَ، لَمّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِمْ، وَهَوَّنْتَ عَلَيَّ خُرُوجي[2] وَكُـنْتَ لِـي قَـبْلَ ذٰلِكَ عِـياذاً وَمُجِيراً مِمَّنْ أَرادَ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَوْ يَطْغىٰ.

و بخوان سورهٔ «یٰس» را و بعد از آن هر دعا که خواهی بکن، که خدا مستجاب می‌کند و غمت را زایل می‌گرداند.

پس فرمود که: این رقعه را در میان گلی بگذار و در دریا بینداز.

گفتم: ای مولای من، دریا از من دور است، و من محبوسم و حرکت نمی‌توانم کرد.

فرمود که: در چاه یا در هر آبی که به‌تو نزدیک باشد بینداز.

ابن‌کشمرد گفت: من بیدار شدم و برخاستم و آنچه مولایم فرموده بود بعمل آوردم، و باز نهایت قلق و اضطراب داشتم.

چون صبح شد و آفتاب طالع شد مرا طلبیدند، من جزم کردم که مرا برای کشتن می‌طلبند.

چون به مجلس سلیمان داخل شدم، دیدم که او در صدر مجلس بر کرسی نشسته، و دو کس از جانب راستش بر دو کرسی نشسته‌اند، و در جانب چپش ابوالهیجا بر کرسی نشسته است؛ و کرسی دیگر در پهلوی ابوالهیجا گذاشته است وکسی بر آن کرسی ننشسته است.

چون سلیمان نظرش بر من افتاد، مرا پیش طلبید و بر آن کرسی خالی نشانید، پس رو به سوی من کرد و گفت: ما عزم کرده بودیم که تو را بکشیم ـ چنانچه

---

۱ ـ «أتوجّه» خ ل.

۲ ـ «خروج روحي» خ ل.

شنیده بودی ـ، بعد از آن رأی ما بر آن قرار گرفته است که تو را رها کنیم، و مخیّر گردانیم میان اینکه در خدمت ما باشی و به تو احسان کنیم، یا به عیال خود برگردی و جایزه نیکو به تو بدهیم.

من گفتم: بودن در خدمت شما باعث منفعت و شرف من است، و در برگشتن به سوی عیال و مادر پیرم ثواب و اجر هست.

گفت: آنچه خواهی بکن، که ما به تو گذاشته‌ایم.

پس بیرون آمدم. باز مرا طلبید و برگشتم، پس گفت: تورا با علی بن ابی طالب‌ؑ چه نسبت هست؟

گفتم: من خویش آن حضرت نیستم، ولیکن دوست و شیعه اویم.

فرمود که: دست از ولایت او برمدار، که او ما را امر کرد که تو را رها کنیم؛ نتوانستیم مخالفت امر او کرد.

پس تهیه من کرد، و کس همراه کرد که من به عیال خود رسیدم[1].

و در **بعضی از روایات** چنین نقل کرده‌اند که سورهٔ «حمد» و «آیة‌الکرسی» و آیهٔ سخره را بنویسد، و بعد از آن این رقعه را بنویسد و بپیچد و در میان بندقه‌ای از گل پاک بگذارد و سورهٔ «یٰس» بر آن بخواند، و در چاه عمیقی یا نهر آبی یا چشمه عمیقی بیندازد[2].

دوم:

استغاثه‌ای است به حضرت صاحب‌الامر ـ صلوات الله علیه ـ که در رقعه بنویسد و بیندازد بر قبری از قبور ائمه‌ؑ؛ یا آنکه رقعه را ببندد و مهر کند و در میان گل پاکیزه بگذارد، و در نهری یا چاه عمیقی یا غدیری بیندازد، که آن رقعه به‌حضرت صاحب‌الامرؑ می‌رسد، و آن حضرت خود متکفّل برآوردن حاجت او می‌شود.

و رقعه این است:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، كَتَبْتُ يا مَوْلايَ ـ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْكَ ـ مُسْتَعيناً،

---

۱ ـ بحارالانوار: ۹۴/ ۲۳ ح ۲۱ وج ۱۰۲/ ۲۳۱ ح ۱.   ۲ ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۳۴ ح ۲.

وَشَكَوْتُ ما نَزَلَ بي مُسْتَجيراً بِاللهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بِكَ، مِنْ أمْرٍ قَدْ دَهَمَني، وَأشغَلَ قَلْبي، وَأطالَ فِكْري، وَسَلَبَني بَعْضَ لُبِّي، وَغَيَّرَ خَطيرَ نِعْمَةِ اللهِ عِنْدي، أسْلَمَني عِنْدَ تَخَيُّلِ وُرُودِهِ الخَليلُ، وَتَبَرَّأَ مِنِّي عِنْدَ تَرائي إقْبالِهِ إلَيَّ الحَميمُ، وَعَجَزَتْ عَنْ دِفاعِهِ حيلَتي، وَخانَني في تَحَمُّلِهِ صَبْري وَقُوَّتي، فَلَجَأْتُ فِيهِ إلَيْكَ، وَتَوَكَّلْتُ في الْمَسْأَلَةِ لِلّهِ جَلَّ ثَناؤُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ في دِفاعِهِ عَنِّي، عِلْماً بِمَكانِكَ مِنَ اللهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَلِيِّ التَّدْبيرِ، وَمالِكِ الأُمُورِ، واثِقاً بِكَ في الْمُسارَعَةِ في الشَّفاعَةِ إلَيْهِ جَلَّ ثَناؤُهُ في أمْري، مُتَيَقِّناً لِإجابَتِهِ تَبارَكَ وَتَعالىٰ إيّاكَ بِإعْطائي سُؤْلي.

وَأَنْتَ يا مَوْلايَ جَديرٌ بِتَحقِيقِ ظَنِّي، وَتَصْدِيقِ أَمَلي فِيكَ، في أمرِ كذا وَكَذا ـ و حاجت خود را بنویسد ـ فِيما لا طاقَةَ لي بِحَمْلِهِ، وَلا صَبْرَ لي عَلَيْهِ، وَإنْ كُنتُ مُستَحِقّاً لَهُ وَلِأَضْعافِهِ، بِقَبِيحِ أفْعالي وَتَفْرِيطي في الْواجِباتِ الَّتي لِلّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَأغِثْني يا مَوْلايَ ـ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْكَ ـ عِنْدَ اللَّهَفِ، وَقَدِّمِ الْمَسْأَلَةَ لِلّهِ عَزَّ وَجَلَّ في أمْري، قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ وَشَماتَةِ الأَعْداءِ؛ فَبِكَ بُسِطَتِ النِّعْمَةَ عَلَيَّ.

وَاسْأَلِ اللهَ جَلَّ جَلالُهُ لي نَصْراً عَزِيزاً، وَفَتْحاً قَرِيباً فِيهِ بُلُوغُ الآمالِ، وَخَيرُ الْمَبادِي وَخَواتيمُ الأَعْمالِ، وَالْأَمْنُ مِنَ المَخاوِفِ كُلِّها في كُلِّ حالٍ، إنَّهُ جَلَّ ثَناؤُهُ لِما يَشاءُ فَعّالٌ، وَهُوَ حَسْبي وَنِعْمَ الْوَكيلُ في المَبْدَإ وَالْمآلِ.

پس می‌رود به نزد نهر یا غدیر، و قصد می‌کند یکی از نوّاب حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه را ـ یا عثمان بن سعید عَمری، یا پسر او محمّد بن عثمان، یا حسین بن روح، یا علی بن محمّد سمری، که این جماعت وکلا و نایبان آن حضرت بودند در زمان غیبت صغری، ـ پس یکی از ایشان را ندا می‌کند که:

يا فلان بن فلان سَلامٌ عَلَيْكَ، أشهَدُ أنَّ وَفاتَكَ في سَبِيلِ اللهِ، وَأَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللهِ مَرْزُوقٌ، وَقَدْ خاطَبْتُكَ في حَياتِكَ الَّتي لَكَ عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَجلّ، وَهٰذِهِ رُقعَتي وَحاجَتي

إلىٰ مولانا عَلَيهِ السَلام، فَسَلِّمْها إِلَيْهِ فَأَنْتَ الثِّقَةُ الأَمينُ.

پس بیندازد آن رقعه را در نهر یا چاه یا غدیر، تا حاجتش برآورده شود ان شاءالله تعالی[1].

سوم:

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هرگاه تو را حاجتی به سوی خدا باشد، یا از امری خائف و ترسان باشی، در کاغذی بنویس:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ الأَسْماءِ إِلَيْكَ، وَأَعْظَمِها لَدَيْكَ، وَأَتَقَرَّبُ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَنْ أَوْجَبْتَ حَقَّهُ عَلَيْكَ، بِمَحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ، وَفاطِمَةَ، وَالحَسَنِ، وَالحُسَيْنِ، وَعَلِيِّ بْنِ الحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَالحُجَّةِ المُنْتَظَرِ ـ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ـ، اكْفِنِي كذا وكذا. یعنی حاجات خود را ذکر کند.

پس رقعه را بپیچ و در بندقه‌ای از گِل بگذار، و در میان آب جاری یا چاهی بینداز که حق تعالی به زودی فرج کرامت می‌فرماید[2].

چهارم:

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هرکه روزی او کم شود یا معیشت او تنگ شود یا حاجت ضروری از امور دنیا و آخرت او را عارض شود، پس بنویسد در رقعه سفیدی آنچه مذکور می‌شود، و در آب جاری بیندازد نزد طلوع آفتاب، و نامها در یک سطر بوده باشد ـ:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، المَلِكِ الحَقِّ المُبِينِ.

مِنَ العَبْدِ الذَّلِيلِ، إِلَى المَوْلَى الجَلِيلِ، سَلامٌ عَلىٰ مُحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ، وَفاطِمَةَ،

---

۱ ـ مصباح کفعمی: ۴۰۴ ـ ۴۰۵، بلد الامین: ۱۵۷ ـ ۱۵۸، بحارالانوار: ۹۴/ ۲۹ وج ۱۰۲/ ۲۳۴ ح ۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۴۱۱ ش ۱۵۷۸.

۲ ـ مصباح کفعمی: ۴۰۳، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۳۵ ح ۳.

وَالحَسَنِ، وَالحُسَيْنِ، وَعَلِيٍّ، وَمُحَمَّدٍ، وَجَعْفَرٍ، وَمُوسىٰ، وَعَلِيٍّ، وَمُحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ، وَالحَسَنِ، وَالقائِمِ سَيِّدِنا وَمَوْلانا ـ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ـ.

رَبِّ مَسَّنِي الضُّرُّ وَالخَوْفُ، فَاكْشِفْ ضُرِّي، وَآمِنْ خَوْفي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ نَبِيٍّ وَوَصِيٍّ وَصِدِّيقٍ وَشَهِيدٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

اشْفَعُوا لي يا ساداتي بِالشَّأْنِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللهِ، فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللهِ لَشَأْناً مِنَ الشَّأْنِ، فَقَدْ مَسَّنِيَ الضُّرُّ يا ساداتِي وَاللهُ أَرْحَمُ الرّاحِمِينَ.

فَافْعَلْ بي يا رَبِّ *كذا وكذا*[1] ـ یعنی مطالب خود را یاد کند ـ.

پنجم:

در کتاب قدیمی از مؤلّفات قدماء محدّثین مذکور است که: این نسخهٔ رقعه‌ای است که نوشته می‌شود و به روضه امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ فرستاده می‌شود، که به ضریح آن حضرت بیندازند:

عَبْدُكَ ـ يا أَمِيرَالمُؤْمِنِينَ ـ فُلانُ بْنُ فُلان، بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، وَالحَمْدُ للهِ رَبِّ العالَمِينَ كَثِيراً كَما هُوَ أَهْلُهُ، وَصَلَّى اللهُ عَلَى السّادَةِ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ، مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ الصّادِقِينَ الفاضِلِينَ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً. وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ، وَحَسْبُنا اللهُ وَنِعْمَ الوَكِيلُ، أَقْوىٰ مُعِينٍ وَأَهْدىٰ دَلِيلٍ.

يا مَوْلايَ وَإِمامي يا أَمِيرَالمُؤْمِنِينَ، صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَخِيكَ رَسُولِهِ وَنَبِيِّهِ، وَابْنَيْكَ السِّبْطَيْنِ الفاضِلَيْنِ، سَيِّدَي شَبابِ أَهْلِ الجَنَّةِ مِمَّنْ خَلَقَ اللهُ، وَعِرْسِكَ البَتُولِ الطّاهِرَةِ الزَّكِيَّةِ، سَيِّدَةِ نِساءِ العالَمِينَ، مِنَ الأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ، عَلَيْكُمُ السَّلامُ.

---

۱ ـ مصباح کفعمی: ۴۰۲ ـ ۴۰۳، بلد الامین: ۱۵۷، بحارالانوار: ۱۰۲ / ۲۳۶.

أَشْكُو إِلَيْكَ ـ يا مَوْلايَ يا أَمِيرَ المُؤْمِنِينَ ـ ما أنا فِيهِ مِن كذا وكذا، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَوْلاكَ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّ أَخِيكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ ـ صَلَّى اللهُ عَلَيْكُما ـ، وَبِحَقِّكَ وَمَوضِعِكَ مِنَ اللهِ، وَبِحَقِّ أَبْنائِكَ أَئِمَّةِ الهُدىٰ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَبِحَقِّ الزَّهْراءِ الطّاهِرَةِ، أَنْ تَشْفَعَ لي إِلَى اللهِ الكَرِيمِ في كَشْفِ ذٰلِكَ، وَتَفْرِيجِهِ عَنِّي، وَإِغْنائي عَنْ *كذا وكذا*، وَرَدِّي إِليْ *كذا وكذا*، وَأَنْ يُبارِكَ لي في نَفْسي وَوَلَدِي وَأَخِي وَأُخْتِي وَزَوْجَتِي، وَما تَحْوِيهِ يَدِي، وَأَنْ يَرْحَمَني وَيَغْفِرَ لِي وَيَرْضىٰ عَنِّي، وَيُلْحِقَني بِكُمْ، وَلا يُفَرِّقَ بَيْني وَبَيْنَكُمْ، وَيُمِيتَني عَلىٰ طاعَتِكُمْ وَمُوالاتِي إِيّاكُمْ، وَيُخْرِجَ أَوْلادي مُؤْمِنِينَ قائِلِينَ بِكُمْ، وَأَنْ يُبَلِّغَني مَحابِّي في نَفْسي وَجَمِيعِ إِخْواني، وَأَنْ يَرْحَمَني وَوالِدَيَّ وَأَهْلِي وَوَلَدِي، وَيَرْضىٰ عَنِّي وَعَنْهُمْ، وَيُدْخِلَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ في قُبُورِنا الضِّياءَ وَالنُّورَ وَالفُسْحَةَ وَالسُّرُورَ، وَأَنْ يَبْتَدِئَ في كُلِّ ما دَعَوْتُ لِنَفْسي وَالمُؤْمِنِينَ وَالمُؤْمِناتِ.

سَمِعَ اللهُ ذٰلِكَ مِنْكَ في وَلِيِّكَ، وَشَفَّعَكَ فِيهِ وَحَشَرَهُ مَعَكَ، وَلا فَرَّقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ، وَالحَمْدُ للهِ رَبِّ العالَمِينَ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الحَيِّ الدّائِمِ.

اَشْهِدُكَ أَنِّي أُوالي مَنْ والاكَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللهِ مِنْ أَعدائِكَ، وَمِمَّنْ ظَلَمَكَ، وَابْتَزَّكَ حَقَّكَ، وَقَدَّمَ غَيْرَكَ عَلَيْكَ، وَمَنْ قَتَلَكَ.

اَللّٰهُمَّ فَاكْتُبْ لي هٰذِهِ الشَّهادَةَ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ، أَهْلَ البَيْتِ المُبارَكِ، وَحَسْبُنا اللهُ وَنِعْمَ الوَكِيلُ[1].

ششم:

در بعضی از کتب معتبره از عبدالله بن جعفر حِمْیری روایت کرده است که گفت: نزد مولای خود امام حسن عسکری ﷺ بودم، ناگاه رقعه‌ای رسید که بعضی از شیعیان

---

۱ ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۳۶ ح ۴.

از زندان به آن حضرت نوشته بود، و در آن عـرضه شکـایت کـرده بـود از سـنگینی زنجیرها و بدحالی و ظلم خلیفه بر او.

پس آن حضرت در جواب او نوشت که: ای بنده خدا، به درستی که حق تـعالی امتحان می‌فرماید بندگانش را تا بیازماید صبر ایشان را، پس ثواب دهد ایشان را بر آن صبرْ ثوابِ شایستگان. پس بر تو باد به شکیبایی، و بنویس به‌سوی حق‌تعالی رقعه‌ای و بفرست آن‌را یا ببر به روضهٔ حضرت امام حسین، و بلندکن نزد آن حضرت به سوی خدا، و بلندکن آن را در جایی که احدی تورا نبیند.

و در رقعه این دعا را بنویس:

إلَى اللهِ المَلِكِ الدَّيّانِ، المُتَحَنِّنِ المَنّانِ، ذي الجَـلالِ وَالإكْـرامِ، وَذي المِـنَنِ العِظامِ، وَالأيادي الجِسامِ، وَعالِمِ الخَفِيّاتِ، وَمُجيبِ الدَّعَواتِ، وَراحِمِ العَـبَراتِ، الَّذي لا تَشغَلُهُ اللُّغاتُ، وَلا تُحَيِّرُهُ الأصْواتُ، وَلا تَأخُذُهُ السِّناتُ، مِنْ عَبْدِهِ الذَّليلِ البائِسِ الفَقيرِ، المِسْكينِ الضَّعيفِ المُسْتَجيرِ.

اللّهُمَّ أنْتَ السَّلامُ، وَمِنْكَ السَّلامُ، وَإلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلامُ، تَـبارَكْتَ وَتَـعالَيْتَ، يا ذا الجَلالِ وَالإكْرامِ، وَالمِنَنِ العِظامِ، وَالأيادِي الجِسامِ.

إلٰهي مَسَّنِي وَأهْلِيَ الضُّرُّ وَأنْتَ أرْحَمُ الرّاحِـمِينَ، وَأرْأَفُ الأرْأَفِـينَ، وَأجْـوَدُ الأجْوَدِينَ، وَأحْكَمُ الحاكِمِينَ، وَأعْدَلُ الفاصِلِينَ.

اَللّهُمَّ إنِّي قَصَدْتُ بابَكَ، وَنَزَلْتُ بِفِنائِكَ، وَاعْتَصَمْتُ بِحَبْلِكَ، وَاسْـتَعَنْتُ بِكَ، وَاسْتَجَرْتُ بِكَ، يا غِياثَ المُسْتَغِيثِينَ أغِثْني، يا جارَ المُسْتَجِيرِينَ أجِرْني، يـا إلٰـهَ العالَمِينَ خُذْ بِيَدِي، إنَّهُ قَدْ عَلا الجَبابِرَةُ في أرْضِكَ، وَظَهَرُوا في بِلادِكَ، وَاتَّـخَذُوا أهْلَ دِينِكَ خَوَلاً، وَاسْتَأْثَرُوا بِفَيْءِ المُسْلِمِينَ، وَمَنَعُوا ذَوِي الحُقُوقِ حُقُوقَهُمُ الَّـتِي جَعَلْتَها لَهُمْ، وَصَرَفُوها فـي المَـلاهي وَالمَـعازِفِ، وَاسْـتَصْغَرُوا آلاءَكَ، وَكَـذَّبُوا

أولياءَكَ، وَتَسَلَّطُوا بِجَبَرِيَّتِهِمْ لِيُعِزُّوا مَنْ أَذْلَلْتَ، وَيُذِلُّوا مَنْ أَعْزَزْتَ، وَاحْتَجَبُوا عَمَّنْ يَسْأَلُهُمْ حاجَةً، أو مَنْ يَنْتَجِعَ مِنْهُمْ فائِدَةً، وَأَنْتَ مَوْلايَ سامِعُ كُلِّ دَعْوَةٍ، وَراحِمُ كُلِّ عَبْرَةٍ، وَمُقِيلُ كُلِّ عَثْرَةٍ، وَسامِعُ كُلِّ نَجْوىٰ، وَمَوْضِعُ كُلِّ شَكْوىٰ، لا يَخْفىٰ عَلَيْكَ ما في السَّماواتِ العُلىٰ، وَالأَرَضِينَ السُّفْلىٰ، وما بَيْنَهُما وَما تَحْتَ الثَّرىٰ.

اللّٰهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ أَمَتِكَ، ذَلِيلٌ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ، مُسْرِعٌ إِلىٰ رَحْمَتِكَ، راجٍ لِثَوابِكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّ كُلَّ مَنْ أَتَيْتُهُ فَعَلَيْكَ يَدُلُّنِي، وَإِلَيْكَ يُرْشِدُنِي، وَفِيما عِنْدَكَ يُرَغِّبُنِي. مَوْلايَ وَقَدْ أَتَيْتُكَ راجِياً، سَيِّدِي وَقَدْ قَصَدْتُكَ مُؤَمِّلاً، يا خَيْرَ مَأْمُولٍ، وَيا أَكْرَمَ مَقْصُودٍ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تُخَيِّبْ أَمَلِي، وَلا تَقْطَعْ رَجائِي، وَاسْتَجِبْ دُعائِي، وَارْحَمْ تَضَرُّعِي.

يا غِياثَ المُسْتَغِيثِينَ أَغِثْنِي، يا جارَ المُسْتَجِيرِينَ أَجِرْنِي، يا إِلٰهَ العالَمِينَ خُذْ بِيَدِي، أَنْقِذْنِي وَاسْتَنْقِذْنِي وَوَفِّقْنِي وَاكْفِنِي.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي قَصَدْتُكَ بِأَمَلٍ فَسِيحٍ، وَأَمَّلْتُكَ بِرَجاءٍ مُنْبَسِطٍ، فَلا تُخَيِّبْ أَمَلِي، وَلا تَقْطَعْ رَجائِي.

اَللّٰهُمَّ إِنَّهُ لا يَخِيبُ مِنْكَ سائِلٌ، وَلا يَنْقُصُكَ نائِلٌ، يا رَبّاهْ، يا سَيِّداهْ، يا مَولاياهْ، يا عِماداهْ، يا كَهْفاهْ، يا حِصْناهْ، يا حِرْزاهْ، يا لَجَاآهْ.

اَللّٰهُمَّ إِيّاكَ أَمَّلْتُ سَيِّدِي، وَلَكَ أَسْلَمْتُ يا مَوْلايَ، وَلِبابِكَ قَرَعْتُ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تَرُدَّنِي بِالخَيْبَةِ مَحْرُوماً، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيْهِ بِإِحْسانِكَ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ بِتَفَضُّلِكَ، وَجُدْتَ عَلَيْهِ بِنِعْمَتِكَ، وَأَسْبَغْتَ عَلَيْهِ آلاءَكَ.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ غِياثِي وَعِمادِي، وَأَنْتَ عِصْمَتِي وَرَجائِي، ما لِي أَمَلٌ سِواكَ، وَلا رَجاءٌ غَيْرُكَ.

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَجُدْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ، وَامْنُنْ عَلَيَّ بِإِحْسانِكَ، وَافْعَلْ بِي ما أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلا تَفْعَلْ بِي ما أنا أَهْلُهُ، يا أَهْلَ التَّقْوىٰ وَأَهْلَ المَغْفِرَةِ، أَنْتَ خَيْرٌ لِي مِنْ أَبِي وَأُمِّي، وَمِنَ الخَلْقِ أَجْمَعِينَ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ قِصَّتِي إِلَيْكَ لا إِلَى المَخْلُوقِينَ، وَمَسْأَلَتِي لَكَ؛ إِذْ كُنْتَ خَيْرَ مَسْؤُولٍ وَأَعَزَّ مَأْمُولٍ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَعَطَّفْ عَلَيّ بِإِحْسانِكَ، وَمُنَّ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَعافِيَتِكَ، وَحَصِّنْ دِينِي بِالغِنىٰ، وَاحْرِزْ أَمانَتِي بِالكِفايَةِ، وَاشْغَلْ قَلْبِي بِطاعَتِكَ، وَلِسانِي بِذِكْرِكَ، وَجَوارِحِي بِما يُقَرِّبُنِي مِنْكَ.

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْباً خاشِعاً، وَلِساناً ذاكِراً، وَطَرْفاً غاضّاً، وَيَقِيناً صَحِيحاً، حَتّىٰ لا أُحِبَّ تَعْجِيلَ ما أَخَّرْتَ، وَلا تَقْدِيمَ ما أَجَّلْتَ.

يا رَبَّ العالَمِينَ، وَيا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْتَجِبْ دُعائِي، وَارْحَمْ تَضَرُّعِي، وَكُفَّ عَنِّي البَلاءَ، وَلا تُشْمِتْ بِيَ الأَعْداءَ[1] وَلا حاسِداً وَلا تَسْلُبْنِي نِعْمَةً أَلْبَسْتَنِيها، وَلا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً، يا رَبَّ العالَمِينَ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وَسَلِّمْ تَسْلِيماً[2].

مؤلّف گوید که: دور نیست که باید رقعه را در ضریح بیندازد.

هفتم:

در بعضی از کتب معتبره مذکور است که: این دعایی است که خوانده می‌شود در حاجتهای ضروری و نزد شدّتها بعد از نماز شب، با رقعه‌ای که نوشته شود؛ و شرح این حال آن است که:

باید نیّت را خالص گردانی، و شکّ را از دل خود بیرون کنی، و بعد از نماز خفتن

---

۱ ـ «عدوّاً» خ ل.

۲ ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۳۸ ح ۵.

دو رکعت نماز نشسته بجا آوری، و در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ «إذا وَقَعَتِ الواقِعَةُ» بخوانی، و در رکعت دوم «قُلْ هُوَ اللهُ أحَدٌ». و ترک کنی گفتگو و سخن گفتن را، و مشغول نشوی به چیزی به غیر از تسبیح گفتن و ذکر خدا.

پس چون به رختخواب روی تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام می‌خوانی، و بر جانب راست می‌خوابی و به‌یاد خدا مشغول می‌باشی تا به‌خواب روی، و هر وقت که بیدار شوی خدا را یاد می‌کنی به‌تنزیه و تعظیم و آنچه به‌خاطرت رسد از ذکر خدا.

پس چون ثُلث آخر شب شود برمی‌خیزی و وضوی کامل می‌سازی و هشت رکعت نماز شب را متّصل بجا می‌آوری، و در هر رکعت یک مرتبه «فاتحة الکتاب» و پنجاه مرتبه «قُلْ هُوَ اللهُ أحَد» می‌خوانی، پس دو رکعت نماز شفع می‌کنی و در رکعت اول بعد از «حمد» «سبّح اسم ربّك الأعلی»، و در رکعت دوم «قل یا أیّها الکافرون» می‌خوانی، پس چون فارغ شوی برخیز و یک رکعت وتر را بجا آور با سوره حمد و «قُلْ هُوَ اللهُ أحَد»، و دعاهای وتر را بخوان، و قنوت را طول بده با خضوع و تضرّع و شکستگی، و چون سلام بگویی رقعه را در دست گرفته بلند کن، و سر را برهنه کن و دست چپ را بر پشت خود بگذار به‌قوّت و بگو: **یاربّ!** تا نَفَست منقطع شود. و بگو: **یاسیّدی!** تا نفس منقطع شود. و بگو: **یا مولايَ!** تا نفس منقطع شود. پس بگو:

هٰذا مَقامُ العائِذِ الضّارِعِ الذَّلِيلِ الخاشِعِ البائِسِ الفَقِيرِ المِسْكِينِ الحَقِيرِ المُسْتَكِينِ المُسْتَجِيرِ، الَّذِي لا يَجِدُ لِكَشْفِ ما بِهِ غَيْرَكَ، وَلا يَرْجِعُ فِيما قَدْ أحاطَ بِهِ إلىٰ سِواكَ.

سَيِّدِي، أنا مَنْ قَدْ عَلِمْتَ، وَفِيما عَرَفْتَ مِنْ ضَعْفِي عَنْ عِبادَتِكَ إلّا بِتَوْفِيقِكَ، وَتَقْصِيرِي عَنْ شُكْرِكَ إلّا بِعَوْنِكَ، أُقِرُّ بِذَنْبِي في ذٰلِكَ، وَأعْتَرِفُ بِجُرْمِي، وَأسْأَلُ الصَّفْحَ عَنِّي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأبْلِغْهُمُ السّاعَةَ السّاعَةَ السّاعَةَ عَنِّي أفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ، وَاقْبَلْنِي بِهِمُ اللّٰهُمَّ عَلىٰ ما كانَ مِنِّي، وَارْحَمْ ضَعْفَ رُكْنِي،

وَاسْتَجِبْ دُعائي، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

پس گریه می‌کنی، و اگر گریه‌ات نیاید خود را به گریه می‌آوری، پس ترک دعا می‌نمایی و با دیدهٔ خاشع و دست به رقعه بلند کرده به سوی آسمان چنین می‌ایستی تا طلوع صبح، و باید که در جای خالی باشی که کسی تو را نبیند.

و اگر از این حالت مانده شوی و صبر نتوانی کرد، به‌سجده رو و دو طرف روی خود بر زمین بگذار و انگشت شهادت خود را بلند کن ـ و طرف رویت بر زمین باشد ـ و به خدا پناه ببر و استغاثه بکن به خدا و بگو:

سَيِّدِي، أَوْبَقَتْنِي الذُّنُوبُ، وَحَيَّرَتْنِي الخُطُوبُ، وَأَحْدَقَتْ بِيَ الكُرُوبُ، وَٱنْقَطَعَ رَجائِي في كَشْفِ ذٰلِكَ إِلّا مِنْكَ، وَثِقَتِي لَنْ تَنْصَرِفَ عَنْكَ.

إِلٰهِي وَسَيِّدِي فَانْظُرْ بِعَيْنِ رَأْفَتِكَ إِلَيَّ، وَجُدْ بِجُودِكَ وَإِحْسانِكَ عَلَيَّ، وَأَجِرْنِي في لَيْلَتِي، وَٱقْبَلْ قِصَّتِي، وَٱقْضِ حاجَتِي، وَٱسْتَجِبْ دَعْوَتِي، وَٱكْشِفْ حَيْرَتِي، وَأَزِلِ الفَقْرَ وَالفاقَةَ عَنِّي، وَأَعِذْنِي مِنْ شَماتَةِ الأَعْداءِ وَدَرَكِ الشَّقاءِ، وَأَعْطِنِي سُؤْلِي وَمَسْأَلَتِي، بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ يا مَوْلايَ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

و عزم کن بر ترک گناهان خود به نیّت خالص.

و نسخهٔ رقعه این است:

بِسْمِ ٱللهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ، مِنَ ٱلعَبْدِ ٱلذَّلِيلِ ٱلحَقِيرِ ٱلفَقِيرِ ٱلمُذْنِبِ، ٱلجانِي عَلىٰ نَفْسِهِ، المُنْقَطَعِ بِهِ، السّائِلِ المُسْتَكِينِ، المُقِرِّ بِذُنُوبِهِ، الظّالِمِ لِنَفْسِهِ، المُسْتَجِيرِ بِرَبِّهِ، إِلَى ٱلمَوْلَى ٱلكَرِيمِ ٱلعَظِيمِ، ٱلعَلِيِّ ٱلأَعْلىٰ، رَبِّ ٱلسَّماواتِ وَٱلأَرَضِينَ، مالِكِ ٱلأُمُورِ، وَعَلّامِ ٱلغُيُوبِ، مَنْ لا ضِدَّ لَهُ وَلا نِدَّ، وَلا صاحِبَةَ وَلا وَلَدَ لَهُ، الأَحَدِ ٱلصَّمَدِ، ٱلَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ.

أَقُولُ بِخُضُوعٍ وَخُشُوعٍ: رَبِّ عَمِلْتُ سُوءاً، وَظَلَمْتُ نَفْسِي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ، وَٱعْفُ عَنِّي، وَٱغْفِرْ خَطإِي، وَٱصْفَحْ عَنْ زَلَلِي، وَخُذْ بِيَدِي بِجُودِكَ وَمَجْدِكَ.

ثُمَّ أَقُولُ: يا أَكْرَمَ ٱلأَكْرَمِينَ، يا غايَةَ ٱلطّالِبِينَ، يا مُجِيبَ دَعْوَةِ ٱلْمُضْطَرِّينَ، يا مُنَفِّسُ عَنِ ٱلمَكْرُوبِينَ، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ، إِلٰهِي وَسَيِّدِي، أَنا عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ، ابْنُ أَمَتِكَ ـ فُلانُ بْنُ فُلان ـ، أَنْشَأْتَنِي وَكُنْتُ صَغِيراً، وَأَغْنَيْتَنِي وَكُنْتُ فَقِيراً، وَرَفَعْتَنِي وَكُنْتُ حَقِيراً، وَجَبَرْتَنِي وَكُنْتُ كَسِيراً، وَمَنَنْتَ عَلَيَّ بِما أَنْتَ أَهْلُهُ وَأَعْلَمُ بِهِ مِنِّي.

أَنْقَذْتَنِي وَعِزَّتِكَ وَجَلالِكَ مِنَ المِحْنَةِ تَكَرُّماً، وَنَعَشْتَنِي بَعْدَ قِلَّةٍ، وَأَسْبَغْتَ عَلَيَّ ٱلنِّعْمَةَ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ ٱلمِنَّةَ، وَبَلَّغْتَنِي فَوْقَ الأُمْنِيَّةِ، لِتَبْلُوَنِي فَتَعْرِفَ شُكْرِي، وَمِقْدارَ سَعْيِي وَطاعَتِي وَإِقْرارِي وَإِنابَتِي، أَخْذاً بِالفَضْلِ عَلَيَّ، وَتَأْكِيداً لِلْحُجَّةِ فِيما لَدَيَّ، فَجَحَدْتُ حَقَّ نِعْمَتِكَ، وَنَسِيتُ ما عِنْدِي مِنْ مِنَنِكَ، وَقادَنِي ٱلجَهْلُ وَٱلعَمىٰ إِلىٰ رُكُوبِ ٱلزَّلَلِ وَٱلخَطاءِ، حَتّىٰ وَقَعْتُ في غَوايَةِ ٱلرَّدىٰ، وَتَبَدَّلْتُ بِالتَّقْصِيرِ وَالعَمىٰ، وَرَكِبْتُ طَرِيقَ مَنْ حارَ وَطَغىٰ، وَرَكِبْتُ فَحَلَّ بِي ماكُنْتَ أَخَفْتَنِي، وَبَرِحَ مِنِّيَ الخِفاءُ، وَصِرْتُ إِلىٰ حالِ ٱلبُؤْسِ وَٱلضَّرّاءِ، بَعْدَ إِحْسانِكَ ٱلكامِلِ، وَنِعْمَتِكَ ٱلمُتَرادِفَةِ، وَسَتْرِكَ ٱلجَمِيلِ، وَصِيانَتِكَ التّامَّةِ.

إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلايَ، فَقَدْ تَغَيَّرَ بِالزَّلَلِ حالِي، وَكُسِفَ بالِي، وَظَهَرَ ٱخْتِلالِي، وَشاعَتْ فاقَتِي، وَشُهِرَ فَقْرِي، وَٱنْقَطَعَتْ مِنَ ٱلمَخْلُوقِينَ آمالِي، وَأَنْتَ ٱلعائِدُ عَلَى ٱلعاصِينَ بِالنِّعَمِ، وَالآخِذُ عَلَى ٱلمُسِيئِينَ بِالإِحْسانِ وَالمِنَنِ، فَضْلاً مِنْكَ وَطَوْلاً وَجُوداً وَمَجْداً، وَوَلِيٌّ بِإِتْمامِ مَا ٱبْتَدَأْتَ فِي أَمْرِي مِنِّيْ، وَرَبُّ ما أَسْدَيْتَ مِنْ مَعْرُوفِكَ عِنْدِي، فَقَدْ ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَفَرَّطْتُ في أَمْرِي، وَقَصَّرْتُ فِي حَقِّكَ عِنْدِي، وَأَنا عائِذٌ مِنْكَ بِكَ، وَهارِبٌ إِلَيْكَ عَنْكَ مِنَ ٱلحِرْمانِ وَسُوءِ ٱلقَضاءِ، مُتَوَسِّلٌ بِكَ إِلَيْكَ في قَبُولِي، وَٱلصَّفْحِ عَنِّي، وَإِتْمامِ ما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَإِصْلاحِهِ لِي، وَكَشْفِ ٱلضُّرِّ

وَٱلْفَقْرِ وَٱلْفاقَةِ عَنِّي، وَٱلإخْلالِ وَٱلبَلْوىٰ، حَتّىٰ يَجْرِيَ حالِي عَلىٰ أَجْمَلِ حالٍ، وَأَسْبَغِ نِعْمَةٍ كانَتْ عَلَيَّ فِي وَقْتٍ مِنَ الأَوْقاتِ.

يا رَبِّ إنْ كانَتْ ذُنُوبِي أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ، وَغَيَّرَتْ حالِي، فَإنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إلَيْكَ وَأَتَوَسَّلُ إلَيْكَ، وَأَتَقَرَّبُ إلَيْكَ، وَأَسْتَشْفِعُ إلَيْكَ، وَأُقْسِمُ عَلَيْكَ، يا مَنْ لا مَسْؤُولُ غَيْرُهُ، وَلا رَبُّ سِواهُ، بِجاهِ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ، وَبِجاهِ أَوْلِيائِكَ وَخِيَرَتِكَ وَأَصْفِيائِكَ وَأَحِبّائِكَ مِنْ خَلْقِكَ، عَلِيٍّ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَفاطِمَةَ، وَٱلحَسَنِ، وَٱلحُسَيْنِ، وَعَلِيِّ بْنِ ٱلحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَٱلحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَٱلخَلَفِ ٱلصِّدْقِ ٱلصّالِحِ، صاحِبِ زَمانِكَ، وَالقائِمِ بِحُجَّتِكَ وَأَمْرِكَ، وَعَيْنِكَ فِي عِبادِكَ مِنْ وُلْدِ نَبِيِّكَ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَسَلامُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكاتُكَ خالِصاً.

وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ، وَبِالحَقِّ ٱلَّذِي جَعَلْتَهُ لَهُمْ عَلَيْكَ، وَعَلىٰ جَمِيعِ خَلْقِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَتُبَلِّغَهُمْ سَلامِي، اَلسّاعَةَ السّاعَةَ، وَتَكْشِفَ بِهِمْ ضُرِّي، وَتُفَرِّجَ بِهِمْ هَمِّي، وَتُخْرِجَنِي بِهِمْ عَنْ حَيْرَتِي إلىٰ رَوْحِكَ وَفَرَجِكَ، وَخَلاصِكَ وَعافِيَتِكَ، وَأَنْ تَغْفِرَ ذُنُوبِيَ ٱلَّتِي أَصارَتْنِي إلىٰ ما أَنا فِيهِ، وَأَنْ تَأْخُذَ بِيَدِي، وَتَعْفُوَ عَنِّي عَفْواً أَلْقاكَ بِهِ وَأَنْتَ عَنِّي راضٍ، وَتُتِمَّ مَا ٱبْتَدَأْتَ بِهِ مِنْ أَمْرِي، إحْساناً إلَيَّ، وَتَكْمِيلاً لِلنِّعْمَةِ عِنْدِي، وَحِراسَةً لِي ما أَبْقَيْتَنِي، وَتَفْتَحَ مَا ٱنْغَلَقَ مِنْ أَسْبابِي، فَتَرْزُقَنِي السّاعَةَ السّاعَةَ مِنْكَ رِزْقاً واسِعاً واسِعاً واسِعاً، صَبّاً صَبّاً صَبّاً، حَلالاً طَيِّباً، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ، وَلا كَدَرٍ، وَلا مِنَّةٍ مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، إلّا سَعَةً مِنْ عَطاياكَ ٱلسّابِغَةِ، وَخَزائِنِكَ ٱلعَظِيمَةِ فِي سَمائِكَ وَأَرْضِكَ، فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ.

فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَجِّلْ ذٰلِكَ عَلَيَّ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعافِيَةٍ، وَنِعْمَةٍ

وَسَلامَةٍ، وَحَمِيدِ عافِيَةٍ، وَسَهِّلْ لِي قَضاءَ دُيُونِي كُلِّها، وَصَلاحَ شُؤُونِي كُلِّها، عاجِلاً عاجِلاً غَيْرَ آجِلٍ، وَخُذْ بِناصِيَتِي إِلَى ٱلعَمَلِ بِطاعَتِكَ، وَطاعَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ـ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ ـ فِيما تَهَبُهُ لِي، وَاحْرُسْهُ عَلَيَّ وَعِنْدِي ما أَبْقَيْتَنِي، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ بِصَباحٍ يَكُونُ لِي فِيهِ كامِلُ ٱلفَلاحِ وَٱلصَّلاحِ وَٱلنَّجاحِ، وَتَعْجِيلُ ٱلسَّراحِ، يا مَنْ بِيَدِهِ خَزائِنُ كُلِّ مِفْتاحٍ، فَإِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَما تَشاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ ٱلعَلِيِّ ٱلعَظِيمِ، وَٱلصَّلاةُ عَلىٰ رَسُولِهِ وَآلِهِ ٱلطّاهِرِينَ ٱلأَخْيارِ ٱلأَبْرارِ، وَعَلىٰ جَبْرَئِيلَ وَمِيكائِيلَ، وَجَمِيعِ ٱلمَلائِكَةِ ٱلمُقَرَّبِينَ، وَٱلأَنْبِياءِ وَالمُرْسَلِينَ، وَٱلأَئِمَّةِ ٱلطّاهِرِينَ ـ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ ـ؛ وَما شاءَ ٱللهُ كانَ، وَهُوَ خَيْرُ الغافِرِينَ، وَحَسْبُنا ٱللهُ وَنِعْمَ ٱلوَكِيلُ.

پس می‌گیری رقعه را و می‌اندازی در دریا یا نهر جاری، تا حق‌تعالی حاجتهای تو را برآورد، و غمهای تو را زایل گرداند إن‌شاءالله تعالی[1].

هشتم:

از حضرت امام محمّد باقر ﷺ منقول است که: هرگاه تو را شدّتی یا حاجتی رو دهد و خدا از دل تو داند که راست می‌گویی، پس باید که خود را طاهر گردانی، و روز پنجشنبه را روزه بدار، و در صبح جمعه رقعه بنویس به‌مرکّب یا غیر آن، و رقعه را بپیچ و برو به‌کنار دریا، پس روی خود را به سوی قبله کن و نام خدا ببر و صلوات بر رسول خدا و آل ابرار او بفرست، و بگو اللهُ لِكُلِّ شَيْءٍ، و بینداز رقعه را در دریا؛ به درستی که حق تعالی حاجت تو را برمی‌آورد، و کفایت مهمّات تو می‌کند به قدرت خود.

و در رقعه می‌نویسی سوره «حمد» و «آیةالکرسی» را تا ﴿هُمْ فِيها خالِدُونَ﴾[2] و ﴿الم * اَللهُ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ ٱلحَيُّ ٱلقَيُّومُ﴾ را تا ﴿وَقُودُ النّارِ﴾[3] و ﴿قُلِ ٱللّٰهُمَّ مالِكَ

---

۱ ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۴۰ ـ ۲۴۴ ح ۶.
۲ ـ بقره: ۲۵۵ ـ ۲۵۷.
۳ ـ آل عمران: ۱ ـ ۱۰.

﴿ٱلْمُلْكِ﴾ را تا ﴿بِغَيْرِ حِسابٍ﴾[1]، و آیهٔ سخره را تا ﴿قَرِيبٌ مِنَ ٱلْمُحْسِنِينَ﴾[2]، و آیهٔ ﴿لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ﴾ تا ﴿رَبُّ ٱلعَرْشِ ٱلعَظِيمِ﴾[3]، و آیهٔ ﴿قُلِ ٱدْعُوا ٱللهَ أَوِ ٱدْعُوا ٱلرَّحْمٰنَ﴾ را تا ﴿وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً﴾[4].

پس می‌نویسی:

اَللهُ أَكْبَرُ الله أكبَرُ، لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَٱللهُ أَكْبَرُ، وَللهِ ٱلحَمْدُ رَبِّ ٱلعالَمِينَ و ﴿طٰهٰ * ما أَنْزَلْنا عَلَيْكَ ٱلقُرْآنَ لِتَشْقىٰ﴾ را تا ﴿لَهُ ٱلأَسْماءُ ٱلحُسْنىٰ﴾[5].

پس می‌نویسی:

يا اَللهُ، يا اَللهُ، يا اَللهُ، يا كَهْفِي إذا ضاقَتْ عَلَيَّ مَذاهِبِي، وَعَظُمَتْ هُمُومِي، وَقَلَّ صَبْرِي، وَضَعُفَتْ حِيلَتِي، وَكَثُرَتْ فاقَتِي، وَساءَتْ ظُنُونِي، وَقَنَطَتْ نَفْسِي، وَعَجَزْتُ عَنْ تَدْبِيرِ حالِي، وَتَحَيَّرْتُ فِي أَمْرِي، خَلَقْتَنِي كَيْفَ شِئْتَ وَكُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، وَفَرِّجْ هُمُومِي، وَٱكْشِفْ غُمُومي، وَأَزِلْ عَذابَ قَلْبِي، وَغَيِّرْ ما تَرىٰ مِنْ سُوءِ حالِي، وَآمِنْ خَوْفِي، وَيَسِّرْ ما قَدْ تَعَسَّرَ مِنْ أَمْرِي، وَٱجْعَلْ لِي مَخْرَجاً، وَٱرْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ لا أَحْتَسِبُ، إِنَّكَ تَقْدِرُ عَلىٰ ذٰلِكَ، يا مُحْيِيَ ٱلعِظامِ وَهِيَ رَمِيمٌ.

پس این دعا را می‌نویسی:

مِنَ ٱلعَبْدِ ٱلذَّلِيلِ، إِلَى ٱلمَوْلَى ٱلجَلِيلِ، اَللهِ ٱلَّذِي لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلحَيُّ ٱلقَيُّومُ، ٱلدّائِمُ ٱلدَّيْمُومُ، ٱلقَدِيمُ ٱلأَزَلِيُّ الأَبدِيُّ، بَدِيعُ ٱلسَّماواتِ وَٱلأَرْضِ، وَفاطِرُهُما وَنُورُهُما، ذُو ٱلجَلالِ وَٱلإِكْرامِ وَٱلأَسْماءِ ٱلعِظامِ، وَسَلامٌ عَلىٰ آلِ ياسِينَ في

۱ـ آل عمران: ۲۶ و ۲۷.
۲ـ اعراف: ۵۴ـ ۵۶.
۳ـ توبه: ۱۲۸ و ۱۲۹.
۴ـ اسراء: ۱۱۰ و ۱۱۱.
۵ـ طه: ۱ـ ۸.

ٱلعالَمِينَ، مُحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ، وَفاطِمَةَ، وَٱلحَسَنِ، وَٱلحُسَيْنِ، وَعَلِيٍّ، وَمُحَمَّدٍ، وَجَعْفَرٍ، وَمُوسىٰ، وَعَلِيٍّ، وَمُحَمَّدٍ، وَعَلِيٍّ، وَٱلحَسَنِ، وَحُجَّتِكَ يا رَبِّ عَلىٰ خَلْقِكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يا رَبِّ لِأَنَّكَ أَنْتَ إِلٰهي وَخالِقِي، وَإِلٰهُ الأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ، لا إِلٰهَ غَيْرُكَ، وَلا مَعْبُودَ سِواكَ، أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِحَقِّ هٰذِهِ الأَسْماءِ، ٱلَّتِي إِذا دُعِيتَ بِها أَجَبْتَ، وَإِذا سُئِلْتَ بِها أَعْطَيْتَ، إِلّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَفَعَلْتَ بِي ـ كذا وكذا ـ.

و حاجت خود را در رقعه می‌نویسی، و صلوات بر محمّد و آل محمّد می‌فرستی، و سلام می‌فرستی بر اصحاب آن حضرت که تغییر دین او نکردند، و می‌گویی:

وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ ٱلعَلِيِّ ٱلعَظِيمِ، وَحَسْبُنا ٱللهُ وَنِعْمَ ٱلوَكِيلُ[1].

نهم:

به سند معتبر در کتب معتبره روایت کرده‌اند از شیخ صدوق محمّد بن بابویه ـ رضی الله عنه ـ که گفت: خبر داد بعضی از مشایخ قمیّین ما که: مرا امری عظیم رو داد که دلتنگ شدم، و چارهٔ آن را نمی‌دانستم، و دشوار بود بر من که آن را به احدی از اهل و خویشان خود اظهار کنم.

پس با نهایت غم و الم به خواب رفتم، پس در خواب مرد خوشروی خوش جامهٔ خوشبویی را دیدم، گمان کردم که یکی از مشایخ قمّیین است که نزد او درس می‌خواندم، پس در خاطر خود گفتم که: تا کی این غم و اندوه را در دل خود پنهان کنم و به کسی اظهار نکنم، و این مرد از مشایخ و علما و استادان ما است، این راز را به او بگویم شاید که فرجی از برای من نزد او باشد.

پس پیش از آنکه مطلب خود را اظهار کنم گفت: در این امری که تو را عارض شده است به خدا رجوع کن، و یاری بجو از حضرت صاحب الزّمان ـ صلوات الله علیه ـ و او را مفزع خود گردان، که او نیکو یاوری است و نگاهدارندهٔ دوستان و شیعیان خود است از مهالک.

---

۱ ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۴۴ ـ ۲۴۵ ح ۷.

پس دست راست مرا گرفت و گفت: آن حضرت را زیارت کن، و سلام بر آن حضرت بکن، و از او سؤال کن که شفاعت کند نزد خدا در حاجت تو.

من گفتم: زیارت و دعایی تعلیم من نما، که این غم که در خاطر من است هر زیارت و دعایی را از خاطر من محو کرده است.

پس آهی کشید و گفت: **لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ**، و دست بر سینه من مالید و گفت: خدا بس است تو را و باکی نیست بر تو وضو بساز و دو رکعت نماز بکن، و در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ «إنّا فَتَحْنا» بخوان، و در رکعت دوم بعد از حمد سورهٔ «إذا جاءَ نَصْرُ اللهِ» بخوان، پس بایست رو به‌قبله در زیر آسمان و بگو:

سَلامُ اللهِ الكامِلِ التّامِّ، الشّامِلِ العامِّ، وَصَلَواتُهُ الدّائِمَةُ، وَبَرَكاتُهُ القائِمَةُ، عَلىٰ حُجَّةِ اللهِ وَوَلِيِّهِ في أرْضِهِ وَبِلادِهِ، وَخَليفَتِهِ عَلىٰ خَلْقِهِ وَعِبادِهِ، سُلالَةِ[1] النُّبُوَّةِ، وَبَقِيَّةِ العِتْرَةِ وَالصَّفْوَةِ، صاحِبِ الزَّمانِ، وَمُظْهِرِ الإيمانِ، وَمُعْلِنِ أحْكامِ القُرْآنِ، مُطَهِّرِ الأرْضِ، وَناشِرِ العَدْلِ في الطُّوْلِ وَالعَرْضِ، الحُجَّةِ القائِمِ المَهْدِيِّ، وَالإمامِ المُنْتَظَرِ المَرْضِيِّ، الطّاهِرِ ابْنِ الأئِمَّةِ الطّاهِرِينَ، الوَصِيِّ ابْنِ الأوْصِياءِ المَرْضِيِّينَ، الهادِي المَعْصُومِ ابْنِ الهُداةِ المَعْصُومِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا إمامَ المُسْلِمِينَ وَالمُؤْمِنِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَمُسْتَوْدَعَ حِكْمَةِ الوَصِيِّينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عِصْمَةَ الدِّينِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُعِزَّ المُؤْمِنِينَ المُسْتَضْعَفِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُذِلَّ الكافِرِينَ المُتَكَبِّرِينَ الظّالِمِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ، يَا ابْنَ أمِيرِ المُؤْمِنِينَ، وَابْنَ فاطِمَةَ

---

۱ ـ «وسُلالة» خ ل.

اَلزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ العالَمِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبْنَ اَلأئِمَّةِ، اَلحُجَجِ عَلَى اَلخَلْقِ أَجْمَعِينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ، سَلامَ مُخْلِصٍ لَكَ في اَلوَلاءِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ اَلإمامُ اَلمَهْدِيُّ قَوْلاً وَفِعْلاً، وَأَنَّكَ اَلَّذِي تَمْلَأُ اَلأرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً، فَعَجَّلَ اَللهُ فَرَجَكَ، وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصارَكَ وَأَعْوانَكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَوْعِدَكَ، وَهُوَ أَصْدَقُ اَلقائِلِينَ: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى اَلَّذِينَ اَسْتُضْعِفُوا في اَلأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ اَلوارِثِينَ﴾[1]، يا مَوْلاي حاجَتِي كذا وكذا، فَاشْفَعْ لِي في نَجاحِها - يعنى: اى مولاى من حاجت من فلان و فلان است، پس شفاعت كن از براى من در بر آمدن آنها -.

و هر دعا كه خواهى بكن.

پس من بيدار شدم، و يقين داشتم به راحت و فرج - و بسيارى از شب مانده بود -، پس مبادرت كردم و آنچه تعليم من كرده بود نوشتم كه از خاطرم محو نشود؛ پس وضو ساختم و به زير آسمان رفتم و دو ركعت نماز به نحوى كه مأمور شده بودم كردم، و چون سلام گفتم رو به قبله ايستادم و زيارت كردم، پس حاجت خود را طلبيدم، و استغاثه به مولاى خود صاحب الزّمان نمودم، پس به سجدۀ شكر رفتم و بسيار طول دادم و دعاى بسيار كردم، پس برخاستم و نماز شب را بجا آوردم، و نماز صبح را ادا كردم، و تعقيب بسيار خواندم؛ والله كه هنوز آفتاب طالع نشده بود كه آن بلا دفع شد و فرج حاصل شد، و تا حال ديگر مثل آن بلا به من نرسيده است؛ و هيچ كس مطّلع نشد بر آن حادثه كه مرا عارض شده بود[2].

مؤلّف گويد: كه علما اين زيارت را از جمله زيارتهاى سرداب مقدّس ذكر كرده‌اند؛ و سابقاً اشاره كرديم به آن[3].

---

۱ - قصص: ۵.

۲ - بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۴۵ - ۲۴۷ ح۸ و ج۹۴/ ۳۱ - ۳۲.

۳ - نگاه كن: ص۵۴۷.

دهم:

در بعضی از کتب معتبره نقل کرده‌اند از محمّد بن بابویه ـ رضي الله عنه ـ که این دعای توسل را از ائمة ﷺ روایت کرده است، و گفته است که در هیچ امری نخواندم مگر اثر اجابت را به زودی یافتم.

این است دعا:

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ اَلرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ ـ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، يا أَبَا اَلقاسِمِ يا رَسُولَ اَللهِ، يا إِمامَ اَلرَّحْمَةِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاَسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اَللهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا، يا وَجِيهاً عِنْدَ اَللهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اَللهِ.

يا أَبَا اَلحَسَنِ يا أَمِيرَ اَلمُؤْمِنِينَ، يا عَلِيَّ بْنَ أَبي طالِبٍ، يا حُجَّةَ اَللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاَسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اَللهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَي حاجاتِنا، يا وَجِيهاً عِنْدَ اَللهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اَللهِ.

يا فاطِمَةُ اَلزَّهْراءُ، يا بِنْتَ مُحَمَّدٍ، يا قُرَّةَ عَيْنِ اَلرَّسُولِ، يا سَيِّدَتَنا وَمَوْلاتَنا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاَسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكِ إِلَى اَللهِ، وَقَدَّمْناكِ بَيْنَ يَدَي حاجاتِنا، يا وَجِيهَةً عِنْدَ اَللهِ، اِشْفَعِي لَنا عِنْدَ اَللهِ.

يا أَبا مُحَمَّدٍ، يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّها اَلمُجْتَبىٰ، يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللهِ، يا حُجَّةَ اَللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاَسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اَللهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَي حاجاتِنا، يا وَجِيهاً عِنْدَ اَللهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اَللهِ.

يا أَبا عَبْدِاَللهِ، يا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّها اَلشَّهِيدُ، يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللهِ، يا حُجَّةَ اَللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاَسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اَللهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا، يا وَجِيهاً عِنْدَ اَللهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اَللهِ.

يا أَبَا اَلحَسَنِ، يا عَلِيَّ بْنَ اَلحُسَيْنِ، يا زَيْنَ اَلعابِدِينَ، يَا اَبْنَ رَسُولِ اَللهِ، يا حُجَّةَ

ٱللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إنّا تَوَجَّهْنا وَٱسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إلَى ٱللهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَي حاجاتِنا، يا وَجِيهاً عِنْدَ ٱللهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ ٱللهِ.

يا أبا جَعْفَرٍ، يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أيُّها ٱلباقِرُ يا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، يا حُجَّةَ ٱللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إنّا تَوَجَّهْنا وَٱسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إلَى ٱللهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَي حاجاتِنا، يا وَجِيهاً عِنْدَ ٱللهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ ٱللهِ.

يا أبا عَبْدِٱللهِ، يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، أيُّها ٱلصّادِقُ، يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، يا حُجَّةَ ٱللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إنّا تَوَجَّهْنا وَٱسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إلَى ٱللهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا، يا وَجِيهاً عِنْدَ ٱللهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ ٱللهِ.

يا أبَا ٱلحَسَنِ، يا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، أيُّها ٱلكاظِمُ يا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، يا حُجَّةَ ٱللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إنّا تَوَجَّهْنا وَٱسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إلَى ٱللهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا، يا وَجِيهاً عِنْدَ ٱللهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ ٱللهِ.

يا أبَا ٱلحَسَنِ، يا عَلِيَّ بْنَ مُوسىٰ، أيُّها الرِّضا يا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، يا حُجَّةَ ٱللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إنّا تَوَجَّهْنا وَٱسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إلَى ٱللهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَي حاجاتِنا، يا وَجِيهاً عِنْدَ ٱللهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ ٱللهِ.

يا أبا جَعْفَرٍ، يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أيُّها ٱلجَوادُ يا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، يا حُجَّةَ ٱللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إنّا تَوَجَّهْنا وَٱسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إلَى ٱللهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَي حاجاتِنا، يا وَجِيهاً عِنْدَ ٱللهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ ٱللهِ.

يا أبَا ٱلحَسَنِ، يا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، أيُّها ٱلهادِي ٱلنَّقِيُّ يَا ٱبْنَ رَسُولِ ٱللهِ، يا حُجَّةَ ٱللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا، إنّا تَوَجَّهْنا وَٱسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إلَى ٱللهِ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَي حاجاتِنا، يا وَجِيهاً عِنْدَ ٱللهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ ٱللهِ.

یا أَبا مُحَمَّدٍ، یا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَیُّها الْمُجْتَبیٰ یا اَبْنَ رَسُولِ اَللهِ، یا حُجَّةَ اَللهِ عَلیٰ خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاَسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَی اَللهِ، وَقَدَّمْناكَ بَیْنَ یَدَي حاجاتِنا، یا وَجِیهاً عِنْدَ اَللهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اَللهِ.

یا وَصِيَّ اَلحَسَنِ، وَاَلخَلَفَ اَلحُجَّةَ، أَیُّها اَلقائِمُ اَلْمُنْتَظَرُ، یا اَبْنَ رَسُولِ اَللهِ، یا حُجَّةَ اَللهِ عَلیٰ خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَاَسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَی اَللهِ، وَقَدَّمْناكَ بَیْنَ یَدَي حاجاتِنا، یا وَجِیهاً عِنْدَ اَللهِ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اَللهِ.

پس حاجت خود را بطلبد که برآورده می‌شود إن شاءالله تعالی[1].

و در روایت دیگر وارد شده است که: بعد از این بگوید:

یا سادَتِي وَیا مَوالِيَّ، إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ ـ أَئِمَّتِي، وَعُدَّتِي لِیَوْمِ فَقْرِي وَحاجَتِي ـ إِلَی اَللهِ، وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَی اَللهِ، وَاَسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ إِلَی اَللهِ، فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اَللهِ، وَاَسْتَنْقِذُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اَللهِ، فَإِنَّكُمْ وَسِیلَتِي إِلَی اَللهِ، وَبِحُبِّكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ أَرْجُو نَجاةً مِنَ اَللهِ، فَكُونُوا عِنْدَ اَللهِ رَجائِي یا سادَتي یا أَوْلِیاءَ اَللهِ، صَلَّی اَللهُ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ، وَلَعَنَ اَللهُ أَعْداءَ اَللهِ ظالِمِیهِمْ مِنَ اَلأَوَّلِینَ وَاَلآخِرِینَ، آمِینَ یا رَبَّ اَلعالَمِینَ[2].

یازدهم:

در بعضی از کتب معتبره روایت کرده‌اند از ابوالوفاء شیرازی که گفت: در زندان ابو الیاس محبوس بودم در کرمان، با نهایت تنگی و شدّت، پس بسیار شکایت کردم به خدا و استغاثه کردم به موالی خود ـ صلوات الله علیهم ـ. و به خواب رفتم، در خواب دیدم مولای خود رسول خدا صلی الله علیه و آله را که فرمود که: چرا شفیع نمی‌گردانی در درگاه خدا مرا و دو فرزندم حسن و حسین علیهما السلام را از برای امور دنیا، و اینک امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ از برای تو انتقام می‌کشد از دشمنانت؟

گفتم: یا رسول الله، چگونه از برای من انتقام می‌کشد از دشمنانم، و او را به مسجد

۱ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۴۷ ـ ۲۴۹.

۲ـ بحارالانوار: ۲۴۹ ح ۹.

کشیدند برای بیعت ابوبکر، و حقّش را غصب کردند، و قدرت بر دفع ایشان نداشت و انتقام از ایشان نکشید؟!

پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله از روی تعجّب به‌من نظر کرد و فرمود که: آن از عجز نبود، از برای وصیتی بود که من به او کرده بودم، عمل به وصیّت من کرد.

و امّا علي بن الحسين، پس از برای نجات از سلاطین، و گمراه کردن شیاطین.

و امام محمّد باقر و امام جعفر صادق، از برای آخرت و طلب طاعت و خشنودی خدا.

و امام موسی کاظم از برای طلب عافیت از بلاها از خدا.

و امام رضا، از برای طلب سلامتی در سفرها در صحراها و دریاها.

و امام محمّد تقی از برای طلب روزی.

و امام علی نقی، از برای عطاها و نیکی برادران، و آنچه طلب می‌کنی از طاعت حق تعالی.

و امام حسن عسکری از برای آخرت.

و امّا صاحب الزمان، پس وقتی که کارد به گلوی تو برسد، استغاثه به آن حضرت بکن و بگو: **يا صاحِبَ الزَّمانِ أغِثْنِي، يا صاحِبَ الزَّمانِ أدرِكْنِي.**

پس در خواب فریاد کردم: **يا صاحِبَ الزَّمانِ أغِثْنِي، يا صاحبَ الزَّمانِ أدرِكْنِي.**

پس بیدار شدم و دیدم که موکّلان بندها را از دست و پای من برمی‌دارند.

و این است دعایی که متضمّن توسّل است به هریک از ائمّة علیهم السلام:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأهْلِ بَيْتِهِ.

وَأسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، وَٱبْنَتِهِ، وَٱبْنَيْها ٱلحَسَنِ وَٱلحُسَيْنِ ـ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ ـ إلّا أعَنْتَنِي بِهِمْ عَلىٰ طاعَتِكَ وَرِضْوانِكَ، وَبَلَّغْتَنِي بِهِمْ أفْضَلَ ما بَلَّغْتَهُ أحَداً مِنْ أوْلِيائِهِمْ في ذٰلِكَ.

وَأسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ أمِيرِ ٱلمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أبِي طالِبٍ، إلّا ٱنْتَقَمْتَ لِي بِهِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي، وَكَفَيْتَنِي بِهِ مَؤُونَةَ مَنْ يُرِيدُنِي بِظُلْمٍ أبَداً ما أبْقَيْتَنِي.

وَأسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ ٱلحُسَيْنِ ـ عَلَيْهِمَا السَّلامُ ـ إلّا كَفَيْتَنِي بِهِ، وَنَجَّيْتَنِي

مِنْ جَوْرِ ٱلسَّلاطِينِ، وَنَفْثِ ٱلشَّياطِينِ.

وَأسْأَلُكَ ٱللّٰهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ـ عَلَيهِما السّلام ـ إلّا أعَنْتَنِي بِهِما عَلىٰ أمْرِ آخِرَتِي بِطاعَتِكَ.

وَأسْأَلُكَ ٱللّٰهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ ٱلعَبْدِ ٱلصّالِحِ، مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، ٱلكاظِمِ بِغَيْظِهِ ـ عليهِ السلام ـ إلّا عافَيْتَنِي بِهِ مِمّا أخافُهُ وَأحْذَرُهُ عَلىٰ بَصَرِي، وَجَمِيعِ سائِرِ جَسَدِي، وَجَوارِحِ بَدَنِي، ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ، مِنْ جَمِيعِ ٱلأسْقامِ وَٱلأمْراضِ وَٱلأعْلالِ وَٱلأوْجاعِ، بِقُدْرَتِكَ يا أرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

وَأسْأَلُكَ ٱللّٰهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ٱلرِّضا ـ عليهِ السّلام ـ إلّا أنْجَيْتَنِي بِهِ، وَسَلَّمْتَنِي مِمّا أخافُهُ وَأحْذَرُهُ في جَمِيعِ أسْفارِي في ٱلبَرارِي وَٱلقِفارِ، وَٱلأوْدِيَةِ وَٱلغِياضِ وَٱلبِحارِ.

وَأسْأَلُكَ ٱللّٰهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ أبِي جَعْفَرٍ ٱلجَوادِ ـ عَلَيْهِ السَّلامُ ـ إلّا جُدْتَ عَلَيَّ بِهِ مِنْ فَضْلِكَ، وَتَفَضَّلْتَ عَلَيَّ بِهِ مِنْ وُسْعِكَ ما أسْتَغْنِي بِهِ عَمّا في أيْدِي خَلْقِكَ، وَخاصَّةً يا رَبِّ لِئامَهُمْ، وَبارِكْ لِي فِيهِ وَفِيما لَكَ عِنْدِي مِنْ نِعَمِكَ وَفَضْلِكَ وَرِزْقِكَ.

إلٰهِي، إنْقَطَعَ ٱلرَّجاءُ إلّا مِنْكَ، وَخابَتِ ٱلآمالُ إلّا فِيكَ، يا ذَا ٱلجَلالِ وَٱلإكْرامِ.

أسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ واجِبٌ، أنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأهْلِ بَيْتِهِ، وَأنْ تَبْسُطَ عَلَيَّ ما حَظَرْتَهُ مِنْ رِزْقِكَ، وَأنْ تُسَهِّلَ ذٰلِكَ وَتُيَسِّرَهُ في خَيْرٍ مِنْكَ وَعافِيَةٍ، وَأنا في خَفْضِ عَيْشٍ وَدَعَةٍ، يا أرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

وَأسْأَلُكَ ٱللّٰهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ـ عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ ـ إلّا أعَنْتَنِي بِهِ عَلىٰ قَضاءِ نَوافِلِي، وَبِرِّ إخْوانِي، وَكَمالِ طاعَتِكَ.

وَأسْأَلُكَ ٱللّٰهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ ٱلحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ـ عَلَيهِ السَّلامُ ـ، ٱلهادِي ٱلأمِينِ،

اَلكَرِيْمِ اَلنّاصِحِ، اَلثِّقَةِ العالِمِ، إلّا أعَنْتَنِي بِهِ عَلىٰ أمْرِ آخِرَتِي.

وَأسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ عِبادِكَ، وَبَقِيَّتِكَ في أرْضِكَ، المُنْتَقِمِ لَكَ مِنْ أعْدائِكَ وَأعْداءِ رَسُولِكَ، بَقِيَّةِ آبائِهِ الطّاهِرِينَ، وَوارِثِ أسْلافِهِ اَلصّالِحِينَ، صاحِبِ اَلزَّمانِ ـ صَلَّى اَللهُ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آبائِهِ الكِرامِ اَلمُتَقَدِّمِينَ اَلأخْيارِ ـ إلّا تَدارَكْتَنِي بِهِ، وَنَجَّيْتَنِي مِنْ كُلِّ كَرْبٍ وَهَمٍّ، وَحَفِظْتَ عَلَيَّ قَدِيمَ إحْسانِكَ إلَيَّ وَحَدِيثَهُ، وَأدْرَرْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ عَوائِدِكَ عِنْدِي.

يا رَبِّ أعِنِّي بِهِ، وَنَجِّنِي مِنَ اَلمَخافَةِ، وَمِنْ كُلِّ شِدَّةٍ وَعَظِيمَةٍ، وَهَوْلٍ وَنازِلَةٍ، وَغَمٍّ وَدَيْنٍ وَمَرَضٍ وَسُقْمٍ وَآفَةٍ، وَظُلْمٍ وَجَوْرٍ وَفِتْنَةٍ في دِينِي وَدُنْيايَ وَآخِرَتِي، بِمَنِّكَ وَرأْفَتِكَ، وَرَحْمَتِكَ وَكَرَمِكَ، وَتَفَضُّلِكَ وَتَعَطُّفِكَ، يا كافِيَ مُوسىٰ ـ عليه السّلامُ ـ فِرْعَونَ، وَيا كافِيَ مُحَمَّدٍ ـ صلوات الله عليه و آله ـ ما أهَمَّهُ، وَيا كافِيَ عَلِيٍّ ـ عليه السّلامُ ـ ما أهَمَّهُ يَوْمَ صِفِّينَ، وَيا كافِيَ عَلِيِّ بْنِ اَلحُسَيْنِ ـ عليه السّلامُ ـ يَوْمَ اَلحَرَّةِ، وَيا كافِيَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أبَا الدَّوانِيقِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنِي ما أهَمَّنِي في دارِ اَلدُّنْيا، وَكُلَّ هَوْلٍ دُونَ اَلجَنَّةِ، بِرَحْمَتِكَ يا أرْحَمَ اَلرّاحِمِينَ.

يا قاضِيَ اَلحَوائِجِ، يا وَهّابَ اَلرَّغائِبِ، يا مُعْطِيَ اَلجَزِيلِ، يا فَكّاكَ اَلعُناةِ.

اَللّٰهُمَّ إنَّكَ تَعْلَمُ أنِّي أعْلَمُ أنَّكَ قادِرٌ عَلىٰ قَضاءِ حَوائِجِي، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَجِّلْ يا رَبِّ فَرَجَ وَلِيِّكَ، وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَاقْضِ يا اَللهُ حَوائِجَ أهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، وَاقْضِ لِي يا رَبِّ بِمُحَمَّدٍ وَأهْلِ بَيْتِهِ حَوائِجَ اَلدُّنْيا وَالآخِرَةِ، صَغِيرَها وَكَبِيرَها، في يُسْرٍ مِنْكَ وَعافِيَةٍ، وَتَمِّمْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ، وَهَنِّئْنِي بِهِمْ كَرامَتَكَ، وَألْبِسْنِي بِهِمْ عافِيَتَكَ، وَتَفَضَّلْ [عَلَيَّ][1] بِعَفْوِكَ، وَكُنْ لِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأهْلِ بَيْتِهِ في جَمِيعِ أُمُورِي وَلِيّاً

---

۱ ـ از بحارالانوار.

وَحافِظاً وَناصِراً وَكالِئاً وَراعِياً وَساتِراً وَرازِقاً، ما شاءَ اللّهُ كانَ، وَما لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، لا يُعْجِزُ اللّهَ شَيْءٌ طَلَبَهُ فِي الْأَرْضِ وَلا في السَّماءِ، هُوَ كائِنٌ، هُوَ كائِنٌ إنْ شاءَ اللّهُ[۱].

دولزدهم:

به سند معتبر از حضرت صادق عليه السلام منقول است که: هرگاه تو را به سوی خدا حاجتی بوده باشد و بسیار مضطرّ شده باشی دو رکعت نماز بکن، و چون سلام بگویی سه مرتبه اَللّهُ أكْبَرُ بگو، پس تسبیح حضرت فاطمه عليها السلام بخوان، پس به سجده رو و صد مرتبه بگو: يا مَوْلاتِي يا فاطِمَةُ أغِيثِينِي.

پس جانب راست رو را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو، پس جانب چپ روی را بر زمین بگذار و صد مرتبه بگو، پس باز به سجده برگرد و صد و ده مرتبه بگو، و حاجت خود را یاد کن که برآورده می‌شود إن‌شاءالله تعالی[۲].

سیزدهم:

در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام منقول است که: هرگاه تو را حاجتی رو دهد، پناه بر به سوی خدا و دو رکعت نماز بکن و هدیه کن آن را به سوی حضرت رسول خدا صلى الله عليه وآله به این نحو که: اوّل غسل کنی و دو رکعت نماز بکنی، و در اوّل نماز هفت تکبیرِ افتتاح با دعاها که در نمازهای واجب می‌خوانی بخوانی، و تشهّد به نحوی که در نماز واجب خود می‌خوانی بخوانی، و چون سلام نماز بگویی بگو:

اَللّهُمَّ أنْتَ السَّلامُ، وَمِنْكَ السَّلامُ، وَإلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلامُ.

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّي السَّلامَ، وَأرْواحَ الْأئِمَّةِ الصّادِقِينَ سَلامِي، وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلامَ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ.

اَللّهُمَّ إنَّ هاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إلىٰ رَسُولِ اللّهِ ـ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، فَأثِبْنِي عَلَيْهِما ما أمَّلْتُ وَرَجَوْتُ فِيكَ وَفي رَسُولِكَ، يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.

---

۱ ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۴۹ ـ ۲۵۳. و نگاه کن: ج ۹۴/ ۳۵ ـ ۳۶، ودعوات راوندی: ۱۹۱ ح ۵۳۰.

۲ ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۵۴ ح ۱۲، بلد الامین: ۱۵۹.

پس به سجده رو و چهل مرتبه بگو:

يا حَيُّ يا قَيُّومُ، يا حَيُّ[1] لا يَمُوتُ، يا حَيُّ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، يا ذَا ٱلجَلالِ وَٱلإِكْرامِ، يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

پس جانب راست رو را بر زمین گذار و چهل مرتبه این دعا بخوان. پس جانب چپ رو را بر زمین گذار و باز چهل مرتبه بخوان. پس سر از سجده بردار و دستها را بلند کن و چهل مرتبه بگو. پس دستها را به گردن خود بگذار، و انگشت شهادت دست را بـه‌جانب راست و چپ، و انگشت شهادت چپ را بـه‌جانب پیش و پس حرکت بده و باز چهل مرتبه بگو پس ریش خود را به دست چپ خود بگیر و گریه کن، و اگر گریه ات نیاید خود را به گریه بدار و بگو:

يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ ٱللهِ، أَشكو إِلَى ٱللهِ وَإِلَيْكَ حاجَتِي، وَأَشْكُو إِلىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ ٱلرّاشِدِينَ حاجَتِي، وَبِكُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَى ٱللهِ في حاجَتِي.

پس به سجده رو و بگو:

يا أَللهُ، يا أَللهُ ـ آنقدر که نفس قطع شود ـ **صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.**

پس حاجت خودرا بطلب.

پس حضرت فرمود که: من ضامنم بر خدا که از جای خود حرکت نکند مگر حاجتش برآورده شود[2].

---

۱ ـ «يا حيّاً» خ ل.

۲ ـ كافى: ۳/ ۴۷۶ ح ۱، من لا يحضره الفقيه: ۱/ ۵۵۹ ح ۱۵۵۰، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۲۹ ح ۳، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۱/ ۱۵۸ ش ۲۱۷.

فصل سوم

در کیفیت صلوات فرستادن بر ایشان است
و نماز هدیهٔ روح مقدّس ایشان نمودن

شیخ طوسی ـ علیه الرّحمه ـ به سند معتبر روایت کرده است که عبدالله بن محمّد گفت که: من سؤال کردم از حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام که املا نماید بر من کیفیت صلوات فرستادن بر حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و اوصیای آن حضرت ـ صلوات الله علیهم ـ را، و با خود حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی را؛ پس بر من املا فرمود بی آنکه از کتابی املا کند:

صلوات بر پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَما حَمَلَ وَحْيَكَ، وَبَلَّغَ رِسالَتَكَ.

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَما أَحَلَّ حَلالَكَ، وَحَرَّمَ حَرامَكَ، وَعَلَّمَ كِتابَكَ.

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَما أَقامَ ٱلصَّلاةَ، وَأَدَّى ٱلزَّكاةَ، وَدَعا إِلَى دِينِكَ.

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَما صَدَّقَ بِوَعْدِكَ، وَأَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ.

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَما غَفَرْتَ بِهِ ٱلذُّنُوبَ، وَسَتَرْتَ بِهِ ٱلعُيُوبَ، وَفَرَّجْتَ بِهِ ٱلكُرُوبَ.

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَما دَفَعْتَ بِهِ ٱلشَّقاءَ، وَ كَشَفْتَ بِهِ ٱلغَماءَ، وَأَجَبْتَ بِهِ ٱلدُّعاءَ، وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ ٱلبَلاءِ.

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما رَحِمْتَ بِهِ ٱلعِبادَ، وَأَحْيَيْتَ بِهِ ٱلبِلادَ، وَقَصَمْتَ بِهِ ٱلجَبابِرَةَ، وَأَهْلَكْتَ بِهِ الفَراعِنَةَ.

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما أَضْعَفْتَ بِهِ ٱلأَمْوالَ، وَحَذَّرْتَ بِهِ مِنَ الأَهْوالِ، وَكَسَّرْتَ بِهِ ٱلأَصْنامَ، وَرَحِمْتَ بِهِ ٱلأَنامَ.

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ ٱلأَدْيانِ، وَأَعْزَزْتَ بِهِ ٱلإِيمانَ، وَتَبَّرْتَ بِهِ ٱلأَوْثانَ، وَعَظَّمْتَ بِهِ ٱلبَيْتَ ٱلحَرامَ.

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ ٱلطّاهِرِينَ ٱلأَخْيارِ، وَسَلِّمْ تَسْلِيماً.

[صلوات بر امیر المؤمنین علیه السلام]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ أَمِيرِ ٱلمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ، أَخِي نَبِيِّكَ، وَوَلِيِّهِ وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ، وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ، وَبابِ حِكْمَتِهِ، وَٱلنّاطِقِ بِحُجَّتِهِ، وَٱلدّاعِي إِلىٰ شَرِيعَتِهِ، وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ، وَمُفَرِّجِ ٱلكُرَبِ عَنْ وَجْهِهِ، قاصِمِ الكَفَرَةِ، وَمُرْغِمِ ٱلفَجَرَةِ، ٱلَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسىٰ.

اَللّٰهُمَّ والِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَٱنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَٱخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَٱلْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ، مِنَ ٱلأَوَّلِينَ وَٱلآخِرِينَ.

وَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْصِياءِ أَنْبِيائِكَ، يا رَبَّ ٱلعالَمِينَ.

[صلوات بر فاطمه زهرا علیها السلام]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى ٱلصِّدِّيقَةِ فاطِمَةَ ٱلزَكِيَّةِ، حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ، وَأُمِّ أَحِبّائِكَ وَأَصْفِيائِكَ، ٱلَّتِي ٱنْتَجَبْتَها وَفَضَّلْتَها وَٱخْتَرْتَها عَلىٰ نِساءِ ٱلعالَمِينَ.

اَللّٰهُمَّ كُنِ ٱلطّالِبَ لَها مِمَّنْ ظَلَمَها وَٱسْتَخَفَّ بِحَقِّها، وَكُنِ ٱلثّائِرَ ٱللّٰهُمَّ بِدَمِ أَوْلادِها.

اَللّٰهُمَّ وَكَما جَعَلْتَها أُمَّ أَئِمَّةِ الْهُدىٰ، وَحَليلَةَ صاحِبِ اللِّواءِ، وَالْكَريمَةَ عِنْدَ الْمَلَإِ الْأَعْلىٰ، فَصَلِّ عَلَيْها وَعَلىٰ أُمِّها صَلاةً تُكْرِمُ بِها وَجْهَ أَبيها مُحَمَّدٍ ـ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ وَتُقِرُّ بِها أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِها، وَأَبْلِغْهُمْ عَنّي في هٰذِهِ السّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ.

[صلوات بر امام حسن و امام حسین ﷺ]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، عَبْدَيْكَ وَوَلِيَّيْكَ، وَابْنَيْ رَسُولِكَ، وَسِبْطَيِ الرَّحْمَةِ، وَسَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلادِ النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ، ابْنِ سَيِّدِ النَّبِيّينَ، وَوَصِيِّ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا ابْنَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ أَمينُ اللهِ وَابْنُ أَمينِهِ، عِشْتَ مَظْلُوماً، وَمَضَيْتَ شَهيداً.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمامُ الزَّكِيُّ، الْهادِي الْمَهْدِيُّ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ، وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنّي في هٰذِهِ السّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، الْمَظْلُومِ الشَّهيدِ، قَتيلِ الْكَفَرَةِ، وَطَريحِ الْفَجَرَةِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ.

أَشْهَدُ مُوقِناً أَنَّكَ أَمينُ اللهِ وَابْنُ أَمينِهِ، قُتِلْتَ مَظْلُوماً، وَمَضَيْتَ شَهيداً.

وَأَشْهَدُ أَنَّ اللهَ تَعالىٰ الطّالِبُ بِثارِكَ، وَمُنْجِزٌ ما وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالتَّأْييدِ في هَلاكِ عَدُوِّكَ، وَإِظْهارِ دَعْوَتِكَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللهِ، وَجاهَدْتَ في سَبيلِ اللهِ، وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً حَتّىٰ

أتاكَ ٱليَقِينُ.

لَعَنَ ٱللهُ أُمَّةً قَتَلَتْك، وَلَعَنَ ٱللهُ أُمَّةً خَذَلَتْك، وَلَعَنَ ٱللهُ أُمَّةً ٱلَّبَتْ عَلَيْك، وَأبْرَأُ إلَى ٱللهِ تَعالىٰ مِمَّنْ أَكْذَبَك، وَٱسْتَخَفَّ بِحَقِّك، وَٱسْتَحَلَّ دَمَك.

بِأبِي أنْتَ وَأُمِّي يا أبا عَبْدِٱللهِ، لَعَنَ ٱللهُ قاتِلَك، وَلَعَنَ ٱللهُ خاذِلَك، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ سَمِعَ واعِيَتَكَ فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يَنْصُرْك، وَلَعَنَ ٱللهُ مَنْ سَبىٰ نِساءَك، أنا إلَى ٱللهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ، وَمِمَّنْ والاهُمْ وَمالأَهُمْ وَأعانَهُمْ عَلَيْه.

أَشْهَدُ أَنَّكَ وَٱلأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ ٱلتَّقْوىٰ، وَبابُ ٱلهُدىٰ، وَٱلعُرْوَةُ ٱلوُثْقىٰ، وَٱلحُجَّةُ عَلىٰ أهْلِ ٱلدُّنْيا.

وَأشْهَدُ أنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ، وَلَكُمْ تابِعٌ بِذاتِ نَفْسِي، وَشَرائِعِ دِينِي، وَخَواتِيمِ عَمَلِي وَمُنْقَلَبِي في دُنْيايَ وَآخِرَتِي.

[صلوات بر امام زين العابدين علیه‌السلام]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ ٱلحُسَيْنِ، سَيِّدِ ٱلعابِدِينَ، ٱلَّذِي ٱسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِك، وَجَعَلْتَ مِنْهُ أئِمَّةَ ٱلهُدىٰ، ٱلَّذِينَ يَهْدُونَ بِالحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، اِخْتَرْتَهُ لِنَفْسِك، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ ٱلرِّجْسِ، وَٱصْطَفَيْتَهُ وَجَعَلْتَهُ هادِياً مَهْدِيّاً.

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ أنْبِيائِك، حَتّىٰ تَبْلُغَ بِهِ ما تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ فِي ٱلدُّنْيا وَٱلآخِرَةِ، إنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

[صلوات بر امام باقر علیه‌السلام]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، باقِرِ ٱلعِلْمِ، وَإمامِ ٱلهُدىٰ، وَقائِدِ أهْلِ ٱلتَّقْوىٰ، وَٱلمُنْتَجَبِ مِنْ عِبادِك.

اَللّٰهُمَّ وَكَما جَعَلْتَهُ عَلَماً لِعِبادِك، وَمَناراً لِبِلادِك، وَمُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِك، وَمُتَرْجِماً

لِوَحْيِكَ، وَأَمَرْتَ بِطاعَتِهِ، وَحَذَّرْتَ مِنْ مَعْصِيَتِهِ، فَصَلِّ عَلَيْهِ يا رَبِّ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيائِكَ وَأَصْفِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَأُمَنائِكَ، يا إِلٰهَ[1] اَلعالَمِينَ.

[صلوات بر امام صادق علیه السلام]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ اَلصّادِقِ، خازِنِ اَلعِلْمِ، اَلدّاعِي إِلَيْكَ بِالحَقِّ، اَلنُّورِ اَلمُبِينِ.

اَللّٰهُمَّ وَكَما جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلامِكَ وَوَحْيِكَ، وَخازِنَ عِلْمِكَ، وَلِسانَ تَوْحِيْدِكَ، وَوَلِيَّ أَمْرِكَ، وَمُسْتَحْفَظَ دِينِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيائِكَ وَحُجَجِكَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

[صلوات بر امام کاظم علیه السلام]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اَلأَمِينِ اَلمُؤْتَمَنِ، مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، اَلبَرِّ اَلوَفِيِّ، اَلطّاهِرِ اَلزَّكِيِّ، اَلنُّورِ اَلمُبِينِ، اَلمُجْتَهِدِ اَلمُحْتَسِبِ، اَلصّابِرِ عَلَى اَلأَذىٰ فِيكَ.

اَللّٰهُمَّ وَكَما بَلَّغَ عَنْ آبائِهِ مَا اَسْتُودِعَ مِنْ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ، وَحَمَلَ عَلَى اَلمَحَجَّةِ، وَكابَدَ أَهْلَ اَلعِزَّةِ وَالشِدَّةِ فِيما كانَ يَلقىٰ مِنْ جُهّالِ قَوْمِهِ، رَبِّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِمَّنْ أَطاعَكَ، وَنَصَحَ لِعِبادِكَ، إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

[صلوات بر امام رضا علیه السلام]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، اَلَّذِي اَرْتَضَيْتَهُ، وَرَضَّيْتَ بِهِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ.

اَللّٰهُمَّ وَكَما جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلىٰ خَلْقِكَ، وَقائِماً بِأَمْرِكَ، وَناصِراً لِدِينِكَ، وَشاهِداً عَلىٰ عِبادِكَ، وَكَما نَصَحَ لَهُمْ فِي اَلسِّرِّ وَاَلعَلانِيَةِ، وَدَعا إِلىٰ سَبِيلِكَ بِالحِكْمَةِ وَاَلمَوْعِظَةِ اَلحَسَنَةِ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيائِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ

---

۱ ـ «یا ربّ» خ ل.

خَلْقِكَ، إِنَّكَ جَوادٌ كَرِيمٌ.

[صلوات بر امام جواد علیه السلام]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ، عَلَمِ ٱلتُّقىٰ، وَنُورِ ٱلْهُدىٰ، وَمَعْدِنِ ٱلْوَفاءِ، وَفَرْعِ ٱلْأَزْكِياءِ، وَخَلِيفَةِ ٱلْأَوْصِياءِ، وَأَمِينِكَ عَلىٰ وَحْيِكَ.

اَللّٰهُمَّ وَكَما هَدَيْتَ بِهِ مِنَ ٱلضَّلالَةِ، وَٱسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ ٱلْحَيْرَةِ، وَأَرْشَدْتَ بِهِ مَنِ ٱهْتَدىٰ، وَزَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكّىٰ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيائِكَ وَبَقِيَّةِ أَوْصِيائِكَ[1]، إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

[صلوات بر امام هادی علیه السلام]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَصِيِّ ٱلْأَوْصِياءِ، وَإِمامِ ٱلْأَتْقِياءِ، وَخَلَفِ أَئِمَّةِ ٱلدِّينِ، وَٱلْحُجَّةِ عَلَى ٱلْخَلائِقِ أَجْمَعِينَ.

اَللّٰهُمَّ كَما جَعَلْتَهُ نُوراً يَسْتَضِيءُ بِهِ ٱلْمُؤْمِنُونَ، فَبَشَّرَ بِالجَزِيلِ مِنْ ثَوابِكَ، وَأَنْذَرَ بِالأَلِيمِ مِنْ عِقابِكَ، وَحَذَّرَ بَأْسَكَ، وَذَكَّرَ بِآياتِكَ، وَأَحَلَّ حَلالَكَ، وَحَرَّمَ حَرامَكَ، وَبَيَّنَ شَرائِعَكَ وَفَرائِضَكَ، وَحَضَّ عَلىٰ عِبادَتِكَ، وَأَمَرَ بِطاعَتِكَ، وَنَهىٰ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيائِكَ، وَذُرِّيَّةِ أَنْبِيائِكَ، يا إِلٰهَ ٱلعالَمِينَ.

[صلوات بر امام حسن عسکری علیه السلام]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى ٱلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، ٱلْبَرِّ ٱلتَّقِيِّ، ٱلصّادِقِ ٱلْوَفِيِّ، ٱلنُّورِ ٱلْمُضِيءِ، خازِنِ عِلْمِكَ، وَٱلْمُذَكِّرِ بِتَوْحِيدِكَ، وَوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَخَلَفِ أَئِمَّةِ ٱلدِّينِ، ٱلْهُداةِ ٱلرّاشِدِينَ، وَٱلْحُجَّةِ عَلىٰ أَهْلِ ٱلدُّنْيا، فَصَلِّ عَلَيْهِ يا رَبِّ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ

---

۱ ـ «أولیائك» خ ل.

مِنْ أَصْفِيائِكَ وَحُجَجِكَ، وَأَوْلادِ رُسُلِكَ، يا إِلٰهَ ٱلعالَمِينَ.

[صلوات بر امام منتظر ـ عجّل الله فرجه ـ]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ وَٱبْنِ أَوْلِيائِكَ، ٱلَّذِينَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ، وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمُ ٱلرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً.

اَللّٰهُمَّ ٱنْصُرْهُ وَٱنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَٱنْصُرْ بِهِ أَوْلِياءَكَ وَأَوْلِياءَهُ، وَشِيعَتَهُ وَأَنْصارَهُ، وَٱجْعَلْنا مِنْهُمْ.

اَللّٰهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ باغٍ وَطاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَٱحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ، وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ، وَعَنْ شِمالِهِ، وَٱحْرُسْهُ وَٱمْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَٱحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ ٱلعَدْلَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَٱنْصُرْ ناصِرِيهِ، وَٱخْذُلْ خاذِلِيهِ، وَٱقْصِمْ بِهِ جَبابِرَةَ ٱلكَفَرَةِ، وَٱقْتُلْ بِهِ ٱلكُفّارَ وَٱلمُنافِقِينَ وَجَمِيعَ ٱلمُلْحِدِينَ، حَيْثُ كانُوا مِنْ مَشارِقِ ٱلأَرْضِ وَمَغارِبِها، وَبَرِّها وَبَحْرِها، وَٱمْلَأْ بِهِ ٱلأَرْضَ عَدْلاً، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ ـ عَلَيْهِ وَآلِهِ ٱلسَّلامُ ـ، وَٱجْعَلْنِي ٱللّٰهُمَّ مِنْ أَنْصارِهِ وَأَعْوانِهِ وَأَتْباعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرِنِي في آلِ مُحَمَّدٍ ما يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ ما يَحْذَرُونَ، إِلٰهَ ٱلحَقِّ آمِينَ[1].

و به روایت معتبر از ائمة علیهم السلام منقول است که: مستحب است که آدمی در روز جمعه هشت رکعت نماز بگزارد و بعد از هر دو رکعت سلام بگوید، و چهار رکعت را هدیهٔ حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله گرداند، و چهار رکعت را هدیهٔ حضرت فاطمه ـ صلوات الله علیها ـ.

و در روز شنبه چهار رکعت بکند و هدیهٔ امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ گرداند.

---

۱ ـ مصباح المتهجّد: ۳۹۹ ـ ۴۰۶، اقبال الاعمال: ۱/ ۲۱۲، جمال الأُسبوع: ۴۸۳ ـ ۴۹۴، بلد الامین: ۳۰۳ ـ ۳۰۶، بحارالانوار: ۹۴/ ۷۳ ـ ۷۸، موسوعة زيارات المعصومين علیهم السلام: ۵/ ۱۴۳ ش ۱۶۸۱.

و همچنین هر روز چهار رکعت بکند و هدیهٔ امامی گرداند ـ به ترتیب ـ تا آنکه در روز پنجشنبه چهار رکعت بکند و هدیهٔ حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گرداند.

و باز در روز جمعه هشت رکعت بکند، و چهار رکعت را هدیهٔ حضرت رسول صلی الله علیه و آله و چهار رکعت را هدیهٔ حضرت فاطمه علیها السلام گرداند.

و روز شنبه چهار رکعت را هدیهٔ حضرت امام موسی کاظم علیه السلام گرداند.

و همچنین هر روز چهار رکعت بگزارد و به امامی هدیه نماید، تا روز پنجشنبه چهار رکعت را هدیهٔ حضرت صاحب الزمان ـ صلوات الله علیه ـ نماید.

و میان هر دو رکعت این دعا بخواند:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ ٱلسَّلامُ، وَمِنْكَ ٱلسَّلامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ ٱلسَّلامُ، حَيِّنا رَبَّنا مِنْكَ بِالسَّلامِ. اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ ٱلرَّكَعاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلىٰ وَلِيِّكَ ـ فُلان ـ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْهُ إِيّاها، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجائِي فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ ـ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ وَفِيهِ.

پس هر دعا که خواهی بکن، و به جای «فلان» اسم آن امام را می‌گوید که نماز را برای هدیهٔ او بجا می‌آورد[1].

---

۱ ـ مصباح المتهجّد: ۳۲۲، جمال الأُسبوع: ۲۳ ـ ۲۴، بحارالانوار: ۹۱/ ۲۱۷ ـ ۲۱۸.

باب دوازدهم

در آداب زیارت به نیابت وزیارت اولاد ائمّه علیهم السلام واصحاب ایشان و فضیلت سایرِ بقاع شریفه است، ومشتمل برچند فصل است:

فصل اوّل

در بیان آداب زیارت به نیابت است

بدان که ثواب زیارت هریک از رسول خدا و ائمه علیهم السلام را هدیهٔ روح مقدّس هریک از ایشان می‌توان کرد، و همچنین به روح هریک از مؤمنان هدیه می‌توان نمود و به نیابت ایشان زیارت می‌توان کرد.

چنانچه به **سند معتبر** منقول است که داود صرمی به حضرت امام علی نقی ـ صلوات الله علیه ـ عرض کرد که: من پدر تو را زیارت کردم و ثوابش را از برای تو قرار دادم.

فرمود که: تو را از جانب خدا اجر و ثواب عظیم هست، و از جانب ما حمد و ثنا[1].

و در **حدیث دیگر** منقول است که: امام علی نقی علیه السلام شخصی را فرستاد به حایر حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ که از برای آن حضرت زیارت و دعا بکند[2].

و به **سند معتبر** از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول است که: چون به زیارت مرقد منوّر رسول صلی الله علیه و آله بروی و از اعمال زیارت فارغ شوی، دو رکعت نماز بکن و بایست نزد سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نَبِيَّ اَللهِ مِنْ أَبِي، وَأُمِّي، وَزَوْجَتِي وَوَلَدِي، وَحامَّتِي، وَمِنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي، حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ، وَأَبْيَضِهِمْ وَأَسْوَدِهِمْ.

---

۱ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۱۰ ح ۲۹۹، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۵۶ ح ۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۴/ ۵۷ ش ۱۳۰۸.

۲ ـ کافی: ۴/ ۵۶۷ ح ۳، کامل الزیارات: ۲۷۳ ـ ۲۷۴ ب ۹۰ ح ۱ ـ ۳، بحارالانوار: ۱۰۱/ ۱۱۲ ـ ۱۱۳ ح ۳۲ ـ ۳۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۳/ ۶۳ ش ۷۹۷.

پس به هرکه از اهل بلد خود که بگویی که: «من به نیابت تو زیارت کردم» صادق خواهی بود[۱].

و در **بعضی از روایات** وارد است که: از بعضی از ائمة طاهرین علیهم السلام سؤال نمودند از مردی که دو رکعت نماز می‌کند، یا یک روز روزه می‌دارد، یا حج یا عمره بجا می‌آورد، یا زیارت می‌کند رسول خدا صلی الله علیه و آله را یا یکی از ائمه طاهرین علیه وعلیهم السلام را، و ثواب آن را از برای پدر و مادر خود یا برادر مؤمن خود هدیه می‌کند؛ آیا او را ثواب هست؟

فرمود که: ثواب آن عمل به آن شخص می‌رسد، بی‌آنکه از ثواب او چیزی کم شود[۲].

و **شیخ طوسی** ـ علیه الرحمة ـ در تهذیب فرموده است که: کسی که به نیابتِ برادر مؤمن به زیارت رود به اُجرت، چون فارغ شود از غسل زیارت ـ و موافق بعضی از نسخ: از عمل زیارت ـ، بگوید:

اَللّٰهُمَّ ما أَصابَنِي مِنْ تَعَبٍ أَوْ نَصَبٍ أَوْ شَعَثٍ أَوْ لُغُوبٍ، فَأْجُرْ ـ فُلانَ بْنَ فُلان ـ فِيهِ، وَأْجُرْنِي في قَضائِي عَنْهُ.

پس چون زیارت کند، در آخر زیارت بگوید:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ عَنْ ـ فُلانِ بْنِ فُلان ـ، أَتَيْتُكَ زائِراً عَنْهُ، فَاشْفَعْ لَهُ عِنْدَ رَبِّكَ.

پس هر دعا که خواهد ازبرای او بکند[۳].

و باز *فرموده است* که: چون کسی خواهد به نیابت دیگری زیارت کند، بگوید:

اَللّٰهُمَّ إِنَّ ـ فُلانَ بْنَ فُلان ـ أَوْفَدَنِي إِلىٰ مَوالِيهِ وَمَوالِيَّ لِأَزُورَ عَنْهُ، رَجاءً لِجَزِيلِ اَلثَّوابِ، وَفِراراً مِنْ سُوءِ اَلْحِسابِ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّهُ يَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِأَوْلِيائِكَ اَلدّالِّينَ عَلَيْكَ، فِي غُفْرانِكَ ذُنُوبَهُ، وَحَطِّ

---

۱ ـ کافی: ۴/ ۳۱۷ ضمن ح۸، تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۰۹ ضمن ح۱۹۳، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۵۵ ح۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۱/ ۱۵۱ ش۲۰۶.
۲ ـ مزار کبیر: ۵۹۹، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۵۹ ح۶.
۳ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۰۵، مزار مفید: ۲۱۰، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۵۵، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵/ ۱۳۸ ش۱۶۷۵.

سَيِّئاتِه، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهِمْ عِنْدَ مَشْهَدِ إمامِهِ ـ صَلَواتُ ٱللهِ عَلَيْهِ ـ.

اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنْهُ، وَٱقْبَلْ شَفاعَةَ أَوْلِيائِهِ ـ صَلَواتُ ٱللهِ عَلَيْهِمْ ـ فِيهِ.

اَللّٰهُمَّ جازِهِ عَلىٰ حُسْنِ نِيَّتِهِ، وَصَحِيحِ عَقِيدَتِهِ، وَصِحَّةِ مُوالاتِهِ، أَحْسَنَ ماجازَيْتَ أَحَداً مِنْ عَبِيدِكَ ٱلْمُؤْمِنِينَ، وَأَدِمْ لَهُ ما خَوَّلْتَهُ، وَٱسْتَعْمِلْهُ صالِحاً فِيما آتَيْتَهُ، وَلا تَجْعَلْنِي آخِرَ وافِدٍ لَهُ يُوفِدُهُ.

اَللّٰهُمَّ أَعْتِقْ رَقَبَتَهُ مِنَ ٱلنّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ ٱلحَلالِ ٱلطَّيِّبِ، وَٱجْعَلْهُ مِنْ رُفَقاءِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبارِكْ لَهُ فِي وُلْدِهِ وَمالِهِ وَأَهْلِهِ، وَما مَلَكَتْ يَمِينُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحُلْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَعاصِيكَ حَتّىٰ لا يَعْصِيَكَ، وَأَعِنْهُ عَلىٰ طاعَتِكَ وَطاعَةِ أَوْلِيائِكَ حَتّى لا تَفْقِدَهُ حَيْثُ أَمَرْتَهُ، وَلا تَراهُ حَيْثُ نَهَيْتَهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَٱغْفِرْ لَهُ، وَٱرْحَمْهُ، وَٱعْفُ عَنْهُ، وَعَنْ جَمِيعِ ٱلمُؤْمِنِينَ وَالمُؤْمِناتِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِذْهُ مِنْ هَوْلِ ٱلمُطَّلَعِ، وَمِنْ فَزَعِ يَوْمِ ٱلقِيامَةِ وَسُوءِ ٱلمُنْقَلَبِ، وَمِنْ ظُلْمَةِ ٱلقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، وَمِنْ مَواقِفِ ٱلخِزْيِ في ٱلدُّنْيا وَٱلآخِرَةِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَٱجْعَلْ جائِزَتَهُ في مَوْقِفي هٰذا غُفْرانَكَ، وَتُحْفَتَهُ في مَقامي هٰذا عِنْدَ إمامِي ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ ـ أَنْ تُقِيلَ عَثْرَتَهُ، وَتَقْبَلَ مَعْذِرَتَهُ، وَتَتَجاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِهِ، وَتَجْعَلَ ٱلتَّقْوىٰ زادَهُ، وَما عِنْدَكَ خَيْراً لَهُ في مَعادِهِ، وَتَحْشُرَهُ في زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ـ صَلَّى ٱللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ـ، وَتَغْفِرَ لَهُ وَلِوالِدَيْهِ، فَإِنَّكَ خَيْرُ مَرْغُوبٍ إِلَيْهِ، وَأَكْرَمُ مَسْؤُولٍ اعْتَمَدَ العِبادُ عَلَيْهِ.

اَللّٰهُمَّ وَلِكُلِّ مُوفِدٍ جائِزَةٌ، وَلِكُلِّ زائِرٍ كَرامَةٌ، فَاجْعَلْ جائِزَتَهُ في مَوْقِفِي هٰذا غُفْرانَكَ وَٱلجَنَّةَ لَهُ وَلِجَمِيعِ ٱلمُؤْمِنِينَ وَٱلمُؤْمِناتِ.

اَللّٰهُمَّ وَأنا عَبْدُكَ اَلخاطِئُ اَلْمُذْنِبُ، اَلْمُقِرُّ بِذُنُوبِهِ، فَأَسْأَلُكَ يا اَللهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أنْ لا تَحْرِمَنِي بَعْدَ ذٰلِكَ اَلأَجْرِ وَاَلثَّوابِ مِنْ فَضْلِ عَطائِكَ، وَكَرَمِ تَفَضُّلِكَ.

پس نزد ضريح دستها را به سوى آسمان بلند كن رو به قبله، و بگو:

يا مَوْلايَ يا إمامِي، عَبْدُكَ ـ فُلانُ بْنُ فُلان ـ أوْفَدَنِي زائِراً لِمَشْهَدِكَ، يَتَقَرَّبُ إلَى اَللهِ عَزَّ وَجَلَّ بِذٰلِكَ، وَإلىٰ رَسُولِهِ وَإلَيْكَ، يَرْجُو بِذٰلِكَ فَكاكَ رَقَبَتِهِ مِنَ اَلنّارِ، مِنَ اَلْعُقُوبَةِ، فَاغْفِرْ لَهُ وَلِجَمِيعِ اَلْمُؤْمِنِينَ وَاَلْمُؤْمِناتِ، يا اَللهُ، يا اَللهُ، يا اَللهُ، يا اَللهُ، يا اَللهُ، يا اَللهُ، يا اَللهُ، لا إلٰهَ إلّا اَللهُ اَلْحَلِيمُ اَلْكَرِيمُ، لا إلٰهَ إلّا اَللهُ اَلْعَلِيُّ اَلْعَظِيمُ، أسْأَلُكَ أنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَسْتَجِيبَ لِي فِيهِ، وَفِي جَمِيعِ إخْوانِي وَأخَواتِي، وَوَلَدِي وَأهْلِي، بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ يا أرْحَمَ اَلرّاحِمِينَ[۱].

---

۱ ـ تهذيب الاحكام: ۶/ ۱۱۶، مزار كبير: ۴۳۹، مصباح الزائر: ۵۵۲، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۵۶ ح۴، موسوعة زيارات المعصومين عليهم السلام: ۵/ ۱۳۱ ش۱۶۷۳.

فصل دوم

در فضیلت و کیفیت زیارت حضرت فاطمه دختر حضرت امام موسی علیه‌السلام است

و ضریح مقدّس آن حضرت در قم است و به سند حسن منقول است که سعد بن سعد از حضرت امام رضا ـ صلوات الله علیه ـ سؤال نمود از فاطمه دختر موسی بن جعفر علیهما‌السلام.

فرمود که: هرکه او را زیارت کند از برای او است بهشت[1].

و به سند معتبر دیگر از حضرت امام محمد تقی علیه‌السلام منقول است که: هرکه عمّهٔ مرا در قم زیارت کند، پس از برای او است بهشت[2].

و در بعضی از کتب زیارات به سند حسن روایت کرده است که حضرت امام رضا علیه‌السلام به سعد اشعری فرمود که: ای سعد، نزد شما قبری از ما هست.

سعد گفت که: فدای تو شوم، قبر فاطمه دختر موسی علیه‌السلام را می‌فرمایی؟

فرمود که: بلی، هرکه او را زیارت کند و حق او را شناسد، ازبرای او است بهشت.

چون به‌نزد قبر آن حضرت برسی نزد سرش رو به قبله بایست و سی و چهار مرتبه اَللهُ أكبَرُ و سی و سه مرتبه سُبْحانَ اَللهِ و سی و سه مرتبه اَلحَمْدُ للهِ بگو، پس بگو:

اَلسَّلامُ عَلىٰ آدَمَ صِفوَةِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ إبـراهِـيمَ خَلِيلِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُوسىٰ كَلِيمِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عِيسىٰ رُوحِ اللهِ.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۲۴ ب۱۰۶ ح۱، ثواب الاعمال: ۱۲۴ ح۱، عیون اخبار الرضا: ۲/ ۲۷۱ ح۱، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۶۵ ح۱ و۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۵/ ۲۲۶ ش۱۰۷۴.

۲ ـ کامل الزیارات: ۳۲۴ ب۱۰۶ ح۲، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۶۵ ح۳، موسوعة زیارات المعصومین علیهم‌السلام: ۵/ ۲۲۶ ش۱۷۰۶.

السَّلامُ عَلَيكَ يا رَسُولَ اللهِ، السَّلامُ عَلَيكَ يا خَيرَ خَلقِ اللهِ، السَّلامُ عَلَيكَ يا صَفِيَّ اللهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا محمّدَ بنَ عَبدِاللهِ خاتَمَ النَّبِيِّينَ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا أميرَالمؤمِنِينَ عَلِيَّ بنَ أبي طالِبٍ، وَصِيَّ رَسُولِ اللهِ.

السَّلامُ عَلَيكِ يا فاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِساءِ العالَمِينَ.

السَّلامُ عَلَيكُما يا سِبطَيِ الرَّحمَةِ، وَسَيِّدَي شَبابِ أهْلِ الجَنَّةِ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا عَلِيَّ بنَ الحُسَينِ سَيِّدَ العابِدِينَ، وَقُرَّةَ عَينِ النّاظِرِينَ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا محمّدَ بنَ عَلِيٍّ، باقِرَ العِلْمِ بَعدَ النَّبِيِّ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا جَعفَرَ بنَ محمّدٍ، الصّادِقَ البارَّ الأمِينَ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا مُوسَى بنَ جَعفَرٍ، الطّاهِرَ الطُّهْرَ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا عَلِيَّ بنَ مُوسَى، الرِّضا المُرتَضىٰ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا محمّد بنَ عَلِيٍّ التَّقِيَّ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا عَلِيَّ بنَ محمّد النَّقِيَّ، النّاصِحَ الأمِينَ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا حَسَنَ بنَ عَلِيٍّ.

السَّلامُ عَلَى الوَصِيِّ مِنْ بَعدِهِ.

السّلام[1] عَلىٰ نُورِكَ وَسَراجِكَ، وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ، وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ.

السَّلامُ عَلَيكِ يا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ، السَّلامُ عَلَيكِ يا بِنْتَ فاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ، السَّلامُ عَلَيكِ يا بِنْتَ أمِيرِ المُؤمِنِينَ، السَّلامُ عَلَيكِ يا بِنْتَ الحَسَنِ وَالحُسَينِ، السَّلامُ عَلَيكِ يا بِنْتَ وَلِيِّ اللهِ، السَّلامُ عَلَيكِ يا عَمَّةَ وَلِيِّ اللهِ، السَّلامُ عَلَيكِ يا بِنْتَ مُوسَى بنِ جَعفَرٍ،

---

۱ ـ «اللّهمّ صلّ» خ ل.

وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

السَّلامُ عَلَيكِ، عَرَّفَ اللهُ بَينَنا وَبَينَكُم في الجَنَّةِ، وَحَشَرَنا في زُمْرَتِكُم، وَأورَدَنا حَوضَ نَبِيِّكُم، وَسَقانا بِكَأْسِ جَدِّكُم مِنْ يَدِ عَلِيِّ بنِ أبي طالِبٍ، صَلَواتُ اللهِ عَلَيكُم [۱].

أَسأَلُ اللهَ أنْ يُرِيَنا فِيكُمُ السُّرُورَ وَالفَرَجَ، وَأَنْ يَجْمَعَنا وَإيّاكُمْ في زُمْرَةِ جَدِّكُمْ محمّد ـ صلّى الله عليه و آله ـ، وَأَنْ لا يَسْلُبَنا مَعْرِفَتَكُم، إنَّهُ وَلِيٌّ قَدِيرٌ.

أَتَقَرَّبُ إلَى اللهِ بِحُبِّكُم، وَالبَراءَةِ مِنْ أعدائِكُم، وَالتَّسْلِيمِ إلَى اللهِ، راضِياً بِهِ، غَيرَ مُنكِرٍ وَلا مُستَكبِرٍ، وَعَلىٰ يقين ما أتىٰ بِهِ محمّدٌ؛ نَطلُبُ بِذٰلِكَ وَجْهَكَ يا سَيِّدِيَ اللّٰهُمَّ وَرِضاكَ، وَالدّارَ الآخِرَةَ.

يا فاطِمَةُ اشْفَعي لي في الجَنَّةِ، فَإنَّ لَكِ عِنْدَ اللهِ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ.

اللّٰهُمَّ إنِّي أَسْأَلُكَ أنْ تَختِمَ لي بِالسَّعادَةِ، فَلا تَسلُبْ مِنِّي ما أنا فِيهِ، وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ إلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ.

اللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ لَنا، وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ، وَبِرَحمَتِكَ وَعافِيَتِكَ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ محمّد وَآلِهِ أجمَعِينَ وَسَلَّمَ تَسلِيماً، يا أرحَمَ الرّاحِمِينَ [۲].

مؤلّف گوید که: محتمل است که زیارت از تتمّه حدیث نباشد و از تألیف علما بوده باشد.

و بدان که در قم قبور بسیار هست که منسوب است به اولاد ائمه علیهم السلام، و بعضی از آنها انتسابش به آنها معلوم نیست، و بعضی حالشان معلوم نیست مثل موسی مبرقع فرزند امام محمّد تقی علیه السلام که از بعضی احادیث مذمّت او ظاهر می‌شود [۳]؛ امّا زیارت هریک از ایشان به اعتبار انتساب به ائمه علیهم السلام و احتمال خوبی، بد نیست.

۱ـ «علیه» خ ل.

۲ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۶۵ ح ۴، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵/ ۲۲۷ ش ۱۷۰۷.

۳ـ کافی: ۱/ ۵۰۲ ح ۸، ارشاد مفید: ۲/ ۳۰۷ـ۳۰۸، خرائج: ۲/ ۹۴۰، بحارالانوار: ۵۰/ ۳ ح ۶ و ص ۱۵۸ ح ۴۹.

و مزاری در قم هست که قبر بزرگی در آن ساخته‌اند، و بر روی قبر کتابتی هست که نوشته‌اند که قبر علیّ بن جعفر صادق علیهما السلام و محمد بن موسی علیه السلام است، و از تاریخ بنای آن قبر تا این زمان، نزدیک به چهارصد سال است؛ و در جلالت و بزرگواری علیّ بن جعفر شکّی نیست، اما اینکه این قبر مرقد آن حضرت باشد ثابت نیست؛ زیرا که در کتب رجال و غیر آن مذکور نیست که آن حضرت به این حدود تشریف آورده باشد، و مشهور آن‌است که در عُرَیض مدفون است.

و چون از آن قبر قدیم و لوح آن، چنین ظاهر می‌شود که درآنجا مدفون باشد، بهتر آن است که در آنجا زیارت آن حضرت بکنند.

و قبری در سمنان نیز هست که می‌گویند قبر علیّ بن جعفر است، و معلوم نیست؛ بلکه خلافش مظنون است.

و مرقد بسیاری از علما و محدّثان در قم هست، باید که آنها را زیارت کنند؛ مثل علیّ بن بابویه، و محمّد بن قولویه، و قطب راوندی، و زکریّا بن آدم، و زکریّا بن ادریس، و آدم بن اسحاق، و غیر ایشان ـ رضی الله عنهم اجمعین ـ.

فصل سوم

در بیان زیارت سایر اولاد ائمة عليهم السلام
و انبیا - صلوات الله علیهم -
و اصحاب مرضیّهٔ نبیّ و ائمه عليهم السلام است

بدان که از مزارات مشهوره معلومه، مرقد منوّر امام زاده واجب التعظیم، عبدالعظیم بن عبدالله بن علیّ بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب عليه السلام است.

و نسب آن حضرت به‌چهار پشت به‌حضرت امام حسن مجتبی عليه السلام منتهی می‌شود، و از اکابر محدّثین واعاظم علما و عُبّاد و زُهّاد بوده است، و از اصحاب امام محمد تقی وامام علی نقی عليهما السلام بوده است، و نهایت توسّل و انقطاع به خدمت ایشان داشته است، و احادیث بسیار از ایشان روایت کرده است.

و قبر شریف او در ری معلوم و مشهور است.

و شیخ نجاشی به سند معتبر از احمد بن محمّد بن خالد برقی روایت کرده است که: حضرت عبد العظیم از خلیفه گریخت، و به ری آمد و مخفی شد در سردابی در خانهٔ مردی از شیعیان در سکّة الموالی، و درآنجا عبادت خدا می‌کرد، و روزها روزه می‌داشت و شبها به نماز می‌ایستاد، و پنهان بیرون می‌آمد و زیارت می‌کرد قبری راکه در مقابل قبر او است و راه در میان است، و می‌گفت این قبر مردی از فرزندان حضرت امام موسی عليه السلام است.

و پیوسته در آنجا می‌بود، و یک و دو از شیعه خبردار می‌شدند از احوال او تا آنکه اکثر مردم ری او را شناختند؛ پس شخصی از شیعه حضرت رسالت پناه صلى الله عليه وآله را در

خواب دید که آن حضرت فرمود که: مردی از فرزندان مرا از سکّة الموالی بر خواهند داشت و مدفون خواهند کرد نزد درخت سیب در باغ عبدالجبّار بن عبدالوهّاب ـو اشاره فرمود به همان مکان که در آنجا مدفون شد ـ.

پس آن‌شخص رفت که آن درخت و مکان آن را از صاحب باغ بخرد.

صاحب باغ گفت که: ازبرای چه می‌خری این درخت و جای درخت را؟

آن شخص خواب خود را نقل کرد.

صاحب باغ گفت که: من نیز چنین خواب دیده‌ام، و موضع این درخت را با جمیع باغ وقف کرده‌ام بر آن سیّد و سایر شیعیان که در آنجا مرده‌های خود را دفن کنند.

پس عبد العظیم بیمار شد و به رحمت ایزدی واصل شد، چون او را برهنه کردند که غسل بدهند در جیبش رقعه‌ای یافتند که در آنجا نسب شریف خود را نوشته بود که: منم ابوالقاسم عبد العظیم، پسر عبدالله، پسر علی، پسر حسن، پسر زید، پسر امام حسن، پسر علیّ بن ابی طالب ﷺ [1].

و ابن بابویه و ابن قولویه ـ رضی الله عنهما ـ به سند معتبر روایت کرده‌اند که مردی از اهل ری به خدمت حضرت امام علی نقی ـ صلوات الله علیه ـ رفت، حضرت از او پرسید که: کجا بودی؟

گفت: به زیارت امام حسین ﷺ رفته بودم.

فرمود که: اگر زیارت می‌کردی عبد العظیم را که نزد شما است قبر او، هرآینه مثل کسی بودی که زیارت حضرت امام حسین ﷺ کرده باشد [2].

مؤلّف گوید که: قبر شریف امام زاده حمزه فرزند حضرت امام موسی ﷺ، نزدیک قبر حضرت عبد العظیم هست ـ و ظاهراً همان امام زاده باشد که عبد العظیم زیارت او می‌کرده است ـ، آن مرقد منوّر را هم زیارت باید کرد.

و از جمله *امام‌زاده‌های مشهور*، امام زاده قاسم فرزند امام موسی ﷺ است که در

---

۱ ـ رجال نجاشی: ۲۴۷ ش ۶۵۳. بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۶۸ ح ۳.

۲ ـ کامل الزیارات: ۳۲۴ ب ۱۰۷ ح ۱، ثواب الاعمال: ۱۲۴ ح ۱، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۶۸ ح ۱ و ۲، موسوعة زیارات المعصومین ﷺ: ۵/ ۲۳۰ ش ۱۷۰۸.

حوالی نجف اشرف مدفون است، و قبرش معروف است، و سیّد ابن طاووس رحمه الله ترغیب به‌زیارت او نموده است.

و در هر بلدی از بلاد، قبور منسوبهٔ به اولاد و احفاد ائمه علیهم السلام بسیار است؛ امّا بعضی از ایشان مدفون بودنشان درآن مکان معلوم نیست، و بعضی حالشان معلوم نیست.

و زیارت هریک از ایشان که بدی ایشان معلوم نباشد خوب است، و تعظیم ایشان متضمّن تعظیم ائمّه علیهم السلام است.

و از برای ایشان زیارتی به خصوص منقول نیست؛ اگر به کیفیّت زیارت سایر مؤمنان ایشان را زیارت کنند خوب است.

و اگر ایشان را امتیاز دهند به مخاطبه به سلام مثل ائمه علیهم السلام به هر لفظی که بر زبان جاری شود و متضمّن تعظیم ایشان باشد خوب است.

و اگر آنچه علما تألیف کرده‌اند ـ و در کتب زیارات مذکور است ـ بخوانند خوب است.

و همچنین مستحبّ است، زیارت مراقدی که منسوب است به انبیا علیهم السلام.

و همچنین هریک از اصحاب نبی و ائمه علیهم السلام که خوبی ایشان معلوم باشد، مثل سلمان، و ابوذر، و مقداد، و عمّار، و حُذیفه، و جابر انصاری ـ رضی الله عنهم ـ، و میثم تمّار، و رُشَیْد هجری، و قنبر، و حُجْر بن عدی، و سایر افاضل محدّثین اصحاب ائمه علیهم السلام هریک که قبر شان معلوم باشد.

و همچنین اکابر علمای شیعه مثل شیخ مفید، و سیّد مرتضی، و سیّد رضیّ، و شیخ طوسی، و علّامهٔ حلّی، و هر که از افاضل علمای شیعه که قبرش معلوم باشد، زیارت ایشان مرغوب است.

[زیارت نُوّاب حضرت صاحب الأمر علیه السلام]

و سیّد ابن طاووس ـ رضی الله عنه ـ ذکر کرده است زیارت نُوّاب حضرت صاحب الامر علیه السلام را، و نسبت داده است این زیارت را به شیخ ابی‌القاسم حسین بن روح ـ که یکی از سفرای آن حضرت است ـ، گفته است:

سلام می‌کنی بررسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین، و خدیجهٔ کبری، و فاطمهٔ زهرا،

و حسن، و حسین، و سایر ائمه طاهرین تا حضرت صاحب الزّمان ـ صلوات الله علیهم اجمعین ـ پس می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا ـ فُلانَ بْنَ فُلان ـ، أَشْهَدُ أَنَّكَ بابُ اَلوَلِيِّ، أَدَّيْتَ عَـنْهُ وَأَدَّيْتَ إِلَيْهِ، ما خالَفْتَهُ وَلا خالَفْتَ عَلَيْهِ، قُمْتَ خاصّاً وَاَنْصَرَفْتَ سابِقاً، جِئْتُكَ عارِفاً بِالحَقِّ اَلَّذي أَنْتَ عَلَيْهِ، وَأَنَّكَ ما خُنْتَ في اَلتَّأْدِيَةِ وَالسَّفارَةِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ مِنْ بابٍ ما أَوْسَعَكَ، وَمِنْ سَفِيرٍ ما آمَنَكَ.

أَشْهَدُ أَنَّ اَللهَ اَخْتَصَّكَ بِنُورِهِ، حَتّىٰ عايَنْتَ اَلشَّخْصَ فَأَدَّيْتَ عَنْهُ، وَأَدَّيْتَ إِلَيْهِ.

پس می‌گردی، و باز سلام می‌کنی بر حضرت رسول و ائمه علیهم السلام تا صاحب‌الامر ـ صلوات الله علیهم ـ و می‌گویی:

جِئْتُكَ مُخْلِصاً بِتَوْحِيدِ اَللهِ، وَمُوالاةِ أَوْلِيائِهِ، وَاَلبَراءَةِ مِنْ أَعْدائِهِمْ، وَمِنَ اَلَّذِينَ خالَفُوكَ يا حُجَّةَ اَلمَوْلىٰ، وَبِكَ إِلَيْهِمْ تَوَجُّهِي إِلَى اَللهِ وَتَوَسُّلِي.

پس دعا می‌کنی، و هر حاجت که خواهی از خدا می‌طلبی[1].

---

۱ ـ تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۱۸، مصباح الزائر: ۵۱۴، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۹۲، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵/ ۲۳۴ ش۱۷۱۱.

فصل چهارم

در کیفیت و فضیلت زیارت سایر مؤمنین است

به سندهای معتبر از حضرت موسی بن جعفر عليهما السلام منقول است که: هرکه قادر نباشد بر زیارت ما، پس زیارت کند صالحان شیعیان ما را، تا نوشته شود از برای او ثواب زیارت ما.

و هرکه قادر نباشد بر صله و نیکی به ما، پس صله و نیکی کند به صالح شیعیان ما؛ تا از برای او نوشته شود ثواب صله و نیکی به ما[1].

و به سند صحیح منقول است از محمّد بن اسماعیل که حضرت امام رضا عليه السلام فرمود که: هرکه بیاید به نزد قبر برادر مؤمن خود، و رو به قبله کند و دست بر قبر بگذارد و هفت مرتبه سوره «إنّا أنزلناه» بخواند، ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت[2].

و در روایت دیگر، رو به قبله کردن مذکور نیست[3].

و به سند معتبر منقول است که عبدالرحمن بن ابی‌عبدالله به حضرت صادق عليه السلام عرض کرد که: چگونه دست خود را بگذارم بر قبرهای مؤمنان؟

حضرت دستها را بر زمین گذاشتند ـ و خود مقابل قبله بودند[4] ـ.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۱۹ ب۱۰۵ ح۱، کافی: ۴/ ۵۹ ح۷، تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۰۴ ح۱۸۱، موسوعة زیارات المعصومين عليهم السلام: ۵/ ۲۴۰ ش۱۷۱۶ و ۱۷۱۷.

۲ ـ کامل الزیارات: ۳۱۹ ب۱۰۵ ح۳، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۹۵ ح۴.

۳ ـ کافی: ۳/ ۲۲۹ ح۹، تهذیب الاحکام: ۶/ ۱۰۴ ح۱۸۲، بحارالانوار: ۱۰۳/ ۲۹۵ ح۳، موسوعة زیارات المعصومين عليهم السلام: ۵/ ۲۴۱ ش۱۷۱۹.

۴ ـ کامل الزیارات: ۳۲۰ ب۱۰۵ ح۵، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۹۵ ح۵.

و به سند **معتبر** از صفوان جمّال منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که: رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون می‌رفت با جمعی از اکابر اصحاب خود در هر پسین پنجشنبه به سوی قبرستان بقیع، و سه مرتبه می‌گفت: **اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ ٱلدِّيارِ**. پس سه مرتبه می‌گفت: **رَحِمَكُمُ ٱللهُ**.

پس رو می‌کرد به سوی اصحاب خود و می‌فرمود که: این مردگان بهتراند از شما.

می‌گفتند: یا رسول الله چرا بهتر اند، ایشان ایمان آورده‌اند و ما ایمان آورده‌ایم، و ایشان جهاد کرده‌اند و ما جهاد کرده‌ایم؟!

می‌فرمود که: ایشان ایمان آوردند و ایمان خود را به‌ظلم مخلوط نکردند تا از دنیا رفتند، و من گواهم بر ایشان؛ و شما بعد از من می‌مانید، و نمی‌دانم که بعد از من چه خواهید کرد[1].

و در **حدیث صحیح** منقول است از حضرت صادق علیه السلام که گفت: حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ روزی داخل قبرستان شد و با آن حضرت جمعی از اصحاب او بودند، پس ندا کرد که:

يا أَهْلَ ٱلتُّرْبَةِ، وَيا أَهْلَ ٱلغُرْبَةِ، وَيا أَهْلَ ٱلخُمُودِ، وَيا أَهْلَ ٱلهُمُودِ، أَمّا أَخبارُ ما عِنْدَنا: فَأَمْوالُكُمْ قَدْ قُسِمَتْ، وَنِساؤُكُمْ قَدْ نُكِحَتْ، وَدُورُكُمْ قَدْ سُكِنَتْ؛ فَما خَبَرُ ما عِنْدَكُمْ؟

ـ یعنی ای گروهی که در خاک پنهان شده‌اید! و ای گروهی که به غریبی افتاده‌اید! و ای گروهی که خاموش و ساکن شده‌اید و حرکتی از شما ظاهر نمی‌شود! و ای گروهی که پوسیده و متغیّر شده‌اید! امّا خبری که از شما نزد ما است، این است که مالهای شما را وارثان قسمت کردند، و زنان شما را دیگران خواستگاری کردند، و خانه‌های شما را دیگران ساکن شدند. پس نزد شما چه خبر هست؟ ـ

پس ملتفت به اصحاب خود می‌شد و می‌فرمود که: والله که اگر ایشان رخصت سخن گفتن بیابند، هرآینه خواهند گفت که: توشه‌ای برای سفر آخرت، بهتر از

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۲۰ ب ۱۰۵ ح ۶، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۹۶ ح ۹، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵/ ۲۴۶ ش ۱۷۳۰.

پرهیزکاری از گناهان نیست[۱].

و در **حدیث صحیح** منقول است که عبدالله بن سنان به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که: چگونه سلام کنیم بر اهل قبرها؟ فرمود که: می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَهْلِ اَلدِّيارِ مِنَ اَلْمُؤْمِنِينَ وَاَلْمُسْلِمِينَ، أَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ وَنَحْنُ إِنْ شاءَ اَللهُ بِكُمْ لاحِقُونَ[۲].

و در **حدیث معتبر** دیگر منقول است که: همین سؤال از آن حضرت کردند. فرمود که: می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَهْلِ اَلدِّيارِ مِنَ اَلْمُؤْمِنِينَ وَاَلْمُسْلِمِينَ، رَحِمَ اَللهُ اَلْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَاَلْمُسْتَأْخِرِينَ، وَإِنّا إِنْ شاءَ اَللهُ بِكُمْ لاحِقُونَ[۳].

و در **روایت معتبر** دیگر وارد شده است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام گذشت در بقیع به‌قبر یکی از شیعیان، پس ایستاد نزد آن قبر و گفت:

اَللّٰهُمَّ اَرْحَمْ غُرْبَتَهُ، وَصِلْ وَحْدَتَهُ، وَآنِسْ وَحْشَتَهُ، وَآمِنْ رَوْعَتَهُ، وَأَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ ما يَسْتَغْنِي بِهِ عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ، وَأَلْحِقْهُ بِمَنْ كانَ يَتَوَلّاهُ[۴].

و به **سند صحیح** از امام محمّد باقر علیه السلام منقول است که: چون حضرت رسول ـ صلوات الله علیه ـ بر قبرستان می‌گذشت می‌فرمود:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ مِنْ دِيارِ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ، وَإِنّا إِنْ شاءَ اَللهُ بِكُمْ لاحِقُونَ[۵].

و به **سند معتبر** منقول است از مُفضّل که: هرکه هفت مرتبه سورهٔ «إنّا أنزلناه» نزد

---

۱ ـ كامل الزيارات: ۳۲۰ ب۱۰۵ ح۷، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۹۶ ح۱۰.

۲ ـ كامل الزيارات: ۳۲۱ ب۱۰۵ ح۹، كافى: ۳/ ۲۲۹ ح۵، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۹۷ ح۱۲، موسوعة زيارات المعصومين علیهم السلام: ۵/ ۲۴۷ ش۱۷۳۲.

۳ ـ كامل الزيارات: ۳۲۱ ب۱۰۵ ح۱۱، كافى: ۳/ ۲۲۹ ح۸، من لا يحضره الفقيه: ۱/ ۱۷۸ ح۵۳۳، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۹۷ ح۱۵، موسوعة زيارات المعصومين علیهم السلام: ۵/ ۲۴۶ ش۱۷۳۰.

۴ ـ كامل الزيارات: ۳۲۱ ب۱۰۵ ح۱۰، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۹۷ ح۱۴، موسوعة زيارات المعصومين علیهم السلام: ۵/ ۲۴۶ ش۱۷۲۹.

۵ ـ كامل الزيارات: ۳۲۲ ب۱۰۵ ح۱۳، بحارالانوار: ۱۰۲/۲۹۸ ح۱۹، موسوعة زيارات المعصومين علیهم السلام: ۵/۲۴۲ ش۱۷۲۲.

قبر مؤمنی بخواند، حق‌تعالی ملکی به سوی قبر او بفرستد که درآنجا عبادت خدا بکند و ثوابش از برای او نوشته شود؛ پس چون از قبرش در قیامت مبعوث شود، به هیچ هَولی از اهوال قیامت نگذرد مگر به آن ملک خدا از او بگرداند آن هول را، تا خدا او را داخل بهشت گرداند.

و با هفت مرتبه «إنّا أنزلناه» سورهٔ «حمد» و «قل أعوذ برب الفلق» و «قل أعوذ برب النّاس» و آیة الکرسی، هریک را سه مرتبه بخواند[1].

و در **حدیث حسن** منقول است که: حضرت امام محمّد باقر علیه السلام نزد قبر مردی ایستاد و فرمود:

اَللّٰهُمَّ صِلْ وَحْدَتَهُ، وَآنِسْ وَحْشَتَهُ، وَأَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَرَأْفَتِكَ ما يَسْتَغْنِي [بِهِ][2] عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ[3].

و در **حدیث موثّق** منقول است که، از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که: چگونه سلام کنیم بر اهل قبرها؟

فرمود که: می‌گویی:

اَلسَّلامُ عَلىٰ أَهْلِ ٱلدِّيارِ، مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِناتِ، وَٱلْمُسْلِمِينَ وَٱلْمُسْلِماتِ، أَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ، وَإِنّا بِكُمْ إِنْ شاءَ ٱللهُ لاحِقُونَ[4].

و به **سند معتبرِ** دیگر منقول است از اصبغ بن نباته که: حضرت امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ بر قبرستانی گذشت، و در میان جاده راه رفت پس به جانب راست متوجّه شد و فرمود که:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ ٱلقُبُورِ مِنْ أَهْلِ ٱلْقُصُورِ، أَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ، وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، وَإِنّا إِنْ شاءَ ٱللهُ بِكُمْ لاحِقُونَ.

---

۱ ـ کامل الزیارات: ۳۲۲ ب۱۰۵ ح۱۲، بحارالانوار: ۲۹۸/۱۰۲ ح۱۷.

۲ ـ از کامل الزیارات.

۳ ـ کامل الزیارات: ۳۲۲ ب۱۰۵ ح۱۴، بحارالانوار: ۲۹۸/۱۰۲ ح۲۰.

۴ ـ کامل الزیارات: ۳۲۲ ب۱۰۵ ح۱۵، بحارالانوار: ۲۹۸/۱۰۲ ح۲۱.

پس به‌جانب چپ متوجّه شد و همین را فرمود[۱].

و در **حدیث معتبر** از حضرت صادق ﷺ منقول است که: چون یکی از شما به‌سوی قبرستان رود، سلام کند بر ایشان و بگوید:

اَلسَّلامُ عَلیٰ أَهْلِ ٱلْقُبُورِ، اَلسَّلامُ عَلیٰ مَنْ كانَ فِيها مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ وَٱلْمُؤْمِنِينَ، أَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ، وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، وَإِنّا بِكُمْ لاحِقُونَ، وَإِنّا للهِ وَإِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ.

يا أَهْلَ ٱلْقُبُورِ بَعْدَ سُكْنَى ٱلْقُصُورِ، يا أَهْلَ ٱلْقُبُورِ بَعْدَ ٱلنِّعْمَةِ وَٱلسُّرُورِ، صِرْتُمْ إِلَى ٱلْقُبُورِ، يا أَهْلَ ٱلْقُبُورِ، كَيْفَ وَجَدْتُمْ طَعْمَ ٱلْمَوْتِ؟

پس بگوید:

وَيْلٌ لِمَنْ صارَ إِلَى ٱلنّارِ.

پس آب دیده خود را فرو ریزد، و برگردد[۲].

و در **حدیث دیگر** مرویّ است که چون حضرت صادق ﷺ داخل قبرستان می‌شد، می‌گفت:

اَلسَّلامُ عَلیٰ أَهْلِ ٱلْجَنَّةِ[۳].

و به **سند معتبر** دیگر منقول است که محمّد بن مسلم از آن حضرت سؤال نمود که: مردگان را زیارت بکنیم؟ فرمود که بلی.

گفت: آیا آنها می‌دانند که ما به زیارت ایشان رفته‌ایم؟

فرمود که بلی، والله می‌دانند و شاد می‌شوند و انس می‌یابند به شما.

پرسید که: چه بگوییم وقتی که به زیارت ایشان برویم؟ فرمود که بگو:

اَللّٰهُمَّ جافِ ٱلْأَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ، وَصاعِدْ إِلَيْكَ أَرْواحَهُمْ، وَلَقِّهِمْ مِنْكَ رِضْواناً،

---

۱ ـ كامل الزيارات: ۳۲۳ ب۱۰۵ ح۱۶، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۹۹ ح۲۲.

۲ ـ كامل الزيارات: ۳۲۳ ب۱۰۵ ح۱۷، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۹۹ ح۲۳، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۵/ ۲۴۸ ش۱۷۳۳.

۳ ـ كامل الزيارات: ۳۲۳ ب۱۰۵ ح۱۸، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۲۹۹ ح۲۴، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۵/ ۲۴۸ ش۱۷۳۴.

وَأَسْكِنْ إِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ ما تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ، وَتُونِسُ وَحْشَتَهُمْ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ[۱].

و به سند **معتبر** از حضرت امام رضا ﷺ منقول است که: هرکه در قبرستان یازده مرتبه سورهٔ «قل هو الله أحد» بخواند و ثوابش را به ایشان هدیه کند، حق‌تعالی به عدد آن مردگان او را ثواب بدهد[۲].

و در **روایت دیگر** منقول است که: حضرت فاطمه ـ صلوات الله علیها ـ در هر بامداد روز شنبه به زیارت قبر شهیدان اُحد می‌رفت، و نزد قبر حمزه ـ رضي الله عنه ـ می‌ایستاد و ترحّم بر او می‌کرد، و استغفار از برای او می‌کرد[۳].

از **حضرت رسول** ﷺ منقول است که: هرکه «آیة الکرسی» بخواند و ثوابش را به اهل قبرستان هدیه کند، حق تعالی به عدد هر حرفی ملکی خلق کند که از برای او تسبیح بگوید تا روز قیامت[۴].

و در **حدیث دیگر** فرمود که: هرکه داخل قبرستان شود و سورهٔ «یس» بخواند، حق تعالی عذاب ایشان را سبک گرداند، و به عدد آن مرده‌ها حسنه او راکرامت فرماید[۵].

و در **روایت دیگر** از حضرت امام حسین ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: هرکه داخل قبرستان شود و بگوید:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ ٱلْأَرْواحِ ٱلفانِيَةِ، وَٱلْأَجْسادِ ٱلبالِيَةِ، وَٱلعِظامِ ٱلنَّخِرَةِ، ٱلَّتِي خَرَجَتْ مِنَ ٱلدُّنْيا وَهِيَ بِكَ مُؤْمِنَةٌ، أَدْخِلْ عَلَيْهِمْ رَوْحاً مِنْكَ، وَسَلاماً مِنِّي.

حق تعالی از برای او به عدد خلق ـ از زمان آدم تا قیام قیامت ـ حسنات بنویسد[۶].

و از **حضرت امیرالمؤمنین** ـ صلوات الله علیه ـ منقول است که: هرکه داخل

---

۱ ـ من لا يحضره الفقيه: ۱/ ۱۸۰ ح ۵۴۰، مصباح الزائر: ۵۱۳، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۰۰ ح ۲۶، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۵/ ۲۴۷ ش ۱۷۳۱.

۲ ـ مصباح الزائر: ۵۱۳، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۰۰ ذيل ح ۲۶، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۵/ ۲۴۱ ش ۱۷۲۰.

۳ ـ من لا يحضره الفقيه: ۱/ ۱۸۰ ح ۵۳۷، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۰۰ ح ۲۷.

۴ ـ بحارالأنوار: ۱۰۲/ ۳۰۰ ح ۳۰.

۵ ـ عدّة الداعي: ۱۴۶، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۰۱ ح ۳۳.

۶ ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۰۰ ح ۳۱، موسوعة زيارات المعصومين ﷺ: ۵/ ۲۴۵ ش ۱۷۲۸.

قبرستان شود و بگوید:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَهْلِ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، مِنْ أَهْلِ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ.

يا أَهْلَ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، بِحَقِّ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، مِنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ.

يا لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، بِحَقِّ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، اِغْفِرْ لِمَنْ قالَ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَاحْشُرْنا في زُمْرَةِ مَنْ قالَ: لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللهِ.

حق تعالی ثواب پنجاه ساله عبادت برای او بنویسد، و گناه پنجاه ساله را از او و از پدر و مادرش محو کند[1].

و **روایت دیگر** وارد شده است که: بهتر سخنی که در قبرستان بگویی چون از آن گذری، این است که بایستی و بگویی:

اَللّٰهُمَّ وَلِّهِمْ ما تَوَلَّوْا، وَاحْشُرْهُمْ مَعَ مَنْ أَحَبُّوا[2].

بدان که زیارت مقابر مسلمانان، مثوبات جزیله و فواید عظیمه دارد، و باعث عبرت و آگاهی و زهد دنیا و رغبت به آخرت می‌شود. و در وقت اندوهِ بسیار و شادیِ بسیار، باید که به‌قبرستان رود. و باید که در قبرستان عبرت بگیرد از احوال ایشان، و تفکر کند در فنای دنیا و تقلّب احوال آن، و به خاطر بیاورد که او نیز عن‌قریب مثل ایشان خواهد گردید، و دستش از عمل کوتاه خواهد شد، و پشیمانی فایده‌ای نخواهد بخشید.

و باید که در قبرستان نخندد، و حرف لغو نگوید.

و مشهور این است که بر روی قبرها راه رفتن بی‌ضرورتی، مکروه است.

و در **حدیث معتبر** ازموسی بن جعفر علیهما السلام منقول است که: چون به قبرستان روی بر روی قبرها راه رو؛ که هرکه مؤمن است راحت می‌یابد، و هرکه منافق است متألّم می‌شود[3].

---

۱ ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۰۱ ذیل ح ۳۱، موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: ۵/ ۲۴۴ ش۱۷۲۵.

۲ ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۰۱ ح ۳۲.

۳ ـ من لایحضره الفقیه: ۱/ ۱۸۰ ح ۵۳۹، بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۰۰ ح ۲۸.

و اکثر علما این حدیث را حمل بر حال ضرورت کرده‌اند.

و باید که بر روی قبرها و نزدیک آنها بول و غایط نکنند.

و سایر آداب قبور و احادیثی که در این باب وارد است، در ابواب جنایز کتاب بحارالانوار مذکور است[1]؛ و در اینجا به همین اکتفا می‌نماییم.

۱ ـ بحارالانوار: ۸۲/ ۱۴ ـ ۵۸.

خاتمه

در بیان آداب ملاقات زائران ائمة علیهم السلام است

در بعضی از کتب، از معلّی بن خُنَیس روایت کرده‌اند کـه حـضرت صـادق علیه السلام فرمود که: هرگاه شخصی از برادران مؤمن شما برگردد از زیـارت مـا، یـا از زیـارت قبرهای ما، پس او را استقبال نمایید و بر او سـلام کـنید، و او را تـهنیت و مـبارک‌باد بگویید به آن کرامتی که یافته، و ثوابهایی که خدا به او عطا فرموده است؛ که اگر چنین کنید، شما را ثوابی مثل ثواب او خواهد بود، و فـرو مـی‌گیرد شـما را رحـمت الهـی چنانچه او را فرو گرفته است.

به درستی که هرکه زیارت کند ما را یا قبرهای ما را، البتّه رحمت الهی او را فرو گیرد، و گناهانش آمرزیده شود[1].

به اینجا ختم می‌نمایم کتاب را، و از برادران ایمانی که از این کتاب منتفع گردند التماس دعا و زیارت دارم، در حال حیات این مجرم و بعد از وفات.

و كانَ ذلكَ في شهرِ صَفَر مِنْ شُهورِ سَنَةِ خَمسٍ وَثَمانِينَ بَعدَ ألفٍ مِـنَ الهِـجرةِ، والحمدُ للهِ أوّلاً وآخِراً، وَصلّى اللهُ علىٰ محمّدٍ وآلِهِ الطّاهرينَ، ولَعنةُ اللهِ علىٰ أعدائهم أجمعينَ.

---

۱ ـ بحارالانوار: ۱۰۲/ ۳۰۲ ح ۱.

فهارس فنی:

- آیات قرآن
- اسامی، کنیه‌ها و القاب پیامبر و ائمهٔ معصومین علیهم السلام
- اسامی، کنیه‌ها و القاب انبیاء علیهم السلام
- اشخاص
- کنیهٔ اشخاص
- مکان‌ها
- منابع کتاب
- فهرست اجمالی مقدمهٔ کتاب
- موضوعات کتاب
- فهرست فهارس فنی

فهرست آیات قرآن کریم

آيه	شماره	صفحه
﴿رَبَّنا آمَنَّا بِما أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ﴾	۵۳	۱۶۱، ۳۴۰، ۵۸۷
﴿... وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّماواتِ وَالأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾	۸۳	۲۰
﴿... أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَهُدىً لِلْعالَمِينَ * فِيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً...﴾	۹۶ - ۹۷	۵۴۹
﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَما ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكانُوا...﴾	۱۴۶	۳۲۶، ۳۵۸، ۳۶۷
﴿... أَحْيآءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾	۱۶۹	۹۳
﴿... حَسْبُنا اللّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾	۱۷۳	۶۴۰
﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّماواتِ وَالأَرْضِ وَاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ لَآياتٍ لِأُولِي الأَلْبابِ ... رَبَّنا وَآتِنا ما وَعَدْتَنا عَلىٰ رُسُلِكَ وَلا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ﴾	۱۹۰-۱۹۴	۸ - ۹

نساء (۴)

آيه	شماره	صفحه
﴿... وَاسْأَلُوا اللّهَ مِنْ فَضْلِهِ...﴾	۳۲	۴۰۶
﴿... وَفَضَّلَ اللّهُ الْمُجاهِدِينَ عَلَى الْقاعِدِينَ أَجْراً عَظِيماً * دَرَجاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكانَ اللّهُ غَفُوراً رَحِيماً﴾	۹۵ - ۹۶	۱۶۰

مائده (۵)

آيه	شماره	صفحه
﴿يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ... وَمَنْ يَتَوَلَّ اللّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللّهِ هُمُ الْغالِبُونَ﴾	۵۴ - ۵۶	۱۶۱، ۴۱۰
﴿يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَاللّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النّاسِ...﴾	۶۷	۱۶۰
﴿... عَلىٰ لِسانِ داوُدَ وَعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ ذٰلِكَ بِما عَصَوْا وَكانُوا يَعْتَدُونَ﴾	۷۸	۳۵۹

آیه	شماره	صفحه
﴿... إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَضاقَتْ عَلَيْكُمُ ٱلْأَرْضُ بِما رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ * ثُمَّ أَنْزَلَ ٱللهُ سَكِينَتَهُ عَلىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ...﴾	۲۵-۲۶	۱۶۳
﴿ثُمَّ يَتُوبُ ٱللهُ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ عَلىٰ مَنْ يَشاءُ...﴾	۲۷	۱۶۳
﴿... لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى ٱلتَّقْوىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ...﴾	۱۰۸	۸۴
﴿إِنَّ ٱللهَ ٱشْتَرىٰ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ ٱلْجَنَّةَ يُقاتِلُونَ في سَبِيلِ ٱللهِ... وَٱلْحافِظُونَ لِحُدُودِ ٱللهِ وَبَشِّرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ﴾	۱۱۱-۱۱۲	۱۵۶ - ۱۵۷
﴿يا أَيُّها ٱلَّذِينَ آمَنُوا ٱتَّقُوا ٱللهَ وَكُونُوا مَعَ ٱلصّادِقِينَ﴾	۱۱۹	۱۶۴
﴿لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ... وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ﴾	۱۲۸ - ۱۲۹	۶۳۹
یونس (۱۰)		
﴿... وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ...﴾	۲	۱۴۵
﴿... قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُما فَاسْتَقِيما...﴾	۸۹	۴۱۳، ۴۷۰
هود (۱۱)		
﴿وَقالَ ٱرْكَبُوا فِيها بِسْمِ ٱللهِ مَجْراها وَمُرْساها إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾	۴۱	۲۱
﴿... وَبِئْسَ ٱلْوِرْدُ ٱلْمَوْرُودُ﴾	۹۸	۳۱۶
﴿... بِئْسَ ٱلرِّفْدُ ٱلْمَرْفُودُ﴾	۹۹	۳۱۶
رعد (۱۳)		
﴿وَفِي ٱلْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجاوِراتٌ وَجَنّاتٌ مِنْ أَعْنابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوانٌ وَغَيْرُ صِنْوانٍ يُسْقىٰ بِماءٍ واحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَها عَلىٰ بَعْضٍ فِي ٱلْأُكُلِ...﴾	۴	۳۷۱

آیه	شماره	صفحه
صف (۶۱)		
﴿... صَفّاً كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾	۴	۵۵۷، ۵۷۱
جمعه (۶۲)		
﴿ذٰلِكَ فَضْلُ ٱللهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَٱللهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ﴾	۴	۵۲۹ ـ ۵۳۰
قلم (۶۸)		
﴿وإِنْ يَكَادُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا ٱلذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ * وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾	۵۱-۵۲	۸۸
معارج (۷۰)		
﴿إِنَّ ٱلْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً * إِذَا مَسَّهُ ٱلشَّرُّ جَزُوعاً * وَإِذَا مَسَّهُ ٱلْخَيْرُ مَنُوعاً * إِلَّا ٱلْمُصَلِّينَ﴾	۱۹-۲۲	۱۶۵

اسامی و کنیه‌ها و القاب حضرت رسول اکرم ﷺ و فاطمه زهرا (ع) و ائمه معصومین (ع)

حضرت رسول اکرم ﷺ

حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام

حضرت فاطمه زهراعليها السلام

حضرت امام حسن بن علیؑ

حضرت امام حسین بن علیؑ

حضرت امام علی بن الحسینؑ

حضرت امام محمد بن علیؑ

حضرت امام جعفر بن محمد ؑ

حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام

حضرت امام محمد بن علیؑ

حضرت امام علی النقیؑ

حضرت امام حسن بن علی علیہ السلام

حضرت امام حجة بن الحسن علیہ السلام

القاب مشترک معصومین علیهم‌السلام

اسامی وکنیه‌ها و القاب انبیاء علیهم‌السلام

اسامی ملائکه

اشخاص

«الف»

«ب»

«ج»

«ح»

«خ»

«د»

«ذ»

«ر»

«ز»

«س»

کنیهٔ اشخاص

مکانها، نهرها، اشیاء

﴿الف﴾

﴿ب﴾

﴿ت﴾

﴿ث﴾

﴿ج﴾

﴿چ﴾

﴿ح﴾

﴿خ﴾

﴿د﴾

﴿ذ﴾

﴿ر﴾

﴿ز﴾

﴿س﴾

﴿ش﴾

﴿ص﴾

﴿ض﴾

﴿ک﴾

﴿م﴾

فهرست منابع

«الف»

۱ـ اجازات الحدیث، سید احمد حسینی اشکوری / انتشارات کتابخانه آیة‌الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰هـ.ق.

۲ـ احتجاج طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی / نشر المرتضی، مشهد مقدس، ۱۴۰۳ هـ.

۳ـ ارشاد، شیخ مفید / کنگره جهانی هزارهٔ شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ هـ.ق، چاپ اول.

۴ـ ارشاد القلوب، حسن بن محمد دیلمی / منشورات الرضی، قم.

۵ـ استبصار، شیخ طوسی / دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰هـ.ق، چاپ سوم.

۶ـ اعیان الشیعة، سید محسن أمین / دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۳هـ.ق ـ ۱۹۸۳م.

۷ـ اقبال الاعمال، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس / دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۱۴هـ.ق، چاپ اول.

۸ـ الأمان، سید علی بن طاووس / مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹هـ.ق، چاپ اول.

۹ـ امالی صدوق، شیخ صدوق / مؤسسه اعلمی بیروت، ۱۴۰۰ هـ.ق، ۱۹۸۰م، چاپ پنجم.

۱۰ـ امالی طوسی، شیخ طوسی / مکتبة الداوری، قم.

۱۱ـ امل الآمل، محمد بن حسن (حرّ عاملی) / ناشر دارالکتاب الاسلامی، مطبعة نمونه قم، ۱۳۶۲/۱۱/۲۲.

۱۲ـ اندیشهٔ سیاسی علامه مجلسی، ابوالفضل سلطان محمدی، ناشر بوستان کتاب قم.

۱۳ـ انوار نعمانیه، سید نعمت‌الله جزائری، مؤسسه أعلمی، بیروت، ۱۴۰۴هـ.ق، چاپ چهارم.

«ب»

۱۴ـ بحارالانوار، علامه مجلسی / دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ش، چاپ سوم.

۱۵ـ بشارة المصطفی، محمد بن علی طبری / المکتبة الحیدریة، نجف اشرف، ۱۳۸۳ش، ۱۹۶۳م، چاپ دوم.

۱۶ـ بصائر الدرجات، صفّار قمی / مکتبة المرعشی، قم، ۱۴۰۴ه.ق.

۱۷ـ البلد الأمین، شیخ ابراهیم کفعمی.

«ت»

۱۸ـ تاج‌العروس، سید محمدمرتضی حسینی زبیدی / دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ه.ق، ۱۹۹۴م.

۱۹ـ تاج الموالید (ضمن مجموعه نفیسه)، شیخ طبرسی / مکتبه بصیرتی، قم.

۲۰ـ تاریخ الأئمّة (ضمن مجموعه نفسیه)، ابن أبي‌الثلج بغدادی / مکتبه بصیرتی، قم.

۲۱ـ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی / دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۷ه.ق، ۱۹۷۷ م، چاپ اوّل.

۲۲ـ تاریخ مدینه دمشق، ابن‌عساکر / دارالفکر للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۲۱ه.ق، ۲۰۰۰م.

۲۳ـ تذکرةالقبور، آیةالله شیخ عبدالکریم گزی، چاپخانه اسماعیلیان ـ قم، ۱۳۷۱ش، چاپ اول.

۲۴ـ تراجم الرجال، سید احمد حسینی / مطبعة الخیام، قم ۱۴۰۴ه.ق.

۲۵ـ تفسیر عیاشی، محمّد بن مسعود بن عیّاش السلمی / مکتبه علمیه اسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ش.

۲۶ـ تفسیر فرات، فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی / مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۰ ه.ق، ۱۹۹۱م، چاپ اوّل.

۲۷ـ تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی / دارالکتاب للطباعة والنشر، قم، ۱۳۸۷ش.

۲۸ـ تلامذه علامه مجلسی، سید احمد حسینی، مطبعه خیام ـ قم، ۱۴۱۰ه.ق، چاپ اول.

۲۹ـ توحید، شیخ صدوق/مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۹۸ه.ق، ۱۳۵۷ش.
۳۰ـ تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش، چاپ چهارم.

«ث»

۳۱ـ ثواب الأعمال، شیخ صدوق/مکتبه صدوق، تهران، ۱۳۹۱ه.ق.

«ج»

۳۲ـ جامع الرواة، محمد بن علی اردبیلی/مکتبة المصطفوی، قم.
۳۳ـ جامع عباسی، شیخ بهائی رحمه الله.
۳۴ـ جعفریات (ضمن قرب الاسناد)، محمد بن محمد الاشعث الکوفی/مکتبة نینوی الحدیثه، تهران.
۳۵ـ جمال الاسبوع، علی بن موسی بن طاووس/منشورات الرضی، قم، ۱۳۳۰ش.
۳۶ـ جمع پریشان، مختاری/انتشارات دلیل ما.

«ح»

۳۷ـ حدائق المقربین، میر محمد صالح خاتون آبادی.
۳۸ـ الحکمة المتعالیة في الاسفار العقلیة الأربعة/صدر الدین محمد شیرازي، مطبعة الحیدری، طهران، ۱۳۸۳ش، (مکتبة المصطفوی ـ قم).

«خ»

۳۹ـ خاتمة المستدرك، محدث نوری، مطبعۀ ستارة ـ قم، ۱۴۱۵ه.ق، چاپ اول.
۴۰ـ خرائج وجرائح، قطب الدین راوندی/مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، قم، ۱۴۰۹ هق.
۴۱ـ الخصال، شیخ صدوق/مؤسسه نشر إسلامی، قم، ۱۴۰۳ ه.ق، ۱۳۶۲ش.

«د»

۴۲ـ دروس، شهید اول/مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۴ ه.ق، چاپ اول.
۴۳ـ الدروع الواقیه، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس/مؤسسه نشر اسلامی، قم ۱۴۱۴ ه.ق، چاپ اوّل.
۴۴ـ دعوات راوندی، قطب الدین راوندی/مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، قم ۱۴۰۷ه.ق، چاپ اوّل.

۴۵ـ دلائل الإمامة، محمد بن جریر بن رستم طبری / منشورات الرضی، قم، ۱۳۶۳ش.

«ذ»

۴۶ـ الذریعة، حاج آقابزرگ تهرانی / مؤسسهٔ اسماعیلیان، قم.

۴۷ـ ذکری الشیعة، شهید اوّل / مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۹ه.ق، چاپ اوّل.

«ر»

۴۸ـ رجال کشی، شیخ طوسی / مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۴ه.ق.

۴۹ـ رساله آداب سلوک حاکم با رعیت، مرحوم مجلسی.

۵۰ـ رجال نجاشی، نجاشی / مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۳ه.ق، چاپ چهارم.

۵۱ـ رساله اربعة ایام ضمیمه مزار آقا حسین خوانساری

۵۲ـ روضات الجنات، میرزا محمدباقر الموسوی خوانساری / الدار الاسلامیة ـ بیروت، ۱۴۱۱ه.ق، چاپ اول.

۵۳ـ روضة الواعظین، فتّال نیشابوری / منشورات الرضی، قم ۱۳۶۸ش، چاپ سوم.

۵۴ـ ریاض السیاحه، حاج زین‌العابدین.

ریاض العلماء، میرزا عبدالله افندی.

۵۵ـ ریحانة الأدب، محمدعلی مدرس‌تبریزی / چاپخانه حیدری، ۱۳۷۴ش، چاپ چهارم.

«ز»

۵۶ـ زندگی نامه علامه مجلسی، سید مصلح‌الدین مهدوی / سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸ش، چاپ اول.

«س»

۵۷ـ سرائر، ابن ادریس حلّی / مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۴ه.ق، چاپ سوم.

۵۸ـ سفینة‌البحار، حاج شیخ عباس قمی / انتشارات کتابخانه محمودی.

«ش»

۵۹ـ شرح نهج‌البلاغه، ابن أبی‌الحدید / دار إحیاء الکتب العلمیّة، بیروت، ۱۳۸۶ ه.ق، ۱۹۶۷م، چاپ دوم.

«ص»

۶۰ـ صحیفة الإمام الرضا؏، تحقیق مؤسسه الإمام المهدی؏، قم، ۱۴۰۸ ه.ق، ۱۳۶۶ش.

۶۱ـ صحیفه نور، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲ش، بهمن ماه.

«ع»

۶۲ـ عتیق غروی (بنا بر نقل بحارالانوار).

۶۳ـ عدّة الداعی، احمد بن فهد حلّی / دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۰۷ه.ق، ۱۹۸۷م، چاپ اوّل.

۶۴ـ عقل سرخ، محمدرضا حکیمی / انتشارات دلیل ما، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.

۶۵ـ علل الشرائع، شیخ صدوق / مطبعة الحیدریة، نجف اشرف، ۱۳۸۵ش، ۱۹۶۶م.

۶۶ـ عیون أخبار الرضا؏، شیخ صدوق / مطبعة الحیدریة، نجف أشرف.

«غ»

۶۷ـ الغیبة، سید علی بن عبد الحمید (بنا بر نقل بحارالانوار).

«ف»

۶۸ـ فرحة الغری، سید عبدالکریم بن طاووس / منشورات الرضی، قم.

۶۹ـ فضل زیارة الحسین؏، محمد بن علی بن حسن علوی الشجری / مکتبة المرعشی، قم، ۱۴۰۳ه.ق.

۷۰ـ فلاح السائل، علی بن موسی بن طاووس / دفتر تبلیغات اسلامی، قم.

۷۱ـ فوائد رضویه، حاج شیخ عباس قمی.

۷۲ـ فهرست کتابخانه گلپایگانی.

۷۳ـ الفیض القدسی ضمن بحارالانوار، جلد ۱۰۵، چاپ مکتبة اسلامیه = ۱۰۲ چاپ مؤسسه وفاء، بیروت.

«ق»

۷۴ـ قرب الاسناد، عبدالله حمیری / مؤسسه آل البیت؏، قم، ۱۴۱۳ه.ق، چاپ اول.

۷۵ـ قصص الأنبیاء، قطب الدین راوندی / مؤسّسة المفید للطباعة والنشر، بیروت،

۱۴۰۹هـ.ق، ۱۹۸۹م، چاپ اول.
۷۶ـ قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی / نشر علمیه اسلامی.

«ک»

۷۷ـ کافی، ثقة الاسلام کلینی / دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۷۸ـ کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه / مطبعة المرتضویه، نجف اشرف ۱۳۵۶ش.
۷۹ـ کتاب سلیم بن قیس، سلیم بن قیس هلالی / نشر الهادی، قم، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۳۷۳ش چاپ اول.
۸۰ـ کشف الحجب والأستار، سید اعجاز حسینی نیشابوری / مطبعة بهمن، ۱۴۰۹هـ.ق، چاپ دوم.
۸۱ـ کشف الظنون، مصطفی بن عبدالله / دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۲.
۸۲ـ کشف الغمه، علی بن عیسی اربلی / دارالکتاب الاسلامی، بیروت، ۱۳۸۰ش.
۸۳ـ کمال الدین، شیخ صدوق / مؤسسه نشر اسلامی، قم ۱۴۱۶هـ.ق، چاپ سوم.
۸۴ـ کنز العمّال، متقی بن حسام الدین هندی / مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۹هـ.ق، ۱۹۸۹م.
۸۵ـ کنگره آقا حسین خوانساری به کوشش آیة الله استادی.
۸۶ـ الکنی والالقاب، حاج شیخ عباس قمی / مکتبة الصدر، تهران، ۱۳۶۸ش، چاپ پنجم.
۸۷ـ الکواکب المنتشرة (طبقات اعلام الشیعة، القرن الثانی عشر)، حاج آقابزرگ تهرانی / انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش، چاپ اول.

«گ»

۸۸ـ گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزهٔ علمیهٔ قم / نشر معرفت.

«ل»

۸۹ـ لسان العرب، ابن منظور مصری / نشر أدب الحوزة، قم، ۱۴۰۵هـ.ق، ۱۳۶۳ش.
۹۰ـ لطایف الامثال وظرائف الاقوال، رشید الدین وطواط / ناشر أهل‌قلم، چاپ‌اول، ۱۳۷۶.

۹۱ـلطیفه‌های سیاسی محمود حکیمی
۹۲ـلغت نامه دهخدا، علی‌اکبر دهخدا/ نشر مؤسسهٔ انتشارات چاپ دانشگاه تهران.
۹۳ـلؤلؤة البحرین، شیخ یوسف بحرانی/ مؤسسهٔ آل‌البیت علیهم السلام، چاپ دوم.

«م»

۹۴ـ المحاسن، احمدبن‌محمد بن‌خالدبرقی/ دارالکتب‌الاسلامیه تهران، ۱۳۷۰ه.ق، ۱۳۳۰ش.
۹۵ـ مجمع البحرین، طریحی/ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۹۶ـ المدخل من البحار، موسسة الوفاء، بیروت، ج (۰).
۹۷ـ مرآة الاحوال جهان‌نما، آقا احمد بن محمدعلی کرمانشاهی/ تحقیق موسسه علامه وحید بن بهبهانی، انتشارات انصاریان.
۹۸ـ مرآة العقول، مولا محمدباقر مجلسی/ دارالکتب اسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ه.ق.
۹۹ـ مزار شهید، شهید اول/ مؤسسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۱۰ه.ق، چاپ اول.
۱۰۰ـ مزار کبیر، محمد بن جعفر المشهدی/ مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۹ه.ق، چاپ اول.
۱۰۱ـ مزار مفید، شیخ مفید/ کنفرانس جهانی هزارهٔ شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ه.ق، چاپ اول.
۱۰۲ـ مسالك الأفهام، شهید ثانی/ مؤسسه معارف اسلامیه، قم ۱۴۱۷ه.ق، چاپ اوّل.
۱۰۳ـ مصباح الزائر، سید علی بن طاووس/ مؤسسه آل البیت علیهم السلام قم، ۱۴۱۷ه.ق، چاپ اول.
۱۰۴ـ مصباح کفعمی، شیخ کفعمی/ مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۳۹۵ه.ق، ۱۹۷۵م، چاپ دوم.
۱۰۵ـ مصباح المتهجّد، شیخ طوسی/ مؤسسة فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱ه.ق، چاپ اول.

۱۰۶ـ معانی الأخبار، شیخ صدوق / مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۶ه.ق، چاپ سوم.
۱۰۷ـ مقنعه، شیخ مفید / مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۷ه.ق، چاپ چهارم.
۱۰۸ـ مکارم الاخلاق، شیخ طبرسی / دار البلاغه، بیروت، ۱۴۱۱هق، ۱۹۹۱م، چاپ دوم.
۱۰۹ـ مکارم الاخلاق، علامه جزایری
۱۱۰ـ من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق / مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۴ه.ق، چاپ سوم.
۱۱۱ـ مناقب ابن شهر آشوب / المطبعة العلمیة، قم.
۱۱۲ـ مناقب ابن مغازلی = مناقب علی بن أبی طالب علیه السلام، علی بن محمّد بن محمّد الواسطی / مکتبة الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۳ ه، چاپ دوم.
۱۱۳ـ منتخب الانوار المضیئه، الأصل للعلامة النسّابة النیلی، تحقیق مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم ۱۴۲۰ ه، ۱۳۷۸ ش، چاپ اوّل.
۱۱۴ـ منتخب التواریخ، معین‌الدین مظفری، انتشارات أساطیر، ۱۳۸۳ه، چاپ اول.
۱۱۵ـ موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام، تألیف مؤسسه امام‌هادی علیه السلام، قم، ۱۴۲۶ه، ۱۳۸۴ش.

«ن»

۱۱۶ـ نهایه ابن اثیر، ابن اثیر جزری / مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷ ش، چاپ چهارم.
۱۱۷ـ نهایة الإحکام، علامه حلّی / مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۰ ه، چاپ دوم.
۱۱۸ـ نهج البلاغه، تحقیق صبحی الصالح / مؤسسه دار الهجرة، قم.

«و»

۱۱۹ـ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی / مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۱ ه، چاپ اول.
۱۲۰ـ وقایع السنین و الاعوام، میر عبدالحسین خاتون آبادی، ناشر کتابفروشی اسلامیه.
۱۲۱ـ وقعة صفّین، نصر بن مزاحم المنقری / مؤسسه العربیة الحدیثة، قاهره، ۱۳۸۲ ه، چاپ دوم.

«ی»

۱۲۲ـ یادنامهٔ مجلسی، مهدی مهریزی و هادی ربانی، نشر وزارت فرهنگ و ارشـاد، ۱۳۷۹.

۱۲۳ـ یازده رسالهٔ فارسی، حسن حسن‌زاده/ ۱۴۱۲ه.ق.

۱۲۴ـ الیقین، سید رضی الدین علی بن طاووس/ مؤسسه دار الکـتاب قـم، ۱۴۱۳ ه، چاپ اول.

۱۲۵ـ ینابیع المودّة، سلیمان بن ابراهیم قندوزی/ دار الکتب العراقیه، قـم ۱۳۸۵ه.ق، ۱۹۶۶م، چاپ هشتم.

فهرست اجمالی مقدمهٔ کتاب

فهرست موضوعات

باب سوم

فضیلت زیارت امیر المومنین‌علیه السلام و کیفیت زیارت آن حضرت

باب چهارم

فضیلت نجف و کوفه ومساجد آن و آب فرات

باب پنجم

فضیلت زیارت سید الشهداء عليه السلام

باب ششم

فضیلت حایر و کربلا و تربت امام حسین

باب هفتم

زیارات مطلقه و آداب آن و ادعیهٔ روضه مقدسه

باب هشتم

فضیلت و کیفیت زیارات مخصوصه و زیارت از مکان‌های دور

باب نهم

فضیلت و کیفیت زیارت امام کاظم و امام رضا و امام جوادعليهم السلام

باب دهم

فضیلت و کیفیت زیارت امام هادی و امام حسن عسکری و صاحب الزمانعليهم السلام و بعضِ ادعیه و توسل

باب یازدهم

بیان زیارات جامعه و استغاثه و کیفیت صلوات بر ائمه علیهم السلام

باب دوازدهم

زیارت به نیابت و زیارت اولاد ائمه علیهم السلام و بقاع شریفه

فهرست فهارس فنی